کارنامه و خاطرات

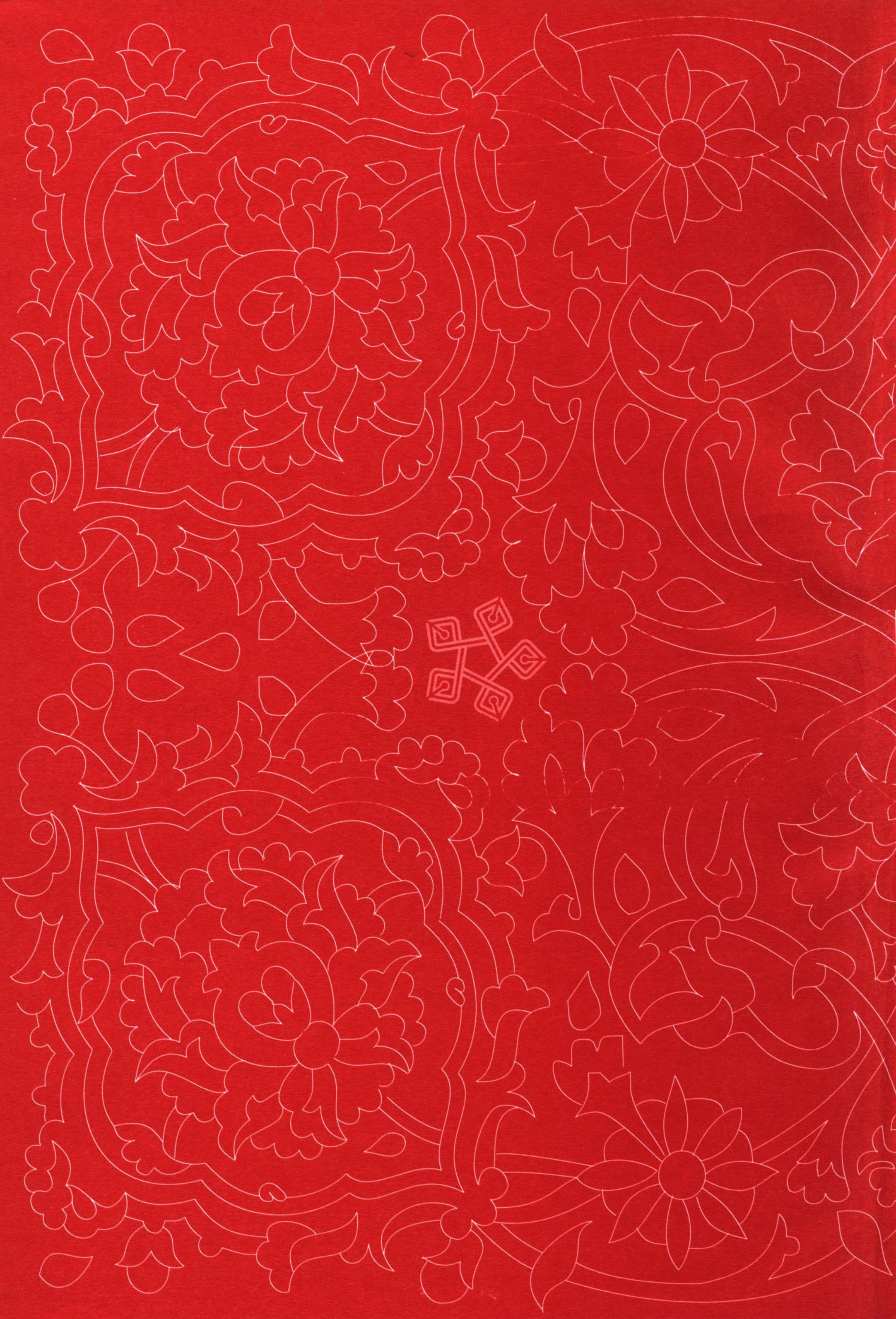
هاشمی رفسنجانی

سال ۱۳۶۷

پایان دفاع
آغاز بازسازی

به اهتمام:
علیرضا هاشمی

دفتر
نشر معارف انقلاب





کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی

سال ۱۳۶۷

پایان دفاع آغاز بازسازی

به اهتمام:

علیرضا هاشمی



دفتر
نشر معارف انقلاب

۱۳۹۰

سرشناسه : هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور : هاشمی رفسنجانی: کارنامه و خاطرات ۱۳٦۷: پایان دفاع، آغاز بازسازی / به اهتمام علیرضا هاشمی.
مشخصات نشر : تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۸۰۰ صفحه، : مصور (بخشی رنگی).
شابک : ۱۵۰۰۰۰ ریال: ۷-۲۰-۷۱۹۳-۹٦٤-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : هاشمی رفسنجانی، ۱۳۱۳ --- خاطرات
موضوع : هاشمی رفسنجانی، ۱۳۱۳ --- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳٦۷ --- خاطرات
شناسه افزوده : هاشمی بهرمانی، علیرضا، ۱۳٦٦
شناسه افزوده : دفتر نشر معارف انقلاب
رده‌بندی کنگره : DSR ۱٦۷۰ / ۰۲ آ ۳ ۱۳۸٦
رده‌بندی دیوئی : ۹۵۵ / ۰۸٤۲۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱٦۹٤۸۲۰

هاشمی رفسنجانی
پایان دفاع آغاز بازسازی
کارنامه وخاطرات سال ۱۳۶۷
به اهتمام: علیرضا هاشمی
ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
طراحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر
چاپ و صحافی : سپه

تیراژ : ۳۳۰۰ نسخه
چاپ پنجم : ۱۳۹۰
قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال



تهران ـ خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده،
کوچه شهید امیدیان تلفن: ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس: ۲۲۲۸۵۷۶۰



فهرست مطالب

عنوان | صفحه

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آتش بس - قطعنامه - بازسازی

امسال هم مثل سال‌های گذشته، جنگ بر همه چیز سایه انداخته بود. در چندماه اول سال، جبهه‌ها بسیار داغ بود. از طرف عراق موشک‌باران با وسعتی بی‌سابقه و تا عمق خاک کشور، استفاده بی‌محابا از سلاح شیمیایی، تهاجم وسیع در جبهه‌ها برای عقب راندن نیروهای ما از مواضع تصرفی در داخل عراق، شرکت آمریکا در خلیج فارس در جنگ به سود عراق و تبلیغات سهمگین برای روحیه دادن به نیروهای بعثی و تضعیف روحیه رزمندگان بود.

از سوی ایران هم ادامه مقابله به مثل در نبرد موشکی، زمینی و دریایی و تلاش موفق برای تولید سلاح و مهمات، مخصوصاً موشک و انجام تبلیغات چشمگیر برای نشان دادن جنایات جنگی عراق، مخصوصاً جنایت هولناک بعثی‌ها در شهر حلبچه با کشتار بیرحمانه مردم کُرد و انجام «سیاست زمین سوخته» در جواب نفوذ رزمندگان ما در عمق خاک عراق مشهود بود.

***

در جبهه سیاسی، تشدید فعالیت‌های دوطرف در سازمان ملل در ارتباط با پیشنهاد آتش‌بس که از سال گذشته آغاز شده بود و مذاکره‌های ستادی و نیز در سطوح بالا بین سران قوا و دولت و مجلس و در خدمت امام(ره) و اقدامات اصلاحی در ساختار مدیریت و پشتیبانی دفاع، با اعلان جانشینی فرماندهی کل قوای من و تأسیس ستاد کل با ترکیبی از اعضای دولت و نظامیان و مجلس برای بسیج امکانات کشور و بسیج نیروهای بیشتر برای رزم دیده می‌شد.

برآیند تمام این اقدامات رسیدن به آتش بس و خاموش شدن آتش و غرش تانک‌ها و توپ‌ها و هواپیماها و موشک ها شد و در نهایت به اصلاح قطعنامه مصوب شورای امنیت به نفع ایران و پذیرش آن از سوی ایران و عراق و فعال شدن دبیرکل سازمان ملل برای پایدار کردن آن و سپس مذاکره برای اجرای قطعنامه و آغاز بازسازی انجامید.

در این مقدمه نمایی از مجموعه بخش‌های فوق را می‌خوانید و در متن کتاب، فهرستی جامع از حوادث روزانه به صورت زمان‌بندی شده رویدادها و اقدامات اصلاح ساختار سیاسی و نظامی و در بخش آخر خاطرات، آغاز حرکتی جدید از سوی امام(ره) برای مرکزیت اداره کشور و برنامه سازندگی ترسیم می‌شود.

***

موشک‌باران و بمباران شهرها

پس از پیروزی‌های رزمندگان در داخل خاک عراق و تصرف منطقه حلبچه و اشراف بر دریاچه سد دربندیخان و ادامه مراحل عملیات والفجر ۱۰، بعث عراق بر شدت موشک‌پرانی و جنگ شهرها و کشتی‌ها افزود. با ذخیره قابل توجهی که در اختیار داشت و با دستکاری در موشک‌های اسکاد و بالابردن بُرد آنها، شهرهای تهران، اصفهان و قم را مورد حمله موشکی قرار داد و بدون محدودیت از موشک‌های دوربرد استفاده می‌کرد. گرچه بسیاری از موشک‌های دستکاری شده در فضا منفجر می‌شد، ولی بخشی از آنها هم به شهرها اصابت می‌کرد و همزمان تهدید به استفاده از کلاهک شیمیایی هم مطرح می‌شد که با توجه به آمار وحشتناک آن در حلبچه، باعث نگرانی شدید بود.

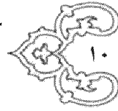
ما هم مقابله به مثل می‌کردیم، ولی نوع موشک‌های ساخت خودمان به تولید انبوه نرسیده بود و ناچار با تعداد محدودی موشک و استفاده از توپخانه‌های دوربرد، این حملات را بی‌جواب نمی‌گذاشتیم.

بهار و تابستان سال ۱۳۶۶، مرحله چهارم موشک پرانی رژیم بعث بود. این مرحله در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۶۶ و همزمان با عملیات کربلای ۸ شروع شد و به ویژه در طول عملیات کربلای ۹، ۱۰ و فتح ۵ الی ۷ و نصر ۱ تا ۴ ادامه یافت. در این مرحله جنگ شهرها به داخل خاک کردستان عراق نیز کشیده شد و نظامیان عراق، مردم در حال قیام شهرهای موصل، سید صادق و ... را با حملات هوایی به خاک و خون کشیدند. همچنین در این مرحله جنگ نفتکش‌ها و جنگ شیمیایی به اوج خود رسید. این مرحله از جنگ‌شهرها به صورت مقطعی و غیر یکنواخت تا اوائل شهریور سال ۱۳۶۶ ادامه یافت.

مرحله پنجم در پائیز سال ۱۳۶۶ از جنگ شهرها، در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۶۶ و در آستانه سفر آقای خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل متحد به تهران - و در واقع برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد - شروع شد و با شدت و حدت بیشتری نسبت به مراحل سابق ادامه یافت. شاید بتوان پایان این مرحله از جنگ شهرها را حملات هواپیماهای عراقی به نیروگاه بوشهر در تاریخ ۲۷ آبان سال ۱۳۶۶ دانست. از این زمان تا اوائل اسفند ماه ۱۳۶۶، جنگ شهرها از شدت چندانی برخوردار نبود.

مرحله ششم جنگ شهرها در تاریخ ۸ اسفند سال ۱۳۶۶ و با بمباران شدید شهر تهران و حومه آن شروع شد. در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۶۶، ایران با پرتاب موشک به بغداد به بمباران‌های شدید عراق پاسخ داد و یک روز بعد از آن، یعنی روز ۱۱ اسفند ۱۳۶۶، عراق نیز حملات موشکی خود را به تهران شروع کرد. در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۶، شدت جنگ شهرها در این مرحله به حدی بود که اتحاد شوروی از شورای امنیت درخواست کرد که برای جلوگیری از جنگ اقدام کند. این مرحله از جنگ شهرها در روز ۲۲ اسفند ۱۳۶۶ متوقف شد.

اواخر اسفند ۱۳۶۶ و اوایل فروردین ۱۳۶۷ مرحله هفتم جنگ شهرها بود که با شدت بیشتری در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ آغاز شد و تا یازدهم فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت.

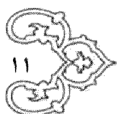


در ۲ فروردین ۱۳۶۷ عراق اعلام کرد که ۱۰۶ موشک علیه شهرهای ایران شلیک کرده است، در هفتم فرودین ۱۳۶۷ نیز ایران مطرح ساخت که عراق از موشک‌های جدیدی استفاده کرده است و این امر موجب تقویت این خبر شد که عراق از موشک‌های «ای اس - ۱۲» استفاده می‌کند. در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۷ نیز دبیر کل سازمان ملل متحد از ایران و عراق خواست که از ادامه و از سرگیری جنگ شهرها خودداری کنند. قطع جنگ شهرها از سوی عراق در این مرحله به خاطر دیدار نخست وزیر ترکیه از آن کشور صورت گرفت.

آخرین مرحله از جنگ شهرها در تاریخ ۲۱ فرودین ماه ۱۳۶۷ از سوی عراق شروع شد و تا تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. عراق در اول اردیبهشت ۱۳۶۷ (۲۱ آوریل ۱۹۸۸) آتش بس یک جانبه‌ای را ظاهراً به اصرار سازمان مجاهدین خلق [منافقین] اعلام کرد و بدینسان جنگ شهرها به مفهوم خاص آن، پایان یافت. تا این زمان عراق بین ۱۹۰ تا ۲۰۰ فروند موشک به سوی شهرهای ایران و از سوی ایران نیز نزدیک به ۵۰ فروند موشک به سوی شهرهای عراق شلیک شده بود و در این میان نزدیک به ۱۰۰ موشک عراقی به شهر تهران شلیک شد.

در یک نگاه کلی باید گفت در شش ماه آغازین جنگ در سال ۱۳۵۹ ، تعداد ۴۱۳ بار به شهرهای ایران حمله شد. این حملات در سال های بعدی به این ترتیب بود: ۵۷۱ بار در سال ۱۳۶۰، ۴۷۶ بار در سال ۱۳۶۱ ، ۲۶۰ بار در سال ۱۳۶۲، ۲۴۶ بار در سال ۱۳۶۳، ۷۹۰ بار در سال ۱۳۶۴، ۹۶۲ بار در سال ۱۳۶۵، ۷۴۵ بار در سال ۱۳۶۶ و پنج ماه پایانی جنگ در سال ۱۳۶۷ تعداد ۳۰۶ بار. شهرهای ایران در کل ۴ هزار و ۷۶۹ بار توسط رژیم بعث عراق مورد بمباران، موشک باران یا گلوله باران قرار گرفت.

از آغاز تا پایان جنگ شهرها، بالغ بر ۱۲۷ شهر - به علاوه جزایر جنوبی کشور - مورد تهاجم قرار گرفتند. در بین این شهرها، آبادان با بیش از یک هزار و هفده بار، بیش از همه مورد تهاجم واقع شد که در واقع این تعداد معادل ۲۱/۳ درصد از کل مجموع حملات به کلیه شهرهای کشور است. شهر اهواز با ۳۱۶ بار حمله و ۶/۶ درصد از کل حملات به شهرها در درجه دوم قرار گرفته و سپس دزفول با ۲۴۱ تهاجم یا ۵/۱ درصد از کل حملات را تحمل نموده است. برخی دیگر از شهرهای ایران به ترتیب زیر هدف حملات



هوایی قرار گرفتند: تبریز ۷۶ بار، اراک ۵۷ بار، ارومیه ۷۷ بار، زنجان ۳۲ بار، اسلام آباد غرب ۱۱۲ بار، اصفهان ۱۹ بار، اندیمشک ۵۲ بار، بانه ۷۶ بار، بروجرد ۵۱ بار، بوشهر ۴۲ بار، پاوه ۳۵ بار، پیرانشهر ۷۸ بار، تهران ۹۲ بار، خرم آباد ۱۴۰ بار، خرمشهر ۱۲۸ بار، جزایر مختلف خلیج‌فارس ۱۹۵ بار، سرپل ذهاب ۶۷ بار، سردشت ۹۹ بار، سنندج ۶۱ بار، قم ۶۷ بار، گیلان غرب ۸۳ بار، مریوان ۱۱۷ بار، همدان ۱۰۹ بار، ایلام ۱۷۷بار، میاندوآب ۱۰ بار، نهاوند ۴۴ بار و....

تعداد شهدا و مجروحین برخی از شهرها بر اثر حملات هوایی به شرح زیر است: آبادان۵۰۷۳ نفر، اراک ۸۹۵ نفر، ارومیه ۱۸۲۷ نفر، اسلام آباد غرب ۱۲۰۳ نفر، اصفهان ۱۶۵۰ نفر، اندیمشک ۲۴۸۴ نفر، اهواز ۸۲۵۳ نفر، بانه ۱۲۷۰ نفر، بروجرد۱۹۲۲ نفر، بهبهان ۱۵۳۵ نفر، پاوه ۶۹۶ نفر، پیرانشهر ۱۰۲۶ نفر، تبریز ۹۰۵ نفر، تهران ۲۵۹۷ نفر، خرم آباد ۲۳۵۴ نفر، دزفول ۵۳۲۶ نفر، سردشت ۱۴۴۴ نفر، سنندج ۱۴۴۶ نفر، شیراز ۸۵۸ نفر، قم ۱۸۴۱ نفر، کرمانشاه ۶۰۸۰ نفر، گیلان غرب ۷۲۵ نفر، مریوان ۱۲۶۹ نفر، مسجدسلیمان ۱۸۰۳ نفر، میانه ۷۶۸ نفر و ایلام۳۳۳۴ نفر؛ در مجموع ۷۶ هزار و ۸۷۳ نفر در اثر حملات هوایی عراق به شهرهای مختلف به شهادت رسیده و یا مجروح شدند.

۶۳ درصد حملات هوایی توسط هواپیما، ۴/۹ درصد توسط موشک و ۳۱/۹ درصد توسط توپخانه انجام شد. بر اساس حقوق بین الملل، اقدامات غیرانسانی رژیم بعثی عراق در آن سال‌ها، می‌بایستی بی درنگ در سال ۱۳۵۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل پیگیری و صدام به عنوان نقض کننده صلح بین الملل تنبیه می شد، اما حتی پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ و اعلام خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل وقت سازمان ملل مبنی بر متجاوز بودن دولت عراق، پرونده این تجاوز عملاً تا سقوط صدام و دستگیری و محاکمه و اعدام وی مسکوت ماند.

در ابتدای سال ۶۷ تقریباً هر روز شاهد اصابت موشک به تهران بودیم. در یک مورد در روز ۴ فروردین که با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه داشتم، در طول مصاحبه شش موشک عراق در فضا یا زمین تهران منفجر شد و یک موشک در فرمانیه که فاصله کمی با جماران دارد، به زمین خورد که باعث شد سران قوا به خدمت امام(ره) بروند و از ایشان

خواهش کنند که از پناهگاه کوچکی که در کنار دفترشان ساخته بودیم، استفاده کنند. اما ایشان نپذیرفتند.

جنگ در زمین

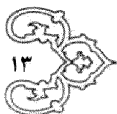
شرایط پیش آمده در ماه‌های اول سال ۶۷، حضور نیروهای داوطلب در جبهه‌ها را کم کرده بود و در مذاکرات ستادی معمولاً فرماندهان از کمی نیرو ابراز ناراحتی می‌کردند و در مواردی، با اعلان آماده بودن طرح عملیات، به خاطر کمی نیرو اقدام به عملیات نمی‌کردند و در همین شرایط شاهد عقب‌نشینی نیروها از فاو و سپس منطقه عملیات کربلای ۵ و پس از آن عقب‌نشینی از جزایر مجنون و عقب‌نشینی‌های مکرر ارتش از مناطق مرکزی جبهه و عقب‌نشینی از مهران بودیم که همه اینها در اثر هجوم سنگین دشمن و استفاده وسیع از سلاح شیمیایی اتفاق می‌افتاد و در مواردی هم عقب‌نشینی‌ها با پیش‌بینی حمله دشمن بود که عمدتاً در داخل منطقه کردستان عراق قرار داشت.

دریا

حمله به کشتی‌ها و مراکز نفتی ساحلی و درون خلیج‌فارس که از سال‌ها پیش در سیاست جنگی دشمن با هدف محروم کردن ایران از درآمد نفت قرار داشت، در این ماه‌ها با همکاری علنی آمریکا و بعضی کشورهای جنوب خلیج‌فارس شدت گرفته بود و ایران نیز سیاست مقابله به مثل را ادامه می‌داد. گرچه عراق در خلیج‌فارس کشتی نفتی و غیرنفتی نداشت، ولی اهدافی وجود داشت که عملاً متعلق به جبهه دشمن بود.

کار به جایی رسید که آمریکا علناً و رسماً مسئولیت حفظ کشتی‌های نفتی جبهه مقابل را به عهده گرفت و با نصب پرچم آمریکا روی نفتکش‌های کشورهای دیگر و اسکورت آنها با ناوهای جنگی خود و دادن سپر و پوشش هوایی و به کار گرفتن مین روب‌های دریایی کار نیروهای نظامی ایران را مشکل‌تر می‌کرد.

ولی به لطف خداوند و رشادت نیروهای جان برکف، هیچ موردی بدون مقابله به مثل نمی‌ماند و در این مسیر ناوهای آمریکا هم مصون از آسیب و تلفات نماندند و کار به جایی رسید که آمریکا به بهانه اینکه ممکن است نیروهای ایرانی از سکوهای نفتی برای نیرو



استفاده کنند، خیره‌سرانه به سکوهای نفتی و ناوها و هلی‌کوپترها حمله می‌کرد و خسارات زیادی به بار می آورد و نهایتاً با حمله موشکی و سرنگونی هواپیمای ایرباس ایرانی که حامل ۲۹۰ نفر مسافر غیر نظامی بود، تمامی سرنشینان آن را شهید نمود و حتی به کاپیتان پرتاب کننده موشک که مستحق محاکمه به عنوان جنایتکار جنگی بود، مدال و جایزه داد.

اولین کاروان از نفتکش‌ها که متعلق به کویت بود، در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ وارد خلیج‌فارس شد. حمایت ناوهای جنگی آمریکایی از نفتکش‌ها، ایران را برای اقدام تلافی‌جویانه در برابر حمله‌های عراق با دشواری‌های جدی روبه‌رو کرد. این اقدام به منزله دخالت مستقیم آمریکا در جنگ بود. در کنار این اقدامات، دولت آمریکا برای جلب موافقت اعضای شورای امنیت در تصویب قطعنامه تحریم فروش سلاح به ایران تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز کرد و در نظر داشت بندرهای ایران را به محاصره نیروهای خود درآورد، اما شورای امنیت اصرار داشت که تا ۱۳ شهریور ۱۳۶۶ به ایران مهلت داده شود و پس از آن، درصورت عدم پذیرش قطعنامه، تحریم آغاز شود. با مذاکره‌های پیگیر ایران با چین و شوروی و مخالفت این دو کشور در شورای امنیت، تلاش آمریکا ناکام ماند .

در همین حال تشنج در منطقه افزایش یافت و در اوایل شهریور ۱۳۶۶، نیروی دریایی آمریکا ۴۶ کشتی در منطقه مستقر کرد و فرانسه و انگلیس نیز اعلام کردند که آنها نیز نیروهای دریایی بیشتری به منطقه اعزام خواهند کرد. عراق هم، با برخورداری از حمایت وسیع دیپلماتیک، حمله به تأسیسات نفتی دریایی ایران را آغاز کرد. به دنبال آن در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶، با حمله یک هلی‌کوپتر جنگی آمریکایی به کشتی کوچک ایرانی به نام «ایران اجر» در هشتاد کیلومتری شمال‌شرقی بحرین، آمریکا رسماً وارد جنگ با ایران شد.

پس از حملات آمریکا به سکوهای رشادت و رسالت در ۲۷ مهر ۱۳۶۶ و به سکوهای سلمان و نصر در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ و تصرف فاو از طرف عراق که در آن به میزان وسیع از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، عراق حمله با سلاح‌های شیمیایی را ادامه داد. در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶، صدام و رهبران بعثی عراق شهر کردنشین حلبچه و روستاهای اطراف آن را، به دلیل همکاری نیروهای کرد با قوای ایران، بمباران شیمیایی کردند. در این فاجعه پنج هزار غیرنظامی قربانی شدند.

عراق با وجود شواهد مسلّم و انکارناپذیر، به‌کار بردن مواد شیمیایی را انکار کرد؛ اما در پی ارائه مدارک موثق از سوی ایران و بررسی کارشناسان اعزامی از سوی سازمان ملل، شورای امنیت برای اولین بار در ۹ اردیبهشت ۱۳۶۷ قطعنامه ۶۱۲ را به اتفاق آرا تصویب کرد. این قطعنامه، ضمن محکوم کردن شدید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی، هر دو طرف را از استفاده این سلاح‌ها منع کرد. ذکر نام ایران در کنار عراق در استفاده از این سلاح‌ها، نوعی همسویی با عراق و آمریکا و سبب کم شدن فشار افکار عمومی بر آنها می‌شد.

نقطه اوج تلاش‌های خصمانه آمریکا برضد ایران، حمله موشکی ناو آمریکایی مستقر در خلیج‌فارس، به نام وینسنس، به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ بود؛ در این حمله، همه ۲۹۰ سرنشین هواپیما کشته شدند. ایران در نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه فوری برای رسیدگی به این موضوع شد و در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پس از استماع سخنان وزیر امور خارجه ایران و معاون رئیس جمهور آمریکا، قطعنامه ۶۱۶ به تصویب رسید.

سفرهای جبهه و مذاکرات

هماهنگ با این حوادث مهم، سفرهای متعددی به جبهه‌های جنوب و غرب و شمال غرب برای بررسی پیشامدها و پیش‌بینی آینده از طریق فرماندهان میدان جنگ و نیروهای مطلع در مجلس داشتم. سفری به منطقه حلبچه کردم تا اوضاع آنجا را پس از تصرف ما و بمباران شیمیایی و جنایات هولناک بعث عراق در کشتار دسته جمعی مردم مظلوم کُرد مشاهده کنم که حقیقتاً آتش به جان و دلم زد؛ به خصوص با دیدن فیلم‌های تکان دهنده از مناظر قتل‌های فجیع و مذاکره با مردم باقیمانده و سپس مذاکره با آوارگان آنها در ایران و مصدومان شیمیایی در بیمارستان‌ها و بعد مذاکره با فرماندهان قرارگاه‌ها و ارزیابی و جمع‌بندی شرایط.

پس از سقوط فاو و عقب‌نشینی حیرت‌زای نیروهایمان از فاو، به جنوب رفتم و با فرماندهان و ناظران و افراد رزمنده، مذاکرات جامعی داشتم که بیشتر عقب‌نشینی را به خاطر کمبود نیرو و استفاده وسیع دشمن از بمب‌های شیمیایی توجیه می‌کردند. پس از

عقب‌نشینی نیروها از منطقه کربلای ۵ و جزایر مجنون هم سفرها تکرار شد و نتایج بررسی‌ها و طرح نیازهای یکسان را شنیدم و در جمع‌بندی در قرارگاه‌ها و جلسات فرماندهان، واقعیات وضع جبهه‌ها آشکارتر می‌شد و در این میان اظهارات و نظرهای صریح بعضی از فرماندهان شجاع‌تر و رک گوتر اطلاعات زیادی به دست می‌داد.

پس از عقب‌نشینی غیرقابل قبول از مهران به غرب سفر کردم و در آنجا بیشتر سر و کار با نیروهای ارتش بود. در آنجا هم کمبود نیرو و امکانات و نداشتن نیروی داوطلب، دلیل ضعف‌ها معرفی می‌شد.

در جمع‌بندی نهایی با مذاکرات صریح با فرماندهان طرفدار ادامه نبرد خواسته‌های آنها و مقدورات زمان آنها و زمان احتمالی آمادگی تهاجم‌های وسیع و سریع مشخص گردید. صریح‌ترین نظرها را از جناب آقای شمخانی و شهید احمد کاظمی شنیدم.

مذاکرات در مرکز

در مراجعت به تهران در جلسات سران قوا و بعضی از نمایندگان، جمع‌بندی مذاکرات و واقعیت میدان‌های نبرد و نیروها و شرایط منطقه و جهان مورد مذاکره قرار گرفت و تشخیص این شد که یا باید تمامی امکانات کشور برای جنگ بسیج شود و عوارض و مشکلات آن که ریاضت شدید و همه‌جانبه جامعه خواهد بود، با مردم در میان گذاشته شود و یا با برنامه، مذاکرات پذیرش قطعنامه و رفتن به سوی آتش بس و گرفتن حقوق ایران از طریق سازمان ملل تعقیب شود، به شرط فعال بودن جبهه‌ها که نقش اساسی در پیشرفت قبول خواسته‌هایمان در سازمان ملل دارد.

مذاکره با امام(ره)

سران قوا به همراه حاج احمدآقا جلساتی با امام(ره) داشتیم. نتیجه این شد که در این مرحله به هر حال لازم است با پشتیبانی بیشتر جبهه‌ها، هم از لحاظ نیرو و هم از لحاظ لجستیک، دست بالا را در جبهه داشته باشیم و همزمان مذاکرات با دبیرکل و کشورهای موثر در سازمان ملل را پیگیرتر و جدی‌تر کنیم.

برای قسمت اول، ستاد کل قوای مسلح با حضور نخست‌وزیر و جمعی از وزرا و نمایندگان مجلس و فرماندهان با هدف بسیج امکانات شکل گرفت و صدا و سیما نیز با سرمایه توصیه‌های امام(ره) عهده‌دار بسیج نیروهای داوطلب شد. وزارت امورخارجه مسئولیت فعال کردن مذاکرات بر محور قطعنامه ۵۹۸ را به عهده داشت و شورای عالی دفاع با واگذاری حق موقت قانونگذاری و سیاستگذاری برای هموار کردن مسیر تهیه نیازها، فعال شد که با سرعت تصمیمات لازم را با اختیاراتی که امام(ره) واگذار کرده بودند، می‌گرفت.

وزارتخانه‌های سپاه و دفاع هم در جهت تأمین نیازهای جبهه با اعتباری که با فرمان امام(ره) از بانک مرکزی گرفته بودند، در حد مقدور تأمین می‌کردند و تعدادی از کارخانه‌های صنعتی از خطوط تولید خود برای نیاز مصارف جنگی جبهه و قطعات سلاح‌ها استفاده می‌کردند.

تجارت با چین و کره شمالی و بخشی از کشورهای اردوگاه شرق و بازار سیاه غرب فعالیت داشت. جهاد سازندگی و مهندسی جنگ هم در جهت انجام خدمات مهندسی جبهه کارساز بودند.

خود من و فرزندم محسن برای تسریع در تولید انبوه موشک که به راکت بغداد معروف شده بود، با هدف مقابله با شرارت‌های موشکی و شهرزنی ارتش عراق، وقت زیادی صرف می‌کردیم و اواخر جنگ موشک‌هایی با برد ۱۶۰ کیلومتر آزمایش شد و در خط تولید قرار گرفت و موشکی شبیه به تاو که در جنگ زرهی نقش بی‌بدیلی داشت، روی خط تولید رفت.

مهدی و یاسر هم پس از آموزش‌های کوتاه نظامی پای ثابت جبهه و در خطوط مقدم بودند و اطلاعات دست اول نیازها و مشکلات و وضع جبهه را به من می‌دادند و حتی پس از مجروح شدن یاسر و مصدوم شیمیایی شدن مهدی، پس از معالجات ابتدایی به جبهه بازگشتند.

فعال شدن کار با سازمان ملل

در این اثنا دبیرکل سازمان ملل از ما خواسته بود که نماینده‌ای برای مذاکره درباره قطعنامه ۵۹۸ به نیویورک اعزام کنیم و پس از مذاکره سران و طرح آن با امام(ره) پذیرفتیم و فاز سیاسی بیش از پیش فعال شد.

بخش تبلیغات جنگ هم با استفاده از جنایات جنگی ارتش صدام برای جلب حمایت جهانی، کارزار قابل قبولی به راه انداخت. با فیلم‌های بسیار گویای حمله شیمیایی به مردم حلبچه و سردشت و اعزام مصدومان شیمیایی و مجروحان بمباران‌های شهری به کشورهای خارج و آوردن خبرنگاران خارجی به ایران جهت بازدید از مناطق آسیب دیده از شیمیایی و انهدام شده شهری و مصاحبه با مجروحان و مصدومان با وسعت از رسانه‌های خارجی استفاده می‌کرد و اعضای شورای امنیت و نمایندگی‌های کشورها در سازمان ملل را آگاه می‌کرد. من نیز نامه‌هایی برای رؤسای مجالس دنیا، همراه اسنادی از جنایات به کارگیری سلاح شیمیایی توسط صدام و بمباران اهداف غیرنظامی فرستادم که بازتاب خوبی داشت.

نتیجه مهم اقدامات سیاسی این شد که آقای خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل رسماً اعلان کرد که عراق برخلاف مقررات بین‌المللی از سلاح شیمیایی علیه ایرانیان و مردم عراق استفاده کرده است و نیز شورای امنیت سازمان ملل جنایت ارتش بعث عراق را به خاطر استفاده از سلاح شیمیایی محکوم نمود.

از سوی دیگر هیأتی از ژاپن به ایران برای میانجیگری میان ایران و آمریکا آمد و پیشنهادهای مثبتی از دولت آمریکا برای همکاری با ایران آورد.

نمایندگان ما مذاکرات مبسوطی با دبیرکل و معاونان وی برای اصلاحات در بندهای قطعنامه پیشنهادی نمودند و توافق‌های خوبی بدست آمد و سرانجام دبیرکل در تاریخ ۱۷ مرداد، روز ۲۹ مرداد ۶۷ را تاریخ اجرای آتش بس تعیین کرد.

پذیرش قطعنامه

پس از مذاکرات فراوان با فرماندهان سپاه و ارتش و مشخص شدن نیازهای ادامه جنگ، آقای محسن رضایی در نامه‌ای کلیه نیازهای جبهه و شروط موفقیت و زمان و تاریخ احتمالی فعال شدن جبهه‌ها را نوشت و امضا کرد. قبلاً این تقاضاها شفاهی مطرح

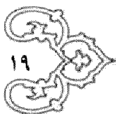
می‌شد. نامه ایشان را در جلسه سران قوا مطرح کردم. پس از بررسی و محاسبات، به اتفاق آراء نظر براین شد که کشور امکان تأمین این نیازها را ندارد.

تصمیم گرفته شد که مسئله را با امام(ره) در میان بگذاریم. در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۷ به خدمت امام(ره) رسیدیم و با خواندن نامه آقای رضایی از ایشان نظر خواستیم و پس از بحث‌های زیاد و بررسی جوانب کار، امام(ره) هم معتقد شدند که امکان تهیه این نیازها را نداریم. قبلاً نخست‌وزیر و وزیر دارایی در گزارشی به خدمت امام(ره) گفته بودند که حتی در سطح هزینه‌های موجود هم، کشور قدرت تامین هزینه جنگ را ندارد و از خط قرمز اقتصادی هم فراتر رفته‌ایم. ولی آنچه بیشتر از همه امام(ره) را قانع کرد، توضیح فاجعه بمباران‌های شیمیایی حلبچه و سردشت بود که پیش‌بینی می‌شد در آینده شاهد استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی توسط صدامیان با چراغ سبز ابرقدرت‌ها و حتی تکرار آن در شهرهایی مثل تبریز و اصفهان و قم و تهران با پرتاب موشک شیمیایی باشیم که معلوم بود ما در چنان جنایاتی نمی‌توانیم مقابله به مثل علیه مردم عراق بنماییم.

طبعاً امام(ره) به خاطر شعارهای ادامه جنگ تا پیروزی، برایشان آسان نبود که قطعنامه و آتش‌بس را بپذیرند. به امام(ره) پیشنهاد دادم که شخصاً به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا و فرمانده جنگ، اعلان پذیرش قطعنامه و آتش بس را می‌نمایم و به عهده می‌گیرم و اگر نتیجه خوب نبود، مرا محاکمه کنید. این را هم نپذیرفتند. ولی اصل پذیرش قطعنامه و ختم جنگ را پذیرفتند و فرمودند بزرگان کشور و جمعی از علما و نمایندگان را جمع کنیم و شرایط کشور و جنگ را توضیح دهیم و آنها را قانع کنیم که همراهی کنند.

دسته جمعی به منزل من آمدیم. فهرستی از اسامی بزرگان برای دعوت به جلسه توجیهی تهیه شد و همان شب به خدمت امام(ره) فرستادیم و ایشان تأیید کردند.

دو روز بعد حاج احمد آقا اطلاع داد که امام(ره) پس از بررسی جوانب کار، خودشان متنی تهیه کرده‌اند که به جای اعلان پذیرش قطعنامه از سوی ما، خودشان اعلان فرمایند تا از بروز اختلافات جلوگیری شود.



جلسات توجیهی

روز ۲۵ تیر ۱۳۶۷ در جلسه جمعی از نمایندگان که دلواپسی از وضع جنگ داشتند، توضیحاتی درباره وضع جبهه‌ها و مشکلات بودجه و نیروها و راهکارهای احتمالی دادم که ذهن آنها برای مواجه شدن با پذیرش قطعنامه آماده شود و همان مضامین را در جلسه ضیافت خبرگان در دفتر رئیس جمهور گفتم.

روز ۲۶ تیر ۱۳۶۷ جلسه شخصیت‌های مدعو در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل شد. آقای خامنه‌ای صحبت کوتاهی درباره علت تشکیل جلسه نمودند. سپس احمدآقا متن نامه امام(ره) را با مضامین مشکلات جنگ، نداشتن بودجه، درخواست نیازهای فراوان از سوی نیروها که تأمین آن از عهده دولت برنمی‌آید و ... برای حضار قرائت کرد و سرانجام پذیرش قطعنامه. مطالب پیام امام(ره) تأثیر زیادی در جلسه گذاشت. اکثریت حاضران ابراز رضایت کردند و تعدادی هم گریه کردند.

سپس توضیحات مبسوطی درباره وضع جبهه و عواملی که کار را به اینجا رسانده، دادم. اگر همان متن پیام امام(ره) از رسانه‌ها برای عموم پخش می‌شد، نیازی به توجیه بیشتر نبود، ولی به خاطر بعضی از ملاحظات، مصلحت دیده نشد که متن پیام امام(ره) منتشر شود.

به جای آن، دو اقدام دیگر انجام شد: ۱- اعزام افرادی به جبهه‌ها برای خواندن پیام برای رزمندگان ۲- گنجاندن بخشی از مطالب امام(ره) در پیام حج - که بنا بود به زودی منتشر شود - که هر دو به خوبی انجام شد و تأثیر فوق‌العاده‌ای در قانع کردن افکار عمومی داشت.

عصر روز ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و هیأت دولت و شورای نگهبان و فرماندهان نظامی و ... اجلاس بزرگی برای توضیح داشتیم. ابتدا آیت‌الله خامنه‌ای گزارش کوتاهی دادند. سپس احمدآقا پیام امام(ره) را قرائت کردند و بعد از آن من با توضیحاتی کامل و صریح از واقعیات جبهه، تدارکات، نیازها، بودجه و دخالت قدرت‌های بیگانه دادم. به نظر رسید که حضار رضایت کامل دارند و هیچ کس سؤال و اعتراضی نداشت.

بعد از اجلاس، نخست‌وزیر اطلاع داد به محض انتشار خبر پذیرش قطعنامه، پنج هزار تومان از ارزش سکه بهار آزادی و چهل تومان از ارزش دلار آزاد کاسته شده است.

همچنین در یک کنفرانس مطبوعاتی، جواب سوالات خبرنگاران را دادم و نقاط مبهم کار را شفاف نمودم.

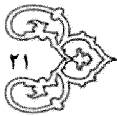
عکس العمل صدام و کشورها در سازمان ملل

روز ۲۷ تیر ۱۳۶۷ در نیویورک، آقای [محمد جعفر] محلاتی [سرپرست نمایندگی ایران در سازمان ملل] نامه رئیس جمهور را به دبیرکل سازمان درخصوص پذیرش قطعنامه تحویل داد و همان روز در ایران رسماً پذیرش قطعنامه از سوی ایران اعلان شد. اعلان پذیرش قطعنامه، موج عظیمی در جهان به وجود آورد و دولت‌های زیادی از آن استقبال کردند و انصافاً دبیرکل سازمان ملل برای اجرای آن سنگ تمام گذاشت.

اما صدام علی‌رغم ادعاهای صلح‌خواهی، به خیال اینکه ایران از موضع ضعف قطعنامه را پذیرفته است، بهانه‌جویی را آغاز کرد. توجه نداشت که دلیل عمده پذیرش ایران، مراعات مردم در دو کشور است. زیرا وضع به جایی رسیده بود که به جای رزم در جبهه‌ها، اولویت را به جنگ شهرها می‌داد و به ویژه ابایی از به کارگیری سلاح کشتارجمعی نداشت؛ مثل آنچه که در حلبچه و سردشت روی داد.

ایران از نظر موشک به مرحله تولید انبوه موشک‌های میان برد رسیده بود که اغلب به شهرهای مهم عراق می‌رسید و قدرت ساخت سلاح شیمیایی را هم داشت، ولی به هیچ وجه حاضر نبود که با زدن مردم بیگناه عراق که در نهایت همراه ملت ما بودند، پیروزی به دست بیاورد.

از طرفی می دید ایران توانسته در پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸ اصلاحاتی به وجود آورد که نتیجه آن دست آورد بزرگی برای ایران بود و خسارات مادی و معنوی مهمی بر عراق تحمیل می‌کرد که مسئول آغاز جنگ شناخته می‌شد و محکوم به پرداخت غرامت می‌گردید و به خاطر جنایات جنگی هم محکوم شناخته می‌شد. علاوه بر اینها جوابی برای مردم عراق در مورد تحمل هشت سال جنگ و آن همه خسارت جانی و مالی نداشت و مشکل بدهی‌های چند صد میلیارد دلاری خارجی را هم در پیش داشت.



تشدید مجدد جنگ

به جای برقراری آرامش، عراق حملات هوایی و بمباران شهرها و مراکز صنعتی و به خصوص نفتی را شدت بخشید. البته نیروهای ما هم جواب مناسب را دادند. روز اول مرداد خبر رسید که ارتش عراق از اکثر راه‌هایی که در روزهای شروع جنگ به داخل ایران نفوذ کرده بود، بار دیگر تهاجم را آغاز کرد.

فوراً جلسه ستاد کل را تشکیل دادیم و تصمیم گرفتیم که فضای کشور را جنگی کنیم. صدا و سیما مارش جنگ می‌نواخت. بسیج نیروها و فراخوان ذخیره‌ها اعلان شد و رزمندگان سابقه دار در جنگ بار دیگر به سوی جبهه به جنبش درآمدند. آیت‌الله خامنه‌ای به جبهه جنوب رفتند و من پس از تنظیم امور پشتیبانی، به سوی خوزستان حرکت کردم.

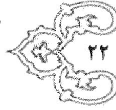
انتشار پیام روح بخش امام(ره)، حماسه جدیدی در روحیه رزمندگان و مردم و مسئولان و فرماندهان خلق کرد و مقاومت رزمندگان در مقابل مهاجمان عراقی شدت گرفت و ظرف دو روز آنها را به پشت مرزها عقب راندند.

بعث عراق با مشاهده قدرت مقاومت و هجوم نیروهای اسلام و اطلاع از سرازیر شدن سیل جمعیت به سوی جبهه‌ها، متوجه خطای تشخیص و اقدامشان شد و فرمان عقب‌نشینی نیروها به داخل عراق را صادر نمود.

از سوی دیگر دبیرکل سازمان ملل هم با خواست ما اعلان کرد که اگر عراق هم به تداوم جنگ بپردازد، ایران ممکن است پذیرش قطعنامه را پس بگیرد و این هم باعث نگرانی قدرت‌های غربی و عربی شد که از آتش بس استقبال کرده بودند و تحرکی از سوی آنها برای سرزنش بعث عراق آغاز شد.

صبح روز سوم مرداد در قرارگاه گلف اهواز، با آیت‌الله خامنه‌ای که با لباس رزم در جبهه بودند و ائمه جمعه سراسر کشور را هم برای تقویت روحیه رزمندگان به جبهه دعوت کرده بودند، پس از مذاکرات طولانی قرار گذاشتیم ایشان در جنوب بمانند و من به جبهه‌های غرب و شمال غرب بروم.

با هدف رفتن به قلاجّه، با اتومبیل حرکت کردیم و در بین راه از طریق بی‌سیم اخبار سراسر جبهه را دریافت می‌کردیم. همه جا دشمن در حال فرار و عقب‌نشینی بود.



ناگهان خبر دادند که دشمن از تنگه پاطاق در منطقه پل ذهاب گذشته و به سوی کرند پیش می‌رود. ناچار مسیر را عوض کردیم و با سرعت خودمان را به کرمانشاه رساندیم.

مرصاد و منافقین

پشت سر هم خبرها می‌رسید و همگی خبر از حرکت سریع نیروهای زرهی دشمن با پشتیبانی هوایی بدون برخورد با مانع به سوی اسلام آباد غرب می‌داد و بعداً معلوم شد مهاجمان از منافقین‌اند؛ البته با حمایت آتش توپخانه و پشتیبانی هوایی ارتش عراق. ستون پنجم آنها هم در اسلام آباد و کرمانشاه برای ارعاب مردم فعال است. تا آنجا که فرماندهان به من پیشنهاد تغییر محل اقامت در کرمانشاه را داشتند. البته نپذیرفتم و دستور محکم مقاومت دادم.

بالاخره خبر رسید که منافقین با تانک و نفربر از اسلام آباد هم گذشته‌اند و در مسیر کرمانشاه از گردنه حسن‌آباد عبور کرده‌اند. دستور محاصره آنها را از سه طرف دادم و به هوانیروز کرمانشاه و پایگاه هوایی همدان و تبریز دستور داده شد که از هوا، نیروها را پشتیبانی کنند.

گفتند منافقان در جاده با مردم مخلوط شده‌اند که کار بمباران را با ملاحظه انسانی مشکل می‌کرد و خودم هم علی‌رغم مخالفت فرماندهان به گردنه چارزبر در خط مقدم رفتم و وضع نیروهای منافق محاصره شده را با دوربین مشاهده کردم که به صورت پراکنده در حال فرار بودند.

از سنگرهای آنها و افراد اسیر شده‌شان نقشه‌ها و کالک‌هایی به دست آمد که نشان می‌داد مغرورانه نقشه رسیدن به تهران را در چهارمرحله در دستور عملیات خود داشته‌اند:
۱- کرمانشاه ۲- همدان ۳- تاکستان ۴ - تهران

بالاخره انهدام عظیمی از آنها صورت گرفت و عمده ابزار جنگی‌شان به غنیمت گرفته شد و اسیران زیادی به جای گذاشتند و این چنین آخرین امید صدام و منافقان از عملیات موسوم به «فروغ جاویدان» به صورت «غروب جاویدان» به گور رفت.

به سوی همدان پرواز کردم. در پایگاه نوژه که لحظاتی قبل با بمب‌های خوشه‌ای بمباران شده بود، فرود آمدم و در جمع خلبانان و فرماندهان، از آنها تشکر کردم و

نظراتشان را درباره آتش‌بس پرسیدم. جوابشان این بود ما سربازیم و گوش به فرمان امام(ره) و آمادگی داریم به وظیفه اسلامی و ملی خود عمل کنیم.

به تهران پرواز کردیم تا در نماز جمعه به مردم صمیمی و فداکار گزارش آخرین فتوحات رزمندگان را بدهیم که دادم. والحمدالله رب العالمین.

در زیارت امام(ره)، شرحی از پیروزی‌های جبهه و مأیوس شدن صدامیان و پی بردن به اشتباه خودشان در ارزیابی قدرت رزمی ایران و ضربه سنگین به منافقین و تغییر جهت در سیاست‌های مجامع بین‌المللی و قدرت‌های جهانی از سیاست حمایت از صدام را دادم و امام(ره) با اظهار رضایت از پذیرش قطعنامه و آثار مثبت آن و راحت شدن از شنیدن اخبار شهادت و مصدومیت و مجروحیت رزمندگان و رنج‌های آواره‌ها فرمودند: تصمیم به پذیرش قطعنامه از الطاف و هدایت الهی بود.

عکس‌العمل ها - برگشتن بحث صدام

بهانه جویی‌های صدام که با هدف دستاوردی جدید برای چانه‌زنی و امتیازگیری آغاز شده بود، در این مرحله نتیجه عکس داد، ولی بازهم دست بردار نبود؛ با بهانه‌های مذاکره مستقیم یا عدم بازگشت به قرارداد الجزیره و چیزهای دیگری از این قبیل.

آقای جواد لاریجانی از نیویورک، فضای سازمان ملل را مثبت توصیف کرد و درباره سیاست ادامه مذاکره با توجه به جنگ‌های جدید پرسید. گفتم دکتر ولایتی طبق دستور امام(ره) با همان آهنگ مقرر به کار ادامه دهند. نشانه‌های تغییر جهت قدرت‌های جهانی با مشاهده حماسه جدید غیرمنتظره نبرد رزمندگان و ضعف صدامیان و منافقین روز به روز آشکارتر می‌شد.

در روز ۲۹ تیر، آقای موسوی زادگان [معاون وزیر اطلاعات] آمد و گفت آمریکا پیام داده که حاضر است تجدید رابطه کند و نیازهای تسلیحاتی را بپردازد. اموال مسدود شده ایران را آزاد کند. گفته شد برای نشان دادن صداقت، اول اموال ما را آزاد کنند و سپس درباره موضوعات دیگر به مذاکره می‌نشینیم. روسیه هم پیام آمادگی برای کمک به اجرای قطعنامه داد.

بهانه‌گیری‌های صدام برای اقدامات اجرایی قطعنامه و ظهور ضعف نظامی او باعث شد که حامیانش به او پشت کنند و برخلاف گذشته، رسانه‌های غربی جنایت نسل کشی ارتش بعث را بزرگ و برجسته می‌کردند. آمار هولناک بدهی‌های عراق منتشر می‌شد. مناظر وحشت‌بار مصدومان شیمیایی از تلویزیون‌ها پخش می‌شد. کنگره آمریکا هم در جهت تغییر سیاست آمریکا وارد عمل شد و با مصوبه‌ای از رئیس جمهور خواست محدویت‌هایی برای همکاری با دولت صدام ایجاد نماید.

بیانیه شورای امنیت در محکومیت سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایرباس ایران منتشر شد و آقای [سیروس] ناصری اطلاع داد که ده نفر از کارشناسان سازمان ملل برای بررسی وضع میدان‌های جنگ و شرایط منطقه و بهانه تاخیری صدام در مورد محل مذاکرات که با واگذار شدن تصمیم انتخاب محل مذاکره به دبیرکل سازمان ملل قطع شد، فردا عازم منطقه می‌شوند.

در این میان موضع شوروی مشکوک به نظر می‌رسید؛ ضمن اینکه از اجرای قطعنامه حمایت می‌کرد، احساس می‌شد که دنبال امتیازی است که قبل از ختم جنگ عراق و ایران، مشکلاتشان در افغانستان حل شود که نشد. البته شوروی هم با دریافت نامه امام(ره) به گورباچف، تغییر جهت داد و وزیر خارجه شوروی برای تقدیم جواب نامه گورباچف به ایران آمد و امام(ره) او را پذیرفتند. گرچه چند جمله امام(ره) درباره محتوای نامه گورباچف او را ناراحت کرد اما تحت تاثیر ملاقات با امام(ره)، به آسانی از آن گذشت. در ملاقاتی که با من داشت برای تسلیم دعوت آقای گورباچف از من برای سفر به شوروی، در جلسه خصوصی گفت شوروی آماده تأمین سلاح‌های مورد نیاز ایران و سایر نیازها است.

دو استخاره جالب

۱- آن روزی که قرارگاه فرمانده سپاه در تاریخ اول مرداد ۱۳۶۷ پیشنهاد کرد که نیروهایمان از حلبچه عقب‌نشینی کنند، با اینکه باتوجه به نظر فرماندهان منطقاً مخالفتی نداشتم، ولی به خاطر بعضی تردیدها استخاره کردم. آیه شریفه: وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْیًا وَعَدْوًا حَتَّی إِذَا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ الَّذِی آمَنَتْ

بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَاْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ[1] آمد که مضمون آن مصداقی واضح‌تر از حملات تهاجمی آخر ارتش عراق و شکست آنها و بروز قدرت نظامی ایران ندارد.

۲- جالب اینکه بعداً که این استخاره را برای آیت الله منتظری نقل کردم، ایشان هم فرمودند در آن زمان برای وضع نابسامان جبهه و عقب‌نشینی و بحث پذیرش قطعنامه استخاره کرده‌اند و همین آیه آمد، یا آیه دیگر به همین مضمون.

مذاکرات برای اجرای قطعنامه

با اعلان روز آتش بس در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۶۷ توسط دبیرکل سازمان ملل و تعیین ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ برای عملی شدن آتش‌بس، بیانیه‌ای منتشر کردم. از مردم خواستم که حضور در جبهه را حفظ کنند و از رزمندگان خواستم پیشقدم شکستن آتش بس نشوند، ولی جواب تخلفات دشمن را بدهند.

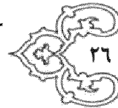
آقایان دکتر ولایتی و محمدجواد لاریجانی مامور تشکیل کمیته‌های لازم برای مذاکره شدند و روز دوم شهریور به ژنو رفتند. مذاکرات ایران و عراق برای اجرای قطعنامه آغاز شد و خیلی زود روشن شد که بعث عراق برای اجرای قطعنامه جدی نیست. گاهی صحبت از لغو قرارداد الجزایر می‌کرد و گاهی مطالبه کل اروند رود را داشت و گاهی به سطح نمایندگان دو کشور برای مذاکره و گاهی به محل مذاکره معترض می‌شد.

ایران به نمایندگان خود گفته بود که در مقابل این بهانه‌جوئی‌ها حوصله به خرج دهند و در اصول و مبانی مذاکره کوتاه نیایند. رفته رفته هم سازمان ملل و هم کشورهای سابق همسو با عراق قانع شدند که عراق طفره می‌رود و ایران جدی است و یا شاید اقدام موفق نیروهای مسلح ایران در عقب راندن ارتش عراق از داخل ایران پس از تجاوز وسیع بعد از پذیرش آتش‌بس، می‌دانستند که جدی بودن ایران در اجرای قطعنامه ناشی از ضعف نیست و همین‌ها یکی از عوامل پشت کردن حامیان گذشته صدام از او شد و رفته رفته مواضع عراق معقول‌تر شد، اما فراز و فرودها تا آخر ادامه داشت.

***

---

۱ - سوره یونس، آیه ۹۰



سفرهای به جبهه بعد از آتش بس

برای مشاهده اوضاع استان‌های جنگ زده، مشاهده خرابی‌ها، نیازها و مذاکره با مسئولان لشگری و کشوری درباره وضع جبهه‌ها، مرزها، مردم ، نیروها و شروع بازسازی‌های ابتدایی برای مراجعت آوارگان جنگ، سفرهایی به غرب و جنوب داشتم.

برخلاف سفرهای زمان جنگ، در این سفرها امنیت نسبی و فرصت بازدید از میدان‌های نبرد، وضع محل‌های استقرار نیروها، اوضاع زندگی مهاجران، کمبودهای مردم و نقشه‌های بازسازی و به خصوص وضع مزارع و واحدهای صنعتی منهدم شده و ادارات و بندرها و ساختمان‌ها و گمرک و وضع مراکز نفت وگاز و خطوط لوله و انبارها و شرایط مناطقی که نیروها اجازه مراجعه مردم را نمی‌دادند، برقرار بود.

مناطق مین‌گذاری شده و وضع آب و برق و سوخت کشتی‌های غرق شده در اروند وکارون و بسیاری مسائل دیگر مورد بررسی قرار می‌گرفت.

در این سفرها مذاکره با مردم و رزمندگان و به خصوص مهاجران و ایثارگران عمق مشکلات مردم صبور مناطق جنگ زده و خانوارهای عزادار و آسیب دیده برای من و همراهان روشن‌تر می‌شد.

ناظران آتش بس

سازمان ملل بعد از تعیین زمان آتش بس، جمعی را برای نظارت بر آتش بس به ایران فرستاد. ابتدا آنها در هتل اقامت کردند. بعد از بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که هتل مناسب نیست. جای دیگری در نظر گرفته شد و مقرر شد که ملاقات ماموران بین‌المللی موجود در ایران و عراق برای هماهنگی کار خودشان در نقطه مرزی دو کشور باشد.

مسایل فراوان بعد از جنگ

انتظار می‌رفت با خاموش شدن آتش جنگ فراغتی پیش آید. اما مسایل فراوانی پیش آمد که خیلی وقت‌گیر و پردردسر بود؛ چند نمونه آن را در مقدمه می‌آورم و به مابقی در در سراسر کتاب اشاره شده است.

ساختار نیروهای مسلح

در جریان جنگ با تجربه میدانی روشن شد که ساختار نیروهای مسلح نیاز به اصلاح دارد و در حکم امام(ره) در مورد جانشینی فرماندهی کل قوای اینجانب، مسئولیت اصلاح ساختار هم مورد تاکید قرار گرفته بود و بحث‌ها و مشورت‌ها از همان زمان آغاز شده بود.

آقای عبداله نوری که در طول جنگ معمولاً اشکالات ساختاری نیروهای مسلح را مطرح می‌کرد و راهکار ارائه می‌داد و دکتر [حسن] روحانی که عملاً درگیر این مسایل بود، در این موضوع با علاقه کار می‌کردند و جلسات زیادی در قرارگاه و نیز کمیسیون‌های مجلس برای مشورت ترتیب می‌دادند و نتایج را گزارش می‌نمودند. به موارد زیاد و نظرات متفاوتی در این خصوص در کتاب برخورد می‌نمایید.

بازسازی خرابی‌های جنگ

مسئله مهم دیگرمان، بازسازی ویرانی‌های جنگ بود که پنج استان مرزی و شهرهای بمباران شده و خرابی‌های زیربنایی و روبناها و پاکسازی از مین و مواد منفجره و لاشه‌های سلاح‌ها و اشیاء و خودروهای منهدم شده و آماده سازی شهرها و روستاها برای بازگشت مهاجران جنگ در اولویت قرار داشت.

شورای عالی بازسازی و سازندگی

امام(ره) برای متمرکز کردن کار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کار بازسازی و سازندگی کشور اقدام به تشکیل شورای عالی به همین نام فرمودند و اختیارات فراقانونی به آن محول کردند[1].

از آن پس مسائل بازسازی و سازندگی، با سرعت در آن شورا تصمیم‌گیری و ابلاغ می‌شد. گرچه بعضی از نهادها هم که در وظایف و اختیارات ذاتی‌شان این گونه امور بود، به عضویت یا مشاورت انتخاب شده بودند، ولی بازهم دلگیری‌ها و گله‌گذاری‌هایی پیش می‌آمد.

---

۱ - متن کامل حکم حضرت امام (ره) در بخش ضمایم همین کتاب آمده است.

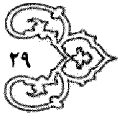
انتخابات مجلس

در ماه‌های آخر سال ۶۶ و اول سال ۶۷ بحث‌ها و تبلیغات و یارگیری‌های افراد و گروه‌ها در نامزدی انتخابات مجلس را داشتیم. من که به شدت گرفتار امور جنگ و وضع بحران جبهه‌ها بودم، در گرداب انتخابات هم به خاطر ریاست مجلس و توقعات نماینده‌گان گرفتار شده بودم و عملاً بین مجلس و جبهه، روزها و شب‌های پُرکار و پُر تنشی داشتم. بالاخره انتخابات به موقع انجام شد - به جز در چند حوزه که به خاطر مهاجرت مردم امکان اجرای انتخابات نبود - و مجلس در زمان قانونی شکل گرفت و کار خود را آغاز کرد و من هم بار دیگر به ریاست مجلس انتخاب شدم. معلوم شد که در مجلس سوم هم تندروها اکثریت را دارند و ناگفته پیداست که مراجعات و گله‌ها و شکایت‌ها در این روزها تا چه اندازه وقت‌گیر و ناخوشایند است. از همان ماه‌های اول معلوم شد که این مجلس چه مشکلاتی در پیش دارد، به خصوص که مقرر بود برنامه پنج ساله اول که در دوره‌های قبلی به خاطر جنگ و روزمرگی‌ها، بودجه‌ها و برنامه‌ها امکان تصویب نداشت، در این دوره تصویب شود. کسری بودجه سال ۱۳۶۸ هم که رکورد بی‌سابقه‌ای به جای گذاشت و از ۵۰ درصد گذشت، کار برنامه و بودجه‌نویسی را دشوارتر کرده بود و توقعات بجای مردم سراسر کشور و به خصوص استان‌های درگیر در جنگ که به شدت عقب افتاده بودند، فشار مضاعفی بر نماینده‌گان داشت. خواننده‌گان محترم در جای جای کتاب نکات مهمی از این نظر مشاهده می‌کنند.

استعفای عجیب نخست‌وزیر

در حالی که رأی اعتماد به کابینه را در دستور مجلس داشتیم، آخر وقت آن روز آیت‌الله موسوی اردبیلی تلفنی اطلاع دادند، آقای مهندس [میرحسین] موسوی از سمت نخست‌وزیری استعفاء داده‌اند. مشکل عجیبی از این اقدام عجیب‌تر پیش آمد؛ آن شب با هر جا که تماس گرفتیم دسترسی به مهندس موسوی مقدور نشد.

در چنین حالی فردا جلسه مجلس شورای اسلامی تشکیل شد و موضوع کابینه در دستور بود. باز هم خبری از نخست‌وزیر که پنهان شده بود، به دستمان نرسید. نمی‌خواستیم خبر استعفا پخش شود، اما معلوم شد که روزنامه جمهوری اسلامی خبر استعفا را با خطوط



درشت تیتر کرده است. مجلس در وقت مقرر تشکیل شد و پس از سخنرانی‌های پیش از دستور، به خاطر نداشتن دستور دیگری غیر از بحث کابینه، جلسه را تعطیل کردند.

سران قوا، برای کسب نظر امام(ره) در این معضل خدمت ایشان رفتیم. بعد از مذاکرات طولانی، قرار شد استعفا پذیرفته نشود. عصر آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست‌وزیر] اطلاع داد که مهندس موسوی می‌گوید در استعفا جدی است، ولی حاضر است تا تشکیل دولت جدید کابینه را اداره نماید و البته ایشان در اوایل خرداد ماه هم از امام(ره) اجازه خواسته بود که استعفا بدهد، ولی امام(ره) مخالفت کرده بودند.

امام(ره) اختیارات تعزیرات حکومتی را که تا این زمان در دست دولت بود، پس گرفتند و به مجمع تشخیص مصلحت واگذار نمودند. رسانه‌ها فردای آن روز خبر پس گرفتن استعفای نخست‌وزیر را منتشر کردند، و مجلس در دو روز ۲۰ و ۲۱ شهریور، بحث کابینه را در دستور داشت و بحث‌ها بسیار داغ و شنیدنی بود و علیرغم اینکه اکثریت نمایندگان از جناح خود دولت بودند، به خاطر حوادث بعد از استعفا سه وزیر رأی نیاوردند و اکثر وزراء هم با رأی ضعیفی انتخاب شدند و بالاخره ماجرا به خیر گذشت و دولت به کار خود ادامه داد.

برنامه پنج ساله اول

در این گیر و دار مجلس مشغول بررسی برنامه پنج ساله اول بعد از پیروزی انقلاب بود، با آن همه کمبود مالی و نیازهای بی‌حد و حصر بعد از جنگ و وضع مبهم آتش‌بس - در حقیقت حالت نه جنگ و نه صلح - و جالب اینکه همان‌روزی که خبر استعفای نخست‌وزیر علنی شد، اعضای کمیسیون برنامه و بودجه، پیش‌نویس برنامه اول را برای مشورت به جلسه سران قوا آوردند. در این کتاب و خاطرات سال ۶۸ مطالب زیادی درباره برنامه اول می‌خوانید؛ البته گزارش‌های مجلس و کمیسیون‌ها در این مورد خوشبختانه در دسترس محققان و خواندنی است.

مسئله مهم در این برنامه، اجازه استفاده از منابع ارزی و تسهیلات خارجی بود که هم بحث‌ها و هم آثار مهم اجازه در بازسازی و سازندگی در آن اوضاع قحطی ارز و اعتبار و هم بعضی از عوارض سیاسی منفی آن است که در این سال و سال‌های بعد می‌خوانید و

همین بحث‌ها به صورت داغ درباره بودجه سال ۱۳۶۸ هم بود و کمیسیون برنامه و بودجه با استدلال‌های قوی، توانست بر مخالفان تندرو پیروز شود و اجازه استفاده از منابع خارجی را برای طرح‌های عمرانی و بازسازی از مجلس بگیرد که بعد از جنگ بسیار ضروری بود.

در جلسات روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفند ۱۳۶۷ بحث‌های مجلس و حتی جلسات خارج از جلسه، داغ و خواندنی است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام

اختلافات حل نشده بین نظرات مجلس و شورای نگهبان، باعث معوق ماندن بسیاری از مصوبات مجلس و مایه دلسردی نمایندگان و کارشناسان بود.

بالاخره امام(ره) با تیزبینی و آینده‌نگری مخصوص خودشان، این معضل را با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که حقیقتاً جای آن در ساختار نظام خالی بود، حل کردند و حکم تأسیس آن و اعضا و اختیارات آن را صادر کردند و از آن به بعد در بعد قانونگذاری که در مواردی به بن‌بست رسیده بود، دیگر دچار مشکلی نشد و طبعاً در یک نظام ایدئولوژیک مثل نظام اسلامی، هیچ‌گاه بدون چنین نهاد داوری، نمی‌شود قوانین مناسب زمان‌ها و مکان‌های متغیر و نیازهای نو را وضع و اجرا کرد. این اقدام از نمونه‌های مهم افتخارآمیز تدابیر و نوآوری‌های امام راحل است که فقط از یک مرجع تقلید و پیشوای بسیار محبوب و متنفذ است که می‌تواند چنین حکیمانه تدبیر کند.

از همان روز اول سال ۶۷ مذاکره درباره تصویب آئین‌نامه مجمع توسط امام(ره) در میان بود. نظر شخص امام(ره) در حوزه اختیارات مجمع براساس نظرات فقهی و سیاسی‌شان خیلی وسیع بود و اصرار داشتند که مجمع می‌تواند در هر مرحله از سیر قوانین آن را بخواهد و نظر بدهد.

ولی با اصرار سران قوا که آن را عامل دلسردی مراکز قانون‌گذاری می‌دیدند و نگران احساس مسلوب الاختیار بودن آن نهادها بودند، امام(ره) کوتاه آمدند. روز دوم فروردین هم در همین بحث درگیر بودیم تا به آن آئین‌نامه رسیدیم.

باز کردن فضای کشور برای فعالیت بخش خصوصی

از سال‌های اول انقلاب، به خاطر افکار انقلابی و تحت تأثیر بحث‌های رایج جهانی در مورد تبعیض‌ها و نظام طاغوتی و نقش کارشناسان و نقادان سوسیالیسم و مارکسیسم در دولتی کردن امور اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، قوانین، آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و اقدامات فراوانی در دولتی کردن امور و محدود کردن بخش غیردولتی در جریان بود و رفته رفته ضررهای این استراتژی‌ها برای متفکران جامعه روشن می‌شد و به خصوص که علائم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اردوگاه شرق هم در افق دیده می‌شد.

در سال ۶۷ شاهد اوج تفکر باز کردن فضای اقتصادی و فرهنگی و آموزشی برای بخش خصوصی بودیم و امام(ره) در این میدان پیشتاز بودند.

در شورای‌عالی بازسازی و سازندگی، بحث‌ها و پیشنهادهای زیادی در مورد باز کردن فضای کسب و کار به منظور ایجاد رفاه مردم و نجات از نظام کوپنی و سهمیه‌بندی نیازهای مصرفی جامعه داشتیم و البته مخالفان هم کم و بیکار نبودند. بحث‌های زیادی در شورا و در مجلس و در جامعه و رسانه‌ها خودنمائی می‌کرد.

بالاخره در مصوبات شورای عالی بازسازی و سپس در بودجه سال ۱۳۶۸ و برنامه اول و صادرات و واردات و قیمت‌ها و در رفع محدودیت‌های فراوان، آثار مثبت آن مشاهده شد وکم کم رونق بازار تندروهای چپ کم شد.

سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی

پخش خبر انتشار کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ و عکس‌العمل سریع و قاطع امام(ره) در اعلان حکم ارتداد سلمان رشدی و مهدورالدم بودن او به صورت یک انفجار بزرگ سیاسی در فضای رسانه‌ای جهان در اوج قرار گرفت و دستور امام(ره) به ما و رسانه‌ها درخصوص ابراز مخالفت و بحث‌های مخالف و موافق در سطح جهانی، مسئله مهم روز شد.

اعلان جایزه از سوی بنیاد ۱۵ خرداد برای قاتل سلمان رشدی و اعلان آمادگی‌ها از سوی بعضی احزاب و افراد، عکس‌العمل‌ها را تندتر کرد. بروز عکس‌العمل‌های تند از سوی دولت‌های غربی و غیره و کشیده شدن آن به سطح فراخوان سفیران و قطع روابط و

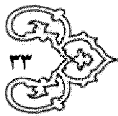
فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه انقلاب اسلامی، خیلی از امور عادی را تحت‌الشعاع قرار داد.

چون سلمان رشدی تحت حمایت انگلیس قرار گرفت، نمایندگان مجلس طرحی برای قطع رابطه با انگلیس ارائه کردند. کلیات طرح تصویب شد ولی پیشنهاد مشروط کردن قطع رابطه به عدم محکومیت کار رشدی از سوی انگلیس، بحث جدیدی پیش آورد. انگلستان از کاردار ما خواسته بود که قطع رابطه تصویب نشود و در مورد چگونگی محکوم کردن پرسیده بودند؛ جواب داده شد که به مضمون مصوبه عمل کنند ولی چون نیم بند عملی کردند طرح تصویب شد و در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۶۷ اعلان قطع رابطه شد.

اتفاقاً آن روزها آقای [ادوارد] شواردنادزه وزیر خارجه شوروی برای تسلیم جواب نامه امام(ره) در ایران بود و در ملاقات با من توصیه کرد بیش از این روابط با غرب را تیره نکنیم.

نامه تاریخی امام(ره) به آقای گورباچف

تحت تأثیر شکست شوروی در افغانستان و مشکلات ناشی از دولتی بودن همه امور در کشورهای سوسیالیستی و شروع مخالفت‌ها در جمهوری‌های شوروی و کشورهای کمونیستی بلوک شرق، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در افق به چشم می‌خورد. امام(ره) در جلسه سران در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۶۷ گفتند که بنا دارند نامه‌ای به گورباچف [صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی] بنویسند و بعداً احمدآقا متن پیش‌نویس نامه امام(ره) را برای مشورت در جلسه سران قوا مطرح کرد و در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۷ هیأتی از سوی امام(ره) به ریاست آیت‌الله جوادی‌آملی برای تحویل نامه امام(ره) به مسکو رفتند. این خبر و مضمون نامه مثل بمب در دنیا منفجر شد و گرفتن دست خانم دباغ از زیر چادر توسط آقای گورباچف که برخلاف رویه معمول ایران بود، چاشنی خبر شده بود؛ و وقتی آقای شوارد نادزه جواب نامه را آورد و امام(ره) برخلاف رویه معمولشان به ایشان ملاقات دادند، باز هم خبر داغ‌تر شد.



بعضی از مسائل مهم خارجی

مسائل اختلافات داخلی لبنان و به خصوص درگیری‌های خونین بین حزب‌اله و امل از مسائل مشکل ما بود. تلاش زیادی شد تا جلوی عمیق‌تر شدن تفرقه شیعیان لبنان گرفته شود. مسائل داخلی الجزایر و شورش‌های وسیع و کشتارها در این کشور مایه نگرانی بود و برای حل آنها هم تلاش‌هایی صورت گرفت. مسئله دیگر سقوط هواپیمای آمریکائی در اسکاتلند و مرگ ۲۷۳ سرنشین آن که در ابتدای پخش خبر حدس‌های سیاسی مبنی‌بر تروریستی بودن حادثه بود و انگشت‌های اتهام به سوی خیلی از جاها ازجمله ایران، لیبی، فلسطین و لبنان و.... بلند می‌شد. گرچه پس از بررسی، اعلان شد فرسوده بودن هواپیما عامل سقوط است، اما مسئله تمام نشد و به صورت سریال دنباله‌دار در مقاطع مختلف به مناسبت‌های گوناگون مطرح می‌شد.

سال‌های بعد بالاخره لیبی مسئول حادثه شناخته شد، و شخصی به نام «المقراوی» از اهالی لیبی محکوم به حبس ابد شد و باج‌های زیادی از لیبی گرفته شد و به تازگی بار دیگر آن حادثه مسئله‌ساز شده؛ چون دولت اسکاتلند به عنوان یک مسئله انسانی، به خاطر اینکه معلوم شد المقراوی مبتلا به مرض خطرناکی است و روزهای آخر عمر را می‌گذراند، اجازه داد او به لیبی تحویل داده شود. در سال ۱۳۸۹ با پیش آمدن انفجار سکوی نفتی در خلیج مکزیک آمریکا و فوران روزانه شصت هزار بشکه نفت به آب‌های دریا و بروز ضررهای فراوان مادی و محیط‌زیستی، شرکت بریتیش پترولیوم مسئول شناخته شد. مخالفان، شرکت بی پی را عامل آزادی مقراوی اعلام کرده‌اند که برای گرفتن امتیازات فراوان نفتی از لیبی، لابی کرده است.

مسئله مهم دیگر اوضاع افغانستان بود که به نحوی ما را هم مشغول می‌داشت. بین ائتلاف هفت گانه احزاب سنی و ائتلاف هشت گانه احزاب شیعی اختلافاتی بود. در ایران برای حل مشکل جهاد افغانستان و تقویت همکاری آنها کنفرانسی برای تقویت هماهنگی‌ها در ایران برگزار شد. در ملاقاتی که با سران گروه‌ها داشتم، آقای [صبغت‌الله] مجدّدی به عنوان سخنگوی ائتلاف هفت گانه اهل سنت مقیم پاکستان و آقای خلیلی به عنوان سخنگوی ائتلاف هشت گانه شیعه مقیم ایران و آقای قاضی امین گزارش دادند و از کمک‌های جمهوری اسلامی تشکر کردند و بر اسلامی بودن ماهیت جهاد با اشغالگران و

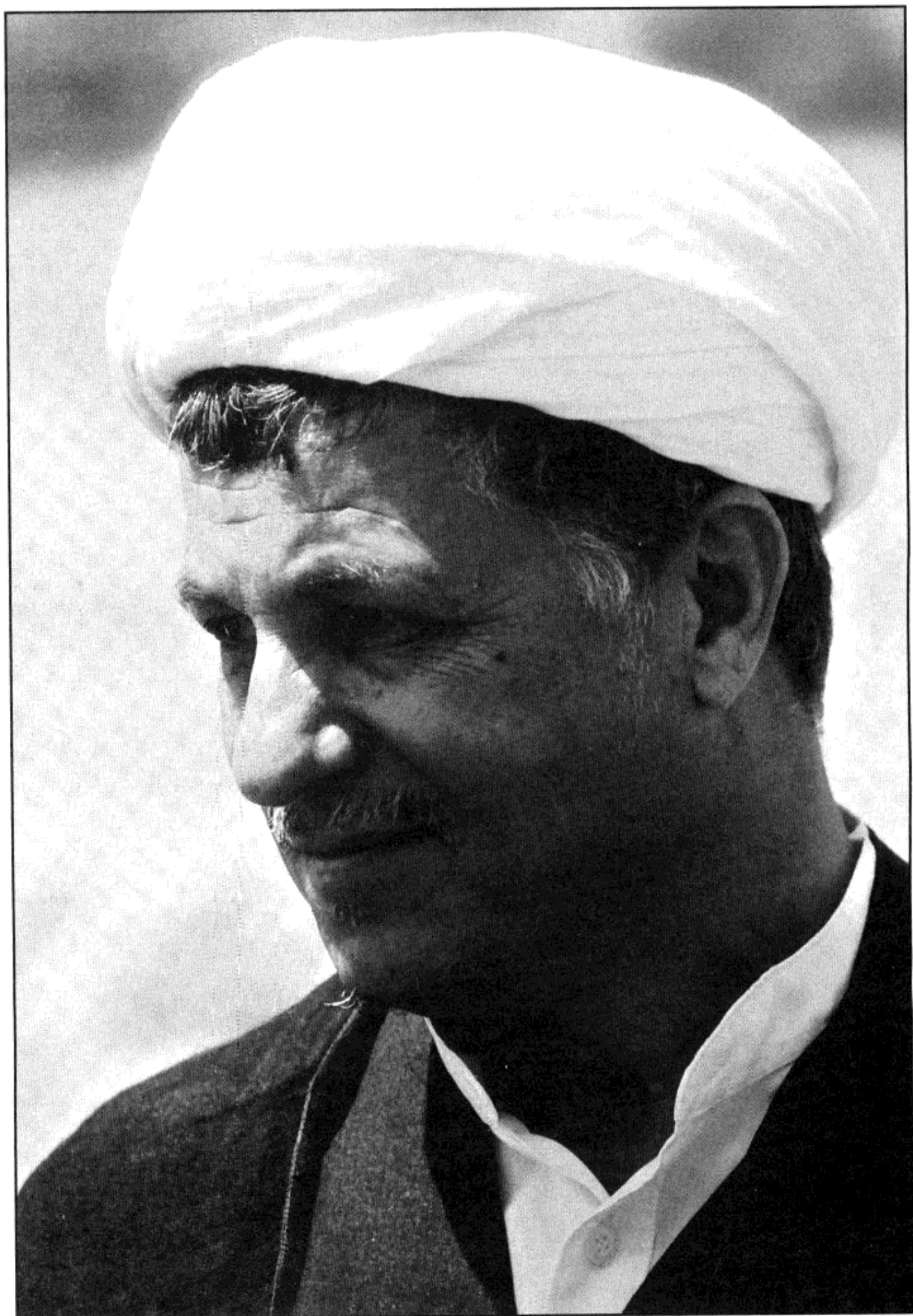
کمونیست‌های داخلی افغانستان تأکید نمودند و من هم درباره ضرورت وحدت و پرهیز از اختلافات مذهبی و خودداری از اقدامات افراطی تأکید نمودم.

اصلاح قانون اساسی و عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری

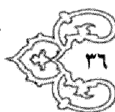
بعد از اجرای آتش‌بس در محافل سطح بالا، بحث اصلاح قانون اساسی در حیات امام(ره) مطرح می‌شد. بعد از آنکه در خرداد ماه رادیو آمریکا خبری از منابع داخلی در مورد ابتلای امام(ره) به سرطان پخش کرده بود، با اینکه خود ما در این باره اطلاعی نداشتیم و آن را کذب و شیطنت می‌دانستیم، اما نگرانی‌هایی در محافل خودی بر سر این احتمال به وجود آمده بود و پیشنهادهایی احتیاطی هم مطرح می‌شد؛ از جمله مسئله اصلاح قانون اساسی و حل بعضی از گره‌های کور در زمان حیات امام(ره) بود، اما روز آخر اسفند ماه، احمد آقا پیام امام(ره) را درباره مشورت عزل آقای منتظری و اصلاح قانون اساسی در جلسه سران قوا آورد.

قبلاً امام(ره) به سران قوا اطلاع داده بودند که بنا دارند آیت‌الله منتظری را از جانشینی رهبری خلع کنند و درباره اینکه چگونه انجام شود، مشورت کرده بودند و خودشان راهکارهای ۱- حکم مستقیم خودشان ۲- احضار اعضای خبرگان و اعلان عدم صلاحیت و پیشنهاد عزل ایشان به خبرگان را مطرح کردند. جلسه سران پس از بحث زیاد، ضمن ابراز نگرانی از موضوع عزل آقای منتظری، نظر داد که در صورت تصمیم امام(ره)، اولاً باید قبلاً امام(ره) در نامه‌ای مستدل به ایشان و دیگران تصمیم را اعلام بفرمایند و راه را برای رفع اشکالات باز بگذارند و در صورت عدم حصول نتیجه و رسیدن به تصمیم قطعی، ابتدا قانون اساسی اصلاح گردد و سپس اقدام به عزل براساس قانون اساسی جدید بشود.

اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۳۸۹/۵/۱۵



آیت الله هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۷



یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خداوند کریم را شاکریم که به ما توفیق عطا فرمود تا کتاب دیگری از مجموعه کارنامه و خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به پژوهشگران، مورخان و علاقمندان به تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی تقدیم نمائیم. آنها که با روال کار انتشار این مجموعه آشنایی دارند، می‌دانند که هر سال یادداشت‌های روزانه یکی از سال‌های پرافتخار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تنظیم و چاپ می‌شود.

این یادداشت‌های شخصی از اول فروردین سال ۱۳۶۰ آغاز شده و به لطف خداوند متعال، نگارش آن تا به امروز ادامه دارد. کتاب «عبور از بحران» حاوی کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰، چهارده سال پیش منتشر شد و تاکنون بیش از ده بار تجدید چاپ شده است. استقبال گرم و صمیمی فرهیختگان جامعه از این یادداشت‌ها، ما را به ادامه راه مصمم‌تر ساخته و بحمدالله از آن سال، بی وقفه هر سال حداقل یک کتاب به زیور طبع آراسته شده است.

آخرین کتاب منتشر شده با عنوان «دفاع و سیاست»، سال گذشته در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد و در این مدت کوتاه، شش بار به چاپ مجدد رسید. علاوه بر نقدها، مقالات و مطالب مندرج در نشریات، رسانه‌های جمعی و تارنماهای اینترنتی، تماس‌های دلگرم کننده‌ای از تهران و شهرهای مختلف کشور و همچنین از طرف

هموطنان ارجمند مقیم خارج از کشور دریافت می‌کنیم. در غرفه دفتر نشر معارف انقلاب در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز نظرات بازدید کنندگان در دفتری ثبت شده و به نظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌رسد.

بخش بزرگی از بازخورد مخاطبان کتاب‌های خاطرات، به درخواست هم میهنان عزیز به ادامه انتشار خاطرات و اظهار لطف اختصاص دارد. گاهی نظرات ارزشمندی درباره محتوای یادداشت‌ها و یا اسناد انتشار یافته در کتاب و همچنین پیشنهادهای سازنده در خصوص غنی‌تر کردن کتاب و رفع کمبودها و نقایص ارائه می‌شود که بسیار قابل استفاده و مفید است. گاهی عکس، نامه و یا سندی به دستمان می‌رسد که از نظر تاریخی بسیار مهم و جالب است. چنین مواردی در چاپ‌های بعدی مورد استفاده واقع می‌شود. کوتاه سخن اینکه از این همه لطف و مرحمت مخاطبان ارجمند کتاب‌های دفتر نشر معارف انقلاب، صمیمانه سپاسگزاریم و امیدواریم این ارتباط دو سویه، همچنان پابرجا و مستدام باشد.

دفتر نشر معارف انقلاب به خود می‌بالد که توفیق آن را یافته است که سهمی ولو اندک در این کار ماندگار داشته باشد و صفحاتی بر تاریخ زرین انقلاب اسلامی و یادمان روزهای دفاع مقدس بیفزاید. تشویق و ترغیب فرهیختگان و ملت شریف و فهیم ایران اسلامی و دلباختگان راه امام(ره) ما را در ادامه مسیر، مصمم‌تر ساخته است تا تلاش خود را برای انتشار کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی افزون‌تر کنیم.

در سال ۱۳۶۷ که سال بسیار با اهمیتی در فراز پایانی دفاع مقدس و آغاز مرحله بازسازی کشور می‌باشد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشینی فرمانده کل قوا و فرماندهی جنگ را عهده دار بودند. همچنین ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام خمینی(ره) در شورای عالی دفاع و عضویت در شورای عالی بازسازی کشور را برعهده داشتند و به دلیل نزدیکی به امام، عملاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های کلان کشور، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند.

بنابراین مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها به صورت روز نوشت به رشته تحریر در آمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال‌ها می‌باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایه مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ــ که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته‌ای دارند ـ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکس‌ها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

همچنین تشکر ویژه دارم از همکاری و مساعدت ارزشمند برادر و دوست عزیزم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب آقای حمید انصاری و همکاران تلاشگرشان در دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که قبول زحمت کردند و مانند سال‌های گذشته، کتاب‌های دفتر از جمله این کتاب را مطالعه کردند و نظرات صائب و مفیدی را ارائه دادند. امیدوارم این همکاری استمرار داشته باشد.

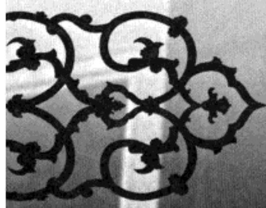
از درگاه خداوند سبحان مسئلت می نمائیم، توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

در پایان لازم می دانم از تلاش‌های همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان متین جنتیان، سید علی نقی موسوی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، مجید اسدی، مسعود هاشمی، اشکان هاشمی، عباس باقی و سرکار خانم کاشانی‌زاده و همچنین ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفترنشر معارف انقلاب

محسن هاشمی

زمستان ۱۳۸۹



فروردین ۱۳۶۷

بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه ۱ فروردین | ۲۰ رجب ۱٤۰۷ | ۲۱ مارس ۱۹۸۷

ساعت هشت صبح به دفتر حضرت امام رفتم . آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله [موسوی] اردبیلی، مطابق قرار قبلی آمده بودند[۱]. خدمت امام رفتیم. از ایشان تقاضا کردیم از پناهگاهی که برای ایشان در جوار منزلشان درست شده ، در مواقع خطر استفاده کنند. ایشان چون اصابت موشک به منزلشان را احتمال ضعیفی می‌دانند ، آمادگی ندارند تا به پناهگاه بروند. استدلال‌های ما بی تأثیر نبود ، ولی قول جدی هم ندادند. فرمودند موشکی که ساعت یازده و نیم دیشب به منطقه فرمانیه خورد ، صدای مهیبی داشت.

سپس درباره آئین نامه مجمع تشخیص مصالح حکومتی مذاکره کردیم. این آیین نامه

---

۱ - آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور و آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی نیز ریاست قوه قضائیه را بر عهده داشتند.

را هنوز امضا نفرموده‌اند. گفتند ممکن است مسیر کار پیچیده و طولانی شود. رفت و برگشت متعددی بین شورای نگهبان و مجلس لازم است. بالاخره قرار شد در متن مصوبه جمله‌ای بگنجانند که در صورت تصویب، مجمع ، در هر مرحله‌ای بتواند موضوع را در دستور کار خود قرار دهد[1].

بخشی از اعمال عجیبی که در سفر بانه از دراویش «قادریه» دیده بودم، برای امام تعریف کردم. ایشان هم گفتند در جوانی چنین مناظری را دیده‌اند ؛ هم احتمال تردستی و چشم‌بندی است و هم احتمال بروز قدرت‌های روحی[2]. سپس در دفتر امام ، روی متن مورد نظر امام مشاوره کردیم و متنی را پیشنهاد دادیم.

به منزل برگشتیم . جمعی از محافظان برای دیدار عید آمدند . مشهدی‌رجب هم آمد و عیدی گرفت و درباره موشک دیشب که نزدیک منزلش فرود آمده است ، توضیح داد . اصابت موشک ، دو سه خانه را خراب کرده و هفت یا هشت نفر را کشته و چندین رأس گوسفند [تلف شده است] . عیدی محافظان را قبلاً داده‌ام؛ معمولاً هرسال هزار تومان به هر یک از آنها می‌دهم.

عفت و فاطمه و فائزه و سعید[3] و بچه‌هایشان، ساعت یک بعدازظهر به ایستگاه راه آهن رفتند که با قطار به رفسنجان بروند. محسن قبلاً رفته است؛ مهدی و یاسر هم در جبهه هستند. عفت سفارش کرد که حال آنها را بپرسم و به او اطلاع دهم. فرماندهان ارتش می‌خواستند برای مراسم عید بیایند که مطابق معمول، گفتم دید و بازدید نداریم.

ساعت چهار ونیم بعدازظهر ، موشک عراقی به فضای تهران رسید. از صدای آن به نظر می‌رسید در فضا منفجر شده است ؛ چون همین لحظه مشغول نوشتن خاطرات هستم، هنوز خبر سرنوشت موشک را دریافت نکرده‌ام. بعد از ساعتی معلوم شد که در منطقه بلوار ابوذر [در شرق تهران] به منطقه مسکونی خورده و ۹ نفر شهید و ۱۶ نفر مجروح داشته است .

محسن که از رفسنجان به تهران می‌آمد ، از نائین اطلاع داد که در بین راه یزد و نائین،

---

۱ - برای آگاهی بیشتر ← کتاب «پیشینه و کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام،» عباس بشیری، انتشارات صدف سماء، ۱۳۸۰.

۲ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، دفاع و سیاست سال ۱۳۶۶،» به اهتمام علیرضا هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸، صفحه ۵۰۳.

۳ - بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی است و فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر فرزندان ایشان و دکتر حمید لاهوتی و دکتر سعید لاهوتی دامادها و اعظم هاشمی پور، فرشته هاشمی و مریم سالاری عروس‌های آقای هاشمی هستند. همچنین سارا، مونا، حسن و علی لاهوتی و عماد، علیرضا، احسان، فواد، یاسین و لیلی هاشمی، نوه‌های ایشان هستند.

طوفان شن شدیدی وزیده و باعث شکسته شدن همه شیشه‌های ماشین شده و ماشین‌های زیادی نیز آسیب دیده‌اند. به همین خاطر شب را در نائین می‌مانـد کـه ماشین را درست کند.

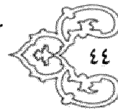
شب احمدآقا آمد . درباره متنی که امام می‌خواستند به آئین نامه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] اضافه کنند ، مشورت کردیم ؛ نظر ما این شد که در طرح‌ها و لوایح، بعد از تصویب مجلس و نظر اول شورای نگهبان و در مورد مسائل مهم کشور ، با کسب اجازه در هر مورد از امام عمل کنیم . با آقایان موسوی اردبیلی و خامنه‌ای [روسای قوای قضائیه و مجریه] هم تلفنی مشورت شد؛ آنها هم قبول کردند.

آقای [سید رضا] زواره‌ای [نامزد نمایندگی مردم تهران] ، تلفنی شکایت کرد که هیأت اجرائی ، صلاحیت نامزدی ایشان را رد کرده است.

سه‌شنبه ۲ فروردین | ۳ شعبان ۱۴۰۸   ۲۲ مِی ۱۹۸۸

در منزل بودم. با آقای [سید علی اکبر محتشمی پور] وزیر کشور ، درباره صلاحیت بعضی از نمایندگان فعلی برای مجلس آینده مذاکره کردم. گفت هیأت‌های اجرائی صلاحیت سیزده نفر از نمایندگان را رد کرده‌اند؛ اکثر آنها از خط محافظه کار و عده‌ای از خط مقابل هستند، من جمله آقایان [سید رضا] زواره‌ای، [عبدالرضا] اسدی‌نیا، [مرتضی] فهیم [کرمانی]، [سید احمد] حسینی سیرجانی، [سید فرج الله] افرازیده، [یونس] محمدی، [قاسم مهرزاد] صدقیانی، فواد کریمی، [جمشید] مزارعی، [قاسم] معماری، [سید محمد مهدی طباطبایی] شیرازی و [جعفر] شجونی و کاری از دست او برنمی‌آید. هیأت نظارت شورای نگهبان باید نظر نهایی را بدهد.

احمدآقا اطلاع داد که امام قیود پیشنهادی را نمی‌پذیرند و نظرشان این است که مجمع بتواند طرح‌ها و لوایح را در هر مرحله‌ای و مسائل مهم دیگر را بدون کسب اجازه موردی از امام در دستور کار قرار دهد. گفتم باعث دلسردی نهادهای نظام می‌شود و عملاً دیگران خودشان را بی‌اختیار می‌بینند و بی‌تفاوتی پیش می‌آورد؛ ایشان هم با نظر من موافق بود.



عصر موشک عراقی به تهران خورد. امروز عراق چند شهر را بمباران کرده و در سه روستای مریوان بمب شیمیایی انداخته است. دستور مقابله به مثل داده شد. ۳۶ ساعت از زدن شهرهای عراق خودداری کرده بودیم[1].

شب اخوی محمد [رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی] آمد و فیلمی را آورد که در ارتباط با بمباران شیمیایی شهر حلبچه تهیه کرده‌اند؛ خیلی وحشتناک و رقت‌بار است[2]. اگر در داخل ایران پخش شود، مردم از حمله شیمیایی متوحش می‌شوند. برای تبلیغات خارجی خوب است.

محسن از رفسنجان رسید. مشکل گرفتاری در طوفان شن در مسیر یزد- نائین را تعریف کرد؛ خطرناک بوده و همه شیشه‌های ماشین شکسته است.

چهارشنبه ۳ فروردین | ٤ شعبان ١٤٠٨ | ۲۳ می ۱۹۸۸

تا ساعت هشت و نیم صبح در منزل مطالعه کردم. برای دیدار با مجروحان جنگی به بیمارستان لقمان الدوله رفتیم. رئیس بیمارستان گزارش کوتاهی داد و گفت بیمارستان دارای پانصد تختخواب است که نصف آن بیمار دارد و حدود نصف این تخت ها، مجروحان جنگی و عمدتاً مصدومان شیمیایی شهر حلبچه و از مردم کرد عراق هستند و بقیه تخت‌ها را آماده پذیرش نگه داشته‌اند. معمولاً در ایام عید، بیمارستان خلوت می‌باشد.

---

۱ - رادیو بی بی سی در گزارشی حملات عراق به شهرها را چنین توصیف می کند: «در تقریباً سه هفته‌ای که از آغاز جنگ شهرها می گذرد، بیش از ۷۵ موشک به تهران و اطراف آن اصابت کرده و در مجموع ۱۰۰ موشک در خاک ایران فرود آمده است. نقاط مختلف تهران از جمله بیمارستان، ساختمان دولتی، سوپرمارکت و مجموعه مسکونی در این مدت مورد حمله قرار گرفته‌اند. پراکندگی نقاط هدف قرار گرفته، نشانه‌ای از خرابی در سطح وسیع به دست نمی‌دهد، اگر چه واضح است که تلفات زیاد بوده است. اکثر موشک‌هایی که به تهران اصابت کرده بیشتر از چند نفر تلفات نداشته اما گفته می‌شود که اصابت یک یا دو موشک به نقاط مسکونی، خرابی و تلفات زیادی به دنبال داشته است.» منبع : نشریه «گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی»، ۶۷/۱/۲، صفحه ۱۱.

۲ - شهر حلبچه در ۲۷ اسفند سال ۱۳۶۶ توسط جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش بعث عراق به طور وحشیانه‌ای بمباران شیمیایی شد. در این حادثه بیش از ۵ هزار نفر از مردم به ویژه زنان، کودکان و سالخوردگان این شهر قتل عام شدند. هنگام بمباران، حلبچه در تصرف ایران بود و جرم آنان استقبال از رزمندگان اسلام تلقی شد. گازهای سمی به کار رفته از سوی ارتش بعث عراق در حلبچه، گاز خردل، سارین، تابون و وی اکس بود که این بمب ها را برخی دولت‌های غربی به رژیم بعث عراق تحویل داده بودند.

صحنه‌های دلخراشی از وضع مردم حلبچه دیدم. زنان و اطفالی که از بستگان خود بی‌اطلاع بودند و مردانی که خبر از خانواده خود نداشتند. بچه‌ها از یک ماهه تا چند ساله... همگی از برخورد نیروهای ما و مسئولان راضی بودند. برای رساندن آنها به تهران خیلی کار شده است . خودشان مدعی بودند حدود شش هزار نفر کشته و بیش از آن تعداد مجروح دارند ولی مراجع رسمی ما می‌گویند، حدود دو هزار نفر کشته دارند. آمار هنوز دقیق نیست. چون در خانه‌ها و زیرآوارها و در بیابان‌های منطقه ، ممکن است افرادی باشند.

اکثراً مدعی اند که شهر حلبچه یکصدوسی هزارنفر جمعیت داشته که اغراق به نظر می‌رسد[۱]. اشخاص وارد خودمان ، حدود هفتادهزار نفر جمعیت اصلی را برآورد کرده‌اند که حدود نصف آنها در هنگام تصرف در شهر بوده‌اند. از نیروهای خودمان هم تعدادی مصدوم شیمیایی بودند که عمدتاً در عقبه بمباران شده بودند. در دزلی و سه راه حزب‌الله و بعضی‌ها در حلبچه و خرمال و بیشتر از لشکر علی‌بن‌ابیطالب(ع) هستند . روحیه خوبی دارند. اغلب از بیمارستان راضی بودند. مصاحبه‌ای کردم ، ولی احساساتی بودم. هدیه‌ای مختصر برای همه بیمارها بردیم: پسته و گل و کتاب.

به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم . امروز شرارت زدن شهرها از طرف عراق نداشتیم. آقای [ابراهیم] سنجقی[۲] آمد و زمان عملیات آینده را گفت. قرار شد به منطقه برود . عصر به منزل آمدم.

عفت از کرمان تلفن کرد و احوال محسن و مهدی و یاسر را پرسید. گفت خانواده امام هم در کرمان هستند. قرار است فردا هم به رفسنجان منزل شیخ محمد [هاشمیان][۳] بروند. گفتم به نوق[۴] هم بروند.

آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر ، تلفنی گفت چون امروز عراق شرارت نداشته، خوب است ما [زدن شهرهای عراق را] متوقف کنیم.

---

۱ - طبق آمار رسمی حلبچه در سال ۲۰۰۷ میلادی تعداد ۸۰ هزار نفر سکنه داشته است.

۲ - آقای ابراهیم سنجقی یکی از فرماندهان سپاه، رابط میان فرمانده کل سپاه پاسداران با آیت‌الله هاشمی فرمانده جنگ بود.

۳ - آیت‌الله هاشمیان نماینده ولی فقیه و امام جمعه رفسنجان و پسر عموی آقای هاشمی هستند.

۴ - نوق منطقه‌ای است در شمال غربی رفسنجان ، متشکل از چندین پاره آبادی و روستا که بهرمان یکی از روستاهای آن ، زادگاه آقای هاشمی می‌باشد.

شب احمد آقا آمد. او بر قاطع برخورد کردن و پذیرفتن عواقب جنگ شهرها، حتی با تعطیل کردن مدارس و خلوت کردن تهران و... تأکید داشت.

محسن، گزارش بررسی گروه موشکی [صنایع] سپاه [شهید همت] را از قطعات موشک‌های عراقی آورد که تفاوت‌هایی با اظهارات قبلی آنها دارد و هنوز هم احتمال تغییر نظریه می‌رود.[1]

پنجشنبه ٤ فروردین | ٥ شعبان ۱٤۰۸ | ۲٤ می ۱۹۸۸

دیشب در خواب دچار کابوس شدم ولی کوتاه بود: سنگینی حیوانی را روی بدنم احساس می‌کردم و نمی‌توانستم تکان بخورم. با ذکر خدا و استعاذه رفع شد؛ بی‌سابقه نیست. بارها نظیر این حالت برایم پیش آمده است.

بعد از نماز، محسن سرکار رفت. او صبحانه را سر کارش می‌خورد. محافظان صبحانه را حاضر کردند. اخبار رادیو صدای آمریکا را گرفتم. آمریکا هم عراق را به خاطر استعمال سلاح شیمیایی علیه مردم حلبچه، به صورت کمرنگ محکوم کرده و موج خوبی برخاسته است.

آقای سنجقی اطلاع داد، دیشب نیروهای ما ارتفاعی را در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ که دست به دست می‌گشت، تصرف کرده‌اند. هوا سرد شده است، خدا کند که به حد یخبندان و سرما زدن محصولات کشاورزی نرسد. معمولاً در این فصل که شکوفه‌ها باز می‌شود، چند روزی هوا سرد می‌شود.

برای مصاحبه با خبرنگاران خارجی به مجلس رفتم. تا ساعت ده و نیم صبح گزارش‌ها را خواندم. مرحله پنجم عملیات والفجر ۱۰ را دیشب انجام داده‌ایم و موفق بوده است.

ساعت ده و نیم که جلسه مصاحبه آماده شده بود، در همان لحظه وضعیت قرمز شد و

---

۱ - کارشناسان صنایع سپاه درباره موشک‌های روسی که به تهران اصابت می‌کرد، قبلاً نظر داده بودند که عراقی‌ها وزن مواد انفجاری موشک‌های «اسکاد بی» را از ۸۰۰ کیلو گرم به ۱۶۰ کیلو گرم – یعنی یک پنجم – کاهش داده‌اند و حجم مخزن سوخت آن را زیاد کرده‌اند تا برد آن از ۳۰۰ کیلومتر به ۵۰۰ کیلومتر افزایش یابد و به تهران برسد.

پنج موشک عراق به تهران خورد . لابد برای به هم زدن مصاحبه من این زمان انتخاب شده و تحت تاثیر مرحله پنجم عملیات والفجر ۱۰ بوده است. به جلسه مصاحبه رفتم و همان لحظه ششمین موشک هم رسید ولی من و حضار ، خونسردی خود را حفظ کردیم و مصاحبه به خوبی انجام شد[۱]. قبل از مصاحبه ، چند جمله‌ای صحبت کردم[۲]. و بعد به سوالات پاسخ دادم[۳]؛ مصاحبه تا ظهر طول کشید.

---

[۱] - رادیو بی بی سی در این باره چنین گزارش داد: « امروز در تهران همزمان با برگزاری مصاحبه مطبوعاتی علی اکبر هاشمی رفسنجانی، چند موشک عراقی منفجر شد. موریس جنت خبرنگار بی بی سی که در آن مصاحبه حاضر بود می‌گوید: هنگامی که هاشمی رفسنجانی در مجلس خود را برای گفت و گو با خبرنگاران آماده می کرد، چهار انفجار روی داد که صدای آن در ساختمان مجلس پیچید و کرکره پنجره‌ها را به تکان درآورد. هاشمی رفسنجانی در این هنگام که جنگ شهرها از سر گرفته شده بود، خونسردی خود را حفظ کرد و حرکتی از بیم و هراس از خود نشان نداد.»

[۲] - در ابتدای این کنفرانس خبری، آقای هاشمی از زحمتی که خبرنگاران برای رفتن به حلبچه تحمل کرده و باعث انعکاس این فاجعه بزرگ در دنیا شده‌اند، قدردانی و اظهار امیدواری کرد که وجدان خواب آلوده مراکز خبری دنیا فعال شود. نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع، سپس به ویژگی‌های عملیات والفجر ۱۰ و وجوه تمایز آن با عملیات قبلی اشاره کرد و گفت: «این اولین عملیات جمهوری اسلامی بود که با وجود مردم این منطقه در شهر صورت گرفت و بخش مسکونی قابل توجهی از عراق تصرف شد. جالب اینکه این چند شهر در تمام مدت جنگ در معرض برد توپخانه جمهوری اسلامی بوده‌اند و همین روزهای آخر، صدام ادعا کرده بود که با توپخانه این شهرها را مورد حمله قرار خواهد داد. شاید این در نوع خود بی‌نظیر باشد که کشوری، مردم شهرهای خود را به خاطر عدم همکاری با نیروهای نظامی‌اش، این گونه سفّاکانه بمباران کرده باشد.» آقای هاشمی با اظهار تعجب از عدم توجه مراکز خبری دنیا و ناظران جهانی و به ویژه دولت‌ها تأکید کرد: « فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه و شهرهای مجاور، کلاً در تاریخ محکمه‌ای خواهد شد که قدرتمندان نظامی، سیاسی و تبلیغاتی جهان در آن فراخوانده می‌شوند. اگر ماجرای استفاده از سلاح شیمیایی سال گذشته عراق، در سازمان ملل تأثیر کرده بود و عراق تنبیه شده بود، این فاجعه بار دیگر اتفاق نمی‌افتاد. امّا به جای تنبیه، ما دیدیم که نیروهای ناتو و حامیان رژیم عراق در خلیج فارس حضور یافتند و موشک‌هایی را که رژیم عراق فاقد آن بود، در اختیارش گذاشتند و این بار هم دیدیم که با مطرح کردن اما و اگرها و آوردن گزارش‌ها و قضاوت‌ها، به نحوی می‌خواهند که این فاجعه را لوث و مسئول این جنایت را به نحوی تبرئه کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[۳] - در این مصاحبه آقای هاشمی به سئوالات خبرنگاران روزنامه تایمز لندن، رادیو بی بی سی، تلویزیون سی ان ان، تلویزیون ای تی ان انگلیس، مجله بروکلی چاپ اتریش، کیهان عربی، واحد مرکزی خبر و روزنامه رسالت پاسخ داد. رادیو بی بی سی در گزارش خود چنین آورد: « از او پرسیدند که با توجه به اظهارات مقامات ایرانی مبنی بر اینکه موشک‌های شلیک شده به تهران ساخت شوروی است، آیا او از این بابت، به دولت شوروی اعتراض می کند؟ آقای هاشمی گفت: « کارشناسان ایرانی موشک‌های منفجر نشده را مورد ملاحظه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که این موشک‌ها در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ در اتحاد شوروی ساخته شده است. کارشناسان ایرانی ضمناً کشف کردند، تغییراتی به وسیله متخصصان شوروی در این موشک‌های اسکاد ساخت شوروی داده شده است. ما در نظر داریم که در مورد فروش این موشک‌ها به عراق با اتحاد شوروی صحبت کنیم. اما باید به‌خاطر داشته باشیم که اتحاد شوروی همسایه ماست و ما نمی‌خواهیم روابط‌مان با این کشور تیره شود.» هاشمی رفسنجانی از لحاظ سیاسی در مورد ادامه جنگ و نقش سازمان ملل متحد، لحن تندتری به اظهارات خود داد و گفت که شورای امنیت سازمان ملل متحد، در تلاش برای پایان دادن به جنگ، کار خود را درست انجام

ظهر آقای [فریدون] مهدی‌نژاد، گزارش آمادگی برای عملیات ویژه را داد. بعد از ناهار به منزل آمدم. عصر به مطالعه گزارش‌ها و تماشای ویدئو نشستم.

محسن دیر آمد. برای آزمایش موشک ۱۲۰کیلومتری سپاه [سجّیل] - آزمایش روی سکو - رفته بود . در آزمایش، نازل موشک ذوب شده و ادامه کار تا ساخت یک نازل مقاوم تر عقب افتاده است .

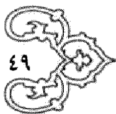
آقای سیداحمد موسوی از لبنان آمد و گزارشی از نتایج تحقیقات سفیر انگلیس در بیروت شرقی، درباره سرنوشت [سید محسن] موسوی و [احمد] متوسلیان، [تقی] رستگار مقدم و [کاظم] اخوان ربوده شده آورد. احتمال زنده بودن آنها را می‌دهند؛ رد پای آنها را تا یک زندان فالانژیست ها پیدا کرده‌اند[1].

جمعه ٥ فروردین | ٦ شعبان ١٤٠٨ ٢٥ می ١٩٨٨

در منزل بودم. محسن برای سرکشی به زمین‌های البرز و پسته کاری که از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب شروع شده است، دیشب به قم رفت. امروز بیشتر وقتم به تماشای تلویزیون و ویدئو و خواندن گزارش‌ها گذشت.

←نمی‌دهد. او گفت ما شواهدی که حاکی از قصد جدی شورای امنیت باشد، ملاحظه نمی‌کنیم و افزود که سازمان ملل متحد باید فوراً کارشناسانی به ایران اعزام دارد تا استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در کشتار غیرنظامیان را تأیید کنند. در این کنفرانس مطبوعاتی سرنوشت «تری ویت» فرستاده ویژه کلیسای کانتربری و «تری اندرسون» خبرنگار آسوشیتدپرس مطرح شد. گفته می‌شود که این دو نفر در اسارت کسانی هستند که با ایران پیوند عقیدتی دارند. هاشمی رفسنجانی گفت که نمی‌داند تری ویت زنده است یا نه. وی اظهار داشت که اگر امکان معامله‌ای برای آزادی او باشد، آماده کمک خواهد بود. اما مجدداً گفت که این امر مشروط بر آن است که دولت‌های بریتانیا و آمریکا، فالانژیست‌های مسیحی لبنان را برای آزادی ایرانیانی که آنها در اسارت خود دارند، تحت فشار بگذارند. در واقع دولت‌های غربی تصور می‌کنند که این گروگان‌ها دیگر زنده نباشند، اما هاشمی رفسنجانی گفت که باید زنده نبودن آنها ثابت شود.» منبع : نشریه گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱/۵ ، صفحه ۳۴ و ۳۵

۱ - در روز ۱۶ خرداد سال ۱۳۶۱ رژیم اسرائیل دست به حمله گسترده به لبنان زد و بخشی از خاک این سرزمین را اشغال کرد. آقای سید محسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، به اتفاق آقایان احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان در روز ۱۴ تیر ۱۳۶۱ در منطقه «برباره» توسط عده‌ای ناشناس ربوده شدند. گفته می‌شود نیروهای فالانژ به سرپرستی «ایلی حبیقه» و «سمیر جعجع» این چهار نفر را ربوده و پس از مدتی تحویل صهیونیست‌ها داده‌اند. تاکنون خبر موثقی که حاکی از زنده بودن یا شهادت این چهار نفر باشد، به دست نیامده است.



آقای سنجقی اطلاع داد که ادامه عملیات والفجر ۱۰ روی شاخ شمیران و سورمر و بردتکان در جبهه شروع شده و لشکرهای تهران در آن هستند. نیروها در بعضی نقاط به راس قله‌ها رسیده‌اند و درگیری ادامه دارد.

امروز شرارت‌های عراق کم بود. انتظار می‌رفت هنگام نماز جمعه موشک پرتاب کند که نکرد. موج تبلیغات علیه عراق در ارتباط با بمباران شیمیایی شهر حلبچه شدید است ؛ یا از دست استکبار خبری در رفته یا برنامه‌ای دارند؛ بیش از حد انتظار است.

عفت از رفسنجان تلفنی احوالپرسی کرد ؛ نگران یاسر و مهدی است که در جبهه‌اند. من هم خبری از آنها ندارم. آقای سنجقی اطلاع داد که ۹۵ درصد اهداف در ارتفاع مورد نظر به دست آمده است. قرار شد خبر مرحله ششم عملیات را فردا اعلام کنیم[1].

---

[1] - از نیمه دوم سال ۱۳۶۳ پس از آن که استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی، به اجرا در آمد، اولین دست از اقدامات خودی، سلسله نبردهایی زنجیره‌ای بود که با هدف تصرف سلیمانیه طراحی شد. اولین حلقه از این زنجیره، تصرف منطقه چوارتا بود که با اجرای عملیات والفجر۹ تحقق یافت. با پیروزی در این عملیات، نخستین خیز برای تصرف سلیمانیه با موفقیت برداشته شد. موفقیت در این عملیات که نشانه نتیجه بخش بودن نظریه «دو نبرد هم زمان در دو منطقه» قلمداد می‌شد، ثابت کرد که دشمن امکان ایستادگی در برابر تهاجم خودی در دوجبهه به طور هم زمان را ندارد. هم زمانی عملیات والفجر ۹ در زمستان، فرصت جلوکشیدن عقبه‌ها برای برداشتن خیز بعدی را ایجاد کرد، زیرا بخش مهمی از کوه‌های صعب‌العبور پشت سر گذاشته شده بود، لیکن متأسفانه با وجود ضعف دشمن، تدبیر پدافندی و سازمان مناسب برای پدافند عملیات در نظر گرفته نشده بود. در حالی که نزدیک به دو برابر اهداف از پیش تعیین شده به تصرف درآمده بود، پدافند ضعیف سبب گردید که تمام منطقه از دست برود و تلاش خودی بی‌ثمر بماند و براثر آن، به استراتژی عملیاتی جبهه شمالی لطمه وارد آید، احداث جاده‌ها و جلوکشیدن عقبه‌ها نیر ناقص بماند. آثار منفی این حوادث، تحقق اهداف واسطه‌ای بعدی را نیز بسیار دشوار ساخت. با عقب‌نشینی خودی از منطقه عملیاتی والفجر۹ شروع سلسله عملیات‌های پیش بینی شده در این منطقه، بیش از یک سال به تعویق افتاد و تا فروردین ۱۳۶۶ عملیات منظمی صورت نگرفت، به عبارت دیگر، در زمستان سال ۱۳۶۵ امکان اجرای عملیات هم زمان در دو جبهه شمالی و جنوبی به وجود نیامد و در فروردین ۱۳۶۶ در حالی که راهکارهای جبهه جنوب به تمامی بسته شده بود، دوره جدید جنگ در جبهه شمال آغاز شد. در دوره یک ساله رکود عملیات منظم در جبهه شمالی، عملیات نامنظم روند رو به رشدی داشت. قرارگاه رمضان که در استان‌های اربیل و سلیمانیه به ترتیب دو گروه دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق را به همکاری گرفته بود، در استان سلیمانیه موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد که عامل مهمی در آزاد سازی این استان شمرده می‌شد. در فروردین ۱۳۶۶ در محور سلیمانیه – ماؤوت دو عملیات منظم و نامنظم طرح‌ریزی شد تا هم زمان به اجرا در آیند. موفقیت در عملیات نامنظم به نتایج عملیات منظم بستگی کامل داشت، ولی عملیات منظم در وضعیتی اجرا شد که یگان‌های خودی از اول دی ماه ۱۳۶۵ تا فروردین ۱۳۶۶ براثر نبردهای شدید جبهه جنوب، تلفات فراوانی متحمل شده بودند. از سوی دیگر، نزدیک به چهار ماه جنگ سنگین، افت نسبی توان یگان‌ها را در پی داشت و از همه مهم‌تر، صعب‌العبور بودن منطقه و عدم احداث عقبه‌ها و جاده‌ها موجب گردید که نیروهای خسته خودی، قبل از دشمن با طبیعت نبرد کنند. براثر این عوامل، در عملیات کربلای ۱۰ تنها بخشی از اهداف تأمین شد، در نتیجه امکان الحاق دو عملیات منظم (کربلای ۱۰) و نامنظم (فتح ۵) فراهم نشد و کوه‌های صعب‌العبور، همچنان مانع بزرگی در الحاق نیروهای منظم و نامنظم بودند. در همین ایام ناوگان دریایی کشورهای بیگانه، به ویژه آمریکا، وارد خلیج فارس شدند. این اقدام که نیروهای خودی را به میدان دریایی فرا می‌خواند، سبب

شنبه ٦ فروردین | ۷ شعبان ۱٤۰۸ ۲٦ می ۱۹۸۸

در منزل بودم. آقای سنجقی اطلاع داد که منطقه تصرفی مرحله ششم عملیات تثبیت شده است. جاده وصل شده. نیروی کافی برای گام‌های بلند نیست ولی عملیات ادامه خواهد داشت. خوب است که امروز پیش از ظهر اعلان نشود. عصر اطلاع دادند که به نام عملیات بیت‌المقدس ۴ ، امروز اعلان شود که نشد و به فردا موکول شد[1].

فشارهای تبلیغاتی علیه جنایت عراق در حلبچه اوج می‌گیرد. [خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل ، صدام را محکوم کرده و اعزام کارشناس به منطقه را که تا امروز موافقت نمی‌کردند ، اعلان نموده است . آیت‌الله منتظری امروز را عزای عمومی اعلان نمودند و این مساله انعکاس خوبی یافت[2].

↲فرعی شدن جبهه زمینی شد و با وجود اجرای دو عملیات نصر ۴ و ۷، عملاً جبهه شمالی تا آذرماه همان سال فرعی بود و نگاه‌ها به وضعیت خلیج فارس و درگیری‌های آن جلب شده بود. پس از آذر ماه ۱۳۶۶، اگرچه عملیات‌های نصر ۸ و بیت‌المقدس ۲ و ۳ در جبهه شمالی به اجرا در آمد، لیکن از آن جایی که وضعیت پیش بینی شده تحقق نیافته بود، استراتژی برگزیده شده در این جبهه ناقص ماند، ضمن آنکه متقابلاً دشمن نیز برای تنگ کردن فضای فعالیت گروه‌های نامنظم، تلاشی را آغاز کرد، بدین‌ترتیب که با به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و حملات منظم، مردم منطقه را آواره ساخت و زمینه فعالیت چریکی را به حداقل رساند. مشکلات ناشی از نبرد زمستانی در کوهستان‌های اطراف ماووت، سبب شد که منطقه نبرد از ماؤوت به حلبچه که از مدت‌ها قبل مدنظر طراحان نظامی بود، برای اجرا برگزیده شد. بدین ترتیب عملیات بزرگ «والفجر ۱۰» در حلبچه انجام شد. این عملیات نیز حلقه‌ای از مراحل استراتژی عملیاتی محور سلیمانیه محسوب می‌شد. در این جبهه، دو عملیات «بیت المقدس ۴ و ۶» نیز در دو محور حلبچه و ماووت با موفقیت انجام گرفت، امّا «والفجر ۱۰» آخرین اقدام مهم خودی در دوران تعقیب متجاوز بود. در سلسله عملیات‌های دوران تعقیب متجاوز در شمال، اگرچه ارتش عراق آسیب‌های فراوانی دید، لیکن فرصت دادن به دشمن برای تجدید سازمان ارتش خود در جنوب و همچنین درگیر شدن نیروهای خودی در پدافند گسسته جبهه‌های متعدد، سبب گردید که قدرت واکنش خودی در برابر هجوم دشمن به فاو کاهش یابد، به خصوص که عراق تمرکز قوای خود در فاو را برای جلوگیری از سقوط حلبچه، بر هم نزده بود.

۱ – این عملیات با طراحی سپاه و فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا – که فرماندهی پدافند منطقه فاو را نیز برعهده داشت – در تکمیل عملیات حلبچه اجرا شد. نیروهای عمل کننده در همان ساعات اولیه موفق شدند ارتفاعات مهم منطقه همچون شاخ شمیران و شاخ سورمر را – که به سد دربندی خان مشرف هستند – تصرف کنند. متقابلاً، دشمن ضمن اجرای آتش شدید توپخانه، به بمباران شیمیایی منطقه پرداخت و پس از کاستن از توان یگان‌های خودی، پاتک کرد. به این ترتیب ادامه تک میسر نگردید، ولی ارتفاعات آزاد شده حفظ و تثبیت شد.

۲ – به دنبال صدور پیام آیت الله منتظری، مبنی بر اعلام عزای عمومی و گرامیداشت یاد شهدای بمباران شیمیایی شهرهای آزاد شده عراق، امروز کلیه دروس آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و همچنین استادان و مدرسان حوزه علمیه قم و مدارس دینی قم تعطیل شد. همچنین در این روز از سوی آیت الله منتظری، مجلس بزرگداشتی در مسجد اعظم قم برگزار شد و حجت الاسلام محمد تقی فلسفی در↲

نامه‌ای در خصوص فاجعه حلبچه به رؤسای مجالس دنیا نوشتم و به اخوی محمد گفتم برای هر یک از آنها ، یک نوار کاست فیلم مربوط هم تهیه نماید. وقت زیادی صرف نامه کردم که همه چیز در آن بگنجد[۱].

آقای [مرتضی] فهیم [کرمانی] تلفنی در مورد دادگاهش استمداد کرد. دادگاه ویژه روحانیت او را احضار کرده است.

[آقای محمد شریعتی] معاون پارلمانی وزارت کشور ، تلفنی از اینکه هیأت نظارت هنوز صلاحیت آقای فواد کریمی [نماینده اهواز] را تأیید نکرده - با اینکه اکثر موارد دیگر را تایید کرده - گله و استمداد کرد و گفت در همین ارتباط فرماندار اهواز را عزل کرده‌اند. آقای [مهدی]کروبی هم تلفنی در این خصوص استمداد نمود.

جلسه سران قوا در منزل احمد آقا بود. امام هم شرکت کردند. آقای خامنه‌ای در مسافرت هستند. درباره انتخابات بحث شد. پیشنهادهایی هست که به خاطر جنگ شهرها ، انجام انتخابات در شهرهای واقع در حوزه برد موشک عراق، منجمله تهران و شهرهای غرب و شمال غربی و جنوب غربی به تاخیر بیافتد. این نظر تایید نشد و امام هم موافق انجام انتخابات بودند و قرار شد انتخابات در زمان مقرر انجام شود.

در مورد مدارس هم قرار شد در اماکن در معرض خطر، مدارس باز نشود ولی اعلان آن را به هفته بعد موکول کردیم و دانشگاه‌ها هم قرار شد با احتیاط عمل کنند. آقای [علی اکبر] ولایتی [وزیر امورخارجه] هم در جلسه حضور داشت. در مورد اعزام نماینده به سازمان ملل، بنا به درخواست دبیر کل آن سازمان ، قرار شد اصل آن را بپذیریم، ولی با

↵آن سخنرانی کرد. نخست وزیر هم اعلام کرد به تأسی از آیت الله منتظری قائم مقام رهبری، دولت امروز را رسماً عزای عمومی اعلام می‌کند و عزای عمومی به معنی تعطیل ادارات نیست.

۱ - متن کامل این پیام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. در بخشی از پیام به رؤسای پارلمان کشورهای مختلف جهان آمده است: «رزمندگان فاتحی که پس از کشتار مردم توسط جانیان بعثی، از مرجع تقلید و رهبر خود حکم کیفیت برخورد با اموال فاسد شدنی و غیرقابل نگهداری مردم را می‌پرسند و برای غسل و کفن و دفن زنان و دختران که در آنجا از جنس خودشان و مردان محرم کسی برای غسل و کفنشان وجود ندارد، با دلواپسی کسب تکلیف می کنند و ماسک ضدگاز سمّی خود را به مردم بی‌دفاع شهر می‌دهند و داروی خود را که برای دفاع در مقابل گازهای سمّی بعثیان همراه دارند، برای نجات مردم مصرف می‌کنند و بیمارستان‌های صحرایی خود را که زیر آتش دشمن برای نجات مجروحان اورژانس خود تهیه دیده‌اند، به مردم عراق اختصاص می‌دهند و پیروزی مهم خود را ناتمام گذاشته و نیروی رزمی تبدیل به افراد خدماتی برای مردم آواره عراق می‌شوند که ده‌ها هزارشان را از معرض خطر مرگ نجات دهند، این انسان‌ها قهرمان‌اند و شایسته ستایش و متهم کردن اینان و لوث این حماسه‌ها، خیانت به ارزش‌ها و مصالح نسل‌های موجود و آینده بشریت است.»

نامه به رؤسای مجالس همه کشورهای جهان

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره: ۲۵۰/۳۴۰۰۸/د.ه
تاریخ: ۱۳۶۷/۱/۲۶
پیوست: دارد

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

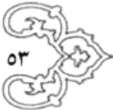
جناب آقای ... رئیس محترم مجلس ...

فاجعه قتل عام مردم شهر حلبچه و روستاهای اطراف به دست حکام بعث عراق از حوادث بسیار دلخراش و تلخ و شایسته توجه تمام آزادگان و دوستان جهان است و در نوع خود بی‌نظیر.

ما در تاریخ سراغ نداریم که حکومتی مردم خودش را در لحظاتی که نیاز به حمایت و دلجویی دارند اینگونه سبعانه و بیرحمانه به خاک و خون بکشد و از کسانی که به خرج خود مردم ~~[illegible]~~ و به قیمت فقر و نکبت آنها سرپا ایستاده‌اند با آتش و بمب و سم اینگونه به جان مردم بیفتند.

و در مقابل سربازهای [illegible] نظام کشور ما که در حال پیشرفت هستند برای نجات مردم کشور همسایه و همکیش خویش تهاجم خود را متوقف کرده و امکانات دفاعی و [illegible] و بهداشتی در درمان [illegible] و دقت کنند [illegible] میدان جنگ [illegible] خود را ایثار کردند و با [illegible] ناشی از بمباران شیمیایی [illegible] مناطق [illegible] وارد عمل شدند.

دستخط نامه به ریاست مجالس کشورهای جهان



جمهوری اسلامی
شنبه ۶ فروردین ۱۳۶۷ - ۷ شعبان ۱۴۰۸، شماره ۲۵۵۸، سال نهم
۱۲ صفحه
تکشماره ۲۰ ریال

امروز از سوی قائم مقام رهبری بمنظور بزرگداشت شهدای قتل عام شیمیایی مردم حلبچه و شهدای فلسطین عزای عمومی اعلام شد

امروز در پاکستان نیز عزای عمومی اعلام شد

محکومیت جهانی جنایت جنگی رژیم عراق در بمباران شیمیایی حلبچه

طی نبرد دلاورانه سپاهیان اسلام در منطقه عملیاتی والفجر-۱۰ در استان سلیمانیه

۵ شهر عراق آزاد شد

● نیروهای اسلام با آزادسازی شهرهای حورمال، حلبچه، دوجیله، طویله و بیاره و بیش از یکهزار کیلومتر مربع دیگر از خاک عراق، در اطراف شهر سیدصادق عراق مستقر شدند

● در این عملیات همچنین ۴۴۰۰ تن از نیروهای رژیم بعثی عراق به اسارت قوای اسلام درآمدند

● طی ۱۰ روز گذشته بیش از ۱۳۰ فروند موشک زمین به زمین به سوی مراکز نظامی، اقتصادی و صنعتی چند شهر مهم عراق هدف گیری و شلیک شد

● نیروهای رزمنده در جریان ۵ مرحله عملیات والفجر-۱۰ با انهدام کامل ۱۵ گردان، ۴ تیپ و یک لشکر ارتش عراق بیش از ۱۱ هزار تن از مزدوران بعثی را بهلاکت رسانده و یا زخمی کردند

● ۲۸ فروند از هواپیماهای مهاجم عراقی طی ۱۰ روز گذشته با آتش پدافند نیروهای اسلام سرنگون شدند

● خلبانان شجاع ارتش اسلام طی ۱۰ روز گذشته در ۱۳۶ ماموریت جداگانه مواضع و استحکامات دشمن در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ و تاسیسات نظامی و اقتصادی دشمن را در چند شهر عراق بشدت بمباران کردند

● شهر نوسود بدست توانمندان لشکر اسلام آزاد شد

امام امت طی پیامی بمناسبت فرا رسیدن سال نو:

جوانها باید تا آخر پیروزیهای بزرگ در جبهه‌ها را ادامه داده و علم را به دست صاحب علم بدهند

● وظیفه این است که ما همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا کنیم، چنانچه اولیاء ما این کار را کردند

● صدام حیوانی است که مملکت خودش را، افراد خودش را، اشخاصی که مربوط به خودش هستند آنها را بمباران شیمیایی می‌کند که شاید پاسدارهای ما به داد آنها برسند

امام خمینی در پاسخ به تلگرام تبریک فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

پیروزیهای دلاوران اسلام قلب مستضعفان را شادمان و صدام و اربابانش را عزادار ساخت

رئیس دیوانعالی کشور در خطبه‌های نماز جمعه دیروز تهران:

مرحله کنونی انقلاب اسلامی مرحله مقاومت است

صدام جز مرگ راه دیگری ندارد

پاسخ رئیس مجلس به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پیرامون مسائل مختلف جنگ تحمیلی

اسامی کاندیداهای نمایندگی ۱۹ استان کشور

● تعداد ۱۹۶۰ نفر در سراسر کشور برای سومین دوره مجلس کاندید شده‌اند.

رمان تحقق وعده الهی فرا رسیده

بسم الله الرحمن الرحیم

هفدهمین گردهمایی سازمان کنفرانس اسلامی با شرکت نمایندگان ۴۵ کشور عضو در امان گشایش یافت

رئیس حکومت کویت: زبانه‌های آتش جنگ ایران و عراق در اطراف کویت شعله‌ور شده است

آگهی استخدام و پذیرش دانشجو برای دوره تربیت کارشناس ارشد مدیریت دولتی

آگهی پذیرش دانشجو برای دوره تربیت کاردان و کارشناس امور اداری

آگهی احضار

تشکر و قدردانی

خانواده شهید

انالله و انا الیه راجعون

هیئت مدیره شرکت مخابرات جمهوری اسلامی ایران

مسابقه

مورد توجه امت حزب الله و امدادگران جنداله

آدرس ما: تهران - خیابان سمیه ... روزنامه جمهوری اسلامی - صفحه جبهه و جنگ

امام خمینی:

ستاد برگزاری مراسم میلاد امام حسین(ع) «روز پاسدار»

بازتاب رسانه ای عملیات والفجر ۱۰

تأخیر اقدام شود.

آقای سراج [الدین موسوی فرمانده کمیته های انقلاب اسلامی[1]] آمد. خواستار همکاری منظم بسیج مساجد در موقع حوادث بمباران با کمیته و انجام وظیفه تحت فرمان کمیته بود. قرار شد به سپاه گفته شود که همکاری کنند. با حضور امام درباره جنگ هم مذاکره شد.

یکشنبه ۷ فروردین | ۸ شعبان ۱٤۰۸ — ۲۷ می ۱۹۸۸

صبح زود محسن را برای نماز بیدار کردم. اطلاع داد که یاسر دیشب ساعت سه بامداد آمده. مجروح شده، پا و دستش ترکش بمب خورده است. به دفترم گفتم جایی در بیمارستان برایش رزرو کنند. ساعت هشت و ربع یاسر را بیدار کردم. با عصا از زیرزمین بالا آمد. حالش بد نیست. ماجرای عملیات و مجروح شدنش را تعریف کرد.

ساعت ده و نیم شب جمعه چهارم فروردین، همراه یک گردان از لشکر ۱۰ سیدالشهداء(ع)، با قایق از روی سد دربندیخان به طرف شاخ سورمر حرکت کرده‌اند. هنوز روی آب بوده‌اند که دشمن متوجه حمله شده و آتش روی قایق‌ها باز کرده است ولی به سلامت به ساحل رسیده‌اند و از ارتفاع بالا رفته‌اند و قله‌ای را که مامور تسخیر آن بوده‌اند ، تصرف نموده‌اند که در این هنگام صبح شده و نماز صبح را پس از فتح قله در همان جا خوانده‌اند. سپس از آنجا با آتش، واحد دیگری را که قله مجاور را بایستی تصرف کند ، پشتیبانی می‌کردند که تا ظهر طول کشیده و سپس ارتفاع را تصرف کرده‌اند و شصت نظامی عراقی را اسیر گرفته و تحویل گروهان یاسر داده‌اند که آنها را به پشت جبهه بیاورند و اینها که خط‌شکن بوده‌اند ، مواضع خود را به گروهان پدافند تحویل داده و به عقب برگشته‌اند.

---

۱ - «کمیته‌های انقلاب اسلامی» نهادی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد و وظیفه تأمین امنیت شهرها و مبارزه با مفاسد اجتماعی و قاچاق مواد مخدر را عهده دار بود. این نهاد در سال ۱۳۷۰ با شهربانی و ژاندارمری ادغام شد و «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» پدید آمد.

پس از گذشتن از آب، توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده‌اند که تعدادی از افراد آنها منجمله یاسر و امیر مهدی موسوی خوئینی‌ها و مزّینی مجروح شده اند که به مقر امداد منتقل و در آنجا پانسمان شده و به باختران [=کرمانشاه] اعزام کرده اند. در باختران هم مجدداً پانسمان شده‌اند و به هر یک دویست وپنجاه تومان داده و آنها را مرخص کرده‌اند که به تهران بروند. خودشان با اتوبوس به تهران آمده اند و ساعت یک بامداد به ترمینال [جنوب] تهران رسیده و با کرایه یک تاکسی به مبلغ دویست وپنجاه تومان، به خانه آمده بودند. تلفنی با عفت و بچه‌ها در رفسنجان صحبت کرد که پس از شنیدن خبر دچار ناراحتی نشوند.

آقا جلال ، یاسر و امیر مهدی را به بیمارستان لبافی‌نژاد برد و ظهر اطلاع داد که بستری شده‌اند و آقای مزینی را که او هم مجروح شده بود، پیش آنها بردند. آقای محمدرضا رجبی، کارمند دفترم را هم که به طور سطحی شیمیایی شده بود، به بیمارستان بردند.

به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم. به آقای امامی کاشانی [عضو شورای نگهبان] درباره تسریع در تعیین تکلیف نمایندگانی که صلاحیتشان ردشده است، تذکر دادم.

جمعی از رزمندگان تیپ ۶ ویژه پاسداران آمدند، برای آنها صحبت کردم[۱]. دکتر [عبدالله] جاسبی [رییس دانشگاه آزاد اسلامی] آمد و مشکلاتش را با وزارت فرهنگ و آموزش عالی گفت. آقای [عطاءالله] فضائلی [نماینده سمیرم] آمد؛ او از ماموران وزارت کشور گله داشت. [آقای سید علی حسینی تاش] قائم مقام فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. گزارش وضعیت نیرو و نیازها را گفت. از عدم همکاری نیروی دریایی ارتش شاکی است. آقای فاخری از ژنو آمد و مطالبی برای تقویت سیاست خارجی جنگ گفت .

---

۱ - در این دیدار ابتدا آقای صادق محصولی فرمانده تیپ ۶ ویژه پاسداران گزارشی به فرمانده عالی جنگ ارائه نمود. سپس آقای هاشمی سخنانی ایراد کرد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: « این روزها ما شاهد تحول قابل توجهی درجبهه‌های نبرد و در جبهه‌های سیاسی هستیم. صدام، حزب بعث عراق و حامیان او از هر جهت رو به سقوط و شکست پیش می‌روند. رزمندگان ما ثمره مقاومت‌ها و ایثارگری‌های خود را می گیرند. اگر ما می‌بینیم که این روزها بعثی‌های عراق کارهای جنون آمیزی انجام می‌دهند، این عمل برای افراد شکست خورده طبیعی است. صدام این عمل را یک نوع انتقام از این دو ملت ارزیابی می کند، چون می‌داند این دو ملت در آینده با هم برای اسلام همکاری خواهند کرد. همین دیشب باز مسئولان عراقی رسماً اعلام کرده‌اند که ما برای دفاع از خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنیم. معنای این حرف اعتراف ضمنی به ارتکاب جنایات است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

یاسر هاشمی فرزند رئیس مجلس مجروح عملیات بیت‌المقدس ٤

رزمندگان اسلام تا احقاق حقوق حقه خود دست از جنگ با دشمنان اسلام برنخواهند داشت

یاسر هاشمی فرزند ۱٦ ساله حجة‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که در عملیات بیت‌المقدس ٤ مجروح شده است در گفتگویی با خبرنگار ما از همهٔ جوانهای غیرتمند خواست تا به فرمودهٔ امام امت جبهه‌ها را پُر کنند.

وی ابتدا پیرامون نحوهٔ مجروح شدن خود گفت: این حقیر در عملیات بیت‌المقدس ٤ مجروح شدم و نحوهٔ مجروح شدنم به این شکل بود که برای انجام عملیات به خط مقدم رفته بودیم و در حال برگشت از ناحیهٔ پا و دست مجروح شدم، بخواست خدا عملیات بسیار خوب بود و مناطقی که باید فتح می‌شد کاملاً از تصرف عراق بیرون آمد والبته در این عملیات تعدادی زیادی غنائم جنگی بدست نیروهای اسلام افتاد.

یاسر هاشمی افزود: این سوسن بارست که به جبهه‌ها خواهد داد.

وی اضافه کرد: سکوت مجامع بین‌المللی دقیقاً در راستای حفظ منافع استکبار جهانی است لذا ما منتظر اعلام موضع آنان نمی‌شویم و جواب قاطع و مثبت را در جبهه‌ها به صدام و حامیان او خواهیم داد.

یاسر هاشمی فرزند رئیس مجلس شورای اسلامی که در یکی از بیمارستانهای تهران بستری بود در ادامه یاد کرد: حامیان صدام بدانند که حرکات بوقلمون آنان از دید دقیق رزمندگان ما دور نخواهد ماند.

وی آنگاه شروع جنگ شهرها توسط عراق را ضعف نظامیان او در مقابله با رزمندگان اسلام یاد کرد و اظهار داشت: رژیم عراق این ...

بازتاب مصاحبه یاسر هاشمی در بیمارستان لبافی نژاد در روزنامه رسالت

عصر تا غروب در دفتر کارکردم. آقای [رضا] امراللهی [رییس سازمان انرژی اتمی] مدعی است تکنیک تهیه آب سنگین را به دست آورده است و بودجه می‌خواهد.

آقای قاسمی آمد. از مشاهداتش در حلبچه گفت و در مورد اختصاص امکانات بیشتر به نیروهای سپاه که مرتب عملیات می‌کنند، پیشنهادهایی داشت و از اینکه بودجه زیادی به ارتش می‌دهیم، ناراحت است.

شب به منزل آمدم. محسن که برای دیدن یاسر، به بیمارستان رفته بود، آمد و گفت حالش خوب است. موشک‌های امروز عراق را دیده بود. در نقاطی دیده‌بان گذاشته‌ایم که با رؤیت موشک‌ها اطلاع می‌دهند تا که قبل از اصابت موشک وضعیت قرمز اعلان شود و پدافند آماده باشد. آنها ندیده اند و بدون اعلام وضعیت قرمز، موشک اصابت کرد.

دوشنبه ۸ فروردین | ۹ شعبان ۱٤۰۸ — ۲۸ می ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. به باغ شیان رفتم تا از پروژه های شهاب ۱ و ۲ سپاه که موشک‌هایی با سوخت جامد و مایع است، بازدید کنم؛ تا ساعت یازده شب طول کشید.

ناهار را همان جا خوردیم. محسن هم با من بود. پیشرفت‌های خوبی دارند، ولی کار خیلی پیچیده است[۱]. ساعت یازده و نیم به خانه رسیدیم.

عفت از رفسنجان آمده بود. یاسر هم از بیمارستان مرخص شده بود. جراحان مصلحت ندیده‌اند که فعلاً ترکش بمب را از پایش درآورند. عفت می گوید به دلش برات شده بود که یاسر مجروح خواهد شد. خود من هم سه هفته قبل خوابی دیده بودم که همان موقع در دفترچه خاطراتم نوشتم و خودم تعبیر به مجروح شدن یاسر کردم و همان موقع صدقه دادم[۲].

از جبهه خبر دادند که منافقین و عراقی‌ها با هم به لشکر ۷۷ در فکه حمله کرده‌اند و یک خاکریز را تصرف کرده‌اند، ولی ارتش حمله را دفع کرده و پس گرفته است. عراقی‌ها امروز سه موشک به قم زده‌اند.

سه‌شنبه ۹ فروردین | ۱۰ شعبان ۱۴۰۸ ۲۹ می ۱۹۸۸

در منزل بودم. سر صبحانه، یاسر مقداری از جزئیات عملیات گفت. در سمت کمک

---

[۱] - آقای هاشمی در پایان بازدید از صنایع موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «بازدیدی که از بخشی از صنایع موشکی سپاه امروز به عمل آمد، به خاطر اولویتی است که به این مسئله می دهیم. خوشبختانه آنچه که اطلاع و انتظار داشتیم در این بازدید بهتر از آن را دیدیم و نیروهای حزب اللهی و متخصص که در این صنایع کار می‌کنند، آنها هم همین برداشت ما را دارند و عجله‌ای که ما برای توسعه کار داریم، خیلی بیشتر در آن‌ها دیده شد و گام‌هایی که در این یک ماه برداشته‌ایم، به اندازه حرکتی است که در چند ماه انتظار داشتیم. ما انتظار داریم با تلاشی که الان اوج گرفته، در زمانی کمتر از آنچه فکر می‌کردیم به چنان قدرت موشکی برسیم که دیگر فکر تهاجم موشکی از سر همسایه ما در برود. در مورد آینده حملات موشکی و هوایی عراق به مناطق مسکونی، اوضاع شبیه همین وضعی است که در گذشته بوده است. هیچ جنگی را نمی‌شود با حملات موشکی پایان داد و نیروی سرنوشت ساز در جنگ، نیروهای نظامی به ویژه نیروهای پیاده است که ما آنجا تفوق‌مان روشن است، شاید تنها اثری که می‌توانند ببینند، این باشد که مرگ صدام و شکست عراق را تسریع کند. ما بعضی کارها را که فکر می‌کردیم با زمان حل می‌شود، الان فکر می‌کنیم که زمان به ضرر ما باشد و باید تسریع بکنیم. مردم ما هم، چنین احساسی پیدا کرده‌اند از همین الان هم علائم پشیمانی در دشمنان ما پیداست.»

[۲] - در خاطرات روز ۲۹ بهمن ۱۳۶۶ چنین آمده است: « اول طلوع فجر به دنبال رؤیایی هول‌انگیز بیدار شدم. در رؤیا دیدم که بخشی از بدنم از من جدا است و با کاردی با دست راستم، دست چپم را از نقطه مچ بریدم و جدا کردم و در همان حال توجه داشتم چون روح ندارد، درد هم ندارد؛ گویا آن را برای استفاده تغذیه، تعبیرهایی به ذهنم می‌رسید. دعا کردم که خداوند به خیر بگرداند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، دفاع و سیاست سال ۱۳۶۶،» به اهتمام علیرضا هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸، ۴۷۸.

تیربارچی در عملیات بوده و علاوه بر تدارکات انفرادی، حدود هشت کیلو گلوله تیربار با خود حمل می‌کرده که تا راس ارتفاع شاخ سورمر برده و غذایشان هم خوب نبوده و کنسرو را با خود نبرده است.

مبتلا به درد کمر هستم. لابد سرماخوردگی موضعی است؛ گاهی این درد می‌آید. مکرّر مبتلا شده‌ام.

عصر اخوی محمد آمد. نمونه فیلمی را که برای ارسال به رؤسای مجالس دنیا برایم تهیه کرده است، آورد. شهر حلبچه و وضع جالب و صمیمی رزمندگان با مردم شهر هنگام ورود و سپس بمباران شیمیایی توسط عراق و مناظر وحشت انگیز و خرابی شهر در این فیلم روایت شده است.

آقای [خسرو] عروج آمد. [نقشه] کالک وضعیت پیش روی نیروها در جبهه والفجر ۱۰ را آورد و گزارشی از وضع مدیریت جاده و سپس حفاظت و نظم حلبچه و جلوگیری از غارت اموال مردمی که توسط بعضی از معارضین عراقی شروع شده بوده و رفع مزاحمت از مردم در فرودگاه با سختگیری‌های بی مورد را داد.

دوستان یاسر به دیدن او آمدند. از آنها احوالپرسی کردم. در روزنامه‌ها اظهار تاسف و تبریک در مورد مجروح شدن یاسر شروع شده است[1]. عراقی ها، زمزمه زدن شهرها با اسلحه شیمیایی را دارند شروع می‌کنند و از دبیرکل سازمان ملل به خاطر محکوم کردن عراق در زدن شیمیایی به حلبچه، به تلخی انتقاد می‌کنند. آنها علاوه برشکست در جبهه، از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی هم تحت فشارند.

عصر و دیشب ، یاسر بازدیدکنندگانی از بستگان داشت. مهدی از منطقه عملیاتی تلفن کرد و از ضعف مهندسی و دفاع شیمیایی و آتش گفت.

آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب ارتفاعات مانی تبوک را در جناح راست منطقه

---

۱ - به عنوان نمونه در پیام وزیر آموزش و پرورش که در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شد، آمده است: « حضور فرزندان مسئولان بلندپایه کشور در کنار سلحشوران کفرستیز اسلام، برگ زرینی است در تاریخ پر افتخار مبارزات حق طلبانه مردم ایران، که شاهد همسوئی و همراهی مسئولین نظام جمهوری اسلامی با خود می‌باشند. ما ضمن متأثر شدن از مجروح گردیدن فرزندان انقلاب و عزیزان شما، آقایان یاسر هاشمی رفسنجانی و سید مهدی موسوی خوئینی‌ها، این پیوند و میثاق الهی موجود در میان مردم و مسئولان را که باعث یأس دشمنان اسلام و قوت قلب مردم حزب الله و همیشه در صحنه کشورمان می باشد، به شما و سایر مسئولان متعهد و دلسوز انقلاب تبریک می گوئیم. سید کاظم اکرمی، وزیر آموزش و پرورش و سایر همکاران.»

عملیاتی والفجر ۱۰ تصرف کرده‌ایم.

چهارشنبه ۱۰ فروردین | ۱۱ شعبان ۱۴۰۸ ۳۰ می ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. به مجلس رفتم. آقای [مرتضی] رضوی نماینده سابق تبریز و کاندیدای نمایندگی تهران آمد. از رد صلاحیت خود توسط شورای نگهبان شکایت و استمداد کرد . آقای [فؤاد] کریمی نامزد نمایندگی مجلس از اهواز هم شکایت داشت.

آقای [قربانعلی] دری [نجف آبادی] آمد. گزارش سفر به جبهه را داد و پیشنهادهایی داشت. آقایان [حسین] کمالی و [علیرضا] محجوب آمدند و در مورد انتخابات مطالبی داشتند. گفتند افکارسنجی خانه کارگر نشان می‌دهد که وضع نامزدهای جامعه روحانیت مبارز، همچنان از سایر نامزدها بهتر است.

آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که ارتفاعات مانی تبوک راکه پریشب گرفته بودیم، دیشب از دست داده‌ایم. عراق از اسلحه شیمیایی در میدان جنگ در سطح وسیعی استفاده می‌کند. دفاع ضد هوایی امروز ضعیف بوده، از آقای دکتر روحانی توضیح خواستم. گفت [سامانه موشکی] هاگ را امروز زده‌اند.

آقای [کمال] خرازی اطلاع داد که کویت مدعی حمله سه قایق ایران به جزیره بوبیان شده و حقیقت این است که دیروز نیروهای سپاه، سه قایق کویت را که متهم به جاسوسی هستند در خورعبدالله توقیف کرده و امروز با نزدیک شدن به سواحل بوبیان، تیراندازی از طرف کویتی‌ها شروع شده و نیروهای ما جواب داده‌اند. گفتم اطلاعیه‌ای از طرف ستاد تبلیغات جنگ منتشر شود. حال یاسر بهتر است و زخمش رو به بهبودی می‌رود.

موج محکومیت عراق به خاطر قتل عام مردم حلبچه اوج گرفته است[۱] و جنگ شهرها

---

[۱] - محافل خبری جهان، حلبچه را هیروشیمای دوم خواندند. دولت کانادا به خاطر بمباران شیمیایی حلبچه، به عراق اعتراض کرد. آقای خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد از انتقاد عراق نسبت به سازمان ملل ابراز تأسف نمود. اتحاد جماهیر شوروی نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم کرد. تلویزیون دولتی ایتالیا کشتار مردم حلبچه را یک جنایت دیوانه وار خواند و تأکید کرد این جنایت بی‌سابقه، تنها به منظور جبران شکست نیروهای عراقی انجام شده است.

ادامه دارد؛ عراق هم زمین از دست داده و هم ضربه سیاسی می‌خورد.

پنجشنبه ۱۱ فروردین | ۱۲ شعبان ۱۴۰۸ ۳۱ می ۱۹۸۸

در منزل بودم. پیش از ظهر، وقتم به مطالعه گذشت. آقای [علی اکبر] ناطق نوری، تلفنی درباره اظهارات آقای [سید محمد موسوی] خوئینی‌ها در روزنامه کیهان که گفته آقای هاشمی هم انشعاب در روحانیت مبارز را تحسین می‌کند، پرسید[۱]. گفتم با انشعاب مخالفم. قرار شد در مصاحبه‌اش بگوید.

عصر آقای [سید علی اصغر] حجازی معاون وزارت اطلاعات آمد و از اطلاعات فراوان بدست آمده از اداره مخابرات [= اطلاعات] حلبچه عراق و شناسایی عوامل و منابع عراقی و ضربه کاری خوردن ضدانقلاب در آن منطقه و کشته و اسیر شدن جمع زیادی از آنها و شناسایی تعداد زیادی از آنها که همراه مردم حلبچه به اردوگاه رفته‌اند، گزارش داد و از ندادن اطلاعات توسط سپاه به وزارت و از کمی بودجه گله کرد.

آقای سرهنگ [مصطفی] ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد. از وضع ارتش در جبهه و از جریان حمله منافقین [= سازمان مجاهدین خلق] در فکه و نقاط ضعف ارتش و همچنین بازجویی از منافق اسیر شده گزارشی داد.

آیت‌الله خامنه‌ای از جبهه برگشته‌اند؛ تلفنی اوضاع را گفتند. تحت تاثیر شدید پیروزی‌ها هستند. نخست وزیر تلفنی گفت نماینده دولت آلمان آمده و برای نجات گروگانشان در بیروت استمداد دارد. موج محکومیت عراق در فاجعه حلبچه اوج می‌گیرد.

---

۱ - در این مصاحبه که در صفحه ۲۰ روزنامه کیهان مورخ ۱۰ فروردین ۱۳۶۷ به چاپ رسیده است، آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها در توضیح علت انشعاب «مجمع روحانیون مبارز» از تشکل سیاسی «جامعه روحانیت مبارز تهران» گفته بود: « بعضی از بزرگوارانی که در جامعه روحانیت مبارز تهران هستند، این اقدام ما را می‌پسندند و نه تنها آن را تقبیح نکرده بلکه تحسین هم می‌کنند، مانند جناب آقای موسوی اردبیلی و جناب آقای هاشمی رفسنجانی و این تحسین و موضع‌گیری از چنین شخصیت‌هایی که دارای سعه صدر هستند، امری مورد انتظار و توقع نیز هست.» آقای موسوی همچنین از رضایت امام خمینی (ره) نیز سخن به میان آورده و تأکید کرده بود: « ما قبل از هر تصمیمی، موضوع را به اطلاع ایشان رساندیم و حضرت امام نیز رضایت خودشان را اعلام فرمودند. ضمن توصیه این مطلب که برای غیر تهران کاندیدا معرفی نکنید و ما پس از اطمینان از رضایت خاطر ایشان بود که اقدام کردیم.»

جمعه ۱۲ فروردین | ۱۳ شعبان ۱۴۰۸ ۱ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم . زخم دست یاسر متورم و چرکین شده بود. به دکتر [علیرضا] مرندی [وزیربهداشت، درمان و آموزش پزشکی] گفتم، برای بیرون آوردن ترکش‌ها اقدام کند. دکتر [ایرج] فاضل وزیر سابق علوم آمد و در بیمارستان جنب بیت امام جراحی کرد. سه ترکش کوچک بیرون آورد. یکی از دست و دو تا از پا ؛ حالش خوب است. بیشتر وقت به مطالعه گذشت.

خاطرات شهید[مهدی] عراقی[1] را خواندم. برای چاپ با من مشورت شده است. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه برای امور بنیاد تاریخ آمد. با آقای رئیس جمهور درباره مطالب نماز جمعه مذاکره کردیم.

امروز جنگ شهرها بین ایران و عراق متوقف بود. عراق اعلام کرده به خاطر حضور [تورگوت] اوزال [نخست وزیر ترکیه] از زدن شهرها خودداری می کند. ما هم مقابله به مثل را طبعاً متوقف می کنیم[2].

---

۱ – شهید حاج مهدی عراقی (۱۳۰۹ – ۱۳۵۸) از پایه‌گذاران اولیه فدائیان اسلام بود. او در ترور حسنعلی منصور نخست وزیر محمد رضا شاه شرکت داشت و به همین اتهام تا زمان سرنگونی رژیم شاه در زندان بود. حاج مهدی عراقی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، اولین مسئول زندان قصر تهران شد که خود به تازگی از آن آزاد شده بود. سرانجام خود او نیز توسط گروه افراطی «فرقان» در همان سال اول جمهوری اسلامی در ۴ شهریور ۵۸ به همراه فرزندش حسام، ترور شد و به شهادت رسید. امام خمینی(ره) در پیام شهادت ایشان فرمودند: «عراقی باید شهید می‌شد، مرگ در رختخواب برای او کوچک بود.»

۲ – در این روز امام خمینی در پیامی به مناسبت ۱۲ فروردین، روز استقرار جمهوری اسلامی ایران، هشدار داد: «امروز ایران کربلاست؛ حسینیان آماده باشید؛ جَهزّواَ اُنفسکُم بالصَّلاح وَالسّلاح. نهراسید که نمی‌هراسید، کمربندهایتان را محکم کنید. ای آزادگان و ای احرار به پا خیزید، قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید! امروز روز مقاومت است... امروز روز درنگ نیست؛ امروز روز صیقل انسانیت انسان‌هاست، روز جنگ است، روز احقاق حقّ است و حقّ را باید گرفت و انتظار آن که جهان خواران ما را یاری کنند، بی‌حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست، روز جشن و سرور عارفان الهی است، امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست. درنگ امروز فردای اسارت باری را به دنبال دارد.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

شنبه ۱۳ فروردین | ۱۴ شعبان ۱۴۰۸ — ۲ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. مهدی همشیره زاده آمد. عصر آقای جواد لاریجانی [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه] آمد و برای سفر به سازمان ملل و مذاکره با دبیرکل مشورت کرد. زمینه‌های تحرک سیاسی را توضیح دادم؛ با شرایط سیاسی نظامی نسبتاً خوب فعلی. یاسر حالش بهتر و روبه بهبودی است. او توانست به خانه فاطی برود. گزارش‌ها را از مجلس آوردند. فشار تبلیغاتی روی عراق به خاطر فاجعه حلبچه زیاد است.

شب، مهدی از جبهه تلفنی تماس گرفت و برای استفاده نیروها از یک انبار قطعات تویوتا که در حلبچه پیدا شده، اجازه خواست. گفتم حسابش روشن باشد که اگر از مردم بود پس بدهیم. آقای [محمد] فروزنده [رئیس ستاد کل سپاه] هم برای استفاده از ماشین‌های موجود در اطراف پادگان دجیله اجازه خواست؛ به همین شرط اجازه دادم.

آقای [سیدعلی] حسینی تاش [جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه] اطلاع داد که عمانی‌ها یک قایق طارق ما را تصرف کرده‌اند که هنوز از علت و کم و کیف آن بی‌اطلاعیم.

یکشنبه ۱۴ فروردین | ۱۵ شعبان ۱۴۰۸ — ۳ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم. دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به یونان و سوئیس برای شرکت در کنفرانس خلع سلاح را داد. معتقد است که ارائه اسناد فاجعه حلبچه، خیلی موثر بوده و یونان خواهان توسعه روابط با ما است. درباره مذاکرات در سازمان ملل مذاکره کردیم و برای پست سفارت هند برای دکتر [محمد علی] هادی [نجف آبادی] مشورت کرد؛ موافقت کردم.

آقایان[محمدرضا] توسلی، [سید مهدی] امام جمارانی، [علی اکبر] آشتیانی، [عبدالواحد] موسوی لاری، شریفی و سراج [الدین موسوی] آمدند و از تکذیب آقای ناطق

نوری در روزنامه رسالت در مورد اظهارات آقای موسوی خوئینی‌ها در مورد نظر من در خصوص انشعاب روحانیون مبارز گله داشتند[1].

آیت‌الله خامنه‌ای ناهار مهمان ما بودند. از سفر به جبهه‌ها گفتند و درباره رسیدن به ارتش برای اصلاح آن و نیز درباره مشکل ارتش و سپاه مذاکره شد و ایده مشترکی برای حل نهایی بدست آمد که قرار شد بررسی شود. عصر با هم به زیارت امام رفتیم؛ حالشان خوب است.

دکتر [حسن] روحانی خبر داد که عراق به پالایشگاه‌های تبریز و اصفهان حمله کرده و یک هواپیما از دست داده که خلبانش هم اسیر شده است. در حضور امام برای مقابله به مثل مذاکره شد. قرار شد کرکوک و ام‌قصر و یکی از مراکز صنعتی دیگر عراق را بزنیم.

عصر آقای صدرالسادات از لشکر الغدیر آمد. از مشکلات لشکر و نابسامانی‌های جبهه گفت و خواستار رسیدگی من و مهلت بیشتر به الغدیر و کمک مالی به بعضی از فرماندهان فقیر سپاه شد.

با نخست وزیر و وزیر نفت در مورد پالایشگاه‌های تبریز و اصفهان صحبت کردم. آقای سنجقی وضع امروز جبهه را تلفنی گفت. در شاخ شمیران تبادل آتش زیاد است. پانسمان زخم پای یاسر باز شده بود. برای اولین بار زخم جای ترکش بمب را دیدم؛ وسیع نیست، ولی عمیق است.

---

۱ – در انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، «مجمع روحانیون مبارز» برای حوزه انتخابیه تهران، این افراد را معرفی کرده بود: آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، سید محمود دعایی، هادی غفاری، عباسعلی عمید زنجانی، حسن روحانی، محی الدین انواری، محمد علی صدوقی، عیسی ولایی، سید عبدالواحد موسوی لاری، فخرالدین حجازی، مرتضی کتیرایی، محمد سلامتی، حسین کمالی، عباس دوزدوزانی، محمد سعید تسلیمی، محمد ابراهیم اصغرزاده، عباس شیبانی، سید محمد اصغری، سید مصطفی معین، حسین فروتن، نجفعلی حبیبی، حسین مظفری نژاد، جعفر نجفی علمی، سید محمد میرمحمد صادقی، محسن نوربخش، مرتضی الویری و خانم‌ها گوهرالشریعه دستغیب، عاتقه صدیقی (رجایی) و مرضیه حدیدچی (دباغ).

«جامعه روحانیت مبارز تهران» نیز این لیست را ارائه داده بود: آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد یزدی، محی الدین انواری، محمد علی موحدی کرمانی، مهدی کروبی، علی اکبر ناطق نوری، محسن مجتهد شبستری، قربانعلی دری نجف آبادی، محمد علی صدوقی، عباسعلی عمید زنجانی، سید محمود دعایی، حسن روحانی، عباس شیبانی، سعید امانی همدانی، حبیب الله عسگراولادی مسلمان، سید رضا زواره‌ای، اسدالله بادامچیان، محمدرضا باهنر، حسن غفوری فرد، محمد نبی حبیبی، کاظم سیفیان، سعید رجایی خراسانی، محمد هاشم رهبری، مصطفی معین، محسن نوربخش، سید محمد اصغری، حسین کمالی، احمد باقری یزدی و خانم‌ها مریم بهروزی و زهرا عباسی.

دوشنبه ١٥ فروردین | ١٦ شعبان ١٤٠٨ ٤ آوریل ١٩٨٨

برای شرکت در مراسم پرواز اولین هواپیمای ساخت نیروی هوایی، به ستاد مرکزی نیروی هوایی ارتش رفتم. گزارشی داده شد و هواپیما پرواز کرد. از نوع بنانزا است و اسم آن پرستو شده. بدنه را خودشان ساخته‌اند و موتور بنانزا روی آن گذاشته‌اند. مصاحبه‌ای انجام دادم[1].

به مجلس رفتم. مدیرکل بهداری استان یزد آمد. از دکتر مرتاضی شکایت داشت که بیمارستان موقوفه گودرز را در اختیار گرفته و با استفاده از حیثیت دانشگاه آزاداسلامی، می‌خواهد از مقررات سرپیچی کند. به وزارت بهداری نوشتم که رسیدگی کند.

آقای سراج [الدین موسوی] آمد. وضع کمیته را در سیستان و بلوچستان گفت و درباره کیفیت برخورد با اشرار مشورت کرد و مخصوصاً شبکه یاغی حاج بلوچ و مشکل درگیری با سپاه بر سر مسئله شهادت یکی از فرماندهان سپاه در پست بازرسی که تحت پیگیری است.

آقای فؤاد کریمی آمد. مشکل انتخاباتی پیدا کرده؛ صلاحیت ایشان و [عبدالرضا] اسدی‌نیا تائید نشده است. [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نیروی زمینی ارتش آمد. گزارش عملیات ناکام اخیرشان را داد و در مورد برنامه آینده در تردید است.

عصر [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. خواست که سپاه در تولید ماده‌ای مهم که به درد امور نظامی می‌خورد و در وزارت نفت به مرحله تولید رسیده ، جدی‌تر باشد . به [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] تذکر دادم. از کارشکنی‌های شیوخ خلیج فارس و مخصوصاً عربستان در قیمت نفت شکایت دارد و آنها خیال می‌کنند با این کارها ایران را تحت فشار اقتصادی قرار داده‌اند.

آقای [علی] شمخانی [قائم مقام فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه] آمد. گزارش عملیات والفجر ١٠ و بیت‌المقدس ۴ و دور نمای برنامه آینده را داد و جمع بندی شد. توصیه کردم با مسئول حفاظت و بسیج بسازند و خواستم برنامه‌ای برای یک عیدی به رزمندگان از طرف من تنظیم کنند؛ صد میلیون تومان برای آنها در نظر گرفته‌ایم.

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



بازدید از نمایشگاه دستاورد های خود کفایی نیروی هوایی ارتش



هواپیمای پرستو



مراسم پرواز اولین هواپیمای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی



آقای روحانی، تلفنی گفت عراق به اصفهان، ماهشهر، دزفول و آبادان حمله کرده و درباره مقابله به مثل نظر خواست. شب به خانه آمدم. بیشتر وقتم به تماشای تلویزیون گذشت. مهدی از منطقه تلفن کرد و گفت به [آقای علی فضلی] فرمانده لشکر ۱۰ سید الشهداء(ع) که مجروح شده و در بیمارستان بستری است، توصیه کنم که صبر کند تا کاملاً معالجه شود؛ گویا عجله دارد که به منطقه برود.

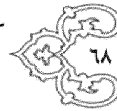
سه‌شنبه ١٦ فروردین | ١٧ شعبان ١٤٠٨ — ٥ آوریل ١٩٨٨

بعد از نیمه شب با آژیر خطر بیدار شدیم. بعداً معلوم شد همان زمان یک موشک عراقی به قم اصابت کرده و ۱۵ شهید و مجروح به جا گذاشته است.

اول وقت آقای [سرتیپ منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی ارتش] اطلاع داد که یک فروند هواپیمای کویتی ربوده شده و به ایران آمده در مشهد به زمین نشسته است. گفتم آن را نگه دارند تا تکلیف را مشخص کنیم. با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزارت خارجه صحبت کردم؛ قرار شد سیاست این باشد که اعلان نماییم ما مایل به پذیرفتن آنها نیستیم، مگر اینکه کویت از ما بخواهد و ترجیح می‌دهیم که از ایران بروند که مسئله حلبچه را تحت‌الشعاع نگیرد. گروهی را هم به مشهد فرستادیم که مسئله را تحت کنترل داشته باشند[1].

---

[1] - این هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ کویتی که دارای ۹۶ سرنشین و ۱۶ خدمه بود، روز سه شنبه ۱۶ فروردین ۶۷ در حالی که از بانکوک عازم کویت بود، پس از سه ساعت پرواز، توسط عده‌ای افراد مسلح به آسمان ایران هدایت شد و در ساعت هفت و نیم صبح در فرودگاه مشهد به زمین نشست. هواپیما ربایان که به زبان عربی صحبت می‌کردند، اعلام داشتند که خواستار آزادی ۱۷ نفر شیعه از زندان‌های کویت هستند. آقای هاشمی در گفت و گو با خبرنگاران درباره هواپیمای ربوده شده کویتی گفت: «ما با این کارها مخالفیم و فکر می‌کنیم این حادثه توطئه‌ای باشد و احتمال می‌دهیم این کار تلاشی است برای تحت‌الشعاع قرار دادن مسأله حلبچه و کشتار شیمیایی ساکنین این شهر، توسط رژیم حاکم بر بغداد. به دنبال این واقعه، نارضایتی خود را از فرود آمدن و ماندن هواپیما ربایان در کشورمان را به مسئولان کویتی اظهار کرده‌ایم ولی کویتی‌ها اصرار دارند که هواپیما و هواپیما ربایان در ایران باشند تا مسأله حل و فصل شود. علیرغم این اصرار، ما به مأموران خود توصیه کرده‌ایم تا در صورت امکان، مسأله را در سریع ترین زمان حل کنند و در صورت عدم موفقیت، سعی کنند تا هواپیما و هواپیماربایان ایران را ترک نمایند.» با تلاش مقامات جمهوری اسلامی طی دو مرحله ۵۷ سرنشین مسافر شامل ۲۴ زن آزاد شدند و به کویت بازگشتند. پس از سه روز هواپیماربایان، هواپیما را به بیروت پایتخت لبنان بردند که با ممانعت مقامات لبنانی، این هواپیما به



عصر به پادگان سعدآباد رفتم. مسئولان بسیج کشور اجتماع داشتند. به گزارش کار و برنامه‌ها گوش دادم و برای آنها درباره اهمیت اعزام نیرو در این مقطع صحبت کردم[۱]. از آنجا به مجلس رفتم. گزارش‌ها را دیدم.

دو موشک عراقی، امروز عصر به تهران خورد و ۹۰ کشته و تعدادی مجروح به جا گذاشت؛ دستور مقابله به مثل دادم.

آقای [خسرو] عروج از مشهد تلفن کرد که به داخل هواپیمای ربوده شده کویتی رفته و هواپیمارباها را مصمم دیده که اگر به خواست آنها توجه نشود، به تهدیدات خود جامه عمل بپوشند. [آقای علیرضا معیری] معاون [سیاسی] نخست وزیر اصرار دارد که تا نیمه شب باید به حادثه خاتمه داده شود. از من برای حل مشکل کمک خواست؛ مخصوصاً با توجه به اینکه سه نفر از نزدیکان فامیل امیر کویت در هواپیما هستند ، امید ربایندگان بیشتر شده است.

برای شرکت در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. پس از بحث زیاد ، بالاخره رأی به تأیید مصوبه مجلس و تفسیرهای بعدی مجلس در مورد ماده ۹ قانون اراضی شهری داده شد و مشکلی که سال‌ها در سر راه وزارت مسکن بود، برداشته شد[۲].

قبرس رفت و در لارناکا برزمین نشست. هواپیما ربایان در این فرودگاه درخواست سوخت کردند که در پی برآورده نشدن آن، یکی از سرنشینان هواپیما را کشتند و اعلام کردند که فرد کشته شده از اعضای دستگاه امنیتی کویت بوده است.

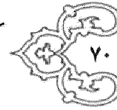
۱ - در این بازدید ابتدا آقای محمد علی رحمانی مسئول واحد بسیج مستضعفین، سیستم کامپیوتری «طرح کدبندی اعضای بسیج سپاه پاسداران» را معرفی کرد و پیرامون عملکرد بسیج در سال ۶۱ و طرح‌های آن برای سال ۶۷ و اثرات طرح کدبندی بسیجیان مطالبی بیان نمود. آنگاه آقای هاشمی با مهم توصیف کردن نقش بسیجیان در جنگ گفت: «مهم‌ترین امور سرنوشت ساز انقلاب به عهده نیروهای بسیجی است و بسیجیان در عملیات والفجر ۱۰ حماسه آفریدند و ضربات محکمی به ارتش عراق وارد کردند که این نشان دهنده قدرت بسیج است. دشمنان ما چشم خود را از طریق ماهواره‌ها و جاسوس‌ها به کل جبهه‌های جنگ دوخته‌اند، لذا ما باید در تمامی جبهه‌ها آماده باشیم. بسیجی‌ها حاضر باشند تا ضربات مناسب و متوالی بر رژیم عراق وارد آید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این مصوبه آمده است: «به موجب قانون مصوب اراضی شهری، اقدامات دولت در مورد کلیه زمین‌هایی که در اجرای ماده ۹ قانون اراضی شهری مصوب ۶۰/۱۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی اعم از موات و بایر و دایر در محدوده قانون، تملک، واگذار و یا تعهد شده، از زمان اجرای قانون مذکور تا پایان مهلت آن قانون، معتبر و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده، فاقد اعتبار است. اقدامات مذکور در مورد زمین‌هایی که به نحو فوق در همان مهلت تملک شده و در اختیار دولت است، لکن تاکنون واگذار نشده نیز معتبر بوده و هرگونه حکمی که خلاف این نظریه داده شده، فاقد اعتبار است.»



سخنرانی در جمع مسئولان بسیج سراسر کشور





بعد از جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام، نشست سران قوا تشکیل شد و درباره هواپیمای کویتی بحث شد. کویتی‌ها عقب نشینی کرده و آماده مذاکره با ربایندگان شده‌اند. به مشهد ابلاغ شد که سعی کنند مسافران معمولی و کم اهمیت و مخصوصاً زن‌ها را آزاد کنند و نگذارند کار تندی اتفاق بیفتد و اجازه رفتن به هواپیما داده نشود.

چهارشنبه ۱۷ فروردین | ۱۸ شعبان ۱۴۰۸ — ٦ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای احمد شجاعی آمد و در مورد یک ماموریت مشورت کرد. احمد آقا آمد. در مورد هواپیمای کویتی و مسائل ارتش و سپاه مذاکره کردم. تلفنی با وزیر خارجه و نخست وزیر و سپاه درباره هواپیمای ربوده شده کویتی مذاکره شد. هیأتی به مشهد رفته که در مذاکرات شریک باشند.

مراجعات درباره اختلافات در امر انتخابات بین وزارت کشور و شورای نگهبان زیاد است. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم.

پنجشنبه ۱۸ فروردین | ۱۹ شعبان ۱۴۰۸ — ۷ آوریل ۱۹۸۸

تا ساعت چهار بعد از ظهر در منزل بودم. جنگ شهرها داغ ترشده است . هواپیماهای ما بغداد را زده‌اند. عراق ، امروز علاوه بر تهران، قم و اصفهان، به تبریز و کرج هم موشک زده است. مسئله هواپیمای کویتی در مشهد دارد به نقطه خطر می‌رسد؛ مثل اینکه کویتی‌ها بنا ندارند امتیازی بدهند و هواپیمارباها هم درصددند ایران را ترک کنند. کویت و انگلیس از رفتن هواپیما نگرانند. در اینجا امیدوارند به کمک ما راه حل پیدا شود. با آقایان خامنه‌ای و [میر حسین] موسوی و [فریدون] مهدی‌نژاد در این خصوص صحبت کردم.

عصر به مجلس رفتم . گزارش‌ها را خواندم و کارها را انجام دادم. به خواست آقای امامی کاشانی، از آقای ری‌شهری[وزیر اطلاعات] توضیح خواستم که چرا هم‌پرونده‌های

احمد کاشانی عفو خورده و آزاد شده‌اند و او با اینکه عفو خورده آزاد نشده است؟ جواب این بود که وزارت اطلاعات هنوز با عفو او موافقت نکرده، چون مسائل دیگری هم دارد[۱].

ساعت پنج بعد از ظهر به سوی قم حرکت کردم. در بین راه بی سیم اطلاع داد که یک موشک عراقی به داخل [باغ] سفارت انگلیس در قلهک اصابت کرده است.

ساعت هفت به منزل آقای منتظری رسیدم. بعد از نماز مغرب به زیارت حرم شریف [حضرت معصومه (س)] رفتم و سپس با آقای منتظری درباره جنگ و مسأله انتخابات مذاکره کردیم؛ ایشان نمی‌خواهد دخالت جدی در امور بنماید. از آثار جنگ ناراحت است ولی راه حلی هم به نظرشان نمی‌رسد. در مورد مردم آواره حلبچه توصیه‌هایی داشتند. آقای سیدهادی [هاشمی] اصرار زیادی برای حل مشکل مدارس و کتابخانه سیاسی داشت. شام خوردیم.

فرماندار قم آمد . از اقدامات عمرانی و رفاهی برای حل مشکل آسیب دیدگان قم گفت. امروز هم موشکی به قم خورده و به مدرسه‌ای که طلاب پاکستانی در آن هستند آسیب رسانده است. او گفت آیت‌الله [سید محمد رضا] گلپایگانی از محدود شدن اختیارات شورای نگهبان ناراضی‌اند و ممکن است در انتخابات شرکت نکنند. ساعت ده شب به سوی تهران حرکت کردیم. در بین راه گفتند که موشک عراقی امشب به نزدیک میدان راه آهن خورده است. نزدیک ساعت دوازده شب به تهران رسیدم.

با آقایان [علیرضا] معیری و نخست وزیر و مهدی‌نژاد صحبت کردم. نخست وزیر گفت، [تورگوت] اوزال نخست وزیر ترکیه و [محمدخان] جونجو نخست وزیر پاکستان پیغام داده‌اند که نگذاریم هواپیما از ایران برود. آنها نگرانند که به بیروت ببرند و در آنجا آسیب به هواپیما وارد آورند و کسی در آنجا مسئول نیست.

ما گفته‌ایم اگر کویتی‌ها حداقل در مورد آزادی زندانیان مورد درخواست هواپیماربایان، وعده‌ای بدهند، ممکن است آنها را قانع کنیم. به سپاه گفتیم تلاش کند تا

---

۱ – سید احمد مصطفوی کاشانی نماینده مردم نطنز در مجلس شورای اسلامی به همراه چند تن از افسران ارشد ارتش، در آبان سال ۱۳۶۵ به اتهام تحریک ارتشیان علیه سپاه پاسداران بازداشت شد. اتهام آقای کاشانی، فرزند آیت الله ابوالقاسم کاشانی، تنظیم، تهیه و تکثیر و توزیع اطلاعیه‌هایی بوده است که در آن ارتشیان علیه سپاه تحریک می‌شده‌اند. در این رابطه علاوه بر احمد کاشانی، سرهنگ کتیبه رئیس رکن ۲ ارتش و سرهنگ آگاه نیز دستگیر شده بودند.

فردا صبح از رفتن هواپیما جلوگیری کند. گرچه سوخت و وسایل گرفته‌اند و آماده حرکت‌اند و تهدید کرده‌اند که اگر مانع شویم ممکن است اتفاق بدی بیفتد. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم. سرماخوردگی دارم. قرص مسکن خوردم.

جمعه ۱۹ فروردین | ۲۰ شعبان ۱٤۰۸ ۸ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم. فقط برای رأی دادن به بیرون رفتم. یاسر هم همراه من آمد. برای یاسر که با عصا آمده بود، خبرنگاران ابراز احساسات کردند. محسن استفاده از کامپیوتر را یادم داد. گزارش‌ها از حوزه‌های رأی‌گیری [انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی] می‌گوید که مراجعه مردم خوب است. عصر هجوم مردم بیشتر شد. عراق دیروز و دیشب جنگ شهرها را برای ترساندن مردم و فرار از شهرها و خلوت شدن محل‌های رأی‌گیری ، داغ کرد.

هواپیماربایان فشار زیادی برای رفتن از ایران می‌آورند. تلفنی با سران قوا مشورت شد. همگی موافق رفتن بودند. آقای معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] از مشهد گفت نظر هیأت هم این است که اجازه بدهیم بروند. بالاخره عصر پرواز کرد و رفت. شب اطلاع رسید، که نتوانستند در بیروت بنشینند. در لارناکای قبرس نشسته اند.

آقای [ابوالفضل] توکلی‌بینا [مسئول بخش ساختمان بنیاد مستضعفان] آمد و گزارشی از کار ساختمان منازل سپاهیان و همچنین تشکیلات صنایع نظامی سپاه در اصفهان داد . آقای [سیدعلی اکبر] محتشمی وزیر کشور از نتایج انتخابات امروز ابراز رضایت کرد.

ساعت یازده شب ، مهدی از جبهه به خانه آمد. چون با ماشین آمبولانس آمده بود، محسن خیال کرده بود که مجروح است. احوالپرسی مختصری کردیم و خوابیدیم.

یاسر هاشمی (سمت راست)

شنبه ۲۰ فروردین | ۲۱ شعبان ۱۴۰۸   ۹ آوریل ۱۹۸۸

هنگام صبحانه از مهدی درباره جبهه توضیحاتی گرفتم. دوسه بار تحت تاثیر شیمیایی قرار گرفته ولی شدید نبوده که از خط خارج شود. می گوید عراقی ها به طور خیلی وسیع و مخصوصاً در شب‌ها ، شیمیایی به کار می‌برده‌اند. از تدارکات لشکرشان راضی نیست. از تدارکات لشکر در منطقه ماؤوت بوده و نیروهای تکاور با عجله به منطقه مریوان آورده شده‌اند[۱].

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. گزارش‌های حادثه هواپیمای کویتی در رأس اخبار است.

دیروز و امروز، عراق جنگ شهرها را متوقف کرده و ما هم گفته‌ایم از امروز نزنند. مصاحبه‌ای با [آقای شاهین بختیار] خبرنگار روزنامه آبزرور داشتم[۲]. سئوالات ظریفی

---

۱ - استراتژی تعقیب متجاوز در جبهه شمالی بر این اساس طراحی شده بود که با پیشروی در شمال سلیمانیه – در منطقه عمومی ماؤوت – هدف‌های پیش‌بینی شده تحقق یابد، لیکن بروز مشکلاتی در آن منطقه که عمدتاً ناشی از موانع طبیعی بود، طراحان نظامی را به این نتیجه رساند که محور حلبچه را جایگزین محور ماووت سازند، با توجه به این نکته که تصرف حلبچه خود هدف مستقلی بود، ضمن آنکه گامی به سوی مرکز استان نیز محسوب می‌شد. براین اساس، عملیات حلبچه با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور و در چهار مرحله اجرا شد. ابتدا با تلاش طاقت فرسای مهندسی، ارتفاعات صعب، مناسب عبور شد و سپس عملیات آغاز گردید. در این عملیات رزمندگان موفق شدند با استفاده از غفلت دشمن، ارتفاعات مرزی را پشت سر بگذارند و شهر نوسود ایران و شهرهای بیاره، طویله، دوجیله، خرمال و حلبچه را آزاد سازند. به این ترتیب مقدمات تصرف سد دربندیخان و نیز انسداد جاده مهم سلیمانیه فراهم آمد. پیش‌بینی می‌شد که تصرف این منطقه وسیع، نیروهای احتیاط دور ارتش عراق را از جنوب راهی شمال کند و در این زمین، همچون زمین شلمچه و فاو آسیب فراوانی به ارتش عراق وارد آید. لیکن سر فرماندهی ارتش عراق حاضر نشد برای بازپس گیری منطقه حلبچه، یگان‌هایی را که در جنوب آماده نگه داشته بود وارد عملیات کند، بلکه برای مقابله با رزمندگان به سلاح‌های کشتار جمعی متوسل شد و صرفاً یگان‌ها و نیروهای منطقه‌ای خود را وارد نبرد کرد که آن‌ها نیز کاری از پیش نبردند. به عبارت دیگر، واکنش عراق در حلبچه بیش از آن که به قوای زمینی این کشور متکی باشد، به نیروی هوایی اتکاء داشت. عراق با اطمینان از حمایت‌های جهانی، روش دیگری را برای مقابله با ایران برگزید: بمباران وسیع شیمیایی مردم عراق در حلبچه؛ کشتاری دهشتناک که حس همدردی و عواطف انسانی مجامع و محافل سیاسی و تبلیغاتی جهان را به دنبال داشت.

۲ - آقای هاشمی در این مصاحبه به تفصیل درباره ماجرای هواپیماربایی صحبت کرد. شاهین بختیار خبرنگار آبزرور در گزارش خود آورده است: «به عقیده آقای رفسنجانی هواپیماربایی کار نادرست و غیر اخلاقی است. وقتی از او پرسیدم که اگر ربایندگان به ایران پناهنده شوند، این کشور چه خواهد کرد، رفسنجانی پاسخ داد «ما آنها را محاکمه خواهیم کرد.» ممکن است آن طور که گزارش شده، هواپیماربایان متعلق به جامعه‌ای در لبنان باشند که از حمایت نزدیک ایران برخوردار است، ولی از آنچه که من در ایران فهمیدم، به نظر می‌رسد این اقدام مستقلانه انجام شده و ایران هم از آن متعجب شده است. هاشمی رفسنجانی در این گفتگو با من به تفصیل از ↲

داشت، برای کشف موضع ما نسبت به آینده عراق و منطقه و با زرنگی سئوالات را از وضع حال یاسر که در عملیات مجروح شده است ، شروع کرد[۱].

آقای ری‌شهری آمد. درباره حل مشکلات و ابهامات وزارت اطلاعات مذاکره کرد. دنبال این است که به جای دولت به ولایت فقیه و رهبری وصل شود. گزارش های امنیتی آورده بود.

آقای رحمانی مسئول شورای سرپرستی آوارگان عراقی آمد. گزارشی از وضع آوارگان حلبچه داد. مدعی است که تعداد کشته شدگان آنها در حمله شیمیایی عراق حدود دو هزار نفر است و حدود پنجاه هزار نفر آواره هستند. گفتم طرحی برای اداره و اسکان و...آنها بیاورد ؛ برای تصویب بودجه.

آقای محتشمی [وزیر کشور] تلفنی گزارش انتخابات را داد. در شهرها عمدتاً تعداد شرکت کنندگان بیش از سابق بوده است. [آقای محمد باقر قالیباف] فرمانده لشکر نصر خراسان، برای گزارش کار و طرح نیازها آمد. پیشنهاد داشت سپاه با ارتش بیشتر همکاری کند و گفت عراقی‌ها پس از فتح گوجار، سلاح شیمیایی زیادی علیه آنها به کار برده‌اند.

عصر، مسئول حراست مجلس آمد. کمبودها و نواقص حراست را گفت و خواست که مستقیماً زیر نظر ریاست مجلس باشد. آقای ریاضی آمد و برای سفر به چین مشورت کرد؛ موافقت و راهنمایی کردم.

مصاحبه‌ای با تلویزیون ترکیه داشتم. بیشتر روی اوضاع عراق پس از حذف صدام و پیروزی اسلام جستجو داشت[۲]. شب در جلسه سران قوا شرکت کردم. درباره هواپیمای

↲حمایت‌های مالی عربستان از عراق سخن گفت و افزود: «روزانه سیصد هزار بشکه از یک منطقه نفتی بی‌طرف میان عربستان و کویت استخراج می‌شود و پول آن به عراق پرداخت می‌گردد. بنابراین ایران با فشار وارد آوردن به عربستان، می‌کوشد این کشور را وادار به انتخاب یک موضع بی‌طرفانه‌تر در جنگ کند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - خبرنگار روزنامه آبزرور پرسید: در روزنامه‌ها خواندم که فرزند شما یاسر مجروح شده است، می‌خواهم بدانم که حال ایشان چطور است؟ آقای هاشمی پاسخ داد: «از بیمارستان به منزل آمده و ترکش‌هایی را که در بدن او بود، بیرون آورده‌اند. در حال حاضر کار روزانه تحصیلی خود را شروع کرده است.» خبرنگار پرسید: «در حمله شیمیایی بوده، یا ترکش خورده است؟» ایشان پاسخ داد: «خیر، در نزدیک آنها بمبی اصابت کرده و مورد اصابت ترکش قرار گرفته است.» خبرنگار پرسید: «ایشان در نزدیکی حلبچه بوده؟» و آقای هاشمی پاسخ داد: «بله، با بسیج رفته بود و در عملیات بیت‌المقدس ۴ در شاخ سومر زخمی شده است.»

۲ - در این مصاحبه که دوشنبه شب ۲۲ فروردین ۶۷ از شبکه اول تلویزیون ترکیه پخش شد آقای هاشمی به سوالاتی درباره قدرت قانونی رئیس مجلس در ایران، انتخابات مجلس سوم، اقتصاد آزاد و دولتی، علت عدم قبول آتش‌بس سازمان ملل و خاتمه جنگ، جنگ↲

کویتی گفته شد، باز هم می‌خواهند به ایران بیایند. درباره نزاع امل و حزب‌الله در لبنان، قرار شد هیأتی برای آشتی دادن آنها اعزام کنیم. ساعت دوازده شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۱ فروردین | ۲۲ شعبان ۱٤۰۸ — ۱۰ آوریل ۱۹۸۸

اول وقت آقای سنجقی و آقای روحانی از جبهه خبر دادند که دیشب لشکر ۲۸ سنندج در منطقه پنجوین عراق حمله کرده و عمده اهداف خود را گرفته و پاتک‌های دشمن شروع شده است. مهدی، برای بررسی وضع دانشگاه فردوسی به مشهد رفت که اگر مناسب دید، این ترم را در آنجا بگذراند و یاسر که در خانه خسته شده، از عدم اطلاع مهدی در مورد سفر ناراضی است و بهانه‌گیری دارد. گویا می‌خواهد به جبهه برگردد. تا عصر در منزل بودم.

امروز عفت کارگر موقت جدیدی داشت. مدتی است کسی را ندارد که در کارهای خانه کمک کند و به زحمت افتاده است. عصر عفت به منزل خانم امام رفت.

مراجعات درباره انتخابات زیاد است. اغلب موارد نتیجه انتخابات کشور اعلام شده است و اعلام نتایج تهران از امروز شروع شده. من با تفاوت زیادی از دیگران جلو هستم[1].

آقای محمدی عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه پاسداران] خواست که برای صحبت در جمع طلاب به قم بروم. به آیت‌الله خامنه‌ای حواله کردم و ایشان پذیرفتند.

شهرها، حمله شیمیایی عراق، سفر نخست وزیر ترکیه به عراق، تصرف کرکوک، همکاری با کردهای شمال عراق، علت حمله مطبوعات ایران به آتاتورک، رابطه آمریکا با ایران و روابط ایران با ترکیه پاسخ داد. در بخشی از این مصاحبه آمده است: «جمهوری اسلامی ایران تا تحقق شرایط عادلانه به دفاع مقدس ادامه خواهد داد و رزمندگان اسلام برای سرنگونی صدام تا هر جا که لازم باشد، پیش خواهند رفت و از نظر ایران پیروزی کامل زمانی حاصل می‌شود که عدالت به اجرا در آید و متجاوز معرفی و تنبیه شود.» برای مطالعه متن کامل مصاحبه ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - نتایج اعلام شده آرای حوزه انتخابیه تهران از ۲۶۰۶ صندوق اخذ رأی، نشان دهنده آن بود که آقای هاشمی با یک میلیون و ۳۰۳ هزارو ۱۶۵ رأی، رتبه اول را به دست آورده است. همچنین آقای مهدی کروبی با ۹۷۱ هزار و ۷۵۲ رأی رتبه دوم، آقای فخرالدین حجازی با ۷۰۶ هزار و ۹۲۹ رأی رتبه سوم و آقای هادی غفاری با ۶۷۸ هزار و ۱۰ رأی رتبه چهارم را کسب کردند. در این انتخابات، نامزدهای معرفی شده جناح چپ (مجمع روحانیون مبارز) در اغلب حوزه‌ها پیروز شدند و جناح راست (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران) شکست خوردند.

عصر آقای روحانی اطلاع داد که عملیات در پنجوین هنوز به تمام اهداف نرسیده و در جناح راست مشکل دارد؛ قسمت عمده اهداف را گرفته‌اند.

هواپیمای کویتی در قبرس سرگردان مانده است؛ به نظر می‌رسد برای تصرف آن، دارند آماده می‌شوند. رئیس جمهور اطلاع داد در اثر انفجار مهمی در پایگاهی نزدیک اسلام‌آباد پایتخت پاکستان، امروز شایع شده آنجا کودتا شده و بعداً معلوم شده که انفجار بوده، تلفات زیادی داشته و گلوله‌ها به شهر پرتاب شده است.

دیشب، هم من و هم عفت خوابی دیده‌ایم که اگر رویای صادق باشد، حاکی از بروز مشکلاتی در جبهه در آینده است. من خواب دیدم که گرفتاری‌هایی از سوی ارتش عراق دارم؛ مثل یک سرباز تحت فشار. عفت هم خواب دیده که گرفتاری‌هایی در ارتباط با منافقین دارد. دو سال پیش هم قبل از شروع برنامه به اصطلاح «دفاع متحرک» عراق چنین خوابی دیدم. احتمالاً شاهد تحرک‌های موثری از سوی دشمن در جبهه باشیم. اطلاعات، چنین احتمالاتی را تایید می‌کند[1].

دوشنبه ۲۲ فروردین | ۲۳ شعبان ۱٤۰۸ ۱۱ آوریل ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح، برای شرکت در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. چند مصوبه داشتیم. بعد از جلسه در مورد پیشنهاد نصب سرهنگ [علی] شهبازی به جای تیمسار [اسماعیل] سهرابی به ریاست ستاد ارتش مذاکره کردیم.

---

۱ - بدون تردید افزایش توان نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور، نقش مهمی در تغییر اوضاع به سود عراق داشت. پیش از این عراق با «استراتژی دفاع متحرک» در اندیشه تصرف برخی از مناطق مرزی و شهرهای ایران بود که به توفیق چندانی دست نیافت. عراق ضعف و کاستی‌های خود را در این زمینه برطرف ساخت و با بهبود ارتش عراق و تغییر شیوه رزم آن، از موقعیت برتری برخوردار شد. نیروهای مسلح عراق در نتیجه فروش عظیم تسلیحاتی توسط شوروی و سایرین، در مدتی کمتر از دو سال، سیستم‌های تسلیحاتی خود را بیش از ۴۰ درصد افزایش دادند. ارتش عراق در شرف باز پس گیری فاو، حدود ۵۰۰۰ تانک، ۴۵۰۰ نفربر زرهی، ۵۵۰۰ عراده توپ و آلات توپخانه، ۴۲۰ هلی‌کوپتر و ۷۲۰ هواپیمای جنگی آماده برای عملیات در اختیار داشت. این خیل عظیم سیستم‌های تسلیحاتی با حداقل ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد و مقادیر زیادی مهمات شیمیایی تکمیل می‌شد. بغداد با کسب این مقادیر عظیم سلاح، توانست نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ لشکر در سال ۱۹۸۸ یعنی دو برابر برساند. ← منبع: مجله سیاست دفاعی، شماره ۴ ، سال چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ویژه نامه جنگ تحمیلی، صفحه ۲۰۳.

آقای روحانی از جبهه اطلاع داد که در منطقه پنجوین، قسمت عمده تصرفات در دست ارتش مانده و بخشی را پس داده‌اند و ۲۶۰ اسیر دارند. قرار شد فردا عملیات را اعلان کنند. از آنجا برای پر کردن دندانم که اخیراً خالی شده، به بهداری مجلس رفتم. ظهر به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم.

امروز عراق با زدن دو موشک به تهران و یکی به اصفهان، جنگ شهرها را آغاز کرد. یکی از موشک‌های تهران و موشک اصفهان در فضا منفجر شده است. دستور مقابله به مثل در بغداد و سلیمانیه داده شد.

عصر آقای [غلامعباس] زائری آمد و از انتخابات بندرعباس گفت. او پیروز شده است. آقای بی نیاز سفیر جدیدمان در یونان آمد و در مورد سیاست‌مان در یونان مشورت کرد؛ آنها اظهار کرده‌اند که آماده معامله در کالاهای ویژه‌اند. نظر دادم که گرم بگیرند.

آقای الموسوی سفیرمان در کلمبیا و پاناما آمد. وضع پاناما و سلطه آمریکا در کلمبیا و پاناما و اهمیت کانال پاناما را گفت. پیشنهاد داشت که برای تقویت جریان ضد آمریکایی، شکرهایشان را که با بایکوت آمریکا روی دستشان مانده است، با نفت معاوضه کنیم؛ موافقت کردم.

آقای[علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد و برای تبلیغات جهانی در خصوص مردم حلبچه، اعتبار ارزی خواست؛ پرداخت کردم. او در مورد جاسوسی یکی از کارکنان سفارت فلسطین به نفع عراق گفت و نیز از مسائل جاری بین حزب‌الله و امل در لبنان توضیحاتی داد و از افراط کاری سپاه در این خصوص و بی احتیاطی‌های سفارت گفت.

آقایان [محمد] فروزنده [رئیس ستاد کل سپاه] و [موسی] رفان [فرمانده نیروی هوایی سپاه] آمدند. درباره ذخیره موشکی بحث و تصمیم گیری شد. شرح برنامه‌های عملیاتی را دادند. گزارش‌ها را خواندم و کارهای دفترم را انجام دادم. بحران هواپیمای کویتی شدت گرفته است. امروز هم یک کویتی دیگر را کشته‌اند و امتیازی به دست نیاورده‌اند. به خانه آمدم. دکتر روحانی تلفنی وضع عملیات را گفت و اینکه ارتشی‌ها خوب دفاع می کنند. پاتک‌ها شدید و پی در پی است. کمک نیرویی و مهماتی از سپاه خواست.

سه‌شنبه ۲۳ فروردین | ٢٤ شعبان ١٤٠٨ | ۱۲ آوریل ۱۹۸۸

ساعت شش صبح به مجلس رفتم. تا ساعت هشت در دفتر کار کردم. به جلسه علنی رفتم. قبل از شروع جلسه از اینکه بسیاری از نمایندگان در انتخابات رأی نیاورده‌اند، اظهار تأسف کردم و خبر شروع عملیات را در پنجوین دادم. نمایندگان شکست خورده سخت متأثرند و معمولاً معترض که معمول شکست خوردگان است. مراجعه به من برای درد دل زیاد است. آقای فواد کریمی که در اهواز شکست خورده، به تلخی در سخنرانی پیش از دستور انتقاد کرد.

پیش از دستور از پیروزی‌های نظامی و سیاسی در آستانه سال جدید و در انتخابات گفتم[1]. دستورها بدون بحث جدی تصویب شد. روحیه مجلس خوب نیست، ولی حضور و رأی‌گیری را خوب انجام می‌دادند. احتمال اظهار بی تفاوتی در این چند هفته اخیر از طرف آنها که رأی نیاورده‌اند، هست و اداره جلسات را مشکل می‌کند. ولی امروز خوب بود. دو ساعت بیشتر کار نکردیم؛ هم برای مراعات امنیت به خاطر احتمال اصابت موشک به مجلس و هم به خاطر وضع روحی نمایندگان.

آقای سنجقی آمد و گزارش عملیات والفجر ۱۰ و بیت المقدس ۴ و برنامه‌های احتمالی آینده را آورد. عملیات بیت‌المقدس ۵ را که ارتش در منطقه پنجوین انجام داده است، امروز اعلان کردیم. خبر از پاتک‌های شدید و مکرر دشمن می‌دهند.

---

۱ – در بخشی از این نطق آمده است: «از رزمندگان اسلام تشکر می‌کنیم، در شرایطی که دشمنان اسلام، ما را در معرض توطئه همه جانبه‌ای قرار دادند، با ضربه‌های پی درپی، مخصوصاً در عملیات والفجر ۱۰ جواب مناسب را دادند و قدرت خودشان را به نمایش گذاشتند و به دنیا ثابت کردند که جمهوری اسلامی، قدرت بالا را در منطقه دارد. آنچه در شهر مظلوم حلبچه و شهرهای اطراف آن و روستاهای منطقه شهر «زور» اتفاق افتاد، یک فاجعه تاریخی و کم‌نظیر بود که دولتی نسبت به مردم خودش، این گونه جنایت را روا داشت و امیدواریم که جمهوری اسلامی بتواند در رفع آثار این مظلومیت، به مردم مظلوم کرد کمک کند. از مردم بزرگوارمان صمیمانه متشکریم که در شرایط ارعاب و تهدیدی که تحت بمباران تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه و دشمنان داخلی و شرارت‌ها بودیم، به حضور کم سابقه در میدان و حمایت از جنگ و رزمندگان و حضور در سر صندوق‌های رأی، این توطئه‌ها را بر هم زدند و ثابت کردند که ملت و دولت و همه مردم ما در کنار رهبری و وفادار به انقلاب و راهی که انتخاب کرده‌اند، هستند. امیدواریم شایستگی این را داشته باشیم که از این پیروزی‌های سیاسی و نظامی بهره‌برداری مناسب را بکنیم و دشمنان ما هم بیدار شده باشند و بدانند که اینجا، هر توطئه‌ای محکوم به شکست است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷»، جلد ششم، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

شب دکتر روحانی و آقامحمدی اطلاع دادند که نیروهای ما از مواضع تصرفی خود عقب‌نشینی کرده‌اند و این برای ارتش گران تمام می‌شود. محسن آمد. او برای مقدمات سفر به آلمان جهت تهیه مواد اولیه مورد نیاز ساخت موشک در ایران آماده می‌شود. قرار است با نام مستعار برود.

عصر در جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث درباره حدود آزادی‌ها بود که نیمه تمام ماند. شب مجمع تشخیص مصلحت، جلسه داشت. موضوعات قابل بحث در جلسات آینده را مشخص کردیم: مواد مخدر و تشدید مجازات رشوه. سپس جلسه برای مسائل لبنان داشتیم. قرار شد هیأتی [به سرپرستی آقای احمد جنتی] برای ایجاد تفاهم بین گروه‌های شیعی به سوریه و لبنان بروند.

چهارشنبه ۲٤ فروردین | ۲۵ شعبان ۱٤۰۸ ۱۳ آوریل ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم. در گزارش‌ها آمده که هواپیمای کویتی را در قبرس سوخت داده‌اند و به الجزایر رفته و گفتگوها با میانجیگری الجزایر آغاز شده است.

گروهی از کارکنان [واحد طراحی مرکز تحقیقات] پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی [اصفهان] که اتومبیل‌های رفع آلودگی مناطق شیمیایی زده را می‌سازند، به همراه نمونه‌های کار خود به مجلس آمدند. رفتم و نمونه‌ها را دیدم و سپس برای آنها صحبت کردم[1]. آنها یکصد اتومبیل وانت تویوتا که مجهز شده به جبهه می‌برند.

در دفترم آقایان [رسول] منتجب‌نیا، [سید حسین] قطمیری، [مصطفی] قادری، [پرویز] ملک‌پور، محمدی سلسله دلفان و [اسدالله] بادامچیان آمدند و از انتخابات و مسائل مربوط

۱ - در این دیدار ابتدا آقای عطاریان سازنده دستگاه خنثی کننده گازهای شیمیایی، توضیحاتی درباره عملکرد این دستگاه ارائه داد. سپس آقای هاشمی در سخنانی گفت: «ما با دشمنانی مواجه هستیم که به هیچ اصولی پایبند نیستند و به همین دلیل ما باید خود را به تجهیزات دفاعی مجهّز سازیم و این هم یکی از کارهایی است که لازم بود انجام دهیم. کاری که شما کردید، عملاً خطر سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌ها را تا سر حد معمولی تخفیف داده است و اگر این امکانات را توسعه دهیم، دیگر برای نیروهای مهاجم صرف نمی‌کند اسلحه شیمیایی به کار برد. ما باید کار دفاع در مقابل سلاح شیمیایی را بسیار جدی بگیریم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

به آن گله داشتند، در دو جهت متناقص؛ هر کس شکست خورده گله دارد و ناراضی است.

سه موشک عراقی به تهران خورد . یکی از آنها در دانشکده افسری در جوار مجلس فرود آمد که چند شیشه مجلس هم شکست. عصر در دفترم کارهای مجلس را انجام دادم و سر شب جمعی از اعضای هیأت رئیسه مجلس آمدند. پیشنهاد کردند که برای کم شدن خطر اصابت موشک، جلسات مجلس را در زیرزمین تشکیل دهیم.

شب با جمعی از سران جامعه روحانیت مبارز [تهران] در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای جلسه داشتیم. از انشعابات و عدم توفیق در انتخابات ناراضی‌اند و بعضی‌ها پیشنهاد دارند که در مرحله دوم در انتخابات شرکت نکنند که من و آقای خامنه‌ای مخالفت کردیم و قرار شد آقای مهدوی کنی با امام ملاقات کنند و بخواهند که امام جبران کنند، به نحوی که حیثیت جامعه روحانیت مبارز مخدوش نشود[1]. دیر وقت به خانه آمدم. عفت هم شرحی از شکایات بعضی از خانم‌های آشنا را در مورد انتخابات نقل کرد.

---

۱ - اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز شامل آقایان جلالی خمینی، سید محمود دعایی، سید محمد علی ابطحی، سید سراج‌الدین موسوی، محمد حسن رحیمیان، مهدی کروبی، سید مهدی امام جمارانی، حسن صانعی، محمد علی انصاری، سید محمد موسوی خوئینی‌ها، علی اکبر آشتیانی، حمید روحانی (زیارتی)، عبدالواحد موسوی لاری، محمد رضا توسلی، مجید انصاری، محمد علی نظام‌زاده، سید محمد خاتمی، سید علی اکبر محتشمی پور، سید محمد هاشمی، محمد علی صدوقی، سید تقی درچه‌ای، اسدالله بیات، هادی غفاری، محمد علی رحمانی، صادق خلخالی و عیسی ولایی در نامه‌ای به محضر امام خمینی (ره)، درباره انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز تهران درخواست اعلام نظر کردند. حضرت امام در پاسخ به شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز چنین مرقوم فرمودند: «بسمه تعالی، حضرات حجج اسلام روحانیون مبارز تهران دامت افاضاتهم، سیر قضیه به همین صورتی است که در نامه آورده‌اید. انشعاب تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید به معنای اختلاف نیست. اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هر کس برای پیشبرد نظرات خود به دیگری پرخاش کند که بحمدالله با شناختی که من از روحانیون دست اندرکار انقلاب دارم، چنین کاری صورت نخواهد گرفت. من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می‌تپد، دعا می‌کنم و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم.» ۶۷/۱/۲۵ - والسلام علیکم و رحمةالله. روح الله الموسوی الخمینی» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیستم، صفحه ۲۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

پنجشنبه ۲۵ فروردین | ۲٦ شعبان ۱٤۰۸ ۱٤ آوریل ۱۹۸۸

ساعت شش صبح به مجلس رفتم. قبل از دستور در جلسه علنی درباره عملیات بیت‌المقدس ۵ صحبت کردم[1]. تا ساعت یازده جلسه طول کشید. اداره مجلس به خاطر بی‌تفاوت شدن بعضی از نمایندگان که رأی نیاورده‌اند، مشکل شده ولی چون بحث کم است، پیشرفت خوب است.

آقای دکتر روحانی و [علی] آقا محمدی آمدند و توضیحاتی درباره عملیات بیت‌المقدس ۵ و علت عقب نشینی ارتش دادند؛ عذر درستی ندارند. ضعف مدیریت عملیات است. قرار شد بعد از این طرح‌های عملیاتی آنها را و مخصوصاً مانورها را در قرارگاه بررسی کنیم و تهدید کردم که اگر در عملیات آینده نتوانستند درست عمل کنند، باید کاملاً پدافندی شوند. سلمانی برای اصلاح آمد.

امروز هم به تهران، قم و اصفهان موشک خورد. عصر هیأت [هفت نفره] واگذاری زمین آمدند. گزارش کار دادند و برای رفع مشکلات و موانع استمداد کردند. فرماندهان سپاه سیستان و بلوچستان آمدند و از بی حسابی‌های کمیته انقلاب شکایت داشتند.

شب به خانه آمدم. نیروی دریایی سپاه و ارتش اطلاع دادند که یک ناو جنگی آمریکا در شرق بحرین به مین برخورده و از کار افتاده است. در اخبار خود آمریکا گفتند که ده مجروح داشته، ولی به گونه‌ای خبر را نقل کردند که به ایران منتسب نشود[2].

---

۱ – در این نطق آمده است: «ما تشکر می‌کنیم از رزمندگان بزرگوار و ایثارگر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی که جواب مناسبی را به شرارت‌های عفالقه عراق در منطقه پنجوین دادند و نشان دادند که نیروهای رزمنده در لحظات مناسب برای بیدار کردن وجدان منحرف حکام عفلقی بغداد آماده‌اند که ضربه‌های مناسب را وارد بکنند و تلفات و صدماتی که به ارتش عفلقی عراق در این عملیات مقدس وارد شد، برای این گونه جنایات آنها، ضربه مناسبی است. ان‌شاءالله خداوند توفیق پیروزی‌های بیشتر به رزمندگان ما عنایت بفرماید.» ⟵ کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ – خبرگزاری رویتر گفت: ناوچه ۲۷۴۰ تنی «ساموئل رابرتز» روز پنج شنبه در منطقه‌ای که عاری از مین اعلام شده بود، به مین برخورد کرد. بنا به اعلام پنتاگون هر چند موتور این ناوچه پس از مشاهده مین خاموش شد ولی انفجاری که در آن روی داد، دستکم ده تن از خدمه را مجروح و موتورخانه‌اش را پر از آب کرد. مین جمع کن‌های آمریکایی و انگلیسی به نحوی این منطقه را پاکسازی کرده بودند که مشاهده چند مین، فوراً این گمان را در بین مقامات کشتیرانی و دیپلمات‌ها به وجود آورد که این مین‌ها تازه کار گذاشته شده‌اند. این موضوع بسیار نگران کننده است، چون منطقه باید دوباره کاملاً پاکسازی شود.»

جمعه ۲۶ فروردین | ۲۷ شعبان ۱۴۰۸ — ۱۵ آوریل ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم، برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. خطبه‌ها و نماز را در دانشگاه تهران ایراد و اقامه کردم[1]. انتظار داشتیم مطابق معمول هنگام نماز جمعه موشک‌های عراقی به تهران برسد که نرسید. عصر جمعی از بستگان آمدند. پسر شهید مطهری آمد و برای خوب برگزار شدن مراسم سالگرد شهادت ایشان استمداد کرد. حاجی اصغر ، کارگر قمی آمد. یک گوسفند کشته و گوشت برایمان آورد و درباره وضع اراضی البرز توضیحاتی داد. پیش از انقلاب، زمینی در البرز قم برای پسته کاری خریده بودیم.

شنبه ۲۷ فروردین | ۲۸ شعبان ۱۴۰۸ — ۱۶ آوریل ۱۹۸۸

آقای سنجقی اطلاع داد که تپه مجید را در جنوب شاخ شمیران از عراق پس گرفته و جاده

---

۱ - تهران که در آن روزها، هدف حملات موشکی دشمن قرار داشت، در روز جمعه ۲۶ فروردین شاهد یکی از باشکوه‌ترین اجتماعات مردم موحد و خداجوی این شهر بود. در این اجتماع هزاران کفن پوش که شعار می‌دادند «ما به اینجا آمدیم، بهر شهادت آمدیم» صفوف فشرده نمازگزاران را فشرده‌تر کرده بود. آقای هاشمی خطیب جمعه تهران در خطبه اول در آستانه ماه رمضان، به بیان فلسفه و اهمیّت روزه در اسلام پرداخت و درباره نقش روزه در باز داشتن روزه‌دار از گناه، فرازهایی از سخنان حضرت رسول اکرم (ص) را بیان داشت. در خطبه دوم، ایشان از سکوت حاکمان کشورهای عربی منطقه خاورمیانه در قبال فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه به شدت انتقاد کرد. آقای هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود، وضعیت جبهه‌های جنگ را برای مردم ترسیم کرد و گفت: «ما اکنون در یکی از حساس‌ترین مقاطع جنگ تحمیلی قرار داریم و دشمنان ما توطئه جدید خود را پشت سر می‌گذارند. امروز زمان پر کردن جبهه‌هاست و جوان‌ها باید به سوی جبهه‌ها بشتابند تا هر وقت لازم شد، به دنیا بگوئیم که بیهوده این صدام درمانده را حفظ می‌کنند.» در این خطبه همچنین درباره حضور ناوهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس، اهداف عراق از گسترش جنگ شهرها و بمباران و موشک‌باران مناطق مسکونی، حوادث لبنان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و اختلاف نظر میان جناح‌های سیاسی، تحلیل‌هایی به نمازگزاران ارائه شد. ایشان درباره انشعاب «مجمع روحانیون مبارز» از «جامعه روحانیت مبارز تهران» گفت: «وجود اختلاف نظر، عامل رشد دهنده است. وجود اختلاف نظر حق همه می‌باشد و صحابه پیامبر (ص) و علمای ما نیز اختلاف نظر داشته‌اند، اما این اختلاف نظر نباید موجب پرخاش به یکدیگر گردد. وجود اختلاف نظر از سوی امام نیز مورد قبول است و همان‌گونه که در پاسخ به نامه روحانیون مبارز که از جامعه روحانیت منشعب شده‌اند دیدیم، حضرت امام تأکید کردند که اختلاف نظر نباید موجب پرخاش به یکدیگر شود. کسانی که به دنبال انتخابات، همدیگر را مورد پرخاش قرار می‌دهند، چه آنها که به مجلس راه یافته و چه آنها که موفق نشده‌اند، به انقلاب خیانت می‌کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷»، جلد یازدهم ، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

را باز کرده‌ایم. دیروز عراق در یک پاتک سنگین آنجا را گرفته بود. مهدی ما، قبلاً هشدار داده بود که آنجا در خطر است و امروز توضیحاتی داد که معلوم می‌شود به نقشه و وضعیت منطقه خوب مسلط است. ضمناً توضیحات دیگری از جریان عملیات که منجر به تصرف منطقه شده بود، داد. منجمله از وضع و کیفیت اسیر شدن عراقی‌ها تعریف کرد که یک نظامی عراقی را که پشت سرخودشان ناگهان با تفنگ پر دیده‌اند و تسلیم شده، خشاب تفنگش را درآورده اند و او را با تفنگ خالی به عقبه فرستاده‌اند. همچنین دو نفر عراقی که تسلیم شده بودند، خودشان پیشنهاد داده‌اند که بروند و بقیه عراقی‌ها را هم بیاورند، ولی عراقی‌ها آن دو نفر را زدند و کشتند.

امروز صبح سه موشک به تهران خورد که تلفات مهمی نداشت. به سپاه گفتم تلافی نمایند. عصر به مجلس رفتم. در گزارش‌ها، بن‌بست مسئله هواپیمای کویتی را می‌شود دید؛ گرچه از پیغام الجزایر به ما بدست می‌آید که کویتی‌ها دارند برای امتیاز دادن آماده می‌شوند.

برخورد ناو آمریکا به مین، مسئله مهمی شده و زمزمه تلافی آمریکا علیه ما بلند شده است. شورای امنیت ملی آمریکا جلسه داشته و [حسین] شیخ‌الاسلام از وزارت خارجه تذکر داد که بگوئیم نیروها آماده باشند؛ به نیروهای مربوطه گفته شد.

آقایان لطیف صفری نماینده اسلام آباد و [شهاب‌الدین] بیمقدار نماینده ورزقان و [ابراهیم] عباس پور نماینده کلیبر آمدند و از تبلیغات گمراه کننده که منجر به شکست آنها در انتخابات شده، شکایت داشتند.

دکتر [مسعود] خاتمی از بهداری سپاه آمد. گزارشی از مجروحان و مصدومان عملیات اخیرداد. مدعی است تعداد کشته‌های مردم حلبچه کمتر از هزار نفر است و حدود دو هزار نفر مجروح هم به تهران اعزام شده‌اند و مجروحان خودمان کلاً حدود ۹ هزار نفر بوده‌اند که حدود ۲۵درصد بستری شده و بقیه سرپایی بوده‌اند. برای اصلاح وزارت بهداشت و درمان توصیه داشت.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. درباره مشکلات وزارت اطلاعات و پیشنهاد ارتباط آن با ولایت فقیه بحث شد. درباره احتمال حمله آمریکا بحث و قرار شد آماده باشیم. جواب حمله احتمالی را را بررسی کردیم. آقای نخست وزیر برای مخارج

تعزیرات حکومتی اعتبار گرفت. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۸ فروردین | ۲۹ شعبان ۱۴۰۸ — ۱۷ آوریل ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. در بین راه از محل اصابت موشک عراقی در میدان پرستو بازدید کردم. تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم.

از جبهه خبر دادند که عراق در منطقه فاو حمله وسیعی را آغاز کرده و در دوسه نقطه خط ما را شکسته است و نیاز به توپخانه و پشتیبانی هوایی داریم. برای اولین بار از زمان شروع جنگ، جلسه علنی مجلس را برای حفاظت در مقابل موشک‌ها، به جای تالار پارلمان، در زیرزمین تشکیل دادیم؛ تا آخر در جلسه ماندم. مشکلی پیش نیامد. قبل از دستور، فوت [حجت الاسلام ملا هاشم جنتی]، پدر آقای [احمد] جنتی عضو شورای نگهبان را تسلیت گفتم. پیش از ظهر برای اصلاح دندان به بهداری مجلس رفتم.

عراق سه موشک همزمان به تهران زد، ولی شش موشک اعلان کرد. آقای [سیدکمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] اطلاع داد که عراق برنامه رادیو را قطع کرده و خبر حمله به فاو را با آب و تاب می‌دهد. آقای موسوی اردبیلی و آقای محسن رضائی از جبهه تلفنی خواستند که از نیروهای ارتش هم به کمکشان برسانیم و گفتند پیشرفت دشمن ادامه دارد.

چند نفر از نمایندگان شکست خورده شکایت آوردند. ظهر ، خواب درستی نداشتم. نخست وزیر تلفنی گفت خبر رسیده در خور عبدالله و خور موسی درگیری است و احتمالاً با آمریکا. بررسی کردم؛ درگیری با آمریکا تائید نشد. آقای محسن رضائی هم از جبهه مدعی است که هلی‌کوپترهای آمریکایی به یک قرارگاه حمله کرده‌اند، ولی پس از تحقیق بیشتر معلوم شد، مسئله این است که چند هلی‌کوپتر ناشناس در چوبیده به قرارگاهی حمله کرده‌اند. اجازه ندادیم مسئله احتمال حمله آمریکا پخش شود. سپاه اصرار به پخش

داشت و فکر می‌کند در جذب نیرو موثر است؛ یا شاید عذری برای عقب‌نشینی[1]. جمعی از ارتشی‌ها به مناسبت هفته تجلیل از سرباز آمده بودند. برای آنها صحبت کردم.

آقای [محمد جواد] لاریجانی [معاون اروپا و آمریکای وزیر امور خارجه] گزارش سفر به نیویورک و مذاکره با دبیرکل سازمان ملل و سفرای انگلیس و روس را داد. فکر می‌کند زمینه تحریم تا ماه دیگر نیست. انگلیسی‌ها را مایل به نزدیک شدن با ما دیده و روس‌ها را نیز مایل به رفع کدورت ناشی از تحویل موشک زیاد به عراق.

مصاحبه مفصلی با تلویزیون و یک روزنامه ایتالیایی داشتم[2]؛ مصاحبه‌گرها نیرومند بودند. یکی از آنها گفت با بزرگترین سیاستمدارهای معاصر مصاحبه کرده. یاسر هم در جلسه بود و شناخته شد. از حال او هم پرسیدند.

از معاونت فرهنگی نیروی زمینی سپاه آمدند و نیازهای تبلیغات را آوردند. آقایان روحانی و آقامحمدی آمدند . وضع فاو را بررسی کردیم. کمک‌های ممکن در حال انجام است، ولی عقب نشینی زیاد است و ترمیم آن آسان نیست. تلفن‌های زیادی درباره فاو داشتیم. به وزارت خارجه گفتم به کویت به خاطر استفاده عراق از جزیره بوبیان اعتراض کند.

---

۱ - روزنامه‌های صبح دوشنبه ۲۹ فروردین درباره حمله آمریکا، تیترهای درشت زده بودند. عنوان اصلی روزنامه کیهان در این روز چنین بود: «توطئه نظامی مشترک آمریکا، عراق و کویت در محور فاو – بوبیان – خلیج فارس» و در تیتر دوم آمده بود: «هلی کوپترها و ناوهای آمریکایی، صبح امروز سکوهای فعال نفتی سلمان و نصر ایران را هدف حمله قرار داده‌اند.»

۲ - آقای هاشمی در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی «لاستامپا» تأکید کرد در صورت لزوم، ایران قادر است در مدت کوتاهی، تمام نیروهای خود را به سلاح شیمیایی مسلح کند، اما ابراز امیدواری نمود که ضرورت چنین اقدامی هرگز احساس نشود. ایشان در پاسخ به سئوال آقای ایگورمن خبرنگار مشهور روزنامه «لاستامپا» که پرسید با وجود اینکه مذهب شیعه به بخشش تکیه دارد، دلیل اصرار شما به ادامه جنگ چیست، گفت: «اگر بخشیدن صدام به نفع ملل ایران و عراق بود، ما تا به حال این کار را انجام داده بودیم، اما مسأله این است که چنین امری به هیچ‌وجه باعث تحقق یک صلح پایدار نخواهد شد. اگر متحدین در جنگ دوم جهانی با نیروهای نازی صلح کرده بودند، چه بسا تاکنون آتش جنگ جهانی سوم هم شعله ور شده بود. ما خواهان صلح هستیم، اما صلح در کنار فردی که به طور مداوم حقوق بین‌المللی را نقض می‌کند، پایدار نیست.» آقای هاشمی همچنین به سئوالات مختلف خبرنگار شبکه دوم تلویزیون ایتالیا پیرامون جنگ و عواقب آن، هواپیمای ربوده شده کویتی، برخوردهای سازشکارانه با مسأله فلسطین، دوره سوم مجلس شورای اسلامی و مسأله افغانستان پاسخ داد. تلویزیون ایتالیا در برنامه جمعه شب خود پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد رویدادهای جاری جنگ، این مصاحبه را به طور کامل پخش کرد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دوشنبه ۲۹ فروردین | ۱ رمضان ۱٤۰۸ — ۱۸ آوریل ۱۹۸۸

ساعت یک ربع به سه بامداد، برای سحری خوردن بیدار و با عفت و مهدی و یاسر سحری خوردیم. از ستاد مرکزی سپاه درباره جبهه فاو اطلاع گرفتم. گفتند خط دفاعی در سه کیلومتری شهر تشکیل شده و نیروهای تازه نفس دارند می‌رسند. لابد دشمن هم نیروهای تازه نفس وارد می‌کند. آقای [علیرضا] افشار از قول آقای [علی] شمخانی اطلاع داد که عراق ۲۵ تیپ از دو سپاه وارد عمل کرده و بمب شیمیایی زیادی به کار می‌گیرد.

هنگام سحری خوردن وضعیت قرمز شد و اطلاع دادند به قم موشک خورده است. ساعت هفت و ربع از خواب برخاستم و اخبار را گرفتم. در جبهه وضعیت جدیدی پیش نیامده است. موشکی هم به تهران اصابت کرد. به آقای [سیدکمال] خرازی گفتم که اطلاعیه دعوت نیروهای سپاه را پخش کند.

به مجلس رفتم. گزارش‌ها خبر از فشار بیشتر نیروهای عراقی به نیروهای ما در فاو و نزدیک شدن آنها به شهر و قطع پل ارتباطی ما روی اروند می‌داد و حدود ظهر به ما اطلاع دادند که نیروهای ما تصمیم به عقب نشینی از فاو را گرفته‌اند؛ خیلی متاثر شدم. چاره‌ای نداشتیم. اگر دستور مقاومت بیشتر می‌دادم، تلفات بیشتری را بایستی بپذیریم که نتیجه‌ای مطمئن هم نداشت[۱].

---

[۱] – نخستین حمله از حملات جدید عراق، در منطقه فاو انجام شد. ارتش عراق در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ با دو سپاه هفتم و گارد و یگان‌های نیروی دریایی خود شامل ۱۰ لشکر و ۲۶ تیپ به منطقه عملیاتی والفجر ۸ هجوم برد. هم زمان با این حمله، نیروی دریایی آمریکا یک حرکت نظامی و در عین حال نمادین در خلیج فارس انجام داد. در این حرکت، هلی‌کوپترهای آمریکایی به سکوهای نفتی خودی واقع در شمال خلیج فارس هجوم بردند تا حمایت قطعی آمریکا از عراق در حمله به فاو را به نمایش گذارند. هجوم عراق به فاو کاملاً غافلگیرانه بود؛ وسعت سلاح‌های شیمیایی به کار رفته در این عملیات قادر بود سه برابر منطقه عملیاتی فاو را در حد غیر قابل تحمل برای موجود زنده، آلوده کند. در عین حال و در حالی که دشمن از عقبه خشکی برخوردار بود و نیروهای خودی در آن سوی آب می‌جنگیدند و عقبه‌شان تنها متکی به یک پل بود، خطوط مختلف پدافندی خودی در برابر آتش شدید و سلاح‌های شیمیایی عراق ۴۸ ساعت مقاومت کرد. عراق در دوره دفاع متحرک اگر چه پایان خوشایندی برای دشمن نداشت، در اردوی خودی نیز بدون آثار منفی نبود. تهاجم دشمن به خطوط رخنه پذیر خودی، سپاه را بر آن داشت که از آن پس پدافند مناطق آزاد شده را خود به عهده گیرد. در هنگام شروع دوره جدید، نیروهای سپاه در فاو، شلمچه، جزیره مجنون، مهران، حلبچه و ماووت خط پدافندی داشتند، به همین سبب سازمان رزم سپاه نه تنها تجزیه شده بود، بلکه یگانی آزاد به عنوان احتیاط کلی در اختیار نداشت. نیروهای ارتش نیز در وضعیت مشابهی به سر می‌بردند و در پیرانشهر، قصر شیرین، میمک، فکّه و عین خوش سرگرم پدافند بودند. در چنین وضعیتی، در آغاز سال ۱۳۶۷ عراق با استفاده از برتری لل

خبر رسید که آمریکا به دو سکوی نفتی نصر و سلمان حمله کرده و به آتش کشیده است. دستور داده شد که به سکوی نفتی امارات حمله کنند. پس از حمله ما یک یدک‌کش آمریکایی که در آنجا بود غرق شد و یک کشتی نفتی انگلیس آتش گرفت و سپس به دو کشتی نفتی دیگر هم در آن منطقه حمله کردیم. آمریکایی‌ها به ناوچه موشک‌انداز ما حمله کرده و آن را غرق کردند و چند نفر از خدمه آن شهید شدند[1].

محسوس نظامی خود در جنوب و با اتکاء به حمایت روانی و سیاسی – تبلیغاتی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، توانست روحیه لازم را برای خروج از وضع پدافندی و کسب ابتکار عمل به دست آورد و حملات گسترده‌ای را انجام دهد.

۱ - حملات نظامی آمریکا به سکوهای نفتی ایران طی دو مرحله انجام گرفت. نخستین مرحله در ۲۷ مهر ۱۳۶۶ رخ داد که طی آن، سکوهای نفتی رشادت هدف حمله واقع شدند. حمله به این سکوها سه روز پس از حمله به نفتکش کویتی تحت پرچم آمریکا صورت گرفت که در محدوده دریای سرزمین کویت هدف یک فروند موشک قرار گرفته بود. مرحله دوم در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با حمله ناوهای آمریکا به سکوهای نفتی نصر و سلمان اتفاق افتاد. سکو و تأسیسات نفتی سلمان که از جمله مهمترین سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس بود و روزانه، حدود ۲۲۰ هزار بشکه نفت از آن بهره‌برداری می‌شد. در مهر ماه ۱۳۶۶ هدف حملات هواپیماهای رژیم عراق قرار گرفت که البته به سرعت تعمیر و بازسازی شد. اما سکوی نفتی نصر که قابلیت تولید روزانه ۱۰۰هزار بشکه نفت را داشت. هیچ گاه در جریان جنگ، هدف حمله دشمن واقع نشد و تا زمان حمله ناوهای آمریکایی به فعالیت خود ادامه داد. پیش از حمله ناوهای آمریکا، حدود پنجاه نفر (بیست نفر نیروی نظامی و سی نفر کارمند غیر نظامی وزارت نفت) روی این سکوها به فعالیت مشغول بودند و بر روی هر یک از آنها، تنها یک قبضه مسلسل ۲۳ میلی متری نصب شده بود که صرفاً کارکرد دفاعی داشت.

حمله ناوهای آمریکایی به سکوهای نفتی نصر و سلمان در پی برخورد کشتی جنگی آمریکایی موسوم به ساموئل رابرتز با مین‌های رها شده در شصت مایلی شرق جزیره بحرین در ۲۵ فروردین ماه صورت گرفت. به دنبال این حادثه، مقامات آمریکایی ایران را به مین گذاری در آن منطقه متهم کردند. در حالی که آن منطقه تحت مراقبت و کنترل دائمی نیروهای آمریکایی، بحرینی، قطری و عربستانی بوده؛ بنابراین امکان مین گذاری نیروهای ایرانی در آنجا وجود نداشته است. اما آمریکا این استدلال را نپذیرفت و پس از چهار روز، یعنی در ۲۹ فروردین ماه، بار دیگر تأسیسات نصر و سلمان را هدف حمله قرار داد و آنها را به کلی تخریب کرد. در این حمله، افزون بر انهدام سکوها، دو رزمناو سهند و جوشن ایران غرق شدند و به یک شناور و هواپیمای اف – ۱۴ خساراتی وارد آمد. همچنین تعدادی از افراد نیروی دریایی و افراد غیر نظامی شهید یا مجروح شدند.

آمریکاییان این بار نیز، همانند حمله پیش، حملات نظامی خود را به سکوی نصر و سلمان در قالب دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد توجیه کردند. (ماده ۵۱ مقرر می‌دارد: در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه بر ضد یک عضو ملل متحد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی از خود، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.)

آمریکا در بیانیه‌هایی که پس از حملات خود به سکوهای ایرانی صادر کرد، به نظامی شدن سکوهای مزبور اشاره کرده است. در این بیانیه‌ها، مقامات آمریکایی اظهار کرده‌اند سکوهایی که هدف حمله قرار گرفته‌اند، علی رغم ظاهر غیر نظامی، به مراکز عملیات مین گذاری و حمله به کشتی‌های دولت‌های بی طرف و غیر متخاصم تبدیل شده بودند؛ البته، این ادعاهای آمریکا با واقعیات منطبق نبود و دلایل و اوضاع و احوال کلی نیز نادرستی این ادعا را تأیید می‌کرد. حتی برخی از فرماندهان آمریکا که خود در عملیات مزبور شرکت داشتند، اظهار کرده‌اند سکوهایی که آنها هدف حمله قرار دادند هیچ گونه مقاومتی را از خود نشان ندادند و ظاهراً، در شرایطی نیز نبوده‌اند که بتوانند چنین اقدامی را انجام دهند.

دیشب خبر رسید که به دو ناو جنگی سهند و سبلان هم حمله شده؛ یکی غرق و دیگری آسیب جدی دیده است. عصر آقای صیاد [شیرازی] آمد و گزارش عملیات بیت‌المقدس ۵ را داد.

مصاحبه‌ای با تلویزیون برای دعوت نیروها به جبهه نمودم[۱]. قبل از افطار به خانه آمدم. حال خوبی ندارم. تصمیم گرفتم، برای بررسی اوضاع بعد از خروج از فاو، فردا به جنوب بروم. شب [آقای غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] اطلاع داد که آتش سکوهای نفتی خاموش شده است.

سه‌شنبه ۳۰ فروردین | ۲ رمضان ۱٤۰۸ — ۱۹ آوریل ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح به سوی اهواز حرکت کردیم. مهدی هم با من آمد. نزدیک غروب به اهواز رسیدیم و بعد از نماز مغرب به قرارگاه امام علی (ع) نزدیک خرمشهر رفتم. فرماندهان سپاه هم بودند و همه فوق‌العاده متاثر از شکست در فاو و گفتند تا امروز ظهر عقب نشینی از فاو کامل شده است.

فرماندهان لشکرهای امام حسن (ع)، کربلا، ثارالله، نجف، علی بن ابیطالب (ع) و قمر بنی‌هاشم(ع) که مسئول خط فاو بودند، جزئیات حمله دشمن و دفاع خودشان تا سقوط فاو را توضیح دادند. عامل اصلی شکست، بیشتر بودن نیروهای مهاجم دشمن، تقریباً ده برابر نیروهای مدافع و از کار افتادن ادوات در لحظات اوّل به خاطر استفاده دشمن از سلاح شیمیایی است. جلسه تا ساعت یک بعد از نصف شب طول کشید. به اهواز برگشتیم و دو سه ساعت خوابیدم.

---

۱ - در این مصاحبه آقای هاشمی ضمن تشریح ابعاد توطئه مشترک آمریکا، عراق و کویت در خلیج فارس، از جوانان به ویژه نیروهای آموزش دیده و آماده رزم خواست که بدون فوت وقت در جبهه‌ها حضور یابند تا کار جنگ یکسره شود. برای مطالعه متن کامل مصاحبه ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

چهارشنبه ۳۱ فروردین | ۳ رمضان ۱٤۰۸ ۲۰ آوریل ۱۹۸۸

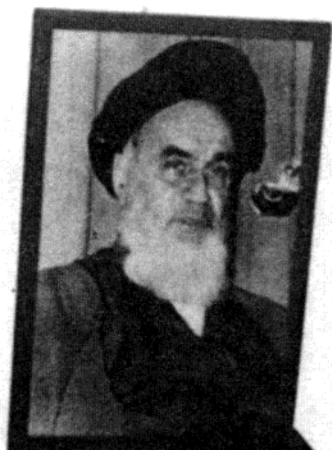
صبح تیمسار حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] برای تعلیق دستور تحویل گرفتن خط مهران از سپاه آمد.

فرماندهان سپاه آمدند و نتیجه بررسی‌ها را آوردند. آقای محسن رضائی مدعی است مجموع تلفات انسانی ما در فاو اعم از شهید و اسیر و مفقود، حدود یکهزار و دویست نفر است. برنامه تقسیم نیروهای سپاه برای شمال و جنوب و برنامه عملیات آینده را برای جبران شکست فاو آوردند. بحثی هم درباره تنظیم بهتر امکانات جنگی برای بهره بیشتر صورت گرفت که قرار شد قرارگاه خاتم را برای بررسی و تصمیم‌گیری تقویت کنیم.

عصر از راه شهرکرد به سوی تهران حرکت کردیم. اول شب به شهر ایذه رسیدیم. در مهمانسرای فرمانداری، نخست وزیر تلفنی از تهران به من گفت عراق اعلام کرده با شرایطی از نیمه شب امشب، جنگ شهرها را قطع می‌کند و خواست که قبل از نیمه شب به بغداد موشک بزنیم. بعداً معلوم شد آقای خامنه‌ای به سپاه گفته‌اند که بزنند. باید در جنگ شهرها کوتاه بیاییم. شب تا صبح، رعد و برق و باران بود. تأثر افرادی که دیدیم، از سقوط فاو زیاد است.



اردیبهشت ۱۳۶۷



پنجشنبه ۱ اردیبهشت | ٤ رمضان ١٤٠٨ ۲۱ آوریل ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به سوی تهران حرکت کردیم. فرماندار ایذه هم برای توضیحات تا مرز استان خوزستان با ما آمد. جاده های کوهستانی در حال ساخت، عبور را مشکل کرده بود. مسیر راه در کوه های بختیاری، در دره های سرسبز و جنگل‌های بلوط، جالب و زیبا است و در آینده پس از تکمیل این جاده، بسیار زیبا و پر مسافر خواهد بود و تأثیر زیادی برای عمران منطقه دارد. نماز ظهر را نزدیک [شهر] اردل، کنار دریاچه خواندیم و ناهار را که تن ماهی و گوجه بود، کنار جوی آبی پس از عبور از شهر صرف کردیم.

در مسیر علاوه بر روستاهای فراوان، از شهرهای شهرکرد، داران، خوانسار، گلپایگان و دلیجان گذشتیم. سر راه در چادگان به سد زاینده رود رسیدیم. برای تماشای سد و دریاچه آن، توقف کوتاهی کردیم. آقای احمدی و آقای فتوحی از کارکنان سد توضیحاتی دادند. این سد، ۵۸ مگاوات برق می‌دهد و به ادعای آنها ۷۵ متر آب در ثانیه دارد.

نماز مغرب و عشاء را در امامزاده‌ای نزدیک قم خواندیم. ما را شناختند، زود حرکت کردیم و شام را در کنار جاده، نزدیک قم خوردیم. چلوکباب از کافه گرفته بودند. ساعت دوازده و نیم شب به منزل رسیدیم و استراحت کردیم. برای سحری بیدار شدیم. تلفنی با آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردم. قرار شد، فردا نماز جمعه را ایشان بخوانند.

جمعه ۲ اردیبهشت | ۵ رمضان ۱۴۰۸ ۲۲ آوریل ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح خوابیدم. تا عصر وقتم عمدتاً به خواندن گزارش‌های دوسه روز گذشته و انجام کارهای دفتر گذشت. آقای محسن رضائی از منطقه تلفن کرد و خواهان آزاد شدن بعضی از نیروهایش از خط دفاعی توسط ارتش شد.

احمد آقا برای شنیدن مسئله فاو آمد و گفت وقتی که خبر سقوط فاو را به امام دادیم، گفتند مهم نیست، جایی را شما گرفته‌اید، از آنها است و آنها پس گرفته‌اند. با آقای خامنه ای درباره پذیرش هواپیما ربایان که در الجزایر هستند و الجزایر از ما خواسته که آنها را بپذیریم، صحبت کردیم. قرار شد بگوییم، به شرط اینکه ما در دادگاهی کردن آنها آزاد باشیم، می‌پذیریم.

شنبه ۳ اردیبهشت | ٦ رمضان ۱۴۰۸ ۲۳ آوریل ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم به خواندن گزارش‌ها و انجام کارهای عقب افتاده گذشت. عصر آقای سرهنگ [مصطفی] ترابی‌پور ، برای امور ارتش و جنگ آمد. کارها را تلفنی انجام دادم.

شب سران قوا مهمان بودند. بیشتر بحث درباره جنگ بود. همگی تحت تأثیر سقوط فاو بودیم. مشکلات جنگ و خطر درگیرشدن با آمریکا در خلیج فارس، بیشتر وقت را گرفت. احتمال دارد آمریکا در آینده، حفاظت از همه کشتی های نفتی را به عهده بگیرد. در مورد مدارس، قرار شد امتحانات را به موقع برگزار کنند. در مورد طرح پزشکان، قرار شد پیشنهاد رفتن اجباری به شهرستان‌ها لغو شود؛ وزارت بهداشت چنین اجازه‌ای داده است.

یکشنبه ٤ اردیبهشت | ۷ رمضان ۱۴۰۸ ۲٤ آوریل ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها زمزمه توسعه حضور آمریکا در

خلیج فارس و حمایت از همه کشتی‌های تجارتی در مقابل برنامه مقابله به مثل ایران، جلب توجه می‌کند که اقدام خطرناکی است[۱].

قبل از شروع جلسه درباره سقوط فاو و بی نظمی‌های جلسه قبل مجلس مطالبی گفتم و در سخنان پیش از دستور، درباره انفجار بمب در طرابلس لبنان و ترور ابوجهاد[۲] صحبت کوتاهی داشتم[۳]. مراجعات نمایندگان شکست خورده در انتخابات زیاد است.

ساعت نه و نیم به دفترم رفتم. [دریادار محمد حسین ملک زادگان] فرمانده نداجا [= نیروی دریایی ارتش] آمد و گزارش برخورد با نیروهای آمریکایی در خلیج فارس را داد. نقطه مثبت آن جرأت درگیری نیروی دریایی ارتش با آمریکایی‌هاست؛ گرچه صدمه‌ای به آنها وارد نکرده‌اند و خود صدمات زیادی دیده‌اند : ۶۴ شهید و از دست دادن یک ناو و یک ناوچه. ولی نیروی دریایی سپاه، با امکانات محدود توانسته به آمریکایی‌ها ضربه بزنند و خود آسیب مهمی نبیند.

---

۱ - رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی رادیویی هفتگی خود از ایران خواست که حملات خود را به کشتی‌های بی‌طرف در خلیج فارس، متوقف کند. او گفت: «ایالات متحده خواستار رویارویی نظامی با ایران نیست اما نیروهای دریایی آمریکا به حفاظت از آزادی کشتی‌رانی در خلیج‌فارس ادامه خواهند داد و آمریکا و متحدانش تجاوزات مداوم ایران را تحمل نخواهند کرد. نقش ما در این جنگ رعایت بی‌طرفی است و ما در جهت رویارویی با ایران تلاش نمی‌کنیم، با این همه رهبران ایران باید درک کنند که ادامه حملات در خلیج‌فارس تحمل نخواهد شد.» منبع : نشریه گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱/۴ صفحه ۳۷.

۲ - «خلیل الوزیر» مشهور به ابوجهاد، فرمانده نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در روز شنبه ۲۷ فروردین ۶۷ به همراه سه تن از محافظانش، توسط یک گروه مسلح در تونس ترور شد. این ترور در ساعت ۲ بامداد توسط یک واحد کماندویی متشکل از هشت مرد و یک زن انجام شد. پیکر ابوجهاد سوراخ سوراخ شده و از سر تا پا گلوله خورده بود، به طوری که دست راست وی براثر اصابت گلوله‌های زیاد، عملاً از ساعد قطع شده بود و اثر اصابت پنجاه گلوله تنها در اتاق خواب و حدود صد گلوله در منزل ابوجهاد مشاهده می‌شد. همسر ابوجهاد و دو فرزند او که شاهد صحنه ترور بودند، اظهار داشتند که تروریست‌ها قبل از ورود به منزل، سه محافظ را از پای درآوردند و پس از شکستن در و شلیک به همه طرف، وارد خانه شدند.

۳ - آقای هاشمی در این نطق انفجار بمب در شهر طرابلس لبنان و ترور ابوجهاد را محکوم کرد. در بخشی از این نطق آمده است: «جنایت نفرت انگیز انفجار بمب در بازار شهر مظلوم طرابلس لبنان، جنایتی است که نشانگر نمونه حس کینه کفر جهانی و صهیونیسم علیه مسلمانان انقلابی است. ما با همه وجودمان این جنایت را محکوم می‌کنیم و تعجب ما این است که مراکز جهانی و رسانه‌های جمعی غربی به خصوص آنهایی که دم از مبارزه با تروریسم می‌زنند، به شهرها حمله می‌کنند و انقلاب ما را سرکوب می‌نمایند، چطور در مورد چنین فاجعه‌ای که دست اسرائیل به روشنی در آن پیداست و همچنین فاجعه‌ای مثل ترور شخصی مثل ابوجهاد شخصیت دوم فلسطین، این گونه به سادگی عبور می‌کنند و حتی با لحن تحسین‌انگیز، کینه‌های خودشان را در این موارد نشان می‌دهند که این نشان عدم صداقت اینهاست بر ادعای مخالفت با تروریسم؛ تروریسمی که در جهت خلاف آنها باشد محکوم است و آنچه که در جهت اهداف اینهاست، مورد ستایش غیررسمی است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آقای سنجقی آمد و گزارش وضع جبهه را داد. او با انتصاب سرهنگ [علی] شهبازی به ریاست ستاد مشترک ارتش مخالفت کرد[1]. عصر از معاونت فرهنگی نیروی زمینی سپاه آمدند و برای کارهای فرهنگی جبهه و جنگ استمداد و مشورت کردند؛ قول کمک دادم.

پیش‌نویس نامه و پیشنهادی از طرف سران قوا به امام درباره حل مشکلات جنگ را تهیه کردم. در جلسه پریشب، قرار شد نخست وزیر و من مطالب را تنظیم کنیم. قبل از افطار به خانه رسیدم. عفت و فاطی نزد دکتر متخصص گوش و حلق و بینی رفته بودند. در مورد عفت قرار شده معاینه و تحقیق ادامه یابد. شب زود خوابیدم.

دوشنبه ٥ اردیبهشت | ٨ رمضان ١٤٠٨ ٢٥ آوریل ١٩٨٨

بعد از سحر دیگر نخوابیدم و نامه به امام را برای بررسی در جلسه سران تکمیل کردم. ساعت هشت و نیم صبح، برای شرکت در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. درباره اعزام نیرو به جبهه‌ها بحث شد. گفتند سطح اعزام خوب است و قرار شد تبلیغات برای تداوم اعزام ادامه یابد. مصوبات زیادی برای هموار کردن راه جنگ داشتیم.

بعد از جلسه با نخست وزیر درباره نامه تهیه شده مشورت کردم. قرار بر این بود که ما دو نفر نامه تهیه کنیم. ایشان هم قرار شد تهیه کنند.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. آقای [ابراهیم] سنجقی برای گزارش امور جنگ آمد و آمار تلفات عملیات والفجر ١٠ و بیت‌المقدس ٣ و ۴ را آورد؛ خیلی نیست. او از سپاه دفاع و تعریف کرد. آقای دکتر [علی اکبر] ولایتی [وزیر امور خارجه] آمد و گزارش سفر به سوریه را داد. راضی است و معتقد است سوریه نمی‌خواهد حزب‌الله را تضعیف کند؛ از مواضع آنها راضی است.

---

١ - سرهنگ علی شهبازی در مورخ ١٣ اردیبهشت ١٣۶٧ در حکمی از سوی حضرت امام (ره) به درجه سرتیپی مفتخر و به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی منصوب شد. امام خمینی (ره) در نامه دیگری از زحمات سرتیپ اسماعیل سهرابی در دوران ریاست ستاد مشترک ارتش، تشکر و قدردانی کردند.

مولوی اسحاق مدنی نماینده سراوان آمد. برای دور بعد رأی نیاورده و مدعی است نیروهای ضدانقلاب و بی تفاوت‌ها فعال شده‌اند و این مسأله در موارد زیادی از حوزه‌های انتخابیه به خصوص در کردستان و بلوچستان که اهل سنت زندگی می کنند، ادعا شده است.

عصر فرماندهان نیروی دریایی سپاه آمدند. از نداشتن قایق های مناسب و شناورهای مورد نیاز و اسلحه لازم برای مقابله با آمریکایی ها نالیدند و گفتند که آمریکا و کشورهای جنوب، اخیراً خیلی مزاحم و فعال شده‌اند. گفتم بعد از این، برای هر مورد عملیات اجازه موردی لازم است.

آقای [منوچهر] متکی، سفیرمان در ترکیه آمد. مدعی است اختلاف بین [تورگوت] اوزال [نخست وزیر ترکیه] و نظامی‌ها جدی است و احتمالاً آمریکایی‌ها به نفع نظامیان، دارند به اوزال فشار می آورند و یکی از موارد اختلافشان، دخالت نظامی در عراق برای تصرف کرکوک است که نظامی ها طرفدار آن هستند و اوزال مخالف است. گفتم برای آزادی پاسداران که اخیراً در ترکیه بازداشت شده‌اند، اقدام کند.

آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. گزارش اطلاعاتی و امنیتی داد و از آثار منفی انشعاب در جامعه روحانیت مبارز صحبت شد. او طرحی برای تحرک سیاست خارجی داشت.

برای افطار به خانه آمدم. بحث محیط خانوادگی‌مان هم مسئله انتخابات و درگیری‌های خطی است که اکثراً از آن ناراضی‌اند. شب آقای سید محسن طباطبائی برای چاره‌جویی در مورد حقوق بازنشستگی سردفترها آمد. زود خوابیدم.

سه‌شنبه ٦ اردیبهشت | ٩ رمضان ١٤٠٨ ٢٦ آوریل ١٩٨٨

بعد از نماز صبح تا ساعت شش درباره موضوع دعا، قرآن و تفسیر المیزان را مطالعه کردم. به مجلس رفتم. اداره جلسه علنی را به آقای [محمد] یزدی [نائب رئیس مجلس] سپردم و خودم کارها را در دفترم انجام دادم.

آقای [محمدرضا] باهنر در نطق پیش از دستور، به تلخی به مجمع روحانیون مبارز و خط آنها تاخت. باید انتظار عکس‌العمل را داشت. در جلسه صبر کردند. پیش از ظهر آقای [مهدی] کروبی آمد. درباره جنگ و مجروحان و خانواده‌های شهدا و مسائل جاری دیگر صحبت شد. او برای خانواده‌های شهدای افغانستان و داخل عراق و لبنان و فلسطین استمداد کرد؛ قرار شد کمک کنم. توصیه کردم برای کم شدن تلخی انشعاب و تفرقه در ذائقه مردم، جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون، در مرحله دوم لیست مشترک بدهند.

ظهر جمعی از نمایندگان آمدند. درباره جنگ و سقوط فاو و جبران آن مذاکره شد[۱].

عصر هم در دفترم ماندم. برای انجام کارها به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی نرفتم.

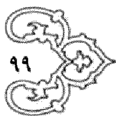
مسئله احتمال توسعه نقش آمریکا در خلیج فارس، مورد توجه مراکز خبری است. مثل اینکه به خاطر اختلاف نظر در خود آمریکا و همراهان غربی‌اش، مسئله مورد بحث است.

شب در جلسه مجمع تشخیص مصلحت شرکت کردم. بحث درباره ریشه کن کردن مواد مخدر بود که نیاز به تمرکز نیروهای دست اندرکار دارد. تصویب شد ستادی زیرنظر نخست وزیر، کل مبارزه را هماهنگ کند.

سپس جلسه سران قوا تشکیل شد. برای بررسی مسائل جنگ و پیشنهاد به امام در خصوص استفاده بهتر از امکانات نیروهای مسلح و ارتش و سپاه و تعادل در سیاست خارجی قرار شد جلسه بعد در دفتر امام باشد که با امام هم مذاکره کنیم. ساعت دوازده

---

۱ - طه یاسین رمضان عضو شورای انقلاب عراق در مصاحبه‌ای با مجله مصری المصور که بخشی از آن در شماره امروز الاتحاد به چاپ رسیده است اعلام کرد عراق در حال حاضر در صدد استفاده از سلاح‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که قادرند تعداد زیادی از نیروهای ایرانی را نابود کنند. وی بازپس‌گیری شبه جزیره فاو توسط ارتش بعث را موفقیتی بزرگ و استراتژیک توصیف کرد و گفت: «بازپس‌گیری این جزیره نشان شکست‌های پی در پی ایران در آینده خواهد بود و این احتمال که شاید جمهوری اسلامی ایران جهت پس گرفتن مجدد فاو دست به عملیات بزرگی علیه عراق بزند، امری محتمل است.» وی گفت: «با آنکه پس از عقب راندن نیروهای ایران از فاو، بصره، هدف آشکاری برای ایرانی‌ها نخواهد بود ولی این شهر کماکان از جمله اهدافی است که زیر ضربات مستقیم ایران قرار خواهد داشت.» وی ادعا کرد تلفات عراق در عملیات بازپس‌گیری فاو بسیار ناچیز بود و گفت برای درک اهمیت این شبه جزیره باید به اظهارات رهبر ایران و رئیس مجلس ایران که گفته بودند اگر عراق فاو را از ایران پس بگیرد ما برای گفتن تبریک و آغاز مذاکرات در مورد صلح به بغداد خواهیم رفت توجه کرد. رمضان گفت ایران از مدتی قبل ما را در شمال مشغول داشت تا از جنوب غافل شویم که این طور نشد. وی این خبر را که چاه‌های نفتی عراق در شمال این کشور با خطر ضربات مستقیم ایران مواجه است رد کرد و موشک‌های دوربردی را که رژیم عراق از آنها علیه شهرهای داخلی ایران استفاده می‌کند، صد در صد عراقی ذکر کرد و اضافه نمود عراق به هیچوجه موشک‌های اس اس ۱۲ را از شوروی دریافت نداشته است.



شب به سوی خانه حرکت کردم. اخبار را در راه گوش دادم[۱].

چهارشنبه ۷ اردیبهشت | ۱۰ رمضان ۱۴۰۸ | ۲۷ آوریل ۱۹۸۸

برای سحری خوردن بیدار نشدم و بی سحری روزه گرفتم. پیش از ظهر به مطالعه گذشت. آقای دکتر ولایتی اطلاع داد که عربستان سعودی اعلان قطع رابطه با ما کرده است؛ قاعدتاً در جهت فشار بیشتر بر ما است و احتمالاً موارد مشابه داشته باشیم.

عصر فرماندهان سپاه آمدند. ضمن طرح نیازها و کمبودها، پیشنهاد تجدید نظر در قرارگاه و اختیارات فرماندهی در جهت اختیار بیشتر سپاه برای استفاده مناسب از امکانات ارتش را داشتند. شب کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. بستگان هم آمدند.

پنجشنبه ۸ اردیبهشت | ۱۱ رمضان ۱۴۰۸ | ۲۸ آوریل ۱۹۸۸

سحر آقای [محمد] فروزنده [رئیس ستاد سپاه پاسداران] اطلاع داد که مدتی روی جزیره فارسی از سوی دشمن گلوله سیر می کند و اکنون قطع شده است. بعداً معلوم شد کاروان آمریکایی ها از آن منطقه عبور می کرده و از ترس تهاجم نیروهای ما، کورکورانه گلوله پرتاب می کرده‌اند.

ساعت شش صبح به مجلس رفتم. قطع روابط عربستان با ایران، انعکاس وسیعی در

---

[۱] - در این روز دولت عربستان سعودی اعلام کرد که تصمیم به قطع روابط دیپلماتیک با ایران گرفته است. عربستان با ارائه یادداشتی به کاردار ایران در ریاض اعلام کرد دلیل این اقدام، ایجاد مزاحمت و دخالت ایران در کار کشتی‌هایی است که از عربستان حرکت می کنند یا راهی آن کشور هستند. روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت: «حرکت اخیر عربستان را می‌توان به نشانه همبستگی هر چه بیشتر آن کشور با عراق ذکر کرد.» جرج شولتز وزیر خارجه ایالات متحده در سفر اخیر خود به عربستان سعودی از ملک فهد پادشاه این کشور خواست که برای مقابله با فعالیت‌های رو به گسترش در کنگره آمریکا نسبت به خرید محرمانه موشک‌های بالستیک چینی توسط عربستان که نگرانی آن مقامات را برای امنیت اسرائیل برانگیخته است، دست به اقدامی بزند و قطع رابطه با ایران، در این راستا ارزیابی می‌شود.» عراق در جنگ با ایران از حمایت کامل عربستان سعودی برخوردار بود.

رسانه ها دارد. تا ساعت یازده ونیم در جلسه علنی ماندم. سخنرانان پیش از دستوری که در انتخابات جاری رأی نیاورده‌اند، به تلخی از جریان انتخابات انتقاد می‌کنند.

بعد از جلسه، آقای ناطق نوری آمد. در مورد فشاری که بر جامعه روحانیت مبارز وارد می‌شود، چاره‌جویی داشت. [سرتیپ منصور ستاری] فرمانده نهاجا [=نیروی هوایی ارتش] آمد. در مورد هدایت یک کیس جاسوسی، راهنمایی خواست و گزارش اقدامات خودکفایی را داد و کمک خواست و یک عکس در لباس نظامی من را که در سایت هاگ اهواز گرفته بودند، آورد.

نماینده رزن همدان آمد و گزارش انتخابات را داد. به دور دوم افتاده و مدعی است رفتن آقای موسوی اردبیلی به خانه بستگان رقیب ایشان در جریان تبلیغات، به ایشان صدمه وارد کرده است.

عصر آقای [محمد] شریعتی از وزارت کشور برای توضیح در مسائل انتخابات آمد. آقای [محمد علی] رحمانی مسئول بسیج، برای استمداد در مشکلات کارش با سپاه آمد. به جلسه شورای عالی دفاع نرفتم. نزدیک غروب به خانه آمدم. خانم‌های بد حجاب در خیابان های تهران زیاد گستاخ شده اند؛ به خاطر شرایط جنگ شهرها سختگیری کم شده است. عفت برای مراسم مرحوم [مصطفی] ملکی، امام جماعت مسجد همت رفت.

جمعه ۹ اردیبهشت | ۱۲ رمضان ۱۴۰۸ — ۲۹ آوریل ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح مقداری برای خطبه های جمعه مطالعه کردم. سپس دو ساعتی خوابیدم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1].

---

۱ - در خطبه اول به مناسبت ماه مبارک رمضان، بحث فلسفی درباره عبادت به عنوان صیقل و صفای روح، مقاومت اسلامی مشروع، اخلاص در دعا، شناخت خدا، ایمان، تقوا و دعا که باید با تمام وجود شخصی باشد و اینکه دعا میدانی است برای پرورش انسان سالم، مطالبی با اشاره به ادله اسلامی و آیات قرآن مطرح شد. در خطبه دوم ابتدا مطالبی درباره روز کارگر و روز معلم و سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری بیان گردید. آقای هاشمی در ادامه خطبه دوم تحلیل‌هایی درباره آخرین وضعیت جبهه‌های جنگ، فاجعه حلبچه و قطع رابطه عربستان سعودی با ایران به نمازگزاران ارائه داد. در بخشی از این خطبه آمده است: «تمام کسانی که از حلبچه بازدید کردند، وقوع این جنایت را تأیید کردند، اما سازمان ملل پس از چهل روز معطلی، فقط گفت در حلبچه مواد شیمیایی به کار رفته و ایرانی و عراقی

عصر احمد آقا آمد. در باره مسائل جنگ بعد از سقوط فاو صحبت کردیم. سپاه خواستار اختیارات و امکانات بیشتری است. آقای خامنه ای هم تلفنی در این باره صحبت کردند و گفتند آقای منتظری هم تلفنی تذکر داده‌اند.

افطار، عفت و فاطی منزل امام مهمان بودند و یاسر جای دیگر و من و مهدی و سعید [لاهوتی] در منزل بودیم. دیشب و امروز، باران زیادی باریده است. مجموعاً بهار خوبی شده و بارندگی سالیانه خوب است.

شنبه ۱۰ اردیبهشت | ۱۳ رمضان ۱٤۰۸ ۳۰ آوریل ۱۹۸۸

تا ساعت ده صبح در منزل بودم. آقای مرتضائی معاون فرماندهی مهندسی رزمی آمد و گزارشی درباره صنایع حساس نظامی داد. به مجلس رفتم. برای انجام کارهای دفتر و مسائل جنگ، تا ساعت چهار و نیم بعداز ظهر در دفترم بودم. یاسر آمد. عصبانی بود که نتوانسته امتیاز مورد نظرش را از بنیاد مستضعفان برای تحویل یک خانه به یکی از سپاهیان مجروح جنگ بدست آورد؛ توقع زیادی دارد.

عصر از پناهگاهی که در خیابان کنار مجلس و نخست وزیری ساخته می‌شود، بازدید کوتاهی کردم. از [مهندس اصغر ابراهیمی] مسئول مترو که مجری آن است، درباره پیشرفت کار مترو توضیحاتی گرفتم. کمبود میلگرد، پیشرفت کار متروی تهران را کند کرده است.

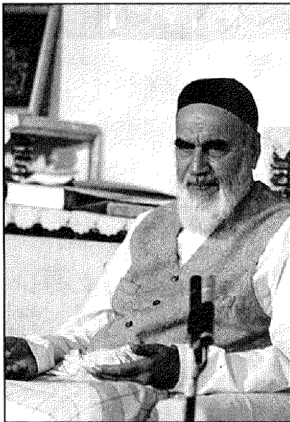
برای سخنرانی در اجتماع علماء، ائمه جمعه و جماعات و وعاظ منطقه تهران به مدرسه عالی شهید مطهری رفتم. جمعیت زیادی بود. درباره فرصت استثنائی خدمت به اسلام و جهاد در راه خدا صحبت کردم و جواب سئوالات را دادم[1]. نزدیک به غروب به خانه

↩آسیب دیده‌اند. اگر سازمان ملل تصمیم داشت آبروی خودش را ببرد، راهی جز همین کاری که کردند، نداشت. آنها آن قدر عاجز از بیان حقیقت هستند که وقتی تمام دنیا موضوع را منعکس کرد، هنوز نمی‌توانند آن را بیان کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - آقای هاشمی نخست در زمینه آثار، خدمات، زندگی و خصوصیات شخصی شهید مطهری سخن گفت و خاطرنشان ساخت: «آثار شهید مطهری در همه جا گسترده است. یادگارهای او برای همه جهانیان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.» ایشان سپس تأکید کرد که↩

رسیدم.

دکتر ولایتی آمد. درباره یادداشت آمریکا و مسئله گروگان‌های فرانسوی مطالبی داشت. قرار شد در جلسه سران قوا بحث شود. با هم به بیت امام رفتیم. جلسه سران مهمان احمدآقا بود. وزیر امور خارجه و وزیر اطلاعات هم بودند. پیام آمریکا که توسط حافظ منافعش [در سفارت] سوئیس ارسال شده است، مطرح شد و درباره کیفیت برخورد با آمریکا در مقابل تصمیم به توسعه حفاظت از کشتی‌ها در خلیج فارس بحث شد.



امام هم به جلسه آمدند. نظر امام این است که باید سیاست مقابله به مثل ما ادامه یابد؛ گرچه منجر به درگیری با آمریکا بشود. اکثر اعضای جلسه به خاطر عواقب احتمالی این درگیری قبل از حضور امام نتوانسته بودند به این نظر برسند، ولی در مقابل نظر امام کسی مخالفت نکرد و بعد از رفتن امام هم بحث ادامه یافت. قرار شد عواقب احتمالی را در یک ملاقات دیگر با امام در میان بگذاریم.

از فرانسه، از سوی [ژاک] شیراک پیامی رسید که خواستار کمک به آزادی گروگان های فرانسوی در لبنان - گویا برای تقویت او در انتخابات آینده ریاست جمهوری فرانسه - شده بود. وعده داده که به قرارهای قبلی عمل خواهد شد. تصمیم گرفته شد که برای آزادی دو گروگان در مقابل قول و وعده‌های آنها

برای روحانیان از بدو تأسیس حوزه‌های علمیه در نجف از حدود یک هزار سال پیش تاکنون، چنین موفقیتی پیش نیامده است که بتوانند در صحنه‌های کار، خدمت و جهاد به فعالیت بپردازند و گفت: «این نخستین بار است که روحانیون در ساختمان حکومتی با شالوده اسلامی و خدایی مسئولیت داشته باشند، تصمیم بگیرند و توده‌های مردم از آنان پشتیبانی کنند. انقلاب ما اتمام حجتی الهی برای جهانیان است. زیرا با توجه به تجدید نشدن دوران انبیاء، دیگر فرصت شرکت در یک حکومت الهی پیش نخواهد آمد. اگر از این شرایط بهره نگیریم، باید در پیشگاه خداوند پاسخگو باشیم. از سوی ابرقدرت‌ها امروز امواج اسارت دهنده بر جهان حاکم است. در چنین شرایطی فضای حق طلبی هم وجود دارد. رسانه‌های گروهی در خدمت آگاهی و اطلاع انسان‌ها هستند. این شرایط برای گفتن حرف حق، هرگز ایجاد نمی‌شود.»
← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

تلاش کنیم[۱]. عقیده عموم اعضای جلسه این است که پیروزی راست‌ها در انتخابات فرانسه به نفع ایران است. چپ‌ها سیاست خصمانه‌تری با جمهوری اسلامی دارند. درباره جنگ هم صحبت شد. اکثر حضار از عملکرد سپاه در فاو ناراضی‌اند. ساعت یازده و نیم به خانه آمدم. بچه‌ها خوابیده بودند.

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت | ١٤ رمضان ١٤٠٨ ۱ می ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. مهدی هم آمد که برای اصلاح کار یک خانواده شهیدی که شناخت او به عنوان شهید در بنیاد شهید به اشکال برخورد کرده، برود.

در جلسه علنی، قبل از دستور[۲] از تصمیم اخیر آمریکا در خصوص توسعه حفاظت از

---

۱ - انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در روز یکشنبه ۴ اردیبهشت انجام شد و فرانسوا میتران با ۳۴/۵ درصد آرا و ژاک شیراک با ۱۹/۴۳ درصد آرا به دور دوم راه یافتند. ژاک شیراک برای پیروزی در دور دوم انتخابات، با مساعدت ایران، چند گروگان فرانسوی در لبنان را آزاد کرد، اما نتوانست آرای لازم را در دور دوم کسب کند و مغلوب رقیب سوسیالیست خود شد.

۲ - آقای هاشمی ابتدا شرارت جدید آمریکا به اسم «تأمین امنیت در خلیج فارس» را گامی در جهت ادامه توطئه حفاظت از کشتی‌ها، بستن دست جمهوری اسلامی مظلوم و بازگذاشتن دست شرور منطقه صدام، معرفی کرد و در مورد دلایل این توطئه گفت: « ما شکی نداریم که آقای ریگان، تحت تأثیر عقده‌های خاصی که در این دو سال اخیر برایشان ایجاد شده و هم به خاطر عقده پایان عمر سیاسی خویش، چنین تصمیم عجولانه و خطرناکی را گرفته است. تجربه یک سال حضور ناوهای آمریکایی در منطقه، نشان داد که آمریکا نمی‌تواند امنیت را در خلیج فارس تأمین کند و بلکه حضورش، ضدامنیت هم است. ما از روز اول اعلام کردیم که خلیج فارس، به مثابه باتلاقی است که اگر آمریکا در آن وارد شد، بیرون رفتنش دشوار است و امروز می‌بینیم که طبق همان حالتی که پیش‌بینی می‌شد، آمریکا بیشتر دارد به باتلاق خلیج فارس فرو می‌رود. ملت آمریکا دارد به چیزی بدتر از ویتنام که تلخی آن را هنوز در ذائقه خویش دارد، کشیده می‌شود. ما مکرراً تذکر داده‌ایم که متأسفانه رسانه‌های صهیونیستی که زمینه‌ساز افکار عمومی در آمریکا هستند، افکار عمومی آمریکا را برای انتقال نقطه چرکین از لبنان و اسرائیل به منطقه خلیج فارس، آماده می‌کنند و کشورهای ضعیف و مزدور جنوب خلیج فارس هم، این قیومت را با رضایت خواستارند و آمریکا با دعوت خود آنها، به منطقه آمد و این کشورها امروز هم دارند بهای این قیومیت را می‌پردازند و می‌بینید، برای اینکه منافع اربابان را تأمین کنند در مورد گران شدن و تعدیل قیمت نفت، حتی با پیشنهاد کشورهای خارج از اوپک نیز، با گستاخی مخالفت می‌کنند. ملت ما تا به حال ثابت کرده است که از حق خودش یک قدم عقب‌نشینی نمی‌کند و ما حق مقابله به مثل را برای خودمان، در هر حال محفوظ می‌داریم و این آمریکا نیست که منطقه درگیری را تعیین می‌کند و بعد از این، اگر حوادثی در خلیج فارس اتفاق بیفتد، منطقه درگیری منحصر به خلیج فارس نیست. امیدوارم مسئولان آمریکایی و مردم آمریکا، پیش از اینکه آتش این شرارت در خلیج فارس افروخته شود، دست ریگان را بگیرند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

کشتی‌ها به تلخی انتقاد کردم[۱]. تا ساعت یازده در جلسه ماندم[۲]. چندین مصوبه داشتیم و دو فوریت طرحی درباره دانشگاه آزاد اسلامی تصویب شد[۳].

پیش از ظهر فرمانده تیپ ش.م.ر [= پدافند شیمیایی، میکروبی، رادیواکتیو] والعادیات آمد و از کمبودهای زیاد شکایت داشت. قول مساعدت دادم. به دکتر روحانی گفتم حرف‌های آنان را مورد بررسی قرار دهد.

ظهر [آقای ابوالقاسم سرحدی‌زاده] وزیر کار، کارگر نمونه سال را آورد. اختراعاتی در امور نظامی دارد. یک پایش در عملیات بدر قطع شده است. یک سکه بهار آزادی به او هدیه دادم. عصر مدیران بانک ملت آمدند و از گسترش بانک به روستاها گزارش دادند. خیلی از این اقدام راضی‌اند. سال گذشته ۴۷۰ شعبه در روستاها تأسیس نموده‌اند و از این طریق سیصد میلیارد ریال پول مردم را جذب کرده‌اند و برای فعال شدن روستاییان،

---

۱ - خبرگزاری یونایتدپرس اعلام کرد: «ایران در پاسخ به تصمیم رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا در مورد گسترش عملیات حفاظتی نیروی دریایی این کشور به کشتی‌های بی‌طرف در خلیج فارس در لفافه تهدید کرد که عملیات تروریستی تا آن سوی منطقه خلیج‌فارس گسترش می‌یابد. هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران روز گذشته (یکشنبه) در جلسه افتتاحیه پارلمان جدید اظهار داشت: دولت آمریکا، مردم این کشور را به سوی ویتنامی دیگر سوق می‌دهد. این آمریکا نیست که منطقه درگیری را تعیین می‌کند و اگر از این زمان به بعد حوادث در خلیج فارس رخ دهد منطقه درگیری تنها محدود به خلیج فارس نخواهد بود. دیپلمات‌های غربی اظهار داشتند: سخنان رفسنجانی یک تهدید ضمنی در زمینه گسترش اقدامات تروریستی علیه اهداف آمریکا و دیگر کشورهای عربی در خارج خلیج‌فارس تلقی می‌شود. یک دیپلمات که نخواست نامش فاش شود گفت: با توجه به تصمیم آمریکا در مورد حفاظت از کشتیرانی بی‌طرف در حال حاضر برای ایران بسیار مشکل خواهد بود « خطر انجام حملات علیه خطوط کشتی‌رانی در خلیج فارس را بپذیرد. وی افزود: تنها راهی که آنها (ایرانی‌ها) می‌توانند واکنش نشان دهند این است که با بکارگیری عوامل خود اهداف آمریکا را مورد حمله قرار دهند. رفسنجانی گفت: تصمیم آمریکا در مورد حفاظت ازخطوط کشتی‌رانی بی‌طرف « کشور آمریکا را در عمق بیشتری از باتلاق خلیج‌فارس فرو خواهد برد. رئیس پارلمان ایران که نماینده شخص امام در شورای عالی دفاع نیز می‌باشد ریگان را متهم کرد که به‌دلیل به پایان رسیدن زندگی سیاسی‌اش یک تصمیم عجولانه و خطرناک گرفته است.»

۲ - رادیو اسرائیل اعلام کرد به دنبال انتشار سخنان تهدید آمیز آقای هاشمی رفسنجانی در مورد نقش جنگی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و احتمال درگیری نظامی با آن کشور، بهای دلار در بازارهای اروپا به نحو کم سابقه‌ای افزایش یافت ولی بهای طلا رو به کاهش گذاشت.

۳ - در این روز دو فوریت طرح ارزیابی واحدها و رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی مطرح و تصویب شد. همچنین در این جلسه لایحه تأمین اعتبار جهت اجرای قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران اعاده شده از شورای نگهبان، طرح انحلال شورای عالی پزشکی اعزام بیماران به خارج از کشور، طرح الحاق یک ماده به قانون صادرات و واردات، طرح الزام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به معرفی مسئول فنی واجد شرایط برای داروخانه‌هایی که در مناطق محروم فاقد مسئول فنی هستند و طرح الزام دولت به تقدیم لایحه برنامه زمان بندی ممنوعیت تدریجی واردات و کشت توتون، تولید و توزیع سیگار، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید.

وام‌هـای مفیـدی داده‌انـد. از تحـرک مجتمع گوشـت زیـاران و از امـور دیگـر بانـک و از پیشرفت کار مترو خیلی راضی بودند. کمک برای جنگ آوردند.

آقایان بازرگان و نوذری از نیروی هـوایی آمدنـد. کارهـای جهـاد خودکفائی نیـرو را توضیح دادند و از عدم حمایت فرماندهی گله دارند؛ کار مهمی کرده انـد. گـروه موشـکی سپاه برای تأمین بودجه موشک‌های شهاب ۱ (سوخت مایع) و شهاب ۲ (سوخت جامـد) و مقدار تولید و پشتیبانی‌های دیگر و هماهنگی آمدند؛ مذاکره و تصمیم‌گیری شد.

افطار در مجلس ماندم. عفت مهمان داشت: خانواده امام و رئیس جمهور و دیگران. بعد از افطار کارهای دفتـرم را انجـام دادم. بـه ملاقـات رئیـس جمهـور رفـتم. دربـاره مـدیریت جنگ، ارتش، سپاه و تغییرات ممکن و مفید مذاکره کردیم؛ به توافق نسبی رسیدیم و قـرار شد ادامه دهیم[1]. دیر وقت به خانه رسیدم.

دوشنبه ۱۲ اردیبهشت | ۱۵ رمضان ۱٤۰۸ ۲ می ۱۹۸۸

سحر بیدار نشدیم. بی سحری روزه گرفتیم. در منزل بودم. بیشتر وقـتم بـه مطالعـه گذشـت. کار زیادی نداشتم. بعضی از کارها را تلفنی انجـام دادم. بـه نیـروی هـوایی گفـتم حفاظـت کشتی‌هایمان را قوی کند که احتیاج به مقابله به مثل و در نتیجـه، درگیـری بـا آمریکـا کـم

[1] - یک فرمانده ارتش رژیم بعث عراق گفت: «عراق از این پس حملات ایران در جبهه‌ها را با ضد حمله‌های متقابلی در جاهای دیگری از جبهه پاسخ خواهد داد.» ایاد الراوی فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق در مصاحبه مبسوطی با روزنامـه کـویتی القبس افـزود اسـتراتژی جدید عراق در پاسخ دادن سریع به حملات ایران در نقاط دیگری از جبهه، ایرانیان را مجبور می‌سازد تا نیروهای خود را در یـک نقطـه از جبهه متمرکز نکنند و آنان را در طول خط جبهه پراکنده نمایند. وی گفت: «اگر ایرانیان در شمال به ما حملـه کردنـد مـا در جنـوب و یـا جبهه میانی ضد حمله خواهیم داشت و در آنجا پاسخ خواهیم داد و یا برعکس.» الراوی در مورد تصرف فاو توسط ارتش عراق گفت طرح آزادی فاو شامل عبور نیروهای عراق به جزیره آبادان بود اما نیروی هوایی عراق پل‌های برقرار شده بر شط‌العرب در جریان عملیات فـاو را منهدم کرد. وی علت تصمیم نیروهای عراق برای تصرف جزیره آبادان را دست‌یابی به انبارهای عظیم مهمات و سلاح نیروهـای ایـران در این جزیره عنوان کرد. وی افزود نیروی هوایی عراق در جریان عملیات فاو توسط موشک‌های هدایت شونده لیزر سه پل از نوع بی ام جی شناور بر روی شط‌العرب و یک پل ثابت را منهدم کرد و گفت: «ایرانیان نیز آن قسمت از پل‌ها را که نزدیک به جزیره آبادان بود، از طرف خود منهدم کردند.» این فرمانده عراقی مدعی شد در جریان عملیات بازپس‌گیری فاو نیروهای عراقی بیش از نیم میلیـون از انـواع مختلـف گلوله‌های موشک‌انداز و توپخانه و همچنین ۱۶۰ فروند توپ با کالیبرهای مختلف از نیروهای ایران به غنیمت برده‌اند.

باشد.

عصر با آقای دکتر روحانی درباره جنگ و اصلاحات در مدیریت جنگ و رفع اشکال ارتش و سپاه که اکنون تعارض آنها از مشکلات جنگ است، صحبت داشتیم. نتیجه‌ای به دست نیامد. شب، عفت و بچه‌ها مهمان بودند و من تنهایی افطار کردم.

احمدآقا آمد. درباره امور جنگ و حل مشکل ارتش و سپاه و نظرات امام در این باره صحبت کردیم. اطلاع داد که امام با پیشنهاد من موافق است؛ باید پیشنهاد را پخته کنم.

تلفنی با محسن در آلمان صحبت کردم. گفت تا یک هفته دیگر کارش تمام می‌شود؛ از پیشرفت کار راضی است. دو هفته است که برای خرید مواد اولیه سوخت جامد موشک و ساخت بدنه از نوع کمپوزیت، با نام مستعار و با تیمی چند نفره از همکارانش، در آلمان مستقر شده، تا نیازهای تحقیق و ساخت به سرعت تأمین شود.

سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت | ١٦ رمضان ١٤٠٨ | ۳ می ۱۹۸۸

به مجلس رفتم.طرح دو فوریتی [ارزیابی واحدها و تائید رشته‌های دانشگاهی] دانشگاه آزاد اسلامی در دستور بود. تمام وقت جلسه را کلیات طرح گرفت. من هم از طرح دفاع کردم[1]. رأی بالائی آورد. کارکنان بانک ها برای حمایت از جنگ و تنفر از آمریکا، مقابل مجلس آمدند. تنفس کوتاهی دادیم و رفتم برای آنها صحبت کردم[2].

ظهر و عصر چندین ملاقات داشتم و کارهای دفترم را انجام دادم. شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام رفتم. در این جلسه بخشی از ضوابط مبارزه با مواد مخدر را

---

۱ ـ آقای هاشمی در دفاع از طرح تأیید رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی گفت: «ما بایستی برای ۴۰۰- ۵۰۰ هزار دانشجو فکری بکنیم که اینها پشت کنکور باقی مانده‌اند و اجازه هم نمی‌دهیم که برای تحصیل به خارج از کشور بروند. بنابراین همه آقایان هم در اصول با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی موافق هستند و با این طرح مخالفت نکنند. اصولاً دادن مدرک عیب نیست و یکی از عیوب حوزه‌های علمیه این است که مدرک‌شان مشخص نیست. اگر مشخص بود که بنده چقدر سواد دارم و بالاتر از من چقدر و یا پایین‌تر چقدر، ما گاهی یک روضه خوان را در سطح یک مجتهد در جامعه مطرح نمی‌کردیم. مدرک پرستی درست نیست، اما مدرک داشتن لازم است که باشد و این عیب است که ما به اینها مدرک ندهیم.»

۲ ـ ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

تصویب کردیم. سپس آقای [احمد] جنتی گزارش سفر به لبنان را داد[1]. دیر وقت به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱٤ اردیبهشت | ۱۷ رمضان ۱٤۰۸ ٤ می ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. دستور جلسه، شور دوم طرح تایید رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی بود. علی‌رغم تلاش‌ها و کارشکنی‌های بعضی از رادیکال‌ها، این طرح همان طور که مورد نظر دانشگاه بود، با اکثریت قوی تصویب شد[2].

آقای [محسن مجتهد] شبستری برای مشورت در خصوص شرکت در مرحله دوم انتخابات تهران به دفترم آمد؛ تأکید بر شرکت کردم[3]. در اثر خستگی، ملاقات‌های ظهر را لغو کردم.

عصر اطلاع رسید که عراق به پالایشگاه شیراز حمله کرده و حداقل یک هواپیما از دست داده است؛ دستور تلافی دادم. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. چارت جدید مجلس را تصویب کردیم و برای مشکلات زندگی نمایندگانی که رأی نیاورده‌اند، تصمیماتی گرفتیم. نزدیک غروب به خانه آمدم. عفت برای معالجه سرفه مزمن، دکتر رفته بود. شب آقای[علیرضا] معیری [معاون سیاسی وزیر امور خارجه] اطلاع داد که سه

---

۱ - آیت الله احمد جنتی با تصویب جلسه سران قوا، برای رفع اختلافات جنبش امل لبنان با حزب الله به بیروت سفر کرده بوده اما این دو گروه شیعی، همچنان به نزاع خود ادامه دادند.

۲ - در طرح تأیید رشته‌های دانشگاه آزاد اسلامی چنین آمده است: «ماده واحده: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد مکلف‌اند مدارک کلیه دانش آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی را که قبل از تصویب رشته‌های دانشگاهی وارد دانشگاه شده و یا می‌شوند، پس از فراغت از تحصیل حداکثر بعد از یک سال، با توجه به مواد درسی و سرفصل‌های مربوط، طبق ضوابط جاری، مورد ارزیابی قرار داده و مدارک آنان را تأیید نمایند و چنانچه کمبودهایی در مواد درسی وجود دارد، اعلام نمایند تا نسبت به رفع آنها اقدام شود.»

۳ - آقای محسن مجتهد شبستری با کسب ۲۸۹ هزار و ۷۲۵ رأی از مجموع یک میلیون و ۵۷۱ هزار و ۶۷۲ رأی در رتبه سی و هفتم به دور دوم راه یافته بود. ایشان مورد حمایت جامعه روحانیت مبارز تهران و تشکل‌های همسو با آن بود.

گروگان فرانسوی در لبنان آزاد شده‌اند[1].

پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت | ۱۸ رمضان ۱۴۰۸ ۵ می ۱۹۸۸

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. وقتم به مطالعه گذشت. آقای معیری تلفنی گزارش عکس‌العمل‌های بعد از آزادی گروگان‌های فرانسوی را داد. نخست وزیر برای ابلاغ مصوبه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] در خصوص اراضی شهری تلفن کرد. آقازاده [وزیر نفت] برای گزارش سفر به اوپک و مسائل جنبی وقت خواست. ساعت سه ونیم به مجلس رفتم.

آقایان [محمد جعفر] محلاتی [سرپرست نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل] و [سیروس] ناصری [نماینده ایران در مقر اروپایی سازمان ملل] از نیویورک و ژنو آمدند. گزارش نتایج مذاکرات با سازمان ملل و شورای امنیت را دادند و پیشنهاد مشخص اخیر دبیرکل را آوردند که کمیته تعیین متجاوز و آتش بس با هم شروع شوند و در مورد حلبچه و تجاوز آمریکا پیشنهاد داشتند که به شورای امنیت شکایت کنیم و تقاضای تشکیل جلسه نماییم.

آقا محمدی آمد. درباره مواضع اخیر گروه های کرد عراقی گفت که از شدت عمل صدام و حادثه حلبچه ترسیده‌اند و می‌خواهند محافظه کاری کنند. وزیر نفت آمد. گزارش سفر اوپک و برنامه سفر به امارات، اندونزی، یونان و برزیل را داد.

به جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز رفتم. قرار شد در مرحله دوم انتخابات شرکت کنند. آقای مهدوی کنی جریان ملاقات با امام را نقل کرد که امام قول داده اند بعد از انتخابات در مورد روحانیت مبارز و سایر کسانی که در بیانات اخیر امام رنجیده‌اند ،

---

۱ - در پاریس اعلام شد فرانسه و ایران توافق کرده‌اند ظرف ۴۰ روز از تاریخ بازگشت سه گروگان فرانسوی به پاریس، دو کشور روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفیر از سر بگیرند. ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در مراسم استقبال از گروگان‌های آزاد شده اظهار داشت که از سرگیری روابط عادی با تهران را می‌توان در نظر داشت.

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ....
شماره ....
پیوست ....

بسم الله الرحمن الرحیم.

الحمدلله والسلام علی رسول الله و آله [illegible] المتقین

مسلمانان جهان امروز شاهد حوادث و جریانات در جهان اسلام هستند که

در بررسی آنها متوجه [illegible] شرق و غرب [illegible] با اسلام و ایران

و دشمنان دین [illegible] به خصوص [illegible] در رابطه با جنگ تحمیلی را در رابطه

کنند و حقانیت و مظلومیت ایران اسلامی را درک کنند.

مهمترین نمونه‌های این حوادث به این قرار است:

۱- [illegible] می‌بینید دولت عراق با [illegible]

[illegible]

[illegible] دولتها [illegible] خلیج فارس [illegible]

چگونه قیمت نفت را سقوط داده و ثروتهای کشورهای اسلامی را [illegible]

[illegible] جنگ [illegible]

۲- در فلسطین [illegible] مسلمانان [illegible]

دستخط آقای هاشمی برای خطبه عربی نماز جمعه

جبران کنند[۱]. بعضی‌ها مخالف بودند.

سرشب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره امور جاری مذاکره کردیم. به خانه آمدم. یاسر و مهدی برای اِحیاء به مسجد رفته‌اند. عفت هم که منزل امام بود، آمد.

جمعه ۱۶ اردیبهشت | ۱۹ رمضان ۱۴۰۸ ۶ می ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم به مطالعه گذشت. برای پرداخت اعتبار آوارگان کرد عراقی، تلفنی به دکتر[حسن] فیروزآبادی [مشاور نظامی نخست وزیر] گفتم پیگیری کند. آقای موسوی اردبیلی برای مطالب خطبه‌های نماز جمعه مشورت کردند. گزارش‌ها را از مجلس آوردند. مهمترین مسئله مورد توجه جهان، آزادی گروگان‌های فرانسوی در لبنان و نقش ایران و اثر آن بر انتخابات ریاست جمهوری فرانسه است[۲].

شنبه ۱۷ اردیبهشت | ۲۰ رمضان ۱۴۰۸ ۷ می ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. ساعت ده آقای سعید الذاکرین مسئول روابط عمومی برای

---

۱ - حضرت امام در ۴ تیر ماه، آیت‌الله محمد یزدی را به جای آیت‌الله صافی گلپایگانی به عنوان عضو شورای نگهبان منصوب کردند. آیت‌الله یزدی در انتخابات مجلس سوم از حوزه انتخابیه تهران، آرای لازم را برای ورود به مجلس کسب نکرد. ایشان بعد از آقای هاشمی، نفر دوم لیست نامزدهای جامعه روحانیت مبارز تهران بود.

۲ - خبرگزاری فرانسه گفت: «آقای هاشمی رفسنجانی نقش اصلی را در رها سازی گروگان‌های فرانسوی ایفا کرده و دستور آزادی آنان را شخصاً صادر نموده است. آقای هاشمی رفسنجانی با یکی از افرادی که به بیروت فرستاده شده بود، تماس گرفت و دستور آزادی گروگان‌ها را صادر کرد. به گفته یک مقام امنیتی لبنان، این فرد یک پزشک فرانسوی لبنانی تبار به نام «رزاق رعد» می‌باشد که گروگان‌های آزاد شده را تا هنگام فرود آمدن آنها در پاریس همراهی کرد. آقای ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در سخنرانی خود از یک شخصیت ناشناس قدردانی کرد که دوست مشترک ایران و فرانسه می‌باشد در حالی که یک مقام امنیتی لبنان نقش اصلی را به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نسبت می‌دهد و برخی محافل خبری، آقای صادق طباطبایی را چهره اصلی این ماجرا معرفی کرده‌اند. آمریکا نیز از ایران خواسته است از نفوذ خود برای رهائی گروگان‌های آمریکایی و سایر گروگان‌ها از لبنان استفاده کند.» منبع : گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۲/۱۸ صفحه ۲۶.

کسب تکلیف در مورد جلسات مراسم پایان این دوره و شروع دوره آینده مجلس آمد و نظراتی در باره انشعاب جامعه روحانیت مبارز ارائه داد. آقای [سید محمود] علوی نماینده لامرد آمد. از شکست در انتخابات دوره سوم ناراحت بود. می گوید رقیب او از قدرت خوانین استفاده کرده است.

[آقای محمد جواد ایروانی] وزیر [امور اقتصادی و] دارائی آمد. در مورد ارز، مالیات، لایحه استخدام نیرو، وضع عمومی اقتصاد، مشکلات مالی، تورم و خیلی چیزهای دیگر مذاکره شد[1]. عصر [آقای عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی آمد. گزارش وضع کشاورزی را

---

[1] - روزنامه لوموند دیپلماتیک چاپ پاریس، درباره اوضاع اقتصادی ایران نوشت: براساس اظهارات مقامات ایرانی، تولید ملی کشاورزی در سال جاری رو به کاهش بوده است. به گفته آقای قاسمی، رئیس کل بانک مرکزی ایران در سال جدید مبلغ ۱۵۱ میلیارد ریال برای واردات مواد اولیه ضروری در نظر گرفته شده است. در حالی که مجموع درآمدهای نفتی ما در سال ۸۷- ۱۹۸۶ برابر ۶ میلیارد دلار بوده است. این بدان معناست که بیش از یک سوم منابع ارزی کشور به واردات مواد اولیه غذایی اختصاص می‌یابد در حالی که این مواد می‌بایست از بخش کشاورزی کشور تأمین می‌شد. با یک چنین احساس شکستی که در میان مقامات رایج می‌باشد، به‌ویژه در مورد بخشی که هم اینک نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت فعال به آن اشتغال دارند، واقعیتی که رژیم [امام] خمینی از فاش شدن آن خودداری می‌ورزد، این است که قسمت اعظم واردات مواد اولیه کشاورزی از کشورهای غربی صورت می‌گیرد. در این زمینه بهتر است که آمار و ارقام سال ۱۹۷۷ - یعنی دو سال قبل از سقوط رژیم شاه - را با ارقامی که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی منتشر شده است مقایسه کنیم. سایر بخش‌های حیاتی اقتصاد ملی نیز در حال حاضر به‌طور قابل توجهی به واردات وابسته می‌باشند. براساس آمار رسمی نسبتاً محدودی که وجود دارد، صنایع ایران نیز - که بیشتر آنها در واقع کارگاه‌های مونتاژ مواد اولیه ساخته شده در خارج می‌باشند - قادر نیستند بدون واردات مواد اولیه که در واقع مهم‌ترین فروشندگان این مواد کشورهای غربی می‌باشند، به حیات خود ادامه دهند. ولی بدون شک، وابستگی ایران به غرب بیش از هر چیز در بخش کالاهای ساخته شده می‌باشد. به‌گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سطح صادرات کشورهای غربی به ایران طی شش ماهه اول سال ۱۹۸۷ بسیار قابل توجه بوده است. این ارقام نمایانگر بحران اقتصادی و سیاسی است که رژیم با آن مواجه می‌باشد. بیشتر مواد مصرفی از کشورهای غربی وارد می‌شوند، دولت ایران مجبور است سوبسید این مواد را پرداخت کند و اجازه ندهد که افزایش قیمت‌ها در بازارهای جهانی بازتاب داخلی داشته باشد، دلایل سیاسی این امر کاملاً آشکار است: ایران بیش از هفت سال است که درگیر جنگی مرگبار علیه عراق می‌باشد و برخی از رهبران از آن می‌ترسند که مشکلات اقتصادی موجی از نارضایتی ایجاد کند. به‌گفته آقای رفسنجانی، افزایش هزینه زندگی، ممکن است خانواده‌های مستضعف را که در واقع همه آنها خانواده‌های رزمندگان ما می‌باشند، از تلاش جنگی دلسرد کند، بنابراین درست نیست که از مردم خواسته شود دست به فداکاری‌های اقتصادی بزرگتری بزنند.» مفهوم یک چنین اعترافی چیست؟ چگونه رژیم می‌تواند ادعا کند « امپریالیسم غرب» را شکست داده است در حالی که از مواد غذایی گرفته تا تسلیحات، کاملاً به همان قدرت‌هایی وابسته است که ادعای ستیز با آنها را دارد؟ ادامه جنگ، با توجه به مخارج نظامی که در بردارد، محرک گنجانیدن اقتصادی ایران در بازارهای غربی محسوب می‌شود. با اینکه بودجه نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ رسماً ۹ میلیارد دلار - یعنی ۲۰ درصد کل درآمدهای پیش بینی شده - بوده است، اما قسمت اعظم این مبلغ بالاجبار به‌خرید تسلیحات نظامی اختصاص یافته است. علیرغم سری بودن مذاکرات مداوم فرستادگان ایرانی در پایتخت‌های غربی، اطلاعات واصله از منابع گوناگون حاکی از حجم و تنوع سلاح‌های مورد نظر رژیم ایران می‌باشد. در انگلستان، در سپتامبر ۱۹۸۷، دولت مارگارت تاچر دستور داد، دفتر خریدهای تسلیحاتی ایران در لندن تعطیل شود. در این دفتر ۳۰ نظامی ایرانی کار می‌کردند. طبق نوشته مطبوعات ۷۰%

داد. از دیر رسیدن اعتبارات ارزی گله داشت و برای اقدامات مهمتر، اعتبار بیشتر ارزی طلبید و جزوه های تعلیمات ترویج کشاورزی را آورد و از معطل ماندن شورای عالی کشاورزی گفت. آقای هدایت [لطفیان] فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء(س) آمد. از ضرورت تمرکز امور در کردستان گفت و تحلیل‌های بدبینانه‌ای ارائه کرد.

آقای [حبیب الله] عسکر اولادی آمد. خدمات کمیته امداد امام را گفت و برای کمک بیشتر به مردم فقیر، امکانات بیشتر خواست و از مواضع مستقل و بی طرفانه من تقدیر کرد و گفت روزنامه رسالت [ارگان جناح راست] هم تعدیل شده و موافقت امام با انشعاب جامعه روحانیت مبارز را از حکمت امام دانست.

افطار به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم. جلسه سران قوا بود. آقایان [محمد جعفر] محلاتی و [سیروس] ناصری و دکتر ولایتی آمدند. اجازه ادامه مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بر محور طرح و اجازه طرح دعوی علیه آمریکا در لاهه و شورای امنیت به خاطر تجاوز به سکوی نفتی ایران و شکایت از فاجعه حلبچه در شورای امنیت را گرفتند.

از فرانسه، [ژاک] شیراک تلفنی با [آقای علیرضا معیری] معاون نخست وزیر صحبت کرده و از کمک ما برای آزادی گروگان‌ها تشکر نموده و تأکید بر عمل به قول‌ها نموده است. درباره ارتش و سپاه هم بحث شد. قرار شد من سناریوی حسن استفاده امکانات آنها را بیاورم. آقای موسوی اردبیلی از ذکر نامش در ردیف حامیان لیست جامعه روحانیت مبارز، بدون کسب اجازه از خودشان انتقاد داشتند و گفتند تکذیب می‌کنم. گفتم اقدام مضری است، نکنند ولی عصبانی‌اند[1].

ساعت دوازده شب به خانه رسیدم و برای احیاء تا صبح نخوابیدم. عفت هم نخوابید.

درصد خریدهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی از طریق پایتخت انگلستان صورت می‌گرفت. میزان خریدهای این دفتر از ابتدای آغاز جنگ علیه عراق معادل ۵ میلیارد لیره یعنی ۱۰ میلیارد دلار بوده است.

۱ - دفتر آیت الله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه در تماس تلفنی با روزنامه کیهان، هرگونه اطلاع ایشان از انتشار اطلاعیه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران در مورد معرفی کاندیداهای مرحله دوم انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی را تکذیب کرد و اعلام نمود که در مورد ذکر نام ایشان در این اطلاعیه اجازه گرفته نشده است. آقای موسوی اردبیلی اظهار داشت: «من معتقدم مناسب است روحانیت، آن هم در سطوحی که امت اسلامی ما از آنان انتظار مشی پدرانه و به دور از جهت‌گیری‌های جزئی و گذرا دارند، همان شیوه ارشاد را در پیش گیرند و از تأیید نام گروه یا افراد احتراز کنند تا از شائبه طرد یا عدم تأیید دیگران در میان مسلمانان به دور باشند. این عقیده اینجانب است و دیگران با احترام به عقایدشان، ممکن است استدلال‌های خاصی داشته باشند.» منبع: روزنامه کیهان شماره ۱۳۳۱۶ مورخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳٦۷ صفحه ۲.

مهدی و یاسر هم که به مسجد رفته بودند، برای سحر رسیدند.

یکشنبه ۱۸ اردیبهشت | ۲۱ رمضان ۱٤۰۸ ۸ می ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح خوابیدم. در منزل بودم. وقتم به مطالعه گذشت. آقای حسین امین آمد. در مورد مشایخ کرمان که اموالشان توقیف شده و دکتر رفیعی که فراری است و می‌خواهد برگردد، شفاعت کرد. حال و وضع بستگانشان را پرسیدم.

آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که فردا قرار است به جبهه برویم. عصر آقای [محمد علی] انصاری [از دفتر امام] آمد و گزارش بازشماری صندوق‌های مورد شکایت انتخابات تهران را داد. ۵۳ صندوق را بازشماری کرده اند. تخلف مهمی دیده نشده، فقط در مورد بعضی از نامزدها تعداد چند ده و گاهی چند صد رأی پایین و بالا رفته و در مورد همه خطوط هم هست و برای شورای نگهبان روشن شده که تخلف برنامه‌ریزی شده‌ای نبوده است[1].

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت | ۲۲ رمضان ۱٤۰۸ ۹ می ۱۹۸۸

بعد از صرف سحری و نماز صبح و کمی استراحت، ساعت هفت صبح همراه مهدی و محافظان به فرودگاه مهرآباد و از آنجا با [هواپیمای] شاهین به همدان پرواز کردیم. ساعت هشت و نیم با آقا محمدی از همدان با اتومبیل به سوی مریوان حرکت کردیم. ناهار را کنار رودخانه‌ای بین سنندج و مریوان خوردیم و حدود ساعت چهار بعد از ظهر به قرارگاه

---

۱ - امام خمینی (ره) در حکمی آقای محمد علی انصاری را به عنوان نماینده خود منصوب کرده بودند تا با دو نفر از شورای نگهبان و دو نفر از وزارت کشور، انتخابات تهران را مورد بررسی قرار دهند و صندوق‌های مورد شکایت را بازشماری نمایند. حضرت امام تأکید کرده بود که آقایان باید تمام تلاش خود را بنمایند تا مرحله دوم انتخابات در روز قدس (آخرین جمعه ماه مبارک رمضان) صورت گیرد و مجلس سوم در وقت مقرر تشکیل گردد. متن حکم امام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

شهید مطهری رسیدیم.

طرح ادغام ارتش و سپاه را که در ذهن دارم، با آقایان شمخانی و سنجقی و آقامحمدی در میان گذاشتم؛ آنها استقبال کردند. تا ساعت یازده شب [آقایان عزیز جعفری و نورعلی شوشتری] فرماندهان قرارگاه های قدس و نجف و سایر مسئولان، گزارش وضع خطوط و نیروها و برنامه‌های آینده را دادند.

در اخبار امروز، پیروزی فرانسوا میتران بر ژاک شیراک در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه آمده بود که برخلاف میل ما است. ما برای پیروزی شیراک کمک کردیم که گروگان‌های فرانسوی در لبنان آزاد شوند، که بنا شده بود امتیازاتی به ایران بدهد.

سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت | ۲۳ رمضان ۱٤۰۸ ۱۰ می ۱۹۸۸

بعد از نماز نخوابیدم. درباره طرح ادغام ارتش و سپاه فکر می کردم و به نکات تازه‌ای رسیدم که یادداشت کردم.

از ساعت هشت صبح تا سه بعد از ظهر، جلساتی با فرماندهان قرارگاه ها و واحدهای عمل کننده نجف و قدس داشتیم. سه عملیات کوچک که حدود پنجاه گردان نیرو در آنها عمل می کنند، در دست بررسی و اقدام دارند. با اینکه روی بسیج نیرو خیلی تبلیغ شده است، باز هم واحدها نیروی کافی ندارند. جلسه ای هم برای قرارگاه حمزه و مسائل کردستان داشتیم. جلسه‌ای دیگر با فرماندهان متفرق داشتم که از عدم حضور امکانات کشور در جنگ انتقاد داشتند، که گفتم اگر طرح قابل قبولی بدهید امکانات بسیج می‌شود.

ساعت سه بعد از ظهر به سوی حلبچه حرکت کردیم. از گردنه ملخ خور، با اتومبیل به منطقه شهر زور وارد شدیم. دره های سرسبز با اشجار و مراتع و رودهای پرآب دارد که شبیه دره های اطراف البرز است. تعدادی از مردم حلبچه هم مانده اند. ساعتی در جاده پرسه زدیم. صدا و منظره انفجار و دود گلوله‌های در خط شنیده و دیده می‌شد. از قریه عنب و حلبچه بازدید کوتاهی کردیم.

منظره با اینکه زیبا است، ولی برایم غم‌انگیز بود. به خاطر احساس آوارگی مردم این

دیار و کشته های زیاد به خاطر استعمال اسلحه شیمیایی عراق علیه مردم خودش. در اینجا منظره‌های وحشتناکی تعریف می کردند. خرابی‌های بمباران عراق در شهر زیاد است. از یک خانه متروک بازدید کردیم. درهایش باز بود. خانه نیمه خالی است. بعضی از اثاث‌البیت را برده‌اند و بخشی مانده است. مثلاً بوفه‌ای با وسائل بلوری و چینی آلات مانده. صاحب خانه روحانی یا روحانی زاده بوده. تابلوهای مذهبی زیاد به اتاق های محقر خورده و یک تابلو شامل عکس های فامیلی که خیلی از آنها مهم‌اند و در میان آنها شیخ عثمان [سراج الدینی نقشبندی] معروف مرحوم هم موجود است[1].

کامیون های زیادی مشغول بارگیری بقایای اثاث البیت مردم برای انتقال به مراکز سکونت آنها در اردوگاه‌های داخل ایران بودند و در مسیر هم بیش از هرچیز این کامیون‌ها به نظر می‌رسیدند.

می گویند حدود هفت هزار خانواده، اثاث خود را آورده‌اند. اشیاء بار ماشین اکثراً یخچال و تلویزیون و ظروف و وسایل دیگر منزل بود. مقدار زیادی گاو و گوسفند در مراتع و کشتزارها مشغول چرا بودند. کشتزارهای وسیع ولی بی صاحب و نزدیک به رسیدن و درخت‌های میوه فراوان و بدون مدیر و سرپرست، انسان را مغموم می کند. از کنار شهرک های دجیله و خرمال و بیاره هم گذشتیم. نزدیک غروب از مرز نوسود وارد خاک خودمان شدیم.

این طرف هم مثل آن طرف، دره‌های سرسبز و پرآب ولی متروک و مخروبه به خاطر بی صاحبی دوران جنگ دارد. پس از پیروزی انقلاب تا ماه گذشته، ضدانقلاب در نوسود و اطراف حاکم بوده‌اند و اکنون تحت کنترل حکومت آمده ولی مردم هنوز باز نگشته‌اند.

از جاده‌های خاکی و پرپیچ و خم نوسود تا پاوه، بیشتر در کنار رود عظیم سیروان و جاده مرزی که آب های ایران را به سد دربندیخان عراق می برد، عبور کردیم. منطقه مهم و قابل توسعه ای است ولی دست نخورده و متروک؛ به جز چند روستای نیمه خالی چیزی ندیدیم. به خاطر خستگی و تاریکی و بعد مسافت، جایی توقف نکردیم، جز برای

[1] - شیخ عثمان سراج الدینی از عارفان کرد و پیران نقشبندیه است که در روستای تویله بخش حلبچه در استان سلیمانیه عراق می‌زیسته است. او در خانقاهی به ترویج شریعت و طریقت و ارشاد مردم می‌پرداخت و عرفا، علما و ادبای بسیاری در آنجا تربیت کرد. شیخ عثمان در سال ۱۲۸۳ در سن ۸۸ سالگی در گذشت.

دستشویی. باید در فرصت مناسبی برای بازدید کامل به منطقه سفر کرد.

در شهر روانسر منظره جالبی از عبور رودخانه عظیمی از میدان شهر درست کرده اند. حدود یکصد و بیست لوله، آب دریاچه‌ای را از میدان شهر عبور می‌دهند و سپس از زیر خیابان به آن اطراف می‌رود. هر لوله حدود هشت اینچ آب عبور می‌دهد. در بین راه با آقای شمخانی [قائم مقام فرمانده کل سپاه] درباره طرح ادغام ارتش و سپاه مذاکره کردیم. ساعت یک ربع به یازده شب به باختران رسیدیم. در مقر قرارگاه رمضان شام خوردیم و استراحت کردم.

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت | ۲۴ رمضان ۱۴۰۸ ۱۱ می ۱۹۸۸

ساعت پنج بامداد بیدار شدم. بعد از نماز استحمامی نمودم و خاطرات دیروز را نوشتم و اخبار را از رادیو [بی بی سی] انگلیس و [صدای] آمریکا گرفتم.

با [آقای محمدباقر ذوالقدر فرمانده] قرارگاه رمضان جلسه داشتیم. وضع جدید گروه‌های کرد معارض عراقی را بررسی کردیم. بعد از عملیات والفجر ۱۰ و فاجعه حلبچه و فشار صدام بر مراکز آزاد شده، آنها در داخل عراق در وضع جدیدی قرار گرفته اند و بدون کسب موافقت ما جبهه‌ای تشکیل داده‌اند و به شیوه گذشته، نمی‌توانند عمل کنند. سیاست برخورد با آنان را تعیین کردیم. [آقای مجتبی ذوالنوری] فرمانده تیپ ۸۳ امام جعفر صادق(ع) هم برای نیروهای رزمی - تبلیغی مطالبی داشت.

ساعت نه صبح به سوی دزفول حرکت کردیم. آقای شمخانی در ماشین من بود. در راه درباره طرح ادغام ارتش و سپاه و آینده جنگ مذاکره کردیم. قبل از پلدختر، کنار رودی توقف کردیم و با بچه‌های روستای مجاور صحبت کردم. ناهار را نزدیک دزفول کنار رودخانه خوردیم.ساعت سه و نیم بعد از ظهر به دزفول رسیدیم. ساعتی استراحت کردم.

فرماندهان سپاه هم آمدند. درباره خطوط دفاعی از قرارگاه و واحدهای در خط گزارش گرفتیم. بعد از سقوط فاو اهمیت بیشتری به پدافند می‌دهند. روحیه‌ها خوب نیست و از اینکه وادار به پرداختن بیشتر به پدافند شده‌اند ناراضی‌اند. روحیه تهاجمی و آفندی

دارند. احتمال تک دشمن در جزیره و شلمچه زیاد است. گله شدیدی از کم بها دادن نظام به جنگ و ضعف امکانات دارند. وقت زیادی در این بحث گذاشتیم و سپس با آقایان محسن رضائی و شمخانی و آقامحمدی درباره طرح ادغام ارتش و سپاه مذاکره کردیم؛ مشکلات و منافع و ضررها را بررسی کردیم. ساعت یازده و نیم شب خوابیدم.

پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت | ۲۵ رمضان ۱٤۰۸ ۱۲ می ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح در فضای مشجّر پایگاه با آقای رضائی درباره طرح ادغام ارتش و سپاه و آینده جنگ مذاکرات را ادامه دادیم و بالاخره به جمع‌بندی رسیدیم.

آقای [حبیب] بقائی فرمانده پایگاه هم توضیحاتی درباره پایگاه داد و پیشنهاد کرد از نیروهای زائد پایگاه، یک گردان برای جنگ تشکیل شود. عجیب آن است که در این شرایط، این همه نیروی نظامی بدون استفاده در عقبه‌های ارتش و سپاه مانده است.

آقای [غلامرضا] فروزش از جهاد آمد. ایشان را برای امور مهندسی جنوب از تهران احضار کرده بودیم. آنها به خاطر اختلاف در کارت‌های عبور چند روز است که کار را تعطیل کرده بودند.

ساعت هشت صبح با هواپیما به سوی تهران حرکت کردیم. معمولاً این اواخر به خاطر احتمال خطر، با هواپیما به منطقه نمی‌رفتم. کمی تب داشتم، تا عصر استراحت کردم. عصر کارها را از مجلس آوردند.

افطار به بیمارستان بقیه‌الله سپاه رفتم و پس از افطار برای آنها صحبت کردم[1]؛ بیمارستان عظیمی است. می‌تواند بیش از هزار تخت داشته باشد. مصادره‌ای است و بخش محدودی از آن برای پزشکان است. عفت و یاسر و مهدی هم، افطار مهمان بستگان بودند. محسن گفت برای تکمیل کارش در آلمان و اتریش، باید تا سه‌شنبه بماند.

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۶،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

جمعه ۲۳ اردیبهشت | ٢٦ رمضان ١٤٠٨ | ۱۳ می ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح خوابیدم. ساعت هشت بیدار شدم و برای رأی دادن [مرحله دوم انتخابات مجلس سوم] به محل صندوق - که برای بیت امام معمولاً می‌آورند - رفتم. عفت هم همین جا رأی داد و یاسر و مهدی و فاطی، به حوزه‌های دیگر رفتند[1].

تا شب در خانه بودم و تمامی کارهای عقب مانده را که آورده بودند، انجام دادم. به نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] گفتم خط منطقه زهد را از سپاه تحویل بگیرند. احمدآقا آمد و وضع جبهه را برای امام و طرح ادغام ارتش و سپاه را که ایشان هم موافقت دارد، توضیح دادم؛ قرار شد کلیات را خدمت امام بگوید، اگر موافق باشند پیشنهاد رسمی داده شود.

افطار بچه ها مهمان بودند و من تنها. سرشب آقایان محسن رضائی و [محمد] فروزنده برای بحث درباره طرح ادغام آمدند. آنها قسمت اصلی آن را مشکل‌زا می‌دانند، ولی با

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: «در ایران نتایج دور دوم انتخابات عمومی دیروز اعلام شد. دور دوم انتخابات برای تعیین تکلیف ۸۲ کرسی مجلس که در دور اول خالی مانده بود روز جمعه برگزار شد. اگر نتایج انتخابات تهران نشانه خوبی از روند نتایج در سراسر کشور باشد می‌توان گفت که جناح رادیکال و تندرو به پیروزی مهمی دست یافته است. نتایج انتخابات مرحله اول و دوم در تهران نشان می‌دهد که از مجموع ۳۰ نامزد معرفی شده از طرف دفتر تحکیم وحدت نزدیک به ۲۵ نامزد به مجلس راه یافته‌اند. دفتر تحکیم وحدت متشکل از دانشجویان پیرو خط امام، گرایشی است از جناح تندرو رژیم که تحت رهبری حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها با اشغال سفارت آمریکا در تهران در آبان ماه سال ۱۳۵۸ شکل گرفت و از آن هنگام تاکنون در تبلیغ و سوق دادن رژیم به طرف اتخاذ سیاست‌های افراطی بسیار مؤثر بوده است. از مجموع ۳۰ نامزد معرفی شده از جناح محافظه کار که نمایندگان آن در جامعه روحانیت مبارز تهران و روزنامه رسالت جمع شده‌اند، کمی بیش از یک سوم به مجلس راه یافته‌اند که اکثر آنان نامزدهایی بوده‌اند که از طرف هر دو جناح معرفی شده بودند. محمد یزدی نماینده دور اول و دوم مجلس و نایب رئیس مجلس در دوره دوم، محی الدین انواری، محسن مجتهد شبستری نمایندگان دوره‌های اول و دوم از جمله مهمترین نامزدهای جناح محافظه کار بودند که هیچ کدام به مجلس راه نیافتند. اما اگر یکپارچگی مجلس هدف جناح تندرو و دفتر آیت الله خمینی و پسر او احمد بوده از نتایج معلوم است که این هدف کاملاً تحقق نیافته است. جناح محافظه کار هنوز از طریق نمایندگانی نظیر علی اکبر ناطق نوری وزیر سابق کشور، سعید رجایی خراسانی نماینده سابق ایران در سازمان ملل، حضوری هر چند محدودتر از گذشته دارد و گذشته از این در میان کسانی که به مجلس راه یافته‌اند و از هر دو طرف معرفی شده بودند، هستند کسانی که در گذشته خط اعتدال را بین دو جناح پیش گرفته‌اند، یا صدای مستقل خود را حفظ کرده‌اند. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس فعلی که بیشترین آراء را به خود اختصاص داده، با عدم اعلام خروج از جامعه روحانیت مبارز به‌دنبال انشعاب اخیر این جامعه، نشان داده است که میل ندارد در را کاملاً بر روی این جناح ببندد. گفته می‌شود پیروزی جناح تندرو همچنین انعکاسی است از مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی رژیم ایران که رهبران رژیم و از جمله آیت الله خمینی را طی یک سال اخیر به تدریج به‌طرف سیاست‌های رادیکال به عنوان تنها راه رهایی از این مشکلات سوق داده است. این احتمال وجود دارد که با محدودتر شدن حضور جناح محافظه کار در مجلس، برخوردهای دو جناح ناگزیر از این به بعد در بیرون از مجلس انعکاس بیشتری پیدا کند.»

اعلان بخشی از آن که گام اول است، موافقت دارند. ساعت دوازده شب تا دو و نیم بامداد خوابیدم.

شنبه ۲٤ اردیبهشت | ۲۷ رمضان ۱٤۰۸ ۱٤ می ۱۹۸۸

ساعت ده ونیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. گروهی از مدیران جهاد که در جنگ همکاری می‌کنند، آمدند. طرحی برای تمرکز هماهنگی امکانات جنگ و جدی‌تر گرفتن مسئله جنگ آوردند و نامه‌ای برای امام تهیه کرده بودند که مشورت کردند؛ موافقت کردم بفرستند. نزدیک به نظرات خود من است.

عصر [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا آمد. در امور جنگ مذاکره کردیم و بر فوریت اعزام هلی کوپترها و تحویل منطقه زهد تأکید کردم. برای امسال طرح قابل توجه عملیاتی ارائه ندادند.

[آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت اطلاع داد که عراق به لارک حمله کرده و چند کشتی آسیب دیده است. دستور مقابله به مثل دادم و تأکید کردم که سعی کنند با آمریکا درگیر نشوند.

آقای مهندس روستایی آمد. توضیحاتی در باره طرح انتقال بخشی از آب دریای خزر به کویر دامغان و سمنان داد. به نظرم واقع بینانه نیست. گفتم درباره انتقال آب از رودخانه‌های مناطق آبی کشور به کویر مرکزی فکر کند.

آقای [جواد] مقصودی از ستاد برگزاری نماز جمعه تهران آمد. از شکست جریان فکری خودشان اظهار نگرانی نمود و از شیوه تبلیغات جریان مخالف گله داشت[1]. افطار مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. در جلسه سران قوا، قرار شد گرفتن ارز از مسافران هواپیماهای خارجی لغو شود و مبلغ بیست هزار تومان عوارض گرفته شود. درباره طرح ادغام ارتش و

---

[1] - در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز همانند مرحله اول، نامزدهای همسو با مجمع روحانیون مبارز (جناح چپ) در اغلب حوزه‌ها رأی آوردند. در تهران افراد شاخص جناح راست از جمله آیت الله محمد یزدی، محمد نبی حبیبی، قربانعلی دری نجف آبادی، محسن مجتهد شبستری، حسن غفوری فرد، حبیب الله عسگراولادی و اسدالله بادامچیان شکست خوردند.

شماره [illegible]
تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۴
پیوست ....

بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی که حق پیشنهاد نمایندگان در طرح‌ها را که بار مالی دارند مشروط به تأمین بار مالی آن نموده و موارد بیشتری پیش می‌آید که دولت یا مخالف طرح در مجلس جداگانه نظر مخالف خود را با پیشنهادهای نمایندگان اعلام می‌دارد بدون اینکه مرجع تشخیص بار مالی مشخص شود. از محضر آن شورای محترم (مفسر قانون اساسی) لطفاً نظر خود را در این گونه موارد بیان فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی
۲۴

دستخط نامه به شورای نگهبان

سپاه هم بحث شد که به جایی نرسیدیم؛ بحث ادامه خواهد داشت. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت | ۲۸ رمضان ۱٤۰۸ ۱۵ می ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. دکتر روحانی اطلاع داد که در حمله دیروز عراق به لارک، آمریکایی‌ها با کور کردن رادارهای ما، به عراقی‌ها کمک کرده‌اند و با آنها هماهنگ بوده اند. به وزارت خارجه گفته شد که اعتراض کند و نیروی دریایی سپاه اطلاع داد که امروز تردد کشتی‌ها از خوف انتقام ما قطع شده است.

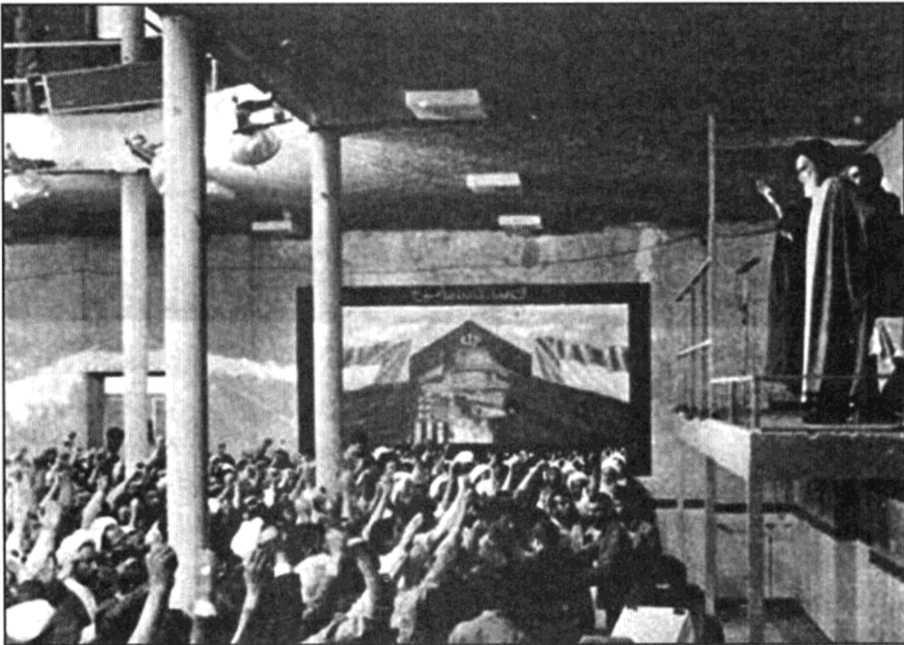
آقای ریاضی آمد و گزارش سفر به چین را داد. مدعی است تفاهم نامه خوبی در زمینه مبادله نفت و سلاح امضاء کرده‌اند و چینی‌ها را مثبت دیده است. دو سه نفر از کارمندان مجلس برای رفع مشکلات کارشان مراجعه کردند. دو سه نفر از نمایندگان نیز برای رفع مشکلات مراجعه داشتند. معاون پارلمانی وزارت بهداشت برای گرفتن ارز دارویی آمد که از محل طرح «به سوی کربلای ۳» داده شد.

آقایان [مهدی] کروبی، [سیدعلی اکبر] محتشمی، [محمد حسن] رحیمیان و دکتر وحید [دستجردی] برای مذاکره در امور لبنان و حمایت بیشتر از حزب الله در حوادث جاری لبنان آمدند. افطار به خانه آمدم.

دوشنبه ۲٦ اردیبهشت | ۲۹ رمضان ۱٤۰۸ ۱٦ می ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح برای شرکت در جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ به مقر ریاست جمهوری رفتم. چند مصوبه داشتیم. سپس با آقای خامنه ای درباره مسئله ارتش و سپاه و مسئولیت اداره آنها مذاکره کردیم.

پیش از ظهر در دفترم با دکتر روحانی درباره تشکیل ستاد قوی برای اداره جنگ و



سخنرانی حضرت امام در عید سعید فطر



نیروهای مسلح مذاکره شد. بعد از ظهر آقای [سید علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات همراه با چند نفر از مدیران وزارت آمدند. درباره لبنان، معارضان عراقی و مسائل دیگر سیاسی - امنیتی مشورت کردند و اطلاعاتی دادند.

افطار به منزل آمدم. دیشب عملیات بیت‌المقدس ۶ در منطقه شمال غرب دشت هرمدان در منطقه عمومی ماؤوت انجام شد و تا غروب امروز ادامه یافته است و بالاخره همه اهداف را گرفته‌ایم. تردید در اعلام عملیات داریم. بعضی‌ها فکر می کنند که این تحریکی است برای عراق که ممکن است به جنگ شهرها منجر شود[۱].

شب آقای شمخانی آمد. درباره هماهنگی ارتش و سپاه و تشکیل ستاد قوی و برنامه جنگ مذاکره کردیم.

سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت | ۱ شوال ۱٤۰۸ ۱۷ می ۱۹۸۸

بعد از صبحانه به حسینیه جماران رفتم. امام [به مناسبت عید سعید فطر] صحبت کوتاه و خوبی داشتند[۲]. به منزل برگشتم. فرزند شهید فیاض بخش و مادر و خواهرانش و خانم

---

۱ - عملیات بیت‌المقدس ۶ با رمز مبارک «یا امیرالمومنین(ع)» در منطقه عمومی سلیمانیه عراق برای پاسخ به شرارت‌های دشمن در خلیج‌فارس و روستاهای مرزی کشور و با هدف خارج کردن نیروهای خودی از تیررس دشمن و اشرار برسد دوکان به مرحله اجرا گذاشته شد. رزمندگان نیروی زمینی سپاه پاسداران با حمله به مقر دشمن درعمق خاک عراق، موفق شدند ارتفاعات اسوس، شیخ محمد و ارتفاعات مهم ۲۲۶۶ و ۲۱۰۰ را آزاد سازند. در این تهاجم، یگان‌هایی از دشمن از جمله سه تیپ منهدم شدند و تلفات و خساراتی بر آنها وارد می‌آید. با فشار قوای اسلام، مواضع رزمندگان از دید و تیررس خارج و سد و شهر دوکان نیز تحت کنترل آنها در می‌آید. در مرحله اول این عملیات بیش از ۱۳۰۰ تن کشته و زخمی شده و بیش از ۳۲۰ تن اسیر شدند. مرحله دوم این عملیات در تاریخ ۶۷/۲/۲۸ در منطقه عمومی ماؤوت از استان سلیمانیه آغاز شد و رزمندگان نیروی زمینی سپاه در حالی که دشمن از تحرکات آنها آگاه است، مواضع آنها را مورد هجوم قرار دادند و تعداد دیگری را کشته و زخمی و عده‌ای را از جمله سرهنگ دوم صلاح احمد حسن، فرمانده گردان دوم از تیپ ۴۴۸ و چند افسر بلند پایه را به اسارت در آوردند.

۲ - در بخشی از سخنرانی امام خمینی (ره) آمده است: «شیاطین دنبال این هستند که ایجاد اختلاف کنند، دودستگی بگویند هست، لکن بحمدالله ملت ما و خصوصاً روحانیت ما، اشخاصی هستند که چهره‌شان نورانی است و در این ماه مبارک هم در این ضیافت ان شاءالله وارد شده‌اند و آثارش هم بعد ظاهر می‌شود که همه با هم هستند؛ دو جبهه نیست. البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد. لکن سلیقه‌های مختلف سبب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد. من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن وقتی که مباحثه می‌کردند جار و جنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند، وقتی مباحثه ←

[منیره] گرجی آمدند. از خانم گرجی، اطلاعاتی درباره جامعه الزهراء(س) گرفتم. بستگان آمدند.

پس از مشورت با رئیس جمهور و نخست وزیر، قرار شد که عملیات بیت‌المقدس ۶ را اعلام نماییم. ظهر عفت و فاطی و فائزه، مهمان همسر امام بودند و من و مهدی و یاسر و سعید در خانه بودیم.

عصر فیلمی تماشا کردم و گزارش‌ها را که از مجلس آورده بودند، خواندم. نزدیک غروب برای مذاکره درباره مسائل حزب‌الله و امل در لبنان، به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. سران سه قوه، نخست وزیر، وزیر خارجه، سید عباس موسوی از لبنان، [حسین] شیخ‌الاسلام و [سید علی اصغر] حجازی از [وزارت] اطلاعات و مهدی‌نژاد از سپاه هم بودند. سید عباس وضع لبنان را گفت و مدعی است که توطئه همه اطراف منجمله سوریه، این است که جنوب لبنان را آرام کنند و مرز شمالی اسرائیل را امن کنند و برای این منظور حزب الله را می‌خواهند از جنوب و سپس از بیروت حذف کنند و نظر ما را خواست.

با بحث و بررسی طولانی، برنامه عملی برخورد با وضع موجود را ترسیم کردیم و برای آنها گفتیم که اصول آن، جلوگیری از جنگ داخلی بین شیعه و پرهیز از درگیری با سوریه و ضرورت ابقاء حزب الله در جنوب و بیروت است. دیر وقت به خانه برگشتم و نزدیک ساعت دوازده شب شام خوردم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت | ۲ شوال ۱٤۰۸ — ۱۸ می ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. ترتیب کار تبلیغات عملیات بیت‌المقدس ۶ را

تمام می‌شد، می‌نشستند به دوستی کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی، اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جاروجنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته داشته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۴۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).







دادم[۱]. قبل از شروع جلسه، خبر عملیات را به نمایندگان دادم. بعضی ها نگرانند که جنگ شهرها شروع شود، ولی نظر ما این است که قبل از برگزاری کنفرانس به اصطلاح صلح صدام در بغداد، مصلحتش نیست که شروع کنند و این تبلیغات برای شرایط روحی داخلی بعد از سقوط فاو لازم است. بعداً آقای بهزاد نبوی گفت که نظر هیأت دولت هم عدم اعلان است؛ آنها هم نگران شروع جنگ شهرها هستند.

ساعت ده ونیم به دفترم آمدم. آقای [محمد] کیاوش آمد. تقاضای شغلی دارد. در انتخابات آبادان شکست خورده است. آقای [اسدالله] بادامچیان آمد و برای حفاظت بعد از نمایندگی استمداد کرد. آقای [سیدرضا] زواره‌ای هم همین استمداد را داشت.

ظهر آقای عبدالله نوری [نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی] آمد. گزارشی از سفر به جبهه داد و از ضعف کار مهندسی رزمی و نابسامانی فرماندهان سپاه و ارتش گفت و در خصوص حضور زیاد طالبانی‌ها در منطقه حلبچه و مسائل اصفهان و ضرورت اندیشه برای رفع عوامل نارضایتی مردم که بیشتر معلول کمبودهای ناشی از جنگ است، تذکر داد.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. لیست های کاری ادارات مجلس براساس چارت جدید تصویب شد. آقای سرتیپ [علی] شهبازی آمد. از کمک من برای رسیدن به مسئولیت ریاست ستاد مشترک تشکر دارد و برنامه خودش را گفت: استفاده از افسران جوان و مسلمان و انقلابی در پست های کلیدی ارتش و پاکسازی محیط ستاد و جوان سازی آن و اصلاح نیروی زمینی برای ایجاد تحرک در آن. قول حمایت در این سیاست دادم.

آقای بهزاد نبوی آمد. از تحرک یک جریان ضد انقلابی گفت و درباره مسائل جنگ نظراتی داشت. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم. به منزل آمدم. خسته بودم، زود خوابیدم.

---

۱ - یک ماه پس از سقوط فاو در جنوب، عملیات بیت المقدس ۶ در جبهه شمالی اجرا شد. این عملیات با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در وضعیت سخت کوهستانی و با سرعتی قابل توجه و تلفات اندک انجام گرفت. با اجرای موفقیت‌آمیز این عملیات، کلیه هدف‌های تعیین شده، همچون ارتفاعات شیخ محمد، آسوس، استروگ و نیز سلسله ارتفاعات پیکانی بین شیخ محمد و گوجار تصرف و تأمین گردید. با تصرف این اهداف، امر اتصال به مناطق تحت نفوذ معارضان عراقی امکان پذیر شد و موقعیت مورد نظر خودی برای استقرار در شمال شرق سلیمانیه عراق به وجود آمد، اما بر اثر تغییر اوضاع جنگ در جنوب، امکان بهره برداری از این موفقیت فراهم نیامد، فقط معابر باز شده برای خروج کردهای معارض – که مدتی پیش تحت هجوم ارتش عراق واقع شده بودند – مورد استفاده قرار گرفت.

پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت | ۳ شوال ۱۴۰۸ ۱۹ می ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. خیال می کردم هفت ونیم جلسه شروع می‌شود. به پارلمان رفتم، معلوم شد ساعت هشت جلسه داریم. مقداری با نمایندگان مذاکره داشتم که بیشتر درباره علل رأی نیاوردن اکثریت وکلای این دوره و کم شدن تعداد روحانیون بود که گفته شد توصیه آیت‌الله منتظری در خصوص کم شدن روحانیون مؤثر بوده و توجیه‌های حضرت امام در معیارهای نمایندگان و کمبودها و مشکلات ناشی از جنگ در نوخواهی مردم تأثیر داشته است.

قبل از دستور از عملیات بیت‌المقدس ۶ تعریف کردم[1]. تا آخر در جلسه ماندم و تنفس ندادم. دو مورد دوفوریتی داشتیم که مشکلات بانک‌ها و امور اداری قوه قضائیه را رفع می‌کرد و لازم بود باشم.

ظهر در دفترم با [سرهنگ محمد حسین جلالی] وزیر دفاع ملاقات داشتم. برای پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های ارتش پول می‌خواست و اجازه خرید بیشتر. عصر با خانواده آجرلو که دو شهید داده‌اند، ملاقات کردم. هدیه‌ای به همسران و مادر دو شهید دادم.

جمعی از مسئولان تبلیغات اعزام نیروی سپاه آمدند. برای آنها صحبت نمودم و بر وجود نیروی داوطلب در همه فصول در جبهه‌ها تأکید کردم[2].

آقای [علیرضا] افشار اطلاع داد که موشک زمین به زمین سپاه با برد ۱۳۰ کیلومتر،

---

[1] - در این نطق آمده است: « ما تشکر می‌کنیم از رزمندگان اسلام که با عملیات موفق بیت المقدس ۶ جواب مناسبی را به شرارت‌های اخیر بعث عراق در دریا و اخطار مناسبی را به همکاری‌های نزدیک بین آمریکا و بعث عراق در مقابله با جمهوری اسلامی دادند. امیدواریم که با این حرکت جدید که در قلب منطقه کردستان انجام شده و ارتفاعات استراتژیک میان دو استان مهم اربیل و سلیمانیه به دست رزمندگان افتاده، آثار گرانبهایی را در دستاوردهای نظامی داشته باشیم و دعا می‌کنیم خداوند این عزیزانی که جان برکف برای دفاع از اسلام این گونه سرمایه‌گذاری می‌کنند، توفیقات بیشتری بدهد و آنها را برای اسلام و مسلمین حفظ کند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «با توجه به وضع کنونی در خلیج فارس، امسال با سال گذشته فرق کرده و آمریکا به طور رسمی وارد جنگ با ما شده است. ما در حال حاضر واقعاً در حال نبرد با آمریکا هستیم. باید به موازات آشکار شدن عوامل پشت پرده در این جنگ، نیروهای بالقوه ما هم در میدان جنگ فعالیت پیدا کنند تا بتوانیم گام‌های مؤثر و بهتری را در جبهه‌ها برداریم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آزمایش زمینی موفق شده و آقای [اکبر] ترکان [رئیس سازمان صنایع دفاع] خبر داد که موشک با برد ۱۵۰ کیلومتر را سوخت زده‌اند و برای آزمایش برده‌اند. آقای محسن رضائی اطلاع داد که امروز و دیروز دو کشتی نفتی عربستان تیر غیب خورده اند که این شکستی برای آمریکا است که اعلان کرده از کشتی‌های بی طرف حمایت می کند؛ باید منتظر عواقب آن بود. ساعت نه شب به خانه آمدم.

جمعه ۳۰ اردیبهشت | ٤ شوال ۱٤۰۸ | ۲۰ می ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌های جمعه مطالعه می کردم. همشیره طاهره همراه دختر و دامادش و محمد و معصومه آمدند. مدتی بود که طاهره را ندیده بودم. حالشان بد نیست. گفت همشیره طیبه اطلاع داده که حاجیه والده مریض شده‌اند و ایشان می‌خواهد زود به نوق برگردد. دامادش از خمودی و خموشی گفت.

برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر به استراحت گذشت[2]. شب آقایان

---

۱ - درخطبه اول بحث ویژگی‌های مستکبران ادامه یافت و تحلیلی در ارتباط با سنت الهی برای ستمگران و مستکبران مطرح گردید. در خطبه دوم نیز مسایل مختلف داخلی و منطقه‌ای از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، رویدادهای لبنان، عملیات والفجر ۶ در جبهه‌ها، حضور جنگی آمریکا در خلیج فارس و عواقب آن تحلیل و بررسی شد. همچنین در پایان خطبه دوم تذکری به خانم‌های بدحجاب برای رعایت شئونات اسلامی داده شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «آمریکا به طور رسمی و علنی با ما وارد جنگ شده و هم امکاناتش را در برابر ما قرار داده است. ما باید آماده باشیم که در هر لحظه مناسب بتوانیم اقدام مناسب را انجام دهیم. ملت آمریکا باید به فکر باشد. ملت آمریکا باید بداند که جنگ با ملتی مثل ملت ایران برای آمریکا بسیار گران تمام خواهد شد. اگر این جنگ توسعه پیدا کند، ملت آمریکا شاهد تحویل گرفتن جنازه کشته شده‌های آمریکایی از سراسر دنیا خواهد شد. ما از چنین وضعی مایل نیستیم استقبال کنیم. ما نمی‌خواهیم کار به آنجا بکشد. ما راه روشنی پیش روی شما گذاشتیم. شما اگر مغرض نیستید، اگر جنگ افروز نیستید و اگر منافعی در این درگیری‌ها ندارید، بیایید این راه را انتخاب کنید. ما هم تا وقتی که حتی یک نفر باشد که بتواند اسلحه به دست بگیرد، از پای نخواهیم نشست.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در پی خطبه‌های نماز جمعه آقای هاشمی، دولت ریگان به سفارت‌خانه‌ها، پایگاه‌های نظامی و حتی شرکت‌های تجاری آمریکایی اخطار کرد که ایران در صدد انجام «حملات تروریستی» علیه آمریکایی‌ها در سراسر جهان به‌ویژه در خاورمیانه « اروپا و جنوب شرقی آسیا می‌باشد. به نوشته روزنامه وال استریت ژورنال وزارت خارجه آمریکا با ارسال تلکسی به نمایندگی‌های سیاسی خود اعلام داشت: «دولت آمریکا دارای اطلاعاتی حاکی از آن است که دولت ایران مجوز حملات تروریستی علیه اهداف آمریکایی را در آینده نزدیک صادر خواهد کرد. علاوه بر این‌ها اعتقاد داریم که این حملات عمدتاً جهت وارد ساختن تلفات به آمریکایی‌ها و یا خسارات به

محسن رضائی و شمخانی از سپاه آمدند. درباره اقدامات جدید برای تمرکز امور جنگ و ترکیب ستاد فرماندهی قوا مذاکره شد. پیشنهاد دادند که [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، رئیس ستاد شود که امکانات دولت پشتوانه کار بشود. جهاد هم قبلاً چنین پیشنهادی داشت. با خود نخست وزیر، تلفنی در میان گذاشتم. به شرط مشخص بودن اختیارات رئیس ستاد، آمادگی دارد.

دکتر روحانی اطلاع داد که عراق شهر پاوه را بمباران کرده و حدود سی نفر شهید شده اند. دستور مقابله به مثل داده شده، ولی با توجه به اینکه برای زدن شهرها، معمولاً برای حفظ جان مردم قبل از اقدام اعلام می کنیم و فعلاً صلاح نیست که جنگ شهرها را اعلام نماییم، با مشورت با آقای خامنه‌ای، دستور فسخ داده شد و گفتم به یک مرکز نظامی بزنند.

دکتر روحانی گفت، فرمانده نداجا [=نیروی دریایی ارتش] خواسته که سپاه در دریا عملیات مقابله به مثل را متوقف کند تا مانور نیروی دریائی انجام شود. گفتم مصلحت این است که مانور انجام شود.

شنبه ۳۱ اردیبهشت | ۵ شوال ۱٤۰۸ ۲۱ می ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس رفتم. [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. برای سفر جنوب خلیج‌فارس و اندونزی مشورت کرد و خبر آزمایش موتور موشک سوخت مایع و پرتاب آن توسط کارشناسان نفت را داد و درباره انتقال ترمینال نفتی لارک به جاسک مذاکره شد.

[آقای یوشیو فوجی موتو] سفیر ژاپن آمد. درباره روابط بحث شد. گفتم که سیاست ژاپن تحت تأثیر سیاست آمریکا است. به عنوان عضو شورای امنیت سازمان ملل، درباره آخرین نظر ما در خصوص قطعنامه ۵۹۸ پرسید که گفتم همان است که با [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل به تفاهم رسیده‌ایم و بیشتر از گذشته به صلح امید بسته‌اند و مدعی بود

تأسیسات آمریکایی طرح‌ریزی شده‌اند. ما احتمال انجام اینگونه حملات را در خاورمیانه، جنوب شرقی آسیا و اروپا بیش از نقاط دیگر پیش بینی می کنیم، هر چند هیچ منطقه‌ای نمی‌تواند کاملاً از خطر این حملات در امان باشد.»

چند گام به صلح نزدیکتر شده‌ایم. از طرف آمریکایی‌ها پیام حسن نیت و تمایل به حل مشکلات روابط فیمابین ما و آنها را آورده بود که گفتم قدم اول اقدامات، نشان دادن حسن نیت از طرف آمریکا است.

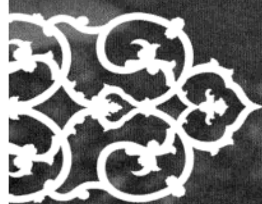
سفیر ایتالیا آمد. پرنشاط و فعال به نظر می‌رسد. از توسعه روابط و بی طرفی در جنگ گفت. نقاط منفی و مثبت سیاست آنها را تذکر دادم. سفیر لهستان آمد. ضمن ابراز رضایت از حسن روابط، توضیحاتی درباره اعتصابات اخیر در لهستان داد و مدعی بود خیلی سبک‌تر از اعتصابات سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ بوده و تمام شده است.

ظهر آقای [مصطفی] فومنی [حائری] سفیرمان در امارات آمد. گزارش سفر به بحرین را داد. مدعی است امیر بحرین در آن سفر خیلی نسبت به او تواضع کرده و علاقه بر اصلاح روابط دارد و عمده ناراحتی آنها از فعالیت سازمان تحریر بحرین به ریاست مدرّسی ها در تهران است و وزارت خارجه ایشان را مأمور به سفر مشابه به کویت نموده است.

عصر آقای [غلامعباس] زائری برای امور اداری مجلس آمد. آقای سعیدالذاکرین برای مراسم پایان این دوره و شروع دوره بعد مجلس آمد. آقای [محمود] موحدی سفیرمان در برزیل آمد. از روابط اقتصادی گسترده برزیل با عراق، کویت و عربستان و تمایل آنها به توسعه روابط اقتصادی با ایران گفت و زمینه‌های توسعه روابط، خرید نفت در مقابل کالاهای ساخت برزیل را توضیح داد.

آقای سعیدی مسئول حفاظت اطلاعات سپاه آمد و از مشکلات و ابهام در روابط حفاظت با فرماندهی سپاه نالید و چاره جویی کرد. آقای [محمد] فرض‌پور نماینده جدید آستارا که در دوره اول هم وکیل بود، برای مشورت در سیاست آینده و اظهار همراهی آمد.

بعد از نماز مغرب و انجام کارهای دفتر، به جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر رفتم. مسئولان اجرای تعزیرات حکومتی آمدند. برای رفع مشکلات ناشی از تبصره ۳۵ بودجه امسال که اختیارات آنها را محدود کرده است، استمداد کردند. وزارت اطلاعات برای تعقیب بعضی از ملی گراهای مزاحم و برای ادامه روند پیگیری پیام‌های آمریکایی‌ها در خصوص رفع خصومت‌ها استجازه کرد. بحث شد و به وزارت اجازه داده شد.



خرداد ۱۳۶۷

یکشنبه ۱ خرداد | ٦ شوال ١٤٠٨ ۲۲ می ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. لحن رسانه‌های غربی نسبت به ایران تعدیل شده و پیام‌های غیر رسمی که از آمریکا و انگلیس می‌رسد، علائم کم شدن حساسیت آنها و یا تمایل آنها به ذوب یخ‌های روابط را می‌رساند، ولی نباید خوشبین بود.

پس از شروع جلسه، برای انجام کارهای جاری به دفترم برگشتم. ظهر آقای [سیدحسن] شجاعی [کیاسری] نماینده ساری برای گله از مخالفت مسئولان منطقه با ایشان آمد؛ رأی آورده است. آقای [غلامعباس] زائری برای امور مجلس آمد.

عصر دکتر ولایتی برای مشورت در مورد لبنان[1] و افغانستان[2] و کیفیت برخورد با پیام‌های غربی‌ها و فرانسه آمد؛ ارزیابی ایشان هم از شرایط جاری مثبت است و دموکرات ها و جمهوری خواهان آمریکا هر دو در صدد جلب رضایت برآمده‌اند و دکتر «تری‌ویت» اسقف کلیسای کانتربری انگلیس هم به من نامه نوشته و خواسته است هیأت

---

۱ - دو گروه شبه نظامی امل و حزب الله لبنان، با اوج گرفتن اختلافاتشان با هم درگیر شدند. درگیری ۱۵ روزه شیعیان امل و حزب الله ۳۲۸ کشته و ۱۴۷۲ مجروح برجای گذاشت. ایران برای ترک مخاصمه این دو گروه شیعه، هیأتی را به سرپرستی آیت الله احمد جنتی به بیروت فرستاد، اما دو طرف به درگیری‌های خود ادامه دادند. اختلاف این دو بر سر استقرار ارتش سوریه در جنوب لبنان بود. در پی جنگ میان امل و حزب الله، ارتش سوریه وارد منطقه شد و سال‌ها در جنوب لبنان استقرار یافت.

۲ - ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی در چارچوب قرارداد ژنو، در حال ترک خاک افغانستان بود. کاروان اول ارتش سرخ شامل ۱۲۰۰ سرباز، از روز ۲۶ اردیبهشت سال ۶۷ خاک افغانستان را ترک کرد. طبق قرارداد ژنو، ۱۱۵ هزار سرباز شوروی مستقر در افغانستان، باید طی نه ماه و تا ماه فوریه ۱۹۸۹ خاک این کشور را ترک می‌کردند.

پارلمانی انگلیس را برای تقویت روابط دعوت کنم و کانادا هم در محدوده اقدامات وزارت خارجه قرار گرفته است.

قرارگاه [خاتم‌الانبیاء] برای بررسی اولویت های پدافندی و مسئله لارک و تأمین ارز مورد نیاز پدافند جلسه داشت که نتیجه بخش بود. دکتر روحانی آمد. درباره ستاد کل فرماندهی کل قوا مذاکره کردیم و اجازه گرفت که در مانور نیروی دریایی به همراه آیت‌الله خامنه‌ای شرکت کند.

[آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر، نامه‌ای به رئیس جمهور نوشته و اعلان کرده که بنا ندارد کابینه را به مجلس معرفی کند و خواستند که به فکر نخست وزیر دیگری باشند. مشکلات فراوان در راه امور کشور و کمی اختیارات، عامل این تصمیم است؛ بعید است پذیرفته شود[1].

شب به خانه آمدم. مقداری با محسن که از سفر آلمان برگشته، صحبت کردیم. برای خرید نیازهای مواد اولیه موشکی رفته بود و کارش را خوب انجام داده است. راضی است. مبلغ خرید بالا نبوده ولی تعداد آنها زیاد و هریک از یک جا، لذا طول کشیده است. ولی گفت که همه اقلام لازم برای ساخت حداقل ۴۰ نمونه تحقیقاتی را تأمین کرده و از آنجا به ایران فرستاده و لذا سرعت زیادی در به نتیجه رساندن ساخت موشک ۱۳۰ کیلومتری بغداد خواهد داشت. از طریق وزارت سپاه حدود دو میلیون دلار تأمین اعتبار شده است[2].

---

۱ - در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، متأثر از سیستم حکومتی فرانسه، رئیس جمهور و نخست وزیر پیش بینی شده بود؛ حال آنکه تمام امور اجرایی در اختیار نخست وزیر بود، اما رئیس قوه مجریه رئیس جمهور محسوب می‌شد، در حالی که اختیارات زیادی نداشت. تجربه دو دوره ریاست جمهوری سبب شد، در اصلاح قانون اساسی سال ۱۳۶۸، پست نخست وزیر حذف شود و تمام اختیارات قوه مجریه در پست رئیس جمهور تمرکز یابد.

۲ - استفاده عراق از تجهیزات پیشرفته‌ای که توسط ابرقدرت‌ها از جمله فرانسه و شوروی در اختیار آن کشور گذاشته شده بود، نیاز به موشک‌های ضدتانک، کوتاه برد بدون هدایت و دوربرد هدایت شونده را دو چندان می‌کرد. قیمت این گونه موشک‌ها در بازار جهانی نیز بسیار بالا بود. با توجه به شرایط سیاسی و بین‌المللی ایران، از فروش این گونه تجهیزات به ایران خودداری می‌شد. خوشبختانه کارشناسان و مهندسین کشور توانایی ساخت چنین تجهیزاتی را بدست آوردند. سازمان صنایع دفاع سپاه، دارای بخش تحقیقاتی و تولیدی موشک‌های مختلف بود که از جمله می‌توان از طرح «یا مهدی» (موشک ضد تانک شبیه تاو آمریکایی)، شهید شاه آبادی (موشک ضد تانک شبیه به مالیوتکای روسی)، مجتمع صنعتی شهید باقری (موشک‌های کوتاه برد بدون هدایت مانند مینی کاتیوشا و فراگ)، مجتمع صنعتی شهید همت (موشک‌های دوربرد سوخت مایع و سوخت جامد شهاب ۱ و شهاب ۲، شبیه اسکاد - بی و تولید انبوه نمونه‌های ←

دوشنبه ۲ خرداد | شوال ۱٤۰۸ ۲۳ می ۱۹۸۸

اول وقت دکتر روحانی اطلاع داد که عراق دیشب در منطقه ساموااما و ۴۰۲ به ارتش حمله کرده و درگیری ادامه دارد. حدود ساعت نه صبح اطلاع داد که سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] می‌گوید عراق با اینکه از سلاح شیمیایی استفاده کرده، اما نتوانسته خط را بشکند.

چند صفحه‌ای برای فاطی سیاست خارجی را نوشتم. ظهر اعظم و عماد و علیرضا[1] از رفسنجان آمدند. دو ماه است که به خاطر سفر محسن به آلمان و خطر موشک‌های عراقی، به رفسنجان رفته و مانده بودند.

عصر دکتر روحانی اطلاع داد که حمله عراق دفع شده و تعدادی اسیر به جا گذاشته است. با شورای نگهبان و مجلس و وزارت کشور درباره جلسه افتتاحیه دوره سوم مجلس و با بیت امام در مورد لغو راهپیمایی اعلام شده برای فردا به عنوان بیعت مجدد با امام از طرف نیروهای بسیجی صحبت کردم[2].

تحقیقاتی نازعات، سجیل، مجتمع) یاد کرد. در سازمان صنایع دفاع، موشک کاتیوشا و موشک سوخت جامد دوربرد به نام «نازعات» ساخته می‌شد. در معاونت مهندسی جنگ نیروی زمینی، طرح تحقیقاتی سجیل، موشک سوخت جامد با بدنه فایبرگلاس یا کمپوزیتی دنبال می‌شد. در مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی نیز موشک دوربرد سوخت جامد با بدنه تولید شده با روش کشش سرد مورد تحقیق قرار می‌گرفت. همه موارد مطرح شده، در سال ۶۷ به تست‌های موفق‌آمیز خود رسیده بودند و کم کم وارد مرحله تولید انبوه می‌شدند. طرح شهاب ۲ در مجتمع شهید همت، مسئولیت تولید موشک‌های نمونه سازی شده نازعات، سجیل و مجتمع را به عهده داشت. این موشک‌ها به راکت ۱۳۰ کیلومتری بغداد معروف شده بودند. ساخت کارخانه تولید سوخت و موشک مربوطه نیز به نتیجه رسید و اینک از امکانات مناسبی برخوردار است. پروژه‌های ساخت موشک در دوران دفاع مقدس برعهده کارشناسان دلسوزی چون آقایان منوچهر منطقی (یامهدی)، علی قیامتیون و فریدون قاسم زاده (شهید همت)، جعفری (نازعات و شهید باکری) و اصغر اسلامی، بهادرانی و رضوی (سجیّل)، عسکری (شهید باقری) شریفیان (جهاد سازندگی) و اخلاقی (مرکز تحقیقات ساصد) و ... بوده است. اینک نهالی که در روزهای سخت دفاع مقدس، با تلاش و کوشش شبانه روزی فرزندان سلحشور این آب و خاک، غرس شده بوده، به ثمر نشسته و میوه‌های شیرین آن نوید بخش توان و اقتدار روزافزون میهن اسلامی گردیده است.

۱ - همسر و فرزندان محسن هاشمی.

۲ - رزمندگان جبهه‌های نبرد به مناسبت سوم خرداد سالروز آزادی خرمشهر، اعلام کرده بودند که به منظور تجدید بیعت با امام خمینی (ره) و تأکید بر ادامه دفاع مقدس در یک راهپیمایی شرکت می‌کنند. در پی اعلام این راهپیمایی، دفتر امام با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد، معظم له از حضور مردم در صحنه‌های انقلاب تشکر کردند وخواستند که این راهپیمایی برگزار نشود. لغو راهپیمایی بیعت با امام، بازتاب زیادی در رسانه‌های بین‌المللی داشت و این رسانه‌ها، به تفسیر و تأویل علت لغو این راهپیمایی پرداختند. رادیو بی بی سی در تفسیری اعلام کرد: «هدف از این تظاهرات، ابراز موافقت با ادامه جنگ بود.البته ادامه جنگ،خط مشی جمهوری اسلامی است،اما اخیراً به نحوی

سرهنگ [مصطفی] ترابی [رئیس سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش] برای مشاورت در امر هدایت خبری یک مامور دو جانبه آمد. آقای [محمد حسن] اختری سفیرمان در سوریه آمد و مشکلات توافق با سوریه در خصوص مسئله حزب‌الله و امل را گفت؛ منجمله شرکت سپاه در نیروی حائل به همراه نیروهای سوری که گفتم ضرورتی نیست روی آن تأکید کنیم.

آقای جواد لاریجانی [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه] آمد و گزارش سفر به مجارستان را داد. نخست وزیر مجار از طرف روس ها از ما خواسته برای حل مشکل خروج آنها از افغانستان کمک کنیم و در مقابل، آماده تحویل بعضی نیازهای ما هستند؛ گفتم اقدام کنند.

آقای نخست وزیر گفت اطلاع پیدا کرده که عراق در شلمچه حمله کرده است؛ پرسیدم؛ تکذیب شد، ولی قرائنی هست که به زودی تک خواهد کرد. آقای شهبازی [رئیس ستاد کل ارتش] اطلاع داد که با فرماندهی نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] در خصوص نصب فرماندهان مسلمان و انقلابی، تا حدودی به توافق رسیده‌اند.

سه‌شنبه ۳ خرداد | ۸ شوال ۱۴۰۸ — ۲۴ می ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح، مطابق معمول تا ساعت شش و نیم مطالعه کردم. ساعت هفت صبح به

«روزافزون با این خط مشی، مقابله‌هایی صورت گرفته است. گزارش شده است که در اصفهان میان پاسداران و آوارگان جنگی درگیری‌های خشونت آمیزی روی داده است. گروه کوچک لیبرال به نام نهضت آزادی به رهبری مهندس مهدی بازرگان، نخست وزیر اسبق جمهوری اسلامی، بار دیگر خواستار صلح شده است. همچنین در میان بعضی از روحانیون طراز اول، نشانه‌های نارضایتی از ادامه جنگ آشکار شده است. درخواست‌های صلح از شکست‌های اخیر ایران در جنگ، نیرو گرفته است. این شکست‌ها در حد خود می‌توانست فقط به انتقاد از نحوه پیشبرد جنگ بیانجامد، اما در عقاید و نظرات سیاسی با انتخاباتی که انجام شد، چند دستگی بیشتری به‌وجود آمد. مخالفین جمهوری اسلامی سعی کرده‌اند، لغو راهپیمایی از طرف دفتر امام را به عنوان نشانه ضعف جمهوری اسلامی تعبیر کنند و یا نشانه آن که نگرانی از امکان درگیری میان گروه‌های مخالف و موافق جنگ رخ دهد، اما منابع نزدیک به جمهوری اسلامی می‌گویند، برقراری چنین تظاهراتی بدون درگیری امکان پذیر بوده است،اما اگر تظاهرات علیه اقلیت مخالف جنگ برگزار می‌شد، مخالفین از آن به نفع خود بهره‌برداری می‌کردند، در حالی که نادیده گرفتن تظاهرات ضد جنگ به نفع جمهوری اسلامی است و این دلیل عمده تصمیم آیت الله خمینی بوده است» منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۶، صفحه ۱۹»

مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسئله مهمی نبود. تا ساعت یک ونیم ظهر در جلسه علنی بودم.

ستاد راهپیمایی بیعت با امام که برنامه آنها توسط امام لغو شده بود، آمدند؛ ناراحت بودند. آنها را توجیه کردم که اقدام امام به جا بود، چون در اطلاعیه‌ها جنبه عمومی به راهپیمایی داده شده بود و تبلیغات لازم نشده بود. جمعیت زیادی شرکت نمی کرد و برداشت می‌شد که مردم [از جنگ] خسته شده‌اند. قرار بود فقط بسیجی‌ها باشند، نه عموم.

آقای [غلامعباس] زائری و آقای [سیدرضا] زواره‌ای برای کارهای مجلس و روابط عمومی برای برگزاری مراسم ختم این دوره و افتتاح دوره آینده مجلس مراجعه کردند. سلمانی برای اصلاح آمد. چند نفر از نمایندگان مجلس برای مسائل شخصی و انتخابات آمدند.

عصر آقای ملاعثمان [عبدالعزیز] رهبر حرکت اسلامی کردستان عراق و همراهان آمدند. از توجه کم مسئولان نظامی نسبت به سایر جریان‌های داخل عراق گله داشتند و خواهان امضای موافقت نامه با شخص من بودند و خواستند که عملیات در داخل کردستان عراق با مشورت آنها انجام شود و اجازه و امکانات تحرک سیاسی در خارج به آنها داده شود و مدعی بودند، حوادث حلبچه به اعتبار ایران در داخل کردستان عراق صدمه زده است؛ گفتم با آقامحمدی مذاکره کنند.

آقای [علی] موسوی گرمارودی آمد[1]. ضمن توضیح نظرات گذشته‌اش در زمان بنی‌صدر که آن را به دستور امام معرفی می کند - امام هم قبول دارند - از قرض زیاد و مشکلات زندگی‌اش گفت. می‌خواست سند منزلش درست شود که بتواند آن را بفروشد و تبدیل به منزل کوچک‌تری کند.

آقای کلیم صدیقی [رهبر پارلمان مسلمانان انگلستان] آمد. درباره عربستان سعودی و خطر آن برای دنیای اسلام و ویژگی های انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب، برای کتاب در

---

[1] - آقای علی موسوی گرمارودی،مشاور فرهنگی ابوالحسن بنی‌صدر بود. او در سال ۶۶ در نامه‌ای به امام خمینی (ره) در خصوص ارتباط خود با رئیس جمهور توضیح داد. حضرت امام در پاسخ به موسوی گرمارودی اعلام کردند: «همان‌گونه که مرقوم داشتید، جنابعالی پس از کشف انحراف بنی‌صدر، چند مرتبه نزد اینجانب آمدید و اظهار داشتید که من می‌خواهم از سمتی که نزد بنی‌صدر دارم، کناره‌گیری کنم و اینجانب برای مصالحی که در نظر داشتم، با شما مخالفت می‌کردم و شما را با اکراهی که داشتید، از کناره گیری باز داشتم و شما را در اعمال مخالف او هیچ‌گاه شریک نمی‌دانم.» ← کتاب «صحیفه نور»، جلد بیستم، صفحه ۶۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

دست تألیف خودش مصاحبه‌ای کرد[1]. آقای نخست وزیر دو سه گزارش از شروع درگیری در شلمچه را نقل کرد که تائید نشد. احمدآقا تلفنی درباره متن فرمان امام [برای جانشینی فرمانده کل قوا] مشورت کرد.

شب در جلسه مجمع تشخیص مصالح شرکت کردم. بخشی از طرح مبارزه با مواد مخدر و همچنین ضرورت لایحه واگذاری کارهای اداری دادگستری به وزیر دادگستری از سوی شورای عالی قضایی تصویب شد. بعد از شام دکتر ولایتی و [محمدحسن] اختری [سفیر ایران در سوریه] آمدند. تصویب کردیم که با ورود نیروهای سوری به منطقه ضاحیه جنوبی بیروت مخالفت نکنیم. آقای خامنه ای حضور نداشتند؛ برای شرکت در مانور نیروی دریایی به جنوب رفته اند. دیر وقت به منزل رسیدم. همشیره فاطمه و مسعود آمده بودند. ساعت دوازده شب خوابیدم.

چهارشنبه ٤ خرداد | ۹ شوال ١٤٠٨ — ۲۵ می ۱۹۸۸

تا ساعت هشت صبح، طرح وزارت برنامه و بودجه در مورد نظام نیروهای مسلح را مطالعه کردم. به مجلس رفتم. تا ساعت نه صبح گزارش‌ها را خواندم. آقای محسن رضائی اطلاع داد که دشمن در شلمچه و شاخ شمیران حمله را شروع کرده است. در شاخ شمیران دفع شده، ولی در شلمچه درگیر هستیم.

از آن لحظه تا دو بعداز ظهر، مرتب وضع جبهه را گزارش کردند. رفته رفته گزارش ها

[1] - دکتر محمد کلیم صدیقی، متفکر و نویسنده‌ای بود که در جهان غرب با ایجاد مرکز اسلامی لندن، خدمت ارزشمندی به شناسایی اسلام در اروپا در روزگار ما صورت داد و با حضور خود در مراکز و محافل مختلف، برآن بود تا اسلام و نهضت‌های اسلامی را به جهان بشناساند. این متفکر اصولگرا با انجام مصاحبه‌های مختلف، برگزاری سمینارهای گوناگون، نشر کتاب و روزنامه در اروپا و کانادا به شناساندن اسلام مترقی به جهان غرب همت گمارد. کتاب «مسائل نهضت‌های اسلامی» شامل مباحث اندیشه و عمل سیاسی مسلمین در دوران سلطه استعمار، نخستین گام نهضت جهانی اسلام، اسلام و غرب، ناسیونالیسم مانع اساسی تحول امت و تحلیلی از نهضت اسلامی در لندن به چاپ رسید. این کتاب توسط آقای سید هادی خسروشاهی به زبان فارسی ترجمه شد و توسط انتشارات اطلاعات در ایران نیز به چاپ رسید و از جمله منابع اصلی در مباحث مربوط به نهضت‌های اسلامی به شمار می‌رود. دکتر کلیم صدیقی مدتی معاون سردبیری روزنامه معروف گاردین را برعهده داشت. او با دارا بودن مدرک دکترای علوم سیاسی و بین‌الملل از روشنفکران متعهد و فعال در انگلستان به شمار می‌رفت. دکتر صدیقی در سال ۱۹۹۵ براثر سکته قلبی در ۶۳ سالگی درگذشت.

نشان می‌داد که دشمن خطوط را شکسته و پیش می‌آید و بالاخره بعد از ظهر اطلاع دادند که از کل منطقه عملیاتی کربلای ۵ عقب نشینی کرده‌ایم[1]. قبول اینکه در چند ساعت این همه عقب نشینی شده باشد، مشکل بود. شاید تصمیم درستی گرفته باشند که بتوانند پشت خط بهتری دفاع کنند و نیروها را در یک مقاومت غیر عاقلانه تلف نکنند، ولی قبول چنین مطلبی از نیروهایی که همیشه پیروز بوده‌اند و در سنگرهای ضعیف هم از عهده دشمن بر می‌آمدند، دشوار است. تفاوت در این است که در گذشته نیروهای ما معمولا مهاجم بوده‌اند و این بار مدافع‌اند و روحیه مدافع ندارند و تاکتیک‌های معمول و مجرب آنها بیشتر تهاجمی بوده و خط برای دفاع تنظیم نشده، بلکه برای ادامه پیشرفت بوده است.

چند نفر از نماینده‌های شکست خورده انتخابات آمدند. آقایان لطیف صفری، [سید حسین] محمدی‌آذر و [مرادعلی] احمدی از سنقر برای کار آینده خود مشورت می کردند.
آقای [ناصر حیرانی] نوبری سفیرمان در شوروی آمد. مشکلات فراوان روس‌ها را گفت: عقب نشینی از افغانستان، اختلافات داخلی، درگیری ها در آذربایجان[2] و درباره چگونگی بهره‌برداری ما از این وضع مذاکره شد و ایجاد معادله‌ای بین نیاز روس‌ها به ما در افغانستان و ما به آنها در جنگ با عراق.

ملاقات‌های ظهر و عصر را لغو کردم. از اداره قوانین برای تنظیم برنامه افتتاحیه دوره سوم آمدند. آقایان محسن رضائی و رحیم صفوی که در تهران بودند، ساعت چهار بعد از ظهر با هواپیما به سوی جنوب رفتند. رئیس جمهور و فرماندهان ارتش در بندر عباس بودند. با نخست وزیر و احمد آقا چند بار تلفنی درباره وضع جبهه مذاکره کردیم. [آقای

---

۱ - با سقوط فاو، موانع روانی در ارتش عراق برطرف شد، ابتکار عمل به دست دشمن افتاد و رزمندگان قبل از اینکه فرصت یابند تا خود را با وضعیت جدید وفق دهند، با حوادث دیگری مواجه شدند. ارتش عراق در ۴ خرداد با سپاه‌های سوم، هفتم و گارد ویژه به شلمچه حمله کرد و منطقه آزاد شده در عملیات کربلای ۵ را در اختیار گرفت. در این عملیات نیز، دشمن از سلاح شیمیایی به طور وسیع بهره گرفت. پس از سقوط شلمچه، در حالی که دشمن برای هجوم به جزایر مجنون آماده می‌شد، نیروهای خودی عملیات بیت‌المقدس ۷ را انجام دادند.

۲ - آذربایجان و ارمنستان از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی، در زمستان سال ۱۳۶۶ به خاطر منطقه قره باغ به زدوخورد پرداختند که در این درگیری‌های قومی ۳۲ نفر کشته شدند. ادامه این اختلافات موجب شد مقامات مسکو در این هفته، کامران باقروف دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان و کارن دمیرچیان دبیر اول حزب کمونیست ارمنستان را برکنار کنند. سیاست‌های اقتصادی و سیاسی میخائیل گورباچف در دوره رهبری اتحاد شوروی،باعث شده بود اختلافات داخلی بیشتر شود و ادامه این مسائل به فروپاشی آن کشور منجر گردید.

بیژن نامدار زنگنه] وزیر جهاد سازندگی آمد و اطلاعات خودش را از وضع جبهه داد. قرار گذاشتیم که با اتومبیل به خوزستان برویم.

عفت و یاسر و مهدی به مجلس آمدند و چمدان مرا آوردند. در آخرین لحظه منصرف شدم و قرار شد که فردا صبح با هواپیما برویم. ساعت ده شب به خانه رسیدیم. خسته و کوفته خوابیدم.

پنجشنبه ٥ خرداد | ۱۰ شوال ۱٤۰۸   ۲٦ می ۱۹۸۸

ساعت چهار صبح بیدارشدم. بعد از نماز از آقای [محمد] فروزنده [رئیس ستاد کل سپاه] وضع جبهه را گرفتم؛ خبر تازه‌ای نداشت. گفت نیروهای ما پشت کانال و عرایض موضع گرفته‌اند. به فرودگاه رفتیم و با دو هواپیمای کوچک به سوی جنوب پرواز کردیم. قرار بود که در دزفول بنشینیم اما به خاطر احتمال خطر، ترجیح دادیم که به بوشهر برویم. مهدی و یاسر و محافظان و دکتر روحانی و دکتر [حسن] فیروزآبادی [مشاور نظامی نخست وزیر] و [ابراهیم] سنجقی همراه بودند.

ساعت هفت ونیم در پایگاه هوایی بوشهر به زمین نشستیم. در مهمانخانه پایگاه تا آماده شدن ماشین ها توقف کردیم. توضیحاتی از جانشین پایگاه درباره وضع پایگاه شنیدیم و تلفنی از وضع جبهه پرسیدیم. ساعت نه و ربع با چند ماشین به سوی اهواز حرکت کردیم و ساعت دو بعد از ظهر به گلف رسیدیم[۱]. ناهار خوردیم و آقای محسن رضائی توضیحاتی کوتاه درباره شکست در شلمچه داد و سپس استراحت کردیم.

بعد از نماز مغرب تا ساعت دو و نیم بامداد، فرماندهان سپاه و فرماندهان لشکرهای ثارالله و الغدیر و کربلا و نجف اشرف و المهدی(عج) و فجر درباره کیفیت عملیات و علل عقب نشینی توضیح دادند؛ بیشتر به خاطر آتش انبوه و فشار زرهی و پیاده و شیمیایی بود.

---

۱ - « گلف» یا پایگاه منتظران شهادت، پیش از انقلاب متعلق به شرکت نفت بود. در سال‌های جنگ از این محل که بیرون از شهر اهواز قرار داشت، به عنوان محل اعزام نیرو به جبهه و محل استقرار فرماندهان استفاده می‌شد. اغلب جلساتی که آقای هاشمی،فرمانده جنگ،هنگام حضور در اهواز داشت، در این مکان برگزار می‌شد.

ولی ضعف‌های جدیدی در روحیه‌ها و انگیزه‌ها و به تعبیری به ضعف توکل در اثر اتکاء بیشتر به امکانات دیده می‌شود. خوابیدم.

خبر رسید که عراق می خواهد به حملات خود در منطقه زید - در منطقه دفاعی ارتش - ادامه دهد.آماده باش داده شد و فرماندهان سپاه به منطقه رفتند تا به آنها کمک کنند.

جمعه ٦ خرداد | ۱۱ شوال ۱٤۰۸ ۲۷ می ۱۹۸۸

ساعت چهار و بیست دقیقه بامداد بیدار شدم و نماز خواندم و دوباره تا هفت و نیم صبح خوابیدم. پس از صبحانه مجدداً مذاکرات با فرماندهان سپاه شروع شد و بیشتر از کمبودها و مشکلات نیروها و نابسامانی ها نالیدند و می خواستند امکانات بیشتری از کشور به جنگ اختصاص یابد.

ظهر هم جهادی ها آمدند، تلفات امکانات مهندسی در فاو و حلبچه را برای جبران صورت دادند. با آقایان رضائی و شمخانی و دکتر روحانی، جداگانه درباره برنامه های جدید مدیریت نیروهای مسلح صحبت کردیم.

احمدآقا تلفنی درباره اعلان طرح جدید مشورت کرد. قرار شد تا برگشتن من به تهران صبر شود.

ساعت هفت ونیم به پاسگاه امیدیه آمدیم و با هواپیما به سوی تهران حرکت کردیم. مهدی ترجیح داد با ماشین برگردد. ساعت نه ونیم به منزل رسیدیم.

شنبه ۷ خرداد | ۱۲ شوال ۱٤۰۸ ۲۸ می ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. بخشی از گزارش‌ها را خواندم. پیروزی عراق در شلمچه انعکاس وسیعی دارد. نزدیک ساعت هشت به اتاق کمیسیون‌ها رفتم. آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، احمد آقا و نخست وزیر هم آمدند. مراسم افتتاح سومین دوره



گشایش مجلس دوره سوم

مجلس داشتیم. ساعت هشت و ربع به تالار آمدیم.

آقای [محمد حسین] انزابی تبریزی[۱]، به عنوان رئیس سنی، جلسه را اداره کرد. خوب اداره کرد. سرود، قرآن، گزارش وزیر کشور، سخنان رئیس جمهور و سپس قرعه کشی شعب انجام شد. مجموعاً خوب برگزار شد[۲]. نزدیک ظهر برای تجدید میثاق با شهدای

---

۱ - روحانی مبارز و یار دیرین حضرت امام (ره)، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین چهرگانی انزابی فرزند آیت الله حاج شیخ مرتضی چهرگانی (از علمای بزرگ حوزه علمیه نجف) و برادر آیت الله حاج شیخ عبدالحسین غروی نماینده تبریز در مجلس اول خبرگان قانون اساسی، از جمله روحانیان خوشنام آذربایجان بود و دوره‌های اول، دوم و سوم نمایندگی مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت. آقای انزابی در سال ۱۳۷۸ در تبریز درگذشت.

۲ - در این مراسم که با حضور آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، مهندس موسوی نخست وزیر، آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، اعضای شورای نگهبان، شورای عالی قضایی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نمایندگان امام (ره) در نهادها، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی، شورای سرپرستی صدا و سیما، استانداران، سفرای کشورهای مقیم ایران و شخصیت‌های دیگر برگزار شد، ابتدا آیاتی از کلام الله مجید قرائت شد و سپس سه سرود در ارتباط با مجلس شورای اسلامی اجرا گردید. پس از آن مسئول روابط عمومی مجلس ضمن خیرمقدم به مهمانان، دستور جلسه را اعلام کرد و از اعضای هیأت رئیسه سنی دعوت نمود در جایگاه مستقر شوند. اعضای هیأت رئیسه سنی عبارت بودند از: آقایان محمد حسین چهرگانی انزابی رئیس سنی متولد ۱۲۹۹، سید محمد حسن نبوی نایب رئیس سنی متولد ۱۳۰۳ و سید احمد موسوی متولد ۱۳۴۰ و محمد حسین پودینه متولد ۱۳۴۰ به عنوان منشیان هیأت رئیسه که جوان‌ترین نمایندگان بودند. پس از صحبت کوتاه آقای انزابی، پیام حضرت امام توسط حاج سید احمد خمینی قرائت شد. در بخشی از این پیام آمده است: «امروز کشور و نظام و مدیریت آن همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل دارد و چه بسا وسوسه‌ها ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو و در نظر داریم محروم کند که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسوئی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان، بتواند گام‌های بلندی در حل معضلات محرومین و پابرهنه‌ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت مجمع تشخیص مصلحت نظام که پشتوانه عظیم و با برکت و پرثمری برای کشور ماست، بهره مند شود.» برای مطالعه متن کامل پیام امام خمینی (ره) ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۵۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).



مراسم گشایش دوره سوم مجلس شورای اسلامی



اعضای هیات دولت در کنار رئیس جمهور

انقلاب به بهشت زهرا رفتیم. بر سر قبور ۷۲ تن و شهدای مکه و شهدای گمنام رفتم.

ساعت یک بعد از ظهر به مجلس برگشتم و تا چهار بعد از ظهر استراحت و مطالعه کردم و سپس به شعبه ۱۴ رفتیم. انتخابات هیأت رئیسه شعبه و مشورت درباره هیأت رئیسه مجلس و امور مجلس و انتخاب اعضای کمیسیون تحقیق و آئین‌نامه انجام شد. با چند نفری از نمایندگان جدید آشنا شدم. اکثریت، نمایندگان جدیدند[۱].

شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. آقای ولایتی برای مشورت در کیفیت برخورد با مسائل شورای امنیت سازمان ملل و دبیر کل آمد. قرار شد همان سیاست تصویب شده قبلی مراعات شود. نخست وزیر خبر داد که امام با استعفای ایشان موافقت نکرده اند. وضع جنگ و مسائل شلمچه را برای جلسه تشریح کردم. قرارشد برای سرو سامان دادن به جنگ و تجدید روحیه و مقاومت بیشتر، حکم جانشینی فرماندهی کل قوا برای من منتشر شود. بحث در ترکیب ستاد فرماندهی بود که به جایی نرسید. درباره توسعه موارد کنترل قیمت‌ها هم موافقت شد. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

یکشنبه ۸ خرداد | ۱۳ شوال ۱٤۰۸ ۲۹ می ۱۹۸۸

ساعت هشت ونیم صبح به زیارت امام رفتم. وضع جبهه‌ها را توضیح دادم و تصمیمات دیشب جلسه سران را گفتم و درباره نصب آقای محسن رضائی به ریاست ستاد فرماندهی [کل قوا] مشورت کردم. ایشان در همه مسائل مطروحه موافق بودند. حالشان هم خوب بود و گفتند نباید اهمیت زیادی برای از دست رفتن فاو و شلمچه قائل باشیم. ساعت نه و نیم به

---

۱ - نمایندگان دوره دوم مجلس با امضای نامه‌ای به محضر امام خمینی (ره) از آقای هاشمی تشکر کردند. در بخشی از این نامه آمده است: «مدت چهار سال تلاش مداوم و بی‌وقفه نماینده محترم حضرتعالی در شورای عالی دفاع و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی در اداره مجلس دور دوم و به‌طورکلی ایمان، کاردانی و کوشش ایثارگرانه آن برادر ارجمند از آغاز تشکیل مجلس انقلاب، به خصوص کوشش مستمر و مدبرانه ایشان در رابطه با اداره جنگ، ما را بر آن داشت تا در آستانه تشکیل مجلس سوم از مساعی، تلاش‌ها، نگرش صمیمانه و همه جانبه، مدیریت کم نظیر و فراگیر و اخلاص و تعین ایشان در خدمت به انقلاب شکوهمند اسلامی و ملت قهرمان و ایثارگر ایران و همچنین کوشش‌های خستگی ناپذیر آن برادر در جهت رفع محرومیت و استضعاف و حاکمیت اسلام عزیز و خط امام با رهبریت داهیانه آن رهبر عظیم‌الشأن تشکر کنیم.»

مجلس رفتم. آقای [مهدی] کروبی برای پاره‌ای مذاکرات آمد.

به جلسه علنی رفتم. گزارش انتخابات شعبه ها داده شد و انتخابات هیأت رئیسه موقت انجام شد. من با ۲۲۳ رأی از ۲۲۷ رأی حاضر به ریاست مجلس انتخاب شدم و بقیه اعضای هیأت رئیسه از خط رادیکال رأی آوردند. تفاوت آراء آنها با خط مقابل زیاد بود[۱].

ظهر دکتر [حسین] فروتن [رئیس دانشگاه تهران] آمد و برای حل مشکل ریاست دانشگاه تهران استمداد کرد. مدعی است تعویض رئیس آسان نیست. رئیس دانشگاه تهران است و از حوزه انتخابیه تهران هم [به عنوان نماینده مجلس] انتخاب شده است.

آقای [اکبر] پرهیزکار استاندار آذربایجان شرقی آمد. نظراتی درباره پشتیبانی جنگ داد. عصر سرهنگ ترابی از احتمال ریاست ستاد برای محسن رضائی اظهار نگرانی کرد و سپس آقایان [علی] رازینی [رئیس عقیدتی سیاسی سپاه] و [علی] یونسی [دادستان دادگاه نیروهای مسلح] برای همین آمدند و سپس آقایان [محمدی] ری‌شهری و [سید علی اصغر] حجازی [از وزارت اطلاعات] نیز برای همین آمدند. پیداست که تلاش وسیعی برای جلوگیری از نصب ایشان شروع شده است. همه آنها هم جایگزین مناسبی معرفی نمی کنند و راه چاره دیگری نمی‌دهند.

دریادار [محمد حسین] ملک‌زادگان فرماندهی نداجا [=نیروی دریای ارتش] آمد و گزارش مانور دریایی را داد. شب [آقای غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] آمد و گزارش سفر به کشورهای جنوب [خلیج فارس] و اندونزی را داد. مدعی است اندونزی اشتیاق دارد که نیازهای تسلیحاتی ما را در حد امکانشان با نفت معاوضه کند. ساعت نه و نیم شب به خانه رسیدم.

دوشنبه ۹ خرداد | ١٤ شوال ١٤٠٨   ۳۰ می ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم. به جلسه شعبه

---

۱ - نمایندگان از میان آقایان علی اکبر ناطق نوری، مهدی کروبی، قاسم معماری، عباسعلی عمید زنجانی و حسین هاشمیان نامزدهای نواب رئیس، آقای مهدی کروبی را با ۱۶۳ رأی و آقای حسین هاشمیان (پسر عموی آقای هاشمی) را با ۱۳۳ رأی به عنوان نایب رئیس اول و دوم برگزیدند.

رفتم. چند اعتبار نامه و نامزدهای کمیسیون‌هایی تصویب شد. ساعت یازده صبح، جلسه هیأت رئیسه موقت تشکیل و مسئولیت‌ها تقسیم شد. ظهر کارهای دفترم را انجام دادم.

عصر آقای [ابراهیم] سنجقی برای امور جنگ و آقای [احمد] وحیدی برای امور اطلاعات سپاه و عملیات ویژه خارج آمد. آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد. تذکراتی درباره جنگ داشت. آقای محسن رضائی آمد؛ گزارش وضع جبهه ها را داد و برای ستاد فرماندهی کل قوا بحث شد.

جلسه هیأت رئیسه داشتیم. درباره ستاد جدید فرماندهی بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که مناسب ترین فرد، فعلا آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر است. همگی از فرماندهان بالای سپاه اظهار نارضایتی داشتند. این روزها به خاطر دو شکست فاو و شلمچه، فرماندهان سپاه سخت مورد تهاجم قرار دارند و از اینکه در ستاد فرماندهی حاکمیت پیدا کنند، مخالفت شدید می‌شود.

اول شب آقایان [علی] شهبازی، [منصور] ستاری و [مصطفی] ترابی آمدند و مخالفت شدیدی با ریاست آقای محسن رضائی در ستاد ابراز کردند و خواستار ریاست دکتر روحانی شدند و پیشنهادهای غیر عملی دیگری هم داشتند، منجمله تشکیل شورای فرماندهی به جای ستاد. به نخست وزیر گفتم که مسئولیت ستاد را جدی بگیرد. قرار شد امشب مشورت کند؛ ایشان هم شرایطی دارد. شب به خانه آمدم.

با احمد آقا درباره ترکیب ستاد مذاکره کردیم. گفت دکتر روحانی و دکتر [محمد علی] هادی [نجف آبادی] هم با ایشان مبنی بر مخالفت با سران سپاه مذاکره کرده‌اند. احمد آقا از ضعیف‌تر شدن مدیریت نخست وزیر با پذیرفتن سمت جدید نگران است.

سه‌شنبه ۱۰ خرداد | ۱۵ شوال ۱۴۰۸ — ۳۱ می ۱۹۸۸

تا ساعت ده صبح در دفترم کار کردم. قراری را که با آقای محسن رضائی درباره مذاکره در خصوص ستاد کل داشتیم، به انتظار روشن شدن وضع نخست وزیر به تاخیر انداختیم و آقای رضائی برای امور جنگ به جنوب رفت.

ساعت ده صبح، اولین جلسه رسمی مجلس برای بررسی اعتبار نامه ها تشکیل شد. قبل از دستور صحبت کردم[۱]. یکصد وچهارده اعتبار نامه تصویب شدو پنج اعتبار نامه به کمیسیون تحقیق رفت؛ پیشرفت کار بیش از حد انتظار است.

ظهر آقای [سید حسین] حسینی شاهرودی آمد. نظراتی درباره اصلاح امور اقتصادی و جنگ داشت. [سرهنگ محمد حسین جلالی] وزیر دفاع آمد و از حاکمیت سپاه در ستاد کل اظهار نگرانی کرد.

عصر نخست وزیر و چند تن از وزرا و معاون‌هایش برای مذاکره درباره ستاد کل، وظایف، اختیارات و امکانات آمدند. پیشرفت داشتیم و قرار شد فردا جواب نهائی را بدهند. پس از جلسه به نظرم رسید که حضور عناصر سیاسی در ستاد نیروهای مسلح، ممکن است برای نیروهای نظامی که باید به دور از سیاست باشد، مناسب نباشد. به خاطر کار زیاد و خستگی، به جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نرفتم و ساعت نه ونیم به منزل رسیدم.

چهارشنبه ۱۱ خرداد | ١٦ شوال ١٤٠٨   ۱ ژوئن ۱۹۸۸

در منزل بودم. پیش از ظهر احمد آقا آمد. درباره طرح نخست وزیر برای ریاست ستاد کل به امام پیغام مشورت دادم. خود احمدآقا موافق نیست. آقای [سید علی اکبر] محتشمی

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: «بنده به عنوان یک شاهد که در دو دوره قبل هم حضور جدی داشتم، خوشوقتم از اینکه می‌بینم همدلی، همراهی و نظم و سرعت عمل در روزهای اول دوره سوم مجلس، در میان نمایندگان منتخب مردم، رشد مقبولی پیدا کرده است و امیدواریم که این طلیعه، روز به روز وضع بهتری پیدا کند. از ترکیب مجلس و مخصوصاً حضور نیروهای کارآزموده‌ای که این هشت سال در صحنه‌های اجرائی موفقیت‌هایی داشته‌اند و تجربه‌هایی اندوخته‌اند، ما امید داریم که مجلس سوم، در ادامه خدمات دو مجلس اول و دوم، بتواند بخش قابل توجهی از آرمان‌های انقلاب را تا آنجا که در اختیار مجلس هست، به مرحله عمل درآورد و این امید برای من جدی است. این مجلس به آرمان‌های انقلاب وفادار است، جنگ تحمیلی و دفاع از انقلاب و اسلام و میهن را تحقیقاً ما در رأس برنامه‌ها قرار می‌دهیم و رزمندگان عزیز ما باید بدانند که پشتیبان نیرومندی در وجود مجلس شورای اسلامی دوره سوم خواهند داشت. آرمان عدالت اجتماعی که یکی از برجسته‌ترین شعارها و اهداف ما بوده است، تحقیقاً در این مجلس از پشتیبانی کاملی برخوردار خواهد بود و با توجه به امکانات کشور ان شاءالله در این راه ما حرکت خواهیم کرد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[وزیرکشور] آمد و مقداری علیه فرماندهان سپاه صحبت کردو پیشنهادهایی درباره جنگ داشت.

آقای [محمد حسن] رحیمیان آمد و مبالغی ارز عربستان برای جنگ آورد. عصر دکتر روحانی آمد. درباره ریاست ستاد صحبت کردیم و بالاخره به این نتیجه رسیدیم که فعلا ریاست را موقتاً خودم به عهده داشته باشم تا از این مرحله بحران بگذریم. آقای [علیرضا] افشار آمد؛ او تحلیلی و طرحی برای مدیریت جنگ و تشکیل ستاد کل داشت.

شب برای مشورت درباره ریاست ستاد، خدمت امام رفتم. ایشان با ریاست نخست وزیر با کیفیت ارائه شده موافقت نکردند. نخست وزیر، افرادی از وزراء و معاونان خود را برای ارکان ستاد معین کرده و اختیاراتی خواسته بود. همچنین امام درباره اعتراض به بعضی از اعتبارنامه‌ها در مجلس که جنبه خطی دارد، فرمودند بهتر است از این اختلاف‌ها صرف نظر شود. به آقای محسن رضائی اطلاع دادم که برای مشورت در امر ستاد کل به تهران بیاید.

پنجشنبه ۱۲ خرداد | ۱۷ شوال ۱۴۰۸ — ۲ ژوئن ۱۹۸۸



ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم. در گزارش های جهانی، ملاقات [رونالد] ریگان [رئیس جمهور آمریکا] و [میخائیل] گورباچف [رهبر اتحاد جماهیر شوروی] در رأس است[1]. در جلسه علنی شرکت کردم، ولی زود به دفترم برگشتم. چند مورد اعتراض به اعتبار نامه‌ها با ریشه‌های خطی پیش آمد، ولی مجموعاً پیشرفت خوب است و به نصاب لازم برای قانون‌گذاری رسید؛ سرعت عمل جالب است.

---

۱ - ریگان و گورباچف رهبران ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، در کاخ کرملین به مدت ۵ روز درباره مسائل مربوط به کنترل تسلیحات، مناقشات منطقه‌ای، حقوق بشر و روابط واشنگتن – مسکو مذاکره کردند. جنگ عراق و ایران یکی از محورهای مذاکره سران شرق و غرب بود.

دکتر روحانی آمد و درباره ارکان ستاد فرماندهی کل مذاکره کردیم. قرار شده خودم رئیس ستاد باشم. به خاطر اختلاف نظرهای شدید، نتوانستم رئیس مناسبی انتخاب کنم و در انتخاب ارکان، مشکل مهمی نمی‌بینم. آقای محسن رضائی هم از جنوب آمد، درباره همین مسئله مذاکره کردیم. با ایشان هم مشکل مهمی نداشتیم. خبر رسید که احتمالاً عراق به زودی به جزیره مجنون حمله می‌کند. دستور آمادگی داده شد. ظهر حکم امام مبنی بر جانشینی من برای فرماندهی کل قوا اعلان شد و نامه درخواست آقای خامنه‌ای پس از اعلان حکم، احساس سنگینی مسئولیت و مشکلات فعلی جنگ و تعارضات مزاحم، مقداری نگرانم کرد. تا به حال چنین احساسی درباره مسئولیت‌هایم نداشته‌ام[1]. چند دقیقه بیشتر خوابم نبرد. یک قرص آرامش بخش مصرف کردم.

---

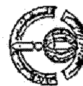
[1] - آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشتند: «... پیشنهاد مشخص اینجانب که قبلاً نیز کتباً و شفاهاً معروض گردیده، این است که: ۱ – کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد. ۲ – شخص مزبور از سوی حضرتعالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمشیت کند. ۳ – دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمین و اجرای محکومیت‌ها به طور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است.» امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: «بسم الله ا لرحمن الرحیم» جناب آقای حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی – دامت افاضاته، با توجه به درگیری رویاروی آمریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای – دامت افاضاته – جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جنابعالی موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشید: ۱ – ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل. ۲ – هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمان‌های مربوط و پشتیبانی کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود. ۳ – تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدس‌مان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل. ۴ – سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمان‌ها و تشکیلات تکراری و غیرضروری. ۵ – تمرکز امورتبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها. ۶ – استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده. ۷ – بهره برداری صحیح از کمک‌های مردمی در تمامی زمینه‌ها. قوای مقننه واجراییه و قضاییه، موظف‌اند تمامی امکانات و سیاست‌های خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند. از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمی‌ها و حیله‌هاست؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمه‌الله - روح الله الموسوی الخمینی» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۵۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

مورخه ۱۳۶۷/۳/۱۲

محضر مبارک.

از اینکه حضرتعالی با یک حکم عظیم الشأن این بنده ناقابل را به تحمل مسئولیت جانشینی فرماندهی کل قوا مفتخر فرمودید، صمیمانه سپاسگزارم و دست به دعا برمی‌دارم که الطاف الهی به جهت توفیق در انجام صحیح این مسئولیت عظیم را عطا فرماید که از عهده امتثال حسن ظن آن مرجع عظیم القدر و شفای ریاست حکیمانه برآییم.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی



ستاد برگزاری نماز جمعه تهران
خیابان ولی عصر - روبروی کلانتری مرکز
صندوق پستی ۶۳۴-۱۳
تلفن ۶۶۹۷۰۳ تا ۵

نامه تشکر از امام خمینی (ره)

برای سخنرانی مراسم ۱۵ خرداد ماه یادداشت تهیه کردم. گزارش‌ها را خواندم. کارهای دفتر را انجام دادم. آقای [محمدجواد] لاریجانی آمد. گزارش پیشرفت مذاکرات با فرانسه و انگلیس و کانادا و دبیرکل سازمان ملل را داد. مجموعاً در جهت تعدیل سیاست خارجی، پیشرفت خوب بوده است. به حسینیه ارشاد رفتم و سخنرانی کردم[1]. جلسه خوبی بود. به خانه آمدم. عفت به مشهد و مهدی به شمال رفته است. یاسر و فاطی و فائزه با من بودند.

دکتر روحانی اطلاع داد که مشغول مذاکره با سران ارتش برای ترکیب و محل اعضای ستاد است. جواب پیام امام را نوشتم و به رسانه‌ها دادم. از حسن ظن ایشان و اعتماد به من تشکر کردم[2]. امشب باران زیادی بارید. معمولاً در این فصل باران کم داریم.

جمعه ۱۳ خرداد | ۱۸ شوال ۱٤۰۸ ۳ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز و ورزش، از جبهه گزارش گرفتم. اتفاقی گزارش نشده است. به آقای محسن رضائی گفتم به خاطر احتمال حمله عراق، به جزیره جنوب برود. برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. احساسات مردم در مراسم نماز جمعه بیش از گذشته بود[3].

---

[1] - در این سخنرانی، آقای هاشمی درباره نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ صمیمیت و نزدیکی روحانیان با مردم و جلوگیری از تبدیل شدن روحانیت به طبقه مرفه و ممتاز، بحثی را مطرح کرد. ایشان در ارتباط با جنگ، ضمن باطل دانستن این تفکر که دشمن ما را به حال خود گذاشته، ورود ناو مجهز و مدرن آمریکا به خلیج فارس را نشانه‌ای از وسعت مطامع آنها ذکر کرد و با اشاره به اینکه باید تا اهداف تعیین شده از سوی امام در جنگ پیش برویم، گفت: «ما بنا را به یاری گرفتن از مردم در جنگ گذاشته‌ایم و عدم حضورمردم منجر به ایجاد ضعف در جبهه‌ها می‌شود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - در پی انتصاب آقای هاشمی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا، ایشان پیام تشکرآمیزی به محضر امام امت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ارسال کرد. متن پیام چنین است: « بسمه تعالی، محضر مبارک رهبر عظیم الشأن و فرمانده کل قوا حضرت امام امت دامت برکاته وجودالشریف. از اینکه آن وجود مبارک، این بنده ناقابل را شایسته تحمل مسئولیت خطیر جانشینی مقام منیع فرماندهی کل قوا دانسته‌اند، خاضعانه سپاسگزارم و دعا می‌کنم که در ظل عنایات الهی و همکاری‌های همه جانبه مردم و نیروهای مسلح موفق شوم از عهده شکر نعمت حسن‌ظن مقام معظم رهبری برآیم. اکبر هاشمی رفسنجانی ۶۷/۳/۱۲ »

[3] - در خطبه اول، ادامه بحث پیرامون عدالت اجتماعی با موضوع استضعاف و استکبار دنبال شد و درباره ویژگی‌های استکبار مطالبی به نمازگزاران ارائه گردید. در خطبه دوم ابتدا تحلیلی درباره واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ مطرح شد. در ادامه این خطبه مطالبی درباره ملاقات سران آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در مسکو، آخرین وضعیت جبهه‌های جنگ تحمیلی و علت انتخاب جانشین فرمانده کل قوا بیان شد.

جمهوری اسلامی

در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر

رئیس جمهور خواستار تدوین ویژگیهای شهدای هفتم تیر شد

در صفحه ۱۲

نخستین اردوی تابستانی دانش آموزان منتخب سراسر کشور باپیام رئیس جمهوری در اردوگاه شهید مطهری چابکسر گشایش یافت

در صفحه ۴

رژیم عراق ۵ محموله سلاح از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دریافت کرد

این محموله بیش از سی میلیون دلار ارزش داشته و شامل راکت های آر پی جی، توپ، مسلسل و انواع وسایل ارتباطی ویژه شناورهای جنگی بوده است

در صفحه ۲

ستاد فرماندهی کل قوا تشکیل شد

جانشین فرمانده کل قوا:

* با امکانات فراوانی که از نظر نیروی انسانی وامکانات در درون کشور وجود دارد ایجاد یك نیروی مسلح غیر قابل شکست در منطقه کاملا مقدور است
* امکانات وسیاست گذاری های کشور بر محور جنگ تعیین می شود

ستاد کل نیروهای مسلح وستادکل فرماندهی قوا را تشکیل داده‌ایم در این ستاد هم دولت حضور دارد و هم سپاه وارتش

* در مرحله جدید جنگ تحمیلی تغییراتی در چگونگی بهره‌گیری ازنیروهای داوطلب بسیجی، سربازان وظیفه ودیگرنیروهابوجودخواهد آمد
* کار ادغام سپاه در ارتش پایه عکس فعلا مطرح نیست وماموریت اصلی ما هماهنگی این نیروهاست تازمینه‌های وحدت کامل فراهم شود

در صفحه ۱۲

پیام کتبی وزیر خارجه آلمانغربی تسلیم دکتر ولایتی شد

در صفحه ۱۲

با ارسال نامه‌ای به خاویر پرز دکوئیار

نماینده ایران در سازمان ملل مدارك حمایت نظامی رژیم حجاز از عراق را تسلیم دبیر کل کرد

در صفحه ۱۲

اعتراف رژیم عراق به استفاده از سلاحهای شیمیائی با واکنش رسانه‌های گروهی غرب روبرو شد

روزنامه گاردین: اظهارات طارق عزیز ناشی ازجهل سران عراق است

در صفحه ۲

یك انبار بزرگ احتکار لاستیك وقطعات یدکی اتومبیل کشف شد

در صفحه ۱۲

رئیس دیوانعالی کشور طی گفتگوئی در پایان سفر خود به تبریز:

درآمد حاصله از اموال بلاتکلیف درخدمت جبهه و جنگ قرار می‌گیرد

* اگر فردی خلاف کار در قوه مجریه مرتکب عملی شود ما هیچگونه اغماض وچشم پوشی نخواهیم داشت وقاطعانه با متخلفین برخورد خواهد شد
* سستی دربرخورد قاطع بافساد اداری وعدم رسیدگی به امور مراجعین، خیانت به بیت المال ومردم است

در صفحه ۲

بسیجیان سلحشور استان فارس به سپاهیان حضرت محمد(ص) پیوستند

جنگنده های ارتش اسلام مواضع واستحکامات دشمن را در جبهه حاج عمران درهم کوبیدند

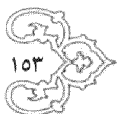
* هیئت کارشناسی شیمیائی سازمان ملل از خوزستان بازدید کرد

در صفحه ۱۱و۱۲

کنکاش تازه پیرامون علل نابسامانی در امر توزیع

در صفحه ۱۰

بازتاب رسانه ای انتصاب جانشین فرماندهی کل قوا



عصر آقای روحانی آمد. نتیجه مذاکراتش با سران ارتش برای ترکیب ستاد و تهیه محل ستاد را آورد؛ چیز تازه ای نداشت. مشورت را برای نصب ارکان ستاد، تا حدودی کامل کردیم. قرار شد ایشان با افراد مورد نظر مذاکره نماید.

عفت از مشهد اطلاع داد که به سلامت رسیده و در باغ مصطفی خانی با همراهان مستقر شده اند. [سرتیپ منصور ستاری] فرمانده نیروی هوایی اطلاع داد که امروز صبح، یک مرکز ساخت موشک عراق در استان صلاح‌الدین عراق را بمباران کرده‌ایم، اما عصر عراق برنامه رادیو را قطع کرده و اعلان داشته که اقامتگاه خانوادگی صدام در روستای العوجاء تکریت بمباران شده است.

شنبه ١٤ خرداد | ١٩ شوال ١٤٠٨ — ٤ ژوئن ١٩٨٨

به رادیوهای بیگانه گوش دادم. خبر انتخاب من به جانشینی فرماندهی کل قوا در رأس اخبار است و تفسیرهای گوناگون می‌شود[1]. حمله به اقامتگاه صدام به عنوان اولین اقدام نظامی من تفسیر می‌شود و عراقی‌ها سروصدای زیادی در این خصوص به راه انداخته‌اند و مدعی‌اند بمب‌ها به ساختمان نخورده و به کسی هم آسیبی وارد نیامده است.

ساعت هفت و نیم صبح به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. درباره اقدامات مسئولیت جدید با ایشان مشورت کردم. وقتی که رسیدم مشغول درس زبان انگلیسی بودند. به مجلس رفتم و پس از خواندن گزارش ها و انجام کارهای اداری به امور جنگ پرداختم. آقای شمخانی اطلاع داد که دشمن دیشب در منطقه شاخ شمیران پاتک کرده و شکست خورده است و احتمال حمله عمیق در آنجا می‌رود؛ تاکید کردم که باید حفظ شود.

---

[1] - رسانه‌های بین‌المللی مواضع گوناگونی در ارتباط با حکم امام خمینی (ره) و انتصاب آقای هاشمی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا اتخاذ کرده بودند. برای آگاهی خوانندگان محترم، مجموعه‌ای از این موضع گیری‌ها از جمله رادیو بی بی سی، رادیو اسرائیل. رادیو صدای آمریکا، خبرگزاری یونایتدپرس، خبرگزاری آسوشیتدپرس، خبرگزاری رویتر، خبرگزاری فرانسه، خبرگزاری آلمان، خبرگزاری تانیوگ (یوگسلاوی)، خبرگزاری کویت، شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا، روزنامه پراودا، روزنامه لیبراسیون، روزنامه فیگارو، روزنامه لوکتیدین دوپاری، روزنامه ال پائیس، روزنامه ایندیپندنت، روزنامه تایمز مالی، روزنامه گاردین، روزنامه الثوره، روزنامه واشنگتن پست، روزنامه لوموند، رادیو زحمتکشان و روزنامه پلیتیکا اکسپرس، در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

به دفترم گفتم ملاقات های متفرقه را حذف کنند که به کار تمشیت نیروهای مسلح برسم. تیمسار صیاد [شیرازی] آمد. درباره طرح فرماندهی عملیات برای محسن رضائی و جانشینی ایشان مذاکره شد. چند بار با آقای رضائی که در جبهه است، درباره ستاد و طرح کار و عملیات مذاکره تلفنی داشتم.

آقای محسن رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] آمد. اجازه پنج میلیارد تومان برای مخارج جنگ گرفت. عصر آقای [علیرضا] افشار [سخنگوی سپاه پاسداران] آمد. اجازه تحویل کارخانه قدیم آزمایش به صنایع سپاه برای ساخت تجهیزات نظامی از جمله موشك را گرفت. محسن هم قبلاً در این مورد صحبت کرده بود. درباره طرح ستاد جدید بحث شد.

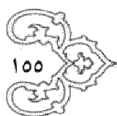
آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات]، تلفنی خواست که کار وزارت اطلاعات هم در حکم مدیریت فرماندهی کل قوا قرار گیرد؛ نپذیرفتم، به دلیل اینکه مربوط نیست و مشکلات کار را زیاد می‌کند.

دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به نیویورك و آلمان را داد. [هانس دیتریش] گنشر [وزیر امور خارجه آلمان غربی] خواسته که برای آزادی گروگان آلمانی در لبنان کمک کنیم. ایشان خواسته که قول آزادی حمادی را - که یاران حمادی برای نجات او آلمانی‌ها را گروگان گرفته اند - بدهند. از مذاکرات با دبیر کل راضی است. درباره سمت وزارت خارجه، با توجه به ترکیب مجلس مشورت نمود و قبول سمت را مشروط به حمایت و داشتن پشتیبانی کامل برای سیاست خارجی کرد. گفتم هنوز زود است که درباره تعداد آراء مخالف و موافق نظر بدهیم؛ مخالفان ایشان در مجلس زیادند.

دکتر روحانی نتیجه مذاکره با افراد مورد نظر برای ارکان ستاد کل را داد. به خاطر اختلافات سپاه و ارتش مشکلات زیادی داریم. ارتشی ها از محسن رضائی در ستاد به عنوان مسئول عملیات نگرانند و درباره محل ستاد، هنوز به نتیجه نرسیده‌اند.

[سرتیپ شهبازی] رئیس ستاد ارتش اطلاع داد که فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] از پذیرش افراد مورد نظر ستاد برای فعال تر کردن نزاجا سر باز می زند و اجازه خواست که سخت بگیرد.

جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. آقای ری‌شهری آمده بود که برای اقداماتی



اجازه بگیرد که موافقت نشد. درباره روند تعدیل سیاست خارجی مذاکره شد. قرار شد آقای دکتر ولایتی برای این امر تایید شود. قرار شد مراقبت بیشتری درباره تحرکات ضدانقلاب که اخیراً گستاخی نشان می دهند، داشته باشیم. مشکلات اداره ارتش و سپاه به خاطر تعارض‌ها را گفتم[1].

---

[1] - در این روز آقای هاشمی در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی، درباره علل انتصاب خود به فرماندهی کل قوا از سوی حضرت امام (ره) مطالبی بیان کرد. جانشین فرمانده کل قوا در جواب این سئوال که چه انگیزه‌ای باعث شد که حضرت ا مام برای نیروهای مسلح، فرمانده تعیین کردند، گفت: «در این باره توضیحات مختصری در نماز جمعه داده شد. به طور طبیعی، حتی اگر جنگ هم نباشد، حضور فرماندهی واحد برای اداره نیروهای مسلح ضروری است. به‌خصوص در مورد وضعیت فعلی کشور که چند نیروی مسلح مجزا در قالب ارتش، سپاه، بسیج و نیروی مسلح وجود دارند. قبل از انتصاب فرماندهی واحد برای نیروهای مسلح، هر کدام از نیروها به صورت‌های مختلف با اختیاراتی که از طرف امام داشتند، اداره می‌شد. اخیراً احساس شد که این شیوه ضررهایی به دنبال دارد و بایستی این نیروها به صورت متمرکز اداره شود. حضرت امام هم فرمان جدید را صادر کردند و به‌خاطر اینکه بنده فراغت بیشتری داشتم، این مسئولیت به بنده محول شد.» جانشین فرماندهی کل قوا در مورد موضوعات مطرح شده در حکم انتصاب خود توسط حضرت امام، گفت: «در حکم حضرت امام دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی به چشم می‌خورد، یک موضوع اصلی اینکه باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع بهتر استفاده شود که به خاطر چندگانگی نیروهای مسلح از امکانات موجود به خوبی استفاده نمی‌شد. موضوع اصلی دوم این است که بایستی سازمان مناسبی برای نیروهای مسلح تأسیس شود. در این رابطه ارتش دارای یک سری سازمان تثبیت شده قدیمی است و یک سری کارهایشان نیز با سپاه یکی است و بایستی که سازمان این دو نیرو یکی شود. موضوعات فرعی مطرح شده در حکم امام نیز درباره استفاده درست از قوانین جنگ، کمک‌های مردمی و از این قبیل مسائل است.» آقای هاشمی در مورد تشکیل ستاد فرماندهی کل اظهار داشت: «در حال حاضر این ستاد در نیروها موجود است، ولی یک ستاد جامع که ستاد فرماندهی کل قوا باشد، وجود ندارد و وقتی این ستاد تشکیل شد عناصری از سپاه، ارتش، دولت و تمامی ارگان‌هایی که در جنگ نقش دارند، در آنجا جمع خواهند شد و ستاد نقش هماهنگ کننده امور مربوط به فرماندهی را به عهده خواهد داشت. بلافاصله بعد از دستور حضرت امام، کار را شروع کردیم و مشورت‌های لازم با دولت و کسانی که به نحوی در جنگ حضور دارند، انجام شده که نتایج آن به زودی اعلام می‌شود.» جانشین فرماندهی کل قوا در مورد تغییر سازمان کل ارتش و سپاه گفت: «البته تغییر پیش خواهد آمد ولی با این فوریت، سازمان‌ها ادغام نخواهند شد و برای مدتی طولانی مستقل خواهند بود و فعلاً تغییراتی که در حکم امام آمده است، انجام خواهد شد. مثلاً در مورد کارهای تکراری که هر دو نیرو انجام می‌دهند، ما به یکی اکتفا می‌کنیم. الان هر دو نیرو سازمان صنایع نظامی و یا فعالیت‌های مهندسی دارند که ما این فعالیت‌ها و امکانات را متمرکز خواهیم کرد تا استفاده بهتری برای جنگ داشته باشند. الان در مورد نیروهایی که در پشت جبهه هستند، باید محاسبه شود و تعداد این نیروها را به حداقل برسانیم و صفوف جبهه‌ها را تقویت کنیم و یک سری از این قبیل کارها که باید در حال حاضر انجام شود و به این زودی به ادغام کامل این دو نیرو نخواهیم رسید.» ایشان در مورد وضعیت حقوقی سپاهیان گفت: «فعلاً نیروهای سپاهی به صورت انقلابی در جنگ حضور دارند و ممکن است خود آنها هم به فکر مزایا نباشند، ولی باید برای آنها هم فکر شده و مزایایی در نظر بگیریم.» آقای هاشمی در مورد تأثیرات انتصاب خود به فرماندهی کل قوا گفت: «انتصاب من به خودی خود مهم نیست، ولی دستورات امام در صورتی که درست اجرا شود یک تحول عظیم را در جنگ به‌دنبال خواهد داشت، ولی زمان لازم دارد. این حکم امام باعث شور و نشاط در رزمندگان شده است، زیرا این خواسته آنان هم بوده و تأثیر آنی حکم این است که مردم را برای جنگ جدی می کند و روی دشمن‌ها اثر خود را خواهد گذاشت. ما باید سریعاً راهنمایی‌های امام را اجرا کنیم و نظام نیروهای مسلح را متناسب با وضع کشور سازمان دهیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

جمهوری اسلامی

شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۷ - ۱۹ شوال ۱۴۰۸ - شماره ۲۶۱۳ سال دهم
۱۲ صفحه
تکشماره ۲۰ ریال

۱۵ خرداد روز آغاز قیام ملت ایران و در هم شکستن ابهت رژیم ستمشاهی گرامی باد

• مراسم یوم‌الله ۱۵ خرداد فردا برگزار میشود

در صفحه ۲

در آستانه سفر وزیر خارجه امریکا به سرزمینهای اشغالی

اعتصاب یک و نیم میلیونی مردم مسلمان فلسطین، رژیم صهیونیستی را فلج کرد

در صفحه ۳

در پی انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا از سوی امام امت:

جنگ در آستانه تحولات جدید قرار گرفت

• رهبر انقلاب: قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ بکار گیرند

• امام خمینی: از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی میخواهم تا با حضور و شکیبائی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است

در صفحه ۱۲

حمله مردان مسلح به سفیر آمریکا در بیروت

در صفحه ۲

به حکم دادستان انقلاب اسلامی تهران

دفتر گروهک نهضت آزادی تعطیل شد

در صفحه ۲

اظهار نگرانی آمریکا از توسعه سکوهای پرتاب موشک ایران

در صفحه ۳

انتخاب هیات رئیسه دائم مجلس صبح سه‌شنبه برگزار میشود

دستورات اکید و اختیارات تام رهبر انقلاب به جانشین فرمانده کل قوا

• ایجاد ستاد فرماندهی کل برای هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی
• حذف یا ادغام ادارات و سازمانهای تکراری
• تمرکز صنایع نظامی
• استفاده هرچه بیشتر از امکانات و نیروها
• تمرکز امور فرهنگی و تبلیغی نیروهای مسلح
• استفاده از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده

تحلیل جانشین فرمانده کل قوا از رویدادهای اخیر در مسائل جنگ

هاشمی رفسنجانی:

• ما برای اینکه حجت را بر دنیا تمام کنیم و در عین حال نگذاریم بما تهمت جنگ طلب بودن بزنند یک راه مشخص پیش پای دنیا گذاشته‌ایم و آن راه مشخص معنایش نه سازش است و نه تسلیم و نه تنزل از حقوقمان

• ما مصمم هستیم به هر قیمتی و تا هر جائی که شده باشد پیش برویم و حقوق خودمان را از حزب کافر عفلقی بگیریم و هیچ چیز و هیچ کس در دنیا وجود ندارد که ما را از این تصمیم باز بدارد

بقیه در صفحه ۱۰

• امیدوارم با همکاری نیروهای مسلح و همه مردم در جبهه‌ها تحول صورت گیرد

انسجام، وحدت و قاطعیت لازمه پیروزی در جنگ

در صفحه ۱۱

صدای اذان

برای روزی که اسلام به خانه‌ام برگشت

در صفحه ۲

محکومیت جنایات عراق در حلبچه به یکی از محورهای بحث کنفرانس خلع سلاح تبدیل شده است

در صفحه ۱۱

قابل توجه مصرف کنندگان سولفات منیزیم

آگهی استخدام شهرداری قم

فروش تاسیسات سنگ شکن

آگهی دعوت به همکاری

فرم مسابقه بزرگ بهداشتی مرکز بهداشت استان کرمان بمناسبت طرح بسیج سلامت کودکان در سال ۱۳۶۷

جنگ، جنگ تا پیروزی
بسیجیان دلاور سپاه یکم ثارالله با حضور گسترده خود در:
سومین اعزام بزرگ سپاهیان حضرت محمد (ص)
توان و امکان را از دشمن حتی صهیونیستی خواهند گرفت.
تاریخ اعزام:
روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه یک ثارالله

اطلاعیه مهم ستاد بزرگداشت یوم‌الله ۱۵ خرداد

قرعه‌کشی شد

این بانک تجارت است که در خدمت شماست

سومین اعزام فوق العاده سپاهیان محمد (ص) یوم الله ۱۵ خرداد از سراسر کشور

به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان دشمن را بگیرد. که انشاءالله پیروز خواهید شد.
امام خمینی

روابط عمومی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بازتاب رسانه ای انتصاب جانشین فرماندهی کل قوا

دیر وقت به خانه آمدم. فاطی که به خاطر تنهایی به منزل محسن رفته بود ، به خانه برگشت و گفت با مادرش در مشهد تلفنی صحبت کرده و آنها حالشان خوب است و راضی هستند.

یکشنبه ۱۵ خرداد | ۲۰ شوال ۱٤۰۸ — ۵ ژوئن ۱۹۸۸

در منزل بودم. در اخبار رسانه ها، سکوتی درباره آثار بمباران اقامتگاه صدام حاکم است. ممکن است واقعاً آسیبی وارد نشده باشد و ممکن است که تاثیر جدی داشته باشد. اینکه تاکنون صدام را نشان نداده‌اند، با اینکه در چنین وضعی مقتضی است نشان بدهند و خبرهایی که از حضورش در جلسه یا تلفن به [حسنی] مبارک [رئیس جمهور مصر] داده‌اند، مستند نیست.

آقایان رحیم صفوی، [احمد] وحیدی و [محمد] فروزنده آمدند. درباره جبهه‌ها و عملیات آینده و تدبیرهای دفاع از جزیره مجنون و ترکیب ستاد کل و ماموریت مشخص محسن رضائی و استراتژی جنگ مذاکره شد؛ مفید بود.

عصر تیمسار حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. از فشار تیمسار شهبازی برای تحمیل چند نفر مورد نظر ستاد در نیرو گله داشت که به دنبال سیاست جوان و مکتبی تر کردن نیروی زمینی که به تصویب من و آقای رئیس جمهور رسیده، انجام شده است؛ گفتم مدارا کنند تا رسیدگی کنیم.

همراه سایر سران قوا به زیارت امام رفتیم. درباره اوضاع جاری صحبت کردیم. حالشان خوب است. نزدیک غروب تیمسار شهبازی آمد. از ادغام ارتش و سپاه طرفداری کرد، ولی معتقد است باید با ظرافت عمل کرد که بدبینی ها رفع شود. از [فرمانده] نیروی زمینی ناراضی است و قصد تعویض دارد. گفتم فعلاً عجله نشود، شاید تفاهم پیش آید. برای جمعی از امرای ارتش درجه خواست.

شب از دفتر امام، شام برای من و مهدی آوردند. به دکتر روحانی در مورد احتمال حمله تلافی جویانه عراق به مجلس یا جای حساس دیگر، تلفنی تذکر دادم که دفاع را

جدی بگیرد.

دوشنبه ۱۶ خرداد | ۲۱ شوال ۱۴۰۸ ۶ ژوئن ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. بیشتر به کارهای جنگ و مشورت برای تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا پرداختم. آقای ری‌شهری و معاونان [وزارت اطلاعات] آمدند. آنها خواستار عضویت در اطلاعات ستاد بودند. آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد. او خواستار مسئولیت لجستک ستاد بود.

آقای علیزاده [مسئول واحد موشکی سپاه] و محسن[هاشمی] در مورد بخش صنایع نظامی ستاد، خواستار توجه به سپاه بودند. آقازاده [وزیر نفت] آمد و اظهار همکاری کامل برای پشتیبانی جنگ کرد. آقای [غلامعلی] رشید [معاون کل عملیات سپاه] آمد. درباره عملیات ستاد مذاکره کردیم.

عصر آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران] آمد و گفت هم سران سپاه و هم سران ارتش، نگران آینده خودشان اند و نیاز به توضیح بیشتر دارند. آقای حسنی سعدی از فشار آقای شهبازی گلایه کرد.

دکتر روحانی آمد. درباره مسائل ستاد و جنگ و مقر ستاد و مسائل کلی هماهنگی ارتش و سپاه مذاکره کردیم. کار مشکلات و پیچیدگی‌های زیادی دارد. به گونه‌ای باید حرکت کنیم که اعتماد سپاه و ارتش را جلب کنیم وگرنه در جبهه‌ها مشکل پیش می‌آید.

مغرب به خانه رسیدم. آقای مشکینی [رئیس مجلس خبرگان رهبری] برای رفتن به جبهه تلفنی مشورت کردند. قرار شد زمان و محل را مشخص کنیم. اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] درباره پخش بعضی از قسمت‌های صحبت آیت‌الله منتظری [قائم مقام رهبری] تلفنی پرسید که درباره جانشینی فرمانده کل قوا است؛ تذکراتی دادم و عمل شد[1].

---

[1] - آیت الله منتظری در سخنرانی خود ضمن تأکید بر اهمیت جنگ و لزوم توجه بیشتر به جبهه‌ها، از آقای هاشمی خواسته بود که تمام وقت خود را به فرماندهی کل قوا اختصاص دهد و از ریاست مجلس شورای اسلامی کناره گیری نماید.

سه‌شنبه ۱۷ خرداد | ۲۲ شوال ۱۴۰۸ — ۷ ژوئن ۱۹۸۸

از ساعت هفت تا نه صبح، در دفترم به کارهای اداری و جواب مراجعات و خواندن گزارش‌ها پرداختم. آقای جعفری اصفهانی - که انتخاباتش در حوزه لنجان باطل شده - آمد و خواست که از شورای نگهبان بخواهم باطل نکند. در جلسه علنی، چند اعتبار نامه دیگر تصویب شد و چند نفر که به اعتبارنامه دیگران اعتراض کرده بودند، به توصیه من اعتراض خود را پس گرفتند، منجمله آقایان [عباس] دوزدوزانی و [کریم] ملک آسا [نماینده ملاوی] که به اعتبارنامه آقایان [علی اکبر] ناطق نوری و [محمدرضا] باهنر اعتراض کرده بودند و آقای [علی رحم] یوسف پور [نماینده اردل] که به اعتبارنامه فخرالدین حجازی اعتراض کرده بود و[محمد اسماعیل] دلبری [نماینده بستان آباد] که به اعتبارنامه [محمد تقی] رنجبر [نماینده صومعه‌سرا] اعتراض کرده بود. بعضی‌ها هم حاضر نشدند پس بگیرند؛ من هم اصراری نکردم که تفسیر به تحمیل نشود.

انتخابات هیأت رئیسه دائم انجام شد، که همان افراد سابق انتخاب شدند و من با ۱۸۷ رأی از ۱۹۲ رأی موجود در مجلس به عنوان رئیس انتخاب شدم[1].

مراجعات نمایندگان زیاد بود. ظهر آقای [عبدالکریم] شرعی [نماینده قم] آمد. پیشنهادهایی درباره مجلس داشت. از اینکه اعتبار نامه‌اش در شعبه رد شده، ناراحت است. توصیه کرده‌ام که تایید کنند، ولی بعضی‌ها مقاومت می‌نمایند. آقای [ابراهیم] سنجقی آمد. درباره سفر به جبهه و مسائل ستاد مذاکره شد.

عصر حدود ۱۵ نفر از اعضای سپاه که به مجلس راه یافته‌اند، آمدند. درباره جنگ و سپاه و کیفیت استفاده از مجلس برای جنگ مذاکره کردیم؛ قرار شد که برای این اهداف همکاری کنند. دکتر روحانی آمد. درباره جنگ و ستاد و مشکلات کاری و سفر مذاکره کردیم.

---

۱ - در این رأی گیری آقایان مهدی کروبی با ۱۶۰ رأی نایب رئیس اول، حسین هاشمیان با ۱۳۴ رأی نایب رئیس دوم، مرتضی کتیرائی با ۱۶۶ رأی، عبدالواحد موسوی لاری با ۱۵۱ رأی و غلامرضا حیدری با ۱۴۹ رأی به عنوان کارپردازان و محمد علی سبحان الهی با ۱۶۱ رأی، اسدالله بیات با ۱۵۵ رأی، احمد عزیزی با ۱۴۹ رأی، رسول منتجب نیا با ۱۴۶ رأی، مرتضی الویری با ۱۴۲ رأی و عباس دوزدوزانی با ۱۲۹ رأی به عنوان منشیان هیأت رئیسه انتخاب شدند.

سرتیپ شهبازی [رئیس ستاد کل ارتش] آمد و گزارش کار آزاد کردن نیروهای پشت جبهه را داد. درباره محل ستاد کل مذاکره و قرار شد در محل ستاد مشترک باشد.

آقای عبدالله نوری آمد. درباره دفتری برای طرح تشکیلات آینده نیروهای مسلح مذاکره شد. قرار شد مسئولیت این دفتر را زیر نظر فرماندهی کل به عهده بگیرد. شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. موادی درباره کیفر قاچاقچیان مواد مخدر تصویب شد. آخر شب درباره بازسازی خرابی های جنوب بیروت تصمیم گرفتیم. دیر وقت به خانه رسیدم؛ بچه‌ها همه خواب بودند.

چهارشنبه ۱۸ خرداد | ۲۳ شوال ۱۴۰۸   ۸ ژوئن ۱۹۸۸

چمدان را بسته و عازم مجلس شدم. تا ساعت هشت صبح کارهای دفتر و خواندن گزارش‌ها انجام شد. [آقای گیورکی آتاناسو] نخست وزیر بلغارستان آمد؛ ملاقات تشریفاتی بود. حرف زیادی برای زدن نداشتیم، جز تعارف و ابراز رضایت از گسترش روابط[۱].

همراه با دکتر روحانی به سوی قم حرکت کردیم. ساعت یازده به منزل آیت‌الله منتظری وارد شدیم. مذاکرات کوتاهی درباره جنگ و نیروهای مسلح و مسائل عمومی کشور داشتیم. ایشان توصیه هایی درباره کیفیت انسجام نیروهای نظامی و انتظامی داشتند که مکتوب بود و دوسه سال پیش تهیه کرده بودند. کلیات آن شبیه محتوای حکم امام است. نامه ای که اخیراً به امام درباره جنگ و روحانیت و اتحاد و... نوشته اند، به من دادند

---

۱ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت: «در بین کشورهای بلوک شرق ما با شما روابط بسیار خوبی داریم و فکر می‌کنیم به خاطر وضعی که آمریکا و غرب قبل از انقلاب در ایران به وجود آوردند، الان فرصت خوبی برای کشورهای بلوک شرق است تا همکاری‌های وسیعی را انجام دهند. اوائل انقلاب، ما سیاست‌مان را این گونه ترسیم کردیم که با کشورهایی که اهداف توسعه طلبانه ندارند، روابط‌مان را توسعه دهیم و این سیاست هنوز به اعتبار خود باقی است. ما فکر می کنیم اشتباه دولت شوروی در ارتباط با ایران، مقداری سطح روابط ما را با بلوک شرق تضعیف کرده است. ما با کشور شوروی مرز مشترک و طولانی داریم. اوائل هم زمینه منفی وجود نداشت ولی متأسفانه زمانی که جنگ شروع شد، شوروی با اتخاذ مواضعی که در پیش رو گرفت و از عراق حمایت کرد، زمینه بدی را در ذهن مردم ما به وجود آورد. روابط با کشورهایی مثل شما، مقداری این تصور را در اذهان مردم ما جبران می کند.»

که خواندم؛ هنوز جوابی دریافت نکرده‌اند. درباره جنگ هم نظراتی داشتند که ابراز شد.

قطار نزدیک ظهر رسید. بیرون شهر قم، در واگن مخصوصی که عقب قطار بسته بودند، سوار شدیم. ناهار و نماز در قطار انجام شد و آقایان [علیرضا] افشار و [ابراهیم] سنجقی به ما پیوستند.

در بین راه فرصتی داشتیم که درباره ترکیب ستاد کل و اقدامات آینده صحبتی داشته باشیم. شب در محل پل تله زنگ که بارها توسط عراق بمباران شده، توقف کوتاهی کردیم که پل را ببینیم. در این منطقه، قطارمان آهسته‌تر از معمول حرکت می‌کرد.

پنجشنبه ۱۹ خرداد | ۲۴ شوال ۱۴۰۸ ۹ ژوئن ۱۹۸۸

نزدیک ساعت سه بامداد در ۱۵ کیلومتری اهواز پیاده شدیم. ماشین ها منتظر بودند. منظره مانور شبانه نیروها در پادگان سپاه مجاور اهواز تماشایی بود. به گلف آمدیم. نماز صبح را خواندیم و خوابیدیم. ساعت هفت صبح بیدار شدم. اخبار داخلی و خارجی را گرفتم و مقداری مطالعه کردم تا دیگران برای صبحانه آمدند.

آقایان [محمد] باقری [مسئول اطلاعات نیروی زمینی سپاه]، [اصغر] مقدم و احمد کاظمی [فرمانده لشکر ۸ نجف] آمدند. توضیحاتی درباره برنامه عملیات آینده و وضع عمومی خطوط پدافندی و دشمن دادند. آقای کاظمی گله‌هایی از فرماندهان بالای سپاه داشت.

ظهر آقای محسن رضائی آمد. در مانور شرکت کرده بود. او توضیحات بیشتری داد. نیروی کافی برای عملیات مورد نظر نیست ولی زمان مناسب است. به انتظار نیروی بیشتر نباید بمانند. مشکل عمده کار فعلاً نیرو است.

عصر جمعی از فرماندهان رزمی سپاه آمدند. از سیاست متغیر گذشته سپاه که گاهی تانک‌ها را به یگان‌های پیاده می‌داده و گاهی به یگان‌های مستقل زرهی، شکایت داشتند و خواستار تقویت یگان‌های زرهی و تمرکز رزمی بودند.

شب آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. گزارش وضع لبنان و حزب‌الله و امل را داد و

مشورت کرد. آقای شمخانی آمد. گزارش وضع جبهه شمال را داد. احتیاج به نیروی بیشتر داریم. آخر شب با آقای محسن رضائی درباره آینده جنگ و نیازها و امکان‌ها صحبت کردیم.

جمعه ۲۰ خرداد | ۲۵ شوال ۱۴۰۸ | ۱۰ ژوئن ۱۹۸۸

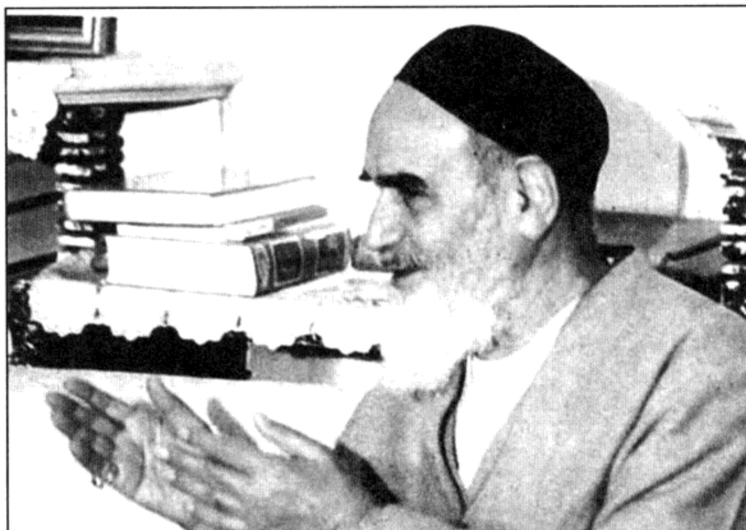
بعد از نماز صبح نخوابیدم. بیشتر افراد حاضر در مقر به خاطر کارهای شبانه خوابیده‌اند. درباره بسیج امکانات کشور برای جنگ که تنها راه منطقی، در صورت تصمیم ادامه جنگ است، فکر کردم و دو راه به نظرم رسید: حکم صریح امام و یا گذراندن مصوبه جامع از مجلس برای تأمین نیروی انسانی و امکانات مالی و ابزاری. پیش نویس یک طرح را برای مجلس تهیه کردم که به مشورت بگذارم.

رادیو فارسی صدای آمریکا، به نقل از شبکه سی. بی. اس به اتکاء نظر منابع اطلاعاتی آمریکا موذیانه اعلان کرد که حضرت امام مبتلا به بیماری سرطان کبد هستند و دو سه ماه دیگر بیشتر زنده نخواهند ماند و روی این شیطنت خیلی مانور داد[1]؛ پیداست که توطئه‌ای حساب شده است.

آقای علی هاشمی فرمانده قرارگاه نصرت آمد و اقدام‌های انجام شده برای حفظ جزیره مجنون را گفت. اطلاعات رسیده می گوید دشمن در صدد حمله برای پس گرفتن جزیره است. بسیاری از پل‌ها را که در آب ساخته بودیم، خراب کرده‌اند که دشمن نتواند

---

۱ - تلویزیون سی بی اس آمریکا با استناد به گزارش‌های اطلاعاتی، در برنامه شب خود گفت که سرطان [امام] خمینی از پروستات به ریه‌اش سرایت کرده است. سی بی اس (CBS) تصدیق کرد که گزارش‌های قبلی در مورد وفات [امام] خمینی درست از آب درنیامده، ولی گفت: «برخی از افسران اطلاعاتی آمریکا معتقدند که انتقال اختیارات به دولتی جدید در ایران آغاز شده است.» به گزارش سی بی اس، افسران اطلاعاتی آمریکا گفتند که به عقیده آنها آیت الله حسینعلی منتظری، جانشین [امام] خمینی خواهد شد ولی قدرت واقعی در دست علی اکبر هاشمی رفسنجانی که طبق حکم جدید [امام] خمینی به فرماندهی کل قوا منصوب شده، قرار خواهد داشت. سی بی اس گفت که رفسنجانی به همان اندازه [امام] خمینی متعصب است، ولی به انجام معاملات سیاسی تمایل نشان داده که مهمترین آنها مذاکرات مخفی خرید سلاح در عوض کمک به آزادی گروگان‌های آمریکا در لبنان بود و اگر جنگ هشت ساله با عراق همچنان علیه ایران ادامه یابد، ممکن است درصدد پایان دادن به انزوای بین‌المللی ایران برآید.»



با نیروی زرهی وارد شود و مدعی اند به همین دلیل، حمله دشمن به تأخیر افتاده و درخواست نیروی بیشتر برای خود داشت.

آقای شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه که از جبهه شمال آمده، گزارشی از وضع خطوط دفاعی در حلبچه و ماؤوت داد و نگران حمله دشمن است. دفاع ما را ضعیف می‌داند. پس از شروع تهاجمات اخیر دشمن در مناطق حساس دیگر، این نگرانی وجود دارد و وضع بدی است. باید ابتکار عمل از دست دشمن درآید. درباره ستاد کل و مسائل جنگ مذاکره شد. خوش بین به عاقبت جنگ نیست و برای اولین بار صریحاً گفت باید جنگ را ختم کرد؛ از شجاعت و صراحت او در اظهار نظر تعجب کردم.

عصر فرماندهان قرارگاه کربلا و یگان های عمل کننده آمدند. درباره عملیات آینده صحبت کردیم. بعضی مخالف و بعضی موافق بودند و استدلال هر دو قابل توجه بود. ساعت ها مذاکره شد اما به نتیجه قطعی نرسیدیم. قرار شد در جلسه فرماندهان سطح بالا با توجه به اظهارات همه تصمیم بگیریم؛ ولی فرماندهان بالا، خودشان با مخالفان مذاکره کردند و آخر شب اطلاع دادند که همگی قانع شدند و عازم بر عملیات، دنبال کار رفتند. تلفنی با منزل صحبت کردم. عفت از خراسان برگشته بود و گفت حالش خوب است.

شنبه ۲۱ خرداد | ۲٦ شوال ۱٤۰۸ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح، به اخبار رادیوهای خارجی و اخبار داخلی گوش دادم. مقداری مطالعه کردم: کتاب مسائل مسلمانان در شوروی (آسیای مرکزی).

مطابق معمول گلف، صبحانه را در ساعت هشت صبح خوردیم. سپس آقایان روحانی و رضائی و شمخانی و صفوی و سنجقی و افشار آمدند. درباره نیازهای جنگ صحبت شد و همه متفق القول بودند که اگر با آهنگ و امکانات فعلی بخواهیم بجنگیم، نباید به جنگ ادامه دهیم؛ زیرا در این صورت ابتکار عمل دست دشمن است و برای ادامه جنگ، ناچاریم وضع فوق‌العاده در کشور برقرار کنیم و نیروها و امکانات بسیج شود. مشکل عمده را در سازماندهی و جذب امکانات و نیروها و به کارگیری آنها می‌بینم؛ قرار شد سپاه طرحی تهیه کند و به ستاد کل بدهد.

آقای [محمدباقر] ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان آمد. به خاطر ندادن امکانات می‌خواهد کناره‌گیری کند و می‌گوید نیروی زمینی سپاه، ابزار لازم را برای به کارگیری نیروهای طالبانی و حرکت اسلامی در اختیارشان قرار نمی‌دهد و آنها حاضرند در خط بمانند یا داخل عراق بروند و از عدم هماهنگی سازمان های مربوطه نالید. معمولا همه سازمان‌ها از تداخل وظایف و مداخله دیگران ناراضی‌اند و این نشان عدم شکل‌گیری کامل نظام است.

فرمانده نزاجا [نیروی زمینی ارتش] را خواستم. با دو نفر از افسران ارتش آمدند. بر تقویت پدافند منطقه زید که احتمالا به زودی مورد حمله دشمن قرار خواهد گرفت، تأکید کردیم. از کمبودهای نبرد گفت و برای نجات نیک‌فر و پرداخت حقوق عقب افتاده سربازان استمداد کرد.

ساعت یازده و نیم همراه دکتر روحانی و سنجقی و محافظان به سوی دزفول حرکت کردیم. هوا خیلی گرم بود و ماشین جوش می آورد. در پایگاه دزفول، ناهار و نماز و استراحت و مذاکره با آقای سرهنگ رمضانی فرمانده پایگاه داشتیم.

عصر به محل سد دز رفتیم. رئیس سد توضیحات کافی درباره سد داد. از محل کلید خانه‌ها و تونل‌ها و دریاچه و نیروگاه و اتاق فرمان و دریچه‌ها بازدید کامل کردیم. نسبتاً

مرتب و منظم بودند. چند بار توسط عراقی‌ها بمباران شده ولی آن را بازسازی کرده‌اند. عمدتاً کلید خانه‌ها و تاسیسات باز بمباران می‌شود. خود سد به آسانی آسیب نمی‌بیند و نیروگاه زیر زمین است. شام را در محل باشگاه کارکنان، مهمانشان بودیم. یکی از خانواده های شهید آمدند و پولی هم برای جبهه آوردند. می گفتند از همان شهرک سد، بیش از سی نفر شهید داده‌اند. این سد ۵۲۰ مگاوات برق می‌دهد و معدل آب خروجی، بیش از نیاز مصرف کشاورزی است.

به پایگاه دزفول برگشتیم. آقایان شهبازی، ستاری و غلامی آمده بودند. درباره سایت های هاگ و رادارها و ستاد و تعمیرات مذاکره شد. خبرگزاری عراق و سعودی به دروغ خبر داده‌اند به مقر من حمله شده است[1]. لابد برای تلافی خبر حمله به مقر صدام در تکریت گفته‌اند.

یکشنبه ۲۲ خرداد | ۲۷ شوال ۱٤۰۸ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸

پیش از ظهر آقایان [منصور] ستاری، [محسن] انصاری [فرمانده پدافند هوایی سپاه]، [حسن] روحانی و [علی] شهبازی آمدند. درباره ترکیب ستاد کل و تهیه نیروی جدید و برنامه های جنگ مذاکره کردیم که تا ظهر طول کشید؛ تا حدی مطلوب و پیشرفت خوب بود.

درباره پیشنهاد مقدار زیادی اسلحه های مهم آمریکایی که اخیراً از طریق آقای [سیدجمال] ساداتیان [کاردار سابق سفارت ایران در لندن] پیشنهاد شده و تا تعیین قیمت و

[1] - رادیو بغداد گفت: « مسافرینی که از ایران وارد شارجه شده‌اند، طی اظهاراتی به خبرنگار خبرگزاری عراق در ابوظبی گفتند مقر رفسنجانی که از سوی [امام] خمینی به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح ایران تعیین شده، مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است. این حمله که مقامات رژیم ایران به شدت آن را مخفی نگه داشته‌اند، باعث کشته و مجروح شدن تعداد بسیاری از مهاجمان و مدافعین مقر رفسنجانی گردیده است. این مسافرین توضیح دادند از جمله این اختلافات، مخالفت رئیس جدید ستاد ارتش ایران علی شهبازی و افسران تحت فرمان وی، با تعیین رفسنجانی در رأس آنها می‌باشد و این افسران تاکنون از دریافت هرگونه دستوری از وی به عنوان اینکه یک فرد بی‌سواد و فاقد حداقل اطلاعات نظامی که او را شایسته این چنین پستی سازد، امتناع ورزیده‌اند!» منبع: نشریه گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۸۳، صفحه ۳۷.

کیفیت تحویل پیش رفته‌اند، بحث شد. تا حدی عجیب و باور نکردنی به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه سیاست غرب و به خصوص آمریکا در مورد انقلاب اسلامی عوض شده باشد. به‌هرحال چون بی ضرر تشخیص داده شد، قرار شد تعقیب شود.

آقای [محمد جواد] لاریجانی از هدف قرار گرفتن کشتی‌های آلمانی و انگلیسی از طرف قایق‌های ما، تلفنی اظهار نگرانی کرد. آقای سنجقی را همراه آقای [محسن] انصاری به قرارگاه مقدم فرستادم که وضع آنجا را ببیند و خبر بیاورد. عصر با ماشین به سوی اهواز حرکت کردیم و غروب به گلف رسیدیم.

شب آقایان [اکبر] غمخوار [مسئول لجستیک قرارگاه نوح] و [محمود] احمدپور [معاون وزیر سپاه] و ایران خواه آمدند. گزارش خرید و تولید مهمات را دادند و از کمبودها و مشکلات که کار را کند کرده و اکنون هم کمبود مهمات داریم و از استقبال اخیر چین و کره شمالی برای فروش سلاح و لزوم جدی گرفتن آنها گفتند.

آقای سنجقی اطلاع داد که ساعت ده شب حمله نیروهای ما در شلمچه آغاز شده و لشکر ثارالله به سرعت خود را به هدف رسانده و دشمن کمی هوشیاری داشته است. خوابیدم و به آقای سنجقی توصیه کردم که برای هرگونه مسئله مهم اتفاقی بیدارم کند. در مجموع جمع بندی این است که در بعد انهدام عراقی‌ها، عملیات موفق بوده است.

دوشنبه ۲۳ خرداد | ۲۸ شوال ۱۴۰۸ — ۱۳ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح، آقای سنجقی اطلاع داد که تقریباً همه واحدها پیشروی داشته‌اند. دو سوم پنج ضلعی را گرفته‌ایم و لشکر ۲۷ حضرت رسول(ص) به کانال ماهی رسیده و پیشروی ادامه دارد. رادیوهای فارسی صدای آمریکا و بی بی سی را گرفتم؛ مسئله مهمی نداشت[۱].

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: «به نظر می‌رسد که هدف فوری تهاجم تازه ایران که ساعات اول بامداد امروز شروع شد، پس گرفتن منطقه‌ای به وسعت تقریباً صد کیلومتر مربع در غرب شلمچه است. نیروهای ایران این منطقه را در یک نبرد ۱۰ ساعته، سه هفته پیش در حمله نیروهای عراقی از دست دادند. شکست نیروهای ایران در شلمچه تنها سه هفته بعد از شکست وعقب‌نشینی ایران در شبه جزیره فاو در گرماگرم انتخابات ایران صورت گرفت و ضربه بزرگی به روحیه نیروهای ایران وارد آورد. به‌دنبال این شکست‌ها، اختلاف میان ارتش از یک طرف و سپاه پاسداران ایران که مسئول حفظ مواضع ایران در هردوی این دو جبهه بود تشدید شد و این دو نیروی مسلح ایران ←

در انتخابات فرانسه، سوسیالیست‌ها نتوانسته‌اند به اکثریت مورد نظرشان برسند و طبعاً نمی‌توانند دولت یکپارچه و نیرومندی داشته باشند.

ساعت هفت ونیم صبح، آقای سنجقی اطلاع داد که تمام پنج ضلعی را گرفته‌ایم و حدود یکهزار و پانصد اسیر از عراقی‌ها گرفته شده که هنوز به پشت جبهه آورده نشده‌اند. دشمن دارد آماده پاتک می شود و بمباران هوایی را شروع کرده و دستور داده که از نهر دوعیجی،همان جا که هدف ادامه عملیات ما است، به شدت محافظت شود.

به طور مرتب از خط مقدم اطلاع می گرفتیم. پیشرفت متوقف شده و برآمادگی دشمن افزوده می شود. هواگرم شده و رزمندگان ما در زیر آن آفتاب داغ، قدرت تحرک کافی ندارند. دشمن هم در زحمت است، ولی آنها طاقت بیشتری از بسیجیان جوان ما نشان می‌دهند.

آقای مرتضائی آمد. از ابتکار جدید در پدافند غیر عامل پل تله زنگ گفت و درباره مسائل دیگری از تحقیقات نظامی مشورت کرد. بعد از ظهر کم کم خبر می‌رسید که دشمن از پنج ضلعی نفوذ کرده و در کله گاوی نیز، احتیاط های دور و نزدیک دشمن وارد شده. توپخانه دشمن خیلی فعال نیست. سازمانش به هم خورده. اسرا گفته‌اند که قصد حمله بر زید و جزیره داشته‌اند و گاهی خبراز محاصره دشمن و گاه خبر از قیچی شدن بخشی از نیروهای ما می‌رسید. نزدیک غروب اطلاع رسید که به پشت دژ عراقی‌ها در شرق پنج‌ضلعی عقب نشسته‌ایم. اسرای دشمن بیش از یکهزارند و کشته‌ها و زخمی‌هایش فراوان است.

شب آقایان [علی] شمخانی و [محمد] باقری و [غلامعلی] رشید و محمدزاده آمدند. شرح عملیات و جمع بندی کار را ارائه دادند. مدعی اند شدت گرما از مقاومت نیروهای ما کاسته، ولی دلیلی کافی به نظر نمی رسد. شاید مهمترین عامل، آمادگی دشمن برای انجام مانوری که بارها تمرین کرده و در عملیات گذشته به طور معینی عمل کرده و امروز هم

یکدیگر را مقصر آن معرفی کردند. گزارش شده است سپاه پاسداران عدم پشتیبانی از سوی نیروهای هوائی و توپخانه ارتش ایران را علت شکست قلمداد کرد و ارتش بنا به بعضی از گزارش‌های رسیده، خواهان محاکمه بعضی از فرماندهان پاسداران شد که به گفته ارتش مواضع ایران را که تصرف آن ده‌ها هزار کشته و مجروح به جا گذاشته بود، بدون مقاومت به نیروهای عراق تحویل داده است.» منبع: گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۳/۲۴، صفحه ۷.

همان را تکرار کرده و این خطر را [آقای قاسم سلیمانی] فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در بحث مشورتی قبل از عملیات [بیت‌المقدس ۷] گفت.

کمی نیروی ما هم در اراده فرماندهان تاثیر داشته. آخر شب اطلاع دادند که از دژ هم عقب نشسته‌ایم و در مجموع، جمع‌بندی‌ها این است که در بعد انهدام عراقی‌ها، عملیات موفق بوده و زمینی تصرف شده در دست نمانده است.

سه‌شنبه ٢٤ خرداد | ۲۹ شوال ١٤٠٨ — ١٤ ژوئن ١٩٨٨

بعد از نماز تا هفت ونیم صبح، گزارش‌های خبرگزاری‌ها را خواندم و به رادیو آمریکا و انگلیس گوش دادم. دنبال این هستند که نتیجه عملیات بیت‌المقدس ۷ را پیروزی عراق در شکستن تهاجم ایران معرفی کنند و به اسم صدام که در منطقه حضور داشته، تمام کنند.



رزمندگان اسلام در عملیات بیت المقدس ۷

آقای آستانه از قرارگاه جلو آمد. گزارشی داد که مطلب تازه‌ای نداشت. به آقایان [علیرضا] افشار و اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] و [آقای محمد علی رحمانی] مسئول بسیج گفتم که برای اعزام بسیج در ماه تیر، تبلیغات گسترده داشته باشند. به آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] در مورد سرعت در تولید مهمات از کارخانه‌های وزارت [صنایع سنگین] تأکید کردم. با دکتر روحانی درباره شرایط جاری و برنامه‌های رسیده جنگ مذاکره کردیم. پیش از ظهر مصاحبه‌ای درباره عملیات [بیت‌المقدس ۷] با تلویزیون داشتم[1].

عصر تا آخر شب با فرماندهان یگان‌های عمل کننده در عملیات بیت‌المقدس ۷ مذاکره کردم. هر یک از آنها را جداگانه پذیرفتم. شرح عملیات و نظر خود آنها را خواستم و به آنها میدان دادم که هر چه می‌خواهند بگویند.

همگی از اصل عملیات راضی بودند و همگی مدعی بودند که باعث تقویت روحیه رزمندگان شده و می‌گفتند که اگر نیروی کافی بود می‌توانستیم بمانیم و بیشتر هم پیش برویم و اکثراً از عملکرد قرارگاه کربلا ناراضی بودند. می‌گفتند قدرت اداره و هماهنگ کردن را نداشته است.

آخر شب با آقای محسن رضائی، مذاکره و عملیات بیت‌المقدس ۷ را ارزیابی کردیم. نظر این شد که اگر نیروی کافی بود، می‌توانستیم پیروزی عمده‌ای بدست بیاوریم. آقای رضائی خواست که به جای او، آقای شمخانی در ستاد کل باشد و هم فرمان مسئولیت فرماندهی جبهه را صادر نکنیم و به همین صورت فعلی، در جنگ شریک باشد.

مسئولان جهاد سازندگی آمدند وگزارش سمینار را دادند و برای اطاعت از فرماندهی به هرگونه که تشخیص دهد، اظهار آمادگی کردند. گفتم بنا داریم آقای [غلامرضا] فروزش را جانشین معاونت مهندسی در ستاد کل قرار دهیم.

خبر رسید که امروز دشمن ارتفاعات کوچار و شیخ محمد را پس گرفته است. برنامه

---

[1] - آقای هاشمی در این مصاحبه انگیزه‌های انجام عملیات بیت‌المقدس ۷ را گرم نگه داشتن میدان نبرد، جلوگیری از ایجاد استحکامات جدید توسط دشمن در منطقه، ارزیابی توان دشمن و وارد کردن ضربه کاری به دشمن قبل از انجام تحرکاتی دیگر ذکر کرد و اظهار داشت: «تمایل شدید رزمندگان ما به گرفتن انتقام از بعثیون و تغییر جهت دادن تبلیغات کفر جهانی از تضعیف روحیه رزمندگان ما و تقویت نیروهای عراقی، از دیگر انگیزه‌های انجام این عملیات بود.» برای مطالعه متن کامل ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

ریختیم که برای بررسی کار آنها به جبهه شمال غرب برویم. به جهاد سازندگی گفتم که برای تکمیل خطوط پدافندی در حلبچه همکاری کنند.

چهارشنبه ۲۵ خرداد | ۳۰ شوال ۱٤۰۸ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح به سوی دزفول حرکت کردیم. ساعت هفت به پادگان نیروی زمینی دزفول رسیدم. صبحانه صرف شد و سپس با آقایان حسنی سعدی و دژاکام درباره خطوط پدافندی ارتش در جنوب، حدود دویست کیلومتر از چیلات تا چزابه، مذاکره کردیم و درباره احتمال خطر در شرهانی و حمرین و بعضی نقاط دیگر و نیز خط دیگر از جزیره مجنون تا زید، حدود یکصد کیلومتر و احتمال خطر در زید، به آنها تاکید کردیم که برنامه‌ای برای تاسیس یگان‌های سبک برای خطوط غیر مهم، به منظور آزاد سازی یگان‌های کیفیتی و مانوری ارائه دهند.

ساعت هشت ونیم به سوی باختران حرکت کردیم. در محلی نزدیک اسلام آباد، کنار رودی برای استراحت و صرف هندوانه توقف کوتاهی داشتیم. ساعت یک و نیم بعد از ظهر به باختران [= کرمانشاه] رسیدیم. در محل نیروی زمینی سپاه در منطقه طاق بستان اقامت کردیم. جای بسیار با صفا و خوش منظره ای است. تاکنون طاق بستان را ندیده بودم و فکر نمی‌کردم تا این حد با صفا باشد.

آقای شمخانی به حلبچه رفته بود. در آنجا دشمن تجمع دارد و احتمال حمله است. آنها نیروی بیشتر می‌خواهند. تماس گرفتم. قرار شد آقای عزیز جعفری [فرمانده قرارگاه قدس] برای توضیح وضع منطقه بیاید.

ساعت شش بعد از ظهر آقایان [علی] شمخانی و عزیز جعفری و [محمد باقر] قالیباف [فرمانده لشکر ۵ نصر] و جمعی دیگر از اعضای ستادشان آمدند. گزارش وضع حلبچه و ماؤوت را دادند. نیرو کم و خطوط دفاعی آسیب پذیر است. راه چاره درست کردن استحکامات و موانع است. به آقایان [محمد] فروزنده و [غلامرضا] فروزش تاکید کردم که به کار مهندسی رزمی حلبچه اولویت بدهند. مقداری هم درباره وضع کلی جنگ، تجهیز

امکانات، بسیج نیروها و پشتیبانی و بررسی وضع دشمن مذاکره شد.

اکثر سپاهیان از اظهار آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] در روز ۱۵ خرداد که در سخنرانی عمومی از من خواست که مقصران احتمالی سقوط فاو و شلمچه را کیفر بدهیم، شکایت دارند.

پنجشنبه ۲۶ خرداد | ۱ ذیقعده ۱٤۰۸ ‏ ١٦ ژوئن ۱۹۸۸

نزدیک اذان صبح بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. درباره راهکارهای ممکن برای آینده جنگ فکر کردم و سپس با دکتر روحانی در میان گذاشتم: یا بسیج عمومی برای جنگ، یا پذیرش صلح. راه دیگری به نظرمان نمی‌رسد. آخرین توصیه‌ها و دستورها را به قرارگاه های مربوط دادم و ساعت شش صبح به سوی تهران حرکت کردیم. یکسره آمدیم و ساعت یک بعداز ظهر به منزل رسیدم.

عفت و مهدی و یاسر در خانه بودند و حالشان خوب بود. تا ساعت سه ونیم استراحت و استحمامی کردم و سپس انجام کارهای عقب مانده شروع شد.

ساعت شش آقایان خامنه‌ای و نخست وزیر و احمد آقا به منزل آمدند. وضع جبهه ها را گفتم و پیشنهاد کردم یا امکانات کشور را برای یکسره کردن جنگ بسیج کنیم، یا جنگ را تمام کنیم. قرار شد من و آقای رئیس جمهور، این مطلب را خدمت امام مطرح کنیم؛ با توضیح اینکه دادن امکانات مورد نیاز به جنگ، کشور را در ریاضتی شدید قرار می‌دهد که عواقب بدی خواهد داشت.

تا آخر شب کارهای عقب مانده را انجام دادم. عفت به منزل شهیدی رفته بود. آخر شب آقای محسن رضائی اطلاع داد که دشمن در جزیره مجنون شروع به گلوله باران توپخانه کرده است و در منطقه قامیش درگیری داریم.

جمعه ۲۷ خرداد | ۲ ذیقعده ۱۴۰۸ ۱۷ ژوئن ۱۹۸۸

نزدیک صبح بیدار شدم. از جبهه خبر گرفتم. در جزیره وضع عادی شده بود. بعد از نماز دیگر نخوابیدم و بخش دیگری از کارهای عقب مانده را انجام دادم. مطالب خطبه‌ها را مهیا نمودم[۱]. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم[۲].

عصر آقای خامنه‌ای آمدند و همراه ایشان و احمد آقا برای مذاکره در امر آینده جنگ خدمت امام رفتم. وضع جبهه ها، نیروها، امکانات کشور و وضع دشمن را برای امام تشریح کردیم و دو راه بسیج نیروها و امکانات برای جنگ، یا پذیرش ختم جنگ را برای امام مطرح کردیم. ایشان راه اول را انتخاب کردند و برای صدور حکم واجب بودن رفتن به جبهه ها برای همه، کاری که سال گذشته نشد و پیشنهاد شده بود، اظهار آمادگی کردند. به آقای [علیرضا] افشار گفتم که برنامه این اقدام را آماده کنند.

---

۱ - در خطبه اول، در ادامه بحث عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن با موضوع استضعاف و استکبار، مشخصات دیگری از مستکبران بیان شد. در خطبه دوم، تحلیلی جامع درباره انجام عملیات بیت‌المقدس ۷ در جبهه‌های نبرد به نمازگزاران ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «در شرایط کنونی، حضور نیروهای جنگ دیده در جبهه‌ها، می‌تواند بسیار کارساز باشد و هر کس که مشکل مهمی در زندگی ندارد و آمادگی دارد، موظف است که در اعزام بزرگ سراسری که قرار است در تیرماه انجام شود، شرکت نماید تا ان شاءالله این یک اعزام باشکوه و شکننده باشد. اعزام نیرو به غیر از آثاری که در روند جنگ و صحنه نبرد دارد، از نظر تبلیغی، بسیاری از تبلیغات رسانه‌های استکباری را خنثی می‌کند و زحمات یک ساله آنها را به هدر می‌دهد. از سویی همه رزمندگان در جبهه‌ها انتظار دارند که به زودی برادران خود را از شهرها و روستاهای سراسر کشور در کنار خود ببینند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - رادیو اسرائیل درباره خطبه‌های این روز گفت: «امام جمعه موقت تهران، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، سخنان امروز خود را به جنگ ایران و عراق و روابط بحرانی حکومت اسلامی با کشورهای عرب همسایه اختصاص داد و به شایعات پیرامون فوت آیت الله خمینی اشاره‌ای نکرد. جانشین فرمانده کل قوا در خطبه امروز از جمله گفت: سران استکبار همواره سعی کردند، در کشورهای عرب و همسایه، علیه حکومت اسلامی ایران ایجاد ترس و وحشت کنند و افزود: متأسفانه این سیاست تا اندازه‌ای هم موفق بوده است. به عقیده حجت الاسلام رفسنجانی، اکنون وضع به جایی رسیده که اعراب دشمن شماره یک خود را به جای اسرائیل، حکومت اسلامی ایران می‌دانند. وی گفت: این حرکت‌ها نشان توفیق بزرگی است که استکبار جهانی در کشورهای عرب پیدا کرده است. جانشین فرماندهی کل قوا خبر عقب‌نشینی نیروهای ایرانی از شلمچه را تأیید کرد ولی در عین حال ادعا نمود که حکومت اسلامی در شلمچه شکست نخورده، زیرا هدف اصلی از این حمله، وارد آوردن بزرگترین تلفات به ارتش عراق بوده است. حجت الاسلام رفسنجانی به‌طور ضمنی تأیید کرد که تهاجم نیروهای ایرانی در شلمچه پس از چهار ساعت متوقف گردید و نیروهای مهاجم ناچار به عقب‌نشینی شدند. وی در پایان تأکید کرد که علیرغم اخبار رادیوهای خارجی در مورد شکست‌های نظامی اخیر حکومت اسلامی، رژیم قصد دارد، برای تأمین خواسته‌های خود به جنگ ادامه دهد.» منبع: گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۳/۲۸، صفحه ۴

آقای سنجقی اطلاع داد که در منطقه قامیش، دشمن جلو آمده و نیروهای ما احتمالاً عقب نشینی می‌کنند، ولی مقاومت دارند. بستگان آمدند و بتول خانم [همسر برادرم] برای ازدواج دخترش فتانه مشورت کرد. محسن آمد. درباره مسائل ساخت موشک مذاکره شد. در آزمایش‌های موشکی با برد ۱۳۰ کیلومتر رها و بدون هدایت، موفقیت‌هایی کسب شده است. مشغول طراحی کارخانه تولید انبوه آن هستند.



مراسم نماز عبادی سیاسی جمعه به امامت آیت الله هاشمی رفسنجانی

شنبه ۲۸ خرداد | ۳ ذیقعده ۱۴۰۸   ۱۸ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز به کتابخانه آمدم و گزارش‌ها را مطالعه کردم. آقای سنجقی اطلاع داد که دیشب جنگ در ارتفاع قامیش ادامه داشته و بالاخره اجازه عقب نشینی گرفتند.

به مجلس رفتم. تقاضای ملاقات زیاد است ولی به خاطر تراکم کارها، ملاقات‌ها را عقب انداختم. انگلستان اعلان کرده که هیأت پارلمانی به دعوت من از انگلیس فردا به

ایران می آید، در حالی که من به کلی بی اطلاع بودم[۱]. از دکتر ولایتی پرسیدم، معلوم شد پیشنهاد اعزام هیأت از طرف سر اسقف [کلیسای] کانتربری به من بوده و آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] موافقت کرده است. گفتم اعلان شود که به دعوت ما نبوده، ولی با موافقت بوده است[۲].

---

۱ - بخش انگلیسی رادیو بی بی سی در این باره گفت: «در انگلستان روزی نمی‌گذرد که اشاره‌ای به رنج‌های گروگان انگلیسی در لبنان نشود. معروف‌ترین این گروگان‌ها «تری ویت» فرستاده ویژه کلیسای کانتربری است که از ژانویه گذشته ناپدید شده است. بنابراین قابل درک است که اسقف اعظم کانتربری، نقش عمده‌ای در سفر یک هیئت انگلیسی به تهران داشته است. هدف از سفر این هیئت چهارنفره بهبود روابط ایران و انگلستان است، با آنکه اخیراً ایران و انگلستان تماس‌هایی داشته‌اند. بنابرگزارش‌های وزارت امور خارجه انگلستان از اینکه این هیئت چهارنفره مرکب از نمایندگان پارلمان از طرف خود به ایران سفر می‌کنند، چندان خشنود نیست.» پیترتمبل موریس» از اعضای کمیته روابط خارجی مجلس عوام انگلستان درباره سفر این هیئت به تهران چنین می‌گوید: من برای هر کس که در شرایط حاضر به ایران سفر می‌کند آرزوی موفقیت می‌کنم و امیدوارم آنها بتوانند در راه بهبود روابط دو کشور و نیز آزادی گروگان‌ها گام‌هایی بردارند. فکر می‌کنم از نقطه نظر هیئت، نکته مهم درک این است که به کجا می‌روند و در حال حاضر شرایط ایران چگونه است. در حال حاضر در ایران مبارزه قدرت میان جناح‌ها در جریان است. آقای رفسنجانی رئیس مجلس ایران در مرکز این مبارزه قدرت قرار دارد، او بود که در واقع هیئت پارلمانی را به ایران دعوت کرد. این احتمال وجود دارد که هیئت انگلیسی دریابد خود وسیله‌ای برای بازی قدرت در ایران شده است. به نظر من چنین می‌رسد که میان وزارت امور خارجه انگلستان و کلیسای انگلستان هیچ نوع اتحاد و یکپارچگی وجود ندارد و افرادی نظیر من که اطلاعی از اوضاع ندارند، نمی‌دانند این هیئت که به ایران می‌رود به درستی باید چکار کند و در نتیجه چه نوع اطلاعاتی باید در اختیار آن قرار داده شود. ممکن است درست قبل از سفر هیئت، نتایجی درباره اوضاع گروگان‌های انگلیسی در لبنان به اعضای هیئت داده شود ولی من شک دارم چنین کاری بشود. من فکر می‌کنم باید حساب دولت انگلستان را در شرایط حاضر از این هیئت جدا کرد، زیرا در حال حاضر اوضاع در ایران متشنج و پیچیده است و این هیئت به یک منطقه بسیار خطرناک سفر می‌کند. من به این هیئت توصیه خواهم کرد جانب احتیاط را در ایران رعایت کنند. من فکر می‌کنم آقای رفسنجانی در این سفر از هیئت انگلیسی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده خواهد کرد. مسئله گروگان‌ها که برای ما در انگلستان مهمترین مسئله است، برای آقای رفسنجانی این طور نیست برای او مهم‌ترین مسئله بدست گرفتن قدرت ایران است. بنابراین از این هیئت استفاده خواهد کرد!» : منبع: گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۳/۲۹، صفحه ۲۵.

۲ - نشریه تایمز لندن درباره سفر هیئت انگلیسی به ایران و انگیزه‌های آن چنین نوشت: «ایران بسیار مشتاق است که از انزوای دیپلماتیک خود در جهان خارج شود. آقای رفسنجانی که اخیراً به سمت جانشینی فرمانده کل قوا منصوب شده برای آنکه بتواند در مقابل عراق به پیروزی دست یابد، به سلاح نیاز دارد. وی سخت خواستار ایجاد نتایجی در جنگ است. هیئت انگلیسی که به تهران سفر می‌کند برای مذاکره در موقعیت مستحکمی قرار دارد و فکر نمی‌کنم چیز زیادی را از دست بدهد. آقای رفسنجانی در جستجوی راهی است که پیامی برای دولت انگلستان بفرستد. دولت انگلستان یک ماه قبل پیامی از حزب الله و از ایران دریافت کرد مبنی بر اینکه بدون قید و شرط مایل به مذاکره درباره گروگان‌ها در لبنان هستند. ظاهراً آقای رفسنجانی از سوی وزارت امور خارجه انگلستان با موفقیتی روبرو نشده و اینک می‌خواهد از طریق هیئت پارلمانی پیامی به دولت انگلستان بفرستد. من اطمینان دارم وزارت امور خارجه انگلستان به دقت مذاکرات هیئت را در تهران تحت نظارت قرار خواهد داد. من انتظار دارم به عنوان نخستین گام «راجر کوپر» بازرگان انگلیسی که از دو سال قبل در تهران زندانی است، آزاد شود. طبق اطلاعاتی که من از تهران دارم رفسنجانی می‌کوشد به آیت الله خمینی قبل از مرگش بقبولاند که جنگ با عراق جنگ بیهوده‌ای است و اگر رفسنجانی بتواند به پیروزی‌های کوچکی در جبهه دست یابد، به وی اجازه پایان جنگ داده شود.»

تا ساعت دو کارها را انجام دادم. عصر آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و درباره پیشرفت‌های کار توسعه مناسبات با فرانسه و کانادا گفت. در خصوص کیفیت برخورد شورای امنیت گفت که گفتم همان سیاست گذشته را تعقیب کنند.

آقایان شمخانی، وحیدی، رشید، سنجقی و افشار آمدند. درباره ترکیب و اختیارات ستاد کل [فرماندهی کل قوا] صحبت شد. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. درباره دستور جلسات و ترکیب کمیسیون‌ها مذاکره کردیم. آقایان [عبدالله] نوری و درّی [نجف آبادی] و [اسحاق] جهانگیری آمدند. درباره معاونت طرح و برنامه و سازمان نهایی نیروهای مسلح صحبت کردیم. قرار شد آقای نوری، دفتری در حوزه فرماندهی برای این منظور داشته باشند.

شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. [آقای ری‌شهری] وزیر اطلاعات برای مشکل تداخل وظایف اطلاعاتی و حق نظارت به همه ارگان‌های دست‌اندرکار اطلاعات استمداد کرد. وزیر خارجه برای حدود مذاکره در شورای امنیت سازمان ملل و با انگلستان اختیارات گرفت و در پایان، درباره جنگ، در ادامه بحث های جلسه قبل مذاکره کردیم. خبر رسید که دشمن در مهران آماده حمله است؛ به ارتش و سپاه آماده باش دادیم.

یکشنبه ۲۹ خرداد | ٤ ذیقعده ١٤٠٨ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۸

نزدیک ساعت چهار صبح، با تلفن آقای رضائی بیدار شدم. اطلاع داد که دشمن در مهران حمله را آغاز کرده و در چند نقطه ناموفق بوده و در یک نقطه نفوذ کرده است[1]. آقای

«بنابراین برای کسب آن پیروزی‌های کوچک به سلاح و به شکستن انزوای دیپلماتیک ایران نیاز است. اگر آقای رفسنجانی نتواند روند اخیر شکست‌های ایران در جنگ را تغییر دهد، با دردسر مواجه خواهد شد. در حال حاضر او قدرتمندترین مرد ایران پس از آیت الله خمینی است و آقای خمینی آن چنان بیمار است که قادر به کنترل سیاست‌های داخلی کشور نیست!» منبع: گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۳/۲۹، صفحه ۲۷.

[1] - سازمان مجاهدین خلق ایران [= منافقین] اعلام کرد که نیروهای ارتش آزادیبخش ملی مرکب از ۲۲ لشکر و یک تیپ نیمه شب گذشته (شنبه شب) در منطقه‌ای به طول ۵۰ کیلومتر و به عمق ۳۰ کیلومتر علیه مواضع نیروهای ایرانی در اطراف شهر مهران واقع در جنوب غرب ایران حمله کردند. در اطلاعیه شماره یک سازمان مجاهدین که روز یکشنبه از رادیو مجاهد به زبان فارسی پخش شد آمده است«

روحانی و آقای شمخانی و آقای حسنی سعدی اطلاع دادند، در همان نقطه هم عقب رانده شده‌اند. تأکید بر مقاومت و همکاری کامل ارتش و سپاه کردم. ساعت شش و نیم به مجلس رفتم.

خبر جدید حاکی بود که رخنه به مواضع ارتش در شمال مهران جدی است و آقای حسنی سعدی و شمخانی به سوی منطقه حرکت کرده‌اند. آقای محسن رضائی هم از ماؤوت به آن سو حرکت کرده است. نزدیک ساعت نه صبح، آقای [محمد] صدر از وزارت کشور از استانداری ایلام نقل کرد که جاده ایلام به مهران بسته شده وعقبه نیروهای سپاه هم به خطر افتاده است. به جلسه علنی رفتم. نمایندگان را هم در جریان گذاشتم، ولی براساس مقاومت رزمندگان.

تا ساعت ده ونیم با دلهره در جلسه ماندم و به دفترم برگشتم. خبرها ساعت به ساعت تلخ‌تر می‌شد. آقای رفیق‌دوست همراه با هیأت کره‌ای آمدند. پیام کیم‌ایل سونگ [رهبر کره شمالی] را آوردند و از روابط اظهار رضایت کردند و تخفیف در قیمت نفت خواستند.

قرار بود اولین جلسه ستاد کل [فرماندهی کل قوا] را تشکیل دهم که به خاطر سفر بعضی از ارکان به عقب انداختیم. آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد. وضعیت ارزی را گفت و از اینکه فشار سایر بخش ها و مخصوصاً بخش کالاهای اساسی، مانع توجه بیشتر به نیازهای دفاعی است، اظهار نارضایتی کرد.

سرهنگ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] توضیح داد که [۱۵ تیپ] منافقین همکاری وسیعی با عراقی ها داشته اند. به صورت و شکل نیروهای خودی، پس از رخنه در

☚که نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ایران با لشکر ۱۶ زرهی قزوین و لشکر امیرالمؤمنین سپاه پاسداران [امام] خمینی درگیر شدند. بنابر همین گزارش عملیات «پروین» به فرماندهی مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت و فرمانده کل نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ایران انجام شد و تا پیش از ظهر امروز (یکشنبه) نیز ادامه دارد. در اطلاعیه شماره یک نیروهای آزادیبخش ملی همچنین آمده است: این عملیات به اهداف پیش بینی شده خود دست یافته است و بخش بزرگی از منطقه عملیات از نیروهای دشمن پاکسازی شده و هزاران تن از نیروهای رژیم کشته شده و یا به اسارت نیروهای ارتش آزادیبخش درآمده‌اند. همچنین ارتفاعات استراتژیک کج، زالوآب، کومک، قلاویزان و کانی سخت به تصرف نیروهای ارتش آزادیبخش درآمد. از سوی دیگر نیروهای ارتش آزادیبخش ضمن آزاد سازی منطقه دراجی یک جاده بین‌المللی در همین منطقه را آزاد کردند. براساس این اطلاعیه، این عملیات به منظور بزرگداشت و سالگرد خاطره ۲۰ ژوئن [۳۰ خرداد] روز زندانیان سیاسی در ایران انجام شده است.» منبع : گزارش های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۷/۳/۳۰، صفحه ۴

خطوط ارتش به عنوان فراری های خودی به قرارگاه لشکر آمده اند و در آنجا فرماندهان را به رگبار بسته‌اند و قرارگاه را تصرف کرده‌اند و عملاً فرماندهی را فلج کرده‌اند؛ این خبر روز بعد تکذیب شد.

آقای محسن رضائی که به منطقه رسیده و در ایلام مستقر شده بود، چند بار تماس گرفت و گفت در صدد جمع آوری نیروها و ترمیم خط هستند. اواخر روز توانستند با فرمانده نیروی زمینی ارتش، برای همکاری در ترمیم خط و تشکیل خط جدید ارتباط برقرار کنند.

عراق تلاش دارد این عملیات را به اسم منافقین تمام کند که نپذیرد از مرزها عبور کرده است و منکر شرکت در عملیات می‌شود.

دوشنبه ۳۰ خرداد | ۵ ذیقعده ۱٤۰۸ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۸

چمدان را بستم که به منطقه بروم، ولی موفق به سفر نشدم. به مجلس رفتم. گزارش ها را دیدم[۱]. منافقین و عراق مدعی اند که عملیات مهران را منافقین انجام داده‌اند؛ با اینکه نیروهای اصلی عراقی اند. آقای رضائی اطلاع داد که دشمن مقداری عقب نشسته و

---

۱ - رادیو بی بی سی در این روز گفت: «سازمان مجاهدین خلق ایران ادعا کرده است که شهر مهران واقع در مرز ایران وعراق را تصرف کرده و بر نیروهای مسلح ایران تلفات گسترده‌ای وارد آورده است. شهر مرزی مهران به خودی خود اهمیت چندانی ندارد، چون از اوایل جنگ ایران و عراق، یعنی درهفت سال اخیر خالی از سکنه بوده است. با این حال، مهران یکی از مراکز تدارکاتی نیروهای مسلح ایران بوده است. مهران تاکنون پنج بار دست به دست شده و آخرین بار دو سال پیش به دست عراق افتاده بود، سقوط مهران به دست عراقی‌ها به تصفیه‌ای وسیع در کادر نظامی ایران منجر شد و شش هفته پس از آن سپاه پاسداران مهران را بازپس گرفت. ولی تصرف دیروز مهران به دست نیروهای سازمان مجاهدین خلق، آن هم پس از یک نبرد یازده ساعته، از اهمیت خاصی برخوردار است. سازمان مجاهدین خلق مدعی است که مهران را دست تنها و بدون کمک ارتش عراق تصرف کرده است. اطلاعیه نظامی ایران ضمن تأیید عبور نیروی دشمن از مرز بین‌المللی و نفوذ آن به داخل خاک ایران می‌گوید: پیش از آغاز این حمله ناحیه مزبور هدف بمباران شیمیایی قرار گرفت و این عملیات توسط سربازان عراقی انجام شد. این اتهامات از طرف لطیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق تکذیب شده است. کارشناسان غربی نسبت به توانایی افراد مجاهدین خلق به دست زدن به چنین عملیاتی بدون کمک نیروهای عراق ابراز تردید می‌کنند. از طرفی عراق احتمالاً مایل نیست که نفوذ نیروهایش به داخل خاک ایران را تأیید کند، چون به این صورت به وجهه بین‌المللی عراق به عنوان طرفی از جنگ که مایل به صلح است، خدشه‌ای وارد خواهد آمد.»

نیروهای ما در حال آماده شدن هستند.

آقای فروزنده آمد و راجع به کارهای مهندسی برای حفظ خرمشهر پرسید و آقای [محمد] باقری آمد و وضع مهران را توضیح داد. به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم که تا ظهر طول کشید. چندین مصوبه داشتیم، منجمله ارز دفاع و تأسیس شرکت هواپیمایی برای نهاجا [= نیروی هوایی ارتش] و....

ظهر آقای موسوی اردبیلی درباره توقف جنگ مذاکره کردند و طرحی داشتند. به مجلس رفتم. آقای رضائی اطلاع داد که در گزارش‌ها درگیری‌ها شدید است. آقای جمالی اطلاع داد، سرهنگ علیاری و سرهنگ الماسی که از دیروز اطلاعی از آنها نداشته‌ایم، پیدا شده‌اند. عصر آقای [محمد علی] رحمانی [مسئول] بسیج آمد و درباره حضور او در ستاد مذاکره شد. آقای بهزاد نبوی آمد و مطالبی درباره جنگ و ساخت لوله توپ داشت.

آقای دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] آمد. نگران رأی نیاوردن است؛ در خصوص ماندن در کابینه مشورت کرد. قرار شد بعداً جواب بدهیم.
آقای افشار برای امور ستاد آمد.

شب بعد از نماز، آقای رئیس جمهور آمدند و درباره جنگ و دولت و سپاه و ستاد و... مذاکره کردیم. به خانه آمدم. عفت، منزل محسن بود. شام را که از خانه محسن فرستاده بودند، تنها خوردم.

سه‌شنبه ۳۱ خرداد | ٦ ذیقعده ١٤٠٨ — ۲۱ ژوئن ۱۹۸۸

با بدرقه اهل خانه به قصد سفر به جبهه حرکت کردم. از هفت تا هشت صبح در دفترم گزارش‌ها را خواندم[1] و از جبهه اطلاع گرفتم. گفتند نیروهای ما رفته رفته به سوی مهران

---

[1] – خبرگزاری فرانسه در این روز نوشت: «مجاهدین خلق، جنبش متعلق به مسعود رجوی مستقر در بغداد اظهار داشتند منطقه کوهستانی مهران واقع در حدوداً ۱۰ کیلومتری مرز ایران و عراق و در ۵۵۰ کیلومتری جنوب غربی تهران را ظرف کمتر از ۱۱ ساعت پس از آغاز عملیاتی موسوم به «چلچراغ» که توسط شاخه مسلح ارتش آزادیبخش ملی ایران انجام گرفت، فتح کرده‌اند. مجاهدین به عنوان دشمن

پیش می‌روند و دشمن قدم به قدم عقب می‌رود و قصد تخلیه شهر را دارد، ولی در ارتفاعات مرزی خواهد ماند.

[آقای لی گون مو] نخست وزیر کره شمالی به ملاقات آمد. گفتگوها، تعارفات دوستانه و از نوع همکاری بود[1]. او را تا بیرون در مجلس بدرقه کردم.

نزدیک ساعت نه به سوی باختران [= کرمانشاه] حرکت کردیم. آقایان روحانی و سنجقی و باقری هم با محافظان همراه بودند. ناهار و نماز در کنار رودی بین راه قزوین و همدان صرف و انجام شد. کمی در ماشین در بین راه خوابیدم. ساعت پنج بعد از ظهر به

سرسخت رژیم تهران اظهار داشته اند که حمله را از مبداء پایگاه‌های خود در عراق و به هنگام نیمه شب یکشنبه آغاز کرده‌اند و در این عملیات که از زمان تأسیس ارتش آزادیبخش ملی در سال گذشته تاکنون، مهمترین عملیات آن به‌شمار می‌رود ۲۲ تیپ را به‌کار گرفته‌اند. مسعود رجوی ۴۰ ساله رئیس سیاسی و نظامی مجاهدین در دومین اطلاعیه پیروزمندانه خود اظهار داشت که « گرفتن مهران پیش درآمد گرفتن شهر تهران است». به گفته تهران این ارتش عراق بود که برای حمله به مهران از مرز بین‌المللی گذشت و به استفاده وسیع از سلاح‌های شیمیایی تمسک جست. اما به گفته خبرگزاری رسمی ایرنا حمله با شکست مواجه شده و مهار شده است. این گزارش حاکی است که نبردها تا ظهر امروز با باقیمانده نیروهای عراق ادامه داشته است.»

رادیو مدیترانه هم گفت: « مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق ایران از دولت‌های غربی و عرب خواسته است تا به شناسایی حکومت آیت‌الله خمینی پایان داده و سازمان مجاهدین را به رسمیت بشناسند. این درخواست مسعود رجوی در بعضی از مطبوعات عربستان سعودی واکنشی مثبت داشته است، مطبوعات سعودی به سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده‌اند که کرسی ایران در دوسازمان مزبور به مسعود رجوی و سازمان او واگذار شود. بعضی از تحلیل‌گران معتقدند که سازمان مجاهدین خلق در پی به دست آوردن جای پایی در ایران است تا از آن به عنوان مقر یک دولت موقت استفاده کند، ولی از طرفی حمله به مهران را می‌توان با انتصاب اخیر هاشمی رفسنجانی به مقام جانشینی فرماندهی نیروهای مسلح ایران نیز مرتبط دانست. از سه هفته پیش که رئیس مجلس ایران از طرف آیت الله خمینی به مقام تازه‌ای منصوب شد، وی از هر سو تحت فشار بوده تا مهارت و کارآیی خود را به عنوان یک فرمانده نظامی به اثبات برساند. ولی حمله اخیر عراق در شلمچه به اثبات این موضوع کمکی نکرد و اکنون عملیات مجاهدین خلق در منطقه مهران نشان می‌دهد که این روزها دستیابی به یک موفقیت قابل توجه نظامی تا چه حد برای ایران به صورت امری دشوار درآمده است.» منبع: گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۳/۳۰، صفحه ۱۲

۱ - در این ملاقات، نخست وزیر کره شمالی گفت: « تا به حال هر دو کشور ایران و کره شمالی در همه زمینه‌ها از یکدیگر پشتیبانی کرده و با هم، همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند. امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، توطئه‌های مختلفی طرح‌ریزی کرده و در خلیج فارس نیز بر تجاوزات خود افزوده که ما این تجاوز و توطئه‌ها را شدیداً محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم که ملت و دولت کره شمالی، همیشه در کنار ملت و انقلاب شما خواهند بود.» ایشان از آقای هاشمی دعوت کرد که مجدداً از کشور کره شمالی دیدار کنند. آقای هاشمی نیز با اشاره به اینکه کره شمالی جزو اولین کشورهایی بوده که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صمیمانه با ایران همکاری کرده، گفت: « این مسأله به آن خاطر است که شما درکی از استقلال و مبارزه با امپریالیسم داشته‌اید و آن را در تاریخ اخیرتان لمس کرده‌اید. ما با الهام از افکار بلند رهبرمان، مصمم هستیم در این جنگی که بر ما تحمیل شده، به دنیا ثابت کنیم که یک ملت به تنهایی قادر است قدرت‌های متخاصم را خسته کرده و شکست دهد.»

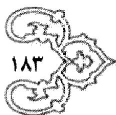
باختران رسیدیم. در محل قرارگاه رمضان مستقر شدیم. هوا خوب است.

آقای ذوالقدر [فرمانده قرارگاه رمضان] آمد و گفت بارزانی‌ها برای شانه خالی کردن از تعهدات جنگیدن در داخل عراق بهانه‌جویی می‌کنند و طالبانی‌ها هم خیلی جدی نیستند و احتمال کنار آمدن آنها با عراق و آتش‌بس وجود دارد. اطلاعات تایید نشده‌ای هم در این زمینه وجود دارد. پیشنهاد داشت در دادن مستمری مقرر بر اساس قرار سابق، کوتاهی کنیم و به گروه‌های اسلامی کرد عراقی، بهای بیشتری بدهیم.

شب آقای محسن رضائی آمد. گزارشی از وضع مهران و حلبچه و سایر نقاط جبهه داد و گفت در منطقه گرده‌رش، فشار دشمن زیاد شده و در دو روز گذشته، حدود ده حمله دشمن دفع شده است ولی به تدریج توان کم می‌شود. درباره بسیج امکانات برای تقویت جبهه به توافق نسبی رسیدیم. با دکتر روحانی درباره کیفیت ختم جنگ یا کیفیت جنگیدن با بسیج امکانات، بحث طولانی داشتیم. آب لوله کشی قرارگاه قطع است و مشکل کم آبی داریم.

تیر ۱۳۶۷





چهارشنبه ۱ تیر | ۷ ذیقعده ۱٤۰۸ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح، یادداشت مفصلی درباره وضع جنگ و جبهه‌ها و راه‌های چاره کار تهیه کردم که اگر لازم شد خدمت امام بدهیم. آقای سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. گزارش شکست در مهران را گفت؛ قرائن زیادی بر ضعف نیروها در گزارش وجود دارد[1].

آقای شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] آمد و گزارشی درباره سقوط مهران داد. مدعی است مقاومت سپاه خوب بوده و از طریق شکسته شدن خط دفاعی ارتش، دشمن به عقبه سپاه رسیده و به قرارگاه لشکر امیرالمؤمنین(ع) زده است. او درخواست اعزام کمیته بررسی داشت.

با آقای [محمد] باقری مسئول اطلاعات نظامی سپاه درباره اوضاع خودی و دشمن و همچنین ترکیب ستاد مشورت کردم. درباره شیوه کار ستاد کل با آقای شمخانی و دیگران مذاکره شد؛ به جای بهتری رسیدیم.

تیمسار حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش شکست مهران را داد و مدعی است که اول خط سپاه شکسته و از آنجا به پشت سر خطوط ارتش رفته‌اند؛

---

[1] - نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به کمک ارتش عراق به مهران و دهلران - که در کنترل پدافندی ارتش قرار داشت - حمله کردند. پیش از این منافقین پس از توافق جدید با رژیم عراق در تاریخ ۸ فروردین ۶۷ به فکه حمله کرده بودند. در بهار همین سال، بعد از نشست محرمانه رجوی و صدام، تجهیزات سنگین نظامی و زرهی در اختیار منافقین قرار گرفت و افسران عراقی، آموزش فشرده‌ای را برای آنها برگزار کردند. رجوی قبل از عملیات مهران برای تحریک نیروهایش گفته بود: « توان یک یگان ما با سه یگان ارتش ایران برابر است.» آنها پس از حمله به مهران، شعار « امروز مهران، فردا تهران» را سر داده بودند

درست نقطه مقابل ادعای آقای شمخانی. بنا گذاشتیم که گروهی را برای بررسی اعزام کنیم.

آقای محسن رضائی و بعضی از فرماندهان دیگر سپاه برای صرفه‌جویی نیرو در خطوط پدافند و جلوگیری از تلفات احتمالی در نبردهایی که حتماً در آن منطقه در پیش داریم، پیشنهاد تخلیه ماؤوت را دادند.

عصر و شب فرماندهان منطقه ماؤوت و حلبچه آمدند و با توضیح وضع نیروها و خطرها در دو منطقه به اتفاق آرا، خواستار تخلیه منطقه ماؤوت برای تقویت سایر خطوط و آزاد کردن نیروی آفندی و احتراز از یک انهدام و شکست محتمل در ماؤوت بودند. پس از بررسی، با همه تلخی و آثار سوء احتمالی به ناچار پذیرفتم. با آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه پاسداران]، درباره ستاد کل و مسائل مربوط مشورت کردم.

پنجشنبه ۲ تیر | ۸ ذیقعده ۱٤۰۸ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۸

آقای محسن رضائی آمد. طرح کلی درباره آینده جنگ و نیازهای سپاه را داد. به قرارگاه نیروی زمینی ارتش در سومار رفتیم. از سرهنگ علیاری و سرهنگ الماسی که از مهران فرار کرده بودند، سئوالاتی کردم. ضعف غیر قابل قبولی بر ارتشی‌ها حاکم بود. با فرماندهان یگان‌های قرارگاه غرب، نماز و ناهار داشتیم و سپس توضیحات آنها را گوش دادم و دستور تهیه طرح توسعه سازمان را دادم.

ساعت چهار به سوی تهران حرکت کردیم و نماز مغرب را در کافه‌ای نزدیک اسدآباد خواندیم و شام در ماشین پس از همدان صرف شد. ساعت دو بامداد به منزل رسیدم. صبر کردم تا نماز صبح را خواندم و خوابیدم. به محض رسیدن به خانه، آقای [ابراهیم] سنجقی اطلاع داد که دشمن در اطراف جزیره مجنون تجمع دارد. به آقای روحانی گفتم، هاگ [= موشک هاوک] را فعال کنند و هواپیماها برای پشتیبانی آماده باشند؛ احتمال حمله است.

جمعه ۳ تیر | ۹ ذیقعده ۱٤۰۸ ۲٤ ژوئن ۱۹۸۸

در منزل بودم. کارهای عقب مانده سه روز سفر را انجام دادم. آقای سنجقی اطلاع داد که حادثه‌ای در جنوب نداشته‌ایم. حاج احمدآقا آمد. گزارش مبسوطی درباره جنگ و پیشنهادهایی در این باره توسط ایشان برای امام فرستادم. ظهر بستگان عفت مهمانمان بودند و عصر اخوی محمد و خانواده‌اش آمدند. با آقایان خامنه‌ای و موسوی‌اردبیلی تلفنی مذاکره کردم.

شنبه ٤ تیر | ۱۰ ذیقعده ۱٤۰۸ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح آقای [محمد] فروزنده از اهواز اطلاع داد که از ساعت سه و نیم بامداد دشمن آتش شدید همراه با بمب شیمیایی از هر نوع، روی جزیره [مجنون] و طلائیه و عقبه می‌ریزد و ارتباط با جزیره مجنون قطع است، جز از طریق تلفن بیمارستان.

به دکتر ولایتی و [محمد جواد] لاریجانی گفتم در آوردن هیأت [بازرسی] شورای امنیت [سازمان ملل] - که برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی، بنا است به ایران بیاید - تسریع کنند. قبلاً به خاطر کمی آثار بمباران شیمیایی قبلی، سفر را به تأخیر انداخته بودند.

به آقای [علی] شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] گفتم به منطقه برود. برای ستاد کل به تهران آمده بود. در ساعت هفت صبح، آقای [محمد] فروزنده [رئیس ستاد کل سپاه] اطلاع داد دشمن در طلائیه خط ارتش را شکسته و از پد خندق و پد شرقی جزیره از کمین عبور کرده و در خط درگیرند و تعدادی از مصدومان شیمیایی را به اهواز آورده‌اند. به خاطر ضعف ارتباط با جزیره، اطلاعات کم است.

برای اخذ آخرین نظریه به زیارت امام رفتم؛ گفتند مقاومت تا آخرین حد. به مجلس رفتم. اخبار از تداوم پیشرفت دشمن و تلفات زیادش می‌رسید. جلسه سران قوا در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل شد. جریان ملاقات با امام را گفتم که دستور مقاومت تا آخرین حد را دادند. قرار شد همه امکانات برای تداوم دفاع بسیج شود و دولت وارد جنگ شود و



جنگ در جزیره مجنون

ریاست ستاد را نخست وزیر برعهده گیرد. با جمعی از وزراء به دفترم برگشتم. مسائل جبهه را تعقیب کردم.

عصر نخست وزیر و اعضای پیشنهادی ستادش آمدند. درباره ارکان ستاد به توافق رسیدیم. قرار شد کار را شروع کنند. آقای [علیرضا] افشار با جمعی از سران سپاه آمدند. برای تجهیز نیرو مذاکره شد. دوباره سران قوا در دفتر آقای موسوی اردبیلی جلسه داشت. قرار شد برای تکمیل حجت بار دیگر با امام مذاکره شود. آخرین اخبار حاکی از سقوط کامل جزایر مجنون و هور بود.

با آقایان خامنه‌ای، احمدآقا و موسوی اردبیلی به زیارت امام رفتیم. نماز مغرب و عشاء را با ایشان خواندیم. توضیحات لازم را درباره وضع جنگ و عواقب احتمالی ادامه جنگ دادیم. باز هم ایشان تأکید بر تداوم جنگ داشتند. بیرون آمدیم، تقسیم کار کردیم و متفرق شدیم. شب اطلاع دادند دشمن که به جاده اهواز - خرمشهر رسیده بود، عقب نشسته است.

یکشنبه ۵ تیر | ۱۱ ذیقعده ۱۴۰۸ | ۲۶ ژوئن ۱۹۸۸

نماز و استحمام و حرکت به سوی فرودگاه با بدرقه عفت. هواپیما حاضر بود و بلافاصله پرواز کردیم. با آقایان [محمد] باقری[معاون اطلاعات نیروی زمینی سپاه]، [حسن] روحانی، [ابراهیم] سنجقی و محافظان، ساعت شش صبح در پایگاه امیدیه نشستیم. ماشین‌ها حاضر بودند. به سوی گلف حرکت کردیم.

ساعت شش و نیم به گلف رسیدیم. تا شب در گلف ماندیم. به فوریت گزارشی از منطقه گرفتیم. نیروها تقریباً از کل هور عقب نشسته‌اند. دشمن تا جاده اهواز- خرمشهر مسلط است ولی قصد عقب‌نشینی به مرز دارد و منتظر است نیروهایش در جزایر و هور، مواضع خود را درست کنند.

نیروی آماده‌ای که در این حالت به دشمن بتازد، در دست نیست. می‌گویند حدود چهار هزار نفر مصدوم شیمیایی به بیمارستان مراجعه کرده‌اند که اکثریت آنها مرخص شده‌اند و حدود پنجاه نفر بیشتر بستری نیستند و حدود صد نفر شهید شیمیایی داریم؛ مثل

اینکه حالت روانی شیمیایی، بیشتر از اصل ماده تأثیر می‌گذارد و بهانه خوبی برای عقب‌نشینی است. آنها که نمی‌خواهند بجنگند، به آسانی می‌توانند تظاهر به ابتلاء به شیمیایی کنند و یا دچار خیال می‌شوند.

گفته بودیم خبرنگاران و هیأت بازرسی شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی [بمباران] شیمیایی بیایند که بیمارستان‌ها می‌گویند آثار زیادی نمانده است.

آقای [حسین] علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. وضع خودش را گزارش داد و خواستار استفاده از امکانات نیروی دریایی ارتش برای آموزش بود. آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه] آمد. گزارش سمینار فرهنگی سپاه را داد و گفت ابهامات زیادی در ارتباط با شکست‌های اخیر میدان جنگ بر افراد حاکم است. درباره ستاد و... نظراتی ابراز کرد.

با دکتر روحانی درباره شرایط جاری و حاکم و راهکارها، در طول روز مذاکراتی کردیم. آقای روحانی به ادامه جنگ اعتقادی ندارد و تأکید بر ختم آن دارد. شب اطلاع دادند که واحدهایی از نیروهای سپاه رفته‌اند و مواضع ارتش را که در کوشک خالی مانده بود، اشغال کرده‌اند که دشمن را از جاده آسفالته اهواز - خرمشهر دور نگه‌دارند. عراق گفته است که بیش از دو هزار اسیر گرفته که عمده آنها ارتشی هستند.

دوشنبه ٦ تیر | ۱۲ ذیقعده ۱٤۰۸ — ۲۷ ژوئن ۱۹۸۸

نماز و قرآن و نوشتن خاطرات و گوش دادن به اخبار رادیوهای بیگانه و خودی[1]. مثل

---

۱ – چند تن از شخصیت‌های بلندپایه سیاسی آمریکا و غرب، اخیراً در یک نشست محرمانه در اتریش، اوضاع داخلی ایران و احتمالاً بهبود مناسبات میان کشورهای مذکور و جمهوری اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. روزنامه کویتی القبس، ضمن اعلام این مطلب به نقل از منابع دیپلماتیک غربی نوشت: «در این نشست که در پشت درهای بسته برگزار شد، بیست شخصیت سیاسی جهانی از جمله هلموت کهل صدراعظم آلمان غربی، هنری کیسینجر وزیرخارجه اسبق آمریکا، گری سیک مسئول روابط آمریکا و ایران در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر و ... در نشست خود تحولات اوضاع داخلی در ایران و احتمال نزدیکی کشورهای غربی به نظام جمهوری اسلامی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند. در این نشست محرمانه، گفته شده است که مرحله بعدی ایران، ظرف امسال آغاز خواهد شد. ↲

اینکه غربی‌ها نمی‌خواهند روی پیروزی‌های عراق تکیه کنند و با اختصار از آن می‌گذرند.

تا ظهر به مطالعه گزارش‌ها و اظهارات دو اسیر عراقی که در جزیره اسیر شده بودند و مذاکره با آقای محمدی عراقی جانشین نماینده امام در سپاه گذشت.

آقای [سید محمد علی موسوی] جزایری امام جمعه اهواز آمد و از وضع موجود اظهار نگرانی نمود. بعد از ظهر تا آخر شب به مذاکره با فرماندهان یگان‌های درگیر در جزیره پرداختم. آقای [سیف الله] حیدرپور فرمانده تیپ ۴۸ فتح [کهکیلویه و بویراحمد] که در پل خندق جنگیده و خوب دفاع کرده بود تا اینکه دیگران عقب‌نشینی کرده و به او هم دستور عقب‌نشینی داده شده بود، گزارش داد؛ واحد را تشویق کردم.

آقای[نبی] رودکی فرمانده لشکر ۱۹ فجر از فارس، در گزارش خود مدعی مقاومت قابل قبول نیروهایش است و تأثیر شیمیایی مخصوصاً گاز سیانور و شکست خط در دو طرف واحد او که توسط یگان‌های دیگر دفاع می‌شده را عامل عدم مقاومت نهایی می‌داند و مدعی تلفاتی در حدود دویست نفر است؛ علاوه بر مجروحان.

یگان‌های دیگر، در جلسه عمومی گزارش دادند و مجموعاً از مقاومت می‌گفتند و از شدت آتش دشمن و تأثیر زیاد شیمیایی و شدت امواج انسانی دشمن که با تحمل خسارات و تلفات خیلی زیاد هم، تهاجم با قایق‌ها را ادامه می‌دادند و همچنین ورود نیروهای زرهی دشمن در ناحیه کوشک پس از شکست خط ارتش و رسیدن به جاده سیدالشهداء(ع) که یکی از مهمترین راه‌های تدارکاتی جزیره است و عدم وجود نیروی احتیاط لازم و فوری.

ولی از مجموع جریان بدست می‌آید که به جز یکی دو مورد، بقیه مقاومت لازم را نداشته‌اند و سرعت مرخصی مصدومان شیمیایی از بیمارستان‌ها که تقریباً خالی شده، نشان می‌دهد که وحشت از شیمیایی بیش از خود آن مؤثر بوده است. از تهران، آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی گفتند که شایعه آسیب دیدن من اوج گرفته است.

پدر آقای علی هاشمی فرمانده قرارگاه نصرت که جزیره و هور را اداره می‌کرده، آمد.

«هدف رفسنجانی از برقراری پل‌های تفاهم با غرب، متقاعد ساختن کشورهای غربی جهت تأمین یک پیروزی معنوی برای ایران در شورای امنیت سازمان ملل به منظور کمک به ایران برای اعلام آبرومندانه خاتمه جنگ می‌باشد.»

پسرش مفقود الاثر است[1]. بعد از هلی‌برن دشمن، کنار قرارگاه که همراه جمعی به نیزارها پناه برده‌اند، دیگر اثری از او نیست. از همراهانش آمده‌اند و او نیامده است. روحیه خوبی داشت. دو پسر دیگرش هم اهل جبهه‌اند.

با آقای شمخانی درباره ستاد کل صحبت کردم. آقای [احمد] کاظمی، [محمدجواد] وهاجی و [محمدرضا] زاهدی فرماندهان لشکرهای اصفهان آمدند. فرماندهان سپاه شاکی بودند. خبر دادند که دشمن در شاخ شمیران حمله‌هایی آغاز کرده است.

سه‌شنبه ۷ تیر | ۱۳ ذیقعده ۱۴۰۸ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۸

برای نماز که بلند شدم، خبر دادند حمله دیشب دشمن سریعاً دفع شده است. ساعت پنج و نیم صبح با ماشین به سوی باختران [= کرمانشاه] حرکت کردیم. صبحانه را بین پل‌دختر و اسلام آباد کنار رودی و زیر درخت بلوطی صرف کردیم. ساعت ده در بین راه با دکتر روحانی درباره نظام آینده نیروهای مسلح مذاکره کردیم. ساعت دوازده و نیم به باختران رسیدیم.

آقای محسن رضائی تلفنی از حلبچه اطلاع داد که حمله دیشب دشمن تا ساعت ده امروز ادامه داشته و در دو سه نقطه به خطوط ما در شاخ شمیران نفوذ کرده و سپس دفع شده است. شش تیپ دشمن در حمله شرکت داشته؛ راضی بود. معلوم شد گزارش امروز صبح که حمله دیشب دفع شده بوده، درست نبود.

---

[1] - پیکر پاک سردار دلاور شهید علی هاشمی در بهار سال ۱۳۸۹ در اهواز تشییع و به خاک سپرده شد. شهید علی هاشمی در سال ۱۳۴۰ در اهواز به دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۷ وارد سپاه شد. در آغاز جنگ شهید هاشمی فرماندهی سپاه حمیدیه را به عهده داشت و با تعداد کمی از نیروهای سپاه به مقابله با ارتش بعثی در پل صابله در شمال بستان، محل تهاجم عراق به داخل خاک ایران پرداخت. سردار علی هاشمی با تشکیل تیپ ۳۷ نور توانست در عملیات بیت‌المقدس شرکت فعال داشته باشد. بعد از عملیات والفجر مقدماتی شهید هاشمی از طرف فرمانده کل سپاه مأموریت یافت تا قرارگاه سّری نصرت را راه‌اندازی کند. وظیفه این قرارگاه شناسائی منطقه عمومی هور بود. با شناسایی و به دست آوردن اطلاعات هور، سپاه اسلام توانست عملیات خیبر و بدر را اجرا کند و جنگ را از بن‌بست خارج نماید. بعد از عملیات فاو، شهید علی هاشمی فرماندهی سپاه ششم امام جعفر صادق(ع) را که شامل سپاه خوزستان و چند تیپ و لشکر بود، برعهده گرفت. خط پدافندی کوشک تا چذابه در حدود ۲۰۰ کیلومتر برعهده وی بود و تا زمان شهادت این مسئولیت را عهده‌دار بود. روحش شاد باد.

متأسفانه شرایط بد جاری به گونه‌ای است که از این وضع هم باید خیلی خشنود باشیم که در این مورد دشمن ناموفق بوده[۱].

عصر آقای [علیرضا] جعفری از قرارگاه رمضان که از خارج آمده بود و مذاکرات زیادی با [جلال] طالبانی [رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق] داشته و طالبانی مطالب فراوانی در ارتباط با جنگ و روس‌ها و سوریه و کردها و ۰۰۰ مطرح کرده بود، توضیح داد. مطلب تازه قابل اعتمادی نداشت. سئوالاتی داشت که باید جواب داد.

آقای محسن رضائی بنا بود بیاید. به خاطر دیر رفتن هلی‌کوپتر و نیاز به ماندن شب در منطقه، قرار شد فردا صبح بیاید. با گروهی از اعضای قرارگاه رمضان ملاقات کردم و برای آنها درباره کیفیت عمل و برخوردشان با مردم عراق صحبت کردم.

آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر، اعضای ستاد را برای تصویب فرستاده بود که با تغییراتی تصویب کردم[۲]. آقای [محمد اسماعیل] کوثری فرمانده لشکر ۲۷ آمد. برای تأمین خودرو لشکر و اعزام نیروی بیشتر استمداد کرد و شرح برخورد دیشب با عراقیان را داد.

چهارشنبه ۸ تیر | ١٤ ذیقعده ١٤٠٨ | ۲۹ ژوئن ۱۹۸۸

بعد از نماز و ورزش و نوشتن خاطرات دیروز، با نخست وزیر درباره ستاد و تبلیغات و امور دیگر تلفنی صحبت کردم. آقای محسن رضائی از منطقه آمد. گزارش وضع و عملیات

---

۱ - رادیو بی بی سی تاکتیک تازه ارتش عراق یعنی حمله همزمان به تأسیسات اقتصادی ایران و پس گرفتن تدریجی خاک تحت تصرف ایران در کردستان عراق را روشی برای مجبور کردن ایران به قبول مذاکرات صلح می‌داند. در گزارش بی بی سی آمده است: «سربازان عراقی به دنبال پیروزی در بیرون راندن نیروهای ایران از شبه جزیره فاو در ماه آوریل و نیز وادار ساختن آنان به عقب نشینی از جبهه‌های شرق بصره در ماه گذشته، اکنون درصدد برآمده‌اند که سرزمین‌هایی را که در شمال شرقی عراق در منطقه کردستان از دست داده بودند، بازپس گیرند.»

۲ - اعضای ستاد کل نیروهای مسلح عبارت بودند از آقایان: حسن روحانی معاون قرارگاه خاتم الانبیاء، سیدحسن فیروزآبادی مشاورنظامی نخست وزیر، بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین، غلامرضا آقازاده وزیر نفت، بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی، محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران، علیرضا افشارسخنگوی سپاه پاسداران، مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه، سید محمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد فروزنده، رئیس ستاد سپاه پاسداران و غلامعلی رشید معاون کل عملیات فرمانده سپاه پاسداران و محمد باقریان معاون نخست وزیر.

شکست خورده دیروز عراق را داد و نگران از حملات آینده عراق است. به سوی تهران حرکت کردیم.

ناهار و نماز در مزرعه‌ای بین همدان و قزوین انجام شد و ساعت شش و نیم عصر به منزل رسیدم. اول شب احمدآقا آمد. گزارش وضع جنگ را برای امام فرستادم. عفت برای مراسم سالگرد شهدای هفتم تیر رفت.

پنجشنبه ۹ تیر | ۱۵ ذیقعده ۱٤۰۸ — ۳۰ ژوئن ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم. در جلسه علنی از دفع تک دشمن در شاخ شمیران تشکر کردم[۱]. تقاضای رأی اعتماد نخست وزیر[۲] در دستور بود که سرانجام از مجموع ۲۱۷ رأی، با ۲۰۴ رأی موافق و ۸ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع روبرو شد.

ائمه جمعه باختران، بندرعباس، مشهد، رودبار و قزوین آمدند. ابهامات موجود در جامعه درباره جنگ و شایعه قصد صلح را مطرح کردند و درباره سیاست تبلیغاتی مشورت کردند؛ توضیحات لازم داده شد.

عصر کارهای عقب مانده دفتر را انجام دادم. آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد. درباره جنگ و تمرکز امور فرهنگی نیروهای مسلح مذاکره شد. آقای [صادق] خلخالی آمد. از مخالفت آقای [سید محمود] دعائی به ریاست او بر کمیسیون

---

۱ - در این نطق آمده است: « ما متشکریم از رزمندگانی که در منطقه در بندیخان موفق شدند تلاش وسیع دشمن را سرکوب کنند و تودهنی محکمی به بعث عراق بزنند. امیدواریم که در همه جبهه‌ها رزمندگان از تحریک جدید که برای دشمن، یک سیاست موذیانه و تحت حمایت کامل استکبار جهانی است، بتوانند جلوگیری بکنند و این سیاست را محکوم به شکست بکنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳٦۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این نامه آمده است: « برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی – نظر به اینکه مطابق ماده یک قانون الحاق موادی به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، راجع به تقاضای رأی اعتماد، مقرر شده است که نخست وزیر در آغاز هر دوره مجلس شورای اسلامی، حداکثر ظرف دو ماه پس از انتخابات هیأت رئیسه دائم، تقاضای رأی اعتماد بنماید، علیهذا خواهشمند است، موضوع تقاضای رأی اعتماد به اینجانب در دستور کار مجلس محترم قرار گیرد. میرحسین موسوی، نخست وزیر.»

امور خارجه گله کرد.

شب سران قوا در دفتر من جلسه داشتند. درباره جنگ و راه‌های ختم جنگ و نحوه ادامه جنگ مذاکره شد. به نتیجه قاطعی نرسیدیم. اعلامیه شورای عالی پشتیبانی جنگ در خصوص تقویت جنگ پخش شد[۱]. آخر جلسه با نخست وزیر درباره کار ستاد کل مذاکره کردیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم. همه خوابیده بودند. عراق به کنگان حمله هوایی کرده و خساراتی بار آورده است. پدافند ما می‌گوید دو هواپیمای عراق را ساقط کرده است.

جمعه ۱۰ تیر | ۱٦ ذیقعده ١٤٠٨   ۱ جولای ۱۹۸۸

بعد از نماز برای انجام کارهای عقب مانده و خواندن گزارش‌ها به کتابخانه آمدم. تا ظهر وقتم به مطالعه گذشت. عصر احمدآقا آمد. درباره راه‌های ختم جنگ مذاکره کردیم. آقای[عبدالمجید] معادیخواه برای امور بنیاد تاریخ آمد. محسن آمد. راجع به امور شخصی و سرعت بیشتر در تولید موشک مذاکره شد. زود خوابیدم.

شنبه ۱۱ تیر | ۱۷ ذیقعده ١٤٠٨   ۲ جولای ۱۹۸۸

ساعت هشت صبح در دفترم، جلسه‌ای با حضور اعضای ستاد کل [نیروهای مسلح] تشکیل شد. نخست وزیر، دکتر روحانی، [سید حسن] فیروز آبادی، [بهزاد] نبوی، [غلامرضا] آقازاده، [محمد] باقریان، [بیژن نامدار] زنگنه، [علی] شمخانی، [علیرضا] افشار، [مسعود روغنی] زنجانی، [سید محمد] خاتمی، [محمد] فروزنده و [غلامعلی] رشید حضور داشتند.

---

۱ - شورای عالی پشتیبانی جنگ در این بیانیه از کلیه اقشار مختلف ملت ایران خواست با حضور در جبهه‌های نبرد توطئه مزدوران استکبار جهانی را خنثی کنند. در بخشی از این بیانیه آمده است: « جوانان غیور و شجاع ما، لباس رزم به تن کنند وآمادگی خود را برای حضور در سنگر دفاع از جمهوری اسلامی اعلام کرده، خود را به مراکز جذب نیرو عرضه نمایند.»

بیشتر وقت را درباره ترکیب و وظایف و امور شکلی و ارتباط ستاد کل با ستادهای دیگر گذراندیم و سپس وارد بحث پدافند از نقاط حساس شدیم. کلیاتی درباره آینده جنگ گفتم. جلسه تا ظهر طول کشید[۱].

ظهر آقای [سید محمد] خاتمی [وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی]، جداگانه مطالبی درباره تبلیغات و استفاده از اهرم‌های سیاسی برای پایان مطلوب جنگ داشت. با دکتر روحانی هم

---

۱ - آقای هاشمی در پایان جلسه در مصاحبه‌ای درباره مصوبات ستاد کل فرماندهی کل قوا گفت: «در مرحله جدید جنگ تحمیلی تغییراتی در چگونگی بهره گیری از نیروهای داوطلب بسیجی، سربازان وظیفه و دیگر نیروها بوجود خواهد آمد. قوانین و مقررات مربوط به تأمین نیروها، از سوی قوه مقننه وضع خواهد شد. شرایط جدید براساس به وجود آوردن امکاناتی است، برای بدست آوردن برتری در جبهه‌های زمینی که در سال‌های اخیر عاملی تعیین کننده به‌شمار می‌آمده است. در زمان جنگ باید امکاناتی که در اختیار کشور هست به میدان جنگ روانه گردد تا تعادل به نفع ایران عوض شود. ما در ایران این قدرت را داریم که چندین برابر نیروی بسیجی، سرباز وظیفه و کادر برای جبهه‌ها تدارک کنیم. تا به حال در زمینه جنگ، سیاست این بوده است که گذران زندگی در حالت عادی ادامه یابد و در عین حال جنگ هم با حملات نفوذی کم دامنه قدم به قدم برای عقب راندن دشمن در حرکت باشد. اما شرایط جدید ایجاب می‌کند که این سیاست را کنار بگذاریم. برای این کار تنها جمع‌آوری نیرو کافی نیست. تدارک نیرو نیز مهم است که برای آن منظور، باید از امکانات کشور بیشتر استفاده شود. در ستاد کل نیروهای مسلح که به استناد دستور فرماندهی کل اخیراً کار خود را شروع کرد، ترکیبی را به وجود آورده‌ایم که دولت، ارتش و سپاه به طور جدی حضور دارند تا هم امکانات نظامی را هماهنگ به کار بگیریم و هم از امکانات کشوری در جنگ استفاده کنیم.»

جانشین فرمانده کل قوا همچنین در این مصاحبه لزوم تدوین قوانین متناسب با طرح‌های جدید را مطرح ساخت و گفت: «قوانین جدید باید به نحوی گذرانده شود که دست مدیران برای جذب نیرو و امکانات باز باشد. مدیران لایق را باید بتوان از بخش‌های غیرجنگ به بخش جنگ منتقل ساخت. در زمینه چگونگی تبلیغات جنگ ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح جو معرفی کند. خطبا و مسئولان تبلیغات و رسانه‌ها ضمن تأکید بر ادامه نبرد تا پیروزی باید مواظب باشند، از این ترفند استکبار جهانی جلوگیری کنند. بنابراین هر گاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می‌آید بر موضوع لزوم ختم جنگ از راه غیرنظامی هم تأکید شود. شرط آغاز مذاکرات برای پایان جنگ، معرفی متجاوز است. دشمنان اسلام و انقلاب تصمیم دارند نگذارند ایران به حق خود برسد و می خواهند صدام را بدون کیفر از این مهلکه خود ساخته، بیرون بکشند. در مدیریت جنگ در آینده تغییراتی صورت خواهد گرفت. اکنون ستاد کل نیروهای مسلح و ستاد کل فرماندهی قوا را تشکیل داده‌ایم و ترکیب ستاد غیر از ترکیب ستادهای قبلی است. در آن ستاد هم دولت حضور دارند و هم سپاه و ارتش. کار ادغام سپاه در ارتش یا به عکس فعلاً مطرح نیست و مأموریت اصلی ما هماهنگی این نیروهاست تا زمینه‌های وحدت کامل فراهم شود. در نهایت بایستی تمام ارزش‌های موجود در سپاه و ارتش را حفظ کنیم و به گونه‌ای این دو نیرو را با هم ترکیب کنیم که بتوان یک نیروی مسلح مقتدر به وجود آورد. با امکانات فراوانی که از نظر نیروی انسانی و امکانات در درون کشور وجود دارد، ایجاد یک نیروی مسلح غیرقابل شکست در منطقه کاملاً مقدور است و این کار را در همین مرحله که رئیس جمهوری اعلام کرده است شروع کرده‌ایم. اکنون گروه مشخصی در حال تحقیق در چگونگی ساخت یک نیروی مسلح جدید از نیروهای مختلف موجود و مشغول به جنگ است. تحقیقاً در وضع جدید حق کسی ضایع نمی‌شود و قرار نیست از قدرت و هیمنه ارتش یا سپاه کاسته شود. بلکه نظر، ایجاد یک نیروی هماهنگ و یکپارچه از مجموعه این نیروهاست.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳٦۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

جداگانه درباره مسئولیت‌های حوزه فرماندهی مذاکره کردیم.

عصر سرتیپ [محمد حسین] جلالی [وزیر دفاع] آمد. از دخالت دولت و چهره‌های سیاسی در امور نیروهای مسلح اظهار نگرانی کرد که گفتم آنها بیشتر در امور پشتیبانی هستند. سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد و گزارشی از کار حفاظت و بازداشت جمع کثیری از عناصر ضد انقلاب سلطنت طلب‌ها داد و برای تحرکات خارج از کشور خود ارز خواست.

آقای جواد لاریجانی [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه] برای مشورت در مذاکره با غربی‌ها و شرقی‌ها در سفری که در پیش دارد، آمد؛ تذکراتی درباره استفاده از اهرم‌های سیاسی جهانی در سرنوشت جنگ دادم.

شب در جلسه سران قوا شرکت کردم. بیشتر وقت را وزارت خارجه و وزارت اطلاعات گرفتند: وزارت خارجه برای امور لبنان و اطلاعات برای اختیارات بیشتر برای کنترل ارگان‌های اطلاعاتی دیگر. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱۲ تیر | ۱۸ ذیقعده ۱۴۰۸ ۳ جولای ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم و تا ساعت هشت کارهای دفتر را انجام دادم. سپس به مجلس رفتم و تا ساعت نه و نیم در جلسه بودم. به دفترم برگشتم.

آقای [سرتیپ منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی ارتش] اطلاع داد که یک هواپیمای ایرباس ایرانی بر فراز تنگه هرمز دچار سانحه شده و فرود اضطراری در دریا داشته و از سرنوشت آن بی اطلاعیم. بلافاصله آقای شمخانی اطلاع داد که نیروی دریایی سپاه می‌گوید با ناوها و هلی‌کوپترهای آمریکایی درگیر شده، یک قایق ما و یک هلی‌کوپتر آمریکایی غرق شده‌اند و ناو آمریکایی، هواپیمای مسافربری را که همان موقع به آنجا رسیده، با موشک ساقط کرده است. گزارش‌های بعدی همین گزارش سپاه را تأیید کرد. جنایت عجیبی است. ۲۹۰ مسافر و خدمه شهید شده‌اند. گفتم سریعاً اعلان کنند که

آمریکایی‌ها در اعلان جلو نیفتند[1].

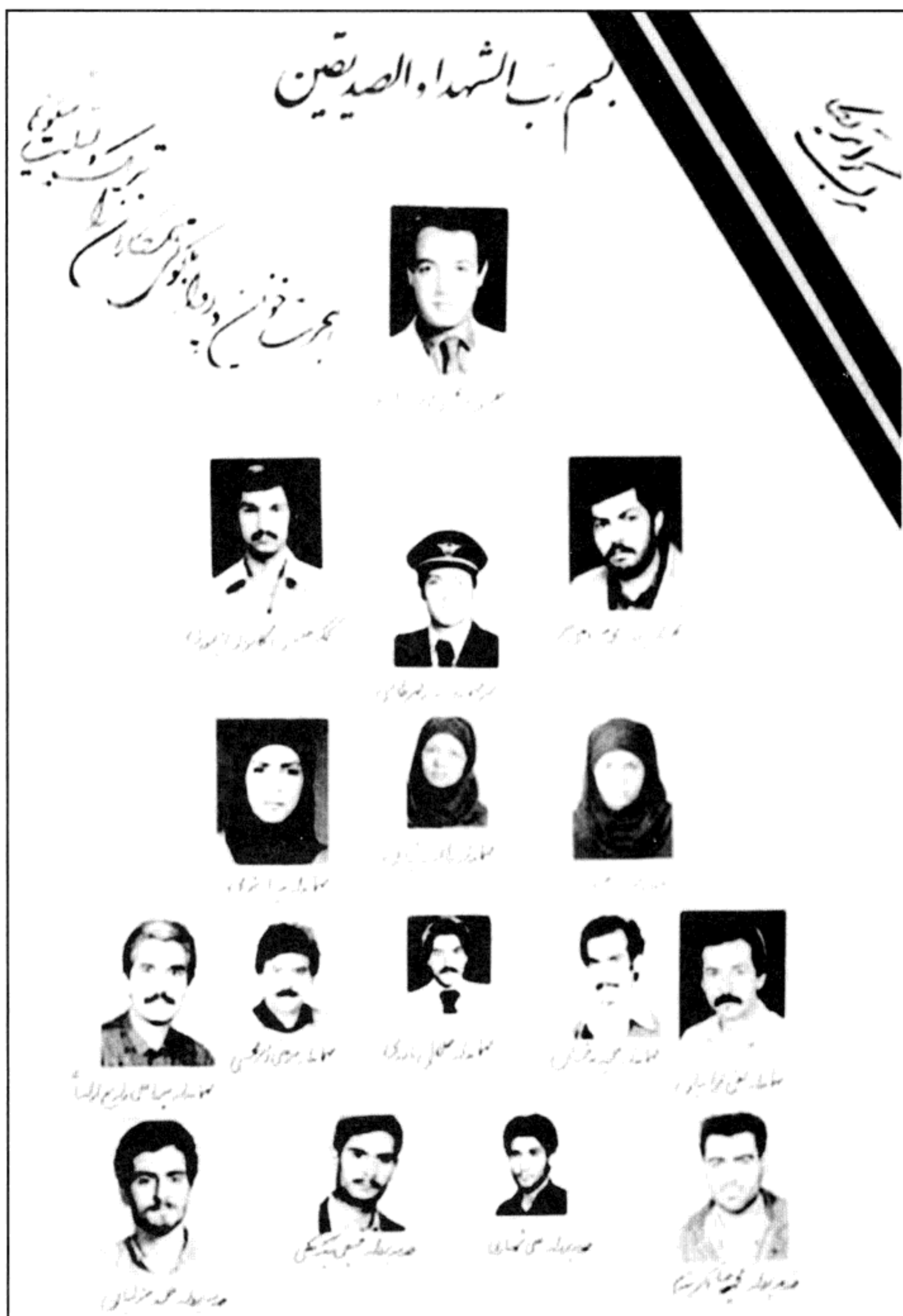
مهدی و یاسر آمدند. برای رزمندگان نیازمند کمک گرفتند. مهدی و محمد هاشمیان و فرزندان آشیخ حسین[هاشمیان]، همراه آقای امینی فرمانده گردان غواص از رفسنجان آمدند. نظراتی درباره جنگ ابراز داشتند. امینی مرد شجاعی است. دو برادرش شهید شده‌اند و خودش بارها مجروح و مهدی هم مجروح است؛ در شلمچه مجروح شده است.

عصر از لشکر ۱۰ سیدالشهداء آمدند. برای ماشین و امور مالی استمداد کردند. آقای [سیدجمال] ساداتیان آمد. گزارش سفر به کره جنوبی را داد و از آمادگی کره‌ای‌ها برای همکاری تسلیحاتی گفت. با گروهی از نمایندگان جلسه داشتیم که سئوالاتی و پیشنهادهایی درباره جنگ داشتند. این جلسه دو سه ساعت طول کشید. تا ساعت نه در دفترم کار کردم و سپس به منزل آمدم.



بقایای هواپیمای ساقط شده ایرباس

۱ - هواپیمای ایرباس — ۳۰۰ متعلق به شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) با ۲۹۰ سرنشین شامل ۲۷۴ مسافر و ۱۶ خدمه پرواز، قرار بود ساعت ۱۰ صبح از بندر عباس به مقصد دوبی پرواز کند که این پرواز با ۱۵ دقیقه تأخیر یعنی در ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه صورت گرفت. هواپیمای مسافربری ایران در حالی که ارتفاع ۷ هزار پایی را پشت سر گذاشته بود و به سمت ۱۲ هزار پا می‌رفت، در این حال ناو وینسنس آمریکا دو فروند موشک سطح به هوا شلیک کرد که هواپیما در همان لحظه اول اصابت دو نیم شد و سقوط کرد. هواپیما پس از سقوط در دریا به زیر آب رفت و بخشی از هواپیما که علیرغم انفجار از بین نرفته بود، دچار صدمه کامل شد. سرنشینان هواپیما پس از انفجار به شهادت رسیدند. بررسی پیکر شهدا که تکه تکه شده و لباس برتن نداشتند، نشان داد، در اثر موج انفجار و فشار هوا هنگام سقوط همه له شده‌اند و آثار سوختگی بر روی تعدادی از آنها مشخص بود. در میان شهدا اجساد کودکان، زنان و افراد سالمند نیز دیده می‌شد.



شهدای تیم پروازی هواپیمای ایرباس

دوشنبه ۱۳ تیر | ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۸ | ٤ جولای ۱۹۸۸

در راه مجلس از محل ستاد کل و دفتر فرماندهی، ستاد مشترک و مقر عقیدتی سیاسی ارتش بازدید کردم. ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسئله سقوط هواپیمای ایرباس ایران، همه اخبار را تحت‌الشعاع گرفته و موج وسیع انتقاد و محکومیت علیه آمریکا بلند شده و سران آمریکا به تناقض افتاده‌اند و در انفعال، موضع دفاعی گرفته‌اند[1].

آقای [محمد] سهرابی فرمانده ژاندارمری آمد. وضع ژاندارمری و مقدار حضور در جبهه و جنگ و نیازها را گفت. فرمانده متحرک و روحیه داری است. آقای علی جنتی آمد. بنا است رئیس دفتر فرماندهی کل باشد. در این خصوص مذاکره کردیم. آقای [محمدعلی] نظران آمد. درباره وظایف دبیر شورای عالی دفاع و مأموریت‌های دیگر خودش صحبت شد و از اینکه دستور تخلیه محل کارش را برای ستاد کل از طریق دیگران داده‌ایم، گله داشت. دلجویی به عمل آوردم.

آقای [محمد] رشیدیان [نماینده آبادان] آمد. مقداری علیه سران سپاه گفت؛ معمولاً انتقادگر است. آقای [عباسعلی] اختری امام جمعه سمنان آمد. تشکیلات عمومی کشور و جنگ را مطرح و چاره‌جویی کرد؛ پیشنهاد قاطعیت و برخورد جدی با مسائل را داشت. آقایان قیصر و شاملو برای امور اداری مجلس آمدند.

---

[1] - رسانه‌های بین‌المللی که از هر موضوعی برای ایجاد اختلاف در ایران استفاده می‌کردند، جنایت آمریکا در حمله به هواپیمای ایرباس ایران را مورد تحلیل قرار دادند. روزنامه نیویورک تایمز برای ایجاد اختلاف میان مسئولان کشور ادعا کرد: سرنگونی این هواپیما موجب بروز خشم و غضب و در عین حال اختلاف و دودستگی در ایران شده است. گروه تحت رهبری هاشمی رفسنجانی خواستار آن است که زمینه برای محکوم ساختن آمریکا در سطح بین‌المللی فراهم شود، اما گروهی که حسینعلی منتظری آنان را رهبری می‌کند، حمله به منافع آمریکا را توصیه کرده است. رفسنجانی علیه پاسخی عجولانه به اقدام آمریکا هشدار داد. او گفت ما باید بگذاریم همه در جهان از این جنایت باخبر شوند، درباره آن بحث و تبادل نظر کنند و مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. رئیس مجلس افزود: «آمریکایی‌ها برای آنکه بتوانند فشار تبلیغاتی را از دوش آمریکا به نقطه دیگر منتقل کنند، ممکن است در گوشه‌ای از جهان در انتظار اقدامی ناشیانه باشند.» رفسنجانی گفت که ایران حق انتقام گرفتن را برای خود محفوظ می‌دارد، اما افزود: « تعیین زمان انتقام با ما است نه با آمریکا». روزنامه واشنگتن پست نیز نوشت: رفسنجانی اولین مسئول ایرانی است که گفت: «سقوط هواپیمای ایرانی، ممکن است عمدی نباشد.» با همه این احوال رفسنجانی در سخنان خود گفت: «حتی اگر این سانحه حادثه‌ای بیش نبوده باشد، باز آمریکا برای این کشتار باید مورد سرزنش قرار گیرد.»

یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۷ ـ ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۸ ـ شماره ۲۶۳۷ ـ سال دهم
جمهوری اسلامی
۱۲ صفحه
تکشماره ۲۰ ریال

در دیدار با برگزیدگان مسابقات ریاضی کشور
رئیس جمهور از جوانان خواست که
استعدادهای عظیم خود را برای سرنوشت
ملت و رفاه و سلامت کشور بکار گیرند
در صفحه ۱۲

سازمان حقوق بشر آلمان، تیرباران
چهارصد مصدوم شیمیائی توسط رژیم
عراق را محکوم کرد
در صفحه ۳

جزئیات حمله وحشیانه آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

دو تن از زرمندگان مفقود شده در خلیج فارس سالم از آب گرفته شدند

● ایران از خبرنگاران خارجی برای تهیه گزارش از آثار جنایت آمریکا در حمله به هواپیمای مسافربری ایران دعوت کرد

● ۱۵۶ مرد، ۵۹ زن، ۶۶ کودک زیر ۱۲ سال در کنار ۱۶ تن خدمه هواپیما ترکیب مسافرین را تشکیل می دادند

● پیکر بیش از ۱۱۰ تن از شهدای جنایت آمریکا تاکنون از آبهای خلیج فارس گرفته شد

امروز در سراسر کشور عزای عمومی اعلام شد

● فسایقهای کشتی ایران یک فروند هیکوپتر مهاجم امریکایی را هدف قرار داده و به قعر آبهای خلیج فارس فرستادند

تلویزیون ایتالیا: کاخ سفید در برابر یک بحران قرار گرفته است

● حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی یک فاجعه کم نظیر است

● ناو آمریکا به راحتی قادر بود هواپیمای غول پیکر ایرباس را که با سرعت پائین در پرواز بود از یک جنگنده مافوق صوت «اف ۱۴» تشخیص دهد

در صفحه ۹

مشمولان عادی، دیپلمه و فوق دیپلم ۲۵ حوزه به خدمت وظیفه فراخوانده شدند

در صفحه ۲

در جلسه دیروز هیات دولت تصویب شد

آن دسته از کارکنان دستگاههای دولتی که دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی وحداقل سه سال سابقه کار باشند رسما استخدام می شوند

در صفحه ۱۲

هشدار جمهوری اسلامی ایران به دولت متجاوز آمریکا

نخست وزیر: آمریکا از عواقب اقدام جنایتکارانه خود مصون نخواهد بود

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران طی بیانیهٔ شدیداللحنی اعلام کرد مسئولیت عواقب این جنایت بعهده آمریکا است

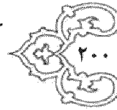
● دکتر ولایتی خواستار اعزام فوری هیات کارشناسی متخصص توسط دبیرکل سازمان ملل به منطقه برای بررسی جنایت هولناک امریکا در حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس شد

در صفحه ۹ و ۱۰

آمریکا رسماً به جنایت هولناک خود در خلیج فارس اعتراف کرد

فرمانده کل عملیات آمریکا در خلیج فارس: آمریکا منتظر بهانه جدیدی برای ضربه زدن به منافع ایران است

بازتاب حمله به هواپیمای مسافربری در روزنامه جمهوری اسلامی



آقای بابائی آمد. هفده میلیون تومان برای جنگ و لبنان و فلسطین و امور خیریه دیگر آورد و خواست که اعلان نشود. پدر شهید است و پدر شهید دیگری هم همراهش بود. آقای شمخانی اطلاع داد دشمن در هزار قلّه و دوپازا حمله کرده ولی موفقیت ندارد، اما درگیری ادامه دارد. این درگیری تا شب ادامه داشت و بعضی جاها نفوذ کرده بود و عقب رانده شده است. سرتیپ جمالی [جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش] هم اطلاع داد که دشمن با ارتش هم در دهانه شیلر درگیر است. او از دادن درجه و ترفیع از من تشکر کرد.

عصر در جلسه ستاد کل شرکت کردم. درباره کیفیت تبلیغات در مورد جنایت اخیر آمریکا مذاکره شد. سپس درباره عملیات آینده صحبت کردیم. قرار شد محدود و کم تبلیغات انجام شود؛ به عنوان اصلاح خط و انهدام دشمن. شب به خانه رسیدم. به اخبار گوش دادم. محسن هم آمد و خبر یک آزمایش موفق موشکی را داد.

امروز نامه آیت‌الله منتظری به امام و جواب امام منتشر شد. امام در جواب، دستور حمایت از من در جنگ به ایشان داده‌اند[۱].

سه‌شنبه ۱۴ تیر | ۲۰ ذیقعده ۱۴۰۸ ۵ جولای ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح بعد از استماع اخبار خودی و بیگانه در منزل به مجلس رفتم. تا ساعت هشت در دفترم گزارش‌ها را دیدیم. سقوط هواپیمای ایرباس در رأس اخبار است. موج اظهار تأسف عمومی است، ولی موج محکومیت آمریکا محدود است؛ بیشتر حمل بر اشتباه آمریکا می‌نمایند.

---

۱ - آیت الله منتظری در نامه خود به حضرت امام (ره) خواستار حمله به منافع آمریکا شدند. در بخشی از این نامه آمده است: «این جنایت دلخراش بار دیگر چهره ضد انسانی و منافقانه دولت آمریکا را برای جهانیان روشن نمود.... امید وافر دارم که اگر مقام معظم رهبری مصلحت دیدند و دستور اقدام دادند، توده‌های میلیونی مسلمانان جهان، امکانات مادی و معنوی فوق‌العاده خود را برای جنگ و مبارزه با دشمن اصلی اسلام و قرآن و ملت‌های مظلوم در اختیار قرار خواهند داد.» امام خمینی (ره) در پاسخ به پیام آیت الله منتظری فرمود: «پیام جنابعالی تسکینی بود به آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ، آمریکای حیله گر ضربه خورده‌اند.» حضرت امام(ره) در بخش دیگری از نامه خود خاطرنشان کردند: «جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید، با پشتیبانی از آقای هاشمی، وقت خود را مصروف در ساختن دنیایی از کرامت و بزرگواری نمائید.» متن کامل پاسخ امام خمینی (ره) در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

آمریکا از طریق سفارت سوئیس - حافظ منافعش - به ما پیغام داده و اظهار تأسف کرده و شفاهی گفته آماده است غرامت بپردازد. در جلسه علنی، قبل از دستور مفصلاً درباره جنایت آمریکا در اسقاط هواپیمای ایرباس صحبت کردم[۱].

ساعت نه و نیم برای انجام کارها و رسیدگی به امور جنگ به دفترم آمدم. مراجعات هم بود. [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. درباره خریدهای تسلیحاتی و کیفیت کنترل صحبت شد.

شخصی از مشهد با معرفی آقای خامنه‌ای آمد. مدعی اختراع وسیله ای است که از راه دور می‌تواند انفجارات عظیم ایجاد کند. گفتم یک مورد آزمایش لازم است تا جدی بگیریم. قرار شد بعد برای آزمایش بیاید. اگر ادعا درست باشد، منشأ تحول مهمی در جنگ است، اما احتمال صحت ادعا خیلی ضعیف است؛ چون منظورش همان کنترل از راه دور نیست.

ظهر فاطی و سارا و اخوی محمد به مجلس آمدند و ناهار را با من خوردند. محمد [هاشمی رئیس سازمان صداوسیما] از کمبود اعتبارات صداوسیما گفت.

عصر آقای موسوی اردبیلی آمدند. راجع به جنگ روانی نظراتی ارائه کردند. به جلسه ستاد کل رفتم. فرماندهان ارتش و سپاه هم آمده بود. طرح پدافند از خوزستان مطرح بود. گزارش وضع را دادند. خطر برای خوزستان جدی است. پیشنهادها و راه کارها مورد بحث قرار گرفت. جلسه تا ساعت ده و نیم شب طول کشید. به نتیجه قطعی نرسیدیم، ولی کار متمرکز مهندسی و اعزام وسیع نیرو، ضرورت قطعی شناخته شد. در راه و شیوه اعزام نیرو اتفاق نظر نبود؛ با حکم امام یا با تبلیغات متمرکز و هیجان عمومی. قرار شد در جلسه فردا

---

۱ - در این نطق آمده است: «این جنایت عظمای آمریکا در خلیج فارس که انصافاً در تاریخ معاصر، ما نمونه‌ای برایش نداریم و همان طور که دیگران هم گفته‌اند فاجعه سقوط هواپیمای کره‌ای در شوروی یا هواپیمای لیبی به دست اسرائیل، هیچ قابل مقایسه با این جنایت عجیب نیست. الان بحث نیست که این فاجعه هست یا نیست، چون تمام دنیا این را فاجعه گفته‌اند. بحث سر این است که این فاجعه به صورت جنایت عمدی یا اشتباه اتفاق افتاده. احتمال اینکه این اشتباه باشد بسیار ضعیف است و حتی اگر اشتباه هم باشد، آمریکا قابل تبرئه نیست، برای اینکه روشن است که حضور آمریکا در خلیج فارس به این گونه که فعلاً هست، این گونه حوادث را می‌توانند داشته باشد. در منطقه‌ای که روزانه بیش از صد هواپیمای مسافربری مملو از مسافر عبور می‌کند و همیشه هم در این منطقه حادثه هست، آیا تکرار این اشتباه - اگر اشتباه باشد - محتمل نیست؟ احتمال جدید ندارد؟» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

عصر، پس از بررسی مقدار قدرت جذب و تدارک و بـه کـارگیری، تـصمیم‌گیـری شـود. ساعت یازده شب، خسته و گرسنه به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱٥ تیر | ۲۱ ذیقعده ۱٤۰۸ ٦ جولای ۱۹۸۸

تحت تأثیر ناراحتی‌ها، در طول شب خواب‌های نگران کننده‌ای می‌دیـدم. صـبح بـرخلاف روزهای گذشته با خستگی و کوفتگی از خواب بلند شدم. مقداری نـرمش در حیـاط منـزل انجام دادم؛ نشاط لازم را نداد. به مجلس رفتم و تا ظهر کارهای اداری را انجام دادم. عـصر در جلسه هیأت رئیسه مجلس شرکت کردم.

سپس به جلسه ستاد کل رفتم. در این جلسه درباره راهکار بسیج عمومی و اعـزام وسـیع نیرو بحث شد. قرار شد ستاد اعلامیه بدهد و حکـم امـام را بـرای مراحـل بعـدی بگـذاریم. همچنین تصمیم گرفتیم حلبچه را برای حفاظت از خوزستان تخلیه کنیم.

پنجشنبه ۱٦ تیر | ۲۲ ذیقعده ۱٤۰۸ ۷ جولای ۱۹۸۸

تا ساعت هشت صبح در دفترم گزارش‌ها را دیدم. سقوط هواپیمای ایرباس ایـران هنـوز در صدر اخبار است و معمولاً به نفع ما و علیه آمریکـا. تـا نزدیـک سـاعت ده در جلـسه علنـی بودم. مقابل مجلس، اجتماع مردم برای تـشییع جنـازه شـهدای سـقوط ایربـاس بـود. تـنفس دادیم و با نماینده‌ها شرکت کردیم. آیت‌الله خامنه‌ای صحبت نمودند. به دفترم آمدم. آقای [محسن] نوربخش [نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد. درباره خـتم جنـگ از طریق سیاسی توصیه داشت و راه مشخصی را پیشنهاد نمود.

ظهر جمعی از دفتر تبلیغـات اسـلامی قـم آمدنـد. بـرای اعـزام طـلاب بـه جبهـه بودجـه می‌خواستند. عصر آقای عبدالله نوری آمـد. دربـاره وزارت جهـاد سـازندگی و دفتـر طـرح تشکیلات نیروهای مسلح مذاکره شد. جمعی از مبتکران وسائل نظامی آمدند. وسیله انفجار

از راه دور برای نمایش و آزمایش آوردند. چون چیز تازه‌ای نبود، آزمایش نکردیم. برای تکمیل کار به وزیر سپاه معرفی شدند.

جمعی از فرماندهان سپاه آمدند. نظراتی درباره جنگ داشتند. این روزها به خاطر نگرانی‌ها برای ارائه طرح، خیلی مراجعه می‌کنند و چیز مهمی ارائه نمی‌دهند. آقای هدایت [لطفیان] مسئول قرارگاه حمزه آمد. مطابق معمول انتقادات زیادی نسبت به فرماندهان بالای سپاه داشت. آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد و اختیارات بیشتر خواست. آقای شمخانی آمد. برای دفاع از جنوب، پیشنهاد سه قرارگاه و یک قرارگاه مشترک داشت. به خانه آمدم.

جمعه ۱۷ تیر | ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۸ | ۸ جولای ۱۹۸۸

تا ساعت ده ونیم در منزل مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۱]. احساسات ضد آمریکایی مردم شدید است[۲]. بعد از نماز به مجلس رفتم[۱]. محسن و مهدی

---

۱ – در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع استکبار و استضعاف دنبال شد. در خطبه دوم به مسأله جنگ به عنوان مسأله اصلی روز و در ارتباط با آن، جنایت ایالات متحده آمریکا در حمله به هواپیمای مسافربری ایران پرداخته شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «به نظر این جنایت آمریکا یک حادثه مجزایی از داستان جنگ نیست. قضیه خیلی وسیع‌تر از اینهاست که دیده می‌شود. برنامه وسیعی تنظیم شده که حزب بعث را نجات دهند و جمهوری اسلامی را از حقش محروم کنند. ما شرایط را امروز بسیار حساس می‌بینیم. دعوتی که شورای عالی پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد، هدایتی که حضرت امام کردند و از مردم خواستند که امکانات و نیروها را متوجه جبهه‌ها کنند. تکلیف است بر آنهایی که قدرت تفنگ به دست گرفتن دارند، مخصوصاً آنهایی که آموزش دیده‌اند، چه به جنگ رفته‌اند و چه نرفته‌اند، سریعاً خود را به پایگاه‌های اعزام در سراسر کشور معرفی کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ – خبرگزاری فرانسه گفت: «بیش از ۳۰ هزار نمازگزار امروز جمعه، در جریان مراسم هفتگی نماز جمعه در تهران میعادگاه انقلاب اسلامی فریاد می‌زدند «هاشمی هاشمی خدا نگهدار تو» واقع گرایان که آقای رفسنجانی در رأس آنها قرار دارد، طرفدار یک وقفه انقلابی و گشایش اقتصادی و دیپلماتیک هستند، حال آنکه ایده‌آل گرایان خواستار اتخاذ یک خط مشی رادیکال نسبت به جنگ علیه عراق و ادامه تجربه انقلابی هستند. ناظران بیگانه در تهران اظهار عقیده کردند ارزش دهی به آقای رفسنجانی که اخیراً در پی چهار شکست نظامی علیه عراق به سمت جانشین فرمانده کل قوا ترفیع یافت، می‌تواند در فراسوی سخنرانی‌های همگانی که در آن انتقام خواسته می‌شود، پاسخگوی نگرانی مقامات ایران مبنی بر بهره جویی از برگ میانه‌روی در ماجرای حمله به ایرباس ایرانی باشد.»

هم با من بودند.

بعد از ناهار و استراحت و خواندن گزارش‌ها، ساعت چهار بعد از ظهر به سوی قم حرکت کردیم. ساعت پنج و نیم رسیدیم. آقای منتظری منتظرم بودند. تا ساعت هشت و نیم شب با ایشان درباره جنگ و مسائل جاری کشور مذاکره کردیم. ایشان هم معتقد به لزوم ختم جنگ از طرق سیاسی است؛ برای بازسازی نیروهای مسلح و اظهار آمادگی کردند که نماینده‌ای در ستاد [کل فرماندهی نیروهای مسلح] داشته باشند.

از جنوب خبر می‌دهند که دشمن در مقابل آبادان و خرمشهر تجمع کرده و بمباران و گلوله باران دارد و از شیمیایی هم استفاده می‌کند. به نیروی هوایی گفتم که آماده باشند و به نخست وزیر گفتم از امکانات استانداری‌ها برای انتقال نیروها از شمال به جنوب استفاده شود. ساعت ده و نیم شب به منزل رسیدیم. کمی باران بارید.

شنبه ۱۸ تیر | ۲۴ ذیقعده ۱۴۰۸ ۹ جولای ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم. مراجعات زیادی بود، مبنی بر نگرانی از حمله عراق به خرمشهر و آبادان و معلوم شد [آقای محسن میردامادی] استاندار [خوزستان] و [آیت‌الله موسوی جزایری] امام جمعه اهواز اعلان خطر کرده‌اند و از مردم خواسته‌اند به جبهه بروند. قرار نبود با این صراحت اعلان شود. آقای عبدالله نوری آمد. درباره وزارت جهاد سازندگی و دفتر طرح تشکیلات نیروهای مسلح صحبت شد. عصر در دفترم کارهای مجلس را انجام دادم.

نمایندگان خوزستان آمدند و برای جزیره آبادان اظهار نگرانی کردند. توضیح دادم که چه کمک‌هایی برای دفاع ارسال شده است. شب جلسه سران قوا در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای

---

۱ - خبرگزاری رویتر اعلام کرد: «دیپلمات‌ها معتقدند که تصمیم ایران مبنی بر خودداری از دست زدن به اقدام تلافی‌جویانه علیه واشنگتن برای سرنگونی یک هواپیمای ایرباس ایران ایر، به دلیل کسب حمایت بین‌المللی در جنگ این کشور علیه عراق می‌باشد. اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و جانشین فرمانده کل قوا در مراسم نماز جمعه در دانشگاه تهران گفت که ایران دست به خطر مهجور ماندن در افکار عمومی جهان نخواهد زد. ایران امیدوار است که سازمان ملل را برای بدست آوردن حداقل شرایط برای پایان دادن به جنگ متقاعد سازد که این شرط محکومیت عراق از سوی سازمان ملل به عنوان متجاوز در جنگ هفت ساله خلیج فارس می‌باشد.»

بود. دکتر ولایتی که عازم نیویورک است، درباره شورای امنیت مشورت کرد. ضمناً به او گفته شد برای حل مسئله جنگ از طریق سیاسی اقدام کنند تا عراق به عنوان متجاوز شناخته شود. درباره کابینه دولت هم مذاکره کردیم. نخست وزیر و رئیس جمهور به توافق نرسیدند. قرار شد فردا در مجلس، من برای حذف الزام به رأی اعتماد اقدام کنم که کابینه موجود تا سال دیگر ادامه دهد. نزدیک ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱۹ تیر | ۲۵ ذیقعده ۱٤۰۸ ۱۰ جولای ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم. تا ساعت هشت کار کردم. قبل از شروع جلسه رسمی به نمایندگان توصیه کردم با طرح دو فوریتی عدم اجرای ماده ۱۴۵ آئین‌نامه، که دولت را موظف کرده در ابتدای هر دوره جدید مجلس، رأی اعتماد بگیرد، موافقت کنند. به خاطر وضع جاری جبهه و پشت جبهه و مشکلات کشور، اکثریت قوی نمایندگان موافقت کردند و دو فوریت طرح تصویب شد[1]. به دفترم آمدم.

آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] آمد. درباره برنامه‌های زمان حج صحبت کرد. گفتم با کارهای تند موافق نیستیم. آقای [مرتضی] کتیرائی برای امور اداری مجلس مراجعه کرد. گفتم برای پذیرائی از [اعضای مجلس] خبرگان که هفته آینده جلسه دارند، آماده شود. ظهر جمعی از نمایندگان آمدند. طرح‌هایی برای همکاری نمایندگان در امور جنگ ارائه دادند.

عصر سرهنگ جلالی [وزیر دفاع] آمد و درباره دادن بخشی از خانه‌های سازمانی ارتش

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: « طبق اصل ۱۴۵ نظام نامه داخلی مجلس، نخست وزیر ایران در گشایش هر دوره مجلس می‌باید کابینه خود را به آن معرفی و وزرای خود را در معرض قضاوت نمایندگان قرار دهد. یکشنبه گذشته گروهی از نمایندگان هوادار دولت در مجلس طرحی را پیشنهاد کردند اصل ۱۴۵ نظام نامه داخلی به خاطر موقعیت استثنایی کشور به اجرا گذاشته نشود. به گفته این دسته از نمایندگان مجلس به واسطه جنگ و انتخابات ریاست جمهوری که به زودی برگزار خواهد شد، موقعیت کابینه کنونی می‌باید تحکیم گردد و امروز هنگامی که این طرح مورد تصویب قرار گرفت، اعضای شورای نگهبان که در مجلس حضور داشتند، استدلال نمایندگان را نپذیرفتند و این طرح را رد کردند. طبق دستور آیت الله خمینی اختلاف نظرهای شورای نگهبان و مجلس می‌باید در مجمع تشخیص مصلحت که مرکزی از نمایندگان مجلس، شورای نگهبان، قوه قضائیه و نماینده خود آیت الله خمینی است، به مورد بحث و جدل گذاشته شود.»

به زنان فاسدی که از محله جمشید جمع آوری شده‌اند، مشورت کرد. گفتم ارتشی‌ها را ناراحت می‌کند.

تیمسار [علی] شهبازی [رئیس ستاد کل ارتش] آمد. درباره ستاد کل مطالبی داشت؛ ابهاماتی دارد و ناراحتی‌هایی. از دخالت دولت در امور ارتش راضی نیستند و مخصوصاً از انحلال ستاد. پیشنهاد تشکیل فرماندهی کل برای ارتش دارد که معاون رئیس ستاد باشد.

[آقای سید لطف‌الله] اتابکی دادستان ارتش آمد. راجع به کیفیت اتهامات فساد در خریدهای تسلیحاتی پرسید که گفتم با شدت تعقیب کنند. دکتر روحانی آمد. درباره مسائل جنگ و سفر و ستاد و حوزه رسیدگی فرماندهی مذاکره کردیم. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۰ تیر | ۲۶ ذیقعده ۱۴۰۸ — ۱۱ جولای ۱۹۸۸

تا نزدیک ظهر در منزل بودم. چمدان سفر به جبهه را بستم. تلفنی به کارهای جنگ و مجلس پرداختم. آقای [محمد علی] انصاری از بیت امام آمد و مطالبی درباره برداشت از مراجعات مردم به بیت را گفت. آقای [علیرضا] افشار آمد. برای امور پرسنلی و اعزام نیروی رزمی مطالبی و درباره سپاه کشوری پیشنهادی داشت. حاج احمدآقا آمد. درباره آینده جنگ مذاکره کردیم. آقای دکتر [سید حسن] فیروز آبادی [مشاور نظامی نخست وزیر] آمد. درباره تشکیلات ستاد کل پیشنهادهایی آورد که قرار شد بررسی کنم.

نزدیک ساعت دوازده ظهر به سوی فرودگاه مهرآباد حرکت کردیم. مهدی هم با من آمد. دوازده و نیم پرواز کردیم و نزدیک یک و نیم در پایگاه هوایی شیراز به زمین نشستیم. ناهار را در هواپیما صرف کردیم. فرماندهان پایگاه منتظر بودند و فقط احوال‌پرسی کردم و با ماشین به سوی اهواز حرکت کردیم. ساعت پنج بعد از ظهر در کنار رودی در قریه کوین نماز خواندیم. با دو سه نفر از افراد بومی صحبت کردم. مردم از وضع زندگی راضی بودند.

در منطقه ممسنی، دره‌ها آباد و پر آبادی هستند و موتورهای آب همه جا به چشم می‌خورد که برای مزارع صیفی مشغول کار است. ساعت یازده شب به اهواز رسیدیم. نماز

و شام انجام شد.

آقای شمخانی اطلاع داد که تخلیه حلبچه، امشب کامل می‌شود و فردا ستاد کـل اعـلام خواهد کرد؛ مضمون اعلام را گفت. از دفتر مجلس اطلاع دادند که در منطقه حاج عمـران دشمن تجمع نیرو دارد و ارتش از ارتفاع در شیلر عقب نشسته است. گلو درد خفیفی داشتم که به خاطر آن امروز چند کپسول [آنتی بیوتیک] مصرف نمودم.

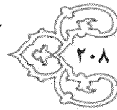
سه‌شنبه ۲۱ تیر | ۲۷ ذیقعده ۱٤۰۸ ۱۲ جولای ۱۹۸۸

برای نماز صبح بلند شدم و دیگر نخوابیدم؛ خسته‌ام، خستگی راه و مشکلات جنگ. بـه مطالب رادیوهای آمریکا و انگلیس گوش دادم. آمریکـا تـصمیم گرفتـه بـه خـانواده‌هـای شهدای هواپیمای ایرباس ایرانی غرامت بدهد. بیشتر بحث‌هـا دربـاره عواقـب همـین حادثـه است و شورای امنیت که بنا است امروز به خواست مـا جلـسه تـشکیل دهـد؛ گرچـه رادیـو انگلیس گفت که دو روز به تأخیر افتاده و بعداً معلوم شد خبر بی بی سی، درست است.

آقای محسن رضائی آمد. وضع پدافند جزیره آبادان و خرمشهر و سایر نقاط را توضـیح داد. خبر دادند که ساعت شش و نیم، دشمن به منطقه زبیدات و حمـرین حملـه کـرده کـه ارتشی‌ها از آن دفاع می‌کنند. مطابق معمول خبرهای اولی می‌گفت حمله را دفـع کـرده‌انـد ولی کم کم مطابق معمول گفتند در چند نقطه خط شکسته. از سلاح شیمیایی استفاده شده. بعداً معلوم شد که حدود ساعت یازده کار به کلی تمام شده است.

از شهرهای نزدیک منطقه نبرد خبر می‌رسد که نیروهـای فـراری بـه آنجـا رسـیده‌انـد و دشمن در جاده دهلران حضور دارد و به عمق عقبه‌ها نفوذ کرده و قرارگـاه لـشکر را خـالی کرده‌اند. آقای [حسین] علائی [فرمانده نیروی دریایی سپاه] اطلاع داد که قایق‌هـایی، یـک کشتی حامل نفت کویت را زده‌اند و با هلی‌کوپترهای آمریکا درگیر شده‌اند.

عصر هم آقایان محسن رضـائی، [علـی] شـمخانی، [غلامعلـی] رشـید و [یحیـی رحـیم] صـفوی آمدنـد و دربـاره جنـگ و دفـاع و سـازمان نیروهـای مـسلح حـرف زدیـم. شـب قرارگاه‌های کربلا و نجف آمدند و برنامه‌هـای خـود بـرای دفـاع از خرمـشهر و آبـادان را



گفتند. مهندسی رزمی آمد و برنامه استحکامات و موانع برای حفاظت از اهواز و آبادان و خرمشهر را گفت.

آخر شب درباره برنامه ستاد کل و آینده نیروهای مسلح صحبت کردیم. با نخست وزیر و وزیر ارشاد درباره اعلامیه عقب‌نشینی از حلبچه صحبت کردیم و امروز اعلان شد. نخست وزیر نگران آثار منفی آن در اعزام نیروها است و از من خواست که مصاحبه کنم.

چهارشنبه ۲۲ تیر | ۲۸ ذیقعده ۱۴۰۸ ۱۳ جولای ۱۹۸۸

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم و به اخبار خارجی و داخلی گوش دادم. تبلیغات منفی غربی‌ها درباره وضع جبهه کم است؛ لابد نمی‌خواهند. عده‌ای از پاسداران را برای عیادت مجروحان ارتشی دیروز زبیدات فرستادم. مصدوم سطحی شیمیایی زیاد است ولی مصدوم جدی کم است. اکثراً مرخص شده‌اند. بناست خبرنگارها امروز بیایند. با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم که سفر خود به جبهه را تأخیر بیندازند تا اجلاس خبرگان برگزار شود و من به تهران برگردم و وضع را آن گونه که هست بگوییم و با امام هم صحبت کنیم و سپس ایشان به جبهه بروند.

جلسه‌ای با فرماندهان سپاه داشتیم. درباره طرح کلی پدافند از خوزستان که اطلاعات و عملیات ستاد کل پیشنهاد داده و مورد تأیید ستاد قرار گرفته، قرار شد دستور اجرا بدهیم. سپس درباره آینده سپاه صحبت کردیم. تمایل حضار این است که به صورت نیروی ویژه پاسدار انقلاب در حدود یکصد و پنجاه گردان بماند و نیروهای اضافی با درجات معادل درجات ارتشی به ارتش بروند و درجات نیروی ویژه، با اسامی دیگر ولی معادل درجات نیروهای ارتشی تنظیم شود. قرار شد پیشنهاد خود را بنویسند و به امضای سران سپاه برای بررسی به ما بدهند.

از منطقه فکه هم اطلاع رسید که بر اثر فشار دشمن، تعادل لشکر ۷۷ از دست رفته و در کنترل فرماندهان نیست و از سپاه کمک خواسته‌اند. نخست وزیر از قول آقای عابدینی اطلاع داد که نیروهای جمع آوری شده ارتش که در خط پدافندی جدید عین خوش

رفته‌اند با مواجه شدن با بمباران دشمن، باز هم متفرق شده‌اند. معمول نیست که نیروی از هم گسیخته را مجدداً در خط گذاشت، ولی قلت نیرو آن را دیکته می‌کند.

عصر استانداران خوزستان و خراسان آمدند. انتقادات شدیدی به وضع فرماندهی در جریان شکست زبیدات داشتند که فرماندهان نقش درستی ایفا نکرده‌اند. سرتیپ جمالی جانشین فرمانده نزاجا [=نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش عملیات دشمن و انهدام نیروهای خودی را داد. دشمن خط مقدم را با فشار شیمیایی شکسته و مدعی‌اند نیروها در جلو خوب مقاومت کرده‌اند[1].

پنجشنبه ۲۳ تیر | ۲۹ ذیقعده ۱۴۰۸ — ۱۴ جولای ۱۹۸۸

ساعت سه و نیم صبح بیدار شدم. بعد از نماز، آقای [محمد اسماعیل] کوثری فرمانده لشکر حضرت رسول (ص) آمد و از مشاهدات خود در منطقه دشت عباس و اقدام‌های گردان ارسالی خودش گفت؛ قرار شده سه گردان را برای اقدام در مقابل پیشروی عراقی‌ها تحت امر ارتش قرار دهد.

با آقای شمخانی درباره اقدامات لازم آینده در جهت گردآوری و اعزام نیروهای متواری به منطقه صحبت شد.

به سوی پایگاه امیدیه حرکت کردیم. مقداری راه را اشتباهی رفتیم و با تأخیر به پایگاه

---

۱ - رادیو صدای آمریکا گفت: «عراق می‌گوید واحدهای تانک آن کشور پس از تارومار کردن خطوط دفاعی ایران مشرف بر جاده میان بغداد و بصره، وارد بخش مرکزی جبهه‌های جنوبی در خاک ایران شده‌اند. فرماندهی عالی عراق اعلام کرد که برای اولین بار در شش سال گذشته نیروهای عراقی شهر دهلران را تصرف کردند. یک عضو فرماندهی عالی عراق گفت که نیروهای آن کشور ظرف چند روز آینده از دهلران خارج خواهند شد. پیشروی در جبهه جنوبی تازه ترین مورد از سلسله پیروزی‌های عراق است که از ماه آوریل گذشته با بازپس گیری شبه جزیره فاو آغاز شد. شکست‌های ایران در کارزار، ظاهراً باعث شده که رهبران ایران استراتژی خود را مورد تجدید نظر قرار دهند. اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و جانشین فرمانده کل قوای ایران، خطاب به ایرانیان گفت که آنان در عوض امید به پیروزی، با چند حمله کوتاه مدت، اکنون باید خود را برای یک جنگ طولانی آماده کنند. رفسنجانی گفت رهبران ایران به این نتیجه رسیدند تغییراتی که نیروهای ایران در مواضع خود داده‌اند، ضروری بوده است. وی گفت عقب نشینی ایران از شهرک کردنشین حلبچه در شمال شرقی عراق یکی از این تغییر مواضع بوده و اظهار داشت که تغییرات دیگری در پی خواهد بود. ایران بعداً عقب نشینی تازه‌ای را اعلام کرد.»

رسیدیم. ساعت شش با دو فروند فالکن و جت استار به طرف تهران پرواز کردیم. به منزل رفتم. نمایندگان مجلس اصرار داشتند که به مجلس بروم و درباره مسائل جنگ برای آنها توضیح بدهم. این کار به روز شنبه موکول شد.

از سران قوا خواستم که برای مذاکره درباره آینده جنگ، با توجه به مسائل اخیر جبهه، عصر به منزل بیایند. آقای[سید محمد] خاتمی خبر داد که نیروهای ما طبق قرار از منطقه حاج عمران عقب نشسته‌اند؛ قرار شد خودمان اعلان کنیم. مکرراً با جبهه در مورد اوضاع در تماس بودم. ساعت پنج بعد از ظهر، سران قوا و احمدآقا آمدند. وضع جبهه و رویدادهای اخیر را گفتم.

بعد از کمی بحث، سیاست ختم جنگ مورد اتفاق نظر قرار گرفت و دسته جمعی برای پیشنهاد ختم جنگ خدمت امام رفتیم. نماز مغرب و عشاء را با امام خواندیم و به مذاکره نشستیم. جلسه بیش از یک ساعت طول کشید.

شرح مبسوطی از مشکلات جنگ و ضعف روحیه و امکانات و عده خودی و قدرت و امکانات دشمن را توضیح دادیم و مشکل پدافند از خوزستان را که سپاه برای آن ۴۵۰ گردان نیروی پیاده و ۶۰ گردان زرهی و ۱۲۰ گردان توپخانه خواسته است و با تخصیص دو سوم این مقدار، بقیه خطوط به شدت آسیب پذیر خواهد شد و هم اکنون هم شده، با اینکه چنین نیرویی را به خوزستان نبرده‌ایم، جزئیات شکست‌ها را توضیح دادم.

ایشان فرمودند راه حل چیست؟ همگی گفتیم ختم جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ یا شکل دیگر. امام نگران عدم وفای دشمن بودند و ناراحتی مردم حزب‌الله که احتمال اول را ضعیف و احتمال دوم را هم در مقابل خوشحالی بخش عظیمی از مردم و آثار مثبت صلح قابل تحمل دانستیم، و علاوه بر این، پیش بینی اجبار به پذیرش صلح در آینده، بعد از تحمل خسارات بیشتر به علت کمی نیروی داوطلب و بی‌خاصیتی نیروهای اجباری.

سرانجام ایشان موافقت کردند و فرمودند با حضور جمعی از وجوه روحانیت و مدیران و مسئولان تصمیم‌گیری شود[1]. ما به منزل برگشتیم و لیستی از ائمه جمعه و نمایندگان و

۱ - در سال ۶۷ حمایت هشت ساله نظام ظالمانه بین‌الملل از عراق در حال به نتیجه رسیدن بود. ارسال مستمر تجهیزات روسی، فرانسوی و غیره اعم از سلاح‌های سبک و سنگین و نیز تجهیزات استراتژیک به عراق در حدی بود که توان ارتش عراق را در پایان هر سال — با وجود منهدم شدن بسیاری از تجهیزاتش به دست قوای مسلح ایران — بیش از توان آن در آغاز همان سال می‌نمود. کمک‌های مالی فراوان☜

وزراء و روحانیون جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم و اعضای] شورای نگهبان و... تهیه شد و برای تصویب امام فرستادیم که تصویب کردند.

آخر شب [آقای محتشمی پور] وزیر کشور اطلاع داد که دشمن نوسود را گرفته، که بعداً تکذیب شد. او برای معالجه مرض جدید شبیه وبا که در زاهدان دیده شده استمداد کرد. نخست وزیر به وزیر بهداشت دستور اقدام داد.

جمعه ۲۴ تیر | ۳۰ ذیقعده ۱۴۰۸ ۱۵ جولای ۱۹۸۸

در منزل بودم. علی حسین بنا آمد و برای مشکل برادرش کمک خواست. آقای [محمد علی] رحمانی مسئول بسیج آمد. درباره بسیج توضیح داد و از انتقادی که من در جلسه

کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی و کویت نیز به حدی بود که هرگز حکومت عراق، احساس فشار اقتصادی نمی‌کرد و از اعتبارات و دلارهای نفتی آنان در معاملات خارجی خود هزینه می‌کرد. انتقال تکنولوژی پیشرفته و مشارکت دولت‌های غربی در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی از جمله استفاده از گازهای سمی و شیمیایی، ارتش عراق را به قدرتی فرامنطقه‌ای تبدیل کرده بود. برخورداری ارتش عراق از اطلاعات ماهواره‌ای و جاسوسی غرب خصوصاً آمریکا و نیز مشارکت مستشاران نظامی روسی و آمریکایی در تجزیه و تحلیل توان نظامی ایران، قدرت فرماندهی ارتش عراق را افزایش داده بود. رهبری مستبدانه حکومت عراق نیز که طبقات مختلف مردم این کشور را مسلح کرده و در اختیار سازمان‌های ارتش قرار داده بود، مکمل کمک‌های خارجی گشته وارتش عراق را به حدی رسانده بود که آماده به دست گرفتن ابتکار عمل باشد. از سوی دیگر و در نقطه مقابل، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و مسدود کردن هرگونه معامله نظامی با ایران که از همان روزهای اول جنگ آغاز شده بود، همچنین جنگ نفت که اقدامی جهانی علیه ایران محسوب می‌شد و در سال‌های آخر جنگ، قیمت نفت را گاهی به بشکه‌ای کمتر از ۷ دلار رسانده بود و همچنین حمله به کشتی‌ها که با حضور آمریکا در خلیج فارس و بمباران کشتی‌های تجاری ایران به وسیله هواپیماهای فرانسوی - که در اختیار عراق قرار گرفته بود - و حداقل صادرات و واردات ایران را نیز با مشکل روبه رو کرده بود، همگی دست به دست هم داده بودند که توان نیروهای مسلح ایران را به حداقل ممکن کاهش دهند. در همین راستا وارد نشدن آسیب اساسی به ارتش عراق در سال ۱۳۶۶ این امکان را به وجود آورده بود که تهاجمات جدید عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، روز به روز شکل تهدید کننده‌تری به خود بگیرد و همزمان با آن، نوعی اجماع جهانی علیه ایران در حال شکل گیری باشد به طوری که هرگونه اقدام سیاسی، اقتصادی و نظامی بر ضد جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی جهان، موجه نشان داده می‌شد، لذا در حالی که خلاء ناشی از تحریم‌های جهانی علیه ایران به عقب‌ماندگی خودی در برابر دشمن انجامیده و برتری عراق را در مسابقه افزایش توان و توسعه سازمان رزم آشکار کرده بود، وضعیت جنگ علیه ایران تغییر کرد، به همین دلیل در گزارش کارشناسانه‌ای که به امام ارائه شد، عدم امکان دستیابی به پیروزی، قطعی قلمداد شده بود؛ چشم‌انداز تیره‌ای که ممکن بود جمهوری اسلامی مجبور به پذیرش شرایط ناگوار شکست باشد. این عوامل، امام خمینی را برآن داشت که با یک تصمیم ناگهانی، اوضاع را به نفع ایران تغییر دهند.

نمایندگان نسبت به اظهارات تند ایشان با فرماندهان سپاه کرده بودم، ناراحت بود که دلداری دادم؛ خواستار عضویت در ستاد کل است.

محسن آمد. درباره سرگردانی و تحّیر نیروها و مردم در مسئله جنگ گفت. همشیره طیبه و محمد شریف و بستگان آمدند. مقداری گفت‌وگو و دیدار کردیم و از وضع والده در نوق پرسیدم و با همشیره طیبه به یاد فرزند شهیدش محسن شریفیان گریستم.

احمدآقا آمد. درباره شیوه بحث و محتوای بحث در جلسه موعود روز یکشنبه مذاکره و مشاوره شد. آقای عباس سالاری آمد و از یکی از مدیران وزارت نفت شکایت داشت. همسر یک شهید کویتی از خانواده مهری و طباطبائی آمد و برای کمک به جبهه یک میلیون تومان آورد.

آقایان [علی] شمخانی، [حسین حسنی] سعدی و [غلامعلی] رشید آمدند. گزارش جبهه را دادند و پیشنهاد داشتند برای حفظ نیرو و امکانات، ارتش از نقاط آسیب پذیر خط مقدم عقب‌نشینی کند. گفتم صبر کنند تا سیاست کلی جنگ روشن شود[۱].

شنبه ۲۵ تیر | ۱ ذیقعده ۱۴۰۸   ۱۶ جولای ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رفتم. مقداری از کارهای عقب مانده روزهای سفر را

---

۱ - رئیس سازمان جاسوسی سیا «ویلیام وبستر» که در روز قبل از جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به مسئله سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، با روزنامه وال استریت ژورنال آمریکا مصاحبه می‌کرد، گفت: «ایران سعی دارد سازمان ملل را تحت فشار قرار دهد تا آمریکا را به دلیل حمله به هواپیمای ایرباس محکوم کند. همچنین ایران در نظر دارد تا از این مسئله استفاده کرده و نشان دهد از زمانی که نیروی دریایی آمریکا در ژوئیه (تیر) گذشته وارد آب‌های خلیج فارس شده، حمله به کشتی‌های تجاری به دو برابر افزایش پیدا کرده است و پرواز هواپیماهای مسافربری نیز مخاطره‌آمیز گشته است.» وبستر می‌افزاید که او نشانه‌ای از تغییر در تاکتیک نظامی ایران نمی‌بیند و فکر نمی‌کند ایران در نظر داشته باشد به‌طرف ناوهای آمریکا موشک شلیک کند، اما اعتقاد دارد اگر حرکت سازمان ملل توسط واشنگتن وتو شود، ایران هدف‌های آمریکایی را مورد حمله قرار خواهد داد. وی گفت: «ایرانی‌ها بسیار شکیبا هستند، ولی صبر ایران ممکن است لبریز شده و به اقدامی نظامی منجر گردد.» وبستر در ادامه مصاحبه خود به تغییراتی که در تصمیمات رهبران ایران رخ داده اشاره کرد و اظهار نمود به‌عقیده وی مسئول تغییراتی که اخیراً در تاکتیک ایرانی‌ها دیده می‌شود، آقای هاشمی رفسنجانی می‌باشد. وبستر که نمی‌دانست با الفاظ غربی چگونه آقای رفسنجانی را توصیف کند، ابتدا وی را به‌عنوان رادیکال و میانه‌رو توصیف کرد، اما سپس گفت احساس می‌کند او یک مصلحت‌گراست.» منبع : نشریه «گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی»، ۶۷/۴/۲۵ .

انجام دادم. ساعت نه و نیم آقایان [مهدی] کروبی، [اسدالله] بیات و [عبدالواحد] موسوی لاری آمدند. درباره جنگ مذاکره شد؛ آنها نگرانند.

ساعت ده اعضای هیأت رئیسه مجلس خبرگان آیات [علی] مشکینی، [ابراهیم] امینی، [محمد] مؤمن و [حسن] طاهری [خرم آبادی] به دفترم آمدند. آنها را تنها گذاشتم و به جلسه جمعی از نمایندگان رفتم که می‌خواستند اوضاع جنگ و تکلیف خود را در رابطه با وضع جاری بدانند. صحبت مفصلی ایراد کردم و مشکلات جنگ را گفتم که زمینه ذهنی آنها را برای پذیرش صلح آماده کنم. مطالب نگرانی آوری از وضع جنگ گفتم، ولی چیزهای بدتر را که وجود داشت، نگفتم[1].

به دفترم برگشتم. درباره برنامه جلسات خبرگان مذاکره کردیم. بعد از نماز ظهر دکتر روحانی آمد. خبر توافق امام با ختم جنگ را به ایشان گفتم و درباره امور جنگ مذاکره کردیم. عصر آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. با او درباره کیفیت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مذاکره کردیم. به جلسه مجلس خبرگان رفتم. مطابق معمول کار شروع شد.

آقای محمد هاشمیان [نماینده ولی فقیه و امام جمعه رفسنجان] و چند نفر دیگر با حضور آقای [مرتضی] فهیم کرمانی در جلسه مخالفت داشتند؛ چون امام در حکم عفو فرموده‌اند در امور سیاسی شرکت نکند. بنا شد به صورت مسالمت آمیز حل شود[2]. به دفترم

---

۱ - روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «گزارش اخیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» در این زمینه که آیت الله روح الله خمینی از سرطان کبد رنج می‌برد، بار دیگر این بحث را در داخل دولت ریگان دامن زده که آیا رهبر ایران مدتی طولانی به بقای خود ادامه خواهد داد یا نه و اینکه مرگ وی بر آینده جمهوری اسلامی چه اثری خواهد داشت، کانون بحث‌های کنونی گزارشی است که سیا ظرف ماه گذشته نوشته و در آن افول سلامت آیت‌الله را توصیف کرده است. در این گزارش به چندین بیماری آیت‌الله اشاره شده که در چند سال گذشته رو به وخامت نهاده است. سرطان آیت‌الله خمینی به کبد او سرایت کرده و گمان می‌رود که [امام] خمینی احتمالاً به خاطر نارسایی‌های کلیه نیز تحت درمان قرار گرفته است. سیا چنین نتیجه‌گیری می‌کند که آیت الله خمینی احتمالاً ظرف چند ماه آینده فوت خواهد کرد.»

۲ - آقای مرتضی فهیم کرمانی نماینده دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی، از جمله روحانیون انقلابی و زندان رفته رژیم شاه، حاکم شرع دادگاه انقلاب کرمان بود. او فردی به نام آقای فدایی از آوازه خوانان قبل از انقلاب را که در جریان اوج‌گیری مبارزات مردم به صفوف مخالفین شاه پیوسته بود، ظاهراً به خاطر سوابق قبلی به اعدام محکوم کرد. محکومیت وی که صدور حکم و اجرای آن متأسفانه خارج از روال قانونی و تأثرانگیز بود، خدمت حضرت امام (ره) گزارش شد. امام خمینی پس از وصول گزارش، دستور رسیدگی فوری صادر نمودند و آقای مرتضی فهیم کرمانی را به خاطر صدور این حکم ناروا از کار برکنار و از دخالت در مسائل سیاسی منع کردند و طبق احکام شرع، نسبت به دلجویی از خانواده آقای فدایی و پرداخت دیه و اعاده حیثیت از ایشان دستور دادند. ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۶۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

برگشتم و سپس به جلسه ستاد کل رفتم. درباره خطوط دفاعی و استراتژی کلی جنگ مذاکره شد. من گفتم ستاد درباره اصل تداوم جنگ هم می‌تواند صحبت کند.

به دفتر رئیس جمهور رفتم. در جمع خبرگان که در ضیافت رئیس جمهور شرکت کرده بودند، درباره جنگ صحبت کردم و همان حرف‌های جلسه نمایندگان را به منظور زمینه سازی برای ختم جنگ و آشنا کردن با واقعیت‌ها برای آنها هم گفتم.

سپس جلسه دیگری با سران قوا و احمدآقا داشتیم. احمدآقا خبر داد که امام مطالبی برای جلسه فردا نوشته‌اند و با آتش‌بس موافقت کرده‌اند و افراد افراطی را از اظهار مخالفت بر حذر داشته‌اند. این نوشته مشکلات داخلی پذیرش آتش‌بس را کم می‌کند. بر سر کیفیت اداره جلسه فردا و پذیرش قطعنامه بحث نمودیم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم. بچه‌ها نبودند. آنها برای مراسم ازدواج مریم مرعشی با مهدی هاشمیان رفته بودند.

یکشنبه ۲٦ تیر | ۲ ذیقعده ۱٤۰۸ — ۱۷ جولای ۱۹۸۸

اول وقت به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم. دشمن از دهلران و مناطق دیگر عقب‌نشینی کرده است. به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. در جلسه‌ای که برای شنیدن و توجیه نظر امام در پذیرش آتش‌بس منعقد شده بود، شرکت کردم. جمعی از نمایندگان مجلس و جمعی از وزراء و جمعی از اعضای شورای نگهبان و مجلس خبرگان و جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و جمعی از نظامیان بودند.

آقای خامنه‌ای به عنوان مدیر جلسه صحبت کوتاهی کردند و احمدآقا پیام امام را خواندند که مضمون آن عدم امید به پیروزی به این زودی‌ها، بنابر اعتراف فرماندهان نظامی سپاه و ارتش و درخواست امکانات زیادی برای جنگ براساس نامه فرمانده سپاه که دولت قادر به انجام آن نیست و سرانجام نهی و تهدید افراطی‌ها از مخالفت با این تصمیم و چون مضامین تأثر آوری داشت، جلسه را تحت تأثیر قرار داد و جمعی گریه کردند.

سپس من با بیان مفصل، علل این تصمیم را توضیح دادم. سپس فرماندهان نظامی، حسنی سعدی و شمخانی علل نظامی را گفتند و [آقایان ایروانی و روغنی زنجانی] وزرای

بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه ۲۵ تیر/۶۷

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین.
حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ میباشند صریحاً اعتراف میکنند که ارتش
اسلام به این زودیها هیچ پیروزی بدست نخواهد آورد. و نظر به اینکه مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام
جمهوری اسلامی از این پس جنگ را بهیچوجه بصلاح کشور نمیدانند و با قاطعیت میگویند که یک دهم سلاحهائی
را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند بهیچوجه و با هیچ قیمتی نمیشود در جهان تهیه کرد.
و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از دهها گزارش نظامی سیاسی است
که بعد از شکستهای اخیر به این جانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرماندهی کل نیروهای مسلح فرمانده
سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ میباشد
و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاحهای شیمیائی و نبود وسائل خنثی کننده آن
اینجانب با آتش بس موافقت مینمایم. و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ
به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است اشاره میشود. فرمانده
مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم. ممکن است در صورت داشتن
وسائلی که در طول پنج سال بدست میآوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله بمثل را
داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک
و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر و قدرت ساختن تعداد

نامه حضرت امام (ره) درباره دلائل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

اقتصاد و برنامه مشکلات مالی ادامه جنگ را گفتند. سپس اظهار نظرها و راهکارها برای پیاده شدن نظر امام مطرح گردید. اکثریت حضار موافق و راضی بودند. یکی دو نفر نظر دادند که به نام امام تمام نشود که مقبول نیفتاد.

بعد از نماز و ناهار هم بحث ادامه یافت. بهترین راهکار، پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تشخیص داده شد و تذکرات در کیفیت تبلیغ و توجیه و برخورد با دشمن که یادداشت شد.

سپس جلسه ای با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس شورای عالی قضایی [= رئیس قوه قضائیه] ، احمدآقا و [محمد جواد] لاریجانی تشکیل دادیم و قرار گذاشتیم که به آقای [محمد جعفر] محلاتی [نماینده دائم ایران] در سازمان ملل ابلاغ شود در اولین فرصت به دبیر کل سازمان ملل، پذیرش قطعنامه از طرف ایران اعلان شود و ستاد کل هم اعلامیه بدهد و به نیروها در جبهه آماده باش داده شود که عراق از موقعیت سوء استفاده نکند.

به مجلس رفتم. کارها را انجام دادم و برای کارهای توضیحی و جلوگیری از عکس‌العمل‌های افراد داغ یا داغدار، مشاوره و مذاکره با مراکز مربوط شد. اول قرار نبود که امام چیزی بنویسند و قرار بود که بعد از اعلان ما، امام هم تأیید کنند ولی تدبیر احمدآقا مؤثر واقع شد و امام پیام نوشتند؛ برای حل مشکلات احتمالی. احمدآقا کار بزرگی انجام داد[1].

---

[1] - پذیرش قطعنامه، اوضاع داخلی و بین‌المللی را به نفع ایران تغییر داد و سبب شد بار دیگر ابتکار عمل به دست ایران بیفتد. در پیامی که امام خمینی به مناسبت پذیرش قطعنامه صادر کردند، آمده بود:

«- قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.

- من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام، با خدا معامله کرده‌ام.

- فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدس‌تان دست بردارید، ... می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادم‌تان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنان‌تان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست.» متن کامل پیام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

دوشنبه ۲۷ تیر | ۳ ذیقعده ۱٤۰۸ ۱۸ جولای ۱۹۸۸

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل ماندم. از جبهه‌ها هیچ خبری مبنی بر درگیری با دشمن نرسید. سرتیپ [علی] شهبازی را خواستم. آمد و راجع به تعویض فرمانده نیروی زمینی ارتش و حذف ستاد مشترک ارتش مذاکره کردیم.

حاج احمدآقا آمد. درباره کیفیت تبیین و توضیح آتش‌بس مذاکره شد. گفت امام با اینکه تصمیم آتش‌بس را راه منحصر به فرد می‌دانند، ولی ناراحت هم هستند و بعضی از اعضای خانواده هم این ناراحتی را دامن می‌زنند.

به روابط عمومی مجلس گفتم برای ساعت پنج بعد از ظهر، نمایندگان و [اعضای مجلس] خبرگان و شورای نگهبان و شورای عالی قضایی و هیأت دولت و سران نظامی و انتظامی و شخصیت‌های روحانی را به مجلس دعوت کند. دکتر ولایتی اطلاع داد که آقای [محمد جعفر] محلاتی در نیویورک پیام آقای خامنه‌ای را به دبیرکل سازمان ملل داده و اعلان پذیرش آتش‌بس کرده است. قرار شد ما هم در ساعت دو بعد از ظهر آن را اعلام کنیم. ستاد کل اعلامیه‌ای تهیه کرد و قرار بود که اعلام پذیرش با نقل خبر نامه آقای خامنه‌ای بشود.

ساعت سه ونیم بعد از ظهر به مجلس رسیدم. انعکاس جهانی خبر تازه شروع شده بود. تلفن‌های مردم دو گونه است. جمعی اظهار خوشحالی و جمعی اظهار ناراحتی دارند. آقای خامنه‌ای در جلسه صحبت کوتاهی کردند و احمدآقا پیام امام را خواند و من علت تصمیم امام را توضیح دادم. پیام امام به گونه‌ای است که زمینه ابراز مخالفت را به کلی از حاضران سلب می‌کند و در نتیجه کسی ابراز نارضایتی نکرد.

به دفترم آمدم. آقایان خامنه‌ای و نخست وزیر و [سید محمد] خاتمی هم آمدند. نخست‌وزیر خبر داد که سکه طلا در ظرف همین چند ساعت، پنج هزار تومان ارزان شده و دلار چهل تومان در بازار آزاد افت کرده است.

برای ادامه کار توجیهی مشاوره شد. مصاحبه‌ای با نمایندگان مطبوعات و صداوسیما در

این باره انجام دادم و جواب سئوالات آنها را دادم[۱]. تا ساعت ده صبح در دفترم کارها را انجام داد. در گزارش‌های خارجی انعکاس عظیمی یافته و نوعاً مثبت است.

آقای [مهدی] کروبی آمد و احتمال کارشکنی و تبلیغات انحرافی بعضی از افراطیون و منجمله بعضی از افراد سپاه را تذکر داد و گفت باید با جدیت برخورد کرد. اگر می‌شد پیام امام را خواند، جلوی همه چیز را می‌گرفت ولی چون در پیام اسرار نظامی وجود دارد، قابل خواندن نیست و قرار است امام در پیام دیگری توضیح بدهند. به خانه آمدم. در اعضای خانواده من هم نگرانی از عکس‌العمل نامتناسب مردم هست[۲].

۱ - آقای هاشمی در یک کنفرانس خبری نظریات خود را پیرامون دلایل و شرایط پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی ایران بیان کرد و به سئوالات متعدد خبرنگاران در این زمینه پاسخ گفت. جانشین فرمانده کل قوا در ابتدا، تصمیم اخیر را یک تصمیم تاریخی خواند و متذکر شد با تصمیم حضرت امام برای پذیرش آتش بس، فصل جدیدی در تاریخ ما باز خواهد شد. تصمیم جمهوری اسلامی ایران متکی به خیلی از مسائل است که فعلاً به علت اینکه عمده این مسائل جزو اسرار نظامی و سیاسی است از توضیح آن صرف نظر می‌شود. در بخش‌هایی از این مصاحبه آمده است: «حضرت امام ما را مأمور کردند تا جلسه‌ای را با حضور علما و شخصیت‌های مسئول تشکیل دهیم و همزمان پیامی را نیز ارائه دادند. جلسه مورد نظر تشکیل شد و پیام حضرت امام در این جلسه قرائت و مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت شیوه کار ما مشخص گردید و اولین گامی که برداشته شد اعلام پذیرش قطعنامه بود. مردم عزیز به طور کامل در جریان جزئیات امور و مسائل قرار خواهند گرفت. این تصمیم با نظر حضرت امام و در جهت مصالح اسلام و انقلاب ومردم عزیزمان اتخاذ شد و شبهه‌ای از ضعف وسستی در آن ملاحظه نمی‌شود. البته توجیه این مسأله به زمان نیاز دارد.» آقای هاشمی در ادامه این مصاحبه پیرامون شرایط و عللی که باعث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران شد، گفت: «اخیراً استکبار جهانی با تمام توان و مجدانه تصمیم گرفته بود که از پیروزی سریع ما ممانعت به عمل آورد و پافشاری ما در این مقطع خاص ممکن بود وارد آمدن خسارات عمده‌ای به مردم ما و عراق شود. نمونه آن نیز قساوت عجیب آمریکایی‌ها در خلیج فارس در سرنگونی هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران و قساوت فوق‌العاده صدام در داخل عراق بود که با بمباران شیمیایی هزاران روستا، مردم کشور خود را نیز آواره و متواری کرد و آنان را قتل عام نمود. استفاده گسترده از گازهای شیمیایی در جبهه‌ها توسط صدام نیز یکی از دلایل بود و ملاحظه می‌شد که استکبار جهانی، به صدام اجازه ارتکاب جنایات بزرگی را داده و امکانات بی‌سابقه و غیرقابل باوری را در اختیار او گذاشته بود. مجموعه این شرایط و ادله دیگر نشان می‌داد که مصلحت منطقه و دو ملت ایران و عراق این است که قطعنامه پذیرفته شود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - «موفقیت آقای هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا در خنثی کردن فعالیت آنانی که خواستار ادامه جنگ هستند، تا حد زیادی به موضع‌گیری امام خمینی بستگی خواهد داشت.» این نتیجه گیری تفسیری به قلم «دیوید هرست» مفسر خاورمیانه روزنامه انگلیسی «گاردین» است که می‌نویسد: شایعه پذیرش آتش بس از سوی ایران، هفته پیش در تهران بر سر زبان‌ها بوده است. به نوشته «هرست» که اخیراً در تهران بوده است، شایعه از این قرار بوده که سری عقب نشینی‌های ایران از قسمت‌هایی از خاک عراق که در دست قوای ایرانی بود، مقدمه اعلام آتش بس قطعی است. وی در طی مقاله‌ای با عنوان «جنگ زده» موقعیت ضعیف ایران در جنگ و تلاش آقای رفسنجانی برای بدست گرفتن ابتکار عمل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و تأکید کرد که جانشین فرمانده کل قوا مورد اعتماد « متعصبان» نیست. « هرست» می‌نویسد: «آقای رفسنجانی بدون شک امیدوار است با بازسازی سیاست جنگی ایران ابتکار نظامی را بار دیگر به جنگ آورد و اما این کار در بهترین شرایط به زمان احتیاج دارد.»

سه‌شنبه ۲۸ تیر | ٤ ذیقعده ۱٤۰۸ ۱۹ جولای ۱۹۸۸

به دفترم رفتم. به خاطر امور جنگ، به جلسه مجلس نرفتم. در گزارش‌ها مهمترین مسئله پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران است[1]. تقریباً همه دولت‌ها در مراکز جهانی، حسن استقبال کرده‌اند. عراق به انفعال افتاده و به نظر می‌رسد می‌خواهند به تأخیر اندازد.

تا عصر عراق به هفت مرکز صنعتی اقتصادی حمله هوایی کرده که در جهت اخلال در آتش‌بس و برای تحریک ما و نیز ضربه زدن به زیر بنای اقتصاد ایران است. لابد برای جلوگیری از تقویت نیروهای مسلح در آینده، گفته است اقدام ما را یک تاکتیک می‌داند و نه تصمیم به صلح.

دکتر روحانی آمد و درباره کنترل و هدایت تداوم حرکت سیاسی در جهت رسیدن به آتش‌بس مذاکره شد و قرار مقابله به مثل درباره حملات امروز عراق گذاشتیم. امروز یک هواپیمای اف - ۴ را از دست دادیم و نیروی هوایی مدعی است سه هواپیمای دشمن را زده است. عصر دکتر ولایتی برای مشورت درباره کیفیت پیگیری اجرای قطعنامه آمد. معلوم است که دشمنان عجله‌ای ندارند و قرار شد به دبیر کل بگویند که اگر عراق اخلال

---

[1] - پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران بازتاب بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشت. خبرگزاری یونایتدپرس نوشت: «فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران به نمایندگی دولت ایران اعلام کرد که قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را که خواستار آتش بس فوری در جنگ هشت ساله ایران و عراق است، پذیرفته است. اما دیپلمات‌های غربی که این جنگ شدید را زیر نظر داشته‌اند گفتند اکنون باید دید که این اقدام نیروهای مسلح از طرف افراد تندرو و همچنین پاسداران داوطلب که خواهان متجاوز اعلام شدن عراق قبل از توافق برای مذاکرات صلح هستند، حمایت خواهد شد یا نه. دیپلمات‌ها گفتند: به نظر می‌رسد اکبر هاشمی رفسنجانی که بین روحانیون حاکم ایران یک میانه رو شناخته می‌شود، طراح بیانیه نیروهای مسلح است.» خبرگزاری رویتر نوشت «اعراب و مسلمانان از این خبر که ایران قطعنامه شورای امنیت برای آتش بس با عراق را پذیرفته استقبال می‌کنند، این نشانگر موفقیت رهبری مصلحت‌گرا در ایران به گروه مکتبی است». خبرگزاری فرانسه از کاخ سفید نقل کرد که آمریکا از خبر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران با ابراز رضایت و احتیاط فراوان، استقبال کرد.» رادیو بی بی سی گفت: «پذیرش قطعنامه که توسط دفتر آقای هاشمی ر فسنجانی اعلام شد، می‌تواند هم برای ایران و هم برای عراق مولود خطراتی باشد. در هشت سال گذشته، شعار انقلاب ایران که در هر تظاهراتی طنین افکنده، جنگ جنگ تا پیروزی بود. با اعلامیه امروز ایران، اکنون آشکارا چشم به صلح از راه دیپلماسی دوخته است. این تغییر سیاست شدید و ناگهانی به طور عمده ابتکار آقای هاشمی رفسنجانی است که یک ماه و نیم پیش به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب شد.» رادیو صدای آمریکا گفت: «پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران واکنش گسترده‌ای را در همه سطوح به همراه داشته است. حکومت اسلامی ایران با تغییر ناگهانی همه مواضع قبلی خود اعلام داشت که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می‌پذیرد و با برقراری آتش بس در جبهه‌ها موافقت می‌کند.» منبع: نشریه «گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی»، تیر ماه ۱۳۶۷.

کند ممکن است در ایران هم تصمیم عوض شود. استانداران آمدند و درباره آتش‌بس سئوالاتی داشتند. از عواقب کار نگرانند و برای توجیه مردم مشکل دارند. چون نمی‌توانند واضح بگویند؛ توجیه مشکل است. گفتم روی همان محورهای مطرح شده در مصاحبه من تکیه کنند.

شب در جلسه مجمع تشخیص مصلحت شرکت کردم. مقداری درباره صلح و جنگ صحبت شد و طرح توقف اجرای ماده ۱۴۵ آئین نامه مجلس در دستور بود که تصویب نشد و قرار شد کابینه برای رأی‌گیری به مجلس معرفی شود.

دیر وقت به خانه رسیدم. به احمدآقا تذکر دادم که در بیانیه امام که بناست فردا منتشر شود، حمله به روس‌ها شدید نباشد؛ چون بناست آقای وورنتسف[معاون وزیر خارجه شوروی] فردا به ایران بیاید. اگر آنها را خشمگین کنیم، ممکن است عراق را به ادامه شرارت و کارشکنی وادار کنند.

چهارشنبه ۲۹ تیر | ۵ ذیقعده ۱۴۰۸ — ۲۰ جولای ۱۹۸۸

در منزل بودم. به امور جنگ پرداختم. دشمن در مهران و غرب پیرانشهر تحرکاتی داشته که سرکوب شده است. یک مورد بمباران از دو طرف بوده؛ ما تأسیسات برق سد دوکان را و عراق تلمبه خانه باغ ملک را[1].

---

۱ - پس از آنکه ایران قطعنامه را پذیرفت، عراق با بهانه جویی‌های متعدد تهاجم خود را ادامه داد تا با تصرف خرمشهر و باختران، از موضع برتر و به عنوان طرف پیروز بر سر میز مذاکرات صلح بنشیند و بتواند خواسته‌های خود را تحمیل کند، بدین منظور در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱، ارتش این کشور عملیات گسترده‌ای را با استعداد ۶ لشکر در منطقه شمال خرمشهر و جنوب اهواز با هدف دستیابی به جاده اهواز – خرمشهر و سپس تهدید خرمشهر، آغاز کرد. در پی این اقدام دشمن، امام خمینی به سپاه پاسداران هشدار داد که از دست دادن خرمشهر به معنای فروپاشی سپاه است. این هشدار نشان دهنده حساسیت فوق‌العاده وضعیت بود. در خوزستان جنگ بسیار شدید و سختی در گرفت؛ در سه روز دشمن دوبار برای تصرّف جاده اهواز – خرمشهر حمله کرد ولی هر بار با مقاومت نیروهای سپاه و بسیج عقب رانده شد. در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ هم زمان با حمله به جنوب، ارتش عراق در جبهه میانی از قصرشیرین تا مهران نیز حمله کرد و برای هجوم سازمان منافقین در آن منطقه زمینه لازم را فراهم آورد. سپس هجوم نیروهای ضدانقلابی مجاهدین خلق (منافقین) به منطقه باختران (کرمانشاه) شروع شد. این نوعی آزمایش بقای اقتدار امام و مشروعیت نظام پس از قبول قطعنامه بود. وقتی حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنوب و غرب، حملات دشمن را در هم کوبید و مردم نشان دادند که جمهوری اسلامی قادر است یک بار دیگر همه چیز را از ابتدا شروع کند، عراق

شورای امنیت [سازمان ملل] از دو طرف خواسته که تا زمان رسمی شدن آتش‌بس خویشتنداری کنند. آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد و نتیجه بازرسی شکست در مهران را آورد که ارتش و سپاه را مقصر می‌داند و درباره بازرسی فرماندهی مذاکره شد. قرار شد حکمی به نام ایشان صادر شود.

آقای موسوی زادگان معاون وزارت [اطلاعات] را آورده بود که پیغامی از طرف آمریکایی‌ها داشت. آنها برای رسیدن به روابط رسمی با ایران حاضرند هم نیازهای تسلیحاتی و هم طلب‌های ما را بدهند و هم در جهت متجاوز شناخته شدن عراق کوشش کنند. گفتم فعلاً روی سومی کار شود، اگر صادق بودند درباره موارد دیگر صحبت می‌کنیم و فعلاً مصلحت نیست که هیچ گونه تماس رسمی با آنها باشد. معلوم نیست صادق باشند و ضمناً از ما هم می‌ترسند که در جریان انتخابات آنها، رسوایی سیاسی برایشان درست کنیم. ظهر بستگان مهمانمان بودند.

پیام مفصل امام راجع به حج و سالگرد فاجعه خونین مکه، امروز در اخبار خوانده شد؛ خیلی قوی و پر محتوی است و راجع به پذیرش قطعنامه شورای امنیت مطالب جالبی آورده بودند و مسئولیت را به عهده گرفتند[1]. من و عفت حسابی گریه کردیم. لابد خیلی‌ها

﴾نیز از اینکه بار دیگر در باتلاقی که هشت سال در آن سرگردان بود، وارد شود، صرف نظر کرد و به بهانه جویی در مورد برقراری آتش بس پایان داد.

۱ - در این پیام آمده است: «و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم... در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد؟ اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است... خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند.... من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست﴿

گریسته‌اند و تا حدودی جلوی عکس‌العمل افراد تند و ناراحت را خواهد گرفت.

با [غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] درباره صدمات وارده به تأسیسات نفتی دیروز و امروز صحبت کردم؛ کم نیست. عراق می‌خواهد مشکل سوخت برای ما درست کند.

عصر آقای محسن رضائی آمد. ناراحت است. کمی گریه کرد. دلداریش دادم. آماده استعفاء است؛ گفتم در سمت خود بماند. قرار شد فردا مصاحبه تلویزیونی داشته باشد که شایعه بازداشت رد شود و برای بچه‌های سپاه هم روحیه بیشتر بشود. پیشنهاد داشت از زید در خاک عراق عقب‌نشینی کنیم؛ پذیرفتم. احتمال حمله دشمن است.

آقای [سیروس] ناصری اطلاع داد فردا ده نفر مأمور سازمان ملل به سوی ایران حرکت می‌کنند و بیانیه شورای امنیت در مورد سقوط ایرباس هم صادر شده است. تیمسار شهبازی آمد؛ نظر مخالف با انحلال ستاد مشترک دارد.

پنجشنبه ۳۰ تیر | ٦ ذیقعده ١٤٠٨ | ۲۱ جولای ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. از گزارش‌ها برمی آید که عراق در آتش‌بس اخلال می‌کند و به بهانه لزوم مذاکره مستقیم طفره می‌رود. معلوم است که قصد شیطنت و تجاوز و به دست آوردن امتیاز بیشتر دارد. در جلسه علنی درباره اطلاعیه دیروز امام، صحبت

←نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جویی‌ها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد.... فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم، برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت.... در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات وعواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.... من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است، این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۷۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). متن کامل این پیام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

مفصلی کردم[۱]. به دفترم برگشتم. جو عمومی افکار نمایندگان بعد از بیانیه امام بهتر شده و از ناراحتی‌ها و اعتراض‌ها کاسته شده است.

آقای [علی] آقا محمدی آمد. درباره امور جنگ و وضع نمایندگان در این خصوص صحبت کردیم.

[محمدجواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند و درباره عوامل کند کننده کار تعقیب آتش بس در وزارت خارجه گفتند. ظهر آقای [محمد] اصغری [مدیرمسئول روزنامه کیهان] آمد. از نفوذ عوامل افراطی در کیهان و عدم همکاری درجهت

---

۱ - در این نطق آمده است: «پیام تاریخی حضرت امام امت، جامعه ما را به فضای روزهای اول انقلاب منتقل کرد. انسان در مقابل این مفاهیم بسیار بلند که در این قالب‌های بسیار زیبا و قابل فهم برای آحاد مردم قرار می‌گیرد، خود به خود و بدون توجه، با همه وجود سرتعظیم فرود می‌آورد. روح جوان و سرشار از انرژی که در بند بند مطالب این پیام به چشم می‌خورد و هوشیاری و آگاهی و تدبیر که در سراسر مطالب این پیام ریخته، انسان را مطمئن می‌کند که این گونه نوشتن و این گونه حرف زدن، نمی‌تواند از یک انسان عادی و معمولی منشاء بگیرد. اینها نشان این است که رهبریت عظیم ما و این شخصیت بزرگوار تاریخ اسلام، رابطه با منابعی دارد که مافوق تصورات محدود و معمولی ما فکر می‌کند و از منابعی می‌گیرد که دست ما به آن منابع نمی‌رسد. تبلور رهبری قاطع، حکیم، شجاع، هوشیار و در یک کلمه سزاوار و شایسته جانشینی ائمه معصوم را ما در این تصمیم شجاعانه ایشان و هم در توضیحات سازنده ایشان می‌بینیم. من دیروز که این پیام را شنیدم با اینکه قبلاً مطلع بودم که ایشان درصدد دادن پیامی هستند، ولی از مضامین و الفاظش بی‌اطلاع بودم، بی‌اختیار می‌گریستم و در مقابل آن روح بلند احساس ذلت و کوچکی می‌کردم. طبعاً یک چنین حالتی را خیلی از مردم داشتند. هرکس با این پیام برخورد می‌کند چنین حالتی دارد. ... اصل تصمیم شجاعانه‌ای که امام در این مقطع گرفتند برای پذیرش قطعنامه شورای امنیت که ما می‌دانیم با فطرت و روحیه عظیم و قوی و قاطع ایشان که در گذشته این را نفی می‌فرمودند، چه مقدار منافات داشته. و اینکه وقتی مصلحت اسلام را تشخیص داد، این گونه آگاه و شجاع و بدون یک ذره پرده پوشی فرمود من تا چند روز پیش نظرم غیر از این بود و امروز نظرم این است و آبروی خودم را اگر داشته باشم، با خدا بر سر مصالح مسلمین معامله کردم. این حرف از یک پیرمرد سالخورده محبوب عظیم عزیزی که در زندگی سابقه ندارد که حرف خودش را به این آسانی پس بگیرد و یک راه جدیدی را ترسیم بکند که برای بعضی از افکار ساده اندیش سئوال‌انگیز باشد، بزرگترین نشانه عظمت روح و سلامت روان است. من به واقع تبلور تصمیم پیغمبر اکرم (ص) را در حدیبیه که به دستور صریح خداوند جهان و پیام جبرئیل انجام گرفت، در این حرکت امام می‌بینم. آن روز که اطرافیان پیغمبر اکرم(ص) اشک می‌ریختند و به پیغمبر می‌گفتند ما ذلیل شدیم با امضای این پیمان نامه، قرآن در مقابل آنها فرمود: « انا فتحنا لک فتحاً مبینا» همان را که ساده اندیشان، خفت تلقی می‌کردند، قرآن کریم «فتح مبین» معرفی کرد. و بعد هم تاریخ نشان داد که چه فتح مبینی بوده. گرچه ما امروز مصالح این اقدام امام را به روشنی می‌بینیم ولی وقت لازم دارد که در آینده بفهمیم که چه تصمیمی ایشان گرفته‌اند و به چه دلیل ایشان حاضر شده‌اند یکباره اینگونه این حرکت عظیم را به‌وجود بیاورند، در یک جهتی که غیر از حرکت گذشته ما به صورت ظاهر بوده. همین حالا به روشنی دشمنان ما خلع سلاح شدند. اولین اثرش این است. چه خواهند کرد؟ یا همان نیّت پلید واقعی که داشتند و در گذشته ریاکارانه به عنوان صلح طلب اما جنگ افروز علیه اسلام می‌جنگیدند همان‌گونه ادامه می‌دهند، دیگر در دنیا گوش شنوایی نیست که قبول بکند که بعث عراق صلح طلب است و ایران انقلابی جنگ‌افروز و در افکار عمومی دنیا آن قدر این قضیه موج انداخته که دیگر به آسانی گوش‌های ساده‌ترین انسان‌های موجود حاضر نیست که قبول بکند و بپذیرد که ایران انقلابی جنگ طلب است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

شماره ...
تاریخ ...
پیوست ...

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم

محضر مبارک قائد عظیم الشان و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی

پیام حرکت آفرین و کوبنده و سرنوشت ساز آن امام همام به مناسبت ایام حج بیت الله الحرام و سالروز کشتار وحشیانه میهمانان خدا بدست آل سعود مزدوران امریکا به فرمان شیطان بزرگ آمریکا و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، نه تنها دلهای ما را مالامال و چشمهای ما را [illegible] ملت ما و رزمندگان [illegible] کشور، که قلبهای ما را [illegible] همه امت اسلامی و مستضعفین جهان را به چشم اندازی روشن در [illegible] برملا ساخت [illegible] که همانا استکبار جهانی است، گشاند. امام ما [illegible] راه و رسم [illegible] سر فرو آورند. امام ما فرمودی که من به شما عشق می‌ورزم، مگر فرزندان کربلا به حسین (ع) عشق نمی‌ورزیدند. مگر خود زودتر به مسلخ نرفتند تا چشمانشان حسین را در تنهایی نبیند. تو حسین زمانی. خداوندا ما را نیز چون یاران حسین وفادار رهبر گردان. "انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم". ای پدر آنچه قلبهای ما را می‌فشارد و اشک را بر دیدگانمان جاری میکند، تنها غم دلشکستگی توست و دیگر هیچ، زیرا هم اسلام و محرومین را تنها تو بدرستی میشناسی. ولیکن ای امام دل غمین مدار، که فرزندانت در سراسر جهان با نام و یاد [illegible] و با دعای خیر تو [illegible] انتقام خون شهیدان و حقوق از دست رفته مستضعفان را از جهانخواران [illegible] نگیرند، آرام نخواهند گرفت و هیهات که نهضت خود را با [illegible] بشکنند و لحظه‌ای از [illegible] غفلت بورزند.

ما نمایندگان ملت در سومین دوره مجلس شورای اسلامی یکبار دیگر اعلام میکنیم که در همه سنگرها بخصوص در سنگر قانونگذاری در جهت پیاده شدن اهداف امام بزرگوارمان فرمانبردار تو خواهیم بود و لحظه‌ای از حضور در همه جبهه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دور نخواهیم بود.

اینک برای مجلس شورای اسلامی فرصتی پیش آمده است که با الهام از این پیام حیاتبخش و سازنده فصول این پیام را در کمیسیون های مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و مصوبه خود را در اجرای مفاهیم این پیام رحمت الهی گام موثری برداریم و دشمنان را به [illegible] ساختیم.

و ما النصر الا [illegible]

حمایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام (ره)

رزمندگان اسلام در جبهه های نبرد

سیاست ختم جنگ شاکی است و استمداد کرد. با آقای [سیدمحمد] خاتمی [نماینده امام و سرپرست موسسه کیهان] درباره کنترل آنها صحبت کردم و نیز درباره اعلان تظاهرات مردمی به عنوان تأیید بیانیه امام پیشنهاد شده که آقای منتظری اعلان و دیگران تأیید کنند.

عصر سرتیپ جلالی [وزیر دفاع] برای امور خرید نیازهای دفاعی آمد. سفیرانمان در خارج برای توجیه شدن در سیاست جنگ و صلح آمدند. سرهنگ ترابی آمد و از طرز کار ستاد کل گله داشت. تا ساعت نه صبح در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. مهدی و یاسر برای دیدن غار علی‌صدر به همدان رفته‌اند. با عفت تنها بودیم.

جمعه ۳۱ تیر | ۷ ذیقعده ۱۴۰۸ ۲۲ جولای ۱۹۸۸

در منزل بودم. اول صبح خبر دادند که عراق از شمال تا جنوب در اکثر محورها حمله کرده است: از جنوب در محور شلمچه به خرمشهر و از کوشک و طلائیه به جاده اهواز و خرمشهر، از هور در جاده‌های داخلی هور در میمک و سومار و قصر شیرین و حاج عمران که در قصر شیرین و سومار و جنوب خیلی نفوذ کرده‌اند. تمام وقتم تا شب صرف مذاکره و تلفن با جبهه و ستاد و مسئولان نظامی شد. خبرها همه بد بود. پیش از ظهر، احمدآقا برای گرفتن اخبار جنگ و مذاکره درباره شرایط و اقدامات بعد از جنگ در صورت توقف جنگ آمد. بعد از ظهر آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و گفت از اظهارات معاون وزیر خارجه شوروی فهمیده است که روس‌ها موافق ختم جنگ تا حل و فصل مسئله افغانستان نیستند و احتمالاً حرکات امروز عراق با هماهنگی با روس‌ها است. احمدآقا هم آمد و از اشغال احتمالی خرمشهر اظهار نگرانی داشت.

از اطراف پیشنهاد بسیج عمومی می‌رسد. شب جلسه ستاد کل را به منظور بررسی اولتیماتوم به شورای امنیت و عراق در خصوص بسیج نیروها در صورت ادامه شرارت تشکیل دادیم که اولتیماتوم تصویب نشد؛ اما بسیج نیروها به تدریج تصویب شد.

آخر شب خبر رسید که دشمن در خوزستان تا نزدیک مرز عقب نشسته یا عقب رانده شده است. دیر وقت به منزل رسیدم. یاسر خبر داد که محمود محی‌الدینی شوهر همشیره‌زاده نصرت، سکته و فوت کرده است؛ خیلی متأثر شدم.

مرداد ۱۳۶۷



شنبه ۱ مرداد | ۸ ذیحجه ۱٤۰۸ — ۲۳ جولای ۱۹۸۸

خبرها در جبهه غرب و جنوب، حاکی از تداوم پیشرفت عراق در خاک ایران بود[۱]. تصمیم گرفتم به جبهه بروم. چمدان را بستم. ترتیب امور را در روزهای غیبت از تهران دادم. به ستاد کل توصیه‌های لازم شد.

دکتر روحانی آمد، درباره جنگ و برنامه‌ها مذاکره کردیم. قرار شد او با من نیاید و در ستاد شرکت کند و نهادهای حوزه فرماندهی را تشکیل دهد و برای اعزام نیرو و تقویت جبهه کمک کند. در ستاد کل از من خواستند که برای ضرورت حضور در مرکز در شرایط جاری به جبهه نروم؛ کمی تردید کردم ولی دیدم نمی‌شود در تهران ماند و شاهد

۱ - خبرگزاری آلمان گزارش داد: «ایران ممکن است خود را برای دست زدن به یک غافلگیری دیگر در جنگ خلیج فارس که به اندازه چرخش آن در پذیرش درخواست‌های آتش بس سازمان ملل غافلگیر کننده باشد، آماده کند. یک دیپلمات مطلع مستقر در خلیج‌فارس می‌گفت تغییر ناگهانی اوضاع جبهه جنگ و قبول تسلیم محض که در قبول این آتش بس نهفته است، دقیقاً بی‌معنی است، مگر اینکه ایران بخواهد صحنه را برای چیز دیگری آماده کند. بنابراین منابع دیگری که قبول ۱۸۰ درجه چرخش ایران را مشکل می‌دانند، خاطرنشان می‌کنند که طی سال جاری میلادی گزارش شده، ایرانی‌ها در تدارک برای یک تهاجم تازه، محموله‌های قابل توجه ساز و برگ نظامی از چین و واسطه‌های تسلیحاتی بین‌المللی دریافت کرده‌اند. اقدامات ایران در پی انتخاب دو ماه قبل هاشمی رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا آغاز شد. یک دیپلمات غربی خاطرنشان ساخت که رفسنجانی و حضور مداوم وی در صحنه سیاسی ایران، گواه بارزی بر نیرنگ بازی اسرارآمیز وی می‌باشد. در این جنگ یک توازن حساب شده از سوی ابرقدرت‌ها جهت تحمیل هدف «نه برنده - نه بازنده» اعمال شده و فقط یک اقدام سریع و غیرمنتظره به وسیله یکی از طرف‌ها می‌تواند این استراتژی را به هم بزند. رفسنجانی که در حال حاضر از تجسم ایران به عنوان یک کشور صلح طلب و قراردادن اجباری عراق در یک موضع رد کننده آتش بس بهره می‌گیرد، گفت ایرانی‌ها این حقیقت را پنهان نکردند که اثبات این مسئله، یکی از اهداف آنها در قبول این آتش بس بوده است.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۵/۸، صفحه ۱۰.

پیشروی دشمن بود.

بعد از نماز و ناهار با اتومبیل حرکت کردیم. مهدی هم به قصد شرکت در جنگ با من آمد و یاسر هم داشت برای رفتن به جبهه آماده می‌شد. محسن هم با جدیت تولید انبوه موشک ۱۳۰ کیلومتری را دنبال می‌کند؛ مثل اینکه وضع جدید و پیام امام، جوش و خروش بی‌سابقه‌ای در جبهه رفته‌ها به وجود آورده است. از ستاد خبر دادند که تصمیم به فراخوانی یک دوره احتیاط و زیاد کردن دوره ضرورت سربازی و اضافه کردن حقوق بسیجی‌ها گرفته‌اند. جو کشور جنگی شده و وضعیت برنامه رادیو را فوق‌العاده کرده‌اند.

ساعت یک بعد از ظهر حرکت کردیم. بین راه قم و تهران، ماشین و لباس را عوض کردم. نماز مغرب و عشاء را در قهوه خانه‌ای بین اندیمشک و پل‌دختر خواندیم و نزدیک ساعت دوازده شب به پایگاه هوایی دزفول رسیدیم. خبر عقب رانده شدن دشمن از نزدیک خرمشهر و جاده اهواز با تلفات سنگین را از رادیو شنیدیم.

از پایگاه با آقای محسن رضایی تلفنی صحبت کردم. گفت دشمن را تا مرز تعقیب کرده‌ایم و خیلی خوشحال بود. شام، نان، پنیر و انگور خوردیم و خوابیدیم. در مجموع روز سختی گذشت و خلبان [حبیب] بقائی فرمانده پایگاه که در مأموریت بمباران دشمن شرکت داشته، از اینکه نیروهای زمینی خیلی کم توان و بی‌حالند، سخت ناراحت بود.

آن روزی که در آستانه تصمیم عقب‌نشینی از حلبچه بودیم، با اینکه مشورت‌ها و رأی‌ها مثبت بود، استخاره کردم. آیه «وَ جاوَزنا بِبَنی اِسرائیلَ البَحرَ فَاَتبَعَهُم فِرعُون وَجُنُودُهُ بَغیاً وَعَدُواً حَتّی اِذا اَدرَکَهُ الغَرق قالَ آمَنتُ اِنَّهُ لااِلهَ الاّ الَّذی آمَنت به بَنُو اِسرائیلَ وَ اَنَا مِنَ المُسلِمین» آمد[1]. بعد آیت‌الله منتظری هم گفتند که برای پیشنهاد پذیرش آتش‌بس استخاره کرده‌اند، همین آیه یا آیه دیگری در همین مطلب آمده[2]. حدس زدم که پس از عقب‌نشینی ما، صدام به تجاوز و جنگ ادامه می‌دهد و عاقبت خوبی برایش ندارد و امروز نشانه‌های

---

[1] - «و بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم. پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت، گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او گرویده، نیست و من از تسلیم شدگانم.» سوره مبارکه یونس، آیه ۹۰.

[2] - آیه شریفه « فَاَتَبعهُم فِرعُونُ بِجُنُودِهِ فَغَشِیَهُم مِنَ الیَمِ ما غَشِیَهُم » سوره طه آیه ۷۸: پس فرعون همراه سپاهیانش آنها را دنبال کردند (به طوری که پس از عبور قوم موسی، آنها وارد راه‌های داخل دریا شدند) پس آنها را از (آب) دریا بپوشانید، آنچه پوشانید (امواجی که در اندیشه بشر نگنجد، آنان را فرو گرفت).

آن را در جوّ سیاسی جهانی می‌بینیم و با حضور گسترده نیروهای داوطلب، دورنمای وضع نظامی هم خوب است و شکست امروز آنها در شلمچه می‌تواند شروع خوبی باشد.

یکشنبه ۲ مرداد | ۹ ذیحجه ۱٤۰۸ ۲٤ جولای ۱۹۸۸

برای نماز صبح بیدار شدیم. آقای [حسن] روحانی و آقای مهندس موسوی [نخست وزیر] از تهران تلفن کردند و درباره فرماندهی نیروی زمینی ارتش و وضع ناگوار نیروها و ضعف فرماندهان در کنترل نیروها و... گفتند.

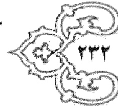
ساعت شش صبح به سوی اهواز حرکت کردیم. نزدیک ساعت هشت به گلف وارد شدیم. با آقای [رحیم] صفوی در قرارگاه مقدم صحبت کردم. گفت دشمن امروز تحرکی نشان نمی‌دهد و لابد منتظر رسیدن نیرو از غرب است. اخیراً نیروهایش را به غرب فرستاده. آقای محسن رضایی آمد. وضع نبرد دو روز گذشته و برنامه آینده را گفت. از سرعت جذب نیروهای مردمی راضی است.

سرتیپ جمالی جانشین فرماندهی نیروی زمینی ارتش و سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمدند. وضع نیروهای ارتش در جنوب و غرب را گفتند؛ اسف‌بار است و دشمن در آنجاها به هر جا می‌خواهد می‌تواند برود. مدعی‌اند سرگرم جمع‌آوری و تجدید سازمان و به کارگیری نیروها هستند.

آقایان بهزاد نبوی و [مسعود روغنی] زنجانی از اعضای ستاد [کل نیروهای مسلح] آمدند.آنها را خواسته بودم که با فرماندهان در منطقه برای اطلاع از وضع و نیازها و آشنایی بیشتر با منطقه جنگی مذاکره کنند و بعد از مقداری مذاکره و توضیح، آنها را به قرارگاه بعثت فرستادم.

آقای [صادق] خلخالی [نماینده قم] آمد. طالب واگذاری مسئولیت دادگاه زمان جنگ برای تنبیه متخلفین بود. گفتم همراه [آیت‌الله موسوی جزایری] امام جمعه اهواز، سری به یگان و قرارگاه‌ها بزنند و گزارشی بیاورند.

از جبهه غرب خبر می‌رسد که دشمن وارد شهر گیلان‌غرب شده و نیروهای رزمی ما به



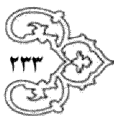
سرعت جمع می‌شوند و مشغول سازماندهی آنها هستند. گفتم در غرب، به دشمن که در جاده‌ها و دشت پخش شده حمله کنند.

عصر آقایان عبدالله نوری [نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی] و ابراهیمی آمدند. پیشنهاد داشتند که عملیات انهدامی انجام شود؛ گفتم در دستور است. آقای [محسن] میردامادی استاندار خوزستان آمد. پیشنهاد تشکیل سازمان جنگ‌های نامنظم داشت که با جلب موافقت فرماندهان سپاه، قرار شد تحت امر سپاه و با حکم فرمانده سپاه تشکیل شود. برای تنظیم و تدارک نیروهای متفرقه‌ای که این روزها به خوزستان می‌آیند، برنامه هماهنگی بین شورای پشتیبانی جنگ خوزستان و سپاه مشخص شد.

حکمی برای آقای [صادق] خلخالی نوشتم که به امور نظامیان متخلف جبهه رسیدگی کند و پیشنهاد تنبیه و تشویق بنماید. او مایل است خودش اختیار تنبیه داشته باشد. اوایل شب آیت‌الله خامنه‌ای با لباس سپاهی به گلف آمدند. سرتیپ [محمد] سلیمی هم همراه ایشان است. خیال دارند چند روزی در منطقه بمانند و به منظور بالا بردن روحیه‌ها، برای یگان‌ها صحبت کنند. امروز در پیامی به ائمه جمعه اعلان کرده‌اند که به جبهه‌ها می‌روند و از آنها خواسته‌اند که به آنها بپیوندند و هم اکنون حرکت علما به سوی جبهه‌ها شروع شده. موجی است که به آرامی می‌گیرد ولی تأثیر روانی خوبی دارد. هوای خوزستان هم خیلی گرم است.

آخر شب آقای محسن رضایی اطلاع داد که دشمن از پادگان اباذر بیرون رفته و از گیلان غرب هم رفته ولی آقای حسنی سعدی قبول ندارد. آقای رضایی پیشنهادهایی درباره اختیارات فرمانده سپاه داد.

آقای [محمد] فروزنده آمد. طرحی برای روانه کردن آب کارون به منطقه خرمشهر و اهواز در صورت ورود دشمن داشت که به نظر می‌رسید عملی است؛ گفتم مقدمات کار را مهیا کنند و در ستاد کل مطرح نماید.



دوشنبه ۳ مرداد | ۱۰ ذیحجه ۱٤۰۸ ۲۵ جولای ۱۹۸۸

با آقای خامنه‌ای ساعت چهار و نیم صبح بیدار شدیم. نماز خواندیم و آخرین صحبت‌ها را با هم کردیم. ایشان ماندند و من با محافظان با اتومبیل به سوی باختران [= کرمانشاه] حرکت کردم. قبلاً قرار بود که به قلاّجه در قرارگاه جدید نیروی زمینی برویم، که آنها برنامه را تغییر دادند. در شمال اندیمشک کنار رودی صبحانه خوردیم. ساعت دوازده به مقر قرارگاه رمضان در باختران وارد شدیم.

از جبهه‌ها خبر گرفتم. آقای محسن رضایی گفت، دیشب در منطقه زید ضربه سنگینی به عراقی‌ها که داخل خاک ما بوده‌اند، وارد کرده‌ایم. سه تیپ منهدم شده و دشمن امروز تحرکی ندارد. آقای حسنی سعدی اطلاع داد که دشمن در منطقه صالح‌آباد سرنی در ایلام تلاش زیادی کرده و کمی پیشرفت داشته و ضربه هم خورده و از پادگان اباذر رفته، ولی در گیلان‌غرب هست؛ اما منابع سپاه می‌گویند نیست، و در منطقه سومار هم مشغول عقب‌نشینی است.

محسن [هاشمی] اطلاع داد که که موشک سجّیل سپاه با برد یکصد و سی کیلومتر با موفقیت آزمایش شده است. عراق اعلام کرده که فردا از مواضع تصرفی داخل خاک ایران بیرون می‌رود. البته در همه محورها مورد هجوم نیروهای تازه نفس ما قرار دارد و آسیب‌پذیر است.

آقایان دانش راد و مقدم از قرارگاه نجف آمدند و درباره تهاجم اخیر عراق به جبهه مرکزی و فرار و عقب‌نشینی‌های مفتضح ارتش و بعضی از واحدهای سپاه توضیحات دادند؛ خیلی تاسف بار است، تا جایی که مردم عشایر منطقه در جاده‌ها جلوی آنها را گرفته و متعرّض آنها شده‌اند. دستور سازمان دهی سریع و هدایت نیروهای جدیدی هم که می‌رسند، دادم. فرماندهان اصلی سپاه در جنوب‌اند.

ناگهان خبر رسید که عراق از تنگه یاتاق گذشته و به طرف کرند پیش می‌رود و سپس اعلان شد که نیروهای منافقین‌اند. اندکی بعد خبر رسید که نزدیک اسلام‌آباد رسیده‌اند و درگیرند. شب آقای دانش‌راد خبر داد که عوامل نفوذی منافقین در اسلام‌آباد جنگ روانی راه انداخته و مردم و نیروها را مضطرب کرده‌اند. خبرها ضد و نقیض است. بعضی

می‌گویند با تانک و نفربر به اسلام‌آباد رسیده‌اند و برخی می‌گویند عوامل نفوذی آنها هستند.

آقای حسنی سعدی آمد. گزارش شکست اخیر در جبهه مرکز شمال را داد. مدعی است نیروها خوب مقاومت کرده، ولی دشمن با ۹ لشکر مجهز حمله کرده و نبرد نابرابر بوده و از اینکه مورد اهانت از طرف مردم و ائمه جمعه قرار گرفته‌اند، ناراحت است.

آخر شب هنگام خوابیدن، از اطلاعات قرارگاه نجف آمدند و پیشنهاد کردند که محل اقامتم را به خاطر احتمال اقدامات ضدانقلاب در رابطه با نفوذ منافقین در منطقه تغییر دهم؛ قبول نکردم. آقای [محمد جواد] لاریجانی [معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه]، تلفنی درباره سیاست مذاکره آقای ولایتی در سازمان ملل مشورت کرد که دست او را در محدوده سیاست‌های مشخص شده باز گذاریم.

سه‌شنبه ٤ مرداد | ۱۱ ذیحجه ۱٤۰۸ — ۲٦ جولای ۱۹۸۸

ساعت یک و نیم بامداد، آقای سنجقی تلفنی بیدارم کرد و گفت منافقین در جاده اسلام‌آباد - باختران حضور جدی دارند و خواست محل اقامت را تغییر دهم. دستور دادم نیروها برای تارومار کردن آنها اقدام جدی کنند. دیشب با آقای محسن رضایی قرار گذاشته بودیم که امروز صبح در جاده‌ها پشت سر آنها، نیرو هلی‌برن کنیم[1] که محاصره شوند.

ساعت سه بامداد، [آقای صادق محصولی] فرمانده لشکر ۶ پاسداران که نیروهایش در مقابل منافقین قرار گرفته‌اند، با نگرانی آمد و گفت چون منافقین با مردم در جاده مخلوط شده، امکان برخورد قاطع نیست و نیروهای اعزامی سردرگم و دلسرد می‌شوند. از من خواست که محل اقامتم را عوض کنم. با تلخی او را جواب کردم و گفتم بروند جدی‌تر برخورد کنند.

---

[1] - «هلی برن» یکی از اصول جنگ‌های نامتقارن است و در یک تعریف ساده می‌توان گفت هلی برن به معنای پیاده کردن نیرو و تجهیزات در عمق خاک دشمن، به منظور وارد آوردن ضربات سهمگین به دشمن و ناتوان کردن آن است.

ساعت چهار صبح، نخست وزیر و بهزاد نبوی از تهران تلفن کردند و درباره قبول درخواست‌های متفرقه تدارکات وضع باختران اظهار نگرانی کردند، و جواب گرفتند.

بعد از نماز، فرماندهان محلی که دیشب به منطقه درگیری رفته بودند، آمدند و مشاهدات خود را گفتند. تعداد قابل توجهی نفربر با تانک و کامیون حامل نیروهای منافقین در پشت گردنه حسن‌آباد در جاده اسلام‌آباد به باختران حضور دارند و در مقابل آنها از این طرف، نیروهای ما پیشرفت آنها را سد کرده‌اند و خواستار هماهنگی بیشتر برای بستن جاده‌های پشت سر آنها بودند.

آقای شمخانی از تهران آمده و برای هماهنگی نیروها در باختران مستقر شده است. تلفنی از تأخیر پرواز هلی‌کوپترهای شناسایی هم گله داشت و اجازه برخورد خواست. اجازه دادم و اجازه خواست که به آقای [احمد] وحیدی حکم اداره امور نظامی و انتظامی شهر [کرمانشاه] را بدهد، پذیرفتم. گفت از تهران و از یگان‌های خرم‌آباد و اراک هم نیرو خواسته‌اند.

آقای سنجقی از مرکز هدایت عملیات اطلاع داد که اطلاعات رسیده می‌گوید حدود یک‌هزار و پانصد نفر منافق با حدود شصت تانک و نفربر و خودرو در گردنه حسن‌آباد اسلام‌آباد حضور دارند و نیرویی هم در جاده بین کرند و یاتاق و جاهای دیگر برای تأمین گذاشته‌اند و گروهک‌های دیگر ضدانقلاب هم با آنها همکاری می‌کنند و گفت اولین تیم آتش هلی‌کوپترها روی آنها اجرای آتش کرده‌اند و هلی‌کوپترهای شناسایی هم رفته‌اند و هنوز اخبار تکمیلی نرسیده است.

به محل نیروی زمینی سپاه رفتم ، آنجا که آقای شمخانی عملیات علیه منافقین را هدایت می‌کند. معلوم شد همکاری هوانیروز در حد مطلوب نیست. فوراً از آنجا به پایگاه هوانیروز رفتم و تأکیدات لازم را نمودم. خودشان را جمع کردند. مقداری با فرمانده پایگاه سرهنگ انصاری و مسئول عقیدتی سیاسی مذاکره کردیم. یکی از خلبانان که برای زدن آنها رفته بود، می‌گفت منافقین با مسافران و مردم مخلوط شده‌اند و هدف‌گیری آنها مشکل است.

برای مصاحبه به قرارگاه برگشتیم. مصاحبه رادیو تلویزیونی با صدا و سیمای باختران

درباره اوضاع جبهه انجام دادم[1]. بعداً اطلاع دادند فیلم کیفیت خوبی ندارد و خواستار تجدید مصاحبه شدند. از تهران، احمدآقا و نخست وزیر با نگرانی از اوضاع اسلام‌آباد و احتمال اشغال باختران می‌پرسند که نگرانی را بی مورد می‌دانم.

آقای سنجقی اطلاع داد که [حمزه] حمیدی نیا [فرمانده سپاه هشتم ثامن الائمه(عج)] از جاده ایلام وارد شهر اسلام‌آباد شده و دوسوم شهر را پاکسازی کرده و عملاً منافقین در جاده باختران محاصره شده‌اند. مردم باختران با وسعت شهر را ترک می‌کنند، چون منافقین اعلان کرده‌اند به زودی به شهر می‌رسند.

سرتیپ جمالی اطلاع داد که به استقبال هیأت شورای امنیت رفته که برای مقدمات آتش‌بس آمده‌اند و درباره استقرار ۲۵۰ ناظر آتش‌بس مذاکره می‌کنند.

دوسه بار اطراف شهر بمباران شد و می‌گویند گلوله‌های توپ هم به شهر اصابت می‌کند؛ لابد از محل استقرار منافقین است.

ساعت پنج و نیم بعد از ظهر، آقای سنجقی اطلاع داد که کل اسلام‌آباد پاکسازی شده و نیروهای تیپ نبی‌اکرم (ص) از پشت سر منافقین به سوی گردنه حسن‌آباد پیش می‌روند و منافقین دارند در جنگل‌ها و ارتفاعات مجاور متواری می‌شوند.

[آقای علی نکویی] استاندار باختران آمد. از رفع شدن خطر خیلی خوشحال است. پنج

---

۱ - آقای هاشمی در مورد آخرین تحولات جبهه‌های جنگ گفت: «بحمدالله وضع جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این روزها خوب است. بوی نشاط و جهاد در همه جا به مشام می‌رسد. رزمندگان با روحیه بالا دشمن را تعقیب می‌کنند و بهتر از آن اینکه الان جنگ با شرایط خاص سیاسی، تبلیغی که الان در جبهه‌هاست وضع خوبی را به خودش گرفته است. تا به حال ما مظلومانه دفاع می‌کردیم، اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی‌خواهیم، هیچ کس توجهی نمی‌کرد که ملت ما می‌گوید ما تا پیروزی می‌جنگیم. یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان و نه در گرفتن زمین دیگران. ولی امروز با این ابتکاری که حضرت امام زدند و قطعنامه را قبول کردند، وضع بهتر شد. چهره صدام روشن و معلوم شد که آنها صلح را نمی‌خواهند و تا به حال دروغ می‌گفتند. ذره‌ای که احساس قدرت کرده بودند، باعث شده بود که خوی تجاوزگری که اول جنگ باعث شد جنگ شروع شود، امروز هم باعث شده تجاوزشان را ادامه دهند و به دروغ می‌گویند ما در سرزمین عراق می‌جنگیم و حال آنکه در شهرهای مرزی ما حضور دارند. ما الان قیافه مدافع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است.» جانشین فرمانده کل قوا در مورد انگیزه تجاوزات اخیر عراق به مناطق مرزی گفت: «اولاً حزب بعث به طور اصولی ماهیتاً متجاوز است و هر وقت احساس قدرت کند و جایی را مناسب بداند، دست به تجاوز خواهد زد. به همان دلیل که اول جنگ تجاوز را هم او شروع کرد، ثانیاً حالتی که به طور طبیعی حدس می‌زد که با پذیرش قطعنامه ممکن است در رزمندگان ما بوجود آید، خواست استفاده کند و تظاهر به قدرت بیشتری کند که بتواند سرزمینی از ما بگیرد تا در موقع حل و فصل مسئله جنگ، اهرم قوی‌تری برای شرایط خود داشته باشد و شاید هم به همان اهداف توسعه طلبانه‌ای که در حزب بعث عراق هست، فکر کند که در آینده برخی از مناطق سوق الجیشی را نگه دارد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

میلیون تومان برای مخارج ناشی از جنگ، از اعتبار فرماندهی به ایشان دادم. مصاحبه با صدا و سیما را تجدید کردم. آقای سنجقی آمد. تقریبا از پیروزی امروز بر منافقین مطمئن است و اکنون درباره تعداد افراد مهاجم و امکانات و خودروهای آنها اغراق می‌شود. مدعی‌اند که حدود یک هزار خودرو و حدود چهار هزار نفر نیرو آورده بودند؛ اگر درست باشد ضربه به آنها کمرشکن است.

نخست وزیر اطلاع داد که تأسیسات مخابراتی بالای سواکوه در شرق کرند در معرض خطر قرار گرفته. نزدیک مغرب است و کار زیادی برای امشب نمی‌شود انجام داد. به نیروی هوایی و هوانیروز گفتم که فکری کنند.

شب به مرکز نیروی زمینی سپاه رفتیم. جمع‌بندی وضع امروز انجام شد؛ خوب است. تقریباً در همه جا عراق ضربه خورده. آخر شب خبر دادند منافقین دوباره وارد شهر اسلام‌آباد شده‌اند و نیروهای ما عقب نشسته‌اند. عملیات در شلمچه را هم شروع کرده‌ایم. برای خواب به قرارگاه برگشتیم.

چهارشنبه ۵ مرداد | ۱۲ ذیحجه ۱٤۰۸   ۲۷ جولای ۱۹۸۸

آقای سنجقی با تلفن بیدارم کرد و گفت: نیروهای ما در سه راهی شرق اسلام‌آباد هستند و در طرف باختران به جای دیروز برگشته‌اند و شب مقداری جلو رفته بودند. معلوم می‌شود منافقین نیروی تازه وارد کرده‌اند. نیروی زیادی برای این اقدام خود به داخل ایران آورده‌اند و اسرای آنها گفته‌اند که بنا داشته‌اند از محور سنندج هم بیایند و از دو محور به طرف تهران حرکت کنند؛ خیلی تصمیم احمقانه‌ای است. لابد متکی به تحلیل‌های جاهلانه و اطلاعات ناقص چنین اشتباهی کرده‌اند و فرصت خوبی به وجود آمده که در اینجا آنها را منهدم کنیم و شرشان را کم کنیم. به نیروی هوایی و هوانیروز گفته شد که امروز در انهدام آنها توان کامل را به کار گیرند.

در اخبار رادیو آمریکا و انگلیس در مورد اظهار من در خصوص شرط آزادسازی اموال ما در آمریکا به عنوان دلیل حسن نیت آمریکا قبل از مذاکره یا کمک ما به آزادی

گروگان‌های آمریکا، حساسیت زیادی نشان داده شد و به نظر می‌رسد جریان صلح و ختم جنگ در سازمان ملل به مرحله جدی رسیده است؛ موضع جهانی نسبت به ما خوب است.

آقای شمخانی اطلاع داد یکی از منافقین با حالت استیصال با ماشین معمولی خودش را به خاکریز زده که هلاک شده و نقشه‌ای از ماشین او به دست آمده که نشان می‌دهد برنامه منافقین این بوده که در چهار مرحله به باختران، همدان، تاکستان و تهران بروند که نشان احمقی و غرور آنها است. مهدی خودمان رفت و از خط بازدید کرد و آمد و گفت آن نقشه و کالک را در آنجا دیده است.

آقای [حمید] تقوی معاون حفاظت اطلاعات نیروی زمینی سپاه آمد و اسناد مربوط به شناسایی کامل نظامی عملیاتی از باختران تا قزوین و کالک مربوطه را آورد؛ این اسناد نشان می‌دهند، آنها خود را برای عبور نظامی از این مسیر آماده می‌کرده‌اند. اما دلیلی نیست که در همین زمان و در ادامه همین عملیات باشد، مگر اینکه در دست عمل کنندگان بوده است. به نظرم می‌رسد مسئولان نظامی این محور قضیه را بیش از آنچه هست، بزرگ می‌کنند و به احتمالات بهای زیادی می‌دهند؛ شاید هم از لحاظ نظامی حق با آنها باشد.

آقای [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] می‌گوید خلبانان در منطقه مأموریت، نیروی زیادی از دشمن نمی‌بینند؛ از امروز خلوت‌تر است. یا رفته‌اند و یا نابود شده‌اند و یا استتار کرده‌اند.

احمدآقا برای تشویق امام از خلبانان مشورت کرد؛ موافقت کردم[1]. آقای سنجقی و مهدی را برای آوردن خبرهای صحیح به خط مقدم فرستادم. عصر آقایان فلاحیان و رازینی آمدند. درباره دادگاه زمان جنگ و بازرسی ویژه و امور جاری جنگ مذاکره شد. اخیراً

---

[1] – در نامه حضرت امام (ره) چنین آمده است: «تیمسار سرتیپ ستاری، فرمانده محترم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، و تیمسار سرتیپ دوم انصاری، فرمانده هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران. خلبانان عزیز و قهرمان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و خلبانان دلیر و شجاع هوانیروز. اینجانب از زحمات طاقت فرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی که به نحوی از انحا در آمادگی‌های پروازها دست دارند تشکر می‌نمایم. شما در طول جنگ تحمیلی، به خصوص در شرایط حساس امروز، از رزمندگان صحنه‌های نبرد و میهن اسلامی‌مان با تمام توان دفاع نموده و می‌نماید. شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است. شما در صحنه‌های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزمان آموختید که دیگر خیال تعرض به کشورمان و مکتب حیات بخش هم میهنانمان را ننمایند. اینجانب دست یکایک شما را می‌فشارم، و از صمیم جان به شما دعا می‌کنم. خدا یار و نگهدارتان باد. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته. – ۱۳۶۷/۵/۶ – روح الله الموسوی الخمینی» منبع: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۰۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام حکم محکمی به آقای رازینی برای تشکیل دادگاه و محاکمه مقصران در جنگ داده‌اند، ولی در اجرا اشکالاتی خواهد داشت.[۱]

آقای سنجقی و مهدی برگشتند و گفتند نیروها آماده شده‌اند که امشب به مواضع منافقین در جاده باختران - اسلام‌آباد حمله کنند. به نظر می‌رسد طولانی شدن بیشتر مقاومت آنها در منطقه به صلاح نیست؛ باید فشار آورد.

پنجشنبه ٦ مرداد | ١٣ ذیحجه ١٤٠٨ | ٢٨ جولای ١٩٨٨

اول وقت آقای سنجقی و آقای [نورعلی] شوشتری فرمانده قرارگاه نجف اطلاع دادند که از دیشب از چهار محور به منافقین حمله شده، از تنگه چهار زبر و گردنه حسن‌آباد و سه راهی اسلام‌آباد و داخل شهر اسلام‌آباد و در همه محورها به پیش رفته‌ایم و پیشرفت ادامه دارد و آقای [نورعلی] شوشتری امید دارد که امروز کارشان یکسره خواهد شد وحدس می‌زند حدوداً چهار هزار نفر در منطقه هستند. اگر به خوبی پیش برود، ضربه غیر قابل جبرانی به آنها وارد خواهد شد.[۲]

---

۱ - متن حکم امام خمینی (ره) چنین است: « جناب حجت الاسلام آقای علی رازینی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح. جنابعالی موظف می‌باشید: ۱ – دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل و طبق موازین شرع بدون رعایت هیچ یک از مقررات دست و پاگیر، به جرایم متخلفان رسیدگی نمایند. ۲ – هر عملی که به تشخیص دادگاه موجب شکست جبهه اسلام و یا موجب خسارت جانی بوده و یا می‌باشد، مجازات آن اعدام است. والسلام، ۶۷/۵/۲ روح الله الموسوی الخمینی» منبع : کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۰۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - ارتش عراق پس از اعلام موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸، در دو جبهه جنوبی و میانی به طور هم زمان حمله کرد. در جبهه جنوب هدف، تصرف اهواز و حداقل تصرف خرمشهر بود که تلاش دشمن را نیروهای سپاه و بسیج عقیم گذاردند. اما در جبهه میانی هدف دشمن زمینه سازی برای هجوم سازمان منافقین بود. در این جبهه ارتش عراق با حمله به خطوط پدافندی خودی، آنها را سرگرم کرده بود تا نیروهای منافقین بتوانند از نقطه دیگری، پس از شکسته شدن خط به وسیله ارتش عراق، حرکت خود را آغاز کنند. بدین ترتیب پس از شکسته شدن خط خودی در منطقه سرپل ذهاب در حمله ارتش عراق، نیروهای منافقین بدون آنکه با مانعی روبرو باشند، سوار بر خودروها به سوی کرمانشاه حرکت کردند و تا تنگه «چهار زبر» پیش رفتند. با پیش فرض منافقین و صدام چنانچه پذیرش قطعنامه، سقوط اعتبار و اقتدار امام و نظام را در پی داشت و نیروهای منافقین به پیروزی‌هایی می‌رسیدند، عراق می‌توانست از موضع طرف پیروز، شرایط خود را بر ایران دیکته کند و جنگ را به پایان ببرد. از سوی دیگر، در حالی که هنوز توقف حملات عراق در جنوب قطعی نشده بود، بخشی از مدافعان جنوب راهی غرب کشور می‌شدند تا به سرکوب حملات عراق و منافقین بپردازند ولی خوشبختانه در عملیات مرصاد که با فرماندهی

نخست وزیر تلفنی از تداخل کار آقای [احمد] وحیدی [فرماندار نظامی کرمانشاه] با استانداری گفت و چاره‌جویی کرد. آقای [سیروس] ناصری [سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو] از تهران تلفنی گفت اصرار عراق بر مذاکره مستقیم را در شورای امنیت به این گونه حل کرده‌اند که این گونه موارد را به حکمیت [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل [سازمان ملل] واگذار کرده‌ایم.

پس از اطمینان از شکست حمله مشترک منافقین و عراق و تثبیت وضع، ساعت هفت به سوی همدان حرکت کردیم. ساعت ده و نیم به پایگاه نوژه رسیدیم. با فرماندهان پایگاه و خلبان‌ها گفتگو کردم. از عملیات علیه منافقین خیلی راضی بودند. با شوق برای زدن و بمباران آنها می‌روند؛ کینه عجیبی نسبت به آنها پیدا کرده‌اند.

از باختران خبر گرفتیم. معلوم شد درگیری در جاده اسلام‌آباد - باختران نزدیک به پایان است و منافقین حسابی قلع و قمع می‌شوند. از خلبان‌ها تشکر کردم. در روز گذشته، عراق پایگاه را بمباران و رادار را منهدم کرده است. گفتند بمب‌های خوشه‌ای به کار می‌برده که در فضا منفجر می‌شود و حدود ششصد بمب کوچک را به زمین می‌ریزد که با فیوزهای زمان‌بندی شده تا شش ساعت بعد منفجر می‌شوند. تلاش‌های جالبی برای خنثی کردن آنها کرده‌اند. یک نمونه از بمب کوچک منفجر شده با تیر را به مهدی دادند. چتر هم دارد.

از خلبان‌ها و افسران حاضر در آنجا، نظراتشان را درباره آتش بس پرسیدم. جواب جالبی دادند و گفتند ما جان بر کف در خدمت نظام و امام و کشوریم؛ هر چه که صلاح بدانند اطاعت می‌کنیم. با هواپیما به تهران آمدیم و نزدیک ظهر رسیدیم. مراجعات زیادی درباره مسائل جاری و مخصوصاً مربوط به آتش‌بس داشتیم.

از جبهه خبر دادند که کار جاده تمام شده و نیروها به طرف شهر اسلام‌آباد و جنگل‌های اطراف برای تعقیب منافقین فراری می‌روند. می‌گویند در شنودشان شنیده

←سپاه پاسداران و با پشتیبانی هوانیروز ارتش و با حضور گسترده مردم اجرا شد، رزمندگان خودی از سه محور چهار زبر، جاده قلاجه، و جاده اسلام آباد – پل دختران وارد عمل شدند و در دو مرحله نیروهای ضدانقلاب (منافقین) را که تا تنگه چهار زبر پیشروی کرده بودند، سرکوب کردند. در این عملیات اگرچه نیروهای منافق تا پشت نوار مرزی عقب رانده شدند، لیکن قوای ارتش عراق بخشی از ارتفاعات مرزی را همچنان در اشغال خود نگه داشتند.



ملاقات خائنانه سر کرده منافقین با صدام حسین

می‌شود که به رجوی و صدام دشنام می‌دهند که آنها را به قتلگاه فرستاده‌اند. عصر سرتیپ جمالی آمد و نتیجه مذاکره با هیأت فنی سازمان ملل برای مقدمات آتش‌بس را آورد. توافق‌ها را خواند. چند تذکر اصلاحی دادم. می‌خواست که در تبلیغات عملیات مرصاد از نیروی زمینی ارتش هم بگویند. گفتم در حدی که شرکت داشته‌اند، گفته شود. هوانیروز و نیروی هوایی، مستقل عمل کرده‌اند.

وزیر نفت آمد. درباره خریدهای دفاعی مشورت کرد و بر حل مسائل با غرب برای استفاده از آنها در اجرای قطعنامه و کمیته تعیین متجاوز تأکید داشت. آقایان [محمد جواد] لاریجانی و[سیروس] ناصری برای مشورت در امور مذاکرات و شورای امنیت و اجرای بندهای قطعنامه و کیفیت برخورد با آمریکا و انگلیس و روسیه آمدند. وزارت خارجه کمیته‌ای در وزارتخانه، برای هدایت کار تنظیم کرده که امور را هدایت کنند.

شب از منطقه خبر دادند که اسلام‌آباد را پاکسازی کرده‌اند و به سوی کرند پیش می‌روند و تلفات منافقین سر به چهار هزار نفر می‌زند و بیش از یک هزار خودرو به همراه داشته‌اند.

با آیت‌الله خامنه‌ای که در خوزستانند و آقای نخست وزیر، درباره امور جنگ مذاکره

کردم. آقای [محمد علی] نظران [دبیر شورای عالی دفاع و مسئول کمیسیون اسرا]، گزارشی از مذاکره هیأت صلیب سرخ داد که برای مقدمات تبادل اسرا آمده‌اند.

جمعه ۷ مرداد | ١٤ ذیحجه ١٤٠٨ | ۲۹ جولای ۱۹۸۸

آقای [ابراهیم] سنجقی و آقای[علی] فلاحیان گزارش وضع منطقه را دادند. نیروهای ما کرند را هم گرفته‌اند. آنها در هفت کیلومتر اطراف کرند، راه را بسته‌اند و منافقین در حال فرار را منهدم می‌کنند. تلفات زیادی در آنجا به آنها وارد کرده‌اند. به نخست وزیر گفتم که با ستادش به خوزستان سفر کنند. به آقای [سیدمحمد] خاتمی درباره تلفات مرصاد تذکراتی دادم. آقای فلاحیان گفت یک زن فرانسوی که همسر یکی از منافقین است، مجروح و اسیر شده است. احمدآقا تلفنی صحبت کرد و گفت امام از مجموع حوادث قطعنامه و بعد از آن خیلی خوشحالند و می‌گویند هدایتی الهی در کار است که کارها این گونه خوب پیش می‌رود.

برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم[1]. مردم از عملیات مرصاد و شکست منافقین

---

[1] - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع استضعاف و استکبار دنبال شد و ویژگی‌های دیگری از مستکبران بیان گردید. خطبه دوم نماز به توضیح شرایط و دلایل اقدام حضرت امام (ره) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و دستاوردها و شباهت‌های آن با صلح حدیبیه حضرت رسول (ص) آن اختصاص یافت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «اگر انقلاب‌مان، انقلاب فکری و هدایتی است، لازم است مردم دنیا را قانع کنیم به اینکه ما مظلوم هستیم و در حال دفاع کردن می‌باشیم. ما اگر سال پیش این کار را می‌کردیم به این نتایج نمی‌رسیدیم. برای اینکه صدام آن موقع به محض اینکه می‌پذیرفتیم، قبول می‌کرد و بعد هم می‌گفتند ایران، شش سال یکدندگی کرد و حالا برگشت و قضیه پایان می‌یافت، اما الان دنیا و صدام خود را در یک وضعی می‌بیند که این حرف را فوراً نپذیرفتند و مقاومت و کارشکنی کردند و به صورت بسیار زشتی در میدان جنگ نشان دادند که دروغ می‌گویند. این کاری که اینها انجام دادند این را مشخص کرد که ایران مظلوم بود و برای فتح سرزمین و گرفتن خاک آن کشور اقدام نکرد. حالا هم اگر سازمان‌ها و دولت‌ها، وظایف خودشان را در قبال تجاوزات صدام انجام ندهند، این مظلومیت بیشتر ثابت خواهد شد. ما اگر از این به بعد هر چه کارشکنی ببینیم، برای این هدف اصلی‌مان یعنی هدف و آرمان انقلاب که فتح دل‌ها و رفع شبهه از مغزهای مردم است، ما موفق خواهیم شد و شاید یکی از اسراری که خداوند، امروز به قلب رهبر انقلاب این مطلب را احاله فرمودند، این باشد که بهترین زمان حالا می‌باشد. و اما چه اتفاقی با این اقدام از دست دادیم و چه به‌دست آوردیم؟ در ساعات اول برای خیلی‌ها ایجاد ناراحتی کرد، ولی وقتی که قضیه باز شد و حوادث یکی بعد از دیگری پیدا شد، کم کم مردم امروز قانع می‌شوند. دیروز هنگام بازگشتن از جبهه به پایگاهی رفتم که خلبانان جمع بودند. با بعضی از

خوشحال‌اند. عصر اطلاعات بیشتری از تلفات منافقان دادند و گفتند تا آن طرف مرز تعقیبشان کرده‌اند و افراد متفرقه در روستاها و جنگل‌ها را تحت تعقیب قرار داده‌اند[۱]. وزارت خارجه اطلاع داد که شوروی به سفیر ما گفته است که در [شورای امنیت] سازمان ملل، از موضع ایران در ختم جنگ حمایت می‌کنند. عصر و شب، کارهای عقب مانده را انجام دادم.

شنبه ۸ مرداد | ۱۵ ذیحجه ۱۴۰۸ | ۳۰ جولای ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح کارها را انجام دادم. به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم و کارهای چند روز سفر را انجام دادم. آقای [مرتضی] کتیرائی برای امور مجلس آمد. آقای صیاد شیرازی برای عملیات مرصاد آمد و درباره جمع‌بندی و نقد کار نظراتی ابراز کرد؛ راضی است. آقای [محسن] رفیق‌دوست برای امور جنگ آمد و طرحی برای ادغام وزارتخانه‌های سپاه، دفاع و صنایع نظامی آورد. آقای فروتن برای مشورت در شغل آینده و پذیرفتن مدیریت بازداشتگاه‌ها آمد.

عصر در جلسه ستاد شرکت کردم. آقایان شمخانی و [محمد] باقری [مسئول اطلاعات نیروی زمینی سپاه]، عملیات مرصاد را توضیح دادند. تدارکات منافقین خیلی وسیع بوده و ضربه وارده بر آنها خیلی عمیق است. یکصد وبیست تانک زرهی دجله، شصت نفربر و

آنها صحبت کردم. می‌گفتند منطقاً ما پذیرفتیم که کار درست است. آنها این اقدام را منطقی می‌دانند. این را من به صلح حدیبیه تشبیه کردم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - خبرگزاری رویتر در گزارشی از خطبه‌های نماز جمعه امروز تهران چنین گزارش داد: «ایران به نیروهای ارتش آزادیبخش ملی اجازه داد تا عمق خاک ایران نفوذ کنند، تا اینکه بتوانند آنها را به تله انداخته و نابود کنند. آقای رفسنجانی در مراسم نماز افزود: «آنها قدم به داخل کیسه گذاردند و ما در آن را بستیم.» وی افزود: «پیشروی آنها در دشتی در شمال گذرگاه امام حسن(ع) واقع در ۳۵ کیلومتری باختران متوقف گردید و در این نقطه بود که هواپیماها و هلی‌کوپترهای ایرانی، ستون نظامی آنها را بمباران کرده و اغلب تجهیزات آنها را نابود کردند. سپس پیاده نظام ایران وارد عمل شد و به تعقیب آنها به‌سوی مرز ادامه داد و در گذرگاه باتلاق واقع در آن سوی کرند، آنها در دام نیروهای ورزیده ایرانی که بوسیله هلی‌کوپتر در گذرگاه مستقر شده بودند، افتادند.» رفسنجانی فاش ساخت برنامه زمان‌بندی شده‌ای برای پیشروی آنها به سوی تهران در میان لاشه‌های ارتش آزادیبخش ملی در اسلام آباد غرب بدست آمده است.» نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۵/۸، صفحه ۱۴.

ششصد خودرو دیگر، حدود پنج هزار رزمنده و همین تعداد پشتیبانی و تدارکچی و طرح رسیدن به تهران، خیلی احمقانه و ساده لوحانه و هفتاد درصد انهدام. درباره انجام عملیات انهدامی علیه دشمن بحث شد. قرار شد اگر آنها اقدامی نکنند، ما هم نکنیم. خبر رسید که عراق از قصر شیرین هم عقب نشسته است.

شب جلسه سران قوا داشتیم. درباره جنگ و آتش‌بس صحبت بود. تصویب شد برای رسیدن به صلح جدی باشیم و نگذاریم موانع، کار را خراب کند. درباره سازمان نیروهای مسلح هم صحبت شد. دیر وقت به خانه رسیدم.



جلسه سران قوا

یکشنبه ۹ مرداد | ۱۶ ذیحجه ۱۴۰۸ ۳۱ جولای ۱۹۸۸

دکتر روحانی آمد و راجع به طرح ادغام نیروهای زمینی ارتش و سپاه مذاکره کردیم؛ وحدت نظر داشتیم. بنا شد بیشتر بحث شود. آقای محسن رضایی اطلاع داد که دشمن در غرب، تقریبا همه جا به مرزها برگشته است. اجازه عملیات انهدامی خواست که موافقت نکردم. آقای [حسین] پروین [رئیس ستاد] لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)، تلفنی گفت نیروهای

اعزامی اکثراً پشتیبانی هستند که لشکر نیاز ندارد و نیروی رزمی مورد نیاز است. عصر هم در منزل مطالعه می‌کردم.

خبر رسید که عراق در منطقه شیلر برای گرفتن ارتفاعات مرزی، تک کرده که رفع شده است. برای جواب دادن با یک عملیات انهدامی مشورت کردیم که نتیجه عدم اقدام بود.

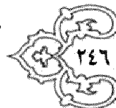
[آقای محمدی ری‌شهری] وزیر اطلاعات خواست که سپاه، اطلاعات بدست آمده در سرکوب منافقین در باختران را در اختیار وزارت قرار دهند. مهدی و یاسر مشغول تدارک سفر به جبهه‌اند و اجازه تردد در منطقه برای مهدی خواستند که بتواند به محورها سر بزند و از نیازها و اوضاع نیروها مطلع شود و یاسر به عنوان رزمنده به لشکر ملحق شود.

شب، محسن گروه طراح و سازنده موشک سجیل را آورد. جمع کوچکی در حد دیپلم و بعضی لیسانس هستند و موشک یکصد و سی کیلومتری زمین به زمین با بدنه فایبرگلاس و سوخت جامد ساخته‌اند که از دیگران که گروه علمی با امکانات زیاد دارند، ساده‌تر و ارزان‌تر است. قرار شد تشویق و حمایت شوند. عفت و بچه‌ها به مهمانی رفته بودند و من تنها شام خوردم.

آقای [سیروس] ناصری از وزارت خارجه اطلاع داد که گویا روز پنجشنبه بنا است آتش‌بس اعلان شود. عراق هنوز بر مذاکره مستقیم با ایران قبل از هر چیز اصرار دارد[1].

---

[1] - رادیو بی بی سی اعلام کرد: «در حالی که مذاکرات در نیویورک برای سعی در پایان دادن به جنگ ایران و عراق ادامه دارد، کشورهای غربی از فرصت استفاده کرده و مسئله‌ای را پیش کشیده‌اند که در پنج سال گذشته در سطح بین‌المللی، دردسر بزرگی بوجود آورده و این مسئله سرنوشت گروگان‌های غربی است که در لبنان در اسارت به سر می‌برند. پرز دوکوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد، نماینده بریتانیا در سازمان ملل متحد، نماینده آلمان و چندین نفر از مقامات آمریکا، درگیر این مسئله بوده‌اند. جان بولاک، گزارشگر روزنامه ایندیپندنت در گفتاری دلایل امیدواری این مقامات در مورد آزادی گروگان‌ها را بررسی کرده است و می‌گوید: «علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه ایران اظهار می‌دارد که مسئله گروگان‌های غربی مسئله‌ای است نه برای ایران، بلکه برای لبنان، اما می‌افزاید که ایران منتهای کوشش خود را برای آزادی آنها انجام خواهد داد و امیدوار است که همه افراد بیگناهی که در هر جای جهان به عنوان گروگان در اسارت به سر می‌برند، به زودی آزاد شوند.»



دوشنبه ۱۰ مرداد | ۱۷ ذیحجه ۱٤۰۸ | ۱ آگوست ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدیم. در گزارش‌ها بیشتر توجه به سازمان ملل و قطعنامه شورای امنیت است[1]. فشار جهانی بر عراق آمده است و برای اولین بار بعد از انقلاب، احساس همدردی جهانی نسبت به موضع ایران دیده می‌شود و زمزمه محکومیت عراق به خاطر استفاده از سلاح شیمیایی به گوش‌ها می‌رسد.

هیأت مدیره کنفرانس دفاع و تجاوز آمدند که قرار است هفته آینده در تهران برگزار شود. گزارش کار و فهرست مقالات و توضیح درباره شخصیت‌های شرکت کننده و برنامه‌ها دادند. ستاد تبلیغات جنگ آن را اداره می‌کند.

به آقای [محمد جواد] لاریجانی گفتم که آقای ولایتی در سازمان ملل در خصوص مذاکره مستقیم سخت‌گیری نکنند[2]. آقای [مرتضی] کتیرائی برای کمک‌های مردمی به جنگ آمد. شکایتی از اعضای دفتر به خاطر اختلافات خودشان داشتیم. آقای رفیق‌دوست آمد. نگران آینده وزارت [سپاه] است و از اعمال قدرت ستاد کل در برابر سیاست‌های

---

۱ - روزنامه «وال استریت ژورنال» در مطلبی تحت عنوان « پیشرفت عظیم در خلیج فارس» نوشت: « طرح صلح هم برای تعداد زیادی از کشورهای خاورمیانه و هم برای دنیای غرب نافع است و یک نتیجه آن، این خواهد بود که ایران وادار شود، بیشتر توجه خود را به داخل کشور معطوف کند و خطر تروریسم و شورش‌های اسلامی تخفیف پیدا نماید. از طرف دیگر طرح صلح اسرائیل را تحت فشارهای جدیدی قرار دهد. تصمیم آیت الله [امام] خمینی به قبول طرح آتش بس سازمان ملل متحد، اولین قدم در راه ثبات اوضاع خلیج فارس بعد از قریب ده سال بحران است و خلیج [فارس] منطقه‌ای است که رشته‌های حیاتی دول غرب برای نفت از آن عبور می‌کند و اهمیت سیاسی و اقتصادی آن در سراسر جهان بی‌نظیر است. در پایان مخاصمات، هر دوکشور ایران و عراق علاقمند خواهند شد که نفت بیشتری صادر کنند. در حال حاضر ایران و عراق هر یک روزانه دو میلیون و چهارصد هزار بشکه نفت تولید می‌کنند، ولی مدت‌ها طول خواهد کشید تا ایران بتواند به تولید قبل از جنگ خود، یعنی چهار میلیون بشکه در روز و عراق به تولید سه میلیون و پانصد هزار بشکه خود در روز برسد. رادیوی تهران گفته است وقتی که آقای رفسنجانی، پیام تاریخی بزرگ و معجزه آسای آیت الله خمینی را برای پایان جنگ شنید هنگامی که شنید، امام گفت قبول صلح از نوشیدن زهر برای او دشوارتر است، اشک در چشمان او حلقه زد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۵/۲، صفحه ۳۶.

۲ - رادیو صدای آمریکا گفت: «عراق دیروز اعلام کرد که به‌علت اظهارات متناقض مقامات ایران در زمینه نقشه‌های نظامی‌شان، آن کشور در مورد برگزاری گفت وگوهای رو در رو، به عنوان نشانه حسن نیت ایران پافشاری خواهد کرد. روزنامه واشنگتن پست در این باره گزارش داد: «سعدون حمادی یکی از مشاوران ارشد سیاست خارجی عراق اظهار داشت که اعلام پذیرش قطعنامه آتش بس از سوی ایران، به خودی خود نشانه کافی از حسن نیت رهبران انقلابی آن کشور نیست، زیرا دلیل ندارد که ایران از گفت‌وگوهای مستقیم خودداری کند. ایران دیروز اعلام کرد حاضر است با عراق رو در رو گفت وگو کند، اما حاضر نیست که چنین درخواستی را به عنوان یک پیش شرط برای تعیین تاریخ برقراری آتش بس میان دو کشور متخاصم در خلیج فارس بپذیرد.»

وزارت سپاه ناراضی است. با بهزاد نبوی و [بیژن نامدار] زنگنه که به کار او مربوط می‌شوند، مسئله دارد.

هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. قرار بوده پنجشنبه جلسه علنی داشته باشیم. تصویب شد فعلاً جلسه نباشد، چون ممکن است مردم را درباره جبهه سست کنند. به اسم رفتن به جبهه مجلس را تعطیل کرده بودند. بنا شد شنبه آینده در این باره تصمیم‌گیری کنیم.

شخصی که عصای سید جمال‌الدین [اسدآبادی] را با جام و دعای خیر فرستاده بود، آمد. پسر پهلوان علی اکبر خرم‌دره‌ای است. مدعی است پدرش مرید سید جمال‌الدین اسدآبادی بوده و او این عصا را به او داده. حرف‌هایش خیلی قابل قبول به نظرم نرسید. یک سکه بهار آزادی به او دادم و گفتم عصا و جام و دعا را به موزه مجلس بدهد.

عصر دکتر [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد و برنامه آینده کشاورزی را گفت و از عدم توجه دولت به کشاورزی گله داشت. سرهنگ ترابی آمد. از انهدام منافقین در عملیات مرصاد گزارش داد و از آینده ارتش اظهار نگرانی کرد.

آقای [سید علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. درباره انهدام منافقین گفت و خواست که به سپاه و ارتش دستور دهم که اطلاعات درباره منافقین را به وزارت اطلاعات بدهند که به طور متمرکز مورد استفاده قرار گیرد؛ دستور دادم. درباره سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح هم مذاکره کردیم. شب به خانه آمدم. مهدی و یاسر به جبهه رفته‌اند. عفت به عروسی دختر آقای صدوقی رفته بود. تنها شام خوردم و خوابیدم.

سه‌شنبه ۱۱ مرداد | ۱۸ ذیحجه ۱۴۰۸ ۲ آگوست ۱۹۸۸

به رادیوهای انگلیس و آمریکا گوش دادم[۱]. به نظر می‌رسد که دبیرکل [سازمان ملل]

---

[۱] - رادیو بی بی سی گفت: « اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران گفت: اگر آمریکا از سپرده‌ها و متعلقات ایران در آمریکا که پس از اشغال سفارت امریکا توقیف شد، رفع توقیف کند، حکومت ایران می‌کوشد گروگان‌های آمریکایی در بیروت آزاد شوند. رفسنجانی گفت: قبل از آنکه دو کشور به مذاکره بپردازد، آمریکا باید از موضع خصومت بار خود نسبت به ایران دست بردارد، اما حکومت آمریکا اعلام کرده است بر سر گروگان‌ها، با ایران معامله نخواهد کرد. سخنگوی رئیس جمهوری آمریکا گفت: ما قبلاً نیز از اینگونه سخنان شنیده‌ایم، ولی ما در مورد گروگان‌ها مذاکره نخواهیم کرد و چیزی برای آزادی آنان نخواهیم پرداخت. اگر حکومت

تصمیم گرفته در آینده نزدیک اعلان آتش‌بس کند. انتشار گزارش مثبت بررسی استفاده از سلاح شیمیایی و نظر دبیرکل که به ضرر عراق و به نفع ما است، اثر خوبی دارد. نظر داده‌اند عراق به طور وسیع از سلاح ممنوع شیمیایی علیه نظامیان و غیر نظامیان استفاده می‌کند و با اینکه برخی از سربازان عراقی هم مصدوم شده‌اند، معلوم نیست که در اثر شیمیایی ایران باشد.

محسن و اشرف مرعشی [= خواهر همسر آقای هاشمی] آمدند و صبحانه را با ما خوردند. جای مهدی و یاسر خالی است. نزدیک ساعت ده صبح همگی برای شرکت در راهپیمایی بیعت با امام رفتیم. محسن و عفت و بچه‌ها جداگانه رفتند. من به خیابان انقلاب رفتم و چند صد متری راه رفتم. مردم از دیدن من به هیجان آمدند و ابراز احساسات کردند. روحیه و صفای مردم برایم لذت بخش بود. انبوه جمعیت راهپیما قابل توجه است و می‌گویند بی نظیر در تاریخ انقلاب و شادی مردم جالب است و شاید به خاطر به پایان رسیدن جنگ باشد.



حضور گسترده مردم تهران در راهپیمایی بیعت با امام

«ایران می‌خواهد ابراز حسن نیت کند، باید گروگان‌ها را آزاد کنند. تعداد ۹ گروگان آمریکایی در لبنان گرفتارند و قبول قطعنامه شورای امنیت در مورد آتش بس، به این امید دامن زده بود که ممکن است آنان آزاد شوند ولی واکنش منفی آمریکا در این مورد، امیدها را کاهش داده است. آمریکا ترجیح می‌دهد از طریق دیپلماتیک به این مسئله بپردازد. دیروز مقامات ایران، بدون پرده پوشی به وضوح پیشنهاد کردند که حاضرند بر سر گروگان‌ها معامله کنند و بدین ترتیب آمریکا را با تصمیم‌گیری جدیدی روبرو کردند. ایران می‌خواهد با مقامات آمریکا مذاکره کند. دارایی‌های ضبط شده‌اش را پس بگیرد و بهایی که برای آن تعیین کرده، زندگی گروگان‌ها است. این پاسخی است که به پیشنهاد دیروز ریگان برای مذاکره با ایران داده شد. پرزیدنت ریگان دیروز گفت اگر ایران مایل باشد، این بار ما حاضریم گفتگو کنیم؛ اما در واشنگتن دائماً تأکید می‌شود که صحبت کردن با ایران، به معنای معامله یا مذاکره یا مبادله نیست.»

ظهر در منزل تنهایی ناهار خوردم. از مطبخ بیت امام آوردند. بچه‌ها به رستوران رفته بودند. آیت‌الله خامنه‌ای از جبهه تلفن کردند و پیشنهاد داشتند اجازه عملیات به نیروها بدهم. گفتم احتمال درگیری بدون هدف درست و تلفات فراوان دو طرف می‌رود و به علاوه نیاز به اجازه امام دارد؛ علاوه بر بررسی مصلحت.

عصر احمدآقا آمد و گفت آقای خامنه‌ای به ایشان هم تلفن کرده‌اند و همین پیام را به امام داده‌اند و امام نظر مخالف داده‌اند و گفته‌اند ما اعلان کرده‌ایم در صلح جدی هستیم و برای مردم خودمان هم سوال انگیز است؛ در حد مقابله به مثل عمل شود.

آقای [علی] فلاحیان از منطقه تلفن کرد و گفت یکی از سران منافقین به نام فرهاد الفت دستگیر شده و اطلاعات خوبی می‌دهد. شب هم عفت مهمان بیت امام بود و من تنها بودم. آقای [محمدجواد] لاریجانی درباره بند مربوط به شط‌العرب در طرح اجرایی دبیرکل [سازمان ملل] تلفنی مشورت کرد که گفتم مبنا همان قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر است[1].

چهارشنبه ۱۲ مرداد | ۱۹ ذیحجه ۱٤۰۸ — ۳ آگوست ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. بهانه تراشی عراق ادامه دارد. انتشار جنایات جنگی عراق در کاربرد اسلحه شیمیایی، موضع سیاسی ما را تقویت کرده است. گزارش تیم تحقیقاتی خود آمریکا مبنی بر درست کار کردن دستگاه‌های رزمناو وینسنس و درست پرواز کردن ایرباس ایرانی و اشتباه کارکنان رزمناو به نفع ما و ضرر آمریکا تمام شده است. ساعت نه به دندان پزشکی رفتم؛ عصب یک دندان دیگر را درآوردند. شب ناراحت بودم.

آقای جمشیدی مسئول آمار [وزارت] برنامه و بودجه آمد و برنامه آمارگیری وضع

---

[1] - در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۵ میلادی)، ایران و عراق در مورد رفع اختلافات دو کشور به توافق رسیدند. در این توافقنامه قرار شد ایران و عراق مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه سال ۱۹۱۳ و صورتجلسه‌های کمیسیون تعیین مرز سال ۱۹۱۴ و مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین کنند. صدام حسین پیش از آغاز جنگ، در برابر دوربین‌های تلویزیونی، توافق نامه الجزیره را پاره کرد و یک طرفه آن را باطل نمود. در مذاکرات مربوط به آتش بس و مکاتبات بعدی صدام با آقای هاشمی رفسنجانی، مبنای کار توافقنامه الجزایر تعیین شد. متن کامل این توافقنامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

کشاورزی را توضیح داد و برای انجام آن کمک خواست که از سربازان دیپلم استفاده کنند. آقای [جواد] منصوری از وزارت خارجه آمد. درباره لزوم امیدوار کردن غربی‌ها و آمریکایی‌ها به آینده روابط بهتر با آمریکا و موافقت با ملاقات با هیأت ژاپنی که به همین منظور به ایران می‌آید و لزوم تشکیل کمیته‌های تخصصی برای بندهای قطعنامه صحبت کرد.

آقای [محمدصادق] خلخالی [رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس] آمد. از ضربه شدید بر منافقین در عملیات مرصاد اظهار خوشحالی داشت. آقای [محمدباقر] ذوالقدر و جمعی دیگر از اعضای قرارگاه رمضان آمدند. از تحیّر و سردرگمی معارضین عراقی در ایران گفت و خواستار برنامه‌ریزی برای آینده آنها - چه به صلح برسیم یا نرسیم - بود که درباره کیفیت برخورد با آنها در هر یک از حالت صلح یا ادامه جنگ مذاکره کردیم. در هر حال باید آنها را راضی نگه‌داشت و مراعات حالشان را کرد. کردها، عرب‌ها و به خصوص اسرای تائب که با ما همکاری می‌کنند و لازم است توجه بیشتری به وضع رفاهی آنها شود.

ظهر آقای [احمد] جنتی آمد. راجع به برنامه تمرکز امور فرهنگی و عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح صحبت کرد و از من قول حمایت بیشتر، مخصوصاً در مقابل ناهماهنگی احتمالی سپاه خواست و خواستار تأیید حضرت امام است.

عصر آقای [خسرو] عروج آمد. گزارش تشکیل سپاه ویژه و هوابرد و نقش آنها در عملیات مرصاد را داد و مدعی است که ضربه اساسی را آنها وارد کرده‌اند. آقای [محمد] انصاری فرمانده هوانیروز آمد و از آمادگی خوب هوانیروز مخصوصاً شنوک‌ها گفت و کمک بیشتر خواست.

آقایان [علی] شمخانی، [غلامعلی] رشید، [محمد] باقری، [حسین] نجات و [احمد] وحیدی آمدند. گزارش صحنه عملیات مرصاد را دادند. ضربه را کاری‌تر از تصورات اولیه علیه منافقین می‌دانند. طرح‌های عملیاتی احتمالی آینده را در صورت پایدار نشدن آتش‌بس گفتند. آقای [سید رضا] زواره‌ای آمد و تذکراتی درباره منافقین داد. شب به خانه آمدم.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

بسمه تعالی

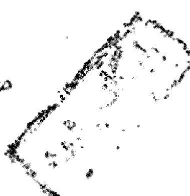
جناب آقای [illegible]

ترتیبی بدهید که کارهای مربوط به نیروهای مسلح و جنگ را
از طریق دفتر مربوط به فرماندهی به انجام برسد؛
میتوانید یا در دوره انتقالی یکی از افراد دفتر را
مسئول این قسمت از کارها و تحت اداره دفتر فرماندهی
قرار دهید.

[illegible]

بسمه تعالی
جناب آقای [illegible]
لطفاً دستور [illegible] اجرا [illegible]

[illegible]



دستخط آقای هاشمی در خصوص ایجاد دفتر فرماندهی کل قوا

دستخط نامه به فرمانده کل سپاه پاسداران

پنجشنبه ۱۳ مرداد | ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۸ ٤ آگوست ۱۹۸۸

عفت اطلاع داد که یاسر تلفن کرده و گفته عازم خط مقدم است. در اخبار کندی پیشرفت در امور اجرای قطعنامه و آتش‌بس به چشم می‌خورد. به مجلس رفتم. آقای حسنی سعدی آمد. گزارش دفاع گونه‌ای از جریانات اخیر داد و گفت در عملیات مرصاد شرکت داشته‌اند و گفته نشده. ظهر آقای علی جنتی آمد. درباره تأسیس دفتر فرماندهی و نیازها و سایر کارها صحبت شد. حکم آقای [حسن] روحانی را هم به عنوان معاون نوشتم.

عصر آقای فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد. گزارش بازدید و بازجویی از منطقه غرب و واحدهای عقب نشسته را داد و قرار شد پرونده‌ها را به دادگاه بدهد و در تأسیس بازرسی تعجیل شود و جمع‌بندی از ضربه به منافقین در عملیات مرصاد داد.

شب آقای [سید منصور] رضوی رئیس سازمان امور اداری و استخدامی آمد. گفت برای حل مشکلات اداری رزمندگان در جبهه دفاتر تأسیس کرده و قرار شد روی درجات و حقوق افراد سپاه کار کند. شب به خانه آمدم. مهدی تلفن کرد و گفت با یاسر و دیگران در خط مقدم است و توصیه کرد خطوط را تقویت کنیم.

جمعه ١٤ مرداد | ۲۱ ذیحجه ١٤٠٨ ٥ آگوست ۱۹۸۸

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. به استراحت و مطالعه گذشت. دو سه مراجعه امور شخصی از بستگان داشتم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. پیشرفتی در مسئله آتش‌بس به چشم نمی‌خورد. مهدی از جبهه تلفن کرد و از کمبود وسایل نقلیه برای نیروها گفت و آقای محسن رضائی از نیاز به نان و یخ گفت که به ستاد کل تأکید کردم. آقای روحانی از خطر حمله عراق و منافقین به اشنویه[1] گفت که به آقای رضائی گفتم آنجا را تقویت کنند. با آقای موسوی اردبیلی درباره مطالب خطبه‌های جمعه مذاکره کردیم.

---

۱ - شهری مرزی و کردنشین در استان آذربایجان غربی.

شنبه ۱٥ مرداد | ۲۲ ذیحجه ۱٤۰۸ — ٦ آگوست ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. در گزارش‌ها پیشرفتی در روند صلح دیده می‌شود. عراقی‌ها زمزمه پذیرش را آغاز کرده‌اند، ولی تحت فشار حامیان. ساعت ده صبح هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. درباره شروع کار مجلس مذاکره کردیم. در نتیجه نظر این شد که اگر کار مجلس شروع شود، توجه مردم از جبهه کم می‌شود. قرار شد که بیانیه بدهیم و ادامه توقف کار مجلس را مطابق برنامه، به منظور حضور نمایندگان در کار جنگ اعلان داریم.

سفیر هند آمد. درخواست شرکت در بازسازی بعد از جنگ برای هند و کمک به آزادی یک گروگان هندی الاصل آمریکایی در لبنان را داشت[۱]. ظهر آقای شمخانی آمد. طرح عملیاتی سپاه را آورد. گفت سیصد گردان نیرو حاضر است و باز هم آمدن نیرو ادامه دارد. عملیات مشروط به تجاوز جدید عراق است که اگر تجاوزی نکند، ما هم نباید اقدامی کنیم. امام نهی فرموده‌اند و گفته‌اند ما در صلح جدی هستیم.

عصر آقای [مرتضی] الویری آمد و گفت طبق نظر کارشناسان به این زودی نمی‌توانیم کار زیادی در امور رفاهی مردم داشته باشیم و لذا نباید به مردم وعده رفاه داد. عصر کارهای مجلس و جنگ را انجام دادم.

آقای [سید محمد] خاتمی اطلاع داد که صدام ضمن نطقی اعلان کرده است که آتش‌بس را می‌پذیرد و شرط مذاکرات مستقیم با ایران قبل از آتش‌بس را پس می‌گیرد، به شرط اینکه بعد از آتش‌بس، ایران مذاکرات مستقیم را بپذیرد.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. رئیس جمهور در جبهه هستند. آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمدند؛ پیشرفت کار در سازمان ملل را گفتند و درباره خط مشی آینده مشورت شد. قرار شد مذاکره مستقیم پس از آتش‌بس پذیرفته شود.

---

[۱] - آقای هاشمی در این دیدار یادآور شد که ایران خواهان ختم جنگ و تأمین صلح در منطقه است. ایشان گفت: «همان گونه که حضرت امام با صراحت گفتند، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تاکتیک نیست و ما جداً خواهان ختم جنگ و تأمین صلح در منطقه هستیم و در این مدت روشن شد کسانی که مدعی صلح و ختم جنگ بودند در کارشان جدی نیستند. مشخص شد که شرارت‌ها را بعد از پذیرش قطعنامه چه کسی ادامه می‌دهد.» در این ملاقات سفیر هند نیز ضمن ابراز خوشحالی از قبول قطعنامه به وسیله ایران، انتصاب آقای هاشمی به سمت جانشینی فرماندهی کل قوا را، زمینه تحولات جدیدی ذکر کرد و اظهار امیدواری نمود که هند نیز در بازسازی ایران سهیم باشد.

آقای لاریجانی گزارش سفر به شوروی را داد و گفت روس‌ها از موضع پائین برخورد کرده‌اند. خواستار گرمی روابط‌اند و از گرم شدن روابط ما با غرب نگرانند و از اینکه من آقای وورنتسف[معاون وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی] را در سفر تهران به ملاقات نپذیرفتم، نگرانند. گفته‌اند فلانی چرا از ما رنجیده است؟ درباره تشکیلات ارتش و سپاه هم بحث شد. دیر وقت به خانه آمدم. یاسر از جبهه آمده و مهدی تلفن کرد که برای انتقال نیرو هواپیما لازم است.

یکشنبه ١٦ مرداد | ٢٣ ذیحجه ١٤٠٨ — ۷ آگوست ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. در راه به دیدن رئیس جمهور که دیشب از جبهه برگشته‌اند، رفتم. ساعتی مذاکره کردیم. ایشان اوضاع جبهه را گفتند و من اوضاع اینجا را و درباره ارتش و سپاه و ستاد کل مذاکره شد.

به مجلس رفتم. [آقای کوریاما] معاون وزیر خارجه ژاپن آمد. نامه‌ای از نخست وزیر ژاپن آورده بود. علاوه بر مذاکرات تشریفاتی، پیام آمریکایی‌ها را آورده بود که خواهان اصلاح روابط با ایران شده‌اند. گفتم که عامل بدی روابط، خصومت‌ها و اعمال بد، آمریکا است. آنها باید به رفتار خصومت آمیز خود پایان دهند و مشخصاً از آزاد کردن اموال مسدود شده ایران اسم بردم.

ظهر آقای شمخانی آمد و طرح عملیات را توضیح داد. عصر به جلسه شورای‌عالی پشتیبانی جنگ رفتم. چند مصوبه برای تسهیل کارهای پشتیبانی جنگ داشتیم و درباره مجازات سربازان غایب و فراری، تصمیمات خشنی اتخاذ شد. به مجلس برگشتم و کارها را انجام دادم و به منزل آمدم.

دوشنبه ١٧ مرداد | ٢٤ ذیحجه ١٤٠٨ — ۸ آگوست ۱۹۸۸

در منزل بودم. در اخبار آمد که قرار است امشب تاریخ آتش‌بس توسط دبیرکل اعلام

شود. مهدی اطلاع داد که نیروها به شمال غرب منتقل شده‌اند و خواست که بدانـد آیا عملیاتی داریم یا نداریم که اگر نداریم، برگردد. یاسر گفت که گردانش عازم خط است و اعتراض داشت که اگر عملیات است، چرا به او نگفته‌ایم که برود. گفتم برنامه‌ای نـداریم و آنها برای دفاع می‌روند.

آقای عبدالله نوری [نماینده امام در جهاد سازندگی] آمد. کلیاتی از ایـده‌هـای سـازمان نیروهای مسلح را که به ذهن آورده گفت و برای شروع کار روی طرح کلی نیروهـای مسلح اعلام آمادگی کرد که قرار شد حکم صادر کنم.

آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. از مذاکرات یکی از مأمورانش بـا آمریکـایی‌هـا گزارش داد که حاضر شده‌اند در مقابل آزادی گروگان‌ها، امـوال مـسدود شـده مـا را آزاد کنند و در قطعنامه [۵۹۸] از نظرات ما حمایت کنند و به کارخانه‌های آمریکا، اجازه فروش نیازهای تسلیحاتی ما را از طریق کشور واسطه بدهند. قرار شد موضوع در جلسه سـران قـوا مطرح شود. درباره مشکلات وزارت اطلاعات مذاکره کرد. عصر آقای صیاد شیرازی آمد. گزارش وضع نظامی جبهه‌های غرب و شمال غرب و وضع امنیتی داخلی کردستان را داد و پیشنهادهایی داشت.

آقای [سیدمحمد] خاتمی، بیانیه‌ای برای بعد از اعلان آتش‌بس تهیه کـرده بـود کـه بـه نظرم بیش از حد مفصل شده و باید کوتاه شود. قـرار اسـت امـشب دبیرکـل سـازمان ملـل، زمان آتش‌بس در جنگ ایران و عراق را اعلام نماید. خبر رسـید کـه در کارخانـه سـاخت [مهمات] ۱۰۷ شهید باقری سپاه، آتش سوزی شده و گلولـه‌هـای مینـی‌کاتیوشـا بـه اطـراف پرتاب می‌شود. آخر شب آقای [محسن] رفیق‌دوست اطـلاع داد کـه آتـش خـاموش شـده است.

سه‌شنبه ۱۸ مرداد | ۲۵ ذیحجه ۱۴۰۸ ۹ آگوست ۱۹۸۸

در اخبار صبح آمد که دیشب خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سـازمان ملـل اعـلان کـرد کـه از

روز [۲۰ آگوست] ۲۹ مرداد، آتش‌بس بین ایران و عراق بر قرار می‌شود[۱]. از اینکه من نقش اساسی در ختم جنگ داشتم، احساس رضایت خاطر می‌کنم.

به مجلس رفتم. آقای [سعید] رجائی خراسانی [نماینده تهران در مجلس] آمد. تذکراتی درباره مسائل جاری آتش‌بس داد. آقای [مهدی] کروبی آمد. راجع به اقدامات آینده در جهت عادی شدن وضع کشور و مخصوصاً مسائل اقتصادی و رفاهی مردم مذاکره شد.

تیمسار ستاری آمد. راجع به کارهای نیروی هوایی و چند قلم از نیازهای نیرو که برای خرید پیدا شده صحبت کرد. [آقایان سید جلیل سیدزاده، محمد اشرفی اصفهانی و ارسلان صفایی‌پور] نمایندگان باختران آمدند و راجع به مسائل اخیر منطقه و تشکر از هوانیروز مطالبی گفتند. دکتر جاسبی آمد. در مورد مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی با وزارت علوم و انجام آزمون ورودی که به خاطر جبهه به تاخیر افتاده، گفت. آقای [مرتضی] کتیرایی [کارپرداز هیأت رئیسه] برای امور اداری مجلس آمد.

عصر آقای [سید علی] حسینی تاش [جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه] آمد و درباره سازمان سپاه و نیروهای مسلح صحبت شد. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و راجع به جنگ در غرب و ایلام که حضور داشته و مسائل انرژی اتمی صحبت کرد. آقای [علی] شوشتری [معاون قضایی و جانشین] مسئول [سازمان] زندان‌ها آمد و راجع به زندانی‌ها و مخصوصاً گروهک‌ها و مسائل اخیر آنها در رابطه با شرارت‌های منافقین،

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: «گزارش‌های مربوط به اعلام روز و ساعت استقرار آتش بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق را با خبر دستور قطع عملیات تهاجمی و حالت تدافعی گرفتن نیروهای ایران آغاز می‌کنیم که به گفته رادیو تهران، امروز از طرف آقای رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران صادر شد. دولت عراق هنوز دستور مشابهی به نیروهای خود نداده است، ولی دیروز پس از اعلام روز آتش بس، صدام حسین سه روز تعطیل عمومی و جشن اعلام کرد و دیشب مردم بغداد در خیابان‌های شهر به رقص و پایکوبی پرداختند. آقای هاشمی رفسنجانی گفت که نیروهای مسلح ایران از امروز نباید دست به هیچ گونه اقدام نظامی بزنند، ولی او در ضمن گفت که نیروهای مسلح باید آماده باشند که به هرگونه شرارت دشمن در هوا، دریا و زمین پاسخ شایسته‌ای بدهند. به نظر می‌رسد که ایرانیان مایلند اعتقاد خود را به جریان آتش بس مورد تأکید قرار دهند و بدین سان طفره رفتن عراق را تا آخرین لحظه در مورد قبول آتش‌بس از پیش در کانون توجه جهانیان قرار دهند. ولی ایرانی‌ها در واکنش‌های رسمی و خصوصی درباره چشم‌انداز یک صلح واقعی و پایدار جانب احتیاط را از دست نمی‌دهند. هنوز دو طرف مخاصمه به یکدیگر اطمینان ندارند و این شگفت آور نیست. ایران هرگز در جنگ خلیج فارس بازنده نبوده است، ولی وقتی با آتش بس موافقت کرد، مسلماً از لحاظ نظامی در موضع ضعف قرار داشت. عراق با سود جویی از آن، پایان جنگ را به صورتی جشن گرفت که گویی یک پیروزی برای عراقی‌ها، اعراب و بشریت است. در ایران احساس مردم بیشتر خاموشی است، آنها در این سکوت از خود می‌پرسند چرا جنگ این قدر طول کشید و برای چه؟ با این همه مردم ایران مصمم‌اند چنانچه لازم باشد، از مرزهای میهن خود دفاع کنند.»

اطلاعاتی داد و گفت از حدود پنج هزار زندانی گروهکی، یک سوم بر سر موضع هستند و یک سوم تائب و یک سوم منفصل.

به جلسه ستاد کل [فرماندهی نیروهای مسلح] رفتم. درباره تلفات پس از آتش‌بس و درباره معارضین عراقی که در ایران هستند، صحبت شد. کمیسیونی برای بررسی امور معارضین و آینده آنها، در ارتباط با صلح عراق تشکیل شد.

به جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام رفتیم. قانون تشدید مجازات رشوه در ادارات با اصلاحاتی تصویب شد. بعد از جلسه با رئیس جمهور و نخست وزیر درباره تکمیل کابینه مذاکره کردیم؛ به نتیجه رسید. قرار شد سه وزیر نیرو، جهاد سازندگی و بازرگانی را هم معرفی کنند. دیر وقت به خانه رسیدم.

اطلاعیه‌ای نوشتم و به نیروها دستور دادم که پیشقدم در حرکات نظامی نشوند، ولی جواب شرارت‌ها را محکم بدهند و از مردم خواستم حضور در جبهه را حفظ کنند[1].

---

۱ - در این پیام که از طرف جانشین فرماندهی کل قوا خطاب به رزمندگان صادر شده، چنین آمده است: «رزمندگان عزیز و حماسه آفرین، پایداری شما و آثار خون‌های مقدس شهدا و صبر و تحمل مصدومان، جانبازان، اسراء و خانواده‌های معظم آنها و ایستادگی بی‌دریغ مردم در سایه رهبری‌های امام امت، همه توطئه‌ها و شیطنت‌ها را در هم شکست و شر دشمنان اسلام را به خودشان برگرداند. بالاخره دشمن پس از یک سلسله ترفندها مجبور به پس گرفتن بهانه‌های رسوای خود شد و دبیرکل سازمان ملل، طرح آتش بس را مشخص و اعلام کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به همه شرایط و جوانب و با الهام از نظرات برکت‌زای مقام معظم رهبری مصمم به ایجاد صلح پایدار و همه جانبه، دارد به راه خود در این مسیر ادامه می‌دهد. ما با دشمنانی مواجه هستیم که به ادعاها و وعده‌هاشان نمی‌شود اعتماد کرد. هم آنها که روابط کشورشان را با تجاوز وسیع به کشورمان با هدف پلید نابودی انقلاب آغاز کردند و هم آنها که در طول جنگ با شعار صلح‌خواهی هر روز جنایتی جدید مرتکب شدند و هر روز بخشی از مقررات بین‌المللی، اسلامی و انسانی را زیرپا گذاشتند؛ به مردم و مراکز غیرنظامی حمله کردند، راه‌های هوایی، زمینی و دریایی را ناامن کردند، از سلاح ممنوع شیمیایی، حتی علیه مردم خودشان استفاده کردند و بعد از پذیرش قطعنامه از طرف ایران مظلوم، جاهلانه ماهیت جنگ طلب خود را بر همه جهانیان آشکار کردند. در مقابل چنین دشمنی، نمی‌توان مطمئن نشست، باید هوشیار و آماده بود، ممکن است در این چند روز باقی مانده تا موعد آتش بس و حتی بعد از آن، دست به هرگونه تجاوز و جنایتی بزنند. جمهوری اسلامی به خاطر حفظ مصالح مردم در کشور، در شرایطی که در آستانه صلح هستیم، با پایبندی به قرار و تصمیم ایجاد صلح، پیشقدم در حرکت‌های نظامی نخواهد شد، ولی مثل همیشه آماده دادن جواب مناسب به شرارت‌های دشمن است. نیروهای مسلح از امروز نباید شروع کننده هیچ گونه حرکت نظامی و مسلحانه باشند، ولی وظیفه دارند آماده و هوشیار بمانند و هرگونه شرارت دشمن را در هوا، دریا و زمین به طور شایسته جواب دهند. امروز، ایران اسلامی در پیشگاه الهی به خاطر انجام وظیفه مقدس دفاع از حق، سرافراز است و بعثیان عراق باید جوابگوی خدا و خلق باشند که آتش جنگ را چرا افروختند و چه نتیجه‌ای گرفتند؟»
← کتاب «هاشمی رفسنجانی، پیام های سال ۱۳۶۷،» زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

چهارشنبه ۱۹ مرداد | ۲۶ ذیحجه ۱٤۰۸ ۱۰ آگوست ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم. کارهای عقب مانده دیروز را انجام دادم. حکم مسئولیت آقای عبدالله نوری برای تهیه طرح سازمان نیروهای مسلح را نوشتم و حکم قائم مقامی آقای شمخانی برای فرماندهی سپاه را تأیید کردم. آقای [سید محمد] کیاوش آمد و حکمی برای بازرسی جبهه‌های جنوب گرفت.

آقا محمدی آمد و نظرات آقای [محمد باقر] حکیم و مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق را برای شرایط جدید آورد. گفتم به کمیسیونی که برای این منظور از طرف ستاد کل تشکیل می‌شود، منتقل کند. عصر هیأت رئیسه مجلس برای بررسی پیشنهاد راه افتادن مجلس جلسه داشت؛ به خاطر احتمال تاثیر منفی در جبهه‌ها مخالفت کردم.

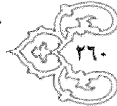
عفت و فاطی به مجلس آمدند و با هم به سمینار «دفاع و تجاوز» برای سخنرانی پایانی رفتیم. در راه ماشین تصادف کوچکی کرد که عفت ناراحت شد. سخنرانی را انجام دادم[۱] و ساعت شش و نیم به مجلس برگشتم.

دکتر ولایتی آمد. گزارش کار در سازمان ملل را داد و از همکاری غربی‌ها و به خصوص آمریکا راضی است. او از سئوال‌ها و پیگیری‌های وسوسه گونه‌ای که در مجلس و در دولت و.. درباره تحولات جاری هست، گله دارد.

شب جلسه سران قوا در منزل آقای خامنه‌ای بود. آقایان موسوی اردبیلی و احمدآقا غایب بودند. دکتر ولایتی گزارش سفر داد. حالت انفعالی عراق و کارشکنی‌های آن و

---

[۱] - در این سخنرانی آمده است: « ما زمانی با تهاجم وحشیانه عراق روبرو شدیم که از یک سو با مسأله تصفیه ارتش روبرو بودیم و از سوی دیگر قراردادهای مکمل ارتش با خارجیان لغو شده بود. عراق هنگام تجاوز به خاك ما، مقدار زیادی سرمایه‌گذاری روی تسلیحات نظامی کرده بود و امکانات نظامی پیشرفته جهان را در اختیار خود می‌دید. ناعدالتی‌های موجودی که مجامع بین‌المللی در حق ملت مظلوم ما روا داشت، به نظر ما برای تکان وجدان بشری کافی است. به محض اینکه جمهوری اسلامی قدرت دفاع از خود را به دست آورد و متعاقب آن در موضع تهاجم قرار گرفت، سازمان‌های بین‌المللی به فوریت پیشنهاد آتش بس دادند. حکام بغداد این واقعیت را با تمامی وجود خود لمس کرده‌اند که ملت ایران، قدرت ایستادگی در مقابل متجاوز و تنبیه وی را در حد بسیار بالایی دارد. قبول قطعنامه از سوی ایران، بدین خاطر بود که به ما قول مساعد دادند که متجاوز را مشخص کنند. اگر ما احساس کنیم که به چنین قولی عمل نمی‌شود، ممکن است عکس‌العملی از خود نشان دهیم که عواقب ناخرسندی به‌دنبال داشته باشد. ما اگر ماجراجویی‌های آمریکا را در خلیج فارس در پیش می‌گرفتیم، به یقین برای منطقه بسیار گران تمام می‌شد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



فشارهای جهانی و پشتکار دبیرکل از نکات مهم گزارش است. مجموعاً به نظر می‌رسد غرب به نفع ما موضع گرفته و قبول شد که اگر اموال ما را آزاد کنند و در متجاوز شناخته شدن عراق همکاری کنند، برای آزادی گروگان‌هایشان در لبنان کمک کنیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۲۰ مرداد | ۲۷ ذیحجه ۱٤۰۸ ۱۱ آگوست ۱۹۸۸

آقای شمخانی، گزارشی در مورد کیفیت کار گروه ناظران سازمان ملل برآتش‌بس و تدارک آنها فرستاده بود؛ تأیید کردم که زیر نظر ستاد کل عمل کنند و به نخست وزیر هم گفتم تأیید کند. نخست وزیر برای پذیرش سمت وزیر مشاور استمداد کرد. قرار شد در مجلس مطرح کنیم و اطلاع داد که ترکیه با رفتن گروهی از افراد سپاه به آن کشور موافقت کرده است. اینها از اعضای قرارگاه رمضان هستند که برای عملیات در اعماق خاک عراق در صورت تجدید جنگ رفته‌اند.

به مجلس رفتم. بعد از مطالعه گزارش‌ها، جمعی از نمایندگان همراه آقای [علی اکبر] ناطق نوری آمدند و درباره مسائل جنگ و قطعنامه ۵۹۸ و بازسازی و مجلس و دولت مطالبی داشتند و می‌خواستند مطلع شوند. آقای [محمود] محمدی عراقی آمد. درباره سازمان سپاه و نقش دفتر امام و وضع احکام جدید مطالبی گفت و شنید.

عصر تیمسار شهبازی برای اعلان آمادگی برای سمت مشاورت و فرماندهی نیروی زمینی آمد؛ او با حذف ستاد مشترک ارتش، بی سمت شده است. آقایان [طهماسب] مظاهری [رئیس بنیاد مستضعفان] و دکتر [علی اصغر] خدادوست آمدند و برای مذاکره درباره تأسیس کلینیک چشم پزشکی مدرن در محل هتل نیمه تمام دربند [در شمال تهران] با هزینه بنیاد مستضعفان و برای تأمین ارز آن استمداد کردند. بعضی از پزشکان موجود در ایران با سپردن آنجا به دکتر خدادوست که در خارج مانده، مخالفت دارند.

تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و به منزل آمدم. حادثه مهمی در مرزها و جنگ نداشتیم. رسانه‌های غربی مسئله گروگان‌ها را دامن می‌زنند و آن را به حل وضع امور

جنگ مربوط می‌کنند.

جمعه ۲۱ مرداد | ۲۸ ذیحجه ۱٤۰۸ — ۱۲ آگوست ۱۹۸۸

در اخبار خارجی، مسئله مهم، مذاکره مأموران ایران در لندن با اسقف کلیسای کانتربری درباره گروگان‌ها است. دکتر ولایتی و [سیروس] ناصری آمدند. آنها درباره سازمانی که برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ در نظر گرفته‌اند، توضیح دادند و برای سیاست کار مشورت کردند. قرار شد اصل را بر اجرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بگذاریم و به غربی‌ها هم توصیه شود که مسئله گروگان‌ها را با این مسئله مخلوط نکنند.

محسن آمد. با او درباره مسائل موشکی مذاکره کردیم. مخترعان موشک سجیل خواسته‌اند که دانشگاه آزاد اسلامی آنها را بپذیرد. درخواست آنها را به دکتر جاسبی نوشتم.

عصر [سرتیپ حسنی سعدی و سرتیپ جمالی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] و جانشینش برای گزارش وضع جبهه‌ها و مرزها آمدند و بر لزوم اصلاح خطوط قبل از آتش‌بس تأکید کردند و از سازمان قضایی در مورد برخورد با ارتشی‌های مقصر در جریان عقب‌نشینی‌های اخیر گله نمودند. درباره تدارک امور نیروهای ناظر برآتش‌بس هم مذاکره شد. عفت و بچه‌ها به پارک نیاوران رفتند و از بی توجهی به نظافت پارک انتقاد داشتند.

طرح وضعیت استخدامی سپاه را مطالعه کردم. بنا است نظم نظامی کامل به آنها داده شود. از طرف سپاه طرحی تهیه شده که نواقصی دارد، ولی خوب است و می‌تواند با رفع نواقص، مشکل را رفع کند.

شنبه ۲۲ مرداد | ۲۹ ذیحجه ۱٤۰۸ — ۱۳ آگوست ۱۹۸۸

آقای دکتر ولایتی تلفنی خواست که تقاضای ملاقات با وزیر خارجه عمان را بپذیریم؛ چون آیت‌الله خامنه‌ای هم در تهران نیست که ملاقات به ایشان بدهد. به مجلس رفتیم. تا

ساعت ده صبح گزارش‌ها را خواندم.

خانواده رهنما آمدند. پدرشان چند روز پیش سکته کرده و مرده است. به آنها تسلیت گفتم؛ برادرش سفیرمان در لهستان است. از وضع آنجا گزارشی داد و سه هزار و پانصد دلار سهم امام خودش را پرداخت.

آقای سلمان غفاری سفیرمان در واتیکان آمد. گزارش کار داد. مدعی است در محیط واتیکان حرف‌های ما می‌تواند نفوذ زیادی داشته باشد و روحانیون مسیحی پذیرشی در برابر افکار ما دارند و کارهای بیشتری می‌توان انجام داد.

آقای [یوسف] بن علوی وزیر خارجه عمان به ملاقات آمد[۱]. پس از مذاکرات رسمی و علنی، خواستار جلسه خصوصی شد. در جلسه خصوصی، پیام [مارگارت] تاچر نخست وزیر انگلستان و فهد شاه عربستان سعودی را آورد که آمادگی تحسین روابط با ایران را

---

[۱] - در این ملاقات ابتدا وزیر امور خارجه عمان، ضمن ابراز خوشوقتی از اینکه در ایران به سر می‌برد، اظهار داشت: «تصمیم ایران مبنی بر قبول قطعنامه ۵۹۸، باعث شد مشکلات و دشواری‌ها در منطقه به منافع و مزایای سیاسی در منطقه تبدیل بشود. ما همواره احساس می‌کنیم که هر چه شرایط کلی منطقه بهتر باشد و هماهنگی و توافق وجود داشته باشد، فرصت بیشتری برای تحول، پیشرفت و رفاه در منطقه به دست می‌آید. دیدگاه مسئولان رده بالای کشور ما این است که نمی‌توان امنیت در منطقه به وجود آورد، بدون اینکه همسویی با همه کشورها و در رأس آنها جمهوری اسلامی وجود داشته باشد. دیگران به روابط میان ایران و عمان نگاه می‌کنند و مشاهده می‌کنند که این روابط در تناسب و هماهنگی قابل مقایسه نیست، اینها کسانی هستند که تاریخ را نخوانده‌اند.» یوسف بن علوی همچنین افزود: «در واقع درست است که ما عرب هستیم، اما به اسلام وابستگی داریم و عربیت بدون اسلام، مانند پیکر بدون جان است. ما با توجه به اینکه به اسلام ایمان داریم و از این دریچه حق و عدل را می‌نگریم، چنین اجازه‌ای نداریم که بین فردی با فرد دیگر تبعیض قائل شویم. باید نیروی امت اسلام یکپارچه و متحد بشوند که در این صورت، به یک کمربند امنیتی بسیار بزرگ و قابل اطمینان تبدیل خواهد شد.» آقای هاشمی نیز ضمن خیر مقدم به وزیر امور خارجه عمان و هیأت همراه وی اظهار داشت: «از اینکه شما در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تحت تأثیر قومیت عربی قرار نگرفتید و مثل بعضی از کشورهای منطقه که مواضع ناصالحی گرفتند، شما راه درستی را انتخاب کردید، این برای ما شایان توجه است. ما فکر می‌کنیم که وظیفه مسلمانان است که در روابط اجتماعی، فردی و بین‌المللی، براساس مقتضیات اسلامی حرکت کنند و به خاطر منافع محدود جغرافیایی و نژادی و زبان، مصالح اسلام و امت عظیم اسلامی را تحت الشعاع قرار ندهند. اگر خانواده بزرگ اسلام توجه می‌کرد که مسائل اسلام را در این خانواده اولویت بدهد، امروز امت اسلام در مقابل هم غرب و هم شرق، موفقیت بهتری داشت. ولی متأسفانه می‌بینیم که شیاطین ضداسلام از بهانه‌های کوچکی مثل امور جغرافیایی و اقتصادی یا منافع سیاسی - عشیره‌ای، باندها و احزاب در دنیای اسلام استفاده می‌کنند و دائماً بین جمعیت عظیم یک میلیاردی مسلمان، تفرقه ایجاد می‌کنند؛ به طوری که ما کاری را به نام اسلام و کشورهای اسلامی، نمی‌توانیم انجام بدهیم. زمانی که رژیم بعث عراق، جنگ را علیه انقلاب اسلامی آغاز کرد، اگر کشورهای اسلامی از عراقی‌ها می‌پرسیدند که چرا این جنگ را شروع کردید، این جنگ این قدر طولانی نمی‌شد. چنان که عراقی‌ها خواستند به بهانه مذاکرات مستقیم، نگذارند قطعنامه ۵۹۸ اجرا بشود، اما وقتی که کشورهای عربی منطقه و دیگران با این جریان جدی برخورد کردند، باعث شد عراقی‌ها حرف خود را پس بگیرند.»

داشتند. من هم گفتم به طور اصولی مانعی ندارد، ولی آنها باید گذشته را جبران کنند و به خصوص عربستان، باید با تظاهرات محدود به حجاج ما در مکه موافقت کند.

ظهر [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. درباره پیشنهاد فروش تسلیحات آمریکایی که اخیراً رسیده است، توضیحاتی داد و برای خرید اجازه گرفت. در شرایط جنگ، معمولاً مدیران از روابطشان برای تأمین نیاز جنگ استفاده می‌کنند.

عصر فرماندهان نیروی هوایی سپاه آمدند. گزارش وضع نیرو را دادند. از لحاظ نیروی انسانی وضع بدی ندارند، ولی ابزار و امکانات می خواهند و برای طرح انسجام نیروهای مسلح اظهار آمادگی کردند. جمعی از نمایندگان آمدند و درباره قطعنامه ۵۹۸ و برنامه سازندگی و سیاست خارجی بعد از جنگ، ابهاماتی داشتند که توضیحات شنیدند و ظاهراً قانع شدند.

دو نفر از افراد سپاه که هر یک حدود چهار سال در ایتالیا و اسپانیا زندانی بوده‌اند و اخیراً آزاد شده‌اند، آمدند و گزارش دادند. شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه است. مطلب مهمی در دستور نبود. بیشتر درباره شرایط آتش‌بس و اداره کشور بعد از جنگ مذاکره شد. ساعت یازده به منزل آمدم.

یکشنبه ۲۳ مرداد | ۱ محرم ۱٤۰۹ | ١٤ آگوست ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رفتم. کارهای جاری را انجام دادم[1]. آقای [غلامحسین]

---

[1] - رادیو اسرائیل در این روز اعلام کرد: « دیپلمات انگلیسی آقای «دیوید رداوی» که در تهران به سر می‌برد، نخستین دیدار خود را با مقامات وزارت خارجه حکومت اسلامی، بسیار ثمربخش توصیف کرد. آقای رداوی که هفته پیش برای یک دیدار بیست روزه وارد تهران شد، روز گذشته برای نخستین بار با مقامات وزارت خارجه، پیرامون چگونگی بهبود مناسبات دو کشور به گفتگو پرداخت. محافل خبری، سفر آقای رداوی به تهران را با مسئله آزادی گروگان‌ها نیز مربوط می‌دانند. خبرگزاری دولتی ایران روز گذشته با انتشار تفسیری نوشت: مقامات کلیسای بریتانیا نقش حساسی در تلاش برای کسب رهایی گروگان‌ها ایفاء می‌کنند. روزنامه تهران تایمز ناشر افکار حکومت اسلامی نوشت: دولت بریتانیا می‌تواند در متعهد ساختن حکومت عراق برای پرداخت خسارت جنگی به ایران، نقش مهمی ایفاء کند. تهران تایمز نوشت: امکانات خوبی برای گسترش همکاری بین ایران و بریتانیا وجود دارد، ولی به موازات آن بریتانیا باید ایران را در نزاع مرزی آن کشور و عراق یاری بخشد و دولت بغداد را متقاعد سازد که به ایران خسارت بپردازد. به نوشته این روزنامه، حکومت اسلامی ایران

نادی نماینده سابق نجف‌آباد آمد و برای حفظ مصالح ایران در صحنه‌های بین‌المللی توجه داد و اینکه با استفاده از مذاکرات صلح، روابط با آمریکا را عادی کنیم تا اهرم‌های قدرت آمریکا، علیه ما به کار نرود. آقای [سیروس] ناصری آمد. درباره کمیسیون‌های مربوط به بندهای قطعنامه توضیح داد و گفت در هر کمیسیون ممکن است یک نماینده مجلس هم باشد.

در جلسه نمایندگان شرکت کردم. به خاطر ابهامات موجود در اثر تعطیلی مجلس و حساسیت مرحله تاریخی تحولات جاری، لازم بود که نمایندگان در جریان امور قرار گیرند. درباره سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و بازسازی، مذاکرات صلح و مسائل دیگر توضیحاتی دادم و عمدتاً تکیه بر آن بود که در این محورها، هنوز تصمیمات نهایی اتخاذ نشده است. عده‌ای حساسیت شدیدی در مورد احتمال برقراری روابط حسنه با آمریکا نشان می‌دادند که گفتم این گونه مطالب بدون نظر امام، قابل تصمیم و اجرا نیست و دو سه بار در جواب سئوالات، لحن صحبت به تندی گرائید. نخست وزیر و وزارت خارجه هم توضیحاتی دادند.

عصر آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [مرتضی] سبز علیان [رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن] مأمورمان در آمریکا به عنوان حافظ منافع آمدند. سبزعلیان توضیح داد که قبل از پذیرش قطعنامه، جو تبلیغاتی در آمریکا به شدت علیه ما بوده و بعد از آن بهتر شده است. بسیاری از ایرانی‌ها مایلند به ایران برگردند. درباره سیاست رجعت آنها پرسید، که گفتم باید تشویق شوند، برگردند. مخصوصاً آنها که هنری و نفعی برای جامعه دارند.
آقای لاریجانی درباره مذاکره با آلمان‌ها - که بنا است به آنجا برود - مشورت کرد.

دوشنبه ۲٤ مرداد | ۲ محرم ۱٤۰۹ ۱۵ آگوست ۱۹۸۸

در منزل ماندم. عصر کارهای مجلس را آوردند که تا ساعت یازده شب انجام دادم. دکتر

☜در ضمن می‌تواند در رها سازی سه گروگان انگلیسی در لبنان مؤثر واقع شود، ولی متقابلاً انتظار دارد که دولت لندن، ایران را در کسب اطلاع از سرنوشت سه نفر ایرانی ناپدید شده در لبنان، یاری بخشد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ٦۷/۵/٦، صفحه ۳۸.

ولایتی گزارش سفر به سوریه و لیبی را تلفنی داد؛ راضی است. پیشرفت خوبی در کار نداشتیم. گزارش‌ها نشان می‌دهد، پیشرفت کار صلح بد نیست و مانع مهمی به چشم نمی‌خورد.

سه‌شنبه ۲۵ مرداد | ۳ محرم ۱٤۰۹ ۱٦ آگوست ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه کردم. به دکتر مشیری گفتم، معالجه عفت را تا نتیجه قطعی پیگیری کند. ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم.

آقایان [سید محمد باقر] حکیم و [سید محمود] هاشمی‌شاهرودی و [احمد] سالک آمدند. در خصوص آینده عراقی‌های موجود در ایران نگرانی دارند و پیشنهادهایی داشتند و خواستار واگذاری امور عراقی‌ها به مدیریت عراقی و به خصوص مجلس اعلا بودند و تقویت نیروهای مسلح موجود عراقی در ایران و استقلال بیشتر ظاهری آنها پس از جنگ و اجازه استقرار بعضی از آنها در کشورهای دیگر مثل لبنان و سوریه را می‌خواستند و پیشنهاد تشکیل مجلس اعلای اسلامی در ایران، مرکب از وجوه مبارزان اسلامی از سراسر جهان را داشتند. قرار شد مطالب آنها در کمیسیون مربوط ستاد کل بررسی شود.

عصر سرهنگ ترابی آمد. پیشنهاد داشت آقای [علی] یونسی به مسئولیت حفاظت [ستاد] کل منصوب شود. آقای موحدی قمی امام جمعه سابق اسلام‌آباد آمد. خواستار مراجعت به اسلام‌آباد با حکم امام است. [آقای نعمت اله اسدی] نماینده اسلام‌آباد آمد و خواستار کمک بیشتر به آنجا شد.

مسئولان جنگ جهاد سازندگی آمدند و درباره آینده این نیروها و کارهای مهندسی رزمی بعد از جنگ استفسار کردند که جواب روشن را موکول به آینده کردم و بر لزوم حفظ قدرت مهندسی رزمی در جبهه، تهیه استحکامات در مرزها و ساخت جاده‌های مواصلاتی و رزمی و بازسازی مناطق جنگ زده تأکید نمودم. گفتند در جبهه‌ها آرامش برقرار است و نیروهای ما و عراقی‌ها با هم مهربان شده‌اند.

آقای [محمدرضا] موحدی از ستاد سپاه آمد و درباره آینده سپاه و نیروهای مسلح و مسائل جنگ سئوال‌ها و پیشنهادهایی داشت. از عملکرد فرماندهان حاکم بر سپاه راضی نیست و پیشنهاد مشخصی نداشت. به طور کلی ابهامات زیادی بر روحیه نیروهای مسلح حاکم است.

شب جلسه مجمع تشخیص مصلحت داشتیم. من اداره کردم. درباره اراضی بایر تصمیم‌گیری شد. تقریباً همان مصوبه مجلس که از طرف شورای نگهبان رد شده بود، [تصویب شد] و قرار شد اگر صاحبان اراضی از عمران مناسب خودداری کنند، دولت آنها را به افراد واجد صلاحیت برای عمران واگذار کند. این مسئله به خصوص در خوزستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خراسان ضرورت دارد. شام را در همان جا خوردیم. دیر وقت به منزل رسیدم.

چهارشنبه ۲٦ مرداد | ٤ محرم ۱٤۰۹ ۱۷ آگوست ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدم. کارهای باقیمانده دیروز را انجام دادم. عصر نخست‌وزیر و اعضای غیر نظامی ستاد کل برای مذاکره درباره مشکلات کارشان آمدند. عمدتاً از سپاه گله داشتند و مدعی‌اند که سپاه اهمیت لازم را به ستاد نمی‌دهد و از من هم گله داشتند که در رابطه با نیروها، در مواردی توجه به نقش ستاد ندارم؛ مثل دادن ترفیع به ارتشی‌ها و احکام سپاهیان و نصب آقای شمخانی به قائم مقامی فرماندهی سپاه، و به طور کلی کم بها دادن به ستاد. در هر مورد مذاکره شد. سرانجام راضی رفتند و قرار شد در حد حقوق و وظایف ستاد عمل شود و آنها هم کارهای مربوط به نیروهارا از طریق فرماندهی عمل کنند.

اول شب آقای شمخانی و ستاد عملیاتی اداره امور نیروهای حائل سازمان ملل برای نظارت بر آتش‌بس آمدند. گزارش کارهای انجام شده و برنامه آینده را دادند. به آقای شمخانی در مورد لزوم همکاری سپاه با ستاد کل تذکر دادم.

نزدیک مغرب آقای [حسین] شیخ الاسلام اطلاع داد که هواپیمای حامل «ضیاءالحق»

[رئیس جمهور پاکستان] و همراهانش، ساقط شده و همگی کشته شده‌اند. سفیر آمریکا هم در هواپیما بوده. آقای ولایتی اطلاع داد که برای وزیر خارجه پاکستان که امروز به ایران آمده، هواپیما آماده کرده‌ایم که به پاکستان برگردد و از من خواست که پیام تسلیت برای «غلام اسحاق خان» رئیس مجلس سنا که به جای ضیاءالحق، مطابق مقررات عهده‌دار اداره امور پاکستان شده است، بفرستم.

پنجشنبه ۲۷ مرداد | ۵ محرم ۱٤۰۹ ۱۸ آگوست ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم به مجلس رفتم. تا ده گزارش‌ها خوانده شد[۱]. آقای [سیروس] ناصری از وزارت خارجه آمد و در مورد مسائل آتش‌بس مشورت کرد. احتمال تاخیر در عقب‌نشینی عراق با عجله‌ای که عراق در استفاده از شط‌العرب دارد، می‌تواند توازن ایجاد کند.

معاون وزیر خارجه چین آمد. پیام دوستی و توسعه روابط آورد. پیامی به غلام اسحاق‌خان در مورد مرگ ضیاءالحق امضاء کردم. با آقای خامنه‌ای در گلف تلفنی صحبت کردم و درباره رفتن ایشان برای تشییع جنازه به پاکستان صحبت شد.

عصر آقای محتشمی [وزیر کشور] آمد. درباره نیروهای انتظامی و پاکسازی در کردستان و احتمال ادغام نیروها مذاکره کرد. آقای مهندس [رجبعلی] طاهری آمد. درباره جنگ و صلح صحبت کرد و خواستار کار در رابطه با نیروهای مسلح شد.

آقایان مسیح مهاجری و محمد رضا بهشتی آمدند. درباره امور جاری صلح، بازسازی و

---

۱ – خبرنگار خبرگزاری رویتر در تهران، پیرامون اوضاع سیاسی اقتصادی ایران پس از جنگ نوشت: « یک دیپلمات غربی دیروز درست چند ساعت پیش از اعلام تاریخ آتش بس گفت: « دلایل پایان دادن به جنگ، دقیقاً خود عواملی هستند که پس از برقراری صلح، رهبری ایران را با شدیدترین اعتراضات روبرو خواهد کرد.» وی اقتصاد درهم شکسته ایران، شکست‌های نظامی، از بین رفتن روحیه مردم به‌خاطر حملات موشکی و شیمیایی عراق، کهولت سن و عدم سلامت آیت الله خمینی رهبر ایران را به عنوان برخی از اهرم‌های فشار دانست که تهران را مجبور کرد، بین تداوم جنگ و بقای انقلاب یکی را انتخاب کند. در حالی که رئیس جمهوری ایران دوشنبه گذشته اعلام کرد. که نیروهای ایران در نتیجه جنگ در وضعیت بسیار قوی به سر می‌برند، تعیین خطوط مرزی، مبادله اسرای جنگی و مسئله ناراضیان سازمان مجاهدین خلق، همه مسائل مهمی هستند که می‌توانند سریعاً در مذاکرات مستقیم دو کشور برای ترک مخاصمه، تأثیر سوء بر جای گذارند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۵/۱۹، صفحه ۳۲.

روابط با غرب مذاکره شد. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. به سپاه و نزاجا دستور داده شد، سعی کنند تا زمان آتش‌بس، به هر مقدار ممکن در جاهایی که از مرز عقب هستند، خود را به مرز نزدیک کنند. به منزل آمدم.

جمعه ۲۸ مرداد | ٦ محرم ۱٤۰۹ — ۱۹ آگوست ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم در خانه برای خطبه‌های جمعه کار کردم. نخست وزیر درباره استعفای آقای شمخانی تلفنی سئوال کرد. گفتم من هم استعفا را دیده‌ام، ولی قبول نمی‌کنم. با خود آقای شمخانی صحبت کردم و گفتم از استعفا منصرف شود. قرار شد بعداً درباره علل آن صحبت کنیم.

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم[۱]. عصر به استراحت گذشت. بعضی از بستگان آمدند. دکتر پورمقدس برای معاینه عفت آمد که احتمالاً ناراحتی قلبی داشته باشد. گر چه

---

۱ – در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی با موضوع استضعاف و استکبار دنبال شد و درباره دشمنی اشراف با اسلام، مطالبی به نمازگزاران عرضه شد. در خطبه دوم درباره دستاوردهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام آتش بس و ترسیم دورنمای وضع کشور از لحاظ سازندگی و مقایسه وضعیت ایران و عراق، تحلیلی ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم درباره جنگ آمده است:« اگر این جنگ اتفاق نیفتاده بود، ما متکی بودیم به همان اسلحه‌هایی که از آمریکا و بعضی از کشورهای غربی و شرقی داشتیم و وابسته‌ی وابسته. در حالی که امروز جمهوری اسلامی در قسمت اعظم امکانات دفاعی خودش خودکفاست. تقریباً همه انواع مهمات لازمه در جنگ را می‌تواند بسازد. یکی از نمونه‌هایش موشک‌هایی است که اخیراً هم صنایع سپاه و هم صنایع دفاع و هم مرکز تحقیقات جنگ جهاد سازندگی ساخته است. قدرت نظامی یعنی صنایع نظامی که ما در جنگ برای ایران تهیه کردیم و به اجبار به طرفش رفتیم؛ بنابراین اگر منظورشان این بود که انقلاب را تضعیف کنند، بی‌شک باز شکست خوردند، چون تحقیقاً ما امروز چند برابر، از روزی که جنگ شروع شد، نیرومندتر هستیم. اگر نظر این بود که ضربه اقتصادی بزنند تا حدودی موفق هستند. ما در دوران جنگ خسارت دیدیم، البته دشمن ما بیشتر خسارت دیده است، عراق با نزدیک صد میلیارد دلار قرض و جمهوری اسلامی با همان وضعی که روز اول جنگ داشت. از منابع کمتر از زمان صلح استفاده کرده‌ایم، یعنی در زمان صلح اگر روزی ۳/۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کردیم، در زمان جنگ به طور معدل ۲/۵ میلیون بشکه نفت تولید کردیم، به خاطر محدودیت‌هایی که در صدور نفت و تخریب صنایع نفتی داشتیم. در این هشت سال بسیاری از صنایع راکد شد، بسیاری از تولیدات در حد مطلوب نبود و کارهایی که صرف جنگ کردیم می‌توانستیم صرف سازندگی بکنیم. این ضربه را ان‌شاءالله در آینده از نتایجی که از جنگ گرفتیم جبران کنیم و سازندگی که در مردم ما بوده از لحاظ روحی و این مردم را مثل فولاد آب دیده کرده در مقابل هر فشاری قدرت مقاومت پیدا کردند، می‌تواند همه چیز را جبران کند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دکترها تاکنون گفته‌اند قلب سالم است. نوار قلب هم گرفتند. دکتر روحانی درباره کشتی عراقی که بنا دارد بعد از اعلان آتش‌بس از تنگه هرمز بگذرد، تلفنی پرسید. گفتم به درگیری نرسد، ولی کنترل شود.

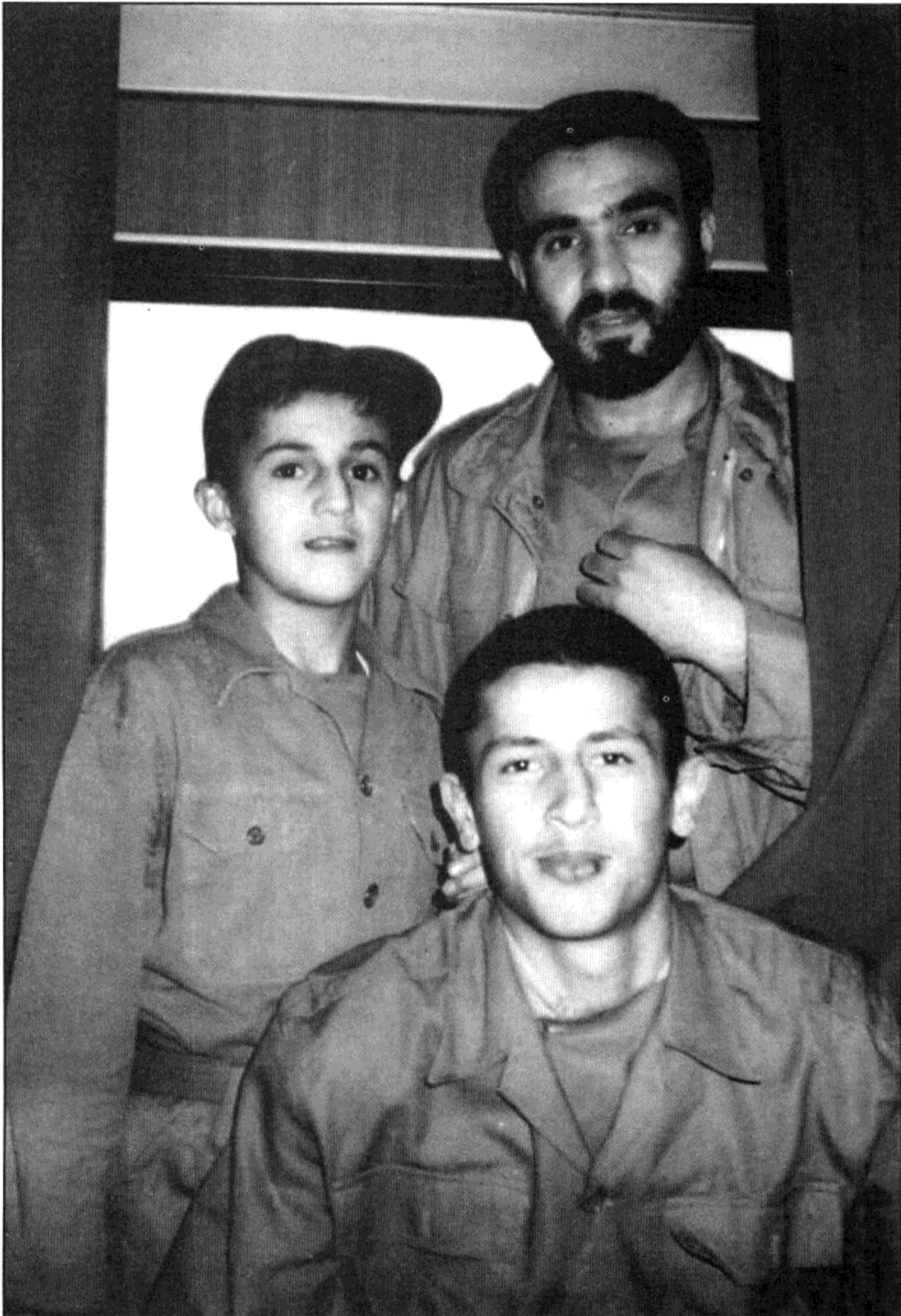
شنبه ۲۹ مرداد | ۷ محرم ۱٤۰۹ — ۲۰ آگوست ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم صبح براساس زمان‌بندی دبیرکل سازمان ملل، به طور رسمی آتش‌بس درجنگ ایران و عراق بر قرار شد. فکر نمی‌کنم مشکلی پیش آید؛ جز مسئله دو کشتی عراقی که اعلان شده از تنگه هرمز عبور می‌کنند و ما هم اعلان کرده‌ایم می‌خواهیم کنترل کنیم.

ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدیم. [آقای علیرضا تابش] استاندار کردستان آمد. پیشنهاد داشت که اقدام به پاکسازی نظامی علیه ضد انقلاب در کردستان نشود، بلکه تلاش کنیم مسئله آنها را از طرق سیاسی حل کنیم. احتمالاً سپاه با دستور ستاد کل اقدام به پاکسازی کرده است. پیشنهاد توجه بیشتر سیاسی - فرهنگی به کردستان داشت، برای جلب اعتماد آنها در این مقطعی که دارند از قدرت ضد انقلاب و حمایت عراق مأیوس می‌شوند.

با رادیو درباره آتش‌بس و شرایط بعد از جنگ مصاحبه‌ای کردم که به طور مستقیم پخش می‌شد. آقایان [مهدی] کروبی و [حسن] صانعی آمدند. بر لزوم برخورد کردن با شعارهای افراطی و برای عادی کردن زندگی مردم اقدام کردن تأکید داشتند. آقای کروبی برای توجه بیشتر به مسکن و نیازهای مادی و فرهنگی خانواده‌های شهدا استمداد کرد و آقای صانعی برای تقویت بنیاد پانزده خرداد و در همین جهت توجه بیشتر به سد [پانزده خرداد] قم.

آقای [سید کاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد. دویست ساعت [مچی] از امارات [اهدایی از طرف کارمندان آموزش و پرورش مدارس جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی] برای خلبانان [هوانیروز و نیروی هوایی] آورد. مردم داده بودند. عصر آقای [محمد] فروزنده آمد و گزارش کارهای مهندسی رزمی خوزستان ، کانال‌های آب برای



مهدی و یاسر هاشمی فرزندان رزمنده

خطوط دفاعی و زراعی را داد. آقای مرتضائی گزارش کار لیزر را داد. از وزارت خارجه برای مشورت در تحسین روابط با کشورهای جنوب خلیج فارس آمدند. آقای [مسعود] صادقی [آزاد] نماینده کلیبر [= منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی] آمد. گزارش استعدادها و نیازهای منطقه خودش را داد و استمداد کرد.

فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) آمدند. درباره آینده سپاه و لشکر و بسیجی‌ها استفسار و استمداد کردند. مهدی از اهواز تلفنی گفت نیروهای سپاه که برای نیروهای ناظر آتش‌بس گمارده شده‌اند، آموزش، اطلاعات و زباندانی کافی ندارند. شب احمدآقا و آقای موسوی اردبیلی و من در مجلس جلسه داشتیم. احمدآقا درباره وزیر بازرگانی که به رفاه مردم بیشتر معتقد باشد، تأکید داشت. در این باره بحث و تصمیم‌گیری شد.

یکشنبه ۳۰ مرداد | ۸ محرم ۱۴۰۹ | ۲۱ آگوست ۱۹۸۸

در اخبار مطلب مهمی نیست. آتش‌بس اجرا شده است. ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. آقای مهندس نجف‌زاده آمد؛ نظراتی درباره طرح ساخت موشک داشت. پیشنهاد داشت سیاست استفاده از کارخانه‌ها را به جای سرمایه‌گذاری برای ساخت هر قطعه داشته باشیم و از کارخانه ماشین سازی خودش تعریف کرد.

عصر آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد. درباره سیاست ساخت اسلحه و مهمات و خرید اقلام ضروری و کیفیت عمل ستاد با سپاه و ارتش و به نظم کشاندن سپاه در امر لجستیک و سیاست نظراتی داد و مشورت نمود. از سیاست آقای نخست وزیر در مورد عدم پذیرش سرمایه خارجی در بازسازی انتقاد داشت.

آقای [محسن مجتهد] شبستری آمد و پیشنهاد ائتلاف [جامعه] روحانیت و [مجمع] روحانیون مبارز را داشت و اظهار آمادگی برای کار و پذیرفتن مسئولیت نمود. آقای [علیرضا] افشار آمد و درباره صنایع موشکی، نیروهای مشمول و بسیجی و مدیریت سپاه و آینده سپاه و ارتش مطالبی داشت. از مدیریت سپاه راضی نیست.

[آقای غلامرضا] آقازاده وزیر نفت آمد. پیشنهادی در مورد فروش کالاهای ویژه

آمریکایی که به شرکت مستقلی داده شده، آورد. گفتم با نیروی هوایی مذاکره شود. درباره سیاست فروش نفت صحبت شد.

آقای دکتر ولایتی آمد. درباره سیاست مذاکره مستقیم با عراق و ترکیب هیأت عازم ژنو بحث شد. گفت روس‌ها پیشنهاد کرده‌اند که اگر بخواهیم، به روند و سرعت پیشرفت کار مذاکرات کمک کنند. از سخت گیری‌های آقای [محمد علی] نظران [مسئول کمیسیون اسراء] شکایت داشت.

آقای دکتر روحانی درباره سفر به ژنو و همراهان و مسائل جاری کمیسیون مرزها، تلفنی مشورت کرد و گفت سپاه به طور جدی همکاری ندارد. ساعت نه شب به خانه آمدم. عفت تنها بود. مهدی در جبهه است و یاسر روضه رفته بود؛ شام و تماشای برنامه تلویزیونی روایت فتح و عزاداری و سپس خواب.

دوشنبه ۳۱ مرداد | ۹ محرم ۱٤۰۹ ۲۲ آگوست ۱۹۸۸

امروز در منزل بودم. با توقف جنگ، کارهای روزهای تعطیل کم شده است. برای محل استقرار ناظران آتش‌بس در تهران، چند تلفن رد و بدل شد. آنها در هتل به سر می‌برند که جای مناسبی نیست. ورزشگاهی پیشنهاد شده که تخلیه آن مشکلاتی به بار می‌آورد. در خصوص کمیته اسراء هم مشکلاتی داریم. می‌گویند آقای نظران سرسختی می‌کند. با آقای خامنه‌ای تلفنی در این باره صحبت کردم. ایشان هنوز در خوزستان‌اند. قرار است به زودی برگردند. گفتند مهدی را هم در آنجا می‌بینند؛ از او و اوضاع راضی‌اند.

شهریور ۱۳۶۷





سه‌شنبه ۱ شهریور | ۱۰ محرم ۱٤۰۹ ۲۳ آگوست ۱۹۸۸

در منزل بودم. [امروز عاشورا است]. آقای [سید عباس] کوثری آمد و برایمان روضه خواند. زیاد گریه کردم و تا ظهر به شدت مغموم بودم. [آقای کوثری] برای [آسفالت] جاده روستای اشنویه به قم استمداد کرد. مقداری از وقت به مطالعه و مقداری به استراحت گذشت. یاسر که دیشب تا صبح در مراسم عزاداری بوده و نخوابیده بود، کسل و نیمه خواب بود. ناهار ظهر را از هیأت‌های عزاداری گرفتیم.

دکتر روحانی و سرتیپ جمالی اطلاع دادند که عراقی ها به عبور نیروهای ما از نهر دویرج، پس از عقب‌نشینی عراقی‌ها اعتراض دارند. ناظران سازمان ملل از ما خواسته‌اندکه به شرق نهر برگردیم، نیروهای ما نپذیرفته‌اند و عراقی‌ها با نیروهای زرهی آمده‌اند، به خاکریز ما چسبیده‌اند و بدون تبادل آتش، درگیری زبانی و با مشت و لگد وجود دارد. طرفین از شلیک گلوله خودداری کرده‌اند و سرانجام قرار شده طرفین به موضع قبلی برگردند.

شب جلسه سران قوا در منزل ما بود. دکتر ولایتی و [محمد جواد] لاریجانی آمدند. گزارش کار کمیسیون‌های قطعنامه را دادند و برای سیاست مذاکرات در ژنو مشورت کردند. قرار شد اگر وزیر خارجه عراق نباشد، دکتر ولایتی هم نباشد و همسنگ فرد عراقی انتخاب شود. همچنین قرار شد پیشنهاد شوروی در خصوص کمک در حل و فصل اختلافات رد نشود. برای تحسین روابط با کشورهای جنوب خلیج فارس هم اقدام شود. به دکتر ولایتی توصیه شد که به عراقی‌ها اطمینان داده شود که ما خواهان صلح هستیم.

بعد از جلسه با احمدآقا درباره سیاست‌های داخلی رفاهی و توزیعی و اقتصادی پس از جنگ و وزرای مربوط مذاکراتی داشتیم. فاطی که به مادرش در تهیه غذای مهمان‌ها کمک می‌داد، انگشت خود را سخت مجروح کرد.

چهارشنبه ۲ شهریور | ۱۱ محرم ۱٤۰۹ ۲٤ آگوست ۱۹۸۸

در خبرها تأیید کارشناسان اعزامی سازمان ملل در خصوص استفاده عراق از سلاح شیمیایی در بمباران دو سه هفته پیش اشنویه برجسته شده و یک نوع موضع‌گیری مثبت غربی‌ها نسبت به ایران تلقی می‌شود.

ساعت نه ونیم به مجلس رسیدم. کارهای اداری را انجام دادم. آقای [ابولفضل] توکلی بینا [مسئول بخش ساختمانی بنیاد مستضعفان] آمد. درباره کارهای ساختمانی سپاه و همچنین شرکت دژساز نو صحبت شد. آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه] آمد. او از فرمانده سپاه در عزل و نصب‌ها و تغییرات شکایت داشت.

عصر آقای صیاد شیرازی آمد. طرحی برای ادغام ارتش و سپاه داشت؛ به نفع ارتش و راندن سپاه به کارهای انتظامی. آقای [غلامرضا] حیدری کارپرداز مجلس آمد. درباره لزوم تقویت امر تحقیق و پژوهش تأکید داشت. آقای محسن رضائی آمد. گزارش وضع جبهه و طرح‌های سپاه برای تشکیلات آینده سپاه را گفت، مبنی بر تشکیل ده سپاه منطقه‌ای و تحت امر گرفتن نیروی زمینی ارتش و واگذاری نیروهای دریایی و هوایی سپاه به ارتش و حذف مأموریت‌های غیر نظامی سپاه.

تا ساعت هشت ونیم در دفترم کار کردم. دکتر ولایتی و هیأت همراه قبل از حرکت به سوی ژنو، تلفنی درباره مسائل مشورت کردند[1]. به منزل آمدم.

---

۱ - رادیو بی بی سی، در گزارشی گفت: «مذاکرات مستقیم ایران و عراق به منظور اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت آغاز می‌شود. وزرای خارجه و هیئت‌های نمایندگی ایران و عراق یعنی دکتر ولایتی و طارق عزیز وارد ژنو شدند. طارق عزیز گفت که هدف از آمدن به ژنو ایجاد صلح در تمام جوانب بین دو کشور است. حجت الاسلام صادق خلخالی به عنوان رئیس کمیته امور خارجی مجلس و حسن حبیبی وزیر دادگستری، یکی از حقوقدانان ایرانی که در فرانسه درس خوانده و کسی است که پیش نویس قانون اساسی جدید ایران را تدوین کرد، در هیأت ایران عضویت دارند. هیأت‌های دوطرف بسیار وسیع است.»

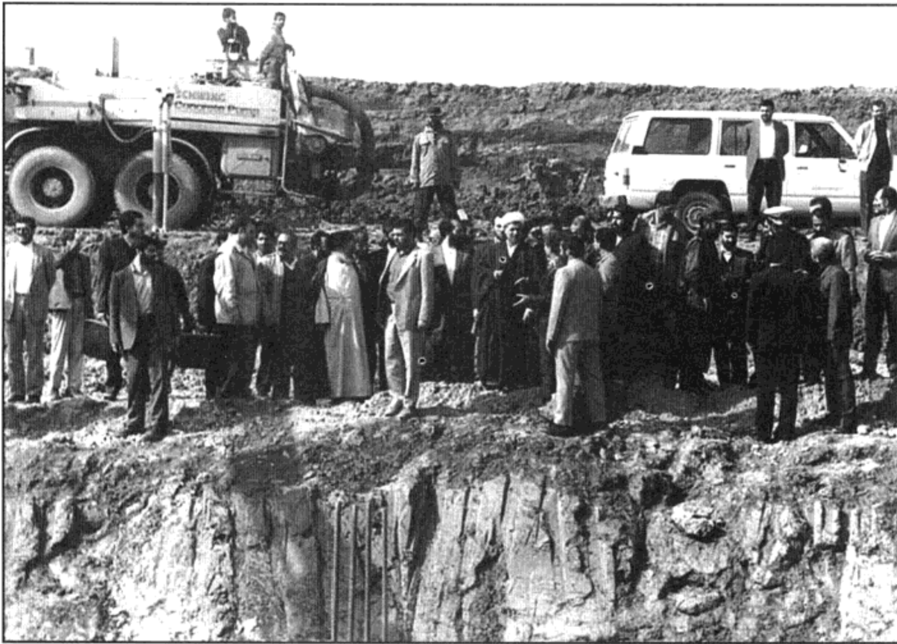
پنجشنبه ۳ شهریور | ۱۲ محرم ۱۴۰۹ | ۲۵ آگوست ۱۹۸۸

در گزارش‌ها محکومیت عراق توسط انگلیس به خاطر کاربرد شیمیایی در اشنویه آمده بود. عازم بازدید از سد ۱۵ خرداد شدیم. ساعت هفت و ربع حرکت کردیم و ساعت ده به محل سد نزدیک دلیجان رسیدیم. آقای [حسن] صانعی [رئیس بنیاد ۱۵ خرداد] و مهندس [سیدابوالحسن] خاموشی [سرپرست وزارت نیرو] و جمعی از مهندسان منتظر بودند. توضیحات کلی درباره سد و علل عقب ماندن از برنامه دادند[1]. مشکلاتشان در کمبود مصالح و تداخل مدیریت است. تونل انحراف آب زده شده و کارگاه تجهیز شده است. در شناخت زمین نقطه سد اشکالاتی وجود دارد. مصاحبه‌ای با تلویزیون کردم و قول حمایت دادم[2]. به سوی قم حرکت کردیم. مهدی هم که از جبهه برمی‌گشت و در سه راه سلفچگان ما را دید، همراه ما شد و با ما به بیت آیت‌الله منتظری آمد. ساعت دوازده و چهل دقیقه رسیدیم. منتظر بودند. ناهار چلوکباب دادند. تا ساعت دو مذاکره کردیم. ایشان باز از امام رنجیده است و می‌گویند در امور دخالت نمی‌کنند. بر سر مسئله سازمان نیروهای مسلح و سیاست اقتصادی بعد از جنگ و سیاست خارجی مذاکره کردیم، ولی کوتاه و غیر جدی بود. بعد از استراحت تا ساعت چهار و نیم، متفرق و غیر منظم مذاکره کردیم. چهار و نیم به سوی تهران حرکت کردیم. مغرب به منزل رسیدم.

---

۱ - سد ۱۵ خرداد بر روی رودخانه قم و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی شهر دلیجان در نزدیکی روستای عباس آباد احداث شده است. اجرای این سد برعهده بنیاد ۱۵ خرداد بود. سد ۱۵ خرداد علاوه بر تأمین بخشی از آب شرب دلیجان، لیمور و توابع آنها و بخشی از آب شرب شهر قم، آب مورد نیاز برای آبیاری اراضی دشت قم و حاشیه قمرود را تأمین کرده است. این سد از نوع خاکی غیر همگن با هسته رسی با حداکثر ارتفاع از کف رودخانه ۵۴/۳۰ متر می‌باشد. ارتفاع از روی پی ۹۶ متر، طول تاج ۳۲۰ متر و عرض آن در تاج ۱۰ متر است و حجم آب مفید آن ۱۶۵ میلیون متر مکعب می‌باشد.احداث این سد علاوه بر کنترل و مهار طغیان‌های قمرود، سالیانه به مقدار ۱۱ میلیون کیلووات ساعت نیروی برق آبی تولید می‌کند. عملیات اجرایی این سد از سال ۱۳۶۵ آغاز شد، امّا بهره برداری از آن در دوران سازندگی در سال ۱۳۷۳ انجام گردید.

۲ - در این مصاحبه، آقای هاشمی ساخت سد ۱۵ خرداد را با اهمیت توصیف کرد و گفت: «این پروژه از کارهایی است که لازم بود بعد از انقلاب سریعاً انجام شود. ساخت سد قم از لحاظ فرهنگی، انسانی، تاریخی و حق‌شناسی از مردم این پایگاه انقلاب، اهمیت قابل توجهی دارد و ضروری است بهای لازم برای سرعت بخشیدن در اجرای این پروژه داده شود. ساخت سد ۱۵ خرداد از آثار انقلاب است و امیدوارم عملیات اجرای آن پیشرفت خوبی داشته باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



بازدید از سد ۱۵ خرداد قم



جمعه ٤ شهریور | ١٣ محرم ١٤٠٩ ٢٦ آگوست ١٩٨٨

در منزل بودم. با آیت‌الله خامنه‌ای که دیروز از خوزستان برگشته، تلفنی صحبت کردم. درباره مطالب نماز جمعه امروز ایشان و کمیسیون اسرا و مطالب جاری دیگر صحبت شد. در اخبار بی ثمر بودن مذاکرات دیشب ایران و عراق در ژنو آمده است.

عصر آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [محمد جعفر] محلاتی آمدند و جزئیاتی از مذاکرات ژنو گفتند. عراقی‌ها سرسختی نشان می‌دهند و در صدد هستند در شط‌العرب امتیاز بگیرند و خود را از کمیته تعیین متجاوز نجات دهند[1]. قرار شد ما عجله نکنیم و با تأنّی عمل کنیم و این عراقی‌ها هستند که به خاطر باز کردن شط‌العرب عجله دارند.

محسن آمد. درباره اراضی البرز قم صحبت شد. قرار شد پسته‌کاری را ادامه دهد و برای اقامت کارگران و انبار جایی بسازد. بستگان دیگر آمدند. اوضاع نوق و حال بستگان، منجمله والده را تعریف کردند. با نخست وزیر درباره محل اقامت مرکزی ناظران سازمان ملل [در تهران] صحبت کردم. خطبه جمعه رئیس جمهور را گوش دادم. تعریض‌هایی به اظهارات نخست وزیر و رادیکال‌ها داشت.

شنبه ٥ شهریور | ١٤ محرم ١٤٠٩ ٢٧ آگوست ١٩٨٨

در گزارش‌های صبح، نوعی خوشبینی در روند مذاکرات ژنو دیده می‌شود[2]. شورای امنیت

---

[1] - در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده بود که با مشورت با ایران وعراق، مسأله تفویض اختیار به هیأتی بی‌طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه (تعیین متجاوز) را بررسی کند و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد. سازمان ملل، در ۱۸ آذر ۱۳۷۰، عراق را مسئول و آغازگر جنگ معرفی کرد و به این ترتیب یکی از خواسته‌های ایران مبنی بر متجاوز شناختن عراق هر چند با تأخیر تحقق یافت.

[2] - رادیو کلن در گزارشی با عنوان « مبادله اسرای جنگی ایران و عراق» گفت: «پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل به صلیب سرخ جهانی مأموریت رسمی داد که ترتیب مبادله اسرای جنگی بین ایران و عراق را بدهد. مبادله اسرا یکی از مواد تصریح شده در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است که در ماده ۳ آن گفته شده شورای امنیت باید در این مورد اقدام کند که پس از قطع عملیات خصمانه و در انطباق با سومین عهدنامه ژنومصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ اسرای جنگی آزاد و به اوطان خود مراجعت داده شوند. طبق برآورد سازمان ملل متحد عده اسرای دو طرف مجموعاً بالغ بر ۸۰ هزار نفر می‌باشند، ولی طبق گزارش سازمان صلیب سرخ جهانی، ارقامی که به طور رسمی به این سازمان ☜

کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران را محکوم کرده، گر چه صریحاً اسمی از عراق نبرده ولی هدف روشن است و نقطه مثبتی در شرایط سیاسی خارجی است.

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. [آقای ایرج صفاتی دزفولی] رئیس دیوان محاسبات آمد. گزارش عملکردها و مشکلات کار و نیازهای قانونی را گفت و درباره ماندن رئیس و دادستان دیوان مشورت کرد که گفتم بمانند.

آقای [محمد رضا] رحیمی نماینده قروه آمد. گزارشی از نظرات نمایندگان در مورد قطعنامه [۵۹۸] و مسائل جاری داد. از سخت‌گیری کمیته [انقلاب اسلامی] در کردستان شاکی است. آقای نیکبخت، افسر اسکورت من آمد و گفت پدرش که به صورت بسیجی در عملیات مرصاد شرکت داشته و مجروح شده و در بیمارستان باختر بستری بوده، اکنون مفقودالاثر است؛ گفتم پیگیری شود.

ظهر آقای [محمدحسین] جلالی وزیر دفاع آمد. از لایحه ادغام دو وزارت دفاع و سپاه شاکی است و نامه‌ای به امام در مخالفت با این لایحه نوشته بود. اجازه خواست تا ارسال کند؛ موافقت کردم. آقای محسن رضائی اطلاع داد که دادگاه نظامی، آقای [احمد] وحیدی [فرماندار نظامی کرمانشاه در عملیات مرصاد] را احضار کرده است. گفتم ایشان را رها کنند که فتنه نشود.

عصر آقای سراج [الدین موسوی] رئیس کمیته [های انقلاب اسلامی] آمد. گزارشی از سفر به ایلام و شرکت در عملیات مرصاد داد و از آقای منتظری گله داشت که به خاطر گرفتن کالای قاچاق، ایشان را احضار و توبیخ کرده‌اند. او از دخالت بازرسی و فرهنگی و حفاظت حوزه فرماندهی [کل قوا] در امور آنها نگران بود. آقای [محسن] رفیق‌دوست و مسئولان لجستیکی سپاه آمدند و درباره سیاست پشتیبانی سؤالاتی داشتند. گفتم در ستاد کل مشخص می‌شود.

به ستاد کل رفتم. بحث در سیاست دفاعی بود. قرار شد فعلاً برای باقیمانده امسال، نیازهای نیروها با توجه به احتمال صلح یا ادامه جنگ تأمین شود و استراتژی دراز مدت

رسیده، عبارتست از ۵۰ هزار و ۱۸۲ اسیر عراقی در ایران.» گفتنی است تعدادی از اسرای عراقی پس از آزاد شدن در سپاه بدر متشکل از رزمندگان عراقی، علیه ارتش صدام جنگیدند. این سپاه زیر نظر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق فعالیت می‌کرد و در چند عملیات حضور فعال داشت.



وزیران خارجه ایران و عراق



دفاعی را جداگانه بررسی کنند و به ستاد بیاورند.

شب سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشت. قرار شد تصمیمات کلی و سیاست‌گذاری‌ها در صورت احاله امر از طرف امام، در جلسه سران گرفته شود و به مجریان ابلاغ شود. آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [محمد جعفر] محلاتی گزارش مذاکرات ژنو را دادند[1]. عراقی‌ها تا حدودی از سرسختی‌ها دست برداشته و فقط روی لایروبی سریع شط‌العرب و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس تکیه کرده‌اند. جلسه سیاست کار را تعیین کرد. درباره نیروها و اطلاعات هم بحث شد.

یکشنبه ٦ شهریور | ۱۵ محرم ۱٤۰۹ — ۲۸ آگوست ۱۹۸۸

ساعت نه و ربع به مجلس رسیدم. کارهای اداری را انجام دادم. ساعت ده نمایندگان امام

---

۱ - مطبوعات انگلیس بر دشواری مذاکرات صلح ایران و عراق و نیز طولانی بودن آن تأکید کردند. خبرنگاران همچنین در تشریح فضای حاکم بر گفتگوها، بی‌اعتنایی اعضای هیئت‌های ایرانی و عراقی نسبت به یکدیگر و حرکات حساب شده آنان را جالب توجه دانستند. در این رابطه خبرنگار تایمز در گزارشی نوشته است: «مشکلات عظیم ارتقای آتش بس خلیج فارس به صلح بادوام، روز گذشته (پنج شنبه) در پایان اولین روز گفتگوهای ایران و عراق زیر نظر سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفت. این مذاکرات بعد از شش ساعت خاتمه یافت و تنها بخشی از این مدت به نشست رودررو اختصاص یافت. به نظر می‌رسد گفتگوها آن طور که عراقی‌ها خواسته بودند، انجام نگرفت. بغداد پیوسته گفته است به وسیله نشست‌های رو در رو با تهران می‌تواند در مورد جدی بودن ایرانی‌ها برای پایان دادن به جنگ تصمیم‌گیری کند. اما دبیرکل سازمان ملل مذاکرات را «عادی» توصیف کرد. هنگام ورود خشک و بی‌حالت دو تیم به اتاق شور « کاخ ملل» هیچکس لبخندی نمی‌زد، چه رسد به اینکه دست طرف مقابل را بفشارد. در آخرین لحظه به نظر می‌رسد که ممکن است دو طرف از مذاکرات امتناع کنند. ابتدا آقای پرزدکوئیار دبیرکل سازمان ملل، همراه با پنج تن از دستیارانش وارد سالن شد و پشت یک میز طویل نشست و دو میز دیگر به صورت اضلاع دیگر یک مثلث بدون رأس قرار داده شده بودند تا طرفین بی میل، به جای همدیگر به دکوئیار نگاه کنند. تدریجاً معلوم شد که هیچ یک از طرفین آرزو ندارد اول به داخل سالن شیرجه بزنند. مسئله طوری هماهنگ شده بود که آنها از درب‌های مقابل هم و دقیقاً در یک لحظه وارد سالن شوند. در سکوت کامل بدون هرگونه اظهار سلام پشت میز قرار گرفتند و در همین حال عکاسان هرگونه حرکتی را که ممکن بود لحظه‌ای تاریخی شناخته شود، ضبط کردند. میان حالت‌های رؤسای دو هیأت - علی اکبر ولایتی و طارق عزیز - تفاوت چشمگیری وجود داشت، از یک طرف دکتر ولایتی پیراهن بدون یقه به تن داشت که دگمه سر آن بسته شده بود، این به یکی از علائم دیپلماسی ایران مبدل شده است. طرف مقابل او بیشتر شبیه یک تاجر غربی بود که سیگار برگ - شبیه سیگار برگ چرچیل - دود می‌کرد و به علامت سیگار نکشید توجه نمی‌نمود. هیأت دکتر ولایتی شامل دکتر روحانی، معاون هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران و جانشین فرمانده نیروهای مسلح بود. هیأت عراقی‌ها شامل آقای عصمت کتانی سفیر عراق در سازمان ملل و دکتر ریاض محمود الغیثی یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه بود. هیچکس انتظار ندارد این گفتگوها به راحتی در آینده نزدیک به نتیجه‌ای برسد.»



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسمه تعالی

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

جناب آقای عطاءاله مهاجرانی معاون [illegible] نخست وزیر [illegible]

محترماً با توجه به مسئولیت و دقت‌های دفتر وزارت امور خارجه
در [illegible] سیاست اجرای قطعنامه ۵۹۸ [illegible]
حقوقی دفتر وزارت و دستور [illegible] ۲۱/۱ [illegible] است
[illegible] با توجه به نظر
[illegible] قرارداد [illegible] ۱۷ تا پایان کار اجرای
قطعنامه دولتین [illegible] ایران و عراق [illegible]
[illegible] مذاکرات سیاسی وزارت
امور خارجه [illegible] محول شود [illegible] باشد.

[illegible]

دستخط نامه به معاون حقوقی نخست وزیر

در نیروهای مسلح آمدند. از نصب آقای [احمد] جنتی به عنوان مسئول امور فرهنگی [ستاد فرماندهی کل قوا] گله داشتند. با برنامه‌های ایشان، به نظر می‌رسد آب اینها در یک جوی نرود.

آقای [علی] رازینی آمد و در خصوص بازداشت آقای وحیدی توضیحاتی داد؛ به ایشان گفتم آزادش کنند. دستور کتبی خواست، نوشتم و ساعاتی بعد آزاد شد. [بازداشت آقای احمد وحیدی]، فرماندهان سپاه را به شدت خشمگین کرده است. آقای محسن رضائی اعلام جرم کرده که گفتم پس بگیرد و فقط تقاضای رسیدگی کند.

آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] آمد. در خصوص برخوردها با عراق بعد از آتش‌بس توضیحاتی داد که حدود ششصد نفر از نیروهای ارتش را بدون درگیری مسلحانه، دور زده برده‌اند و ناظران سازمان ملل در تلاش برای آزادی آنها هستند. آقای [احمد] جنتی هم آمد. درباره شرح وظایف ایشان صحبت شد؛ بودجه زیادی برای کار خواست.

عصر آقای [محسن] رفیق‌دوست و آقای [اکبر] غمخوار [مسئول لجستیک سپاه] و آقای [محمود] احمدپور [معاون وزیر سپاه] آمدند. درباره خریدهای تسلیحاتی و تدارک مذاکره شد. اخوی محمود آمد. گزارش اوضاع لبنان را داد و از نوق و سلامتی والده گفت. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

دوشنبه ۷ شهریور | ۱۶ محرم ۱٤۰۹ — ۲۹ آگوست ۱۹۸۸

گزارش‌ها خبر از به مشکل برخوردن مذاکرات ژنو می‌دهد و عراق اعلان کرده قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر را قبول ندارد. به آقای محسن رضائی گفتم به نیروها اعلان کنند که هوشیار باشند. به مجلس رفتم. ساعت ده [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر اقتصاد آمد. از وضع مالیات و درآمدها و مخارج گزارش داد و بر ادامه تعزیرات حکومتی تأکید داشت و گفت پرونده بنیاد نبوت آماده محاکمه است و کیفر خواست صادر شده. وزارت دارایی حدود نهصد میلیون تومان مالیات از آن مطالبه دارد و گفت از این گونه، شرکت‌های

دیگری هم وجود دارند که از تفاوت قیمت اجناس دولتی و بازار آزاد، سوء استفاده می‌کنند[1].

ظهر آقایان [مهدی] کروبی، [علی اکبر] محتشمی، [محمد حسن] رحیمیان و دکتر وحید [دستجردی] آمدند. پیشنهاد حمایت بیشتر از نهضت اسلامی فلسطین و به طور کلی نهضت‌های خالص اسلامی داشتند. خواستار قطع سرپرستی وزارت اطلاعات بر آنها و واگذاری به جمعی مرکب از سپاه و وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات بودند. آقای منتظری هم همین را می‌گفتند.

عصر گروه پیمانکار سد ۱۵ خرداد از جهاد سازندگی آمدند. درباره کار سد توضیح دادند و مدعی بودند تأخیر مربوط به تأخیر مطالعه و نقشه‌ها است نه کارهای اجرایی. آنها توضیحاتی درباره کارهای عمرانی آب و خاک در خوزستان دادند. به حسینیه ارشاد رفتم و در مراسم سالگرد شهید رجائی و شهید باهنر سخنرانی کردم[2]؛ بیشتر درباره سرنوشت ضدانقلاب و به خصوص منافقین. به منزل آمدم. اول شب آقای [محمد جعفر] محلاتی آمد و وضع مذاکرات ژنو را گفت؛ خوب نیست و عراقی‌ها سرسختی و بهانه تراشی می‌کنند.

آقای خامنه‌ای آمدند که شب را اینجا بمانند. درباره وضع دولت و سیاست‌های اقتصادی و روابط خارجی، ارتش و سپاه مذاکرات طولانی داشتیم. احمدآقا را هم خبر کردیم. درباره موضع گیری امام و مسائل جاری اختلافی و تعیین مرجع از طرف ایشان برای سیاست گذاری کلی در امور کشور مذاکره کردیم. عفت برای شرکت در مراسم شهید

---

۱ - بنیاد نبوت، با مراجعه به مراکز مختلف، اجناسی را به عنوان کمک به جبهه‌ها دریافت می‌کرد و آنها را در بازار آزاد می‌فروخت و مبلغ اندکی به جبهه‌ها کمک می‌کرد و مابقی را به منابع شخصی انتقال می‌داد. در پرونده بنیاد نبوت، جرایمی چون خرید و فروش حواله خودرو، فروش خودرو در بازار آزاد، حساب سازی، گرانفروشی، واریز پول‌های دریافتی از مردم به حساب شخصی و نظایر آن دیده می‌شد.

۲ - در این سخنرانی، آقای هاشمی به بازگویی خاطرات و مشاهدات خود از حرکت‌های منافقین در زندان‌های ستمشاهی و نیز بیان شرحی از همکاری‌های عناصر این گروهک در کارهایی چون جاسوسی و هدایت دشمن برای حمله به مناطق مسکونی و آسیب رساندن به تأسیسات اقتصادی کشور پرداخت. ایشان گفت: «منافقین جریان خودفروخته‌ای بودند که وقتی به بن‌بست رسیدند، برای رسیدن و دستیابی به نیاتشان نه تنها با آمریکا و شوروی بلکه با همه دشمنان کشور و ملت متحد شدند و مضاعف بر همه آنها دست در دست دشمنی گذاشتند که تمامی امکاناتش را برای نابودی این ملت و کشور بسیج کرده بود. اینها در مقابل این ادعای عراق که می‌گوید: اروند رود یک رودخانه عراقی است و به همین بهانه هم بود که جنگ را شروع کردند، چه پاسخی دارند؟» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

نظر باینکه رسیدگی به پرونده کیفری مسئولین بنیاد نبوت براساس
اقرار متهم و اسناد و مدارک ارائه شده از سوی وزارت اطلاعات و ثبوت ادعاهای
شاکیان از اهمیت خاصی برخوردار است - لذا ضمن حمایت از وزیر امور اقتصادی
و دارائی و حاکم شرع محترم شعبه ۱۴۴ دادگاه کیفری یک تهران خواستار برخورد
قاطع دادگستری با [illegible] به بیت المال هستیم - خواهشمند است مراتب
بنحو مقتضی و با توجه به ابعاد مختلف موضوع به آگاهی عموم ابلاغ [illegible]

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره رسیدگی به پرونده بنیاد نبوت

رجائی و شهید باهنر رفته بود. شام را از بیرون آوردند.

آخر شب آقای [محمد جعفر] محلاتی تلفنی اطلاع داد که دبیرکل [سازمان ملل] با اعضای شورای امنیت مذاکره کرده و به اتفاق از او خواسته‌اند در اجرای قطعنامه ۵۹۸، قاطعیت به خرج دهد و بنا است تصمیم بگیرد و ابلاغ کند[1].

سه‌شنبه ۸ شهریور | ۱۷ محرم ۱۴۰۹ ۳۰ آگوست ۱۹۸۸

در گزارش‌ها خبری از تصمیم جدید دبیرکل سازمان ملل که آقای محلاتی گفته بود به زودی اعلان می‌شود، نبود. با آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه مذاکرات دیشب، مقداری مذاکره کردیم و پس از صبحانه، ایشان خدمت امام رفتند. در هفته دولت، مطابق معمول با کابینه خدمت امام می‌روند.

احمدآقا آمد و گفت امام در مورد تجارت آزاد و شرکت دادن مردم در امور و تعیین مرجع سیاستگذاری بازسازی، مطالبی فرمودند که بعضی از وزرا پریشان شده بودند[2]. به

---

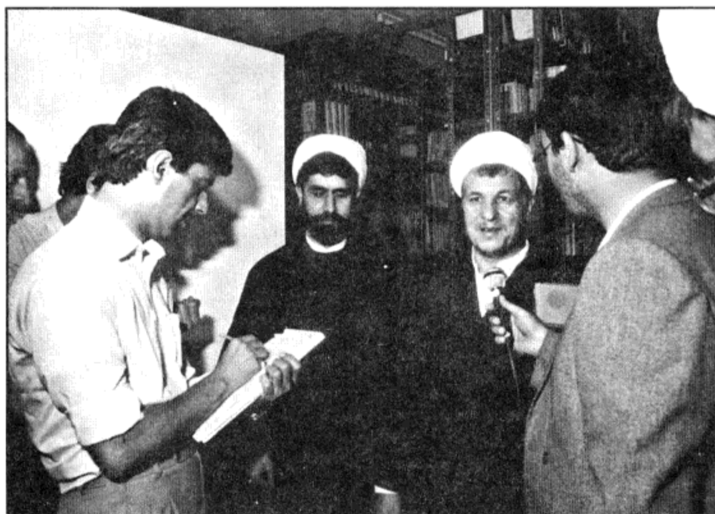
۱ - در این روز اعضای ستاد برگزار کننده هفته دفاع مقدس، با آقای هاشمی دیدار و گزارشی از نحوه برگزاری و برنامه‌های آتی این ستاد را ارائه نمودند. آنگاه آقای هاشمی طی سخنانی اظهار داشت: «این هفته مهمی است که با سال‌های دیگر فرق دارد و کار فرهنگی زیاد می‌خواهد. در این هفته باید موضع‌گیری‌ها و عملکرد مخالفان داخلی و خارجی ما در این مدت جنگ، برای مردم افشاء گردد.» جانشین فرماندهی کل قوا سپس با اشاره به ضرورت تشکیل نمایشگاه سلاح‌های غنیمتی در جنگ تحمیلی در هفته دفاع مقدس افزود: «جمهوری اسلامی ایران از اول تأکید داشت و معتقد بود که عراقی‌ها متجاوز و آتش افروزند و صادق نیستند. با این حرکت اخیر، برای مردم خودمان و همچنین دنیا ثابت شد که ما به طور جدی دنبال صلح هستیم.»

۲ - امام خمینی (ره) در این دیدار فرمودند: «مسئله دیگر، این مسئله بازسازی است که بسیار مهم است، در بازسازی اگر بخواهد ملت سر خود کار بکند، فساد ایجاد می‌شود. اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هر چه قدرت دارند، برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت. و راجع به اینکه کجا مقدم، کجا مؤخر، این بالاخره صحبت پیش می‌آید و آن طوری که صلاح است این است که هیأت تشخیص مصلحت بدهند که کجا باید اول باشد، کجا باید بعد باشد، وضعش باید چه جور باشد. مردم خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند. و دولت باید به مردم مجال بدهد به اینکه در کارها داخل بشوند. ومردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تأنی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند؛ ممکن است دست هایی در کار باشند که بخواهند در همین مقوله هم راجع به بازسازی هم شلوغ کنند و فساد ایجاد کنند، این را باید خیلی متوجه باشند و این همان هیأت تشخیص مصلحت که مرکب از سران کشور است، آنها باید نظارت کنند در امور، لکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه حالا بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۱۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

آقایان محسن رضائی و شمخانی و دفتر، گفتم ترتیب سفر دو روزه‌ای به خوزستان را بدهند.

فرمانده لشکر ۲۵ کربلا و جمعی از کادرها آمدند. در خصوص مخالفت جمعی از اشخاص مازندران با فرماندهی آقای مرتضی قربانی برای سپاه مازندران که اخیراً حکم آن به تأیید من رسیده است، شکایت داشتند و گفتند قسمت اعظم نیروهای لشکر، به مازندران برگشته‌اند و جبهه خلوت است.

برای بازدید از بنیاد تاریخ انقلاب [اسلامی] رفتم. گروه‌های کاری توضیحاتی درباره شیوه کار خود دادند. از مخزن اسناد و کتب و مجلات بازدید کردم و مسئول کامپیوتر توضیحاتی درباره کیفیت کار خود در تنظیم اسناد و یادداشت‌ها داد. مصاحبه‌ای انجام شد[۱].



بازدید از مرکز پژوهشی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی

۱ - بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران از قدیمی ترین مراکز پژوهش تاریخ انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ به پیشنهاد آقای هاشمی و با عضویت ایشان به عنوان یکی از اعضای هیأت مؤسس و مدیریت آقای عبدالمجید معادیخواه از روحانیون مبارز پیش از انقلاب آغاز به کار کرد. بنیاد تاریخ با هدف تحقیق در بخش‌های نظری، رجال، خاطرات، سیاسی، اقتصادی و فرهنگ و هنر فعالیت‌های گسترده‌ای داشته است. واحد انتشارات بنیاد تاریخ از سال ۶۴ تاکنون، فصلنامه «یاد» که تجربه ارزشمندی در پژوهش اسنادی و تاریخ شفاهی به شمار می‌رود، منتشر کرده است. همچنین مرکز اسناد و کتابخانه بنیاد تاریخ با تجهیز و بهره‌گیری از سیستم‌های کامپیوتری، علاوه بر تهیه کتاب‌های تخصصی و مجموعه‌ای از نشریات داخلی و خارجی به عنوان اسناد موجود تاریخ ایران از روش نمایه سازی برای دستیابی به اطلاعات موجود در اسناد استفاده کرده و دارای بانک اطلاعاتی ارزشمندی است.

آقای [فریدون] مهدی‌نژاد آمد. اطلاعاتی درباره مسائل پاکستان و حادثه سقوط هواپیمای ضیاءالحق داشت. به مجلس رفتیم. تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم و کارها را انجام دادم. به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. بحث در مورد اراضی بایر و کشت موقت بود. شام را همان جا خوردیم. آقای [احمد] جنتی، با توجه به اظهارات نمایندگان امام در نیروهای مسلح، در تصمیم خود سست شده است.

بعد از شام جلسه سران قوا برای اجرای اظهارات امروز امام تشکیل شد. نخست وزیر نگران بود و بالاخره ایشان را قانع کردیم که باید اجرا شود. برای تأمین نظر امام در خصوص تجارت، قرار شد وزیر بازرگانی که با این نظر موافق باشد به مجلس پیشنهاد شود. روی آقای [سید مجید] هدایت زاده صحبت شد. در مورد سیاست‌های کلی، قرار شد برنامه‌های کارشناسی به جلسه بیاید و ضمن بررسی آنها سیاست را تعیین کنیم.

چهارشنبه ۹ شهریور | ۱۸ محرم ۱۴۰۹ ۳۱ آگوست ۱۹۸۸

آقای جواد لاریجانی که از ژنو آمده است، اطلاع داد که موضع عراق در مذاکرات ضعیف است و حمایت جهانی از ماست و به نتایج مذاکرات خوشبین است؛ گر چه هنوز پیشرفتی مشاهده نشده و در مراجعت او در فرودگاه لندن، مقامات وزارت خارجه انگلیس اظهار علاقه به حل مشکل و روابط با ما و اظهار آمادگی برای مهار صدام کرده‌اند[۱].

---

۱ - گزارشگر یونایتدپرس در تفسیری در مورد تلاش‌های ایران و عراق برای گسترش روابط تجاری خود با کشورهای خارجی می‌نویسد: «هر دو کشور ایران و عراق به منظور آغاز دوران بازسازی اقتصاد جنگ زده خود، روز دوشنبه به طور غیرمنتظره‌ای توجه خود را به سوی کشور چین کمونیست معطوف نمودند. عراق روز دوشنبه یکی از مقامات بلندپایه خود را به پکن فرستاد تا با رهبران چین در مورد گسترش روابط تجاری دو کشور مذاکره کند. در عین حال ایران نیز روز دوشنبه دو هیئت بازرگانی چینی را در تهران پذیرا شد و اعلام کرد خواستار افزایش واردات ماشین آلات و ابزار و لوازم صنعتی از چین در قبال صدور نفت و سایر محصولات ایرانی می‌باشد. آقای هاشمی رفسنجانی مرد قدرتمند ایران در هفته گذشته گفته بود که از سرمایه‌های خارجی برای سرعت بخشیدن به روند بازسازی استقبال خواهد نمود ولی حسین موسوی نخست وزیر اخطار کرد که شرکت‌های چند ملیتی که قبلاً ثروت‌های این کشور را به یغما برده‌اند، اجازه نخواهند یافت، قدم به این کشور بگذارند. رهبران ایران قبلاً مشخص کرده‌اند که شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهایی که در طول جنگ موضع خصمانه‌ای نسبت به انقلاب اسلامی داشته‌اند، از سرمایه‌گذاری در ایران مستثنی شده‌اند. حال معلوم نیست که ایران چگونه

ساعت نه و نیم به فرودگاه مهرآباد رسیدیم. با [هواپیمای] شاهین به اهواز پرواز کردیم. مهدی هم با من بود و جمعی از افراد سپاه. ساعت ده و نیم به گلف وارد شدیم. با آقای شمخانی و دیگران درباره مسائل جبهه مذاکره کردیم. ساعت چهار بعد از ظهر به محل رزمندگان رفتیم. با فرماندهان نیروی زمینی ارتش، درباره خطوط دفاعی‌شان صحبت کردیم و فرماندهان لشکرهای جنوب ۹۲، ۷۷ و ۲۱ و تیپ ۴۰ سراب گزارش عقب‌نشینی‌های ماه گذشته و ضایعات و اقلام جایگزین شده و بازسازی را دادند. شام را همان جا خوردیم و به گلف برگشتیم.

با آقای محسن رضائی و [آقایان احمد غلامپور و حسین علایی] فرماندهان قرارگاه کربلا و نوح در مورد خطوط دفاعی آبادان و خرمشهر و کوشک مذاکره کردیم. فعلاً وضع نیروها خوب است، ولی به زودی تعداد زیادی مرخص می‌شوند و کمبود خواهیم داشت. نزدیک ساعت دوازده خوابیدم. آقای لاریجانی عصر امروز تلفنی اظهار خوشبینی نسبت به نتیجه مذاکرات نمود.

پنجشنبه ۱۰ شهریور | ۱۹ محرم ۱۴۰۹ ۱ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح بعد از ادای نماز، همراه محافظان و آقایان [علی] شمخانی، [ابراهیم] سنجقی، [محمد] فروزنده، مهدی، [علیرضا] افشار و [حسن] دانایی‌فر به طرف خرمشهر و آبادان رفتیم. در راه از کانال پانصد متر عرضی که برای دفاع از اهواز در کیلومتر ۴۶ جاده اهواز - خرمشهر درست شده بود، بازدید کردیم.

در خرمشهر لب اروندرود در خط مقدم رفتیم و از لشکرهای ۲ نجف و ۱۴ امام حسین(ع) بازدید نمودیم. با دوربین آن طرف آب را دیدم. عراقی‌ها در جزیره ام‌الرصاص پیدا بودند. خط کاملاً آرام و بی خطر است و پس از آتش‌بس، مسئله مهمی نداشته است. بنا بود امروز هیأت‌های میانجی سازمان ملل موجود در ایران و عراق در جاده شلمچه، در

«می‌خواهد اقتصاد خود را بدون دریافت لوازم یدکی و قطعات حیاتی از غرب بازسازی نماید؟ تحریم تسلیحاتی آمریکا علیه ایران موجب شد که اغلب جنگنده‌های ساخت آمریکا متعلق به ایران در طول جنگ زمینگیر شوند.»

نقطه مرزی ملاقات کنند.

گشتی در شهرهای خرمشهر و آبادان و مسجد جامع و پالایشگاه زدیم. خرمشهر خرابی زیادی دارد ولی خرابی آبادان کمتر است. به محل بیمارستان صحرایی حضرت علی (ع) در کنار جاده آبادان - اهواز رفتیم و بازدید کوتاهی نمودیم. مجروح جنگی نداشتند ولی مریض گرمازده داشتند؛ بیمارستان مجهزی است. از آنجا با هلی‌کوپتر به اهواز برگشتیم. منظره اطراف کارون از بالا جالب است. ظهر به گلف رسیدیم. بعد از نماز و ناهار با آقای [محسن] رضائی درباره جنگ و صلح و سپاه و ارتش مذاکره کردیم.

عصر از ساعت چهار تا هفت، با فرماندهان یگان‌های سپاه که در خط هستند، درباره مقدار نیرو و نیاز و وضع خطشان مذاکره کردیم. نگران آینده سپاه‌اند. بعد از نماز مغرب و عشاء با فرماندهان سطح بالاتر سپاه، درباره آینده سپاه مذاکره شد؛ نگران‌اند. ابهام وجود دارد. ضمن اینکه به آنها درباره آینده خوب سپاه اطمینان دادم، خودم هم تصویر روشنی ندارم. احتمالات گوناگون مطرح شد. خودشان هم پیشنهاد مشخصی ندارند. قرار شد، برای دادن یک طرح جامع، بیشتر مشورت کنند.

ساعت نه ونیم از اهواز به سوی تهران پرواز کردیم و ساعت ده و نیم شب به تهران رسیدیم. شام را در هواپیما خوردیم. آقای [محمد جواد] لاریجانی از بروز مشکلات در مذاکرات ژنو خبر داد[1].

---

[1] - رادیو بی بی سی در بخش خبری ساعت ۱۹/۳۰ امروز خود گفت: «وزیر خارجه ایران آقای علی اکبر ولایتی، عراق را متهم کرده است که هر روز پیش شرط‌های تازه‌ای پیش می‌گذارد. او گفت تاکنون فقط نصف پاراگراف اول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تکمیل شده است. آقای ولایتی که به دنبال یک ساعت و نیم گفتگو با نماینده مخصوص سازمان ملل آقای الیاسون، با خبرنگاران صحبت می‌کرد گفت: علیرغم عدم پیشرفت در مذاکرات، وی حاضر است به منظور ادامه مذاکرات در ژنو باقی بماند. به گفته آقای ولایتی، عراق برای انجام مذاکرات سه شرط قبلی تعیین کرده بود. شرط اول که قبل از شروع مذاکرات به اجرا در آمد، انجام گفتگوها به صورت رو در رو بود. آقای ولایتی می‌گوید: اکنون عراق دو شرط دیگر نیز اضافه کرده است. یکی از آنها لایروبی آبراه شط‌العرب «اروند رود» و پاک کردن آن از خرابی‌های جنگ است و شرط دیگر به منظور تضعیف حقوق ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز پیش گذاشته شده است. آقای ولایتی گفت: چنانچه عراقی‌ها برای رسیدگی به هر کدام از نکات مندرج در قطعنامه این همه شرط قبلی قائل شوند، تا پایان مذاکرات تعداد آن حداقل به ۴۸ شرط بالغ خواهد شد.»

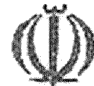
جمعه ۱۱ شهریور | ۲۰ محرم ۱۴۰۹ | ۲ سپتامبر ۱۹۸۸

در گزارش‌ها صحبت از مشکل در مذاکرات ژنو است. تا ساعت ده و نیم برای خطبه‌های جمعه کار کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه نمودم[۱]. عصر آقای لاریجانی و آقای محلاتی آمدند و گزارش پیشرفت کار ژنو را دادند. دبیرکل رفته و [یان] الیاسون سوئدی را به عنوان نماینده خود گذاشته است. می‌گویند مشکل مهمی در میان نیست. جزئیاتی قابل حل، کار را کند کرده و آقای محلاتی مایل است بماند تا کار را تمام کنند. گفتم اگر وزیر خارجه عراق هم بماند، خوب است[۲].

---

۱ - در خطبه اول، بحث آثار شوم استکبار دنبال شد و یکی دیگر از ویژگی‌های مستکبران به عنوان سوء استفاده از مهلت الهی و عواقب بد این سوء استفاده مطرح گردید. در خطبه دوم درباره هفته دولت و خدمات دولت در زمینه‌های مختلف به ویژه بانکداری بدون ربا مطالبی بیان شد. سپس تحلیلی درباره وضعیت جنگ، آتش بس و مسأله بازسازی به نمازگزاران ارائه شد. در توضیح و تفسیر سخنان حضرت امام (ره) در دیدار با دولتمردان، مواردی نیز در خصوص آزادی مردم در تجارت و لزوم تعیین مرجع برای تصویب سیاست‌های کلی کشور، نکاتی بیان گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «نکته دیگری که حضرت امام اشاره کردند، همین توصیه‌ای بود که ایشان در زمینه تجارت آزاد مردم در امور تجاری داخلی و خارجی و کارهایی از این قبیل فرمودند که اگر مستقل عمل کنند و بدون برنامه دولت باشد، فساد درست می‌شود. یعنی هر کس هر چه خواست وارد بکند، به هر گونه خواست تجارت بکند، چیزهایی وارد می‌شود که الان ضروری نیست و به گونه‌ای پخش می‌شود که به ضرر مردم خواهد بود. اگر اصلاً شرکت نکنند و نیاورند، در این شرایط مملکت از امکانات محروم می‌شود. کسانی هستند که امکانات ارزی دارند و می‌توانند بخشی از نیازهای جامعه را بیاورند و در اختیار مردم قرار دهند. دولت آنقدر امکانات ندارد که خیلی چیزها را بیاورد. هر مقدار که مردم امکانات داشته باشند، تحت نظارت دولت، بیاورند و با شرایطی توزیع کنند که اگر این جور بشود، ما به امکانات و منابعی می‌رسیم که الان در اختیار دولت نیست. مردم هم آنهایی که این امکانات را دارند یک اطمینان و امیدی پیدا می‌کنند که وارد میدان بشوند. از این طریق شغل ایجاد می‌شود، امکانات به دست محرومان می‌رسد. رفته رفته به سرمایه‌گذاری می‌رسیم. نظارت جدی دولت، می‌تواند مانع نقاط مضر آن شود. امیدواریم با این دستوری که امام فرمودند، هم در امور تولیدی و سرمایه‌گذاری داخلی و هم در امور تجاری، بتوانیم از پول‌های سرگردانی که در اختیار بخش خصوصی است و اینها در کارهای فاسد وارد می‌شود، دلال بازی‌هایی که بازار سیاه درست می‌کند، معامله سکه، معامله ارز و چیزهایی که خودشان برای خودشان درست می‌کنند و به طور قاچاق انجام می‌دهند، یک مقدار از این وضع نادرست جلوگیری بکنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - روزنامه «ساینس مانیتور» پس از اشاره به مشکلات پیش آمده در گفتگوهای ژنو می‌نویسد: «به گفته منابع دیپلماتیک غربی، گفتگو کنندگان سرگرم تهیه یک طرح پیشنهادی کوچک هستند که هدف از آن به جریان انداختن دوباره و پیشبرد این گفتگوهاست. در این طرح، تضمین آزادی کشتیرانی در منطقه، عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و انجام یک بررسی فنی از سوی سازمان ملل متحد به منظور لایروبی اروند رود پیشنهاد شده است. به گفته تحلیل‌گران مسائل سیاسی، اگر به زودی نتوان اشکالات کنونی را برطرف کرد، احتمال دارد که جلسات ژنو به ناچار موقتاً تعطیل شود و به مقام‌های دولت ایران و عراق فرصت داده شود در پایتخت‌های خود به مشورت بپردازند.»



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والسلام علی رسول الله و آله و علی عباد الله المتقین

مسلمانان جهان شاید به بهانه ترورها و طفره رفتن‌های مکرر
بعضی‌ها عراق در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ هستند. و برخوردهای
سالم و صادقانه و صریح و مثبت جمهوری اسلامی را هم می‌بینند
در طرف مقابل چند روز با بیشتر خطر افرادی و فاقد منطق و غیر
قابل اعتماد حکام عراق برای همه ناظران روشن شده است
همان جوهر ماجراجویی را که آنها را شروع کردن جنگ گفته
امروز هم برای ادامه جنگ ~~...~~ می‌گویند. و همان بهانه‌ها
که آنها را در ابتدا به عراق وارد کرد و آنها خسارت به دو کشور و منطقه وارد
کرد.
صدام با همین ادعاها قرارداد ۷۵ الجزایر را قبل از شروع جنگ پاره کرد

دستخط آقای هاشمی برای خطبه عربی نمازجمعه

جمعی از بستگان و خانواده مرحوم اخوی [قاسم هاشمی] با داماد جدیدشان آقای ضیائی آمدند. سرشب آقای دکتر ولایتی از ژنو تلفن کرد و همان مطالب آقای لاریجانی را گفت.

شنبه ۱۲ شهریور | ۲۱ محرم ۱۴۰۹ ۳ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. گزارش‌ها را دیدم[۱]. [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد و از ادغام وزارت سپاه و دفاع ابراز نگرانی کرد. او گفت لایحه دولت را امضاء نخواهد کرد. عدم امضای او مشکلی به خاطر قانون اساسی به وجود خواهد آورد. [سرتیپ حسنی

۱ - رادیو صدای آمریکا گفت: «جیمز بیل استاد آمریکایی و کارشناس معروف مسائل ایران درمقاله‌ای مفصل در واشنگتن پست، مشاهدات خود را در اصفهان و تهران تشریح کرده و دلایلی را که به اعتقاد وی باعث پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران شد، برشمرده است. جیمزبیل می‌نویسد:« اصفهان بازتاب ایران امروز است. این ابرقدرت انقلابی خلیج فارس، جسمی خون آلود و روحی خسته دارد و از نظر اقتصادی علیل و از نظر سیاسی، نفس بریده است. روز ۱۸ ژوئیه با پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ با استقرار آتش بس موافقت کرد. با استقرار آتش بس، ایران اکنون وظیفه عمده بازسازی سیاسی را پیش رو دارد که به مراتب از هر بازسازی جسمی دشوارتر خواهد بود. گرچه به اعتقاد جیمزبیل ایدئولوژی اسلام شیعه، همچنان به سیستم سیاسی ایران پیوند خواهد داشت، اما سیاست‌ها به ناگزیر مصلحت گراتر خواهد شد. جمهوری اسلامی هم اینک دوران انتقالی حساس دور شدن از روحیه افراطی و جنگ طلبانه را آغاز کرده است. به اعتقاد جیمز بیل به نظر می‌آید که ایران به گفته وی تحت رهبری علی اکبر هاشمی رفسنجانی، احتمالاً در این تلاش دشوار موفق خواهد شد، اما برای تضمین چنین توفیقی لازم است که آیت‌الله خمینی همچنان در صحنه بماند، تا به اعتقاد جیمزبیل حمایت شخصی و معنوی عظیم خود را در اختیار این سیاست‌های تازه قرار دهد. وی به نقل از یک مقام جوان ایرانی می‌نویسد: هشت سال گذشته واقعاً برای ایران سالیان دشواری بوده اما هشت سال آینده دشوارتر خواهد بود. مسائل و مشکلات، ماهیت سیاسی دارد. ایران باید انقلاب خود را به صورت کارآ و مؤثر رسمی کند. باید سیستمی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بسازد که عدالت اجتماعی و مشارکت سیاسی راستین را تضمین کند و مشوق توسعه اقتصادی باشد. باید بار دیگر خود را به سیستم بین‌المللی پیوند زند و با درگذشت [امام] خمینی، باید سرانجام یک سیستم تازه رهبری بنا کند. به اعتقاد جیمز بیل گرچه آیت‌الله منتظری جانشین منتخب [امام] خمینی در ایران پس از [امام] خمینی نقشی مهم ایفا خواهد کرد، اما مهم ترین شخصیت سیاسی ایران امروز علی اکبر هاشمی رفسنجانی است که به اعتقاد مفسر آمریکایی، باید رهبری اصلاحات را بدست گیرد و کار بازسازی ایران را سروسامان دهد. امروز جمهوری اسلامی می‌خواهد که ایالات متحده، انقلاب و استقلال ملی ایران را محترم شمارد. به نوشته جیمزبیل، ایران به ویژه امیدوار است که آمریکا بر اجرای منصفانه و مؤثر قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تأکید کند. در پی این همه خونریزی و وحشت در ایران هیچیک از رهبران سیاسی ایران، جرأت نمی‌کند که خود را در معرض اتهام همکاری بیش از حد با آمریکا یعنی کشوری که دیرزمانی شیطان بزرگ توصیف می‌شد، قرار بدهد.»منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۱۶۳، صفحه ۳۸.

سعدی، سرتیپ ستاری و دریادار ملک‌زادگان] فرماندهان سه نیروی ارتش آمدند. با آنها درباره کیفیت ادغام، با هماهنگی ارتش و سپاه صحبت شد.

دبیر شورای مدیریت حوزه [علمیه] قم آمد. قسمتی از کارهای شورا را توضیح داد و برای حل مشکل نظام وظیفه فوق‌لیسانس‌ها استمداد کرد. آقای سرفرازی آمد . او از سخت گیری‌های [سید مهدی] امام جمارانی [رئیس سازمان اوقاف] در خصوص موقوفات امامزاده داود گله داشت و توضیحاتی در مورد کارهای آنجا داد. قرار شد بازدیدی داشته باشیم.

آقای [حبیب الله] عسگراولادی آمد. گزارش کار کمیته امداد را داد و در خصوص تحویل گرفتن اموال مصادره شده دکتر رفیعی در رفسنجان که مال کمیته است و گویا در اختیار آقایان فلاح و هاشمیان است، استمداد کرد. درباره وزارت بازرگانی و پیاده کردن نظر اخیر امام هم صحبت شد. با وزارت آقای [سید مجید] هدایت‌زاده که مورد قبول رئیس جمهور است هم توافق ندارد.

شب جلسه سران قوا در نخست وزیری بود؛ مسئله مهمی در دستور نبود. درباره مذاکرات ژنو صحبت شد و مواضع هیأت اعزامی‌مان در ژنو مورد تأیید قرار گرفت. نظر بر این است که صدام به منظور گرفتن امتیاز چانه می‌زند. نه تجدید جنگ به نفعش است و نه طولانی شدن مذاکرات. اگر مایوس شود، به قطعنامه ۵۹۸ تسلیم خواهد شد. دیر وقت به خانه آمدم.



سران سه قوه و نخست وزیر

یکشنبه ۱۳ شهریور | ۲۲ محرم ۱٤۰۹ ٤ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم به جلسه علنی رفتم. اولین جلسه بعد از تعطیلات تابستانی و اعزام نمایندگان به جبهه بود. قبل از دستور صحبت کوتاهی کردم[۱]. چند مصوبه داشتیم. حال و هوای مجلس به خاطر احتمال تحولات سیاسی و اقتصادی خیلی سیاسی است. مراجعه هم زیاد است. نمایندگان استان مازندران به دفترم آمدند[۲]. آنها به انتخاب آقای مرتضی قربانی به فرماندهی سپاه مازندران معترض‌اند؛ فرد خاصی را هم پیشنهاد ندارند.

ظهر هیأت رئیسه مجلس در دفترم جلسه داشت. مشکل عدم تخلیه منازل بعضی از نمایندگان دوره سابق و فشار نمایندگان جدید برای گرفتن منزل مطرح بود. قرار شد برای تخلیه اقدام شود. آقای [محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه] آمد. نگران رأی مجلس در مورد خودش است.

---

۱ - در این نطق توصیه‌های حضرت امام (ره) درباره مسأله بازسازی و آزادی تجارت مورد تأکید قرار گرفت. در این نطق آمده است: «ما خدای را سپاسگزاریم که این انقلاب و این امت را از وجود رهبری حکیم، دانشمند و آگاه برخوردار کرده که انصافاً در لحظات مناسب، نقش رهبری واقعی و حکیمانه را ما از ایشان دریافت می‌کنیم. اگر روزی بررسی بشود ایفای نقش رهبری حضرت امام در این چند سال انقلاب و بعد از پیروزی و روزهای جنگ که در مقاطع مشخصی با توجه به شرایط آن زمان چگونه مردم و مسئوولان را راهنمایی کرده‌اند، انسان می‌تواند از مجموعه این بررسی قطعاً یک حرکت اعجازگونه رهبری را در بیاورد. در شرایط جاری که احتمالاً نقطه عطفی در تاریخ ما برای بازسازی کشور، می‌تواند باشد، ایشان آن پیام بسیار بسیار پرمحتوا و ارزنده را به عنوان یک هدیه به ما عطا فرمودند. در این پیام که حدود ۲۰ نقطه مهم راهنمایی برای امور مختلف کشور هست و آنقدر هم مطلب واضح و روشن است که نیاز به توضیح و تحلیل و تفسیر ندارد. تأکید خیلی شدید امام بر آرمان‌های انقلاب و وفاداری به شعار استقلال و طرد دست‌های مرموز سلطه‌گر از کشور جزء قله‌های این پیام است و تأکید مجدد ایشان بر نظارت دقیق و همیشگی بر سیاست جاری کشور و تأیید و تصویب راهی که مسئوولان کشور در پیش گرفته‌اند، هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی، می‌تواند بسیاری از ابهاماتی که به دست شیاطین در جامعه ما ممکن بوده در این مقطع پخش بشود و نفوذ بکند و ایجاد دلهره بکند، تأثیر شایانی داشته باشد. تذکر به سمپاشی‌های شیاطین خبری دنیا و مراکز تقویت سیاست‌های شیطانی حاکم بر دنیا و هشدار به ما که مواظب باشیم این سمپاشی‌ها، فکر ما را، راه ما را تحت تأثیر قرار ندهد، راهنمایی بسیار مؤثری است. تأکید بر نقش مردم در بازسازی و معین کردن خطوط اساسی بازسازی و توجه به حساس‌ترین قشر جامعه در آینده و امروز که خانواده‌های شهداء و آسیب دیدگان جنگ هستند و راهنمایی در این زمینه، تأکید بر شکستن طلسم انحصار در امکانات کشور، در اختیار قشر مرفه و به کار گرفتن نیروهای عامه مردم در خدمت اداره کشور و بسیاری از چیزهای دیگری که هست.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳٦۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - نمایندگان استان مازندران در مجلس سوم عبارت بودند از: آقایان سید حسن شجاعی کیاسری، عزت الله دامادی، محمود کاظمی دینان، محسن نریمان، محمد مجدآرا، ابوطالب حبیبی، صالح روحانی زاده، خسرو ضیاءپور، یغمور قلی زاده، حسین اربابی فرد، عین الله علاء، رسول حسینی کوهستانی، علی اکبر طاهایی، احمد ناطق نوری و فرج الله افرازیده.

عصر دکتر جاسبی برای امور دانشگاه آزاد اسلامی آمد. پیشنهاد تأسیس مدارس متوسطه غیر دولتی توسط دانشگاه داشت؛ قرار شد بررسی شود. همچنین پیشنهاد اضافه کردن شهریه را داشت. آقای [سید محمد] کیاوش [نماینده سابق اهواز] آمد. گزارش جبهه‌ها را آورد و برای آینده کارش سئوال کرد. گروه ورزشی تکواندو آمدند. قهرمانانشان برای شرکت در المپیک عازم [سئول پایتخت] کره جنوبی هستند. گزارش کار دادند و برای توسعه کارشان استمداد کردند[1].

جمعی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت آمدند و از تحولات احتمالی کشور اظهار نگرانی کردند. آنها فکر می‌کنند، این اقدامات در خلاف جهت شعارهای آنها است و برای آینده خودشان نگرانند. گفتند به مطبوعات گفته شده که اطلاعیه‌های آنها را پخش نکنند. ضمن ارائه توضیحاتی از اوضاع جاری، آنها را از مخالفت با تصمیمات حضرت امام برحذر داشتم.

سرشب آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. او عازم کشورهای اروپایی است. در مورد مسائل قابل طرح و در مورد مذاکرات ژنو مشورت کرد. به ایشان گفتم وزارت خارجه شکایت از عراق به سازمان ملل به خاطر مظالمش نسبت به کردهای عراق را بررسی کند. گویا کردها در جستجوی دولتی هستند که شکایتشان را مطرح کنند.

به خانه آمدم. با فاطی بر سر تعداد مجروحین شیمیایی کردها در بمباران عراقی‌ها اختلاف‌مان شد. مدعی بود در اخبار گفته شده است صد هزار مجروح شیمیایی است که گفته بودند صد هزار پناهنده.

---

[1] - در این دیدار ابتدا یکی از مسئولین این فدراسیون، گزارشی از عملکرد و برنامه‌های آتی و تحولات ایجاد شده بعد از انقلاب و دستاوردهای جهانی و آسیایی این ورزش را به اطلاع رساند. آنگاه آقای هاشمی اظهار داشت: «ورزش تکواندو، ورزش با ارزش و مطلوبی است. این همان چیزی است که اسلام می‌خواهد. اگرچه این ورزش ریشه در ورزش‌های شرقی غیراسلامی دارد، ولی با روح اسلام موافق است. این ورزش از ورزش‌هایی است که بدن را برای کارهای دفاعی آماده می‌کند. جای امیدواری است که این ورزش هم در جامعه و هم در بین قشرجوان، جای مناسبی را باز کرده است و جامعه دید خوبی نسبت به ورزش تکواندو دارد. ما دعا می‌کنیم که شما جزء افتخارآفرینان این مرز و بوم باشید و بازگشت موفقیت آمیز شما، باعث تشویق هر چه بیشتر جوانان به این ورزش خواهد بود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دوشنبه ۱٤ شهریور | ۲۳ محرم ۱٤۰۹ ۵ سپتامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. مقداری هم به تنظیم کتابخانه‌ام پرداختم. عصر کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. با [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت درباره بستن سرچاه نفت آتش گرفته در مرز عراق در منطقه دهلران صحبت کردم. قرار شد با میانجی‌های سازمان ملل مذاکره کنند.

عصر یکی از دوستان مهدی آمد. درباره بنیاد شهید و پرونده [اختلاس در شرکت خودروسازی] سایپا توضیحاتی داد. شب بستگان مهمان عفت بودند. ساعت ده شب آقای موسوی اردبیلی اطلاع داد که استعفا نامه‌ای از نخست وزیر به دست ایشان رسیده است[1]. با توجه به اینکه فردا قرار است کابینه ایشان برای اخذ رأی اعتماد در مجلس مطرح شود، تلاش کردم که آقای [میرحسین] موسوی را پیدا کنم تا او را از استعفا منصرف نمایم. معلوم شد رابطه خود را با بیرون قطع کرده است. به احمدآقا هم برای اطلاع به امام دسترسی پیدا نکردم. امام هم استراحت کرده بودند. آقای خامنه‌ای که سر شب از سفر خراسان برگشته‌اند، در حال استراحت بودند. گفتم ایشان را بیدار کردند ولی ایشان هم نتوانست به نخست وزیر دسترسی پیدا کنند. آقای موسوی اردبیلی هم نتوانست[2].

---

۱ - متن کامل نامه استعفای آقای میرحسین موسوی در بخش ضمایم کتاب درج شده است.

۲ - در پی انعکاس استعفای مهندس موسوی در روزنامه جمهوری اسلامی، رسانه‌های خارجی حجم بزرگی از اخبار و تحلیل‌های خود را به این موضوع اختصاص دادند. رادیو بی بی سی گفت: «استعفای آقای موسوی که وی به آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور ایران تسلیم داشته است، در روزنامه جمهوری اسلامی که آقای موسوی با آن ارتباط دارد، به چاپ رسیده است. دلیلی که آقای موسوی آورده است، این است که به اعتقاد او حداقل به هشت تن از وزرای کابینه او در جلسه ویژه مجلس که قرار بود امروز به اعتبارنامه دولت رسیدگی کند، رأی اعتماد داده نخواهد شد. وی در گذشته نیز برای گرفتن رأی اعتماد برای تمام وزرای کابینه خود از مجلس ایران که نمی‌توان دیگر آن را یک نهاد تشریفاتی خواند، با اشکال مواجه شده بود. مجلس جدید از مجلس قبلی رادیکال‌تر است. اما در ماه ژوئیه به آقای حسین موسوی که خود نیز در زمینه مسائل اقتصادی تا اندازه‌ای به عنوان یک رادیکال شهرت پیدا کرده است، به اتفاق آراء رأی اعتماد دادند. به هرحال، رئیس جمهور ایران نیز استعفای او را فوراً رد کرد. چنین حدس زده می‌شود که این تصمیم به بحث و جدل‌های داغی که در هفته‌های اخیر در داخل رهبری ایران بر سر میزان دخالت کشورها و شرکت‌های خارجی در امر بازسازی کشور به راه افتاده است، بی‌ارتباط نباشد.»

سه‌شنبه ۱۵ شهریور | ۲۴ محرم ۱۴۰۹ | ٦ سپتامبر ۱۹۸۸

اول وقت خواستم با نخست وزیر تماس بگیرم، گفتند از منزل بیرون رفته و به جای نامعلومی رفته که کسی از ایشان خبر ندارد. از آقای [حمید] میرزاده معاون اجرایی [نخست وزیر] پرسیدم. ایشان هم اظهار بی‌اطلاعی کرد. با احمدآقا و آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی صحبت کردم که به نحوی مانع انتشار خبر شویم، ولی خبر رسید که روزنامه جمهوری اسلامی خبر استعفا را با حروف درشت منتشر کرده است.

کم‌کم به وقت شروع مجلس نزدیک می‌شدیم، چون از این جهت موفق نشدیم، به فکر چاره دیگری افتادیم. گفته شد نخست وزیر دیگری را با همین کابینه به مجلس ببریم و با پیام امام از نمایندگان بخواهیم که به طور موقت کابینه را تأیید کنند، تا دولت مستقر تنظیم شود.

همراه با احمدآقا به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم. آقای موسوی اردبیلی هم بودند. درباره این پیشنهاد و راه حل‌های دیگر بحث شد. مدتی بحث طول کشید، مجلس هم جلسه را شروع کرد اما پس از نطق‌های قبل از دستور، به خاطر نداشتن دستور کار تعطیل شد. قرار شد برای تصمیم نهایی خدمت امام برویم.

من قبل از رفتن به جماران به مجلس رفتم. با چند نفر از اعضای هیأت رئیسه مذاکره کردم. آنها دو نظر داشتند: جمعی اصرار داشتند که استعفاء پذیرفته شود و نخست وزیر جدید بیاید و جمعی می‌گفتند که استعفاء پذیرفته نشود.

ساعت یازده همراه آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی و احمدآقا خدمت امام رسیدیم. بعد از بحث طولانی قرار شد که استعفاء پذیرفته نشود و امام خودشان مسئله را حل کنند. ناهار منزل احمدآقا ماندیم.

ساعت چهار همراه اتومبیل آقای خامنه‌ای به مجلس رفتم. اعضای کمیسیون برنامه آمدند[1]. پیش‌نویس شور اول برنامه پنج ساله را برای مشورت و گرفتن نظر سران سه قوه

---

[1] - اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس عبارت بودند از آقایان مرتضی الویری، رئیس، سید اسماعیل داودی شمسی نایب رئیس اول، محسن نوربخش نایب رئیس دوم، سید کاظم میرولد و علی محمدی منشی، علی عبدالعلی زاده مخبر کمیسیون. اعضاء: هدایت الله

آوردند که از طرف امام مرجع نهایی سیاست‌گذاری معین شده‌اند. مطالب خوبی دارد و درباره استعفاء نخست وزیر و عواقب آن و راه حل بحث شد. گفتم باید منتظر اقدام امام باشیم.

آقای [حمید] میرزاده اطلاع داد که نخست وزیر تلفنی تماس گرفته و گفته در استعفاء جدی است ولی برای انجام وظایف تا تعیین دولت جدید، فردا به نخست وزیری می‌آید. اعضای ستاد اجرایی آتش‌بس ستاد کل [فرماندهی کل قوا] آمدند. از نبود مدیریت درست و مشکلات پشتیبانی و غیره گفتند. آقای دکتر روحانی مسئولیت را به عهده گرفته و آقای شمخانی کنار رفته و با سفر آقای روحانی، بی نظمی پیش آمده است.

احمدآقا اطلاع داد امام نامه تندی به مهندس موسوی نوشته‌اند که به رسانه‌ها داده شده است. ساعت هشت شب نامه امام پخش شد، خیلی تند است و بعید است که آقای موسوی با این نامه بتواند نخست وزیر نیرومندی بماند. اجازه تعزیرات حکومتی را هم از نخست وزیر گرفته‌اند[1].

به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. احمدآقا نامه امام به مجمع را آورده بود که اجازه تعزیرات حکومتی را از دولت گرفته و به مجمع داده‌اند و آقای موسوی که برای گرفتن اختیارات بیشتر اقدام به استعفاء کرده بود، با گرفته شدن اختیارات مواجه شده

آقایی، محمدرضا بهمئی، محمد مهدی رهبری املشی، علی محمد احمدی، اسحاق جهانگیری، محمد علی سبحان اللهی، هادی غفاری، حسین هراتی و محمد مجد آراء.

۱ – در این نامه چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم، جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم، نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند، چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست وزیری، در چهارچوب اسلام و قانون اساسی، به خدمت خود ادامه دهید. در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید، چون گذشته عمل می‌شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود رأی دهد. تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است، که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد. همه باید به خدا پناه بریم؛ و در موقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوء استفاده کنند. مردم ما از اینگونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند، این حرکات هیچ تأثیری در خطوط اصیل و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت. از آنجا که من به شما علاقمندم، ان‌شاءالله عندالملاقات مسائلی است که گوشزد می‌نمایم. والسلام. ۶۷/۶/۱۵ – روح الله الموسوی الخمینی» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۲۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ ـ ۲۲ محرم ۱۴۰۹ ـ شماره ۲۶۸۸ ـ سال دهم
۱۲ صفحه
جمهوری اسلامی
تکشماره ۲۰ ریال

به منظور هماهنگ کردن هرچه بیشتر مواضع امریکا و عراق در مذاکرات ژنو
سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی رژیم عراق عازم آمریکا شد
در صفحه ۲

رهبر جدید شیعیان پاکستان دولت این کشور را به اهمال در تحقیقات پیرامون عاملین شهادت علامه عارف حسینی متهم کرد
در صفحه ۲

امام خمینی طی پیامی شهادت علامه عارف حسین حسینی را به علماء و مردم پاکستان تسلیت گفتند

امام امت: امروز، روز آماده‌باش همه دشمنان اسلام است باید فریب شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود

• وظیفه همه علماست که با روشن کردن دو تفکر اسلام آمریکائی و اسلام ناب محمدی، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند

به همه برادران و خواهران مسلمان خود در پاکستان اطمینان میدهم که ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی تان دفاع خواهد نمود
در صفحه ۱۲

• ملتهای مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها با خود بگذارند مگر اینکه خلاف عینی و عملی آنرا مشاهده و لمس و باور نمایند
در صفحه ۱۲

طرح تامین خسارات ناشی از کار کشاورزان در مناطق جنگ زده ابلاغ شد
در صفحه ۲

پزشکان ترکیه تائید کردند که رژیم عراق از سلاح شیمیائی علیه کردها استفاده کرده است

• هفته نامه آبزرور: آمریکا و انگلیس در زمینه درمان زخمهای ناشی از سلاحهای شیمیائی باید هرچه زودتر به کمک ترکیه بشتابند
در صفحه ۲

مراسم بزرگداشت سالگرد شهادت آیت الله قدوسی در تهران و قم برگزار شد
در صفحه ۱۱

دو شماره جدید فیش دریافت سکه بهار آزادی اعلام شد
در صفحه ۱۲

طی نامه‌ای به نخست وزیر **انجمن اسلامی سایپا خواستار پاکسازی این شرکت از بقایای باند مدیر عامل سابق شد**
در صفحه ۱۱

سرمقاله

• ایران به اجرای عدالت می اندیشد

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعنامه ۵۹۸ برای صلح تنظیم شده است نه برای آتش بس ...
بقیه در صفحه ۱۰

مهندس موسوی استعفاء داد

• دولت مهندس موسوی تا تعیین نخست وزیر جدید بکار خود ادامه خواهد داد
در صفحه ۱۰

چاپ غیر مترقبه خبر استعفای نخست وزیر در روزنامه جمهوری اسلامی

است[۱]. اصلاحاتی در قانون اراضی کشت موقت برای سهولت اجرا انجام شد. بعد از شام جلسه سران قوا داشتیم. در این جلسه درباره امور جاری مذاکره شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱٦ شهریور | ۲۵ محرم ۱٤۰۹ ۷ سپتامبر ۱۹۸۸

در اخبار صبح، خبر پس گرفتن استعفاء از طرف نخست وزیر و اظهار اطاعت پخش شد[۲]. ظهر کارهای دفتر را انجام دادم. عصر هیأت رئیسه جلسه داشت. امور اداری و پارلمان و مسائل دیگر بحث شد. آقای [حمید] میرزاده آمد و توضیحاتی درباره موفقیت‌های تعزیرات حکومتی داد و استمداد کرد که در مجمع تشخیص مصلحت دفاع کنم.

بعد از نماز در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور سران دیگر و احمدآقا و نخست وزیر، جلسه کوتاهی داشتیم. از اقدام به استعفاء به این صورت انتقاد شد و ادامه بحث به جلسه

---

۱ - محافل خبری و مطبوعاتی آلمان غربی گزارش‌ها و تفاسیر متعددی درباره استعفای مهندس موسوی از سمت نخست وزیری و رد آن از سوی رئیس جمهوری انتشار دادند. روزنامه «فرانکفورتر آلگمانیه مایتونگ» نوشت: «استعفای موسوی نمایانگر شدت مبارزه قدرت میان رهبران ایران است و اینکه بعضی از وزرای کابینه موسوی مورد قبول مجلس نیستند، یک بهانه ظاهری است. تعیین خط مشی سیاسی آینده ایران و بحران شدید قدرت در ایران است. موسوی رقیب هاشمی رفسنجانی است که خواهان اتخاذ سیاست خارج ساختن ایران از انزوای فعلی است. این سیاست مخالفین زیادی دارد حتی [امام] خمینی هم به سختی با آن موافقت کرده است. موسوی بارها تأکید کرده است که مسئول اجرای تعهداتی که دکتر ولایتی در مذاکراتش در ژنو قبول خواهد کرد، نیست. روزنامه آلمانی «ولت» نیز در تفسیری با عنوان «مانورسیاسی موسوی» نوشت: اینکه آقای خامنه‌ای با استعفای موسوی مخالفت کرده است، تعجب‌آور نیست. البته انتخابات مجلس باعث تقویت موضع رادیکال موسوی شده است که خواهان کنترل دولت در اقتصاد می‌باشد و با مخالفت بازاری‌ها و فئودال‌ها روبرو است، ولی با این وجود پیشنهادهای موسوی همیشه با مخالفت شورای نگهبان روبرو می‌شود. احتمال زیاد می‌رود که این مانور سیاسی موسوی، باعث کنار رفتن بعضی وزراء شود.»

۲ - آقای میرحسین موسوی پس از دریافت نظر امام خمینی طی نامه‌ای استعفای خود را پس گرفت. متن نامه بدین قرار است: «بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مقام رهبری، حضرت امام خمینی - مدظله العالی - ضمن تقدیم سلام و تحیات، پیام پدرانه و هشدار دهندهء حضرتعالی را به گوش جان شنیدم. اینجانب عزت ومصلحت را در تبعیت از مقام معظم رهبری می‌دانم و استعفای خود را که با انگیزه دلسوزی برای اسلام و انقلاب و مصلحت کشور تقدیم نموده بودم، پس می‌گیرم. مسائل و مواردی که چاره جویی آنها را به مصلحت کشور می‌دانم، حضوراً عرض می‌کنم و در هر حال مطیع امر رهبری به عنوان یک مرید و مقلد بوده و هستم. میرحسین موسوی، نخست وزیر».

بعد موکول گردید. مجمع تشخیص مصلحت برای بررسی وضع تعزیرات حکومتی که تصمیم درباره آن از طرف امام به مجمع واگذار شده تشکیل شد. نخست وزیر، محتشمی، میرزاده و روحانی توضیحات دادند. سوالاتی شد و قرار شد فعلاً تا بررسی کامل، به همان صورت ادامه پیدا کند و توصیه شد به خرده پاها نپردازند و قرار شد بازرسی و نظارت از طرف مجمع برقرار شود. بعد از شام به خانه آمدم. دیر وقت خوابیدم.

پنجشنبه ۱۷ شهریور | ۲٦ محرم ۱٤۰۹ ۸ سپتامبر ۱۹۸۸

در گزارش‌ها موضع عراق سخت‌تر شده است. شخص صدام حرف می‌زند و مدعی حاکمیت بر اروند رود و بی اعتباری قرارداد الجزایر است. ساعت ده و نیم به مجلس رسیدم. کارم زیاد شده است؛ هم کارهای دفتر ریاست مجلس و هم کارهای دفتر فرماندهی نیروهای مسلح را دارم.

آشیخ حسین هاشمیان آمد و درباره اموال مصادره شده دکتر رفیعی توضیح داد که چگونه در رفسنجان صرف عمران می‌شود. حکم دادگاه این بوده که تحت نظر هیأت امناء، ده سال اموال آن در رفسنجان خرج بشود. قانون، آن را به کمیته امداد امام داده. آنها مطالبه می‌کنند و اینها نمی‌دهند. خواست که به کمیته بگویم که اصرار نکنند. گفتم جواب نامه آنها را بنویسد.

عصر آقای [محمد جعفر] محلاتی آمد و توضیح داد که مذاکرات ژنو تقریباً به بن‌بست رسیده است و منتظر ابتکار جدید دبیرکل هستند. لابد آقای ولایتی هم در صورت توقف مذاکرات به ایران خواهد آمد. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به منزل آمدم.

جمعه ۱۸ شهریور | ۲۷ محرم ۱٤۰۹ ۹ سپتامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. دکتر روحانی آمد. از ژنو برگشته است. او خلاصه‌ای از مذاکرات و

سرگذشت کار را گفت. فکر می‌کند هیأت ما تحت تاثیر نظرات حقوقدانان سرسختی نشان داده است. امکان حل را در صورت برخورد بهتر در اول کار منتفی نمی‌داند، ولی فعلاً مذاکرات به بن‌بست رسیده، یا باید به نیویورک منتقل شود و یا فکر دیگری کرد.

احمدآقا هم برای استماع گزارش ایشان آمد. معتقد است سرسختی شده و اگر از اول بحث در لایروبی اروندرود را می‌پذیرفتیم، معلوم نیست که عراقی‌ها به ادعای حاکمیت اروندرود کشیده می‌شدند؛ گر چه محتمل است که لایروبی را برای رخنه در روند اجرای قطعنامه مطرح کرده باشند. به هر حال به اینجا رساندند، چون می‌دانند در این روند به تعیین متجاوز و خسارات می‌رسیم و آنها چیزی بدست نخواهند آورد. آقای [محمد حسن] زورق آمد. نوشته‌ای آورد که درباره تبلیغات تهیه کرده است. درباره مسائل جاری مذاکره شد. توصیه به توجه به رادیکال‌ها داشت.

عصر آقای [عبدالله] نوری آمد. درباره پاکستان و شهادت عارف حسین[1] [رهبر شیعیان پاکستان] و ... مطالبی داشت. عباس صفریان سفیرمان در گابن آمد. از گابن و مشکلات زندگی در محیط‌های آلوده به مالاریا گفت.

شنبه ۱۹ شهریور | ۲۸ محرم ۱٤۰۹ — ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۸

در اخبار صبح محکومیت عراق به خاطر کاربرد خیلی وسیع سلاح شیمیایی علیه کردهای عراقی آمد و مهم‌تر از آن تصویب لایحه در مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر قطع اعتبارات و کمک‌های آمریکا به عراق و جلوگیری از اعتبارات بین‌المللی؛ حرکت

---

[1] - سیدعارف حسین حسینی رهبر شیعیان پاکستان بود که در جریان فعالیت‌های دینی و فرهنگی در میان مسلمانان پاکستان ترور شد. امام خمینی (ره) پس از شهادت وی با شدیدترین الفاظ، اسلام جعلی را که از آن به «اسلام آمریکایی» تعبیر می‌کردند، به عنوان مسبب شهادت شناختند. فعالیت‌های دینی، سیاسی و فرهنگی ایشان مایه ناخشنودی دشمنان داخلی و خارجی بود. در زمینه نامساعد دینی و فرهنگی پاکستان پس از جدایی از هند و تبلیغات سوء در این زمینه، وجود ایشان می‌توانست بسیار مؤثر باشد. آن شهید، ۱۴ مرداد ۶۷ هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. در مراسم تشییع آن شهید، فرزندش سید علی حسینی خطاب به مردم چنین گفت: « ای ملت! من مفتخرم به اینکه امروز فرزند یک شهید هستم، از شما خواهش می‌کنم تا زمانی که امام خمینی رهبر عظیم‌الشأن من و امید مسلمانان جهان، زنده است. شما احساس یتیمی نکنید. ما تا ایشان زنده باشند، یتیم نیستیم».

آمریکا علیه عراق، جدی به نظر می‌رسد.

به مجلس رفتم. هیأت چینی بـه ملاقـات آمـد. پیـشنهادهای وسـیعی بـرای همکـاری در ساخت و انتقال صنایع نظامی مهم و شرکت در بازسازی داشتند.

با آقایان رئیس جمهور و نخست وزیر تلفنی صحبت کردم و کابینه پیشنهادی را کامـل کردیم. آقای [عبدالحسین] وهاجی سرپرست وزارت بازرگانی آمد. در مـورد اجـرای نظـر اخیـر امـام در آزادی واردات و بـه خـصوص در چگـونگی آزادی واردات بـرای بخـش خصوصی مذاکره شد.

عصر آقای [یوسف] بن علوی وزیر خارجه عمان برای ملاقات در مورد همکاری ایران با کشورهای جنوب خلیج فارس آمد و پیـشنهاد عربـستان را آورد. او در مـورد مـذاکره بـا وزیر نفت ما برای حفظ قیمت نفت و تـرک تبلیغـات علیـه یکـدیگر، مطـالبی را در جلـسه خصوصی گفت.

معاونان وزارت اطلاعـات آمدنـد. دربـاره تمرکـز امـور اطلاعـات و حـذف حـق کـار اطلاعاتی از سایر نهادها گفتند. اول شب آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و گزارش سفر به فرانسه، ایتالیا و آلمان را داد که همگی با نظرات ما در مذاکرات ژنو موافقند.

شب در جلسه سران قوا به مشکلات وزارت اطلاعـات پـرداختیم. قـرار شـد مـذاکره بـا وزیر نفت عربستان، ضمن یک کمیسیون مرکب از وزرای نفت ایران و عربـستان و نیجریـه و کویت باشد.

یکشنبه ۲۰ شهریور | ۲۹ محرم ۱۴۰۹ | ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۸

اول وقت مهدی با دعای بدرقه مادر [برای انجام جراحی بینی] به بیمارستان امیراعلم رفـت. من به مجلس رفتم. در گزارش‌ها فشار همه جانبه غربی‌ها بر عراق به خاطر کشتار کردهـای شمال عراق، محسوس است[1]. عفت هم به مجلس آمد. صبحانه را با هم خوردیم.

---

[1] - عملیات انفال بزرگترین و فجیع‌ترین عملیات صدام علیه اهل تسنن کرد بود که او از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ به آن پرداخت و این عملیات در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۵) به اوج رسید. هدایت این عملیات را علی حسن المجید کـه پـس از بمبـاران شـیمیایی حلبچـه بـه علـی شـیمیایی ⇐

به جلسه علنی رفتم. بحث بر سر کابینه دولت بود. صبح، صحبت بیست نفر از نمایندگان در مخالفت و موافقت با کابینه انجام شد. هر دو خط فعال بودند. ظهر به دفترم آمدم. عفت هم آمد. ناهار را با هم خوردیم. عفت بیمارستان رفته بود. گفت عمل مهدی انجام شده و راضی بود. مهدی خودش هم تلفن کرد و مجله و کتاب خواست و از کیفیت وضوی جبیره پرسید[1].

ساعت سه به جلسه علنی رفتم. ساعت چهار بعد از ظهر برای ملاقات با یوسف اوزال، برادر نخست وزیر ترکیه که پیام [تورگوت] اوزال را آورده بود، به دفترم برگشتم و با او درباره صلح و همکاری با دول جنوب خلیج فارس و مسئله کردهای عراق صحبت کردم و به اوزال پیام دادم که یکصد وپنج نفر از پاسداران ما را که در برگشت از عراق، در ترکیه بازداشت و زندانی شده‌اند، آزاد کنند.

[سرهنگ رضا نیک نژاد] رئیس کل شهربانی آمد. گزارش کار داد و از تبعیض وزارت کشور بین آنها و کمیته‌ای‌ها گله داشت. آقای مصطفی هاشمی [طبا رئیس سازمان تربیت بدنی] آمد. عازم شرکت در المپیک [سئول] همراه با ورزشکاران است. آقای [محسن] کنگرلو آمد و درباره دیپلماسی مخفی مطالبی ناقص داشت.

آقای ترابی [رئیس حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد. گزارشی از بررسی وضع معادن طلا در ایران آورد. مدعی است معادن فراوانی با عیار بین پنج تا صد گرم کشف شده است.

معروف شد، برعهده داشت. رژیم بعث در انفال کوشید تا طرح پاکسازی نژادی کردها را به طور کامل پیاده کند. بنابراین از هیچ نوع حمله زمینی، بمباران هوایی، تخریب محلات مسکونی، تبعید دسته جمعی، جوخه‌های آتش و استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی علیه کردها دریغ نکرد. این عملیات سبب ویرانی روستاهای زیادی شد. پس از آن، دادگاه‌های مختلف، انفال را نسل کشی علیه کردها و اهل سنت شمال عراق خواندند. آخرین و شدیدترین مرحله انفال بی‌درنگ پس از آتش بس میان ایران و عراق صورت گرفت. ناظران گفته‌اند، که یک دست کردن بافت مناطق سنی نشین و کردنشین، اصلی‌ترین هدف انفال بود. نگرانی صدام از این بود که مبارزات دیگر مردم عراق علیه سیاست تصفیه نژادی او منجر به نزدیک شدن ائتلاف متحد شیعیان و ائتلاف دموکراتیک کردهای عراق شود. آمار به دست آمده پس از انفال حاکی است که در جریان این عملیات ۴ هزار روستا، ۱۷۴۵ مدرسه، ۲۷۰ بیمارستان، ۲۴۵۰ مسجد و ۲۷ کلیسا ویران شد. جلال طالبانی رئیس جمهور عراق، ششم دسامبر ۲۰۰۵ در مصاحبه‌ای تلویزیونی اعلام کرد که قضات از صدام اعترافاتی مبنی بر دستور کشتارهای دسته جمعی در انفال گرفته‌اند و همین مسأله او را سزاوار مرگ می‌کند.

۱ - چیزی که به زخم می‌بندند و دوایی که برآن می‌زنند «جبیره» نام دارد. در وضوی جبیره اگر روی زخم بسته شده و نمی‌شود آن را باز کرد، هنگام وضو، دست تر بر آن کشیده می‌شود. اگر انسان بتواند وضوی جبیره‌ای بگیرد باید به وظیفه خود عمل کند و تیمم تنها کافی نیست.



ملاقات با فرستاده دولت ترکیه



ملاقات ورزشکاران عازم به المپیک سئول

بعضی از این معادن در زمان شاه به طور غیر رسمی و توسط خارجی ها یا بخش خصوصی به نفع خانواده سلطنتی استخراج می‌شده و طلای آن به خارج می‌رفته.

شب به جلسه تعزیرات رفتیم. دستور کار منظمی نداشت. غیر منظم بحث و قرار شد در جلسه آینده، نظرات مخالفان بررسی شود.

بعد از شام، آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] گزارش ملاقات با امام را داد که توصیه به اتحاد و همکاری کرده‌اند.

خبر رسید که امروز مضامین اظهارات امام به نخست وزیر در ملاقات خصوصی در مجلس پخش شده و باعث ناراحتی نخست وزیر شده است.

دوشنبه ۲۱ شهریور | ۳۰ محرم ۱٤۰۹   ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت شش و نیم به مجلس رفتم. ساعت هفت و نیم جلسه علنی آغاز شد[۱]. بحث در کابینه بود. وزرا دفاع کردند. این کار تا ساعت دو و ربع بعد از ظهر طول کشید. رأی‌گیری کردیم و به دفترم آمدم. بعد از استراحت خبر دادند که آقایان [محسن] رفیق‌دوست وزیر سپاه و [عباسعلی] زالی وزیر کشاورزی و [سید کاظم] اکرمی وزیر آموزش و پرورش رأی نیاورده‌اند[۲]. تعدادی از وزرا هم رأی ضعیفی آورده‌اند. [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر خارجه رأی بالائی دارد. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر خارجه] تلفنی گفت

---

۱ - خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «مجلس ایران روز دوشنبه با دادن رأی اعتماد به ۱۸ تن از ۲۱ وزیر معرفی شده از جانب آقای میرحسین موسوی نخست وزیر ایران، از بروز یک بحران جلوگیری کرد ولی با امتناع از دادن رأی اعتماد به ۳ تن از وزرا، عدم تأیید خود را نسبت به بخشی از کابینه نشان داد».خبرگزاری فرانسه افزوده است: «رأی مجلس با وجود این بازتاب حمایت نمایندگان از سیاست صلح وزارت امور خارجه ایران در ژنو و رد دیدگاه‌های بنیادگرایان است. در حقیقت وزرایی که روز دوشنبه بیشترین آراء را از مجلس گرفتند آقایان علی اکبر ولایتی و حسن حبیبی وزرای امور خارجه و دادگستری ایران بودند که در مذاکرات ژنو شرکت دارند. نمایندگان در عوض از دادن رأی اعتماد به آقای محسن رفیق دوست وزیر سپاه که چهره‌ای بنیادگرا به ایران می‌داد، خودداری کردند.»

۲ - آقای محسن رفیق دوست از مجموع آرای ۲۴۳ رأی، ۱۲۰ رأی موافق، ۹۶ رأی مخالف و ۲۷ رأی ممتنع کسب کرد. آقای عباسعلی زالی از مجموع ۲۴۶ رأی، ۱۰۸ رأی موافق، ۱۰۸ رأی مخالف و ۳۰ رأی ممتنع آورد و آقای سید کاظم اکرمی از مجموع ۲۴۲ رأی نمایندگان، ۹۸ رأی موافق، ۱۱۹ رأی مخالف و ۲۵ رأی ممتنع به دست آورد.

وزیر خارجه در ژنو از رأی نمایندگان که باعث تقویت موضع او شده، تشکر دارد[1] و گفته ۲۴ ساعت دیگر می‌مانم و سپس به ایران می‌آیم. ضمناً عراق به خاطر مخالفت با انتقال مذاکرات به نیویورک، تحت فشار جهانی است.

آقای دکتر روحانی آمد و درباره ستاد نظامی نظارت بر آتش‌بس گفت. آقای [حسین] علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه آمد. از اشغال پادگانش در شیراز توسط نیروی زمینی سپاه شکایت کرد. به آقای شمخانی گفتم که برای اخراج اشغالگران اقدام کنند. آقای [محمود] محمدی عراقی آمد. خواست که برای مراسم فارغ‌التحصیلی دانشکده قم سپاه به قم بروم. به ایشان گفتم با آقای جنّتی برای هماهنگی امور فرهنگی اقدام کنند.

آقای [ابولفضل] توکلی بینا آمد و بر سرپرست شدن پاکروان در وزارت سپاه پس از رفیق‌دوست تا تعیین وزیر جدید تأکید داشت. نخست وزیر اطلاع داد که بنا دارد پاکروان را سرپرست بگمارد؛ خود آقای رفیق‌دوست هم همین پیشنهاد را داشت.

چند نفر از نمایندگان برای اظهار تردید در کافی بودن رأی اعتماد به [آقای علیرضا مرندی] وزیر بهداشت که ۱۲۴ رأی [از مجموع ۲۴۳ رأی] را داشته آمدند، گفتم اشکالی ندارد، اکثریت مطلق است. آنها می‌گفتند نصف به علاوه یک نیست که گفتم در آئین‌نامه این تعبیر نیست، بلکه اکثریت مطلق است.

تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. در بین راه فرمانده لشکر حفاظت برای توضیح مشکلات، در اتومبیل من سوار شد، و نسبت به فرمانده سپاه حفاظت اعتراض داشت. قرار شد رسیدگی کنم. مهدی از بیمارستان به منزل آمده؛ حالش بد نیست.

سه‌شنبه ۲۲ شهریور | ۱ صفر ۱٤۰۹ ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۸

صبح زود به مجلس رفتم. در گزارش‌ها فشار دنیای غرب بر عراق محسوس است. در

---

[1] – نمایندگان مجلس سوم، ۲۲۵ رأی موافق دادند. ۸ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع به آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه داده شد. در رتبه دوم آقای حسن ابراهیم حبیبی نامزد وزارت دادگستری قرار داشت که از مجموع ۲۴۴ رأی، ۲۱۶ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع داشت و نفر سوم آقای محمد غرضی وزیر پیشنهادی پست و تلگراف و تلفن بود که از مجموع ۲۴۲ رأی، ۲۱۰ موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع کسب کرد.

جلسه علنی شرکت کردم. نتایج استخراج آراء کابینه در مجلس قرائت شد. بعضی‌ها می‌خواستند در مورد دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] تشکیک کنند. حرف حسابی نداشتند. از سه وزیر ساقط شده دلجویی کردم[1]. ساعت ده به دفترم برگشتم. اعضای کمیسیون دفاع آمدند[2]. درباره کیفیت رابطه کمیسیون با نیروهای مسلح و جنگ مذاکره شد.

ظهر آقای علی جنتی آمد. درباره کارهای دفتر فرماندهی مذاکره شد. عصر [آقای محمد حسین جلالی] وزیر دفاع آمد. درباره خریدهای نظامی مذاکره شد. آقای [خسرو] عروج [فرمانده سپاه حفاظت انصار] آمد. درباره مشکلات سپاه ولی امر مذاکره شد. تلفنی با نخست وزیر و رئیس جمهور درباره تعیین سه وزیر که رأی نیاورده‌اند، برای آن وزارتخانه‌ها مذاکره کردم. نخست وزیر گفت تسلیم نظر رئیس جمهور است. آقای محسن رضائی از سقوط آقای رفیق‌دوست از وزارت [سپاه]، تلفنی ابراز ناراحتی و چاره‌جویی کرد[3].

شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بازاری‌ها و وزارت اطلاعات از عملکرد تعزیرات حکومتی انتقاد کردند و آقایان [حمید] میرزاده و مهندس طاهری جواب دادند و قرار شد سازمان بازرسی کل کشور، موارد اختلاف را بررسی کند.

---

۱ – ایشان درباره سه تن از وزیرانی که از کابینه کنار گذاشته شدند گفت: «اینها از شخصیت‌های با سابقه نظام هستند و این واقعیت که براساس حق طبیعی مجلس رأی نیاوردند، نباید لطمه‌ای به شخصیت آنها بزند و آنها می‌توانند مشاغل دیگری را در چارچوب نظام به عهده بگیرند. » آقای هاشمی تأکید کرد که نمایندگان مجلس در دادن رأی اعتماد به وزیران اختیار کامل دارند و در این زمینه نباید تبلیغات سوء صورت بگیرد.

۲ – در مجلس سوم آقایان رسول منتجب نیا رئیس کمیسیون امور دفاعی و سید عبدالرسول موسوی و علی محمد سوری لکی نواب رئیس، ذبیح‌الله صفایی و ابوالفضل حسن بیگی منشی و سید مهدی حسینی مخبر بودند. اعضای کمیسیون نیز آقایان علی رحم یوسف‌پور، محمد علی شرعی، فخرالدین حجازی، رسول صدیقی، محمد حسین پودینه، محمود آستانه و حسن روحانی بودند.

۳ – هفته نامه اکونومیست نتیجه رأی گیری مجلس شورای اسلامی را حرکتی به سوی راست گرایی خواند و آن را تقویت کننده موضع آقای هاشمی توصیف کرد. اکونومیست ضمن بررسی آرا مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی کابینه، این آراء را نشانگر سوق به سوی وزرای محبوب آقای هاشمی برشمرد. هفته نامه مزبور در تشریح این مطلب افزود: «دکتر ولایتی که تحصیلکرده آمریکاست، بالاترین آرا را آورده، در حالی که آقای محتشمی که از افراطیون به شمار می‌رود با کمی بیش از حداقل آراء مورد نیاز تأیید شد.» اکونومیست در بخشی دیگر از این مقاله، آقای هاشمی را یک میانه‌رو خوانده و نوشته است: «او از موافقین به اجرا درآمدن سیاست‌های سوسیال دمکرات است و همچنین خواهان بهبود روابط با غرب می‌باشد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۶/۲۷، صفحه ۱۹.

بعد از شام جلسه سران قوا داشتیم. روی سه وزیر به سرعت توافق شد. آقایان دکتر [محمدعلی] نجفی و [غلامعلی] حداد عادل به ترتیب برای وزارت آموزش و پرورش، [علی] شمخانی برای وزارت سپاه و [عیسی] کلانتری برای وزارت کشاورزی. بعد از قهر نخست وزیر و توجه‌های امام وضع بهتر شده. دیر وقت به خانه رسیدم. تا ساعت دوازده شب عفت هم بیدار بود که داروی مهدی را به او بدهد. اخبار دوازده شب [رادیو] را گرفتم و خوابیدیم.

آقای [محمدجواد] لاریجانی اطلاع داد که آخرین مذاکره در ژنو انجام شده و بنا است دکتر ولایتی به ایران برگردد و سپس به نیویورک برود. عراق عقب‌نشینی کرده. قبلاً اعلان کرده بود به نیویورک نمی‌رود.

چهارشنبه ۲۳ شهریور | ۲ صفر ۱۴۰۹   ۱٤ سپتامبر ۱۹۸۸

در اخبار صبح رسانه‌های جهانی، فشار بر عراق سنگین است و از ما به خوبی یاد می‌شود. عراق شرطهایی برای رفتن به نیویورک گذاشته که مهم نیست. در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. فاطی و سعید و سارا برای سفر به کره جنوبی به فرودگاه رفتند. مهدی با صورت باندپیچی برای ثبت نام در ترم جدید به دانشگاه رفت. عفت ظهر مهمان خانم آقای موسوی اردبیلی بود.

عصر خدمت امام رفتم. تنها در بالکن حیاط نشسته بودند و روزنامه می‌خواندند و فواره حوض کوچک حیاط زمزمه‌ای داشت. منظره جالبی بود. درباره ادغام نیروهای مسلح مذاکره شد. با ادغام امکانات پشتیبانی موافقند، اما در حال حاضر ادغام ارتش و سپاه را صلاح نمی‌دانند و به طور جزم می‌گویند جنگ تمام شده و دیگر تجدید نمی‌شود و ادغام را مایه دعوا و نزاع و نارضایتی می‌دانند.

درباره سیاست خارجی، روابط با کشورهای اروپایی منجمله انگلیس را بی مانع می‌دانند و در مورد آمریکا نظرشان این است که نباید آمریکا را در تجدید رابطه مأیوس کرد، ولی به این زودی برای مردم قابل قبول نیست.

پنجشنبه ۲٤ شهریور | ۳ صفر ۱٤۰۹ ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت کار کردم. به جلسه علنی رفتم. تا ساعت ده و نیم در جلسه بودم. دستور کار تمام و جلسه ختم شد. پیش از ظهر اعضای کمیسیون سیاست خارجی مجلس آمدند[1]. خواستار تأیید و حمایت بیشتر بودند. بعد از ناهار رئیس بانک مرکزی آمد. وضع بد ارزی را گفت و برای حل مشکل استمداد نمود. عصر آقای [سید مجید] هدایت‌زاده نامزد وزارت بازرگانی آمد و برنامه خود را توضیح داد.

برای سخنرانی در اجتماع بزرگ فرماندهان سپاه به استادیوم یکصد هزار نفری رفتم. قبل از سخنرانی، با فرماندهان صحبت شد و سپس یک ساعت صحبت کردم. به آنها نسبت به آینده سپاه اطمینان دادم[2].

---

۱ - آقای محمد صادق خلخالی رئیس کمیسیون سیاست خارجی، آقای ارسلان صفایی نایب رئیس اول، آقای مهدی مهدی زاده، نایب رئیس دوم، آقایان محمد رضا رحیمی وغلامعباس زائری، منشی و آقای قربانعلی صالح آبادی، مخبر این کمیسیون بودند. اعضای کمیسیون سیاست خارجی مجلس سوم عبارت بودند از آقایان: سید محمود دعایی، سید سجاد حججی، حسین سبحانی نیا، مصطفی مرسلی، علی اکبر پرورش، ابراهیم اصغر زاده و سعید رجایی خراسانی.

۲ - آقای هاشمی در ادامه کار مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سخنانی به تبیین نقش سپاه در طول ده سال انقلاب اسلامی و نیز تقویت بنیه دفاعی کشور در دوران بازسازی آینده کشور پرداخت و اظهار داشت: « ما همچنان آماده‌ایم تا اگر دشمن قصد جنگ افروزی در جبهه‌ها را داشت، با قوت هر چه تمام‌تر به مقابله با آنان برخیزیم و از سوی دیگر به اقدامات خود در جهت برقراری صلحی پایدار ادامه دهیم.» جانشین فرمانده کل قوا در ادامه افزود: « سپاه به خاطر نقشی که در تحکیم انقلاب از آغاز تاکنون داشته، باید همچنان مورد محبت و حق شناسی نظام قرار گیرد و اگر انقلاب اسلامی ما بخواهد با آرمان‌هایش بماند، باید در حفظ مهمترین پشتوانه انقلاب یعنی سپاه پاسداران ا نقلاب اسلامی بکوشد.» ایشان ضمن قدردانی از زحمات و تلاش‌های نیروهای مسلح و نهادهای کشوری در امر جنگ، اظهار داشت: «با این وجود بازوی واقعی حضرت امام، نهاد سپاه بوده و هست و این حجم عظیم نیروهای انسانی مؤمن متعهد، ایثارگر و رزم دیده سپاه پاسداران، پشتوانه مطمئنی برای نظام و انقلاب می‌باشد.» جانشین فرمانده کل قوا ضمن کذب خواندن شایعه انحلال سپاه و ارتش اظهار داشت: «سپاه بایستی همچنان با هویت اصلی خود محفوظ بماند و کیفیت و کمیت آن باید به صورتی مطلوب به عنوان پشتوانه انقلاب اسلامی در سطح جهان ارتقاء یابد.» آقای هاشمی همچنین ضمن تقدیر از زحمات آقای رفیق دوست وزیر سابق سپاه اظهار داشت: « فعالیت‌های مؤثری که در صنایع نظامی سپاه پاسداران انجام گرفته، اگر همچنان ادامه یافته و تقویت شود، ما را به خودکفایی و استقلال صنعت نظامی قابل عرضه در دنیا می‌رساند.» جانشین فرمانده کل قوا در خاتمه سخنان خود ضمن تأکید بر لزوم جدی گرفتن مسائل فرهنگی و لزوم توجه به مسائل رفاهی پرسنل، اظهار داشت: «شما تاکنون فرصت آموزش‌های انضباطی و نظم نظامی را نداشته‌اید، اما از این پس بایستی به این امر و توجه به سلسله مراتب و دستورات تشکیلاتی همت نموده و طبعاً ایمان شما و نظم نظامی

امروز ظهر با صدای پرواز یک هواپیمای جنگی بر فراز مجلس و شلیک ضد هوایی‌ها بیدار شدم. معلوم شد هواپیما از مسیر خود خارج شده بوده. به [سرتیپ منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] گفتم پیگیری کنند. به خاطر شرایط جنگی، پرواز هواپیماها بر فراز مناطق حساس ممنوع است. اول شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۵ شهریور | ٤ صفر ١٤٠٩ | ١٦ سپتامبر ١٩٨٨

در منزل بودم. کارهای دفتر را آورده بودم، انجام دادم. آقای دکتر ولایتی آمد. گزارش کامل مذاکرات ژنو را داد؛ چیزی بیشتر از آنچه می‌دانستم نداشت. احتمالاً درباره کنف‌شدن عراق در مذاکرات اغراق می‌کنند. درباره سیاست بازسازی و لزوم انجام اقدامات چشمگیر هم مطالبی گفت.

شنبه ۲٦ شهریور | ٥ صفر ١٤٠٩ | ١٧ سپتامبر ١٩٨٨

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده گزارش‌ها خوانده شد. آقای صیاد شیرازی آمد. او خواست مأمور تهیه طرح سازمان نیروهای مسلح شود که گفتم رسماً لازم نیست؛ اگر نظری دارد بیاورد. [آقای محمد رئیسی] نماینده شهرکرد آمد. درباره فعال کردن مجلس صحبت شد و از عدم وجود دستور مهم در مجلس اظهار نگرانی کرد.

آقای [اسحاق] جهانگیری نماینده سابق جیرفت آمد. در خصوص کاندیدا شدن از جیرفت در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس مشورت کرد و گفت شایع است سیاست نظام، میدان دادن به دولتی‌ها و کم اثر کردن مجلس است که گفتم شایعه و دروغ است.

در منطقه دویرج با عراقی‌ها احتمال درگیری وجود دارد. توصیه کردم که سعی کنند

مایه صلابت و استواری هر چه بیشتر سپاه خواهد شد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

جنگ نشود و با تدبیر تمام کنند.

[آقای ذبیح الله صفائی] نماینده اسدآباد آمد و درباره مشکلات مردم اهل حق منطقه گفت که در دستگاه‌های دولتی به کار گرفته نمی‌شوند و به دانشگاه راه نمی‌یابند، با اینکه آنها وفادارند، در جنگ شرکت می‌کنند و شهید زیادی داده‌اند.

مدیر عامل کارخانه پیام آمد. قرار بود کارخانه تحویل سپاه برای صنایع موشکی شود. گفتم اگر امکان اداره کارخانه را دارند، نگه‌دارند.

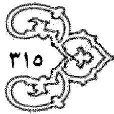
ظهر آقای عبدالله نوری آمد. درباره طرح نیروهای مسلح صحبت شد. نگران است که به نتیجه کار آنها توجه نشود و نظر امام و من را خواست. گفتم اگر طرح قابل قبولی تهیه شود، آن وقت می‌شود با امام به طور جدی صحبت کرد. چون هنوز طرح قابل توجهی نداریم، نمی‌دانیم به امام چه بگوییم.

عصر آقای [گودرز] افتخار جهرمی آمد. گفت در سفر به روسیه، دادستان روسیه از ایشان خواسته است که ایران به آزادی اسرای روسی از دست افغان‌ها کمک کند. مدعی بوده که تعدادی اسیر روسی در ایران نگهداری می‌شوند. گفتم اطلاع از چنین مطلبی ندارم؛ قرار شد تحقیق کنم. نظر ایشان این است که بهتر است در لاهه با آمریکا کنار بیاییم و پرونده‌ها را مختومه کنیم.

تیمسار دادبین فرمانده لشکر ۲۸ سنندج آمد. از فرماندهی نزاجا [=نیروی زمینی ارتش] به خاطر ضعف همکاری شکایت داشت. به جلسه ستاد کل [نیروهای مسلح] رفتم. فرماندهان سپاه و ارتش احضار شده بودند. وضع خطوط بررسی و درباره طرح دفاع بحث شد. اول شب فرمانده سابق سپاه مازندران آمد. او از فرماندهان فعلی سپاه شکایت دارد.

یکشنبه ۲۷ شهریور | ٦ صفر ۱٤۰۹ ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در جلسه علنی تا ده و نیم ماندم. چند مصوبه ساده داشتیم. با آقایان [مهدی] کروبی و [سید محمد] خاتمی درباره اعلان رقم شهدا مذاکره کردیم. دنیا تعداد شهدای ما را خیلی بیشتر از عدد واقعی تصور می‌کنند.



ظهر نمایندگان خوزستان آمدند[1] و درباره بازسازی استان نظراتی ارائه دادند. عصر آقای [محمدباقر] مهدوی کرمانی رئیس دادگاه خانواده آمد. او پیشنهاد داشت که خودشان را امام به عنوان رئیس دیوان عالی کشور و رئیس شورای‌عالی قضایی نصب کنند. از این فکر تعجب کردم، ولی اظهار تعجب نکردم. فکر می‌کند می‌تواند همه مشکلات قضایی را رفع کند.

آقای دکتر [محمدعلی] نجفی نامزد وزارت آموزش و پرورش آمد. برنامه خود را گفت و در کیفیت بحث و مذاکره با خطوط موجود در مجلس پیش از رأی صحبت کرد. [سرتیپ حسین حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد. برای گرفتن ترفیع افرادش اصرار داشت.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی آمد، برای گرفتن اجازه وام ارزی که قرار شده قبلا نخست وزیر بررسی کند و نظر بدهد. دکتر ولایتی و [سیروس] ناصری آمدند. گزارش مذاکرات ژنو را دادند و برای شیوه مذاکره در آینده مشورت کردند.

آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست وزیر] که عازم سفر چین است، آمد. اجازه گرفت که پیشنهاد چین در خصوص دادن یک میلیارد دلار اعتبار برای اجرای طرح‌ها و خرید برای مدت پنج سال با سود دو درصد را قبول کنند، ولی پروژه‌ها را به تصویب جلسه برساند

امروز عصر فرزند کوچک آقای ربانی شیرازی هم آمد. او برای تشکیل یک سازمان حقوقی برای دفاع از حقوق خانواده‌های شهدا مشورت کرد؛ موافقت کردم. پیشنهاد داشت که وابسته به فرماندهی نیروهای مسلح باشد که نپذیرفتم و گفتم وابسته به بنیاد شهید باشد.

---

[1] - نمایندگان استان خوزستان در مجلس سوم عبارت بودند از: آقایان سید رسول موسوی، سید احمد موسوی، محمد سعید انصاری، عبدالحسین مقتدایی، محمد رشیدیان، یوسف محمدی، سید عبدالصاحب طاهری موسوی، سید مصطفی فارغ، حسن رضایی، محمد رضا بهمئی، سیدعباس مولوی، عبدالعظیم خزایی، جاسم جادری، سید محمد کاظم امام موسوی و نورالله عابدی.

دوشنبه ۲۸ شهریور | ۷ صفر ۱٤۰۹ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. مشغله زیادی جز مطالعه نداشتم. عفت همراه خانواده‌های نقاش و مطهری و عراقی برای سفر سوریه به فرودگاه رفتند. خبر دادند آقای علی هاشمی، ابوالزوجه محسن به علت سکته در بخش سی سی یو بیمارستان رفسنجان بستری شده است.

عصر آقای سیروس ناصری [سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل] آمد. درباره مذاکرات ژنو و مسائل اروند رود و تنگه هرمز که عراقی‌ها برای گرفتن امتیاز در آنجا سر سختی دارند، مذاکره شد. ظهر با یاسر، ناهار از آشپزخانه دفتر امام گرفتیم و شب از منزل محسن برایمان شام آوردند.

سه‌شنبه ۲۹ شهریور | ۸ صفر ۱٤۰۹ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۸

در گزارش‌ها مسئله مهمی نیست. از ساعت هشت صبح تا یک و نیم بعد از ظهر در جلسه علنی بودم. فقط برای نماز و ناهار تنفس دادیم. شش وزیر در دستور بودند که به جز [آقای سید مجید هدایت زاده] برای وزارت بازرگانی، بقیه رأی اعتماد گرفتند. بیشترین رأی را آقای [علی] شمخانی وزیر سپاه آورد؛ از ۲۱۸ رای، ۲۰۲ رأی موافق[۱] [۱۰ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع]. به دفترم آمدم[۲].

فرمانده [سپاه] قم و آقای [سید عباس] کوثری آمدند و برای آب قم و طرح‌های

۱ - آقای غلامرضا فروزش نامزد وزارت جهاد سازندگی از مجموع ۲۱۳ رأی، ۱۸۰ رأی موافق، ۱۵ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع آورد. آقای بیژن نامدار زنگنه وزیر پیشنهادی نیرو از مجموع ۱۹۶ رأی، ۱۷۷ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع کسب کرد. آقای عیسی کلانتری وزیر پیشنهادی وزارت کشاورزی از مجموع ۲۱۵ رأی، ۱۷۱ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع به دست آورد و آقای محمد علی نجفی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش از مجموع ۲۰۷ رأی، ۱۲۸ رأی موافق، ۴۹ رأی مخالف و ۳۰ رأی ممتنع کسب نمود.

۲ - رادیو بی بی سی گفت: «مجلس ایران به پنج تن دیگر از اعضای کابینه میرحسین موسوی، نخست وزیر رأی اعتماد داده است و از این میان سمت علی شمخانی، وزیر سپاه پاسداران که بیشترین رأی اعتماد را کسب کرد، اهمیت خاصی دارد. از قرار معلوم او به آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوای مسلح نزدیک است. علی شمخانی قبلاً معاون فرماندهی سپاه پاسداران، یعنی معاون محسن رضایی بود.»

عمرانی شهر استمداد کردند و برای شرکت سپاه در کنترل امور امنیتی شهر. عصر یک نفر برای استمداد جهت مردم بشاگرد آمد. ایشان را به مرکزی در اصفهان حواله نمودم که در همین جهت کار می‌کنند.

سرهنگ ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. او از عدم همکاری وزارت اطلاعات در امور حفاظتی با حفاظت [ارتش] شکایت داشت. [فریدون] مهدی‌نژاد و مسئولان سپاه در رابطه با نهضت فلسطین آمدند و از وضع قیام مردم مسلمان فلسطین گزارش دادند و خواستار سپردن امور نهضت به سپاه بودند؛ اکنون در دست وزارت اطلاعات است، ولی برخی از رهبران نهضت مایلند با اطلاعات نباشند.

هیأت پارلمانی که به ریاست آقای [صادق] خلخالی به مجارستان رفته بودند، گزارش سفر دادند. مطابق معمول از استقبال گرم میزبانان و علاقه آنها به توسعه روابط گفتند. ساعت هفت و نیم به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. قرار شد ائمه جمعه استان‌ها و شهرهای بزرگ در ستادهای تعزیرات حکومتی، به عنوان ناظر از طرف مجمع حضور داشته باشند. بعد از شام به منزل آمدم.

چهارشنبه ۳۰ شهریور | ۹ صفر ۱٤۰۹ — ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۸

پیش از ظهر به مرکز فرماندهی [نیروهای مسلح] در ستاد مشترک رفتم. دفترم را تجهیز کرده‌اند. با اعضای دفتر و آقایان [علی] فلاحیان و تیمسار شهبازی مذاکره کردم. ظهر به مجلس رفتم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. درباره مزایای نمایندگان بحث شد.

سر شب آقای [حسین] کاظم پور اردبیلی آمد. پیشنهاد وزارت برای [محمد جواد] عاصمی‌پور در [وزارت] بازرگانی داشت. آقای [محمد حسین] جلالی [وزیر دفاع] آمد. نظراتی درباره تبلیغات و سیاست خارجی گفت. شب در مجلس ماندم و تا ساعت ده و نیم کار کردم.

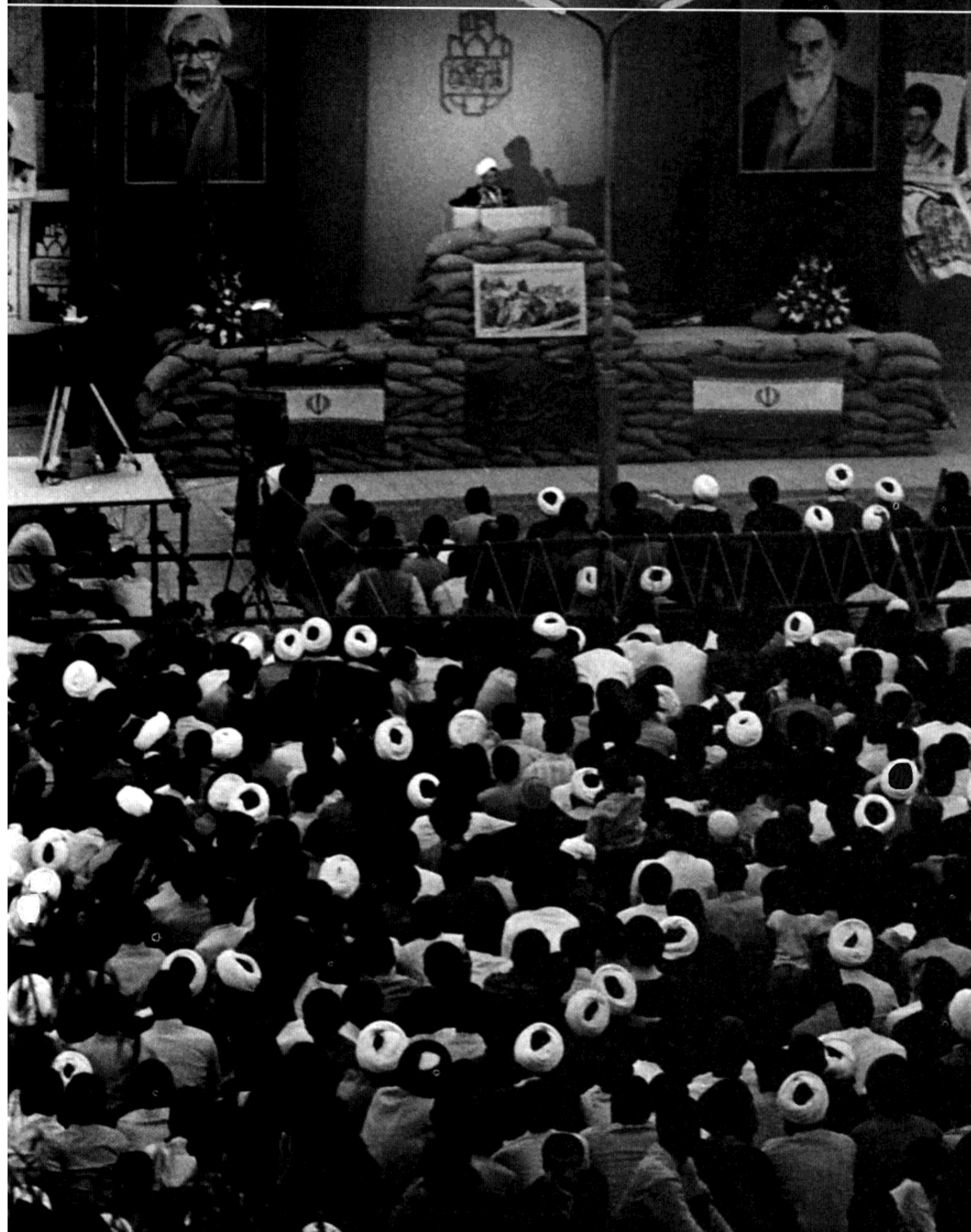
پنجشنبه ۳۱ شهریور | ۱۰ صفر ۱٤۰۹ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح کارهای دفتر انجام شد. تا ساعت ده در جلسه علنی بودم. با جمعی از جانبازان انقلاب که از سفر به جبهه برگشته بودند، در مجلس ملاقات کردم و برای آنها صحبت نمودم[1]. ظهر آقای [سید علی اکبر] محتشمی [وزیر کشور]، برای کسب اجازه در اختیارات واگذار شده به من از سوی امام و گرفتن ترفیع برای سه نفر از شهربانی و ژاندارمری و مشورت درباره سفر به آفریقا آمد. آقای [علی] رازینی برای جلسه مدرسه فیضیه و بودجه اعزام مبلّغ به جبهه آمد.

عصر آقای [علی] شمخانی آمد. درباره برنامه وزارت سپاه و سیاست به کارگیری افراد منتسب به خطوط سیاسی مشورت کرد. بر ساخت موشک و پدافند ش. م. ر [= شیمیایی، موشکی، رادیواکتیو] تأکید کردم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. وقتم را با برنامه های تلویزیون گذراندم. آقای [حسین] شیخ‌الاسلام درباره مطالب نماز جمعه فردا در مورد لبنان، تلفنی تذاکراتی داد و آقای دکتر [محمد علی] نجفی درباره آموزش و پرورش مطالبی گفت.

[1] - ایشان در این دیدار ضمن خیرمقدم به حاضرین، از جانبازی این عزیزان در صحنه‌های مختلف انقلاب تشکر کرد و گفت: «بدون هیچ تردیدی هیچکس دراین نظام به اندازه جانبازان انقلاب و خانواده‌های شهداء حق به گردن انقلاب و جامعه و کشور ندارد. آنچه که تاکنون کشور به شما توجه کرده است، بخش ناچیزی از حقوق شماست. شما سلامتی و بخشی از امکانات بدنی خود را صبورانه تقدیم انقلاب کرده و برای ادامه جانبازی‌هایتان در راه و آرمان خود تأکید می‌کنید. تحقیقاً جانبازان انقلاب شهدای زنده هستند. مسئولان کشور باید حقوق شما را در زمینه تحصیل و زندگی تأمین کنند و راه‌گشای شما برای حضور جدی در جامعه باشند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

مهر ۱۳۶۷



جمعه ۱ مهر ۱۳٦۷ | ۱۱ صفر ۱٤۰۹ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۸

برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. در گزارش‌ها، تصویب محدودیت‌هایی در رابطه آمریکا علیه عراق در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا،[۱] همچنین فتنه در لبنان با تمام شدن دوره ریاست جمهوری [امین] جمیّل و عدم قدرت انتخاب رئیس جمهور جدید[۲] و کشته شدن سران امل[۳] و مطرح شدن به کارگیری اسلحه میکروبی علیه کردهای عراق از طرف صدام آمده است. برای نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم[۴]. ناهار را تنهایی

---

۱ - کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که به موجب آن در صورت اثبات صحت گزارش‌های مربوط به استفاده از گازهای شیمیایی علیه کردها توسط رژیم عراق، مجازات‌هایی علیه این کشور وضع می‌شود. در این قطعنامه، عراق به طور مستقیم به یک قوم کشی علیه اقلیت کُرد متهم نشده است. برخلاف طرح قطعنامه‌ای که قبلاً به تصویب سنای آمریکا رسیده و خواستار مجازات‌های شدیدی علیه بغداد شده بود، قطعنامه مجلس نمایندگان در مرحله نخست، یک رشته تدابیر تدریجی را جهت ممنوعیت فروش سلاح یا تکنولوژی حساس به عراق پیش بینی کرده است.

۲ - امین جمّیل که شش سال رئیس جمهور لبنان بود، در اقدامی خلاف قانون اساسی، میشل عون فرمانده ارتش این کشور را به ریاست دولت انتخاب کرد. طبق قانون اساسی لبنان، پست ریاست جمهوری در اختیار مسیحیان مارونی، نخست وزیری در اختیار مسلمانان سنی مذهب و ریاست مجلس در اختیار شیعیان است.

۳ - روز پنج شنبه ۳۱ شهریور ۶۷، افراد ناشناس «داود داود» رئیس کمیته اجرایی امل، «محمود فقیه» مسئول تشکیلاتی امل و «حسین سبیتی» معاون بخش تشکیلاتی امل را به ضرب گلوله کشتند. حزب الله لبنان، ترور این سه تن را محکوم کرد و عوامل آمریکا و اسرائیل را مسئول این حادثه تروریستی دانست که با هدف تیره ساختن روابط امل و حزب‌الله لبنان، دست به این اقدام زده‌اند.

۴ - در خطبه اول، ادامه بحث استکبار و استضعاف با موضوع ویژگی‌های مستکبران دنبال شد. در خطبه دوم موضوعاتی چون لزوم تقدیر از جانبازان و خانواده‌های شهدا، اهمیت مراکز آموزشی کشور، دخالت غرب در لبنان و تحلیلی درباره هشت سال دفاع مقدس مطرح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: «ما امروز تلفات‌مان را ۱۳۳ هزار شهید اعلام کردیم. چون در آن زمان دروغ گفته بودند، برای اینکه

خوردم. از دفتر امام آوردند.

عصر برای افتتاح نمایشگاه صنایع نظامی ارتش در پارک ملت رفتم[1]. حدود چهار ساعت طول کشید. ساعت هشت و نیم، خسته به خانه آمدم و قدری مطالعه کردم و شام خوردم و خوابیدم. دکتر حمید لاهوتی [همسر فائزه هاشمی] آمد. قرار است فردا برای انجام طرح [پزشکی]، یک ماه به جبهه ایلام برود.



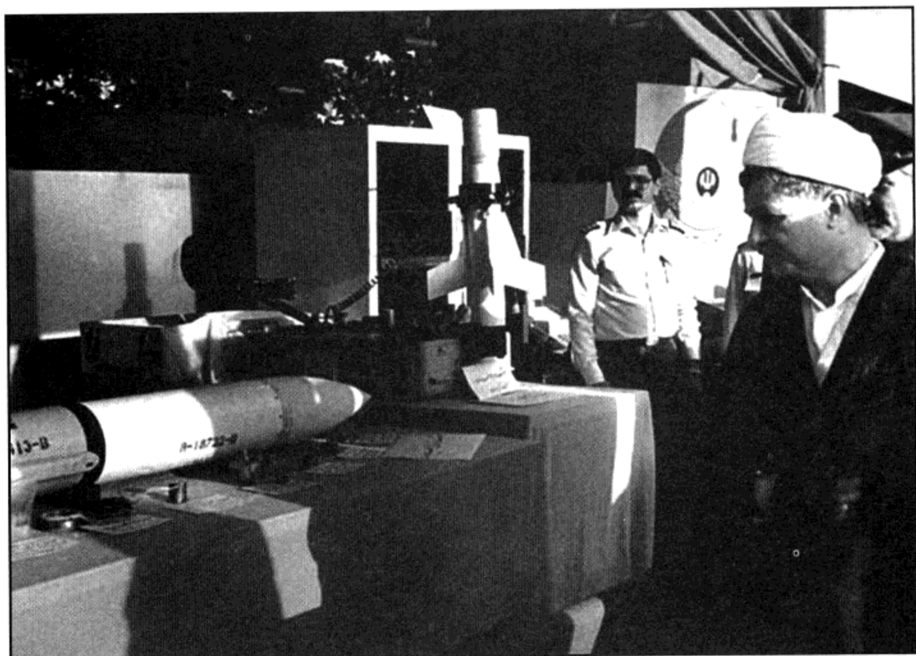
بازدید از نمایشگاه صنایع نظامی ارتش

↩روحیه ما را بشکنند و روحیه عراقی‌ها را بالا ببرند، هر رقمی را که عراق می‌گفت آنها نیز تکرار می‌کردند. مثلاً می‌گفتند ایرانی‌ها ۴۰ هزار یا ۵۰ هزار کشته داده‌اند و همین رقم را ثبت می‌کردند و حالا وقتی که این ارقام را می‌شمارند، می‌بینند که به میلیون هم سر می‌زند و این رقمی که امروز ما می‌گوییم رقم حقیقی است، باز می‌گویند ایرانیان آمارشان را کم می‌گویند. چرا ما باید کم بگوئیم؟ ما باید اینها را از عراق مطالبه بکنیم. وقتی رسیدیم به بند شش، در مورد شهدا و افرادی که از دست دادیم»، علیه شما و عراق ادعا داریم. آیا ما کم می‌گوییم؟ یک چنین ملتی که جنگش را مردمش اداره می‌کردند و برای هر شهیدش در محله حجله می‌بندند و چراغ روشن می‌کنند و مردم مطلع هستند، جنازه یک شهید وقتی به محله‌ای وارد می‌شد، و جنازه‌اش را تشییع می‌کردند، قبرش امروز به صورت یک امامزاده است. مگر ما می‌توانیم کم بگوئیم، اگر هم بخواهیم کم بگوئیم، مگر می‌شود کم گفت.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - در دومین روز از هفته دفاع مقدس، نمایشگاه بزرگ خودکفایی و غنائم ارتش و وزارت دفاع با حضور جانشین فرمانده کل قوا در پارک ملت تهران گشایش یافت. سرتیپ جلالی وزیر دفاع در این مراسم اعلام کرد که در این نمایشگاه اولین موشک زمین به زمین، اولین هواپیما و هلی‌کوپتر ساخت وزارت دفاع به نمایش درآمده است. آقای هاشمی پس از بازدید از نمایشگاه، در سخنان کوتاهی اظهار داشت: «جهاد خودکفایی بسیار خوب کار کرده است که البته ما آثار آن را در طول جنگ شاهد بودیم.» ایشان با قدردانی از فرماندهان و مسئولان ارتش گفت: «مردم با بازدید از این نمایشگاه، از نزدیک با دستاوردهای نیروهای لایق ارتش آشنا خواهند شد.»



بازدید از نمایشگاه صنایع نظامی ارتش جمهوری اسلامی



شنبه ۲ مهر ۱۳۶۷ | ۱۲ صفر ۱۴۰۹ — ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم. اعضای خانه کارگر و شوراهای کارگری آمدند. برای آنها سخنرانی کردم و به سئوالاتشان جواب دادم[1]. ساعت نه صبح به سوی قم حرکت کردیم و ساعت یک ربع به یازده رسیدیم. در مرکز آموزش عالی مربی [عقیدتی سیاسی] سپاه بعد از شنیدن گزارش‌ها، برای فارغ‌التحصیلان صحبت کردم[2]. یکصد و هفتاد نفر بعد از پنج سال و نیم فارغ‌التحصیل شده‌اند.

---

۱ - در این دیدار که جمعی از اعضای شوراهای مرکزی، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کارخانه‌های سراسر کشور حضور داشتند، آقای هاشمی با تأکید بر اهمیت نقش کارگران در سازندگی جوامع در طول تاریخ به مسئولیت‌های کارگران در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «بعد از انقلاب که طلسم دیکتاتوری شاه شکست و طبقه کارگر آزاد شد، گروه‌های به اصطلاح حامی کارگر می‌خواستند از این نیروی آزاد شده استفاده کنند و این قدرت عظیم را موتور محرک اهداف سیاسی خودشان قرار دهند. هوشیاری کارگران مسلمان بعد از انقلاب، واقعاً قابل تحسین است. اگر کارگران فریب می‌خوردند، کارخانجات به تعطیلی کشانده می‌شد و مشکلات عظیم اقتصادی برای کشور به وجود می‌آمد و از این مجرا انقلاب را فلج می‌کردند. اما بچه‌های مسلمان در کارخانه‌ها با نورانیت اسلام توانستند خودشان را حفظ کنند و توانستند توطئه‌های گروهک‌ها را در کارخانه‌ها از بین ببرند و محیط کار را حفظ کنند.» جانشین فرمانده کل قوا با اشاره بر نقش بسیار مفید و مؤثر حضور کارگران در جبهه‌های جنگ تحمیلی گفت: «هر کارخانه تعداد قابل توجهی نیرو به جبهه فرستاد، علاوه بر اینکه بنیه اصلی بسیج را همین کارگرها تشکیل می‌دادند. البته حضور در جنگ عمومی بود و همه اقشار در آن شرکت می‌کردند.» آقای هاشمی در ادامه با اشاره به سازندگی کشور در ابعاد مختلف بعد از جنگ، اظهار داشت: «هنوز مشخص نیست که ما می‌توانیم در آینده نزدیک وارد یک تحول جدی سازندگی بشویم. هنوز برای من که آشنا به مسائل جنگ و جبهه و مذاکرات هستم، خیلی قطعی نیست که جنگ تمام شده است. ما در فکر بازسازی هستیم، اما یک حالت تثبیت شده‌ای وجود ندارد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در مراسم فارغ التحصیلی اولین دوره مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی - سیاسی سپاه پاسداران، ابتدا آقای یحیی رحیم صفوی قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران با اشاره به اطاعت و فرمانبرداری پاسداران از فرامین و رهنمودهای حضرت امام اظهار داشت: «پیوند عزیزان پاسدار با روحانیت ناگسستنی است و اگر خدای ناکرده به این پیوند لطمه‌ای وارد شود، ضربات جبران ناپذیری به انقلاب وارد خواهد شد.» در این مراسم جانشین فرمانده کل قوا خواستار اتخاذ شیوه واحدی برای تعلیم عقیدتی - سیاسی کلیه نیروهای مسلح شد. ایشان اظهار داشت: «باید تمام نیروهای مسلح از سطح سرباز گرفته تا بالاترین رده‌ها تحت تربیت اسلامی قرار گیرند تا بتوان یک نیروی نظامی اسلامی در همه ابعاد، در اختیار داشت.» آقای هاشمی همچنین با اشاره به شیوه تعلیم نیروهای نظامی در دنیا، وجود انضباط در نیروهای مسلح را مورد تأکید قرار داد و گفت: «باید با بحث سیاسی و عقیدتی صحیح و قانع کننده، نیروهای مسلح را تربیت کرد و تنها با چنین روشی است که نیروی نظامی مورد نظر اسلام را ساخته‌ایم. اسلام سرباز هوشیار، مؤمن و انتخاب‌گر می‌خواهد و اگر بخواهیم با پرورش اسلامی و سرباز مسلمان سروکار داشته باشیم، باید از عهده بحث‌های سیاسی برآئیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

ظهر به منزل آیت‌الله منتظری رفتم. با ایشان مذاکراتی داشتم. گله‌هایی دارند و چند روزی است که به علت آنفلونزا مریض‌اند. ناهار را با ایشان خوردیم. کمی استراحت کردم و باز هم مذاکره. سپس جمعی از دفتر تبلیغات اسلامی قم آمدند. انتقاداتی در مورد سپاه و اعزام مبلغ داشتند.

به مدرسه فیضیه رفتم. جمعی از اعضای جامعه مدرسین و شورای مدیریت [حوزه علمیه قم] جمع بودند. درباره حدود حضور روحانیت در جنگ مذاکره کردیم. سپس به صحن مدرسه آمدیم. جلسه با شکوهی برای شهدای روحانیت بود. برای آنها سخنرانی کردم[1]. از اینکه در آمار شهدا، شهدای روحانیت ذکر نشده بود، ناراحت‌اند. می‌گویند دو هزار و ۱۵۰ شهید و ۲۹۵ مفقود دادند. بعد از سخنرانی به سوی تهران حرکت کردیم. ساعت هفت و نیم به مجلس رسیدم. نماز خواندم و گزارش‌ها را مرور کردم[2].

---

۱ - آقای هاشمی با شرکت در مراسم تجلیل از شهدای روحانیت در مدرسه فیضیه قم، طی سخنانی از نقش ارزنده این عزیزان در طول هشت سال دفاع مقدس قدردانی کرد. در این مراسم که آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان، اعضای شورای مدیریت و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جمعی از مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی، فضلا، طلاب، مقامات محلی و قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند، جانشین فرمانده کل قوا اوضاع جاری کشور را تشریح کرد و بر لزوم حضور فعال مردم و روحانیت در همه صحنه‌ها تأکید ورزید. آقای هاشمی افزود: « وضع کنونی، حالت نه جنگ و نه صلح را دارد. درست است که هنوز صلح نشده ولی چون ما به طور جدی از نظر رهبری دنبال صلح هستیم، شروع کننده جنگ نخواهیم بود، مگر اینکه مجبور شویم. آنهایی که محرک اصلی جنگ بودند، هنوز نسبت به این حرکت ایران دل خوشی ندارند. شاید واقعیت‌ها آنها را وادار کرده که حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند، اما این بدان معنا نیست که خصومت خود را نسبت به انقلاب اسلامی که دنبال حرف جدیدی در روابط انسان‌هاست، کنار بگذارند. این ساده انگاری است که خیال کنیم دشمنان ما خصومت را کنار گذاشته‌اند و با ما خوب خواهند بود.» آقای هاشمی در ادامه سخنان خود، ضمن تجلیل از ایثارگری و فداکاری‌های روحانیت درطول جنگ تحمیلی، گفت: « روحانیون که پیشتاز انقلاب بوده و در جنگ و در سایر شئون، مسئولیت درجه اول را به عهده گرفته است و تاکنون بیش از ۹۶ هزار تن از این عزیزان به جبهه‌ها اعزام شده‌اند، باید همچنان حضور خود را در جبهه و در پشت جبهه حفظ کنند و مشوق حضور مردم در جبهه ها باشند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - رادیو اسرائیل در پی سخنرانی ایشان در تفسیری گفت: « حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از روحانیون خواست، با توجه به رویدادهای جدید جامعه ایران، در مسائل فقه اسلامی تجدید نظر کنند. جانشین فرمانده کل قوا که روز گذشته در قم سخن می‌گفت افزود: مقطع کنونی انقلاب برای حکومت اسلامی سرنوشت ساز است و رژیم باید آمادگی خود را حفظ کند. حجت‌الاسلام رفسنجانی که در مراسم روز روحانیت در هفته موسوم به «دفاع مقدس» سخنرانی می‌کرد درباره آنچه که وی رویدادهای جدید نامید، توضیحی نداد و روشن نساخت کدام یک از مسائل فقهی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. به گفته وی حتی اگر صلح نهایی با عراق برقرار نگردد، ایران به هیچ‌وجه حاضر نیست جنگ را از سر بگیرد، مگر آنکه عراق دوباره خاک ایران را مورد حمله قرار دهد و ایرانیان ناچار شوند از سرزمین خود دفاع کنند.»



سخنرانی در مدرسه فیضیه قم مراسم بزرگداشت شهدای روحانیت

به جلسه سران قوا در دفتر رئیس جمهور رفتم. دکتر ولایتی هم بود. او درباره مذاکرات صلح مشورت کرد و تصمیم گیری شد. قرار شد برای آزادی گروگان هندی با کارت سبز [= گرین کارت] آمریکایی و استاد دانشگاه آمریکایی در بیروت کمک شود. برای ملاقات با وزیر خارجه انگلیس و فرانسه در نیویورک به خواست آنها، اجازه خواست.

آقای خامنه‌ای، خواستِ رئیس جمهور الجزایر را مطرح کردند[۱]. او خواسته است که سران کشورهای نفت خیز منجمله عراق، در یک جلسه مشکل قیمت و سهمیه را حل کنند؛ قرار شد فعلاً جواب بدهیم با وضعی که عراق در مذاکرات دارد، چنین اجتماعی موفق نخواهد بود. برای خواب به مجلس رفتم.

۱ - کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و در پی آن، حذف یارانه‌های دولتی در الجزایر، باعث بروز شورش‌های مردمی به ویژه توسط دانش آموزان شده بود. شورشیان سه هتل بزرگ را غارت کردند و برخوردهای خشونت آمیز باعث کشته شدن حداقل ۷ نفر از مردم شد. دولت، مدارس و دانشگاه‌ها را برای مدت نامحدودی تعطیل کرد و شاذلی بن جدید رئیس جمهور این کشور، وعده انجام اصلاحات اقتصادی داد.

یکشنبه ۳ مهر ۱۳٦۷ | ۱۳ صفر ۱٤۰۹   ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۸

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح، در دفتر کارهای دیروز را انجام دادم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم ماندم. در تنفس برای گردان جعفر طیّار از خوزستان که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[1]. ظهر آقای [محی الدین] فاضل هرندی [نماینده آیت‌الله منتظری در دانشگاه‌ها] آمد. درباره نصیحت کردن به نمایندگان برای تعدیل مواضع توصیه داشت و برای دانشجویانمان در خارج پیام خواست.

عصر فرماندهان تیپ امام صادق(ع) آمدند. آنها خواستار استقلال آن از سپاه بودند؛ نپذیرفتم. نگران آینده خود هستند و برای حفظ یگان پیشنهادهایی داشتند و از سختگیری شورای مدیریت [حوزه علمیه قم] در مورد طلبه‌های رزمنده در خصوص غیبت از درس گله داشتند.

آقای رحمانی از حفاظت اطلاعات ارتش آمد و انتقاداتی به شیوه و محتوای کارها داشت. آقای [محمدحسن] اختری سفیرمان در سوریه آمد. برنامه سفر زیارتی عفت و همراهان را گفت. اوضاع لبنان و قتل سران امل را توضیح داد و از نیاز سوریه به کمک گفت. آقای [واعظ] طبسی از مشهد تلفن کردند و از عدم همکاری کمیته در مورد حفاظت گفتند. به آقای سراج [الدین موسوی فرمانده کمیته‌های انقلاب اسلامی] گفتم که همکاری کنند. تا ساعت هشت شب در مجلس کار کردم. به خانه آمدم. یاسر و مهدی نبودند. تنهایی شام خوردم.

---

۱ – در بخشی از این سخنرانی آمده است: «رزمندگان خوزستان و مردم این استان حق زیادی بر گردن انقلاب دارند و این مردم نشان دادند که به دین اسلام بیش از سایر عوامل اهمیت می‌دهند. مردم خوزستان طی هشت سال جنگ، امتحان بزرگی از ایستادگی و مقاومت را پشت سر گذاشته‌اند و فداکاری‌های مردم استان‌های جنگی در دوران جنگ، در تاریخ کشور ماندگار خواهد بود. اگر مردم شهرهای مرزی در مقابل این شرارت‌ها و از جمله بمباران‌ها و موشک‌پرانی‌های عراق مقاومت نمی‌کردند، در جنگ پیشرفتی حاصل نمی‌شد. گردان جعفر طیار اهواز در همه صحنه‌های مخاطره‌انگیز جنگ در خوزستان حضور داشته است و این مایه افتخار و سرافرازی این گردان و تاریخ ایران به‌شمار می‌آید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دوشنبه ٤ مهر ١٣٦٧ | ١٤ صفر ١٤٠٩ ٢٦ سپتامبر ١٩٨٨

در منزل بودم. مهدی به دانشگاه و یاسر به مدرسه رفتند و من تنها ماندم. محسن برای امور موشکی و کارها آمد. وقتم را به استراحت و مطالعه گذراندم. ظهر عفت از سوریه تلفن کرد. حال خودش و همراهانش خوب است؛ گفت چهارشنبه می‌آید.

شب احمدآقا آمد. درباره بازسازی و وزارت بازرگانی و سفر به قم مذاکره کردیم. با آیت‌الله خامنه‌ای درباره نامزدی آقای [سید محمد] غرضی برای وزارت بازرگانی تلفنی صحبت کردم. قرار شد با ایشان صحبت کنند. غذا از بیرون کباب کوبیده و برگ خریدیم و با مهدی و یاسر خوردیم. خبر دادند دو هواپیمای اف - ۵ که از مانور [عملیات بیت‌المقدس در پارک ارم تهران] به تبریز برمی‌گشته‌اند، در ارتفاعات اسالم [در استان گیلان]، سقوط کرده و خلبان‌ها کشته شده‌اند.

سه‌شنبه ٥ مهر ١٣٦٧ | ١٥ صفر ١٤٠٩ ٢٧ سپتامبر ١٩٨٨

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در خبرها و گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم ماندم. دستور مهمی نداشتیم. انتخاب دو نامزد برای کمیسیون احزاب داشتیم که [آقای ابراهیم اصغرزاده] یکی از کاندیداهای تندروها با اکثریت نسبی ضعیف رأی آورد: ۹۴ رأی از ۱۹۸ و نامزد مستقل‌ها، آقای [سید کاظم] میرولد با ۱۴۰ رأی.

ظهر اعضای کمیسیون ارشاد [و هنر اسلامی] آمدند. درباره تأسیس سازمان ملی جوانان و توسعه کتابخانه‌ها و تبلیغات خارجی مذاکره و مشورت کردند[1]. عصر تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم. به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. در مورد مجازات

---

[1] - اعضای کمیسیون هنر و ارشاد اسلامی در مجلس سوم عبارت بودند از آقایان: سید محمد علی شهیدی (رئیس)، سید عبدالواحد موسوی لاری (نایب رئیس اول)، قاسم معماری (نائب رئیس دوم)، حسین اربابی فرد و علی محمد بابا خاص (منشی)، کامل خیرخواه (مخبر) و آقایان محمد حسین چهرگانی انزابی، سید عبدالصاحب طاهری موسوی، مفید کیائی نژاد و محمود نیازی (اعضای کمیسیون).

ضدانقلاب مذاکره شد. امام تصمیم را به مجمع محول کرده‌اند. قرار شد مطابق معمول، قبل از حوادث اخیر عمل شود. وزارت اطلاعات چنین نظری داشت و قضات اوین، نظر تندتری داشتند.

سازمان بازرسی کل کشور، نتیجه بررسی عملکرد سازمان تعزیرات حکومتی را آورد که منفی است. جلسه سران قوا در محضر امام داشتیم. از امام سئوالی در مورد محدوده اختیارات شورای مرجع تصمیمات بازسازی شد و تقاضا کردیم که احمدآقا هم عضو شورا باشد[1]. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم. مهدی و یاسر هنوز بیدار بودند.



جلسه سران قوا در حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی

---

۱ - حضرت امام (ره) در ارتباط با سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور، پیام مبسوطی را خطاب به ملت ایران صادر کردند و در ۹ بند، سیاست‌های مورد نظر را تعیین نمودند. در این پیام که متن کامل آن در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است، در پاسخ به تقاضای همکاری سران قوا در خصوص حاج احمد آقا خمینی، چنین مرقوم فرمودند: «احمد به صورت آزاد بهتر می‌تواند به اسلام و مردم کشور خدمت نماید و تنها در جلسات شرکت می‌کند تا گزارش مسائل، سریع‌تر به اینجانب برسد.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

چهارشنبه ٦ مهر ۱۳٦۷ | ١٦ صفر ۱٤۰۹ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۸

در منزل ماندم. گفته بودند که عفت ساعت نه ونیم صبح می‌رسد. بعداً معلوم شد که ساعت نه و نیم شب می‌آید. نقاش برای رنگ کردن درها آمده بود. وقتم با مطالعه و قدم زدن در حیاط گذشت.

عصر آقای محسن رضائی آمد و درباره پادگان سازی برای سپاه و تقویت نیروی هوایی و استفاده از سرباز و درجات و حقوق سپاه صحبت شد. آقای جواد لاریجانی، درباره کیفیت اعلان روابط با انگلیس، تلفنی مشورت کرد. احمدآقا هم گفت آقای ولایتی از ژنو در این خصوص استفسار کرده است. محسن تا دیر وقت بود. شام خوردیم. او تحلیلی از فعالیت های تحقیقاتی و صنعتی صنایع نظامی مطرح کرد و از لزوم حمایت مدیران مربوطه [علی] قیامتیون، [فریدون] قاسم‌زاده، جعفری، [منوچهر] منطقی و... گفت.



حاج سید احمد خمینی در کنار حضرت امام (ره)

پنجشنبه ۷ مهر ۱۳٦۷ | ۱۷ صفر ۱٤۰۹ ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۸

بعد از نماز و صبحانه به مجلس رفتم. عفت هم به مجلس آمد؛ چون نقاش در منزل کار می‌کند و منزل کثیف است و خودش هم کسالت دارد. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماندم. این روزها دستور مهمی نداریم و مجلس کم رونق است. آقای [محسن] رفیق دوست آمد و درباره شغل مشاورت وزارت سپاه مشورت کرد. او از حذف شدنش از وزارت ناراحت است؛ می‌خواهند ایشان را رئیس ستاد [کل سپاه] کنند که قبول ندارد.

ظهر آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست وزیر] آمد. گزارش سفر به چین را داد؛ راضی است. قرار شده با اعتبار چین، چند پروژه عمرانی در ایران اجرا شود. عصر آقای [علی اصغر] صامت مدیرعامل دخانیات آمد. از نیاز به ماشین‌های مدرن‌تر برای تولید سیگار کم نیکوتین گفت.

فرماندهان لشکر ۱۷ علی بن‌ابی طالب(ع) قم آمدند. از تصمیم تقسیم پادگانشان بین لشکرهای قم و اراک ناراضی‌اند. آقای غزالی از مشهد آمد و راجع به سمت مسئولیت امور فرهنگی بنیاد شهید خراسان مشورت کرد و از ضعف مدیریت بنیاد انتقاد نمود.

آقای [علی] یونسی آمد و راجع به تقویت حفاظت اطلاعات ارتش مذاکره شد. او از تلاش وزارت اطلاعات برای دخالت در امور حفاظت‌های نظامی انتقاد داشت. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

جمعه ۸ مهر ۱۳٦۷ | ۱۸ صفر ۱٤۰۹ ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۸

در خانه بودم و کار زیادی نداشتم. وقتم را به مطالعه و استراحت گذراندم. ظهر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و درباره تدارک بنیاد تاریخ و تأسیس بانک اطلاعات تاریخی مذاکره شد.

شنبه ۹ مهر ۱۳٦۷ | ۱۹ صفر ۱٤۰۹ ۱ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت نه و نیم گزارش‌ها را دیدم. آقای [مهدی] کروبی [نایب رئیس مجلس] آمد. درباره سیاست بازسازی مذاکره کردیم. از دولت و عملکرد آنها ناراضی است و با افراطی‌ها مخالفت دارد. او بر سیاست بازتر اقتصادی و رفاهی تأکید دارد.

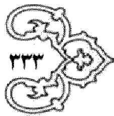
آقای رئیس‌زاده معاون روابط عمومی [مجلس] آمد و تحلیلی در خصوص تعارض‌های خطی ارائه داد و از من می خواست که بر هر دو خط توجه داشته باشم. آقای [علی] کامیار نماینده ارومیه آمد. برای صادرات سیب ارومیه استمداد کرد و از رفتار استاندار آذربایجان غربی انتقاد داشت.

آقای شمخانی و اعضای عملیات ستاد [کل نیروهای مسلح] آمدند و در خصوص تشکیل کمیسیون مشترک نظامی ایران و عراق در مرز، برای بررسی موارد اختلاف و مبادله سه اسیر عراقی و ده اسیر خودی که اخیراً به اسارت دو طرف آمده‌اند، نظر خواستند؛ موافقت کردم. دیشب هم سرتیپ جمالی در این خصوص استفسار کرد و هر دو گفتند که عراقی‌ها برای موافقت با خاموش کردن سه چاه نفت ایرانی که در منطقه دهلران مشتعل است، شرط می کنند که آب کانال سلمان را که در منطقه کوشک می ریزد، ببندیم. گفتم بررسی کنند که چه هدفی از این شرط دارند.

ظهر آقای [محمدکاظم] خوانساری سفیرمان در لیبی آمد. گزارشی از مذاکرات دکتر ولایتی و سرهنگ قذافی داد. خبر داد که قذافی برای همکاری در بازسازی ایران اظهار تمایل کرده و برای پذیرش سفارت در کویت که به او پیشنهاد شده - به شرط اینکه بتواند از لیبی بیاید - مشورت کرد. قرار بود به لبنان برود که آمادگی ندارد.

عصر تا ساعت چهارونیم در دفترم کار کردم. مهدی آمد. از بی انضباطی محافظان گله داشت و عفت از رفتار سوء در فرودگاه با خانواده نقاش شهید داده عراقی، تلفنی انتقاد داشت. قرار شد رسیدگی کنم.

ساعت چهار و نیم با اتومبیل به سوی قم حرکت کردم. ساعت شش و نیم وارد منزل آقای منتظری شدم. آقایان خامنه‌ای و نخست وزیر قبلاً رسیده بودند و احمدآقا و آقای



موسوی اردبیلی بعداً رسیدند. بعد از نماز به مذاکره نشستیم. بیشتر به استماع نظرات و انتقادات آقای منتظری گذشت. کسالت دارند. گاهی هم مذاکرات به تلخی می گرائید. شام از بیرون آوردند. ساعت نه و نیم به سوی تهران حرکت کردیم. ساعت حدود یک بامداد به تهران رسیدیم. خیلی خسته و کوفته در مجلس خوابیدم. چون صبح فردا جلسه داشتیم و محافظان هم خسته بودند.

یکشنبه ۱۰ مهر ۱۳٦۷ | ۲۰ صفر ۱٤۰۹ | ۲ اکتبر ۱۹۸۸

بعد از نماز و کمی ورزش، گزارش ها را خواندم[۱]. رادیو فارسی صدای آمریکا خبر داد که مذاکرات ایران و عراق در نیویورک بعد از چند ساعت به دوشنبه موکول شد و علامتی از پیشرفت دیده نشده است. به دفتر رئیس جمهور رفتم و از ساعت هفت تا هشت و نیم، ضمن صرف صبحانه درباره وزارت بازرگانی، روزنامه جمهوری اسلامی، ارتش، سپاه و ریاست جمهوری آینده مذاکره کردیم.

از ساعت هشت و نیم صبح تا دوازده ظهر با حضور سران قوا و نخست وزیر و [مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه و رئیس ستاد بازسازی مذاکره داشتیم. سیاست بازسازی مخروبه های جنگ و وضع اقتصادی کشور و نیازهای بازسازی، منابع تأمین ارز و ریال و برنامه‌ها تشریح شد و آقای خامنه‌ای مسائل مهم، سیاست‌های کلی و

---

۱ - روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «به گفته مقامات ایرانی و کارشناسان مسائل حوزه خلیج‌فارس، ایران از سیاست‌های تهاجمی که مشخصه رفتارهایش در چند سال گذشته بود، فاصله می گیرد و در سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش به جانب اعتدال و میانه‌روی گرایش می‌یابد. دو ماه پس از قبول آتش بس به نظر می‌رسد که مقامات جمهوری اسلامی همچنان سرسختانه خود را به پایان بخشیدن جنگ خلیج فارس، بازسازی اقتصاد داخلی و ایجاد پلی ارتباطی و همکاری با اروپای غربی متعهد می‌دانند. مقامات ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که دوره تشویق متحدان رادیکال همانند میلیشیاهای لبنان به گروگان گیری گذشته است. از تابستان تاکنون هفت تن از شهروندان فرانسه و آلمان غربی که در بیروت در اسارت تروریست‌های طرفدار ایران بودند، آزاد شدند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی قدرتمندترین سیاستمرد رژیم، رئیس مجلس اسلامی و جانشین فرمانده کل قوا عامل اجرایی تمامی این سیاست‌هاست و تاکنون از حمایت فعالانه و دعای خیر آیت الله خمینی برخوردار بوده است. در حوزه خلیج فارس، مقام‌های کویتی وسعودی می گویند برای کاستن از شدت و حدت جاه‌طلبی‌هایی که ممکن است متعاقب جنگی که عراق خود را فاتح آن می‌داند در بغداد ایجاد شود، آماده‌اند روابطی شبیه درک استراتژیک قدیمی‌شان با محمدرضا شاه پهلوی، با ایران داشته باشند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۷/۴، صفحه ۱۸.

جهت‌گیری های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را مطرح کردند و قرار شد بعد از آن که امام حدود اختیارات شورا را تعیین کردند، مورد به مورد به بحث گذاشته شود.

بعد از نماز و ناهار، من و آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی تا ساعت دو بعد از ظهر، درباره قانون اساسی و رهبری و ضرورت [تدوین] متمم برای قانون اساسی در زمان امام با پیشنهاد امام و رفراندم مذاکره کردیم.

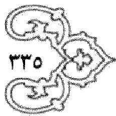
تا ساعت چهار استراحت کردم. سپس آقای مقدم آمد. درباره طرح مسجد جامع تهران توضیحاتی داد و پس از مذاکره، تصمیمات لازم اتخاذ شد. قرار شد برای حل مشکلات حقوقی زمین‌ها از امام استمداد شود. نزدیک غروب به منزل آمدم. گزارش‌ها را آوردند، خواندم؛ مطلب مهمی ندارد.

دوشنبه ۱۱ مهر ۱۳٦۷ | ۲۱ صفر ۱٤۰۹ ۱۳اکتبر ۱۹۸۸

در گزارش ها مطلب مهمی نداشتیم. دکتر [عباسعلی] زالی آمد. در مورد کار آینده و برنامه‌هایش در گذشته صحبت کرد و خواست که تا آخر سال در منزل [سازمانی] مجلس بماند. آقای محمد رضا بهشتی آمد و برای کار تاریخ خاورمیانه استمداد کرد. از مقالات اخیر روزنامه جمهوری اسلامی و مبادرت روزنامه به درج خبر استعفای نخست وزیر انتقاد کردم.

آقای [سید محمد علی] ابطحی آمد. از عزلش از سمت ریاست رادیو [= صدای جمهوری اسلامی] توسط اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما] گله داشت و اظهار همراهی برای سیاست جاری کشور نمود؛ دلجویی کردم. عصر تیمسار [مصطفی] ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد. درباره امور ارتش و حفاظت گزارش داد و مشورت کرد.

[سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] برای گرفتن ترفیع برای فرماندهان مورد نظرش آمد. [سرهنگ محمد سهرابی] فرمانده ژاندارمری آمد. گزارش کار ژاندارمری را داد و از کمک‌های من تشکر داشت. آقای [علی] شمس اردکانی آمد و



گزارش کار کنفرانس خلع سلاح ژنو را داد و درباره بازسازی نظر داد.

جواب نامه امام به سئوال سران قوا و پیام و راهنمایی مهم ایشان منتشر شد که در این زمان مفید و موثر است. سیاست جاری مسئولان را تأیید کردند[1]. سر شب دکتر [محمد علی] هادی [نجف آبادی] آمد. درباره سیاست جاری و شغل آینده‌اش مذاکره کردیم.

شب به ستاد مرکزی سپاه رفتم و در مراسم عزاداری سپاه شرکت کردم و برای آنها سخنرانی نمودم. آقای [جواد] اقبالی پور آمد. برای تمشیت امور محافظان مذاکره کردیم. دیر وقت به خانه رسیدم.

سه‌شنبه ۱۲ مهر ۱۳٦۷ | ۲۲ صفر ۱٤۰۹ — ۱٤ اکتبر ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. پیش از دستور درباره پیام امام صحبت کردم؛ مضمون پیام برای مسائل جاری و اختلافات فکری آرام بخش است[2].

---

۱ – رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر، در نامه‌ای به محضر امام خمینی(ره) درباره بازسازی کشور مطالبی مطرح کردند و درخواست نمودند که آقای حاج سیداحمد خمینی هم به شورای عالی بازسازی متشکل از رؤسای قوه مقننه، قضائیه و مجریه و نخست وزیر افزوده شود تا از این طریق همین شورا، بتوانند پیوسته با رهبر انقلاب تماس داشته باشند و هم از نظرات حاج سید احمد آقا استفاده کنند. امام خمینی(ره) در جواب مفصلی که به نامه سران قوا دادند، ابتدا بر سیاست نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی تأکید کرده و در خصوص بازسازی مطالبی را خاطر نشان کردند. متن کامل پاسخ حضرت امام در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ – در بخشی از این نطق آمده است: « تأکید شدید امام بر آرمان‌های انقلاب و وفاداری به شعار استقلال و طرد دست‌های مرموز سلطه‌گر از کشور، جزء قله‌های این پیام است و تأکید مجدد ایشان بر نظارت دقیق و همیشگی برسیاست جاری کشور و تأیید و تصویب راهی که مسئولان کشور در پیش گرفته‌اند، هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی، می‌تواند بسیاری از ابهاماتی که به دست شیاطین در جامعه ما ممکن بوده در این مقطع پخش بشود و نفوذ بکند و ایجاد دلهره بکند، تأثیر شایانی داشته باشد. تأکید بر نقش مردم در بازسازی و معین کردن خطوط اساسی بازسازی و توجه به حساس‌ترین قشر جامعه در آینده و امروز که خانواده‌های شهدا و آسیب دیدگان جنگ هستند و راهنمایی در این زمینه، تأکید بر شکستن طلسم انحصار در امکانات کشور در اختیار قشر مرفه و به کار گرفتن نیروهای عامه مردم در خدمت اداره کشور. از طرف نمایندگان مجلس خدمت امام عرض می‌کنم که مجلس شورای اسلامی از نهادهایی است که گوش به فرمان هدایت‌های امام است و امیدوار است وظایف خودش را در پیاده کردن آرمان‌های رهبر انقلاب که همان آرمان‌های ملت و مردم ما هست، صلاحیت خودش را نشان بدهد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق های پیش از دستور سال ۱۳٦۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

ساعت ده و نیم به دفترم آمدم. ظهر [آقای سید عبدالله حسینی] نماینده بندرلنگه، همراه شخصی از اهالی جزیره کیش آمد. از فشارهای سازمان عمران کیش نسبت به مردم در مالکیت زمین و مغازه و استفاده از اسکله شکایت داشت. به آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست وزیر] گفتم رسیدگی کنند.

عصر فرماندهان کمیته آمدند. گزارش کار دادند و برای آینده کمیته و مسئولیت در کردستان و مبارزه با مواد مخدر و فساد اخلاقی نظر خواهی کردند. آقای علی جنتی برای انجام کارهای دفتر فرماندهی کل قوا و امضای احکام ترفیع‌های نظامیان آمد.

آقای مصطفی تاج‌زاده معاون وزیر ارشاد آمد. گزارش وضع وابسته‌های فرهنگی خارج از کشور را گفت. درباره سیاست تبلیغاتی در خصوص عربستان سعودی مشورت کرد. معتقد است جنگ تبلیغات شیعه و سنی است و مجموعاً به مصلحت نیست و عربستان با پول و خرج بیشتر و رابطه العالم الاسلامی نقش زیادی دارد.

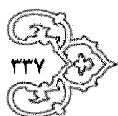
شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در دستور بود که ناتمام ماند. بعد از جلسه با آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی، درباره وزیر بازرگانی بحث کردیم، اما به جایی نرسیدیم. نظر من این است که یکی از همان افرادی را که نخست وزیر معرفی کرده است، بپذیریم و حمایتش کنیم و سیاست را تعیین نماییم؛ آیت‌الله خامنه‌ای قبول ندارند. دیر وقت به خانه رسیدم[1].

چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳٦۷ | ۲۳ صفر ۱٤۰۹ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. آقایان [محمد جواد] لاریجانی و [سیروس] ناصری

---

[1] - رادیو اسرائیل در این روز گفت: «رهبر حکومت اسلامی در پیامی که برای [آیت‌الله احمد آذری قمی] سردبیر روزنامه رسالت فرستاده، به وی تذکراتی در مورد دامن نزدن به اختلاف نظر موجود بین سران حکومت داده است. آیت الله آذری قمی در مقاله‌هایی که اخیراً در روزنامه رسالت به چاپ رسانده، علیه برخی از دست اندرکاران جمهوری اسلامی جبهه‌گیری کرده بود. از هنگام برقراری آتش بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، روزنامه‌های تهران به عرصه تاخت و تاز گروه‌های مختلف علیه جناح‌های رقیب تبدیل شده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز امروز در مجلس شورای اسلامی به طور ضمنی از مسئولان روزنامه‌ها خواست به وحدت کشور توجه کرده و از چاپ مقاله‌هایی که مانع از ایجاد وحدت در جامعه است بپرهیزند.» منبع: نشریه «گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی»، ۱۳۶۷/۷/۱۲، صفحه ۶.



آمدند. شرح مذاکرات با انگلیس را دادند و راجع به متن بیانیه مشترک مشورت کردند؛ انگلیس از ایران و انقلاب به نحوی تحسین کند و از قطع روابط از سوی طرفین اظهار ناخشنودی نماید. راجع به مذاکرات نیویورک گفتند پیشرفت نداشته. طرح دبیرکل خوب است ولی عراق نه رد کرده و نه قبول و گفته جواب را در ژنو، پس از نظر خواهی از بغداد می دهد. دکتر ولایتی گفته با انتقال مذاکرات به ژنو موافق نیست. گفتم ما نباید روی ماندن در نیویورک اصرار کنیم. این خواست دبیرکل است و خودش می داند و عراق؛ آنها با هم اختلاف داشته باشند، به ما صدمه‌ای وارد نمی‌شود.

اعضای کمیسیون برنامه و بودجه آمدند. از احتمال عدم توجه به نظرات کمیسیون در سیاست بازسازی اظهار نگرانی کردند. دلگرمی به آنها دادم و گفتم بنا داریم به نظرات کارشناسی ارج بگذاریم و قرار شد پیشنهادهای ستاد بازسازی را برای بررسی و اظهار نظر به کمیسیون بدهیم.

ظهر آقای [علیرضا] افشار همراه با اعضای کمیسیون جذب مشمولان آمدند. گفتند در آستانه انقضای مهلت معرفی مشمولان فراری و غایب، مراجعه مشمولان خیلی زیاد است و ماهانه بیش از شصت هزار نفر نمی توانیم جذب کنیم. قرار شد نوبت بزنند و برای ماه‌های آینده دفترچه بدهند و چند روزی هم مهلت را اضافه کنند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت که تا اول شب طول کشید. بحث درباره چارت ادارات مجلس بود. سر شب آقای انصاریان مدیرعامل رادیوی ایران در لبنان آمد و گزارش داد. گفت حدود یکصد کارمند و ۱۴ ساعت برنامه دارند. از کمی بودجه و ضعف تدارک و معلوم نبودن سیاست تبلیغات و از تداخل امور گله داشت؛ تحت اداره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. تا ساعت نه کار کردم و به خانه آمدم.

پنجشنبه ١٤ مهر ١٣٦٧ | ٢٤ صفر ١٤٠٩ ٦ اکتبر ١٩٨٨

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها خبر از پیشرفت مختصری در مذاکرات صلح در نیویورک بود. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماندم. با نمایندگان ایلام و باختران قرار سفر به دو استان گذاشته شد. در تنفس با مسئولان تدارکات سپاه، ملاقات و

صحبت کردم. هیأت رئیسه جلسه کوتاهی داشت که درباره منازل سازمانی نمایندگان صحبت شد.

ظهر عده زیادی از خانواده های شهدای مناطق مرزی غرب کشور که مهاجر جنگ هم هستند، از گیلان‌غرب و سومار و نفت‌شهر و قصرشیرین و روستاها آمدند؛ دیر رسیده بودند و خسته و کوفته بودند. صحبت کوتاهی برایشان کردم[۱].

اعضای هیأت بین‌المجالس آمدند. گزارش سفر به بلغارستان را دادند؛ راضی‌اند. وضع ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مراکز جهانی بهتر است. عصر ورزشکاران معلول و جانباز برای شرکت در مسابقات پارا المپیک عازم سئول بودند. ۳۵ ورزشکار می روند. برای آنها صحبت کردم و تشویق نمودم[۲]. از شصت کشور شرکت می کنند.

آقای عرب سفیر جدید ایران در عمان برای مشورت و خداحافظی آمد. با پاسداران درباره تقسیم وظایف و تهیه مسکن صحبت کردم. آقای سعیدالذاکرین برای مذاکره درباره تشریفات و مهمان نوازی رئیس مجلس سیرالئون آمد که به دعوت من به ایران

---

۱ - در این دیدار که جمعی از خانواده‌های معظم شهدای قصر شیرین، گیلان غرب، سرپل ذهاب، نفت شهر و خسروی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: « تحقیقاً شما خانواده‌های شهدای مناطق آسیب دیده که جزو مهاجرین جنگ محسوب می‌شوید، بیشترین رنج را در دوران جنگ برده‌اید و بیشترین حق را به گردن این کشور و انقلاب دارید. اگر خانواده شهدا فقط در راه خدا شهید دادند، شما بازماندگان شهدا، علاوه بر آن از شهرهای خودتان نیز آواره شده‌اید. ما بعد از هشت سال تحمل مرارت و دفاع، امروز پیش خداوند و در تاریخ سربلندیم که همه امکانات شیطانی دنیا که دست به دست هم داده بودند تا این مردم و این انقلاب را بشکنند، کاری نتوانستند انجام دهند و مردم سربلند با حفظ انقلاب و کشورشان، توانستند مقاومت کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این دیدار که اعضای تیم‌های ملی اعزامی به هشتمین دوره المپیک معلولین به همراه مربیان و سرپرستان این تیم‌ها حضور داشتند، ابتدا آقای سرخیل رئیس فدراسیون جانبازان و معلولین، گزارشی از برنامه‌های این فدراسیون و برنامه تیم‌های اعزامی ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی گفت: « ما خوشحالیم از دیدار با شما برادرانی که عازم مسافرت خوب ورزشی هستید. نشاطی که در روحیه برادران جانباز و معلول دیده می‌شود، مایه امیدواری است و اینها از اثرات ورزش است. شما گروه قابل توجهی هستید. پخش اخبار موفقیت‌های شما در صحنه‌های بین‌المللی، می‌تواند روی جانبازان و معلولین جامعه ما اثر جدی داشته باشد. ای کاش که تمام جانبازان و معلولین در ورزش‌ها به طور جدی شرکت می‌کردند. ما باید بخش ورزشی جانبازان عزیز را تقویت کنیم. اصولاً کل ورزش همین طور است. در جامعه اسلامی ما ورزش هنوز حداقل موقعیت خود را پیدا نکرده است. جانبازان و معلولین گل‌های سرسبد ما هستند. اینها جوانانی هستند که خود را به خاطر خدا و انقلاب به این وضع درآورده‌اند و از این اقدامی که کرده‌اند راضی هستند. چون آن چیزی که بدست آورده‌اند، خیلی بیشتر از آن چیزی است که از دست داده‌اند و اینها همه پیش خداوند اجر خصوصی دارند. بنابراین شماها همه باید از لحاظ روحی محکم و قوی باشید. چون خداوند چیزی را از شما دریغ نخواهد کرد. صدمه دیدن برای انسان‌های خوب یک امتحان الهی است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

می‌آید. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و به منزل آمدم.

جمعه ۱۵ مهر ۱۳٦۷ | ۲۵ صفر ۱٤۰۹ ۷ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت چهار صبح، [آقای ویلیام کنته] رئیس مجلس سیرالئون وارد تهران شد. مهمان من است، ولی چون بعد از نیمه شب وارد شده، معمول نیست استقبال رسمی شود. خودم نرفتم. وزارت خارجه هم نظرش همین است. وقتم به استراحت و مطالعه درباره فقه حکومتی گذشت.

عصر خانم عباسی آمد و برای جامعه زینب کمک خواست و بر توجه بیشتر به وضع اخلاق و امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی تأکید داشت. همسر شهید بهشتی آمد و برای گرفتن سند منزلی که از بنیاد شهید خریده است، استمداد کرد.

شب محسن آمد. شرحی از کارهای خودش و ساخت کارخانه تولید انبوه موشک سوخت جامد با سوخت htpb و لزوم انتقال تکنولوژی از چین داد. از آقای سعیدالذاکرین درباره کیفیت پذیرایی از رئیس مجلس سیرالئون سئوال کردم. گفت تا ظهر استراحت کرده‌اند و عصر به بهشت زهرا رفته‌اند و بعضاً پول برای خرید خواسته‌اند.

شنبه ۱٦ مهر ۱۳٦۷ | ۲٦ صفر ۱٤۰۹ ۸ اکتبر ۱۹۸۸

به آیت‌الله خامنه‌ای پیشنهاد کردم که در مورد مصوبه مجمع تشخیص مصلحت در خصوص جلوگیری از رفتن کودکان بدون همراهی والدین به خارج از کشور، تذکری به مجریان بدهند که مانع رفتن کودکان همراه والدین نشوند، گرچه روادید مستقل داشته باشند.

ساعت هشت و نیم به مجلس رفتم. در گزارش‌ها قیام مردم الجزایر علیه حزب حاکم مهم است که منجر به حکومت نظامی و کشتار مردم شده است. بهانه قیام، سیاست‌های جدید اقتصادی است و شبیه آن هم در بعضی از بخش‌های کشور یوگسلاوی هم بوده

است.

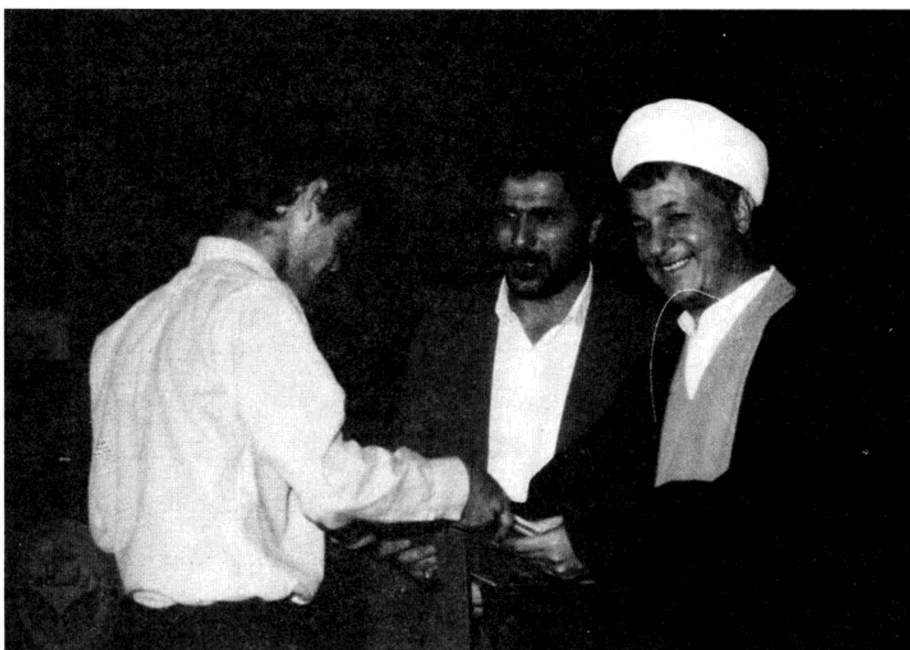
رئیس مجلس سیرالئون که به دعوت من به ایران آمده، برای ملاقات به مجلس آمد. تا پای آسانسور در طبقه پایین به استقبال رفتم. مذاکره طولانی و دوستانه‌ای داشتیم. خودش و یک نفر از همراهانش مسیحی و سه نفر از همراهانش مسلمان اند. همگی نماینده مجلس اند. دو مسیحی جثه بزرگی دارند و مسلمانان اندام و هیکل های متعادل؛ به شوخی این را به آنها گفتم. خواست که چند مینی بوس برای نقل و انتقال نمایندگان به مجلس سیرالئون هدیه کنیم و نیز برای مجلسشان که بر فراز تپه ای ساخته شده و حصار ندارد، حصاری بکشیم؛ گفتم تقاضای مهمی نیست. مذاکرات در حدود تعارفات معمولی و سیاسی بود.

آقای ریاضی آمد. گزارش آمدن هیأت عالیرتبه نظامی چین را داد که با دست باز برای فروش نیازهای تسلیحاتی آمده اند و درباره ادامه کار کمیسیون نظارت خریدهای نظامی مشورت کرد. عصر آقای طباطبائی مسئول تبلیغات و انتشارات سپاه آمد. از فرمانده سپاه انتقاد داشت و درباره ماندن در سپاه سئوال کرد؛ در حالی که می خواهند او را از کارهای اجرایی و فرهنگی به سمت مشاورت منتقل کنند. گفتم بماند.

آقای [علی اکبر] ناطق نوری آمد. درباره مواضع خط خودشان در مجلس و مسائل جاری مشورت کرد. او اصرار بر پذیرش ریاست جمهوری از سوی من نمود. شب جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. دکتر ولایتی گزارش مذاکرات نیویورک را داد. مدعی است در جلسات خصوصی با دبیرکل، پیشرفت در کار مشاهده شده، گرچه عراق قبول ندارد. به وزیر نفت اجازه داده شد که در حاشیه کمیته اوپک، با وزیر نفت عربستان سعودی برای اصلاح روابط مذاکره نماید. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۷ | ۲۷ صفر ۱۴۰۹ ۹ اکتبر ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل درباره نقش مصلحت در احکام فقهی مطالعه کردم. برای مراسم شروع سال تحصیلی و دادن جوایز دانشجویان ممتاز و نفرهای اول به دانشگاه تهران رفتم.



اهدای جوایز در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها



تا ظهر طول کشید. سخنرانی داشتم[۱].

تیمسار [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] برای گرفتن اجازه مذاکره با هیأت چینی برای گرفتن هواپیما و گزارش کارهای نیروی هوایی آمد. [آقای علی شمخانی] وزیر سپاه برای مشورت در همین موضوع و مسائل جاری و جبهه و نیروهای میانجی سازمان ملل و گزارش کار وزارت سپاه آمد.

عصر مسئولان ادارات بنیاد مهاجران جنگ آمدند. گزارش کار دادند. برای آنها صحبت کردم. وزیر نفت و معاونان آمدند. برنامه بازسازی را توضیح دادند و ده میلیارد دلار برای پنج سال آینده، اعتبار ارزی برای کامل کردن طرح های نفت و گاز و پتروشیمی خواستند. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به منزل آمدم. مهدی امروز برای بازدید از صنایع الکترونیکی نظامی به شیراز رفته بود و آخر شب آمد. او در رشته مهندسی برق و مخابرات دانشگاه تهران تحصیل می کند.

دوشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۷ | ۲۸ صفر ۱۴۰۹   ۱۰ اکتبر ۱۹۸۸

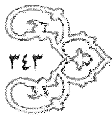
در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. بیشتر وقتم به مطالعه درباره بازسازی‌های [اروپا] پس از جنگ جهانی دوم گذشت.به آقای شمخانی در مورد مذاکره با چینی ها تذکری دادم و آقای حسنی سعدی [فرمانده نیروی زمینی ارتش] برای نصب دو فرمانده برای لشکرها و تیپ‌ها، تلفنی اجازه گرفت. عصر جمعی از بستگان آمدند.

سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۷ | ۲۹ صفر ۱۴۰۹   ۱۱ اکتبر ۱۹۸۸

به مجلس رفتیم. تا ساعت هشت صبح در دفتر کار کردم. پس از افتتاح جلسه علنی، برای

---

۱ - آقای هاشمی در این سخنرانی بر اولویت نقش دانشگاه‌ها در بازسازی کشور جهت حفظ استقلال تأکید کرد و خواستار بازنگری و نقادی در شیوه‌های اجرایی مدیریت در سال‌های اخیر شد. ایشان همچنین بر لزوم جذب هر چه بیشتر نیروهای علاقمند به همکاری با جمهوری اسلامی تأکید کرد. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود تصریح نمود: «نباید با شعارهای جوان پسندانه، سدی در راه حرکت بازسازی کشور ایجاد کرد. شعارها همه مقدس هستند، اما نباید با این شعارها، مردم و خود را فریب داد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



شرکت در جلسه بررسی سیاست بازسازی به دفتر ریاست جمهوری رفتم که تا ظهر طول کشید. تصویب شد که ساخت مسکن در شهرهای مخروبه تقدم داشته باشد و در مورد قصرشیرین و مهران، برای اسکان مردم و انتقال شهر به نقطه مناسب تر بررسی شود. درباره توجه به خانواده‌های شهدا و معلولان جنگ مذاکره شد.

دکتر ولایتی آمد. خبر آورد که مأمور سفارت عراق در آلمان به سفارتخانه ما رفته و پیشنهاد کرده که نماینده‌ای از سوی من برای مذاکره خصوصی به دور از چشم سازمان ملل با آنها انتخاب شود. مشورت کردیم؛ احتمال اینکه عراق با این حیله می خواهد خود را از فشار جهانی که از طریق سازمان ملل و شورای امنیت بر او وارد می شود، نجات دهد، کم نیست. لذا قرار شد یکی از مأموران وزارت خارجه برود و ضمن ابراز جدی بودن ما در صلح بگوید که مذاکرات در همان روال کار قطعنامه و زیر نظر دبیرکل باید انجام شود.

بعد از ناهار، احمدآقا گزارش ملاقات با آیت الله منتظری را داد که ایشان خواسته بقیه اعضای گروه سید مهدی [هاشمی قهدریجانی] از زندان آزاد شوند. قرار شد نظر جلسه را احمدآقا به امام منتقل کنند. برای استراحت به مجلس رفتم. عصر آقای سخائی سفیرمان از دوبی آمد و هدایای مردم آنجا [شامل چهارصد گرم طلا و بیش از یک میلیون ریال وجه نقد] برای جنگ را آورد و گفت دوبی خواستار توسعه تجارت در جهت صدور میوه‌جات ایران در مقابل اجناس و کالاهای صنعتی وارداتی خودش است.

آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] آمد و برای ادامه مذاکره با فرانسه اجازه خواست به آنجا سفر کند. گفتم که سران قوا موافق نیستند، چون در دوره مذاکرات قبلی خوب عمل نشده و فرانسوی‌ها به تعهدات خود عمل نکردند.

نخست وزیر و [سید حسن] فیروزآبادی و [بهزاد] نبوی و [مسعود روغنی] زنجانی آمدند. برای سیاست خریدهای تسلیحاتی و تقویت بیمه رفاهی و خطوط پدافندی و تشکیلات ارتش و سپاه و مسائل ستاد کل مذاکره کردیم. شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. درباره لایحه مدارس غیر دولتی و مبارزه با موادمخدر بحث شد و به گزارش سازمان بازرسی کل کشور در مورد اثر تعزیرات حکومتی گوش دادیم.

بعد از شام برای استراحت به مجلس رفتم. چون محافظان برای برنامه فردا، کار زیادی داشتند، خواستند که به منزل نروم تا فرصت تنظیم امور فردا را داشته باشند

چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳٦۷ | ۳۰ صفر ۱٤۰۹ — ۱۲ اکتبر ۱۹۸۸

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. به محوطه دانشکده افسری در جوار مجلس رفتم. با چهار هلی کوپتر همراه با جمعی از سپاهیان و ارتشیان به اطراف کرج برای بازدید از مراکز موشکی و هلی کوپتری سپاه در سایت آموزشی موشک چینی زمین به هوا رفتم. از کلاس های آموزشی و سالن مونتاژ و کارگاهای تعمیراتی و سپس از سایت عملیات خیبر بازدید کردیم و مانور عملیاتی را دیدیم و گزارش فرمانده پدافند نیروی هوایی سپاه را شنیدیم.

به پایگاه هلی‌کوپتری فتح در کنار پردیس کرج رفتیم. خلبان‌ها تحت آموزش بودند. از هلی‌کوپترهای جدید آموزشی بازدید کردیم و در مراسم فارغ‌التحصیلی خلبانان شرکت کردیم. پس از استماع گزارش، برای آنها صحبت کردم[1]. نماز و ناهار و سپس حرکت به تهران؛ ساعت دو و ربع به مجلس رسیدم. استراحت کردم و سپس به جلسه هیأت رئیسه رفتم.

برای شرکت در مراسم شام که به افتخار مهمانان سیرالئونی می دادم، به نارنجستان رفتیم. سئوالات زیادی از اوضاع سیرالئون کردم. خیلی عقب مانده اند. نه صنعتی دارند و نه تولید قابل توجهی؛ فقیرند. رسماً تقاضا کردند که بیست هزار دلار به آنها بدهیم که در مراجعت در انگلستان برای امور خود خرج کنند. حقوق آنها قرار بوده به لندن حواله شود، به لندن نرسیده است؛ پس از مشورت با هیأت رئیسه و وزارت خارجه، موافقت کردیم. بعد از پایان مراسم با دکتر ولایتی درباره مسائل سیاسی و سیاست خارجی، منجمله روابط با

---

۱ - در مراسم پایانی اولین دوره آموزش خلبانی هلی‌کوپترگواهینامه خلبانان برگزیده که ۱۹ ماه دوره آموزش را طی کرده‌اند، اعطاء شد. در این مراسم آقای هاشمی گفت: «حرکت‌های ثمربخش تربیت خلبان از برکات جنگ است. ابتکاراتی که در به کارگیری موشک‌های زمین به هوا و تغییر سیستم این موشک‌ها به موشک زمین به زمین انجام شده، از کارهایی است که اگر به نقطه مطلوب برسد، کشور از نظر دفاعی اسلحه خوبی خواهد داشت. وقتی برای دنیا روشن شد که جمهوری اسلامی به یک قدرت قابل قبول در زمینه سیستم‌های موشکی در سطح منطقه تبدیل شده است، قبول کرد که نمی‌توان با آن جنگید و به همین دلیل از ختم جنگ استقبال کرد. امیدوارم که حرکت ساخت سیستم‌های موشکی متوقف نشود و الگوی مناسبی برای کشورهای در حال توسعه باشد. این کاری است که باید هم در زمان صلح هم در حالت جنگ صورت گیرد و کارهای انجام شده نیز باید بدون وقفه ادامه یابد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

انگلیس صحبت کردیم.

پنجشنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۷ | ۱ ربیع‌الاول ۱۴۰۹ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت چهار و نیم صبح بیدار شدم. پس از نماز برای بدرقه رئیس مجلس سیرالئون به فرودگاه رفتم. او بیانیه‌ای قرائت کرد و مصاحبه کوتاهی با هر دو نفرمان انجام شد. تا صحن فرودگاه بدرقه کردم. با هما پرواز کردند.

به مجلس رفتم و تا ساعت هشت صبح گزارش‌ها را خواندم و تا ساعت یازده در جلسه علنی بودم. بسیجی‌های شهریار آمده بودند که برایشان صحبت کردم[1]. برای نصب روکش دندان به دندان پزشکی رفتم.

ظهر آقای [محمد رضا] رحیمی نماینده قروه آمد و پیشنهادهایی در جهت توجه بیشتر به مردم کردستان برای جلب اعتماد آنها داشت. [آقای عین الله علاء] نماینده علی‌آبادکتول آمد. سکته کرده و به او توصیه شده برای معالجه به خارج برود. عصر فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش وضع جبهه‌ها را داد و کمک خواست. درباره اصلاح خطوط پدافند مذاکره شد.

آقای [محمود] واعظی آمد و جریان مذاکره با انگلیس در ژنو برای تجدید روابط را گفت. گفتم روی بیانیه و زمان اعلان اصراری نشود و با استغناء برخورد شود.

آقای [سید محمد باقر] حکیم آمد و برای رفتن به سوریه مشورت کرد. سوری‌ها از

---

۱ - آقای هاشمی در دیدار با گروهی از خواهران و برادران بسیجی، سپاهی و جهادگر منطقه شهریار گفت: «بسیج یک حرکت مردمی و عمیق بود که در سخت‌ترین شرایط وارد میدان شد و مشکل‌ترین مسئله کشور را که جنگ بود، حل کرد. حضور بسیج در جنگ به مثابه اسطوره‌ای مقدس باقی خواهد ماند. جوانانی که از جنگ فارغ و وارد زندگی عادی خود شده‌اند، هرگز دوران شیرین حماسه آفرینی‌های گذشته را فراموش نخواهند کرد. نسلی که جهاد و فداکاری کرده و در راه خداوند قربانی داده است، به انقلاب خویش وفادار خواهد ماند. جنگ با همه تلخی‌ها و خرابی‌هایی که به همراه داشت، آثار ذیقیمتی را در ابعاد مختلف در تاریخ باقی خواهد گذاشت و آینده کشور را تا مدت‌های طولانی تحت تأثیر قرار خواهد داد. اینکه جمهوری اسلامی به تنهایی از انقلابش دفاع و آن را حفظ کرده، از آثار مستقیم جنگ است. ما از برکات این دوران پر نشیب و فراز باید استفاده بریم و به هر شکل که می‌توانیم تاریخ خودمان را حفظ کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

مجلس اعلا دعوت کرده‌اند که برای مبارزه علیه بعث عراق، در سوریه هم مرکز دایر کنند؛ موافقت کردم. قرار شد تا امضای میثاق مشترک با سایر نیروهای معارض عراقی پیش بروند و با استقرار نیروهای رزمنده در سوریه موافقت کنند، ولی مایل نیستند پول از سوریه بگیرند و می‌خواهند که ایران مخارج را بدهد. موافقت کردم. می‌خواهند که نیروهای مسلح عراقی که به سوریه می روند، از کنترل سپاهیان خارج و تحت امر مجلس اعلا در آیند.

[آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی آمد. گزارش سفر به آلمان را داد و برای تأمین منابع ارزی استمداد کرد. به خانه آمدم. بستگان مهمان‌مان بودند.

جمعه ۲۲ مهر ۱۳۶۷ | ۲ ربیع‌الاول ۱۴۰۹ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه [تهران] رفتیم[1]. عفت برای تشییع جنازه خانم علم الهدی رفت، که امروز مرحوم شده است[2]. دکتر ولایتی برای تذکر مطالبی راجع به سیاست خارجی تلفن کرد که در جهت تلطیف روابط با کشورهای جنوب خلیج فارس[3] و مسائل لبنان، در نماز جمعه

---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث استضعاف و استکبار با موضوع ویژگی‌های مستکبران دنبال شد و درباره صفت انتقاد ناپذیری مستکبران و برکات انتقاد سازنده و حق بشریت نسبت به مدیران جوامع، با استفاده از آیات الهی و احادیث و روایات، مطالبی بیان شد. خطبه دوم نماز به بحث بازسازی کشور اختصاص یافت و خطیب جمعه با اعلام اینکه کشور وارد مرحله جدیدی به نام «سازندگی» شده است، درباره امکانات داخلی بازسازی، موانع و مشکلات بازسازی شامل موانع بین‌المللی، مرفهان بی‌درد و مزاحمت مزدوران اجانب، تحلیل جامعی به نمازگزاران جمعه تهران ارائه کرد. برای مطالعه متن کامل خطبه‌ها ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - بانوی مکرمه حاجیه بی بی علم الهدی، مادر شهید حسین علم الهدی فرمانده سپاه هویزه بود. او از جمله زنان مبارز و انقلابی بود که پس از شهادت فرزندش، بیشتر وقت خود را با مادران و همسران شهدا می‌گذرانید و به آنان درس مقاومت می‌آموخت. بانو علم الهدی چند ساعت پس از پایان جلسه‌ای برای خانواده شهدا درگذشت و پیکر او در کنار فرزندش در هویزه مدفون گردید.

۳ - خبرگزاری رویتر گفت: «اکبر هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که تهران بایستی با کشورهای عرب خلیج[فارس] برای افزایش قیمت‌های نفت همکاری کند. رفسنجانی که در مراسم نماز جمعه در تهران سخن می‌گفت، «شعارهای بچه گانه» برای کشورهای عرب حوزه خلیج [فارس] را که منجر به انشعاب سیاست‌های نفت که باعث تضعیف قیمت‌ها و کاهش درآمدهای کلیه کشورهای تولید کننده نفت می‌گردد، مورد نکوهش قرار داد. وی گفت: «هیچ دلیلی وجود ندارد که با کشورهای خلیج‌فارس منازعه کنیم.» وی با این سئوال که ←

بگوییم.

شب جلسه سران قوا در دفتر امام داشتیم. نخست وزیر نبود. درباره سیاست بازسازی، منتقل کردن امور مجروحان جنگ و کمیته امداد امام و اصلاح قانون اساسی مذاکره شد. امام هم در جلسه شرکت کردند. حالشان خوب است و اجازه دادند بررسی کنیم و پیشنهادهای اصلاحی تهیه شود. درباره کمیسیون مشاور در امور بازسازی مذاکره کردیم و افرادی را در نظر گرفتیم[1].

شنبه ۲۳ مهر ۱۳٦۷ | ۳ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ۱۵ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت هشت صبح به فرودگاه مهرآباد رفتیم و سپس همراه نمایندگان استان

↩چرا باید هر بشکه نفت ۱۱ دلار فروخته شود، گفت: «اگر به منازعه خود ادامه دهیم، وضع به همین شکل باقی خواهد ماند.» این آشتی جویانه‌ترین موضع تهران نسبت به کشورهای حوزه خلیج [فارس] است. ایران، تولید کنندگان نفت در حوزه خلیج [فارس] را به لبریز کردن بازار و پایین آوردن قیمت‌ها به حدود نصف ۱۸ دلار برای هر بشکه که بوسیله اوپک تعیین شده، متهم کرده است. رفسنجانی گفت: «با کنار نهادن دشمنی‌ها و قبول یک سیاست مشترک نفتی، ایران و تولید کنندگان نفت خلیج [فارس] می‌توانند اوضاع را که فقط به نفع کشورهای صنعتی است، تغییر دهند.» پادشاه عربستان سعودی هنگامی که از عدم حضور ایران در اجلاس وزرای اطلاعات کشورهای اسلامی در جده ابراز تأسف کرد، شاخه زیتونی را به تهران نشان داد. تهران و چندین کشور عرب خلیج [فارس] به دنبال آتش بس بیستم ماه اوت [۲۹ مرداد] در جنگ ایران و عراق، بهبود روابط خود را شروع کرده‌اند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۷/۲۲، صفحه ۵.

۱ - خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران به وجود موانعی در ایران اشاره کرد که می‌تواند مانع از اجرای طرح‌های بازسازی در کشور شوند و گفت این موانع عمدتاً از جانب متعصبان، مقدس مآب‌ها و ... است. وی هنگام نماز جمعه خاطرنشان کرد که ایران برای اجرای طرح‌های بازسازی، منابع طبیعی و انسانی فراوانی در اختیار دارد. با وجود این وی گفت متعصبان و مقدس مآبان و عمال خود فروخته به شرق و غرب با طرح شعارهای تفرقه‌افکنانه می‌خواهند مانع از حرکت به سوی بازسازی شوند. [امام] خمینی از مسئولان ایران خواست تا وحدت خود را حفظ کنند. آقای رفسنجانی سپس ضمن اشاره به ثروت‌های طبیعی ایران به‌ویژه نفت و مواد معدنی گفت: «برای ایران امکان دارد تا از بیست میلیارد متر مکعب آب شیرین اروند رود در زمینه طرح‌های هیدروالکتریک استفاده کند.» در پایان آقای رفسنجانی ضمن تأکید بر نیروی چهارصد هزار دانشجو افزود که دهها هزار ایرانی فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های خارجی می‌توانند به کشور بازگردند و در طرح‌های بازسازی شرکت کنند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۷/۲۳ صفحه ۵.

باختران[=کرمانشاه] و ایلام[1] با شاهین[2] به باختران پرواز کردیم. در فرودگاه استقبال رسمی بود. باران شدیدی هم می بارید. به محل استانداری رفتیم. مسئولان شهر و ائمه جمعه و جماعات جمع شدند. برای آنها صحبت کردم[3].

بعد از نماز و ناهار و استراحت به ورزشگاه شهید بهشتی رفتیم[4]. در مراسم سالگرد شهید اشرفی اصفهانی، در اجتماع مردم صحبت کردم؛ نظامی‌ها زیاد بودند. به خاطر باران، اجتماع در سالن سر پوشیده برگزار شد که گنجایش مردم حاضر را نداشت و مشکلاتی به بار آورد. اول شب با ائمه جمعه جلسه و مذاکره داشتیم. از همدان، لرستان، هرمزگان و ایلام هم آمده بودند.

بعد از شام با مدیران کل استان و شورای تأمین جلسه داشتیم. درباره آب، برق، امنیت، کشاورزی، بازسازی، بهداشت و ... گزارش دادند و استمداد کردند و ائمه جمعه مشکل

---

۱ - نمایندگان استان کرمانشاه در مجلس سوم آقایان سید جلیل سید زاده، محمد اشرفی اصفهانی، ارسلان صفائی پور، علی محمد بابا خامسی، محمد حسین جهانگیری، نعمت الله اسدی، علیرضا رستمی و وحید احمدی و نمایندگان استان ایلام نیز علی کرم محمدیان و سید محمد حائری بودند.

۲ - شاهین، هواپیمای ویژه بوینگ ۷۰۷ بود که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، برای محمدرضا شاه پهلوی تهیه شده بود و نام پرنده شاهین را بر آن گذاشته بودند.

۳ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «سیاست بازسازی غرب کشور باید آمیزه‌ای از سیاست‌های دفاعی و عمرانی باشد و همان نیروهایی که نقش مؤثری در دفاع از کشور ایفا کرده‌اند، در ایام بازسازی نیز باید با ارائه تجارب خود در امر سازندگی و عمران منطقه فعال باشند.» ایشان با اشاره به اینکه ممکن است با پایان قطعی جنگ دوره جدیدی در شیوه مدیریت کشور به وجود آید، گفت: « همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور نیازها و طرح‌های بازسازی خود را به ستاد بازسازی کشور ارائه داده‌اند و در برنامه‌ای که قرار است در این زمینه تدوین شود، مناطق جنگ زده باید در اولویت قرار گیرند. جوانان بسیجی که در طول جنگ نقش مهمی ایفا کرده‌اند، باید در تعاونی‌های تولیدی، خدماتی و سایر فعالیت‌های بازسازی کشور به کار گرفته شوند و مطمئناً این جوانان همان طور که در طول جنگ عمل کرده‌اند، در طول برنامه بازسازی کشور نیز امکانات موجود را به نحو مؤثر و مفید مورد استفاده قرار خواهند داد. واحدهای مهندسی و فنی ارتش و سپاه پاسداران نیز در صورت مشخص شدن سرنوشت جنگ، همچنان که تاکنون نقش دفاع از کشور را داشته‌اند، بایستی نقش مؤثری در بازسازی کشور داشته باشند و تجارب مؤثر خود را در این مسیر قرار دهند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۴ - آقای هاشمی در مراسم سالروز شهادت چهارمین شهید محراب، مقاومت کنونی ملت ایران در مقابل توطئه‌های عظیم جهانی را زیباتر و گویاتر از شرایط صدر اسلام دانست و گفت: «مردم ما به تنهایی استکبار جهانی را شکست. با مطالعه تاریخ می‌توان پی برد که ابرقدرت‌ها علیه هیچ انقلابی مانند انقلاب اسلامی ایران، سرمایه گذاری نکرده‌اند. ولی امروز ایران به عنوان حقیقت و آرمان‌های اسلام نزد مردم دنیا شناخته می‌شود.» ایشان با اشاره به شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی گفت: «این شهید بزرگ به راستی منشاء نور و خیر در منطقه است و بر ما حق بزرگی دارد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

سربازان متاهل و کمبود کالاهای اساسی را چاره جویی کردند. دیر وقت به استراحت پرداختم.

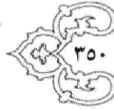
یکشنبه ۲٤ مهر ۱۳٦۷ | ٤ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ | ۱٦ اکتبر ۱۹۸۸

قرار بود در محل هوانیروز باختران با ارتشی‌ها جلسه داشته باشیم و سپس با هلی‌کوپتر به ایلام برویم. دیشب رعد و برق و تگرگ زیادی بود. امروز هوا بارانی است و هلی کوپترها نمی‌توانند پرواز کنند. ناچار برنامه‌های باختران را حذف کردیم و با اتومبیل به سوی ایلام حرکت کردیم؛ باران می‌بارید.

در جاده اسلام‌آباد، هنوز بقایای ماشین‌های سوخته منافقین که در عملیات مرصاد منهدم شده، به جای مانده است. آقای [علی کرم] محمدیان نماینده ایلام در اتومبیل من بود و توضیحات لازم را می داد. در شهر ایوان غرب که مردم در خیابان جلو ماشین را گرفتند، پیاده شدم و با مردم احوالپرسی کردم. محافظان نگران شده بودند. نزدیک شهر ایلام، [حجت الاسلام محمدی] امام جمعه و استاندار به استقبال آمده بودند. حدود ساعت یازده به استانداری رسیدیم. استقبال رسمی به عمل آمد. در شورای اداری شرکت کردم. گزارش [آقای حسنی] استاندار شامل نیازها و استعدادها و امتیازات استان و فداکاری‌ها را شنیدم. برای آنها صحبت کردم[1]. بعد از ناهار استراحت کردم و سپس نماز ظهر و عصر خوانده شد.

---

۱ – در این سخنرانی آمده است: «توضیحات استاندار ایلام، تابلوی گویایی بود تا مردم ایران بدانند در این استان چه می گذرد. این استان نه تنها مهاجری به دیگر نقاط کشور نداشت، بلکه مهاجرینی از سایر شهرهای مناطق جنگی را در خود جای داد. البته این نقصی برای سایر استان‌های جنگ‌زده نیست. زیرا این استان‌ها هم بار سنگینی را در طول دوران جنگ به دوش کشیدند. مردم این استان در مجموع نشان دادند که استحقاق هرگونه توجهی از سوی مسئولان کشور را دارند. حتی اگر این استان، محروم هم نبود، به پاس خدمات آنان در طول سال‌های جنگ و به‌خاطر شرایط خاصی که در این منطقه وجود دارد، بایستی بیشتر از سایر استان‌ها مورد توجه قرار گیرد.» آقای هاشمی خطاب به مسئولان استان ایلام تأکید کرد: « شما بایستی دوران بازسازی را به همان صورتی بگذرانید که در طول سال‌های جنگ تحمیلی گذراندید. شما باید برای جذب امکانات یک جهاد سازندگی را در پیش گیرید. برنامه زمان‌بندی شده‌ای را تنظیم کنید که در طرح‌های آینده پنج ساله مجلس گنجانده شود و در سیاست بازسازی منظور گردد تا به این ترتیب بتوانیم در آینده این منطقه را آباد و به یک منطقه توریستی تبدیل کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



به محل ورزشگاه رفتیم. جمعیت عظیمی اجتماع کرده بودند. احساسات پرشوری بروز دادند. نمایندگان استان خوشامد گفتند. من هم مفصلاً صحبت کردم[۱]. به مقرم در استانداری برگشتم. در مسیر از خرابی‌های بمباران عراقی‌ها بازدید کردم. خرابی‌ها خیلی زیاد است؛ می‌گویند سی درصد شهر خراب شده و مردم به سرعت در حال بازسازی‌اند و دولت کمک می‌کند و وام و مصالح می‌دهد. مردم خیلی خونگرم و مهربانند و یکپارچه شیعه وفادار هستند.

خانواده‌های شهدا آمدند. برای آنها و جانبازان صحبت کردم و جوایز بچه‌های شهدا را که در مراسم سرود خواندند ، به هر کدام یک رادیو داده شد و با همه احوالپرسی کردم. آقای سلطانی مسئول بنیاد شهید توضیحاتی داد و نیازها را گفت.

آقای سید جعفر پناهنده عراقی - که مرد جالبی است - آمد و گفت در عراق شش هزار هکتار زمین داشته و به شیعیان ایران و عراق کمک می‌کرده، اما به خاطر مخالفت با دیکتاتوری و کفر بعث عراق به ایران پناه آورده است؛ پیر مرد با حالی است. از اختلاف میان آقای محمدی امام جمعه ایلام و آقای مروارید نماینده خبرگان نگران است و توصیه داشت که رفع اختلاف کنم. با هر دو نفر جداگانه صحبت کردم. آقای مروارید مایل به مصالحه است، ولی آقای محمدی مایل نیست.

---

۱ - آقای هاشمی در استادیوم جهان پهلوان تختی، در اجتماع باشکوه مردم ایلام اظهار داشت: «با اینکه برای کل استان‌های درگیر جنگ احترام خاصی قایل هستم، شما مردم ایلام همیشه در قلب و جان مسئولان مملکتی جای خاصی دارید و فداکاری‌ها و پایمردی‌های شما و حرکات مخلصانه و جهاد کم‌نظیرتان، برای ما بسیار جالب بوده و من به شما سپاس می‌گویم. البته این سپاس شامل تمام استان‌های جنگی می‌شود، اما یکپارچگی استان ایلام یک امتیاز بزرگ است که نصیب شما شده است. در کل دوران جنگ از ایلام نه تنها مهاجر به جامعه تحویل نشده، بلکه مهاجرین سایر استان‌ها را نیز شما پذیرفته‌اید و علاوه بر اینکه باری بر دوش ملت و دولت نبوده‌اید، با اینکه چند شهر شما ویران شده است، ولی برای مردم ما منبع تولید غذا بوده‌اید، سالانه هزاران تن گوشت از این استان به سایر استان‌ها فرستاده‌اید، ده‌ها تن گندم و غلات دیگر نیز به همین صورت به خارج از استان خود صادر کرده‌اید، با اینکه هزاران هکتار از اراضی شما از بین رفته بود. مرزهای این منطقه به خاطر حضور جوانان سلحشور و ایثارگر این استان، همیشه از امن‌ترین نقاط مرزی کشور بوده است و آخرین بار درسی که شما در شرایطی که دشمن دچار خیال شده بود و غرور پیروزی او را گرفته بود، به دشمن دادید و به جبهه‌ها رفتید و تودهنی سختی به آنها زدید، هیچگاه از یاد نخواهد رفت. شما مردمی هستید که قبل از انقلاب زیر بار زور و ستم نظام ستم شاهی نرفتید و همیشه آزاد و مستقل بودید، غیرت عشایر شما، گوشزد و زبانزد دیگران خواهد بود. تمام مسئولان رده بالای کشور با نیازها و کمبودها و استعدادهای این استان آشنا هستند و یقیناً در حد امکان برای جبران کمبودها تلاش خواهند کرد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

فرماندهان سپاه آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. نماز مغرب و عشاء و سپس جلسه با مدیران استان داشتم. همگی صحبت کردند و نیازها و مشکلات را گفتند. مشکل خیلی زیاد است؛ هشت سال جنگ فشار زیادی بر مردم آورده است. ساعت ده شب برای استراحت به اتاقم آمدم.

دوشنبه ۲۵ مهر ۱۳٦۷ | ۵ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ | ۱۷ اکتبر ۱۹۸۸

پس از نماز با هلی کوپتر به سوی ارکواز مرکز ایل های ملکشاهی و شوهان رفتیم. مردم استقبال گرم و وسیعی کردند. اشعاری به مناسبت ورود من خواندند و من هم تشویق آمیز برای آنها صحبت کردم[2] و بلافاصله با هلی کوپترها به سوی اسلام آباد حرکت کردیم.چهار هلی کوپتر ما را منتقل می کرد. حدود ساعت نه صبح به اسلام آباد رسیدیم و در استادیوم ورزشی شهر اجتماع عظیمی از مردم بود که برای آنها صحبت کردم[3].به پادگان اسلام آباد رفتیم و از فرمانده پادگان درباره وضع پادگان و خرابی‌های دوران جنگ و اشغال منافقین توضیحاتی گرفتم. به باختران پرواز کردیم. نزدیک ظهر در مرکز سپاه پیاده شدیم. فرماندهان سپاه بعثت و قرارگاه نجف درباره جبهه ها و خطوط دفاعی و وضع یگان ها

---

۱ - در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب ناحیه ایلام و لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین(ع) جانشین فرمانده کل قوا با اشاره به لزوم بالا بردن سطح آموزش نظامی و هماهنگی کامل نیروهای سپاه با ارتش برای دفاع از کشور و دفع هرگونه تجاوزی، گفت: «نیروهای مسلح در شرایط صلح و جنگ، باید از توان کیفی بالایی برخوردار باشند، تا دیگر کسی به فکر تجاوز به میهن اسلامی نیفتد. کشور ما در حال حاضر به توانایی‌هایی دست یافته که در صورت شروع مجدد جنگ، عراق را از آغاز تجاوز به شهرها بازخواهیم داشت. تاریخ جنگ بسیار رضایت بخش و امیدوار کننده بوده و آثار عمیقی از خود در تاریخ کشور ثبت خواهد کرد و پیروزی واقعی از آن ما بوده است، چرا که دشمن را از رسیدن به اهداف خود، مأیوس کرده‌ایم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - ایشان در این سخنرانی از دلاوری‌ها و مقاومت عشایر ایل ملکشاهی و شوهان در طول جنگ قدردانی کرد و پایداری آنان را نقطه درخشانی در تاریخ کشور خواند و گفت: « دلاوری‌های عشایر کشور، خشم دشمنان انقلاب اسلامی را در سال‌های گذشته برانگیخت و مسئولین کشور در شرایط خاتمه جنگ باید به فکر این مناطق باشند. نیروهای مسلحی که عشایر تشکیل داده‌اند، مایه اطمینان امام است و ذخیره پربرکتی برای اسلام و کشور می‌باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۳ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



سخنرانی در جمع پرشور عشایر ملکشاهی و شوهان



اهداء جایزه به فرزندان شهدا

توضیحاتی دادند نماز و ناهار و استراحت و سپس در میدان مرکز برای فرماندهان سخنرانی کردم[1] و بر انضباط و آموزش و سازماندهی تأکید نمودم. دوباره با فرماندهان یگان‌های حاضر در غرب مذاکره کردیم. هر یک وضع خودشان را توضیح دادند. نیروی خوبی دارند و امکانات کم و از لحاظ عقبه و پادگان برای زمستان مشکل دارند.

به پایگاه هوانیروز رفتیم و در دفتر فرمانده مصاحبه تلویزیونی انجام شد[2]. به آمفی تأتر رفتیم. فرمانده پادگان خیرمقدم گفت و من صحبت کردم[3] و از نقش هوانیروز و خلبانان در جنگ تقدیر و تمجید نمودم. نماز خواندیم. با هواپیما از همان جا به سوی تهران پرواز کردیم. شام در هوا صرف شد. در مسیر با نمایندگان استان های ایلام و باختران به جمع‌بندی نیازهای استان‌ها پرداختیم، تیمسار جمالی هم برای تقویت نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] استمداد کرد. ساعت هشت و نیم به منزل رسیدیم. بچه‌ها جمع بودند؛ کمی صحبت و سپس خواب.

سه‌شنبه ۲٦ مهر ۱۳٦۷ | ٦ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ — ۱۸ اکتبر ۱۹۸۸

تا ساعت هشت صبح گزارش ها را خواندم. بحران لبنان و احتمال تجزیه و مسئله اوپک زیاد مطرح است و شورای همکاری خلیج فارس گفته‌اند سهم [صادرات نفت] عراق به

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این مصاحبه ایشان با اشاره به تصویب کلیات طرح برنامه توسعه فرهنگی و اجتماعی کشورگفت: «ما نه در حال جنگیم و نه در حال صلح و احتمال تجدید جنگ وجود دارد و دشمن نیز انگیزه‌های قبلی را دارد و اگر چه با وضعی که دیده است به آسانی شروع جنگ را نخواهد پذیرفت، ولی باید در مناطق آسیب دیده از جنگ، استراتژی دفاعی را در امر بازسازی در نظر بگیریم و سیاست‌هایی که به تصویب رسیده است، قطعاً اولویت را به مناطق غرب و مناطق آسیب دیده از جنگ خواهد داد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۳ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «آخرین قطعه جنگ، خاطره شیرینی را برای خلبانان هوانیروز به جا گذاشت و با تلاش آنان، شر این مزدوران از سر مردم کشور کم شد. به عنوان جانشین فرمانده کل قوا، از تمام نیروهای مسلح تشکر می‌کنم و تأکید می‌کنم از این دوره فترت که ما نمی‌دانیم به جنگ برگردد و یا به صلح برسیم، هر چه که می‌توانید روی امکاناتی که به آسانی به دست نمی‌آید، کار کنیم. آمادگی روحی و معنوی را تقویت کنید تا اگر جنگ شد، با استراحتی که کردید به دفاع‌مان ادامه دهیم و اگر صلح شد این آمادگی را وسیله‌ای قرار دهیم تا کسی هوس حمله به کشور امام زمان (عج) را نکند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

اندازه ایران باشد[۱].

در جلسه علنی تا ساعت نه ونیم ماندم. برای شرکت در شورای بازسازی، جلسه را ترک کردم. جمعی از پاسداران پایگاه مالک اشتر و مقداد آمده بودند. برای آنها صحبت کردم[۲]. به دفتر آقای خامنه ای رفتم. در شورا قرار گذاشتیم، چند قلم کالا منجمله دان مرغ و شکر و ... را برای واردات عموم از ارز آزاد، آزاد بگذاریم. شکل و اعضای کمیته مشاور تعیین شد. در مورد بازسازی خرمشهر قرار شد کمیته های متخصص و آشنا به محل، نظر بدهند.

بعد از ناهار با ملاحظه نقشه مسجد جامع - مصلای تهران - زمین مورد نظر تعیین شد و قرار شد از امام بخواهیم که زمین را به مصلا واگذار نمایند. در مورد وزیر بازرگانی، قرار شد رئیس جمهور با آقای [عبدالحسین] وهاجی مذاکره کنند و در صورت آماده بودن او برای اجرای کامل نظر اخیر امام در مورد بخش خصوصی، با ادامه کار ایشان موافقت شود. برای استراحت به مجلس رفتم و سپس کارهای عقب مانده از روزهای سفر را انجام دادم.

شورای حزب الله لبنان آمدند. در مورد اختلافات با امل، نگرانی از تجزیه لبنان یا حاکمیت مارونی ها، مشکلات سوریه، گروگان ها و اختیارات شورا و بودجه مطالبی اظهار داشتند. اکثر مطالب مورد قبول ماست. تأکید کردم که با امل درگیر نشوند که جنگ شیعه با شیعه پیش نیاید. قرار شد ما با سوریه برای حل مسائل لبنان هماهنگ کنیم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. قرار شد تعزیرات حکومتی در مورد نانوایی‌ها

---

۱ - خبرگزاری یونایتدپرس در این باره گفت: ایران امروز سه شنبه اعلام کرد این کشور به دیپلماسی مبتنی بر چماق و هویج خود در رابطه با مذاکرات صلح با عراق ادامه خواهد داد ولی همچنان آمادگی رزمی خود را حفظ می کند. اکبر هاشمی رفسنجانی در گفتگو با رادیو تهران گفت: «ایران آمادگی رزمی خود را حفظ می‌کند و اگر دشمن از این آمادگی خبر داشته باشد به اقدامی جهت از سرگیری جنگ متوسل نخواهد شد.» آقای رفسنجانی توضیح بیشتری نداد ولی مقامات دولتی عرب گفتند ایران از زمان اعلام قبول آتش بس تاکنون میلیون‌ها دلار صرف خریدهای تسلیحاتی کرده و همچنین اقداماتی را در جهت بازسازی خطوط دفاعی خود در طول مرز برای مقابله حمله احتمالی عراق صورت داده است. این مقامات گفتند عراق نیز در طول ۸ هفته اخیر به طور مستمر تسلیحات نظامی از کشورهای شوروی و فرانسه و همچنین برخی هم پیمانان عرب خود در منطقه دریافت کرده است. دیپلمات‌های غربی در خلیج [فارس] که جنگ ایران و عراق را از نزدیک دنبال می کنند نیز گفتند اظهارات آقای رفسنجانی در راستای تحرک بخشیدن به مذاکرات به بن‌بست رسیده صلح با عراق و جلوگیری از شروع مجدد جنگ می‌باشد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۷/۲۷ صفحه ۲۷.

۲ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

اجرا شود. بانک مرکزی، گزارش بازرسی کل کشور در مورد اثر تعزیرات را رد کرد. وزیر نفت درباره سیاست مذاکره در اوپک، تلفنی مشورت کرد. دیر وقت به خانه آمدم. عفت نیامده بود. برای خرید نیازهای مراسم ازدواج فرزند برادرش با آقای مهدی هاشمیان رفته بودند.

چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۳٦۷ | ۷ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ۱۹ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح برای شرکت در سمینار نیروی زمینی ارتش به محل دافوس رفتم. سخنرانی مفصلی برای آنها انجام دادم[1]. ساعت ده برای شرکت در شورای‌عالی پشتیبانی جنگ به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. پیش از ظهر به دفترم رسیدم.

تا عصر کارهای دفتر را انجام دادم. هیأت رئیسه جلسه داشت. نگران نداشتن برنامه برای جلسات علنی مجلس هستیم. دولت لایحه کم می‌فرستد. کارهای مانده از دوره قبل هم به زودی تمام می‌شود. شب تا ساعت هشت و نیم، در دفترم برای جبران عقب ماندگی روزهای سفر به غرب کار کردم. به خانه آمدم.

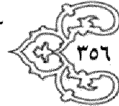
پنجشنبه ۲۸ مهر ۱۳٦۷ | ۸ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ۲۰ اکتبر ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. گزارش‌ها را دیدم. در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم ماندم. دستورات مهمی در مجلس نداریم. در تنفس برای خانواده های شهدای خراسان[2] و دانشجویان

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - گروهی از خانواده‌های شهدا و اسرای شهرستان‌های سبزوار، فردوس، قاین و سرخس پس از بازدید از مناطق جنگی و دیدار با رزمندگان اسلام، با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار که تعدادی از نمایندگان استان خراسان در مجلس نیز حضور داشتند، جانشین فرمانده کل قوا روحیه والا و عظمت ایثار خانواده‌های معظم شهدا، مفقودین و اسراء را ستود و تأکید کرد: « شما که عزیزترین هستی خود را تقدیم انقلاب و اسلام کرده‌اید، باید رابطه روحی و قلبی خود را با شهدایتان حفظ نموده و رفتارتان را با آنان تطبیق دهید و مراقب باشید باعث رنجش خاطر و روح مطهرشان نگردید. خانواده‌های محترم شهداء، مفقودین و اسراء رکن اصلی انقلاب و وفاداران



دانشگاه علم و صنعت صحبت کردم[1]. دکتر روحانی آمد و گزارش سفر داد؛ خوش بین است. درباره خرید نیازها از چین مشورت کرد.

آقای [حسین] کمالی آمد. گزارش توافق سپاه و وزارت صنایع برسر تقسیم کارخانه پیام[2] را داد. ظهر آقای [غلامعباس] زائری آمد. از نابسامانی ها در جزیره کیش و قوه قضائیه شاکی بود.

عصر هیأت پارلمانی آلمان شرقی برای ملاقات آمد. تعارفات کمی معمولی و مذاکره بود[3]. سفیرمان برای توسعه روابط همراه آنها بود. بعداً با آقای [مهدی] کروبی، برای

به جامعه و جمهوری اسلامی هستند. هر وقت افتخار بزرگ ملاقات با گروهی مثل شما - که در حقیقت بهترین بندگان خدا هستید - نصیبم می‌شود، با نورانیتی که در این محافل می‌بینم احساس ارتباط با اولیاء الله می‌کنم. شما که عزیزان خود را در راه خدا داده‌اید، باید شادمان باشید که عواید زیادی به دست آورده‌اید و مطمئن باشید که فرزندان شما حتماً سعادتمندند. ما به وظایف خود در مقابل خانواده‌های آسیب دیده از جنگ عمل خواهیم کرد و در تقویت و تربیت فرزندان شهداء جدی خواهیم بود تا ان‌شاءالله یک قشر متنفذ و مؤثر در جامعه باشند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - در این دیدار که معاونین، اساتید، اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و کارکنان دانشگاه علم و صنعت حضور داشتند، آقای هاشمی به نقش دانشگاه‌ها در زمینه بازسازی کشور و افزایش سطح تحصیلی و علمی دانشجویان اشاره کرد و گفت:« یکی از کارهای عمده دانشگاه‌ها، تربیت نیروی انسانی متناسب با این مقطع زمانی است و فعلاً در زمینه نیروی متخصص و تکنیسین ماهر، فارغ‌التحصیل کم داریم. اگر حرکت اقتصادی جامعه ما سرعت پیدا بکند، سیاست جذب نیرو از ایرانیان خارج کشور باید دنبال بشود و ما به عنوان یک وظیفه اسلامی، اخلاقی و هم به خاطر شرایط اقتصادی، باید برنامه‌ای تنظیم نمائیم تا آنهایی که قابل جذب به این انقلاب و جامعه هستند را به کشور برگردانیم.» ایشان در بخش دیگری از سخنانش افزود: « خوشبختانه مانند عراق به دنیا مقروض نیستیم. مسئله دیگر زندگی عادی مردم است که باید طوری باشد که بتوانند زندگی کنند، قیمت‌ها باید در سطحی باشد که زندگی یک کارمند و کارگر را تأمین کند. مسئله قابل توجه دیگر بعد از جنگ، ایجاد اشتغال و راه انداختن امکانات صنعتی، کشاورزی، معدنی و عمرانی کشور است. با توجه به اینکه سالانه صدها هزار نفر نیروی کار به جامعه اضافه می‌شود، باید برای اینها کار و مسکن تهیه شود. ما می‌توانیم با سیاست جذب نقدینگی مردم سرمایه‌گذاری درستی بکنیم که این مقدور است. ما تصمیم داریم به گونه‌ای عمل نمائیم که به خارج وابسته نشویم. کشور ما نمی‌تواند به این آسانی زیر بار قرض برود. این کار مناسب با اهداف عالی انقلاب اسلامی نیست.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - کارخانه‌ای در شرق تهران، خیابان دماوند که به تولید لوازم خانگی می‌پرداخت. مکان این کارخانه، به دلیل نزدیکی به خجیر - سایت تولید موشک سوخت مایع و جامد صنایع سپاه - به عنوان یکی از مکان‌های پشتیبان تولید از طریق صنایع سپاه (شهید همت) انتخاب شده بود.

۳ - در این دیدار آقای هاشمی به آقای «گرالد گوتینگ» معاون پارلمان آلمان شرقی گفت: «آرزوی صلح در جهان چیزی است که همه آن را می‌پسندیم. از جنگ هیچ‌وقت خیری حاصل نمی‌شود. همراه جنگ اگر فاتحی هم وجود داشته باشد، مصائب و مشکلات فراوان است. وضع جدیدی که در حال حاضر بین آمریکا و روسیه جریان دارد، تا حدودی امیدبخش است و یک گام تازه‌ای در جهت کم کردن خطرهای جدی از دنیا می‌باشد. البته ما این تغییر وضع را بیشتر در روسیه شاهد هستیم. تغییر فکر رهبری روسیه در حال حاضر، دارد این

گزارش آمدند. شورای انجمن اسلامی بانک ملی آمدند و از مدیر بانک شکایت داشتند که با آنها تفاهم ندارد و به افراد غیر متعهد اتکاء دارد؛ قرار شد بررسی کنم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. به خانه آمدم.

جمعه ۲۹ مهر ۱۳٦۷ | ۹ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم به مطالعه گزارش‌ها و تاریخ بازسازی[اروپای] بعد از جنگ جهانی دوم گذشت. ظهر محسن و بعضی بچه‌ها آمدند. سرشب نصرت همشیره‌زاده برای رفع گرفتاری غیبت فرزندش وحید از سربازی - که در اثر فوت پدرش چند روز غیبت داشته - آمد و چند نامه از مردم برای استمداد و رفع مشکلات آورد.

فاطی و محسن و فائزه و یاسر و اعظم و عفت و محافظان خانه، چند نامه از این قبیل داشتند. رویه خوبی نیست که مردم این گونه و از طریق بستگان مسئولان مشکلات را رفع کنند و کم کم دارد زیاد می‌شود. به دامادش ناصر گفتم با اخوی‌ها و بستگان صحبت کنند که قرض‌های باقیمانده از محمود - شوهر نصرت همشیره‌زاده - را بپردازیم. او کارمند شرکت نفت بود.

شنبه ۳۰ مهر ۱۳٦۷ | ۱۰ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۸

نزدیک ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. قرار بود نماینده‌ای از طرف حافظ اسد برای مذاکرات خصوصی بیاید که اطلاع دادند به تأخیر افتاده است. در گزارش‌ها حمله هوایی

آثار مثبت را در دنیا می‌گذارد. یک نگرانی همراه این خوش‌بینی هست که نباید از آن غافل باشیم و آن اینکه سازش این دو ابرقدرت به قیمت گرفتاری بیشتر کشورهای ضعیف‌تر تمام می‌شود. البته ما از خلع سلاح کامل اتمی اگر آنها به آن برسند، خوشحال هستیم.»

اسرائیل به مراکز فلسطینی‌ها و حزب‌الله در لبنان در رأس اخبار است[1].

[سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد. به خاطر توقف جنگ، نگران است که بودجه ارتش کم شود. برای امور جاری دیگر نظر خواست. آقای [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست ــ وزیر] آمد. گزارش سفر به ترکیه را داد. ترکیه یکصد و پنج پاسدار زندانی ما را آزاد کرده و اصرار دارد تعدادی از پناهندگان کرد عراقی موجود در ترکیه را بپذیریم و همچنین در شمال قبرس در منطقه ترک‌ها، دفتر بازرگانی باز کنیم.

آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست وزیر] آمد. گزارشی از پیشرفت کار طرح «دخان» و بالن ها داد؛ خیلی راضی است. فیلم‌هایی آورده بود که دیدم. درباره تعزیرات حکومتی و مسائل سهمیه بندی هم بحث شد. ظهر آقای [محمدباقر] ذوالقدر و آقای [فریدون] مهدی نژاد آمدند. درباره مسائل منافقین و مسائل لبنان صحبت کردند. عصر آقای فقیهی از علمای اصفهان آمد و درباره مسائل قطعنامه و کمبودها و ... صحبت کرد و خواستار توضیح بیشتر به مردم بود. آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد. مایل است حکم مشاور در امور صنایع نظامی و لجستیک را به ایشان بدهیم[2]. تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم.

جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیر بود. آقای خامنه‌ای به آذربایجان غربی رفته‌اند. احمدآقا اطلاع داد که امام فرموده‌اند در جواب اقدام شاه فهد در منع رسانه‌های عربستان از تبلیغ علیه ایران، ما هم تبلیغات ضد عربستان را متوقف کنیم. قرار شد این موضوع را از طریق واسطه‌ها به آنها اطلاع دهیم. درباره سیاست بازسازی هم بحث شد. آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد و برای نشر اسکناس بر اساس مصوبه زمان جنگ اجازه گرفت. دیر وقت به خانه آمدم. بچه‌ها خوابیده بودند.

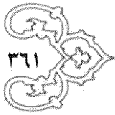
---

۱ - هواپیماهای اسرائیلی، مناطق مسکونی و مواضع فلسطینی‌ها در شرق صیدا و بقاع غربی و روستای لویزه را ۱۵ بار بمباران کردند. در این حملات وحشیانه ۱۳ نفر کشته و ۵۲ نفر مجروح شدند.

۲ - آقای محسن رفیق‌دوست در حکمی به سمت مشاور جانشین فرماندهی کل قوا در امور صنایع نظامی و لجستیکی و تدارک رزمندگان منصوب شد. در این حکم آمده است: «با توجه به سوابق و خدمات و کاردانی، شما به سمت مشاور جانشین فرماندهی کل قوا در امور صنایع نظامی و لجستیکی و تدارک رزمندگان منصوب می‌شوید. با بررسی و پیگیری، امور یاد شده را در ارتش و سپاه همراه با نظرات اصلاحی به اینجانب گزارش دهید.»

آبان ۱۳۶۷





یکشنبه ۱ آبان ۱۳٦۷ | ۱۱ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ | ۲۳ اکتبر ۱۹۸۸

به مجلس رفتم. تا ساعت هشت صبح در دفتر کار کردم. جلسه اوپک به نتیجه درستی نرسیده است. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی ماندم. در تنفس برای جمعی از طلاب مربی و معلم عقیدتی سیاسی سپاه صحبت کردم[1].

ظهر آقای [غلامحسین] جمی امام جمعه آبادان آمد. درباره بازسازی آبادان صحبت شد و برای نیازهای آبادان کمک خواست. عصر آقای علی جنتی برای امور دفتر فرماندهی آمد و درباره برنامه سفرها مطالبی داشت. آقای [خسرو] عروج آمد. درباره سپاه حفاظت بحث شد.

آقایان [بهزاد] نبوی و [بیژن نامدار] زنگنه آمدند. در خصوص صنایع موشکی مذاکره شد. آقای زنگنه طرحی تهیه کرده است که یک مرکز هدایت صنایع موشکی به وجود آید تا کارهای [ساخت] انواع موشک ها را هماهنگ کنند و ارتش، سپاه، جهاد و محققان دیگر که مایل به کار هستند، هر یک مکمل آن طرح کلی باشند.

بعد از نماز آقایان [مرتضی] الویری و [مسعود روغنی] زنجانی و [محسن] نوربخش

---

[1] - در این ملاقات که مسئولان آموزش واحدهای عقیدتی سیاسی پایگاه‌های سپاه چهاردهم مازندران حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «ممکن نیست که فقط با ابزار و امکانات مادی بتوانیم با شیاطین دنیا بجنگیم. قدرت اصلی ما در بعد ایمان است. ایمان، اعتقاد، عرفان و آشنایی با وظیفه دینی و تقویت روحیه معنوی در نیروهای مسلح از پدیده‌های اساسی است و تجربه چند سال جنگ و انقلاب نشان داد که قدرت اصلی نظام ما در بعد ایمان آن است و اگر نیروهای نظامی و مردمی ما از اعتقادات دینی و ارتباط الهی دور شوند، تهی می‌مانند. عاملی که باعث پیروزی انقلاب شد و رژیم گذشته نتوانست آن را در هم بشکند، ایمان و شوق مردم به شهادت بود که در طول جنگ هم باعث پیروزی شد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آمدند. شکایت دارند که برنامه اعلام شده شورای عالی بازسازی، عملاً وزارت برنامه و دولت و کمیسیون برنامه [و بودجه مجلس] را معطل می گذارد و احساس بلاتکلیفی می نمایند. پس از مذاکره طولانی به این نتیجه رسیدیم که اگر شورا اهداف و سیاست های کلی را بگوید و برنامه ها و سیاست های بخشی را به دیگران واگذار کند، امکان همکاری هست. به منزل آمدم[1]. شام را از منزل محسن آوردند.

دوشنبه ۲ آبان ۱۳۶۷ | ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۰۹ | ۲۴ اکتبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. بیشتر وقت را به مطالعه درباره طرح ها و پیشنهادهای وحدت جهانی اسلام گذراندم. پیش از ظهر احمدآقا آمد. درباره شورای بازسازی و مسائل جاری کشور مذاکره شد[2]. عصر هم کارها را از مجلس آوردند. تا ساعت یازده شب کار کردم تا تمام شد. در گزارش‌ها هم خبر مهمی نبود.

---

۱ - در این روز رادیو دولتی انگلیس اعلام کرد ایران از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و حرکت در راستای روند صلح برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس، اصول روابط خارجی خود را کاملاً تغییر داده و موفق شده است تحولاتی را در سطح بین‌المللی در افکار ایجاد کند. بیانیه دولت ایران مبنی بر اینکه احزاب سیاسی تحت مقررات محدودی اجازه دارند به فعالیت‌های سیاسی بپردازند، خود یکی دیگر از نتایج حاصله از تحولات جاری و بیانگر آغازی سمبولیک در آزادی در ایران است. ناظران آن را اقدامی در موازات دیگر کارهای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران توصیف کرده‌اند. گری سیک کارشناس مسائل ایران در پاسخ به اینکه گفته می‌شود افکار میانه روها به ویژه پس از ماجرای ایران کنترا در ایران کاملاً از بین رفته است، اظهار داشت: «آنچه روشن است قدرت در ایران در دست انقلابیونی است که به انقلاب اسلامی و حرکت دادن انقلاب معتقد و متعهد هستند و به همین خاطر هیچ کس میانه‌رو نیست.» وی در ادامه گفت من گمان می‌کنم که همه باید بپذیرند که هاشمی رفسنجانی یک چهره سیاسی حاکم در جریانات سیاسی و حکومتی ایران به شمار می‌رود. هاشمی رفسنجانی در دوران امروز ایران یک شخصیت به شمار می‌رود و از یک موضع مسلط سیاسی بر شخصیت‌های صاحب نفوذ در ایران برخوردار است.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۲، صفحه ۱۳.

۲ - رادیو بی بی سی اعلام کرد: در حالی که در ایران صحبت بیشتر اعضای هیأت حاکمه درباره بازسازی کشور و ترمیم خرابی‌های اقتصادی و صنعتی ناشی از ۸ سال جنگ است،در توکیو یک هیأت از متخصصین ژاپنی که برای تعیین خسارات وارده به مجتمع عظیم و ناتمام پتروشیمی بندر [امام] خمینی به ایران رفته بود،پس از بازگشت به ژاپن گفته است که خسارات ناشی از حملات هوایی عراق به مجتمع مزبور آن قدر سنگین است که تعمیر و بازسازی آن را مقرون به صرفه نمی‌سازد. ایران سال‌هاست که اصرار داشته است کارشناسان ژاپنی، کار بر روی طرح مزبور را از سر گیرند.» منبع : نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۴ ، صفحه ۱۷.

سه‌شنبه ۳ آبان ۱۳٦۷ | ۱۳ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲۵ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح برای سخنرانی در مراسم افتتاح کنگره وحدت مسلمین به دانشگاه تهران رفتم؛ پیشنهادهایی برای همکاری و اتحاد عملی مسلمین ارائه دادم[1]. به مجلس رفتم. بعد از تنفس برای اداره مجلس رفتم. تا ظهر در جلسه بودم. ظهر آقای [مهدی] مهدی‌زاده نماینده گناباد آمد. از استاندار خراسان و فرماندار جدید گناباد و وزارت کشور شاکی است. آقای نصرالله بهرامی [از همدرسان و دوستان قدیمی] آمد. برای معالجه در خارج کمک خواست. عصر آقای سنجقی آمد. او از بی نظمی در سپاه شاکی است و در خصوص رفتن نیروها از سپاه اعلام خطر کرد.

با [آقای کلودیو آرانزادی] وزیر صنایع [و انرژی] اسپانیا و هیأت همراه که نامه رئیس مجلس اسپانیا را آورده بودند، ملاقاتی داشتم. مذاکرات دوستانه و در جهت توسعه روابط بود[2]. دکتر [عبدالله] جاسبی آمد. گزارش سفر به ایتالیا و کارهای دانشگاه آزاد اسلامی را داد و گفت امسال مجموعاً شصت هزار دانشجو می‌گیرند و با [آقای محمد فرهادی] وزیر فرهنگ و آموزش عالی، قرار همکاری بهتر گذاشته‌اند.

سرشب [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت آمد. گزارش سفر برای اوپک و ملاقات خصوصی با وزیر نفت عربستان و تفاهم بر سر مسائل قیمت و سهمیه و همکاری در منطقه

---

۱ - در این سخنرانی، آقای هاشمی خواستار حرکت در مسیر واحد به سوی وحدت جهانی مسلمانان شد و پیشنهاد کرد که علمای مذاهب اسلامی، مرکزی به عنوان «دارالتقریب» به وجود آورند و مورد به مورد، اختلافات مسلمین را بررسی کنند تا گام بلندی به سوی وحدت باشد. در کنفرانس وحدت اسلامی که با شرکت بیش از ۷۰۰ عالم و متفکر شیعه و سنی آغاز به کار کرد، ایشان گفت: «اگر ما خواهان وحدت واقعی هستیم و می‌خواهیم امت اسلامی، به صورت یک حزب تمام عیار درآید، این احتیاج به تلاش فراوان دارد و اگر هم به این هدف نرسیم، لااقل می‌توانیم در این زمینه همکاری‌های لازم را انجام دهیم و به طور مثال از نزاع و درگیری و خنثی کردن یکدیگر پرهیز کنیم. همکاری تام و تمام زمانی پیش می‌آید که همه ما جهان‌بینی، هدف، ایدئولوژی و خط مشی کلی واحد داشته باشیم و در موارد عقلی و اجرایی هم شیوه‌های واحدی را انتخاب کنیم. ما در اهداف اسلام با هم اشتراک نظر و اتحاد داریم ولی در مسائل جزیی اختلاف نظرهایی وجود دارد که قابل حل است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - آقای هاشمی در این ملاقات گفت: «احساس منفی در ملت ایران نسبت به توسعه روابط با شما وجود ندارد و از اینکه اسپانیا در تهاجم باند ناتو شرکت نکرد و موضع مستقلی را در پیش گرفت، از یاد ملت ما نخواهد رفت و این عمل برای ما یک حرکت مثبت و قابل ارزش است.» وزیر صنایع و انرژی اسپانیا نیز با اشاره به عدم حضور ناوگان‌های اسپانیا در خلیج فارس اظهار داشت: «دولت اسپانیا، مستقل از سایر هم پیمانان خود، سیاست و مواضع مستقل خود را در قبال کشور شما حفظ کرده است.» در این دیدار آمادگی اسپانیا در امر بازسازی و حمایت از قطعنامه ۵۹۸ مطرح شد.

را داد. عربستان نفت تحویلی منطقه بی طرف به عراق را از چند هفته بعد قطع می‌کند و گفته روزانه دویست هزار بشکه [به عراق] می‌داده‌اند.

در جلسه مجمع تشخیص مصلحت شرکت کردم. آقای خامنه‌ای در سفر [کردستان و آذربایجان غربی] هستند و من جلسه را اداره کردم. قانون مبارزه با مواد مخدر تمام شد. قرار شد درباره کیفیت رفتار با بهایی‌ها در آینده بحث کنیم.

یاسر گفت که وزارت کشاورزی اطلاع داده ممکن است [آفت] ملخ های موجود در عربستان به زودی به ایران برسند. نیاز به سوخت برای هواپیماهای سمپاشی داریم. به نخست وزیری اطلاع دادم. بعد از شام با آقای موسوی اردبیلی درباره محدود کردن تصمیمات شورای بازسازی مذاکره کردیم. به خانه آمدم.

دکتر روحانی اطلاع داد که در پادگان حمزه که سپاه رفته تا از ارتش تحویل بگیرد، درگیری شده و جمعی مجروح شده‌اند. گفتم از طرف بازرسی و دادگاه نظامی برای تحقیق بروند.

چهارشنبه ٤ آبان ۱۳٦۷ | ١٤ ربیع‌الاول ١٤٠٩ | ۲٦ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود[1]. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. راجع به مطالب نخست وزیر مجارستان که بنا بود به ملاقات بیاید، گزارش داد و خواست که یکی از زندانیان انگلیس در ایران آزاد شوند. گفتم قرار شده در مقابل آزادی [کورش] فولادی آزاد شود[2].

[آقای کارولی گروس] نخست وزیر مجارستان به ملاقات آمد. مذاکرات طولانی

---

۱ - در جلسه روز چهارشنبه ۴ آبان انتخابات داخلی شورای نگهبان انجام شد و آیت الله محمدی گیلانی به سمت دبیر شورای نگهبان، آیت الله امامی کاشانی به سمت سخنگوی شورای نگهبان و آقای خسرو بیژنی به سمت قائم مقام دبیر شورای نگهبان انتخاب شدند.

۲ - آقای کورش فولادی کارمند سفارت جمهوری اسلامی در لندن بود که در سال ۱۳۵۹ به اتهام بمب گذاری دستگیر و زندانی شد. او در زندان در اثر شکنجه بینائی یک چشم خود را از دست داد و یک دستش نیز فلج شد. فولادی به یازده سال زندان محکوم شده بود. او پس از آزادی به ایران بازگشت و به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. فولادی در مجلس پنجم نماینده مردم خرم‌آباد لرستان شد.

داشتیم[۱]. بر تصمیم توسعه روابط تأکید می کنند و گفت از سیاست های خشک و افراطی مارکسیستی ضرر کرده‌اند و به طرف اعتدال می‌روند. بنا دارند مالکیت دولت و تعاونی را از ۹۵درصد به ۷۵ درصد برسانند. احتمال درگیری و تنازع داخلی هم می‌دهند. گفت روسیه و مجارستان و لهستان در این سیاست هماهنگ هستند.

آقای [علی] شمخانی [وزیر سپاه] آمد. راجع به بودجه سپاه، پادگان سازی، مسکن سازی برای سپاه، نظم سپاه و صنایع موشکی مذاکره شد. ظهر آقای [محمدجواد] ایروانی وزیر دارایی آمد. گزارش سفر به یوگسلاوی و آلمان را داد و راجع به سیاست اقتصادی، نظری ارائه داد و به برنامه انتقادی تلویزیون [سیمای اقتصاد از شبکه اول] که به بانک انتقاد دارد، معترض است. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] برای مسئله پادگان حمزه آمد که گفتم دستور باید اجرا شود. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

اول شب آقای [محمدحسین] پودینه نماینده زابل آمد. از فرماندار زابل شاکی است و نگران تعقیب متهمی است که صیادان را تحریک کرده است. آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد. گزارش بازرسی‌ها را در مورد ارتش و سپاه و عقب‌نشینی‌های روزهای آخر جنگ داد. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

دکتر ولایتی اطلاع داد که چند مأمور ایران در ترکیه، در حالی که یکی از سران منافقین را بازداشت کرده و در اتومبیل نمره دیپلماتیک گذاشته و به طرف ایران می آمدند، دستگیر شده‌اند و ترک‌ها خواستار خروج دو دیپلمات شده‌اند و سه نفر دیگر را حبس کرده‌اند؛ در مورد راه حل مشورت کرد. گفتم به مسئله رسیدگی دقیق کنند و سعی نمایند

---

۱ – در این ملاقات آقای کارولی گروس نخست وزیر و دبیرکل حزب سوسیالیست کارگران مجارستان گفت: « جمهوری مردمی مجارستان از اولین لحظه پیروزی انقلاب اسلامی از آن حمایت کرده و کوشش‌های شما را در جهت مبارزه با امپریالیست‌ها تحسین نموده است. با وجودی که از نظر اصولی در بلوک شرق اتفاق نظر وجود دارد، ولی در خیلی از موارد نیز اختلاف نظر است. ما بنابر ابتکار خودمان، سیاست خارجی مستقل ملی را دارا هستیم و روابط با ایران این مطلب را نشان می‌دهد. » آقای هاشمی نیز گفت: « یکی از مهمترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران، موضع ضدامپریالیستی آن است و اگر بلوک شرق بر ویژگی ضدامپریالیستی خود تکیه داشته باشد که قاعدتاً دارد، می‌تواند در ایران یک دوست خوب پیدا کند. ما اصولاً تصمیم داشتیم بعد از انقلاب، مناسبات‌مان را با بلوک شرق گسترش بدهیم که این سیاست هنوز هم پابرجاست. مسأله جانبداری شوروی از رژیم عراق در جنگ تحمیلی، تأثیر منفی در روابط ما گذاشته و مردم ما را عمیقاً متأثر کرده است و در حال حاضر که هم مسأله جنگ و هم مسأله افغانستان در حال حل شدن است، ما به تعهداتمان پایدار هستیم و علتی وجود ندارد که مانع توسعه روابط‌مان باشد. به وجود آمدن یک کشور مستقل و آزاد از سلطه غرب در خلیج فارس، می‌تواند جغرافیای سیاسی منطقه را به دنیا بهتر بشناساند.»

سر و صدا کم شود. روزنامه‌های ترکیه خبر را نوشته‌اند.

پنجشنبه ۵ آبان ۱۳۶۷ | ۱۵ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ۲۷ اکتبر ۱۹۸۸

تا ساعت هشت صبح در دفتر کار کردم. تا ده و نیم در جلسه علنی بودم. دو فوریت طرح نامگذاری روز ۱۳ آبان به «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» تصویب شد؛ یک اقدام کاملاً سیاسی است[۱]. جمعی از جانبازان و خانواده‌های شهدای شیراز آمدند[۲]. جانبازان خواستار جدایی از بنیاد شهید و تأسیس بنیاد مستقل، زیر نظر نخست وزیری یا ستاد کل بودند و نمی‌خواهند زیر نظر بهزیستی باشند. آقای شاملو آمد. بنا است سفیر نروژ بشود اما ترجیح می‌دهد به قطر برود.

دکتر روحانی آمد. درباره سپاه و ارتش و مذاکرات ژنو و خریدهای تسلیحاتی صحبت شد. ظهر بعد از ناهار، کاردارمان در بحرین برای مشاوره در برنامه های خود آمد. سیاست جلب اعتماد آنها و توسعه روابط را دارد. به نظر جامع و جالب آمد. تیمسار حسنی سعدی آمد. خواست دستور توقف حکم تحویل پادگان حمزه را بگیرد. تأکید بر اجرای دستور و پیگیری متخلف‌ها را دادم؛ با پذیرش بررسی مجدد.

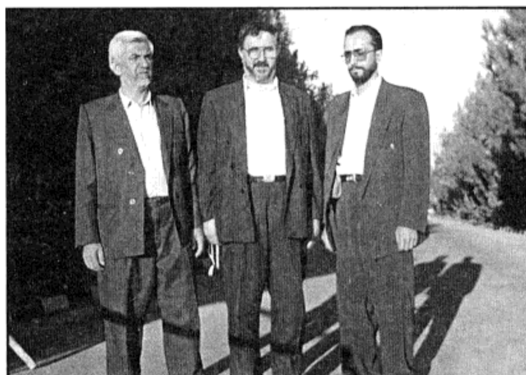
عصر آقای [محمد] شوشتری مسئول [سازمان] زندان‌ها [و اقدامات تأمینی و تربیتی]

---

۱ - در این جلسه، آقای مجید انصاری یکی از پیشنهاد دهندگان طرح نامگذاری روز ۱۳ آبان که توسط ۱۱۵ نفر از نمایندگان پیشنهاد شده بود، صحبت کرد. سپس آقای موحدی ساوجی به عنوان مخالف طرح و آقای ابراهیم اصغر زاده به عنوان موافق صحبت کردند و طرح به رأی گذاشته شد و با اکثریت آراء به تصویب رسید.

۲ - در این دیدار که جمعی از جانبازان مرکز توانبخشی شهید مازندرانی شیراز به همراه فرزندان شهدای شهرهای سپیدان، بیضاء و سروستان حضور داشتند، یکی از جانبازان آمادگی جهت فداکاری در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در تمام صحنه‌ها علیه استکبار جهانی را به اطلاع جانشین فرمانده کل قوا رساند. سپس آقای هاشمی با بیان این مطلب که شما سمبل یک جریان طولانی مقاومت و شهادت طلبی هستید، گفت: «اگر درست عمل شود، جریان جانبازان این مملکت به یک مشعل نورانی هدایت تبدیل می‌شود که حضور آنان در مجامع گوناگون در مسائل مختلف بسیار مفید و مؤثر است. این دوره مقاومت شما همیشه برای جامعه ما با ارزش بوده و می‌تواند کل تاریخ ما را تحت تأثیر قرار دهد. البته روحیه جانبازان جنگ و انقلاب ما با سایر معلولان جنگ‌های دیگر فرق دارد زیرا شما با ایمان و ایده‌های خاص معنوی وارد جنگ شدید. مسئولیت اداره جانبازان به عنوان یک کار مقدس می‌باشد، البته باید یک مرکز جامع عهده دار این کار شود. شما جانبازان یک هاله مقدس انقلابی خاص خود را دارا می‌باشید ولی به عنوان یک وظیفه اسلامی انقلابی و الهی، کلیه مسئولین باید حداکثر امکانات را برای آسایش و تحصیل و اشتغال شما در نظر بگیرند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آمد. با جمعی از همکاران خواستار نیروی انسانی، ساختمان، خودرو و امکانات دیگر بود. گفت مجموعاً حدود هشتاد هزار زندانی داریم. هفتاد درصد آن مربوط به مواد مخدر است؛ مدعی بود ۴۵ درصد آنها قابل آزادی با کفیل‌اند.



شاعران انقلاب و دفاع مقدس ، نصرالله مردانی (نفر اول سمت چپ)

آقای [نصرالله] مردانی - شاعر - آمد. از حاکمیت شعرای غیر حزب اللهی شکایت داشت. آقای [مسیح] مهاجری [مدیر روزنامه جمهوری اسلامی] آمد. در مورد سیاست وزارت خارجه و انتشار خبر استعفای نخست وزیر، قبل از مشخص شدن سیاست نظام صحبت شد.

بعد از نماز مغرب، آقای خامنه‌ای آمدند. از آثار سفر به کردستان راضی‌اند. مردم کردستان را وفادار به نظام یافته‌اند. درباره سیاست بازسازی مذاکره کردیم. قرار شد در حد تعیین اهداف کلی و سیاست‌های عمومی و استراتژیک عمل کنیم. ساعت نه شب به خانه آمدم. سریال « مرغ حق » [درباره زندگی شهید آیت‌الله سید حسن مدرس] را از تلویزیون تماشا کردیم.

---

[۱] - امام خمینی (ره) در پیامی به ملت ایران، به مناسبت درگذشت آیت‌الله سید روح الله خاتمی فرمود: « اسلام و ایران یکی از پر فروغ‌ترین چهره‌های تقوا و خلوص و ایمان خود را از دست داد. ... او روشنفکری متدین و مجتهدی بزرگوار، و از خوبان امینی بود که اگر نتوان گفت بی‌نظیر، مسلماً کم نظیر بود. ... او یک عمر با تحجر و واپس‌گرایی جنگید؛ و یکی از طرفداران بی‌بدیل اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم – در عصر فریب و خود پرستی بود. ... این ضایعه دردناک را به مردم ایران، خصوصاً به اهالی متدین استان یزد، و به خانواده مکرمش و فرزندان متدینش و فرزند فاضل، باتقوا و متعهدمان، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد خاتمی، وزیر محترم ارشاد اسلامی، تسلیت عرض می‌نمایم. خداوند او را غریق رحمت خویش گرداند.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

جمعه ٦ آبان ۱۳٦۷ | ۱٦ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸

مهدی صبح زود بنا به درخواست مسئولان آنجا به استان سیستان و بلوچستان رفت. در منزل بودم. وقتم به مطالعه درباره وضع جهان اسلام گذشت. دفتر امام اعلام کرد، ملاقات امام به خاطر فوت آقای [سید روح الله] خاتمی امام جمعه یزد لغو شده است[1]. عصر عفت و بچه ها به مراسم ازدواج مهدی هاشمیان و مریم مرعشی رفتند. مصطفی داودزاده برای خرید موشک پنگوئن سوئدی برای نیروی دریایی سپاه آمد. عفت و بچه ها خیلی دیر آمدند.

شنبه ۷ آبان ۱۳٦۷ | ۱۷ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. بستگان به قصد شرکت در مراسم ملاقات امام آمدند که لغو شده بود. آقای [عبدالمجید] معادیخواه برای امور بنیاد تاریخ آمد. شب دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر سوریه را داد و برای مذاکرات ژنو مشورت کرد. با سوری ها قرار گذاشته اند که در لبنان همکاری بین ایران و سوریه، امل و حزب‌الله و سنّی ها باشد. خواست که برای آزادی یکی از دو زندانی انگلیسی کمک شود.

یکشنبه ۸ آبان ۱۳٦۷ | ۱۸ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۳۰ اکتبر ۱۹۸۸

صبح زود به مجلس رفتم. ساعت هشت به جلسه علنی رفتم. تسلیتی در مورد وفات آقای [سید روح الله] خاتمی پیش از دستور دادم[1]. طرح ۱۳ آبان روز مبارزه با استکبار جهانی تصویب شد. در تنفس برای خانواده های شهدای اهواز و اصفهان صحبت کردم. کاروان

---

۱ - در این نطق آمده است: «این روزها ما شاهد رحلت یکی از چهره‌های تابناک انقلاب و اسلام بودیم. حضرت آیت الله آقای خاتمی نماینده حضرت امام، امام جمعه یزد، عضو ارزشمند مجلس خبرگان و یکی از کسانی که همیشه با آزادگی و بزرگواری و صراحت و صداقت در میدان بود. رحلت ایشان برای ما یک ضایعه‌ای است. حضرت امام را آن چنان متأثر کرد که ایشان مراسم عید [میلاد حضرت رسول اکرم (ص)] را لغو فرمودند به محضر مبارک، حضرت امام، به مردم یزد و خانواده محترم آیت الله خاتمی و فرزند شایسته و دانشمندشان جناب آقای خاتمی وزیر محترم ارشاد از طرف همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تسلیت عرض می‌کنم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳٦۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

زینب و ستاد جذب کمک اهواز هم بودند[۱].

آقایان [مرتضی] الویری، [علی] آقا محمدی و [محسن] نوربخش آمدند. درباره کیفیت اعمال نظر شورای بازسازی پیشنهادی داشتند که مراحل برنامه ریزی مطابق معمول عمل شود و شورا در هر مرحله اعلان سیاست کند. ظهر آقای [محمدرضا] علیزاده از شورای نگهبان درباره آقای صمدی اهری آمد. درباره انتخابات گرگان مذاکره شد. جمعی به انتخاب آقای علوی اعتراض دارند.

عصر مدیران واحدهای بنیاد مستضعفان آمدند. برای آنها صحبت کردم[۲]. گزارش دادند که ۳۵ میلیارد تومان گردش پول در سال و بیش از یک میلیارد تومان کمک مستقیم به محرومان دارند. آقای تولائی و آقای [مسعود] نیلی آمدند. درباره ارز ساصد [= سازمان صنایع دفاع] از بانک مرکزی شکایت دارند.

شب مهندس [رجبعلی] طاهری از شیراز آمد. گزارشی از شیراز در مورد سوء استفاده از نظر امام در مورد ضد انقلاب داشت. با دکتر شبستری درباره کسالت عفت، تلفنی صحبت کردم. گفت عکس‌ها مرضی نشان نمی‌دهد. پس از دقت بیشتر جواب می‌دهند.

---

۱ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت: «از زیارت خانواده‌های معظم شهدا خیلی خوشحالم و این جزء افتخارات ماست که محبت این بزرگواران را نسبت به مجلس شورای اسلامی می‌بینیم و آنها را در میان خودمان مشاهده می‌کنیم. دیدار با شما مایه برکت و افزایش روحیه برای همه ماست. مردم خوزستان در طول جنگ نمونه بسیار روشنی از تحمل و استقامت را ارائه دادند. این مردم در چنین شرایطیآنجا ماندند و جبهه و پشت جبهه را حفظ کردند. ملت ما انصافاً به‌طور یکپارچه این جنگ را اداره کرد، اما استان اصفهان از لحاظ پشتیبانی مادی و نیروی انسانی در جنگ نقش برجسته‌ای را برای خودش حفظ کرد و این فداکاری‌ها در تاریخ ماندنی است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به مدیران و اعضای ستادی شرکت‌های تحت پوشش بنیاد مستضعفان تأکید کرد، اموال این بنیاد متعلق به ملت محروم و فقیر است و گفت: «وضع شما با یک مدیر شخصی فرق دارد. کار شما خدمت به فقرا است که اگر با حسن نیت و تقرب به الی‌الله انجام گیرد، عبادت محسوب می‌شود. این سازمانی که فعلاً بخش قابل توجهی از امکانات مادی کشور را به صورت متمرکز درآورده است، تجربه جدید و مهمی است که در روند حرکت اقتصادی و به عنوان یک راه حل برای معضلات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند باشد. شما در مقابل بخش خصوصی، امکاناتی دارید که بخش خصوصی ندارد. دولت و جامعه باید از شما حمایت کند. درآمدهای هر منطقه باید در همان منطقه خرج شود. وقتی کارگری که آنجا کار می‌کند و می‌بیند محصول زحماتش تبدیل به مدرسه یا تکمیل راه و احداث پل و به نحوی در رفع مشکلات منطقه مصرف می‌شود، انگیزه کار در او و مدیران و متخصصان بیشتر می‌شود.» آقای هاشمی خواستار مشارکت بنیاد در زمینه کشاورزی و صنایع بسته‌بندی و صدور میوه شد. ایشان همچنین با تأکید بر رفع محرومیت در مناطق محروم و سواحل جنوبی کشور، خواستار ایجاد اشتغال سالم و تأمین نیروی انسانی در اینگونه مناطق شد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آقای شمخانی خواست که فردی نظامی همراه هیأت به ژنو برود. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۹ آبان ۱۳٦۷ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ | ۳۱ اکتبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. تا نه و نیم گزارش‌ها را خواندم. آقای شیخ سعید شعبان از لبنان آمد. درباره حمایت ایران از نهضت‌های اسلامی تأکید داشت و خواست که با سوریه برای مبارزه با فالانژها و اسرائیل و حامیانش در لبنان همکاری کنیم. آقای سیدزاده از کارکنان مجلس آمد. پیشنهاد کمک مشاورتی در امور سیاسی با من داشت.

آقای [رضا] امراللهی[1] [رئیس سازمان انرژی اتمی] همراه با جمعی از دانشمندان فیزیک آمدند. برای آنها درباره ارزش علم و احترام به عالم صحبت کردم[2]. آقای جواد لاریجانی

---

۱ - روزنامه لوکتیدین دوپاری نوشت: «مهندس امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، سه سفر به آرژانتین داشته و در طول آخرین اقامت خود در این کشور، قراردادی را به ارزش ۵/۵ میلیون دلار برای تحویل اورانیوم غنی شده به میزان ۲۰ درصد با مقامات آرژانتینی به امضاء رسانیده است. این اورانیوم قرار است در یک رآکتور تحقیقاتی آمریکایی که در زمان شاه به ایران تحویل داده شده مورد استفاده قرار گیرد.» به نوشته این روزنامه که منبع خود را ذکر نکرد، ایران همچنین قرارداد دیگری را جهت تأسیس یک کنسرسیوم و تکمیل کردن دو مرکز هسته‌ای در بوشهر به امضاء رسانده است. اعضای این کنسرسیوم عبارتند از شرکت آلمانی « کا. وی. یو»، شرکت اسپانیایی «امبرساریوس اگروبادوس» و شرکت آرژانتینی « سی. ان . ای.». « لوکتیدین دوپاری » نوشت: متخصصان ایرانی طی ماه گذشته از یک کارخانه غنی سازی اورانیوم و یک مرکز هسته‌ای در آرژانتین دیدار کرده اند. از سوی دیگر سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران قرار است به‌دعوت کمیسیون ملی انرژی هسته‌ای برزیل، ظرف ماه جاری به این کشور مسافرت کرده و قراردادی را با این کشور به امضاء برساند. در همین حال ایران اخیراً دو قرارداد نیز با پاکستان منعقد کرد که هدف از آن تشکیل یک کمیسیون مختلط تحقیقاتی بین دو کشور است. براساس این قراردادها، فیزیک‌دانان ایرانی خواهند توانست در انستیتو علمی و تحقیقات هسته‌ای اسلام‌آباد کارآموزی کنند. «لوکتیدین دوپاری» تأکید کرد هدف ایران تولید پلوتونیوم ۲۳۹ طی پنج سال آینده است.» منبع : نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۱۳، صفحه ۲۹.

۲ - آقای هاشمی در دیدار با متخصصان و محققان شرکت کننده در سمینار تئوری ریاضی، طی سخنانی بر اهمیت جذب و تربیت نیروهای متخصص کشور تأکید کرد و گفت: «در خصوص مسائل انرژی اتمی، ما در آن حدی که باید باشیم نیستیم. در دنیای امروز، هیچکس نمی‌تواند از این پدیده کنار بکشد. کشوری که می‌خواهد در دنیا مدعی استفاده از علم روز دنیا باشد، نمی‌تواند خود را از این بخش مهم سیاسی و زیربنایی اتمی، مستغنی به حساب بیاورد. اما باید از فواید اتم در امر صلح استفاده کنیم. کسانی که در این بخش کار می‌کنند، می‌توانند مطمئن باشند که ثمره علم آنها هیچ وقت در تضییع حق دیگران استفاده نمی‌شود.» ایشان اظهار داشت: «رشته کاری شما چیزی است که اهمیت آن بر تمام مسئولین جمهوری اسلامی روشن است. سیاست کلی ما تقویت علم و دانش دانشمندان است. جمهوری اسلامی، دانش و وجود دانشمند را یک نوع ارزش تلقی می‌کند. اگر برخورد صحیحی با دانشمندان بشود، قسمت اعظم اینها جایشان در جمهوری اسلامی ایران است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آمد. گزارش سفر را داد و مدعی است یونان و آلمان و فرانسه گفته اند ارزان شدن نفت به نفع اروپا نیست. قدرت خرید کشورهای نفتی را کم می کند و آمریکا سودش را می برد که بازار کالاهایش بیشتر در اروپا است. فرانسه اصرار و تأکید داشته که در روابط آینده برای ایران در منطقه نقش درجه یک قائل است. اروپاییان بنا دارند به عراق برای اجرای قطعنامه فشار بیاورند و [هانس دیتریش] گنشر [وزیر خارجه آلمان غربی] گفته که آمریکا مانع تقویت نیروی نظامی ایران توسط غرب است.

ستاد پشتیبانی جنگ ساوه آمدند. مقداری طلا و جواهرات اهدائی مردم برای جبهه آوردند. گفتم به لشکر ۷۱ روح‌الله بدهند. ظهر آقای [ابولفضل] توکلی [بینا] آمد. گزارش وضع طرح ساختمان مسکن برای سپاه را داد و استمداد کرد. درباره امور شخصی هم صحبت شد. ایشان از طرف من برای انجام امور شخصی وکالت دارد. از حذف آقای [محسن] رفیق‌دوست [از کابینه دولت] ناراحت است.

عصر مسئول حزب بعث عراق در سوریه که علیه صدام مبارزه می کند، از طرف نخست وزیر سوریه و با پیام شفاهی حافظ اسد آمد و از ما برای ادامه مبارزه استمداد کرد. گفتم برنامه و امکانات و نیازها را برای بررسی بدهد. [سرهنگ جلالی] وزیر دفاع آمد. درباره برنامه خریدهای نظامی مشورت کرد.

آقای دکتر [محمدکریم] شهرزاد نماینده اصفهان آمد. خواست که برای روشن کردن نمایندگان با آنها بیشتر تماس داشته باشیم. او برای همکاری تحقیقاتی با صنایع نظامی اظهار آمادگی کرد. تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۱۰ آبان ۱۳٦۷ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ۱ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. هشت به جلسه علنی رفتم و تا ساعت نه و نیم در جلسه ماندم. به جلسه شورای بازسازی رفتم. درباره کیفیت اعمال سیاست شورا مذاکره شد که به گونه ای انجام شود تا روال کار موجود نظام را به هم نزنند. ناهار را در دفتر آقای خامنه‌ای خوردیم و سران سه قوه درباره مسائل مهم کشور مذاکره کردیم؛ بر توجه به

خواسته‌های آقای منتظری تأکید شد. به مجلس برگشتم. تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر استراحت کردم. گزارش‌ها را خواندم.

مسئولان پدافند سپاه آمدند. برای آنها صحبت کردم و تأکید بر آموزش و استفاده از فرصت برای رفع نقاط ضعف نمودم[1]. آقایان [محیی الدین] فاضل هرندی و منتظری و [محمد علی] نظران آمدند. درباره کیفیت ادامه کار هیأت بررسی و حل اختلافات سپاه و ارتش درباره مراکز مورد نیاز و اختلاف مذاکره شد. قرار شد به کار ادامه دهند و موارد را به من ارجاع نمایند.

سرشب آقای سید فضل الله آمد. درباره لبنان و روابط با کشورهای اسلامی و سیاست حمایت ایران از نهضت‌های اسلامی بعد از پذیرش قطعنامه پرسید و نظراتی ارائه داد[2].

در جلسه مجمع تشخیص مصلحت شرکت کردم. بحث بر سر تمرکز اطلاعات بود. سپاه و وزارت کشور مخالفت دارند و وزارت اطلاعات خواستار اختیارات وسیعی است. بالاخره قرار شد کمیسیونی حدود تمرکز و تعاریف اطلاعات نظامی، انتظامی و امنیتی را مشخص کند و به مجمع ارائه دهد.

---

۱ - فرماندهان و مسئولان پایگاه‌های پدافند موشکی سپاه به همراه فرماندهان گردان‌های پدافند فجر استان‌ها و واحدهای مستقر در جبهه‌ها، در پایان سمینار خود با جانشین فرمانده کل قوا دیدار کردند. در این دیدار ابتدا فرمانده پدافند نیروی هوایی سپاه، گزارشی از سمینار و برنامه‌های آتی آن ارائه داد. سپس آقای هاشمی در سخنانی با تأکید بر حفظ آمادگی دفاعی کشور گفت: «پدافند از جاهایی است که نباید تصور شود در زمان صلح لازم نیست، بلکه باید در این دوران با استفاده از تجربیات زمان جنگ، کارایی خود را برای زمان بالا ببرید. اصل نیروهای مسلح ما برای دفاع است. ما برنامه تهاجم نداریم. در انقلاب ما و اسلام، منطق نیرومندی است که اگر درست به آن عمل شود، نیاز به تهاجم و کشورگشایی نیست و مبنای کار ما بر این است که حرفمان را بزنیم و اسلام هم مبنایش چنین است.» ⟵ کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - خبرگزاری آلمان گفت: «اکبر هاشمی رفسنجانی مرد قدرتمند ایران اعلام کرد عراق یک «مثلث نامقدس» با مارونی‌های مسیحی لبنان و اسرائیل تشکیل داده و گام‌های آشکار ایران در جهت پشتیبانی از مسلمانان لبنان را در معرض تهدید قرار داده است. آقای رفسنجانی گفت: « دارو دسته بعث با موافقت آمریکا پول و اسلحه برای شبه نظامیان مارونی می‌فرستد. بعثی‌ها به طور آشکار یک مثلث نامقدس با مارونی‌ها و اسرائیل تشکیل داده و رژیم‌های مرتجع عرب نیز از این مسئله جانبداری می‌کنند.» وی اضافه کرد: « ایران، مسلمانان لبنان و پناهندگان فلسطینی باید از خود واکنش نشان داده و به طور آشکار و صادقانه آمادگی داشته باشند که شجاعانه بهای این رفتار را به عاملان آن بدهند.» رهبران عالیرتبه شیعه و سنی لبنان اخیراً در تهران با رئیس جمهور و رئیس مجلس ایران دیدار کردند و برخی از اعضای عالیرتبه حزب الله لبنان نیز در هفته‌های اخیر از تهران دیدن کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۱ آبان ۱۳٦۷ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۲ نوامبر ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل کار کردم. برای انجام کارهای نظامی به دفتر فرماندهی رفتم. آقای دکتر [حسن] فیروز آبادی [مشاور نظامی نخست وزیر] برای مشورت و نظرخواهی مسائل زیادی داشت. حدود دو ساعت کار داشت. آقای [علی] جنتی هم جداگانه مسائل دفتری را مطرح کرد. بعد از نماز ظهر و عصر آقای [محمود] محمدی عراقی آمد و از سپاه به خاطر عدم مراعات مقررات شکایت داشت. ناهار و استراحت و سپس ادامه کار.

آقای شمس فرمانده سپاه بدر متشکل از عراقی‌ها آمد. از نگرانی توّاب‌ها گفت و گزارش جامعی از وضع روحی و تمایلات آنها داد و در خصوص اینکه به مجلس اعلا واگذار شوند یا مثل وضع موجود، تحت امر سپاه باشند، مشورت کرد؛ جواب را موکول به مشورت با امام و سران قوا و با توجه به وضع آینده کردم. برای منزل و وام و مسائل مربوط به رفاه آنها استمداد کرد. آنها حدود هفت هزار نفر نیروی ثابت عراقی در سپاه دارند.

تیمسار شهبازی آمد. نظراتی درباره وضع ارتش و ستاد کل ارائه داد. او از ادغام ارتش و سپاه حمایت می کند. اول شب به خانه آمدم. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. آقای [محمد جواد] لاریجانی تلفنی اطلاع داد که دبیر کل سازمان ملل به دکتر ولایتی گفته که عراق در پشت مرزها تجمع نیرو دارد و خواسته است که نیروهای ما هوشیار باشند. آقای شمخانی هم همین مضمون را از آقای ژان کلی مسئول میانجی‌ها در ایران نقل کرد. به سپاه و ارتش دستور هوشیاری دادم و گفتم آب سلمان را زیاد کنند. احتمال هم دارد که این اخبار را برای تحت تأثیر قرار دادن هیأت ما در مذاکرات داده‌اند.

آقای شمخانی اطلاع داد که یک گله وسیع آفت ملخ، امشب از مرز آبادان وارد کشور شده و به سوی اهواز پیش می روند. از دیروز ملخ‌ها از کویت و عراق به ایران وارد شده‌اند، ولی خیلی انبوه نبوده‌اند.

پنجشنبه ۱۲ آبان ۱۳٦۷ | ۲۲ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۳ نوامبر ۱۹۸۸

اول وقت خبر دادند دیشب در فرودگاه، افراد سپاه با مأموران گمرک درگیر شده و آنها را

کتک زده‌اند. دستور رسیدگی فوری دادم. ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و تا هشت گزارش‌ها را خواندم. در مذاکرات ژنو پیشرفتی به چشم نمی‌خورد.

به جلسه مجلس رفتم. تا ساعت یازده در جلسه بودم. به آقای مجید انصاری که در جلسه گذشته از دست من رنجیده بود، ملاطفت کردم. استعفاء داده بود که پس گرفت. آقایان کروبی و فاضل هرندی از من خواستند که دلجویی کنم.

تیمسار ستاری [فرمانده نیروی هوایی] به دفتر آمد. گزارش شروع کار دانشگاه هوایی را داد و لوحه ای آورد و گزارش پیشرفت ساخت هواپیما را داد. ظهر آقای عبد خدائی آمد. گزارش وضع نمایندگان آقای منتظری در دانشگاه‌ها را داد و خواست که ما بیشتر به دانشجویان برسیم.

عصر آقای [سید محمد باقر] حکیم [رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق] آمد و گزارش سفر سوریه را داد. قرار شده در سوریه دفتر باز کنند و نیرو ببرند و اجازه ورود به خاک عراق و فعالیت سیاسی و رادیو بگیرند و با گروه‌های دیگر [مخالف صدام حسین] میثاق همکاری ببندند. از ما مخارج و اجازه سفر و امکانات می‌خواهند.

آقای آئینه وند، استاد ادبیاتم در زمان طلبگی آمد. از نمایندگان لرستان شاکی است. احترامش کردم و یک خودنویس هدیه دادم. سرشب آقای [غلامرضا] فروزش [وزیر جهاد سازندگی] آمد. گزارش وضع شیلات را داد و درباره امکانات مهندسی رزمی جهاد و همچنین ساخت موشک مشورت کرد. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. [آقای عیسی کلانتری] وزیر کشاورزی اطلاع داد که در مورد کثرت ملخ‌ها مبالغه شده است.

جمعه ۱۳ آبان ۱۳٦۷ | ۲۳ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ٤ نوامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. تا ساعت ده و نیم برای خطبه‌ها مطالعه کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر فیلم نامادری را تماشا کردم؛ جالب است. سرشب خانم دکتر منصوریان

[1] - در خطبه اول ادامه بحث استکبار و استضعاف با موضوع صفات مستکبران دنبال شد و درباره حق ناپذیری و انتقاد ناپذیری و خطرات چاپلوسان در گمراهی انسان‌ها، به نمازگزاران مطالبی مطرح گردید. در خطبه دوم درباره روز ۱۳ آبان و وقایع مربوط به این روز تحلیلی ←

آمد. از کانادا برگشته است. او از گرانی و مشکلات زندگی در خارج برای ایرانی‌های مهاجر گفت. آمده است که بماند. برای ارز فرزندانش که آنجا درس می‌خوانند، استمداد کرد.

آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد. نامه‌ای از [جیمی] کارتر [رئیس جمهور اسبق آمریکا] توسط مأموری رسیده بود که خواستار کمک ما به نجات گروگان های آمریکایی در لبنان است و از [الکساندر] دوما وزیر خارجه فرانسه پیام آورده بود. گفتم فردا شب به جلسه سران قوا بیاورند. گفت کارتر برای امام هم نامه ای نوشته است.

بستگان آمدند و شام را هم ماندند. محسن هاشمیان برای حل مشکلات شرکت تعاونی پسته رفسنجان استمداد کرد و مهدی همشیره زاده پیشنهاد حل موانع توسعه توریسم را داشت و گفت بنیاد مستضعفان آماده پذیرش توریست زیاد است.

شنبه ١٤ آبان ١٣٦٧ | ٢٤ ربيع‌الاول ١٤٠٩ ۵ نوامبر ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در خانه کار کردم. به مجلس رفتم. سعیدالذاکرین [مسئول روابط عمومی مجلس] آمد. درباره تعاونی مسکن کارکنان مجلس و کارهای روابط عمومی مذاکره داشت. آقای [علی اصغر] گرانمایه‌پور استاندار چهار محال و بختیاری آمد. او را عزل کرده‌اند و از اعمال غرض خطی شکایت داشت. آقای فرزاد دبیری آمد. نظراتی درباره سیاست بازسازی و به طور کلی سیاست کشور داشت. ظهر آقای [سید مجید] هدایت‌زاده آمد. درباره فروش نفت و پیشنهادهای فروش اسلحه اطلاعاتی داد.

ارائه شد و سپس بحثی با عنوان لزوم وحدت مسلمین و اهمیت آن برای جوامع اسلامی بیان گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: « در همین ده سال انقلاب، انقلاب اسلامی به اندازه یک قرن قشر جوان سراسر دنیا را بیدار کرده است. برای حسن استفاده از این بیداری و برای اداره کردن روحی این انسان‌های بپاخاسته و برای اینکه حق اسلام ادا شود و در هاله‌ای از ابهامات ساختگی و دست‌ساز کم نشود و برای حقیقت اینکه در درگیری‌های داخلی و نزاع‌های مذهبی گم نشود، باید فکری کرد و علمای اسلام در سراسر دنیا نیز باید همکاری کنند. ما باید با اینها کار کنیم و از مشترکات هم شروع کنیم. ایران اسلامی در شرایط حاضر می‌تواند الگوی خوبی باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

JIMMY CARTER

14 October 1988

To Speaker Rafsanjani

My hope is that, as soon as possible, the American hostages can be released in Lebanon. It is also important that friendly relations be reestablished between Iran and the United States.

[illegible] order to avoid publicizing this [illegible] in our country [illegible] to delay release of the hostages and be [illegible] in Lebanon. [illegible]

be willing to [illegible] [illegible] [illegible] Our Carter Center [illegible] non-partisan in all its [illegible]

Sincerely,

Jimmy Carter

دستخط نامه جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا به آقای هاشمی

عصر جمعی از خانواده‌های شهدای قیدار آمدند. از مسئولان شهر شکایت داشتند که بعد از شکست آقای [محسن] رهامی در انتخابات، با مردم بد رفتاری می‌کنند و از اداره اوقاف به خاطر سخت‌گیری در مورد اراضی موقوفه شاکی بودند. اخیراً سندی پیدا شده که کل منطقه [قیدار] وقف است؛ در مشروعیت وقف آنجا شبهه ایجاد شده است. قرار شد بررسی کنیم.

آقای مسعود بارزانی [رهبر حزب دموکرات کردستان عراق] آمد. گزارش وضع کردهای عراق و فشارهای بعث عراق و اذیت های ترکیه را گفت و برای امور رفاهی و تسهیلات سیاسی استمداد کرد؛ از ما راضی‌اند.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. نامه [جیمی] کارتر مطرح شد. قرار شد کسی به ملاقات او نرود. خواسته است که در آلمان با مأموران ما ملاقات کنند. قرار شد خبر [ارسال] نامه‌اش را خودمان پخش کنیم. در مورد خواست فرانسه برای ارتباط، قرار شد پیگیری شود. نسبت به اهل حق و سنی‌ها در مناطق غرب، قرار شد دستور خوش رفتاری داده شود. مسئله بهائی ها هم در مجمع تشخیص مصلحت مطرح گردید و در مورد لباس و حجاب هم مقداری بحث شد؛ نظر این بود که از سخت‌گیری‌های بی‌مورد مثل مقنعه در مدارس دخترانه که مرد در آنجا نیست، رنگ لباس و امثال اینها، [پرهیز و] کمتر زمختی شود. درباره بنیاد جانبازان هم مذاکره شد. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱۵ آبان ۱۳٦۷ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱٤۰۹   ٦ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسأله مهمی نبود. مذاکرات ژنو هنوز به جایی نرسیده است. تا آخر در جلسه علنی ماندم. [آقایان مهدی کروبی و حسین هاشمیان] دو نایب رئیس غایب بودند. در تنفس با جانبازان آسایشگاه امام خمینی قیطریه ملاقات کردم. خواستار تشکیل شورایی از نمایندگان خود جانبازان در بنیاد جدید برای نظر دادن در امور جانبازان بودند. از اینکه آسایشگاهشان تحویل بهزیستی شده است، ناراحتند. مدیر بهزیستی را نپذیرفته اند. خواستند مدیر بنیاد شهید برگردد. نامه های زیادی دارند. خواستار

خانه یا ماشین هستند و حقشان است. آنها قطع نخاعی‌اند. ظهر با فرزندان شهدای رشت و لنگرود ملاقات کردم و برایشان صحبت کردم[1].

ظهر اعضای کمیسیون کشاورزی آمدند[2] و از کم توجهی به آنها در شورای مشورتی بازسازی گله داشتند. عصر آقای [اصغر] ابراهیمی [مدیرعامل شرکت مترو] آمد. گزارشی از پیشرفت کار متروی تهران داد. از کمبود میلگرد و سخت‌گیری بانک مرکزی در تحویل ارزهای خودشان و عدم همکاری کشتی سازی در استفاده از اسکله برای صدور نفت کوره گله داشت و خواستار تشکیل مجمع [عمومی شرکت مترو] برای تصمیمات اساسی بود و مدعی است معدنی برای منبع ارزی مورد نیاز آینده پیدا کرده است. به [آقای محمدجواد ایروانی] وزیر اقتصاد و آقای [حمید] میرزاده [معاون اجرایی نخست وزیر] برای رفع مشکلاتش تذکر دادم.

اخوی محمد آمد. از کمبود ارز و اعتبار صدا و سیما گفت و خبر سلامتی حاج والده را داد. آقای [سید علی اصغر] حجازی معاون وزارت اطلاعات آمد. درباره مشکل تفرقه امور اطلاعات و مسائل دیگر صحبت کرد. آقای [سیدرضا] زواره ای آمد. درباره سیاست آینده کشور سئوالاتی داشت.

شب تا ساعت هشت و نیم کارهای عقب مانده را انجام دادم. به خانه آمدم. احمدآقا آمد. درباره سیاست بازسازی و عدم همکاری‌ها حرف داشت. آشیخ محمد هاشمیان، مهمانمان بود. گفت رهبر شیخیه، تولیت موقوفاتشان را به ایشان واگذار کرده و خیلی زیاد است. نگرانی دارد که اوقاف دخالت کند و نگذارد درست استفاده شود. خواستار راه حل

---

۱ - آقای هاشمی در سخنانی خطاب به فرزندان شهدای مدارس شاهد شهر رشت گفت: «حضور فرزندان شهیدان، سلامت جامعه و انقلاب اسلامی ایران را حداقل برای یک قرن بیمه کرده است. مدارس شاهد وظیفه دارند که در کنار تربیت فرزندان شهدا، ایثارگری‌ها و حماسه آفرینی‌های پدران شهید این فرزندان را در میدان نبرد بازگو کنند، تا فرزندان شهدا آماده ادامه راه پدران خود باشند. مسئولان کشور موظف هستند که اهمیت لازم را به فرزندان شهیدان بدهند و این اهمیت نباید با ترحم آمیخته باشد. شهدا قهرمانان تاریخ اسلام هستند و ارزش قهرمانی این شهیدان باید همواره مورد نظر قرار داشته باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - اعضای کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها عبارت بودند از آقایان: محی‌الدین فاضل هرندی (رئیس)، سید مصطفی فارغ (نایب رئیس اول)، احمد نیک فر(نایب رئیس دوم)، علی کرم محمدیان، خداکرم جلالی (منشی)، احمد کبیری(مخبر) و محمد تقی رنجبر، سید هاشم بنی هاشمی، سید احمد موسوی، محمد اکبرزاده، حمیدالدین ملازهی، سید محمود کاظم دینان و عباس حسنی سعدی، (اعضا).

است. گفتم رونوشت وقفنامه‌ها را بفرستد تا فکری شود.

دوشنبه ۱٦ آبان ۱۳٦۷ | ۲٦ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۷ نوامبر ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه کردم. به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. شورای بازسازی جلسه داشت. [آقای عبدالحسین وهاجی] سرپرست وزارت بازرگانی آمد. طرح آزاد کردن چند قلم کالای وارداتی را توضیح داد. قرار شد در کمیته مربوطه مشورتی بررسی شود و در جلسه بعدی بیاورد. پس از ناهار درباره دولت و مسائل سیاسی مهم دیگر مذاکره کردیم. قرار شد سیاست‌های کلی را اعلام کنیم و کار سیاست‌گذاری را پایان دهیم.

به دفترم رفتم. پس از استراحت تا ساعت هشت شب کارهای دفتر را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. به منزل آمدم. رضا هاشمیان [مدیرکل محیط زیست استان کرمان] آمد. گزارش سفر به کویت و پیام وزارت خارجه کویت را مبنی بر تمایل به حسن روابط و رفع کدورت‌ها داد و از تخریب محیط زیست در خجیر توسط سپاه شکایت داشت.

سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳٦۷ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۸ نوامبر ۱۹۸۸

اول وقت به مجلس رفتم و تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. قبل از دستور درباره نامه دیروز امام در پاسخ آقای [محمدعلی] انصاری صحبت کردم[1]. بعد از تنفس به دفترم آمدم.

---

[1] - در این نطق آمده است: « ما خدای را سپاسگزاریم که از نعمت رهبری‌های حکیمانه حضرت امام در مقاطع مناسب بهره‌مند می‌شویم. دیروز ما شاهد صادر شدن نامه مبارک ایشان بودیم که به حق از طرف مطبوعات منشور برادری نام گرفته. از آقای انصاری هم ما متشکریم که ایشان با سئوالشان زمینه چنین پیامی را فراهم کردند و سئوال به جایی بود. این سئوال بایستی می‌شد و حضرت امام در این باره خوب شد که ابراز نظر فرمودند. ایشان تأکید فرمودند بر صلاحیت دست اندرکاران و چهره‌های دو جریانی که در کشور ما وجود دارد و براثر اختلاف نظر گاهی مسائلی پیش می‌آید که ممکن است باعث دلهره مردم ما بشود که از اسلام انتظار وحدت دارند. این نصیحت حکیمانه، اندرز پدرانه و از روی دلسوزی که ما تلاش کنیم همه مسلمانانی که در جهت پیاده کردن اسلام داریم، تلاش می‌کنیم همراهی داشته باشیم و همدیگر را برادر و دوست خودمان بدانیم و اختلاف نظرها را با همان شیوه‌های اسلامی که قرآن به ما دستور داده حل بکنیم، یا به توافق برسیم یا نظر غالب را اجرا بکنیم. موضع صریحی که حضرت امام در خصوص صلاحیت دو جریان گرفتند، برای مردم ما حتماً ارمغان خوبی است که آرامش خاطر می‌دهد و ما نمایندگان مجلس به خصوص که تریبون آزاد و مستقیم دستمان است و هفته‌ای چند روز از این تریبون مستقیماً با مردم حرف می‌زنیم، مخاطب اصلی این دستورات اکید حضرت امام هستیم. ان شاءالله ما صلاحیت خودمان را در پند ﴿

جمعی از نمایندگان آمدند. از خشونت دستگاه قضایی و نیروهای انتظامی انتقاد داشتند. آشیخ قدرت علیخانی [سرپرست بنیاد شهید و کمیته امداد بوئین زهرا] آمد. توضیح خدمات خود در روستاهای قزوین را داد و اختلافش را با آقایان [سیدعلی اکبر] محتشمی [وزیر کشور] و قهرمان رحمانی گفت.

خانم مرشدی و رضا مقدم، از خانواده ای که ۱۱ شهید در اثر اصابت موشک صدام به خیابان نظام‌آباد [در شرق تهران] داده‌اند، آمدند و توضیحاتی دادند؛ زیور آلات همسر شهیدش را آورده بود که به خودش برگرداندم. فاطی آنها را معرفی کرده است.

آقای [محمد] خزائی نماینده سابق مجلس برای خداحافظی آمد. نماینده ایران در بانک جهانی شده است. عصر دکتر [هادی] منافی [رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست] و معاونان آمدند. از سپاه به خاطر تصرف مراکزی از محیط زیست شکایت داشتند.

به جلسه سه‌شنبه نمایندگان رفتم. چند نفر نماینده درباره ابهامات و تأثیر شورای بازسازی در تضعیف مجلس صحبت کردند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم و به سئوالاتشان پاسخ دادم و قانع شان کردم که مجلس تضعیف نمی‌شود. درباره لزوم ایجاد کار برای این دوره که طرح و لایحه کمتر داریم و فکری که باید برای زندگی مردم کرد، هم حرف زدم؛ جلسه مفیدی بود.

بعد از نماز مغرب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. بحث درباره تعزیرات حکومتی بود. اصل لزوم کنترل و مجازات متخلف تصویب شد و برای کیفیت آن، قرار شد قانون نظام صنفی مورد بررسی قرار گیرد.

احمدآقا اطلاع داد که [فتح الله] امید نجف‌آبادی را اعدام کرده‌اند. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] اطلاع داد که منافقین حدود چهار صد تن از اسرای ما را آزاد کرده‌اند که از منطقه قصرشیرین وارد ایران شده‌اند. دکتر جزایری برای معاینه کمرم که

←پذیری و تبعیت از ولایت فقیه نشان بدهیم. نکته بسیار مهمی که حضرت امام در مورد اجتهاد و مجتهد مؤثر در امور اجتماعی و امور سیاسی کشور فرمودند، قابل توجه است که چنین اظهارنظری از شخصیت عظیم فقاهت مثل ایشان، راهنمای خوبی است برای حوزه‌ها و برای کسانی که انتظار دارند که از حوزه و از طرف فقها مسائل اجتماعی کشور مورد توجه قرار بگیرد و راه اجتهاد مؤثر و ذیحق در اداره امور کشور را ایشان معین فرمودند. با این منشور برادری، منشور انقلاب و پیام بازسازی امام مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که در این مقطع می‌تواند برای ما مؤثر باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

درد دارد، آمد. دستور ورزش داد.

چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۳٦۷ | ۲۸ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۹ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها آمده که جرج بوش به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده است. آقای مجتهدی عضو مجلس خبرگان و امام جمعه بهبهان آمد. برای ساخت بیمارستان در بهبهان کمک خواست.

آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. در مورد عدم همکاری من در تصویب پیشنهاد وزارت اطلاعات در مجمع تشخیص مصلحت گله کرد. خواسته بودند همه اطلاعات های دیگر منحل شود و وزارت تبدیل به سازمان شده و زیر نظر رئیس جمهور باشد. توضیحات قانع کننده دادم. آقای [دریادار] ملک‌زادگان فرمانده نداجا [=نیروی دریایی ارتش] آمد و گزارش مین‌روبی را داد و برای تعمیر ناو سبلان کمک گرفت.

عصر به جلسه شورای بازسازی رفتم. گزارش کمیته بررسی بازرگانی آزاد را آوردند. قرار شد تا یک هفته دیگر برنامه آزاد کردن تعدادی از اقلام وارداتی را بیاورند. آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. درباره سیاست مذاکره با معاون وزارت خارجه شوروی در خصوص افغانستان که فردا به ایران می‌آید و درباره مذاکرات ژنو استفسار کرد. اطلاع داد که احتمالاً فردا تجدید روابط با انگلیس اعلام می‌شود[1]. درباره دولت و سیاست بازسازی هم مذاکره کردیم. به خانه آمدم.

---

۱ - بخش فارسی رادیو مسکو در این باره گفت: «برطبق گزارش‌های خبرگزاری‌های جهان، ایران و انگلستان درباره از سرگیری روابط سیاسی در ابعاد کامل به توافق رسیدند. اخیراً دیپلماسی ایران در جهات مختلفی دست به اقدام زده است. آنچه که به جهت عمده یعنی مذاکرات ایران و عراق در ژنو مربوط است، باید گفت که پیشرفت محسوسی در آنجا حاصل نشده است، اما در جهات دیگر موفقیت‌های آشکار و روشن دیده می‌شود. همان طوری که خبرگزاری رویتر خاطرنشان ساخت از سرگیری روابط سیاسی ایران با انگلستان در سطح سفرا آخرین گام در کارزار تهران جهت بیرون آمدن از انزوای سیاسی است. قبلاً ایران روابط سیاسی خود را با فرانسه، کانادا، کویت و بحرین در سطح عالی‌تری قرار داد. این روزها هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران به طور کامل ماهیت این تغییرات را تشریح کرد. روش جدید ایران که حداقل رسماً اعلام شده، با مساعد شدن جو بین‌المللی در جهان همراه است.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳۷، ۶۷/۸/۲۱، صفحه ۱۴.

پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۷ | ۲۹ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده در جلسه علنی بودم. دستورمان تمام شد. تا ظهر در دفترم کار کردم. ظهر برای ملاقات آقای [واعظ] طبسی به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. درباره مسائل آستان‌قدس، دولت و جنگ و سپاه مذاکره کردیم.

به دفترم برگشتم. کارگران کارخانه تولیدی تهران آمدند و مبلغی برای جنگ آوردند. آقای [حسین] شیخ الاسلام و سفیرمان در کنیا آمدند. اطلاعاتی درباره کنیا و برنامه سفر رئیس جمهور کنیا به تهران دادند. آقای عبدالله نوری آمد. نتیجه کار خود درباره تشکیلات نیروهای مسلح را آورد.

آقای [محمد] معزالدین نماینده اصفهان آمد. از مدیریت دولت انتقاد کرد و پیشنهاد تغییر کابینه را داد. رئیس شهربانی و رؤسای ادارات تابعه آمدند. گزارش وضع راهنمایی و نیازها را دادند و کمک مالی و نیروی انسانی بیشتر و تقویت و حمایت سیاسی خواستند. شب تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و بقیه کارها را برای انجام به خانه آوردم.

جمعه ۲۰ آبان ۱۳۶۷ | ۳۰ ربیع‌الاول ۱٤۰۹ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. کار زیادی از مجلس آورده بودم که تمام وقتم را گرفت و تمام نشد. ظهر عفت و فاطی، مهمان بستگان بودند. عصر فیلمی به نام «زنگ‌ها» تماشا کردم که محتوای مفیدی نداشت[1]. گزارش ها را آوردند، خواندم. مطلب مهمی نداشت. استاندار کرمان آمد. از ناامنی‌های ناشی از قاچاقچیان و ضدانقلاب که همکاری دارند، گزارشی داد و استمداد کرد. محسن هم آمد. از او گزارش کار صنایع موشکی را گرفتم. از برنامه آماده سازی زمین قم برای کاشت نهال پسته در اسفند ماه گفت.

---

[1] - فیلم سینمایی زنگ‌ها به کارگردانی محمد رضا هنرمند با فیلمنامه‌ای از محسن مخملباف و بازی محمد کاسبی و علی حاتمی، محصول حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بود. ماجرای فیلم این بود که با تلفن‌های مشکوکی افرادی تهدید و به قتل می‌رسند. خبرنگاری ماجرای قتل‌ها را دنبال می‌کند و خود خبرنگار نیز تهدید به قتل می‌شود.

شنبه ۲۱ آبان ۱۳٦۷ | ۱ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت صبح با هلی کوپتر به پرندک رفتیم. در پادگان شهید مصطفی خمینی برای پرسنل کمیته انقلاب سخنرانی کردم[1] و نظام جمع و نمایش‌ها را دیدم. ساعت ده و نیم به شهر برگشتیم. برای جلسه شورای بازسازی به دفتر رئیس جمهور رفتم. آخر جلسه درباره بنیاد جانبازان و دولت و مسائل جاری مذاکره شد.

عصر [آقای الکساندر ویسمرتنیخ] معاون وزارت خارجه شوروی به ملاقاتم آمد[2]. درباره توسعه روابط و حل مسئله افغانستان صحبت کردیم. با صراحت گفت شوروی در گذشته راه انحرافی می رفت و اکنون پشیمان است و تغییرات اساسی در آینده خواهند داشت و با تعبیر به انقلاب از تحولات اخیر یاد کرد و گفت دموکراسی و شرکت مردم در امور اقتصادی تقویت می‌شود. برای سفر من به شوروی تأکید نمود.[3]

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - فرستاده ویژه شوروی در این دیدار ضمن اعلام آمادگی آن کشور برای گسترش مناسبات در سطحی جدید، از سوی آقای گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی از آقای هاشمی برای انجام یک دیدار رسمی از آن کشور، دعوت رسمی به عمل آورد. آقای هاشمی در این دیدار با اشاره به اینکه ایران از اول پیروزی انقلاب سیاست حسن همجواری و توسعه مناسبات با همه همسایگان از جمله اتحاد شوروی را جزو سیاست‌های خود قرار داده است، گفت: « مسأله افغانستان ابتدا گرهی در روابط ایجاد نمود و سپس موضع شما نسبت به مسأله عراق به این مشکلات افزود. ما بارها در گذشته مذاکره کردیم و به تصمیم‌گیری نیز رسیدیم، ولی وارد مرحله عمل نشدیم. از طرف ما مانعی برای گسترش مناسبات وجود ندارد و در شرایط کنونی هم می‌پذیریم که شما جدی هستید. بنابراین بهتر است زودتر اقدامات عملی را شروع کنیم. در ارتباط با عراق ما به طور جدی طالب صلح هستیم ولی این عراقی‌ها هستند که بهانه‌جویی می‌کنند. البته ما عراق را بیشتر از این وابسته می‌دانیم که در مورد مسأله مهمی مثل این مسأله، بتواند برای خودش تصمیم‌گیری کند. در مورد مسأله افغانستان از ابتدا موضع ما این بود که مردم افغانستان باید به طور جدی به حساب آیند و سرنوشت خود را خودشان رقم بزنند. چنانچه شرایطی پیش آید که آینده افغانستان در دست مردم آن کشور قرار گیرد، از سوی جمهوری اسلامی ایران، تلاش جدی برای حل این مسأله صورت خواهد گرفت.» در این دیدار معاون اول وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی نیز با اشاره به اینکه شوروی، انقلاب جدیدی را آغاز کرده است، گفت: « ما در دهه‌های اخیر دچار اشتباهات بسیار شده و از راه راست منحرف شدیم. در ارتباط با افغانستان، این مشکلی است که برای ما به وجود آمده و ما برای حل مسأله افغانستان واقع‌بین هستیم و نیروهایی را که در افغانستان هستند، نمی‌توانیم نادیده بگیریم. اتحاد شوروی منافع ایران را در رابطه با افغانستان قبول دارد و امکان حل و فصل مسالمت آمیز مسأله را پیوسته مدنظر خواهد داشت.»

۳ - رادیو اسرائیل گفت: «حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با معاون وزیر خارجه شوروی به وی گفت: «دولت مسکو باید عملاً ثابت کند که مایل به بهبود مناسبات با حکومت اسلامی ایران می‌باشد.» ایران در گذشته نزدیک، شوروی را به حمایت فعال از عراق و ارسال مقادیر عظیمی اسلحه به آن کشور به منظور به کارگیری آنها علیه ایران متهم ساخته است. مقامات حکومت اسلامی در عین حال که شوروی را در رابطه با مسئله افغانستان مورد انتقاد شدید قرار می‌دهند، اعلام می‌دارند که مواضع دو کشور در مورد امنیت خلیج‌فارس ←

مسئولان استان سیستان و بلوچستان و وزارت کشور آمدند. درباره مشکلات منطقه استمداد کردند. وجود جمع زیادی مهاجر افغانی، مشکلات زیاد اقتصادی و اخلاقی به وجود آورده: قاچاق، بیکاری، امراض مسری و ناامنی. تصمیماتی در جهت رفع اشکالات اتخاذ شد.

اطلاع دادند که حدود چهل اتومبیل که احتمالاً از منافقین باشد به استان سیستان و بلوچستان در مرز افغانستان وارد شده است. به نیروهای نظامی تأکید شد که آماده سرکوب باشند و آقای آشجع استاندار هم به منطقه برگشت. به خانه آمدم. سریال اوشین [= سال‌های دور از خانه] را تماشا کردم. شام خوردم و سپس خوابیدم.

یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳٦۷ | ۲ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. گزارش‌ها مسئله تازه مهمی نداشت. تا نه و نیم در جلسه علنی بودم. به شورای بازسازی رفتم. درباره مسئله افغانستان و سیاست‌های کشاورزی و صنعتی بحث شد.

برای ملاقات با [آقای صاحب زاده یعقوب خان] وزیر خارجه پاکستان به مجلس برگشتم. ملاقات طولانی شد. درباره تحسین روابط با عربستان سعودی و مسئله افغانستان مفصل حرف زد. قرار شد به میانجیگری با عربستان سعودی ادامه دهد. مشکل عمده مسئله حج است. در مورد افغانستان، طرح مجاهدین برای تأسیس شورای جهادی صد نفره و انتخاب دولت موقت و... گفت؛ به نظرم کامل نیست. دو سه سئوال کردم که جواب نداشت و گفت تکمیل می‌شود: سرنوشت طرفداران حکومت فعلی کابل، سهم مجاهدان شیعه و رأی مردم تحت حاکمیت رژیم کابل. پیام آمریکایی‌ها را مبنی بر تمایل به حل

←شبیه یکدیگر است و به موازات آن دو دولت خواهان گسترش مناسبات بازرگانی و اقتصادی می‌باشند. طی اقامت معاون وزیر خارجه شوروی در تهران از حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی از طرف آقای میخائیل گورباچف رهبر شوروی دعوت به عمل آمد که از مسکو رسماً دیدن کند ولی تاریخ این مسافرت هنوز تعیین نشده است. سال گذشته نیز حجت الاسلام رفسنجانی به دیدار از مسکو دعوت شد ولی به علت بحرانی گردیدن روابط دو کشور این مسافرت عملی نگردید.» منبع: نشریه «گزارش‌های ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی»، ٦۷/۸/۲۲.

مشکلات فیمابین با مذاکره مستقیم گفت که گفتم اول باید مدتی دست از خصومت بردارند و اموال ما را آزاد کنند تا جو مناسب به وجود آید. اجازه خواست که هیأت نظامی پاکستان برای همکاری در امور نظامی به ایران بیاید؛ موافقت کردم.

ظهر آقایان هراتی و شهیدی آمدند. گزارش سفر به هند و پاکستان را دادند. برای توسعه کار تبلیغات و برای شیعیان پاکستان و هند و امام جمعه دهلی کمک مالی خواستند.
عصر مدیر کل‌ها و مسئولان آموزش و پرورش به ملاقات آمدند. دکتر [محمد علی] نجفی [وزیر آموزش و پرورش] گزارش داد و من هم صحبت مفصلی کردم و اولویت آن را در بازسازی تأکید نمودم[1].

آقایان ناطق نوری و [محمد رضا] باهنر آمدند. درباره سیاست بازسازی، ریاست جمهوری آینده من و تعویض دولت صحبت کردند. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش وضع نزاجا را داد و برای تدارک استمداد کرد. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم. شام و نوشتن خاطرات و سپس استراحت. دیشب و امروز باران خوبی در تهران بارید؛ اولین باران مفصل پائیزی است.

دوشنبه ۲۳ آبان ۱۳٦۷ | ۳ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ — ۱٤ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت نه ونیم صبح به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. قبل از تشکیل جلسه شورای بازسازی، درباره ریاست جمهوری آینده مذاکره کردیم. آقای خامنه‌ای راه را منحصر به نامزد شدن من می دانند. قرار شد قبلاً با امام صحبت شود. در شورای بازسازی تا ظهر عناوین

---

[1] - در این سخنرانی آمده است: « خوشبختانه روحیه معلمی و محیط تعلیم و تربیت، محیطی سالم، قانع و پرتلاش است. به جز کاستی‌های ناشی از کمبود امکانات و نداشتن ابزارهای لازم برای بروز استعدادها و خلاقیت‌ها، هیچ نقطه ضعف قابل توجهی به این محیط فرهنگی متصور نیست. تحقیقاً اداره امور معلمین که قشری قانع و زحمتکش هستند و بهترین کار کشور را انجام می‌دهند، دینی به گردن این ملت و نظام است. حضور کارساز معلمین در جبهه‌ها در طول جنگ بسیار جدی و ملموس بود. برای جبران عقب ماندگی آموزش و پرورش نیاز به یک بسیج جدی داریم. کاری که تا حدودی در آموزش عالی با تأسیس مراکز دانشگاه آزاد اسلامی انجام شد، اما تاکنون در آموزش و پرورش صورت نگرفته است. خوشبختانه مجلس در این دوره از لحاظ نیروی معلم بسیار غنی است و تعداد زیادی از معلمان شایسته و صالح هم اکنون در مجلس وجود دارند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

سیاست‌های مورد نظر تکمیل شد و قرار شد برای اظهار نظر به مشاوران بدهیم و طرح‌های بازسازی مناطق آسیب دیده برای تتمه امسال تصویب شد. بعد از ناهار و نماز، درباره دولت مذاکره کردیم. به دفترم آمدم.

بعد از استراحت، آقای عمادی امام جمعه گنبدکاووس آمد. او از ضعف حمایت از بخش کشاورزی شکایت داشت.

جلسه شورای امنیت کشور با حضور استانداران استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، خراسان و هرمزگان و فرماندهان سپاه و نمایندگان استان کرمان تشکیل شد. در این جلسه وضعیت امنیت شرق کشور، با توجه به خطر قاچاقچیان و ضدانقلاب بررسی شد و از ساعت چهار بعد ازظهر تا نه شب طول کشید. پس از بررسی کامل، قرار شد مسئولیت برقراری امنیت به عهده نیروهای انتظامی باشد؛ با دادن امکانات و اضافه شدن نیروی ضربتی سپاه برای احتیاط. ستاد کل نظر داده بود که کار را به سپاه بسپاریم. شام را هم در مجلس خوردند. آقای ورزدار از محافظانم از خوزستان آمده بود و برنامه کار سفرم را آورد. بررسی و تصویب کردم. ساعت ده شب به خانه رسیدم.

سه‌شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۷ | ٤ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. آقای دکتر روحانی برای گزارش مذاکرات ژنو آمد. [آقای دانیل آراپ مویی] رئیس جمهور کنیا برای ملاقات آمد[1]. در حیاط مجلس به استقبالش رفتم. بازدید کوتاهی از مجلس کرد و سپس به مذاکره نشستیم.

---

۱ - در این ملاقات رئیس جمهور کنیا گزارشی از وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قاره آفریقا ارائه داد و خاطرنشان کرد که مردم آفریقا به نوعی فداکاری نظیر آنچه مردم ایران از خود نشان دادند و وطن خود را حفظ کردند، نیاز دارند. آقای هاشمی نیز لزوم اتحاد و همفکری تمامی مردم و دولت‌های آفریقایی با یکدیگر را مورد تأکید قرار داد و گفت: « آفریقا دارای دهها سال سابقه مبارزاتی علیه استعمار است. بنابراین یک اتحاد قوی از مردم آفریقا به توفیق مردم این قاره منجر خواهد شد. امواج بیداری در آفریقا در گذشته بیشتر به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد اکنون یک رکود جایگزین آن شده است. اگر مردم آفریقا اقدامی همه جانبه علیه ظلم و ستم آغاز کنند، افکار عمومی جهان با آنان همراه خواهد شد.»

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی
حضرت آیة‌الله العظمی امام خمینی (مدظله العالی)

السلام علیکم و رحمة‌الله

به دنبال احساس نیاز به ایجاد مصلای تهران و در پی جستجو و بررسی چند ساله، محلی مناسب در قسمت شمال مرکزی تهران (عباس‌آباد) که در مالکیت شهرداری است شناسائی شد و طرح مناسب و جامعی پس از مشورت فراوان و به مسابقه گذاشتن میان مهندسان داخلی و خارجی، تهیه شد.
از آنجا که مشکلات حقوقی و شرعی و تشریفات انتقال قانونی به این زودیها قابل حل نیست و مشکلات اقامه‌ی نماز جمعه‌ی تهران در دانشگاه روز افزون است و به نظر میرسد که این کار باید به همت و اراده‌ی حضرتعالی به سرانجام برسد. لذا استدعا دارد اجازه فرمائید به مقدار یک میلیون متر مربع از اراضی مزبور درحد فاصل خیابان شهید بهشتی به سمت شمال، که قسمت اعظم آن نیز با موافقت شهرداری محصور گردید و در اختیار مصلا است به ساختمان مصلا و تا حد لازم درمحور قبله از شمال آن برای سایر مرافق اختصاص یابد و تصدی امور آن با امام جمعه تهران باشد.
همچنین طرحهائی که بعداً در حریم مصلای تهران پیش بینی میشود با موافقت امام جمعه انجام گیرد. ا.

بسمه تعالی
با حفظ جهات شرعی در مورد زمین مذکور، با پیشنهاد محترمانه آقایان موافقت میشود. ان شاء الله در کنار ساختن مصلای تهران در ساختن بیش از پیش مساجد در روستاها بکوشید. هر چند معتقدم که مصلی باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد و در شیوه آن از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام امریکائی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست اندرکاران برپاکننده مساجد را تأیید فرماید. روح الله الموسوی الخمینی
۶۷/۸/۲۴

پاسخ امام خمینی (ره) به درخواست آیت الله خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی

جلسه خصوصی خواست و درباره «تری ویت»[1] استمداد کرد. گفتم فالانژها گروگان‌های ما را آزاد کنند تا ما شفاعت کنیم.

ظهر دکتر ولایتی آمد. گزارش ژنو را داد. معتقد است عراقی ها در صلح جدی هستند، ولی از بندهای ۴ و ۶ قطعنامه خائفند. آقای [سید جمال] ساداتیان آمد. او درباره روابط با چین و تایوان و کره جنوبی گفت.

عصر آقای [محمد علی] صدوقی درباره ادامه نمایندگی با فرض امامت جمعه یزد مشورت کرد؛ گفتم فعلاً بماند. آقای [محمد سعیدی کیا] وزیر راه و [ترابری] و [محمد رضا] مجیدی [مدیر عامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی] آمدند. گزارش وضع هواپیمایی را دادند و از کمبود هواپیما و مسافر زیاد گفتند. آقای موسوی [برادر کاردار ربوده شده ایرانی در بیروت] آمد. گزارش وضع لبنان را داد و مشورت کرد.

آقای بهزاد نبوی آمد. درباره مسائل کشور و لزوم تمرکز قدرت و داشتن رئیس مقتدر یا شورای انقلاب مانند نظر داشت و مشکل دولت را در تردید و عدم قاطعیت در کارها می‌داند. شب به مجمع تشخیص مصلحت رفتم. دوباره تعزیرات حکومتی در دستور بود. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۵ آبان ۱۳٦۷ | ۵ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱٦ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و ربع به فرودگاه رسیدم و بلافاصله سوار هواپیما شدم. نمایندگان خوزستان و رؤسای دو دفتر [ریاست مجلس شورای اسلامی و دفتر فرماندهی کل قوا] هم بودند. در فرودگاه گفتند که رئیس جمهور کنیا مایل است ملاقات دومی با من داشته باشد و یا تلفنی صحبت کند. گفتم از اهواز صحبت می کنیم. در راه با نمایندگان درباره اوضاع خوزستان صحبت کردیم.

ساعت نه و نیم وارد فرودگاه اهواز شدیم و استقبال رسمی - برای اولین بار بعد از

---

۱ - تری ویت، فرستاده ویژه کلیسای کانتربری انگلستان بود که در ژانویه ۱۹۸۸ در لبنان به گروگان گرفته شد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید ← کتاب ماجرای مک فارلین؛ فروش سلاح _ آزادی گروگان ها، محسن هاشمی، حبیب الله حمیدی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۸.

شروع جنگ – انجام شد. بعد از مصاحبه کوتاه تلفنی به محل مهمانسرای ژاندارمری رفتیم. بعد از مذاکرات مقدماتی با [آقای محسن میردامادی] استاندار و [آیت‌الله موسوی جزایری] امام جمعه [اهواز] به جلسه شورای اداری رفتم. استاندار گزارش داد و من صحبت مفصلی داشتم[۱] و به سئوالات پاسخ دادم. سئوالات سیاسی - اقتصادی بود[۲].

ناهار را با روحانیون منطقه صرف کردم و سپس جلسه ای با آنها داشتیم. بیشتر حضار طلاب جوان عرب بودند. شاعری عرب بنام « شبرّی » شعری درباره من خواند و خیر مقدم گفت و آقای [موسوی] جزایری امام جمعه [اهواز] و نماینده امام [در استان خوزستان] نیز خیر مقدم گفت و به مشکل کمبودها اشاره کرد. من هم مفصلاً صحبت کردم نقش و تکلیف روحانیت را در انقلاب گفتم[۳].

---

۱ - جانشین فرمانده کل قوا در جلسه فوق‌العاده شورای اداری استان خوزستان تأکید کرد: «علیرغم وجود احتمال ضعیف در تجدید جنگ باید کار بازسازی را عملاً آغاز کنیم. اکنون کشور در شرایطی است که باید برای روزهای سازنده آماده شود و احتمال تجدید جنگ بسیار ضعیف است. عراقی‌ها شرایط تجدید جنگ و توان آن را ندارند و ما نیز نمی‌خواهیم جنگ مجدداً شروع شود. علی‌رغم این مسأله باید آمادگی نیروها همچنان حفظ شود.» آقای هاشمی با اشاره به پیام اخیر حضرت امام در مورد دو جناح فکری، از اختلاف نظرها در بین مسئولین به عنوان یک نقطه ضعف نام برد و تأکید کرد: «باید اختلاف نظرها را رفع کنیم تا بتوانیم مسائلمان را حل کنیم. تشدید اختلاف نظرها موجب خواهد شد که مسائل مردم فراموش شود، لذا به خاطر خدا، مردم و مصالح انقلاب باید بعضی چیزها را نادیده بگیرید و با هم کار کنید تا امکانات مردم به هدر نرود. دو جریان فکری معتقد به اسلام می‌باشند، به هر حال این دو جریان ملزم به همکاری با یکدیگر هستند و نباید اجازه داده شود این موضوع موجب معطلی کار مردم شود. امکانات عظیم استان خوزستان و نقش این استان در دوران بازسازی، باعث شده از سوی کشور و انقلاب امید زیادی به خوزستان دوخته شده باشد و خود این استان نیز نسبت به انقلاب حق زیادی دارد. باید خیلی جدی و با فرصت کافی که اکنون در اختیار دارید، برای دوران بازسازی برنامه ریزی واقع بینانه‌ای در نظر بگیرید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از رادیو بغداد گزارش داد که براساس تصمیم شورای فرماندهی انقلاب عراق، اولین گروه از افسران ذخیره در اول ماه دسامبر [۱۰ آذرماه] مرخص خواهند شد. این در حالی است که رادیو تهران طی گزارشی اعلام کرد واحدهای جدید داوطلبان بسیج به جبهه‌های جنگ اعزام خواهند شد تا آمادگی رزمی ایران همچنان حفظ شود. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران طی سخنانی در استان خوزستان گفت: «احتمال از سرگیری جنگ اندک است ولی ما باید آمادگی خود را حفظ کنیم.»

۳ - در این سخنرانی آمده است: « به اندازه کافی تاکنون از معارف اسلامی برای مردم سخن گفته‌ایم و باید به آن عمل شود. اگر تجربه انقلاب موفق نشود، شکست جدی خواهد بود. راه صحیح تبلیغ، صرفاً حرف زدن نیست و اگر بخواهیم پس از حرف‌هایی که تاکنون به مردم گفته‌ایم کشور را بسازیم، باید به تلاش خود بیفزاییم. باید از درخواست‌های مردم استقبال کنیم و به مسایل آنان بپردازیم. مسئولیت روحانیون مهم است و روحانیون وظیفه‌ای عمده دارند و مردم نیاز دارند که در میان آنان باشید و روحانیون برای حفظ مردم و پاک کردن محیط جامعه از سم پاشی‌های دشمنان وظیفه مهمی دارند. دوران سخت را اینک پشت سر گذاشته‌ایم و باید فکر کرد که روز اول انقلاب است و می‌خواهیم کشور را بسازیم و در این راه باید مردم را حمایت کرد و دست به دست هم بدهیم تا جامعه‌ای را که مردم انتظار دارند بسازیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



محسن میردامادی استاندار خوزستان و آیت الله موسوی جزایری نماینده امام و امام جمعه اهواز



حضور در گلزار شهدای اهواز و اداء احترام به شهدای دفاع مقدس



حضور در جلسه شورای اداری استان خوزستان و ارائه گزارش توسط استاندار



سخنرانی در جمع روحانیون و ائمه جمعه استان خوزستان

تا ساعت سه ونیم به شنیدن اخبار و استراحت گذشت. اعلان دولت موقت در کشور مستقل فلسطین در کرانه غربی رود اردن و پذیرش وجود رسمی اسرائیل از سوی فلسطینی‌ها مهمترین مسئله روز در جهان است[1].

ساعت سه و نیم ائمه جمعه خوزستان آمدند. درباره نیازها و مشکلات کار ائمه جمعه صحبت شد. خواستار رسمی شدن نهاد امامت جمعه بودند. گفتم این مطالب باید در سمینار سراسری ائمه جمعه تصمیم‌گیری شود و از تبعید تعدادی از شیوخ عرب خوزستان که ضد انقلاب اند، ابراز رضایت کردند. قبل از شرکت در اجتماع مردم برای زیارت قبور شهدا به گلزار شهدا رفتیم. آقای جزایری گفت حدود سه هزار شهید در آنجا مدفونند.

در مصلای بزرگ اهواز به محل اجتماع مردم رفتم. آقای جزایری خیر مقدم گفت و من مفصلاً صحبت کردم[2]. از مقاومت مردم خوزستان ستایش کردم و وعده بازسازی وسیع

---

۱ - یاسرعرفات رهبر سازمان آزدیبخش فلسطین در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸ (۲۴آبان) بیانیه استقلال و تشکیل دولت فلسطین را برای شورای ملی فلسطین مشتمل بر ۴۵۰ عضو قرائت کرد. این اعلام استقلال کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را در برمی‌گرفت. شورای ملی فلسطین، این بیانیه را با ۲۳۵ رأی موافق، ۴۶ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به تصویب رساند. در این بیانیه برپایی دولت فلسطین بر ارض فلسطین با بیت المقدس به عنوان پایتخت تأکید شد. در پی اعلام استقلال فلسطین، دولت‌های سوریه و لیبی با تشکیل دولت جدید فلسطینی مخالفت کردند. تعدادی از گروه‌های فلسطینی هم حرکت یاسر عرفات را یک فاجعه خواندند. اسرائیل هم ضمن رد دولت مستقل فلسطینی اعلام کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین از محکوم کردن تروریسم و شناسایی صریح اسرائیل طفره رفته است. ۳۷ کشور جهان از جمله کشورهای مالزی، موریتانی، ترکیه، اندونزی و بنگلادش، دولت جدید فلسطین را به رسمیت شناختند. آمریکا هم تشکیل دولت فلسطین را رد کرد و بر رفع مشکلات با انجام مذاکره تأکید نمود. ایران نیز اقدام عرفات در سازش با اسرائیل را محکوم کرد.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «ملت غیور ما در مقابل عظیم‌ترین تهاجم تاریخ از خود یکپارچگی و وحدت کلمه‌ای نشان داد که در تاریخ بیش از حد انتظار ناظران بود. آنها تهاجم تبلیغاتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی کردند که برای درهم شکستن وحدت مردم و فرو پاشیدن انسجام جامعه مطرح شد و نمونه آن را ما در تاریخ جنگ‌های دنیا پیدا نمی‌کنیم. خوزستانی‌ها نیز مانند سایر افراد ملت با مقاومت هوشیارانه در مقابل موج عظیم تهاجم ضدبشری، ضدانسانی و ضداسلامی از خود اسطوره و نشانی به جای گذاشتند که آینده تاریخ مجبور است به این همه مقاومت و شهامت تحسین بگوید.» آقای هاشمی با تجلیل از مردم این منطقه که سختی‌های فراوانی را در طول جنگ متحمل شده‌اند، گفت: «هشت سال است قبایل و عشایر، محل‌های زندگی خود را ترک کرده‌اند و اردوگاه‌ها را با مقاومت و ایثار خود گرم نگه داشته‌اند، باید بیشترین افتخار و سهم را در این مقطع از تاریخ داشته باشند.» ایشان با اشاره به منابع عظیم خوزستان، گفت: «خوزستان در میان استان‌های کشورمان دارای مزایای منحصر به فردی است. اینجا مهمترین منبع غذا، سوخت و تأمین ارز کشور و عظیم‌ترین منبع و تکیه‌گاه حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی در جهان است. اگر خوزستان را از انقلاب اسلامی می‌گرفتند و اگر انقلاب را از خوزستان جدا می‌کردند، ضربه هولناکی به انقلاب ما زده بودند و این طرحی بود که استکبار علیه ملت ما از قدیم ریخته بود؛ اما مقاومت مردم و جوانان شما مردم غیور در همان روزهای اول جنگ به خصوص در خرمشهر و آبادان که ورود دشمن را برای مدتی سد کرد، همه برنامه‌های از پیش تعیین شده آنها را برهم زد. این استان به علت این که منبع غذا و انرژی کشور است، می‌تواند برای آینده‌ای بسیار طولانی بخش عظیمی از نیازهای استراتژیک کشور را تأمین کند. تصمیم ما برمبنای تصمیم مقام معظم رهبری این است که ←

دادم. به مهمانسرا برگشتیم. در مسیر هم مردم اجتماع داشتند. بعد از نماز مغرب و عشاء در اجتماع دانشگاهیان در آمفی تئاتر مهمانسرا شرکت کردم.

رئیس دانشگاه شهید چمران و دانشکده پزشکی اهواز صحبت کردند. بیشتر از نیازها و کمبودها گفتند که ناشی از جنگ است و نماینده جهاد دانشگاهی مشکلات کلی و منجمله کمبود استاد و زیادی دانشجو ناشی از دانشگاه آزاد اسلامی و قبول دانشجوی زیادتر از ظرفیت دانشگاه‌های دولتی را بیان کرد. من هم مفصلاً صحبت کردم. وعده کمک دادم و از لزوم پذیرش دانشجوی زیادتر به خاطر نیاز مملکت و فراوانی داوطلب و... دفاع کردم و به سئوالات پاسخ دادم[1]. در جلسه مسئولان و مدیرکل‌های استان در آمفی‌تئاتر شرکت کردم. معارفه و مطرح شدن وضع و نیازهای استان و بازسازی وقت زیادی گرفت: درخواست تخلیه اماکن در تصرف سپاه و بسیج و جنگ و اجازه برگشت روستائیان به روستاهای اطراف آبادان و خرمشهر و تأمین نیازهای ساختمانی و بازسازی و تسهیلات برای جذب نیروهای انسانی و توجه به مسائل فرهنگی و مخصوصاً جوانان عرب و خیلی چیزهای دیگر. بعد از شام حدود ساعت ده شب برای استراحت به اتاقم آمدم. از منزل احوالپرسی کردم. اخبار ساعت ده و نیم را گرفتم[2] و خوابیدم.

پنجشنبه ۲٦ آبان ۱۳٦۷ | ٦ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. بعد از نماز، اخبار بی بی سی و رادیو [صدای] آمریکا را گرفتم. انتخابات پاکستان در رأس اخبار است. به نظر می‌رسد [خانم بی‌نظیر بوتو، رهبر]

حتی‌الامکان مثل دوران قبل از جنگ، از خونریزی و جنگ بپرهیزیم، ولی ما همیشه باید برای دفاع و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی، آمادگی صد در صد خود را حفظ کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب.

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - بخش فارسی رادیو اسرائیل گفت: « حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که از نواحی جنگزده جنوب ایران دیدن می‌کند، امروز اعلام داشت که دولت مبلغی معادل دو میلیارد دلار، چهارده میلیارد تومان برای بازسازی ویرانی‌های جنگ اختصاص داده است، یک چهارم این مبلغ را از کشورهای خارجی به عنوان وام دریافت می‌کند. عمده بودجه بازسازی ایران به استان خوزستان اختصاص خواهد یافت و قرار است صنایع گاز، نفت، پتروشیمی و شیلات در این استان کاملاً بازسازی شود و شبکه راهها ترمیم گردد. به گفته وی بنیه نظامی ایران در خوزستان نیز به طور کامل بازسازی خواهد شد. حکومت اسلامی قصد دارد شهر خرمشهر را نیز بازسازی کند ولی بخشی از این شهر به‌صورت ویرانه باقی خواهد ماند تا یادگاری از فجایع جنگ باشد.»

حزب مردم برنده است و این اخبار تحول عمده‌ای در پاکستان و منطقه می‌تواند باشد. رادیو آمریکا خبر از اعدام یازده روحانی در ایران داد، منجمله [فتح الله] امید نجف‌آبادی که اعدام سه نفر روحانی صحیح است و به آن رنگ اختلافات سیاسی داد و شیطنت‌آمیز اختلاف بین من و آقای منتظری را مدعی شد. شیوه معمولی سمپاشی بر اساس دروغ ها؛ در حالی که اعدام آنها به خاطر فساد بوده است[۱]. ساعت هشت صبح به پادگان لشکر ۹۲ اهواز رفتیم. در مراسم صبحگاه نیروهای مسلح که به طور مشترک برگزار شد، شرکت کردم و برای آنها درباره جنگ و لزوم آمادگی و تعمیق آموزش‌ها صحبت کردم[۲]. هوا سرد بود. سپس در مسجدی در کنار پادگان، در جمع خانواده‌های شهدا شرکت کردیم و برای آنها درباره مقام شهدا و شأن خانواده‌ها صحبت کردم؛ دلجویی و دلداری بود[۳].

از پادگان با چند هلی کوپتر به سوسنگرد پرواز کردیم. در مسیر همه جا از روی اراضی کشاورزی عبور کردیم. مردم استقبال گرمی به عمل آوردند. قبل از شرکت در اجتماع مردم در اتاقی در کنار سالن ورزشی و مصلای شهر با مسئولان و روحانیون نشستیم. اوضاع شهرها و نیازها و خرابی‌ها را گفتند. خرابی‌های منطقه از جنگ زیاد است. اراضی کشاورزی زیادی تخریب شده. فاضلاب شهر، مدارس، روستاها و انهار آسیب زیاد دیده‌اند. خطر سیل است و نیاز به سیل بند دارند.

سپس به سالن بزرگ ورزشی رفتیم. بخشی از دیوار آن با بمب خراب شده. خیر مقدم

---

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: «رهبر عمده‌ترین گروه مخالف ایران امروز چهارشنبه ادعا کرد که طبق دستور آیت الله خمینی ۱۲ تن از روحانیون در تهران اعدام شده‌اند. مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق که در بغداد مستقر می‌باشد طی بیانیه‌ای اعلام کرد، اعدام‌های گزارش شده که هفته گذشته روی داد بیانگر تشدید درگیری‌های داخلی رژیم است. در حالی که این رژیم با سرنگونی اجتناب ناپذیر و از هم پاشیدگی مواجه و روبرو است. ادعاهای رجوی نمی‌تواند از سوی منابع مستقل تأیید شود.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷، ۸، ۶۷، صفحه ۱.

۲ - جانشین فرمانده کل قوا در مراسم صبحگاه رزمندگان جنوب در پادگان ۹۲ زرهی اهواز، طی سخنانی تأکید کرد: «ما در جهت صلح پیش می‌رویم و تمامی تلاش‌مان را به کار می‌بندیم که جنگ تجدید نشود. ما در این راه، تلاش می‌کنیم اما همه مسائل در دست ما نیست. لذا بار دیگر به طور جدی آمادگی خود را اعلام می‌کنیم و نیروها همچنان در پادگان‌ها آماده باشند و بسیجیان نباید رابطه خود را با جبهه قطع کنند. آمریکا برخلاف موازین جهانی، اموال ما را به ناحق همچنان مسدود نگه داشته و گناه ما این است که می‌خواهیم روی پای خود بایستیم.» آقای هاشمی در ادامه سخنان خود، همچنین بر ضرورت تقویت نیروهای نظامی تأکید کرد و گفت: « تجربه به ما نشان داد که هیچ راهی جز نیرومندبودن نداریم. هر وقت دشمنان ما احساس کنند که ما آسیب پذیر هستیم، جلو خواهند آمد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۳ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

توسط امام جمعه گفته شد و شاعری از منطقه، شعر عربی در مداحی از من خواند. مفصلاً برای مردم از مقاومت و وفاداری و رفع محاصره شهر صحبت کردم. در زمان اشغال منطقه توسط عراق، بعضی از عرب‌ها با عراق همکاری کرده بودند و لذا مردم از بدنامی منطقه نگران بودند. نیاز داشتند که از این جهت رفع تهمت شود[1].

از آنجا به دزفول پرواز کردیم. در پایگاه چهارم فرود آمدیم. استقبال رسمی و سپس نماز و سپس شرکت در جلسه مسئولان شهر در سالن پایگاه. فرماندار نیازهای شهر و کمبودها و خرابی ها را گفت. ۱۰۷ موشک به شهر و ۶۷ موشک به اطراف خورده، شهر حدود ۵۰ بار بمباران شده و ۱۲۰۰ گلوله توپ روی شهر فرود آمده. ۱۷ هزار واحد مسکونی و تجاری و عمومی آسیب دیده که ۱۳ هزار آن تاکنون بازسازی شده. پنج میلیون تومان از اعتبار جنگ به شهر کمک کردم.

بعد از ناهار و استراحت به شهر دزفول رفتیم و در مصلای شهر با مردم صحبت کردیم[2]. در خیابان ها در مسیر مردم جمع شده بودند و اجتماع خوبی بود. امام جمعه و

---

[1] - آقای هاشمی در ادامه سفر خود به استان خوزستان صبح پنجشنبه برای شرکت در مراسم سالروز شکست حصر سوسنگرد وارد این شهر شد و مورد استقبال گرم و پرشور مقامات محلی و عشایر غیور منطقه دشت آزادگان قرار گرفت. ایشان در اجتماع پرشکوه مردم در ورزشگاه این شهرستان حضور یافت و طی سخنانی از ایثار و فداکاری‌های عشایر غیور این منطقه در طول جنگ تحمیلی تجلیل و تقدیر کرد. ایشان ضمن اشاره به مبارزات مردم این منطقه گفت: «حزب بعث عراق در هجوم به خوزستان فکر می کرد، مردم این منطقه تعصب عربی را به اسلام مقدم می‌دارند و عربیت از اسلام برایشان مهمتر است و با این تصور غلط به ا ین منطقه حمله کرد. اما زمانی که به این منطقه وارد شد، دید اشتباه می کند و اولین ضربه را در همین منطقه خورد.» آقای هاشمی با تشریح جنایات ددمنشانه رژیم حاکم بر بغداد در منطقه دشت آزادگان گفت: «شرکت وسیع عشایر منطقه و تعداد فراوان شهدای مردم، نشانه آزادی و شجاعت عشایر سلحشور این منطقه می‌باشد. بی‌شک در تاریخ نام دشت آزادگان با عنوان نامی که محتوای تاریخی خود را حفظ کرده و به عنوان یک منطقه اشغال ناپذیر ثبت خواهد شد.» آقای هاشمی در ادامه سخنان خود تأکید کرد که عمق محرومیت‌ها را در این منطقه درک می کند و مردم این منطقه از جهات مختلف مستحق رسیدگی هستند. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «این شهر همیشه دژ تسخیر ناپذیری بوده و سمبل مقاومت شناخته شده است و مردم دزفول موجب افتخار ملت ایران شده‌اند. از ثمرات مقاومت مردم دزفول رسوایی دشمنان بود و حزب بعث عراق نمی‌توانند در آینده نیز هیچ توجیهی برای موشک باران دزفول ارائه کند. هر وقت دشمن در جبهه ضربه می‌خورد و عصبی می‌شد. خشم خود را بر روی مردم این شهر خالی می کرد. مقاومت‌های شما که سمبل مقاومت هستید، ماهیت دشمنان انقلاب را فاش ساخت و این مقاومت‌ها در زمان جنگ شاید خیلی نمود نداشتند اما بالاخره واقعیت‌های تاریخی حفظ و حماسه‌های شما مردم به تاریخ عرضه خواهد شد. برای ترمیم خرابی‌ها، تلاش زیادی نیاز هست و امروز ما هنوز نسبت به ختم کامل جنگ اطمینان نداریم و ناچاریم در جبهه‌ها حضور داشته باشیم و برای تسریع در بازسازی دستمان بسته است و اما بالاخره ملت ایران نخواهد گذاشت خرمشهر، آبادان، بستان و سایر شهرهای مرزی از نعمت آبادانی محروم بمانند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

نماینده شهر خیر مقدم گفتند. برای دیدن نقاط آسیب دیده، مقداری در خیابان‌های شهر گشت زدیم.

مغرب به پایگاه برگشتیم: نماز و شرکت در جمع پرسنل پایگاه و سخنرانی در تقدیر و تشکر از نیروی هوایی[1]. شب با هواپیما به اهواز برگشتیم. ساعت هشت شب به مهمانسرا رسیدیم. ائمه جمعه شهرهای استان آمدند و مطالب خود را گفتند: شکایت از سپاه، وزارت نفت و کمبودها و کمی فعالیت فرهنگی، ضعف صدا و تصویر و محتوای صدا و سیما، بخشی از مطالب آنان بود.

سپس به منزل امام جمعه آقای جزایری رفتیم. جمعی از دوستان ایشان جمع بودند و از استانداری به خاطر برخورد حذفی با خط حامی امام جمعه شکایت داشتند. ساعت ده ونیم به مهمانسرا برگشتیم. خسته بودم. زود خوابیدم.

عفت تلفنی خواست که ترتیب سفر او به شیراز برای شرکت در مراسم حافظ را بدهم. به استاندار گفتم که به نیروهای انتظامی بگوید از تشریفات در خیابان‌های مسیر بکاهند. نیروی زیادی در خیابان‌ها از ژاندارمری و شهربانی برای حفظ امنیت چیده بودند. سر میز شام درباره تحولات احتمالی پاکستان پس از انتخابات صحبت کردیم؛ تصویر روشنی ندارم.

جمعه ۲۷ آبان ۱۳۶۷ | ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت پنج و نیم صبح بیدار شدم. نماز و استماع اخبار و یادداشت خاطرات و خواندن نامه‌ها انجام شد. ساعت هشت صبح به گلف رفتیم و تا ظهر با فرماندهان سپاه درباره وضع خطوط دفاعی جنوب و نیازهای یگان‌ها مذاکره کردیم. کمبود سوخت و وسائل مهندسی،

---

۱ - لوح تقدیر حضرت امام(ره) فرمانده کل قوا به پرسنل پایگاه هوایی دزفول عصر پنجشنبه توسط جانشین فرمانده کل قوا به فرمانده این پایگاه اهدا شد. آقای هاشمی همچنین طی سخنانی در جمع پرسنل این پایگاه ضمن تقدیر از فداکاری‌های خلبانان نیروی هوایی اظهار داشت: «نیروی هوایی علیرغم محدودیت‌های فراوان در دوران جنگ موفق شد توان خود را با اتکاء به متخصصین داخلی افزایش دهد و ما امروز به خود می‌بالیم و به نیروی هوایی خود افتخار می‌کنیم پس از ۸ سال جنگ، نیروی هوایی با از دست دادن تعدادی هواپیما، همچنان با قدرت کامل در میدان ماند و به خوبی برنامه‌های عملیاتی خود را انجام داد. نیروی هوایی باید همچنان مقتدر بماند تا کسی هوس حمله به این کشور را نداشته باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



مصاحبه با خبرنگاران در خصوص اهداف سفر به استان خوزستان

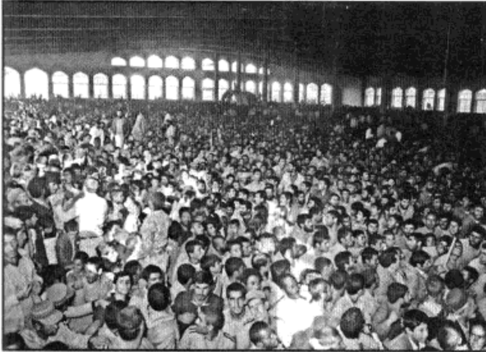


حضور در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح



حضور پرشور مردم شهرهای سوسنگرد و دزفول









مواد غذائی، لباس و... به خاطر کمی اعتبار پیش آمده. قرار شد پنج میلیارد تومان، سریعاً به سپاه پرداخت شود. معاونت‌های مالی و پشتیبانی هم آمده بودند[۱].

پس از ناهار با [آقایان روغنی زنجانی و بهزاد نبوی] وزرای برنامه و بودجه و صنایع سنگین و سایر حضار درباره تأثیر مثبت آزادی های اقتصادی در رونق کشور مذاکره شد. و همچنین در خصوص احیاء نخل‌های جزیره آبادان و اروند، مقرر شد که به روستائیان اجازه رفتن به منطقه برای رسیدگی به نخل ها داده شود و روستاهای شرق بهمن شیر و دو طرف کارون تا حسینیه، اجازه مراجعت به روستاها را بدهند. روستاهای شرق بستان را هم آزاد بگذارند و سدهای خاکی روی بهمن شیر را کم کنند و جهاد برای اصلاح نخل ها اقدام نماید.

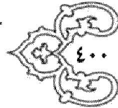
عصر هم با یگان‌های سپاه مذاکره کردیم و تقریباً تکرار حرف‌های صبح بود. شب در جلسه فرماندهان قرارگاه جنوب نزاجا در زرگان مذاکره کردیم. صد میلیون تومان به یگان‌های نزاجا برای مخارج فوری یگان‌ها پرداختم. شب را در زرگان ماندم.

شنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۷ | ۸ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۸

بعد از نماز استحمامی شد. خواستم حوله را روی بخاری برقی خشک کنم که در چمدان

---

[۱] - بخش فارسی رادیو بی بی سی گفت: «حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس ایران بار دیگر از سیاست خارجی کشور در گذشته انتقاد کرد و گفت که جمهوری اسلامی بدون دلیل برای خود دشمن تراشی کرده است. او اظهار داشت که ایران باید همچنان سیاست مستقل خود را ادامه دهد، اما از برانگیختن دشمنی کشورهای دیگر نسبت به خود پرهیز کند. آقای رفسنجانی در سخنرانی برای دانشجویان و مقامات رسمی در اهواز، دیپلماسی گذشته ایران را ناپخته خواند. وی گفت: «این دیپلماسی، بیهوده برای ایران دشمنانی بوجود آورده است.» او به ویژه به دیپلماسی ایران نسبت به کویت و فرانسه استناد کرد. او گفت که ا گر ایران با کویت و فرانسه برخورد ماهرانه‌تری داشت، شاید آن کشورها در جنگ ایران و عراق جانب عراق را نمی‌گرفتند. در این صورت اکنون ایران در موقعیتی بود که می‌توانست به سیاست‌های مستقل خود ادامه دهد، بی‌آنکه کشورهای دیگر را دشمن خود سازد. آقای رفسنجانی افزود: «با چنین سیاستی اگر ایران درگیر جنگ دیگری شود، این کشورها با دشمن ایران متحد نمی‌گردند.» این حرف‌های آقای رفسنجانی سخنان دیگر او را تداعی می‌کند که در حدود سه ماه پیش گفته بود، یعنی اندکی بعد از آنکه ایران با اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به آمادگی برای پایان دادن به جنگ با عراق، جهان را به حیرت انداخت. این حقیقت که آقای رفسنجانی جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح، سخنان سه ماه پیش خود را تکرار می‌کند، نشانه آن است که اوضاع در ایران تماماً به دلخواه او پیش نمی‌رود و در داخل ایران مباحثه درباره تعیین مواضع سیاسی ایران ادامه دارد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۲۹، صفحه ۴۲.



بگذارم، مقداری از آن سوخت. بعد از صبحانه به فرودگاه رفتیم و مصاحبه‌ای انجام دادم[1].

با هلی کوپتر به بید بلند پرواز کردیم. پالایشگاه، تصفیه گاز ترش آغاجاری است که با بمباران عراق از کار افتاده است. کارکنان مشغول بازسازی بودند که به زودی یک واحد آن عملیاتی می‌شود. از همه جا بازدید کردم و توضیحات را شنیدم و در پایان برای کارکنان صحبت کوتاهی کردم.

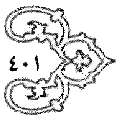
با هلی کوپترها به سوی یاسوج پرواز کردیم. ظهر به یاسوج رسیدیم. استقبال رسمی بود. به استانداری رفتیم. در جلسه مشترك روحانیون و مسئولان اداری در استانداری شرکت کردم. آقای ابوطالبی استاندار خیر مقدم گفت و خواسته‌های استان را مطرح کرد و از کمك من در تکمیل سریع‌تر راه یاسوج - اصفهان تشکر کرد. برای حضار صحبت مبسوطی نمودم[2]. ناهار و نماز و استراحت کوتاهی کردم.

در ساعت سه به مصلا رفتیم. اجتماع عظیمی از مردم بود. آقای ملك حسینی [امام

---

۱ - آقای هاشمی قبل از ترک استان خوزستان در گفت وگویی با خبرنگاران در اهواز گفت: «پس از مدتی که آرامش در جبهه‌ها برقرار شده است، ضرورت داشت نیازها و مسایل نیروهای نظامی از نزدیک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. خوزستان نیاز زیادی به بازسازی برای اصلاح آموزش و پرورش، تأسیسات زیربنایی نفت، پل‌ها و جاده‌ها دارد. طرح‌های زیربنایی زیادی در خوزستان در دست اجرا بود که به دلیل جنگ تعطیل شده بودند و این مسأله آثار منفی برای مردم و کل کشور داشته است. طرح‌های زیادی برای بازسازی در این استان مورد تصویب قرار گرفته است که به خاطر وسعت استان، کافی نیست و باید بیشتر در این زمینه کار شود. طرح‌های نفتی در استان خوزستان در اولویت قرار دارد، در مورد سدسازی در استان خوزستان هم قرار است سدهای متعددی در استان خوزستان احداث شود که اقدام در این زمینه شروع شده و برخی طرح‌های سدسازی مانند احداث سد بر روی کارون در دست مطالعه است. فاز اول طرح احداث سد کرخه بر روی رود کرخه نیز آغاز شده است. برای تأمین انرژی کشور که جزو اولویت درجه یک ما است، ناچاریم از آب‌های فراوان استان برای این کار پر هزینه و پرصرفه استفاده کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این سخنرانی آمده است: « در بازسازی ابتدا به فوریت‌های آسیب دیده در جنگ رسیدگی می‌شود و سپس به قسمت‌های رفاهی و بنیادی که از پیش اهمیت آنها را می‌دانیم و در طرح‌ها و برنامه‌ها قرار دارد، توجه می‌شود.» جانشین فرمانده کل قوا با اشاره به تقویت بنیه دفاعی کشور، گفت: « نه تنها بودجه جنگ کسر نشده بلکه اضافه‌تر هم شده است، زیرا اگر از نظر بنیه دفاعی قوی باشیم می‌توانیم حق خودمان را در دنیا بگیریم. حضور و مشارکت گسترده مردم در جبهه‌های نبرد و کمک‌های مالی آنان باعث شد تا به تنهایی هشت سال در مقابل شیطنت‌های دشمن مقاومت نماییم و این انقلاب را حفظ کنیم. کشور ایران از هر نظر غنی و دارای مردمی باهوش و با ارزش و فرهنگ اسلامی است که با این امکانات خدادادی می‌توانیم به صورت کشوری مستقل و آزاد در دنیا زندگی کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



جمعه یاسوج] خیر مقدم گفت. برای مردم صحبت کردم[1]. از مصلا به ورزشگاه رفتیم. مصاحبه‌ای انجام شد و خبر ارسال نامه جیمی کارتر را که چند روز پیش رسیده بود، دادم. امروز خبر نامه کارتر به امام منتشر شده است. منتظر پخش این خبر بودم که من هم اعلام کنم. با هلی کوپترها به سوی شیراز پرواز کردیم. نزدیک غروب به شیراز رسیدیم. برای دیدن شهر مقداری بر فراز شهر پرواز کرد. معمولاً در مسیر به هر شهری می رسیدیم، برای بهتر دیدن شهر چنین کاری می‌شد. در پایگاه هوایی شیراز به زمین نشستیم. فرمانده پایگاه توضیحاتی درباره هواپیماها و برنامه های کار پایگاه داد. و سپس با هواپیما به سوی تهران حرکت کردیم. ساعت هفت به منزل رسیدیم. اخبار را گوش دادم. نماز خواندم. مقداری با بچه‌ها صحبت کردم. جواب نامه کارتر را تهیه کردم که بعداً روی آن مشورت شود[2].

---

[1] - جانشین فرمانده کل قوا در جلسه شورای اداری این استان، طی سخنانی با اشاره به شرایط جغرافیایی استان کهکیلویه و بویراحمد گفت: «این استان در رژیم گذشته عمیقاً به فراموشی سپرده شده بود و بعد از انقلاب گام‌های اولیه در جهت احیاء آن برداشته شده است و حرکت‌های بعدی باید انجام شود. با توجهی که به استان‌های محروم می‌شود، انشاءالله بتوان از مجموعه فعالیت‌ها در این استان یک استان کوچک و خوب ایجاد کرد. در استان کهکیلویه و بویراحمد بخش‌های محرومی وجود دارد که باید رسیدگی به آنها همراه با تلاش مردم مورد نظر قرار گیرد.» آقای هاشمی از مسئولین و کمیته برنامه ریزی این استان خواست مردم را در جهت سرمایه‌گذاری و ایجاد بخش‌های خصوصی تشویق کنند و به آنها اعتماد کنند که با میل وارد عمل شوند.» ایشان در مورد نامه کارتر به حضرت امام گفت: « خود من نیز چنین نامه‌ای از کارتر دریافت کرده بودم. این نامه چیزی شبیه به همان سیاست شیطنت آمیز رابطه با ایران و گروگان‌گیری در لبنان است و به فرموده حضرت امام، این رابطه، رابطه گرگ و میش است و لذا رابطه اسلام با کفر و استکبار امکان پذیر نیست و آمریکا برای چندمین بار در دنیا رسوا می‌شود، زیرا این انقلاب با محرومان سروکار دارد و با استکبار سازگار نیست. اینها همان هایی هستند که نمی‌خواستند و نمی‌خواهند ملت‌های مظلوم بر سرنوشت خود حاکم باشند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - بخش فارسی رادیو اسرائیل گفت: پس از بیانیه دیروز حجت الاسلام احمد خمینی درباره ارسال نامه‌ای از جانب رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده به آیت الله خمینی، امروز چندتن دیگر از سران حکومت اسلامی تأکید نمودند که آن رژیم هرگز با دولت آمریکا تجدید رابطه نخواهد کرد. حجت الاسلام احمد خمینی روز گذشته از قول آیت‌الله خمینی در بیانیه خود نوشت که روابط ایران و ایالات متحده همانند رابطه گرگ و میش می‌باشد و هرگز آشتی بین آنها وجود نخواهد داشت. در همین زمینه امروز میرحسین موسوی نخست وزیر گفت: سیاست حکومت اسلامی هرگز با آمریکا همسو نخواهد شد و افزود در تاریخ معاصر جنایات آمریکا همیشه به عنوان قوه محرکه برای خیزش همه ملت‌های اسلامی به منظور بازگشت به هویت اسلامی خود بوده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز روز گذشته در اهواز ایالات متحده را مظهر کفر جهانی اعلام کرد و افزود حکومت اسلامی ایران هرگز نمی‌تواند با آمریکا رابطه داشته باشد. آقای جیمی کارتر شب گذشته در یک مصاحبه تلویزیونی در ایالات متحده تأیید کرد که در رابطه با امکان آزادی گروگان‌ها اخیراً پیامی برای آیت الله خمینی ارسال داشته است، در متنی که روز گذشته در تهران از قول رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده انتشار یافت، گفته شده که آزادی گروگان‌ها در لبنان می‌تواند یکی از مهمترین موانع عادی سازی روابط ایران و ایالات متحده را دفع کند. آقای کارتر پیشنهاد کرده که دفتر ویژه وی در واشنگتن که یک تشکیلات غیردولتی و غیرحزبی می‌باشد، تماس با ایران را به عهده بگیرد .

یکشنبه ۲۹ آبان ١٣٦٧ | ۹ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ — ۲۰ نوامبر ۱۹۸۸

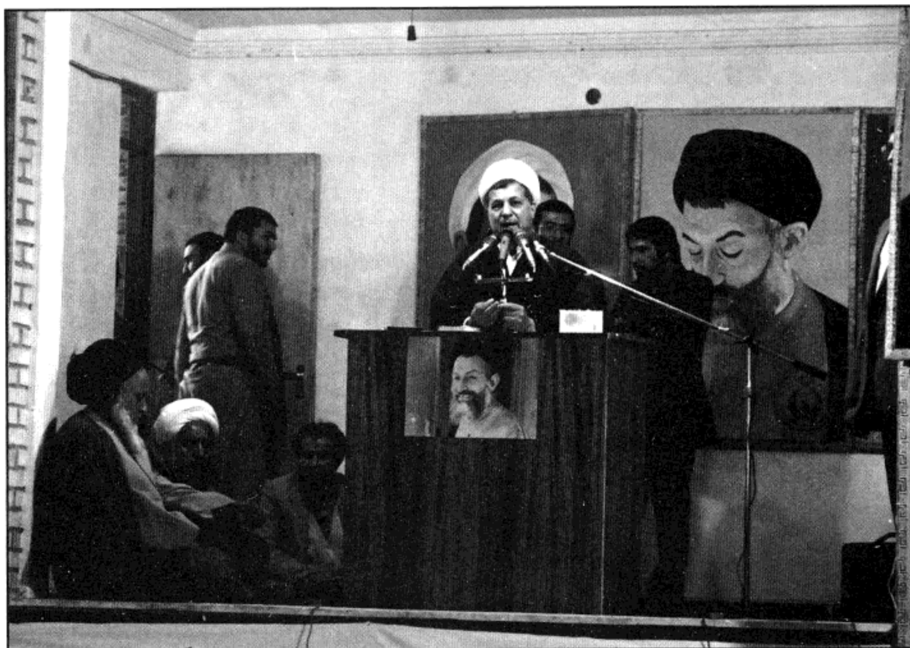
ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نیست. تا ظهر در جلسه علنی بودم. در تنفس به دفترم آمدم و دکتر روحانی گزارش مذاکرات ژنو را داد. ظهر عفت به مجلس آمد. دکتر جزائری هم آمد و دواهای او را که دکترهای دیگر داده بودند، آورد.

نوجوان گلپایگانی که مغزش مثل کامپیوتر سریعاً محاسبات اعداد را انجام می‌دهد و چندی پیش در تلویزیون نشان داده شده بود، همراه پدر و پسر عمویش آمد. فقط در همین مورد حالت استثنایی دارد. سرش هم مقداری بزرگ‌تر از وضع عادی است. گفتند در بچگی زمین خورده دچار وضعی شبیه صرع شده، ممکن است این خاصیت مربوط به آن باشد. به دکتر جزایری گفتم که او را تحت معاینه و آزمایش بیشتر قرار دهند. پدرش استوار بازنشسته پلیس است. مقروض است و کمک خواست. به [آقای بهزاد نبوی] وزیر صنایع سنگین گفتم یک اتومبیل به قیمت دولتی به او بدهند. نام خانوادگی او «ریاضت» است.

آقای رجائیان آمد. شخصی بنام انصاری را آورد که طرح ساخت هواپیمای سبکی را داشت. قبلاً با سپاه در این رشته کار می کرده، به خارج رفته طرح خود را تکمیل کرده و حالا می خواهد پیاده کند. اجازه می خواست که خودش انجام دهد، گفتم مانعی ندارد ولی بهتر است با سپاه یا ارتش کار کند. عصر عفت برای خرید وسائل زندگی رفت.

آقای یعقوبی سفیرمان در الجزایر آمد. گزارش حوادث اخیر الجزایر را داد. معتقد است شاذلی‌بن جدید [رئیس جمهور الجزایر] از حادثه استفاده کرده و مقاصد خود را علنی کرده و مخالفان را از میدان بیرون کرده و ضمناً روابط ما هم سرد شده، چون تبلیغات و مواضع ما برخلاف خواست آنها بوده واز سازمان جهاداسلامی فلسطین پیام‌آورد که کمک

«آقای کارتر شب گذشته در یک مصاحبه تلویزیونی در ایالات متحده، درباره علت ارسال این نامه گفت که از جانب حکومت اسلامی ایران، چراغ سبز به وی نشان داده شده بود و به همین علت تصمیم گرفت چنین نامه‌ای را بفرستد. نامه آقای کارتر خطاب به آیت‌الله خمینی یک هفته پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نوشته شده بود.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۸/۳۰، صفحه ١٢.



سخنرانی در جمع مردم یاسوج



حضور پرشور مردم یاسوج در سخنرانی

بیشتری خواسته‌اند. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. مقداری از عقب ماندگی روزهای سفر را جبران کردم.

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۳۶۷ | ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. در شورای بازسازی لیست کالاهای جایزالورود با ارز آزاد بررسی و تصویب شد. قرار است فردا اعلام کنند. ظهر دکتر ولایتی آمد. درباره مذاکرات ژنو و مسائل لبنان و افغانستان مذاکره شد. در مورد جواب به نامه کارتر مشورت کردیم. نظر جلسه این بود که جواب داده شود. برای استراحت به دفترم رفتم.

عصر آقای [مسیح] مهاجری آمد. گزارش مذاکرات ژنو را داد و برنامه تبادل اسرا را گفت و مشکل آزاد کردن چند صد اسیر بعثی را که ممکن است اطلاعات مهمی را با خود به عراق ببرند و به عنوان مریض ثبت نام شده‌اند که قرار شد فکری بشود.

آقای [محسن] میردامادی استاندار خوزستان، برای پیگیری وعده‌ها و قرارهای سفر خوزستان آمد که همگی انجام شد: پول برای سوسنگرد و شهرداری های آبادان و خرمشهر و بستان و پل دزفول. سرشب دکتر روحانی آمد. درباره مذاکرات ژنو و مسائل ارتش و سپاه صحبت شد. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

آذر ۱۳۶۷



سه‌شنبه ۱ آذر ۱۳۶۷ | ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۸

در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی مجلس ماندم. پیشنهاد نمایندگان مطرح شد که به جای سه جلسه علنی، در هفته دو جلسه باشد. دستور کار هم داریم. آقای مجید انصاری به دفترم آمد و درباره مسائل دولت و مسائل جاری دیگر صحبت شد.

ظهر آقای محمدی گیلانی و [خسرو] بیژنی از شورای نگهبان آمدند. آنها خواستار تقویت شورای نگهبان و تأمین اتومبیل های مورد نیازشان شدند. عصر آقای صمصامی برای گرفتن کمک برای بشاگرد آمد[1]. آقای [سیدمحمدحسن] نبوی نماینده بوشهر آمد. از سخت گیری‌های گمرک بوشهر در خصوص لنج داران شکایت دارد.

تیمسار [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] آمد. گزارش کار نیروی هوایی را داد و برای ساخت هواپیمای اف – ۵ کمک گرفت. از منزل دکتر روحانی پرسیدم، گفت خانه خاتم هست. محل بازجویی متهمان در منطقه مسکونی بوده که نخواستیم آنجا باشند. به جای دیگر منتقل شده‌اند.

از وزارت اطلاعات آمدند. گزارش کشف یک تیم جاسوسی منافقین در ارتش و وزارت خانه‌ها را دادند که دستگیر شده‌اند. آنها اطلاعات مهمی را برای عراق می‌فرستاده‌اند. کارهای دفتری را تا ساعت هفت انجام دادم.

---

[1] - بشاگرد از مناطق محروم کشور واقع در شهرستان بندر جاسک در استان هرمزگان است و مرکز آن روستای گوهران می‌باشد. در این بخش هیچ نقطه شهری وجود ندارد. در دوران سازندگی برنامه‌های زیادی برای محرومیت‌زدایی از این منطقه صورت گرفت.

جمعی از نمایندگان خط ۳ آمدند[۱]. درباره دولت به خاطر مهم بودن آینده آن مذاکره کردند و برای فعال تر کردن دولت چاره‌جویی نمودند. نتیجه این شد که دولت باید طرحی برای رفع مشکلات مردم داشته باشد و مورد حمایت جدی قرار گیرد. به مجمع تشخیص مصلحت رفتم. مجازات‌های تعزیرات حکومتی در دستور بود. مقداری از آنها تصویب شد.

چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۶۷ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۲۳ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم. [آقای کاسپادنیون ایوانف] سفیر بلغارستان آمد. نامه [آقای تئودور ژیوکف] رئیس جمهورشان را آورد که خواستار اجرای قراردادهای منعقده با ارتش و سپاه شده بود و برای سفر من به بلغارستان تأکید نمود و خواستار تخفیف در قیمت نفت بود.

سفیر نیجریه برای خداحافظی آمد[۲]. درباره نیجریه اطلاعاتی از او گرفتم. سفیر اتریش آمد. بر توسعه روابط و آمادگی همکاری در امور کشاورزی، سنگ آهن و انرژی تأکید داشت[۳].

احمدآقا تلفنی اطلاع داد که امام در خصوص جواب من به نامه کارتر نظری ندارند و

---

۱ - منظور از نمایندگان خط ۳، آن دسته از نمایندگان مجلس است که به جناح راست (جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) و جناح چپ (مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) وابستگی نداشتند و به عنوان نماینده خط ۳ خود را مطرح می‌ساختند.

۲ - سفیر نیجریه در این دیدار گفت: « ما نسبت به مردم شجاع ایران ادای احترام می‌کنیم و شجاعت آنها را می‌ستاییم و از روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آفریقایی خوشحال هستیم.» سپس آقای هاشمی اظهار داشت: « ما باید برای منافع اسلام و مسلمانان بیشتر کار کنیم. نیجریه در قاره آفریقا کشور مهم و وسیعی است و همکاری ما و شما برای مسلمانان آفریقا می‌تواند ثمربخش باشد. ما به خاطر ضعف کشورهای اسلامی در مورد نفت متضرر می‌شویم.»

۳ - سفیر اتریش در این دیدار گفت: « اتریش از حرکت و تلاش دبیرکل سازمان ملل در اجرای قطعنامه ۵۹۸ حمایت می‌کند و پذیرش این قطعنامه از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران را حرکتی خردمندانه می‌دانیم و امیدواریم روند صلح به موفقیت کامل برسد» وی گزارشی از روند توسعه روابط بین دو کشور ارائه نمود. سپس آقای هاشمی گفت: « الان مرحله جدیدی در کشور ما بوجود آمده است و ما بعد از انقلاب به خاطر جنگ تحمیلی فرصت سازندگی نیافتیم. همه چیز تحت تأثیر جنگ بود و امروز با پذیرش قطعنامه تلاش داریم منطقه به صلح کامل و مملکت به سازندگی برسد و در دوره جدید با کشورهایی که در دوران جنگ مسئله نداشتیم، صمیمی‌تر برخورد کنیم.»

به نظر خودمان گذاشتند[۱].

ظهر آقای [سیدحسن] شجاعی نماینده ساری آمد. در مقابل مخالفانش تأیید خواست؛ در منطقه درگیر است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت که تا ساعت هفت و نیم طول کشید. درباره جواب به کارتر مشورت کردم؛ نظر مثبت داشتند.

با آقای [مهدی] کروبی درباره بنیاد جانبازان صحبت کردیم. اصرار دارد که از بنیاد شهید جدا شوند و خود جانبازان هم همین را می خواهند، ولی تشکیل بنیاد مستقل، مخارج جدیدی را تحمیل خواهد کرد. شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ۳ آذر ۱۳۶۷ | ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۸

صبح زود به مجلس رفتم. متن فارسی خطبه عربی را نوشتم و برای ترجمه دادم. قبل از دستور درباره سالگرد بسیج حرف زدم[۲]. تا ساعت یازده و نیم یکسره جلسه داشتیم. مجلس

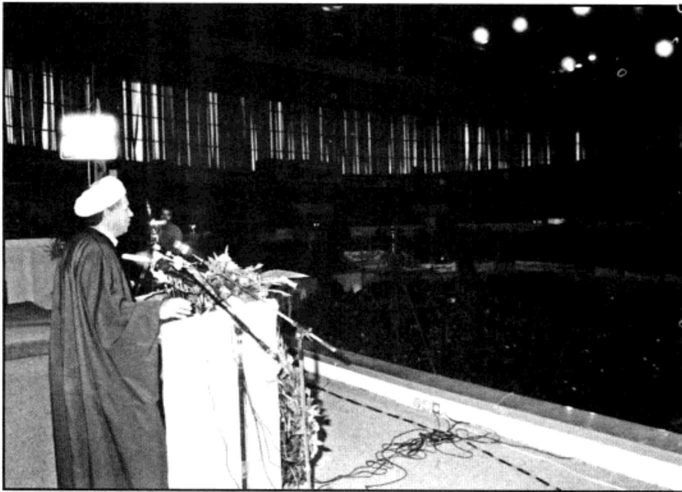
---

۱ - در نامه آقای هاشمی به جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا آمده است: «مسدود کردن میلیاردها دلار از پول‌های ملت مظلوم ایران و مصادره اموال مورد نیازمان و زورگویی‌های شما در لاهه و کارشکنی‌های مداوم آمریکا نسبت به منافع جهان اسلام، منجمله مردم فلسطین در مجامع بین‌المللی، نمودهایی از سیاست خصمانه دولت شما با جمهوری اسلامی است».

۲ - در این نطق آمده است: « سالگرد تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی بسیج مستضعفان را به محضر حضرت امام امت که بنیانگذار این بنیان قوی و عظیم بودند تبریک عرض می‌کنیم. ما همچنین از رزمندگان بسیجی که در طول هشت سال جنگ، موفق شدند نمایش پرشکوهی را ارائه دهند و دنیا را متوجه این راه صحیح و فکر بنیادی بنمایند، سپاسگزاریم. البته ستایش از این بزرگ مردان، به بهترین شکل در پیام حضرت امام آمد که دیدیم این حکیم عارف، چگونه این عارفان گمنام را مورد تقدیر قرار دادند. تعبیرهایی که حضرت امام امت، نسبت به این سربازان گمنام امام زمان و این عارفان و عاشقان، در پیامشان گنجانده بودند، علو مقام اینها را برای ملت ما و مسلمانان جهان آشکار کرد و انصافاً یکی از کارهای بسیار با ارزش انقلاب اسلامی، باز کردن راه جهاد داوطلبانه به شیوه بسیجی بود که ما آثارش را در کل دوران جنگ و انقلاب دیدیم و این تجربه می‌تواند برای دنیای اسلام و محرومان جهان، تجربه‌ای کارساز باشد. یکی از کارهای خوب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم که در تاریخ ماندنی است، همین سازماندهی، آموزش و به کارگیری این نیروهای عظیم بود که سپاه برای ادامه کار خودش باید فعالیتش را در این زمینه بیشتر کند. ما اگر در رابطه با جنگ، الان در میدان‌ها نیستیم، نباید خیال کنیم که فلسفه وجودی بسیج به جنگ مربوط می‌شود، زیرا جنگ، یکی از میدان‌های ابراز وجود این نیروها است و ما اگر با این تشکیلات برخورد مناسب داشته باشیم، می توانیم با کمک بسیج، هر مشکلی را در جامعه حل کنیم و برای اقدامات مهم و مؤثر و کارهایی که به بسیج عمومی مردم نیاز دارد، از این تشکیلات استفاده کنیم، علاوه براینکه، قدرشناسی هم ایجاب می کند که ما اگر در روزهای خطر از اینها استفاده کردیم در دوران صلح و آرامش نیز آنها را فراموش نکنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

نظر داد که جلسات علنی در هفته دو جلسه باشد: روزهای یکشنبه و چهارشنبه. ظهر آقای سیروس ناصری آمد و گزارش مذاکرات ژنو را داد.

ساعت سه بعد از ظهر با هلی کوپتر برای سخنرانی در اجتماع فرماندهان بسیجی به ورزشگاه آزادی رفتم[1].



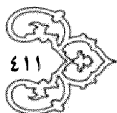
سخنرانی در جمع فرماندهان بسیج سراسر کشور

از ساعت چهار تا هشت شب، مجمع [عمومی شرکت] مترو [تهران] در دفترم جلسه داشت. درباره منابع ریالی و ارزی و سیاست تهیه تجهیزات و واگن ها و رفع موانع کار تصمیماتی اتخاذ شد. شام را هم همان جا خوردند.

آقای نخست وزیر اطلاع داد که [آقای غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] از وین خبر داده

---

۱ - آقای هاشمی در مجمع فرماندهان بسیج و سپاه که در سالن دوازده هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی برگزار شده بود، گفت: «به طور قطع نمی‌توان به پایان تهاجم دشمن امیدوار بود و به همین جهت، بسیج باید به آمادگی خود ادامه دهد و در عین حال فعالیت‌های دوران سازندگی را نیز از یاد نبرد. بسیج اکنون پس از هشت سال جنگ، بیشترین و گرانبهاترین تجربه‌ها را برای آینده خود کسب کرده است. آمادگی یک ملت تنها از طریق بنیان نهادهایی چون بسیج امکان پذیر است. در دوران جنگ، بسیج بیشترین بهره ممکن را با حضور خود در خطوط مقدم و پشتیبانی، به کشور و انقلاب رساند و در پایان جنگ نیز حضور مجدد بسیجیان در جبهه‌های نبرد به دشمن و به جهانیان ثابت کرد که پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از ضعف نبوده است. دنیا با این حضور آگاهانه و مسئولانه دریافت، این ایران است که با قدرت خود می‌تواند جنگ را ادامه دهد، یا به آن خاتمه بخشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



که وزیران اوپک پیشنهاد کرده‌اند سهمیه ایران ۲/۶۵ [میلیون بشکه در روز] باشد که بر اساس بالا رفتن سقف اوپک به ۱۸/۵ میلیون بشکه چنین می‌شود. بعضی از کشورهای عرب از سهم خود به عراق می‌دهند تا به اندازه سهم ایران برسند؛ درباره قبول این پیشنهاد نظر خواست. اطلاع داد که در آذربایجان شوروی درگیری است و ممکن است جمعی از مردم به ایران پناهنده شوند. گفتم اگر آمدند باید بپذیریم، نمی‌توانیم آنها را برگردانیم. به خانه آمدم.

جمعه ٤ آذر ١٣٦٧ | ١٤ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ ٢٥ نوامبر ١٩٨٨

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌ها مطالعه کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. عصر فیلمی از تلویزیون تماشا کردم. جمعی از بستگان آمدند. معمولاً بستگان نامه‌های مردم را که مشکل دارند، می‌آورند.

شب دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به ایتالیا و یوگسلاوی را داد. یوگسلاوها خواستار معاملات نظامی هستند. در ایتالیا، سفیرانمان را که در آنجا جمع شده بودند، برای تحرکات سیاسی در ارتباط با مذاکرات ژنو توجیه کرده‌اند. درباره لزوم اتخاذ سیاست فعال در افغانستان و نزدیک‌تر شدن بیشتر به روس‌ها توصیه داشت. تا شب کارهای مانده از دیروز را انجام دادم. آقای محسن رضائی اطلاع داد که عراقی‌ها در جبهه آبادان دوازده گلوله توپ شلیک کرده‌اند؛ گفتم مقابله به مثل کنند.

---

[1] - در خطبه اول بحث پیرامون ویژگی‌های استکبار و استضعاف ادامه یافت و برخی دیگر از صفات مستکبران بیان شد. ایشان روحیه مادی را یکی از خصیصه‌های استکبار ذکر کرد و گفت: «این ویژگی مستکبرین موجب بروز روحیه ضعف نفس، سست بنیادی و ترسو و محافظه کار بودن در آنها می‌شود.» آقای هاشمی در خطبه دوم نماز با تأکید بر پیام اخیر امام خمینی (ره) خطاب به مسئولین کشور، از آنها خواست به نصایح ایشان توجه کنند و از هرگونه دامن زدن به اختلافات که منجر به نفوذ دشمنان انقلاب اسلامی می‌شود، جداً پرهیز کنند. امام جمعه موقت تهران در ارتباط با هفته بسیج و پیام حکیمانه و عارفانه امام (ره) خطاب به بسیجیان گفت: « پیام امام موقعیت‌هایی را برای ما توضیح داد و اگر انسان مروری بر تاریخ انقلاب و رهنمودهای رهبری در هر مرحله از انقلاب کند، این واقعیت و رمز پیروزی انقلاب را که رهبری است، درک می‌کند.» در ادامه خطبه دوم مطالبی درباره دوران بازسازی و خط مشی آن، مسأله تبادل اسرا، سیاست استکبار جهانی در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران و مسأله گروگان‌های غربی در لبنان مطرح شد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

شنبه ٥ آذر ۱۳٦۷ | ۱٥ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ‌‌‌‌‌‌ ۲٦ نوامبر ۱۹۸۸

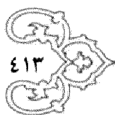
ساعت نه و نیم به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسائل اوپک و شورش‌های آذربایجان شوروی در صدر است. فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. آقای [احمد] گرانمایه مدیر عامل بیمه [ایران] آمد. شرح خدمات بیمه را داد و برای تصویب لایحه بیمه - که فردا در دستور است - استمداد کرد. [آقای محمد جواد ایروانی] وزیر اقتصاد، تلفنی خواست که بیمه را فردا در دستور قرار ندهیم؛ مریض است.

عصر تیمسار ترابی برای بودجه حفاظت اطلاعات ارتش آمد. [آقای علی فضلی] فرمانده لشکر ۱۰ سید الشهدا (ع) و جانشینش آمدند و برای عقبه در تهران و مسکن برای فرماندهان استمداد کردند. آقای سعیدی مسئول حفاظت اطلاعات سپاه آمد و برای کار کنترل نیروهای سازمان ملل که برای آتش‌بس در ایرانند، کمک خواست و از عدم همکاری فرماندهان و وزارت سپاه گله داشت.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. وزیر نفت گزارش اجلاس اوپک را داد. قبول کردیم که سهم عراق با کم شدن سهم کشورهای عربی دیگر زیاد شود و گفت بر قیمت ۱۸ دلار و خواسته های دیگر ایران توافق شده. مسئولان مبادله اسرا آمدند. درباره کیفیت تبادل اسرای معلول و مریض که دچار مشکل شده‌اند، مشورت کردند. قرار شد از صلیب سرخ بخواهند که عراق را وادار به عمل به قرارداد کنند و فعلاً روند آزادی را به این منظور کند کنند.

---

۱ - در آستانه هفتم آذر، سالروز نیروی دریایی، فرماندهان، مسئولین و نمایندگان یگان‌های مختلف به همراه مسئولین عقیدتی سیاسی نیروی دریایی با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار ابتدا دریادار محمد حسین ملک زادگان گزارشی از عملکرد نیروی دریایی ارتش ارائه کرد. سپس آقای هاشمی ضمن تبریک سالروز نیروی دریایی اظهار داشت: «اگر دشمنان ما می‌توانستند دریا را برای ما غیرقابل استفاده کنند، ممکن بود تأثیری جدی در سرنوشت کشور و جنگ پدید آید و این به خاطر تنهایی ما و اینکه ما از همسایگان خود استفاده جدی نمی‌بردیم، اگر موفق به بستن این راه اساسی می‌شدند، ممکن بود برای ما مشکلات جدی فراهم بیاورند، گرچه به هر حال مشکلات‌مان را به طریق دیگری حل می‌کردیم. ناامنی خلیج فارس در منطقه به نفع هیچ کس نبود. اگر اینجا به منطقه ناامنی تبدیل می‌شد، هم غرب و هم شرق خسارت می‌دیدند، که در این میان همسایگان جنوبی ما بیشتر از همه خسارت می‌دیدند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



دکتر ولایتی مسائل لبنان را مطرح کرد و تصویب کردیم که در حدود بیست میلیون دلار محموله نفت، برای مخارج لبنان و افغانستان و جاهای دیگر به فروش برود. وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی آمدند. جواب نامه امام به درخواست نخست وزیر در خصوص مصرف ارز منابع خارجی با یوزانس و تهاتر و اعتبار و بای بک تا سقف مصوبه ارز بودجه کل کشور را مطرح کردند؛ تصویب کردیم. امام تصمیم‌گیری درباره آن را به جلسه سران قوا محول کرده‌اند. دیر وقت به منزل آمدم.

یکشنبه ٦ آذر ١٣٦٧ | ١٦ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ ٢٧ نوامبر ١٩٨٨

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا هشت کارهای دفتر انجام شد. در جلسه علنی قبل از دستور مرگ دکتر [کاظم] سامی را تسلیت گفتم[1]. در مطبش توسط شخص ناشناسی با چاقو ترور شده و پس از انتقال به بیمارستان و کارگر واقع نشدن معالجات فوت کرده است. رسانه‌های خارجی با شیطنت به گونه‌ای صحبت می‌کنند که نظام را متهم به قتل او کنند. آیت‌الله منتظری هم پیام مفصلی به پدرش داده‌اند[2]. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم.

---

١ - دکتر کاظم سامی، روانپزشک و رئیس بخش روان پزشکی بیمارستان رازی، وزیر بهداری در کابینه دولت موقت مهندس بازرگان و همچنین رهبر جنبش انقلابی مسلمانان ایران (جاما) بود. صبح روز چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۶۷ شخص ناشناسی به عنوان بیمار وارد مطب دکتر سامی در خیابان ولی عصر تهران شد. سپس به سراغ دکتر سامی رفت و با ضربات چاقو وی را به سختی مجروح نمود و متواری شد. دکتر سامی بلافاصله به بیمارستان ساسان منتقل شد، اما در بیمارستان جان سپرد. آقای هاشمی در نطق پیش از دستور مجلس گفت: « قتل ناجوانمردانه آقای دکتر سامی را به خانواده‌شان تسلیت عرض می‌کنیم. آقای دکتر سامی از نمایندگان دوره اول مجلس و وزیر بهداری جمهوری اسلامی پس از انقلاب بودند، از نیروهای انتظامی و اطلاعات و امنیت به طور جدی می‌خواهیم که این قتل مشکوک را حتماً پیگیری کنند که کشف بشود، چون در این جریان سر نخ یک شیطنتی به چشم می‌خورد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در پیام آیت الله منتظری خطاب به آقای غلامرضا سامی آمده است: « اینجانب شهادت فرزند مبارزتان را که سال‌های عمر خود را در زندان‌های شاه گذراند، به جنابعالی و تمام بازماندگان و منسوبین آن شهید محترم تبریک و تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و حشر با اولیاء اسلام و برای جنابعالی و دیگر بازماندگان محترم، صبر و اجر مسئلت می‌نمایم. » منبع: روزنامه کیهان، شماره ۱۳۴۸۰، صفحه ۱۸.

در تنفس برای جمعی از بسیجی های کارخانجات صحبت کردم[۱]. ظهر آقای [مجید] قاسمی رئیس بانک مرکزی آمد. خبر از گران شدن ارزهای خارجی به خاطر آزاد کردن ورود کالا با ارز آزاد توسط بخش خصوصی داد. گفتم بانک برای پائین آوردن قیمت، مبلغی ارز به بازار وارد کنند؛ مخالف آزادی ورود کالا هستند.

آقای عبدالله نوری آمد. درباره اصلاح سیستم مدیریت کشور به منظور انسجام بیشتر دستگاه اجرایی پیشنهادهایی داشت. عصر آقای [احمد] سالک آمد. گزارش کار مرکز هدایت نهضت‌های اسلامی را داد و برای بودجه و انسجام ارگان‌های مربوط استمداد کرد.

آقایان امام جمعه کرمان و بم و آقای فلاح [دادستان انقلاب کرمان] و... از کرمان آمدند و از توسعه قاچاق مواد مخدر و ناامنی های ناشی از اقدامات قاچاقچیان مسلح در اطراف بم و کرمان و ضعف کارهای فرهنگی گفتند و برای تقویت امور فرهنگی و امنیتی و قضایی استمداد نمودند. تا ساعت هشت و نیم کار کردم و به منزل آمدم.

دوشنبه ۷ آذر ۱۳٦۷ | ۱۷ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم صبح برای شرکت در جلسه شورای بازسازی به مقر رئیس جمهور رفتم. نخست وزیر نبود. او به گرگان رفته است. مقداری درباره وضع دولت و سیاست‌های جاری و چاره اندیشی ها مذاکره شد. سپس با حضور آقای [عبدالحسین] وهاجی [سرپرست وزارت بازرگانی] درباره ورود کالا صحبت کردیم . پیشنهاد شد بانک مرکزی برای

---

[۱] - جمعی از رزمندگان بسیجی ادارات و کارخانجات پایگاه مقداد در دیدار با رئیس مجلس شورای اسلامی، خواستار تسریع در تصویب قانون کار شدند. آقای هاشمی در پاسخ به این درخواست، اظهار امیدواری کرد مشکل این قانون که با اشکال شورای نگهبان روبرو شده است، در مجمع تشخیص مصلحت نظام حل شود. جانشین فرمانده کل قوا در این دیدار همچنین ضمن تقدیر از ایثارگری‌های حاضرین گفت: « انصافاً بسیجی‌ها در مجموع نوعی آبرو، اعتبار و وجهه اسلامی و انقلابی به این کشور دادند و رمز این مسئله در فداکاری‌های داوطلبانه این عزیزان نهفته است. نکته اصلی که یک بسیجی را از سایرین ممتاز کرده، حالت معنوی و حرکت داوطلبانه بسیجی‌ها است؛ وجود حالت داوطلبی و شهادت‌خواهی، تقدسی خاص به نیروهای بسیجی داده که این جزو مهمترین فضیلت‌های انسانی است. عشقی است که از عرفان سرمنشاء می گیرد. نوعی شناخت را از خداوند و ملکوت و آینده بشر در وجود انسان می‌آفریند که او را از تعلقات دور می‌کند و وی را به ملکوت می‌برد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام، مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. ان‌شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد. از تذکرات همهٔ شما سپاسگزارم و به همه‌تان دعا می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه رهبر کبیر انقلاب اسلامی درباره مجمع تشخص مصلحت نظام

جلوگیری از گرانی ارز، به بازار ارز تزریق کند. بعد از اعلان جواز ورود کالا از خارج، قیمت ارز به سرعت رو به افزایش است. همچنین خواسته شده که اجازه باز شدن صرافی‌ها داده شود. قرار شد مرحله دوم با یک هفته تأخیر انجام شود.

آقای خامنه‌ای برای شرکت در مراسم لشکر ۱۰ سید الشهداء به کرج رفتند. من و آقای [موسوی] اردبیلی مذاکره داشتیم. ایشان اظهار خستگی از شغل خود داشت و از مشکلات کار شورایی و کمی اختیارات و عدم تأیید قوی از طرف امام ناراحت است. ادامه کار به صورت مطلوب را مشروط به اختیارات بیشتر و تأیید صریح امام می داند. اصرار داشت که من نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری را بپذیرم. به دفترم رفتم و تا ساعت دو بعد از ظهر کارها را انجام دادم.

عصر آقای [مصطفی] ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] آمد. گزارش انفجار را آورد و از ستاد کل گله داشت. آقای [سید حسن] فیروزآبادی به تلخی از گزارش بازرسی ویژه که ایشان را هم در جریان افسریه بی تقصیر ندانسته، تلفنی شکایت نمود. آقای [علی] رازینی آمد. گزارش کار سازمان قضائی نیروهای مسلح و پرونده افسریه را داد[1]. گفتم متهمان را خیلی در بازداشت نگاه ندارد. بازجویی را تا زمان محاکمه کامل کند و آزادشان نماید. آقای [مصطفی] اردستانی معاون آقای [منصور] ستاری [فرمانده نیروی هوایی] آمد. توجیه می کرد که با آمریکا رابطه برقرار کنیم و برای نظر خود تحلیل ارائه داد. آقای [محمد جواد] ایروانی [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد؛ عازم شوروی است. درباره مذاکرات و مسائل مورد مذاکره مشورت کرد. به ایشان گفتم که به مشکلات لنج داران در گمرک بوشهر برسد و ارز به بازار وارد کنند.

[آقای غلامرضا] آقازاده [وزیر نفت] آمد. پیشنهادهایی در جهت فروش کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی و اجازه ورود کالاهای غیر اساسی به بخش خصوصی و محور قرار دادن معدن در توسعه اقتصادی داشت و خبر داد که عربستان حرف خودش را درباره

---

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس در این باره گزارش داد: «در جریان تیراندازی متقابل میان افراد ارتش و سپاه پاسداران در تهران چند سرباز کشته و تعدادی مجروح شدند. این تیراندازی از منبع مشخصی تأیید نشده است. از زمانی که امام خمینی، هاشمی رفسنجانی را جهت تجدید سازمان نیروهای نظامی ایران به عنوان کفیل فرماندهی کل قوا معرفی کرد، تلاش‌هایی برای ادغام ارتش و سپاه پاسداران انجام گرفته است. این درگیری زمانی آغاز شد که لشکر یک ثارالله سپاه پاسداران بر علیه لشکر ۲۱ حمزه ارتش در تهران حرکت کرد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخ ۶۷/۹/۳۰، صفحه ۱.

قیمت نفت پس گرفته و قرار شده قیمت همان ۱۸ دلار باشد. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۸ آذر ۱۳۶۷ | ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. به مجلس رفتم. دکتر روحانی آمد. درباره مسائل ارتش و سپاه و دولت و ریاست جمهوری آینده و خریدهای تسلیحاتی مذاکره کردیم. آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و گزارش نتایج مذاکرات با [هانس دیتریش گنشر] وزیر خارجه آلمان [غربی] را داد. عصر دکتر ولایتی و سفیرمان در آلمان [غربی] آمدند. قبل از ملاقات با گنشر توضیحاتی دادند و ظهر آقای [سید حسین] موسویان برای همین منظور آمد.

با وزیر خارجه آلمان ملاقات کردم[1]. علاوه بر توسعه روابط، گروگان های آمریکایی و پذیرفتن نماینده حقوق بشر مطرح شد. ملاقات خوبی بود. سپس مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگارهای داخلی و خارجی انجام شد[2] و پس از آن مصاحبه کوتاه

---

۱ - در این ملاقات آقای هاشمی گفت: «شما اولین شخصیت رسمی اروپایی بودید که سال‌ها پیش اعلام کردید که عراق را به عنوان آغازگر جنگ می‌شناسید. سایرین بعدها این حقیقت را اعتراف کردند. اما اظهارنظر آن روز شما آثار مثبتی به بار آورد. ما در دوران بعد از انقلاب، روابط خوبی با هم داشتیم. سفر فعلی شما هم در مرحله خاصی صورت می‌گیرد و نمایانگر این واقعیت است که در دوران بازسازی کشور پس از جنگ، باز هم کشور شما پیشقدم بوده است. بنابراین اینک شرایط به گونه‌ای است که ما می‌توانیم روابط خود را به سهولت توسعه دهیم، در عین آنکه در حال حاضر مشکل خاصی با سایر کشورهای اروپایی نداریم، اما تفاوت کشور شما با سایر ممالک اروپایی در این بود که در زمان جنگ روابط ما به قوت خود باقی ماند.»

۲ - آقای هاشمی در یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: «در مورد گرفتن وام از بانک‌های خارجی هنوز تصمیمی نگرفته‌ایم، اما به طور یقین آمادگی داریم به صورت‌های مختلف از منابع ارزی خارجی، از جمله گرفتن اعتبارات درازمدت، تبدیل مواد اولیه و اشکال دیگر استفاده کنیم. این اعتبارات برای توسعه کشور، ایجاد صنایع زیربنایی و اتمام طرح‌های مهم و مادر و فعال کردن برنامه‌های موجود مصرف خواهد شد.» ایشان در پاسخ به سئوالی در زمینه تأثیر روابط سیاسی ایران با دیگر کشورها برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، این روابط را مثبت خواند و گفت که حضور وزیرخارجه آلمان را باید فتح بابی در توسعه جدی روابط با کشورهای دوست تلقی کرد. ایشان در پاسخ به سوال خبرگزاری رویتر پیرامون آزادی «تری ویت» گفت: « آمریکا و انگلیس اگر جداً به آزادی گروگان‌های ما در لبنان [آقایان سید محسن‌موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان] کمک کنند، ما هم حاضر خواهیم بود از نفوذ خود برای آزادی گروگان‌های غربی استفاده کنیم.» تصمیم مجلس ملی فلسطین در زمینه تشکیل دولت فلسطین، ﻻ

اختصاصی با تلویزیون اتریش انجام دادم[۱]. کارهای دفتر را انجام دادم. به جلسه مجمع

سئوال خبرنگار رادیو و تلویزیون آلمان بود که آقای هاشمی در این زمینه گفت: «جمهوری اسلامی ایران با تشکیل دولت فلسطینی مخالفتی ندارد، اما با ایجاد یک دولت غیرفلسطینی در خاک فلسطین مخالف است. زیرا اعتقاد داریم که فلسطین باید کشوری آزاد باشد و همه مردم ساکن آن اعم از عرب و غیرعرب، مسیحی و مسلمان و یهودی در تشکیل دولت آن سرزمین شریک باشند. در عین حال آوارگان فلسطینی نیز به سرزمین خود بازگردند.» خبرنگار روزنامه آلمانی «زدویچه تانیوگ» در زمینه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس سئوال کرد. آقای هاشمی پاسخ داد: «مشکلات ما با کشورهای حوزه خلیج فارس بیشتر در ارتباط با جنگ تحمیلی و کمک آنان به دشمن ما بود. جمهوری اسلامی ایران خواهان حسن همجواری با همه همسایگان است. اکنون که جنگ خاتمه یافته است، مانعی برای توسعه روابط ما با دیگر کشورها وجود ندارد.» ایشان در ارتباط با آزادی‌های سیاسی و فعالیت احزاب در اثر بروز جنگ گفت: «قانون اساسی و مجلس ما فعالیت احزاب سیاسی را آزاد اعلام کرده و مردم می‌توانند حزب داشته باشند. در دوران جنگ هم اگر منصفانه برخورد شود، می‌بینید تنها کشور که در حال جنگ، انتخابات کاملاً آزاد انجام داد، ایران بود و آزادی انتخابات در ایران کاملاً روشن است و هرکس به هر کسی که می‌خواهد رأی می‌دهد.» سئوال شد اگر فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی آزاد شود، آیا این آزادی شامل حزب کمونیست هم خواهد شد؟ آقای هاشمی در پاسخ گفت: «فکر می‌کنم اگر حزب کمونیست بخواهد با آرمان ضدخدایی فعالیت کند، اجازه فعالیت ندارد. اما اگر آنها بخواهند به صورت فلسفه اقتصادی و تشکیلاتی فعال باشند، اشکالی ندارد. ما طبق قانون اساسی اجازه تبلیغات ضدخدایی را به هیچ حزبی نمی‌توانیم بدهیم.» ایشان در پاسخ به سئوال دیگری در مورد تحولات اوپک توضیح داد: «جمهوری اسلامی ایران از تصمیم اوپک راضی است. ایران سهمیه خود را حفظ کرد، عراق نیز سهمیه‌اش بیشتر از پیش و از سهمیه دیگر اعراب تأمین شد. سقوط قیمت نفت برای همه و از جمله اعضای اوپک و مصرف کنندگان صنعتی مضر بود.» در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی امروز، گروه کثیری از خبرنگاران، عکاسان و فیلمبرداران آلمانی، ژاپنی، چینی، ترک و دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی و نیز خبرنگاران داخلی شرکت داشتند. خبرنگار یک روزنامه از کانادا پرسید که آیا نامه کارتر به امام خمینی فتح بابی درگشایش روابط با آمریکاست؟ آقای هاشمی گفت: «نخیر، این نامه بدون سابقه بوده و همان متنی بوده که شما هم آن را شنیده‌اید. چون پشتوانه‌ای برای این نامه از پیش آماده نشده است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - آقای هاشمی در مصاحبه با خبرنگاران تلویزیون اتریش آمادگی ایران را برای همکاری با کشورهایی که مایل به استفاده از روابط اقتصادی در دوران بازسازی به عنوان سلطه سیاسی نیستند، اعلام کرد. جانشین فرمانده کل قوا همچنین اعلام کرد که روابط ایران و عربستان در آینده نه چندان دور عادی خواهد شد و هم اکنون نمایندگانی مشغول مذاکره درباره مسأله حج هستند. خبرنگار تلویزیون اتریش پرسید: به عقیده شخصی خود شما، مشکلات واقعی که الان در خلیج‌فارس موجود است و نمی‌گذارد که این منطقه آزاد باشد، چیست و به نظر شما چه مشکلاتی را باید برطرف کرد که منطقه خلیج فارس هر چه زودتر آرام بشود؟ آقای هاشمی پاسخ داد: « ما مشکل غیرقابل حل را در منطقه نمی‌بینیم. در اوایل انقلاب، حزب بعث عراق قصد توسعه‌طلبی داشت که شکست خورد. ما هم که از اول قصد توسعه طلبی نداشته‌ایم. می‌خواهیم ایران آزاد و آباد داشته باشیم. همسایه‌های جنوبی ما هم اگر کسی متعرضشان نشود، آنها هم قصد تعرض به کسی ندارند. آنها می‌خواهند خودشان بمانند. نفوذ خارجی‌ها نفوذ آمریکا به خصوص، مشکلی است که ممکن است بعضی سیاست‌های مستقلی که به نفع منطقه است، خوشایند آمریکا نباشد. آنها تحریک می‌کنند و تفرقه درست می‌کنند. ما از همسایه‌هایمان می‌خواهیم که تحت تأثیر آنها نباشد. همکاری کنند، در مسائل نفت و در مسائل دریا و .... اگر قطعنامه ۵۹۸ به خوبی اجرا بشود، مشکلی در منطقه نیست.» خبرنگار تلویزیون اتریش پرسید: « شما یکی از سیاستمداران پر کار دنیا می‌باشید، آیا با این همه کار زیاد وقت استراحت دارید؟ خانواده و فرزندان شما می‌توانند به قدر کافی از حضور شما در منزل استفاده کنند. مشغولیات شما در اوقات بیکاری چیست؟ معمولاً چه کتاب‌ها و نشریاتی را بیشتر مطالعه می‌کنید؟» آقای هاشمی پاسخ داد: « البته این طور نیست که وقت استراحت نداشته باشم،



ملاقات با وزیر امور خارجه آلمان غربی

تشخیص مصلحت رفتم. بخشی از قانون تعزیرات حکومتی تصویب شد. دیر وقت به خانه آمدم.

چهارشنبه ۹ آذر ۱۳۶۷ | ۱۹ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسئله مهم، مخالفت آمریکا با سفر یاسر عرفات به آمریکا برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل است که فشار زیادی بر

«معمولاً شب‌ها به منزل می‌روم و استراحت می‌کنم که برای کار مؤثر است. طبعاً خانواده و بچه‌ها خیلی راضی نیستند که کمتر می‌توانند پدرشان را ببینند، ولی آنها می‌دانند که این کار لازم است، از این جهت رضایت می‌دهند و کمک هم می‌کنند و تقریباً اوقات فراغتی ندارم که بتوانم بگوئیم چه می‌کنم. این هم به علت گزارش‌های زیادی است که از اوضاع کشور، مسائل جهانی و نیروهای مسلح و کارهای مجلس روزانه برای من می‌رسد که باید همه اینها را بخوانم و بعضی وقت‌ها باید نظر بدهم، وقت زیادی را می‌گیرد. اگر فرصتی پیدا بکنم کتاب‌های مورد نظرم را مطالعه می‌کنم که در رابطه با خطبه‌های نماز جمعه و مسائل دینی که تخصص من هست، گاهی هم در وقت کارها صرفه‌جویی می‌کنیم و برای تنوع اگر فرصت نمایم، فیلم هم مشاهده می‌کنم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آمریکا وارد می‌آید[1]. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. در تنفس برای بسیجیان شرکت راه آهن و پایگاه مالک اشتر که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[2].

امام جمعه ایلام آمد. از کمبودهای رزمندگان در جبهه ایلام گفت. نمایندگان استان سمنان آمدند[3] و برای سفر به سمنان نظر دادند. ظهر آقای [محمد] سلامتی نماینده تهران آمد. عازم سفر به شوروی است. برای مذاکرات راهنمایی خواست. گفتم به سد خداآفرین، راه آهن و راه آبی برای ما از شوروی به اروپا اهمیت بدهند.

آقای منیرالدین حسینی با جمعی از همکارانش آمدند. برای همکاری در تدوین استراتژی جدید اظهار آمادگی کردند و از خطر «التقاط راست» اظهار نگرانی کردند؛ برخلاف اظهارات گذشته که از خطر التقاط چپ هراس داشتند.

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت. شب آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد. نامه دوم [جیمی] کارتر [رئیس جمهور اسبق آمریکا] را آورد که خواسته است کسی را برای مذاکره معین کنیم. عجیب است با آن اظهارات تند امام به درخواست مذاکره، ادامه می‌دهند. در جلسه جامعه روحانیت مبارز تهران شرکت کردم. برای نامزد شدن من در انتخابات ریاست جمهوری اصرار دارند و درباره ائتلاف با مجمع روحانیون مبارز صحبت و تصمیم‌گیری شد. بعد از شام به خانه آمدم.

دکتر ولایتی تلفنی گفت که در سازمان ملل از اصرار بر آمدن نماینده حقوق بشر به ایران صرف نظر کرده‌اند و به قول همکاری ایران با نماینده آنها برای صرف نظر از قطعنامه

---

۱ - سازمان ملل متحد اقدام دولت آمریکا مبنی بر خودداری از صدور ویزا به یاسرعرفات برای سخنرانی در مجمع عمومی را غیرقانونی خواند. در همین ارتباط، شدت انتقادات جهانی از تصمیم آمریکا به اوج خود رسید و اغلب کشورهای جهان تصمیم وزارت خارجه آمریکا را محکوم کردند. در میان این گروهی از کشورهای متحد آمریکا از جمله آلمان غربی و استرالیا نیز به انتقاد از آمریکا پرداختند. رئیس مجمع عمومی سازمان ملل نیز به یاسرعرفات اطمینان داد که وی می‌تواند در اجلاس مجمع عمومی در ژنو سخنرانی کند. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۵۱ رأی مثبت، قطعنامه‌ای صادر کرد و از اقدام آمریکا ابراز تأسف نمود.

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «برادران پایگاه مالک اشتر یکی از پایگاه‌های مؤثر و مفید و صف شکن جنگ را تدارک می‌کردند و انصافاً از پشتیبان کننده‌های شایسته جنگ بودند. نیروهای بسیجی راه آهن تأثیر زیادی در فعالیت‌های راه آهن درطول جنگ داشته‌اند. بخش قابل توجهی از ترابری جنگ را راه آهن انجام داد، اینها تا آخرین روز جنگ با شجاعت وظیفه خود را انجام دادند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۳ - نمایندگان استان سمنان در مجلس سوم عبارت بودند از آقایان: سید رضا اکرمی، ابوالفضل حسن بیگی، سید حسین حسینی و یار محمد عرب عامری.

اکتفا دارند[۱]. آقای بیات و استاندار کرمان از احتمال باطل شدن انتخابات جیرفت، تلفنی اظهار نگرانی کردند.

پنجشنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۷ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ | ۱ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها تظاهرات وسیع مردم آذربایجان شوروی و شعارهای اسلامی جلب توجه می‌کند[۲]. رفته رفته کنار مرز ما می‌آیند. رسانه‌های شوروی هم در این خصوص به زبان آمده‌اند.

مدیرکل‌های وزارت اطلاعات آمدند؛ سمینار دارند. برای آنها در خصوص مبارزه با عوامل نارضایتی مردم که زمینه را برای تقویت انقلاب فراهم می‌کند، صحبت کردم[۳]. آقای

---

۱ - کمیسیون سوم مجمع عمومی سازمان ملل که به امور مربوط به حقوق بشر می‌پردازد، چهارشنبه ۹ آذر ۶۷ قطعنامه‌ای را در انتقاد از نقض حقوق بشر در ایران تصویب کرد. کشورهای هلند، بلژیک و پرتغال، بانی این قطعنامه بودند. در این قطعنامه گفته شده که بهائیان در ایران هدف آزار و اذیت و تبعیض هستند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل با ۵۵ رأی موافق در برابر ۲۳ رأی مخالف و ۳۸ رأی ممتنع، این قطعنامه را به تصویب رساند.

۲ - مطبوعات رسمی شوروی گزارش دادند مقاماتی که می‌کوشند به ناآرامی‌های آذربایجان خاتمه دهند، بیش از ۸۰۰ نفر را در باکو مرکز جمهوری آذربایجان بازداشت کردند. آنها پرچم‌های اسلامی و تصاویر آیت الله خمینی رهبر ایران را در دست داشتند. روزنامه دولتی ایزوستیا، مصاحبه‌ای با یکی از رهبران تظاهرکنندگان باکو را به چاپ رساند. خبرنگاران این روزنامه از او پرسیدند توضیح دهد چرا پرچم‌های سبز و تصاویر [امام] خمینی در میدان لنین مشاهده می‌شود؟ رهبران شوروی نگران گسترش انقلاب اسلامی ایران به آسیای مرکزی هستند.

۳ - در این ملاقات که قائم مقام و معاون امنیت وزارت اطلاعات به همراه مدیران کل و رؤسای ادارات و مسئولین امنیت شهری وزارت اطلاعات حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «ما باید ناراضی تراش‌ها را در هر جا که هستند از نظام‌مان جدا کنیم. البته یک سری از نارضایتی‌ها ناشی از مشکلات انقلاب و جنگ و کمبودهاست که اینها تقصیر یک مأمور نیست. آنجاهایی که کارهای اداری و خدماتی دولتی مردم را ناراضی می‌کند، باید به طور جدی با آن برخورد بشود. یکی از کارهای مهم وزارت اطلاعات این است که مواظب مأمورین خودمان باشد که مردم را ناراضی نکنند. یکی از وظایف بسیار مهم وزارت اطلاعات این است که عوامل ناراضی کردن مردم را شما باید از بین ببرید، در آن صورت مردم به شما به دیده حلال مشکلات نظر خواهند داشت. اگر مردم ببینند با تلاش‌هایی که شما می‌کنید، مشکلات زندگی آنها حل خواهد شد، دیدشان نسبت به اطلاعات، عوض خواهد شد. مردم نباید فکر کنند که شما مشکلات را می‌خواهید با سرکوب حل بکنید. آنها از هر چیزی که می‌خواهد حق و امنیت را برقرار بکند، می‌ترسند. به جز خائنین، بقیه انسان‌ها باید با شما به عنوان یک مأوی و پناهگاه برخورد بکنند و مشکلات خود را با شما در میان بگذارند و شما بتوانید مشکلات آنها را حل بکنید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



رژه پیاده مکانیزه نیروهای لشکر ۱۰ سید الشهدا(ع)



حبیب اللهیان آمد. طرح‌های ساختمانی مجلس را ارائه داد.

به جلسه مسئولان خریدهای تسلیحاتی رفتم. درباره نوع خریدها و نیاز و منابع خریدها مذاکره کردیم. ظهر آقای قنبری رئیس صنف شیشه فروشان آمد. پیشنهاد تأسیس کارخانه شیشه سازی مدرن داشت. عصر اعضای لشکر ۱۰ سید الشهداء(ع) آمدند و مقابل مجلس رژه رفتند. برای آنها صحبت کردم[1]. رژه خوبی نداشتند، مبتدی هستند. جوایزی به بسیجی‌های نمونه داده شد. گروه سرود آباده سرود خوبی اجرا کردند.

استاندار آذربایجان شرقی آمد و از تظاهرات مردم آذربایجان شوروی گفت که خیلی وسیع است و مایه‌های اسلامی دارد و عکس‌های امام را دارند؛ درباره فرض‌های احتمالی پناه آوردن مردم به ایران کسب تکلیف کرد. آقای عبدالله نوری آمد. گزارش بررسی تشکیلات نیروهای مسلح را داد. به نتیجه ادغام نیروهای نظامی و همچنین ادغام نیروهای انتظامی رسیده‌اند. تا ساعت هشت و نیم کار کردم و به منزل آمدم. عفت مهمان داشت. کمی با مهمان‌ها صحبت کردم.

جمعه ۱۱ آذر ۱۳۶۷ | ۲۱ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۲ دسامبر ۱۹۸۸

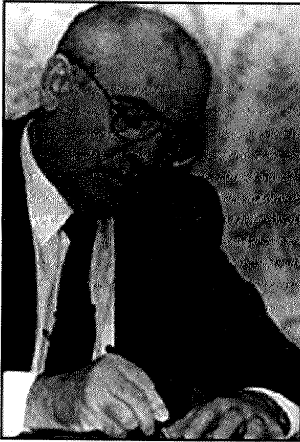
در منزل بودم. کارهای عقب مانده مجلس را که به خانه آورده بودم، انجام دادم. آقای [محمدحسن] زورق آمد. گزارش سفر به هند، مالزی و پاکستان را داد و درباره تبلیغات بحث شد. آقای [سید علی اکبر] محتشمی [وزیر کشور] تلفنی اطلاع داد که قاتل دکتر [کاظم] سامی را دستگیر کرده‌اند و مجدداً اطلاع داد که شناخته شده ولی فراری است و

---

۱ - آقای هاشمی در جمع فرماندهان و افراد نمونه یگان‌های بسیج مستضعفین، بر لزوم رعایت نظم و انضباط در واحدهای نظامی و داوطلب تأکید کرد . جانشین فرمانده کل قوا که در ششمین روز از هفته بسیج مستضعفین «روز ایثار» و پس از رژه واحدهای نمونه مکانیزه، ادواتی و زرهی بسیج از مقابل مجلس شورای اسلامی سخن می‌گفت، اضافه کرد: «بی‌انضباطی در واحدهای نظامی، باعث پایین آمدن توان این واحدها در میدان‌های نبرد می‌شود.» در این رژه، لشکر ویژه پیاده کوهستانی، گردان‌های لشکر سیدالشهدا (ع) گردان‌های نمونه حنین، قمربنی هاشم، حضرت علی اکبر(ع) حضرت علی اصغر(ع)، نینوا، صف و نیز گردان‌های ویژه غواصی، سکان‌داری، آبی، خاکی، ش. م. ر– دژبان، مهندسی رزمی، زرهی، توپخانه، راپل و دیگر واحدهای نمونه بسیجی شرکت داشتند. این واحدها توان عملیاتی، رزمی بسیجیان را در زمینه‌های مختلف رزمی و عملیاتی به نمایش درآوردند.

دستگیر نشده است[1].

محسن ظهر اینجا بود. درباره آینده صنایع موشکی سپاه، با توجه به شرایط «نه جنگ - نه صلح» صحبت شد. عصر یک فیلم تماشا کردم. شب مهمان احمدآقا بودم؛ آقای خامنه ای هم بودند. درباره امور جاری کشور مذاکره شد. امام هم در جلسه شرکت کردند. حالشان خیلی خوب است. گفتند در فکرند که نامه ای به آقای گورباچف [رهبر اتحاد جماهیر شوروی] بنویسند. خبر نامه دوم کارتر و پیغام صدام را به ایشان دادیم. علی نوه امام - فرزند احمدآقا - با امام بود. امام گفتند به این بچه بیش از هر کس دیگر علاقه‌مندند[2].



میخائیل گورباچف صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی

---

۱ - فردی به نام محمود جلیلیان متولد ۱۳۱۶ در کرمانشاه که گفته شد کارمند سازمان هلال احمر بوده و هنگام تصدی دکتر سامی در آن سازمان با وی درگیری داشت، قاتل دکتر کاظم سامی بود. او توسط حفاظت و اطلاعات شهربانی جمهوری اسلامی شناسایی شد، اما پیش از دستگیری در مورخه ۱۳ آذر ۱۳۶۷ در یکی از گرمابه‌های شهر اهواز، خود را از لوله دوش نمره حمام حلق آویز کرد. در داخل نمره حمام، یک سرنگ خالی نیز مشاهده شد.

۲ - امام خمینی (ره) در شب سه شنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۷ یک جلد کتاب صحیفه سجادیه را به نوه خود سید علی خمینی اهدا کردند و در آن نوشتند: « من این کتاب بزرگ را به فرزند عزیزم که در جبهه او نور و نور علی نور می‌بینم و آن عزیز که یادگار احمد و از سُلاله پاک ائمه اطهار و از طباطبایی‌ها که افتخار فرزندی حسنین را دارند، اهدا کردم و امیدوارم او از علمای برجسته و فقهای متعهد و از عرفای مجاهد فی‌سبیل‌الله در دو جبهه ظاهر و باطن شود و از این کتاب مقدس به طور شایسته بهره‌مند گردد و پدر پیر خود، خمینی را که عمری با هوای نفس و عصیان و ناسپاسی گذرانده و اکنون با روی سیاه و کوله باری از معصیت، بدون هیچ امید — مگر به فضل خدای رحمان — از این دار و دیار به دار و دیار دیگر می‌رود، از طلب رحمت و دعا و بخشش گناهان بر او منت نهد.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۱۰، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). اکنون حجت الاسلام سید علی خمینی فرزند حاج سید احمد آقا، تحصیلات دینی در حوزه علمیه قم انجام داده و ملبس به لباس روحانیت است و در کنار برادر خود حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی، امور تولیت آستان مقدس حضرت امام (ره) را عهده دار است. امام خمینی در یادداشت خود برای سید علی خمینی این شعر را سروده‌اند: «فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی — از خم دوست جوانم، به خم موسی علی / طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست — یاد آرم به خرابات چو ابروی علی».



سید علی خمینی نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

شنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۷ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۳ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به دانشکده پلیس رفتم. مراسم انجام شد. رژه رفتند. برای آنها صحبت کردم[1] و جوایز افراد اول و دوم و سوم فارغ‌التحصیلان را دادم و از غرفه کشفیات آگاهی بازدید کردم. توضیحاتی درباره شیوه کشف جرم و شناخت مجرم و ابزار جعلیات دادند. سپس از سیمیلاتور [= شبیه ساز] تعلیم رانندگی و ماکت‌های ماشین آموزشگاه بازدید شد و ضمن پذیرایی توضیحاتی گرفتیم. ساعت یازده و نیم به مجلس رسیدم.

آقای [علیرضا] معیری [معاون سیاسی نخست وزیر] آمد. گزارش طرح تمرکز اطلاعات را داد که قرار است در مجمع تشخیص مصلحت مطرح شود. عصر تیمسار ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد. او نوارهایی از اعترافات ضدانقلاب آورد. آقای شهرکی آمد. گزارشی از وضع آب در عراق و احتمال تیره شدن روابط عراق و ترکیه بر سر آب فرات را گفت.

فرماندهان تیپ امام صادق(ع) آمدند. از کمبود روحانی داوطلب برای خدمت در نیروهای مسلح گفتند و پیشنهاد اعزام اجباری طلاب برای سربازی را داشتند. سرشب آقای

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

حسنی سعدی فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد و گزارش کار داد.

شب جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. دکتر ولایتی مسائل لبنان و افغانستان را مطرح کرد. قرار شد با [شیخ محمد مهدی] شمس‌الدین [رئیس مجلس شیعیان لبنان] ملاقات کنیم و وعده حمایت بدهیم و در مورد افغانستان با شوروی وارد مذاکره شویم. اخبار تظاهرات در مرز شوروی و رگه‌های اسلامی نهضت و نامه امام به گورباچف مطرح شد[1]. ساعت ده و نیم به منزل رسیدم. عفت منزل فاطی بود. خاطرات امروز را نوشتم و خوابیدم[2].

یکشنبه ١٣ آذر ١٣٦٧ | ٢٣ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ — ٤ دسامبر ١٩٨٨

تا ده و نیم در جلسه بودم. سپس ویدئوی اعترافات یک منافق را که اخیراً دستگیر شده دیدم. اطلاعات مهمی داده. از عراق برای تماس با منابع منافقین آمده است. ظهر اعضای

---

۱ - نامه حضرت امام (ره) به گورباچف در مورخ ۱۱ دی ۱۳۶۷ ارسال شد. متن کامل این نامه در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ - رادیو بی بی سی در این روز در تفسیری پیرامون سفر گنشر به ایران و زمینه‌های همکاری‌های اقتصادی میان ایران و آلمان گفت: «ایران برای اولین بار گفته است که برای کمک به بازسازی اقتصادی کشور، خواهان وام‌های خارجی است. هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس ایران هفته گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران گفت که طی سفر سه روزه هانس دیتریش گنشر، وزیر خارجه آلمان، ایران خواهان نوعی اعتبار مالی شد. خبرگزاری رسمی ایران اظهارات آقای رفسنجانی را روشن‌ترین نشانه‌ای از این خواند که ایران ممکن است برای تأمین هزینه‌های پروژه‌های اقتصادی بزرگ این کشور، به بازارهای مالی جهان رو بیاورد. در آلمان غربی دیپلمات‌ها می‌گویند که این کشور مشغول بررسی شرایط سهل‌تری برای اعطای اعتبار بازرگانی به ایران است. به همراه گنشر وزیر خارجه آلمان غربی، ۱۱۲ تن از صاحبان صنایع این کشور منجمله نمایندگان کروپ، زیمنس و لوفت‌هانزا نیز به ایران رفته بودند. آلمان غربی در زمره عمده‌ترین کشورهای صادر کننده کالا به ایران به شمار می‌آید. اعتبارهای صادراتی آلمان غربی در سال ۱۹۸۷ بیش از یک میلیارد دلار بود. با وجود این طی سفر اخیر به واسطه موقعیت سیاسی نامعلوم ایران، هیچ گونه پیشرفت واقعی در زمینه همکاری‌های اقتصادی آینده دو کشور حاصل نشد. چون ایران هنوز نمی‌توانست، تصویر روشنی از خط مشی اقتصادی خود در آینده به دست دهد و صاحبان صنایع آلمان غربی نیز کماکان از بابت حفظ سرمایه‌گذاری خود و تفاوت بین قوانین اسلامی و بین‌المللی نگران بودند.» نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۹/۱۳ ، صفحه ۲۷.

کمیسیون [شوراها و] امور داخلی مجلس آمدند[۱]. درباره تقویت کمیسیون استمداد کردند و برای کار در جهت ادغام نیروهای انتظامی و نظارت بیشتر بر ادارات مربوطه اجازه گرفتند.

عصر قرار بود جلسه ستاد کل داشته باشیم که به وقت دیگری موکول شد و به جای آن به فیلم اعترافات عوامل ضدانقلاب گوش دادم. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم؛ شام و تماشای تلویزیون و نوشتن خاطرات امروز و استراحت.

دوشنبه ۱٤ آذر ۱۳٦۷ | ۲٤ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۵ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه ونیم صبح به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رسیدم. شورای سیاستگذاری [بازسازی] جلسه داشت. گروه جدیدی از کالاها برای اعلان آزادی واردات انتخاب شد. آقای [عبدالحسین] وهاجی [سرپرست وزارت بازرگانی] نوسان قیمت ارزها را بعد از اعلان آزادی واردات گزارش کرد[۲]. مجموعاً خوب است و بعضی کالاها تحت تأثیر قرار گرفته و مراجعات

---

[۱] - اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس سوم عبارت بودند از آقایان: محمد اشرفی اصفهانی(رئیس)، سید محمد حائری و محمد عظیمی طرقدری (نواب رئیس)، خدانظر قاسمی و محمد علی پرتوی (منشی)، سید رضی حسینی المدنی (مخبر) و عبدالمجید شرع پسند، اسدالله تابع، محمدرضا بهزادیان، وحید احمدی، محمد رشیدیان، محمد حسین جهانگیری و کریم شافعی (اعضا).

[۲] - رادیو آمریکا در گزارشی پیرامون افزایش مجدد قیمت دلار در ایران گفت: «تغییرات سریع و پی در پی ارزش برابری ریال ایران، گویای حساسیت اوضاع اقتصادی ایران است که بیش از هر چیز از بی‌اطمینانی بازرگانان و سرمایه‌گذاران به سیاست‌های اقتصادی دولت مایه می گیرد. بررسی آماری نشان می‌دهد که طی دو هفته گذشته تغییر قیمت دلار در بازار آزاد در حدود ۳۰ تومان بوده است. بدین ترتیب که تا پیش از اعلام آزادی ورود بعضی از اقلام مصرفی، قیمت دلار به حدود ۱۰۰ تا ۱۰۵ تومان کاهش یافت، اما به محض آنکه دولت پس از هفته‌ها بحث و گفتگو با آزادی ورود بعضی از اقلام مصرفی موافقت کرد، قیمت دلار به ۱۲۵ تومان و بیشتر ترقی کرد. در همین حال و به فاصله‌ای کوتاه وزیر امور خارجه آلمان غربی همراه با هیأت صد نفری بازرگانان و مدیران واحدهای صنفی آن کشور به تهران رفته بود و سخن از قراردادهای عمده بازرگانی میان دو کشور و مشارکت آلمان غربی در برنامه‌های نوسازی ایران به میان آمد. دورنمای روشن این مناسبات بر بازار متغیر ارز در ایران تأثیر فوری به جای گذاشت و قیمت دلار به حدود ۹۵ تومان تنزل کرد. به ویژه آنکه گفته می‌شد دولت در نظر دارد برای کمک به تشویق صادرات، در مقابل هر دلار ارزی که از محل صادرات عاید شود، دو دلار به بازرگانان صادر کننده ارز دولتی بفروشد. با این حال هنوز یک عامل عمده دیگر مانع از ترقی شدید قیمت دلار در بازار آزاد ارز در ایران می‌شد و آن دلگرمی بازار نسبت به بالا رفتن قیمت نفوذ نفت بود. بهای نفت گرچه پس از توافق اخیر اوپک در حدود بشکه‌ای یک دلار ترقی کرده است، اما کماکان و در مقایسه با قیمت‌های سال پیش در سطحی پایین قرار دارد. به عنوان مثال نفت خام دریای شمال

برای اخذ مجوز کم نیست. ظهر ناهار همان جا صرف شد. به مجلس رفتم.

آقای دکتر مقربی به همراه جمعی از مؤسسان دانشگاه حضرت رسول(ص) در دامغان آمدند. خواستند که ریاست افتخاری آن را بپذیرم؛ نپذیرفتم ولی قول حمایت دادم. عصر مسئولان حفاظت اطلاعات ارتش آمدند. برای آنها سخنرانی کردم. آقای سید محمد تقی مدرسی آمد. پیشنهادهایی در موارد امور فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تشکیلاتی داشت و برای ادامه مبارزه مردم عراق چاره‌جویی کرد.

سرشب نمایندگان امام در نیروهای مسلح آمدند. گله داشتند که گفته‌ام در معاونت آموزش ستاد کل، دایره‌ای برای عقیدتی سیاسی تشکیل شود؛ انتظار استقلال دارند. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. دکتر جاسبی درباره مشکل مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، تلفنی استمداد کرد.

سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۳٦۷ | ۲۵ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ٦ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مرکز جهاد سازندگی نزدیک مجلس رفتم. در سمینار مسئولان جهاد سخنرانی کردم و برای کارهای آینده جهاد مخصوصاً شیلات و صنایع روستایی نظراتی ارائه کردم[1]. به دفترم رفتم. کارهای دفترم را انجام دادم. سعیدالذاکرین [مسئول روابط

که سال گذشته بشکه‌ای ۱۷ دلار و ۲۰ سنت بود، اکنون ۱۴ دلار و ۲۵ سنت و نفت خام غرب تگزاس که بشکه‌ای ۱۸ دلار و ۶۵ سنت بود، اکنون ۱۶ دلار و ۵ سنت معامله می‌شود که به طور متوسط در حدود بشکه‌ای سه دلار و ۷۵ سنت، کمتر از قیمت‌های سال پیش است. به علاوه اکنون بار دیگر در محافل بازرگانی ایران شایع شده است که دولت به زودی با آزادی ورود اقلامی دیگر موافقت خواهد کرد، اما بازرگانان کماکان باید برای تأمین هزینه‌های ارزی واردات، چنین اقلامی از بازار آزاد ارز بخرند. نتیجه اینکه قیمت دلار بار دیگر سیر صعودی پیدا کرده و به سطح ۱۰۵ تومان و بیشتر رسیده است. در حالی که وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران، احتمال مراجعه ایران را به بازارهای پولی بین‌المللی برای دریافت وام رد کرده است، رئیس مجلس چنین اقدامی را منتفی نمی‌داند و گفته است این مسئله‌ای است که هنوز درباره آن تصمیم قطعی گرفته نشده است. در همین حال آقای رفسنجانی با قاطعیت از ضرورت عدم مداخله دولت در امور بازرگانی و سپردن این امور به بخش خصوصی جانبداری می‌کند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۹/۱۷، صفحه ۳۱.

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «در بازسازی باید اولویت را به روستاها داد. روستاهایی که در طول هشت سال جنگ، هستی‌شان به ویرانی کشیده شد. اکراد و لرهای غرب کشور، مرزداران قابل اعتمادی هستند و کارکردن برای عشایر این منطقه از اسلامی‌ترین و انقلابی‌ترین کارها به شمار می‌آید.» آقای هاشمی در قسمت دیگری از سخنان خود لزوم سرمایه‌گذاری جهاد در شیلات

عمومی مجلس] آمد؛ برای توضیح برنامه سفر رئیس مجلس لهستان که روز جمعه به ایران می آید. آقای [علی] جنتی آمد. درباره برنامه دفتر فرماندهی صحبت شد. قرار شد هفته‌ای یک روز به آنجا بروم.



ملاقات با رئیس مجلس لهستان

عصر آقای [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد. درباره همکاری با لیبی در تعمیر هلی کوپتر و هواپیماهای لیبی و همچنین در خصوص خانه‌های سازمانی نیمه تمام ارتش و سخت گیری‌های حفاظت اطلاعات و نیازهای مالی مطالبی داشت و اجازه‌هایی گرفت.

آقای سنجقی آمد. درباره برنامه‌ها و نظام آینده سپاه مذاکره شد. [آقای عیسی کلانتری] وزیر کشاورزی آمد. برنامه های خود را برای خودکفایی آورد. مدعی است اگر

را مورد تأکید قرار داد و گفت: «بهره‌گیری از ثروت دریا و توسعه صنعت صید و صیادی جهت تأمین بخشی از ارز مورد نیاز کشور از کارهایی است که جهاد می‌تواند در کنار فعالیت‌های مربوط به کشاورزی و صنایع دستی روستایی برای گشایش کار و زندگی مردم مدنظر قرار دهد.» ایشان دوره پس از جنگ را به عنوان دوره تعمیق تجربه‌های درخشان گذشته جهاد در سراسر کشور دانست و گفت: «کار جهادگر میدان نبرد از امروز کار در همه زمینه‌هایی است که با توجه به توانایی هایش می‌تواند انجام دهد. از کمک به مکانیزه کردن و آماده سازی نخلستان‌های جنوب تا تحقیقات و پژوهش‌های لازم در کنار صنایع نظامی.» آقای هاشمی در پایان ضرورت بررسی عوامل و موانع رشد در جهاد را مورد تأکید قرار داد و خطاب به جهادگران گفت: «شما به مشکلات و موانع کار خود بهتر از سایرین آگاهی دارید. بنابراین باید سعی کنید معضلات را ریشه‌یابی کرده و در رفع آنها بکوشید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

کود و سم و ماشین آلات لازم به او بدهیم، می تواند به زودی به خودکفایی در محصولات گندم و گوشت و علوفه برسد. تا ساعت هفت و نیم کارهای دفترم را انجام دادم.

به مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تعزیرات حکومتی در دستور بود. بعد از جلسه و شام با آقای خامنه‌ای و احمدآقا درباره اصلاح قانون اساسی مذاکره شد. احمدآقا گفت با آقای منتظری صحبت کرده و ایشان با اصلاح موافق است، ولی خودشان نمی‌خواهند پیشقدم شوند. دیر وقت به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۳۶۷ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۷ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. از هشت و ربع تا یک بعد از ظهر، یکسره در جلسه علنی بودم. اصلاحیه بودجه در دستور بود. برای بازسازی حدود پنج میلیارد تومان و حدود سیصد و چهل میلیون دلار تصویب شد. نماز و ناهار و استراحت. جلسه ای بنا بود با کمیسیون دفاع داشته باشیم که لغو کردیم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب کارهای دفترم را انجام دادم[1].

اعضای دفتر سیاسی خانه کارگر آمدند. درباره جنگ و صلح و سیاست خارجی و سیاست اقتصادی سئوالاتی داشتند که توضیح دادم. درباره کیفیت واگذاری کارخانه های دولتی به بخش خصوصی و مخصوصاً کارگران نگرانی دارند. می ترسند پولدارها برنده شوند. به خانه آمدم. بستگان مهمانمان بودند. دیر وقت خوابیدم.

---

[1] - بخش فارسی رادیو آمریکا گفت: «در ایران اکبر هاشمی رفسنجانی از کارنامه حقوق بشر ایران دفاع کرده و قدرت‌های بزرگ جهان را متهم کرد که برای منافع سیاسی خویش حقایق را تحریف می‌کنند. به گفته هاشمی رفسنجانی، ایران دفاع از حقوق بشر را وظیفه‌ای مقدس می‌داند، آنچه کشورهای غربی به عنوان حقوق بشر تعبیر می‌کنند، صرفاً برای پیشبرد مقاصد شخصی خود این کشورهاست. او ایالات متحده را متهم کرد که به تبلیغات خود علیه کشورهایی مانند ایران و نیکاراگوئه ادامه می‌دهد و در آن حال گروه‌های ضدانقلابی را که عامل فعالیت‌های تروریستی در این کشورها هستند، مورد حمایت خود قرار می‌دهد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۹/۱۷، صفحه ۱۹.

پنجشنبه ۱۷ آذر ۱۳٦۷ | ۲۷ ربیع‌الثانی ۱٤۰۹ ۸ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. تا ساعت نه ونیم گزارش‌ها را خواندم[۱]. آقای [سید کاظم] خوانساری سفیرمان در لیبی آمد. پیام آقای قذافی را آورده بوده که خواسته به او هواپیمای سوخت رسان در فضا بدهیم و در صنعت شیمیایی کمکش کنیم؛ موکول به مشورت شد. رئیس بانک ملی آمد و گزارش عملکرد بانک را داد. به شکایت انجمن اسلامی هم جواب داد.

شورای جهاد اسلامی فلسطین، آقایان شیخ عبدالعزیز و دکتر فتحی آمدند. گزارش وضع جهاد را دادند. نسبت به انقلاب اسلامی ایران و نهضت جهانی اسلام، سخت متعهدند و برای تقویت نهضت اسلامی فلسطین استمداد کردند.

عصر به جلسه گروه مشاوران شورای بازسازی رفتم. بحث در سیاست کشاورزی بود. تأکید کردم که باید زودتر جواب بدهند. ۱۵ دی ماه را آخر وقت جواب تعیین کردم. شب به دفترم برگشتم و تا ساعت هشت و نیم کار کردم. وقوع زلزله در ارمنستان و گرجستان

---

[۱] - به مناسبت چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر، آقای هاشمی طی مصاحبه‌ای با واحد مرکزی خبر صدا و سیما، مواضع جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر را تشریح کرد و به تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی پاسخ داد. ایشان گفت: «دفاع از حقوق بشر در مسیر مقدسی است و بدیهی است که هر کس وجدان انسانی داشته باشد، باید از حقوق انسان‌ها دفاع کند و موضع جمهوری اسلامی ایران هم همین است. ولی آنچه که الان در دنیا به این اسم وجود دارد، دارای محتوای درستی نیست. شیوه بدی که قدرت‌های جهانی انتخاب کردند، این است که موضوع‌های مقدس و ارزشمند و واژه‌های آبرودار بین مردم دنیا را انتخاب کرده و تحت پوشش آنها اهداف خود را عملی می‌کنند. این روش دو ضرر دارد، هم آبروی این مفهوم‌ها و واژه‌ها را بین مردم و توده‌ها می‌برد و هم از اعتباری که این موضوع‌ها و واژه‌ها دارند، سوءاستفاده می‌شود. مثلاً دمکراسی، حقوق بشر و یا مبارزه با تروریسم، چیزهای لازمی هستند ولی وقتی این موضوع‌ها به دست قدرت‌های استعماری بیفتد، آن طور که خودشان می‌خواهند، تفسیر می‌کنند و در نتیجه مسأله به نفع قدرت‌ها و به ضرر مردم تمام می‌شود. مثلاً اگر جایی ببینند انقلابی پیروز شد، سعی می‌کنند در آن انقلاب، نقاط ضعفی پیدا کنند و بعد به اسم اینکه آنجا حقوق بشر تضییع می‌شود، سروصدا به راه انداخته و آن انقلاب را تضعیف می‌کنند. نمونه‌های این مسأله را الان در نیکاراگوئه می‌بینیم که آمریکایی‌ها با این انقلاب چگونه برخورد می‌کنند. در ایران خودمان هم این مسأله را لمس می‌کنیم. گاهی هم در این راه دچار تناقض می‌شوند. یا مثلاً در مورد دموکراسی، می‌بینیم کشورهایی هستند که اصلاً مجلس ندارند و در آنجا رأی مردم هیچ به حساب نمی‌آید، اما با آنها روابط صمیمی برقرار می‌کنند. در مناطقی که همه نوع آرای مردم به حساب می‌آید، ولی با منافع استکبار نمی‌سازد، با آنکه در آنجا دمکراسی حاکم است و باید طبق اصول اعلام شده خودشان از آن حمایت کنند، اما دلیلی دیگر می‌آورند و با بهره گرفتن از آن دلیل مخالفت می‌کنند، یعنی تناقض برایشان پیش می‌آید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

شوروی در صدر اخبار است. گزارش‌های اولیه می گوید، این زلزله در حدود سی هزار نفر تلفات جانی داشته است. به خانه آمدم.

جمعه ۱۸ آذر ۱۳۶۷ | ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۰۹ ۹ دسامبر ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم در منزل مطالعه کردم. برای اقامه جمعه[1] به دانشگاه رفتم. در اخبار آمده که اسرائیل به جنوب بیروت حمله کرده و در جاده ساحلی نیرو پیاده کرده است و بمباران شدید می‌نماید.

عصر برای استقبال از [رومان مالینوسکی] رئیس مجلس لهستان که به دعوت من به ایران آمده است، به فرودگاه رفتم. هواپیما زودتر از وقت مقرر به زمین نشست و بعد از ورود او به پاویون [= سالن تشریفات ورودی]، من رسیدم. بد شد؛ باید از مسئولان مربوط بازخواست شود. مصاحبه ای انجام شد. همراه مهمانان به سعدآباد رفتم. کمی مذاکره و پذیرایی شد. به منزل آمدم.

شب همشیره ها فاطمه و طیبه و بستگان آمدند. حالشان بد نیست. لابد مایل بودند شام بمانند، اما قبل از آمدن آنها شام خورده بودیم. عفت هم کمکی نداشت تا شام تهیه کند. آقای [محسن] رضائی درباره حوادث امروز لبنان، تلفنی تماس گرفت. گفتم در شورای لبنان مطرح شود.

---

[1] - ایشان در خطبه اول در ادامه بحث استکبار و استضعاف، به یکی از ویژگی‌های مستکبرین که عناد ورزیدن در مقابل حق است، اشاره کرد و گفت: «این ویژگی خاصیتی است که حالت استکباری به انسان‌ها می‌دهد که خواسته‌هایشان را به طرق عقلائی و انسانی تعقیب نمی‌کنند، بلکه متوسل به اجبار و ارعاب می‌شوند.» ایشان در خطبه دوم به بحث حقوق بشر در اسلام پرداخت و به انتقاداتی که از ایران در این زمینه شده است، پاسخ داد. ایشان گفت: «این اعلامیه اگر خوب اجرا شود، حقوق بخش اعظم مردمی را که حق آنان تضییع شده است، تأمین می‌کند. اعلامیه حقوق بشر به جای آنکه در خدمت بشریت قرار گیرد، تبدیل به یک ماسک برای چهره کثیف و شرور استکبار جهانی شده است. قدرت‌های شیطانی با این ماسک هر کاری که می‌خواهند می‌کنند و وقتی که نتوانستند، شمشیر کثیف خود را بیرون می‌کشند.» آقای هاشمی از قدرت‌های بزرگ جهانی سئوال کرد، چرا وقتی ملتی درگوشه‌ای از جهان برای احقاق حقوق خود علیه ظالمان حاکم قیام می‌کند تا خود را نجات دهد، متهم به نقض حقوق بشر می‌شود، اما جنایتکارانی که تا دیروز به جرم الله اکبر گفتن، مردم را به خاک و خون می‌کشیدند، آزادیخواه معرفی می‌شوند.» ایشان تروریسم را محکوم کرد و مبارزه با آن را کاری خوب و آبرومندانه وانسانی توصیف نمود. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

شنبه ۱۹ آذر ۱۳٦۷ | ۲۹ ربیع‌الثانی ١٤٠٩ | ۱۰ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. هیأت لهستانی هم همان موقع رسید. ملاقاتمان یک ساعت و نیم طول کشید. بازدید کوتاهی از پارلمان داشتند و به ملاقات رئیس جمهور رفتند. فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد. گزارش مانورشان را داد. آقای [موسوی] جزایری امام جمعه اهواز آمد. برای نیازهای حاشیه جنگ استمداد کرد. سی و پنج میلیون ریال حواله کردم. آقای [علی] محقّر نماینده بجنورد آمد. نیازهای حوزه انتخابیه اش را گفت و برای فعالیت بیشتر در مجلس اظهار آمادگی کرد و از استعداد بالای تولیدی اطراف رود اترک و مخصوصاً مراتع گفت.

عصر مصاحبه‌ای با ستاد تبلیغات دهه فجر درباره انقلاب کردم، مطالب زیادی درباره روند انقلاب گفته شد[1]. شب جلسه سران در دفتر من بود. [آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت و [گودرز] افتخار جهرمی آمدند و برای مصالحه در مورد پرونده‌ها و دعاوی مربوط به نفت در دیوان لاهه اجازه گرفتند. مدعی هستند مصالحه به نفع ما است و نتیجه دادگاه ممکن است ضررهای هنگفتی به بار آورد. تا ساعت ده و نیم جلسه طول کشید. شب در دفترم خوابیدم.

یکشنبه ۲۰ آذر ۱۳٦۷ | ۱ جمادی‌الاول ١٤٠٩ | ۱۱ دسامبر ۱۹۸۸

سحر بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. تا ساعت هشت درباره مدارک اصل ولایت فقیه مطالعه کردم. قبل از دستور در جلسه علنی در مورد تهاجم اسرائیل به لبنان و زلزله شوروی صحبت کوتاهی کردم[2]. تا تنفس در جلسه ماندم. به دفترم رفتم. آقای [عیسی] ولائی

---

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در این نطق آمده است: «حمله سبعانه اسرائیل به لبنان را که در سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر انجام شد، محکوم می‌کنیم. این حمله برای گشودن عقده حقارتی که در اثر قیام مردانه و قهرمانانه مردم مظلوم فلسطین، برای حکام اسرائیل و حامیانشان بوجود آمد، انجام شد. آمریکا نیز با رفع محدودیت ارسال بمب‌های خوشه‌ای به اسرائیل، چراغ سبزی به این کشور نشان داد. انتظار داریم که مجامع جهانی و دولت‌های مسئول جهان، نسبت به این جنایت، عکس‌العمل مناسب نشان دهند و سازمان ملل نیز از حق مسلم مردم مظلوم لبنان دفاع ☜

[نماینده تهران] آمد. گزارش سفر به شارجه و دیدار از نمایشگاه را داد و تأکید بر تشویق صنوف برای مبادله مصنوعات خود با کشورهای جنوبی شد. آقای [سید حسین] موسوی تبریزی آمد. برای دفتر تبلیغات قم و اعزام روحانیون استمداد کرد.

ظهر آقای مختار [کلانتری] از کمیته آمد. مبالغ هنگفتی اسکناس‌های جعلی و ابزار جعل - که اخیراً کشف شده - آورد. مدعی است در عراق جعل می‌شود و به ایران می‌آورند. خواستار تشدید مجازات جعل اسناد دولتی بود.

عصر به دانشگاه تهران رفتم و در سمینار ارتقاء فرهنگی و بازسازی سخنرانی کردم[1]. سرشب تا شش و نیم در دفترم کار کردم. ساعت هفت به کاخ سعدآباد رفتم. در اقامتگاه رئیس مجلس لهستان و هیأت همراه شام دادیم. تا حدود ساعت ده شب آنجا بودم. سئوالات زیادی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی لهستان کردم. او برنامه انتقال از سیستم تمرکز سوسیالیسم به سیستم بازتر را تشریح کرد. شام خوردیم. چند نفر از وزراء هم بودند. ساعت ده به خانه آمدم.

↵کند.» آقای هاشمی با اشاره به وقوع زلزله در ارمنستان شوروی گفت: «فاجعه زلزله در کشور همسایه ما، اتحاد جماهیر شوروی، که صدمات و خسارات فراوانی به مردم این کشور وارد کرد، مایه تأسف و اندوه ما است که از طرف نمایندگان مجلس به مردم شوروی و مسئولان این کشور همسایه تسلیت می‌گوییم و آمادگی خودمان را برای کمک به کسانی که دچار خسارت و ناراحتی شده‌اند، اعلام می‌کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[1] - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «در راه بازسازی، بهترین راه، در پیش گرفتن یک راه بینابین و به دور از تعصبات خشک یا بی‌بندوباری اخلاقی و فرهنگی خواهد بود. معنای انقلاب، انتخاب بهترین، با حفظ اصول اساسی و اعتقادی است. گرفتن اعتبار برای تکمیل طرح‌های نیمه تمام پسندیده است، زیرا طرح‌های اقتصادی از محل درآمد خود می‌توانند هزینه‌ها را تأمین کنند. ارتقاء کیفی و کمیت در راه بازسازی وجود دارد. در طول جنگ به خاطر شرایط موجود، انتظارات از دولت و نظام محدود بود. مردم شرایط را درک می‌کردند و این منطق که در شرایط جنگی به سر می‌بریم، همه را قانع می‌کرد، زیرا امکانات نظام صرف جنگ می‌شد. پس از جنگ قانع کردن مردم نیاز به استدلال و منطق دارد. با تبلیغات تخدیرکننده، توقعات مردم در همین چند ماه، به نحوی محسوس بالا رفته است و از جمله در همین دانشگاه، دانشجویان غذای بهتر، وسایل بهتر و امکانات بیشتر طلب می‌کنند، حال آنکه همین دانشجویان و دانشگاهیان در زمان جنگ والاترین ایثارها و جان فشانی‌ها را در راه جنگ، بی‌هیچ توقعی از خود نشان می‌دادند. وقتی چنین خواست‌هایی در میان روشنفکرترین اقشار جامعه وجود داشته باشد، به همین قیاس می‌توان به انتظارات دیگر اقشار جامعه پی برد. آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که پس از پذیرش قطعنامه، هیچ گشایشی در وضع مالی دولت به وجود نیامده است، بلکه به علت امنیت در خلیج فارس، حجم صادرات نفت افزوده شده و به این علت قیمت نفت کاهش یافته است. حال آنکه ما هنوز در شرایط «نه جنگ، نه صلح» قرار داریم و تنها گلوله شلیک نمی‌شود و بقیه مخارج و هزینه‌ها به جای خود باقی است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۷ | ۲ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت چهار و نیم صبح با زنگ محافظان بیدار شدم. سحری خوردم: شیر و خرما. ماه رمضان به جبهه رفته بودم. هفت روز روزه قضا دارم. بعد از نماز صبح برای بدرقه رئیس مجلس لهستان فرودگاه رفتم. مصاحبه کوتاهی انجام شد و بدرقه شدند و رفتند. سفرای بلوک شرق هم آمده بودند. به مجلس رفتم. کمی استراحت کردم. گزارش‌ها را خواندم.

دکتر روحانی آمد. راجع به نقض آتش بس در شلمچه که دو شهید هم داده و لزوم آماده کردن طرحی برای پس گیری مناطق اشغالی در فرض عدم عقب‌نشینی عراق و نگه‌داشتن نیروهای معارض عراقی مذاکره شد.

آقای [فریدون] مهدی نژاد آمد. گزارش مذاکرات تسلیحاتی در مسکو را داد. همراه هیأت اقتصادی بوده. از طرف ما تسلیحات کلاس بالا مطالبه شده و آنها جواب قطعی را به ماه بعد موکول کرده اند. برای انجام وظایف سئوالاتی داشت. ظهر آقای [جواد] منصوری [معاون آسیای وزارت امور خارجه] آمد. پیام کتبی برای زائو زیانگ [رئیس جمهوری خلق چین] خواست که دکتر ولایتی به چین ببرد؛ قبول کردم. لزوم فعال‌تر شدن روابط با ترکیه، هند و پاکستان را گفت.

عصر در جلسه روحانیون نماینده مجلس شرکت کردم. از دو خط و مستقل‌ها دعوت شده که حرکت روحانیت در مجلس را هماهنگ کنند. برای پیاده کردن منشور برادری و تقویت اتحاد در جامعه در این خصوص برای آنها صحبت کردم و راه عملی نشان دادم. از طرف هر دو خط اظهار موافقت شد و قرار شد ماهانه یک جلسه داشته باشند، من هم شرکت کنم.

آقای شیخ [محمد مهدی] شمس‌الدین رئیس مجلس اعلای شیعه لبنان با چند نفر از همراهانش آمدند. مسائل اختلافی شیعه لبنان را مطرح کردند و خواستار کمک ایران برای وضعیت شیعه شدند. نظرشان این است که ایران از طریق کانال مجلس اعلا عمل کند و معتقدند که نزدیکی بیشتر ایران با حزب‌الله، باعث مسئله‌دار شدن اکثریت مردم شده است. از حرکت جمعی از لبنانی ها در قم هنگام ملاقاتش با آیت الله منتظری و کیفیت برخورد آقای [سید علی اکبر] محتشمی [وزیر کشور] گله داشت و تأکید بر لزوم ملاقات با امام

نمود. به احمدآقا گفتم که خدمت امام بگوید. ملاقات تا ساعت شش ونیم طول کشید. افطار با تأخیر انجام شد. تا ساعت هشت و نیم شب کارهای دفترم را انجام دادم و به خانه آمدم. سریال گرگ‌ها را تماشا کردم و خوابیدم.

سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۷ | ۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه ونیم صبح به مجلس رسیدم. محسن صانعی [فرزند آیت‌الله حسن صانعی] آمد. توضیحاتی درباره تحصیل و کارش داد. ظهر عفت، فاطی و سارا به مجلس آمدند. ناهار هم در مجلس بودند. جمعی از نمایندگان عضو کمیسیون آموزش عالی آمدند[1]. وضع دانشگاه‌ها و نیازها را گفتند و استمداد کردند.

با احمدآقا درباره نظر امام در خصوص سربازی طلاب و نمایندگی امام در سپاه تلفنی مذاکره شد. عصر اعضای شورا و ستاد برگزاری مراسم دهه فجر آمدند و بودجه خواستند. برای آنها صحبت کردم[2]. بعد از نماز مغرب و عشاء افطار کردم.

پس از مقداری کارهای جاری دفتر، به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تعزیرات حکومتی را تقسیم کردیم: بخش خصوصی و اصناف، مطابق قانون نظام صنفی و بخش دولتی را به دولت واگذار کردیم. ساعت ده به خانه رسیدم.

---

۱ - اعضای کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی در مجلس سوم عبارت بودند از آقایان نجفقلی حبیبی (رئیس) مجید انصاری و محمد سعید تسلیمی (نواب رئیس)، سید رسول موسوی و سرکار خانم گوهرالشریعه دستغیب (منشی)، محمد کریم شهرزاد (مخبر) و علی عنایت، احمد رهبری، قاسم شعله سعدی، هدایتی و احمد عزیزی (اعضا).

۲ - در این سخنرانی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران ۱۰ سال دوران پرفراز و نشیب و مملو از حرکت و هیجان را پشت سر گذاشته است و نیاز زیادی است که دستاوردهای این دهه به مردم یادآوری شود. کارهای فرهنگی، معنوی و اقتصادی که انجام گرفته است، پایه رفاه آینده جامعه ما است. مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی، استقلال و آزادی از سلطه اجانب است که در نوع خود کم سابقه بوده است. یکی از کارهای مهم شما این است که نسل نوجوان کشور را در جمع‌بندی دستاوردهای انقلاب یاری کنید. شما باید در تجدید روحیه انقلابی مردم کوشش نمائید. ما دوران سخت انقلاب را پشت سر گذاشته‌ایم و دشمنان را مأیوس کرده‌ایم و مقاومت مردم ما باعث تثبیت انقلاب شد. برای ترمیم کمبودهای حاصل از جنگ مدتی وقت لازم داریم و مردم نباید فکر کنند که بعد از خاتمه جنگ، به سرعت رفاه حاصل می‌شود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۶۷ | ٤ جمادی‌الاول ۱٤۰۹ ۱٤ دسامبر ۱۹۸۸

عفت ساعت شش بیدار شد که برای سفر به رفسنجان، فرودگاه برود. بعد از نماز، دعای سفر خواندم و رفت. من هم به مجلس رفتم. از فرودگاه تلفنی گفت شماره پرواز و ساعت پرواز با هم نمی‌خواند. لابد بلیت فروش بد نوشته است. به دفترم گفتم مشکل را رفع کند. بعداً معلوم شد که پرواز از ساعت هشت صبح به یازده و نیم صبح افتاده است. بی نظمی دستگاه هواپیمایی را به وزیر راه و ترابری گفتم. تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم.

ظهر وزیر خارجه عمان آمد و جلسه خصوصی خواست. پیام آقایان فهد [پادشاه عربستان سعودی] و سلطان قابوس [پادشاه عمان] را در خصوص اهمیت ارتباط ایران و عربستان آورد و گفت آنها مانع مهم را اصرار ایران بر راهپیمایی در حج می‌دانند و خواستار کوتاه آمدن ما بودند. بر اهمیت موضوع تأکید کردم و گفتم با دکتر ولایتی برای پیدا کردن راه حل مذاکره کنند و گفتم باید در مورد قیمت نفت همکاری نمایند.

عصر نمایندگان ارامنه[۱] برای مشورت در خصوص سفر به شوروی آمدند؛ همراه هواپیمای حامل کمک هلال احمر به ارمنستان می روند. گفتم خوب مطالعه کنند و گزارش کامل از اوضاع آنجا بیاورند. هیأت رئیسه جلسه داشت. شب آقای [محمد] فروزنده آمد. درباره بودجه مهندسی رزمی مذاکره کرد. ساعت نه شب به خانه رسیدم.

پنجشنبه ۲٤ آذر ۱۳٦۷ | ٥ جمادی‌الاول ۱٤۰۹ ۱٥ دسامبر ۱۹۸۸

دیشب باران مفصلی باریده. تاکنون باران امسال خیلی کم بوده و نگرانی از خشکسالی ها داشتیم. اگر این باران همه جا باشد، خطر را رفع کرده. به تالار وحدت رفتیم تا در مراسم

---

۱ - آقایان آرطاوس باغومیان نماینده ارامنه جنوب، وارطان وارطانیان نماینده ارامنه شمال و آرتو خنانشو نماینده مسیحیان آشوری در مجلس سوم بودند.

روز پرستار شرکت کنیم. برایشان صحبت کردم[۱] و جوایز را دادم. گروهی از دختر بچه‌های فرزندان شهدا که مادر هم ندارند و در پانسیون بنیاد شهیدند، آمدند. سرود خواندند.

به دفترم رفتم. آقای باغانی [نماینده آیت‌الله منتظری در دانشگاه شهید بهشتی] آمد. گزارش وضع دانشگاه شهید بهشتی را داد. قرار است، پس فردا در آنجا صحبت کنم. آقای اسفندیار پور آمد. از ابطال انتخابات کوهدشت برای بار سوم توسط شورای نگهبان شاکی است و خواست که از مردم دلجویی کنم.

[آقای محمدرضا] آیت‌اللهی وزیر معادن و فلزات آمد. گزارش سفر به مجارستان را داد و گفت آنها خیلی روی سفر آینده من حساب کرده اند و تمایل زیادی به توسعه روابط نشان داده اند. گزارش وضع معادن و فولاد مبارکه را داد. قرار شد برای تأمین ارز فولاد مبارکه کمک کنیم.

عصر آقایان [حبیب الله] عسگر اولادی، [حبیب الله] شفیق، [ابولفضل حاج] حیدری و [سیدرضا] نیّری [اعضای شورای مرکزی] از کمیته امداد امام آمدند[۲]. گزارش کار دادند و امکانات بیشتر برای توسعه کار خواستند و مقداری از کاردستی‌های محرومان تحت پوشش را آوردند. یک کیف و یک کفش قبول کردم. سرهنگ هاشمی آمد و از کم توجهی به خودش و آقای دادفر گله داشت.

سرشب آقای [سید علی اصغر] حجازی معاون وزارت اطلاعات آمد. پیام جدید صدام را که به سفارتمان در بن داده اند، آورد. گفتم بگوید نماینده من آقای ولایتی است که در همان مذاکرات ژنو مسئول است، هر چه می خواهند به او بگویند. صدام می خواهد با

---

[۱] - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «عواطف عمیق انسانی عشق به انسان‌ها و عرق وطن دوستی، شما را به انتخاب این شغل واداشته است. انتخاب حرفه پرستاری نشانی از وجود انگیزه‌ای سالم و انسانی نزد کسانی است که یکی از مشکل‌ترین و در عین حال ارزشمندترین حرفه‌ها را برگزیده‌اند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[۲] - در دیدار با اعضای شورای مرکزی کمیته امداد امام، رهنمودهایی در خصوص فعال‌تر شدن کارهای خدماتی آن نهاد، ارائه شد. ایشان با تأکید بر لزوم تأمین نیازمندی‌های محرومان جامعه، اظهار داشت: «شما باید نسبت به خداوند شاکر باشید که می‌توانید در خدمت محرومان باشید. زیرا هیچ چیز، شیرین‌تر از خدمت به محرومان نیست و این میدان، هم اکنون برای خدمت، باز است.» در این دیدار، گزارش عملکرد کمیته امداد امام (ره) در مورد کمک به محرومان، نتایج اجرای طرح شهید رجایی و وضع حقوق سربازان متأهل، به آگاهی رسید.

کانالی غیر از سازمان ملل با ما حرف بزند که خودش را از آثار قطعنامه نجات دهد.

تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. مهدی به مهمانی رفته بود. یاسر هم در بیرون شام خورده بود. با فاطی و سارا و سکینه شام خوردیم.



شرکت در مراسم روز پرستار و اهدای جوایز

جمعه ۲۵ آذر ۱۳۶۷ | ٦ جمادی‌الاول ۱٤۰۹ | ۱٦ دسامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. وقتم به استماع اخبار، مطالعه و قدم زدن در حیاط منزل گذشت. عفت از رفسنجان تلفن کرد؛ از برنامه‌هایش راضی است. محمد علی حسینی کارگرمان از نوق آمد. فرزندش در عملیات بیت‌المقدس ۷ مفقود شده است. مقداری درباره روحیه فرزندش گفت. از احوال مردم و بستگان پرسیدم.

عصر احمدآقا آمد. درباره بسیج مشورت کرد. گفتم تحت اداره سپاه بماند. قرار شد امام اعلان کنند که سپاه مطابق قانون موجود اداره شود و نمایندگی امام شامل همه سپاه باشد. درباره ائتلاف روحانیت و روحانیون مبارز مذاکره شد. خبر داد که آقای منتظری به امام نوشته‌اند که دست به قانون اساسی زده نشود. شب بچه‌ها در مراسم ازدواج دختر محمد همشیره‌زاده مهمان بودند.

شنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۷ | ۷ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ | ۱۷ دسامبر ۱۹۸۸

دیشب و امروز هم باران خوبی بارید؛ مایه خوشحالی است. به دانشگاه شهید بهشتی رفتم. باران می بارید. در سالن ورزشگاه، اجتماع عظیمی از دانشجویان و اساتید بود. به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه سخنرانی کردم[1] و جواب سئوالات را دادم و جوایز را اهدا کردم که تا ظهر طول کشید. به مجلس رفتم.

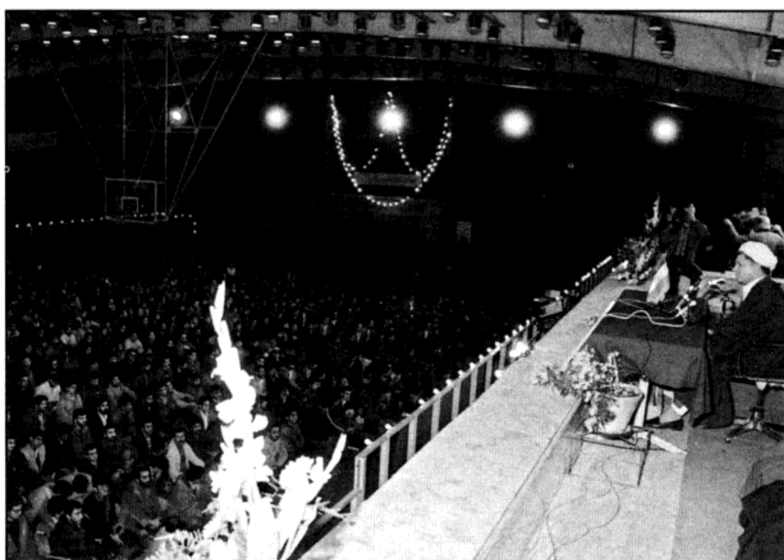
بعد از نماز و ناهار آقای [محمد جواد] ایروانی [وزیر امور اقتصادی و دارایی] آمد. گزارش سفر به روسیه را داد. معتقد است روس ها خیلی مثبت و دست باز برخورد کرده اند و تفاهم نامه امضاء شده همه خواست‌های ما را دارد. عصر آقای [سیدضیاء] میرعماد [دادستان عمومی تهران] برای توضیح علت آزاد شدن چند ساعته مدیرعامل ساipa آمد. او برای استعفاء به خاطر خستگی و کسالت مشورت کرد. تا ساعت هفت در دفترم کار کردم. به جلسه سران قوا در دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. احمدآقا متن نامه امام به گورباچف

---

۱ - آقای هاشمی در این مراسم، با اشاره به مسائل تفرقه افکنانه دشمنان انقلاب، بر وحدت روزافزون حوزه و دانشگاه تأکید کرد و گفت: « با توجه به اینکه انقلاب ما، انقلابی است که تحولی اساسی درتمام شئون زندگی مردم ایجاد کرد، دشمنان انقلاب می‌کوشند به اشکال گوناگون، از جمله طرح مسائل قومی، فرهنگی، نظامی و غیره، ایجاد تفرقه و نفاق کنند و طبیعی است که در این راستا، مراکز فرهنگی مانند دانشگاه‌ها، مدارس و حوزه‌ها هدف قرار گیرند. اگر حوزه و دانشگاه در یک راستا حرکت کنند و به سوی یک هدف و آرمان بروند، دیگر به عنوان دو پایگاه رو در روی هم قرار نخواهند گرفت.» آقای هاشمی از دانشجویان خواست تا نظرات خود را در کلیه زمینه‌ها به اطلاع مسئولین برسانند.آنگاه در پاسخ سئوالی در مورد مسأله حجاب گفت: « جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل خود، قصد سخت‌گیری در مورد مسأله حجاب را نداشته و تنها تأکید بر مسأله حجاب اسلامی داشته است که ما نیز همچنان بر این مسأله تأکید داریم و خواهران به هیچ وجه نباید از لباس‌های جلف و سبک استفاده کنند.» رئیس مجلس در پاسخ سئوال دیگری در مورد تورم کشور و راه‌های مبارزه با آن گفت: « دولت، مجلس و مسئولان تلاش می‌کنند که مسأله تورم را حل کنند، اما واقعیت این است که ما همچنان بیش از یک سوم درآمد خود را صرف مسأله جنگ می‌کنیم و بسیار کمتر از نیازهای کشور، تولید و یا وارد می‌کنیم. البته باید تأکید کرد که مصرف کنونی نیز با توجه به افزایش جمعیت بسیار زیاد شده است و ما باید بکوشیم تا نقدینگی بخش خصوصی را صرف تولید کنیم، البته باید اطمینانی در این زمینه به بخش خصوصی بدهیم. البته اگر سرمایه‌های بخش خصوصی وارد جریان تولید شود و برنامه‌های اقتصادی دولت بدون مزاحمت‌های سیاسی ادامه یابد، کشور آن قدر غنی است که ظرف چند سال به صورت یک کشور متعادل درآید.» آقای هاشمی در پاسخ سئوال دیگری در مورد روابط خارجی ایران گفت: « ما در شعارهای خود هرگز به مسأله قطع روابط با کشورها اشاره نکرده و تنها گفته‌ایم که نمی‌خواهیم زیر سلطه شرق و غرب باشیم. ما سیاست مستقل داریم و رابطه ما با کشورها، رابطه متعادل است و تنها در این رابطه، با آمریکا که سمبل استکبار از نظر کشور ماست و نیز اسرائیل که کشوری نامشروع است و آفریقای جنوبی که رژیمی نژادپرست است، هیچ گونه رابطه‌ای نمی‌توانیم برقرار کنیم.» آقای هاشمی گفت: «تا به حال هیچ مورد استقراض خارجی نداشته‌ایم و پیشنهاد وام نیز به ما تاکنون نشده است .» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[رهبر اتحاد جماهیر شوروی] را برای مشورت آورده بود. قرار شد بعداً جواب بدهم. نامه خوبی است، ولی احتمال رنجیدن او هم هست.

[آقای محمدی ری‌شهری] وزیر اطلاعات آمد. درباره کانال ارتباط با جهاد اسلامی فلسطین مذاکره شد. نمی‌خواهند از طریق اطلاعات وصل باشند. قرار شد از طریق نهادهای پایین دستی رئیس جمهور باشند، با کمک اطلاعات و کمک بیشتر به آنها بشود. دیر وقت به مجلس رفتم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم.



سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران

یکشنبه ۲۷ آذر ۱۳٦۷ | ۸ جمادی‌الاول ۱٤۰۹ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۸

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح کارهای دفتر را انجام دادم. تا آخر وقت در جلسه علنی بودم. در تنفس با دو نفر از جانبازان قطع نخاعی و فرماندهان سپاه لرستان مذاکره کردم. ظهر محسن آمد. فیلمی از برنامه پرتاب دو موشک زمین به زمین یکصد و شصت کیلومتری ساخت سپاه آورد که هر دو روی لانچر منفجر شده. مدعی است یکی به خاطر بدی رزین و دیگری به خاطر افتادن از روی لانچر معیوب بوده است.

عصر آقای بهزاد نبوی آمد. گزارش سفر به لیبی را داد و خواستار توجه بیشتر به لیبی شد. علمای دامغان و استاندار سمنان آمدند. خواستار کمک به تأسیس دانشگاه دولتی در دامغان بودند. ساختمانی در حال ساخت دارند. جمعی می‌خواهند به خرج مردم غیر انتفاعی باشد و بعضی می خواهند تحویل دولت شود. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. تلفنی با احمدآقا درباره نامه به گورباچف صحبت کردم. توصیه کردم لحن نامه به گونه‌ای باشد که آنها را نرنجاند.

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۷ | ۹ جمادی‌الاول ۱۴۰۹   ۱۹ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه و نیم صبح به دفتر رئیس جمهور رسیدم. جلسه شورای بازسازی بود. سیاست‌های بازسازی مناطق آسیب دیده جنگ و سیاست تأمین منابع ارز خارجی تصویب شد. بحث درباره واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی ناتمام ماند. آقای [عبدالحسین] وهاجی [وزیر بازرگانی] آمد. لیست جدیدی برای کالاهای آزاد برای ورود تصویب شد. به دفترم رفتم.

رؤسای دانشگاه‌های کشور آمدند و مشکلات دانشگاه‌ها را گفتند: کمبود اعتبارات، کمبود استاد، تداخل وظایف با دخالت جهاد دانشگاهی و انجمن های اسلامی و نمایندگان آقای منتظری و مقررات مزاحم.

شب آقایان نخست وزیر و [مسعود روغنی] زنجانی و [بهزاد] نبوی آمدند. درباره بودجه نیروهای مسلح در سال ۶۸ مذاکره شد. حدود دویست میلیارد تومان خواسته اند. پس از بررسی، مبانی و معیارها برای مشخص شدن بودجه تعیین شد: حفظ وضع موجود نیروها و سیال گذاردن بودجه عملیاتی و بنیه دفاعی.

تیمسار ترابی [فرمانده حفاظت اطلاعات ارتش] اطلاع داد که از منابع خودشان بدست آورده اند که منافقین قصد انجام تروری دارند؛ به وزارت اطلاعات تذکر داده شد. شب به خانه آمدم. سریال گرگ‌ها را تماشا کردم و خوابیدم.

سه‌شنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۷ | ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت نه و نیم کارهای دفتر انجام شد. دکتر روحانی آمد. درباره بودجه دفاعی سال آینده و وضع جبهه‌ها صحبت شد. آقای [محسن] قرائتی [نماینده امام در نهضت سواد آموزی] همراه همکارانش در نهضت سواد آموزی آمدند. از عدم پیشرفت کار و نیازها و کمبودها گفتند و برای تعلیم سربازان بی سواد استمداد کردند؛ قرار شد طرحی ارائه دهند.

آقای [ابولفضل] توکلی بینا آمد. به دعوت پسرش عازم آمریکا است. راجع به اوضاع عمومی و برای امور شخصی خودم و وکالتنامه سئوالاتی داشت.

عصر رئیس و معاونان دانشگاه تهران آمدند. برای دانشگاه کمک ریالی و ارزی خواستند. مبلغ پنج میلیون تومان ریالی و سیصد هزار دلار ارز از جنگ به خاطر خدمات آنها برای جنگ دادم. مسئولان مدرسه شاهد و یاسر آمدند. آنها از مدیریت بنیاد شهید شکایت داشتند.

شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بخشی از طرح تعزیرات حکومتی را تصویب کردیم. قرار شد لایحه کار به مجلس برگردد که کمیسیون و شورای نگهبان اصلاح کنند. درباره چاره جوئی نابسامانی های معلول جنگ مذاکره شد. بعد از شام به مجلس رفتم و خوابیدم. به پاسدارها گفتم برای سحر بیدارم کنند.

چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۷ | ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت پنج صبح بیدار شدم. آقا ماشاءالله پاسدار برایم شیر و خرما آورد. سحری خوردم و سپس تا ساعت هشت کارها را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. قبل از دستور فوت پدر آقای ری‌شهری را [که در اثر تصادف فوت کرده‌اند]، تسلیت گفتم. ساعت ده ونیم به دفترم آمدم.

ظهر با خبرنگاران روزنامه کیهان درباره دولت فلسطین و تصمیمات اخیر سازمان

آزادیبخش فلسطین مصاحبه ای انجام دادم[1]. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. بعد از افطار با اعضای کمیسیون برنامه و بودجه جلسه داشتیم. درباره تقدم و تأخر برنامه پنجساله و بودجه سال ۶۸ مذاکره شد. قرار شد دولت را برای دادن بخش کمی برنامه پنج ساله ترغیب کنیم. ساعت نه شب به خانه رسیدم.

۱ - این مصاحبه که در شماره ۱۳۵۰۱ مورخ اول دی ۱۳۶۷ در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است، اختصاص به اعلام موضع جمهوری اسلامی در قبال تشکیل کشور مستقل فلسطینی دارد. در مقدمه مصاحبه کیهان آمده است: « جایگاه ویژه آقای هاشمی رفسنجانی در نظام جمهوری اسلامی و سابقه دیرپای ایشان در سال‌های بسیار دور و نزدیک در قبال مسائل فلسطینی‌ها، بهانه‌ای شد که به فکر درخواست دیدار با ایشان بیافتیم. این فرصتی فشرده برای کیهان در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۰ آذرماه بود. سر ساعت رو در روی هم نشستیم. نسبت به سال پیش که در همین محل به دیدارشان آمدیم، او را اندکی خسته‌تر یافتیم. نگاهش مثل همیشه کنجکاو و گفتارش پرطنین بود. برخورد گرمش به ما اجازه می‌داد که با خود وعده کنیم، بیش از نیم ساعت هم می‌شود ماند و دامنه سئوالات را تا فراسوی مسائل متعدد داخلی و خارجی گسترش داد.» در بخشی از این مصاحبه، ایشان در پاسخ به سئوالی در ارتباط با موضع صریح ایران در قبال اعلام تأسیس کشور فلسطین گفت: « من و آقای خامنه‌ای قبلاً در این رابطه با یکدیگر بحث کرده‌ایم و بعد موضع گرفته‌ایم. ما از تشکیل کشور فلسطین در هر قطعه‌ای از خاک فلسطین حمایت می‌کنیم، اما مفهوم آن این نیست که فلسطینی‌ها و دولت فلسطین هر کاری می‌کند، بپذیریم. مسأله قدری دشوار بود، زیرا فلسطینی‌ها هم کشور تشکیل دادند و هم اسرائیل را به رسمیت شناختند، تفکیک اینها از هم قدری دشوار بود و باعث شد این ابهام در اذهان بوجود آید. هنوز سفارت فلسطین در تهران هست، حال که کشور تشکیل داده‌اند، می‌توانند بگویند این سفارت دولت فلسطین است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دی ۱۳۶۷



پنجشنبه ۱ دی | ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت صبح به دفتر فرماندهی در ستاد کل [نیروهای مسلح] رفتم. [دریادار ملک زادگان] فرمانده نداجا [= نیروی دریایی ارتش] آمد. او برای تکمیل اسکله چابهار استمداد کرد. گروهی از مفسران عکس هوایی آمدند و خواستار عکسبرداری کامل از کشور برای تهیه نقشه جدید بودند. آقای [سیدحسن] فیروز آبادی آمد. درباره امور ستاد کل و بودجه و سربازی و سایر امور ارتش و سپاه مذاکره شد. تلفنی با عفت که از رفسنجان برگشته بود، صحبت کردم.

ظهر آقای اراکی و اعضای دیگر نمایندگی امام در لشکر بدر [معاودین عراقی] آمدند و درباره آینده این لشکر و امور رفاهی و پشتیبانی آن صحبت کردند. آنها می‌خواهند در سپاه باشند. عصر آقای [محمد] فروزنده آمد. گزارش عملکرد مهندسی رزمی را داد و برای بودجه سال آینده مذاکره کرد.

سرشب دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به چین و شارجه را داد. گفتم تهمت شرکت پاسداران در اسقاط هواپیمای آمریکایی را که دیشب در [لاکربی] اسکاتلند سقوط کرده و ۲۷۳ نفر کشته شده است، تکذیب کند[۱]. به خانه آمدم.

---

[۱] - هواپیمای جمبوجت ۷۴۷ شرکت پان امریکن که از آلمان عازم آمریکا بود، در آسمان روستای لاکربی اسکاتلند منفجر شد و ۲۵۸ مسافر و ۱۵ خدمه آن کشته شدند. لیبی به بمب گذاری و منفجر ساختن این هواپیما متهم شد و بعدها متهمین را به آمریکا تحویل داد و غرامت بازماندگان حادثه را پرداخت کرد. متهم لیبیایی حادثه لاکربی در سال ۲۰۰۹ به بهانه ابتلاء به بیماری سرطان و در راستای عادی سازی روابط لیبی و غرب ، از زندان آزاد گردید. لیبی انفجار هواپیما را به تلافی حملات هوایی آمریکا به محل استقرار معمر قذافی انجام داده بود . در این حملات یکی از فرزندخوانده های سرهنگ قذافی کشته شده بود . پس از حادثه انفجار، خبرگزاری آمریکایی ←

جمعه ۲ دی | ۱۳ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۲۳ دسامبر ۱۹۸۸

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل مطالعه نمودم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۱]. ظهر بستگان مهمانمان بودند. عصر دکتر [سیف الله] وحید [دستجردی] نیازهای وارداتی و ساخت ابزار مورد نیاز جانبازان را گفت و استمداد کرد.

گروه موشکی سپاه آمدند و گزارش ساخت موشک‌هایی شبیه تاو، مالیوتکا و اسکاد - بی را دادند؛ نوعاً از کمبود امکانات گفتند. محسن هماهنگی کرده بود که در فرصت مناسب، جمعه به درد دل آنها گوش دهم. خودش هم از برنامه‌ریزی برای تولید انبوه راکت‌های بدون هدایت دوربرد بغداد گفت. از نظر فن‌آوری وضعیت قابل تقدیری دارند. آنها کمک مالی و لجستیک جدی می‌خواهند.

شنبه ۳ دی | ۱۴ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۲۴ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم. بالاخره اعلان شد که هواپیمای ساقط شده آمریکایی در اثر فرسودگی دچار سانحه شده و خرابکاری نبوده است. آقای [احمد] زرگر آمد و گزارش [عملکرد] دادگاه [مبارزه با

یونایتدپرس به دروغ مدعی شده بود که یک سخنگوی سپاه پاسداران در تماس تلفنی با دفتر این خبرگزاری در لندن گفته است سپاه این اقدام را به انتقام سرنگون شدن هواپیمای مسافری هما در خلیج فارس انجام داده است. وزارت خارجه ایران با ابراز تسلیت به بازماندگان حادثه انفجار هواپیما، ادعای مذکور را بی‌اساس خواند و آن را تکذیب کرد.

۱ - آقای هاشمی در خطبه اول، در ادامه بحث ویژگی‌های مستکبران، یکی دیگر از خصوصیات بارز استکبار را مطرح کرد و گفت: «استکبار روحی و نپذیرفتن حق و اصرار بر پایبندی به سنت‌های گذشته، از ویژگی‌های بارز مستکبران است که با ارتجاع برابر است. این قبیل افراد خود محورند و حق مطلق را در خودشان می‌بینند و آمادگی لازم را برای پذیرش اندیشه‌های نو و دستاوردهای دیگران ندارند و همیشه روی سنت‌های کهنه اصرار می‌ورزند و در این افکار حبس هستند.» ایشان خشک مقدس‌ها و کمونیست‌ها را نمونه بارز تحجر و جمود فکری خواند و با استناد به آیاتی از قرآن کریم به بررسی این ویژگی پرداخت. در خطبه دوم نماز درباره سالگرد اشغال افغانستان توسط شوروی و تلاش آمریکا برای ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی در افغانستان مطالبی بیان شد. همچنین درباره زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) و ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت، مطالبی به نمازگزاران جمعه ارائه شد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

مفاسد و] منکرات را داد. آقای جواد لاریجانی آمد. گزارش سفر به کشورهای اروپایی را داد و راجع به سفر من مذاکره شد. گفتم بهتر است بعد از زمستان برویم. مهندس کاظمی آمد و طرحی برای توسعه ساخت مسکن آورد.

مادر انیس نقاش لبنانی - که در پاریس زندانی است - آمد و برای استخلاص پسرش استمداد کرد. برادر محمد صالح شهید هم همراهش بود. همسر شهید محمد صالح، خواستار ارتباط با عفت بود که گفتم تلفن کند. پانصد دلار و یک سکه و دو جلد قرآن به آنها دادم؛ پیرزن فرسوده‌ای است. شوهرش هم فوت کرده و در خانه پسر دیگرش در امارات زندگی می کند. گویا فرانسوی ها به او گفته‌اند که اگر ایران اصرار کند، انیس آزاد می‌شود.

ظهر فرماندهان سپاه آمدند و برای بودجه خودشان استمداد کردند. عصر آقای [محمد علی] نظران [رئیس کمیسیون امور اسرا] آمد. درباره اسرا و مسائل دیگر ارتش مذاکره شد. شب جلسه سران قوا در نخست وزیری بود. درباره مراسم جشن سالگرد انقلاب، مبارزه با منکرات و بدحجابی و مسائل جاری کشور مذاکره شد. ساعت ده و نیم شب به خانه رسیدم.

یکشنبه ٤ دی | ١٥ جمادی الاول ١٤٠٩ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. مبتلا به کمر درد شده‌ام. قبل از دستور میلاد حضرت مسیح (س) را تبریک گفتم. ساعت ده ونیم دستورها تمام شد و جلسه را ختم کردیم. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. در خصوص پیشرفت انرژی هسته‌ای توضیحاتی داد و برای بودجه و بازدید از کارها استمداد کرد.

جمعی از نمایندگان کارگران کارخانه[تولید لوازم خانگی] ارج آمدند. آنها یک میلیون تومان کمک برای جنگ آوردند و از کمبود مواد اولیه کارخانه گفتند که با بیست

درصد ظرفیت کار می‌کنند و برای تصویب قانون کار استمداد کردند[1].

ظهر به کمیسیون امور دفاع رفتم. درباره آینده ارتش و سپاه، سربازهای اضافی، متأهل‌ها و ضدانقلاب مذاکره شد. عصر به ستاد کل رفتم. بحث درباره بودجه نیروهای مسلح بود که بالاخره رقم را تعیین کردیم. ارتش و سپاه نیازهای بسیار بالایی مطرح کردند؛ تقریباً شصت درصد درخواستشان را دادند.

برف شدیدی باریدن گرفته بود. به منزل آمدیم. در بین راه در اثر ترافیک شدید خیلی معطل شدیم. در سر بالایی جماران با هل دادن ماشین توانستیم به خانه برسیم. یاسر هم از مدرسه پیاده آمده و زیر برف خیس شده بود و ماشین نمی توانسته او را بیاورد. عفت به منزل محسن رفته بود. فیلمی درباره حضرت مسیح(ع) از تلویزیون پخش شد که جالب بود.

دوشنبه ۵ دی | ۱۶ جمادی الاول ۱۴۰۹ — ۲۶ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت نه ونیم صبح به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. شورای سیاستگذاری [بازسازی] جلسه داشت. سیاست واگذاری کارخانه های دولتی به بخش خصوصی با حق اولویت کارگران تصویب شد. بعد از ناهار درباره احزاب و شوراها مذاکره کردیم. سپس به مجلس رفتم.

عصر عقد ازدواج معلم مهدی و یاسر را بستم. مدیران وزارت بازرگانی آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[2]. هیأت [اتحاد اسلامی هفتگانه] مجاهدین افغانی به ریاست آقای

---

[1] - آقای هاشمی در دیدار با کارکنان کارخانه ا رج، با تأکید بر لزوم حل مشکلات معیشتی کارگران، گفت: «قانون کار، هفته گذشته در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و عمده اعتراضات آن، قابل حل تشخیص داده شد.» ایشان با قدردانی از خدمات کارگران در طول هشت سال دفاع مقدس، گفت: «قرار بر این شده است که ابتدا اعضای شورای نگهبان و کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، برای رفع ایرادهای قانون کار، با یکدیگر همکاری کنند و اگر چیزی لاینحل ماند، در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی شود که در این صورت نیز مشکلی پدید نخواهد آمد.» ایشان با تأکید بر اینکه کارگران، مستضعف‌ترین قشر جامعه‌اند، خواستار تلاش بیشتر مدیران کارخانه‌ها برای افزایش تولید و رفع مشکلات زندگی کارگران شد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - در بخشی از این سخنرانی آمده است: « صادرات در گذشته و امروز شکل صحیحی نگرفته است. اگر وزارت بازرگانی موفق بشود که وضع صادرات را سروسامان بدهد تا ما بتوانیم ظرفیت صادراتی را گسترش بدهیم، می‌توانیم سطح منابع تحصیل ارز را بالا ببریم ↵

[برهان‌الدین] ربانی [رئیس جمعیت اسلامی افغانستان] آمدند. گزارش مذاکرات با شوروی را دادند و برعدم پذیرش اعضای رژیم حاکم کابل در حکومت آینده تأکید داشتند و من بر انجام و تقیّد به اسلام و عدم باج دهی به کشورهای سلطه‌طلب تأکید نمودم.

سرشب [سرتیپ منصور ستاری] فرمانده نهاجا [= نیروی هوایی ارتش] آمد. گزارش پیشرفت کارهای تعمیری و پایگاه سازی و تهیه قطعات را داد. تب شدیدی داشتم. به منزل آمدم. سوپ خوردم و خوابیدم.



ملاقات با برهان الدین ربانی رئیس هیات اتحاد اسلامی هفتگانه افغانستان

سه‌شنبه ٦ دی | ١٧ جمادی الاول ١٤٠٩ — ٢٧ دسامبر ١٩٨٨

تبم تخفیف یافته بود. نزدیک ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. هیأت کره شمالی آمدند.

و در مقابل نیازهای مردم را تأمین نموده و صنوف را فعال کنیم. این صحیح نیست کسانی که کالا و جنس دارند و تصمیم دارند با صادر نمودن آن، کالا وارد کشور کنند، مدت‌ها در پیچ و خم‌های اداری معطل بمانند.. ما باید گسترش صادرات آزاد را تشویق کنیم و مشکلات اداری را حل کنیم . این دستور اخیر حضرت امام، متکی به واقعیت‌های جامعه بوده است. گزارش‌های واقعی که خدمت‌شان می‌رسد، ایشان را به این نتیجه رساند که ما باید دست مردم را باز نگه داریم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

توسعه روابط و کمک ما در امور اکتشاف و پالایش نفت و وحدت دو کره را خواستند[1]. آقای [سید محمد باقر] حکیم آمد. درباره مدیریت سپاه بدر و امکانات و تسهیلات اداری برای عراقیان صحبت کرد. ورزشکاران آمدند. برایشان صحبت کردم و تشویقشان نمودم[2].



دیدار با وزیر امور خارجه و وزیر اقتصاد خارجی کره شمالی

۱ - در این ملاقات که آقایان «کیم یونگ نام» وزیر امور خارجه و «جونگ سانگ نام» وزیر اقتصاد خارجی جمهوری دموکراتیک خلق کره حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: « ما وارد مرحله جدیدی شده‌ایم و به بازسازی وسیعی در کشورمان نیاز داریم و ترجیح می‌دهیم با کسانی که در دوران جنگ با ما همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند، در دوران صلح نیز همکاری بیشتری داشته باشیم.»

۲ - در این دیدار که اعضای تیم‌های ملی فوتبال، کشتی و والیبال به همراه اعضای تیم‌های اعزامی والیبال و کشتی ناشنوایان به بازی‌های المپیک ناشنوایان به نیوزیلند حضور داشتند، ابتدا آقای احمد درگاهی سرپرست سازمان تربیت بدنی گزارشی از وضعیت ورزش کشور ارائه داد. سپس آقای هاشمی گفت: « در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط کشور ما به گونه‌ای نبود که بهای لازم به ورزش و ورزشکاران داده شود و هنوز هم سروسامان نگرفته بودیم که جنگ را بر ما تحمیل کردند و جنگ همه چیز را تحت الشعاع قرار داد. در میان امکاناتی که صرف جبهه و جنگ شد، از ورزش چیزهای زیادی گرفته شد، از مراکز تربیت بدنی، میادین و امکانات ورزشی که به نیروهای مسلح تحویل داده شد و هنوز هم در اختیار آنان است، طبعاً انجام فعالیت‌های ورزشی را محدود و میدان عمل را برای ورزشکاران تنگ‌تر کرد. در صورتی که نیاز جامعه و رشد جمعیت بیشتر شده و بایستی امکانات و تأسیسات ورزشی وسعت بیشتری پیدا کند. نظام جمهوری اسلامی باید با ورزش، برخورد جدی‌تر کند و امکانات بیشتر در اختیار ورزشکاران قرار دهد. تأسیساتی که از ورزش گرفته شده است، باید به سازمان تربیت بدنی برگردانده شود و از لحاظ فرهنگی و تبلیغاتی باید یک کار اساسی برای ورزش صورت گیرد. این یک حسن است که در میادین ورزشی، ورزشکار علاقمند شود که به مقام نخست دست پیدا کند و روی سکوی افتخار برود. خداوند انسان‌ها را طوری خلق کرده است که انگیزه برتری طلبی در وجود همه وجود دارد و هیچ وقت متوقف نمی‌شود و انسان باید حرکتش را ادامه بدهد و همیشه در فکر صعود باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

آقای آقامحمدی آمد. متن بیانیه معارضان عراقی در ارتباط با کنگره تحریم سلاح شیمیایی را آوردند. مذهبی‌ها و غیر مذهبی‌ها برسرگذاشتن آیه قرآن در صدر بیانیه، اختلاف نظر پیدا کرده‌اند. آقای [محمد] کیاوش آمد. اجازه ادامه بررسی جبهه‌ها را خواست.

عصر [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمد. نیازهای نزاجا را گفت و برای بعضی از افسران تقاضای ترفیع کرد. آقای درّی [نجف آبادی] آمد. درباره برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی کشور مذاکره شد. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. بحث در تعزیرات حکومتی بود.



ملاقات با قهرمانان کشتی و فوتبال

چهارشنبه ۷ دی | ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۹   ۲۸ دسامبر ۱۹۸۸

حالم بهتر بود. به مجلس رفتم. پس از شروع جلسه علنی به دفترم برگشتم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. آقای [علی محمد] بشارتی [قائم مقام وزیر امور خارجه] آمد. درباره سپاه و دانشگاه مطالبی داشت.

[آقای فاروق الشرع] وزیر خارجه سوریه آمد. او خواستار همکاری برای جلوگیری از موفقیت یاسر عرفات و صدام و مراکش و اردن در جهان عرب بود و گفت با تنزل شوروی

از مواضع خود، دنیا در حال تحول است. من هم گفتم در این تحول ما باید با برنامه عمل کنیم و به خواسته او مبنی بر تحسین روابط با اعراب جنوب خلیج فارس، جواب مثبت دادم.

جمعی از فرزندان شهدا که شاگردان ممتاز در استان خراسان هستند، آمدند؛ آنها را تشویق کردم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.



ملاقات با وزیر امور خارجه سوریه

پنجشنبه ۸ دی | ۱۹ جمادی الاول ١٤٠٩ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به دفتر فرماندهی [کل قوا] در محل ستاد کل رفتم. قرار گذاشته‌ام هفته‌ای یک روز به آنجا بروم. آقای نواب مسئول دانشکده تربیت مربی سپاه در قم آمد و خواستار تقویت آن و اجازه تأسیس دوره فوق لیسانس شد. از فرمانده سپاه شکایت داشت. آقای شمخانی و گروه نظامی اجرای قطعنامه آمدند. گزارش کار درباره نحوه رفتار با نیروهای سازمان ملل و طلب حدود دویست میلیون تومانی ما از سازمان ملل را - که خرج آنها کرده‌ایم - دادند و بودجه خواستند.

آقای محسن رضائی آمد. درباره اجرای قانون شورای عالی سپاه و حفاظت اطلاعات

سپاه مذاکره کردیم. خواستار حل مشکلات ناشی از اختلاف نظر با دفتر نمایندگی امام و مسئول حفاظت شد؛ قول رفع مشکل دادم.

آقای [محمد علی] رحمانی مسئول بسیج آمد. او خواهان استقلال بسیج از سپاه است. استدلال مفصلی کرد که نپذیرفتم. درباره مسئله منتشر شده در خصوص انتقال سیمان از ستاد به لاهیجان پرسیدم. گفت سیمان توسط اهالی روستایی در لاهیجان از سیمان فروش خریده شده و از طرف ایشان برای حمل به آنها پاکت داده شده و در اجاره ماشین کمک شده و اصلاً مربوط به خودش نیست؛ قرار شد از طریق بازرسی ویژه ستاد کل، بازرسی شود.

ظهر آقای [سید حسن] فیروزآبادی برای امور ستاد کل و مسائل جاری و اجازه برای سفر دریایی نیروی دریایی آمد. هوای دفترم سرد بود. با بخاری برقی گرم می‌شدم. عصر آقای [علی] فلاحیان آمد. درباره سایت‌های پنها [= پشتیبانی و نگهداری هلی‌کوپترهای ایران] در اطراف [روستای] کن مذاکره شد. مالکان اراضی شاکی‌اند و ساصد [= سازمان صنایع دفاع] آنجا را برای خود ضروری می‌داند. قرار شد بیشتر رسیدگی شود و درباره بازرسی و آمار و ارقام نیروها و تعداد پرسنل و امکانات بازرسی شود.

آقای سنجقی آمد و درباره تقویت روحانیت در سپاه و حل زودتر مشکل ارتش و سپاه تأکید کرد. تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. رئیس شهربانی اطلاع داد مأمورانش به دنبال پیدا کردن دو کودک بی سرپرست فراری از مجتمع سلمان هستند. به آقای کروبی [رئیس بنیاد شهید] هم گفتیم پیگیری کنند. یاسر مهمان داشت. از بیرون غذا آورده بودند. عفت و مهدی هم به منزل محسن رفتند که بستگان در آنجا مهمانند.

جمعه ۹ دی | ۲۰ جمادی الاول ۱٤۰۹ — ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. بیشتر به استراحت و مطالعه کتاب درباره مسائل بعد از جنگ جهانی دوم گذشت. کوفتگی و نقاهت کمردرد وکسالت دو سه روز گذشته باقی است. آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و گزارش کار بنیاد تاریخ را داد. همشیره زاده

محمد و دامادش آمدند. اخیراً مرضیه ازدواج کرده؛ داماد فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق(ع) است. عفت هدیه‌ای داد.

شب آشیخ حسین هاشمیان و جمعی از بستگان آمدند. بیشتر مذاکره درباره مشکلات شرکت تعاونی [تولیدکنندگان و صادرکنندگان] پسته رفسنجان بود. محسن و رضا [هاشمیان] عموزاده‌ها از کویت برگشته و یک ماشین حساب سخنگو به عنوان هدیه آورده‌اند و خواستند در تحسین روابط بکوشیم. مدعی‌اند شرکت تعاونی پسته ضرر می‌دهد؛ تسهیلات بیشتر می‌خواهند. با اینکه من عضو شرکت نیستم، معمولاً خیال و شایعه می‌شود که با نفوذ من استفاده زیادی به شرکت می‌رسد[1]. چون متعلق به ده‌ها هزار کشاورز است، برای رفع مشکلات آنها کمک می‌کنم. شرکت تعاونی، نمونه خوبی از همکاری کشاورزان با هم برای رفع مشکلات است.

شنبه ۱۰ دی | ۲۱ جمادی الاول ۱۴۰۹ | ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸

ساعت هشت و نیم صبح به محل حفاظت اطلاعات سپاه در محل سفارت سابق آمریکا رفتم. نمایشگاه، کارها و برنامه ها را به مدت یک ساعت بازدید کردم. سپس در جمع مسئولان حفاظت که سمینار دارند، برایشان صحبت کردم[2]. ساعت یک و نیم ظهر به

۱- درخصوص فعالیت‌های شرکت تعاونی تولیدکنندگان و صادرکنندگان پسته رفسنجان و شایعات پیرامون آن، توضیحاتی در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ - سمینار سراسری مسئولین حفاظت اطلاعات نواحی و رده‌های سپاه پاسداران با سخنان آقای هاشمی گشایش یافت. ایشان در مراسم افتتاح این سمینار، اظهار داشت: «کاری که شما برعهده گرفته‌اید، بسیار مهم و با ارزش است و مستلزم دقت، هوشیاری و قاطعیت شما در گزارش تمامی مواردی است که با آن روبرو می‌شوید. دیدار از این نمایشگاه وسعت حیطه مسئولیت‌ها و اهمیت کار شما را برای من روشن ساخت، به نحوی که ایجاب می‌کند بهای خیلی بیشتری به آن داده شود. ما در این نمایشگاه مسائل تلخ و شیرینی را شاهد بودیم. شیرین از آن روی که با افراد و پرسنل محدودی، دستاورد عظیمی در زمینه کار شما داشته‌ایم و تلخ به خاطر حوادثی که در صورت دقت و هوشیاری بیشتر، به وقوع نمی‌پیوست. پاکی، اخلاص و ایمان افراد فداکاری که به منظور پاسداری از کل نظام به سپاه روی آورده‌اند، برای شما کار را تسهیل ساخته اما این بدان معنی نیست که این نهاد از آسیب‌ها مصون و در امان است. دشمنان انقلاب سعی دارند با نفوذ در این نهاد مقدس و بدنام کردن آن، به آن ضربه بزنند و اگر به این کار موفق شوند، زحمات شبانه روزی جوانان فداکاری که هم خود را مصروف خدمت در این نهاد می‌کنند، به باد خواهد رفت.» ایشان با اشاره به کاستی‌ها و رخدادها در نتیجه فقدان آموزش لازم که عامل

مجلس رفتم.

عصر آقایان بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین و رئیس کمیته مشترک صنعتی، اقتصادی ایران و لیبی] و [سید کاظم] خوانساری سفیرمان در لیبی آمدند. برای لیبی هواپیمای سوخت رسان می‌خواستند و خیلی اصرار داشتند. قرار شد در جلسه سران مذاکره شود؛ شب مذاکره شد. براساس قرارداد، حق نداریم برخی سلاح های خریده شده را واگذار کنیم. دادن هواپیمای سوخت رسان اف – ۱۴ که خودمان آن را سوخت رسان کرده‌ایم، ساده‌تر است.

شب جلسه سران قوا در دفتر من بود. درباره اردوگاه افغان‌ها در زاهدان صحبت شد. آقای برهان‌الدین ربانی در ملاقاتش خواسته بود که با هماهنگی، بعضی مهاجران افغانستان به اردوگاه اعزام شوند. فعلاً در شهر آزادند و مشکل ایجاد می‌کنند. موافقت شد و قرار شد به استاندار سیستان و بلوچستان ابلاغ شود.



سخنرانی در جمع مسئولین حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران

↲مؤثری در انجام هر چه بهتر کار حفاظتی است، گفت: «برای آینده باید به گونه‌ای کار کرد که هیچ گونه ضعف و اهمالی در راستای این امر مهم پیش نیاید.» ایشان با تأکید بر پشتیبانی خود از حفاظت اطلاعات اظهار داشت: « ارزش کاری که شما انجام می‌دهید، با آنچه که به عنوان دستمزد دریافت می‌دارید، قابل مقایسه نیست و تنها خداوند است که به ارزش کارها واقف است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

درباره تأمین ارز برای بانک مرکزی بحث کردیم. نخست وزیر گفت نفت پیش فروش شده و مبلغی بدست آمده و این کار ادامه دارد. برای اینکه روزه بگیرم، در مجلس ماندم. عفت آخر شب تلفن کرد و از نرفتن به خانه اظهار ناراحتی نمود. فکر نمی‌کند که رفت و آمد و بلند شدن سحر و نخوابیدن بعد از آن و صبح زود در مجلس بودن، چه مشکلاتی دارد.

یکشنبه ۱۱ دی | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۱ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت پنج صبح با زنگ تلفن بیدار شدم. سحری، شیر و خرما خوردم. نماز خواندم و خوابیدم. شب گذشته خوب نخوابیده بودم و نیاز به خواب داشتم. در گزارش‌ها و اخبار صبح، مطلب مهمی نبود. در جلسه علنی، قبل از دستور درباره نامه امام به مجمع تشخیص مصلحت صحبت کردم[1]. نخست وزیر بودجه سال ۶۸ را به مجلس آورد و سخنرانی طولانی داشت. با تنفس به دفترم رفتم.

آقای [حسین] محلوجی آمد. درباره تولید مهمات در کارخانه‌های غیر نظامی مذاکره

---

[1] - آقای هاشمی ضمن تشکر از حضرت امام به خاطر نصایح اخیرشان به مسئولین کشور اظهار داشت: «نمی‌دانیم با چه زبانی از این راهنمایی‌های مؤثر و سودمند حضرت امام امت که در مواقع لازم، جریانات امور کشور را به جای مطلوب هدایت می‌فرمایند، تشکر کنیم. در هر مقطعی و در هر شرایطی ما از این حکیم عادل و طبیب حاذق، نسخه مناسب جامعه‌مان را داریم و در نامه اخیرشان به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز چند نکته قابل توجه را بیان فرمودند.» ایشان آنگاه با بیان اینکه بن بستی که ناشی از وجود یک خلاء در قانون اساسی است، با این تصمیم و تصمیم قبلی شکسته شد، اظهار داشت: « دیگر مواردی که در آنها بین مجلس و شورای محترم نگهبان توافق به دست نمی‌آید، بن‌بست نیست و برای آنها راه حل وجود دارد و در نتیجه چند لایحه و طرح مهمی که در دوران چند ساله کار مجلس داشتیم و در حال حاضر معوق مانده‌اند، می‌توانند از بن بست خارج شوند.» آقای هاشمی همچنین با تأکید بر اینکه جایگاه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان محفوظ مانده است و هر یک می‌توانند با اطمینان خاطر وظایف خودشان را عمل کنند، گفت: « حضرت امام، در زمان جنگ، راه حل سریع برای مشکلات احتمالی را مشخص فرمودند و امروز که آن نیازهای فوری وجود ندارد، ضمن شکستن بن‌بستی که همه ما، به خصوص مجلسیان را رنج می‌داد، مسائل را به روال طبیعی‌اش برگرداندند. امام فلسفه عالی حکومت اسلامی را که حل معضلات مردم و مواجهه با مشکلات ناشی از حاکمیت کفر و شرک در جهان است، گوشزد می‌کنند. در این پیام همچنین مشخص شد که اجتهاد در مذهب شیعه و اسلام باید با مقتضیات زمان و مکان همراه باشد و اقتضای زمان را از نظر دور ندارد و متأسفانه در شیوه اجتهاد ما کمبودی بود که اگر به این نکته توجه شود راهگشای خیلی از چیزها خواهد بود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات آقایان اعضاء محترم مجمع تشخیص مصلحت دامت افاضاتهم

پس از سلام و دعا [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱- آنچه تاکنون در مجمع [illegible]

۲- [illegible]

۳- [illegible]

[illegible]

البته [illegible]

[illegible]

تذکر پدرانه به اعضاء عزیز شورای نگهبان میدهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند؛ چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریهاست. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین میکند. و این بحثهای طلبگی مدارس که در چارچوب تئوریهاست نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بستهایی میکشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی میگردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرع صورت نگیرد - و خدا آن روز را نیاورد - باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.

[illegible] مجمع تشخیص مصلحت توفیق [illegible]

روح الله الموسوی الخمینی

۶۷/۱۰/۸

نامه امام خمینی (ره) به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام



تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ به مجلس شورای اسلامی



شد. سپاه بدهکار است و بودجه ندارد تا بدهی خود را بپردازد. گفتم دکتر روحانی با حضور همه عناصر ذیربط جلسه تشکیل دهد.

ظهر آقای [مظفر] جراحی [مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران] آمد. گزارش وضع گاز کشور را داد و برای رفع مزاحمت‌ها برای مدیریت در خوزستان استمداد کرد. آقای صدرائی آمد و برای بنیاد تاریخ پول گرفت. آقاجلال آمد و برای لاستیک پیکان پول گرفت. عصر آقای [خسرو] عروج فرمانده سپاه ویژه آمد. گزارش کار داد و نیازها را گفت و مسئله فرودگاه و طرح هماهنگی آینده را توضیح داد و برای محافظان کمک خواست.

آقای عبدالله نوری آمد. گزارش پیشرفت کار کمیسیون هماهنگی نیروهای مسلح را داد و مدعی است نیروی زمینی ارتش به کلی با ادغام مخالف است و می‌خواهد سپاه نیروی ویژه باشد. درباره ریاست جمهوری و اطلاعات و سازمان نیروهای انتظامی - امنیتی هم نظراتی ارائه داد و برضرورت اتخاذ شیوه تبلیغات مناسب برای شعاریون افراطی تأکید داشت.

آقای [مهدی] کروبی [نماینده امام و رئیس بنیاد شهید] آمد. درباره انتخابات ریاست جمهوری مذاکره داشت. اصرار دارد که چاره‌ای جز پذیرفتن من نیست. در مورد مشکل فرزندان شهید بدون مادر و بی سرپرست مذاکره شد. مواردی وجود دارد که راهی جز نگهداری در مجتمع‌ها نیست و آنجا هم مشکلاتی دارد؛ بهانه‌گیری دارند و به خاطر کمبود محبت‌های مادر و بستگان احساس خستگی می‌کنند و شکایت دارند. به طور کلی از مشکلات بنیاد شهید اظهار خستگی کرد و در مورد دولت و عدم اقدام جدی برای رفع مشکلات مردم و نیز از افراط‌های شعار گونه انتقاد داشت.

شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تمرکز اطلاعات در دستور بود. چون مسئولان نیروهای نظامی و انتظامی دعوت نشده بودند، گفتم بحث متوقف شود. اطلاعاتی‌ها که بی رقیب در جلسه حاضر بودند، مایل بودند کار تمام شود که نشد. به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۲ دی | ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۲ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت نه و نیم صبح برای شرکت در جلسه شورای بازسازی به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. سیاست‌های کشاورزی را با حضور وزیر کشاورزی تصویب کردیم. سیاست‌های تنظیم و تفرقه جمعیت هم با حضور وزیر مسکن و شهرسازی بررسی شد و ادامه کار را به روز شنبه موکول کردیم. ساعت دو و ربع بعد از ظهر به دفترم رفتم: نماز و استراحت و خواندن گزارش‌ها.

ساعت چهار بعد از ظهر در جلسه ای با حضور نخست وزیر، وزرای کابینه، اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و رؤسای شوراهای بخش برنامه‌ریزی که به دعوت من در مجلس تشکیل شده بود، شرکت کردم. این جلسه تا ساعت شش و نیم طول کشید. بحث درباره بودجه سال ۶۸ و برنامه پنجساله [اول] بود. کمیسیون برنامه و بودجه مایل است برنامه پنجساله، قبل از بودجه سال ۶۸ تصویب شود، ولی دولت می گوید نمی‌تواند قبل از عید، بخش کمّی برنامه را بدهد و فرصت بیشتری نیاز دارد. بعضی پیشنهاد داشتند که سه دوازدهم بودجه تصویب شود و بقیه برای بعد از تصویب برنامه بماند. عده زیادی صحبت کردند و بالاخره قرار شد بودجه سال ۶۸ کاملاً تصویب شود و پس از تصویب برنامه پنجساله، اگر لازم دیدیم اصلاحیه بیاوریم و دولت سعی خودش را در زودتر رساندن برنامه بنماید. به دفترم رفتم و تا ساعت هشت و نیم کار کردم. محافظان سیرابی آوردند.

به خانه آمدم. مستخدم امام خبر برگشتن نوه اش از قروه را داد. از بنیاد [شهید] فرار کرده بود. مدعی شده از فشار ناراحتی از محیط نامناسب مجتمع فرار کرده است. قرار شد دیگر به آنجا برنگردد. آخرین قسمت سریال گرگ ها را تماشا کردیم. گزارش دانشجویی را که ربوده شده و پس از سه روز آزاد شده، به محافظان دادم که بخوانند و با شیوه شرارت دشمنان آشنا شوند.

سه‌شنبه ۱۳ دی | ۲۴ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۳ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. در گزارش ها مطلب مهمی نبود. آقای هادی غفاری آمد.

از مقاله روزنامه رسالت سخت ناراحت است و گفت تا اعاده حیثیت به مجلس نخواهد آمد و اصل تهمت ها را دروغ می داند. سفیر ایتالیا آمد. ضمن اعلان تشکیل گروه دوستی ایران در پارلمان ایتالیا، خواستار جواب مناسب و تسریع در توسعه روابط بود. تشکر کردم و گفتم بعد از تهیه آئین نامه، اقدام به تشکیل گروه می کنیم. خواستار تحویل یازده فروند هلی کوپترهای شنوک شدم. ایران این هلی کوپترها را قبل از پیروزی انقلاب خریده است و بعد از انقلاب، آنها از تحویل خودداری می کنند.

آقایان [محمدباقر] ذوالقدر و [فریدون] مهدی‌نژاد از سپاه آمدند و گزارش مذاکره با [عبدالرحمن] قاسملو [دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران] را دادند. قرار شد وعده خودمختاری ندهند و اگر تسلیم شوند، می‌توانند کار سیاسی در محدوده قانون انجام دهند. افراد قاتل و جاسوس، حساب دیگری دارند و اسلحه‌ها را باید تحویل دهند.

فرماندهان نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] آمدند. قرارگاه‌ها گزارش وضع جبهه و خطوط را دادند و برای جبران کمبودها استمداد کردند. برای آنها صحبت کردم.

آقای [سید رضا حسینی] مدنی نماینده لامرد آمد. از امام جمعه و نماینده سابق و رؤسای محلی مخالف با او شکایت داشت. او با اشکال می تواند به لامرد برود؛ استمداد کرد. عصر برادر شیخ عثمان رهبر حرکت اسلامی کردستان عراق آمد. گزارش وضع کردهای عراقی مقیم ایران را داد و کمک بیشتر خواست؛ ناراضی نیست.

سفیرمان در کنیا آمد. پیغام رئیس جمهور کنیا را آورد که گفته پس از تحقیق زیاد به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال نزدیک به یقین، گروگان‌های ما در لبنان به دست فالانژها شهید شده‌اند و پیشنهاد داشت که کمک کنیم تا گروگان‌های انگلیسی در مقابل ۸۰ اسیر لبنانی در اسرائیل آزاد شوند. گفتم پیشنهاد شود که جنازه‌ها را تحویل دهند و زندانیان ما در انگلیس هم آزاد شوند. مسئول زیراکس مجلس آمد. از تصمیم تعویض خود ناراحت است. تا ساعت شش و نیم کارهای دفتر را انجام دادم.

به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. بحث در تمرکز اطلاعات بود. سپاه، ساحفاجا [= سازمان حفاظت اطلاعات ارتش]، وزارت کشور، شهربانی و ژاندامری در مخالفت و اطلاعات و نخست وزیری در موافقت صحبت کردند و ادامه بحث به جلسه آینده موکول

شد. دیر وقت به مجلس رسیدم. در اخبار امروز، ارسال نامه امام به گورباچف[1] توسط هیأت مخصوص مورد توجه است[2].

چهارشنبه ١٤ دی | ٢٥ جمادی الاول ١٤٠٩ | ٤ ژانویه ١٩٨٩

مطابق معمول قبل از رفتن به جلسه علنی گزارش‌ها را خواندم و صبحانه خوردم. در جلسه علنی تا آخر وقت ماندم. طرح تسهیلات برای رزمندگان در دستور بود. در تنفس برای کارکنان مجتمع صنعتی گوشت فارس [و جمعی از اهالی مرودشت] که پانصد هزار تومان برای جنگ آورده بودند و خانواده‌های رزمندگان لشکر ۵ نصر صحبت کردم[3]. عصر

---

۱ - متن کامل نامه حضرت امام (ره) به میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. این نامه توسط هیأتی به سرپرستی آیت الله جوادی آملی از علمای حوزه علمیه قم و همراهی دکتر محمد جواد لاریجانی معاون وزیر امور خارجه و سرکارخانم مرضیه دباغ از اعضای دفتر امام خمینی، تحویل گورباچف شد. هیأت اعزامی از طرف امام خمینی (قدس سره) روز سیزدهم دی ماه ۱۳۶۷، تهران را به مقصد مسکو ترک و در روز چهاردهم به تهران برگشت و مدت توقف این سفر تاریخی در مسکو بیست و سه ساعت بود و در فرودگاه بین‌المللی با استقبال نماینده ویژه صدر هیأت رئیسه شوروی و برخی از مسؤولان بلند پایه سیاسی و امام جمعه مسکو و نیز با شرکت سفیر وقت ایران در شوروی و تنی چند از برادران سفارت ایران در مراسم استقبال روبرو شد. روایت آیت‌الله جوادی آملی از این سفر تاریخی، در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است.

۲ - خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: «یک هیأت ایرانی پیام آیت‌الله روح‌الله خمینی را متضمن انتقاد از کمونیسم به میخائیل گورباچف رهبر شوروی تسلیم کرد. متن کامل پیام [امام] خمینی به گورباچف فاش نشده اما به نقل از احمد پسر رهبر و فرد مورد اعتماد وی، گزارش داد که این پیام در ارتباط با نقش مذهب در جامعه شوروی بوده است. رادیو تهران به نقل از احمد خمینی گزارش داد که این نامه با محتوای اینکه مشکل اصلی که در مقابل کشور شما قرار دارد، مشکل مالکیت خصوصی یا فقدان آزادی نیست، بلکه عدم اعتقاد به خداست، گورباچف را مورد سرزنش قرار داد. پسر امام خمینی گفت که خطاب به رهبر شوروی گفته شد مشکل اصلی، ستیز گستاخانه دیرپای شما با خداست. این پیام از گورباچف می‌خواهد که درباره اسلام مطالعه کند. گورباچف روز چهارشنبه با هیأت ایرانی در مسکو دیدار کرد و به آیت الله عبدالله جوادی آملی سرپرست هیأت و فرستاده ویژه امام خمینی گفت که اتحاد شوروی به زودی اجازه آزادی مذهب را صادر خواهد کرد. این رادیو به اینکه نامه حاوی هیچ پیام سیاسی یا اقتصادی از سوی امام خمینی بوده است یا نه، اشاره نکرد، اما روس‌ها ظرف دو سال گذشته به نحو فزاینده‌ای، دست به ابتکارات قوی در قبال تهران زده‌اند. رهبران ایران از جمله هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان، پس از سال‌ها تیرگی روابط، در ماه‌های اخیر نشانه‌های رو به رشدی از بردباری نسبت به شوروی از خود بروز داده‌اند.»

۳ - در این دیدار آقای هاشمی اظهار داشت: «لشکر ۵ نصر خراسان همانند سایر واحدهای رزمی سپاه در طول جنگ، قهرمانی‌های قابل توجهی از خود نشان داد و مایه افتخار مردم استان خراسان شد.» ایشان در ادامه ضمن تقدیر از زحمات و کمک‌های کارکنان مجتمع صنعتی گوشت فارس به جبهه‌ها گفت: «یکی از وابستگی‌های کشور ما، وابستگی مواد گوشتی است، ما باید نیاز مردم را با تولید بیشتر حل کنیم. خدمت در میدان تولید مواد غذایی یکی از صحنه‌های جهاد، تلاش و عبادت به حساب می‌آید.» در این ملاقات یکی از اعضای

هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

در اخبار شب آمد که آمریکا دو جنگنده لیبی را در مدیترانه سرنگون کرده است[1]. شب جامعه روحانیت و مجمع روحانیون مبارز، در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشترک داشتند. من و آقایان خامنه‌ای، [سید محمد] موسوی خوئینی‌ها و [سید محمد] خاتمی صحبت کردیم. جلسه خوبی بود. قرار شد ادامه داشته باشد و خبری منتشر کردیم.

پنجشنبه ۱۵ دی | ۲٦ جمادی الاول ١٤٠٩ | ۵ ژانویه ۱۹۸۹

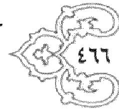
ساعت نه صبح به دفتر فرماندهی در ستاد کل رفتم. تیمسار سپهر آمد. از مدیریت ستاد و از عدم توجه به خودش گله داشت. آقای [علی] یونسی آمد. اوضاع حفاظت و کشف یک شبکه سوء استفاده از مهمات ارتش را گفت و در امور ارتش و ساحفاجا [= سازمان حفاظت اطلاعات] مشورت کرد و راهنمایی خواست. آقای [ابراهیم] سنجقی برای امور سپاه آمد. گفتم باید قانون عمل شود و شورای‌عالی سپاه جدی گرفته شود.

آقای [علی] رازینی [رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح] آمد. گزارش کار سازمان قضایی [نیروهای مسلح] و عفو زندانیان زیر چهار سال [محکومیت] و تخفیف بالای چهار سال و نتیجه بررسی شکست ها در غرب را داد. در مورد محل زندان دژبان خواست که به وزارت دفاع داده شود و زندانیان به زندان قصر بیایند که آقای [محمدعلی] نظران [رئیس کمیسیون اداره اسرای جنگی] مخالفت دارد. درباره کیفیت پیگیری تخلفات سران ارتش و سپاه مشورت کرد.

آقای سراج [الدین موسوی] فرمانده کمیته آمد. خواستار ارتباط بیشتر با نیروهای انتظامی بود و گزارش عملکرد کمیته را داد. عصر تیمسار ترابی آمد. برای ساحفاجا [=

انجمن اسلامی مجتمع گوشت فارس، گزارشی از کمک‌های این واحد در ارتباط با هشت سال دفاع مقدس را به اطلاع جانشین فرمانده کل قوا رساند.

۱ - جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش آمریکا، به دو هواپیمای میگ ۲۳ لیبی بر فراز دریای مدیترانه حمله کردند. آمریکا علت حمله را ادعای سوءاستفاده لیبی از کارخانه در حال ساخت سلاح شیمیایی عنوان کرد. سرنگونی دو هواپیمای لیبیایی بازتاب بسیار وسیعی در جهان داشت. به دنبال حمله آمریکا در لیبی وضعیت فوق‌العاده اعلام شد.



سازمان حفاظت اطلاعات ارتش] پول اضافی گرفت و چند مورد از موفقیت کشفیات جدید را گفت و برای ابزار کارش در ارتباط با وزارت اطلاعات استمداد کرد.

آقای علی جنتی رئیس دفتر فرماندهی [کل قوا] آمد و درباره امور دفتر و حقوق و مسائل دیگر در جهت روانی کار مطالبی گفت. آقای [محمد] فروزنده آمد. برای محل کار مهندسی رزمی، ساختمان خواست. قرار شد محلی انتخاب شود. تا ساعت هشت شب کارهای پرونده‌ها را انجام دادم و به خانه آمدم.

جمعه ١٦ دی | ٢٧ جمادی الاول ١٤٠٩ ٦ ژانویه ١٩٨٩

در منزل بودم. هوا سرد بود، از حیاط منزل استفاده نکردم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. شب محسن آمد. به قم رفته بود که به [زمین های] البرز سری بزند. درباره سازمان صنایع موشکی صبحت شد. گفت مدیران موشکی سپاه، نظرشان این است که کل صنایع موشکی به صورت متمرکز در یک سازمان و متصل به فرماندهی باشد. عفت درس جامع المقدمات را شروع کرد. در گذشته چند بار شروع کرده و سپس دست برداشته بود.

شنبه ١٧ دی ١٣٦٧ ٢٨ جمادی الاول ١٤٠٩ ٧ ژانویه ١٩٨٩

ساعت نه صبح به مقر ریاست جمهوری رفتم. قبل از تشکیل شورای بازسازی، درباره مسئله تمرکز اطلاعات مذاکره کردیم و در مسائل مورد نظر به تفاهم رسیدیم. در شورا با حضور وزیر مسکن، در خصوص سیاست شهرسازی مواردی را تصویب کردیم و با حضور وزرای نفت و نیرو، سیاست تأمین نیرو و انرژی و نفت و گاز و پتروشیمی تصویب گردید.

[آقای غلامرضا آقازاده] وزیر نفت اطلاع داد که نظر اولیه شرکت لرزه نگاری هلندی بر این قرار گرفته که منبع عظیم گاز آب های مجاور قطر تا حدود بیست و پنج کیلومتر در آب های ایران امتداد دارد و اگر این نظر اثبات شود، حدود سه تریلیون بر ذخایر مکشوفه

گاز ایران افزوده می‌شود[1]. بعد از ناهار و نماز به دفترم رفتم. استراحت کردم و گزارش‌ها را خواندم و کارهای دفتر را انجام دادم. خانم مطهری همراه عفت و فاطی به مجلس آمده بودند.

عازم قم شدیم. ساعت شش به منزل آیت‌الله منتظری رسیدیم. آقایان موسوی اردبیلی و احمدآقا و نخست وزیر هم رسیدند. آقای خامنه ای به خاطر کسالت نیامدند. تا ساعت نه شب درباره نامه امام به گورباچف و مسائل جاری کشور مذاکره کردیم. حال آقای منتظری خوب بود[2]. در برگشت آقای موسوی اردبیلی در ماشین من سوار شدند. حدود یازده شب به دفترم رسیدم. شب در مجلس خوابیدم. برای روزه گرفتن، به پاسداران گفتم ساعت پنج صبح بیدارم کنند.

یکشنبه ۱۸ دی | ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۹ ۸ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت پنج و ربع بیدار شدم. با شیر و خرما سحری خوردم و تا ساعت هشت صبح کارهای عقب مانده را انجام دادم. در گزارش‌ها کنفرانس [بین‌المللی ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی در] پاریس در صدر است و نامه امام به گورباچف هم مورد بحث است. تا ساعت

---

۱ - آخرین آمار منتشر شده درخصوص حجم ذخایر انرژی ایران نشاندهنده ۱۵۰/۳ میلیارد بشکه نفت خام و ۳۳/۱ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی می‌باشد. ایران پس از روسیه، بزرگترین دارنده ذخایر گاز طبیعی در جهان است و با توجه به سطح فعلی تولید، ذخایر گاز ایران بیش از ۱۰۰ سال دوام خواهد یافت. پس از روسیه و ایران، کشورهای قطر، عربستان سعودی، آمریکا، نیجریه، الجزایر و ونزوئلا به ترتیب بیشترین ذخایر گاز طبیعی جهان را دارند.

۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد یک روزنامه آمریکایی مدعی شد مقامات ایرانی در ماه‌های اخیر حامیان آیت الله حسینعلی منتظری را که به عنوان رهبر مذهبی ایران برای جانشینی آیت الله خمینی انتخاب شده، بازداشت کرده‌اند. روزنامه کریستین ساینس مانیتور به نقل از یک سفیر اروپایی در تهران نوشت: «به نظر می‌رسد آیت الله خمینی دست به اقدام برای چیدن بال‌های [آیت الله] منتظری زده‌اند. نویسنده گزارش مدعی شد که آقای منتظری با انتقاد از محدودیت‌های موجود بر سر راه اظهارنظر سیاسی، حتی بعد از برقراری آتش بس در جنگ، در مقابل آیت الله خمینی قرار گرفته است.» کریستین ساینس مانیتور در ادامه به نقل از این سفیر اروپایی می‌افزاید: «منتظری همواره به مقامات جمهوری اسلامی اصرار می‌کند که اظهار نظر عمومی مخالفین را تا حد مشخصی بپذیرند، اما اکثریت وسیع سران مملکت با این سیاست مخالفند، [آیت الله] منتظری همچنین موافق صدور انقلاب اسلامی است اما این یک هدف رادیکال است که سران پراگماتیک [عمل گرا] مانند رفسنجانی از آن صرف نظر کرده‌اند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۷/۱۰/۴ صفحه ۱۷.

ده و نیم در جلسه علنی ماندم.

پیش از ظهر سفرایمان در کشورهای جنوب خلیج فارس آمدند. گزارش سمینار درباره مسائل منطقه و جمع‌بندی بحث‌ها را دادند. سیاست حرکت به سوی تحسین روابط را تأیید کردم. ظهر آقای [مهدی] آخوندزاده و آقای مصطفوی سفرایمان در لندن و بن آمدند. گزارش وضع روابط را دادند. از آمادگی انگلیس و آلمان [غربی] برای توسعه روابط اقتصادی گفتند و مشورت کردند.

عصر آقای [رسول] صدیقی نماینده بناب و ملکان آمد. او در لیزر تخصص دارد و با سپاه و سازمان انرژی هسته‌ای کار می‌کند. اطلاعات مفیدی داد و پیشنهادهایی در تمرکز و تحسین صنایع هسته‌ای و لیزر داشت.

آقایان [محمد] سلامتی و [محمد] معزی آمدند. گزارش سفر به شوروی به همراه هیأت اقتصادی را دادند و خواستار پیگیری تفاهم نامه ها و توسعه روابط بودند. به خودشان گفتم پیگیری کنند و گفتم اعزام هیأت پارلمانی به شوروی را تنظیم کنند. آقای [محسن] قرائتی همراه جمعی از همکاران و نظامیان آمدند. طرحی برای سواد آموزی در نیروهای مسلح داشتند که تأیید کردم و مبلغ بیست میلیون تومان برای نهضت سوادآموزی دادم. افطار کردم. پاسداران افطار تهیه کرده بودند.

آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد و شرح مذاکرات هیأت ابلاغ پیام امام به گورباچف را داد. گفت که گورباچف با هیأت گرم گرفته و با خانم دباغ دست داده. در ابتدای ورود، خانم دباغ از زیر چادر دست داده ولی آخر جلسه، گورباچف دستش را زیر چادر برده و دست خانم دباغ را گرفته و او را به خاطر مبارزات و فعالیت‌های اجتماعی تحسین کرده. خود خانم دباغ هم امروز صبح مراجعه کرد و از این رویداد اظهار اضطراب کرد که او را دلداری دادم. شب به خانه آمدم. خانم مطهری و فرزندانش آمدند و برای کاغذ چاپ کتاب‌های شهید مطهری استمداد کردند.

دوشنبه ۱۹ دی | ۱ جمادی الثانی ۱٤٠٩   ۹ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت نه و نیم صبح به دفتر رئیس جمهور رفتم. در شورای بازسازی، سیاست‌های آب و

معادن تصویب شد. به دفترم رفتم. کارهای دفتر انجام شد و گزارش‌ها را دیدم. عصر آقایان امامی [کاشانی]، ربانی و کریمی آمدند. آنها پیشنهادهایی در جهت آزادی تجارت و میدان دادن به اصناف و توسعه صادرات داشتند.

ائمه جمعه و نمایندگان منطقه گنبد آمدند. خواستار مستقل شدن گنبد از استان مازندران بودند. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. تمرکز اطلاعات مطرح بود و قرار شد فردا شب هم دستور همان باشد. به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۲۰ دی | ۲ جمادی الثانی ۱۴۰۹ | ۱۰ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هشت و نیم صبح به سمینار عقیدتی سیاسی وزارت دفاع رفتم. بعد از مراسم، برای آنها در خصوص ضرورت تفاهم و هماهنگی بخش‌ها و مدیریت‌ها سخنرانی کردم[1]. آقای [اکبر] ترکان همراه من در ماشین به مجلس آمد. درباره تشکیل مجمع عمومی برای صنایع نظامی ارتش و سپاه و برای هماهنگی آنها توضیحاتی داد.

فرماندهان سپاه آمدند. درباره بودجه و ادغام ارتش و سپاه و خرید موشک سام مطالبی داشتند. [مسعود روغنی زنجانی] وزیر برنامه و بودجه و [عطاءالله] مهاجرانی [معاون حقوقی نخست‌وزیر] آمدند. درباره کیفیت طرح اصلاحیه بودجه گفتند و نظر دادند که مصلحت نیست در جلسه علنی مطرح کنند و خواستار جلسه سری شدند.

---

[1] - جانشین فرمانده کل قوا به فرماندهان و مسئولین عقیدتی سیاسی ارتش توصیه کرد، در جهت انسجام و تسریع فعالیت هایشان تلاش کنند تا در آینده نیروهای مسلح الگویی برای سایر ارگان‌ها و دستگاه‌های کشور باشند. ایشان تفاهم و هماهنگی در بخش‌های گوناگون ارتش را با اهمیت توصیف کرد و گفت: «تداخل مسئولیت‌ها در ارگان‌های مختلف، به خصوص نیروهای مسلح به هیچ وجه نباید مانعی در ایجاد هماهنگی و سرعت امور باشد. ایجاد تفاهم و یافتن راه‌های عملی برای حل اختلافات در جهت دستیابی به اهداف انقلاب، یک ضرورت است و در صورت داشتن حسن نیت در برخوردها، می‌توان این معضل را حل کرد. یافتن مصلحت‌ها در نظام ارتش مسأله پیچیده‌ای است. باید برای دستیابی به یک تفاهم منطقی، مصالح جامعه و انقلاب را در نظر داشت. مسئولین دوایر عقیدتی سیاسی و نیز فرماندهان ارتش هر یک باید با مسئولیت‌های خود به طور جدی برخورد کنند و در صورت بروز هرگونه عدم تفاهمی، باید مصالح نظام را در نظر بگیرند. برقراری سیستم و نظم ارتش در سایر ارگان‌ها می‌تواند باعث ارتقاء عملکرد مدیریت‌ها و دستگاه‌های کشور شود و این مسأله باید برای سایر دستگاه‌ها به عنوان الگو مطرح باشد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

عصر [اعضای] هیأت رئیسه سازمان اقتصاد اسلامی آمدند. توضیحاتی درباره عملکرد صندوق های قرض الحسنه دادند و خواستار شرکت من در سمینار سراسری‌شان شدند. آنها از تبلیغات علیه صندوق‌های قرض الحسنه گله داشتند. دو نفر از سازمان انرژی اتمی آمدند. از عملکرد رئیس سازمان انتقاد داشتند. دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر پاریس را داد. معتقد است خوب عمل شده.

سرشب اعضای کمیسیون برنامه آمدند. از تصویب کلیات تغییر ترکیب کمیسیون برنامه و بودجه گله داشتند و خواستار حمایت از عدم تصویب در شور دوم شدند. طرح این است که از ۱۹ کمیسیون مجلس، ۱۹ نفر در بررسی برنامه و بودجه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شوند.

شب به مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تمرکز اطلاعات در دستور بود که بخشی از آن تصویب شد. آقای [موسوی] جزایری از اهواز تلفنی اطلاع داد که جمعی از مردم و مسئولان به عنوان اعتراض به عملکرد [آقای محسن میردامادی] استاندار [خوزستان] در منزل ایشان تحصن کرده‌اند. قرار شد نخست وزیر در سفر فردا به خوزستان رسیدگی کنند. دیر وقت به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۲۱ دی | ۳ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هفت ونیم به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت صبح کارهای دفتر را انجام دادم. در گزارش‌ها درگیری نیروهای سازمان امل و حزب الله در لبنان مورد توجه است[۱]. تا ساعت

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: «در لبنان ادامه نبرد بین نیروهای شیعه رقیب امل و حزب‌الله در جنوب آن کشور که از یک سو تحت حمایت سوریه است و دیگری از ایران حمایت می‌کند، روابط دو دولت حامی‌شان را به خطر انداخته است. شکی نیست که نبردهای فعلی در جنوب لبنان ائتلاف ایران و سوریه را دستخوش دشواری‌های شدید کرده است. این مسائل در ایران نیز منعکس شده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه ابرار می‌گوید سوریه مصمم است حزب الله طرفدار ایران را از لبنان ریشه کن کند و یا آن را دست نشانده خود سازد. این مطلب به معنی این است که دست کم قشری از رهبران ایران از رویدادهای جنوب لبنان بسیار ناخشنودند، زیرا اکنون چنین برمی‌آید که سازمان امل مصمم است حزب الله را از چند روستا و مواضعی که هنوز در اختیار دارد، کاملاً بیرون راند. شکی نیست که نبردهای امل طرفدار سوریه و حزب الله طرفدار ایران برای ایران و سوریه مشکلات فراوانی به بار آورده‌اند و تشنجات موجود←

ده ونیم در جلسه علنی بودم. ظهر [ابراهیم] اصغرزاده آمد. درباره شیوه برخورد با تقاضاهای تشکیل حزب و جمعیت مشورت کرد. گفتم جدی باشند و ایشان را نصیحت کردم که افراط کاری نکنند و از پاسخ به سئوالات در مشهد انتقاد کردم. عصر در جلسه هیأت رئیسه مجلس شرکت کردم و سپس تا ساعت هشت در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. ساعت هشت و نیم شب به خانه رسیدم[1].

پنجشنبه ۲۲ دی | ٤ جمادی الثانی ١٤٠٩ ۱۲ ژانویه ۱۹۸۹

دیشب برف زیادی باریده بود. مدارس تهران را تعطیل کردند. ساعت نه صبح به دفتر

لذا را نمی‌توان از مبارزه‌ای که در خود ایران بر سر قدرت در جریان است، جدا کرد. برخی هنوز معتقدند که حزب الله حامل انقلاب ایران به بخش‌های دیگر جهان اسلام است. شکاف فعلی و اینکه هواداران ایرانی حزب الله لبنان آشکارا سوریه را مسئول خرابی اوضاع لبنان می‌دانند، رفسنجانی را خوش نخواهد آمد. از نظر سوریه نیز تشنجات فعلی زمان بدی بروز کرده است. حافظ اسد کمتر در گذشته این اندازه تنها مانده بود و رؤیای او در این مورد که حلال دشواری‌های لبنان باشد، اکنون از همیشه دورتر از واقعیت به نظر می‌رسد. اگر ائتلاف سوریه و ایران در اثر منازعه دو گروه امل و حزب الله شکسته شود، ممکن است حافظ اسد به ناگزیر به کشورهای میانه رو عرب متمایل شود و این یکی از هدف‌های دیرین ملک حسین پادشاه اردن بوده است.»

[1] - بخش فارسی رادیو بی بی سی گفت: «با بحث و گفت و گویی که درباره تغییرات در قانون اساسی ایران درگرفته است، آیت الله خمینی از فکر سیستمی با یک رئیس جمهوری که دارای قدرت اجرایی باشد، حمایت کرده است. شماره روز دوشنبه گذشته روزنامه «تهران تایمز» در سرمقاله خود نوشت که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران گفته است که برای تصدی چنین مقامی البته با شرایط مورد نظر خود موافق است. اگر شرایط مورد نظر آقای هاشمی رفسنجانی پذیرفته شود، مقام نخست وزیری از نظام حکومتی ایران حذف خواهد شد و یک مقام جدید معاونت رئیس جمهوری ایجاد خواهد گردید. در انتخابات ریاست جمهوری آینده که قرار است ۷ ماه دیگر برگزار شود، احتمالاً آیت الله خمینی به نفع آقای هاشمی رفسنجانی رأی خواهد داد. مباحثه در زمینه تغییر قوانین اساسی چند ماهی است میان گروهی که خواهان آنند و اشخاصی که معتقدند مسئله از قوانین مذکور سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از عدم اجرای آن منشاء می‌شود، در جریان است. قوانین اساسی جاری در مورد نقش قوه مجریه و قوه مقننه مبهم است. در قوه مجریه، اختیارات رئیس جمهور و نخست وزیر کاملاً مشخص نشده است و در گذشته این امر موجب بروز مسائلی در روند تعیین سیاست کشور بوده است. آیت الله خمینی جهت حل این مسئله، چند نهاد مختلف ایجاد نموده که در عمل کار را بیش از پیش پیچیده کرده است. در حالی که چند ماه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مانده است، گفته می‌شود هواداران ترمیم قوانین اساسی، سعی خود را به کار گرفته‌اند که تا پایان سال جاری، تغییرات مذکور به مرحله اجراء گذاشته شود. بنا به گفته منابع مطلع در تهران، ترمیم مواد قوانین اساسی توسط مجلس خبرگان یعنی نهادی که مسئول تعیین جانشین آیت الله خمینی است، آماده و سپس به رفراندوم عمومی گذاشته خواهد شد. اگر تغییرات مذکور عملی شود تقریباً کلیه اختیارات اجرائی به رئیس جمهور تفویض خواهد شد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۰/۲۲، صفحه ۲۷.

فرماندهی [کل قوا] رسیدم. آقایان [علی] سعیدی و [علی] یونسی [از سازمان قضائی نیروهای مسلح] آمدند. درباره سوء استفاده بعضی‌ها در معاملات خارجی و گرفتن کمیسیون گفتند. قرار شد پیگیری کنند. آقای [سیدحسن] فیروزآبادی برای امور ستاد کل آمد. آقایان حسینی تاش و علیزاده برای امور صنایع نظامی و تقاضای بالا بردن حق تخصص نیروهای فنی آمدند.

ظهر آقای [محمود] محمدی عراقی برای مسائل نمایندگی امام در سپاه آمد و از عدم اهتمام فرماندهان سپاه به شورای عالی گله کرد. آقایان اقبالی و ورزدار برای مسئله حفاظت دفتر و ستاد آمدند. عصر آقای سنجقی آمد. از نابسامانی های مدیریت سپاه گفت و چاره‌جویی نمود؛ خیلی نگران است.

آقای نظران آمد. درباره اماکن مورد اختلاف ارتش و سپاه و همچنین کمک به اسرای تواب عراقی صحبت شد. جمعی از معاونان عملیاتی سپاه‌های کشور آمدند. آقای [مصطفی] ایزدی [مسئول معاونت عملیات نیروی زمینی سپاه] از طرف آنها حرف زد و من برای آنها درباره وضع فعلی جنگ و صلح صحبت کردم و گفتم باید آماده باشند. احتمال تجدید جنگ، گر چه بعید است، ولی وجود دارد. از کمبودها و ضعف روحیه‌ها و کمی انگیزه گفتند.

سرشب تیمسار [مصطفی] ترابی آمد. درباره حفاظت و نیازها و مسئله ارتش و سپاه صحبت شد. آقای علی جنتی آمد. درباره دفتر و کارهای جاری صحبت شد. ساعت هشت و نیم شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۳ دی | ۵ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱۳ ژانویه ۱۹۸۹

تا ساعت ده و نیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه کردم. به خاطر سرما و خیس بودن زمین، خطبه‌ها را کوتاه ایراد کردم[1]. از خوزستان آقایان [غلامحسین] جمی [امام جمعه آبادان] و

---

۱ - در خطبه اول، آقای هاشمی در تشریح ویژگی‌های مستکبران از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار، این قشر را به سلول‌های سرطانی تشبیه کرد که با رشد نامتناسب در پیکر اجتماع از حاصل تلاش اقشار مستضعف بهره می‌برند. در خطبه دوم نماز نیز درباره انتقاد از نتایج کنفرانس ⇐

جزایری [امام جمعه اهواز] درباره حوادث اخیر به طور متضاد تماس گرفتند. آقای جزایری از معترضان به عملکرد استاندار حمایت دارد و آقای جمی مخالف است. عصر اصغر - که در البرز روی زمین ما کار می کند - آمد. آقای ناصر کمره‌ای برای دیدنی آمد. ظهر بستگان مهمانمان بودند. شب گزارش‌ها را خواندم[۱].

شنبه ۲۴ دی | ٦ جمادی الثانی ۱٤۰۹   ۱٤ ژانویه ۱۹۸۹

دیشب برف سنگینی باریده بود و امروز هم بارش برف ادامه دارد. به خاطر برف، ماشین‌ها دیر رسیدند و با تأخیر حرکت کردیم و خیلی آهسته حرکت می‌شد. ساعت یازده به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رسیدم که جلسه تمام شده بود. وزیر خارجه آمد. درباره مسائل لبنان مذاکره کردیم. ناهار به مجلس رفتم. عصر سفیرمان در چین آمد. درباره توسعه روابط و تأخیر در آوردن کالاهای ویژه که در زمان جنگ خریده ایم و خرید هواپیما مذاکره کرد. گفتم سیاست ما تحکیم روابط با چین است.

آقای مسیح مهاجری [مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی] آمد. از آیت‌الله خامنه‌ای گله داشت که به خاطر مقاله روزنامه علیه آقای منتظری و مواضع تند علیه سیاست خارجی،

خلع سلاح شیمیایی پاریس، اهداف حضرت امام (ره) از ارسال نامه به رهبر اتحاد جماهیر شوروی و همچنین درگیری گروه‌های شیعه در لبنان مطالبی بیان شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: « امام به عنوان یک رهبر الهی نمی‌توانند نسبت به فردی که در زادگاه مارکسیسم این شجاعت را می‌یابد تا دوران طولانی حاکمیت مارکسیسم را نادیده بگیرد و صریحاً به اشتباهات این جریان عظیم تاریخی اعتراف کند، بی‌اعتنا باشد. در این مقطع که برای یک جریان تاریخی، چنین تحولی رخ داده است، بهترین کار این بود که باب سخن با کسی که شهامت گفتن حرف حق را پیدا کرده است، گشوده شود و تحقیقاً ضرورت داشت رهبری انقلاب اسلامی با رهبری این جریان حرف بزند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[۱] - رادیو اسرائیل در این روز گفت: «مهندس مهدی بازرگان، تقاضا نامه‌ای برای تشکیل یک حزب سیاسی جدید به وزارت کشور تسلیم کرده است. مهندس بازرگان رهبری نهضت آزادی ایران و جمعیت دفاع از آزادی و حقوق ملت ایران را به عهده دارد، ولی گروه سیاسی وی در یک سال اخیر با فشار و تعصب مقامات دولتی به ویژه پاسداران حکومت اسلامی روبرو بوده و هنوز تعدادی از همرزمان او در زندان به سر می‌برند. حجت الاسلام علی اکبر محتشمی، وزیر کشور هفته پیش اخطار کرد، احزابی که درخواست رسمی تسلیم نکنند و تشکیل آنها مورد تصویب قرار نگیرد، اجازه فعالیت نخواهند داشت. روزنامه کیهان، چاپ تهران نوشت: تاکنون هفده حزب و گروه سیاسی تقاضای اجازه کرده‌اند.»

نامه تندی به او نوشته اند[1]. او برای آینده روزنامه کسب تکلیف کرد. گفتم باید حد و مرز اختیارات و سیاست حاکم بر تبلیغات مشخص گردد. اطلاع داد که زمین چاپخانه را گرفته و ماشین آلات مدرنی وارده شده که در صورت راه افتادن، مدرن‌ترین چاپخانه ایران خواهد بود. تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم.

به جلسه سران قوا در دفتر نخست وزیری رفتم. [آقای محتشمی‌پور] وزیر کشور آمد[2]. درباره شوراها صحبت و قرار شد بعد از انتخابات ریاست جمهوری اجرا شود. درباره احزاب مذاکره شد و قرار شد با مراعات قانون احزاب مصوب مجلس، با جدیت دنبال شود. از وزارت اطلاعات آمدند و کشف یک شبکه جاسوسی را گزارش دادند. جلسه تا ساعت ده و نیم طول کشید. به خاطر برف و یخ‌بندان خیابان‌های شمال تهران به خانه نیامدم. به مجلس رفتم و فوراً خوابیدم.

یکشنبه ۲۵ دی | ۷ جمادی الثانی ۱٤۰۹ — ۱۵ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت پنج بامداد پاسدارها بیدارم کردند. سحری خوردم و دیگر نخوابیدم. تا ساعت هشت صبح کارها را انجام دادم. آقای [مرتضی] الویری آمد. درباره اصلاحیه بودجه مذاکره

---

۱ - بخش فارسی رادیو بی بی سی گفت: «آیت‌الله منتظری جانشین انتخابی آیت‌الله خمینی اعدام‌های سیاسی در ایران را محکوم کرده است. طبق خبری که در روزنامه ایندیپندنت چاپ لندن انتشار یافته است آیت‌الله منتظری در نامه‌ای که برای آیت‌الله خمینی ارسال داشته است، می‌گوید در بیشتر موارد اعدام شدگان کسانی بوده‌اند که به دلیل جرایم کم اهمیت سیاسی به حبس‌های کوتاه مدت محکوم شده بودند. آیت‌الله منتظری مخالفت خود را با این اعدام‌ها اعلام کرده و گفته است که مطمئن است بسیاری از ایرانیان نیز با او هم عقیده‌اند. موضوع نامه آیت‌الله منتظری، هنگامی علنی شده است که اعتراضات روزافزونی توسط ایرانیان در تبعید و نیز سازمان‌های دفاع از حقوق بشر خارجی نسبت به اعدام‌های اخیر در ایران صورت می‌گیرد، ولی نامه آیت‌الله منتظری هنگامی مطرح شده است که موقعیت شخصی او نیز توسط رقبای سیاسی‌اش در ایران مورد حمله قرار گرفته است.»

۲ - سخنان آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه در مورد درگیری‌های حزب الله و امل با واکنش‌های متفاوتی از سوی رسانه‌های جمعی و محافل سیاسی لبنان مواجه شد، اما آن را به شیوه‌ای منعکس ساخته‌اند که گویا آقای هاشمی گفته است حزب الله و امل مرتکب جنایاتی شده‌اند که ایران از آن بیزار است. پس از انتشار این خبر از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی، شخصیت‌های لبنانی با تماس‌های تلفنی از این موضع‌گیری گله‌هایی را مطرح ساخته‌اند. سید حسن نصرالله عضو شورای فرماندهی حزب الله از جمله نسبت به ایراد چنین سخنانی ابراز تعجب کرد. سردبیر روزنامه «العهد» ارگان حزب الله نیز در تماسی با دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت گفت: «آیا پاداش خدمات حزب الله در حمایت از انقلاب اسلامی باید منجر به این شود که رئیس مجلس شورای اسلامی ما را مجرم بشناسد.»

کردیم. قبل از شروع جلسه با نمایندگان درباره نظر وزرای اقتصاد و برنامه و بودجه، مبنی بر لزوم سری بودن بحث های کسر بودجه و ضرر پخش آن از تریبون مجلس صحبت کردیم. قرار شد در جلسه عصر در این باره شور شود. تا ساعت ده ونیم در جلسه ماندم. طرح اصلاح آئین نامه که سه جلسه وقتمان را گرفته بود، به خاطر خامی آن مسکوت ماند.

قبل از ظهر [وارطان] وارطانیان و [آرطاوس] باغومیان نمایندگان ارامنه آمدند. از سفر شوروی برگشته‌اند. آنها برای بردن کمک به زلزله زدگان [ارمنستان] رفته بودند. گزارشی دادند و نامه رهبر کل ارامنه را که در روسیه است، و یک آلبوم عکس از مظاهر و مناطق خرابی‌های زلزله آوردند.

ظهر آقای [امین] بیانک نماینده اهواز آمد. درباره مسائل خوزستان از [محسن میردامادی] استاندار حمایت کرد و برای تجهیز بیمارستان اهواز، پانصد هزار دلار ارز از سهم دفاع گرفت. عصر آقای حسنی سعدی آمد. گزارش وضع جبهه را گفت و کمک خواست و برای فرماندهان ترفیع تقاضا کرد. سرتیپ صالحی آمد. سیاست‌های آموزشی نظامی را گفت و از عدم تمکین بعضی از نظامیان انتقاد نمود؛ قرار شد سخت‌گیری کنیم.

افطار را در دفترم خوردم. محافظان برایم چلوکباب گرفته بودند. تا ساعت هفت و نیم کارها را انجام دادم و به خانه آمدم. بخش زیادی از تهران را خاموش دیدم؛ لابد عیبی در خطوط انتقال نیرو پیدا شده است[1].

دوشنبه ٢٦ دی | ٨ جمادی الثانی ١٤٠٩   ١٦ ژانویه ١٩٨٩

ساعت نه ونیم صبح برای جلسه شورای بازسازی به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رسیدم. آقای رهبری آمد و درباره مصوبات قبلی نظراتی داشت که بررسی شد. آقای خامنه‌ای مزاحمت

---

[1] - در این روز میزان خاموشی‌ها در بسیاری از مناطق تهران برخلاف اعلام قبلی وزارت نیرو مبنی بر ٣ ساعت خاموشی روزانه به ٦ ساعت رسید. همچنین ساکنان برخی مناطق تهران، نیمه شب را با سرمای ٧ درجه زیر صفر بدون برق و در خاموشی گذراندند. در سال ٦٧ وزارت نیرو جدول خاموشی‌ها را برای اطلاع عموم اعلام می‌کرد. وزارت نیرو سردشدن هوا و مشکلات سوخت رسانی به نیروگاه‌ها را به عنوان دلیل افزایش قطعی برق شهروندان اعلام کرد.

مأموران وزارت کشور در خراسان، نسبت به موقوفات آستان‌قدس رضوی و آقای [واعظ] طبسی را مطرح کردند؛ آنها روستائیان را تحریک می‌کنند.

ظهر به دفترم رفتم. دکتر روحانی آمد و درباره خریدهای تسلیحات صحبت کرد. عصر آقای [منوچهر] متکی سفیرمان در ترکیه آمد. درباره روابط و مسئله اخیر وزارت اطلاعات در خصوص آوردن منافقی و گیر افتادن مأموران در ترکیه، گزارش داد. او خبرنگار روزنامه صباح [ترکیه] را آورده بود. به خاطر تلاش خوبی که در خصوص انعکاس اخبار فاجعه حلبچه کرده بود و به خاطر عکس خوب گرفتن - عکس سال - با او مصاحبه کوتاهی انجام دادم[1].

جمعی از اعضای حزب [جمهوری اسلامی] اصفهان آمدند. درباره مسائل جاری و آینده حزب سئوالاتی داشتند. تیمسار ستاری [فرمانده نیروی هوایی ارتش] آمد. درباره خرید هواپیما و موشک مطالبی داشت و اجازه همکاری با سفارت پاکستان در خصوص تسلیحات چینی خواست.

شب با روحانیان نماینده مجلس جلسه‌ای داشتیم. ساعت نه شب به خانه رسیدم. عفت و فاطی به جلسه سمینار افغان‌ها در وزارت خارجه رفته بودند.

سه‌شنبه ۲۷ دی | ۹ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱۷ ژانویه ۱۹۸۹

صبح زود به طرف مجلس حرکت کردیم. دیشب برف زیادی آمده بود. یک ساعت و چهل دقیقه در راه بودم. ساعت هشت با رهبران مجاهدین افغانی وقت ملاقات گذاشته بودیم؛ با چهل دقیقه تاخیر به مجلس رسیدم. آنها منتظر بودند. دکتر ولایتی گزارش سمینار و مذاکرات خصوصی را داد.

سپس به جلسه رفتم. آقای [صبغت الله] مجدّدی رئیس سخنگوی ائتلاف هفتگانه [مجاهدان مقیم] پاکستان و آقای خلیلی سخنگوی ائتلاف هشتگانه شیعه مقیم ایران و آقای قاضی امین [وقاد] رهبر یکی از گروه‌ها [= اتحاد اسلامی افغانستان] درباره ماهیت اسلامی

۱ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

جهاد افغانستان[1] و رضایت از کمک های جمهوری اسلامی و از سمینار و وحدت صحبت کردند و آقای ولایتی از برگزاری خوب سمینار گفت و من هم مفصلاً صحبت کردم و بر اتحاد و مراعات اسلام و ندادن امتیاز به خارجیان و مراعات خانواده‌های شهدا تأکید نمودم. بعد از جلسه با چهار خانم افغانی که همراه آنها بودند، صحبت کردم.

آقای دکتر ولایتی اطلاع داد که [برهان الدین] ربانی که قوی ترین گروه را دارد، به ایشان گفته که با روس‌ها در خصوص شکستن بن بست مذاکرات صحبت کند.

امام جمعه ماهشهر آمد. برای ساختن مدرسه طلبگی و جبران خسارت های شهر، دو میلیون تومان کمک گرفت و مقداری طلا و جواهر برای جنگ آورد. امام جمعه مسجدسلیمان آمد. برای تبلیغات دهه فجر کمک و توصیه گرفت. وزیر نفت در مورد مصرف نصف پول فروش لوله های کهنه منطقه برای ساخت بیمارستان شهر اجازه گرفت. به خاطر تمام شدن نفت منطقه [مسجدسلیمان] مقادیر زیادی لوله های کهنه بی مصرف مانده است که اهالی منطقه دنبال فروش آنها هستند.

آقای فتوحی همسایه قدیم‌مان آمد و درباره مسائل جاری و جبهه ملی و حزب [داریوش] فروهر [= حزب ملت ایران] مطالبی گفت. ظهر آقای فخرالدین حجازی آمد. از گزارش سفر به اروپا و لزوم مواظب بودن در مورد کاپلان گفت و مطابق معمول از کم توجهی من گله داشت.

عصر [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی آمد و وضع بد اقتصادی را توضیح داد. گفتم به امام و نمایندگان بگوید و راه حل را پیشنهاد بدهد. اعضای کمیسیون صنایع آمدند[2]. درباره ضرورت توسعه صادرات و تسهیل امر صادرات گفتند.

---

۱ - با آغاز حاکمیت حزب کمونیستی خلق در افغانستان، قیام‌های خودجوش مردمی هر روز بعد تازه‌ای می‌گرفت. در آن طرف مرزهای افغانستان، در پاکستان و ایران، روحانیون مردم را به ادامه قیام علیه حکومت کمونیستی تشویق می‌کردند. رفته رفته احزاب جهادی از بطن همین روحانیان، روشنفکران و مهاجرین به وجود آمد. در پاکستان، هفت گروه که بعدها به ائتلاف هفتگانه مشهور شد، محور فعالیت‌های مهاجرین و مجاهدین شد. رهبران احزاب هفتگانه پیشاور عبارت بودند از آقایان برهان الدین ربانی، گلبدین حکمیتار، عبدالرسول سیاف، مولوی یونس خالص، صبغت الله مجددی ، مولوی محمد نبی و گیلانی. در ایران نیز شورای احزاب هشتگانه که مهمترینشان حزب حرکت اسلامی افغانستان بود، فعالیت می‌کردند. مهمترین رهبران ائتلاف نزدیک به ایران، عبارت بودند از آقایان آیت‌الله آصف محسنی، عبدالعلی مزاری و سید محمدعلی جاوید.

۲ - اعضای کمیسیون صنایع مجلس سوم عبارت بودند از: آقایان سید محمد رضا امام زاده واقفی (رئیس) حسین محلوجی (نایب رئیس اول)، اسدالله عابدی (نایب رئیس دوم)، سید رضا نوروز زاده و مصطفی مؤذن زاده (منشی)، حسن مختاری (مخبر) و سید رضا اکرمی،



ملاقات با رهبران مجاهدین افغانی

شب به درخواست آقای موسوی اردبیلی به دفتر ایشان رفتم. از تضعیف شورای‌عالی قضایی گله داشتند و برای تقویت شورا و اختیارات بیشتر خود کمک خواستند. در جلسه مجمع تشخیص مصلحت، کیفیت اداره مناطق بحرانی را تصویب کردیم. در راه خانه با احمدآقا در یک ماشین سوار شدیم و درباره مطالب آقای موسوی اردبیلی مذاکره کردیم. قرار شد با امام صحبت کنند. اخبار ساعت ده و نیم شب را گرفتم و خوابیدم.

چهارشنبه ۲۸ دی | ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده و نیم در مجلس ماندم. ساعت یازده [آقای کارلوس آندرس پرز] رئیس جمهور ونزوئلا به ملاقات آمد. در حیاط مجلس از آنها استقبال کردم. مذاکرات درباره تقویت و هماهنگی اوپک به منظور بالا بردن قیمت نفت بود. مدعی است [جرج] بوش و [فرانسوا] میتران [روسای جمهور آمریکا و فرانسه] هم با بالا رفتن قیمت نفت در حد ۱۸ دلار موافقت دارند. ظهر نمایندگان استان خوزستان

حسن جعفری، سید ابوالقاسم حسینی، محمد اسماعیل دلبری، مسلم میرزاپور کلشتری، وارطان وارطانیان، سید علی اکبرطاهایی، مصطفی طاهری زاده و علی محقر (اعضاء)

آمدند و درباره اختلافات اخیر در خوزستان استمداد کردند[۱]. اکثریت مخالف [آقای محسن میردامادی] استاندار و حامی معترضین و اقلیت طرفدار استاندار هستند. قرار شد دو نفر نماینده از دو گروه به استان برای حل مشکل بروند[۲]. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.



ملاقات با رئیس جمهور ونزوئلا

فهیمه خانم دختر امام و فاطمه خانم همسر احمدآقا برای دعوت جهت شرکت در سمینار زنان در دهه فجر آمدند. مقداری درباره کارهای جمعیت زنان صحبت شد و برای امور مالی استمداد کردند.

---

۱ - نمایندگان استان خوزستان در مجلس سوم عبارت بودند از: آقایان امین بیانک، سید رسول موسوی، سید احمد موسوی، محمد سعید انصاری، عبدالحسین مقتدایی، محمد رشیدیان، یونس محمدی، سید عبدالصاحب طاهری موسوی، سید مصطفی فارغ، حسن رضایی دوبنداری، محمد رضا بهمئی، سید عباس موسوی، عبدالعظیم خزایی، جاسم جادری، سیدمحمد کاظم امام موسوی و نورالله عابدی.

۲ - هیأتی از سوی معترضین به آقای محسن میردامادی استاندار خوزستان با نمایندگان مردم خوزستان در مجلس شورای اسلامی دیدار کردند و مسائل را تشریح نمودند. نمایندگان مردم خوزستان نیز پس از این دیدار مسائل عنوان شده را در ملاقات با آقای هاشمی رفسنجانی به اطلاع ایشان رساندند. در این رابطه مقرر شد دو تن از نمایندگان مردم خوزستان با سفر به این استان در دیدارهایی با استاندار و معترضین، نظرات و پیشنهادهای آنان را در رابطه با مسائل اخیر جویا شوند. قرار شد تا ورود این هیأت به خوزستان، از سوی معترضین هیچ گونه اجتماعی تشکیل نشود. نمایندگان اعزامی به تهران آقایان کمال دانشیار مدیرکل سیاسی و انتظامی سابق استانداری، محمدرضا شمسایی مسئول کمیته آب ستاد کربلا، عباس هلاکویی مدیرکل دفتر فنی استان و عباس بذرافکن مسئول هیأت هفت نفره واگذاری زمین بودند.

پنجشنبه ۲۹ دی | ۱ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۹

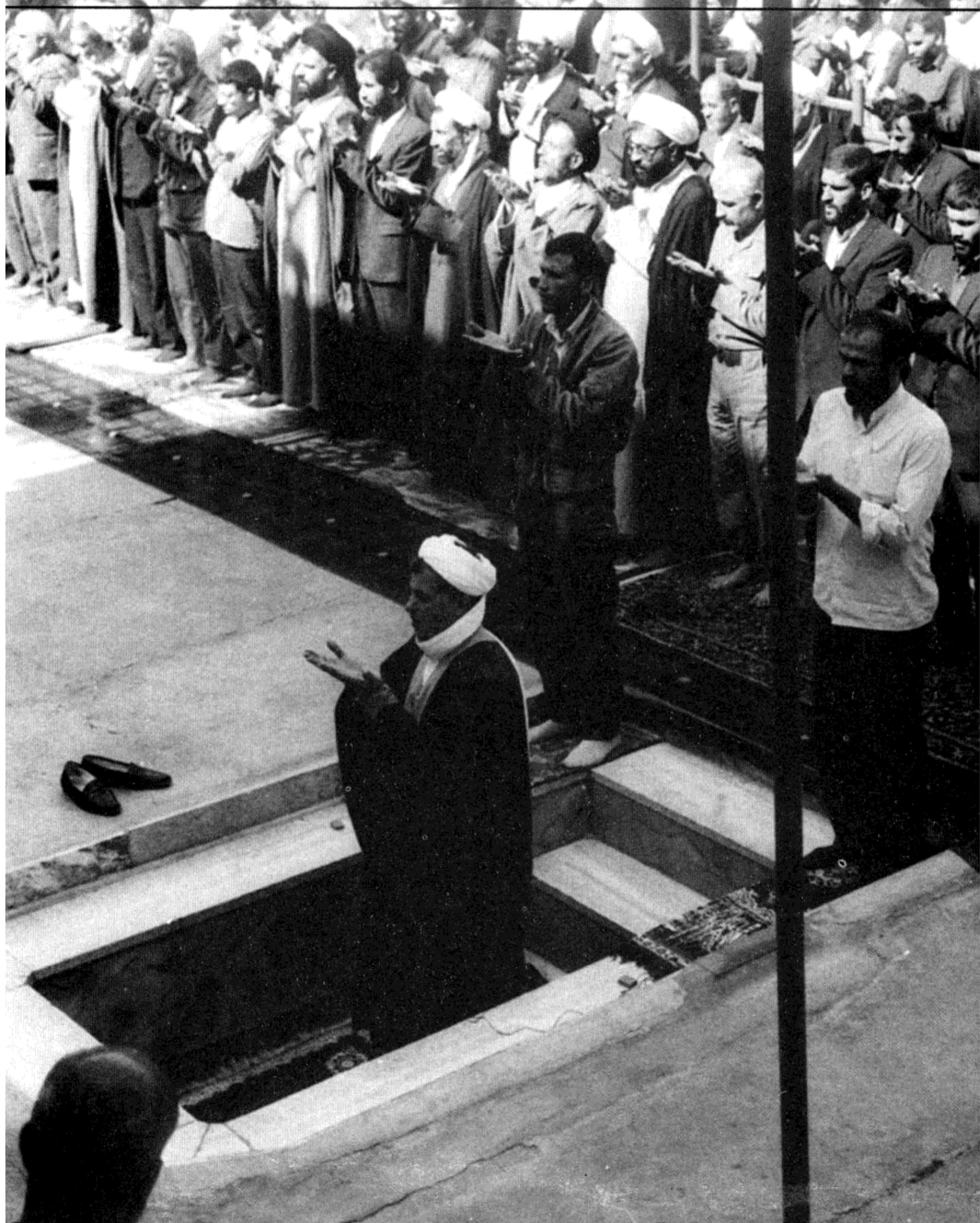
ساعت نه و نیم صبح به ستاد [کل فرماندهی نیروهای مسلح] رسیدم. آقای [علی] شهبازی آمد. درباره امور ارتش نظراتی داد. آقای [محمد] فروزنده آمد. درباره محل فرماندهی مهندسی و اعتبارات استمداد کرد. گفتم برای احداث اسکله ای در ساحل بهمن‌شیر مطالعه کنند. آقای [علی] فلاحیان آمد. گزارشی درباره خریدهای ساصد [= سازمان صنایع دفاع] و امکانات صنایع نظامی داد. هیأت هشت نفره مرکب از فرماندهان سه نیروی ارتش، وزیر دفاع، جانشین رئیس ستاد و رئیس سازمان قضایی و رئیس عقیدتی سیاسی آمدند. درباره امور ارتش و مسئله ادغام و مسائل دیگر صحبت شد. خواستار جلسه مرتب با من و تشکیل گروه مشاور فرماندهی در اعمال ماده ۱۹۹ شدند. ظهر آقای صفائی [رئیس] عقیدتی سیاسی آمد و انتقاداتی از ستاد کل و سپاه در جهت حمایت از ارتش داشت. عصر آقای سنجقی آمد و تأکید بر تسریع در اصلاح سازمان سپاه داشت. محسن با جمعی از مدیران صنایع نظامی سپاه آمدند. توضیحاتی دادند و خواستار کمک مالی و امتیازات حقوقی و حمایت سیاسی بودند. بر صنایع موشکی و پدافند مربوط به ش . م. ر [= شیمیایی، موشکی، رادیواکتیو] تأکید کردم. تا ساعت هفت و نیم کارها را انجام دادم. به خانه آمدم. در راه‌بندان خیلی معطل شدم. فیلمی به نام «مردی برای زندگی» از تلویزیون تماشا کردم.

جمعه ۳۰ دی | ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۹

در منزل بودم. درباره ساختارهای نظامی بعضی از کشورها مطالعه کردم. عقد ازدواج یکی از کارمندان سفارتمان در لندن را بستم. عصر دکتر [سیف‌الله] وحید [دستجردی رئیس سازمان هلال احمر] آمد. راجع به اسرای ایرانی و عراقی مذاکره کرد و پیشنهاد داشت در آزادی اسرا تسریع شود. درباره لبنان و نیازهای هلال احمر مطالبی داشت.

سرشب احمدآقا آمد. درمورد ملاقات آیت‌الله منتظری با امام گفت. ایشان مطابق معمول از مشکلات و ضعف ها انتقاداتی داشت و امام فقط در آخر صحبت گفتند این طور که شما می گویید نیست؛ ولی در مجموع ایشان راضی از ملاقات برگشت. در مورد مسائل جنگ و ارتش و سپاه و مشکلات جاری و راهکارها مذاکره شد. عفت همراه محسن و فاطی به دیدن همشیره فاطمه رفتند.

بهمن ۱۳۶۷



شنبه ۱ بهمن | ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۹

با تأخیر به مجلس رسیدم. آقای رمضانی دادستان اصفهان آمد. گزارشی از وضع اصفهان در خصوص اختلاف علما، عدم حضور امام جمعه، عدم توجهات کافی سیاسی، وجود ابهامات و ناهماهنگی مسئولان و نهادها داد. خواست که سفری به اصفهان کنم؛ راهنمایی‌هایی نمودم.

مدیران بانک ها آمدند. عملکرد و وضع پولی کشور و مشکلات کار را گفتند. جذب نقدینگی‌ها و توسعه خدمات و تسهیلات و برنامه‌های آینده و عدم همکاری صدا و سیما و ضرورت توسعه شبکه بانکی را توضیح دادند.

آقای بازرگان معاون خودکفایی نیروی هوایی آمد. او از عدم همکاری فرماندهی نیرو گله کرد و برای امور مالی و تشویق استمداد کرد. آقای موسوی نماینده اهواز آمد. برای رفع مشکل اختلافات اهواز استمداد کرد و گفت وزیر کشور کمکی نکرده و یک طرفه عمل می‌کند؛ قرار شد تذکر دهیم.

آقای آقامحمدی آمد. در مورد حکم آقای [سید محمد باقر] حکیم در نظارت بر امور سپاه بدر و بودجه گروه‌های معارض عراقی مقیم ایران مذاکره شد. [آقای سید محمد حائری] نماینده دهلران و مهران از ایلام آمد و برای عشایر آنجا لوح تقدیر و کمک برای کتابخانه خواست و نامه مردم مهران و دهلران را آورد که خواسته‌اند شهرها در همان محل خود بازسازی شود. از اختلاف آقایان مروارید و محمدی امام جمعه شاکی است.

فرستاده رئیس جمهور کنیا آمد. اطلاع داد که گروگان‌های ما در لبنان، همان سال ۶۲

شهید شده‌اند و خواستار مبادله گروگان‌های انگلیسی و سه اسیر اسرائیلی با ۹۰ اسیر شیعه در اسرائیل شد. گفتم اسامی اسرای مورد نظر و آثار گروگان‌های ما را بیاورند.

سر شب [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر راه و ترابری و [محمد] فروزنده [فرمانده مهندسی رزمی سپاه] آمدند. اجازه گرفتند دو کیلومتر از پل‌های فجر را در دریاچه ارومیه نصب کنند. جلسه سران قوا در دفتر آقای خامنه‌ای بود. دکتر ولایتی عازم سوریه است. درباره کیفیت حل مشکل شیعیان لبنان بحث شد. قرار شد حزب‌الله حمایت و املی‌ها جذب شوند و جلوی نزاع گرفته شود. درباره مذاکره ژنو، قرار شد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر غیر قابل خدشه باشد و مذاکرات ادامه یابد و تعدادی اسیر عراقی آزاد شوند.

آخر شب دکتر [علیرضا] مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] و دکتر [عبدالله] جاسبی [رئیس دانشگاه آزاد اسلامی] برای حل اختلاف درباره دانشکده‌های پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی آمدند. مرندی می‌خواهد ۱۰ واحد از ۱۳ واحد (دانشگاهی) را به بهانه کمبود بیمارستان تعطیل کند؛ گفتم حداکثر چند واحد در هم ادغام شوند و در سال‌های آینده کمتر دانشجو بپذیرند. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲ بهمن | ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۰۹ — ۲۲ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. تا ساعت ده صبح در جلسه علنی بودم. به دفترم برگشتم. [آقای حسن رضایی دوبنداری] نماینده اندیمشک آمد و گفت می‌خواهند از وزیر کشور درباره مسائل خوزستان سئوال کنند. آقای احمد ناطق نوری [نماینده نور] آمد و برای کمک به مدعیان اطلاع از دفینه‌های باستانی توصیه کرد. آقای [یدالله] اسلامی نماینده بافت آمد. درباره کیفیت برخورد با متقاضیان امتیاز انتشار نشریه در کمیسیون مربوط پرسید. گفتم قانون مطبوعات اجرا شود.

ظهر آقایان [محمدرضا] باهنر، [اسماعیل] فردوسی‌پور و [حسین] سبحانی‌نیا آمدند. درباره ریاست جمهوری، قوه قضایه و سیاست‌های جاری مذاکره شد. عصر آقایان شاهمرادی و استکی از صنایع هسته‌ای آمدند. درباره هماهنگی تحقیقات با انرژی هسته‌ای

صحبت شد؛ گفتم همکاری کنند. آقای عبدالله نوری آمد. گزارش پیشرفت کار کمیسیون بررسی ادغام و هماهنگی نیروهای مسلح را داد. از حرکت های مرموز علیه روحانیت انتقاد و چاره‌جویی کرد؛ راهکارهایی مورد توجه قرار گرفت.

بعد از نماز مغرب و عشاء، جمعی از سران جریان رادیکال آمدند. اظهار وفاداری و آمادگی همکاری در اجرای سیاست‌ها نمودند و خواستار ادامه راه همکاری شدند. گفتم مسئله مهم ما تأمین زندگی و رفاه مردم است و از بعضی شعارهای افراطی و غیر واقع بینانه انتقاد کردم. قرار شد راهکارهای اقدامات هیأت بررسی شود؛ آقایان هادی خامنه‌ای و [اسدالله] بیات، [عبدالواحد] موسوی لاری، [محمد] سلامتی، [ابراهیم] اصغر زاده، [محسن] نوربخش و ... بودند.

ساعت هشت و نیم به خانه رسیدم. مصاحبه [سعید شاهسوندی] یکی از سران منافقین را که در [عملیات] مرصاد دستگیر شده گوش دادم؛ جالب و مفید است[۱]. بچه‌ها مهمان بودند. تنهایی شام خوردم.

دوشنبه ۳ بهمن | ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۰۹ — ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هشت و نیم صبح همراه آیت‌الله خامنه‌ای، خدمت امام رفتیم. دکترها انگشتان شصت پاهایشان را پانسمان می‌کردند؛ چون ناخن در گوشت فرو می‌رفته، درآورده‌اند. درد هم دارند و مسکن مصرف می‌کنند. آقای خامنه‌ای، پیش نویس سیاست‌های مصوب شورای عالی بازسازی را به امام دادند. درباره کمبودها و نیاز به ارز و متخصصان خارجی برای برخی از صنایع پیچیده و لزوم تسریع در مشخص کردن آینده ارتش و سپاه، با امام صحبت کردیم؛ بنا شد فکر کنند.

---

۱ - متن کامل مصاحبه تلویزیونی سعید شاهسوندی عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) در روزنامه کیهان شماره ۱۳۵۸۲ مورخ ۳ بهمن ۱۳۶۷ صفحه ۱۶ چاپ شده است. در این مصاحبه، شاهسوندی درباره شیوه‌های منافقین در تحریف واقعیت‌ها و نحوه جعل اسناد اعترافاتی کرده است. رادیو صدای مجاهد، در پی پخش این اعترافات، گفت که وی عضو مرکزیت سازمان نیست و مدت‌ها قبل از سازمان اخراج شده و در اروپا زندگی می‌کرد و به نامبرده لقب عنصر خیانتکار داد.

(بسمه تعالی)

حضور مبارک حضرت مستطاب جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی ایران دامت برکاته

با عرض سلام وطول عمر برای امام امت مدظله محترماً "معروض میدارد اینجانب حسین قربانی فرزند مهدی دارای شناسنامه شماره ۷۷۹٤ صادره از قم که جهت امرار معاش وهزینه زندگی با توجه به اینکه مدت دو سال است که خدمت نظام وظیفه را بپایان رسانده ومکرر بدنبال شغلی درتلاش بوده تا اینکه درتاریخ ٦٥/۱۱/۱۰ به توصیه یکی از برادران مغازه ای را درخیابان بهار واقع درتقاطع سمیه جنب نانوائی که متعلق به ورثه مرحوم اسکندرحسینیان میباشد که مرحوم حسینیان مدت یازده سال دراین مغازه مشغول کسب وکار بوده واکنون ورثه نامبرده تصمیم به واگذار نمودن مغازه را دارند خدمت ورثه رفتم که پس ازمذاکره قرار شد قیم ورثه با گرفتن مبلغ ٥۰۰،۰۰۰ ریال مغازه را به اینجانب واگذار نماید وچون بنده ازکیفیت ملک مطلع نبودم مدت یکماه با صرف هزینه ای معادل ۲۰۰،۰۰۰ ریال مغازه را تغییر وجهت شغل آب میوه گیری آماده نمودم تا اینکه از تاریخ ٦٦/۱/۱۷ مغازه ازطرف اداره املاک ومستغلات بنیاد مستضعفان پلمپ گردید ونظر باینکه اینجانب متحمل خساراتی شده ام لذا استدعا دارم با توجه به اولویت حقیر درمورد خریداری نمودن مغازه بطور اقساط دستور بذل عنایت ومساعدت صادر فرمائید امیدوارم خداوند تبارک وتعالی توفیق خدمت به اسلام ومستضعفین به حضرت مستطاب عالی عنایت فرماید.

با تقدیم احترام ـ حسین قربانی

۱۳٦۷/۱۱/۳

نمونه ای از پاسخ به درخواست مردم

من درباره لزوم تقویت شورای عالی قضایی و شخص آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] ازسوی امام، بعد از انتقادهای اخیرشان از قوه قضائیه، صحبت کردم. امام گفتند هنوز زود است؛ گویا نظرشان این است که انتقادات اثر خودش را در به حرکت آمدن دستگاه قضایی بکند و سپس اقدام به جبران شود[1].

در ماشین آیت الله خامنه‌ای با هم به مقر ریاست جمهوری رفتیم. در راه درباره نیروهای مسلح مذاکره شد. قرار شد بحث را ادامه دهیم. برف می‌بارید و این بارش تا عصر به طور متناوب ادامه داشت. [در جلسه شورای بازسازی] با حضور وزیر دارایی و رئیس بانک مرکزی درباره سیاست‌های پولی و مالی و مالیات‌ها صحبت شد و با حضور وزیر بازرگانی، لیست جدیدی برای اعلان آزادی ورود آنها تصویب شد[2]. خبر ایجاد تسهیلات در صادرات صنایع دستی را دادند. بعد از ناهار به مجلس رفتم. استراحت کردم و کارهای دفتر را انجام دادم.

عصر دکتر سجادی آمد. از کمبود امکانات جراحی چشم گفت و چاره جویی کرد. گفت تاکنون هفتصد عمل پیوند قرنیه انجام داده و چهارنفر را برای جراحی پیوند قرنیه تربیت کرده و از اینکه به جای وارد کردن ابزار عمل، مریض به خارج اعزام می شود، گله داشت. گفت به خاطر کمبود ابزار و امکانات، در هفته فقط دو روز عمل جراحی می کنند و به خاطر کمبود پرسنل، کارهای اداری را انجام می دهد. او خواست که برای معاینه چشم به بیمارستان بروم.

[آقای علی محمد بابا خاصی] نماینده پاوه آمد.از نیازهای منطقه و لزوم بکارگیری نیروهای بومی و توجه به روحانیون کُرد گفت. آقای فخر روحانی نماینده منتخب کردکوی آمد. از احتمال رد شدن اعتبار نامه‌اش نگران است؛ استمداد کرد. آقای وکیلی از

---

۱ - امام خمینی (ره) در تاریخ اول بهمن ۱۳۶۷ در نامه‌ای به شورای عالی قضایی چنین نوشتند: «کلیه پرونده‌هایی که تاکنون در آن شورا با کمال تعجب راکد مانده است، و اجرای حکم خدا تأخیر افتاده است، در اختیار حجج اسلام آقایان نیری و رئیسی قرار دهید تا هر چه زودتر حکم خدا را اجرا نمایند که درنگ جایز نیست. به آقایان نیری و رئیسی هم سفارش اکید می‌نمایم که جهات شرعیه را کاملاً رعایت نمایند.» پیش از آن نیز حضرت امام در مورخ ۲۳ دی و ۲۷ دی، نامه‌های تذکرآمیز به قوه قضائیه نوشته بودند. متن این نامه‌ها در بخش ضمایم همین کتاب آمده است.

۲ - هشت قلم کالای آزاد شده در این جلسه عبارت بود از: لاستیک، کره، فیلم و زینک، شیرخشک، غذای کودک، ماشین حساب و کامپیوتر.

ستاد امداد و درمان آمد و خدمات خود به مجروحان جنگ را گفت. از عدم توجه به ایشان در اداره جانبازان شاکی است.

سه‌شنبه ٤ بهمن | ١٦ جمادی الثانی ١٤٠٩ ٢٤ ژانویه ١٩٨٩

نزدیک صبح بیدار شدم. با شیر و خرما سحری خوردم. صبح زود به مجلس رفتم. دیشب برف باریده و خیابان‌ها لغزنده بود. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. قرار بود جلسه رسمی غیر علنی داشته باشیم. جلسه تشکیل شد، ولی چون دستور جلسه دیر توزیع شده بود، جلسه را تعطیل و به روز پنجشنبه موکول کردیم. در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم[1].

---

۱ - خبرگزاری آلمان گزارش داد: «مهدی بازرگان نخست وزیر اسبق ایران در نخستین مصاحبه مطبوعاتی خود برای نخستین بار بعد از هفت سال، گفت که آیت الله روح الله خمینی می‌خواست در سال ۱۹۸۲ [= ۱۳۶۱] جنگ را خاتمه دهد. وی همچنین اعلام کرد که حزب نهضت آزادی به رهبری وی قصد دارد به محض دریافت «چراغ سبز» از وزیر کشور، در چارچوب حرکت ایران در جهت اعطای آزادی بیان بیشتر، فعالیت‌های خود را در سراسر کشور آغاز کند. بازرگان گفت: اگر شرایط « مطلوب» باشد، این حزب نامزد خود را برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی خواهد کرد. بازرگان در گفتگو با روزنامه انگلیسی زبان «تهران تایمز» گفت: « ما حزب را در تمام سطوح در سراسر کشور سازمان خواهیم داد تا از این طریق بتوانیم برنامه‌هایمان را به مردم معرفی کنیم، مردمی که رأی خود را خواهند داد، اگر این رأی موافق ما باشد، طبیعتاً ما حق تشکیل دولت خواهیم داشت.» وی ادامه داد که از اجرای قانون در مورد احزاب سیاسی که امکان شرکت احزاب با صلاحیت را در فرآیند سیاسی فراهم می کند، استقبال می‌نماید. در مورد تلاش‌های نهضت آزادی جهت متقاعد کردن مقامات کشور به پایان دادن به جنگ با عراق پس از عقب رانده شدن نیروهای آن کشور از قسمت اعظم اراضی ایران، بازرگان ادعای قبلی خود را تکرار کرد و گفت [امام] خمینی می‌خواست پس از آزادی خرمشهر در ۲۴ مه ۱۹۸۲، جنگ را خاتمه دهد. او ملاقاتی را که در آن زمان با اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس داشت و ابراهیم یزدی، وزیر خارجه پیشین نیز در آن حاضر بود، یادآوری کرد. بازرگان گفت: در آن جلسه آقای رفسنجانی گفت که ما می‌خواهیم در این مرحله جنگ را خاتمه دهیم و امام نیز همین عقیده را دارد و رژیم عراق نیز صلح می‌خواهد.» به آقای رفسنجانی گفته شد زمانی که نیروهای ایران، قوای عراق را که هزاران کیلومتر از خاک ایران را اشغال کرده بودند، عقب می‌راند، از نظر موافق مردم برخوردار است، ولی اگر ما وارد خاک آنها شویم، وضع برعکس خواهد شد.» بازرگان گفته « پس از همه خواهش‌ها و تمناهای ما آقای رفسنجانی به ما گفت که نباید ناراحت باشیم، چون ما هم مثل شما فکر می کنیم.» از دو سال پیش که حزب جمهوری اسلامی منحل شد، نهضت آزادی تنها حزب به رسمیت شناخته شده در ایران بوده است. حزب رسمی در داخل سلسله مراتب زمامداری ایران وجود ندارد، اما چندین جناح موجود است که گرداگرد چهره‌های سرشناس که خود نظیر احزاب عمل می کنند، در حرکت‌اند. ایران ظاهراً امیدوار است که با دادن فرصت صحبت به مخالفان میانه رو، جناح‌های افراطی‌تر را منزوی کند، اما این چارچوب سیاسی جدید قرار است که کنترل شود.» نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۱/۵، صفحه ۳۱.

پیش از ظهر آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد. درباره پذیرفتن افراد متخصص در سازمان انرژی هسته‌ای مشورت کرد و قرار شد روز شنبه از سازمان بازدید نمایم. ظهر آقای [قربانعلی] صالح آبادی [نماینده مشهد] آمد. گزارش سفر به فرانسه و مذاکره با اعضای پارلمان آن کشور را داد. آنها خواستار روابط بیشتر پارلمانی شده‌اند و از ضعف وزارت امور خارجه در تبلیغات خارج از کشور گفت و سرانجام انتقاداتی نسبت به استاندار خراسان داشت. معلوم شد هر دو خط نمایندگان خراسان با استاندار مخالف شده‌اند.

عصر جمعی از پزشکان متخصص جراحی که از ترکیه و جاهای دیگر آمده اند و برای گرفتن تأیید تخصص، معطل ارزیابی هستند، آمدند. آنها از وزارت بهداشت گله‌مند بودند؛ یکی از مصر، یکی از یوگسلاوی و یکی از هند و بقیه از ترکیه آمده‌اند. آقای [قاسم مهرزاد] صدقیانی آمد. اظهار مخالفت و نگرانی از خبر رفتن احتمالی من از مجلس نمود و معتقد است که لازم است من در مجلس باشم.

آقای خسروی از بنیاد ۱۵ خرداد آمد. بخشی از سخنرانی های من را به صورت کتابی منتشر کرده‌اند. چاپ کتاب خوب نیست. فهرست ندارد. مطالب در هم مندرج است. معلوم نیست سخنرانی ها کی و کجا و به چه مناسبت ایراد شده، سر فصل و تیراژ ندارد. دفترم گفته متوقف کنند و آنها نگرانند. گفتم برای بقیه، مقدمه و فهرست تهیه کنند.

آقای [مصطفی] مؤذن زاده نماینده کرمان آمد و از من خواست به آشیخ حسین هاشمیان بگویم که خیلی به کارهای رفسنجان نپردازد و بیشتر وقت را صرف مجلس کنند. مخالف با فرودگاه رفسنجان است که آشیخ حسین در صدد ساختن آن است.

افطار کردم. تا ساعت هشت و نیم کار کردم و به خاطر کسالت، بعد از افطار به جلسه مجمع تشخیص مصلحت نرفتم. به خانه آمدم. فیلمی تماشا کردیم و کاهو خوردیم و خوابیدیم.

چهارشنبه ۵ بهمن | ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹   ۲۵ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت یازده در جلسه علنی بودم. اعتبار نامه

[آقای ابوطالب محمودی] نماینده گلپایگان و نماینده بروجرد که مورد اعتراض قرار گرفته بودند، مطرح بود. اولی تصویب و دومی رد شد. ظهر جمعی از مدیران وزارت راه به ملاقات آمده بودند. برای آنها صحبت کردم[1]. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

اخوی احمد آمد و گفت بنا است کوره دوم مجتمع مس سرچشمه، به زودی راه‌اندازی شود و خبری داشت که در آلمان نوعی لوله لاستیکی از لاستیک‌های فرسوده می‌سازند که برای آبیاری تراوا استفاده می‌شود، به جای آبیاری قطره‌ای که آب را نفوذ می‌دهد. خیلی در مصرف آب صرفه‌جویی دارد و ارزان است. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

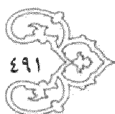
پنجشنبه ۶ بهمن | ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۹

معمولا روزهای پنجشنبه به دفتر فرماندهی [کل قوا] می‌رفتم. امروز به خاطر برنامه جلسه غیر علنی مجلس نرفتم و جلسه غیر علنی هم به خاطر کارشکنی روزنامه رسالت لغو شد. ساعت نه و نیم به دفترم رفتم. تا ظهر گزارش‌ها را خواندم.

ظهر آقای [سید منصور] رضوی رئیس سازمان اداری و استخدامی آمد. درباره طرح‌های اصلاح سازمان اداری توضیحاتی داد و خواستار حمایت از ادغام بعضی وزارتخانه‌ها، منجمله وزارتخانه‌های صنایع و معادن، جهاد و کشاورزی، سپاه و دفاع و .... شد.

---

[1] - در این دیدار ابتدا آقای محمد سعیدی کیا وزیر راه و ترابری، گزارشی از همایش مدیران کل وزارتخانه ارائه کرد. سپس آقای هاشمی گفت: « تلاش‌های بی‌وقفه شما در پشت جبهه‌ها و در خطوط مقدم را به خوبی شاهد بودیم و هنوز هم این پشتیبانی‌ها ادامه دارد. راه‌آهن جمهوری اسلامی در نقل و انتقال امکانات جنگی، خدمات عظیمی کرد. این در حالی بود که یکی از اهداف دشمن، راه‌آهن و پل‌ها و نقاط حساس انتقال نیرو بود و برادران ما به خوبی از عهده انجام این مسئولیت برآمدند. می‌دانیم که کشور از نظر خطوط راه‌آهن ضعیف است. در کشوری با این وسعت، نباید عمده نقل و انتقالات به وسیله کامیون و سواری صورت گیرد. حق مردم است که از راه‌آهن استفاده بکنند. هر جا که راه‌آهن حضور پیدا بکند، تحول ایجاد می‌کند. یکی از وظایف مهم وزارت راه و ترابری، ایجاد ارتباط بین شرق و غرب و شمال و جنوب به وسیله راه آهن است که امیدواریم انجام شود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



عصر آقای گلپایگانی سفیرمان در مجارستان آمد. گزارش وضع آنجا و انتظار سفر به آن کشور را داد و درباره سطح روابط مشورت کرد. آقای [سید عبدالله] شیرازی امام جمعه مشهد آمد؛ در خصوص اصلاح دستگاه قضایی و تقویت آیت‌الله منتظری و حفظ وحدت توصیه کرد.

آقای [محمدصادق] خلخالی آمد. درباره مخارج سفر هیأت پارلمانی به لیبی استمداد کرد. آقای [اسحاق] جهانگیری [نماینده جیرفت] از کمیسیون برنامه و بودجه آمد. راجع به کسر پنج میلیارد تومان از اعتبارات دفاعی در اصلاحیه بودجه پرسید. تا هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

جمعه ۷ بهمن | ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۰۹ — ۲۷ ژانویه ۱۹۸۹

در منزل بودم. محسن و فاطی و بچه ها آمدند. گفتم منزلشان را نفروشند، اجاره بدهند. چون امنیت ندارند، خودشان نمی روند سکونت کنند و در خانه اجاره‌ای هستند. درباره کارهای زمین های البرز قم با محسن صحبت شد. آقای [ابولفضل] توکلی بینا آمد. گزارش سفر به آمریکا را داد. در سمینار دانشجویان سخنرانی کرده و جواب سئوالات را داده است. فرزندش [علیرضا] دعوت کرده است.

عصر آقای مهری همراه آقای [محمدحسن] رحیمیان آمد. درباره مشکلات مسلمانان انقلابی کویت گفت و چاره‌جویی کرد. بعد از پذیرش قطعنامه، انقلابیون کویت فعالیت نمی کنند، ولی حکومت کویت فشار را بر آنها زیاد کرده، چون از جانب ایران دیگر نگران نیست.

آقای دکتر ولایتی آمد. گزارش سفر به سوریه را داد و گفت فردا برمی گردد. معتقد است همه طرف‌ها خواهان تفاهم و ختم نزاع امل و حزب‌الله هستند. در مورد افغانستان گفت به زودی هیأتی از شوروی به ایران می آید که در مورد مسائل شوروی و افغان‌ها صحبت شود. از پیشرفت کار راضی است. گفت که [یان] الیاسون [نماینده دبیرکل سازمان ملل] از ایران راضی رفته است.

شنبه ۸ بهمن | ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹ | ۲۸ ژانویه ۱۹۸۹

دیشب برف سنگینی باریده بود. امروز هم تا شب می‌بارید. از خانه بیرون نرفتم. کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. عفت و فاطی به کنگره زنان رفتند. ناهار از آشپزخانه دفتر امام آوردند.

عصر آقایان [محمد] باقریان و [طهماسب] مظاهری، برای مشورت در خصوص بنیاد جنگ‌زدگان و بنیاد مستضعفان آمدند. با اشاره امام نظر دادند که کل بنیاد مستضعفان در خدمت جانبازان جنگ قرار گیرد، البته باز هم کفاف نمی دهد و باید دولت کمک کند؛ موافقت کردم.

آقای محتشمی [وزیر کشور] آمد. عازم سفر به ترکیه است. در خصوص برنامه‌ها و پیشنهاد تشکیل کمیسیون سه جانبه ایران، پاکستان و ترکیه برای امور امنیت و اطلاعات مشورت کرد. نظر موافق دادم و درباره توجه به نظرات نمایندگان در مورد مأموران وزارت کشور تذکر دادم[1].

یکشنبه ۹ بهمن | ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۹ | ۲۹ ژانویه ۱۹۸۹

صبح زود به مجلس رفتم. برف از پریشب شروع شده و ادامه دارد. خیابان‌ها پوشیده از برف و نسبتاً خلوت است. اصلاحیه بودجه در دستور بود. تا ظهر یکسره کار کردیم. بعد از

---

۱ - خبرگزاری رویتر در این باره گزارش داد: «ترکیه و ایران خود را برای گفت‌وگوهای فشرده هفته آینده که از مسائل پناهندگان ایرانی ضد رژیم و شورشیان کرد گرفته تا قاچاقچیان هروئین را شامل می‌شود، آماده می کنند. علی اکبر محتشمی وزیر کشور ایران دوشنبه آینده برای یک دیدار پنج روزه و میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در ماه فوریه آینده برای گفتگو با مقامات ترکیه وارد این کشور می‌شوند. یک منبع به خبرگزاری رویتر گفت: ما مدت‌ها است که منتظر دیدار محتشمی هستیم. ما یک مرز طولانی با ایران داریم و مشکلات زیادی وجود دارد. ترکیه در اثنای جنگ ایران و عراق، روابط تجاری خوب خود را با دو کشور حفظ کرد، اما به گفته یک منبع، بعضی مشکلات در روابط تهران و آنکارا از زمان آتش بس افزایش یافته است. ایران از فعالیت‌های تعدادی از ۷۰۰ هزار ایرانی که بعد از انقلاب به ترکیه فرار کرده‌اند، شکایت دارد. ترکیه در اکتبر گذشته دو دیپلمات ایرانی را بعد از این که پلیس آنها را متهم به تلاش برای ربودن یک ناراضی ایرانی و انتقال وی به ایران در درون صندوق عقب یک اتومبیل کرد، از ترکیه اخراج کرد. آنکارا بعداً اتهامات ایران را مبنی بر همکاری ترکیه با تروریسم رد کرد.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخ ۶۷/۱۱/۸، صفحه ۱۵.



دفتر رئیس

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

برنامه ملاقات‌های روز یکشنبه مورخه ۹/۱۱/۱۳۶۷

آقای رضوی معاون وزارت کار ۱/۱۰ – ۱/۳۰

" موسوی نماینده ۴ – ۴/۱۰

" مرندی وزیر بهداشت ۴/۱۵ – ۴/۴۵

" فیروزآبادی ۵/ – ۵/۳۰

نمونه ای از پیش نویس برنامه ملاقات رئیس مجلس شورای اسلامی

ظهر هم دو ساعت کار کردیم تا تمام شد.

ظهر برای جمعی از بسیجیان مازندران که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم[1]. ملاقات های امروز را لغو کردیم، اما عصر آقای عبدالله نوری آمد و نتیجه بررسی‌های چند ماهه درباره سازمان نیروهای مسلح را آورد.

اول شب [آقای محسن میردامادی] استاندار خوزستان آمد. از مسائل اخیر استان و اعتراض حدود یکصد نفر از مسئولان نسبت به استانداریشان گزارش داد. تا ساعت هشت ونیم شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۰ بهمن | ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۰۹ | ۳۰ ژانویه ۱۹۸۹

ساعت نه و نیم صبح به مقر ریاست جمهوری رسیدیم. تا ساعت دو بعد از ظهر جلسه شورای بازسازی داشتیم. با حضور وزرای مربوط درباره ورود مواد خام برای کارخانه ها به صورت ارز آزاد، بحث کردیم. قرار شد جمعی از وزیران، طرح جامعی در هفته آینده بیاورند که برخی از تولیدات با ارز دولتی و تحت کنترل دولت و بعضی با ارز صادراتی و برخی با ارز آزاد با شرایط خاص هر یک، انجام شود.

به مجلس رفتم. استراحت کوتاه داشتم. کارها را انجام دادم و سپس با [آقای لادیسلاو آدامتس] نخست وزیر چکسلواکی ملاقات کردم. صحبت ها درباره توسعه روابط و مبارزه با سلاح شیمیایی بود. او دعوت رئیس مجلسشان را ابلاغ کرد که پذیرفتم. سپس از تالار مجلس بازدید کرد و رفت.

ساعت پنج به تالار فرهنگ برای صحبت در کنگره بین‌المللی زنان [و انقلاب جهانی -

---

[1] - در این دیدار که جمعی از رزمندگان، مسئولین و مربیان مجتمع آموزشی شهید کشوری قائم شهر به همراه گروهی از بسیجیان شهرستان محمود آباد استان مازندران حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «جوانان مازندران در دوران دفاع مقدس مایه افتخار مازندران و کل کشور بودند. لشکر ۲۵ همه جا برای ما مایه قوت قلب و برای دشمن مایه وحشت بود. شما بسیجیان صاحبان این مملکت هستید، شما با دفاع جانانه‌ای که از مملکت کردید، باعث حفظ انقلاب شدید. شما برادران بسیج فقط برای جنگ بسیج نشده‌اید، باید برای حل مشکلات کشور نیز پیش قدم بشوید. ما با حرکت مردمی می‌توانیم مشکلات خود را حل بکنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



ملاقات با نخست وزیر چکسلواکی

- اسلام] رفتم. درباره خودسازی قبل از بهسازی جامعه صحبت کردم و به سئوالات پاسخ دادم[۱]. شب به خانه آمدم.

---

۱ - آقای هاشمی مسأله اشتغال و تحصیل خانم‌ها و اهمیت حضور وسیع آنها را در فعالیت‌های اجتماعی، مورد تأکید قرار داد. ایشان گفت: « خودسازی فردی و بهسازی جامعه جدا از یکدیگر نیستند. ساختن جامعه و مثمرثمر بودن در آن،مستلزم این است که سازنده جامعه،خودسازی و تزکیه کرده باشد تا بتواند صلاحیت‌های خود را به جامعه منتقل نماید. خانم‌ها نیز از این امر مستثنی نیستند. آنها اگر بخواهند در خانواده و در جامعه خود مفید و مؤثر واقع گردند، باید دارای صلاحیت‌های لازم بوده و در درجه اول خودسازی کرده باشند.» آقای هاشمی سپس اشتراک و اختلاف دیدگاه اسلام و دنیای غرب را در مورد نحوه حضور زن در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی متذکر شد و در بخشی از سخنانش پیرامون اشتغال خانم‌ها گفت: «هنوز خانم‌های ما موقعیت اجتماعی بیرون از خانه را به حد کافی کسب نکرده‌اند. در نظام ما برای پر کردن صحیح وقت خانم‌ها در خارج از مسئولیت‌های طبیعی که دارند، برنامه‌ریزی کافی نشده است. برای اشتغال خانم‌ها، هیچ منع شرعی وجود ندارد. جامعه اسلامی ما باید از نیروی انسانی خود که بخشی از آن را خانم‌ها تشکیل می‌دهند، به طور وسیع و مطلوب بهره‌برداری کند و خانم‌ها باید حضور فعال و وسیعی را در اجتماع و اداره امور جامعه داشته باشند. اگر فکر کنیم که همه وقت فعال خانم‌ها باید صرف خانه‌داری و بزرگ کردن چند بچه شود، این با عقل و منطق و واقعیت‌های زندگی منطبق نیست. استعداد خانم‌ها خیلی بیشتر از اینهاست. اگر مسئولیت خانه‌داری به خانم‌ها و سایر کارها در جامعه به آقایان واگذار شود، کافی نیست و در این صورت هم به زن‌ها ستم شده است و هم به مردان و جامعه. در اسلام نه تنها منعی برای استفاده از استعداد و تخصص خانم‌ها وجود ندارد، بلکه مقتضی است که از وجود آنها در جامعه استفاده شود.» ایشان همچنین مسأله تحصیل زنان را مورد تأکید قرار داد و گفت: «خشکه مقدس‌ها فکر نکنند که این افتخار و خدمت است که پای بچه‌هایشان را از مدرسه و تحصیل ببرند. گذشت آن زمانی که این مسأله افتخار به حساب می‌آمد. نتیجه چنین طرز تفکرات غلطی که دختران را از رفتن به مدرسه و دانشگاه بازمی‌داشت، این شد که ما الان در جامعه خود با کمبود نیروی متخصص زن روبرو هستیم. حتی اگر خانم‌ها قصد کار بیرون از خانه هم نداشته باشند، باز هم نیاز دارند یک مادر و همسر تحصیل‌کرده باشند و حداقل یک حرفه و تخصص را فرا بگیرند.» آقای هاشمی در خاتمه سخنانش به سئوالات مختلف خواهران حاضر در جلسه پاسخ گفت. ایشان در پاسخ به سئوال یکی از خواهران در مورد شایعه تصویب قانونی در مجلس در خصوص ازدواج مجدد آقایان و نیز پیامدهای منفی این موضوع در خانواده‌ها، اظهار داشت: « چنین چیزی در مجلس تصویب نشده است. اصل این قضیه

سه‌شنبه ۱۱ بهمن | ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۹

صبح زود به مجلس رفتم در جلسه علنی خیلی نماندم و برای انجام کارها به دفترم آمدم. آقای [محمد صادق] خلخالی [رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس] آمد و برای تدارک هیأت عازم لیبی استمداد کرد؛ چون وزارت خارجه موافق نیست، همکاری نکردم. معمولاً لیبی افراد را مستقیماً دعوت می‌کند که در گذشته بدون کنترل می‌رفته‌اند.

آقایان [عبدالکریم] شرعی و [علی اکبر] پرورش آمدند. از انتقادی که در جلسه خصوصی نمایندگان نسبت به روزنامه رسالت به خاطر طرح جلسه سری مجلس نموده بودم، گله داشتند که قانعشان کردم[1]. [روزنامه رسالت] عمل خلاف و غیر قابل دفاع و مستحق سرزنشی کرده است. مهدی آمد. عازم مازندران است؛ اجازه گرفت.

ظهر سه کارگر نمونه زن را آوردند که دو نفرشان مادر و همسر شهید بودند. تشویقشان کردم و به هر کدام یک سکه بهار آزادی دادم. عصر اعضای مجمع علمای [مسلمین] لبنان

خلاف شرع نیست و اسلام در شرایط خاص و ضروری، راه را برای آن باز گذاشته است. اما ما نه این کار را تشویق می‌کنیم و نه امکانات آن را فراهم می‌نمائیم. و نه در قرآن تشویق به آن شده و نه اینکه تجربیات آن را تشویق می‌کند. بهتر است اینکار صورت نگیرد. ما هم عقیده داریم کسانی که دو همسر اختیار کرده‌اند، هم خودشان را بدبخت کرده‌اند و هم خانواده‌شان را. این به صلاح جامعه نیست و جامعه ما آن را تحمل نمی‌کند. زن‌ها و بچه‌ها با این کار مشکل پیدا می‌کنند. در قرآن تصریح شده است که اگر می‌ترسید بی‌عدالتی شود، همسر یکی بیشتر اختیار نکنید و اجرای عدالت خیلی مشکل است و قرآن سختی آن را نشان داده است.» آقای هاشمی در پاسخ به سئوال دیگری در زمینه تصدی پست‌های کلیدی توسط خانم‌ها گفت: «تصدی هیچ مقام و پست و سمتی توسط خواهران ممنوع نیست و منع شرعی ندارد. خانم‌ها می‌توانند وزیر، استاندار، وکیل، مدیر کارخانه، مشاور وزیر، رئیس دانشگاه و .... باشند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - آقای احمد توکلی سردبیر روزنامه رسالت که در گذشته وزیر کار و امور اجتماعی نیز بود، در مقاله‌ای نوشت که نمایندگان مجلس یک ماده اصلاحی محرمانه در لایحه بودجه گنجانیده‌اند. دولت مبلغی معادل ۱۴۰ میلیارد دلار بدهی داخلی دارد و اکنون با تصویب یک ماده اصلاحیه محرمانه در مجلس، می‌خواهد بر میزان این بدهکاری بیفزاید و بدهی کلان دولت به مردم و بانک‌ها، یکی از علل اصلی تورم و کاهش ارزش ریال است. با انتشار این مقاله جنجالی، تعداد ۱۳۷ نماینده با ارسال نامه‌ای به آقای هاشمی رئیس مجلس، از ایشان خواستند، مسئولین روزنامه رسالت را به اتهام افشای اسرار دولتی و جعل مطالب، مورد تعقیب قرار دهد. این نمایندگان در نامه خویش خاطرنشان ساختند که این گونه افشاگری‌ها خدمت به دشمنان انقلاب اسلامی می‌باشد. آقای عطاءالله مهاجرانی معاون حقوقی نخست وزیر در پاسخ به مقاله آقای توکلی، میزان بدهی دولت به منابع داخلی را یک امر سرّی و محرمانه ندانست و گفت که در طول جنگ تحمیلی، بارها لوایحی در مورد دریافت وام از منابع داخلی، در مجلس مورد بحث قرار گرفته است. روزنامه رسالت ارگان جناح راست که از اقتصاد آزاد جانبداری می‌کرد، پس از برقراری آتش بس و پایان جنگ، بر شدت انتقادات خود از دولت افزوده بود و درخواست انجام تغییرات اساسی در سیاست اقتصادی کشور را مطرح می‌کرد.



آمدند. آنها خواستار توجه بیشتر جمهوری اسلامی به لبنان و علما هستند. از رفع فتنه میان امل و حزب‌الله راضی بودند و ضمن قبول تأثیر عتاب من در نماز جمعه به حزب الله و امل، می‌گفتند باید از حزب‌الله دلجویی شود.

با رادیو جبهه برای آزادگان مصاحبه کردم[1]. آقای علی جنتی برای امور دفتر فرماندهی [کل قوا] آمد. آقای [مصطفی] ترابی برای امور حفاظت و مشکلاتش با وزارت اطلاعات آمد. دکتر ولایتی خبر موفقیت در آشتی حزب‌الله و امل را تلفنی داد. آقای محسن رضائی از محکومیت چند نفر از فرماندهان سپاه در دادگاه نظامی به خاطر تخلفات گله کرد.

آقای [اسدالله] بیات تلفنی خواست که برای تخفیف مجازات چند نفر از [کارکنان سازمان] صدا و سیما که به دستور امام، به خاطر مصاحبه‌ای که حضرت زهرا(س) را الگوی مناسب زنان امروز ندانسته‌اند و محکوم شده‌اند، اقدام شود[2]. با اخوی محمد صحبت کردم. گفت از آقای موسوی اردبیلی خواسته است که تقاضای عفو کند[3]. نظر

---

[1] - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[2] - در روز شنبه ۸ بهمن ۶۷ در یک برنامه رادیویی، مطالبی درباره الگوی زن مسلمان پخش شد. مجری این برنامه درباره الگو قراردادن «اوشین»، شخصیت زن سریال ژاپنی پرطرفدار « سال‌های دور از خانه» و یا حضرت فاطمه زهرا (س) مطلبی گفت که شائبه توهین را به ذهن متبادر می‌ساخت. امام خمینی (ره) در پی پخش این برنامه، در نامه‌ای خطاب به آقای محمد هاشمی مدیرعامل وقت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی چنین مرقوم فرمود: «با کمال تأسف و تأثر روز گذشته از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می‌گردد، و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از اینگونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضائیه اقدام می‌نماید. ۶۷/۱۱/۹ – روح الله الموسوی الخمینی» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۵۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

[3] - پس از ارسال نامه امام خمینی، تلفنگرامی از سوی آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، به این شرح مخابره شد: « بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مدظله العالی. درباره محکومیت مسئولین چهارگانه پخش الگوی زن، من با قاضی محکمه صحبت کردم. جرم آنها تسامح و سهل‌انگاری در انجام وظیفه خطیری است که در عهده دارند و از نظر قضایی با توجه به حساسیت مسئولیت، مجازات نامتناسب نیست ولی گفته می‌شود این افراد خدمتگزاران خوبی هستند و قرینه‌ای بر سوءنیت موجود نیست و این ایام هم به وجود آنها نیاز است. به نظر می‌رسد این برخورد موجب تنبه آنان شود که دیگر این قبیل سهل‌انگاری‌ها تکرار نشود. بنده درخواست عفو آنها را از همه مجازات‌های تعیین شده در حکم از حضورتان دارم. ۶۷/۱۱/۱۲ – عبدالکریم موسوی. [بسمه تعالی. خدمت حضرت امام متن قرائت شد، فرمودند: عفو نمودم. ۶۷/۱۱/۱۲ – انصاری.]

اکثر این است که اینها بچه‌های خوبی‌اند و مستحق این وضع نبودند[۱].

برای سخنرانی در کنفرانس اندیشه اسلامی به هتل استقلال رفتم. درباره ارکان تبلیغ موفق صحبت کردم و به سئوالات جواب دادم[۲]. شام را همان جا خوردم و به خانه آمدم.



محمد هاشمی رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در محضر رهبر کبیر انقلاب

---

۱ - مجازات چند تن از مسئولین صدای جمهوری اسلامی ایران در رادیوهای خارجی بازتاب زیادی داشت. رادیو مونت کارلو در بخش خبری سه شنبه خود گزارش داد: «امام خمینی به دنبال پخش یک برنامه رادیویی که ضداسلامی تشخیص داده شد، به مسئولین رادیو هشدار داد و بعد از پیگیری مسئله، چهار تن از مسئولین رادیو به تحمل زندان محکوم شدند. این افراد از اعدام نجات یافتند. [امام] خمینی قبلاً اعلام کرده بود که اگر ثابت شود این افراد قصد توهین داشتند، اعدام می‌شوند. علت خشم رهبر مذهبی ایران، پخش یک برنامه به مناسبت سالروز تولد [حضرت] فاطمه(س) الگوی زن ایرانی است.»

۲ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «اولین رکن تبلیغ موفق آن است که در آن پیام و محتوای صحیحی برای مخاطب وجود داشته باشد، زیرا اگر تبلیغات فاقد محتوا باشد، هر چند که به شیوه زیبا و خوب بیان شود، تأثیر جدی نخواهد داشت. دومین رکن، ابزار تبلیغات است که باید متناسب با محتوای تبلیغات در اختیار باشد و رکن سوم شیوه‌ها و متون تبلیغ است که آن هم باید با ابزار و محتوای پیام متناسب باشد. از نظر محتوا و پیام مسلمانان به طور خام دارای بهترین محتوا هستند، البته دنیا چنین برداشتی ندارد. عقیده ما این است که در تبلیغات دعوت به راه خدا می‌کنیم و پیام خالق را انتشار می‌دهیم و این تنها با حرف و صحبت انجام نمی‌شود و نیاز به موارد دیگری هم هست که از آن جمله اجتهاد است. اسلام بدون یک اجتهاد پویا و هماهنگ با نیازهای زمان و مکان، نمی‌تواند جاذبه داشته باشد. تحقیقاً الان به شکلی که در زمان پیامبر (ص) عمل می‌شده، عمل نمی‌شود و ما اگر بخواهیم اسلام را به دنیا معرفی کنیم، تا آن را شیوه زندگی خود قرار دهند، در سطح تمدن فعلی آنها، باید از اسلام برنامه ارائه بدهیم و این امر همراه با اجتهاد زنده امکان پذیر است.» در پایان این سخنرانی سئوالاتی درباره نقش ایران در لبنان، روابط با عربستان سعودی، روابط ایران و آمریکا و احتمال ادامه جنگ با عراق مطرح شد که آقای هاشمی به این پرسش‌ها پاسخ داد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

چهارشنبه ۱۲ بهمن | ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ۱ فوریه ۱۹۸۹

ساعت هشت و نیم صبح به مدرسه شاهد ایثار در خیابان میرداماد رفتیم. ساعت نه و سه دقیقه زنگ انقلاب را به صدا در آوردم. این مراسم در سراسر کشور به مناسبت سالگرد ورود امام به تهران در لحظه فرود هواپیما انجام شد. برای بچه ها صحبت کردم[۱]. از آنجا به محل سازمان انرژی اتمی رفتم. تا ساعت هفت و نیم شب از بخش‌های مختلف سازمان بازدید کردم. اشعه گاما، لیزر گریز از مرکز، راکتور و بخش های دیگر پیشرفت های خوبی دارند، ولی محدودیت در تأمین نیازها، کارها را کند می کند. به مجلس نرفتم، به خانه آمدم. آقای [محمد جعفر] محلاتی [نماینده دائم ایران در سازمان ملل] آمد و گزارش وضع سازمان ملل را داد. معتقد است شورای امنیت جدیتی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ نخواهد کرد و عراق مشکلش را با آمریکا و غرب حل کرده است. یک ساعت هم از سوی پدرش هدیه آورده بود. درباره سیاست برخورد با آمریکا سئوال کرد؛ گفتم در حد گرفتن اموال و کمک به رهایی گروگان‌های آمریکایی پیش می‌رویم.



بازدید از بخش های تحقیقاتی سازمان انرژی اتمی

[۱] - در اولین روز از دهه فجر، به مناسبت سالروز ورود حضرت امام (ره) به میهن، با حضور آقای هاشمی، زنگ مدرسه دخترانه ایثار شاهد در منطقه ۱۳ آموزش و پرورش تهران، همزمان با دیگر مدارس کشور به عنوان زنگ انقلاب به صدا درآمد. ایشان در اجتماع دانش آموزان، آغاز دهه دوم انقلاب را دهه سازندگی و بازسازی دانست و با خاطرنشان ساختن نقش نسل جوان و آینده ساز کشور در این دهه، اظهار امیدواری کرد به همت معلمان در تعلیم و تربیت فرزندان شاهد، امید استکبار جهانی از سلطه مجدد بر کشور قطع شود.

پنجشنبه ۱۳ بهمن | ۲۵ جمادی الثانی ۱٤۰۹ | ۲ فوریه ۱۹۸۹

ساعت نه و نیم صبح به ستاد کل [فرماندهی نیروهای مسلح] رسیدم. در آمفی تأتر برای افسران در مورد فلسفه تشکیل ستاد کل و لزوم انجام و هماهنگی نیروهای مسلح صحبت کردم[1] و جواب سئوالات را دادم. در دفترم وزرای سپاه، دفاع، برنامه، صنایع و جمعی دیگر آمدند. از تأخیر در پرداخت مخارج نظامی گله داشتند. آقای [مسعود روغنی] زنجانی [وزیر برنامه و بودجه] جواب داد و سرانجام قرار شد همه اعتبارات تا آخر سال پرداخت شود.

آقای شمخانی گزارش سفر به پاکستان را داد. او معتقد است پاکستانی ها در همه زمینه های دفاعی آماده همکاری هستند؛ به خصوص در ساخت زیر دریایی و موشک. ظهر فرمانده سپاه زاهدان آمد. از کمی بودجه و عدم هماهنگی کمیته گله داشت و نمونه پول تقلبی مکشوفه را آورده بود.

عصر تیمسار ترابی آمد و گزارش کار حفاظت را داد. حسینی تاش آمد. گزارش صنایع نظامی را داد. فرمانده سپاه آذربایجان غربی آمد و از کمی بودجه و عدم هماهنگی در کردستان نالید و از فرماندهی سپاه انتقاد داشت. شب تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. امروز برف سنگینی در تهران باریده است.

جمعه ۱٤ بهمن | ۲٦ جمادی الثانی ۱٤۰۹ | ۳ فوریه ۱۹۸۹

تا ساعت ده ونیم صبح در منزل مطالعه می کردم. برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم.

---

۱ - در بخشی از این سخنرانی آمده است: «نیروهای مسلح باید همواره در آمادگی کامل باشند، به ویژه در موقعیت فعلی که در آتش بس شکننده‌ای به سر می‌بریم. ما هنوز با صلح پایدار فاصله داریم و بخشی از خاک کشورمان نیز در اشغال دشمن است. ما باید اشکالات دوران جنگ را برطرف و سازمان نیروهای نظامی‌مان را مطابق با موقعیت کشور پایه ریزی کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

هوا سرد بود، برای همین خطبه‌ها را کوتاه ایراد کردم[۱]. عصر یک فیلم از تلویزیون تماشا کردم. مسعود فرح‌بخش - خلبان - آمد. انتقاداتی به اداره ایران ایر [= شرکت هواپیمایی ملی ایران، هما] داشت و برای شغل خود استمداد کرد. بچه‌ها و بستگان آمدند. کارهای عقب مانده را انجام دادم[۲].

شنبه ۱۵ بهمن | ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹ ٤ فوریه ۱۹۸۹

محسن آمد. از ضعف مدیریت و عدم توجه به اولویت موشک شهاب ۲ انتقاد داشت. ساعت نه و نیم صبح به دانشکده علوم نظامی نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] رفتیم. مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان افسری و اعطاء جوایز و سخنرانی و رژه بود. سپس از خوابگاه‌ها و کلاس‌های درس بازدید کردیم.

---

۱ - در این خطبه‌ها دستاوردهای ده ساله انقلاب اسلامی برای نمازگزاران تشریح شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: « اصل تحقق انقلاب اسلامی و پیروزی ملت، یک امر عظیم و یک هدیه آسمانی کم نظیر در تاریخ اسلام بوده است. اگر انسان به دنیای فعلی نظری بیاندازد و مشاهده کند که اوضاع دنیا چه شکلی است و چگونه این انقلاب از زمین جوشید و این کشور را فتح کرد. ظهور این انقلاب شبیه تولد حضرت موسی(ع) است که در محیط فرعونیان و از امواج آن رود خروشان، تحویل جهان شد تا بساط فرعون و فرعونیان را برهم ریزد . در سال های آخر دوران رژیم گذشته ، هیچ کدام از ناظران جهانی باور نمی کردند که انقلابی به اسم اسلام و بر دوش مردم پیروز شود . آنها اصلا" قبول نداشتند که ملتی بتواند زمام امور خویش را بر دست گیرد و در صورت موفقیت از عهده اداره امور جامعه برنخواهد آمد . » ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - در پی خطبه‌های آقای هاشمی در نماز جمعه، رادیو اسرائیل در تفسیری گفت: «حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی امروز اظهار عقیده کرد که در روی کره زمین هیچ کشوری وجود ندارد که به اندازه ایران مستقل و آزاد و رها از سلطه بیگانگان باشد. ولی توضیح نداد که براساس چه معیارهایی به این ارزیابی دست یافته است.وی اظهار عقیده کرد که انقلاب اسلامی در ایران تثبیت شده و رژیم از حمایت مردم برخوردار است. جانشین فرمانده کل قوا روز گذشته طی سخنرانی در حضور افسران و فرماندهان نیروهای مسلح نیز گفت ایران و عراق، هنوز تا صلح فاصله بسیار دارند و نیروهای مسلح باید به هوشیاری خود ادامه دهند، زیرا هنوز نمی‌توان اطمینان داشت که آتش بس دوام بیاورد. حجت الاسلام رفسنجانی دوباره یادآور شد که هنوز در حدود یک هزار کیلومتر مربع از خاک ایران در اشغال عراق قرار دارد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت حکومت اسلامی باید در ظرف ده سال آینده همه تلاش خود را برای پیشرفت اقتصادی و استقلال مالی به کار گیرد. وی گفت در دهه دوم انقلاب، شعارها باید بر محور تولید بیشتر و استقلال اقتصادی دور بزنند. کارشناسان اقتصادی گفتند حکومت اسلامی ایران برای جبران خسارت‌های جنگی به صدها میلیارد دلار ارز خارجی نیاز دارد ولی جناح‌های تندرو رژیم با دریافت وام از منابع غیرایرانی به شدت مخالفت می‌ورزند. هنوز هم معلوم نیست تهران چگونه خواهد توانست سرمایه مورد نیاز را تأمین کند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۱/۱۴، صفحه ۳۵.

عصر مسئولان اتحادیه تعاونی های مسکن کارگران آمدند. گزارش کار دادند و مشورت کردند. آنها برای پیشرفت کار احداث شهرك کارگری بین کرج و تهران استمداد کردند. آقای دکتر مرندی آمد. از قلّت بودجه بهداشت و درمان و مشکلات بیمارستان ها نالید. به ایشان گفتم با این مشکلات بودجه و موانع کار، چرا با توسعه دانشگاه آزاد اسلامی که بخشی از بار کار شما را به عهده دارد، مخالفت می کنید؟

آقایان[علی] آقامحمدی و [مسعود] نیلی از برنامه و بودجه آمدند و توضیحاتی درباره اوضاع اقتصادی کشور و برنامه پنجساله [اول] دادند. روی آزاد کردن ورود کالاهای مواد اولیه کارخانه ها با نرخ آزاد و ارز آزاد و تغییر نرخ برای ریال و دلار تکیه داشتند[1]. تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم.

---

[1] - روزنامه واشنگتن پست در یک مقاله که در کنار آن عکس آقای هاشمی چاپ شده بود، نوشت: «رئیس مجلس شورای اسلامی خواهان یک جو بازرگانی بسیار نیرومند و پررونق است. رهبران انقلابی ایران که در اثر جنگ هشت ساله، در تنگنای بی پولی گرفتارند، در صدد تشویق سرمایه داران خصوصی و ثروتمندان ایرانی هستند که پول‌های فراوان خود را در راه بازسازی کشور به‌کار اندازند، ولی در مقابل، سرمایه‌داران و بازرگانان که از اقدامات دولت در مصادره اموال و مصادره شرکت‌های خصوصی خسته شده‌اند، منتظر برقراری ثبات در مملکت هستند تا ببینند که آیا آینده انقلاب ده ساله ایران از چه قرار خواهد بود. بازرگانان و سرمایه داران از این واهمه دارند که با درگذشت آیت‌الله [امام] خمینی رهبر روحانی ایران، دورانی دیگر از اغتشاش و ناآرامی بوجود آید و به این علت است که نمی‌خواهند سرمایه‌های خود را با تأسیس کارخانجات و خرید ماشین آلات و وسایل لازم برای آنها به خطر بیاندازند.» خبرنگار واشنگتن پست از یک بازرگان و سرمایه دار ایرانی که توانسته است سرمایه‌های خود را در دوران انقلاب دست نخورده نگه دارد، نقل قول می کند که گفته است بعد از درگذشت آیت‌الله امام خمینی ممکن است بار دیگر دورانی سخت آغاز گردد. بازرگانان و سرمایه داران ایران که انتظار دارند انتخابات تابستان آینده، افراد واقع بین و بصیرتر را روی کار بیاورد، باز مطمئن نیستند که آقای رفسنجانی قادر باشد اوضاع بعد از درگذشت [آیت الله] خمینی را تحت کنترل نگه دارد. احتیاج دولت برای بازسازی کشور بسیار عظیم است. کارخانه‌های تولید برق باید تعمیر شوند تا از خاموشی‌ها جلوگیری گردد. تصفیه خانه‌های نفت نیز احتیاج به مرمت خواهند داشت تا نفت مورد احتیاج مملکت را تأمین کنند. سدها و کانال‌های صدمه دیده نیز باید تعمیر شوند و کشاورزی ایران با ازدیاد زیاده از حد جمعیت، جوابگو نخواهد بود و بسیاری دیگر از برنامه‌های اجتماعی و رفاهی احتیاج و نیاز به بودجه دارد. احتیاجات عظیم ایران به پول برای بازسازی کشور بعد از یک جنگ مخرب هشت ساله، مصادف است با یک دوران ده و یا حتی پانزده ساله‌ای که طی آن درآمد ایران از نفت نیز کاهش خواهد یافت، به این معنی که شکاف بین نیازهای مالی کشور و درآمد لازم زیادتر خواهد شد. بسیاری از مفسران و تحلیل‌گران اوضاع فعلی ایران، این اوضاع را به این ترتیب تجزیه و تحلیل می‌کنند که آقای رفسنجانی و آقای خامنه‌ای با وجود سیاست نه شرقی و نه غربی، براساس واقع‌بینی، جهت بازسازی لازم و ضروری ایران، گرفتن وام را از منابع خصوصی خارجی و داخلی بعید نمی‌دانند. در حالی که افراطیون مانند وزیر کشور ایران محتشمی و موسوی نخست وزیر، تأمین نیازهای پولی کشور را از منابع خصوصی خارجی به منزله خداحافظی با انقلاب تلقی می‌کنند، ولی از شواهد چنین برمی‌آید که نیروهای بصیر واقع‌بین به رهبری آقای رفسنجانی بر نیروهای موسوی در بازسازی ایران فائق خواهند شد و احتمال دارد که دولتی جدید در فرصتی مناسب روی کار آید که بتواند با واقع‌بینی و حقیقت‌نگری بازسازی اقتصادی ایران را آغاز کند.»

به جلسه سران قوا رفتم. بحث درباره هماهنگی مأموران ما در لبنان بود. قرار شد حاکمیت با سفیر باشد و سپاه و ارشاد و اطلاعات و ... خود را با سیاست سفارت هماهنگ و سفارت را تقویت کنند. برای رفع اختلاف دانشگاه آزاد اسلامی، قرار شد ۱۳ دانشکده پزشکی این دانشگاه به ۸ دانشکده تبدیل شوند و پذیرش دانشجو محدود به ۷۰۰ نفر در سال بشود. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۱٦ بهمن | ۲۸ جمادی الثانی ۱٤۰۹ ۵ فوریه ۱۹۸۹

پیش از ظهر چند ملاقات داشتم. عصر [آقای رولان دوما] وزیر خارجه فرانسه آمد. در جلسه رسمی مذاکرات معمولی و با تعارفات عادی بود. درخواست جلسه خصوصی داشت، پذیرفتم. در دفترم با حضور دکتر ولایتی ملاقات خصوصی داشتیم. درباره حقوق بشر صحبت شد. ما طلبکار شدیم و گفتیم غربی‌ها و خود فرانسه از تروریسم مخالف ایران و لبنان و فلسطین حمایت می‌کنند، ولی دم از حقوق بشر می‌زنند. خودشان حامی فالانژهای لبنان هستند که چهار ایرانی را به گروگان گرفته‌اند و اسرائیلی‌ها که صدها لبنانی را در گروگان دارند و ما را به اتهام حمایت از گروگان‌گیری مورد سرزنش قرار می‌دهند. منافقین که افراد خودشان را در مرصاد از دست داده اند، برای توجیه اشتباه خود، مسئله اعدام‌ها را بزرگ کرده‌اند که تلفات خودشان را که عمدتاً زندانی‌های سابق، آنها را که پس از آزادی از زندان به عراق رفته و در این عملیات کشته شده‌اند، توجیه نمایند.

مسئله یک خانم فرانسوی [=انی اسبر] را که همراه منافقین بود و در مرصاد کشته شده - مجروح شده و سپس مرده - من در نماز جمعه به عنوان سند دخالت فرانسه در جنگ، اسارت او را گفته بودم و اخیراً رسانه های فرانسه روی آن سروصدا راه انداخته اند، توضیح دادم؛ ظاهراً قانع شد[1]. صرفاً برای اینکه بگوید در این مورد مذاکره شده، مطرح نمود. قرار

---

[1] - خبرگزاری فرانسه اعلام کرد: امروز شنبه، یک هفته قبل از سفر رولان دوما وزیر امور خارجه فرانسه به تهران، تظاهراتی در پاریس به حمایت از «انی اسبر» پرستار فرانسوی که از ماه ژوئیه [مرداد] گذشته در ایران ناپدید شده است، انجام گرفت. « ژان پییربکه» نماینده سوسیالیست‌ها در مجلس نمایندگان فرانسه نیز در این تظاهرات که از سوی کمیته نجات جان « انی اسبر» برپا شده بود، حضور داشت.

شد به رسانه‌ها نگوید که در این امور با من مذاکره کرده است. درباره انیس نقاش پرسید که آیا ژاک شیراک تعهد آزادی او را کرده است یا نه؟ گفتیم تعهد کرده است. گویا می‌خواهد این را علیه حزب شیراک سند کند و سندی برای اقدام میتران برای آزادی انیس در آینده. گفتیم اگر انیس آزاد نشود، ممکن است لبنانی‌ها انتقام بگیرند؛ آنها تهدید کرده‌اند.

در مورد گروگان‌های آمریکایی گفتم اگر آمریکا اموال ما را آزاد کند، در آزادی گروگان‌هایش در حد مقدور کمک می‌کنیم و در مورد انگلیس‌ها گفتم اگر آنها از نفوذ خود برای آزادی گروگان‌های ما استفاده کنند، ما هم اقدام می‌کنیم. شب به خانه آمدم[1].

«انی اسبر» در ۲۹ ژوئیه گذشته، در منطقه مرزی ایران و عراق در حالی که جزء یک گروه پزشکی نیروهای مجاهدین خلق بود، دستگیر شد. حسن حبیبی شوهر «انی اسبر» و عضو سازمان مجاهدین خلق [منافقین] از رولان دوما وزیر امور خارجه فرانسه خواست تا زمانی که انی اسبر آزاد نشده و هیأتی از سوی سازمان ملل متحد برای بازدید از زندان‌های ایران فرستاده نشده است، از سفر به ایران خودداری کند. هیچ نوع اطلاع دقیقی از سرنوشت وی در دست نیست. منابع ایرانی در پاریس می‌گویند که اسبر یا در جریان عملیات مجاهدین خلق در نزدیکی اسلام آباد غرب کشته و یا اسیر شده است. مجاهدین خلق نیز معتقدند وی مجروح شده و پس از دستگیری از سوی پاسداران، مورد شکنجه قرار گرفته است اما در حال حاضر از سرنوشتش بی‌اطلاع هستند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۱/۹، صفحه ۲۹.

۱ - خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «رولان دوما وزیر امور خارجه فرانسه امروز دوشنبه به سفر ۳۶ ساعته خود به تهران پایان می‌دهد. در حالی که این سفر همراه با از سرگیری همکاری سیاسی و اقتصادی میان فرانسه و ایران، پس از هشت سال روابط پرکشمکش می‌باشد. این امر از جمله ناشی از یک اختلاف مالی پایدار بوده است. رولان دوما به خبرنگاران گفت: پاریس و تهران خواسته خود را مبنی بر حفظ تماس‌های سیاسی در تمام سطوح مورد تأکید قرار داده‌اند. از علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران برای دیدار از فرانسه دعوت به‌عمل آمده است و یک هیئت پارلمانی ایران نیز در پاسخ به سفر ماه دسامبر گذشته یک هیئت پارلمانی فرانسه به ایران، به پاریس سفر خواهد کرد. از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران، دوما را از قصد خود مبنی بر دعوت از همتای فرانسوی‌اش جهت دیدار از ایران مطلع ساخت. در زمینه اقتصادی نیز ایران و فرانسه در مورد از سرگیری مذاکرات جهت حل و فصل اختلافات مالی دو کشور به توافق رسیدند. رولان دوما خاطرنشان کرد: «ایران پذیرفته است برای پیشرفت در جهت دستیابی به یک راه حل برای مسائل مالی به حالت تعلیق درآمده این اختلافات به صورت یک‌جا و از طریق متمرکز ساختن آنها در سطح سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.» بر پایه این گزارش، تهران برای متمرکز ساختن این مذاکرات، یک مخاطب در سطح وزیر را برگزیده است. رولان دوما ضمن خودداری از افشای نام این مقام ایرانی گفت از میشل روکار نخست وزیر فرانسه، خواستار اتخاذ تصمیم مشابه از جانب فرانسه خواهد گردید. فرانسه ۶۳۰ میلیون دلار را که بخشی از وام یک میلیارد دلاری ایران به فرانسه بوده پرداخت کرده است. این وام در زمان شاه برای پروژه اورودیف دریافت شده بود. مذاکرات پیرامون اختلافات مالی دو کشور که از چند ماه پیش به حالت توقف درآمده بود، می‌بایست در مورد مسائل عمده بهره وام ایران به فرانسه و جبران خسارات وارده به شرکت‌های فرانسوی که در زمان انقلاب به قراردادهای منعقده با آنان عمل نشده است، از سر گرفته شود. میزان خسارتی که فرانسوی‌ها خواستار پرداخت شده‌اند بالغ بر ۶ الی ۸ میلیارد فرانک ارزیابی شده است.»

دوشنبه ۱۷ بهمن | ۲۹ جمادی الثانی ۱٤۰۹ ٦ فوریه ۱۹۸۹

ساعت هشت و نیم صبح دکتر جزایری آمد. برای عکسبرداری از کمرم به درمانگاه بیت[امام] رفتیم. نظرش این شد که مهره پائین با مجاور خود جوش خورده، ولی بنا شد با دیگران مشاوره کنند.

ساعت نه و نیم به دفتر ریاست جمهوری رفتم. جلسه شورای بازسازی به خاطر نبودن نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی تشکیل نشد. درباره آینده ارتش و سپاه مذاکره کردیم. دو نظر و دو راه اصلی مورد بحث بود: ۱- سپاهیان نیروی ویژه پاسدار انقلاب باشند و بسیج و حفاظت را داشته باشند و ارتش مسئولیت حفاظت از مرزها را داشته باشد. ۲- سپاه تدریجاً نیروی زمینی باشد و دو نیروی هوایی و دریایی آن در ارتش ادغام شود. به نتیجه‌ای نرسیدیم. قرار شد با امام در میان بگذاریم.

بعد از نماز و ناهار به مجلس رفتم. چون خوب نخوابیده بودم، کسل بودم. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره جایگاه مجلس داشتم[1]. آقایان معادیخواه و ایازی و علیزاده و کلباسی که روی «کلید قرآن» در قم کار می‌کنند، آمدند و گزارش پیشرفت کار را دادند. ده گروه پنج نفره مشغول کارند و در حد کامپیوتری کردن هستیم[2]. شب تا ساعت نه در دفترم کار کردم. به خانه آمدم.

---

۱ - در این گفت و گوی تلویزیونی، آقای هاشمی درباره ویژگی‌های مجلس شورای اسلامی گفت: « مجلس اول بعد از انقلاب بود و نمایندگان دارای روحیه‌ای خاص بودند، عده‌ای هم که مخالف حزب‌الله بودند، در مجلس حضور داشتند. مجلس دوم فرصت بیشتری پیدا کرد و کارهای عمده‌ای انجام داد و بسیاری از لوایح مهم را موفق شد به انجام برساند. در مجلس سوم یک عده از نیروهای متفکر، که در میدان‌های اجرایی هم کار کرده‌اند و واقعاً با اعماق کشور آشنا هستند، حضور دارند. البته کمابیش در دوره‌های اول و دوم هم بودند، اما در این دوره بیشتر هستند. بعد از این هم که کشور در مرحله سازندگی قرار می‌گیرد، فکر می‌کنم این دوره می‌تواند بسیار کارساز باشد و اکنون که برنامه پنج ساله اول در مجلس مطرح است، احساس می‌کنم که در نماینده‌ها، تفکرات بسیار خوبی دیده می‌شود. واقع‌بینی در نماینده‌ها جدی است، آرمان‌های انقلاب در مجلس سوم، با اینکه ده سال از شروع انقلاب فاصله داریم، در سطح بسیار خوبی است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - آقای هاشمی در دوران مبارزه، فیش‌هایی را در زمان تحمل زندان رژیم طاغوت، تهیه کرده بود. این فیش‌های تحقیقی در سال‌های پس از انقلاب، توسط گروهی از محققان مورد توجه قرار گرفت و سبک نوینی را در تفسیر قرآن کریم به جامعه دینی کشور عرضه کرد. دوره ۲۰ جلدی تفسیر راهنما و دوره کلید قرآن با استفاده از روش مذکور تهیه و تدوین شده و توسط انتشارات بوستان کتاب قم به چاپ رسیده است.

سه‌شنبه ۱۸ بهمن | ۳۰ جمادی الثانی ۱٤۰۹ ۷ فوریه ۱۹۸۹

ساعت نه ونیم صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها روابط ایران و فرانسه و انتقادات مطبوعات ایران از سیاست فرانسه، مورد توجه است. پرسنل نیروی هوایی آمدند. سرود اجرا کردند. برایشان صحبت کردم[1].

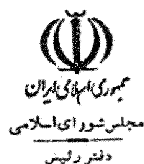
آقایان فرجی و نوری از دادستانی انقلاب آمدند. وضع زندانیان و ضعف کارهای فرهنگی و تبلیغی را گفتند و خبر دادند که یکصدوسی ساعت فیلم از بحث آزاد و میزگرد سران گروهک های چپ را آماده دارند. به خاطر اینکه به شوروی خیلی حمله شده، درباره پخش آنها مشورت کردند.

ظهر کارهای عقب مانده را انجام دادم. عصر آقای صادقی مسئول اموال خیریه [مرحوم ابوالفضل] تولیت - که در اختیار جامعة الصادق [= دانشگاه امام صادق(ع)] است - آمد. گزارش وضع آنها را داد و نامه‌ای از مدرسه عالی قضایی قم آورد که برای اجازه استخدام رسمی فارغ‌التحصیلان در همه مراکز دولتی استمداد کرده بودند؛ آنها فعلاً در آموزش و پرورش و امور قضایی می‌توانند استخدام شوند.

آقای [محمد] کیاوش آمد. گزارش وضع جبهه‌ها و آبادان را داد. حکم او را اصلاح کردم. تا ساعت هشت و نیم کارهای دو دفتر مجلس و فرماندهی [کل قوا] را انجام دادم. به خانه آمدم. فیلم «جلادها می‌میرند» را از تلویزیون تماشا کردم.

---

۱ - در آستانه ۱۹ بهمن سالروز بیعت پرسنل نیروی هوایی با امام خمینی در سال ۱۳۵۷، جمعی از پرسنل یگان‌های نیروی هوایی سراسر کشور، به همراه جمعی از فرماندهان و روحانیون عقیدتی سیاسی با جانشین فرمانده کل قوا ملاقات کردند. در این دیدار سرتیپ منصور ستاری فرمانده نیروی هوایی گزارشی از عملکرد نیرو ارائه کرد، سپس آقای هاشمی در سخنانی به تشریح حوادث قبل و بعد از انقلاب پرداخت و گفت: « ما چند نقطه برجسته در تاریخ انقلاب داریم که آنها شجره خبیثه خاندان پهلوی را تکان داد و ریشه‌کن کرد و شما پرسنل نیروی هوایی با یک حرکت آگاهانه و متهورانه، حماسه‌ای جاوید در تاریخ اسلام و انقلاب به وجود آوردید که این اعلام وفاداری و بیعت با امام توسط پرسنل نیروی هوایی را هیچ کس فکر نمی‌کرد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

بسمه تعالی

جناب آقای علوی تبار

[illegible]

۶۷/۱۱/۱۸

حکم ماموریت به آقای علوی تبار

چهارشنبه ۱۹ بهمن | ۱ رجب ۱۴۰۹ | ۸ فوریه ۱۹۸۹

چون امام ملاقات داشتند، خیابان‌ها[ی جماران] شلوغ بود[1]. با تأخیر از خانه حرکت

---

[1] – در این روز امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه آقای محمدی ری شهری وزیر اطلاعات ، با عفو عمومی زندانیان گروهکی به استثنای ۹۰۰ نفر از مرتکبین جرایم جنایی ، موافقت کردند . در این ارتباط خبرگزاری آلمان گزارش داد: «آیت الله روح الله خمینی رهبر روحانی ایران، برای زندانیان سیاسی عفو عمومی صادر کرد. در یک اطلاعیه از طرف حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری وزیر اطلاعات گفته شده است که عفو عمومی شامل ۹۰۰ نفر از اعضای گروه‌های سیاسی غیرقانونی که مرتکب جنایت و جرائم شده‌اند، نخواهد شد. ری شهری عفو عمومی را به‌دلیل آنکه گروه‌های مخالف در آستانه از هم پاشیدگی کامل قرار دارند و دیگر برای انقلاب اسلامی خطر به شمار نمی‌روند، پیشنهاد کرد. آیت الله خمینی در یک نامه پاسخ داد که او با عفو عمومی زندانیان گروهک‌های ضدانقلاب موافقت دارد و امیدوار است که خانواده‌های محترم این زندانیان به فرزندان خود نصیحت کنند که در کارهایی که باعث ناراحتی مجدد برای خود و بستگانشان شود شرکت نکنند. آیت الله خمینی اضافه نموده است که ان‌شاءالله مقامات نظام اسلامی با آنها رفتار عطوفت آمیز برادرانه خواهند داشت و موجبات دلگرمی آنها را با فراهم کردن تسهیلات شغلی فراهم خواهند ساخت. انتقاد آیت الله منتظری از انقلاب اسلامی که روز سه شنبه به شکل سانسور شده توسط رسانه‌های خبری ایران گزارش شد، از روحانیون حاکم خواست که اقدامات اتخاذ قدرت ☜

کردیم. ساعت نه و نیم صبح به مجلس رسیدم. آقای [سید محمد] خاتمی [وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی] برای تنظیم ملاقات با وزرای مدعو آمد. وزیران حج و تبلیغات و فرهنگ کشورهای زیمبابوه، الجزایر، صحرا، سوریه، غنا، سیرالئون، گابن و ... آمدند. اول مطالبی گفتم و سپس همه آنها حرف زدند و سپس من صحبت کردم. مذاکرات کلی بود[1].

علمای پاکستان به ریاست سید سجاد نقوی آمدند. به عنوان دهه فجر در ایرانند. در مورد شیوه عمل در پاکستان مشورت کردند. آنها مشکل دارند. اگر با دولت [خانم بی‌نظیر] بوتو همکاری کنند، خشکه مقدس های سنی، آنها را متهم به همکاری با دولت لائیک می کنند و اگر با علمای اهل سنت بر علیه دولت همکاری کنند، اطمینانی ندارند که در حکومت اسلامی سنی ها، بهایی به شیعه داده شود. قرار شد به اقدامات مخالف دین دولت اعتراض کنند، ولی عملاً در امور اجتماعی و دولتی فعال باشند. درباره اجتهاد پویا که مشکلات زمانه را حل می کند، بحث شد. نمونه هایی از حل مشکلات جامعه در قوانین موضوعه بعد از انقلاب را گفتم؛ مثل بانکداری اسلامی، قانون کار، تعاونی ها، معادن و تعزیرات.

ظهر به کارکنان مجلس ناهار دادیم و برای آنها صحبت کردم[2]. عصر مصاحبه ای با

را به منظور اعاده وحدت ملی که قبل از پیروزی انقلاب و سرنگون شدن شاه بین تمام گروه‌های ضد سلطنت وجود داشت، متوقف نمایند.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۱/۲۰، صفحه ۹.

۱ - در این ملاقات که آقایان «مولود بلقاسم» دبیر کمیته فرهنگی الجزایر، «مانا گونگ» وزیر دادگستری و امور پارلمانی زیمبابوه، «جان نکومو» وزیر کار و خدمات اجتماعی زیمبابوه، «احمد طرابلسی»، وزیر حج و اوقاف سوریه، «احمد التبیل» وزیر آموزش و پرورش صحرا، «محمدبن عبدالله» وزیر آموزش و پرورش غنا، «اورنگو» وزیر آموزش و تکنولوژی کنیا، «حاج محمد پیوستا» وزیر فرهنگ گابن و «پروفسور موسی ابراهیم» وزیر فرهنگ سیرالئون حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: «با توجه به فراغت کمی که نسبت به مسائل جنگ پیدا کرده‌ایم، درحال حاضر مسأله افغانستان جزو اولویت‌های ماست و جمهوری اسلامی ایران مایل است در افغانستان به‌گونه‌ای عمل شود که انتقال قدرت بدون خونریزی و تلفات نامطلوب صورت گیرد. ما در لبنان توانستیم با کمک دوستان سوری و مردم این کشور، تا حدی بحران را تخفیف دهیم. مسائل دیگر هم برای ما به عنوان وظیفه اسلامی و انسانی و انقلابی به طور جدی مطرح است که ان‌شاءالله به آنها نیز خواهیم پرداخت». سپس هر یک از وزیران میهمان نظرات خود را درباره انقلاب اسلامی و موفقیت‌های آن اظهار نمودند. آقای هاشمی در پایان به مسأله وام‌ها و بدهی‌های سنگین کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته اشاره کرد و گفت: «متأسفانه وضع آنان به‌گونه‌ای است که هر حرکت مولدی را که بخواهند در کشور برای تحصیل درآمد و بازپرداخت دیون شروع کنند، نیازمند به قرض جدید برای کسب تکنولوژی آنان خواهند بود.»

۲ - آقای هاشمی با اشاره به نقش و اهمیت مجلس در کشور، از خدمات و حضور کارکنان مجلس در صحنه‌های مختلف جنگ قدردانی نمود و ضمن خاطرنشان ساختن فداکاری‌ها و ایثار مردم در طول ده سال انقلاب و نیز یادآوری توطئه‌های دشمنان انقلاب، گفت:

کانال یک تلویزیون فرانسه داشتم. مصاحبه‌ای جامع بود[۱]. شب آقای [محمد جواد] ایروانی وزیر [امور اقتصادی و] دارایی آمد. او بر ادغام وزارتخانه‌های موازی تأکید داشت و گزارش پیشرفت مذاکرات و قرارهای با روسیه را داد. تا ساعت هشت ونیم کارهای دفترم را انجام دادم و به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۰ بهمن | ۲ رجب ۱٤۰۹ ۹ فوریه ۱۹۸۹

امروز تعطیل بود. در منزل ماندم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. بر عناوین روزنامه کیهان سال ۵۷ و ۵۹ مروری کردم. مهدی که از سفر جزایر جنوب برگشته بود، گزارش داد. عفت و بچه‌ها عصر به تماشای جشنواره فیلم در وزارت خارجه رفتند. شب بستگان آمدند.
احمدآقا تلفن کرد و خواست که تعداد بیشتری از اسرای معلول عراقی را آزاد کنیم.

دشمنان در صحبت‌هایشان گاهی عنوان می‌کنند که انقلاب ایران سرعقل آمده و یا واقع‌بین شده‌اند، ولی واقعیت قضیه این نیست. آنها فهمیده‌اند که این انقلاب را نمی‌شود به زانو درآورد. لیاقتی هم که ما در دفاع و ساقط کردن حکومت طاغوت و بریدن دست اجانب از خود نشان داده‌ایم، اگر این لیاقت را در ساختن و بازسازی کشور نشان بدهیم و بتوانیم زندگی مردم‌مان را درست اداره کنیم، کار برای افراد کاری کشور ایجاد نماییم، ذخایر کشور را نقد و فرهنگ کشور را تقویت کنیم و مردم را باسواد و تحقیق و تکنولوژی را در این کشور تقویت کنیم، یک کشور مسلمان آزاد و آباد با رونقی که مردم آن بتوانند هم دنیا و هم آخرت داشته باشند، خواهیم داشت.» رئیس مجلس در خاتمه خطاب به کارکنان مجلس گفت: «شما در حسن عمل مجلس شریک هستید. امیدوارم که وظایف خودتان را خوب انجام دهید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - در این مصاحبه سئوالاتی درباره بیلان ده ساله انقلاب اسلامی، بازسازی کشور، روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، صدور انقلاب، روابط با فرانسه، نتایج ملاقات با وزیر خارجه فرانسه، گزارش سازمان عفو بین‌الملل درباره اعدام مخالفان در ایران و انتخابات ریاست جمهوری و جانشینی امام خمینی پس از رحلت، مطالبی مطرح شد. در بخشی از مصاحبه آمده است: «جنگ همه جانبه با کمک ارتجاع منطقه و با حمایت اردوگاه غرب و شرق و صهیونیسم و عوامل ضدانقلاب داخلی علیه ما شروع شد. ما در مقاطعی دشمن را به شدت مورد تهدید قرار دادیم که نزدیک به سقوط رسید و ناتو مجبور شد در خلیج فارس برای حفظ حزب بعث، حضور نظامی پیدا بکند. در بعد داخلی و کارهای سازندگی نیز به خاطر اینکه نیروی زیادی از ما در جنگ مصرف شد، ما نتوانستیم کارهایی که می‌خواستیم انجام بدهیم. بسیاری از طرح‌هایمان یا شروع نشد و یا نیمه تمام ماند، ولی به خیلی چیزها هم عمل شد. از لحاظ مسلط شدن بر زندگی خودمان در داخل و ایجاد مدیریت وارد و نیرومند و توسعه مراکز فرهنگی و علمی و تحقیقاتی و تقویت صنایع نظامی گام‌های بسیار مؤثری برداشتیم و اقدامات دیگری از این قبیل هم انجام شده است، اما اینها همه خواسته‌های ما نیست. بیش از این ما مایل بودیم انجام بدهیم، ولی شرایط جنگ ما را عقب انداخته است. در مجموع ما از عملکرد خودمان در این ده سال راضی هستیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

گزارش ها را آوردند، خواندم. مسئله مهمی نداشت. به نظر می رسد مذاکرات صلح به زودی در نیویورک شروع می‌شود؛ جو فعلی مثبت به نظر می‌رسد. شورای امنیت هم برای اجرای قطعنامه تأکید کرده است.

جمعه ۲۱ بهمن | ۳ رجب ۱٤۰۹ — ۱۰ فوریه ۱۹۸۹

در منزل بودم. کار زیادی نداشتم. گزارش ها را آوردند، خواندم. مثل اینکه بین سران مجاهدین افغانی اختلاف بروز کرده است؛ اگر علاج نشود، ممکن است به مشکل برخورد کنند. آقای حسین امین آمد و برای عدم حذف نام خودش از هنرستانی که در رفسنجان ساخته است، استمداد کرد . آشیخ محمد [هاشمیان] مخالف اسم اوست. از آزادی پیرزن زرتشتی که واسطه‌اش شده بود، تشکر کرد.

حاج احمدآقا آمد. درباره امور جاری کشور و آزادی اسرای عراقی و ارتش و سپاه مذاکره شد. گفت نظر امام در قبول تاریخ نویسی حمید روحانی [= زیارتی]، نفی تاریخ نویسی بنیاد تاریخ نبوده و فقط خواسته اند به روحانی محبّتی بشود. عصر آقای معادیخواه آمد. همین را به ایشان گفتم؛ خیالش راحت شد.

شنبه ۲۲ بهمن | ٤ رجب ۱٤۰۹ — ۱۱ فوریه ۱۹۸۹

امروز راهپیمایی خوبی برگزار شد. مردم خیلی شرکت کرده بودند. دیشب و امروز برف و باران باریده. عصر آشیخ محمد هاشمیان آمد. درباره موقوفات شیخیه صحبت شد.

به هتل لاله رفتیم و در جلسه پایانی حضور مهمان‌های خارجی [دهه فجر] صحبت کردم[1]. شام را با آنها خوردم. به نام من شام داده شده بود. بین جلسه و شام با آقای [سید

---

[1] - آقای هاشمی روند پیروزی انقلاب اسلامی و توطئه‌هایی را که از ابتدای روزهای انقلاب از سوی شرق و غرب برای از بین بردن و یا کم اثر نمودن انقلاب اسلامی در جریان بوده است، تشریح کرد و گفت: « وقتی ما پیروز شدیم، نه شرق کمونیست ما را قبول داشت ←

محمد] خاتمی[وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی] درباره وضع فیلم‌ها و تبلیغات مذاکره کردیم و سر میز شام با رئیس اخوان المسلمین سودان صحبت کردیم. به خانه برگشتم. آشیخ محمد را در خانه تنها گذاشته بودیم و او رفته بود. در گزارش‌ها اختلافات رهبران شیعه و سنی مجاهدین افغان اوج گرفته است.

یکشنبه ۲۳ بهمن | ۵ رجب ۱۴۰۹ — ۱۲ فوریه ۱۹۸۹

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم. فیلم اعترافات نظامیان خائن و جاسوس از گروه منافق و سلطنت طلب را دیدم. آقای [محمود] محمدی عراقی [جانشین نماینده امام در سپاه پاسداران] آمد. درباره امور سپاه و آئین نامه‌های مالی و باز خرید مشورت کرد. [سرتیپ حسنی سعدی] فرمانده نزاجا [= نیروی زمینی ارتش] برای امور نزاجا آمد و گزارش بازدید از جبهه‌ها را داد.

عصر فرماندار شمیران آمد. گزارش کارها را داد و خواستار استقلال شهرداری منطقه شد که تحت اداره شهرداری تهران است. از ضعف عملکرد شهردار تهران در ترمیم میدان تجریش گله داشت.

آقای محصل همدانی آمد. از مشکلات گرانی برای مردم و مشکل سربازان مریض و متأهل و از سخت‌گیری‌های مالیاتی گفت. آقای آقامحمدی آمد. حکم آقای [سید محمد باقر] حکیم را برای نظارت بر امور سپاه بدر گرفت. درباره مذاکره با بارزانی ها و ش . م . ر [= پدافند شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو] مذاکره کرد.

آقای [سیدرضا] اکرمی نماینده سمنان آمد. طومار مردم سمنان را آورد که خواستار ابقاء دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی هستند. اخیراً با فشار وزارت بهداشت، قرار شد

و نه غرب سرمایه‌دار. در داخل روشنفکر نماها و مرتجعین هر یک به طریقی با ما مخالفت می‌کردند. این روشنفکرنماها، اسلام منهای روحانیت را می‌خواستند. منافقین هم فکر اصلی‌شان مارکسیسم بود و می‌خواستند از اسلام به عنوان پل استفاده کنند. لیبرال‌ها هم همین طور بودند. آنها ولایت فقیه را به طور کلی منکر بودند. حتی وقتی مجلس خبرگان به ولایت فقیه رسید، آنها به فکر انحلال این مجلس افتادند و تهدید به استعفا می‌کردند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

در واحد شاهرود ادغام شود. شب تا ساعت نه در دفترم کار کردم. به خانه آمدم. فیلمی از کمیته انقلاب در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر دیدم.

دوشنبه ۲٤ بهمن | ٦ رجب ۱٤۰۹ ۱۳ فوریه ۱۹۸۹

اول وقت به مجلس رفتم. برف سنگینی می‌بارید. گزارش‌ها راخواندم. در جلسه علنی از حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن تشکر کردم و در مورد آزادی زندانیان سیاسی با عفو امام حرف زدم[1].

ساعت نه و نیم برای شورای بازسازی به مقر ریاست جمهوری رفتم. وزرای صنایع و معادن و بازرگانی و رئیس [سازمان] امور اداری و استخدامی هم آمدند. درباره ادغام وزارتخانه‌های صنایع و معادن بحث بود. آقای [سید منصور] رضوی [رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور] از ادغام دفاع کرد و [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی

---

۱ - در این نطق آمده است: « حضور گسترده مردم عزیز ما در مراسم راهپیمایی دهه فجر و سالگرد انقلاب، از افتخارات منحصر به فرد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است. علیرغم تبلیغات گمراه کننده و رندانه و نق‌زدن‌های دلسردکننده‌ای که از تریبون‌های مختلف به گوش مردم می‌رسید و علیرغم کمبودهای واقعی و گرانی‌های غیرمعقول، حضور وسیع مردم در شرایط بد جوی و در سرما، برف و باران در خیابان‌ها و میدان‌ها با آن شعارهای مخلصانه و دلگرم کننده، نشان دهنده این است که آگاهی سیاسی لازم را برای شرکت در اداره کشور دارند که من خاضعانه و صمیمانه از این مردم تشکر می‌کنم. حضور گسترده مردم در مراسم روز ۲۲ بهمن نشان دهنده این است که مردم درک دارند و می‌فهمند که مسئولان کشور و امام عزیز و بزرگوار، تلاش خودشان را برای اداره کشور انجام داده‌اند و می‌دهند، منتهی کمبودها واقعیتی است که به خاطر شرایط جنگ و شیطنت‌های دشمنان بر این مملکت تحمیل شده است و از نظر مردم ما قابل قبول است. ما باید با توجه به این صفا، خوبی و وفاداری مردم، برای حل مشکلات جامعه تلاش بیشتری بکنیم که ان‌شاءالله در دهه دوم پیروزی انقلاب، بتوانیم این وظیفه را با برنامه‌ریزی صحیح و اجرای دقیق انجام دهیم. خوشبختانه در همین شرایط، با کارشناسی خوب وزارت اطلاعات و عفو و گذشت حضرت امام امت، اجازه داده شد بخشی از نیروهایی که به خاطر اشتباهات و گناه‌هایشان، گرفتار جزای اعمال خودشان بودند، دوباره به جامعه راه پیدا بکنند که این، هم نشان تثبیت انقلاب و هم نشان عفو، گذشت و سعه صدر مردم و رهبری انقلاب است. امیدواریم آنها از این گذشت سوءاستفاده نکنند و گذشته بد خودشان را جبران کنند و از مسئولین مربوطه هم انتظار داریم که نصایح امام را جدی بگیرند و در راه جذب اینها به جامعه و محیط کار و تلاش، سخت‌گیری‌های بی‌مورد نشود تا اینها بتوانند وارد متن جامعه بشوند و این مسأله، برای دیگران که در بیرون و داخل منتظرند تا ببینند که آیا جامعه آنها را جذب می‌کند، سند خوبی بشود تا ما یکپارچگی جامعه‌مان را که بحمدالله تا به حال حفظ شده است، به خوبی حفظ کنیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

و بقیه مخالفت کردند و سرانجام قرار شد در اعلان سیاست‌ها، فقط از لزوم ادغام سازمان‌های مکرر و حذف زایدها گفته شود و اسمی از نهادی برده نشود. درباره آزاد شدن ورود مواد اولیه صنایع هم بحث شد و ادامه بحث به جلسه بعد موکول کردید.

برای استراحت به مجلس رفتم. عصر آقای آقازاده وزیر نفت و مدیران پتروشیمی آمدند و گزارش مذاکرات با ژاپن درباره پروژه پتروشیمی ایران - ژاپن را دادند. ژاپنی‌ها از ادامه مشارکت منصرفند و قبول کرده‌اند که از کل سرمایه خود صرف نظر کنند و تصفیه حساب شود که پس از محاسبه، معلوم شد حدود سیصد میلیون دلار باید بابت بدهی‌های گذشته بپردازند. گفته‌اند وامی به مبلغ یک میلیارد دلار هم خواهند داد. قرار شد برای ادامه کار به منظور گرفتن امتیاز بیشتر اصرار شود. آقای آقازاده گزارش پیشرفت صنایع گاز و نفت را داد. گفتم به [محسن] کنگرلو [مشاور نخست وزیر] بگوید سند تعهدهای شیراک برای آزادی [انیس] نقاش را بیاورند، چون شیراک منکر شده است. تا ساعت هفت شب در دفترم کار کردم.

چکی برای بنیاد مستضعفان بابت اجاره چند ساله منزل جماران کنار بیت امام فرستادم. مبلغی هم خرج تعمیر منزل و ساخت محل پاسداران کرده ام.

به جلسه سران قوا و شورای عالی قضایی رفتم. امام دستور داده‌اند که درباره تقسیم وظایف اعضای شورا تصمیم گیری شود. من با تقسیم مخالفم و طرفدار تمرکز وظایف و اختیاراتم. بالاخره طرح تقسیم تصویب شد ولی به اتفاق آرا نظر داده شد که تمرکز با حق وتوی رئیس شورا ارجح است. به منزل آمدم. برف سنگینی باریده و باز هم می‌بارد.

سه‌شنبه ۲۵ بهمن | ۷ رجب ۱۴۰۹ — ۱۴ فوریه ۱۹۸۹

برف سنگینی می‌بارد. دو روز است یکسره می‌آید. فکر می‌کنم برف به این سنگینی در این چند سال نداشته‌ایم. ساعت نه صبح حرکت کردیم. عبور و مرور به زحمت انجام می‌شد. به مدرسه عالی شهید مطهری رفتم. در سمینار اصناف، درباره مشکلات ناشی از گرانی

شدید و راه‌های علاج آن سخنرانی کردم[1].

به مجلس رفتم. [سرتیپ جلالی] وزیر دفاع آمد. گزارش سفر به گابن را داد. او برای نمایشگاه اسلحه رفته بود. برای امور ارتش مذاکره شد. رئیس جمهور گابن از او قالی هدیه خواسته بود و بعضی از کشورها اسلحه و آموزش. مدعی است غرفه اسلحه ایران بعد از فرانسه اول بوده.

آقای مهندس [اکبر] ترکان [مدیر عامل سازمان صنایع دفاع] آمد و درباره قرارداد خرید تکنولوژی تانک ام - ۸۴ یوگسلاوی مشورت کرد. عصر آقایان آقازاده و دکتر ولایتی آمدند. گزارش سفر به ایتالیا، انگلیس، عمان و آمریکا را دادند. دبیرکل [سازمان ملل] فکر می کند که عراقی‌ها از موضع نرم‌تری نسبت به گذشته حرف می‌زنند و از صدام نقل کرده که گفته درباره شط‌العرب دو طرف حرف خودشان را بزنند تا آخر، ولی بقیه کارها انجام شود. فرستاده عمان بنا است برای گرفتن جواب آنها در مورد حج به عربستان سعودی برود. آقای علی جنتی برای امور دفتر فرماندهی [کل قوا] آمد.

آقایان محسن رضائی و رحیم صفوی از سپاه آمدند. خواهان تسریع در اتخاذ تصمیم نسبت به وضع نهایی سپاه بودند.آنها معتقدند که وضع موجود، سپاه را ضعیف می کند. آقای [محسن] نوربخش [نائب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس] آمد. او از طرف من برای شرکت در سمینار بازسازی عازم ژاپن است. درباره سفرش مشورت کرد. [آقایان محمد حسین پودینه، غلامعلی شهرکی و امیر میر] نمایندگان زابل و زاهدان آمدند و از استاندار [سیستان و بلوچستان] به خاطر عدم به کارگیری نیروهای بومی شکایت داشتند.

شب به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. درباره هماهنگی اطلاعات خارج از کشور و همچنین درخصوص اختیارات تعزیرات حکومتی دولت در کنترل سازمان‌های دولتی بحث شد. آخر شب آقای [محمدعلی] انصاری از بیت امام تلفن کرد و گفت امام

---

[1] - این سخنرانی و هشدار صریح آقای هاشمی در خصوص مقابله جدی با گران فروشی بازتاب زیادی در رسانه های بین المللی داشت. رادیوهای بیگانه در این خصوص گفتند : «حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی امروز به اصناف و عاملان تورم و گرانی در ایران به طور ضمنی هشدار داد و گفت: اعضای شورای تشخیص مصلحت نظام در حال تهیه قانون جامعی برای مجازات محتکرین، گرانفروشان و دیگر عوامل گرانی هستند. رئیس مجلس شورای اسلامی که امروز در جمع بازاریان در تهران سخن می گفت به اصناف هشدار داد که اینک اعتبار آنان در گرو اقدام سریع برای کنترل نرخ‌هاست. مردم همه مشکلات را فهمیده‌اند و ما برای حل مشکل گرانی و کمبود کالاهای مورد نیاز مردم به تلاش گسترده‌ای دست خواهیم زد.»

پیغام داده‌اند که درباره کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی برخورد محکمی داشته باشیم[1]. به خاطر یخبندان خیابان‌ها، محافظان مصلحت ندیدند که به منزل برویم. شب را در مجلس خوابیدیم.

چهارشنبه ۲۶ بهمن | ۸ رجب ۱٤۰۹ | ۱۵ فوریه ۱۹۸۹

ساعت شش و نیم صبح بیدار شدم. بعد از نماز تا ساعت هشت کارهای دفتر را انجام دادم. در گزارش‌ها مسئله کتاب آیات شیطانی و حکم امام به اعدام سلمان رشدی، انعکاس وسیع و منفی دارد[2]. در جلسه علنی در این ارتباط صحبت کردم[3] ولی به عنوان توطئه کفر جهانی

---

[1] - در پی انتشار کتاب «آیات شیطانی» در انگلستان و اعتراض مسلمانان جهان، حضرت امام خمینی (ره) فتوایی به این شرح صادر کردند: «بسمه تعالی، اناالله و اناالیه راجعون، به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم، مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است، ان شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی» منبع: کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۶۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

[2] - رادیوهای بیگانه گفتند: «با شدت گرفتن مبارزه تبلیغاتی حکومت اسلامی علیه نویسنده کتاب «آیه‌های شیطانی» سپاه پاسداران اعلام داشت که آماده است فرمان آیت ا لله خمینی در مورد لزوم قتل آقای سلمان رشدی را به مورد اجرا گذارد. سلمان رشدی شب گذشته گفت که این تهدید را بسیار جدی می‌گیرد. امروز در سراسر ایران، عزای عمومی بود و کسبه با بستن مغازه‌ها، در مساجد حضور یافتند. در حالی که سران حکومت اسلامی تا دیروز انتشار کتاب آیه‌های شیطانی را نتیجه توطئه آمریکا می‌دانستند، امروز تظاهرات به سفارت بریتانیا در تهران کشیده شد و در حدود دو هزار نفر در برابر ساختمان سفارت به شعار دادن پرداختند. سلمان رشدی یک شهروند انگلیسی هندی تبار است که در گذشته دو کتاب او به زبان فارسی ترجمه شده و در تهران انتشار یافته است. اکثر سران حکومت اسلامی امروز اظهارات شدیداللحنی علیه سلمان رشدی و کتاب وی انتشار دادند. آقای خامنه‌ای انتشار این کتاب را یک اقدام وقیحانه توصیف کرد و آن را فاقد ارزش هنری و فرهنگی، تاریخی یا علمی دانست. آقای هاشمی رفسنجانی انتشار این کتاب را نتیجه یک توطئه جهانی خواند و گفت: هم اکنون یک حرکت بسیار خطرناک که از یک جنگ رسمی بدتر است، سازماندهی می‌شود که دنیای اسلام باید آن را بسیار جدی بگیرد. آقای علی اکبرولایتی، سفیران، کارداران و نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی در تهران را فرا خواند تا برای مقابله با این توطئه، یک کنفرانس اسلامی فوق‌العاده برگزار کنند. نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی با امضاء کردن نامه‌ای، انتشار این کتاب را نتیجه توطئه استکبار جهانی دانستند و از پیروان ادیان الهی خواستند آن را محکوم کنند.»

[3] - در این نطق آمده است: «نمایندگان محترم و مردم در جریان فتنه‌ای که کفر جهانی برای جهان اسلام برنامه‌ریزی کرده است، هستند که اینها در حال حاضر، با اهانت به مقدسات اسلام، اهداف خاصی را با انگیزه‌های مشخص تعقیب می‌کنند. ممکن است بعضی از شیاطین موجود در جامعه، ذهن مردم را آلوده کنند و بگویند چه اهمیتی دارد، برای یک کتاب یا نویسنده که یک غلطی کرده است این همه

برای شکستن قدرت اسلام و پس از صحبت با رأی اکثریت حضار، جلسه را به عنوان اعتراض به این توطئه تعطیل کردیم. مدتی با نمایندگان در این خصوص و نیز درباره علاج گرانی‌ها و بدحجابی صحبت کردیم.

آقای مجید انصاری آمد. به اظهارات اخیر آیت‌الله منتظری، هم به عنوان نادرست بودن نسبت سانسور و استبداد و طرد نیروهای عادل و ... و هم به عنوان ضرر به وحدت و ایمان جامعه و سوء استفاده دشمنان انتقاد داشت و در خصوص نوشتن نامه سرگشاده به ایشان مشورت کرد. گفتم نامه سرگشاده مصلحت نیست. نباید به شخصیت ایشان آسیب وارد شود؛ قبول کرد که نامه خصوصی بنویسد.

[آقای احمد بلوکیان] نماینده کاشمر آمد. از اذیت‌های خط تندرو در کاشمر شکایت داشت و برای برگرداندن آقای [حبیب الله] محمدیان امام جمعه سابق - که تحت فشار آنها به قم رفته است- استمداد کرد. هیأت رئیسه جلسه داشت. درباره راهپیمایی از مقابل مجلس، به دعوت نمایندگان در روز جمعه صحبت شد. اکثریت موافق بودند و من مخالف.

﴿هیاهو و تظاهرات در دنیای اسلام انجام شود. نیاز است که مطالب یک مقدار باز شود تا اگر ملت ما در مقابل چنین وسوسه‌هایی قرار گرفتند، بدانند که مسأله این نیست و این ظاهر قضیه است. من فکر می‌کنم آنچه که باعث شده است رهبر بزرگوار ما، امام امت، با این شور و هیجان به مسأله بپردازند و آنچه که قائم مقام رهبری انقلاب، آیات عظام قم، روحانیت و مردم را این گونه ناراحت کرده است و این حالت در سراسر دنیا نیز مشاهده می‌شود، مسائل پشت پرده‌ای است که در این قضیه به چشم می‌خورد، این است که برای یک حرکت بسیار خطرناک، برنامه‌ریزی و سازماندهی شده است و این حرکت، از یک جنگ رسمی بدتر است. اینها به دنبال ضربه‌ای که بعد از انقلاب اسلامی در ایران خوردند و قدرتی که از اسلام در لبنان و افغانستان دیدند، در تحلیلشان به اینجا رسیدند که مایه اصلی این حرکات، تقدس و هاله قداستی است که بر عقاید و مقدسات اسلام کشیده شده است و این مقدسات که ذهن مردم مسلمان را همیشه پاک نگاه می‌دارد و به دنیای اسلام نشاط و حرکت می‌دهد.» آقای هاشمی آنگاه با یادآوری این مسأله که قدرت‌های استکباری با جنگ و انواع حیله‌های سیاسی، نتوانستند این تقدس را بشکنند، گفت: « اینها با شیوه ای وارد عمل شدند که با استفاده از شخصی که مثلاً از جایی مثل هندوستان است و ظاهراً از دنیای غرب فاصله دارد و با یک اسم غلط‌انداز، کار را شروع کنند و قبلا" به عنوان حق تألیف به این شخص پول داده می‌شود و از قبل برای او محافظ می‌گذارند، زیرا می‌دانند که چکار می‌کنند. یک بنگاه انتشاراتی صهیونیستی هم دنبال کار او است. از پیش ترجمه‌های این کتاب در کشورهایی مثل آمریکا و ایتالیا آماده می‌شود و تبلیغات به‌گونه‌ای انجام می‌شود که قبلاً ذهن مردم را برای خرید کتاب آماده می‌کنند و همه اینها حکایت از یک سازماندهی و برنامه‌ریزی می‌کند و نشان می‌دهد که این حرکت، یک حرکت معمولی نیست. آقای هاشمی در پایان با اشاره به اینکه عده‌ای از نمایندگان مجلس به پیروی از حوزه‌های علمیه خواستار تعطیلی جلسه امروز مجلس شورای اسلامی شده‌اند، درخواست کرد که نسبت به این پیشنهاد رأی گیری به عمل آید و در نتیجه با رأی قاطع نمایندگان، جلسه علنی مجلس تعطیل شد. ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.



تظاهرات مسلمانان جهان در محکومیت انتشار کتاب توهین آمیز آیات شیطانی



عصر نمایندگان شهرکرد و خرمشهر آمدند. برای حل مشکلات حوزه انتخابیه خود استمداد کردند. آقای عبدالله نوری آمد. به مواضع تند وزیر کشور انتقاد داشت. درباره مشکلات نیروهای مسلح مذاکره کردیم. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم.

آقای [محمد حسن] زورق تلفنی گفت که آقای [شیخ حسن] صانعی از طرف بنیاد ۱۵ خرداد اطلاعیه داده که به کشنده سلمان رشدی جایزه نقدی می‌دهد. مشورت کرد، گفتم از بیت امام بپرسند و سر انجام از امام سئوال شد، موافق بودند. خبر منتشر شد. برای بعضی‌ها این همه عکس‌العمل در مقابل این حادثه توجیه ندارد[1].

پنجشنبه ۲۷ بهمن | ۹ رجب ۱٤۰۹ ١٦ فوریه ۱۹۸۹

ساعت نه صبح به دفتر فرماندهی [کل قوا] رفتم. آقای [علی] فلاحیان [قائم مقام وزیر اطلاعات] آمد. درباره صنایع شیمیایی پارچین گزارش آورد و گفت نامه ای در پاسخ آقای منتظری نوشته و می‌خواهد به روزنامه بدهد. گفتم به روزنامه ندهد، برای خودشان بفرستد. مدعی است اکثر نیروهای مخلص حزب‌اللهی از اظهارات ایشان رنجیده‌اند.

آقای [علی] رازینی آمد. گزارش محاکمه سران منافقین را داد. گفت جمعی از سربازها را که به اجبار آورده شده بودند، آزاد کرده و جمعی را به زندان داده‌اند. درباره عفو اضافه خدمت سربازان مقصر پرسید؛ موافقت کردم.

آقای حسینی تاش آمد. گزارش صنایع نظامی سپاه و ابلاغ اولویت اول موشک شهاب۲ را داد . آقای [سید حسن] فیروز آبادی آمد . گزارش کار ستاد کل را داد و برای اموری چند منجمله انحلال معاونت ستاد تخصصی کسب اجازه کرد. آقای سنجقی آمد. گزارش وضع سپاه را داد و از عمکرد شورای عالی سپاه اظهار رضایت نمود. آقای [خسرو] عروج

۱ - بنیاد ۱۵ خرداد اعلام کرد به هر ایرانی که سلمان رشدی مؤلف کتاب کفرآمیز آیات شیطانی را به مجازات تعیین شده برساند، مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال و به هر غیر ایرانی یک میلیون دلار جایزه خواهد داد. سلمان رشدی، هندی‌الاصل مقیم انگلیس در کتاب آیات شیطانی به مقدسات اسلام، قرآن کریم و مقام شامخ پیامبر اکرم (ص) در قالب یک رمان مستهجن و ضداخلاقی اهانت کرده بود. محافل صهیونیستی، دولت آمریکا و جهان غرب به حمایت از انتشار این کتاب برخاستند و سال‌ها این ماجرا ادامه داشت.

آمد و درباره حفاظت و نیازها و مشکلات گفت.

عصر تیمسار ترابی [فرمانده حفاظت و اطلاعات ارتش] گزارش بازداشت چند جاسوس آمریکا در نیروی دریایی را داد و نیازهای شنود و زندان را گفت. فرماندهان سپاه خراسان آمدند. نیازهای عقبه و پایگاه و کسری بودجه و لزوم روشن شدن آینده سپاه را مطرح کردند. آقایان محسن رضائی، [علی] شمخانی، [مصطفی] ایزدی، [ابراهیم] سنجقی و [غلامعلی] رشید آمدند و درباره آینده سپاه گفتند. درباره طرح اجرایی ادغام نیروهای ارتش و سپاه بحث شد.

اعضای کمیسیون برنامه و بودجه برای مشورت در سهم ارزی دفاع آمدند. شب به خانه آمدم. آقای جواد لاریجانی تلفنی گفت کاردار انگلیس، نگران ضعف حفاظت سفارت است و خواسته که حفاظت تقویت شود.

جمعه ۲۸ بهمن | ۱۰ رجب ۱٤۰۹ ۱۷ فوریه ۱۹۸۹



سلمان رشدی

در منزل بودم. در گزارش‌ها و اخبار جهانی، موضوع حکم امام به اعدام نویسنده کتاب آیات شیطانی، بیشترین بخش را به خود اختصاص داده و دشمنان اسلام از آن برای کوبیدن امام و اسلام و شیعه استفاده می کنند و لابد تا مدتی این تبلیغات ادامه خواهد داشت؛ گر چه شرکت های انتشاراتی مربوطه جا زده اند ولی بی شک این کتاب با این هیاهوها از تیراژ و خوانندگان بالایی برخوردار خواهد شد. هر کس تمایل پیدا می کند که بداند چه مطلبی در این کتاب است. نویسندگان و هنرمندان غیر اسلامی هم از او حمایت می کنند[۱].

[۱] – رادیو بی بی سی اعلام کرد: «آقای [آیت الله] خامنه‌ای رئیس جمهور ایران امروز در مراسم نماز جمعه تهران گفت: سلمان رشدی چاره‌ای جز مرگ ندارد زیرا با یک میلیارد مسلمان و آیت الله خمینی در افتاده است، اما اضافه کرد که در صورت اظهار ندامت ممکن

مراجعات متعددی از آشنایان و بستگان برای گرفتن توصیه داشتم. معمولا روزهای تعطیل چنین وضعی دارم و وضع خوبی نیست. چاره‌ای هم نیست. مواردی هست که برای رفع ظلم و یا احقاق حق باید نوشت و توقعات حدی ندارد. معمولا برای رفع مشکلات اداری مردم است.

شنبه ۲۹ بهمن | ۱۱ رجب ۱۴۰۹ | ۱۸ فوریه ۱۹۸۹

به مجلس رفتم. قرار بود شورای سیاست‌گذاری [بازسازی] جلسه داشته باشد، ولی چون نخست وزیر از سفر ترکیه به تهران نرسیده بود، جلسه را لغو کردیم. آقای [رضا] امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و گفت با آرژانتین تفاهم نامه امضاء شده و خواستار حمایت برای تصویب و اجرای آن شد. سفیر کره شمالی برای خداحافظی و تأکید بر توسعه روابط آمد.

عصر طلاب جبهه رفته از قم آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. آقای [محی‌الدین] فاضل

است بخشیده شود. آقای خامنه‌ای در انتقاد از بریتانیا به خاطر صدوراجازه نشر کتاب گفت: بریتانیا باید به مسلمانان توضیح دهد که چرا به یکی از اتباع خود اجازه چنین کاری را داده است. اما رئیس جمهور ایران در هشداری که خبرگزاری ایران آن را هشدار بی‌سابقه خوانده است، از تظاهرکنندگان خواست که به سفارتخانه‌های بریتانیا و سایر کشورها در تهران نزدیک نشوند.»

۱ - در آستانه اول اسفند سالروز «روحانیت و دفاع مقدس» جمعی از مسئولین دفاتر نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین گروهی از روحانیون جانباز حوزه علمیه قم، به همراه جمعی از طلاب رزمی تبلیغی تیپ ۸۳ امام جعفر صادق (ع) با جانشین فرمانده کل قوا دیدار کردند. در این دیدار ابتدا آقای مجتبی ذوالنوری فرمانده تیپ ۸۳ امام جعفر صادق(ع) گزارشی از عملکرد یگان، در طول ۸ سال دفاع مقدس ارائه نمود. سپس آقای هاشمی طی سخنانی ضمن قدردانی از زحمات این برادران در طول هشت سال دفاع مقدس اظهار داشت: «این جنگ در تاریخ اسلام و ایران و روحانیت از هر بعدی که به آن نگاه کنیم، یکی از قطعات بسیار مهم تاریخ ماست و خیلی از چیزها به خاطر ویژگی‌های این جنگ قابل آموختن و بررسی و استفاده می‌باشد. اینکه یک کشور و یک ملت با همه ایثارها و تقیدها به اصول و مقررات و آداب اخلاقی و انسانی و جهانی در یک طرف باشد و آن طرف قضیه، قدرت‌های عظیم دنیا با همه نامردی‌ها و نامردمی‌ها قرار داشته باشند، در تاریخ گذشته دیده نشده است. در داخل کشور ما واقعاً یک حادثه عجیب و غریبی اتفاق افتاد؛ و آن حادثه فوق‌العاده، این بود که مردم و جوان‌های ما با مقاومت بسیار و صبر عظیم، مشکلات زندگی و جنگ و انقلاب را با هم تحمل کردند و نگذاشتند که دشمن به اهداف خود برسد. حضور طلبه‌ها و روحانیت در جبهه‌ها نیز یکی از عوامل بسیار مهم تزریق استقامت و شجاعت بود. حضور طلاب و روحانیون در بین گردان‌های خط شکن بسیار توان افزا و روح‌بخش بود. به طور یقین طلاب و روحانیت

هرندی برای خداحافظی و رفتن به ژاپن برای شرکت در مراسم تدفین امپراطور به نمایندگی از طرف من آمد. پیامی برای رئیس مجلس ژاپن دادم. شب سران قوا در دفتر من جلسه داشتند. آقای نخست وزیر گزارش سفر به ترکیه را داد؛ راضی است. آقای [سید علی اصغر] حجازی از وزارت اطلاعات آمد. طرحی برای کارهای برون مرزی ارائه داد که تصویب شد.

دکتر ولایتی آمد. درباره مسائل افغانستان نظر خواهی کرد. توصیه شد مجاهدین شیعه در سهمیه شورا و کابینه سخت‌گیری نکنند، زیرا خطر انزوا یا درگیری وجود دارد. آقای شمخانی درباره محل تشکیل گروه مذاکره نظامیان ایران و عراق نظر خواهی کردند. قرار شد یا در مرز و یا به نوبت داخل خاک ایران و عراق و یا در کشور ثالث باشد. یونیماگ[۱] پیشنهاد داده در خاک ما بین خط دو طرف باشد.

برف سنگینی شروع به باریدن کرد و محافظان گفتند به جماران رفتن و صبح زود برگشتن مشکل است. در مجلس ماندم.

یکشنبه ۳۰ بهمن | ۱۲ رجب ۱٤۰۹ ۱۹ فوریه ۱۹۸۹

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم. تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی ماندم. آقای [غلامعباس] زائری آمد. اجازه گرفت ماشینش را برای ادای قرضش بفروشد. معمولاً هر نماینده در هر دوره تسهیلاتی از مجلس برای اتومبیل می‌گیرد.

ظهر یکی از نمایندگان آمد. درباره ضعف های مجلس و عدم برنامه مهم در دستور را گفت؛ تأیید کردم. نمایندگان جدید انتظار کارهای مهم تری داشتند. در دوره‌های قبل، کارهای مهم انجام شده است. برای این دوره برنامه پنجساله و اصلاح اداری را دادیم.

نقش بسزائی در این جنگ ایفا نموده‌اند و تاکنون روحانیت در مبارزه و جنگ در کانون خطر حضور داشته است..» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[۱] - نیروهای یونیماگ که مخفف « گروه نظامی ناظر سازمان ملل برای ایران و عراق » است ، به فرماندهی ژنرال الوکویویچ اهل یوگسلاوی ، با ۳۵۰ نیروی کلاه آبی از ۲۴ کشور ، زیر نظر دبیرکل سازمان ملل ، در روز ۲۹ تیر ۱۳۶۷ در مواضع تعیین شده استقرار یافتند و آتش بس رسماً برقرار شد .

آقای [سید هاشم] بنی‌هاشمی نماینده مشهد آمد و طرح ادغام وزارتخانه‌ها را آورد. به نظرم خیلی افراط شده و به ۱۵ وزارتخانه رسانده‌اند. گفتم بعید است رأی بیاورد. عصر مددکاران اجتماعی آمدند. برای آنها صحبت کردم و تشویقشان نمودم[۱].

سفیر مجارستان آمد. دعوت رئیس جمهورشان را آورد که به آنجا بروم و از عدم پیشرفت موارد توسعه روابط و از عدم توافق بر سر قیمت نفت گله داشت. آقای گودرزی مسئول واحد حفاظتی جلوگیری از تخریب آمد. گزارش کار داد. از کمبود ابزار مناسب گفت. قرار شد برای خرید کمک کنم.

شب مجمع تشخیص مصلحت برای تعزیرات حکومتی جلسه داشت. آقای خامنه‌ای برای تهیه مقدمات سفر فردا به یوگسلاوی در جلسه نماندند و من اداره کردم. نخست وزیر و سرپرست وزارت بازرگانی پیشنهاد کردند که مسئولیت رسیدگی به بخش خصوصی به دادسرای انقلاب واگذار نشود. در قانون نظام صنفی، این وظیفه به وزارت بازرگانی واگذار شده است. بحث ناتمام ماند. دیر وقت به خانه آمدم.

گزارشی از استانداری تهران رسید که نیروهای عراقی در منطقه مهران جلو آمده‌اند. به آقای محسن رضائی گفتم پیگیری کند. بیانیه‌ای از دفتر امام منتشر شد که توبه سلمان رشدی قابل پذیرش نیست و بر فرض که توبه کند، باز هم مهدورالدم است. به نظر می‌رسد راه حل مسئله را می‌بندد و به تعارض شدید بین ایران و غرب می‌انجامد.

---

۱ - در آستانه سالروز تولد مولی الموحدین حضرت علی بن ابیطالب(ع) و به مناسبت روز مددکاری، اعضای شرکت کننده در سمینار جایگاه مددکاری اجتماعی در نخستین برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار ابتدا گزارشی از سمینار مذکور به رئیس مجلس ارائه شد، سپس آقای هاشمی ضمن تقدیر از زحمات دست‌اندرکاران در این سمینار، از مددکاران به خاطر گام برداشتن در مسیر خدمت به مردم و مداوای درد انسان‌ها تقدیر کرد و گفت: «هر قدر هم جامعه عادلانه حرکت کند، بالاخره کسانی هستند که بر اثر حوادث غیر قابل پیش بینی از حقوق و امکانات و استعدادهای خود محروم می‌شوند. وی سپس لزوم برنامه‌ریزی عملی و سازماندهی شده برای این گونه افراد را مورد تأکید قرار داد.» آقای هاشمی همچنین با اشاره به اینکه دین اسلام برای کمک به همنوع اهمیت زیادی قائل است، در مورد تعلیمات اسلامی در مورد کمک‌های افراد متمکن از لحاظ علمی و فنی و مالی به افراد غیر متمکن توضیحات داد. در مورد درمان ریشه‌ای محرومیت در جامعه نیز رئیس مجلس برلزوم جلوگیری از عقب مانده شدن افراد در جامعه تأکید کرد و این امر را مقدم بر سایر خدمات دانست..» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

اسفند ۱۳۶۷



دوشنبه ۱ اسفند | ۱۳ رجب ۱۴۰۹ ۲۰ فوریه ۱۹۸۹

آقای محسن رضائی اطلاع داد که گزارش پیشروی عراق در منطقه مهران صحت ندارد. آقای کیانی مسئول انتظامات بیت را احضار کردم و درباره خبر سخت گیری نسبت به آقای [سیدمجتبی] ذوالنوری که با طلاب رزمنده به ملاقات امام می‌رفتند، توضیح خواستم. گفت ایشان می‌خواست افراد فاقد کارت ملاقات را بیاورد و درگیری شد.

ساعت نه صبح به مرکز اسناد بنیاد مستضعفان رفتیم. کارخوبی در جمع آوری و تنظیم اسناد مهم که از خانه‌های طاغوتی‌های مورد مصادره به دست آورده‌اند، انجام داده‌اند و می‌تواند برای تنظیم تاریخ دوره پهلوی مفید باشد. از نمایشگاه و مرکز نگاهداری اشیاء عتیقه و گران‌قیمت دیدن نمودم. مجموعه بسیار نفیس عظیمی است و از قدرت قیمت‌گذاری بالاتر است. می‌شود با این اشیاء چندین موزه غنی ایجاد کرد[1]. ظهر به خانه

---

۱ – مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی در تهران و نمایشگاه‌های مربوط به آن، مورد بازدید قرار گرفت. در این بازدید که آقای طهماسب مظاهری قائم مقام بنیاد نیز حضور داشت، آقای هاشمی از قسمت‌های مختلف مؤسسه، شامل بخش‌های پژوهشی و مرکز اسناد بازدید کرد. مرکز اسناد این مؤسسه، مدارکی مربوط به مقامات دولتی و افراد با نفوذ در دوره قاجار و پهلوی، مشخصات شخصی و شغلی آنان، نشان‌ها، مناصب افتخاری، املاک و میزان تحصیلات هر یک از این افراد را گردآوری کرده و با استفاده از سیستم‌های پیشرفته آرشیو از قبیل میکروفیلم ، این اطلاعات را برای استفاده پژوهشگران آماده می‌کرد. در این مرکز حدود یک میلیون سند و بیش از یک میلیون عکس تاریخی گردآوری شده بود. نمایشگاه اسناد تاریخ معاصر ایران، مرکز دیگری بود که مورد بازدید قرار گرفت. در این نمایشگاه نیز مجموعه‌ای از اسناد، تصاویر و مدارک دولتی و قراردادهای تاریخی مربوط به دویست سال اخیر ایران به معرض نمایش گذاشته شده بود. همچنین مُهرها و نشان‌های مقامات دوره قاجار، حمایل‌ها و نشان‌های فراماسونری مربوط به سران پهلوی و قاجاریه، مدال کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و نیز فرمان‌های انتصاب عوامل دولتی و دستخط‌های شاهان قاجار و پهلوی خطاب به کارگزاران مملکتی در دوره‌های مختلف در این نمایشگاه به چشم می‌خورد. تلگرام علما و مجاهدان و اقشار مردم در جریان انقلاب مشروطیت ←

آمدم. عصر آقای صدیقیان محافظم با بستگانش آمدند؛ عقد ازدواج او را بستم.



بازدید از موزه بنیاد مستضعفان

سه‌شنبه ۲ اسفند | ۱۴ رجب ۱۴۰۹ | ۲۱ فوریه ۱۹۸۹

به مجلس رفتم. بیشتر تلکس های بین‌المللی مربوط به حوادث مربوط به کتاب آیات

۞در کنار اعلان‌های رسمی و دولتی در تهران و ولایات در دوره قاجاریه، نمایانگر این دوره از تاریخ ایران بود. همچنین عکس‌های شاهان قاجار و پهلوی به هنگام دیدارهای داخلی و سفرهای خارجی آنان در این نمایشگاه عرضه شده بود. بخشی از نمایشگاه نیز به مدارک فراماسونری و تصاویری از فراماسونرهای معروف ایران و جلسات آنان در لژهای مختلف که محل تصمیم‌گیری مقامات پهلوی بود، اختصاص داشت. نمونه‌هایی از شناسنامه و دفترچه‌های حساب جاری سران رژیم پهلوی از جمله رضاخان و شجره‌نامه خاندان پهلوی در گوشه‌ای دیگر از این نمایشگاه توجه بینندگان را به خود جلب می‌کرد. آقای هاشمی در ادامه این دیدار از مخزن آثار عتیقه مصادره شده از مقامات وابسته به رژیم گذشته بازدید کرد. ایشان در اظهاراتی با تأکید بر اینکه « چنین مجموعه‌ای با این درجه از تنوع و غنا در مورد تاریخ اخیر ایران بی‌نظیر است»، گفت: « ما نظیر چنین گنجینه با ارزشی را در هیچ جا سراغ نداریم و این آثار باید برای نسل‌های آینده و بلکه تاریخ دنیا حفظ و نگهداری شود. اسناد و مدارک موجود در این مجموعه‌ها می‌تواند مورخین را در کار تدوین تاریخ معاصر ایران و بررسی تحولات چند صد ساله اخیر این کشور، یاری کند.» آقای هاشمی خواستار تلاش در جهت تبدیل آثار عتیقه موجود در این مرکز به یک موزه برای بازدید مردم شد و افزود: « این آثار کم‌نظیر می‌تواند این موزه را در زمره غنی‌ترین موزه‌های جهان قرار دهد.»

شیطانی سلمان رشدی است[۱]. جامعه اقتصادی اروپا[۲] همگی سفیرانشان را از ایران فرا خوانده‌اند. به آقای [علی محمد] بشارتی گفتم وزارت خارجه اعلان کند که ما هم متقابلاً سفرایمان را فرا می خوانیم. پیش از دستور درباره تصمیم جامعه اقتصادی اروپا صحبت کردم و از روش غرب انتقاد نمودم[۳].

لایحه مالیات تعاون بازسازی مطرح بود. برای شرکت در مراسم افتتاح چند رشته در مقطع دکتری به دانشگاه تربیت مدرس رفتم که تا ظهر طول کشید. سخنرانی کردم[۴]. آنها

---

۱ - رادیو بی بی سی در بخش انگلیسی بعد از ظهر امروز (سه شنبه) خود پیرامون تصمیم دولت ایران دایر بر فراخوانی سفرا و رؤسای هیأت‌های نمایندگی ایران از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا به تهران اعلام کرد: «این مهم‌ترین قطع روابط میان ایران و جهان غرب پس از جریان گروگانگیری آمریکاییان در تهران در اوایل انقلاب ایران در ده سال گذشته محسوب می‌شود. وزارت خارجه ایران و جناح میانه رو این کشور، اعلام کرد در پاسخ به تصمیم جامعه اروپا مبنی بر فراخوانی ۱۲ فرستاده ارشد خود از تهران که حکایت از قطع روابط سیاسی دارد، ایران نیز دیپلمات‌های خود را از اروپا فرا می‌خواند. وزارت خارجه ادامه داد که حکم مرگ صادره از سوی آیت الله خمینی برای «سلمان رشدی» مورد تأیید همه رهبران مسلمانان در سراسر جهان می‌باشد. این موضوع کلی نمی‌باشد، زیرا برای مثال هیچ کشور عربی مسلمان این تصمیم رهبر ایران را مورد تأیید قرار نداده است. وزارت خارجه ایران ضمن ابراز تأسف از امتناع جامعه اروپا در محکومیت کتاب «سلمان رشدی» مبنی بر کفرآمیز بودن آن تأکید کرد، فرد میانه رو یعنی رئیس مجلس ایران آقای رفسنجانی، این کتاب را طرح توطئه امپریالیست‌ها علیه اسلام حقیقی توصیف کرده است.»

۲ - پیش از تشکیل « اتحادیه اروپا»، کشورهای اروپایی « جامعه اقتصادی اروپا» را با هدف نزدیکی اقتصادی به یکدیگر تأسیس کرده بودند.

۳ - در این نطق آمده است: « تصمیم جامعه اقتصادی اروپا در خصوص فراخوانی نمایندگانشان از ایران نشان داد که مسئله کتاب ضاله آیات شیطانی و مسائل بعدی آن کاملاً طراحی و برنامه‌ریزی شده بوده است و ما در همان شروع حرکت، چنین چیزی را حدس زدیم و همه شواهد این مسأله را تأیید می‌کند که امپریالیسم غرب برای مبارزه با اسلام، آن هم اسلام راستین و ناب، برنامه‌ریزی کرده است. آنها مدتی فکر می‌کردند با متهم کردن ایران اسلامی به جنگ طلبی به این هدف می‌رسند که این حربه از دستشان گرفته و معکوس شد و امروز حربه فرهنگی دیگری را مطرح کرده‌اند که بی‌شک در این مصاف هم کفر جهانی با شکست روبرو خواهد شد. امپریالیسم غرب از راه تزویر و ریاکاری، یعنی انگ مخالفت با آزادی به رهبری انقلاب و انقلاب ما هیچ طرفی نمی‌بندد. آنهایی که برای شهادت جمعی از مردم در پاکستان و کشمیر، هیچ اخمی به صورتشان نیاوردند، چطور می‌توانند برای حفظ جان یک نفر، آن هم کسی که دل صدها میلیون انسان را رنجاند و به مقدس‌ترین نهادهای جهان آفرینش اهانت کرد، دل بسوزانند. آنها فکر می‌کنند با این شیوه‌های ریاکارانه می‌توانند بین مراکز فرهنگی دنیا و جمهوری اسلامی ایران فاصله بیندازند و این اشتباه دیگری است. زیرا کسانی که با این ادله از انقلاب ما فاصله می‌گیرند، هیچ وقت با انقلاب نبودند و برعکس خواست‌های آنها، مسلمانان مخلص دنیا که واقعاً مسلمانند و به اسلام، قرآن و پیامبر اکرم(ص) احترام می‌گذارند، تازه می‌فهمند تنها مرکز دفاع از اسلام که به هر قیمت از اسلام دفاع می‌کند، ایران و رهبری انقلاب اسلامی ایران است و ما همین‌ها را می‌خواهیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۷، جلد ششم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۴ - آقای هاشمی در مراسم افتتاح ۳۴ رشته دوره دکتری تخصصی دانشگاه علوم پزشکی و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تربیت اساتید مورد نیاز کشور را تبلور یکی از آرزوهای دیرینه کسانی که به استقلال و سربلندی کشور و اسلام می‌اندیشیدند، توصیف کرد

برای بودجه بیشتر و زمین مجاور و حمایت سیاسی استمداد کردند. به مجلس برگشتم.

ظهر گروه سازمان تبلیغات اسلامی در کردستان آمدند. گزارش کار دادند و برای بودجه بیشتر استمداد کردند. عصر سفیر الجزایر آمد. درباره تقویت روابط و رسیدگی به وضع معلولان و خانواده‌های شهدایشان صحبت شد. تعاونی تاکسی داران آمدند و برای اصلاح قانون بیمه خود و گرفتن تاکسی نو استمداد کردند؛ چند سال است که تاکسی داده نشده و معمولا یک تاکسی بعد از پنج سال بایستی تعویض شود. آقای نصر آمد. درباره دفتر نظارت بر امور مجروحان جنگی صحبت شد. گفتم تحویل بنیاد جانبازان شود.



بازدید از نمایشگاه اسناد تاریخ معاصر در بنیاد مستضعفان

آقای ملک‌زادگان فرمانده نداجا [= نیروی دریایی ارتش] آمد. گزارش سفر دریایی ناوها را داد و اجازه گرفت یک موشک چینی ساحل به دریا را که اخیراً روی ناو سوار کرده‌اند، آزمایش کنند و نیز برای مذاکره با پاکستانی‌ها. آقای [محمد جواد] لاریجانی آمد. درباره مسائل جاری با غرب، احساس می‌شود سیاست وزارت خارجه به هم خورده

و گفت: «تأسیس دوره دکتری، گام جسارت‌آمیزی است که پشتکار و همت بیشتری می‌طلبد و به واقع کشور نیاز به چنین حرکتی دارد. اگر این راه پیموده نشود و ارزش لازم برای آن قائل نشویم، برای رسیدن به استقلال و ارتقاء علمی کشور، شرط لازم و ابزار مهمی را نخواهیم داشت. حضور فعال فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در دانشگاه‌های کشور، تأییدکننده عملکرد دانشگاه تربیت مدرس است، اما هنوز این عملکرد به حد مطلوب نرسیده و در آینده امید بیشتری به آن می‌رود.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

است؛ چاره‌جویی خواست. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم[۱].

چهارشنبه ۳ اسفند | ۱۵ رجب ۱۴۰۹ ۲۲ فوریه ۱۹۸۹

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. بیشتر گزارش‌ها و تلکس‌های خبری مربوط به مسئله سلمان رشدی است. تا ظهر در جلسه علنی ماندم. لایحه مالیات تمام نشد و عصر هم جلسه گذاشتیم و تا مغرب ادامه داشت تا بالاخره تمام شد. خطر افراط در مصوبه وجود داشت؛ ماندم که اعتدال حفظ شود و شد.

ظهر آقای [هاشم] هاشم زاده هریسی نماینده تبریز آمد. برای به وجود آمدن مرکز قوی تصمیم‌گیری در کشور چاره‌جویی می‌کرد و از موضع آقای منتظری در خصوص مسئولیت نپذیرفتن امور اجرایی به وسیله روحانیون اظهار نگرانی نمود.

ظهر پیام مهم و مفصلی از امام به مناسبت روز روحانیت منتشر شد. از روحانیت انقلاب تجلیل و از روحانیت ساکت و محافظه‌کار انتقاد کرده‌اند. در این پیام از مطالب اخیر آیت‌الله منتظری بدون ذکر نام به شدت انتقاد شده و به غرب سخت تاخته‌اند[۲].

سرشب آقای ری شهری [وزیر اطلاعات] آمد. درباره پیام امام و آینده رهبری با تضعیف آقای منتظری با این پیام امام صحبت کرد و خبر داد که عده‌ای از روحانیون،

---

۱ - رادیو بی بی سی گفت: «امروز آیت الله خمینی طی پیامی به روحانیون ایران از کسانی که می‌گویند انقلاب به هدف‌هایش نرسیده است، شدیداً انتقاد کرد. در ضمن آیت الله خمینی گفت که تحریم اقتصادی و دیپلماتیک موجب آن نخواهد شد که وی فرمان خود را لغو کند. در واقع این پیام باید در سالگرد انقلاب منتشر می‌شد. چون یک بررسی کلی از اوضاع ایران مخصوصاً بعد از جنگ هست. گرچه خطاب اصلی آیت الله تأکید بر اهمیت نقش روحانیت در اسلام بود، ولی عملاً آیت الله در این پیام به مسائل بسیاری اشاره کرد و به کسانی پاسخ داد که معمولاً این انتقاد را مطرح کرده‌اند که دخالت روحانیون در سیاست، چیزی جز تیره روزی برای ایران به بار نیاورده است.»

۲ - متن کامل پیام امام خمینی (ره) که به منشور روحانیت شهرت یافت، در بخش ضمایم همین کتاب درج شده است. در این پیام آمده است: «امروز عده‌ای با ژست مقدس مآبی، چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجّرگرایی و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.» در پیام امام خمینی (ره) با اشاره به تحلیل‌ها درباره اشتباهات پس از انقلاب آمده است: « نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته، در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به‌گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی، دارد از مواضع اصولیش عدول می‌کند.» ← کتاب «صحیفه امام»، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۷۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

نامه های تند اعتراض آمیزی به آقای منتظری نوشته اند. خواست که فردا جمعی از زندانیان گروهکی آزاد شده به مجلس بیایند و تظاهرات به نفع نظام کنند؛ گفتم آقای [حسین] هاشمیان یا آقای [مهدی] کروبی [نواب رئیس مجلس] برایشان صحبت کنند. شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ٤ اسفند | ١٦ رجب ١٤٠٩ — ٢٣ فوریه ١٩٨٩

در منزل بودم. کار زیادی از مجلس به خانه آورده بودم که تقریباً تمام وقت روز را گرفت. کمی هم در حیاط منزل قدم زدم. عفت به دیدار خانواده های شهدای شهرک شهدا واقع در جنوب تهران رفت. نامه‌های زیادی آورد و خواسته‌ها و انتقادات آنها را منعکس کرد.

محسن عصر آمد. درباره موشک و وضع مدیریت سپاه در امور صنعت موشکی مذاکره شد. مدیریت روشنی در سپاه حاکم نیست. مهدی روزه بود. قضای روزه هایی که در ماه رمضان به جبهه رفته‌ایم، می گیرد. عصر کارهای دو دفتر را آوردند که تا شب انجام دادم. نظر فقها در مورد سبّ پیغمبر(ص) را به مناسبت مسئله سلمان رشدی، از کتاب «جواهر»[1] مطالعه کردم. نظر بسیاری از فقها این است که اگر ضرری متوجه نشود، باید سبّ کننده را کشت، ولی حکم اخیر حضرت امام درباره رشدی، شرط عدم خطر و ضرر را قید نکرده است.

جمعه ٥ اسفند | ١٧ رجب ١٤٠٩ — ٢٤ فوریه ١٩٨٩

در منزل بودم و فقط برای نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم و هر دو خطبه را در ارتباط با

---

[1] - جواهر الکلام، کتابی مشروح و استدلالی در فقه شیعه است که در قرن سیزدهم هجری قمری توسط شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی در شرح مبسوط کتاب «شرایع الاسلام» علامه محقق حلی نوشته شده است.

ماجرای کتاب آیات شیطانی ایراد کردم[۱]. عصر بستگان برای امور شخصی آمدند. گزارش‌ها را آوردند. هنوز در دنیا مسئله فتوای امام در مورد مهدورالدم بودن رشدی در رأس اخبار و حوادث جهان است. محسن آمد و در مورد کم شدن تولید مهمات و گروه مهمات سازی سپاه صحبت شد.

شنبه ٦ اسفند | ۱۸ رجب ۱٤۰۹ ۲۵ فوریه ۱۹۸۹

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. معاون وزیر دفاع کره شمالی آمد. خواستار اجرای قراردادهای خرید تسلیحات قبل از آتش‌بس شد. آنها را متوقف کرده‌ایم. مدعی‌اند که مواد اولیه را خریده‌اند و مقداری را هم ساخته‌اند. قرار شد بخشی را بیاوریم و بخشی را تبدیل به انتقال تکنولوژی نماییم.

فرماندهان لشکر ۱۷ علی ابن‌ابی‌طالب(ع) آمدند. خواستار کمک برای پرداخت سهم لشکر ۷۱ اراک در پادگان مشترک در اندیمشک شدند و برای اعزام مجروحان به خارج استمداد کردند. آقای [حسین] مهدیان آمد. پیشنهاد داشت که آقای [محمدتقی] فلسفی برای ملاقات به منزل بیاید. آقای رفیق‌دوست آمد و از صنایع سپاه و وضع جبهه‌ها و پروژه خانه‌سازی برای سپاهیان [در شهرک شهید محلاتی] گزارش داد. ظهر آقای هاشمی نماینده سابق الیگودرز آمد. برای ماندن در خانه [سازمانی] مجلس تا آخر سال تحصیلی و مشکلات دیگر زندگی‌اش استمداد کرد.

---

۱ - آقای هاشمی به تجزیه و تحلیل عوامل ریشه‌ای تهیه و انتشار کتاب آیات شیطانی و عکس‌العمل مسلمانان نسبت به آن پرداخت و دستاویزهای غرب در حمایت از سلمان رشدی را ارزیابی کرد. در بخشی از این خطبه آمده است: « این روزها، استکبار به آزادی بیان به عنوان دفاع از آزادی قلم و مبارزه با تروریسم متوسل شده و جامعه هم این واژه‌ها را می‌پسندد، ولی اینها در پناه واژه‌های مقدس، افکار خودشان را به خورد مردم می‌دهند. اگر شما طرفدار آزادی بیان هستید، چطور همین حالا در خود لندن، مسلمانان را که می‌خواهند حرف بزنند، تهدید می‌کنید. در روز گذشته به دلیل اظهارنظر امام جماعت یکی از مساجد لندن، بمبی را به داخل یکی از مساجد آن شهر انداخته و باعث خراب شدن دیوار مسجد شده‌اند. چطور این عمل تروریستی نیست؟ من به عنوان رئیس مجلس از شما این سئوال را می‌کنم آیا شما از کتاب آیات شیطانی حمایت می‌کنید یا نه؟ زیرا که مسلمانان باید تکلیف خودشان را بدانند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

عصر مدیران رادیو آمدند. برای آنها درباره بهتر کردن کار رادیو و مسائل مربوط به موسیقی و شیوه انتقاد و ... صحبت کردم[۱].

مسئولان ائتلاف هشتگانه افغانستان آمدند. درباره مذاکرات با اتحاد هفتگانه و تخلف آنها در قرارها تحت فشار عربستان سعودی و پاکستان گزارش کامل دادند و برای آینده مشورت کردند و استمداد مالی و تسلیحاتی نمودند و تقاضای ملاقات با امام داشتند.

آقایان [محمد علی] هادی [نجف‌آبادی] و [سید کمال] خرازی و [حسین] کاظم‌پور [اردبیلی] آمدند. درباره ترمیم روابط با عربستان و کمک به معامله گروگان‌ها با آمریکا و شیوه تبلیغات در مقابل اروپاییان در قضیه سلمان رشدی مذاکره شد. شب مجمع تشخیص مصلحت جلسه داشت. درباره مسئولیت اجرای تعزیرات حکومتی و اصلاح مصوبات بحث شد. آیت‌الله خامنه‌ای از سفر [شش روزه به کشورهای یوگسلاوی و رومانی] برگشته‌اند، اما به خاطر خستگی در جلسه شرکت نداشتند. دیر وقت به خانه آمدم[۲].

---

۱ - در این ملاقات ابتدا آقای ایزدی مدیر رادیو، گزارش کوتاهی را در زمینه نقش و وظیفه صدای جمهوری اسلامی در مقطع بازسازی کشور ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی ضمن قدردانی از عملکرد رادیو، اظهار داشت: «در زمینه مسأله موسیقی در صدا و سیما هم این مسأله با توجه به اینکه نظرات فقهی فقها در مورد مصادیق یکسان نیست، قابل مرزبندی دقیق نمی‌باشد. اما آنچه مسلم است، برای شما، حجت شرعیه، نظرات حضرت امام است که علی‌الاصول تا وقتی که ایشان نظر مخالفی نداده‌اند، این خود برای قبول شرعی بودن کار شما کفایت می‌کند.» ایشان ضمن ضروری دانستن طرح مسائل انتقادی در صدا و سیما گفت: «اگر انتقاد وجود نداشته باشد، مسئولین دچار نوعی خود گم کردن می‌شوند. در صورتی که با انتقاد سالم، می‌توان همیشه روال امور را در جهت صلاح هدایت کرد. در مسأله انتقاد باید دو وجه مورد نظر باشند. یکی اینکه با همه یکسان برخورد شود و خدای ناکرده گروهی مصون از انتقاد و گروه دیگر در معرض تهاجم انتقادی قرار نگیرند، دیگر اینکه در انتقاد، همواره مسأله طرح نقاط مثبت فراموش نشود، چون همواره تشویق و تنبیه مکمل هم بوده و به کمک هم کارآیی دارند.»

۲ - خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران نوشت: «آیت الله حسینعلی منتظری جانشین آیت الله خمینی روز شنبه در نامه بیعت با رهبر انقلاب پیشنهاد کرد تا یک «نهاد انقلابی» تشکیل شود که تمامی قدرت را در دست داشته باشد. براساس این نامه، آیت الله منتظری خاطرنشان کرده که این دفتر انقلابی، متشکل از شخصیت‌های خبره مستقل از گرایش سیاسی، وظیفه دارد قوه قضایی، اجرایی و دیگر سازمان‌ها را کنترل کند. جانشین امام خمینی با طرح پیشنهاد تشکیل این نهاد که به منزله نهاد نجات عامه تلقی می‌شود، از کسانی که مانند خود وی، خود را در معرض پیام روز چهارشنبه امام احساس کرده‌اند، فاصله گرفته است. آیت الله خمینی در آن روز طی پیامی به علما برای آنکه متحد باقی بمانند، بار دیگر واقعاً رهبری ایدئولوژیک را بدست گرفت و به کسانی که در سلسله مراتب مذهبی به طرف مصلحت طلبی روی آورده و از اهداف اولیه انقلاب منحرف می‌شوند، هشدار داد. وی گفت: «من تحمل نمی‌کنم که لیبرال‌ها در کشور به قدرت برسند. من نمی‌پذیرم که منافق‌ها، اسلام مستضعفان را از بین ببرند. من نمی‌پذیرم که اصل نه شرقی و نه غربی انقلاب مورد استهزاء قرار گیرد.» امام خمینی ضمن رد آنکه انقلاب اشتباهاتی کرده است، تأکید کرد: به عنوان نمونه جنگ ایران و عراق موجب پیروزی افغان‌ها شد. وی بدین ترتیب برخلاف عقیده آیت الله منتظری نظر داد. جانشین امام بیست و سوم بهمن ماه به مناسبت دهمین سالگرد ←

یکشنبه ۷ اسفند | ۱۹ رجب ۱۴۰۹ ۲٦ فوریه ۱۹۸۹

ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. عمده تلکس‌ها و گزارش‌های جهانی مربوط به مسئله کتاب آیات شیطانی، روابط ایران و غرب و عکس‌العمل موافق و مخالف است؛ این فتنه به این زودی نمی‌خوابد. کم کم مسلمانان و طرفداران ما حالت تهاجمی به خود می گیرند.

در جلسه علنی تا ساعت نه و نیم ماندم. در تنفس آقای محمودی گلپایگانی آمد. درباره صدور [ماده معدنی] باریت - که برادرش دست اندرکار است - گفت و مدعی بود که سپاه در این کار دخالت کرده و بازار را خراب کرده است.

جمعی از نمایندگان طرح دو فوریتی مبنی بر قطع روابط با انگلستان را دادند که دو فوریت آن تصویب شد. ظهر آقایان [غلامعباس] زائری و [عباس] عباسی از بندرعباس آمدند. از استاندار و امام جمعه شکایت دارند. عصر آقای عسکراولادی آمد و از جبهه گزارش داد و خواست در سمینار کمیته امداد شرکت کنم. در جلسه یکشنبه نمایندگان شرکت کردم. درباره شرایط جاری و بحران روابط با غرب و آثار احتمالی و عوامل آن صحبت کردم.

تلفنی از احمدآقا علت ناقص پخش شدن صدای امام در ملاقات با [ادوارد] شواردنادزه وزیر خارجه شوروی را پرسیدم[1]. گفت حرف های آخر امام خوشایند نبود، با اجازه

﴿انقلاب خواستار رفع اشتباهات گذشته و ایجاد یک جامعه باز شد تا بدین ترتیب ایران منزوی نشود. وی همچنین از نیروهای از دست رفته جنگ ابراز تأسف کرد. آیت الله منتظری در نامه بیعت خود پس از ستایش از موضع قاطع امام، به وی از وفاداری کامل خود اطمینان داد.»

[1] - رادیوهای خارجی در بخش‌های خبری امروز (یکشنبه) خود سفر ادوارد شواردنادزه به بغداد و تهران را منعکس کردند. در اخبار رادیوها در این زمینه، به اعلام آمادگی شوروی برای خارج ساختن ناوگان آن کشور از خلیج فارس، مسائلی که احتمالاً میان وی با مقامات جمهوری اسلامی مورد گفتگو واقع خواهد شد، و نیز بعضاً به دیدار وی با امام خمینی اشاره شده است. رادیو لندن در بخش بین‌المللی خود گفت: «مذاکرات شواردنادزه در ایران با دیدار نادری برای یک شخصیت خارجی با رهبر روحانی ایران آیت الله خمینی توأم است.» رادیو لندن یادآور شد که انگلستان از شواردنادزه خواسته است تا از امام خمینی لغو حکم اعدام سلمان رشدی را درخواست نماید. رادیو لندن همچنین گفت: « انتظار می‌رود در سفر شواردنادزه به تهران، موضوع ایفای نقش احتمالی شوروی در تلاشی برای شکست بن‌بست موجود در مذاکرات آتش‌بس جنگ خلیج [فارس] مورد بحث و گفتگو قرار گیرد.» مفسر رادیو بین‌المللی فرانسه در انتهای خبری در رابطه با سفر شواردنادزه به تهران گفت: «اگر چه آتش‌بس از شش ماه پیش به جنگ ایران و عراق پایان داد، اما دو کشور در گفتگوهای صلح به نتیجه چندانی نرسیده‌اند. یکی از بحران‌های این پرونده مسئله شط‌العرب است. عراق خواستار لایروبی این رود و ایران خواستار خروج کلیه نیروهای عراقی از خاک کشورش می‌باشد. شواردنادزه در پایان سفرش به عراق دارای طرحی بوده است.﴾

خودشان حذف شد. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. به احمدآقا گفتم از امام بپرسد که نظرشان درباره طرح قطع رابطه با انگلیس چیست؟ بعداً جواب داد که امام گفته اند نظری ندارند.

دوشنبه ۸ اسفند | ۲۰ رجب ۱٤۰۹ ۲۷ فوریه ۱۹۸۹

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. تا ساعت یک کارهای اداری را انجام دادم. گزارش‌ها می گوید مسئله سلمان رشدی با حالت تهاجمی مسلمانان و اوج گرفتن حمایت از ایران، همچنان در رأس اخبار است[1].

در جلسه شورای بازسازی شرکت کردم. بعد از بحث زیاد تصویب شد که به بخشی از کارخانجات اجازه داده شود مواد اولیه با ارز آزاد وارد کنند و محصولات خود را با قیمت آزاد یا متناسب با قیمت ارز آزاد بفروشند.

ناهار را با آقای خامنه ای صرف کردیم. ایشان گزارش نقاط مهم سفر به یوگسلاوی و رومانی را دادند و معتقدند که با آنها توسعه روابط اقتصادی و فنی بدهیم، مخصوصاً با وضع جدید با غرب.

درباره طرح قطع رابطه با انگلیس که در مجلس مطرح است، با حضور وزیر خارجه مذاکره شد. آقایان خامنه ای و ولایتی مخالف تصویب قطع رابطه هستند. احمدآقا اطلاع داد که امام گفته‌اند در این باره نظری ندارند. نخست وزیر موافق است. احمدآقا هم مخالف است.

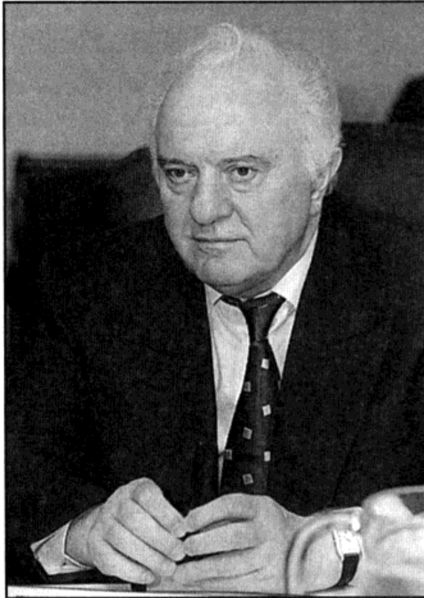
عصر کمیسیون تأمین مسکن کارکنان مجلس با [آقای محمد سعیدی کیا] وزیر مسکن

﴿ ﴾وی خواهان خروج نیروهای امریکایی و البته شوروی از خلیج [فارس] گردید که این اقدام بازگشت صلح قطعی به خلیج [فارس] و نیز بازگشت تماشایی مسکو به صحنه سیاسی خاورمیانه را تسریع می کند.

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارش ویژه‌ای تحت عنوان «امام خمینی به رادیکالیسم باز می گردد و حرکت لیبرال‌ها را سد می کند»، نوشت: «در طول جنگ هشت ساله علی‌رغم وجود نشانه‌هایی از اختلاف نظرها، جناح‌های قدرت و رقیب عمدتاً جبهه واحدی را تشکیل داده بودند، ولی پس از برقراری آتش بس ، اختلافات بین رهبران ایران بیش از گذشته ابراز می گردد. به عنوان مثال هفته گذشته آیت الله خمینی، علناً روند لیبرالی را که تندروها نسبت به افزایش نفوذ آن بیم داشتند، شدیداً مورد حملات لفظی قرار داد.»

آمدند. درباره اراضی که در نظام گذشته برای نمایندگان و کارکنان مجلس خریده شده، مذاکره کردیم؛. قرار شد آن تعدادی از کارکنان قدیمی که حق شرعی و قانونی دارند، حقشان داده شود و بقیه برای مسکن کارکنان دیگر مجلس مصرف شود و معلوم شد به همه خواهد رسید.

[ادوارد] شواردنادزه وزیر خارجه شوروی آمد[۱]. از پیام امام و ملاقات امام اظهار خوشنودی کرد. با اینکه امام پس از صحبت او با جمله «نظر من اینها نبود و می‌خواستم جهانی دیگر را به روی آقای گورباچف باز کنم» از جا بلند شده اند و او ناراحت شده، ولی بعد با کیفیت پخش خبر راضی شده است. به طور جدی خواستار تحسین و توسعه روابط و خروج آمریکایی ها از خلیج فارس و حل مسئله افغانستان شد و من هم تأیید کردم و پیام گورباچف را درخصوص تأکید بر سفر من به روسیه داد و من هم قبول کردم و گفتم وزرای خارجه، وقت سفر را تعیین کنند[۲].



ادوارد شوارد نادزه
وزیر امور خارجه شوروی

---

۱ - گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی اعلام کرد: «ادوارد شواردنادزه وزیر امور خارجه این کشور در جریان سفر اخیر خود به تهران به تفصیل در خصوص ماجرای سلمان رشدی با رهبران ایران به گفتگو پرداخته و شوروی نیز قصد دارد، در یافتن راه حلی برای بحران میان جامعه اقتصادی اروپا و ایران نقشی را ایفا نماید.» وی اظهار داشت: «برداشت شوروی این است که دولت ایران می‌خواهد راه حلی برای این قضیه پیدا کند و دولت شوروی نیز می‌تواند نقش مثبتی را در این خصوص ایفا کند.» سخنگوی مزبور در مسکو افزود: «شواردنادزه در مورد این موضوع با علی اکبر ولایتی همتای ایرانی خود و نیز سپس با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران به گفتگو پرداخته است.»

۲ - رادیو آمریکا در بخش فارسی اعلام کرد: «دیدار وزیر خارجه شوروی از خاورمیانه به اعتقاد ناظران سیاسی یک پیروزی دیپلماتیک برای مسکو بوده است. در این گزارش به نقل از مفسران سیاسی اعلام شد، سفر ادوارد شواردنادزه به منطقه خاورمیانه از نظر گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه حائز اهمیت بوده است. رادیو آمریکا افزود: روابط ایران و شوروی که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ به خاطر حمایت

تقاضای جلسه خصوصی کرد، پذیرفتم. با حضور دکتر ولایتی و مترجم صحبت کردیم. گفت درباره معاملات تسلیحاتی پس از مراجعت به مسکو، به آقای ولایتی جواب مثبت می دهد و در مورد مسئله سلمان رشدی صحبت کرد و توصیه داشت که بیش از این با غربی‌ها روابط را تیره نکنیم. توضیحاتی درباره علت صدور حکم امام دادم و گفت چند روز دیگر با غربی ها در بن ملاقات دارد و در این باره با آنها صحبت می کنند. اجازه گرفت در مسئله قطعنامه فعال باشند. شب به خانه آمدم.

سه‌شنبه ۹ اسفند | ۲۱ رجب ۱۴۰۹ ۲۸ فوریه ۱۹۸۹

صبح زود به مجلس رفتم. بیشتر مطالب، گزارش ها و اخبار، مربوط به مسئله سلمان رشدی و حکم امام است. انگلیس از طرح مجلس جا زده و اعلان کرده مایل به قطع رابطه با ایران نیست[۱].

قبل از شروع جلسه به نماینده‌گان اطلاع دادم که حضرت امام، نظر خاصی درباره طرح قطع رابطه با انگلیس ندارند و گفتم بهتر است مخالفان طرح صحبت نکنند که مورد بهره‌برداری دشمنان خواهد شد. پیشنهاد کردم که طرح را تعدیل کنیم و قطع رابطه را مشروط به عدم محکومیت کتاب سلمان رشدی از سوی انگلیس کنیم و عملاً هم با

مسکو از عراق و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، انتقادهای رژیم اسلامی توام با شعار نه شرقی نه غربی محدود شده بود، اخیراً جان تازه‌ای به خود گرفته است. در آن زمان تهران گروهی از دیپلمات‌های روسی را اخراج کرد و حزب توده وابسته به مسکو را قلع و قمع کرد. کرملین در جواب سروصداهایی ایجاد کرد، اما به طورکلی توجه مسکو به بهبود روابط با تهران معطوف بود و تماس‌های محلی به ویژه در آذربایجان با مقامات ایرانی برقرار گردیده بود.»

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس درباره بازتاب رأی مجلس ایران به قطع روابط با انگلیس نوشت: «این واقعیت که یکصد قانونگذار به مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران در مورد قطع رابطه با انگلیس رأی نداده‌اند، موجب این فکر شده است که میانه روهایی در میان روحانیون حاکم وجود دارند که هنوز مخالف سیاست خارجی ضد غرب ایران می‌باشند. چرا که این سیاست می‌تواند به اقتصاد وابسته به نفت ایران لطمه بزند و بهبود اقتصاد این کشور پس از هشت سال جنگ علیه عراق را بیشتر به تأخیر اندازد. با این حال این حرکت غیرعادی مجلس در توصیه به دولت در مورد سیاست خارجی به عنوان تلاشی از سوی علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس که در پاسخ به فراخوان [امام] خمینی، کند عمل کرده بود، تا ابتکار عمل را به دست گیرد، تلقی می‌شود. علی اکبر ولایتی وزیر خارجه تصمیم مجلس را تأیید کرد و به سایر کشورها هشدار داد که اگر از مطالب توهین آمیز علیه اسلام حمایت کنند، آنها نیز با حرکت مشابهی روبرو خواهند شد.»

پیشنهاد اصلاحی نمایندگان به همین صورت در آمد. کلیات طرح با اکثریت نزدیک به تمام نمایندگان تصویب شد. [آقای علی اکبر ولایتی] وزیر خارجه هم با طرح مخالفت نکرد؛ با اینکه مخالفت داشت، اعلان موافقت کرد.

ساعت یازده به دفترم رفتم و تا عصر کارهای دفتر را انجام دادم. ظهر آقای دکتر ولایتی تلفنی گفت انگلستان کاردار ما را به وزارت خارجه احضار کرده وگفته مایل به قطع رابطه با ایران نیست و خواسته بگوئیم چگونه می توانند به خواسته مجلس عمل کنند که روابط قطع نشود. گفتم مفاد مصوبه را به آنها بگوید و آنها بیانیه‌ای بدهند که خواسته ها در مخالفت با محتوای کتاب آیات شیطانی و مخالفت با اقدامات اهانت آمیز اخیر نسبت به جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران در آن باشد.

عصر مسئول ورزش جودوی کشور آمد و برای خرید تشک جودو و بودجه بیشتر استمداد کرد. شب در جلسه مجمع تشخیص مصلحت شرکت کردم. بحث در تعزیرات حکومتی برای تخلف از مقررات توزیع بود. دیر وقت به خانه رسیدم. چمدان را برای سفر فردا مهیا کردم و خوابیدم.

چهارشنبه ۱۰ اسفند | ۲۲ رجب ۱٤۰۹ — ۱ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح از منزل به سوی فرودگاه رفتیم و ساعت هفت و نیم با هواپیما همراه نمایندگان اصفهان و وزیر معادن و جمعی از ارتشیان و سپاهیان به سوی اصفهان پرواز کردیم. در هواپیما صبحانه صرف شد و توضیحات درباره ذوب آهن و فولاد مبارکه را شنیدم. در فرودگاه اصفهان با حضور روحانیون و نظامیان و مسئولان و خانواده‌های شهدا، استقبال رسمی بود.

از همان جا با چند هلی‌کوپتر به مجتمع هفت تیر سپاه رفتیم. منطقه وسیعی را گرفته‌اند و کارخانه های متعددی در حال تأسیس است. برای صنایع نظامی پیشرفت خوبی دارند. مرکز ساخت خمپاره های ۶۰ و ابزار سازی را افتتاح کردم و توضیحات مهندس دانش مدیر مجتمع را شنیدم.



مراسم استقبال رسمی در فرودگاه اصفهان



افتتاح اولین خط تولید مهمات سازی سازمان صنایع دفاع

با هلی کوپتر به سوی فولاد مبارکه پرواز کردیم. [آقای غلامحسین کرباسچی] استاندار اصفهان در مسیر توضیحات خوبی برای معرفی اوضاع مسیر داد. آقای مهندس عرفانیان هم درباره فولاد مبارکه، در محل مجتمع - که در زمینی ۷×۵ کیلومتر مربع احداث شده - از روی ماکت توضیحات کاملی داد. ۲/۳ میلیون تن تولید ورق فولاد خواهد داشت. از زمان بندی عقب است و بیشتر به خاطر عقب بودن کارهای داخلی از همکاری ایتالیا و ژاپن راضی است. با اتومبیل اکثر قسمت‌ها را گشتم و توضیح گرفتیم. بعد از ناهار و نماز به سوی ذوب آهن اصفهان حرکت کردیم.

دو سه ساعت هم در ذوب آهن به سر بردیم. کوره بلند، فولادسازی، کُک‌سازی و نورد را دیدیم و توضیح شنیدیم؛ جالب بود. نورد را هم افتتاح کردم و برای کارکنان سخنرانی کردم[1]. خیلی خونگرم احساسات بروز می‌دادند.

مغرب با هلی کوپتر به اصفهان برگشتیم. در مهمانسرای استانداری مستقر شدیم. عصر با روحانیون اصفهان قرار ملاقات داشتم که نرسیدم و آنها سه ساعت معطل شده بودند. بعد از نماز مغرب جلسه تشکیل شد. آقای [عباسعلی] روحانی امام جمعه موقت خیر مقدم گفت و من در اطراف پیام اخیر امام به روحانیت صحبت طولانی کردم[2]. شام را با آنها خوردیم.

---

۱ - آقای هاشمی در اجتماع کارکنان ذوب آهن اصفهان، از فعالیت‌ها و فداکاری‌های آنان در طول هشت سال دفاع مقدس در جبهه تولید و نبرد قدردانی کرد. ایشان با تأکید بر اینکه در حال حاضر ذوب آهن اصفهان مهمترین مرکز اقتصادی مؤثر مملکت است، پرونده عملکرد این مجتمع در طول دفاع مقدس را پرونده‌ای افتخارآمیز برای یکایک کارکنان دانست. آقای هاشمی با اشاره به مشکلات کارکنان این مجتمع گفت: «این مشکلات مربوط به کلیه کارکنان دولت و حقوق بگیران است. زیرا بعد از انقلاب، شرایط مملکت عادی نبود و آنچه که در زمینه مسکن، حقوق، بهداشت، حمل و نقل و دیگر امور رفاهی مورد نظر مسئولان بود. انجام نشد.» ایشان در مورد تبلیغات سوء بیگانگان علیه اسلام و حکومت اسلامی گفت: «دشمنان ما به آسانی دست از ما برنمی‌دارند و دیدیم که چگونه به قطب عالم امکان و قرآن مجید اهانت کردند. ما باید در مقابل چنین دشمنانی ضمن دفاع به خودسازی بپردازیم.حفظ اینگونه مراکز گرانبها و توسعه آن به عنوان مادر صنایع فولاد حرکت جامعه اقتصادی را به همراه دارد. پیکار امروز ما نبرد تولید است. اگر دیروز ما در جنگ با خون دادن، خود را حفظ کردیم، امروز با تلاش در محیط کار و بالابردن سطح تولید باید با دشمنان مقابله کنیم. انقلاب، جنگ، آموزش‌ها، تبلیغات و تظاهرات، همه انجام شد تا زمینه خلاقیت‌ها و حرکت‌های استقلال طلبانه این مملکت فراهم شود و امروز که فراهم شده است، باید تمام توان خود را به کار گیریم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - آقای هاشمی در اجتماع گروهی از ائمه جمعه و جماعات استان و جمعی از روحانیون حوزه علمیه اصفهان گفت: «پیام اخیر امام، شأن، مقام و منزلت روحانیت را در انقلاب و مدیریت جامعه تبیین کرد. قسمتی از پیام امام تأکید بر حضور در صحنه و وحدت بیش از پیش است. کسانی هستند که نمی‌خواهند روحانیت در جامعه حضور جدی داشته باشد و روحانیون را پلی برای کارها و مقاصد خود می‌خواهند. حال آنکه در یک جامعه مذهبی، روحانیت می‌تواند مردم را بسیج و مسائل آنها را درک و حل و فصل کند. قبل از پیروزی انقلاب ﷺ

بعد از شام آقای سید کمال فقیه ایمانی، اوضاع روحانیون ناراضی اصفهان و نمونه های مخالفت آنان را گفت و چاره‌جویی کرد. آقای [فضل‌الله] صلواتی نماینده سابق مجلس درباره اوضاعشان صحبت کرد؛ مطلب تازه‌ای نداشت. استاندار مقداری درباره اوضاع استان گفت. تلفنی احوال عفت را پرسیدم. قرار بود به اصفهان بیاید، گفت نمی آیم، یاسر تنها می‌ماند. مقداری درباره برنامه‌های فردا صحبت کردیم.

پنجشنبه ۱۱ اسفند | ۲۳ رجب ۱۴۰۹ ۲ مارس ۱۹۸۹

تا ساعت هشت صبح در مهمانسرا بودیم. اخبار رادیوهای خارجی و داخلی را گوش دادم[۱]. به مرکز توپخانه رفتم. در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای مسلح صحبت کردم[۲].

اسلامی هم این بحث بود که روحانیت باید در کارها دخالت کند و حضور در زمینه‌های مختلف داشته باشد یا نه. هنوز هم بعضی از روحانیون، شاید همان فکر را داشته باشند ولی باید گفت اگر در جامعه‌ای دین حاکم باشد، دین بدون حکومت نمی‌تواند حاکم باشد و در یک حکومت اسلامی، روحانیت نمی‌تواند بیکار بماند. روحانیت باید به طور جدی در قانونگذاری و قضاوت حضور داشته باشد و به طور کلی افراد در هر لباس باشند، در حد لیاقت‌ها و صلاحیت‌ها باید به میدان بیایند. برای اداره جامعه اسلامی، اجتهاد بیش از آنکه در گذشته ذکر می‌شد، باید مقبول باشد و نوآوری در فقه بسیار دشوار است و شجاعت لازم دارد و اگر این اصل را روحانیت بپذیرد، می‌توان مشکلات جامعه را حل کرد. حضرت امام در خصوص اجتهاد متحول و پویا، تأکید فرموده‌اند و بدون اجتهاد پویا که مسائل را متناسب با زمان و مکان حل می‌کند، نمی‌توان جامعه را اداره کرد. قدرتمندان دنیا نمی‌خواهند اسلام عزیز و حاکم باشد و ما در حال حاضر، وظایف جدی و مهمی نسبت به اسلام داریم و باید با سرمایه‌گذاری لازم در مقابل تمام توطئه‌ها ایستادگی کنیم و خود و اسلام را حفظ نمائیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - تاس خبرگزاری رسمی شوروی دیروز در تفسیری نوشت که اقدام آیت‌الله خمینی در مورد تقبیح سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی، ممکن است عملی موجه بوده باشد. تاس در تفسیر خود می‌نویسد که هرگونه اعمال خشونت‌آمیز و یا دعوت به خشونت باعث خشم خواهد شد. آیت الله خمینی رهبر روحانی ایران با پیروی از تعالیم قرآن چاره دیگری جز تقبیح مردی که به اسلام اهانت کرده نداشت. خبرگزاری تاس در ادامه تفسیر خود می‌نویسد که محکومیت رشدی از سوی آیت الله خمینی چیزی بیش از موضع یک رهبر مذهبی نبوده است. تاس یادآور می‌شود که دولت ایران رشدی را محکوم به مرگ نکرده است. مفسر خبرگزاری رسمی شوروی هشدار می‌دهد که خصومت روزافزون میان جهان اسلام و مدافعان سلمان رشدی به صورت یک مشکل عمده سیاسی درآمده که اگر حل نشود، ممکن است به ایران و کشورهای غرب لطمه وارد کند.»

۲ - جانشین فرمانده کل قوا در مراسم صبحگاه یگان‌های سپاه منطقه ۲ سیدالشهداء(ع) که در مرکز آموزش غدیر اصفهان برگزار شد، شرکت کرد. در این مراسم آقای هاشمی گفت: «در دوران سازندگی باید نقاط مثبت حفظ و نقاط ضعف اصلاح شود. باید توجه داشت که سازندگی در سپاه، نیاز به یک کار طولانی دارد. آنچه در دفاع لازم بود، امروز باید در سازندگی و بازنگری‌ها صرف شود. باید ←

سیمولاتور [= شبیه ساز] آموزش دیده‌بانی توپخانه را دیدیم. به هوانیروز رفتم و از مرکز تعمیرات هلی‌کوپتر و مانور حدود هفتاد هلی‌کوپتر بازدید کردم. به مرکز آموزششان رفتیم و سیمولاتور کار نیفتاده را دیدیم. متأثر شدم که این وسیله مهم آموزشی، بعد از ده سال از انقلاب راه‌اندازی نشده است. به آقای [علی] جنتی گفتم پیگیری کنند.

در سالن آمفی‌تأتر در مراسمی جوایز فارغ‌التحصیلان و استادان ممتاز را دادم. برای ناهار و استراحت و نماز در محل مهمانسرای پایگاه بودم. جمعی از طلبه های عقیدتی سیاسی آمدند. تذکراتی دادند و اشکالات کار نیرو را گفتند.

به مهمانسرای استانداری برگشتیم. در جلسه شورای مسئولان استان شرکت کردم. دو سه نفر از مدیران مشکلات و نیازها را گفتند و من هم مفصلاً برای آنها صحبت کردم[1]. آقای صباغ مدیرکل کشاورزی آمد. یک میلیون تومان کمک کشاورزان به جبهه را داد. به مسجد سید رفتیم و در اجتماع مردم و جلسه سالگرد شهید [حسین] خرازی صحبت کردم[2]. در برگشت به هتل شاه عباس رفتیم. سالن‌ها و اتاق‌ها و حیاط هتل را تماشا کردم؛

از مؤثرترین چیزهایی که در جبهه آموخته‌اید، در این زمینه استفاده کنید. نیروهای بسیج که در طول جنگ پشتوانه قوی بودند و در عملیات عظیم وظایف سنگینی را به عهده داشتند، نباید به غفلت سپرده شوند. باید مشکلات آنها برطرف شود و مسائل و نظراتشان مورد توجه قرار گیرد. شما نشان دادید که وجودتان برای حفظ و تداوم انقلاب اجتناب ناپذیر است و بدانید که حضرت امام، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و دولت خدمتگزار از شما حمایت بیدریغ دارد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - آقای هاشمی در جلسه شورای اداری اصفهان گفت: «با توجه به مشکلات گوناگونی که رژیم عراق با آن مواجه است، احتمال از سرگیری جنگ ضعیف است، لکن غیرممکن نیست. به همین دلیل می‌بایست خود را در آمادگی نگه داریم و ضمن آن به سازندگی نیز بپردازیم.» ایشان خطاب به مدیران کل، فرمانداران و شهرداران این استان گفت: «البته توقع مردم بالاست و شما نمی‌توانید تماماً جوابگوی آن باشید، اما باید دانست که شیرینی مدیریت، حرکت در جهت رضای خداوند است. هر کس انبوه مشکلات را با همه ابعاد نگاه کند، قبول خواهد کرد که مسئولان مملکتی، کشور را از مراحل سختی عبور داده‌اند. با توجه به غنی بودن کشور از نظر منابع مختلف و نیروی انسانی متعهد، دورنمای خوبی برای کشور متصور است.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - آقای هاشمی در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار سپاه اسلام حاج حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) گفت: «رسالت و ماهیت اصلی انقلاب اسلامی ایران، فرهنگی است و کارهای ما در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و نظامی و بخش‌های دیگر برای خدمت به انقلاب فرهنگی است. ما از آغاز هم بنا نداشتیم که جهاد مسلحانه داشته باشیم، بلکه آن را به ما تحمیل کردند. ما دفاع کردیم و در این راستا ملت ما نشان داد که قدرت دفاع از خود را در مقابل دشمن، هر قدر هم که ابرقدرت‌ها او را حمایت کنند، دارد. دشمنان ما هم از بعد اقتصادی و نظامی ما ترسی ندارند، بلکه وحشت آنها در بعد فرهنگی و معنوی است و استکبار غرب از نور نبوت، رسالت و رشد معنویت و هوشیاری ملت ما می‌ترسد که مانع نفوذ کفر و سلطه استکبار است.» ایشان با تحلیلی پیرامون هیاهوی تبلیغاتی که در جهان برای کتاب

جالب است. در نمایشگاه هنرهای دستی درد دل هنرمندان را در خصوص مشکل صادرات محصولاتشان شنیدم؛ متأثر شدم و قول مساعدت دادم. شام خوردم و خاطرات را نوشتم و اخبار را گرفتم[1] و خوابیدم.

جمعه ۱۲ اسفند | ۲٤ رجب ۱٤۰۹   ۳ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به فرودگاه رفتیم و با هلی کوپتر به سوی کوهرنگ حرکت کردیم. برف سنگینی روی زمین منطقه نشسته بود. روی جاده جلوی تونل اول کوهرنگ فرود آمدیم. روستایی های اطراف فهمیدند و اجتماع کردند و گوسفند قربانی کردند و خیلی خوشحال استقبال و تظاهرات نمودند.

با مسئولان وزارت نیرو درباره تونل سوم برای تأمین آب اصفهان مذاکره کردیم. آنها اعتبار می‌خواهند. حدود دو میلیارد تومان خرج دارد ؛ قول حمایت دادم.

از آنجا به کارخانه پلی اکریل رفتیم. در دفتر کارخانه، مدیرعامل توضیح کامل داد. سپس از بخش‌های مختلف بازدید کردیم؛ جالب است و بسیار مهم به نظرم آمد.

از آنجا به مرکز صنایع نظامی اصفهان رفتیم. منطقه وسیعی است؛ ۲۰×۳۵ کیلومتر مربع با چندین کارخانه، یک شهرک و همه امکانات زیربنایی. بعد از ناهار و استراحت و بازدید

«آیات شیطانی» بوجود آمده است، گفت: «در این صحنه واقعی پیکار بین اسلام و کفر، اگر آن طور که طراحان این پیکار خواسته بودند پیش می‌رفت، حرکت بسیار خطرناکی بود ولی آنها ارزیابی دقیق از توده‌های مسلمین نداشتند و برنامه‌های دیکته شده آنها متناسب با مسلمین نبود، لذا با توسل به معیارهای غلط فرهنگی، خواستند یک حرکت بر علیه اسلام و انقلاب اسلامی راه انداخته و تهاجم را علیه ما آغاز کنند و در این رابطه از همه ابزار معمول تبلیغاتی دنیا نیز استفاده کردند. ولی آنها نمی‌دانستند با افرادی مواجه هستند که با شنیدن نام مقدس پیامبر اکرم (ص) صلوات می‌فرستند و بدون وضو دست به قرآن نمی‌زنند. این حرکت، دنیای اسلام را بیدار کرد و هر روزی که می‌گذرد تعداد زیادی از کسانی که روزهای اول براثر تهاجمات تبلیغاتی جرأت حرف زدن و اعتراض را نداشتند، به خیل معترضین به حرکت ضداسلامی می‌پیوندند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

[1] - خبرگزاری رسمی شوروی از تبعات ماجرای سلمان رشدی گزارش داد: «گروه‌های مسلمان در کشورهایی که کتاب آیات شیطانی، در آنها منتشر شده است، ناشران کتاب مزبور را مورد تهدید قرار داده‌اند. یک فروشگاه در کالیفرنیا که کتاب مزبور را در معرض فروش قرار داده بود با بمب مورد حمله قرار گرفت. در بسیاری از پایتخت‌های غربی، اتخاذ اقدامات علیه ایران به طور فعالانه تحت بررسی قرار دارد.»

از سطح منطقه و کارخانه‌های ساخت گلوله ۲۳ میلیمتری و توپ‌سازی و صنایع شیمیایی و شنیدن توضیحات مدیران، مغرب به اصفهان برگشتیم.

در مهمانسرا خانواده‌های شهدا آمدند. به حرفشان گوش دادم و برایشان صحبت کردم[۱]. سپس روحانیت مبارز اصفهان آمدند. درباره مسائل عمده مملکت سئوالاتی داشتند. برایشان توضیحاتی دادم. به پذیرش نامزدی ریاست جمهوری اصرار داشتند. جلسه خوبی بود. بعد از شام با دکتر [محمد کریم] شهرزاد درباره برنامه فردا در دانشگاه مشورت شد. به منزل تلفن زدم. عفت و محسن به قم رفته بودند.

شنبه ۱۳ اسفند | ۲۵ رجب ۱۴۰۹   ٤ مارس ۱۹۸۹

ساعت شش و نیم صبح استاندار آمد. راجع به مسائل استان صحبت شد و از ضعف مدیریت بنیاد شهید انتقاد داشت و از شهردار اصفهان دفاع کرد. به نمایشگاه صنایع نظامی سپاه رفتیم و از یک زیر دریایی که ساخته بودند، بازدید کردم؛ ۵۲ تُن وزن و ۱۷ سرنشین ظرفیت دارد و یک هفته می‌تواند زیر دریا بماند. جالب و مهم است. از یک هلی‌کوپتر طراحی شده و ساخت سپاه بازدید شد. آن هم جالب است. قالب‌سازی، دوربین‌سازی، لیزر، شیمیایی و ... چیزهای دیگر را هم دیدیم. خیلی زحمت کشیده‌اند.

از آنجا به پادگان الغدیر رفتیم و در مراسم صبحگاه صحبت کردم. چون برنامه اول بیش از حد مقرر طول کشیده بود، این برنامه را کوتاه کردم. از کلاس های آموزش

---

۱ - آقای هاشمی در سومین روز سفر خود به اصفهان، با خانواده‌های شهدای این شهر در محل مهمانسرای استانداری دیدار کرد. در این دیدار ایشان ضمن قدردانی و تجلیل از ایثار و فداکاری‌های خانواده‌های شهدا در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نقش ارزنده آنان را در پاسداری از انقلاب و آرمان‌های شهدا مورد تأکید قرار داد و گفت: «هر خانواده شهید می‌تواند مشعل و راهنمای مردم باشد. قشرهای مختلف مردم، شما را الهام بخش جدی و فداکار برای اسلام و انقلاب می‌دانند. شما به مقامی رسیده‌اید که دست ما از آن کوتاه است و ما هیچ عنوانی در واژه‌های مقدس اسلامی نداشتیم که به اندازه شهید، زیبا و اعتبار داشته باشد. خانواده‌های شهدا پشتوانه انقلابند و اگر مردم به انقلاب وفادار هستند، یک دلیل آن به خاطر وفاداری و حمایت شما خانواده‌های شهدا است. روح شهدا همیشه حضور دارند و وظیفه شماهاست که برای شادی روح آنان، اهداف مقدسشان را پیگیری و از نعمتی که خداوند به شماها عطا فرموده است، قدردانی کنید.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

توپخانه سپاه بازدید کردم و با ماشین، گشتی در پادگان زدم. از آنجا به مرکز انرژی هسته‌ای رفتم و از چند بخش بازدید کردم.

حدود ساعت یک بعد از ظهر به دانشگاه صنعتی اصفهان رفتم. دانشجویان و اساتید استقبال گرمی داشتند. اجتماع عظیمی برپا بود. یک ساعت از جمله درباره مسئله سلمان رشدی صحبت کردم[۱]. از آنجا به هسا[= هلی‌کوپتر سازی ایران] رفتیم. بعد از ناهار و استراحت و نماز در جلسه‌ای تاریخچه و وضع موجود را گفتند. پیش از انقلاب شرکت بل کار را شروع کرده و با انقلاب تعطیل شده، اول هلی‌کوپترسازی بوده و اکنون هواپیماسازی و هلی‌کوپترسازی می‌شود. ساختمان‌ها خیلی عظیم است، ولی ماشین آلات آماده نشده. هواپیمای بدون سرنشین [ابابیل] را پرواز دادند که از راه دور کنترل می‌شود. یکی با چتر برگشت و دیگری چترش باز نشد. ساصد [= سازمان صنایع دفاع] با ساخت هواپیما توسط نیروی هوایی موافق نیست.

مغرب به پایگاه هشتم رفتیم. بعد از نماز در مراسم فارغ التحصیلی خلبانان دوره هشتم آموزش خلبان شرکت کردیم. گزارش را شنیدم و جوایز را دادم و صحبت کردم[۲]. از

---

۱ - آقای هاشمی با اشاره به مسائل و مشکلات موجود در دانشگاه‌ها گفت: «در همه زمینه‌ها، استعدادها و امکانات فراوانی وجود دارد و کمبودها ترمزی برای حرکت شده است. طبقه دانشگاهی، آگاه‌ترین بخش جامعه است که می‌تواند مسائل جامعه را تجزیه و تحلیل کند. پیرامون علت و چگونگی انتشار کتاب کفرآمیز سلمان رشدی در دانشگاه‌ها تحقیق کنید. این مسئله باید در دانشگاه‌ها پیگیری شود. تا آنجا که من اطلاع دارم، در تاریخ چنین مسئله و حرکتی با این وسعت و ابعاد اتفاق نیفتاده است. توطئه استکبار با عذرخواهی انگلستان، اعدام سلمان رشدی و جمع‌آوری کتاب منتفی نمی‌شود و عمقی وسیع دارد. حرکتی که آنها در این مقطع کردند، به طور جدی قابل بررسی است و وظیفه دنیای اسلام است که با روحانیت، سیاستمداران و فرهنگیان متعهد با آن برخورد جدی کنند.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - با حضور جانشین فرمانده کل قوا، مراسم فارغ‌التحصیلی هشتمین دوره دانشجویان دانشکده خلبانی پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان، برگزار شد. در این مراسم، فارغ‌التحصیلان، درجه نشان خلبانی و گواهی مجوز پرواز خود را از جانشین فرمانده کل قوا دریافت کردند. آقای هاشمی از دست اندرکاران آموزش خلبانی و کسانی که در نگهداری و تعمیر هواپیماها تلاش کرده‌اند، قدردانی کرد. ایشان گفت: «در سال اول انقلاب، در شورای انقلاب از سوی افرادی در دولت موقت مطرح شد که نیروی هوایی قادر به نگهداری از هواپیماهای اف - ۱۴ نیست و در توضیح این مطلب گفته بودند کشور فروشنده، حاضر است با کسر آنچه به کار رفته، دوباره اف - ۱۴ها را بخرد و در همین رابطه ما مأموریت پیدا کردیم که در پایگاه اوضاع را مورد بررسی قرار دهیم، ولی در اولین دیدار که با خلبانان و فرماندهان پایگاه داشتیم، آنها بازگرداندن اف - ۱۴ها را توهینی به شخصیت خود دانستند و همین امر موجب مخالفت با پیشنهاد بازگرداندن آنها شد. مایه خرسندی است که بعد از انقلاب، امروز شاهد فارغ‌التحصیلی هشتمین دوره خلبانی هستیم و در طول جنگ نیز به نحو احسن از این هواپیماها استفاده شده است.» ایشان با اشاره به جنایات بختیار در حذف قراردادهای تسلیحاتی گفت: « بعد از بختیار هم، رفقای او می‌خواستند مأموریتی که او ناقص گذاشته بود، کامل کنند ولی خدا نخواست که آنها اهداف شومشان را عملی کنند. هم اکنون که با قطع جنگ، موقعیتی پیش ←

سیمولاتور آموزش خلبان اف — ۱۴ دیدن کردم و سپس از تسترهای رادارها که اخیراً عملیاتی شده و خودشان آن را خیلی مهم می‌دانند، بازدید شد.

اعضای شورای حزب جمهوری اسلامی آمدند. درباره مسائل روز مذاکره شد. شام خوردیم و مصاحبه ای با تلویزیون راجع به سفر اصفهان انجام شد و به سوی تهران پرواز کردیم. خسته بودم. ساعت دوازده شب به خانه رسیدم.

یکشنبه ١٤ اسفند | ٢٦ رجب ١٤٠٩ — ۵ مارس ۱۹۸۹

در منزل بودم. به خاطر خستگی و تراکم کارهای چند روز سفر به مجلس نرفتم. کارها را از دو دفتر به منزل آوردند، انجام دادم. مقداری در حیاط قدم زدم. برف‌ها تازه آب شده و حیاط از پوشش برف در آمده است. عصر باران آمد. آقای جواد لاریجانی، درباره مسائل جاری سیاست خارجی، تلفنی صحبت و مشورت کرد[۱].

آمده است، باید با نوآوری و ترمیم خسارت‌ها، آمادگی خودتان را حفظ کنید. ما دنبال جنگ نیستیم، ولی همیشه باید هوشیار و آماده باشیم.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۱ - بخش فارسی رادیو بی بی سی درباره آخرین تحولات ماجرای کتاب آیات شیطانی گزارش داد: «در پی اظهارات یکی دو روز اخیر مقامات بریتانیایی در مورد کتاب آیات شیطانی و متعاقباً تلفن سلمان رشدی مؤلف کتاب به یکی از احزاب اقلیت بریتانیا و گله از اظهار نظر وزیر خارجه بریتانیا به طور اخص درباره توهین آمیز بودن کتاب، جمعی از خبرنگاران نظر خانم تاچر نخست وزیر بریتانیا را در این مورد خواستار شدند. خانم تاچر در پاسخ گفت که در موضع دولت هیچ گونه تغییری صورت نگرفته و داگلاس هرد وزیر کشور بریتانیا خطاب به خبرنگاران اظهار امیدواری کرد که هیاهو و جنجال پیرامون کتاب سلمان رشدی اینک به پایان رسد. وزیر کشور بریتانیا خواستار آرامش شد و افزود اگر این هیاهو و جنجال پایان نگیرد، منجر به صدمات جدی خواهد شد. وزیر کشور بریتانیا افزود: امیدوارم که کل این ماجرا اینک فیصله پیدا کند. به عقیده من مسلمانان به خوبی مسئله را در ارتباط با قوانین این کشور درک کرده‌اند و ما نیز به وضوح خدشه دار شدن احساساتشان و ادامه اعتراضاتشان را علیه این کتاب درک می‌کنیم. هر چند وزیر کشور بریتانیا این نقطه نظر را که قبلاً توسط نخست وزیر و وزیرخارجه ابراز شده بود، مورد تأیید قرار داد که سلمان رشدی باید متوجه عواقب انتشار این کتاب می بود.»

دوشنبه ۱٥ اسفند | ۲۷ رجب ۱٤۰۹ ٦ مارس ۱۹۸۹

امروز در منزل بودم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. ظهر محسن و فاطی هم آمدند. عصر عقد خواهر یکی از پاسداران را هم بستم. دکتر ولایتی تلفن کرد و درباره تصمیم در خصوص روابط با انگلیس مشورت کرد. آنها نیم بند به شرایط مجلس عمل کرده و محتوای کتاب را محکوم نموده اند، ولی سوء برخورد با جهان اسلام و ایران را محکوم نکرده‌اند؛ گفتم از امام بپرسند.

آقای رحیم صفوی اطلاع داد که عراقی‌ها برای جلوگیری از مهندسی ما در غرب خرمشهر، حدود چهارصد گلوله توپ و خمپاره شلیک کرده اند؛ تعدادی به خرمشهر و تعدادی به آبادان و ما هم جواب داده‌ایم و به بصره هم زده‌ایم. به آقای محسن رضائی گفتم تماس بگیرد و خبر صحیح را بدهد. جواب داد که گلوله باران قطع شده و به آبادان نبوده است. شب فیلم جنگل را دیدم.

سه‌شنبه ۱٦ اسفند ۱۳٦۷ | ۲۸ رجب ۱٤۰۹ ۷ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. دکتر ولایتی تلفنی گفت که لازم نیست در مورد قطع رابطه با انگلیس از مجلس سئوال شود. چون هر سه شرط مجلس عمل نشده و فقط محتوای کتاب به صورت ضعیفی محکوم شده؛ نظر خود وزیر این است که اعلان قطع رابطه شود. بالاخره ظهر اعلان قطع روابط شد[1].

---

[1] - روزنامه آلمانی «فرانکفورتر الگماینه» در ارتباط با آخرین تحولات مربوط به بحران انتشار کتاب آیات شیطانی نوشت: «رهبری ایران پس از قطع روابط سیاسی با انگلستان، آشکارا همین هدف را در مورد کشور آلمان غربی نیز دنبال می کند تا در مقابل بازار مشترک که علیه فتوای اخیر آیت الله [امام] خمینی موضع گرفته است، عکس‌العمل نشان دهد. پس از آنکه آیت الله خمینی، رشدی را به خاطر نوشتن رمانش تهدید به قتل کرده بود، در میان کشورهای بازار مشترک بعد از انگلیس، این آلمان غربی بود که با یک اقدام شدید علیه ایران موافقت نشان داد. دولت‌های بازار مشترک اروپا نمایندگان سیاسی خود را از تهران فراخواندند و تهران نیز رابطه سیاسی خود با لندن را قطع نمود، اما به نظر می‌رسد که این پایان کار نباشد. تیرگی روابط با غرب خصوصاً با انگلستان، بیشتر به ضرر ایران است. این مطالبی است که در اواخر هفته گذشته رسماً بدان اعتراف شده است.» از طرف دیگر روزنامه کیهان بین‌المللی نوشت: «این ماجرا به سیاستمداران

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ از امروز در دستور قرار گرفت. تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه ماندم. معاون نخست وزیر چین آمد. مذاکرات مبتنی بر تحکیم و توسعه روابط بود. ظهر اعضای [شورای مرکزی] کمیته‌های امداد امام آمدند. آقای [سید رضا] نیری گزارش داد و من هم صحبت کردم.

ساعت سه ونیم به تالار وحدت رفتم و سمینار تعاونی‌ها را افتتاح کردم[1]. عصر مجلس جلسه داشت، ولی من شرکت نکردم. [سرتیپ مصطفی] ترابی [رئیس سازمان حفاظت و اطلاعات ارتش] آمد و راجع به عملیات ویژه خارج گفت. سلمانی برای اصلاح سرم آمد. آقای [علی] جنتی برای کارهای آن دفتر [= فرماندهی کل قوا] آمد. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تعزیرات حکومتی در دستور بود. نزدیک یازده شب به خانه رسیدم.

چهارشنبه ۱۷ اسفند | ۲۹ رجب ۱٤۰۹ ۸ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها هنوز هم مهمترین مسئله، کتاب آیات شیطانی و قطع رابطه با انگلستان است[2]. تا ظهر در جلسه علنی ماندم. کلیات لایحه بودجه مطرح

ایرانی امکان می‌دهد که عملکرد خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. ایران قاطعانه تصمیم دارد از ارزش‌های اسلامی دفاع نماید، حتی اگر این تصمیم به یک دوره کشمکش‌های سیاسی با آراء و نظرات ضد اسلامی منجر شود.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۲/۲٤، صفحه ۳

۱ - آقای هاشمی در سومین سمینار بررسی نقش تعاون در بازسازی و توسعه اقتصادی کشور گفت: «دو هدف مهم انقلاب، عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی است و برای این منظور که معمولاً این اهداف در تضاد و تناقض هستند، می‌توانیم از شیوه تعاونی‌ها در صورتی که به نتیجه مطلوب برسند، استفاده کنیم. اگر به دنبال رونق اقتصادی برویم، ممکن است گرفتار مشکلات دنیای غرب بشویم. اگر به انگیزه‌های سود میدان ندهیم، جلوی رونق گرفته خواهد شد و به همین دلیل خیلی از کارها راکد می‌ماند. ما باید راهی را باز کنیم تا انسان‌هایی که سرمایه ندارند و استعداد و خلاقیت دارند، برای خودشان کار کنند و تلاش بیشتری نمایند و در این صورت تعاونی‌ها هم به کشور رونق می‌دهند و هم عدالت اجتماعی را رعایت خواهند کرد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - رادیو آمریکا درباره تأثیرات قطع رابطه ایران با انگلیس بر انجام برنامه بازسازی گفت: «تصمیم ایران برای قطع مناسبات سیاسی با انگلستان که امتناع تهران از پس گرفتن فتوای آیت الله خمینی در مورد قتل سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی تبار کتاب آیات شیطانی عامل اصلی آن بود، به احتمال قوی مشارکت مستقیم انگلستان را در برنامه‌های بازسازی در ایران، برای مدتی نامعلوم به تعویق می‌اندازد.

بود. ظهر [آقای مجید قاسمی] رئیس بانک مرکزی آمد. راجع به مشکل مصوبه اخیر مجلس و دولت در خصوص فروختن ارز به نرخ ترجیحی به مصرف کنندگان گفت، و قرار شد دفاع را مستثنی کنند. بر شرکت در طرح های انتقال آب از سرشاخه های کارون و دز تأکید کردم.

عصر به مجلس نرفتم. کارهای اداری را انجام دادم. بعد از نماز مغرب و عشاء به منزل آمدیم. دکتر ولایتی درباره شرکت در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در ریاض تلفنی صحبت کرد که در سطح مدیر کل شرکت کنیم. گفتم در این سطح تأثیر مهمی نداریم و نشان ضعف در برخورد با عربستان است؛ قرار شد بیشتر مشورت کنند.

پنجشنبه ۱۸ اسفند | ۱ شعبان ۱۴۰۹ — ۹ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. حساسیت‌ها در مسئله سلمان رشدی و قطع رابطه ما با انگلستان در گزارش‌ها مشهود است. از ساعت هشت و ربع تا دوازده و ربع در جلسه علنی بودم. کلیات بودجه تصویب شد. عصر هم به خاطر عدم حضور دو نایب رئیس، جلسه را اداره کردم. خسته شدم. تا ساعت نه شب کارهای دفتر را انجام دادم؛ ناتمام ماند به خانه آوردم. ساعت نه و نیم شب به منزل رسیدم[1].

هنوز روشن نیست دیگر کشورهای بازار مشترک اروپا که در صحنه سیاسی از موضع لندن جانبداری می کنند، از نظر اقتصادی نسبت به قطع مناسبات سیاسی میان انگلستان و ایران چه موضعی در پیش خواهند گرفت، اما بسیاری از شواهد گویای آن است که بعضی از هم‌پیمانان انگلیس در جامعه اروپا از جمله فرانسه، به رغم شدیدترین سرزنش‌ها و انتقادهای سیاسی از کادر رهبری ایران، کماکان به داد و ستدهای بازرگانی با ایران ادامه می‌دهند. با این حال از آنجا که بعضی از کشورهای دیگر از جمله آلمان غربی، مبادله هیأت‌های عالیرتبه دولتی را با ایران منع کرده‌اند، بعید به نظر می‌رسد بسیاری از طرح‌های اقتصادی که درباره آنها توافق‌های مقدماتی حاصل شده بود، در آینده‌ای نزدیک به مورد اجرا گذاشته شود. در این میان نگاه ایران به ژاپن و شوروی دوخته شده است، اما پاره‌ای از گزارش‌های خبری از تصمیم ژاپن برای کاهش عمده در میزان خرید نفت از ایران حکایت دارد و توانایی شوروی برای اشغال جای غرب، مورد تردید جدی است.

۱ - رادیو بی بی سی گزارش داد: «دیروز آیت الله خمینی، حجت‌الاسلام شیخ عبدالله نوری را با اختیارات وسیع به عنوان نماینده خود در سپاه منصوب کرد. در این حکم از جمله اختیار عزل و نصب فرماندهان سپاه داده شده که بی‌سابقه است. نظر اغلب ناظران این است که اقدام آیت الله خمینی به منظور کنترل و محدود کردن آزادی عمل بعضی از جناح‌ها در داخل سپاه پاسداران است. در حکم از آقای

جمعه ۱۹ اسفند | ۲ شعبان ۱۴۰۹ ۱۰ مارس ۱۹۸۹

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل برای خطبه‌ها مطالعه کردم. هنگام نماز جمعه باران می‌بارید. به ملاحظه حال نمازگزاران، خطبه‌ها را کوتاه کردم[1]، ولی یک ساعت طول کشید. به محض رسیدن ظهر تمام کردم[2].

ظهر محسن و بچه ها اینجا بودند. گزارش مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی در مورد موشک مجتمع[3] را به محسن دادم تا مطالعه کند و نظر بدهد. شب عفت و بچه‌ها به جلسه مراسم ازدواج فرزند همشیره‌زاده ملکه رفتند. از دیشب تاکنون باران خوبی می‌بارد.

نوری همچنین خواسته شده که موجبات همکاری نزدیکتر سپاه و جهاد سازندگی را فراهم کند. سپاه پاسداران از سه قسمت مجزا تشکیل شده، قسمت وزارتخانه‌ای، قسمت فرماندهی و یک قسمت ایدئولوژی که وظیفه آن کنترل عقیدتی سپاه بوده است. نماینده قبلی سپاه آیت الله محلاتی بود که در یک سانحه هوایی درگذشت.»

۱ - در خطبه اول، جمع‌بندی بحث عدالت اجتماعی با موضوع استکبار و استضعاف انجام شد و ضمن بیان صفات انسان‌های مستکبر و رذایل موجود در این‌گونه افراد، قضاوت‌ها و دستورات قرآن کریم در مورد مستکبرین تشریح شد. ایشان پس از بیان هفتاد صفت از حالات انسان‌های مستکبر گفت: « با استناد به آیات قرآن، مشخص می‌شود امتیازات مادی و استکباری ارزش واقعی ندارند و مردم نباید به زندگی مستکبرین غبطه بخورند. بعضی از امتیازات مستکبرین که انسان خیال می‌کند نعمت است، در واقع عین نکبت است. انسان‌ها باید شخصیت انسانی خود را حفظ کنند و بدانند به دستور قرآن، حاکمیت نهایی از آن مستضعفان است و در مقطعی از تاریخ، این قشر از مردم جهان حاکمیت را به دست خواهند آورد.» در خطبه دوم درباره عید مبعث، سالروز ولادت امام حسین (ع) و روز پاسدار، انتصاب آقای عبدالله نوری به عنوان نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران، تحولات جهانی در ارتباط با کتاب ضاله آیات شیطانی و واکنش‌های غیرمنطقی کشورهای غربی مطالبی بیان شد. برای مطالعه متن کامل خطبه‌ها ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۷، جلد دهم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

۲ - خبرگزاری یونایتدپرس در مطلبی با عنوان راه حل جدید رئیس مجلس ایران برای حل بحران دیپلماتیک ایران و غرب نوشت: «آقای رفسنجانی، روز جمعه راه حل جدیدی برای بحران دیپلماتیک بین ایران و غرب در مورد کتاب آیات شیطانی ارائه داد و گفت تمام نسخه‌های این کتاب باید جمع‌آوری و سوزانده شود. او گفت: اگر این کتاب بماند، همواره منشأ خصومت خواهد بود و ایجاد آرامش بین مسلمانان واقعی و حامیان این کتاب غیرممکن است. موضوع رشدی، عجیب‌ترین و نادرترین بحران در تاریخ است و راه حل آن می‌بایست در جایی که قضیه آغاز شد، یافته شود. آقای رفسنجانی گفت غرب در قبال این قضیه با یک معما روبروست. وی که گمان می‌رود طراح اقدامات سال پیش ایران برای بیرون بردن این کشور از انزوای دیپلماتیک بوده است، از تکرار درخواست حکم مرگ رشدی خودداری ورزید.»

۳ - «مجتمع» مخفف « موشک جواب تجاوزات موشکی عراق» می‌باشد.

شنبه ۲۰ اسفند | ۳ شعبان ۱٤۰۹ — ۱۱ مارس ۱۹۸۹

ساعت هشت صبح برای شرکت در ملاقات [به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار] به دفتر امام رفتم. قبل از شروع جلسه، با امام خصوصی ملاقات کردم و خواستم که ایشان در دیدار صحبت کنند؛ نپذیرفتند. اصرار کردم. گفتند قسم خورده اند که در این جلسه صحبت نکنند. لابد می دانستند که بنا است من اصرار نمایم. نمایندگان مجلس و فرماندهان سپاه و کمیته و نخست وزیر و هیأت دولت و بعضی از مسئولان بنیاد شهید بودند. من صحبت کوتاهی کردم[1] و جلسه ختم شد.

به ورزشگاه شهید شیرودی رفتم و در مراسم روز پاسدار شرکت کردم. جمعیت انبوهی بود. نمایش راپل [= صعود و نزول از ارتفاع] دادند. برایشان صحبت کردم[2]. برای شرکت در جلسه مجمع تشخیص مصلحت به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم، بحث درباره تعزیرات حکومتی بود.

نزدیک ساعت دو بعداز ظهر به مجلس رفتم. پس از کمی استراحت به جلسه علنی رفتم. تا ساعت سه ونیم در جلسه بودم. [آقای صاحب‌زاده یعقوب خان] وزیر خارجه پاکستان آمد. درباره افغانستان و کنفرانس اسلامی در ریاض و روابط با عربستان و توسعه روابط با پاکستان مذاکره شد. به نظرم رسید که بیشتر برای حل مشکل مجاهدان هفت گانه و هشت‌گانه افغانستان آمده است.

تا ساعت هفت و نیم در دفترم کار کردم. جلسه سران قوا در دفترم تشکیل شد. دکتر ولایتی هم آمد. درباره شرکت در کنفرانس ریاض بحث شد. به نظر رسید که اگر در سطح مدیر کل شرکت کنیم، بد نباشد. بالاخره قرار شد از امام هم نظر بخواهیم. درباره تحکیم روابط با شوروی مذاکره شد. تأیید شد که در جهت تحکیم و توسعه روابط

---

۱ - در این ملاقات، آقای هاشمی میلاد مبارک امام سوم شیعیان و پیشوای مجاهدان و شهیدان تاریخ عالم را به محضر امام خمینی شادباش گفت و افزود: « پیام‌ها و رهنمودهای حضرت امام، همواره مشکلات و معضلات جامعه ما را مرتفع ساخته است. با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشکل قانونگذاری و اختلافات میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رفع شد و اختلاف سلیقه‌ها به حداقل تنزل کرد. با عمل به رهنمودهای امام، مشکلات قوه قضائیه، روحانیون و دیگر مشکلات حل شده است و تحرکی در جهت رفع بقیه مشکلات به چشم می‌خورد.»

۲ - ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷»، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

حرکت کنیم، به خصوص که با غربی‌ها مشکل پیدا کرده‌ایم. درباره مشکلات صادرات صنایع دستی مذاکره شد. قرار شد که برای آن تسهیلات قائل شوند. دیر وقت به خانه رسیدم.

یکشنبه ۲۱ اسفند | ٤ شعبان ١٤٠٩ ۱۲ مارس ۱۹۸۹

هنوز هم مسئله سلمان رشدی در رأس اخبار و گزارش‌ها است[1]. از ساعت هشت تا ده و نیم صبح در جلسه بودم. در تنفس برای جمعی از خانواده‌های شهدای لاریجان صحبت کردم[2]. دکتر روحانی آمد. درباره سفر به چین - که دعوت شده — پرسید؛ موافقت کردم. درباره کنترل نیروهای سازمان ملل مشورت کرد. ظهر کارهای دفتر را انجام دادم. عصر از ساعت سه تا شش و نیم در مجلس بودم. شب تا ساعت نه در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

---

۱ - خبرگزاری آسوشیتدپرس در مورد تحولات روابط ایران و انگلیس گزارش داد: «یک سخنگوی دولت انگلیس روز پنجشنبه گفت ۹ تن از کارکنان سابق سفارت ایران در لندن در صورتی که ظرف ۱۰ روز آینده به طور داوطلبانه انگلیس را ترک نکنند، از این کشور اخراج خواهند شد. این سخنگو گفت: من می‌توانم تأیید کنم که نام این ۹ تن به دفتر وزارت خارجه و کشورهای مشترک‌المنافع ارسال شده است. در این حال معاون وزیر خارجه انگلیس در امور خاورمیانه، در یک سخنرانی گفت: قضیه رشدی نشان داد میانه روهای ایران از جمله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه این کشور، زیرسایه تندروها قرار گرفته‌اند. او تأکید کرد: اولین واکنش‌های ایران در قبال کتاب آیات شیطانی در چند ماه پیش چیزی شبیه به واکنش‌های فعلی کشورهای اسلامی و تنها شامل ممنوعیت ورود آن به کشور و تلقی شدن آن به عنوان یک کتاب توهین کننده به مقامات اسلام بود. وی گفت: به نظر می‌رسد که به احتمال بسیار زیاد عناصر تندرو، این کتاب را با پیش‌بینی عواقب احتمالی، پیش روی آیت الله گذاشتند و اگر قضیه را به شطرنج تشبیه کنیم، باید بگوئیم آنها شطرنج بازهای خوبی هستند، چون در کوتاه مدت برنده شدند. آنها می‌خواستند غرب را بیرون برانند.»

۲ - در این دیدار که فرزندان شاهد دبستان شهید آیت منطقه ۱۴ تهران به همراه جمعی از خانواده‌های معظم شهدای بخش لاریجان آمل حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: « فرزندان و خانواده‌های شهدا وارثان و صاحبان این انقلاب بوده و ذخائر انقلاب، کشور و اسلام محسوب می‌شوند. خانواده‌های شهدا در بین جامعه به عنوان چراغ و راهنما محسوب می‌شوند که در این میان وجود فرزندان شهدا چون مشعل فروزان برای نسل‌های آینده به حساب خواهد آمد.» ← کتاب «هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۷،» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۹.

دوشنبه ۲۲ اسفند | ۵ شعبان ۱٤۰۹ ۱۳ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و ساعت هشت به جلسه علنی رفتم و تا ده و نیم ماندم. سپس به دفترم آمدم. آقای [محمد حسن] زورق آمد و برای مشکلات خانوادگی چاره جویی کرد. آقای محسن رضائی برای تأکید براصلاح بودجه سپاه آمد؛ کمیسیون کم کرده است. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به مجلس رفتم. در تبصره ۹ مربوط به بودجه دفاع، نظر ستاد کل با دفاع من تأمین شد.

به جلسه شورای بازسازی رفتم. سیاست استفاده از منابع خارجی تصویب شد. شام را در دفتر آقای خامنه‌ای خوردیم و به منزل آمدم. آقای محسن رضائی اطلاع داد که عراق در منطقه خرمشهر گلوله باران کرده است[۱].

سه‌شنبه ۲۳ اسفند | ٦ شعبان ۱٤۰۹ ۱٤ مارس ۱۹۸۹

به مجلس رفتم. هنوز هم در گزارش‌ها مسئله سلمان رشدی در صدر است[۲]. از ساعت هفت

---

۱ – خبرگزاری آلمان گزارش داد: «در جریان شدیدترین نقض آتش‌بس از سوی عراق در ماه گذشته، پنج سرباز ایرانی کشته شدند. مرز ۱۲۰۰ کیلومتری ایران و عراق انباشته از گروه‌های چریکی مختلفی است که با دولت‌های مرکزی خود می‌جنگند و از حمایت کشور مقابل برخوردار هستند. این گروه‌ها اغلب در گزارش‌های رادیویی خود از حملات علیه نیروهای دولتی در تاریکی شب خبر می‌دهند. این نقض آتش‌بس ادعایی در حالی صورت می‌گیرد که گزارش‌های رسیده از درون سازمان ملل حاکی از آن است که هیچ امید جدی برای از سرگیری مذاکرات صلح ایران و عراق، حداقل تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران در تابستان آینده وجود ندارد.»

۲ – رسانه‌های غربی پیام رادیویی امام خمینی را منتشر کرده و آن را نشانه گردش سریع ایران به سوی سیاست افراطی دانستند. به ادعای این رسانه‌ها، جناح میانه‌رو در ایران پس از این پیام تضعیف شده و به هم آوازی با تندروان در کاهش روابط سیاسی با غرب پرداخته است. تلویزیون بی بی سی از هیاهو راجع به بحران رابطه سیاسی بین ایران و اروپا خودداری ورزید و از پیام امام خمینی در انتقاد از سیاست نزدیکی به غرب، سخنی به میان نیاورد. تلویزیون تجارتی انگلیس لحنی خصمانه‌تر داشت و با پخش برخی از سخنان شدیداللحن امام نسبت به غرب، امکان سردتر شدن روابط با ایران را مطرح کرد. روزنامه تایمز بی‌محتواترین مطالب را علیه ایران عنوان کرده و از قول منابع مجعولی مدعی شد پیام‌های اخیر نوشته شخص امام خمینی نیستند، بلکه توسط احمد خمینی نوشته شده و به امضای حضرت امام رسیده‌اند. روزنامه ایندیپندنت نوشت: تأیید سخنان امام خمینی توسط آقای خامنه‌ای در مصاحبه مطبوعاتی در یوگسلاوی، خشم مجلس محلی «سلونیا» را برانگیخته و آنها مقامات بلگراد را برای پذیرایی محترمانه از رئیس جمهوری ایران، مورد انتقاد قرار داده‌اند. به ادعای ایندیپندنت، نویسندگان مسلمان یوگسلاوی نیز ساعتی پس از خروج رئیس جمهور ایران از آن کشور، فتوای امام را به باد انتقاد گرفتند. ←

و نیم تا ده و نیم صبح در جلسه علنی بودم. تبصرهای بودجه در دستور است و خسته کننده است. ظهر عقد ازدواج یکی از دوستان مهدی به نام «احمدلو» را بستم. داماد و عروس هر دو پاسدارند. از ساعت دو و نیم تا پنج و نیم بعد از ظهر هم در جلسه بودم.

سر شب آقای [مجید] قاسمی [رئیس بانک مرکزی] آمد. راجع به ارز و تبصره ۲۹ و استقراض نظراتی داد. اعضای کمیسیون برنامه و بودجه، از اعتراض نخست وزیر به تصویب تبصره ۲۹ برآشفته‌اند و نامه تندی نوشته‌اند. تا ساعت هشت و ربع در دفترم کار کردم. به جلسه مجمع تشخیص مصلحت رفتم. تعزیرات گرانفروشی تمام شد. مجازات جعل و نشر اسکناس تقلبی را تعیین کردیم. ساعت یازده شب به خانه رسیدم. نم‌نم باران می‌بارید.

چهارشنبه ۲۴ اسفند | ۷ شعبان ۱٤۰۹ ۱۵ مارس ۱۹۸۹

مطابق معمول ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و ساعت هشت به جلسه رفتم و تا ده و نیم در جلسه ماندم. هیأت بلغاری آمدند و پیام [آقای ژیکوف] رئیس جمهورشان را آودند و بر سفرم به بلغارستان تأکید کردند[1]. از سفرشان راضی‌اند. رئیس آنها خیلی پر حرف بود و ضمن خواندن پیام رئیس جمهورش، نقل کرد که رئیس جمهور به او توصیه کرده که در مذاکرات با من خیلی حرف نزند و وقت من را نگیرد؛ معلوم شد همان جا هم مشهور به پرحرفی است.

ساعت دو و نیم تا پنج و نیم بعد از ظهر به مجلس رفتم. در مجلس شایع شد که امام گفته‌اند با استقراض مخالفند. به دفترم آمدم و به احمدآقا گفتم تا از امام بپرسد. جواب آورد که تکذیب می‌شود. امام نمی‌خواهند در مسئله مورد اختلاف بین نخست وزیر و

روزنامه «گاردین» نیز در صفحه اول خود بخش‌هایی از آخرین پیام امام را درج کرده و آن را شکستی برای خردگرایان ایرانی دانسته است. »

۱ - آقای « میلکو بالوف» عضو شورای رهبری و رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس بلغارستان به همراه وزیر تجارت خارجی و وزیر سیاست خارجی این کشور با آقای هاشمی ملاقات کردند و پیام رئیس جمهور بلغارستان را تقدیم نمودند.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دخالت کنند. به اعضای کمیسیون گفتم که پیشنهاد جلسه با نخست وزیر برای تفاهم در خصوص تبصره ۲۹ را بپذیرند.

آقای فروزنده برای ارز مهندسی آمد. تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم و از هفت و نیم تا ده و نیم جلسه علنی داشتیم. تبصره ۱۵ پیشنهادهای زیادی داشت، ولی به سرعت پیشرفت کردیم. ساعت ده ونیم شب شام خوردم و به خانه آمدم. باران خوبی می‌بارید.

پنجشنبه ۲۵ اسفند | ۸ شعبان ۱٤۰۹ | ۱٦ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. ساعت هفت و نیم تا ده و نیم صبح و سپس از دو و نیم بعد از ظهر تا ده و نیم شب در جلسه علنی بودم. در بندهای ۵ و ۱۳ تبصره ۲۹ که اجازه استفاده از منابع خارجی می‌دهند، بحث‌های داغی مطرح بود و کمیسیون برنامه به خوبی دفاع کرد و رادیکال‌های مخالف، رأی کمی داشتند. بعد از جلسه در مجلس شام خوردم. شب دیر وقت به خانه رسیدم.

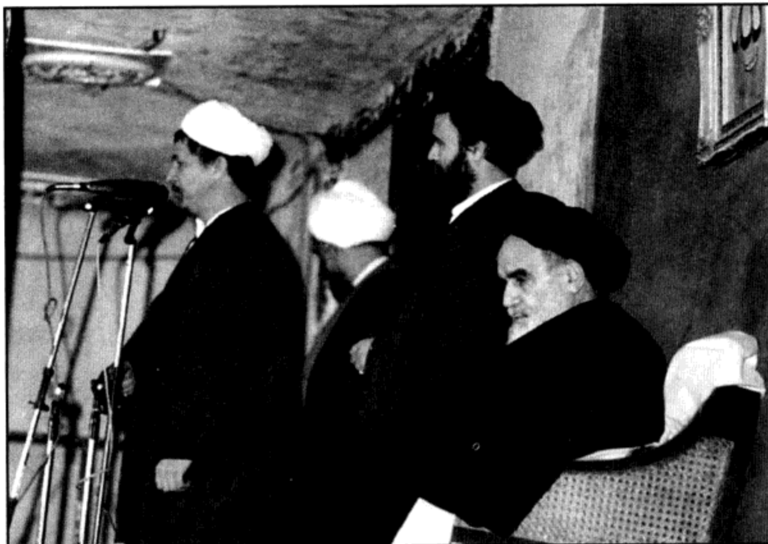
جمعه ۲٦ اسفند | ۹ شعبان ۱٤۰۹ | ۱۷ مارس ۱۹۸۹

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. به خاطر رساندن بودجه، جمعه هم کار کردیم. تا ساعت ده در دفترم کار کردم. با درخواست نماینده‌گان جلسه‌ای غیر رسمی با حضور نخست وزیر و وزراء و نماینده‌گان داشتیم، تا درباره تبصره های بودجه که اجازه استفاده از منابع خارجی برای طرح‌های عمرانی داده شده، مباحثه شود.

جلسه داغی بود. آقایان [محسن] نوربخش و [علی] عبدالعلی زاده از این تبصره ها دفاع کردند و نخست وزیر نسبت به بند ۱۴ تبصره که در پیشنهاد دولت نبوده، مخالفت کرد ولی حرف های کمیسیون برنامه مستدل بود. وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی در موافقت با

نخست وزیر حرف زدند و وزرای صنایع و مخابرات و صنایع سنگین به نفع کمیسیون.

عصر تا ساعت ده و نیم شب جلسه رسمی داشتیم. بحث درباره بندهای مربوط خیلی داغ بود و بالاخره کمیسیون برنامه پیروز شد و بین گروه رادیکال مجلس اختلاف افتاده بود.



سخنرانی در محضر امام (ره) در حسینیه جماران

شنبه ۲۷ اسفند | ۱۰ شعبان ۱۴۰۹ ۱۸ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها محکومیت کتاب آیات شیطانی و مرتد شناخته شدن سلمان رشدی [توسط سازمان کنفرانس اسلامی]، اهمیت زیادی کسب کرده و به نظر ایران نزدیک شده است. در جلسه علنی تا ساعت ده و نیم صبح ماندم و تبصره ۲۹ را که فوق‌العاده حساسیت داشت، از مراحل مشکل گذراندم و بالاخره بند ۱۴ به صورت تعدیل شده‌ای درآمد. تا ظهر کارهای عقب افتاده را انجام دادم. عصر هم از ساعت دو ونیم تا پنج و نیم و شب از ساعت هفت و نیم تا نه و نیم در جلسه بودم. سپس به جلسه سران قوا رفتم.

آقای موسوی اردبیلی گزارش داد که در پزشکی قانونی در صحت ادعای خودکشی -



مصاحبه مطبوعاتی نویسنده کتاب آیات شیطانی

- قاتل دکتر [کاظم] سامی تردید به وجود آمده و احتمال اینکه باندی بوده اند و او را کشته‌اند و کشته‌اش را حلق‌آویز کرده‌اند، وجود دارد. قرار شد پیگیری شود تا حقیقت مکشوف گردد. دیر وقت به خانه آمدم و مذاکرات مجلس را که تا ساعت یازده شب ادامه داشت از رادیوی ماشین در راه گوش دادم. بحث‌ها خیلی داغ است.

یکشنبه ۲۸ اسفند | ۱۱ شعبان ۱۴۰۹ — ۱۹ مارس ۱۹۸۹

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و تا ده و نیم در جلسه علنی مجلس ماندم[۱]. [آقای ابوالحسن حاج عمر] وزیر خارجه مالزی آمد. مذاکرات دوستانه‌ای مبنی بر توسعه روابط و گزارش کنفرانس اسلامی در ریاض بود. از قطعنامه

---

۱ - رادیو بی بی سی در این روز اعلام کرد: «مجمع روحانیون مبارز،» سازمانی از روحانیون ایران، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس فعلی مجلس را به عنوان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری انتخاب کردند. انتخابات ریاست جمهوری قرار است تا تقریباً شش ماه دیگر در ایران برگزار شود. مجمع روحانیون مبارز در یک گردهمایی، آقای رفسنجانی را به عنوان نامزد این مجمع معرفی کرده و آقای رفسنجانی که عضو جامعه روحانیت مبارز می‌باشد، اعتراضی به آن نداشته است.» منبع: نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی - ۶۷/۱۲/۲۹، صفحه ۸

کنفرانس درباره رشدی و کتاب آیات شیطانی تشکر کردم. دکتر ولایتی آمد و خبر تغییراتی در وزارت خارجه را داد.

عصر از ساعت دو و نیم تا شش و نیم بعد از ظهر و از ساعت نه و نیم شب در جلسه علنی بودم و بالاخره لایحه بودجه تمام شد. عفت و محسن و بچه‌هایش برای دیدن غار علی صدر، امروز به همدان رفتند. برای اقامت در هتل به دلیل همراه نداشتن شناسنامه دچار مشکل شده‌اند؛ ناشناس رفته‌اند. به کارکنان دفتر و محافظانم عیدی دادم. نودوپنج هزار تومان: هر نفر یک هزار تومان.

دوشنبه ۲۹ اسفند | ۱۲ شعبان ۱۴۰۹ — ۲۰ مارس ۱۹۸۹

برای کار نهایی لایحه بودجه و اصلاح لایحه براساس نظرات شورای نگهبان، به مجلس رفتم. ایراد مهمی نداشتند. سریعاً اصلاح شد. اعتبار نامه آقای فخر روحانی از کردکوی مطرح شد و رأی نیاورد، با اینکه تأیید آیت‌الله منتظری را هم داشت. در پایان چند جمله‌ای در قدردانی از کمیسیون برنامه و بودجه صحبت کردم.

نامه‌ای از نمایندگان در محکومیت ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه خوانده شد. بعد از جلسه نمایندگان کرمان آمدند و اصرار داشتند که در تعطیلی عید به کرمان بروم.

به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. با آقایان خامنه‌ای و احمدآقا و موسوی اردبیلی جلسه داشتیم. امام پیغام داده بودند که درباره اصلاح قانون اساسی و عزل آقای منتظری مشورت شود. ایشان خبر داده بودند که بنا دارند آقای منتظری را از قائم مقامی برکنار کنند و راه‌های احتمالی کار را گفته بودند:

۱ - احضار خبرگان و اعلام سلب صلاحیت ایشان به خبرگان به منظور اقدام خبرگان.

۲- اعلان مستقیم سلب صلاحیت از سوی خودشان و چند راه دیگر.

دلیل عمده امام برعدم صلاحیت، نامه‌ها و اظهارات اخیر آقای منتظری است.

پس از مذاکره، نظر آن شد که برای این چنین اقدامی، باید قبلاً قانون اساسی به گونه‌ای

اصلاح شود که مشکل رهبری و مدیریت ولایت فقیه پیش نیاید. توصیه شد که قبلاً نامه مستدل و قاطعی برای اتمام حجت و اصلاح احتمالی ایشان از سوی امام نوشته شود و در نامه، راه برای ادامه خدمت ایشان با کنترل و هدایت و مشورت باز باشد.

بعد از ناهار به دفترم رفتم. استراحتی کردم و سپس کارها را انجام دادم. به خانه رفتم. عفت و محسن از همدان برگشته بودند، ولی غار علی‌صدر را ندیده بودند؛ تعطیل بوده. فائزه و بچه ها هم آمدند. لحظه سال تحویل با هم بودیم. شب فاطی و سعید هم که به رشت رفته بودند، رسیدند. عیدی مختصری به بچه‌ها دادیم.

پایان

ضمایم

صنایع موشکی سپاه نماد خودباوری جوانان ایران

□ محسن هاشمی
برگرفته از گزارش‌های سازمان موشکی صنایع سپاه

پس از شروع جنگ تحمیلی و افزایش فعالیت در جبهه ها و استفاده دشمن از سلاح‌های پیشرفته، لزوم تقویت تحقیقات در صنایع نظامی کشور احساس می شد. در این میان موشک و پدافند موشکی، یکی از مهمترین مبانی دفاعی هر کشور به شمار می رود به ویژه کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران که موقعیت سوق الجیشی جغرافیایی، دارد. این ایده با هدف ادای رسالت توسط جوانان متعهد کشور، مبنای تشکیل گروه صنایع موشکی سازمان صنایع سپاه وابسته به وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گردید.

معمولاً آخرین پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی در دنیا در صنایع نظامی بکار گرفته می‌شود و اصولاً تحقیق به منظور دستیابی به ابتکارات جدید تکنولوژیکی در راستای استفاده از آنها در ساخت تسلیحات پیچیده صورت می گیرد. موشک از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین سلاح‌های نظامی محسوب می‌شود. در نتیجه تحقیقات مداوم در این زمینه، هر

روزه موشک‌هایی با برد طولانی‌تر، دقت زیادتر و قدرت تخریب بیشتر ابداع می‌شود. از آنجا که در ساخت موشک‌ها اکثر علوم نقش اساسی دارند، به منظور دستیابی به تکنولوژی ساخت موشک‌ها، می بایست در بسیاری از زمینه های علمی تحقیق می گردید. برخی از این زمینه ها عبارت بود از: الکترونیک، متالورژی، مخابرات، مواد پلیمری، مواد منفجره و سوخت‌ها.

لذا سازمان صنایع خودکفایی سپاه پاسداران در بسیاری زمینه های علمی مشغول تحقیق و بررسی و دست یافتن به تکنولوژی‌های پیشرفته شد. این تحقیقات پشتوانه ای گرانمایه برای صنعت نظامی کشور محسوب گردید. بخش اعظم تحقیقات صنایع موشکی در زمینه‌های زیر انجام گرفت:

۱- **مواد و ساخت: شامل** ساخت آلیاژهای نظامی، عملیات حرارتی فلزها، فرم‌دهی فلزها به روش‌های مختلف، فورج انواع آلیاژ فولادهای نظامی، ریخته گری قطعات با فرم‌های پیچیده ، براده برداری قطعات مکانیکی با دقت‌های میکرونی و تحقیق و ساخت قطعات و زیر مجموعه ها با مواد مرکب (فایبرگلاس) با استحکام بسیاربالا.

۲- - **مکانیزم‌های دقیق:** شامل مکانیزم‌های کنترل سریع و دقیق، ژیروسکوپ، بالانس استاتیک ، جوش فلز به انواع مواد، شبیه سازی سیستم‌های دینامیکی و شبیه سازی رایانه‌ای در مطالعات سیستمی.

۳- **الکترونیک: شامل** هدایت و کنترل موشک، قطعات الکترونیکی نظامی و سیستم‌های تله متری.

٤- **سوخت: شامل** روش‌های تولید انواع سوخت‌های موشک بسیار مهم است. لذا در ساخت و تولید سوخت مایع و سوخت جامد فعالیت‌های شایان توجه و تقدیری انجام گردید.

در سال های درخشان دفاع مقدس، ساخت اکثر قطعات موشک های مختلف که تعداد آنها بالغ بر هزاران عدد بود، همگی به مرحله تولید رسید. مسائل فنی حل نشده‌ای در صنایع موشکی سپاه وجود نداشت، تنها تعداد کمی از قطعات، به علت عدم دقت ماشین آلات موجود در داخل کشور و یا فقدان دستگاه مناسب، دارای ضایعات بود و دستیابی به کیفیت مطلوب را مشکل می‌نمود که با ورود ماشین آلات جدید حل گردید.

پیچیدگی‌های فنی و تکنولوژیکی موشک‌های شبیه به موشک تاو ، اسکاد ، هارپون و هاگ گسترده بود. اما با عنایت الهی و تلاش زحمتکشان گمنام صنایع موشکی سپاه، تمام مسائل فنی آن مرتفع شد و اندک مسائل علمی باقیمانده نیز تنها به دلیل محدودیت ماشین آلات و تجهیزات داخلی و یا بهینه نبودن روش‌های کاری وجود داشت.

تنوع فراوان قطعات موشک ها از نقطه نظر مواد اولیه، پیچیدگی فرآیندهای تولید، کنترل کیفیت و تست، دستگاه‌های تولید و اندازه گیری دقیق، بعضاً ماشین آلات خاصی را نیاز داشت که باید از خارج کشور تدارک می‌شد. وجود منابع تهیه معدود و انحصاری تولید کننده این مواد و قطعات و سازندگان ماشین آلات، تدارکات خارج طرح را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌نمود. انحصاری بودن منابع تهیه و در عین حال نظامی بودن آنها از یک طرف و تعدد اقلام کم بها ولی اضطراری از طرف دیگر، انجام خریدهای نقدی مستقیم توسط طرح را ایجاب می‌نمود که کمبود ارز نقدی در دسترس طرح‌ها، همواره باعث تاخیر در پیشرفت فعالیت‌های جاری صنایع موشکی بود.

از دیگر مشکلات صنایع موشکی اعتبارات ریالی بود. محدودیت سقف اعتبارات باعث می‌گردید طرح‌ها در غالب موارد دچار مشکلات کمبود اعتبارات شود و برخی تعهدات و قراردادهای ساخت و تولید قطعات، توفیق انجام کامل نمی‌یافت.

گروه صنایع موشکی، علاوه بر موشک های ضدتانک شبیه تاو و مالیوتکا، کار تحقیق بر روی پروژه‌های موشکی زمین به هوا و هوا به زمین، با ویژگی‌های میان برد و دوربرد انجام می‌داد و پروژه‌ای ویژه مربوط به موشک‌هایی شبیه به استینگر نیز انجام شد؛ این موشک مخصوص پدافند هوایی با برد کوتاه بود. فعالیت‌های تحقیقاتی و تولیدی بر روی سیستم‌های موشکی شبیه هاک، هارپون، فونیکس و تسلیحات مشابه نیز به عمل آمد.

یکی از تکنیک‌های پیچیده ای که در ساخت موشک تاو به کار رفته و آمریکایی‌ها به آن افتخار می کنند، استفاده از میدان مغناطیسی برای اتصالات قسمت‌های مختلف موشک می‌باشد. در این روش مقدار زیادی انرژی الکتریکی ذخیره و در یک زمان فوق‌العاده کوتاه، به صورت میدان مغناطیسی درآمده و به صورت نیروی عظیمی، به دو قطعه فلزی که در میدان قرار گرفته‌اند، اعمال شده و آنها را به یکدیگر متصل می کند. این تکنیک قبل از تحقیقات موشکی وجود خارجی در کشور نداشت و اینک جمهوری اسلامی ایران به فضل پروردگار صاحب این تکنولوژی می باشد.

سوخت موشکی

تنها سوخت موشکی که در ایران تولید می شد، سوخت آر پی جی و راکت کاتیوشا بود که صرفاً براساس فرمول داده شده توسط شرکت‌های خارجی تهیه می‌شد. با تحقیقات صنایع موشکی سپاه، طراحی و تولید انواع سوخت‌های موشک امکان پذیر شد و تکنیک ریخته‌گری سوخت برای اولین بار در ایران پایه‌گذاری گردید. طراحی سوخت‌های مختلف موشک در تعداد معدودی از کشورها انجام می‌شد. این امر از موفقیت‌های بزرگ در جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

فن آوری جایرو

جایرو یکی از پیچیده‌ترین اجزاء مکانیکی بود که در دنیا ساخته می‌شد. از جایرو در موشک به عنوان تعریف دستگاه مختصات مبنا استفاده می‌شود. موشک به کمک آن، مسیر خود را به سمت هدف اصلاح می کند. اصولاً دقت عملکرد موشک را جایرو مشخص می‌کند. قبل از آغاز فعالیت صنایع موشکی سپاه، از جایرو فقط اسمی در ایران مطرح بود که بسیاری از محققین حتی کاربرد آن را هم به طور دقیق نمی‌دانستند و کسانی هم که با آن آشنا بودند، به عنوان یک تکنیک دست نیافتنی از آن نام می‌بردند. یکی از مشخصه‌های اصلی دستیابی به تکنولوژی صنایع موشکی، دستیابی به فن‌آوری جایرو می‌باشد. در صنایع موشکی سپاه، تحقیقات وسیعی در زمینه جایرو انجام شد و پس از چند سال کار مداوم، جوانان برومند ایران به موفقیت ساخت آن نائل آمدند. کلیه آزمایش‌های زمینی و پروازی جایرو نیز با موفقیت کامل همراه بود. تولید کنندگان جایرو در جهان محدود بوده و اصولاً انحصاری کردن آن، سبب شده است که سازندگان موشک در سطح دنیا نیز محدود باشند.

طراحی و ساخت لانچر موشک‌ها

برای مثال موشک مالیوتکا به سبب قابلیت‌های «به کارگیری چریکی»، جزو سلاح‌های ضدزره مطلوب بوده و علیرغم نقاط ضعف، از قابلیت‌های عملیاتی نسبتاً خوبی برخوردار می‌باشد. در سال‌های جنگ نیاز به ساخت قبضه هدایت موشک مالیوتکا و سکوی پرتاب چریکی آن به طرح یا مهدی (عج) در صنایع موشکی سپاه اعلام گردید. از آنجایی که در

آن هنگام تعداد موشک‌های مالیوتکا به ویژه موشک‌های به غنیمت گرفته شده، بسیار زیاد و تعداد قبضه‌های موجود، محدود بود، لذا ساخت قبضه مالیوتکا از اولویت خاصی برخوردار گردید. البته لانچر موشک های مختلف نیز تا سال ۱۳۶۷ ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفت.

پدافند غیرعامل لیزری

همزمان با تشدید بمباران‌های مراکز صنعتی کشور توسط دشمن و با توجه به دقت بسیار بالای مشاهده شده در تعداد کثیری از بمباران‌های صورت گرفته و با درنظر گرفتن گزارش‌های حاکی از به کارگیری سلاح‌های هدایت شونده لیزری توسط قوای دشمن، طرح مقابله با سلاح‌های لیزری به عنوان طرح «پدافند غیرعامل لیزری» مطرح و به گروه موشکی سپاه محول گردید و به انجام رسید.

تحقیقات بر روی مواد مرکب (Composite material)

مواد مرکب و تکنولوژی‌های مربوط به آن از جمله تکنولوژی‌های جدید در جهان می‌باشند، که به سبب قابلیت‌های خاص آنها، بیش از پیش به عنوان تکنولوژی نظامی بالاخص در صنایع موشکی قلمداد می‌شود. گروه موشکی و صنایع وابسته به آن، با توجه به استفاده این تکنولوژی در ساخت پوکه موشک تاو و راکت‌های مختلف، از جمله موشک سجیل و با پیش بینی جایگاه این تکنولوژی در صنایع موشکی آینده، تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه انجام داد و به موفقیت‌های مهمی دست یافت.
در هر صورت فعالیت‌های تحقیقاتی ساخت در دوران جنگ در صنایع دفاع و صنایع سپاه منجر به شکوفائی و خودکفائی در امر تولید انواع سلاح نظامی گردید که نتیجه آن هم اکنون دیده می‌شود.
لازم است در پایان این نوشته کوتاه از تک تک محققان و مدیران صنایع موشکی در آن زمان از جمله آقایان منطقی، قیامتیون، قاسم‌زاده، جعفری، شهریاری، عسکری، ضرغامی، اخلاقی و... تشکر و قدردانی شود.

سال پایانی جنگ

در آغاز سال ۱۳۶۷ امام خمینی(ره) با درکی که از وضعیت حاکم بر جنگ داشتند، طی پیامی در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۱۱ به مناسبت انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، فرمودند:

«این روزها روز امتحان الهی است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید.» در ادامه پیام امام آمده است: «ای آزادگان و احرار بپاخیزید، قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خُرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است.» امام خمینی در ادامه پیام پس از اشاره به حملات موشکی دشمن به مردم بی‌دفاع در شهرها و حملات شیمیایی به مناطق مسکونی حلبچه، فرمودند: «به‌سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی درپی شما توان و امان او را بگیرد.»

با فرارسیدن سال ۱۳۶۷ و در حالی که حملات موشکی عراق به تهران همچنان ادامه داشت، اجرا نشدن عملیات گسترده در جبهه جنوبی (طی سال ۱۳۶۶)، بازتاب وسیعی در رسانه‌های خارجی داشت. واشنگتن پست به نقل از کارشناسان نظامی نوشت که احتمال نمی‌رود ایران بتواند در آینده‌ای نزدیک حمله بزرگ و مورد انتظار خود را علیه عراق آغاز کند.

علت این موضوع علاوه بر تأثیر حمله هوایی عراق بر ساختار اقتصادی ایران و تضعیف آن، عمدتاً خسارات و تلفات ناشی از عملیات کربلای ۵ وعدم بازسازی و جبران نشدن کمبودها، ذکر شده است. شائول بخاش یکی از کارشناسان مسائل ایران «مشکلات ایران

در خرید اسلحه» بر اثر سیاست‌های دولت ریگان در تحریم بین‌المللی فروش اسلحه به ایران را یکی از عوامل مؤثر در پیدایش وضعیت جدید می‌داند. ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا در همین زمینه گفت:

« قدرت نظامی ایران به دنبال حرکتی که تحت رهبری آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به تهران صورت گرفته، شدیداً به تحلیل رفته است. آمریکا تاکنون برای جلوگیری از ارسال اسلحه به ایران با ۲۰ کشور تماس رسمی گرفته است. ...
در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) شش کشور غربی سلاح‌هایی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار[1] به ایران فروختند، ولی درسال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) ارزش سلاح‌هایی که پانزده کشور غربی به ایران تحویل داده‌اند، یک میلیارد دلار بوده است.»

بنابراین اظهارات، علاوه برکاهش کشورهای فروشنده سلاح به ایران، حجم خرید ایران نیز کاهش بسیاری یافته است. مورفی در ادامه اظهارات خود درباره تأثیرات اقدام آمریکا در تحریم ایران می‌گوید:

« ایران در خرید تکنولوژی پیشرفته و سیستم نظامی مدرن از غرب، دچار مشکل شده و به همین دلیل بهای گرانی را برای سلاح‌ها می‌پردازد و با تأخیر زمانی بیشتری سلاح دریافت می‌کند.»

مجموع این عوامل سبب گردیدعلائم و نشانه‌های مهمی از «تغییر موازنه قدرت به سود عراق» آشکار شود.

آمریکایی‌ها در حالی که فشارهای شدید و گسترده‌ای را روی ایران متمرکز کردند و متقابلاً سیاست‌های حمایت‌آمیزی را درباره عراق اعمال می‌کردند، تنها به این دلیل از تأمین نظر ایران مبنی بر متجاوز شناختن عراق خودداری می‌کردند که این اقدام ممکن است به سرنگون شدن رژیم عراق بینجامد و به ایران پیروزی ببخشد که در میدان نبرد توان دستیابی به آن را نداشته است.

در همین وضعیت آمریکایی‌ها در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۸ به دو سکوی نفتی ایران در خلیج‌فارس حمله کردند. و همزمان با آن عراقی‌ها غافلگیرانه و پس از حمله گسترده شیمیایی به خطوط پدافندی خودی در منطقه فاو، با سپاهی مجهز به این منطقه یورش آوردند؛ بدین‌ترتیب جمهوری اسلامی در برابر یک آزمون بسیار دشوار و سرنوشت‌ساز

---

۱ - این در حالی است که عراق در همین سال بیش از ۱۵ میلیارد دلار (۷۵ برابر ایران) سلاح و تجهیزات نظامی دریافت کرد.

قرار گرفت. برابر شواهد و قرائن موجود پیش از این احتمال حمله دشمن، به ویژه در منطقه فاو بررسی شده بود. با ادامه جنگ در فصل زمستان در منطقه شمال غرب، چنین تصور می‌شد که قوای دشمن به این منطقه گسیل خواهند شد و خطر حمله به جبهه جنوب رفع می‌شود و یا اگر عراقی‌ها به جنوب حمله کنند با توجه به پیشروی‌های عمیق رزمندگان در منطقه شمال غرب و دسترسی به سلیمانیه، نوعی تعادل برقرار خواهد شد ولی قبل از رسیدن به نتایج و دستاوردهای استراتژیک و حیاتی درمنطقه شمال غرب، دشمن تهاجم به فاو را آغاز کرد.

عراق توان لازم را برای این اقدام به‌تدریج طی سال‌های قبل به‌ویژه سال ۱۳۶۶ به دست آورد، ضمن اینکه سیستم فرماندهی و سازماندهی عراقی‌ها دچار تغییر و اصلاحاتی شد که بر کارآمدی آنها در مقایسه با گذشته افزود.

سقوط فاو در عرض ۳۶ ساعت – پس از آنکه ۲ سال و ۳ ماه در اختیار ایران بود – و در حالی که عراق از حضور عمده قوای ایران در منطقه غرب اطلاع داشت، با به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و از جمله گاز خردل وگاز سیانور، انجام گرفت. این رخداد نظامی، به دلیل آشکار شدن برتری نظامی عراق و مهم‌تر از آن، احتمال خاتمه یافتن جنگ، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت. برخی از تحلیل‌گران بازپس‌گیری فاو را همانند زمان فتح آن در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۴) به منزله نقطه عطف و نشانه مرحله نهایی جنگ ارزیابی کردند. تایمز لندن بر تأثیر روانی سقوط فاو تأکید کرد. اظهارات برخی از شخصیت‌های رسمی نیز قابل توجه بود. میتران رئیس جمهور وقت فرانسه با تأکید بر ضرورت خاتمه یافتن جنگ، گفت: «این جنگ باید بدون غالب و مغلوب پایان پذیرد.»

واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا نیز اعلام کرد: «آمریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ برنده شود.» گرومیکو وزیرخارجه وقت شوروی با توجه به پافشاری ایران بر تعیین متجاوز، اعلام کرد: «بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول آغاز جنگ می‌باشد، این جنگ باید به فوریت پایان یابد.»

مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا گفت: «ادامه جنگ ایران و عراق به هیچ‌وجه به نفع آمریکا نیست.» وی در جای دیگر با توجه به تأثیرات بازپس‌گیری فاو، در سمینار خلیج‌فارس اعلام کرد: «ما می‌خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد.» مورفی بر این باور

بود که عراق با بازپس گیری فاو توازن را مجدداً برقرار کرده است و ادامه تهاجمات عراق به برهم خوردن موازنه منجر خواهد شد.[۱]

آقای هاشمی جانشین فرمانده کل قوا و فرمانده عالی جنگ با توجه به ابعاد و نتایج احتمالی این حادثه اعلام کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود.»

با توجه به اهمیت سقوط فاو، به نظر دو تن از تحلیل‌گران نظامی درباره علت وقوع این حادثه اشاره می‌شود. کردزمن معتقد است مرحله جدید جنگ را سه عامل شکل داد: نخست، تغییرات مهم در نیروهای مسلح عراق[۲] و شیوه رزم آن. دوم، تغییر توانایی ایران برای ادامه جنگ و سومین عامل که کمتر محسوس بود، حضور نیروهای غربی در خلیج فارس و انزوای فزاینده دیپلماسی ایران بود. ژنرال موگلن کارشناس نظامی فرانسه معتقد است عراقی‌ها به چند دلیل توانستند فاو را مجدداً آزاد سازند: اولاً برنامه‌ریزی بسیار خوب و دقیق. ثانیاً اجرای مانور موفق و ایجاد این ذهنیت برای ایرانی‌ها که عراق قصد انجام عملیات در شمال را دارد.

بدون تردید افزایش توان نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور، نقش مهمی درتغییر اوضاع به سود عراق داشت. پیش از این عراق با عملیات موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» در اندیشه تصرف برخی از مناطق مرزی و شهرهای ایران بود که به توفیق چندانی دست نیافت. عراق ضعف و کاستی‌های خود را در این زمینه برطرف ساخت و «با بهبود ارتش عراق» و تغییر شیوه رزم آن، از موقعیت برتری برخوردار شد. محی‌الدین مصباحی در مقاله خود وضعیت نظامی عراق را در آستانه بازپس‌گیری فاو چنین ذکر می‌کند: «نیروهای مسلح عراق در نتیجه فروش عظیم تسلیحاتی توسط شوروی و سایرین، در مدتی کمتر از دو سال سیستم‌های تسلیحاتی خود را به بیشتر از ۴۰٪ افزایش دادند. ارتش عراق در شرف بازپس‌گیری فاو در آوریل ۱۹۸۸ (فتح نظامی که بعداً ثابت شد نقطه عطفی در جنگ می‌باشد) حدود ۵۰۰۰ تانک، ۴۵۰۰ نفربر زرهی، ۵۵۰۰ عراده توپ و آلات توپخانه، ۴۲۰ هلی‌کوپتر و ۷۲۰ هواپیمای جنگی آماده برای عملیات در اختیار

---

۱ - طه یاسین رمضان با تهدید ایران مبنی بر اینکه استراتژی عراق نابود کردن تمامی تأسیسات نفتی ایران است، نشان داد عراقی‌ها در اندیشه تداوم تهاجم به ایران هستند.

۲ - برنارد نیوز در نیویورک تایمز نوشت: تحلیل‌گران پنتاگون به وجود تحولات عمده‌ای در ارتش عراق پی بردند و به تجدیدنظر در تفکر خود پرداختند. نشریه هفتگی ایران تایمز، ۱۳۷۶/۲/۹)

داشت. این خیل عظیم سیستم‌های تسلیحاتی با حداقل ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد و مقادیر زیادی مهمات شیمیایی تکمیل می‌شد. بغداد با کسب این مقادیر عظیم سلاح توانست نیروهای زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ لشکر در سال ۱۹۸۸ یعنی دو برابر برساند. این امر نمایانگر رشد واقعی در ساختار نیرو و توانایی‌های عملیاتی بود و گام مهمی در تغییر موازنه استراتژیک کلی در خلیج‌فارس به‌شمار می‌رفت. افزایش نیروی انسانی آموزش دیده در ارتش عراق نیز به وضوح نشان دهنده کمک‌های شوروی در این زمینه بود که عراق را قادر ساخت ضمن کسب مقادیر زیادی سلاح از شوروی، امر سازماندهی ارتش خود را مجدداً تکمیل نماید.»

در عین حال، غافلگیر شدن ایران در فاو و به کارگیری سلاح شیمیایی به وسیله عراق به نحوی گسترده، نقش مؤثری در سقوط فاو داشت. عراقی‌ها با استفاده از زمان تمرکز نیروهای ایران در منطقه شمال غرب کشور، تهاجم خود را به منطقه فاو آغاز کردند و آن را بازپس گرفتند. البته برتری بارز عراق در تجهیزات، سازمان گسترده و آمادگی قوا نیز به گونه‌ای بود که با فرض هوشیاری و غافلگیر نشدن ایران، با توجه به موقعیت فصلی و حضور حداقل نیروهای مردمی در جبهه‌های جنگ و به تحلیل رفتن قوای ایران به دلیل اجرای عملیات والفجر ۱۰، احتمالاً سقوط فاو به جای ۳۶ ساعت زمان بیشتری به طول می‌انجامید. به عبارت دیگر، تفوق استراتژیک عراق وضعیت را به‌گونه‌ای اساسی به نفع عراق و به زیان ایران تغییر داده بود و مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید امری بسیار دشوار بود.

ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در ساعت ۸ صبح ۱۳۶۷/۳/۴ حمله به منطقه شلمچه را آغاز کرد. در این هجوم منطقه شلمچه طی ۸ ساعت سقوط کرد در حالی که نیروهای خودی در این منطقه نسبت به منطقه فاو آماده‌تر بودند، عقبه مناسبی داشتیم، هوشیار بودیم و غافلگیر نشدیم. زیرا از ۲۴ ساعت قبل، تحرکات عراق و تجمع نیرو نشان دهنده آمادگی عراق برای عملیات بود. این اراده وجود داشت که شلمچه را حفظ کنیم اگر چه نیروی احتیاط در اختیار داشتیم و خطوط تقویت شده بود، ولی دشمن قدرتمند بود و تغییر تاکتیک داده بود.

امکانات فوق‌العاده، تجهیزات پیشرفته، کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف همچون سلاح‌های شیمیایی و گسترش سازمان ارتش عراق، امکان مانور گسترده با استفاده از

شیوه‌های رزم و برتری چشمگیر این کشور از نظر نیرو و سازمان، بعد از سقوط فاو مورد توجه رسانه‌های خارجی و تحلیل‌گران نظامی قرار گرفت ولی پس از سقوط شلمچه «استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی عراق» و ظهور نشانه‌هایی آشکار از کارآیی این استراتژی مورد توجه واقع شد.

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقامات عراقی نوشت: « آنها می‌گویند استراتژی تازه‌ای در پیش گرفته‌اند.» نظر به اهمیت منطقه شلمچه و نگرانی‌های جمهوری اسلامی از احتمال پیشروی دشمن از محور شلمچه به سمت خرمشهر و آبادان، یگان‌های سپاه پاسداران در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۲۲ طی عملیاتی با نام «بیت‌المقدس ۷» به نیروهای دشمن هجوم بردند و خسارات بسیاری را بر آنها و امکاناتشان وارد کردند.

در روزهای پایانی خرداد ۱۳۶۷ نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به کمک ارتش عراق به مهران و دهلران – که در کنترل پدافندی ارتش قرار داشت – حمله کردند. پیش از این منافقین – پس از توافق جدید با رژیم عراق – در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۸ به فکه حمله کرده بودند. در بهار همین سال، بعد از نشست محرمانه رجوی و صدام، تجهیزات سنگین شامل تانک تی ۵۵ و نفربرهای پی. ام. پی در اختیار منافقین قرار گرفت و افسران عراقی آموزش فشرده‌ای را برای آنها برگزار کردند. رجوی قبل از عملیات مهران طی نشستی برای تحریک و تشویق نیروهایش جهت حمله به خطوط ارتش، می‌گوید: « توان یک یگان ما با ۳ یا ۴ یگان ارتش ایران برابر است، یک گردان برای در هم شکستن چند گردان کلاسیک ارتش.» منافقین پس از حمله به مهران شعار « امروز مهران فردا تهران» را سر دادند.

در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۴ تهاجم نیروهای عراق به جزایر مجنون آغاز شد. این حمله، اوج قدرت عراق بود. و پس از آن با توجه به بازپس‌گیری کلیه مناطق آزاد شده، عراقی‌ها مواضع جدیدی اتخاذ کردند. نزار حمدون معاون وزیر خارجه عراق اعلام کرد: « زمان به نفع ایران نیست و در مرحله نهایی جنگ هستیم. عراق نمی‌تواند صرفاً یک آتش‌بس را بپذیرد! »

طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق نیز طی مصاحبه‌ای گفت: « نتیجه جنگ در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده روشن خواهد شد.» تأکید نزار حمدون بر این مسئله که عراق از این پس تصمیم ندارد مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند، نشان

دهنده تصمیم عراق بر تداوم تهاجمات بود. چنان که نیروهای عراقی حملات گسترده‌ای را به خطوط ارتش با هدف گرفتن اسیر و غنائم آغاز کردند. در این مرحله تعداد زیادی نیرو و مقدار بسیاری امکانات ارتشی به اسارت و غنیمت گرفته شد و در بغداد به نمایش گذاشته شد.

در مجموع وضعیتی کاملاً نگران کننده به وجود آمده بود. در همین حال آمریکایی‌ها هواپیمای مسافربری ایران را با ۲ فروند موشک که از رزم‌ناو آمریکایی وینسنس، مستقر در خلیج‌فارس شلیک شد، ساقط کردند. این حادثه پیام روشن و قاطع آمریکا مبنی بر تشدید جنگ در صورت عدم اقدام ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود. چنان که ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا گفت که این فاجعه ضرورت دستیابی به برقراری صلح را با حداکثر شتاب، دو چندان ساخته است. سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: آمریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد و ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز کرده‌ایم. مایکل آرماکاست معاون وزارت خارجه امریکا نیز تأکید کرد که آمریکا از انعطاف ایران استقبال می کند، اما ایران نمی‌تواند به انتخاب خود بخش‌هایی از قطعنامه را بپذیرد.

ایران با توجه به وضعیت یاد شده، علاوه بر شتاب در تلاش‌های دیپلماتیک و شکایت از آمریکا در دادگاه لاهه به خاطر سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران، دو اقدام اساسی انجام داد. نخست حکم امام خمینی مبنی بر انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا به منظور «ایجاد ستاد فرماندهی کل»، «هماهنگی ارتش و سپاه»، «تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج نظامی و دفاعی»، «تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی» و «بهره‌برداری صحیح از کمک‌های مردمی» بود. اقدام دیگر، «اعلام بسیج عمومی» برای دفاع در برابر تهاجمات عراق بود.

در این مرحله تداوم حملات عراق سبب گردید در منطقه شرهانی، زبیدات و ارتفاعات حمرین، قوای عراقی ضمن حمله به خطوط دفاعی نیروهای ارتش تا عین‌خوش پیشروی کنند و در این حملات و همچنین حمله به مناطق سومار و میمک، در مجموع نزدیک به ۱۷۰۰۰ تن را اسیر کردند. با ادامه تهدیدات عراق برای حمله به مناطق جنوبی، عقب‌نشینی از حلبچه بررسی شد و سرانجام به رغم نظرهای متفاوتی که وجود داشت، نیروهای خودی منطقه حلبچه را تخلیه کردند. علاوه بر این، بنا به ملاحظات جدید و احتمال تداوم تهاجمات عراق و همچنین تشدید فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، امام خمینی با

یک تصمیم حساب شده و ناگهانی، اوضاع را به نفع ایران تغییر دادند و رئیس جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل، پذیرش قطعنامه را رسماً اعلام کرد. خبر پذیرش قطعنامه روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ ساعت ۲ بعد از ظهر از صدای جمهوری اسلامی ایران به‌شرح زیر قرائت شد:

« جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل اعلام نمود که با تأیید مجدد تلاش‌های انجام شده و اطمینان قلبی به اقدامات ایشان و به منظور یاری نمودن دبیرکل در جهت استقرار امنیت بر اساس عدالت، قطعنامه ۵۹۸ را رسماً پذیرفته است.»

در نامه رئیس جمهور ایران به دبیرکل سازمان ملل به این مسئله اشاره شده است که جنگ اکنون ابعادی غیرقابل پیش‌بینی یافته و ضمن وارد کردن کشورهای دیگر در جنگ، «قربانیان بی‌گناهی را در خود فرو برده است».

اقدام ایران و اهمیت آن واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت، اعجاب و شگفتی مردم و همچنین تأسف و تألم آنها موجی از حزن و اندوه همراه با نوعی ابهام و حیرت را در میان رزمندگان اسلام و طرفداران انقلاب اسلامی در خارج از ایران برانگیخت. در واقع شکاف موجود میان آگاهی مردم از واقعیات جنگ و برتری‌های چشمگیر عراق در توان رزمی و تبلیغاتی که انجام می‌گرفت و اذهان جامعه را شکل داده بود، مهم‌ترین عاملی بود که براساس آن می‌توان وضعیت روحی و روانی مردم را توضیح داد.

امام خمینی با توجه به نتایج پذیرش قطعنامه، طی پیامی در این باره فرمودند: « و اما درباره قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور — که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم — با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم، و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نبودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود...»

امام خمینی در همین پیام این اقدام را به منزله نوشیدن جام زهر ذکر کرده و فرمودند: «شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کردم.»

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه، بازتاب نسبتاً وسیعی داشت. رابین رایت کارشناس مسائل منطقه، دلیل این تصمیم را ناامیدی ایران از راه‌حل نظامی ذکر کرد و وضعیت اقتصادی و تحولات اخیر جبهه‌های جنگ را مؤثر در این تصمیم‌گیری دانست. وزیر دفاع وقت آمریکا، رویارویی آمریکا با ایران را یکی از عوامل مؤثر در پذیرش قطعنامه به وسیله ایران دانست. عراقی‌ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند و از اقدام ایران ناخشنود بودند، پذیرش قطعنامه را یک تاکتیک خواندند! برخی از صاحب‌نظران غربی نیز واکنش عراق را قصد عملی عراق برای جلوگیری از برقراری آتش‌بس ارزیابی کردند. همچنین رادیو لندن با استناد به بیانیه نظامی عراق، خبر حمله نظامی وسیع بر علیه مواضع ایران را اعلام کرد. آمریکایی‌ها از اقدام ایران اظهار خرسندی کردند و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد آمریکا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را توسط ایران خوش‌آمد می‌گوید. وایتهد معاون وزیر خارجه آمریکا نیز اعلام کرد واشنگتن هفته گذشته پیامی برای ایران ارسال داشته و از تصمیم این کشور برای قبول قطعنامه ۵۹۸ تقدیر کرده است. آمریکایی‌ها اقدام ایران را عامل مهمی در رفع موانع در روابط ایران و آمریکا می‌دانستند. چنان که شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد آمریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر تهران است.

تنها سه روز پس از اقدام ایران در اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عراقی‌ها در روز جمعه ۱۳۶۷/۴/۳۱ تهاجم خود را در منطقه جنوب آغاز کردند و در ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر مستقر شدند. این حرکت شتابزده شباهت زیادی به تهاجم آنها در آغاز جنگ داشت. هدف عراق از این اقدام وارد کردن ضربه سنگین نظامی به ایران، اشغال زمین و به اسارت گرفتن شمار بیشتری از نظامیان ایرانی بود تا به هنگام مذاکرات بعد از جنگ، از آنها به عنوان برگ برنده استفاده کند و درتبادل اسیران نسبت به ایران از موقعیت بهتری برخوردار شود. ضمن آنکه خرمشهر به‌شدت تهدید می‌شد و اشغال مجدد آن امتیاز بزرگی برای عراق بود.

وضعیت بسیار حساسی بود. خرمشهر در آستانه سقوط قرار داشت. سقوط مجدد خرمشهر ضربات روانی سنگینی بر مردم وارد می‌کرد و ممکن بود ابتکار عملی را که امام با پذیرش قطعنامه به دست آورده بود، از دست برود. نگرانی‌های برخاسته از این وضعیت سبب شد امام خمینی توسط فرزندشان (حاج احمدآقا) پیامی را برای سپاه، تنها سازمان حاضر در صحنه، ارسال فرمایند که در آن آمده بود:

«اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست و پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچ چیزی از هیچ‌کس پذیرفته نیست. اینجا نقطه‌ای است که یا موجب می‌شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه سپاه یک سپاه ذلیل و مرده‌ای بشود.»

سپس حاج سید احمد آقا خطاب به برادر رحیم صفوی که پیام را یادداشت می‌کرد، به این مسئله اشاره نمود که اگر خدای ناکرده در خرمشهر یک حادثه‌ای رخ بدهد، دیگر ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم.

طولی نکشید که سیل نیروهای بسیجی که از قبول قطعنامه به شدت متأثر بودند و امام خمینی را تنها می‌دیدند، به یاری او شتافتند و راهی جبهه‌ها شدند تا به هر نحو ممکن در برابر دشمن بایستند، دشمنی که بسیار قدرتمندتر از روزهای اول جنگ شده بود. بار دیگر بسیجیان با کمترین امکانات به میدان شهادت آمدند. جبهه‌ای که تنها سپاه بود و بسیج، اما نه در سازمان‌های از پیش تعریف شده، بلکه در هسته‌هایی خود جوش مرکب از فرماندهان لشکرهای سپاه و رده‌های پایین‌تر و نیروهای مردمی و بسیجی همه شانه به شانه در لا به لای تانک‌های عراقی با سلاح سبک و آر پی جی، بدون اتکا به نیروی زرهی و توپخانه به دشمن یورش بردند و طی چند روز درگیری سنگین، بخش بزرگی از قوای عراقی را منهدم و آنها را مجبور به عقب‌نشینی کردند.

تهاجم عراق تأثیر فوق‌العاده‌ای برجای نهاد، ادعاهای دروغین صلح‌طلبی این رژیم آشکارتر شد و عناصر مردد داخلی و افکار فریب خورده جهان به این امر واقف شدند. ضمن آنکه نگرانی ناشی از حرکت اخیر عراق با توجه به زمینه روانی ویژه‌ای که امام آماده کرده بود، جوّ عمومی داخل کشور را یکباره دستخوش تحول کرد و سیل نیروهای مردمی بسیار گسترده‌تر از روزهای نخستین جنگ به جبهه سرازیر شدند. همچنین این اقدام عراق تغییر مواضع بین‌المللی را به زیان عراق و به سود ایران موجب شد. چنان که پنج

عضو دائمی شورای امنیت، عراق را برای نشان دادن انعطاف بیشتر تحت فشار قرار دادند. به نوشته نیویورک تایمز، آمریکا نیز عراق را برای برقراری آتش‌بس تحت فشار قرار داد.

عراقی‌ها در وضعیت جدید ضمن اعلام مقاومت در برابر فشار آمریکا، مدعی بودند آمریکا می‌خواهد هر چه زودتر جنگ تمام شود تا با ایران ارتباط برقرار کند، واکنش عراق در مجموع سبب گردید ایران پیروزی تبلیغاتی به‌دست آورد. به همین دلیل برخی از تحلیل‌گران اقدام عراق در اشغال مجدد خاک ایران را یک «اشتباه محض» قلمداد کردند. یک سرهنگ سابق ارتش عراق این اقدام عراق را یک اشتباه استراتژیک نامید و گفت:

« در موقعیتی که ایران از کمبود نیرو رنج می‌برد و ابتکار عمل در اختیار رهبری عراق بود، پیشروی نیروهای عراق به سمت خوزستان منجر به «خروش ملی» و ایجاد شور و شوق در میان مردم ایران شد. همین نیروها طی یک هفته تلفات و خسارت‌های سنگینی به ویژه در محور جنوب، بر نیروهای عراقی وارد ساختند و در این منطقه ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که اصل قدرت عراق را تشکیل می‌دادند، مورد تهاجم نیروهای داوطلب ایرانی قرار گرفتند و با عقب‌نشینی مقدار زیادی منهدم شدند.»

در جبهه جنوب هنوز ارتش عراق به‌طور کامل تا خط مرزی عقب زده نشده بود که حدود ساعت ۱۴:۳۰ روز ۱۳۶۷/۵/۳ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) همراه با ارتش عراق هجوم مشترکی را از طریق سرپل ذهاب به طرف شهر «کرند» آغاز کردند. آنها عملیات خود را با هدف براندازی شروع کردند با این تصور که اوضاع بین‌المللی کاملاً به زیان ایران می‌باشد و همانند وضعیتی است که آلمان در اواخر جنگ جهانی دوم گرفتار آن شده بود. وضعیت نظامی ایران را به دلیل تهاجمات پی درپی عراق از هم پاشیده ارزیابی می‌کردند و همچنین اوضاع داخلی ایران را به دلیل تحولات نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسیب‌پذیر می‌دانستند. برای همین، منافقین می‌پنداشتند یک ضربه و شوک نظام جمهوری اسلامی را فرو خواهد ریخت و این تنها فرصتی است که در اختیار دارند. رجوی در همان زمان طی تحلیلی گفته بود که نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم و باید حمله کنیم و در شرایطی که رژیم نیروی جنگی ندارد، کار را تمام کنیم! مریم رجوی نیز در جمع نیروهای حمله کننده اظهار کرده بود: وقتی از جبهه برویم آن طرف‌تر کسی نیست که جلوی ما را بگیرد. رجوی در پاسخ به سئوالات حاضرین در همین نشست می‌گوید:

«جمع‌بندی نهایی در میدان آزادی!»

منافقین طرح خود را در یک نشست ۲۴ساعته آماده کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۳۱ توجیه صورت گرفت و نام عملیات را «فروغ جاویدان» گذاشتند.

سخنگوی سازمان منافقین استراتژی سازمان را وارد کردن هرچه بیشتر تلفات و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد (امام) خمینی ذکر کرد! در یکی از رسانه‌های غربی استراتژی منافقین « ایجاد منطقه آزاد شده» اعلام شد.

به هر صورت، بلافاصله پس از اطلاع مردم از هجوم منافقین؛ بسیجی‌ها سیل‌وار راهی غرب کشور شدند و به همراه یگان‌های سپاه پاسداران، راه را بر منافقین بستند و از رو به رو و پهلو به آنها حمله کردند و سازمان نظامی منافقین را متلاشی کردند. منافقین با آشکار شدن ناتوانی و برملا شدن آثار توهمات خود، با برجای گذاشتن کشتگان و اسیران بسیار، مجدداً به داخل خاک عراق فرار کردند. رادیو لندن طی تفسیری گفت: « هدف از این حمله هر چه باشد ظاهراً تأثیر مثبت و مطلوبی در داخل ایران نداشته است.»

بدین ترتیب با حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌ها و پیام امام به سپاه پاسداران برای مقاومت و رفع تهاجم عراق و منافقین، سرانجام عراقی‌ها پس از تحمل تلفات و عدم موفقیت در لشکرکشی مجدد به خاک ایران و ناامیدی از کارآیی منافقین به عنوان یک عامل تعیین کننده، با برقراری آتش‌بس موافقت کردند و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ میان ایران و عراق آتش‌بس برقرار شد. رابین رایت متخصص مسائل منطقه، در تحلیلی نوشت: برای ایران اجرای آتش‌بس رسمی نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده برای آغاز مرحله‌ای جدید در انقلاب آن کشور است. هدف از استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری یافته است.

بدین‌ترتیب جنگ ایران و عراق پس از هشت سال در حالی پایان یافت که علی‌رغم حمایت همه جانبه غرب و شرق از عراق، که قدرت نظامی این کشور را به نحوی چشمگیر افزایش داده بود، دستاورد مهمی عاید عراق نشد.

عدم موفقیت عراق در جنگ و باقی ماندن مشکلات ژئوپلتیک این کشور، عراق بعد از جنگ را در وضعیت ویژه‌ای قرار داد. حمایت فوق‌العاده غرب و شرق از عراق در زمینه انواع تسلیحات به خصوص سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته و کشتار جمعی و همکاری با این کشور برای دستیابی به سلاح‌های غیرمتعارف و حتی ایجاد زمینه مناسب برای ساخت

سلاح‌های اتمی، به همراه جنبه‌های روانی و ویژگی‌های شخصی سران رژیم عراق، پس از جنگ توان متراکم و تهدید کننده‌ای از عراق ساخته بود که کشورهای منطقه و همجوار، خصوصاً عربستان و اسرائیل را در معرض تهدید جدی قرار می‌داد.

این مسئله در تجاوز عراق به کویت به وقوع پیوست و در یک حرکت مشکوک - که در آن فریب خوردن رژیم عراق دور از ذهن نیست - ارتش عراق، کویت را اشغال کرد و این اقدام زمینه‌ای شد که حامیان عراق - که صرفاً برای مقابله با انقلاب اسلامی، رژیم صدام را تا این حد تجهیز کرده بودند - پس از پایان جنگ اوضاع را مساعد دیدند که آنچه را با ثروت کشورهای حوزه خلیج فارس در اختیار عراق گذاشته بودند، مجدداً با امکانات همین کشورها همه را منهدم کنند. انهدامی که طی چندین سال گذشته ادامه داشته و هنوز هم غرب از آن احساس تهدید می‌کند. *

* - منبع: کتاب «سیری در جنگ ایران و عراق؛ آغاز تا پایان»، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۶.

نامه امام برای قبول آتش‌بس

بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه ۲۵ تیر / ۶۷

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین.

حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می‌باشند صریحاً اعتراف می‌کنند که ارتش اسلام به این زودی‌ها هیچ پیروزی بدست نخواهند آورد و نظر بر اینکه مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند و با قاطعیت می‌گویند که یک دهم سلاح‌هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند، به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده [آقای محسن رضایی] فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به این جانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرمانده هایی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ، معتقد به ادامه جنگ می‌باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسائل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش‌بس موافقت می‌نمایم. و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ، به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است، اشاره می‌شود.

فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم. ممکن است در صورت داشتن وسائلی که در طول پنج سال بدست می‌آوریم، قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱، اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک، ۳۰۰۰ توپ، ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلی‌کوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح‌های لیزر و اتم ـ که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است ـ داشته باشیم، می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم. وی می‌گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دوبرابر و نیم افزایش پیدا کند. او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الاّ موفق نخواهیم بود. این فرمانده مهمترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتواند به تعهد خود عمل کند. البته با ذکر این مطالب می‌گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست.

آقای نخست وزیر از قول وزرای اقتصاد و [برنامه و بودجه] بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده‌اند. مسئولین جنگ می‌گویند تنها سلاح‌هایی را که در شکست‌های اخیر از دست داده‌ایم، به اندازه تمام بودجه ای است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود. مسئولین سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی بدست نمی‌آید، شوق رفتن به‌جبهه در آنها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی، اگر آبرویی داشته باشم خرج می‌کنم.

خداوندا! تو خود شاهدی که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرت‌های جهان سرسازش نداریم و سازش با ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم. خداوندا! در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حیله و دورویی، ما غریبیم. تو خود یاریمان کن. خداوندا! در همیشه تاریخ وقتی انبیاء و اولیاء و علماء تصمیم گرفته‌اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه‌ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند، با مخالفت‌های ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌های زمان خود مواجه شده‌اند. خداوندا! ما فرزندان اسلام و انقلابمان را برای رضای تو قربانی کردیم. غیر از تو

قابل توجهی از سلاحهای لیزری و اتمی - که از ضرورتهای جنگ در آن موقع است - داشته باشیم می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم
عملیات آفندی داشته باشیم وی می‌گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا
کند او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود. این فرمانده مهمترین قسمت موفقیت طرح
خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر می‌رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد
خود عمل کنند. البته با ذکر این مطالب می‌گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست. آقای نخست وزیر از
قول وزرای اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده‌اند. مسئولین جنگ می‌گویند تنها سلاحهایی را
که در شکستهای اخیر از دست داده‌ایم به اندازه تمام بودجه‌ای است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود.
مسئولین سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی به دست نمی‌آید شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است.
شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعالم
و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشم خرج می‌کنم. خداوندا ما برای
دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می‌کنیم. خداوندا تو خود شاهدی
که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرتهای جهان سر سازش نداریم و سازش با ابرقدرتها و قدرتها را پشت
کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم. خداوندا در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت
و حیله و دورویی ما غریبیم. تو خود یاریمان کن. خداوندا در طول تاریخ وقتی انبیا و اولیا و علما
تصمیم گرفته‌اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه‌ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند
با مخالفتهای ابوجهل‌ها و ابوسفیانهای زمان خود مواجه شده‌اند. خداوندا ما فرزندان اسلام و
انقلابیان را برای رضای تو قربانی کردیم. جز تو کسی را نداریم و برای اجرای فرامین و قوانین خود
یاری فرما. خداوندا از تو می‌خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیبم فرمایی. گفتم جلسه‌ای تشکیل گردد

نامه حضرت امام (ره) درباره دلایل پایان جنگ

هیچ کس را نداریم. ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما. خداوندا! از تو می‌خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیبم فرمایی.

گفتم جلسه‌ای تشکیل گردد تا سران دینی سیاسی کشور خود را برای دفاع از شایعات و تحریکات ضدانقلاب در خارج و داخل مهیا کنند. سعی کنند آتش‌بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی، شما را از آنچه صلاح اسلام است، دور کنند. صریحاً می گویم باید تمام همت‌تان در توجیه این کار باشد. قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس‌العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولین رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی‌مان چنین تصمیمی گرفته‌اند. خدا را در نظر بگیرید و هرچه اتفاق می‌افتد، از دوست بدانید.

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

بازتاب رسانه‌ای
انتصاب جانشین فرمانده کل قوا

رادیو بی بی سی ۱۳٦٧/۳/۱۲

به‌دستور آیت الله خمینی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس ایران با حفظ سمت به جانشینی فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران منصوب شده است. مقامی که به استثنای دوران کوتاهی در زمان ریاست جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر، تنها در اختیار آیت‌الله خمینی بوده است. این انتصاب غیرمنتظره در زمانی صورت می‌گیرد که نیروهای مسلح ایران در چند هفته اخیر، تنها نخستین بار پس از یک سال اول جنگ با عراق، با شکست‌های بزرگی روبرو شده و در برخوردی کوتاه مدت با نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس هم، نیروی دریایی ایران چند کشتی خود را از دست داد.

علاوه بر این حملات موشکی چند ماه پیش عراق به شهرهای ایران، به ویژه تهران باعث تضعیف روحیه عمومی در ایران شد. مجموعه این عوامل باعث مطرح شدن علنی انتقاداتی بی‌سابقه در مجلس و یا در خیابان‌ها و گروه‌های مخالف نسبت به سیاست جنگی ایران شد. فرمان جدیدی که برای آقای رفسنجانی صادر شد، نشان دهنده چگونگی مشکلاتی است که رهبران ایران در زمینه ادامه جنگ با آن مواجهند.

آیت الله خمینی، هاشمی رفسنجانی را مأمور ساخته است که هماهنگی بین نیروهای مسلح ایران و پاسداران انقلاب را که عملاً مستقل هستند و داوطلبان فوق‌العاده بسیج را بهبود بخشد. همچنین به هاشمی رفسنجانی دستور داده شده است که به حذف یا ادغام سازمان‌ها و تشکیلات غیرضروری اقدام کرده، تبلیغات جنگ را فعال‌تر ساخته و از امکانات و منابع حداکثر استفاده را بنماید.

به‌عبارت دیگر به هاشمی رفسنجانی گفته شده است که جنگ را به‌طور مؤثرتری تعقیب کند. ظاهراً آنچه که به آقای رفسنجانی گفته نشده، این است که چگونه با استفاده از طریق دیپلماتیک، ایران را از شر جنگ خلاص کند.

از نظر سیاسی، انتصاب جدید نشان دهنده اعتماد آیت الله خمینی به شخص هاشمی رفسنجانی است. نتایج انتخابات مجلس جدید در حقیقت نوعی عقب‌نشینی برای آقای رفسنجانی محسوب می‌شود. در دوره جدید مجلس، رادیکال‌ها اکثریت قابل توجهی را به‌دست آورده‌اند.

رادیکال‌ها غالباً از سیاست‌هایی که به جنبه عملی آن تأکید بیشتری شده است و به هاشمی رفسنجانی نسبت داده می‌شود، انتقاد کرده‌اند. ولی هفته گذشته آقای رفسنجانی مجدداً به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد و انتصاب او به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا، مؤید این نکته است که وی هنوز بازیگر اصلی صحنه سیاسی محسوب می‌شود. رئیس مجلس ایران تا قبل از صدور حکم جدید نیز به‌عنوان نماینده آیت الله خمینی در شورای‌عالی دفاع در اداره جنگ دخالت مستقیم داشت، ولی این شورا ترکیب صحیحی نداشته و فاقد وحدت نظر است.

رئیس شورای‌عالی دفاع، [آیت‌الله] خامنه‌ای، رئیس جمهور است. از سال گذشته شورای دیگری، یعنی شورای‌عالی پشتیبانی از جنگ، نقش رهبری را در تنظیم سیاست‌های جنگی به عهده گرفته و خواستار بسیج داوطلبان برای به‌راه انداختن گسترده ترین و عظیم‌ترین تهاجم علیه عراق گردیده است. اکثریت اعضای این شورا را تندروهایی تشکیل می‌دهند که با آن نوع دیپلماسی که رفسنجانی و جناح وی در سازمان ملل متحد تعقیب می کند، مخالفند.

آیت الله خمینی به‌وضوح احساس کرده است که وقت آن رسیده است که به‌جای شورای انقلابی، کارایی و شایستگی باید جنگ را هدایت کند و آقای رفسنجانی به

کارآیی شهرت دارد ولی نباید فراموش کرد که آقای رفسنجانی وظیفه دشواری را به‌عهده گرفته است و چنانچه وی جریان جنگ را یکبار دیگر به‌نفع ایران برنگرداند، رقبای سیاسی که در صدد تضعیف موقعیت او برآیند، کم نخواهند بود. آیت الله خمینی در فرمان خود اظهار داشت که وظیفه هاشمی رفسنجانی آن خواهد بود که یک فرماندهی فراگیر برای هماهنگ ساختن عملیات نیروهای زمینی و هوایی و دریایی و سپاه پاسداران انقلاب و دستگاه شهربانی پدید آورد و هم خود را بر بهره برداری مؤثرتری از منابع ایران، به ویژه منابع انسانی تمرکز دهد. آیت الله خمینی امید دارد که نقش وحدت بخش هاشمی رفسنجانی به رقابت بین ارتش و پاسداران انقلاب پایان بخشد.

هاشمی رفسنجانی را همگان نیرومندترین شخصیت سیاسی ایران پس از آیت الله خمینی به‌شمار می‌آورند و انتصاب او به سمت جدید، موضع سیاسی او را نیز بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

رادیو صدای آمریکا - ٦۷/۳/۱۲

تفویض اختیارات آیت الله خمینی بر ارتش به حجت الاسلام رفسنجانی، به تقویت موضع طرفداران یافتن راه حل سیاسی در جنگ ایران و عراق کمک خواهد کرد. با این حال گزارش‌هایی که به‌نقل از گروه‌های سیاسی مخالف با ا دامه جنگ می‌باشد، از تشدید اقدامات دولت علیه آنان حکایت دارد.

جهانگیر بهروز روزنامه نگار ایرانی می گوید انتصاب اکبر هاشمی رفسنجانی به‌عنوان کفیل فرماندهی کل قوا به وی قدرت بیشتری می‌بخشد تا بتواند برای یافتن راه حلی سیاسی در پایان دادن به جنگ وارد عمل شود.

جهانگیر بهروز معتقد است با توجه به اینکه از دوران ریاست جمهوری [آیت‌الله] خامنه‌ای مدت زیادی باقی نمانده است، به احتمال زیاد آقای رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا خواهد بود و اگر به این مقام برگزیده شود، با برخورداری از اختیارات ولایت فقیه در ارتش، می‌تواند با قدرت بیشتری تصمیمات مربوط به تعیین سرنوشت جنگ را به مورد اجرا بگذارد.

وی در این‌باره که به عقیده او چه دلایل دیگری در تصمیم‌گیری آیت الله خمینی برای تفویض اختیارات خود در ارتش به حجت الاسلام رفسنجانی مؤثر بوده است گفت: من

فکر می‌کنم که مقصود این بوده که تمام این اختیارات در یک مقام شایسته متمرکز بشود و من فکر می‌کنم از این نظر آقای رفسنجانی شایسته ترین فرد بودند به‌دلایلی. یکی اینکه ایشان از آغاز جنگ در جریان مذاکراتی که مربوط به جنگ بوده، چه مربوط به حمله‌های جدید و از جنبه‌های نظامی و چه مذاکراتی که برای قطع جنگ بوده، ایشان در آن شرکت داشته‌اند. گذشته از این شاید مسئله‌ای که در خارج زیاد منعکس نشده، این است که ایشان در عملیّات مهم نظامی شخصاً در ستاد حاضر می‌شده‌اند و عملیات را به‌عنوان نماینده امام در آن نظارت می‌کردند. اضافه بر این، مقام دیگری که ایشان دارند، مقام قانونی‌شان است یعنی رئیس قوه مقننه هم هست و اگر قرار باشد مسئله جنگ در مجلس به‌شکلی مطرح شود، ایشان در مقامی هست که شایسته است در این مسئله تصمیم‌گیری بکند.

ایشان افزود: انتخاب آقای رفسنجانی به‌عنوان کفیل فرماندهی کل قوا در جنگ با عراق تأثیر مثبتی دارد. به این معنی که آقای رفسنجانی بارها در نطق‌های خودشان در نماز جمعه و در موارد مختلف گفته‌اند که مذاکرات سیاسی را به جنگ ترجیح می‌دهند ، یعنی اشغال نظامی یا پیشرفت نظامی برای جمهوری اسلامی ایران به‌نظر ایشان هدف نیست، بلکه وسیله است و اگر جمهوری اسلامی بتواند به‌هدف‌هایش از راه مسالمت‌آمیز به مذاکره برسد، ترجیح می‌دهد تا به جنگ مبادرت کند. به‌این ترتیب به‌نظر من یک شرایط تازه‌ای ممکن است برای حل مسئله جنگ از راه مذاکرات سیاسی به وجود بیاید.

خبرگزاری آسوشیتدپرس:

آیت الله روح الله خمینی، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس را به سمت جانشین فرمانده کل قوای مسلح ایران منصوب کرد. این اقدامات به پیشنهاد [آیت‌الله] خامنه‌ای ریاست جمهوری که فرمانده نیروهای مسلح می‌باشد، صورت گرفت. تصمیم [امام] خمینی در پی دو شکست عمده ایران در جنگ ۷/۵ ساله علیه عراق و پیروزی‌های عمده تندروها و مبارزین در دو مرحله انتخابات پارلمانی صورت گرفت.

این اقدام امام خمینی مبنی بر انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی به جانشینی فرمانده کل قوا، آشکارا قدرت او را تحکیم می‌بخشد. از زمانی که ارتش عراق ایرانی‌ها را از مواضع مهم آنها «سرپل» در شرق بصره با یک تهاجم برق‌آسا عقب راند، انجام یک تحول عمده در فرماندهی نظامی ایران انتظار می‌رفت.

عراقی‌ها شبه جزیره فاو در جنوب بصره را در یک تهاجم دو روزه ۱۶ تا ۱۸ آوریل سال جاری میلادی (۲۷ تا ۲۹ فروردین) بازپس گرفته و ایرانی‌ها را به آن سوی شط‌العرب عقب راندند.

امام خمینی پس از دست رفتن فاو سرتیپ اسماعیل سهرابی رئیس ستاد مشترک ارتش را از کار برکنار کرد و یک افسر گمنام به نام سرهنگ علی شهبازی را جایگزین وی کرد و او را به درجه سرتیپی ارتقاء داد. تحلیل‌گران نظامی غربی گفتند انتظار می‌رود افراد بیشتری کنار گذارده شوند.

انتصاب رفسنجانی هنگامی صورت می‌گیرد که تحلیل‌گران نظامی انتظار دارند سران تهران در پی دو شکست خود، استراتژی خشونت علیه عراق را بار دیگر مورد ارزیابی قرار دهند.

خبرگزاری رویتر - ۶۷/۳/۱۲

در ایران، اکبر هاشمی رفسنجانی سخنگوی شورای‌عالی دفاع به عنوان جانشین فرمانده کل قوا تعیین شد. این انتصاب توسط آیت الله روح الله خمینی رهبر روحانی ایران و به توصیه [آیت‌الله] خامنه‌ای رئیس جمهور صورت گرفته است. طبق قانون اساسی ایران، امام خمینی فرمانده نیروهای مسلح است. رفسنجانی با اختیار کامل به این سمت منصوب گشته است.

نامه‌ای از [آیت‌الله] خامنه‌ای به [امام] خمینی ارسال شده که طی آن گفته شده که هاشمی رفسنجانی، تنها شخص مناسب برای انتصاب به این مسئولیت مهم است. از قول [آیت‌الله] خامنه‌ای رئیس جمهور، گزارش شده که گفته است تمام امور مربوط به نیروهای مسلح سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ژاندارمری از عملیات نظامی گرفته تا امور لجستیکی و اداری باید به یک نفر سپرده شود.

ایران طی هفته‌های اخیر متحمل شکست‌های نظامی شده است. تهران تاکنون از پذیرفتن دستورآتش‌بس سازمان ملل خودداری کرده و تقاضا می‌کند که نخست عراق به عنوان متجاوز در جنگ شناخته شود. هاشمی رفسنجانی که در عین حال رئیس مجلس ایران است، یکی از با نفوذترین رهبران کشور است. تحلیل گران سیاسی خاطرنشان کردند که انتصاب جدید وی بر اعتبار او خواهد افزود.

خبرگزاری فرانسه - ۶۷/۳/۱۲

امام خمینی که به‌موجب مفاد قانون اساسی عنوان فرمانده کل قوای مسلح را برای خویش حفظ کرده، تصمیم گرفته است وظیفه فرماندهی کل نیروهای مسلح را به رئیس مجلس محول نماید. ناظران معتقدند این انتصاب در شرایطی انجام می‌پذیرد که نیروهای ایران در جبهه و در خلیج [فارس] متحمل شکست‌هایی شده‌اند.

موضع امام موضوع موافقت جناح «رادیکال» می‌باشد که در انتخابات مجلس جدید به کسب اکثریت نایل آمد و سرپرستی آن را نیز [حجت الاسلام] احمد خمینی برعهده دارد.

آقای رفسنجانی بدون اینکه به جناح مزبور تعلق داشته باشد، به نظر می‌رسد که برای رویارویی با این وضع، مورد اتفاق‌نظر قرار گرفته است. معهذا اعتراضاتی در کشور علیه ادامه جنگ پدیدار گشته و مهدی بازرگان نخست وزیر سابق و نزدیکانش با انتشار عریضه‌هایی در کشور از مردم خواسته بودند که در جهت برقراری آتش‌بس موضع‌گیری نمایند.

خبرگزاری آلمان - ۶۷/۳/۱۲

آیت الله روح الله خمینی رهبر روحانی ایران در یک دگرگونی تازه در نیروهای مسلح ایران یک روحانی قدرتمند را به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا منصوب کرد. [امام] خمینی از منصوب خود، هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان خواسته است تا فرماندهی کل قوا را در راه تضمین همکاری کامل میان نیروها ی مسلح، پاسداران انقلاب و واحدهای داوطلب بسیج بازسازی کند.

به موجب این حکم، وظایف اصلی هاشمی رفسنجانی شامل راهبری تمام توان کشور به‌سوی تأمین نیازهای دفاع مقدس خواهد بود. به‌علاوه قدرت‌های وی انحلال نیروهای غیرضروری و دیگر اختیارات تام با هدف قادر ساختن وی به اجرای مأموریتش را در بر می گیرد. هاشمی رفسنجانی فرماندهی نیروهای مسلح را به توصیه [آیت‌الله] خامنه‌ای رئیس شورای عالی دفاع « به امام خمینی» کسب کرد.

خبرگزاری نیویورک - ۶۷/۳/۱۲

امام خمینی رهبر ایران مقام فرماندهی عالی نیروهای مسلح ایران را به اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران واگذار کرد. گرچه طبق قانون اساسی ایران، مقام رهبری فرمانده عالی نیروهای مسلح است، [امام] خمینی مقام فرماندهی خویش را به هاشمی رفسنجانی واگذار کرده است. در فرمان امام، هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح تعیین شده است.

طبق قانون اساسی رهبر روحانی و سیاسی در عین حال فرمانده کل ارتش است. با توجه به این حقیقت که امام خمینی مقام فعلی رهبری آیت الله منتظری را به عنوان جانشین خود منصوب کرده است، انتصاب هاشمی رفسنجانی به مقام فرماندهی کل قوا مغایر با قانون اساسی است. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران تاکنون یکی از نمایندگان امام خمینی در شورای عالی ارتش بوده است.

طبق قانون اساسی اعلام جنگ و صلح، انتصاب شورای عالی ارتش و تعیین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اختیارات فرمانده کل قوا است.

شبکه ای بی سی - ۱۳۶۷/۳/۱۳

یک شبکه عمده تلویزیونی در آمریکا در گزارشی ضمن تأکید بر پیروزی‌های اخیر عراق در فاو و بصره به‌نقل از مقامات وزارت جنگ آمریکا اعلام کرد که نیروهای عراق برای حمله به منطقه مجنون مهیّا می‌شوند. شبکه تلویزیون ای بی سی آمریکا ضمن تأکید بر انتصاب حجت الاسلام رفسنجانی به مقام فرماندهی کل قوا، عامل عمده پیروزی‌های اخیر عراق را عدم توانایی ایران در جذب و به‌خدمت گیری تعداد زیادی نیرو جهت اعزام به جبهه‌های نبرد توصیف کرد و به‌نقل از کارشناسان نظامی افزود که عدم قدرت ایران در ادامه نبرد در داخل خاک عراق این کشور را به پیشنهاد برای ختم جنگ سوق می‌دهد. در ابتدای این گزارش با اشاره به اینکه فصل جدیدی از جنگ قدرت که همیشه در ایران جریان دارد، گشوده شده، می‌افزاید: آیت الله خمینی مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران را به رئیس مجلس ایران هاشمی رفسنجانی واگذار کرده است.

این شبکه سپس افزود از دید کارشناسان رفسنجانی کسی است که خواهان ادامه جنگ با عراق است.

مصاحبه بی بی سی با یک کارشناس امور ایران درباره پیامد احتمالی انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا - ۶۷/۳/۱۳

در هفته‌های اخیر ایران در جنگ با عراق متحمل شکست‌هایی شده است و در ماه آوریل نیروهای آن کشور در شبه جزیره فاو متحمل شکست شدند و سپس از اراضی شرق بصره رانده شدند. همچنین نیروی دریایی ایران در زدوخورد با ایالات متحده آمریکا متحمل ضربات جدی گردید و نیز گزارش می‌شود که حملات بزرگ دیگری به‌خاطر کمبود شمار داوطلبان کنار گذاشته شده‌اند.

هم اکنون نیروهای ایران دارای فرمانده کل جدیدی شده‌اند و این سمت که قبلاً در اختیار آیت الله خمینی قرار داشت، به هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران که فردی پرقدرت و واقع‌گرا می‌باشد، محول گردیده است. وی با توجه به اینکه عضو بانفوذ شورای عالی دفاع می‌باشد، با روش‌های نظامی بیگانه نمی‌باشد، ولی انتصاب وی به این سمت، هنوز نیاز به توضیحات بیشتری دارد و از این جهت خبرنگار ما با دیلیپ هیرو نویسنده امور ایران به‌گفتگو پرداخته است.

دیلیپ هیرو: این انتصاب حائز اهمیت است، زیرا هشدار به صدام حسین می‌باشد که ایران تا سر حد نیستی به جنگ ادامه خواهد داد و به جنگ اولویت می‌دهد و رفسنجانی به عنوان شخصیت مهم سیاسی به جبهه‌های جنگ، توجه بیشتری معطوف خواهد داشت.

س: هاشمی رفسنجانی در عین حال یک واقع‌گرا می‌باشد، این امکان وجود ندارد که صدام حسین برخلاف این استدلال آن را علامتی از جانب ایران و احتمالاً تلاشی در جهت استراتژی صلح تلقی نماید؟

ج : نه اصلاً این طور نمی‌باشد زیرا باید این را نیز بدانیم که هاشمی رفسنجانی سخنگوی آیت الله خمینی است و همچنان که آیت الله خمینی در مراسم گشایش پارلمان جدید اظهار داشته، سرنوشت جنگ نه در پشت میز مذاکره بلکه در جبهه‌های جنگ تعیین خواهد گردید و بنابراین رفسنجانی بیانگر تمایلات آیت الله خمینی خواهد بود.

س : چرا آیت الله خمینی شخصاً از این سمت کناره‌گیری نموده است آیا احتمالاً پیش بینی شکست‌های بیشتری را در جبهه‌های جنگ نکرده و نخواسته است که تا با این وسیله خود را از آن دور نماید؟

ج : من فکر نمی‌کنم که وی از این سمت کناره‌گیری کرده باشد، زیرا که وی همچنان ریاست شورای‌عالی دفاع را در دست خواهد داشت که دارای سیزده عضو است و شخصی که سمت فرماندهی کل قوا را دارد، عملاً در موقعیت پائین‌تری نسبت به ریاست شورای عالی دفاع قرار خواهد داشت، ضمناً باید یادآور شد که رفسنجانی نماینده شخص [امام] خمینی در شورای عالی دفاع که هیئت اداره کننده جنگ می‌باشد بوده و نیز وی طی هفت سال اخیر سخنگوی این شورا بوده است. بنابراین در حال حاضر موقعیت وی به سمت نیابت فرماندهی کل قوا ارتقاء یافته است.

س : آیا فکر نمی‌کنید که نظامیان اعم از متخصصین (ارتش) و انقلابیون (سپاه) با این انتصاب هم اکنون دچار یأس شده‌اند. زیرا اگرچه رفسنجانی عضو شورای عالی دفاع است و با روش‌های نظامی بیگانه نمی‌باشد، ولی می‌توان چنین تصور کرد که می‌شد در این انتصاب از فردی متخصص استفاده کرد؟

ج : من تصور نمی‌کنم که مقامات ایرانی برای اداره جبهه‌های جنگ در پی متخصص نظامی هستند زیرا که همواره چنین اظهار می‌دارند که طرفداری از انقلاب و تعهد به اسلام در جنگ از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد و به این ترتیب فکر می‌کنم که شخصی همچون رفسنجانی که از آغاز در شورای عالی دفاع حضور داشته برای این سمت بسیار مناسب بوده است و در واقع موقعیت وی نسبت به گذشته بهتر شده است.

س : فکر نمی‌کنید که این انتصاب گامی در جهت ریاست جمهوری رفسنجانی باشد؟

ج : این امر ممکن است زیرا که انتخابات ریاست جمهوری در ماه اوت سال آینده برگزار خواهد شد و طبق قانون اساسی ایران یک رئیس جمهوری تنها برای دو دوره می‌تواند در این سمت باقی بماند. بنابراین رئیس جمهوری فعلی نمی‌تواند که در انتخابات سال آینده شرکت کند و از این بابت برای رفسنجانی موقعیت مناسبی فراهم خواهد بود.

روزنامه لوموند - ۱۳۶۷/۳/۱۳

انتصاب حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس از سوی امام خمینی به سمت جانشینی فرماندهی کل قوا، حاکی از جو ابهام و اغتشاشی است که در پی شکست‌های نظامی اخیر در جبهه‌ها بر تهران حکم‌فرماست. پس از فتح خرمشهر در سال ۱۹۸۲ ارتش ایران برای اولین بار در موضعی تدافعی قرار گرفته است. از دست دادن فاو و سپس شلمچه

نه تنها بر روحیه نظامیان بلکه بر روحیه تمامی مردم ایران ضربه‌ای بسیار جدی وارد آورده است.

همان‌گونه که آقای بازرگان در نامه سرگشاده خود به امام خمینی اظهار داشته، رهبران ایران که از سال ۱۹۸۶ مکرراً «سال پیروزی» را وعده می‌دادند، امروز چاره‌ای جز دعوت مردم به «مقاومت تا پیروزی»ندارند. ظاهراً امام خمینی با تفویض اختیارات تام به آقای رفسنجانی امیدوار است، این وضعیت را دگرگون سازد. اما صلاحیت‌های رئیس مجلس هر چه باشد، وی قادر به معجزه نیست. در واقع اگرچه وی می‌تواند به برقراری نظم در سطوح نیروهای مسلح که به‌طور مشهود از هم پاشیده است، امیدوار باشد لکن نمی‌تواند امیدی به تغییر توازن نیروها در جبهه داشته باشد.

ایران که از قبل از نظر تجهیزات نظامی در مقابل ارتش فوق‌العاده مجهز عراق و مورد حمایت اغلب قدرت‌های بزرگ در «فقر» به‌سر می‌برد، در حال حاضر حتی از نظر نفرات نیز در «فقر» می‌باشد. هشت سال جنگ خونین و وعده‌های پیروزی که بدان وفا نشده بر روحیه ارتش ایران که نیروی عمده آن را پایداری در مبارزات و بی‌اعتنایی به‌مرگ تشکیل می‌داد، فائق آمده است.

سهولت بازپس‌گیری فاو و شلمچه توسط عراق که ایرانی‌ها به قیمت سنگینی از نظر تلفات انسانی آنها را تسخیر نموده بودند، حاکی از این است که حتی دیگر بسیجی‌ها نیز حاضر به جان دادن برای جنگی که پیروزی در آن ممکن نیست، نمی‌باشند. جنگی که به‌تدریج ایران را به ویرانی کشانده و آینده‌اش را مورد سئوال قرار داده است. آقای رفسنجانی به‌عنوان یک فرد سیاسی که خصوصیت عمده آن واقع‌بینی می‌باشد مجبور است این وضعیت جدید را مدنظر قرار داده و به‌حساب بیاورد. از این دیدگاه می‌توان گفت مسئولیت‌های جدیدی را که امام خمینی به وی تفویض نموده یک «هدیه زهرآگین» محسوب می‌شود. در واقع آقای رفسنجانی مجبور است ضمن تلاش برای اصلاح وضعیت ارتش جهت جلب رضایت امام، شانس‌های یافتن راه حلی شرافتمندانه برای جنگ از طریق مذاکره را نیز که خواسته تمامی مردم ایران است، حفظ نماید.

چنانچه آقای رفسنجانی راه صلح را انتخاب نماید احتمالاً با دو مانع روبرو خواهد شد. ابتدا اینکه بایستی امام را که همچنان و سرسختانه پیروزی در جنگ را طلب می‌کند و آن را به‌عنوان تنها ضامن برای ادامه حیات رژیمش می‌داند، متقاعد سازد. دوم اینکه عراقی‌ها

در پی پیروزی‌های اخیر خود در میدان، ممکن است هرگونه راه‌حل از طریق مذاکره را رها نموده و وسوسه سرنگونی رژیم تهران در میادین نبرد را در سر بپرورانند. در چنین حالتی عراقی‌ها همان اشتباهی را تکرار خواهند کرد که ایران در سال ۱۹۸۲ با خودداری از مذاکره با بغداد برای یک صلح شرافتمندانه مرتکب شده بود.

جمهوری اسلامی

۱۲ صفحه

تکشماره ۲۰ ریال

سربازان اسرائیلی زندان را بر خدمت در اراضی اشغالی ترجیح میدهند

درگیری میان مسلمانان وفالانژها در شمال لبنان بیش از ۷۰ کشته ومجروح برجای گذاشت

اظهارات جانشین فرمانده کل قوا پیرامون پذیرش قطعنامه ۵۹۸

طی نامه‌ای به دبیر کل

جمهوری اسلامی ایران موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸ اعلام کرد

بیانیه ستاد فرماندهی کل قوا درباره موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران

رژیم مبارک رئیس و ۷ افسر زندان تورہ مصر را در پی فرار ۳ عضو جهاد اسلامی از کار بر کنار کرد

● با وجود نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس امکان اجرای قطعنامه وجود نخواهد داشت

رزمندگان اسلام دشمن را درمنطقه شرق العماره مجبور به عقب نشینی کردند

انتخابات میاندوره‌ای مجلس هفتم آبان ماه در ۱۶ حوزه انتخابیه برگزار می شود

مراسم برائت از مشرکین روز پنجشنبه در میدان امام حسین(ع) برپا خواهد شد

طرح سرشماری عمومی کشاورزی در شهریور ماه امسال در سراسر کشور به مرحله اجرا درمی آید

تامین اجتماعی نیازمند درمان است

شهادت

قسمت شده

شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی مرکز یاسوج مورد بهره‌برداری قرار گرفت

اداره بهداری و مجتمع پزشکی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران جهت تحصیل در آموزشگاه بهیاری داوطلب دختر می پذیرد

نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی ایران برادران مومن ومعتقد بانقلاب اسلامی را در رسته‌های غواصی وتفنگدار دریائی (تکاور)، موزیک، ترابری وفنی استخدام می کنند.

آگهی استخدام

آگهی

مراسم بزرگداشت شهدای فاجعه خونین مکه از سوی رئیس جمهور برگزار میشود

عالم قرآن باید رفتار و کردارش با قرآن تناسب داشته باشد

سیزدهمین دوره تربیت معلم قرآن کریم - طرح مشترک امور تربیتی سازمان تبلیغات اسلامی

بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مطبوعات

پیام
به رؤسای مجالس کشورهای جهان
پیرامون قتل عام غیرنظامیان در شهر «حلبچه»

بسم الله الرحمن الرحیم

فاجعه قتل عام مردم شهر «حلبچه» و روستاهای اطراف به‌دست حکام بعث عراق، از حوادث بسیار مهم و تلخ و شایسته توجه تمام افکار انسان دوستان جهان است و در نوع خود بی‌نظیر.

در تاریخ سراغ نداریم که حکومتی مردم خودش را در لحظه‌ای که نیاز به دلجویی دارند، این گونه سبعانه و بی‌رحمانه به خاک و خون بکشد و ارتشی که به‌خرج خود مردم و به قیمت فقر و نکبت آنها سرپا ایستاده، با آتش و بمب و سم این گونه به جان مردم بیفتد و در مقابل، نیروهای نظامی کشور متخاصم که در حال پیشروی هستند، برای نجات مردم کشور مورد هجوم خویش، تهاجم خود را متوقف کنند و امکانات دفاعی و ترابری و غذایی و بهداشتی و درمانی و وقت گرانبهای میدان جنگ و افزارخود را به‌کار گیرند و با استقبال از خطر جدید ناشی از بمباران شیمیایی مناطق مسکونی، وارد عمل شوند.

فاجعه خیلی عظیم و تکان دهنده و از جهاتی قابل توجه است:

۱ — به خاطر اینکه به‌دست حکومت مدعی حمایت از وطن، علیه مردم مظلوم و ستمدیده خودش واقع شده و از این جهت از فاجعه‌های مهم تاریخ جدید، از قبیل قتل عام مردم در «ناکازاکی» و «هیروشیما» و جنایت سعودی‌ها در مکه معظمه و قتل عام‌های مردم در کشورهای تسخیر شده توسط هیتلر و قتل عام‌های اردوگاه‌های هیتلری یامردم فلسطین و کامبوج و ویتنام، تلخ‌تر و تنفرآمیزتر است.

۲ — از آن جهت که جانیان بعثی با برخورداری از حمایت مزورانه مستقیم یا غیر مستقیم سازمان‌های جهانی و مدعیان حقوق بشر، این جنایت عظمی را مرتکب شده‌اند و این ویژگی می‌تواند ضربه غیرقابل جبرانی براعتماد عمومی مردم جهان نسبت به مراجع و مراکزی که به‌خرج مردم و برای حل مشکلاتی از این قبیل بوجود آمده‌اند، وارد کند.

۳ — استفاده از گازهای سمی «خردل» و «اعصاب» و «خفه کننده» علیه غیرنظامیان که کاربرد آن اکیداً ممنوع بوده، آن هم پس از آنکه بمباران و گلوله باران شهر، مردم را به خیابان‌ها ریخته بود و یا در راه‌ها و شیارهای بیرون شهر به‌صورت گروهی اجتماع کرده بودند، نشان کینه و خشم صدامیان نسبت به عموم مردم است.

۴ — از این جهت که سازمان‌های مسئول جهانی از قبیل سازمان ملل و شورای امنیت و کنوانسیون قتل عام تاکنون که بیش از یک هفته از این جنایت می‌گذرد، به استغاثه مردم مظلوم و درمانده و آواره حلبچه توجهی نکرده و درصدد لوث کردن این جرم غیرقابل گذشت‌اند.

۵ — از این جهت که امپریالیسم خبری، توجهی به گذشت و ایثار و محبت نیروهای اسلامی ایران نشان نمی‌دهد و به‌خود زحمت جواب به این سئوال را نمی‌دهند که راز استقبال مردم عراق از نیروهای فاتح شهر چیست؟

این مردم هشت سال است که شهرهایشان در برد توپخانه لشکریان اسلام بوده و تحت بمباران تبلیغاتی امپریالیسم خبری برای ترساندن آنها از انقلاب اسلامی بوده، اگر شری از ما دیده بودند، این چنین صمیمی با ما برخورد نمی‌کردند و شاید جرم آنها در نظر عفالقه عراق همین باشد و به‌خصوص که این اولین برخورد مردم عراق با

نیروهای اسلامی ایران، نشان داد که مردم عراق حکام بعثی را بیگانه می‌دانند و آماده همکاری با انقلاب اسلامی‌اند و این جریان در پیروزی‌های صدر اسلام نمونه‌های فراوان دارد که ملت‌های کشورهای فتح شده به‌دست مسلمین، با پذیرفتن فرهنگ و مرام قوم فاتح، کفر حاکم بر خویش را نفی کردند و فتح مکه نمونه بارز آن است.

۶ – قدرت‌های استکباری دست از حمایت این جرثومه‌های فساد و تجاوز برنمی‌دارند و حتی در همین بحبوحه جنایات و تجاوز به مقررات بین‌المللی، امکانات روسی و فرانسوی حمله به مراکز غیرنظامی بی‌دریغ در دسترس جنایتکاران بعثی است.

پس از آمدن گروهی از خبرنگاران وظیفه شناس به «حلبچه» و انعکاس بخشی از این فاجعه، سردمداران آمریکا و فرانسه شروع به شیطنت کردند و با طرح دروغین به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط ایران نیز خواستند قضیه را لوث نمایند و در افکار عمومی تردید ایجاد کنند. غافل از اینکه پناه آوردن مردم «حلبچه» و قبل از آن مردم روستاهای دیگر مورد تعرض شیمیایی عراق به ایران و استقبال مراکز درمانی ایران از آنها، علیرغم نیاز شدید داخلی خود و حفاظت از اموال آنان و انتقال آنان به مراکز امن پشت جبهه و نرفتن حتی یک نفر از مردم به طرف عراقی‌ها، علیرغم اعلام ایران مبنی بر آزادی رفتن مردم به داخل عراق، بطلان این ادعاها را آفتابی می‌کند و خوب بود به جای آن شیطنت‌ها، برخورد فرشته گونه رزمندگان اسلام به عنوان الگوی نیروهای فاتح جهان به نمایش گذاشته می‌شد که نقش سازنده آن در برخوردهای نظامی آیندگان تقویت گردد.

رزمندگان فاتحی که پس از کشتار مردم توسط جانیان بعثی از مرجع تقلید و رهبر خود حکم کیفیت برخورد با اموال فاسد شدنی و غیرقابل نگهداری مردم را می‌پرسند و برای غسل و کفن و دفن زنان و دختران که در آنجا از جنس خودشان و مردان محرم کسی برای غسل و کفن‌شان وجود ندارد، با دلواپسی کسب تکلیف می‌کنند و ماسک ضدگاز سمی خود را به مردم بی‌دفاع شهر می‌دهند و داروی خود را که برای دفاع در مقابل گازهای سمی بعثیان همراه دارند، برای نجات مردم مصدوم شیمیایی مصرف می‌نمایند و بیمارستان‌های صحرایی خود را که زیر آتش دشمن برای نجات مجروحان اورژانس خود، تهیه دیده‌اند، به مردم عراق اختصاص می‌دهند و پیروزی مهم خود را ناتمام گذاشته و نیروهای رزمی تبدیل به افراد خدماتی برای مردم آواره

عراق می‌شوند که ده‌ها هزار انسان را از معرض خطر مرگ نجات دهند، این انسان‌ها قهرمانند و شایسته ستایش و متهم کردن اینان و لوث این حماسه‌ها، خیانت به ارزش‌ها و مصالح نسل‌های موجود و آینده بشریت است. با ارسال فیلم گوشه‌ای از جنایات حکام عراق، از جنابعالی و نمایندگان مجلستان به عنوان نماینده افکار عمومی جامعه که معمولاً خواستار حق و عدالت‌اند و نه به عنوان حکامی که برای ادامه حکومت خود، حق را لگدمال می‌کنند، انتظار داریم وظایف انسانی و اجتماعی خود را در این مقطع حساس تاریخ انجام دهند، ببینید چگونه مردان و زنان و کودکان هنگام ورود نیروهای اسلام به شهر با آرامش و شادی مقدم آنان را گرامی می‌دارند و سپس چگونه نیروهای فاتح برای نجات «صدام زده‌ها» تلاش می‌کنند و چه بهتر که موکلانتان هم از دیدن این تصاویر محروم نشوند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

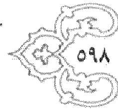
فرازهای مهم منشور روحانیت

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات — دامت برکاتهم

صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بردوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب‌چراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند...

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین‌شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی — اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ فرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در



حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول‌های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاهت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم – رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چندگاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکباخته است. علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که این گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

در ترویج روحانیت و فقاهت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.

مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط آمیز کنند. علمای راستین

از بس که دروغ و فریب از جهانخواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا در رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌کرد؟ به هرحال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهمتر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاهت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده اندیشی نیست؟

مسئله کتاب آیات شیطانی کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهانخواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاءالله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حیله و مکر و فریب جهانخواران را بشناسیم. البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروّج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول‌الله. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود.؟

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارعاب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و

روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاهت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به رغم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد والاّ عالم سیّاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منّت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.

علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی‌مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده لوحان بیسواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر

فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر « شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد واز همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان – علیه السلام – باطل است و هزاران « إن قُلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دو رویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوه و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین – علیه السلام – که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند...

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.

با اینکه در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیرآن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بد سابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بی‌جا می‌دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوء استفاده نکنند و با موج‌آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین ننمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهیای مؤاخذه‌ام. حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

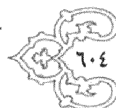
امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هرکس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند.

من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن همه توطئه‌ها و خصومت‌ها و جنگ‌افروزی‌هایی که در جهان علیه انقلاب است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند. در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در

اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی به دست نیاوردند.

البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم؛ ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوته نظرند آنهایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت وایثار و از خود گذشتگی و صلابت بی فایده است! در حالی که صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.



من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به‌گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین — علیهم السلام — در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر آمریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کارآمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که

هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و سانده اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعض تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید ! چرا نسبت به منافقین و ضد انقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترحم‌های بی جا و بی مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سئوال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آنهایی که دستشان به رادیو – تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر دهها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت

آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری‌اند. من در اینجا خود را شرمنده و کوچکتر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشت‌ها و تصورات نابجای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند. مسئله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را برباد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا وامثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر برفرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد؟

ان‌شاءالله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند – نعوذبالله – به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همان‌ها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی ننمودند؟ اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و با آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند، می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریانی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت

می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد.

نتیجه می گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبد، ابرقدرت‌ها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق زن ید واحده باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشد مثل زمان معصومین — علیهم السلام. اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختی‌ها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسایی‌هاست؛ آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلّم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند، امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا و جهانخواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمین‌گاهها را بهتر بشناسند. اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم برجهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوّت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص وتقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است....

روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و

نتیجه گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم والاّ مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا حتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید و در مظان استجابت دعا با انفاس قدسیه و با دلهای منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم.

خداوندا! توان علما و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاهت و اسلام ناب را تا ابد پابرجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهدایشان صبر و اجر مرحمت

فرما. مفقودین و اسراشان را هرچه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انک ولی النعم».

والسلام علیکم و رحمت الله وبرکاته.

۳ اسفند ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

نامه امام خمینی(ره) به رهبر شوروی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای گورباچف، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی، از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می‌شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان، خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته‌اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا منشاء تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم. هر چند ممکن است حیطه تفکر و تصمیمات جد ید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره‌ای از مشکلات مردم‌تان باشد، ولی به همین اندازه هم شهامت تجدید نظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می‌کنید، اولین مسئله‌ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدا زدایی» و «دین زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدید نظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت

جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبداء هستی و آفرینش است.

جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می‌دانید که ثبوتاً اینگونه نیست. رهبر چین[۱] اولین ضربه را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی‌الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ[۲] نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدایید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و رو زمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم، که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانشان رسیده است، مصرف کنند.

---

۱ - مائوتسه تونگ.

۲ - آمریکا.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوری‌های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت – صلی الله علیه و آله و سلم – به‌گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم می‌دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان‌بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از « حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. و همان طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

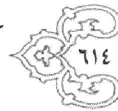
قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست وگرنه دیده می‌شد.لَن نُؤمن لَكَ حَتّى نَرى الله جَهر[۱] می‌فرماید: لاتدُرکُه الأَبصارُوَهُویُدرکُ الابصار وهُواللّطیف الخَبیر.[۲]

از قرآن عزیز و کریم و استدلالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه، بخصوص فلاسفه اسلامی، بیندازم. فقط به یکی – دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می‌توانند از آن بهره‌ای ببرند بسنده می‌کنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هر چه باشد از خود بی‌خبر است. یک مجسمه سنگی یا مجسمه مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می‌بینیم که انسان و حیوان از همه اطراف خود آگاه است. می‌داند کجاست؛ در محیطش چه می‌گذرد؛ در جهان چه غوغایی است. پس، در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است. انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد. و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان

---

۱ – بخشی از آیه ۵۵ سوره بقره: قوم حضرت موسی به ایشان گفت: « ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم».

۲ – سوره انعام آیه ۱۰۳: «او [خدا] را هیچ چشمی درک نمی‌کند و او بینندگان را درک می‌کند، و او نامرئی و آگاه است».



دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم. انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون ازمرگ است. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می‌توانید دستور دهید که صاحبان اینگونه علوم علاوه بر کتب فلاسفه غرب دراین زمینه، به نوشته‌های فارابی و بوعلی سینا- رحمه‌الله علیهما – در حکمت مشاء مراجعه کنند، تا روشن شود که قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی برآن استوار است، معقول است نه محسوس؛ و ادراک که معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه استدلال برآن تکیه دارد، معقول است نه محسوس، و نیز به کتابهای سهروردی – رحمه‌الله علیه – در حکمت اشراق مراجعه نموده، و برای جنابعالی شرح کنند که جسم و هر موجود مادی دیگر به نور صِرف که منزه از حس می‌باشد نیازمند است؛ و ادراک شهودی ذات انسان از حقیقت خویش مبرا از پدیده حسی است. و از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدرالمتألهین- رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع النبیین والصالحین – مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که: حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده، و هرگونه اندیشه از ماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی‌الدین ابن عربی نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در اینگونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سال با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر ز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

جناب آقای گورباچف،اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات

دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوری‌های شوروی، نشان دادید که دیگر اینگونه فکر نمی‌کنید که مذهب مخدر جامعه است. راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است مخدر جامعه است؟ آری، مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب امریکایی» می‌نامند.

در خاتمه صریحاً اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می‌تواند خلاء اعتقادی نظام شما را پرنماید. و در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد.

والسلام علی من اتبع الهدی.

ملاقات امام (ره)

با وزیر امور خارجه شوروی

[در این دیدار وزیر امور خارجه شوروی ضمن تسلیم پیام کتبی میخائیل گورباچف به امام امت محتوای این پیام را به استحضار امام خمینی رساند.

در این دیدار ابتدا شواردنادزه گفت:

از حضرت امام بسیار متشکرم از این فرصتی که برای ملاقات با شما به دست آوردم. مأموریت دارم پیام جوابیه میخائیل سرگئی گورباچف را تسلیم حضرت امام کنم. سعی خواهم کرد به طور خیلی مختصر محتوای این پیام را برای شما عنوان نمایم. ابتدا می‌خواستم عرض کنم که خود واقعیات تبادل پیام‌ها بین رهبران کشور ما یک پدیده منحصر به فرد در روابط فیمابین است. اعتقاد ما بر این است که شرایط پیش آمده است تا روابط فیمابین دو کشور ما وارد یک مرحله کیفی جدیدی شود، برای همکاری‌ها در تمامی زمینه‌ها.

آقای گورباچف در پیام خود اشاره می‌کنند که پیام جنابعالی خطاب به دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از مفاهیم فراوان سرشار است.

تمامی اعضای هیأت رهبری شوروی متن پیام جنابعالی را مطالعه کردند. شکی نیست که ما در موارد عمده‌ای اتفاق نظر داریم اما مواردی هم است که ما اختلاف نظر داریم. اما این مهم نیست.

در پیام شما ملاحظات عمیق راجع به سرنوشت بشریت دارد. آقای گورباچف عقیده دارند که ما در مهمترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسان‌ها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فناناپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسان‌ها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت

وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه توسط خود انسان‌ها ایجاد شده است.

آقای گورباچف معتقد است که مبارزه در راه نیل به یک دنیای عاری از سلاح هسته‌ای و آزاد از زور وظیفه تمامی ملت‌هاست.

و اما راجع به سیاست خارجی اتحاد شوروی، هدف ما تعمیم رجحان ارزش‌های مشترک برای تمامی ملت‌ها و برتری این ارزش‌ها برتمامی منافع دیگر چه طبقه‌ای و چه ملی است.

آقای گورباچف به شما می‌نویسد که حرف‌های امام راجع به حسن‌نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن همجواری با اتحاد شوروی با واکنش خوب از طرف رهبران شوروی مواجه شده است. ما دارای یک مرز بسیار طولانی هستیم همچون دارای سنن دیرینه مناسبات و روابط فرهنگی بین دو ملت هستیم.

ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات ما بر پایه جدید. یعنی بر پایه اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

آقای گورباچف می‌نویسد که در سیاست بین‌المللی، ما پیرو یک اصل اساسی هستیم یعنی اصل احترام به آزادی انتخاب برای هر انسان و هر ملت. نتیجتاً کشور ما و تمامی ملت ما از انقلاب بزرگ شما حُسن استقبال کرده است. استبداد شاهنشاهی در ایران مردم خود را استثمار کرده و از روشهای واقعاً بربریت استفاده می‌کرده و شرافت و آبروی ملت خود را پایمال کرده برای جلب رضایت نیروهای خارجی. انقلاب شما انتخاب ملت شما بوده است و ما از این انتخاب همیشه پشتیبانی کرده و می‌کنیم.

آقای گورباچف در پیام خود می‌نویسند که ملت ما نیز انتخاب خود را به عمل آورده و این در سال ۱۹۱۷ بود. در رهگذر ما هم مشکلات بزرگی بود و هم موفقیت‌های چشمگیری بوده [و] هم اشتباهات وخیمی بوده است و نقض حقوق بشر هم بوده که ما این اشتباهات خود را اصلاح می‌کنیم و آن را محکوم می‌کنیم. علی‌رغم تمامی مشکلات ما از دستاوردهای خود توانستیم دفاع کنیم چون انتخاب مردم راست بوده است.

می‌خواستم به استحضارتان برسانم که مسئله آزادی انتخاب در دستور روز زندگی بین‌المللی کنونی نیز هست. ما برای خود سئوالی داریم چرا که راه برای ادامه رهگذر پیدا کنیم: آیا این راه ما راه کهنه و دگماتیک باشد یا راه جدید و انقلابی. انتخاب ما به نفع راه

دوم است، ما در کشورمان انقلاب داریم، اما یک انقلاب مسالمت‌آمیز بدون سنگرها و بدون توسل به زور، ما می‌خواستیم که حضرت امام بدانند که در کشور ما روند تجدید و بازسازی ادامه دارد. بازسازی اقتصادی و سیاسی، تجدید ارزیابی‌های ما و طرز تفکر ما و تجدید نظریاتی که ما قبلاً داشتیم.

آقای گورباچف اشاره می‌کند که تحولات عظیمی در جهان اخیراً پدید آمده، فکر می‌کنیم می‌شود گفت که ما در آستانه یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی قرار داریم.

توافق‌های بسیار مهم به امضاء رسیده است یک کلاس از سلاح‌های هسته‌ای از بین می‌رود.

دورنمای خوبی برای از بین بردن سلاح شیمیایی باز شده است و همین طور دورنمای خوبی برای جلوگیری از تقابل نظامی دولت‌ها، اما این یک هدیه امپریالیست‌ها نیست، این اراده ملت‌هاست و اراده زمان است.

چاره دیگری وجود ندارد، مسابقه تسلیحاتی و آوردن آن به فضا منجر به فاجعه بشریت خواهد بود. در مناطق مختلف دنیا مناقشات خونین دارند به پایان می‌رسند.

ما از خاتمه جنگ ایران و عراق با صراحت حُسن استقبال می‌کنیم، برای همکاری با شما جهت استحکام صلح در خاورمیانه و نزدیک تمامی جهان آمادگی داریم.

حضور وسیع نظامی در خلیج فارس مورد نگرانی ما است. منظورم حضور نظامی کشورهای خارج از منطقه است. این پدیده بسیار خطرناک است و باید آن را به اتمام رساند.

ما می‌خواهیم با موفقیت در امر حل وفصل عادلانه مناقشه افغانستان نیز با شما همکاری خوبی داشته باشیم، بگذاریم که مردم افغانستان سرنوشت خود را خودشان بدون دخالت از خارج تعیین نمایند.

شواردنادزه افزود: یک نکته دیگر از پیام آقای گورباچف، ایشان اظهار آمادگی می‌کنند برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و همکاری‌های ما در زمینه‌هایی که ما قبلاً همکاری‌های خوبی داشته بودیم.

ما برای برقراری و ادامه تماس‌ها بین انسان‌ها، نمایندگان محافل اجتماعی و روحانیون نیز آمادگی داریم.

دعوت جنابعالی برای انجام سفر به قم به آگاهی علمای اسلام کشور ما رسید، تردیدی نداریم که آنها از این دعوت جنابعالی استفاده خواهند کرد.

در پایان، فرستاده ویژه رهبر شوروی گفت: این بود محتوای اصلی پیام آقای گورباچف. ایشان بهترین آرزوها و سلام خود را به جنابعالی می‌رسانند.

ایشان خواهان طول عمر جنابعالی به نفع و سعادت ملت ایران هستند.]

ان‌شاءالله سلامت باشند، ولی به ایشان بگویید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگتر باز کنم.

[در خاتمه حضرت امام فرمودند:] من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند.

[حضرت امام از خروج نیروهای شوروی از افغانستان استقبال کردند، و بر حُسن همجواری و توسعه مناسبات قوی در ابعاد مختلف در مقابله با شیطنت‌های غرب و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس تأکید و آرزو کردند تا مردم شوروی و ایران همیشه در صلح و آرامش زندگی کنند.]

پیام امام (ره)

به مناسبت سالگرد حادثه خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

بسم الله الرحمن الرحیم

لَقَد صَدَقَ اللّه رسَولهُ الرّء یا بِالَحقُ لَتدَ خُلُنَّ المسَجدَالحَرامَ ان شاءَالله آمنینَ.

علی‌رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحّد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم — علیه السلام — که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر آمریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه‌جان سالخوردگان و بردهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بردوش کشیده

بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم – علیه السلام – از بت‌شکنی برمی‌گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و آمریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند....

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشاء تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر این چنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ برآمریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی‌اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیه فلسطین از شجره مبارکه «لاشَرقیه ولاغربیه» ما برافروخت. و امروز به همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکّب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سروجان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و

به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی‌تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد آمریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزنند. که خدا را سپاس می‌گذاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.

ملت عزیر ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایرانِ انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بی خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. آمریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌های حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالِم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام آمریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت در برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در

جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات آمریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملی‌گرایی و التقاط را خشکانیده‌اند. و ان شاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین – علیه السلام!

اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیروسلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملی‌گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لااله الاالله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است. و دیروز خدا آن گونه خواسته

بود. و فردا ان‌شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمین‌گاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تا کنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست برنخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. و اینجانب به نظام‌های آمریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه این گونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولت‌ها و حکومت‌های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجویی‌ها و جنایاتی که آمریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی‌ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم. ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را

بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران در یچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را برسر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اِعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزی‌های بی‌مورد و اعتراض‌های کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی‌ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سئوال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی‌ها و شرقی‌ها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی‌اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین – علیهم السلام – را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایرانی با هویت ایرانی – اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را آمریکا وشوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای آمریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاح‌های

مخرّب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران آمریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهانِ مالکیت‌های بی‌حدو مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی – انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرت‌های شرق و غرب همان مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش‌های معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتقاد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر

نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه بی خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ

جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب این گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا بسازند؛ و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جویی‌ها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکلهای مختلف را جدی‌تر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی

کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینی‌ها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملی‌گراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم؛ شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدّم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و آمریکای جهانخوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه‌گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیه‌الله — ارواحنالتراب مقدمه الفداء — و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان این گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان‌شاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

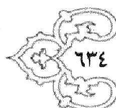
و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بترسانند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم

استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. ان شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندان‌ها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمتها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و درهر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی — علیهم السلام — و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام

«روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگی‌ها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می گویم ملی گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بند بند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

علما و روحانیون ان شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزادی کشور اسلامی‌مان احساس می کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف برنوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز این گونه مسائل را عنوان می کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، والاّ داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود



فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی‌های بی‌مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه‌داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمن‌ها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صد در صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم؛ خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.

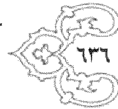
در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم. و از محضر مقدس بقیه‌الله — ارواحنا فداه — عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدف‌مان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به

خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی.اَنکَ قَریب مُجیبُ.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

پنجم ذی حجه ۱۴۰۸ ، ۶۷/۴/۲۹

روح الله الموسوی الخمینی



پیام امام خمینی در نوروز ۱۳۶۷

بسم الله الرحمن الرحیم

« یا مقلب القلوب والابصار، یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول والاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال».

خداوند این سال جدید را بر همه مسلمانها، بر ملت ما، بر همه مستضعفین جهان مبارک کند. و این سال یک خصوصیاتی دارد که کم اتفاق می‌افتد. نوروز در آستانه ولادت حضرت سیدالشهدا، که ما باید انگیزه قیام ایشان را ببینیم چی بود و مقصد ایشان چی بود و وضع زندگی ایشان و همه ائمه – علیهم السلام – چی بود، خصوصاً در ماه شعبان چه وضعی داشتند.

سیدالشهدا – سلام الله علیه – از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود. فرمودند که، می‌بینید که معروف، عمل بهش نمی‌شود و منکر، بهش عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و

ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود، از آن طرف وقتی که مناجاتشان را می‌بینیم، مناجاتی که در ماه شعبان هست و من در نظر ندارم که در هیچ یک از ادعیه گفته شده باشد که ادعیه مال همه ائمه است. این دعای شعبان، مناجات شعبان، مناجات همه ائمه است و در این، مسائل بسیار هست، معارف بسیار هست و ادب اینکه انسان چه جور باید با خدای تبارک و تعالی مناجات کند. ما غافلیم از این معانی که وضع چی است. شاید بعضی از جهّال ما هم اینطور اعتقاد دارند که این ادعیه وارد شده و این چیزهایی که از ائمه وارد شده است اینها تشریفات است. می‌خواهند ما را یاد بدهند و حال اینکه مسئله این نیست، مسئله این است که در مقابل خدا ایستادند آنها، آنها می‌دانند که در مقابل چه عظمتی ایستادند، آنها معرفت دارند به خدای تبارک و تعالی و می‌دانند چه کنند و مناجات شعبانیه از مناجاتهایی است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته - نه از این عارف‌های لفظی - بخواهد این را شرح کند و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است، چنانچه همه ادعیه ائمه - علیهم السلام.

شما - در مناجات حضرت - در دعای عرفه حضرت سیدالشهداء ملاحظه می‌کنید که چه مسائلی در آن هست و ما ازش غافل هستیم. ماه شعبان این خصوصیت را دارد که الان عید نوروز ما در آستانه ولادت حضرت سیدالشهدا است و دنبال او ولادت حضرت مهدی - علیه السلام - که آن هم در ۱۵ شعبان واقع شده است. بنابراین تقریباً باید ما بگوییم که یک حجتی است بر ما این دو ولادت و این واقع شدن این روز شریف و این روز نوروز در یک همچون آستانه‌ای که این دو بزرگوار که هر دو - اقامه عدل - برای اقامه عدل هستند؛ سیدالشهدا - سلام الله علیه - که همه عمرش را و همه زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگی‌اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند. حضرت صاحب - سلام الله علیه - و ارواحنا فداه - هم که تشریف می‌آورند برای همین معناست. تمام انبیاء که قیام کرده‌اند در عالم طبیعت - حالا معانی‌شان که، معارف غیبیه‌شان را خدا می‌داند ما نمی‌دانیم، اما در عالم طبیعت - وقتی زندگی اینها را می‌بینیم از

اول مقابله با طاغوت بوده است. بنابراین معنا بوده و این باید سرمشق بشود از برای مسلمان‌ها، کسانی که واقعاً مسلمان هستند و واقعاً علاقه‌مند به آن مذهبشان هستند، باید ببینند که صاحب مذهب چه کرده است؛ موسی‌بن عمران چه کرد، در زندگی‌اش، چه کرد، حضرت ابراهیم در زندگی‌اش چه کرد، تمام اینها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سرمشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمانها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند، همان طوری که ملت شریف ایران بحمدالله قیام کرد و می‌شود گفت که این انقلاب که در این دعای شریف واقع شده است که «یامقلب القلوب»، در جوانهای ما واقع شده است؛ اینها الان برگشتند از یک حالی به حال دیگری و حال نویی پیدا کرده‌اند. و در این ماه که ماه شعبان است باید ما توجه به این معنا بکنیم که ما باید چه بکنیم، با این طاغوت‌ها باید چه بکنیم؟ باید همان طوری که سیدالشهدا – سلام الله علیه – تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه‌هایش را، همه چیز را در صورتی که می‌دانست قضیه این طور می‌شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرف‌های ایشان را می‌شنود همه را، می‌بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می‌کند، این جور نبود که آمده است ببیند که، بلکه آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می‌کنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دست مثل سید الشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند باشد؛ اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. در طبیعت قیام انبیا قیام مسلحانه یا غیر مسلحانه – در مقابل همه کسانی که به جور داشتند مردم را از بین می‌بردند باشد.

و ما امروز مبتلای به این معنا هستیم، مسلمان‌ها مبتلای به این معنا هستند، مسلمان‌ها می‌بینند که این دولت‌های بزرگ، این قدرت‌های بزرگ و این کسانی که اذناب آنها هستند، کسانی که فرمانبر آنها هستند الان با مسلمین، با مردم، با مستضعفین، حتی با آن کسانی که مال خودشان است چه می‌کنند. تمام اینها ظاهر می‌گویند که ما اقامه عدل می‌خواهیم بکنیم، اما چه عدلی؟ عدل آمریکایی، عدل آمریکایی یعنی چه؟ یعنی هر کس خاضع به من شد، آن یک چیزی است که ما او را قبولش داریم، هر کس منافع مملکتش

را به ما داد ما او را قبول داریم! از آن ور شوروی هم همین است، همه این قدرت‌های بزرگ این طوری هستند و ما باید در مقابل تمام اینها بایستیم، همان طوری که جوان‌های ما بحمدالله الان در جبهه‌ها این پیروزی‌ها را، این پیروزی‌های بزرگ را به دست آوردند، باید تا آخر این مطلب باشد، باید هیچ درش سستی نشود تا وقتی که ان شاءالله علم را به دست صاحب علم بدهند. بنابراین عید نوروز ما، یک عید نوروزی است که در یک وقتی واقع شده است که حجت بر ماست و او این است که زندگی سیدالشهداء، زندگی حضرت صاحب - سلام‌الله علیه - زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه‌شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند- حکومت - و مع‌الاسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش ملت ما خواندند، به گوش ملت‌های ضعیف خواندند که حکومت به شما چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را برو، همین! البته، ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به - عرض بکنم که - آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می‌شوند! اما وظیفه این است که ما برویم مسجد بنشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟ وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا بکنیم، چنانچه اولیای ما این کار را کردند. و امروز شما می‌بینید که این صدام را که بحمدالله سیلی خورده است والان محو این سیلی است، الان نمی‌فهمد دارد چه می‌کند؛ شما ببینید که این همه پیروزی‌ای که واقع شده، اصلاً این انکار می‌کند که اینجا چیزی واقع شده، این نمی‌فهمد که فردا این خبرنگارها، این خارجی‌ها، می‌آیند می‌روند آنجا می‌بینند چه خبر است. این یک همچو حیوانی است که مملکت خودش را، افراد خودش را، اشخاصی که مربوط به خودش هستند، آنها را بمباران می‌کند، بمباران شیمیایی می‌کند که باید پاسدارهای ما به داد آنها برسند.

من باید تشکر کنم از این ملت، این ملت شریف خودمان و خصوصاً از این کسانی که در جبهه‌ها مشغول هستند یا پشت جبهه‌ها مشغول به این هستند که آنها را کمک کنند، ما باید تشکر کنیم از اینها و خصوصاً از این جوانهایی که همه چیزشان را در راه اسلام دادند. شما ملاحظه می‌کنید که اشخاصی می‌آیند اینجا، همه چیزشان را کأنه دادند، مع‌ذلک می‌گویند کاش که ما یک بچه کوچکی که داریم بزرگ بشود، برود جنگ بکند، اینها حجت بر ما هست، اینها حجت بر آن اشخاصی هست که تو خانه نشستند و نق می‌زنند، تو

خانه نشستند و به مردم تزریق می‌کنند که نه، نروید جایی؛ خدا ان شاءالله بیدار کند اینها را، خداوند ان‌شاءالله اشخاصی را که مخالفت می‌کنند یا از روی عمد یا از روی — عرض می‌کنم — نفهمی مخالفت می‌کنند، اینها را بیدار کند و اینها را در این سال نو تجدید کند. و خداوند ان‌شاءالله این اسرای ما را، این کسانی که محبوب ما هستند، محبوب ملت ما هستند، این معلولین را، این اسرا را و این تمام کسانی که در آنجا در بند هستند، همه اینها را خداوند ان شاءالله آزاد کند و ما را هم به وظیفه خودمان آشنا کند. و ای کاش کسی می‌آمد و این ادعیه ائمه — علیهم السلام — را ترجمه می‌کرد، این را شرح می‌کرد، این ادعیه خیلی محتاج به شرح است. و ما اگر این ادعیه را بتوانیم یک اشخاص عارفی، عارف صحیح، دلسوخته پیدا بشود که اینها را برای مردم تشریح بکند، همه چیز در اینها هست، در عین حالی که دعاست. شما ادعیه حضرت سجاد را می‌بینید، دعاست اما چه می‌کند در این دعاها! هم معنویات هست، هم قضیه حکومت هست، همه چیز هست، هم از بین بردن حکومت ظلم است، چنانچه سیره همه ائمه — علیهم السلام — بر این بوده و ما به قدری در گوشمان خواندند که بابا بروید سراغ کارتان، کار نداشته باشید به حکومت، که حتی اشخاص که آگاه هم بودند، اینها هم بازی خورده بودند. من بعضی از اشخاصی که ازشان هیچ توقع نداشتم، در سابق [فعّال] بودند، ... داخل در این مسائل ما بودند، لکن مع‌ذلک، اینها می‌گفتند که آخر ما چه کار داریم به این کار، حالا آنها می‌خواهند این کار را بکنند، این کار آنهاست، ما کار دیگر داشته باشیم. این یک همچو چیزی بود که ما را بازی داده بودند و مردم الان باید بدانند که هر مطلبی را که این خارجیها می‌گویند تمام مطالب این خارجی‌ها برای گول زدن ماهاست، گول زدن همه ماست. کسانی هم که تابع آنها هستند مطالبی می‌گویند، برای این است که ما را باز به دامن آنها بیندازند. و ما باید بیدار باشیم و هوشیار باشیم و هیچ وقت لغزش پیدا نکنیم. خداوند ان شاءالله این ملت ما را بیدار کند و بیدارتر. خداوند ان شاءالله مردم ما را به سلامت، عزت برساند، به مقاصد خودشان، که آن مقصد، مقصد اسلام است و کوتاه کردن دست تمام کسانی که ظالم هستند. ان شاءالله خداوند این عید را بر همه ما، بر همه مسلمین، بر همه مستضعفین مبارک کند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

پیام امام خمینی

به مناسبت انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. گمان نمی‌کنم که نقش و اهمیت انتخابات و مجلس شورای اسلامی بر کسی پوشیده باشد. بحمدالله هر چه از عمر با برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ما می‌گذرد، مردم مسلمان و متعهد کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمامی صحنه‌های انقلاب آشناتر می‌شوند، و راز دوام و بقا و استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می‌نمایند.

هم اکنون، با توجه به آگاهی و شعور بالای سیاسی مردم خداجوی ایران، شاید ضرورتی به یادآوری اهمیت شرکت در انتخابات نباشد؛ ولی برای احتیاط در ادای تکلیف شرعی – سیاسی خود نکاتی را متذکر می‌شوم:

۱ – از آغاز انقلاب تاکنون، یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمانهای اجتماعی – سیاسی اسلام بوده است؛ که در راه تحقق آن به انواع حیله‌ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده‌اند؛ که بحمدالله سرشان به سنگ خورده است؛ و ملت پیروز و سرافراز ایران با نمایش قدرت عظیم خود در حوادث گوناگون انقلاب این حقیقت و واقعیت را به اثبات رسانیده و نشان داده‌اند که از دریای خروشان وحدت و انسجام آنان چیزی کم نشده و نخواهد شد. و جهانخواران

ان‌شاءالله تا ابد حسرت گسستن اتحاد مقدس مردم ما را به گور خواهند برد. بعید به نظر نمی‌رسد که در این روزها یکی از اهداف شرارتهای اخیر صدامیان در تهدید و ارعاب و ادامه بمبارانها و موشکباران مناطق مسکونی، علاوه بر سرپوش نهادن بر شکستهای پیاپی خود در صحنه‌های نبرد، رسیدن به این هدف باشد که حضور مردم را تحت‌الشعاع این جنایات قرار دهد و از هم اکنون هم باید مطمئن باشیم رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخنها خواهند گفت؛ و با تحلیل‌های موذیانه و القائات توأم با تهدید و ارعاب تلاش خواهند نمود ذهن‌ها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آن که امت اسلامی ایران سالهاست نشان داده‌اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند، و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرتها و قدرتها می‌ایستند؛ و به یاری خداوند متعال، ملت شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می‌کنند؛ و مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوقها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود.

و اینجانب تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم. و ان شاءالله دنیا خواهد دید که مردم عزیز ایران چگونه حماسه حضور گذشته خویش را در سراسر میهن اسلامی تکرار خواهند کرد.

۲ - همان طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند، و هیچ فرد یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران، که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است. و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می‌نمایند. و افراد و گروهها و روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند؛ ولی هیچ کس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهار نظر و اظهار وجود نکنند.

در هر حال مردم با بصیرت و درایت و تحقیق کاندیداها را شناسایی کرده و به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی – سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند. مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع

اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم – باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت طلبان، و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند. و از آنجا که مجلس خانه همه مردم و امید مستضعفین است، در شرایط کنونی نباید کسی انتظار داشته باشد که حتماً نمایندگان باید از گروه و صنف خاصی باشند. باید توجه داشت که هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به نفع محرومین باید حل و فصل شود. و تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند، با دیگران کار مشکلی نیست.

۳ – نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد؛ و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری، که چیزی شیرین‌تر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد.

ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید.« جَهِّزوا أنفسَکُم بالصَّلاح والسلاح»[۱] نهراسید. که نمی‌هراسید، کمربندهایتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپا خیزید. قدرتهای بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خُرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیتِ انسانهاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهانخواران ما را یاری کنند بی‌حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد

۱ – «خویشتن را به صلاحیت‌های درونی و اسلحه مجهز کنید.»

است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست. درنگِ امروز فردای اسارتباری را به دنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید، و در افق طلیعه فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود.

فرزندانم! دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی‌دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان‌شاءالله پیروز خواهید شد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

به تاریخ یازدهم فروردین ٦۷
روح الله الموسوی الخمینی

سخنرانی امام خمینی
به مناسبت عید سعید فطر

بسم الله الرحمن الرحیم

قبلاً من باید از ملت ایران، بعد از اینکه تبریک عید را عرض می‌کنم، تشکر کنم که در صحنه‌ها خصوصاً، در صحنه انتخابات خوب حاضر شدند و در عین حالی که همه دستها در این بود که این انتخابات به طور شایسته و آرام عمل نشود، بحمدالله عمل شد و خداوند عید مبارک را بر همه مبارک کند.

چیزی که من می‌خواهم عرض کنم، راجع به یک فقره از این خطبه‌ای است که رسول اکرم در ماه رمضان فرموده‌اند. یک جمله از او این است که خداوند شماها را مهمان کرده است، دعوت کرده است شما را به ضیافت، شماها در ماه مبارک مهمان خدا هستید؛ مهماندار خداست و مخلوق مهمان او است. البته این ضیافت نسبت به اولیاء کُمّل الهی به آن نحوی نیست که ما تخیل کنیم، یا دست ما به او برسد. ما باید حساب کنیم ببینیم که این ضیافت چی بوده است و ما چقدر راه یافتیم به این ضیافت. در عین حالی که همه عالم تحت رحمت الهی است و هر چه هست رحمت اوست و رحمت او به هر چیز واسع است، لکن باب ضیافت، یک باب دیگر است، دعوت به ضیافت یک مسئله دیگری است.

این ضیافت، همه‌اش ترک است؛ ترک شهوت از قبیل خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و جهات دیگری که شهوات انسان اقتضا می‌کند. خداوند دعوت کرده است ما را به اینکه

شما باید وارد بشوید در این میهمانخانه و این ضیافت هم جز ترک، چیزی نیست؛ ترک هواها، ترک خودیها، ترک منیها، منیتها. اینها همه در این میهمانخانه است و ما باید حساب کنیم ببینیم که آیا وارد شدیم در این میهمانخانه یا اصلاً، وارد نشدیم، راهمان دادند به این ضیافتخانه یا نه، استفاده کردیم از این ضیافت الهی یا نه. البته حساب امثال من با کرام الکاتبین است. اما من به شما آقایان و به هرکس که این کلمات می‌رسد و خصوصاً، طبقه جوان عرض می‌کنم که آیا در این مهمانخانه رفتید؟ استفاده کردید؟ از شهوات خصوصاً شهوات معنوی چشم پوشیدید؟ یا اینکه مثل من هستید؟

جوان‌ها متوجه باشند که در جوانی می‌شود اصلاح کند انسان خودش را. هرمقداری انسان سنش زیادتر می‌شود، اقبالش به دنیا بیشتر می‌شود. جوانها نزدیکترند به ملکوت. پیرها هر چه می‌گذرد، هر چه بر عمرشان می‌گذرد، هی اضافه می‌شود یک چیزهایی که آنها را از خدا دور می‌کند. شماها در فکر باشید که اگر از این ضیافت درست بیرون آمدید آن وقت عید دارید. عید مال کسی است که در این ضیافت راه یافته باشد استفاده کرده باشد از این ضیافت. همان طوری که شهوات ظاهری را باید ترک بکند، از شهوات باطنی که بالاترین سد راه است برای انسان، باید از اینها جلوگیری کند. تمام این مفاسدی که در عالم حاصل می‌شود، برای این است که در این ضیافت وارد نشده‌اند یا اگر وارد شده‌اند استفاده نکرده‌اند. خطاب به همه مردم است، همه دعوت شدید به ضیافت الله، همه مهمان خدا هستید و مهمانی به ترک است. اگر ذره‌ای هوای نفس در انسان باشد، این به مهمانی وارد نشده است یا اگر وارد شده است استفاده نکرده است. تمام این جاروجنجال‌هایی که در دنیا می‌بینید برای این است که استفاده از این ضیافت نکرده‌اند، در این مهمانی وارد نشده‌اند، دعوت خدا را قبول نکرده‌اند.

کوشش کنید که این دعوت را لبیک بگویید، راه به شما بدهند در اینجا و اگر چنانچه راه یافتید مسائل حل است. اینکه مسائل ما حل نمی‌شود، برای اینکه در ضیافت خدا وارد نشده‌ایم. در ماه رمضان اصلاً، وارد نشده‌ایم؛ یک ترک اکل و شربی[۱] کردیم، لکن آن که باید بشود نشده است. اگر هواهای نفسانی بگذارد، انسان به حسب فطرت الهی است، فطرت، فطرت الله است، همه هم توجه دارند به او، لکن این توجه به دنیا که توجه ثانوی است و اعوجاجی است، این جلوگیری می‌کند از آن مسائلی که باید باشد. اگر می‌بینید در

۱ - خوردن و آشامیدن.

دنیا جنگ و جدال است و در بین شما هم – خدای نخواسته – نمونه‌اش هست، بدانید که در این ضیافت وارد نشدید، ماه رمضان را ادراک نکردید. اقبال کرده است به شما ماه رمضان: اَقبَل عَلیکُم شَهرُالله[1] اما شما او را ردش کردید، پس زدید.

شیطنت برای ایجاد اختلاف

در انتخابات در عین حالی که باید گفت انتخابات خوبی گذشت، لکن شیاطینی می‌خواستند که یک تخم نفاق بکارند. در جاهای دیگر وقتی انتخابات می‌شود، حزب‌ها و دسته‌های خارجی مردم را می‌کشند طرف خودشان و مردم را بازی می‌دهند، صحبت‌هایی می‌کنند که همه‌اش برای اغفال مردم است. در انتخابات در عین حالی که بسیار خوب انجام گرفت، لکن دسته‌هایی می‌خواست ایجاد اختلاف کند، دو دستگی ایجاد کند و حال آنکه موفق نشدند بحمدالله. باید شما متوجه باشید به این که دشمن‌ها همیشه دنبال این هستند که ما را از داخل بپوشانند و اگر در این ضیافت وارد شده باشید دشمن‌ها دستشان کوتاه خواهد شد. وقتی حقیقت این ضیافت را انسان می‌بیند، می‌بیند که اگر انسان وارد این ضیافت بشود تمام اختلافات در دنیا حل می‌شود. شیاطین دنبال این هستند که ایجاد اختلاف کنند، دو دستگی بگویند هست، لکن بحمدالله ملت ما و خصوصاً، روحانیت ما اشخاصی هستند که چهره شان نورانی است و در این ماه مبارک هم در این ضیافت ان‌شاءالله وارد شده‌اند و آثارش هم بعد ظاهر می‌شود که همه با هم هستند؛ دو جبهه نیست.

لزوم دوستی با وجود اختلاف سلیقه

البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد. من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن وقتی که مباحثه می‌کردند جاروجنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند، وقتی مباحثه تمام می‌شد می‌نشستند به دوستی کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جارو جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم،

---

۱ – ماه رمضان ماه خدا به شما روی کرده.

دوست هم باشیم. اگر در این ماه مبارک، در این ضیافت وارد شدیم، باید بعد از ماه مبارک تا مدتها آثارش باقی باشد.

ماه مبارک به منزله یک ساعتی است که کوکش بکنند و خودکار تامدتی که این کوک است باشد. این ماه مبارک باید این جور باشد که مردم را تا ماه مبارک دیگر حفظ کند، بعد ماه مبارک دیگر بیاید از سرگرفته بشود و این برای این است که باید ما در این ضیافت وارد شده باشیم و من امیدوارم که وارد شده باشیم و همه آقایان با سلامت، صحت و خوشی این سال را بگذرانند.

و من عقیده‌ام است بهترین دعا از برای امثال رئیس جمهوری آمریکا و نوکرهای او مثل صدام، بهترین دعاها این است که خدا مرگشان بدهد، این دعا برای آنهاست. اگر می‌خواهید نفرین کنید بگویید خدا حفظشان کند؛ برای اینکه هر روزی که بر امثال اینها می‌گذرد، جهنمشان بدتر می‌شود. جهنم مراتبش مثل خود مراتب انسان لایتناهاست. هر روزی که بر اهل معصیت بگذرد، جهنمشان بدتر و داغتر می‌شود. پس دعای برای اینها اگر بخواهید بکنید این است که خداوند اینها را مرگ بدهد تا این که این جهنم به آن سختی نباشد برایشان. و خداوند ان‌شاءالله ما را هم بیدار کند، متوجه کند، متوجه کند که ما چند روزی بیشتر نیستیم، منتها من زودتر و شما هم دنبالش دیگر، بعد از صد سال دیگر از این بساط خبری نیست. اینها همه گذراست و از بین می‌رود، آن چیزی که باقی می‌ماند حرکات خود انسان است. آن چیزی که به انسان جهنم را می‌رساند یا بهشت را می‌رساند خود انسان است، از خارج نیست. انسان که مُرد شروع می‌شود به یک عالم دیگری که خود انسان تهیه کرده، از خارج چیزی نمی‌آید، هر چه هست از خود انسان است. کوشش کنید که ان‌شاءالله، اصلاح بکنید در این روز، در این وقت، در این سالها خودتان را و خداوند ان‌شاءالله، به شما و همه اهالی این کشور سلامت عنایت کند و همه شما ان‌شاءالله، در جوار خدای تبارک و تعالی و با دعای حضرت صاحب – سلام الله علیه و ارواحنا فداه – همه شما ان‌شاءالله، موفق و مؤید و به آرزوهای صحیحی که دارید که آرزوی همه رسیدن به خداست و خودش هم نمی‌داند، همه توجهشان به اوست و خدا پرده‌ها را بردارد تا همه ببینیم او را.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

پیام امام

به مناسبت گشایش سومین دوره مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

از عنایت و توجه ذات مقدس حق تعالی سپاسگزاریم که بار دیگر ملت شریف و عزیز ایران را به ادای یکی از بزرگترین فرایض سیاسی و اجتماعی خود مفتخر نمود. و در اوج شرارت شیطان بزرگ و اذناب پلید او علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیق بیعت مجدد با میثاقهای ازلی خود را به آنان کرامت فرمود. و به رغم بدخواهان، انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی با صحت و سلامت و در موعد مقرر برگزار گردید، که بحمدالله امروز ما شاهد افتتاح سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. و من ضرورتی به ذکر حوادث زمان انتخابات و نیز حماسه‌های مردم عزیزمان در این مورد نمی‌بینم و همچنین اهمیت و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در نظام کشور اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست. و ان شاءالله نمایندگان محترم مجلس، سنگینی بار مسئولیت و رسالت خود را دراین امر خطیر احساس کرده و می کنند و به خوبی دریافته‌اند که نظام و مردم از آنان چه انتظاری دارند، که باید گفت مجموعه خواسته‌ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها و دگرگونی در نظام پرپیچ و خم اداری کشور، از ا نتظارات به حقی است که باید آنها را جدی گرفت. و نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و مواد غیرضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و براساس اسلام عزیز در کمیسیون‌ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی کشور در امور

فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومیت و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید.

و امروز کشور و نظام و مدیریت آن همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل و چه بسا وسوسه‌ها، ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو و در نظر داریم محروم کند، که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسویی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان، بتواند گام‌های بلندی در حل معضلات محرومین و پابرهنه‌ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل مجمع تشخیص مصلحت که پشتوانه عظیم و با برکت و پرثمری برای کشور ماست، بهره‌مند شود.

و اما چیزی که از همه اینها مهمتر است، اینکه چه آنهایی که به مجلس راه یافته‌اند و خادم منتخب شده‌اند و چه آنها که به وظیفه خود عمل نموده‌اند ولی به مجلس راه نیافته‌اند و همچنین طرفداران هر دو گروه باید بدانند که همه این امور اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفای معنویت و ثمرات خلوص بندگی است، و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورت‌ها و اختلافات آلوده کنیم و رقابتهای گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم نماید.

و من احتمال می‌دهم که عوامل و دست‌های ناپاکی بخواهند از رقابت‌های انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی‌معنا دلها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیت‌ها، صحت و سلامت انتخابات و نهایتاً مشروعیت مجلس را زیرسئوال برند، که در این شرایط همه آحاد ملت ایران و همه روحانیون و دست اندرکاران کشور باید در کنار هم و دست در دست هم به راه مقدس خود ادامه دهند. و صاحبان قلم و سخن و مطبوعات نیز به طور جدّ مواظب نوشته‌ها و گفته‌های خود باشند و نمایندگان مجلس نیز به عدالت وعطوفت با یکدیگر برخورد کنند و به مسائل دامن نزنند و خصوصاً در اعتبار نامه‌ها به مسائل شخصی و گروهی نپردازند و در نطق‌های قبل از دستور و غیر آن به شخصیت و اعتبار نمایندگی مجلس توجه کنند و حرمت مجلس و نظام و اخلاق کریمه اسلامی را مقدّم دارند و خلاصه کلام اینکه مجلس و نمایندگان باید مؤید

وحدت و انسجام جامعه باشند و مسئولین در کنار مردم و مردم همراه و پشتیبان مسئولین به وظیفه خود عمل کنند و از برکات مادی و معنوی اتحاد مقدس خود بهره‌مند شوند و از صحنه‌ها کنار نروند که امروز شاید گناهی بالاتر از کناره گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک صحنه انقلاب پذیرفته نمی‌شود.

و مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت پیروزی با ماست و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تاکنون بارها عنایات حق را دیده‌ایم. و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهاده‌اند، چیزی را از دست نداده‌اند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده‌اند که از آن احساس غبن و پشیمانی کنند؛ همه سرمایه‌های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است.

البته کشوری همانند ایران که در صدد تحقق اهداف بلند اسلامی است، ممکن است فرازها و نشیب‌هایی داشته باشد همان گونه که در صدر اسلام نیز چنین بوده است ولی برای یک ملت بزرگ هیچ پیروزی‌ای بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استوار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت نموده است و ما به یاری خدا و با همت و اراده پولادین مردم در برابر همه مشکلات خواهیم ایستاد و همان‌گونه که به برکت ایمان و توکل مردم و رزمندگان به پیروزی‌های بزرگ و معجزه‌آسایی رسیده‌ایم و هر روز ما روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است، بعد از این نیز به راه خود ادامه می‌دهیم.

رزمندگان عزیز و دلاور ما اعم از ارتش و سپاه و بسیج با تکیه بر ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی‌شائبه مردم، به نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزم‌ها را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت خود افتخار نصرت و پیروزی را به ا رمغان آورند که سرنوشت جنگ در جبهه‌ها رقم می‌خورد، نه در میدان مذاکره‌ها. و به یاری خداوند و دعای خیر حضرت بقیه‌الله – ارواحنا فداه – حرف آخرمان را با صدامیان و جهانخواران در صحنه حماسه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر و مدد می‌طلبیم. خداوند یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد. والسلام علیکم و رحمت‌الله.

روح الله الموسوی الخمینی

حکم امام خمینی(ره)

به آیت الله هاشمی رفسنجانی

[آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشت:
... پیشنهاد مشخص اینجانب که قبلاً نیز کتباً و شفاهاً معروض گردیده است، این است که:
۱ – کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.
۲ – شخص مزبور از سوی حضرتعالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمشیت کند.
۳ – دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمین و اجرای محکومیت‌ها به طور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی – دامت افاضاته

با توجه به درگیری رویاروی آمریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای – دامت افاضاته –

جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جنابعالی موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشید:

۱ – ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

۲ – هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمان‌های مربوط و پشتیبانی کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود.

۳ – تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴ – سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمان‌ها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری.

۵ – تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح درتمام زمینه‌ها.

۶ – استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.

۷ – بهره برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها.

قوای مقننه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمی‌ها و حیله‌هاست؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

روح الله الموسوی الخمینی

سخنرانی امام(ره)

در خصوص لزوم مشارکت مردم در بازسازی

بسم الله الرحمن الرحیم

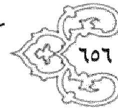
ما اولاً تشکر می‌کنیم از هیأت دولت و ملت ایران که در این ایام جنگ با اینکه خیلی تحت فشار بودند، با قدرت و با حفظ عظمت اسلام کارها را به خوبی انجام دادند تا این خار سر راه شکسته شد. و ما امروز باید بعض مسائل را عرض کنیم. من جمله اینکه ما نباید حساب کنیم که جنگ تمام شده است، ما باید حساب کنیم که در حال جنگیم، برای اینکه، دشمن ما – چه دشمن‌های بزرگ از قبیل آمریکا و شوروی و چه آنهایی که اذناب آنها هستند از قبیل صدام و امثال اینها – اینها چون با اسلام مخالف هستند و دیدند که اسلام امروز در دنیا یک قدرت بزرگی شده است در مقابل آنها، از این جهت، آنها دائماً مشغول نقشه کشی هستند، و ما نباید از این مسئله غفلت کنیم. هم باید مردم مهیا باشند، قوای مسلح مهیا باشند. مردمی که باید به جبهه بروند و جبهه‌ها را پر کنند، تعقیب کنند این مطلب را و سستی نکنند. دشمن ما دشمنی است که با نقشه کار می‌کند.

الآن ممکن است که در ایران منتشر کنند که خوب، دیگر مسئله تمام شد و چه شد و مردم را سست کنند و حال اینکه مسئله تمام نشده است، اینها همیشه دنبال این هستند که کارهای خودشان را انجام بدهند ولو به دست ملتها یا دولتها. در ایران چون نمی‌توانند این

کار را بکنند، نه ملت با آنهاست و نه دولت، از این جهت، یک راه‌های دیگری دارند دنبال می‌کنند. از این جهت، ما باید بیدار باشیم، جبهه‌ها باید پر باشد، ما خودمان را در حال جنگ بدانیم. می‌بینید که به هیچ چیز از امور اعتنا ندارند، امروز می‌گویند جنگ، فردا همان جنگ را صلح می‌کنند، باز فردا جنگ شروع می‌کنند. از این جهت، قوای مسلحه ما و ملت ما باید مهیا باشند برای این امر.

این یک مسئله است، مسئله دیگر؛ این مسئله بازسازی است که بسیار مهم است، در بازسازی اگر بخواهد ملت سر خود کار بکند، فساد ایجاد می‌شود. اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هر چه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت. و راجع به اینکه کجا مقدم، کجا مؤخر، این بالاخره صحبت پیش می‌آید و آن طوری که صلاح است این است که هیأت تشخیص مصلحت باشد مرکب از سران کشور و نخست وزیر و تشخیص بدهند، تشخیص مصلحت بدهند که کجا باید اول باشد، کجا باید بعد باشد، وضعش باید چه جور باشد. مردم خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند. و دولت باید به مردم مجال بدهد به اینکه در کارها داخل بشوند. و مردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تأنّی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند؛ ممکن است دست‌هایی در کارباشند که بخواهند در همین مقوله هم راجع به بازسازی هم شلوغ کنند و فساد ایجاد کنند، این را باید خیلی متوجه باشند و این همان هیأت تشخیص مصلحت که مرکب از سران کشور است، آنها باید نظارت کنند در امور، لکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه حالا بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت، که یک وقت خدای نخواسته دوباره از آن چیزهایی که از خارج می‌آوردند و آن چیزهای فاسدی که می‌آوردند دوباره شروع نکنند. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود. این هم یک مطلبی است که مهم است و باید خیلی در آن [دقت] کرد.

و باز مسائلی هست که تمامش مربوط به این است که ما باید بیدار باشیم در این امور، نباید که توهم کنیم که باید همه آن کارها زودی درست بشود. الآن ممکن است که یک عده‌ای بیفتند توی مردم ... اشخاصی که مخالف با ما هستند – هستند، زیادند – الآن هم



هستند که خوب، جنگ تمام شد، یاالله زود تمام کنید! مطلب یک مطلبی نیست که بزودی تمام بشود، مطلبی است که هشت سال کوبیدند، شهرهای ما را از بین بردند؛ این باید اقلاً همان قدری که آنها کردند ما دنبال کنیم که ان شاءالله تا چند سال بتوانیم این کار را انجام بدهیم. مردم ننشینند گوش کنند به حرف اشخاص که زود باید درست بشود، فوراً باید همه چیز درست بشود؛ نه، نمی‌توانند، مسئله‌ای است که نمی‌شود. این را هم، در این امر باید خیلی دقیق باشند و هم در مهیا بودن راجع به جنگ.

و من امیدوارم که خداوند تأیید کند شما را؛ همان طور که تا حالا تأیید کرده است، ما تا حالا با تأییدات الهی پیش رفته‌ایم، بنابراین، کار مهم اتکال به خدای تبارک و تعالی است. تا حالا هر چه شده به دست او بوده، از حالا هم تا آخر به دست اوست و ما هم تابع هستیم که کارهایی که ایشان می‌گوید عمل کنیم. و شما هم متوجه به این معنا باشید که اتکالتان را به خدا زیاد کنید و توجه‌تان را به خدا زیاد کنید و ما چیزی نیستیم، ما هیچ هستیم. آن که هست اوست. و آن که کار می‌کند اوست. و من هم که وظیفه‌ام دعاست. من دعا می‌کنم راجع به همه شما. و از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که به همه شما توفیق بدهد. به همه شما سلامت بدهد. به ملت ایران توفیق و سلامت بدهد. خداوند دشمنان اسلام را نابود کند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

پیام امام(ره)

درخصوص سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور

بسم الله الرحمن الرحیم

بر هیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است وعدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد. ان‌شاءالله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های ستم سوز آن را علیه شوروی جنایتکار و آمریکای جهانخوار و اذناب به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی — صلی‌الله علیه و آله و سلم — بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند.

در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود. اخیراً دستهای پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حیله جدیدی متوسل شده‌اند که مسئولین عزیز و رده بالای کشورمان و

نیز شخصیت‌ها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایشات وابستگی و همچنین عدول از مواضع گذشته و نهایتاً به شرق‌گرایی یا غرب‌گرایی متهم نمایند و موذیانه با طرح مسائلی از این قبیل که فلان شخصیت نظام جمهوری اسلامی راستگرا و یا میانه‌رو یا سازشکار و غربگراست و یا فلان مسئول تندرو و انقلابی شده است که نتیجتاً اعتماد مردم را به دست اندرکاران نظام سلب نمایند که با یاری خداوند و با رشد و آگاهی مردم بازار این گونه القائات در این مملکت کساد و مشتریان آن اندک بوده‌اند و بر مردم ثابت است کسانی که سال‌ها و بارها چه قبل و چه بعد از انقلاب امتحان خود را در تعهد به اسلام و انقلاب داده‌اند و در این راه به پای چوبه‌های دار رفته و زندان‌ها کشیده و ترور گشته‌اند و سلامت خود را از دست داده‌اند و تحت شکنجه‌های شاه برای استقلال و آزادی مبارزه کرده‌اند، یقیناً دلشان به حال انقلاب و ثمرات آن نه تنها کمتر از دیگران نسوخته که بیشتر می‌سوزد و مسیر ارزشی و الهی و پرطراوت خویش را به هیچ‌وجه عوض نمی‌کنند. و من از باب وظیفه به مردم و فرزندان پرشور انقلاب می‌گویم که مبادا بدون در نظر گرفتن محذورات سیاسی و شرایط بسیار پیچیده و حساس کشور به طرح سئوال‌ها و اشکالاتی روی آورید که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث کشف اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله آفرین گردد و نه تنها گره‌ای را باز نکند که بر مشکلات مملکت نیز بیفزاید.

من سیاست داخلی و خارجی کشور را به دقت ملاحظه می‌کنم و تا زنده‌ام نخواهم گذاشت مسیر سیاست واقعی ما عوض شود و مسئولین نیز چیزی غیر از این نمی‌خواهند و انتظاری غیر از این از آنان نمی‌رود. من به بعضی از مسئولین هشدار می‌دهم که به شدت باید مراقب بود که خدای ناکرده آب به آسیاب دشمنان نیز نریزیم و آنان را با اقوال و جبهه‌گیری‌هایمان شادمان نگردانیم. به مسئولین و دست اندرکاران در هر رده نیز می‌گویم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نمایید – که ان‌شاءالله خواهید کرد – و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است. همان گونه که قبلاً گفته‌ام سیاست بازسازی و تشخیص و تعیین اولویت در امر بازسازی مراکز آسیب دیده کشور به عهده سران محترم و متعهد سه قوه و آقای نخست وزیر است ولی باید توجه

داشت که با در نظر گرفتن حجم عظیم کار و ضرورت تسریع در تعیین خط مشی بازسازی و سازندگی، حتماً از نظرات کارشناسان و صاحبنظران خصوصاً هیأت دولت و وزرا و کمیسیون‌های مربوطه مجلس شورای اسلامی — که چهره‌های دلسوز و متعهد و مطلع در آنها فراوانند — و نیز از مسئولین هر امری استفاده نمایند چرا که آنان نیز به خوبی دریافته‌اند که بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست. و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که ان شاءالله مراکز علمی و دانشگاهی نیز در این مسئله بزرگ سهیم خواهند بود.

لازم به تذکر است که وزیر یا مسئول مربوطه نیز درتصمیم‌گیری‌های نهایی سران و نخست وزیر صاحب رأی می‌باشند.

اما نکاتی که در بازسازی و سازندگی توجه به آن ضروری است:

۱ — با اینکه اطمینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ گاه راضی نشده و نمی‌شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله‌هاست، ولی بر دست اندرکاران نظام است که ذوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی‌شائبه و بی‌منت به آنان دریغ نکنند؛ هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت طبع و بزرگواری و اخلاق کریمه خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند و یا مراجعه‌شان به حداقل بوده است. و همه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی‌بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهای مقدس شهیدان را بازگو نمایم که

بحمدالله تا به حال خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده‌اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود.

۲ – با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلاب‌مان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرتها و نوکرانشان باید جدی بگیریم.

۳ – توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت وتقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئوولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمت‌های بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خود کفایی در زمینه‌های دیگر.

۴ – مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. ان‌شاءالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند.

۵ – برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزشهای کامل اسلامی و پرهیز از تنگ نظری‌ها و افراط گرایی‌ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به طورکلی تجارت براساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت.

۶ – رعایت اصول ایمنی و حفاظتی مراکز و صنایع و ایجاد پناه‌گاههای جمعی برای مردم و کارگران که این اختصاص به زمان جنگ ندارد بلکه طریقه احتیاط در هر شرایط است.

۷ – استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بها دادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.

۸ – حفظ و نگهداری ترکیب یک یا چند شهر خراب شده در جنگ به منظور ترسیم علنی تجاوز دشمنان علیه انقلاب و کشورمان و نشان دادن قدرت دفاع و مقاومت قهرمانانه ملت که آیندگان فقط به اسناد و نوشته‌ها بسنده نکنند. البته این کار با رضایت کامل صاحبان املاک و با ایجاد شهرهای مجاور باید انجام شود.

۹ – تأکید بر حفظ ارزشها و شئون اخلاقی و اجتماعی و نیز سالم سازی اجتماعات که گروهی از خدا بی خبر و فرصت طلب تصور نکنند که مردم در برابر نیات پلید آنان بی‌تفاوتند. ان شاءالله خداوند همه را از شرّ نفس اماره و شرّ دشمنان محافظت فرماید و به همه شرح صدر و تدبیر در امور و اخلاص در عمل و ایثار در خدمت به خلق مرحمت کند.

«احمد»[1] به صورت آزاد بهتر می‌تواند به اسلام و مردم کشور خدمت نماید و تنها در جلسات شرکت می‌کند تا گزارش مسائل سریع‌تر به اینجانب برسد.

والسلام علی من اتبع الهدی.

۱۳۶۷/۷/۱۱

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ - آقای سید احمد خمینی.

اهدای کتاب صحیفه سجادیه

به سید علی خمینی

بسمه تعالی

«هدیه النمله»

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی　　از خم دوست جوانم به خم موی علی

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست　　یاد آرم به خرابات چو ابروی علی

صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده می‌کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادقّ[1] معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می‌شود در ذهن من و تو نیاید و دست

---

۱ - دقیق‌ترین

طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه خاص خود قطراتی که از دریای بیکران عرفان خود می‌چشاند و آنان را محو و نابود می‌کند:

پس عدم گردد عدم چون ارغنون گویدم اناالیه راجعون

پس تو ای نویسنده محروم از همه معارف و بیخبر از کون و مکان، قلم را بشکن و صحیفه را ببند و از حدّ خود که هواهای نفسانی چون تار عنکبوت بر سراسر وجودت پیچیده و هر روز و شب افزون می‌گردد به فضل لایزال الهی پناه ببر« انّه ذو رحمه واسعه»

و من این کتاب بزرگ را به فرزند عزیزم که در جبهه او نورٌ و نور علی نور می‌بینم و آن عزیز که یادگار احمد[1] و از سلاله پاک ائمه اطهار — علیهم سلام الله — و پرورده دامن پاک مادر عزیزش که سلاله پاک ائمه اطهار و از طباطبایی‌ها که افتخار فرزندی حسنین را دارند اهدا کردم و امیدوارم او از علمای برجسته و فقهای متعهد واز عرفای مجاهد فی‌سبیل‌الله در دو جبهه ظاهر و باطن شود و از این کتاب مقدس به طور شایسته بهره‌مند گردد و پدر پیر خود، خمینی را که عمری با هوای نفس و عصیان و ناسپاسی گذرانده و اکنون با روی سیاه و کوله باری از معصیت بدون هیچ امید — مگر به فضل خدای رحمان از این دارو دیار به دارودیار دیگر می‌رود از طلب رحمت و دعایی و بخشش گناهان بر او منّت نهد.

خداوندا، این عائله را به تو سپردم و از هیچ کس امیدی ندارم؛ تو خود با عنایات خویش آنان را تحت تربیت خویش قرار ده.

به تاریخ شب سه شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۶۷/ سوم جمادی الاولی
۱۴۰۹ — بنده عاصی خدا
روح الله الموسوی الخمینی

۱ - آقای سید احمد خمینی

پیام امام(ره)

درخصوص اختیارات «مجمع تشخیص مصلحت نظام»

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات آقایان اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت – دامت افاضاتهم

با سلام و دعا و آرزوی موفقیت برای آن مجمع محترم، از آنجا که وضعیت جنگ به صورتی درآمده است که هیچ مسئله‌ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع طرح گردد، لازم دیدم نکاتی را متذکر شوم:

۱- آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است مادام المصلحه، به قوّت خود باقی است.

۲- آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب می‌نمایند.

۳- پس از آن، تنها در مواقعی که بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف است، به همان صورتی که در آیین‌نامه مصوب آن مجمع طرح شده بود عمل گردد. البته ماده پنج به همان صورتی که اصلاح کرده بودم – جلسه با هفت نفر رسمیت پیدا می‌کند – باقی باشد. و ماده ده بدین صورت اصلاح گردد: کلمه «مجدداً» حذف گردد؛ و به جای آن «تنها یک بار» گذارده شود.

تذکری پدرانه به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب

کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریها است. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و این بحث‌های طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بستهایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد — و خدا آن روز را نیاورد — باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. خداوند به همه اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت توفیق دهد تا هر چه بهتر به اسلام خدمت کنید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله.

۶۷/۱۰/۸

روح الله الموسوی الخمینی

نامه‌های امام خمینی (ره)

زمان: ۲۰ فروردین ۲۱/۱۳۶۷ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتقادپذیری

مخاطب: ولایتی، علی اکبر (وزیر امورخارجه)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم امور خارجه

من جنابعالی را فردی متدین و دلسوز انقلاب می‌دانم. و شما و دوستانمان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را، چه حق و چه ناحق، داشته باشیم. جوّ باز سیاسی ایران انقلابی، بی‌تجربگی بعضی از مسئولان، سبقت در رساندن سریع هر موضوعی به جامعه گرچه به ضرر مردم باشد، نه تنها کار وزارت امور خارجه را مشکل می‌کند، که در بعضی اوقات روی سیاستهای داخلی هم اثر نامطلوب می‌گذارد. اینجانب به شما و تمامی خادمین به اسلام و ایران دعا می‌کنم. امیدوارم چون گذشته در خدمت‌تان تنها خدا را منظور دارید. از خداوند متعال توفیق جنابعالی و سایر خدمتگزاران به اسلام را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله. ۶۷/۱/۲۰ - روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۷/رمضان۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نماینده جهت بررسی انتخابات مرحله دوم مجلس شورای اسلامی

مخاطب: انصاری کرمانی، محمد علی (از اعضای دفتر امام خمینی)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمد علی انصاری — دامت افاضاته

جنابعالی، که فردی متدین و آگاه می‌باشید، به عنوان نماینده اینجانب، با دو نفر از طرف شورای محترم نگهبان، و دو نفر از طرف وزیر محترم کشور، موظف می‌باشید تا به موارد ذیل عمل نموده و کار انتخابات تهران را به پایان برسانید:

۱ — آقایان باید تمام تلاش خود را بنمایند تا انتخابات مرحله دوم در «روز قدس» صورت گیرد، و مجلس سوم در وقت مقرر تشکیل گردد.

۲ — هیأت نظارت شورای محترم نگهبان موظف است که از ابتدا تعداد صندوق‌هایی را که از آنها شکایت شده است مشخص نمایند.

۳ — وزارت کشور موظف است تمامی صندوق‌های مورد شکایت را هم امروز به شورای محترم نگهبان منتقل گرداند.

۴ — وزارت کشور می‌تواند افرادی را در موقع شمارش آرا بر سر صندوق‌ها بگمارد تا برای هیچ‌کس هیچ شبهه‌ای پیش نیاید.

۵ — آرا نسبت به همه کاندیداها شمارش شود، نه کاندیداهای خاص.

مسئولیت حفظ صندوق‌های منتقل شده با شورای نگهبان است. جنابعالی موظف می‌باشید تا مسائل را به اینجانب گزارش نمایید، تا قوه قضاییه با هر کس که در راه پیشبرد کارها مانع ایجاد می‌کنند، قاطعانه برخورد نماید. خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید و از کید شیطان نفس نجات دهد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۳ اردیبهشت ۶/۱۳۶۷ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به شکایات در برخی از حوزه‌های انتخاباتی

مناسبت: برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: خمینی، سیداحمد

[بسمه تعالی. پس از عرض سلام به عرض حضرت امام می‌رساند، در تماس‌های مکرر تلفنی که با آیت‌الله آقای امامی و حجت الاسلام والمسلمین آقای محتشمی داشتم آقایان بدین نتیجه رسیدند:

۱ – صندوق‌های مورد شکایت از هم اکنون مشخص شود.

۲ – آرای کلیه کاندیداهایی که در صندوق آرا هستند شمرده شود نه کاندیدهای خاص.

۳ – در مواردی که نمایندگان اجرایی و یا نظارت در شمارش آرای صندوق‌ها مواجه با اشکال شدند بلافاصله به اطلاع جناب آقای امامی و محتشمی رسانده تا فردی از سوی آقای امامی آمده، صندوق مورد اشکال را در مقابل نظارت و اجرا بازشماری کند.

۴ – هیأت نظارت به تعداد خواهران مأمور اجرا از خواهران استفاده کند.

۵ – مسئله حتی‌المقدور تا آخر این هفته و یا ده روز تمام گردد. والسلام.

۶۷/۲/۳ – احمد خمینی]

بسمه تعالی

طبق آنچه ذکر شده است باید عمل شود و مسامحه جایز نیست. ان شاءالله تعالی موفق و مؤید باشید.

۶۷/۲/۳

روح الله الموسوی الخمینی

زمان: ۷ اردیبهشت ۱۰/۱۳۶۷ رمضان ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی به شکایات در برخی از حوزه‌های انتخاباتی
مناسبت: انتخابات مجلس شورای اسلامی
مخاطب: امامی کاشانی، محمد (عضو فقهای شورای نگهبان)

[بسمه تعالی.

محضر مبارک حضرت امام امت – مدظله العالی

بعدالتحیه‌والسلام، در شرفیابی شورای نگهبان، به محضر مقدستان عرض شد که حق قانونی شورای نگهبان است که هر تعداد صندوق‌ها را لازم دانستند بازشماری نمایند و وظیفه قانونی نسبت به صندوقهایی که گزارشات ناظرین و بازرسین روی آنهاست در اولویت است. اما در متن حکم حضرتعالی به جناب آقای انصاری کلمه «شکایت» آمده است. و لازم است عرض کنم شکایات در هیأت مشترک اجرایی و نظارت رسیدگی می‌شود، اما نظارت شورای نگهبان در مقطع فعلی به گزارشات توجه می‌نماید. استدعا دارد نسبت به کلمه «شکایت» یا «گزارش» رفع ابهام فرمایید- ادام الله ظلکم العالی علی رؤوس الاسلام والمسلمین. ۶۷/۲/۷ – محمد امامی کاشانی]

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات و صمیمیت هیأت نظارت و اجرا. مقصود در نوشته اینجانب «شکایت» است نه «گزارش». ولی برای اطمینان بیشتر اگر نماینده اینجانب[1] و نمایندگان شورای محترم نگهبان هر سه با هم تشخیص دادند که بعضی از صندوقهای گزارش شده احتیاج به شمارش دارد اقدام می‌نمایند.

۶۷/۲/۷

روح الله الموسوی الخمینی

۱ - آقای محمدعلی انصاری کرمانی.

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۵/۱۳۶۷ رمضان ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در روز قدس
مخاطب: اعضای شورای نگهبان

بسمه تعالی

اعضای محترم شورای نگهبان — دامت افاضاتهم
با توجه به گزارشات مختلف و نیز رسیدگی و گزارش نماینده اینجانب در امر انتخابات[1] صحت آن محرز و آن را اعلام نمایید، تا انتخابات در موعد مقرر- روز قدس — انجام گیرد. و تصمیم نهایی در مورد صندوق‌ها و آرا، با رأی اکثریت نمایندگان محترم شورای نگهبان و وزیر محترم کشور و نماینده اینجانب است. و کسانی که احتیاط یا وسوسه‌ای در امر انتخابات می‌کنند بهتر است کمال احتیاط را برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام نمایند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله.

به تاریخ ۱۵ رمضان المبارک ۱۴۰۸
روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ - آقای محمد علی انصاری کرمانی.

نامه

زمان: ۱۷ خرداد ۲۲/۱۳۶۷ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر اهمیت حفظ اموال و موقوفات آستان قدس رضوی

مخاطب: واعظ طبسی، عباس (تولیت آستان قدس رضوی)

[بسمه تعالی شأنه.

محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی – مدظله العالی

محترماً، با اهدای تحیات وافره و آرزوی سلامت و طول عمر برای آن امام بزرگوار. بدین وسیله معروض می‌دارد، از آنجا که حفاظت و نگهداری از اموال و موقوفات آستان قدس رضوی و استفاده از آن در جهت رفع استضعاف مادی و معنوی و تعظیم شعائر دینی و مذهبی همواره مورد توجه و عنایت خاص آن حضرت بوده است که بارها بر آن تأکید فرموده‌اید، حقیر به حکم وظیفه اسلامی و انقلابی در جهت اجرای اوامر مطاع و دستورات مؤکد حضرتعالی پیوسته در این راه کوشا بوده، و در آستانه پایان نخستین دهه پر خیر و برکت انقلاب اسلامی علاوه بر تقدیم هدایای نقدی و جنسی به جبهه و رزمندگان عزیز و بازسازی هویزه و احداث بنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ساختمان کتابخانه عظیم مرکزی، و دیگر مراکز فرهنگی و پژوهشی، دارویی و درمانی و ابنیه باشکوه اسلامی همچون صحن قدس، و صحن جمهوری اسلامی و نیز طرح در دست اجرای اطراف حرم مطهر که به یقین با آنچه در سالیان متمادی حکومت‌های جائر و ستمگر انجام گرفته قابل مقایسه نیست، نسبت به احیای اراضی مزروعی و کشاورزی، و عمران و آبادی رقبات موقوفه که در حقیقت نقش عمده‌ای در بالابردن سطح تولید و پیشبرد شعار مقدس خودکفایی کشور اسلامی‌مان دارد، مساعی بی دریغ مبذول داشته‌ایم که امیدواریم مورد قبول خداوند منان و خشنودی و رضایت حضرت رضا – علیه السلام – قرار گیرد.

مع‌الوصف، عناصری ناآگاه سعی کرده‌اند خساراتی را بر بخش کشاورزی اعم از ابزار و محصولات این آستانه مقدسه تحمیل نمایند که به طور قطع در روند امور و پیشرفت کار زراعت و مآلاً کمک به اقتصاد مملکت اسلامی موانعی را ایجاد می‌کند.

البته شکی نیست که با اعتماد به الطاف خداوند متعال و عنایات خاصه حضرت ثامن‌الائمه علی‌بن موسی‌الرضا – علیه السلام – و در پرتو رهنمودهای حکیمانه آن حضرت، همچون گذشته بدون هیچ‌گونه تردید و تعللی حسب‌الامر به ادای تکلیف الهی و وظیفه شرعی خویش خواهیم پرداخت. با این همه خاضعانه انتظار دارد، همچنان از نظرات و ارشادات آن مقام منیع که علی‌الدوام در هر برهه‌ای الهام بخش و راهگشا و تعیین کننده بوده و می‌باشد، بهره‌مند گردیم.

در جوار مضجع منور حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا- علیه‌السلام – طول عمر و سلامت آن وجود مبارک و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام را از پیشگاه حق تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.
۱۳۶۷/۳/۱۴– عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی – دامت افاضاته

با سلام و آرزوی موفقیت بیشتر برای شما. زحمات و تحمل سختیهای شما قبل از انقلاب تا به ثمر رسیدن آن و تلاشتان بعد از انقلاب برای تثبیت نظام پویای جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

جنابعالی از چهره‌های درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی در ایران و بخصوص در استان خراسان می‌باشید. تمامی مسئولان نظام اسلامی، از جمله جنابعالی باید موانع را از سر راه برداشته و با صبر و تدبیر بدان‌گونه که رضای خدا است پیش روند. شما در راه حق و شیرینِ کمک به مستضعفین و محرومین از هیچ کوششی فروگذار ننموده و نخواهید نمود. و چون گذشته توجه داشته باشید که باید بدون کوچکترین گذشتی به موقوفات حضرت امام رضا – علیه السلام – بدان گونه که واقفین وقف کرده‌اند عمل کنید.

امیدوارم با هماهنگی شما و مسئولان آن دیار مقدس، تمامی موقوفات ثامن‌الحجج — علیه السلام — به طور جدی حفظ گردد. و مسئولان ذیربط باید کمک لازم را در هر موردی که لازم داشته باشید بنمایند، تا به کمک همه مسئولان به فقرا و مستمندان خدمات بیشتری گردد و رضای خداوند تحصیل شود. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

به تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۷ هجری شمسی
روح الله الموسوی الخمینی

پیام
زمان: ۲۲ خرداد ۲۷/۱۳۶۷ شوال ۱۴۰۸ [۱]
مکان: تهران، جماران
موضوع: مضرات خروج از وظایف و اختیارات قانونی
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر) — اعضای هیأت دولت

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای نخست وزیر، آقایان وزرا — ایّدهم الله تعالی

مسئله‌ای را که لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کُلیّتِ سیاستِ مورد قبولِ اسلام است. همگی باید سعی کنیم هر حرکتی، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، که انجام می‌دهیم به آن کلیت صدمه نزنند. ترسیم کلیت متخذ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را برعهده دارد. هر مسئولی و هر متعهد به نظامی باید سعی کند برای پیشبرد نظام در چهارچوب محدوده وظایفش عمل کند؛ که در غیر این صورت، احتمال پاشیدگی نظام جدی است. لذا اگر هر

۱ - در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۲۰، ص ۲۲۰، ذیل تاریخ ۶۷/۳/۲۳ درج شده است که به استناد تاریخ نسخه خطی، تاریخ ۶۷/۳/۲۲ صحیح است.

وزیری دخالت در کار وزیر دیگر نماید، که حتی دخالت او باعث رشد کار گردد، مورد قبول نیست؛ چرا که خروج از چهارچوب اختیارات ضررش بسیار بیشتر از رشد کار در نقطه‌ای دیگر است. روشن است که مشورت و هماهنگی و همکاری مورد بحث نیست.
اینجانب گاهی به موضعگیریهای وزرا و نمایندگان در خارج از محدوده وظایفشان برخورد می‌کنم که متعجب می‌شوم. از باب مثال سیاست خارجی کشور بر عهده وزیر امور خارجه است. اگر آقایان اعتراضی دارند، باید برادرانه در هیأت دولت مطرح کنند. اگر به اعتراض جواب قانع کننده‌ای داده شد، که چه بهتر؛ والاّ وزیر امور خارجه است که در چهارچوب سیاستِ ترسیمی از رهبری نظام و یا مجلس، تصمیم گیرنده است. این شیوه پسندیده‌ای نیست که هر وزیر و یا نماینده‌ای هر چه دلش خواست در مجامع عمومی بگوید.
آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می‌کنم که سیاست‌های یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می‌گیرد بسیار شکننده است. کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه‌ها و با این ابزار اختلاف‌ها هیچگاه راه ثبات را نخواهد پیمود. خداوند به تمامی شما توفیق خدمت به بندگان خوب خدا را ارزانی دهد. والسلام.

۲۲/خرداد/۶۷
روح الله الموسوی الخمینی

پیام
زمان: ۱۳ تیر ۱۹/۱۳۶۷ ذی القعده ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ پیام تسلیت شهادت دهها هموطن در جریان سقوط هواپیمای مسافربری توسط آمریکا
مخاطب: منتظری، حسینعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آیت الله آقای منتظری – دامت افاضاته

پیام جنابعالی تسکینی بود بر آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ، آمریکای حیله‌گر ضربه خورده‌اند. مردم آزاده جهان همیشه از ابرقدرتها خصوصاً آمریکای جنایتکار صدمه دیده‌اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی و امریکای سلطه‌گر جزم ننمایند، هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود.

مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاحهایی می‌نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند.

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج‌فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابریهای دنیای سرمایه‌داری و کمونیزم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرفهین وحاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است.

این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزشهای اعتقادی –انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست.

رزمندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخ نشینان وارد می‌کنند.

جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید، با پشتیبانی از آقای هاشمی وقت خود را مصروف در ساختن دنیا [یی] از کرامت و بزرگواری نمایید. و مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دستهای ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی همّ خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم. باید همه برای جنگی تمام عیار علیه آمریکا و اذنابش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله — صلی الله علیه و آله و سلم — است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.

انفجار هواپیمای مسافربری، زنگ خطری است برای تمامی مسافرتهای هوایی. باید با تمام وجود تلاش کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید.

اینجانب به تمامی بستگان این فاجعه تسلیت عرض نموده و خود را در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان شریک می‌دانم. من به جنابعالی و تمام کسانی که برای رسیدن به هدف مقدس پیروزی اسلام تلاش می‌نمایید، دعا می‌کنم. والسلام علیکم و رحمت‌الله.

۶۷/۴/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۱۳ شهریور ۲۲/۱۳۶۷ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لغو حق تعزیرات حکومتی واگذار شده به قوه مجریه

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه‌ای — دامت افاضاته

با اهدای سلام و دعای خیر برای اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت، در این زمان که بحمدالله تعالی کار جنگ بدین جا رسیده است، اینجانب حق تعزیرات حکومتی را لغو نمودم.

حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع‌الشرایط است؛ ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده، و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند. ان شاءالله موفق باشید.

۶۷/۶/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۳ شهریور ۱۲/۱۳۶۷ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حدود اختیارات وزارت کشور درباره نیروهای انتظامی

مخاطب: محتشمی، سید علی اکبر (وزیر کشور)

[محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – دام ظله العالی.

با عرض سلام و تحیات، همان‌گونه که مستحضرید نیروی انتظامی (کمیته انقلاب – ژاندارمری- شهربانی) با توجه به اعمال فرماندهی و مدیریت قوی از انسجام و قدرت نسبتاً خوبی برخوردار است و امنیت و انتظامات کنونی در شهرها و خارج شهرها مرهون آن است و به تصدیق مسئولین جنگ، نیروهای انتظامی در جبهه با روحیه قوی تا آخر جنگیدند و عقب‌نشینی نکردند. طبیعی است که حفظ روحیه مقاومت اسلامی این عزیزان، اولاً در گرو آموزش و سازماندهی تشکیلاتی آنها بوده و ثانیاً به خاطر تفویض اختیاراتی است که مقام معظم فرماندهی کل قوا در ارتباط با نیروهای انتظامی به وزیر کشور اعطا فرموده و اینجانب را در تشویق و تنبیه سریع و به موقع نیروها یاری نموده است. فلذا آنچه که باعث تصدیع شد اینکه: به دنبال حکم جانشینی فرمانده کل قوا به برادرمان حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا به ریاست آقای نخست وزیر، دست به تغییر تشکیلات نظامی کشور زده شده است که این

تحولات با توجه به آتش بس ممکن است در بهترین شرایط باشد، ولی همزمان در صدد تغییراتی در سیستم نیروهای انتظامی هستند و از هم اکنون مسئولین فرهنگی، حفاظت اطلاعات و بازرسی را تعیین کرده‌اند، و بدون آنکه اینجانب مطلع باشم راجع به ادغام و سرنوشت نیروهای انتظامی می‌خواهند تصمیم‌گیری نمایند. در حالی که مسئولیت مسائل سیاسی و امنیت و انتظامات کشور و نیروهای انتظامی با وزارت کشور است (البته وزارت کشور از ماهها قبل یک گروه کارشناسی را برای تهیه طرح تشکیلات مطلوب انتظامی مکلف نموده است) به نظر می‌رسد اقدامات فوق باعث تضعیف و فروپاشی نیروهای انتظامی گردد و بنده به عنوان مسئول امنیت کشور به عرض عالی می‌رسانم که به مصلحت نمی‌باشد. امید است از ارشادات مقام معظم رهبری بهره‌مند گردیم.
ضمناً از محضر امام بزرگوار استفسار می‌نمایم که آیا اختیارات تفویضی فرماندهی کل قوا به وزرای کشور در نیروهای انتظامی که اینجانب نیز دارا هستم به قوت خود باقی است یا خیر؟ خداوند سایه رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی را بر سر ما مستدام بدارد.

فرزند کوچک شما: سید علی اکبر محتشمی- وزیر کشور

بسمه تعالی

تمامی مسائل مربوط به کمیته انقلاب اسلامی و ژاندارمری و شهربانی در چهار چوب قانون با وزارت کشور است؛ ولی در زمینه‌های دفاع مقدس اختیار با جانشینی فرماندهی کل قوا است. در موارد تردید، جانشین فرمانده کل قوا و وزیر کشور هماهنگ خواهند بود.

۶۷/۶/۳

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۲ مرداد ۹/۱۳۶۷ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکیل دادگاه ویژه تخلفات جنگ

مخاطب: رازینی، علی (رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای علی رازینی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

جنابعالی موظف می‌باشید:

۱ – دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل و طبق موازین شرع بدون رعایت هیچ‌یک از مقررات دست و پاگیر به جرایم متخلفان رسیدگی نمایید.

۲ – هر عملی که به تشخیص دادگاه موجب شکست جبهه اسلام و یا موجب خسارت جانی بوده و یا می‌باشد مجازات آن اعدام است. والسلام.

۶۷/۵/۲

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۱۵ شهریور ۲۴/۱۳۶۷ محرّم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مخالفت با استعفای نخست وزیر

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم

نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید.
در زمانی که مردم حزب الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست وزیری، در چهارچوب اسلام و قانون اساسی، به خدمت خود ادامه دهید. در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید، چون گذشته عمل می‌شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود رأی دهد. تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است، که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد.

نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۷/۱۳۶۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تسریع در احداث سد ۱۵ خرداد قم

مخاطب: صانعی، حسن (سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

[محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – روحی فداه
با ابلاغ سلام و ادای تحیات وافر به استحضار عالی می‌رساند، در اجرای فرمان مبارک مبنی بر احداث سد ۱۵ خرداد به منظور تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی شهر خون و قیام، قم تاکنون گامهای مؤثری برداشته شده است و مراحلی از اجرای این طرح عظیم به انجام رسیده است. بحمدالله از نظر امکانات مالی تا به حال مشکلی وجود نداشته است و در خصوص تأمین مصالح مورد نیاز بخصوص لوازمی که در قبال ارز تهیه می‌گردد مسائلی وجود دارد که ان شاءالله با عنایتی که خواهید فرمود حل خواهد شد. فعلاً تنها مشکلی که مانع سرعت عمل که مدنظر آن امام بزرگوار است و موجبات تأخیر اجرای طرح را فراهم می‌سازد، عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اجرایی است. از این رو مسئولین و بنیاد ۱۵ خرداد برای پیشبرد سریع کار این گونه تشخیص داده‌اند که کارها صرفاً زیر نظر بنیاد و

وزارت نیرو باشد. علی هذا متمنی است موافقت فرمایید ادامه کار زیر نظر این دو ارگان انجام پذیرد.

حسن صانعی — سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای صانعی — دامت افاضاته

با توجه به محرومیت مردم قم و زحمات آنان در طول مبارزه با طاغوت سرعت عمل در بنای سد پانزدهم خرداد ضروری به نظر می‌رسد. با تشکر از تمامی افرادی که در مورد سد مذکور زحمت کشیده و می‌کشند با پیشنهاد جنابعالی که همیشه مورد اعتماد و اطمینان اینجانب بوده و می‌باشید و همیشه تلاش نموده‌اید تا در جهت رفاه مردم محروم و مظلوم یار و غمخوار آنان باشید موافقت می‌نمایم. مسئولان و دست‌اندرکاران بنیاد پر برکت پانزدهم خرداد باید با فداکاری و پشتکار در اتمام سد و کارهای خیر دیگر تلاش پیگیر داشته باشند. ان شاءالله مسئولین کشور کمک لازم را در این زمینه خواهند نمود. لازم می‌دانم از زحمات با ارزش جهاد تشکر و قدردانی نمایم. والسلام علیکم.

۶۷/۶/۲۸

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷/ ۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: ابراز علاقه و تأکید بر وحدت و برادری

مخاطب: ناطق نوری، علی اکبر (نماینده مجلس شورای اسلامی)

[بسمه تعالی، محضر مقدس رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، حضرت امام — مدظله العالی

با تقدیم سلام و آرزوی طول عمر برای آن وجود مبارک، احتراماً معروض می‌دارد، همان طوری که مستحضر هستید در رابطه با رأی اعتماد به اعضای محترم دولت از حضرتعالی راجع به حجت الاسلام جناب آقای محتشمی، وزیر محترم کشور سئوالی شد که پاسخ آن،

روز رأی گیری بین نمایندگان پخش و از تریبون مجلس خوانده شد و ایشان مجدداً به عنوان وزیر کشور انتخاب شدند لکن بعضی در سطح مجلس حتی از تریبون مجلس چنین منعکس نمودند: کسانی که به آقای محتشمی رأی مثبت ندادند مخالفت با فرمان شما کردند. چنانچه مصلحت بدانید بیان فرمایید آیا نظر مبارک رأی مثبت دادن به ایشان بود؟ و کسانی که رأی ندادند خدای ناکرده خلاف فرمان حضرتعالی که قهراً خلاف شرع هم هست عمل نمودند یا خیر؟

۶۷/۶/۲۴- مقلد کوچک شما: علی اکبرناطق نوری]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای ناطق نوری — دامت افاضاته

با سلام، در جمهوری اسلامی جز در مواردی نادر که اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد، آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا، هیچ کس نمی‌تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل کند؛ و خدا آن روز را هم نیاورد. من تمام سعی خود را می‌نمایم که با نسبت مطلبی به من، کسی مظلوم نگردد. من شما را هم فردی متدین، متعهد، مبارز و دارای هوش سیاسی می‌دانم. برای من شما و آقای محتشمی فرقی ندارد. من هردوی شما و همین طور همه دست‌اندرکاران صدیق نظام و تمامی افرادی که چون شما قلبشان برای اسلام و ایران می‌تپد را فرزندان اسلام و انقلاب می‌دانم. همه باید سعی کنیم تا روح وحدت و پاکی را بر محیط کارمان حاکم گردانیم، تا بتوانیم تمامی قدرتها و ابرقدرتها را به زانو درآوریم. باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفمان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی برپایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله.

۶۷/۶/۲۸ — روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: آبان ۱۳۶۷/ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: سرپرستی میراث فرهنگی (اموال عتیقه‌ای و موزه‌ای)

مخاطب: مظاهری، طهماسب (معاون نخست وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مدظله العالی – رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

پس از عرض سلام و با احترام و تحیت به پیشگاه با برکت قائد عظیم‌الشأن، به استحضار می‌رساند: در اجرای حکم حکومتی مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ آن رهبر معظم، مقادیری اموال منقول مربوط به خاندان پهلوی و عمال و شاخه‌ها و مربوطین آنها جمع‌آوری و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت که بخشی از این اموال به علت یگانگی در نوع ساخت یا قدمت و همچنین نِفاست آنها از حیث آثار برجسته هنری و فرهنگی یا تاریخی، با عناوین اموال عتیقه‌ای یا موزه‌ای است یا اموالی است که به صورت نشانه‌ای از فرهنگ زندگی طاغوت قابل ارائه و نمایش به مردم مسلمان و نسل جوان می‌باشد.

این اموال با دقت و توجه کافی برادران همکار بنیاد تفکیک و شناسایی و طبقه‌بندی شده و برای تمام اقلام موجود، یک شناسنامه حاوی اطلاعات فنی و هنری و تاریخی تهیه گردیده و در اماکن مناسب برای حفظ و حراست از آنها منتقل و براساس نظام و سیستم منظم و دقیقی نگهداری می‌گردد.

اکنون در نظر است ان شاءالله این اموال با آماده کردن محل مناسبی برای نمایش، به صورت عمومی در اختیار بازدید و مشاهده عموم مردم قرار گیرد و ضمن مشاهده این مجموعه، و آثار هنری وعتیقه فوق و بهره‌برداریهای فرهنگی و هنری در جهت مصالح جمهوری اسلامی، توجه جمهوری اسلامی به حفظ و صیانت از این اموال و اقدامات و توجه بنیاد در حفظ این مجموعه فرهنگی را به ملت مسلمان ایران و مردم جهان نشان دهد و این اموال به صورت یک مجموعه در اختیار بنیاد مستضعفان باقی بماند.

از آنجا که این اموال می‌بایست تحت نظر و اراده لازم‌الاتباع آن رهبر بزرگوار مورد بهره‌برداری واقع گردد، استدعا می‌نماید در صورت صلاحدید، رهنمود و ارشادات لازم را صادر فرمایید.

طهماست مظاهری – معاون نخست وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان]

بسمه تعالی

جناب آقای مظاهری، سرپرست بنیاد مستضعفان

جنابعالی اجازه دارید تا هر آنچه را که از آثار هنری، فرهنگی و تاریخی کشور محسوب می‌شود و یا فروش آن موجب خسران کشور می‌شود در مکانی مناسب نگهداری نمایید؛ و در صورت امکان در معرض دید عموم قرار دهید. ان شاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۸ آبان ۱۳۶۷/۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با مصرف اموال مکشوفه طبق موازین شرعی جهت رفع نیازهای وزارت اطلاعات

مخاطب: محمدی ری‌شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

[بسمه تعالی.

رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی – مدظله

سلام علیکم،

با عنایت به کمبود بودجه وزارت اطلاعات و مشکلات مالی این وزارتخانه اجازه فرمایید اموالی که از طریق اقدامات اطلاعاتی توسط وزارت اطلاعات از متخلفین کشف و طبق ضوابط شرعی ضبط می‌گردد، جهت رفع نیازهای این وزارتخانه مصرف گردد. خداوند سایه پربرکت آن امام بزرگ را بر سر مسلمین جهان مستدام بدارد.

ری شهری – ۶۷/۸/۸]

بسمه تعالی

آنچه را به دست می‌آورید طبق ضوابط شرعی در صورت موافقت آقای نخست وزیر می‌توانید در مواردی که وزارت اطلاعات احتیاج دارد صرف کنید.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۱۸ آبان ۱۸/۱۳۶۷ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتقال بخشی از اموال بنیاد مستضعفان به کمیته‌های انقلاب اسلامی

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[... احتراماً ، با عرض اعتذار به جهت تصدیع اوقات شریف همان‌گونه که خاطر شریف استحضار دارد در رابطه با تملک کلیه املاک و مستغلات دولتی و متعلق به بنیاد مستضعفان که در اختیار کمیته انقلاب اسلامی می‌باشد مراتب از طریق حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید احمد آقا به استحضار حضرتعالی رسید و حضرت مستطاب عالی چون همیشه فرزندان خود در این نهاد را مورد تفقد قرار دادید و هم اکنون جهت ثبت

رسمی املاک فوق‌الذکر به نام کمیته انقلاب اسلامی نیاز به مرقومه شریف حضرتعالی می‌باشد لذا مستدعی است چنانچه خاطر شریف صلاح بدانند این مطلب را مرقوم فرمایید.

سید سراج الدین موسوی]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای نخست وزیر با پیشنهاد جناب آقای سراج الدین موسوی فرمانده کمیته انقلاب اسلامی با حفظ جهات شرعیه موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۱۰آبان ۲۰/۱۳۶۷ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: منشور برادری – مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی

مخاطب: انصاری، محمد علی (از اعضای دفتر امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمد علی انصاری – دامت افاضاته

نامه شما را مطالعه کردم. مسئله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی می گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، شما را مردی متدین و دانا – البته کمی احساساتی – می‌دانم و از محبت‌های بی‌دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم:

کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پـر اسـت از اخـتلاف‌نظرهـا و سـلیقه‌هـا و برداشـت‌هـا در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتـی در مـسائل اجمـالی هـم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباری‌ها و اصولی‌ها بگـذریم. از آنجـا کـه در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهـای علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بی خبر بودند و اگر بـا خبـر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمـود کـه چون فقها با یکدیگر اختلاف‌نظر داشته‌اند — نعوذبـالله — خـلاف حـق و خـلاف دیـن خـدا عمل کرده‌اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحبنظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به ایـن بحث‌ها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و تقسیم‌بنـدی آن، در انفال و ثروت‌های عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خـارجی در مزارعـه و مـضاربه و اجـاره و رهـن، در حـدود و دیـات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر بـه معنـای اعـم؛ چـون عکاسـی، نقاشـی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محـیط زیـست و سـالم سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درخت‌ها حتی در منازل و امـلاک اشـخاص، در مـسائل اطعمه واشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبی همچون پیوند اعضای بـدن انـسان و غیـر بـه انـسانهای دیگـر، درمـسئله معادن زیرزمینی و رو زمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمنه و امکنه مختلف، در مسائل حقوقی و حقـوق بـین‌المللـی و تطبیـق آن بـا احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعـه اسـلامی و نقـش تخریبـی آن در جوامـع فاسـد و غیراسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد بـا کفـر و شـرک و التقـاط و بلـوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فـرایض در سِیر هـوایی و فـضایی و حرکـت بـرخلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن بـا سـرعتی بـیش از سـرعت آن و یـا در صـعود مـستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همـه اینهـا، ترسـیم و تعیـین حاکمیـت ولایـت فقیـه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هـزاران مـسئله مـورد ابـتلای مـردم و حکومـت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف اسـت و

اگر بعضی از مسائل در زمان‌های گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند.

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی – فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویّه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طورکلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضع‌گیری‌ها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هرکدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آنِ خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ

جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هردو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع گیری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.

هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حیله‌گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حیله‌گری‌های این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که آمریکا و شوروی به خون اسلام و استقلال‌شان تشنه‌اند. خداوندا! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد — که همه باید از شرّ آن به خدا پناه ببریم — که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد. رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورای‌عالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیرنظامی، روحانی و غیرروحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ‌کس نباید خود را مطلق و مبرّای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و

مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورت‌ها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.

البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داربست‌ها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی — صلی‌الله علیه و آله و سلم — و نابودی اسلام امریکایی می‌تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و ان شاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید.

۶۷/۸/۱۰

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۲۳ آبان ۳/۱۳۶۷ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: احداث مصلای تهران

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی — هاشمی رفسنجانی، اکبر (ائمه جمعه تهران)

[بسمه تعالی.

محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی — مدظله العالی — السلام علیکم و رحمت‌الله

به دنبال احساس نیاز به ایجاد مصلای تهران و در پی جستجو و بررسی چند ساله، محلی مناسب در قسمت شمال مرکزی تهران (عباس آباد) که در مالکیت شهرداری است شناسایی شد و طرح مناسب و جامعی پس از مشورت فراوان و به مسابقه گذاشتن میان مهندسان داخلی و خارجی، تهیه شد.

از آنجا که مشکلات حقوقی و ثبتی و تشریفات انتقال قانونی به این زودی‌ها قابل حل نیست و مشکلات اقامه نماز جمعه تهران در دانشگاه روزافزون است و به نظر می‌رسد که این کار باید به همت و اراده حضرتعالی به سرانجام برسد، لذا استدعا دارد اجازه فرمایید به مقدار یک میلیون مترمربع از اراضی مزبور در حدفاصل خیابان شهید بهشتی به سمت شمال، که قسمت اعظم آن نیز با موافقت شهرداری محصور گردید و در اختیار مصلا است به ساختمان مصلا و تا حد لازم در محور قبله از شمال آن برای سایر مرافق اختصاص یابد و تصدی امور آن با امام جمعه تهران باشد.

همچنین طرح‌هایی که بعداً در حریم مصلای تهران پیش بینی می‌شود با موافقت امام جمعه انجام گیرد.

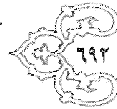
سیدعلی خامنه‌ای – اکبرهاشمی]

بسمه تعالی

با حفظ جهات شرعی در مورد زمین مذکور با پیشنهاد حجت الاسلام، آقایان: خامنه‌ای و هاشمی، موافقت می‌شود. ا ن شاءالله در کنار ساختن مصلای تهران، در ساختن بینش کفرستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلا باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام آمریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست اندرکاران برپاکننده مساجدالله را تأیید فرماید.

۶۷/۸/۲۳

روح الله الموسوی ا لخمینی



حکم
زمان: ۳ آذر ۱۳/۱۳۶۷ ربیع الثانی ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب سرپرست امور جانبازان و فرمان ایجاد تشکیلات مناسب در این بنیاد
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر محترم - ایّده الله تعالی
از آنجا که چندی قبل جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی طی نامه‌ای درخواست نمودند که برای رسیدگی هر چه بیشتر و بهتر به امور جانبازان و خانواده‌های شهدا اداره امور جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به نهاد یا تشکیلات دیگری سپرده شود، اینجانب ضمن تقدیر و تشکر از ایشان و از کلیه مسئولین و دست اندرکاران «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و مرکز پزشکی بنیاد، خصوصاً سرکار خانم کروبی[1] که در شرایط جنگ کمال ایثار و فداکاری را نسبت به این عزیزان نموده‌اند، جنابعالی را مسئول اداره کلیه امور جانبازان عزیز نمودم که با استفاده از همکاری و تجربیات «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و جانبازان و نیز اختصاص بهترین امکانات «بنیاد مستضعفان» به ایجاد تشکیلات جدیدی در این امر مقدس و بزرگ همت گمارید. و امید است با درایت و تقوا و تعهدی که در شما سراغ دارم به تمامی امور این حماسه سازان و شهیدان زنده انقلاب رسیدگی کامل گردد. و «بنیاد شهیدانقلاب اسلامی» نیز همچون گذشته با فراغت و امکانات بیشتر امور خانواده‌های معظم شهدا و مفقودین و اسرا را دنبال نماید.
از آنجا که ممکن است این روزها افرادی بخواهند نسبت به دولت خدمتگزار شبهات و القائاتی در اذهان عامه به وجود آورند و زحمات بی‌شائبه و طاقت‌فرسای شما را خصوصاً در مسئله جنگ خدشه‌دار نمایند، لازم است این نکته را تذکر دهم که من همچون گذشته شما را فردی لایق و دلسوز برای انقلاب اسلامی می‌دانم، و زحمات شما را در دوران جنگ و تجهیز سپاهیان اسلام فراموش نمی‌کنم، والآن نیز شما را تأیید و حمایت می‌کنم.

---

[1] - خانم فاطمه کروبی، سرپرست مرکز پزشکی بنیاد شهیدانقلاب اسلامی.

از آنجا که سران کشور و هیأت مشورتی بازسازی کشور در چند روز آینده اصول و سیاست بازسازی را به دولت ابلاغ می‌نمایند، جنابعالی و اعضای محترم هیأت دولت باید با قدرت و قاطعیت و با استقلال کامل به امر بازسازی کشور و ترمیم خرابی‌ها پرداخته و رسیدگی به محرومین را در صدر برنامه‌های خود قرار دهید. و مردم عزیز و شریف ایران نیز، که همه چیز خود را در طبق اخلاص و بندگی خدا نهاده‌اند، توجه دارند که تا رسیدن به استقلال واقعی راه طولانی پیش رو دارند؛ و همه می‌دانند که با توجه به حجم عظیم خرابی‌ها نباید انتظار اصلاح و بازسازی سریع امور را داشت. ما هنوز در آغاز راه هستیم، و سالها وقت لازم است که با همت و تلاش همه دست‌اندرکاران و مردم عزیز میهن اسلامی‌مان بازسازی شود و مشکلات برطرف گردد. چه بسا افراد مغرض و مخالف با انقلاب، که از هیچ راهی نتوانسته‌اند به اسلام و انقلاب لطمه‌ای وارد نمایند، امروز در قالب شعارها و بالابردن سطح توقعات در مردم بخواهند به هدفهای شوم خود نایل شوند، و با انگشت نهادن روی مشکلاتی که نتیجه تحمیل چندین ساله جنگ بوده است مردم را نسبت به مسئولین بدبین کنند و این طور تبلیغ نمایند که بعد از قبول قطعنامه و نبودن جنگ چرا مشکلات حل نمی‌شود؟ باید به این افراد گفت مگر این کار به سادگی امکان پذیر است؟ مگر کشور ما از محاصره‌ها بیرون آمده است؟ مگر همه مراکز آسیب دیده برق و سوخت و کارخانجات را یک روزه می‌توان راه اندازی نمود که ما بگوییم دیروز جنگ بود و عذرها موجّه، ولی امروز که جنگ نیست چرا کمبود است؟ البته این سخن‌ها از باب تذکر به مؤمنین است؛ والاّ مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی خیلی بیشتر از اینها آماده صبر و فداکاری هستند. و من مطمئنم که ملت ایران یک لحظه استقلال وعزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کند.

در خاتمه بار دیگر از زحمات دلسوزانه و مخلصانه دوست خوبم، جناب حجت‌الاسلام آقای کروبی تشکر می‌نمایم و امیدوارم تمامی افرادی که در خدمت معلولین جنگ تحمیلی بوده‌اند با صمیمیت با آقای نخست وزیر همکاری نمایند. خداوند بزرگ به همه مسئولین و دولت خدمتگزار و مردم شریف ایران توفیق صبر و ایثار در راه اسلام را عنایت فرماید. والسلام علیکم و رحمت‌الله.

به تاریخ ۶۷/۹/۳ — روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۷ آذر ۱۷/۱۳۶۷ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اختیارات شورای تشخیص مصلحت نظام

مخاطب: جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

[بسمه تعالی.

محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی — مدظله العالی

با تقدیم درود و سلام و آرزوی طول عمر و صحت و سلامت کامل برای رهبر بزرگوار، و پیروزی اسلام و مسلمین، و با اعتذار از تصدیع، مدتی است برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص کیفیت کار شورای محترم تشخیص مصلحت ابهاماتی وجود دارد که ضمن طرح آن خواستار رهنمود حضرت مستطاب عالی می‌باشیم.

درابتدای تشکیل هیأت مذکور، مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهارنظر منفی شورای نگهبان، برای اصلاح به مجلس برگردد، مجلس پس از نظر مجدد آن را به شورای نگهبان برگرداند. آنگاه، چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اصلاح نهایی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد. ولی هم اکنون بعضاً این شورا قانونگذاری نیز می‌نماید. و مهمتر اینکه تقدیم لوایح قانونی به این شورا خالی از جمیع مقدمات مقرراتی است که یک لایحه قانونی از طریق متعارف دارد: طرح لایحه درهیأت دولت؛ و تصویب آن توسط آنان؛ و امضای نخست وزیر و وزرای مربوطه؛ و تقدیم آن به مجلس؛ و بحث در کمیسیونها در جلسه علنی در دو شورا. طبیعی است که با این روند هرکس، حتی مقامات غیرمسئول، می‌تواند با تقدیم پیشنهادی به شورای تشخیص مصلحت برای کشور قانون جدیدی ایجاد کند؛ و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نماید. واین می‌تواندعلاوه بر بی‌خاصیت شدن مجلس، تناقض‌های فراوان در قوانین کشور نیز ایجاد نماید. و بالجمله، وجود مراکز متعدد و موازی قانونگذاری در کشور به نوبه خود مسئله‌ای مشکل‌آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی کشور می‌باشد. لذا بسیار باعث امتنان خواهد بود که نمایندگان

مجلس شورای اسلامی را، که به تبعیت از مقام معظم رهبری مفتخر و مباهی‌اند، ارشاد فرمایید.[۱]]

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام. مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. ان شاءالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه دراین سالها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ - اسامی امضاکنندگان نامه به این ترتیب است:

فخرالدین حجازی – صادق خلخالی – موسوی لاری- نجفقلی حبیبی – اصغرزاده – سید حسین موسوی تبریزی – اسدالله بیات – محمد علی صدوقی – هدایت الله آقایی – مجید انصاری – حسین هاشمیان – احمد عزیزی – صالح آبادی – نوربخش – صدقیانی – عباس دوزدوزانی – سلامتی- هادی خامنه‌ای – رسول منتجب نیا – اشرفی اصفهانی – مرتضی الویری- علی پناهنده- سید محمد حسینی – محمدرضا بهزادیان – سید محمد حائری – مؤذن زاده- تاجگردون – محمد حسین جهانگیری – سید محمد رضوی یزدی – ملک آسا – نورالله عابدی (بهبهان) – کبیری – احمد زمانیان – راه چمنی – یدالله اسلامی – عبدالمجید شرع پسند – سیدرضانوروززاده – سید حسین قاضی زاده – غلامرضا حیدری – عبدالحسین حائری زاده – محمدرضاواقفی – محمد باقرذاکری – محمدقمی – علی محمد غریبانی- مسعود هاشمی زهی – عبدالله نوروزی- سیدکاظم میرولد – محمد مجدآرا – حضرتی – نعمت الله اسدی – تسلیمی – مظفری نژاد- یغمورقلی زاده شفیعی – نوبخت – شهرزاد- سیداسماعیل داوودی – احمد رباطی – اصغر نوروی – اسدالله جامی – علی عبدالعلی زاده – مصطفی مرصلی – احمد همتی – علی کرم محمدیان- صدیقی – سیدمحمداصغری – سبحان اللهی – آقایی – علی محمدسوری – پرتویی – احمدنظری پور – خانم دستغیب – برزنجی – خانم رجایی – فخرالدین رضازهی – خداکرم جلالی – محمد حسین پودینه – فروتن – مجید دبستانی – خاک – محمدرضا بهمئی – احمد خارستانی – پرویز صیقلی – خدانظرقاسمی – نورمحمد محمودیان – قهرمان رحمانی – سیدفخرالدین هاشمی – حسین هراتی – محمد حقی – فاضل همدانی – صالح روحانی زاده – رحمت الله رحمتی – سیدعباس هدایتی – علی محقر- علی محمدباباخاص – سیدعبدالحسینی بندرلنگه – حسن مختاری.

حکم
زمان: ۱۱ دی ۲۲/۱۳۶۷ جمادی الاول ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت قضایی جهت رسیدگی به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و دورود
مخاطب: نیّری

[بسمه تعالی]

جناب حجت الاسلام آقای نیّری — دامت افاضاته

از آنجا که گزارشات متعددی در مورد ضعف دستگاه قضایی به اینجانب رسیده است، و مردم شریف و متعهد ایران انتظار برخورد جدی‌تری با مسائل مختلف را دارند، به جنابعالی و حجت‌الاسلام آقای رئیسی مأموریت قضایی داده می‌شود تا نسبت به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و دورود رسیدگی نموده، و فارغ از پیچ وخم‌های اداری با دقت و سرعت آنچه حکم خداست در موارد مذکور اجرا نمایید. باید سعی کنید خدای ناکرده حقی از کسی ضایع نگردد. والسلام.

به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷
روح الله الموسوی الخمینی

حکم
زمان: ۲۳ دی ۵/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: هشدار به مسئولین قضایی و مأموریت رسیدگی به مشکلات قضایی شهرستان سیرجان و دورود
مخاطب: نیّری — رئیسی

بسم الله الرحمن الرحیم

از آنجا که مقامات بالای قضایی کشور هیچ‌گونه حساسیتی در مورد مسائل تکان دهنده فوق ندارند به حجت الاسلام آقایان نیّری و رئیسی، مأموریت داده می‌شود که طبق آنچه تشخیص می‌دهند، در چهارچوب اسلام عزیز، در موارد مذکور اقدام نمایند. باعث تعجب است که در نظام اسلامی چنین حوادثی اتفاق می‌افتد؛ ولی با کمال خونسردی اجرای احکام خدا تعطیل، و کارهای دیگر بر کار قضایی رجحان پیدا می‌کند.

۶۷/۱۰/۲۳

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

مکان: تهران، جماران

موضوع: مغایرت طرح پیشنهادی شورای‌عالی قضایی با قانون اساسی و تأیید طرح پیشنهادی سران سه قوه

مخاطب: شورای‌عالی قضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای محترم عالی قضایی — ایدهم الله تعالی

با تشکر از زحمات جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای، طرح مورد اتفاق آقایان، خلاف قانون اساسی است. با طرحی که در جلسه سران سه قوه با اکثریت آرا به تصویب رسیده موافقت می‌شود.

امید است موافقت اعضای محترم شورا در تمامی دوره‌ها بتواند معضلات قضایی کشور را حل نماید. موفقیت آقایان را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۲۷ دی ۹/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تذکراتی به اعضای شورای‌عالی قضایی

مخاطب: شورای‌عالی قضایی

بسمه تعالی

شورای‌عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

مسائلی را گوشزد می‌کنم:

۱ – شما که مسئولیت قضایی دارید و بالاترین مرجع قضایی در کشورِ پنجاه میلیونی می‌باشید نباید به کار دیگری در وقت اداری اشتغال داشته باشید. آیا بهتر نیست که برای سروسامان دادن به امور قضایی، در غیر وقت اداری هم به کار قضایی بپردازید.

۲ – تقسیم کار قضایی موجب می‌شود تا بدانیم با چه کسی روبرو هستیم. و ظاهراً این امر ضروری است؛ و حفظ قانون هم در این صورت امکان دارد.

۳ – اینجانب تحمل تعطیل حکم خدا را ندارم. اگر کم کاری شود، خود همان گونه که در چند مورد اقدام کرده‌ام، مستقیماً اقدام می‌نمایم.

من به شما علاقه دارم، اما در مقابل تکلیف شرعی نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم. والسلام.

۶۷/۱۰/۲۷

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۱ بهمن ۱۳/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت رسیدگی به پرونده‌های راکد در شورای‌عالی قضایی

مخاطب: شورای‌عالی قضایی

بسمه تعالی

شورای‌عالی قضایی جمهوری اسلامی

کلیه پرونده‌هایی که تاکنون در آن شورا با کمال تعجب راکد مانده است، و اجرای حکم خدا تأخیر افتاده است در اختیار حجت الاسلام آقایان: نیّری و رئیسی قرار دهید، تا هر چه زودتر حکم خدا را اجرا نمایند، که درنگ جایز نیست. به آقایان نیّری و رئیسی هم سفارش اکید می‌نمایم که جهت شرعیه را کاملاً رعایت نمایند. والسلام.

۶۷/۱۱/۱

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۲ بهمن ۱۴/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

زمان: تهران، جماران

موضوع: اجرای «حدود» و «قصاص»

مخاطب: نیّری، حسینعلی – رئیسی، سیدابراهیم

[بسم الله الرحمن الرحیم.

محضر مبارک زعیم عالیقدر، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی – مدظله العالی

با سپاس بیکران از درگاه احدیت که اینجانبان را مشمول عنایت آن امام عزیز و بزرگوار قرار داده تا در اجرای احکام و حدود الهی گامی برداریم، مستدعی است نظر مبارک را امر به ابلاغ فرمایید که دستور مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱ آن حضرت اختصاص به اجرای حدود الهی دارد یا شامل احکام صادره در مورد قصاص نفس نیز می‌شود؟

۶۷/۱۱/۲ سید ابراهیم رئیسی – حسینعلی نیری]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقایان نیّری و رئیسی
آنچه را که به شما مأموریت دادم تا به پرونده‌هایی که در شورای‌عالی قضایی راکد مانده است پس از رسیدگی اجرا نمایید، در مورد حدود و قصاص است با حفظ جهات شرعیه آن.

۶۷/۱۱/۲

روح الله الموسوی الخمینی

حکم
زمان: ۳ بهمن ۱۵/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: حدود وظایف سپاه پاسداران در حفاظت از هواپیماها و لزوم برخورد شایسته با مردم از سوی مأمورین فرودگاه
مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات) — سعیدی کیا، محمد (وزیر راه و ترابری) — ایروانی، محمد جواد (وزیرامور اقتصادی و دارایی)

[بسمه تعالی.
رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی — مدظله العالی
با سلام و اهدای تحیات، پیرو صدور فرمان حضرتعالی مبنی بر مسئولیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قبال ربوده شدن هواپیماها، در اقدام جهت تهیه و تدوین آئین نامه اجرایی حفاظت از هواپیماها و نحوه اداره فرودگاه‌های کشور، این سئوال پیش آمده است که آیا منظور حضرتعالی از حفاظت هواپیماها مسئولیت سپاه پاسداران در کل امور فرودگاه، شامل حفاظت پارکینگ هواپیماها، باند پرواز، درب‌های ورودی و خروجی باند و سالن‌ها، همچنین مسئولیت نیروهای انتظامی شهربانی و گمرکات و اطلاعاتی (حراست مستقر در فرودگاه) بوده؟ یا مسئولیت سپاه صرفاً در قالب گارد پرواز به منظور مقابله با

ربودن هواپیما در هوا می‌باشد؟ خاطرنشان می‌سازد کنترل ترددها، امور مربوط به حراست‌ها، امور انتظامی، امور گمرکی و ... براساس قوانین و مقررات جاری هم اکنون توسط ارگان‌های مسئول در حال انجام است. خواهشمند است اینجانبان را راهنمایی و ارشاد فرمایید.

محمد سعیدی کیا، وزیر راه و ترابری – محمد محمدی ری شهری، وزیراطلاعات – محمد جواد ایروانی، وزیر امور اقتصادی و دارایی]

بسمه تعالی

بنا بر گزارشات واصله، وضع فرودگاه بسیار خراب است. گاهی برای یک قطعه کوچک طلا و چیزهایی از این قبیل که خارج نگردد مردم را اذیت می کنند. فرودگاه هر کشوری چهره ظاهری آن کشور در برابر بیگانگان است. قبلاً گفته‌ام حفاظت هواپیماها با سپاه است. مقدمات و مؤخرات آن هم با نخست وزیر است، که با مسئولین مربوطه جلسه بگذارد و مسئله را حل کند. اکنون نیز تأکید می کنم که آقای نخست وزیر در اسرع اوقات این مسئله را حل نماید، و گزارش آن را به اینجانب بدهد؛ و نگذارد مردم بیش از این در رنج باشند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۹ بهمن ۲۱/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

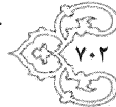
مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و دلجویی از رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای‌عالی قضایی

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوان‌عالی کشور)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ریاست قوه قضائیه دامت افاضاته



با سلام و دعا برای شما و تمامی دست اندرکاران قوه قضائیه و امید موفقیت برای همه، شنیده می‌شود که مسائل و نصایح پدرانه پدر پیرتان موجب رنجش بعضی از دست اندرکاران قضای کشور شده است؛ و آنان که با فرهنگ حوزه سروکار نداشته‌اند گمان برده‌اند تلخی و شیرینی اینگونه بحث‌ها و گوشزدها موجب شده است که علاقه من به شما و سایر عزیزان شورای‌عالی قضایی و دست اندرکاران دستگاه قضا کم شده است. اینگونه نیست. من شما را مردی صالح و متدین و از یاران خوب خود و انقلاب می‌دانم. و از شما و سایر اعضای شورای‌عالی قضایی، که مورد علاقه من هستید، می‌خواهم تا هر چه بیشتر و بهتر و دقیق‌تر به امور قضایی رسیدگی نمایید؛ و کمی‌ها و کجی‌ها را با جدیت برطرف نمایید. انقلاب اسلامی ما انقلاب خود شماهاست. من هم مانند شما در خدمت انقلاب هستم. در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادها و طرح اشکال‌ها راه را برای سعادت جامعه باز کنند.

خداوند به جنابعالی و حجج اسلام، آقایان دادستان کل کشور، موسوی خوئینی‌ها، اعضای شورای‌عالی قضایی، مقتدایی و بجنوردی، و همچنین آقای مرعشی، که با موافقت اینجانب در جای دیگری تصمیم دارند خدمت کنند، اجر و ثواب عنایت فرماید؛ و به همه نیرویی عطا فرماید که هر چه زودتر اشکالات بسیار قوه قضاییه را برطرف نمایند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.
روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۹ بهمن ۲۱/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اعتراض شدید به پخش برنامه توهین به مقدسات از رادیو

مخاطب: هاشمی، محمد (مدیرعامل صدا وسیما)

بسمه تعالی

آقای محمد هاشمی، مدیرعامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی
با کمال تأسف و تأثر روز گذشته از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می‌گردد، و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضائیه اقدام می‌نماید.[1]

۶۷/۱۱/۹
روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ - پس از ارسال نامه امام خمینی، تلفنگرامی از سوی آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (رئیس دیوان عالی کشور) به این شرح مخابره شد:

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی – مدظله العالی

درباره محکومیت مسئولین چهارگانه پخش الگوی زن، من با قاضی محکمه صحبت کردم جرم آنها تسامح و سهل انگاری در انجام وظیفه خطیری است که در عهده دارند و از نظر قضایی با توجه به حساسیت مسئولیت، مجازات نامتناسب نیست ولی گفته می‌شود این افراد خدمتگزاران خوبی هستند و قرینه‌ای بر سوءنیت موجود نیست و این ایام هم به وجود آنها نیاز است به نظر می‌رسد این برخورد موجب تنبیه آنان شود که دیگر این قبیل سهل انگاریها تکرار نشود. بنده درخواست عفو آنها را از همه مجازاتهای تعیین شده در حکم از حضورتان دارم. ۶۷/۱۱/۱۲- عبدالکریم موسوی]

[بسمه تعالی. خدمت حضرت امام متن قرائت شد، عفو نمودم. ۶۷/۱۱/۱۲ – انصاری]

پاسخ استفسار
زمان: ۱۸ بهمن ۳۰/۱۳۶۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: ارجاع امر تشخیص حکم به رئیس دیوان‌عالی کشور، در موردی که سئوال شده است.
مخاطب: خمینی، سید احمد خمینی

[۶۷/۱۱/۱۸ — به آقای موسوی اردبیلی گفتم: «در مورد فردی که محکوم به اعدام است، امام فرمودند: طبق شرع با آن عمل کنید». ایشان گفت: «طبق نظر [و تشخیص] خودم؟» گفتم: «آری». بعد شک کردم که شاید نباید به نظر خودش عمل کند. در ضمن شما بارها اجازه داده‌اید که ایشان طبق نظر خودش عمل کند. در ذیل این نامه بفرمایید که طبق نظر خودش عمل کند یا نظر شما؟]

بسمه تعالی

به نظر خودشان عمل کنند.

روح الله الموسوی الخمینی

حکم
زمان: ۱۹ بهمن ۱/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: عفو زندانیان وابسته به گروهک‌ها
مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
مخاطب: محمدی ری شهری، محمد

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام، آقای ری شهری، وزیر محترم اطلاعات — دامت افاضاته

با پیشنهاد شما مبنی بر عفو عمومی زندانیان گروهکی[1] موافقت می‌شود.[2] و امیدوارم خانواده‌های محترم زندانیان گروهکی فرزندان خود را نصیحت کنند تا دست به کارهایی نزنند که موجب ناراحتی مجدد خود و خانواده‌هایشان گردد. ان شاءالله مسئولین نظام اسلامی با مهربانی و برادری با آنها برخورد نموده، و با ایجاد تسهیلات شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. از خداوند متعال می‌خواهم راه هدایت و درستی را نصیب همه بفرماید.

والسلام علیکم.
۶۷/۱۱/۱۹
روح الله الموسوی الخمینی

حکم
زمان: ۲۳ بهمن ۵/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: تقسیم کار در قوه قضائیه
مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای — دامت افاضاته
با سلام، از آقایان شورای‌عالی قضایی دعوت نمایید تا در جلسه سران سه قوه شرکت نموده و طرح‌های خود را در زمینه تقسیم کار در هر چه بهتر اداره کردن قوه قضائیه مطرح نمایند. باید همه تلاش نماییم تا اجرای احکام الله تأخیر و یا تعطیل نگردد. گزارش کار را به اینجانب خواهید داد. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.
۶۷/۱۱/۲۳ - روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ - آقای محمدی ری شهری در نامه خویش خواستار عفو کلیه زندانیان وابسته به گروهکها — به استثنای نهصد نفر از مرتکبین جرایم جنایی — شده بود.

۲ - به استناد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

حکم

زمان: ۲۴ بهمن ۶/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم برخورد قاطع با اعمال خلاف عفت در تنکابن

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوان‌عالی کشور)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی – دامت افاضاته

بنابر گزارش اطلاعات، در تنکابن اعمال خلاف عفتی رخ داده است. از آنجا که شما گفتید این مسائل را ابتدائاً با شما در میان بگذارم، جنابعالی پس از تحقیق، یکی از افراد قاطع قوه قضاییه، چون آقای نیّری را به آن شهر فرستاده تا سریعاً حکم خدا را جاری نمایند.

امیدوارم دقت لازم را بنمایند تا به کسی ظلمی نگردد.

۶۷/۱۱/۲۴

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۲۶ بهمن ۸/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: وظایف شورای‌عالی قضایی

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور)

[بسم الله الرحمن الرحیم.

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب – مدظله العالی

با سلام و تحیت، پیرو دستور مورخ ۶۷/۱۱/۲۳ حضرتعالی جلسه فوق‌العاده رؤسای سه قوه با حضور اعضای شورای‌عالی قضایی در ۶۷/۱۱/۲۴ تشکیل، و طی سه ساعت بحث و تبادل نظر، تقسیم وظایف قضایی میان اعضای چهارگانه فعلی شورا به ترتیب زیر مورد توافق اکثریت (پنج نفر از هفت نفر) قرار گرفت:

۱ – حوزه مسئولیت رئیس دیوان‌عالی کشور[1] عبارت است از: کلیه امور مربوط به شعب دیوان‌عالی کشور، دادگاه عالی قم، دادسراها و دادگاه‌های انقلاب، دادگاه انتظامی قضات (بخش مربوط به محاکم انقلاب)، بازرسی کل کشور، پلیس قضایی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و رفع مشکلات قضایی و اداری آنها.

۲ – حوزه مسئولیت دادستان کل کشور[2] عبارت است از: کلیه امور مربوط به دادسرای دیوان‌عالی کشور، دادسراها و دادگاه‌های عمومی (کیفری و حقوقی یک و دو)، دادسرا و دادگاه انتظامی قضات (به جزبخش مربوط به دادگاه انقلاب)، و رفع مشکلات قضایی و اداری آنها.

۳ – حوزه مسئولیت جناب آقای [مرتضی] مقتدایی عبارت است از: دادسراها و دادگاه‌های نظامی، سازمان ثبت [اسناد]، روزنامه رسمی.

۴ – حوزه مسئولیت جناب آقای بجنوردی عبارت است از: دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی خاص، دانشکده علوم قضایی.

۵ – حوزه مسئولیت وزیر دادگستری عبارت است از: کلیه امور اجرایی دادگستری، پزشکی قانونی.

۶ – حوزه مسئولیت شورا عبارت است از: تنظیم و تقسیم بودجه، تلاش برای رفع کمبودهای مسکن قضات و کارمندان، انجام فعالیت‌های عمومی مانند تشکیل سمینارها و ارتباط با مجلس و دولت و ...، تعیین حقوقدانان شورای نگهبان، تعیین نماینده قوه قضائیه در شورای سرپرستی صدا و سیما به پیشنهاد وزیر دادگستری.

رئیس دیوان‌عالی کشور رئیس شوراست؛ و تعیین اوقات جلسات و تعداد جلسات در هفته و نظارت بر امور شورا و اعضای آن را به عهده دارد.

---

۱ – آقای سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی.

۲ – آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها.

شایان ذکر است جلسه به اتفاق آرا ابراز عقیده کرد که طرح تمرکز وظایف، بدین معنی که یکی از افراد شورای‌عالی قضایی مسئولیت کلیه فعالیت‌های قضایی را برعهده گیرد و دیگر اعضا نقش مشاور داشته باشند، از طرح تقسیم وظایف میان اعضا بهتر و مفیدتر است.
والسلام علیکم و رحمت‌الله وبرکاته.

ارادتمند: سیدعلی خامنه‌ای – ۶۷/۱۱/۲۶]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای – دامت افاضاته

از زحمات جنابعالی تشکر می‌نمایم. طرح مورد اتفاق آقایان خلاف قانون اساسی است. با طرح تصویب شده در آن جمع توسط شورای محترم عالی قضایی موافقت می‌شود. روشن است که تقسیم کار تنها مربوط به این دوره است. در دوره‌های بعد باید اعضای شورای‌عالی قضایی آن دوره تصمیم بگیرند. موفقیت آقایان را در اجرای حکم خدا آرزومند است.

والسلام علیکم و رحمت‌الله

نامه

زمان: ۳۰ بهمن ۱۲/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مشکلات و آینده سازمان تبلیغات اسلامی

مخاطب: مهدوی کنی، محمدرضا

[در پاسخ به گزارش تفصیلی آقای مهدوی کنی به تاریخ ۶۷/۱۱/۳۰ که طی آن به تاریخچه سازمان تبلیغات اسلامی، تشکیلات و تعداد پرسنل و مسائل و مشکلات مربوط به آن پرداخته شده است و از اینکه در دو — سه سال اخیر، حمایت مورد نیاز به عمل نیامده، گلایه شده است و به پیوست نامه مذکور، پیشنهادهایی در ارتباط با سرپرستی سازمان و کمک به رفع نیازهای مالی آن شده است. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرموده‌اند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدوی کنی — دامت افاضاته
با سلام و دعا برای وجود جنابعالی. آنچه مرقوم داشته‌اید:
۱ — از طرف اینجانب مانعی نیست که طی حکمی جناب آقای حجت الاسلام آقای جنتی را مسئول سازمان تبلیغات اسلامی بنمایم، مشروط بر اینکه مسئله را پیش آقایان اعضای محترم سازمان تبلیغات طرح کنید که خدای ناکرده آقایان نگران نشوند.
۲ — در مورد صرف سهم مبارک امام — علیه السلام — آنچه نزد خود شما می‌آید، جنابعالی مختارید هرگونه صلاح می‌دانید عمل کنید. و نیز اجازه می‌دهم تا آن کسانی که از من در سهم اجازه دارند به همان میزان اجازه‌شان در صورت تمایل از طریق جنابعالی صرف در تبلیغات اسلامی نمایند.
۳ — در مورد اوقاف قابل صرف در تبلیغات اسلامی به جناب حجت الاسلام آقای امام جمارانی سفارش می‌نمایم تا در زمینه فوق کمک لازم را بنمایند. خیلی التماس دعا دارم. امیدوارم همیشه چون گذشته موفق و مؤید به نشر و تبلیغ اسلام گردید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۲ اسفند ۱۳۶۷/۱۴ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از خدمات آقای صانعی در طول دوران نهضت و تأیید ایشان

مخاطب: صانعی، حسن (نماینده امام خمینی و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی – دامت برکاته

نمی‌دانم از کجای آشنایی‌ام با تو بنویسم. تو یکی از قدیمی‌ترین افرادی هستی که در کنار من بوده‌ای. هنوز سبزه‌ای بر رخسار نداشتی که صمیمی‌ات یافتم. سالها قبل از شروع مبارزات پانزدهم خرداد. تو سرباز گمنام این انقلابی، و خودت می‌دانی که هیچ چیز بهتر از گمنامی نیست. تو فردی هستی که از گذشته‌های دور خاطرات تلخ و شیرین مبارزات را با خود دارد. زیرکی و کم‌حرف، دانایی و محتاط.

در گرداب مبارزات همیشه دلسوخته بوده‌ای. کینه‌ات را نسبت به شاه در کمتر کسی دیده بودم. در بحران‌ها و فشارها هیچگاه نسبت به من تردید نداشتی، گرچه گاهی خسته می‌شدی و افسرده.

در کوران فشار دستگاه شاه، تو که مسئول اداره شهریه طلاب بودی، وقتی در محاصره دشمن قرار می‌گرفتی برای اینکه هیچ‌گونه اطلاعی به دشمن ندهی، کم نبود مواقعی که قبوض رسید پول‌های اخیار را – در پانزده سال مبارزه – چون غذایی گوارا می‌خوردی. پاداشت عندالله نیز گوارایت باد.

استعدادت، لطافت روحت، صداقتت چیزی نیست که فراموشم شود. تندخویی و عاقل. از خدا می‌خواهم عقلت را به تندخویی‌ات پیروز کند.

من کاملاً به تو اطمینان دارم. لذا وکیل من می‌باشی در تمامی زمینه‌های شرعی. این چند سطر را نوشتم تا کمی از بسیار حقی که به گردن من و انقلاب داری را ادا کرده باشم. خداوند یار و نگهدارت باد.

مرا از دعای خیر فراموش مکن. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

۶۷/۱۲/۲ – روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۷ اسفند ۱۹/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین زمین برای مسکن پرسنل صنایع خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر (رئیس مجلس) – موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[طی نامه شماره ۳۰۲۸-۱۰/۷۰ – مورخ ۶۷/۱۱/۲۰، آقای سید محمد علیزاده، معاون صنایع خودکفایی وزارت سپاه، ضمن تشریح اقدامات صنایع خودکفایی وزارت سپاه در زمینه تجهیز و پشتیبانی و مهماتی جبهه‌های جنگ، از امام خمینی به عنوان فرمانده کل قوا درخواست صدور اجازه واگذاری چهار قطعه زمین درتهران به منظور احداث واحدهای مسکونی برای پرسنل صنایع سپاه پاسداران در مقابل اخذ وجه موافقت فرمایند. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای هاشمی، رئیس محترم مجلس

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم

در این زمینه اگر بشود کمکی به سپاه کرد بجاست، ان شاءالله. البته با مراعات جهات شرعیه.

روح الله الموسوی الخمینی

حکم

زمان: ۱۸ اسفند ۱/۱۳۶۷ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نماینده در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مخاطب: نوری، عبدالله

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله نوری – دامت افاضاته
با یاد و گرامیداشت خاطره فداکاری‌های یکی از سرداران بزرگ نهضت اسلامی ایران، مرحوم شهید حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی، که از یاران باوفای اینجانب و از سختی کشیدگان دوران مبارزات خونبار انقلاب اسلامی ایران و همچنین مردی صالح و فداکار و برادری دلسوز برای پاسداران عزیز انقلاب اسلامی بود، که خدایش او را رحمت کند و در جوار خود پذیرایش گردد، و با تشکر از زحمات قائم مقام ایشان، جناب حجت الاسلام آقای [محمود محمدی] عراقی که فردی متدین و صالح که در کوران جنگ و جهاد خدمات قابل تحسینی انجام داده است و ان شاءالله از این پس چون گذشته در خدمت اسلام و ایران و انقلاب اسلامی خواهند بود، اینجانب جنابعالی را، که فردی هستید فاضل، متدین، مبارز، متقی و با فهم سیاسی بسیار خوب و علاوه بر آن از خانواده محترم شهدا که خود افتخاری است بزرگ، می‌باشید، به نمایندگی از جانب خود در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌نمایم. لازم است مسائلی را به شما و فرزندان عزیزم در سپاه گوشزد نمایم:
۱ – وظایفی که در قانون به عهده شما گذاشته شده است باید دقیقاً مراعات گردد و شما به هیچ وجه نباید از آن چشم‌پوشی کنید. فرزندان سپاهی‌ام نیز نباید از قانون کوچکترین تخطی بنمایند.
۲ – نمایندگی شما در سپاه پاسداران اعم از لشکری و کشوری و وزارت سپاه می‌باشد. لذا کلیه مسائل فرهنگی، عقیدتی – سیاسی و فکری و فعالیت‌های تبلیغاتی و انتشاراتی و حفاظت اطلاعات و مسائل قانونی دیگر زیر نظر شماست، و شما باید هدایت تمامی موارد مذکور را به عهده بگیرید.
۳ – تمامی فرزندان عزیزم در سپاه، اعم از فرماندهان و سایرین، هماهنگی‌های لازم را با نماینده محترم اینجانب داشته و دارند، و تخطی از آن با عکس‌العمل روبرو خواهد شد.
۴ – از این پس تأیید عزل و نصب فرماندهان سپاه پاسداران با شماست.

۵ – از آنجا که شما نماینده اینجانب در جهاد سازندگی هم می‌باشید، از خداوند متعال می‌خواهم تا با هماهنگی سپاه و جهاد بتوانید این دو نهاد مقدس انقلاب را یار و همکار یکدیگر نمایید تا بهتر بتوانند به اسلام و انقلاب و ایران خدمت کنند.
توفیق و تأیید شما را از خداوند تعالی آرزومندم. والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

۶۷/۱۲/۱۸

روح الله الموسوی الخمینی

نامه

زمان: ۱۹ اسفند ۲/۱۳۶۷ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به مشکلات عراقی‌های مقیم ایران

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس شورای‌عالی دفاع)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای – دامت افاضاته
با سلام، جناب حجت الاسلام آقای محمد باقر حکیم از میهمانان عزیز اینجانب و جمهوری اسلامی ایران است.[۱] از قرار مسموع کار برادران عراقی در ایران با مشکلاتی روبه روست که بارها اقدام شده است، ولی به نتیجه نرسیده است. از شما صمیمانه می‌خواهم آقای حکیم و آقای صدر و آقای سالک را بخواهید و زمان بگذارید تا کار تمام شود. ان شاءالله موفق باشید. گزارش کار را به اینجانب بدهید.

۶۷/۱۲/۱۹ – روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ – آقای سید محمد باقرحکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در نامه مورخ ۲۸ رجب ۱۴۰۹ (۱۶ اسفند ۱۳۶۷) خود به محضر امام خمینی ضمن تشریح وضع نابسامان عراقی‌های مقیم ایران از لحاظ مشخص نبودن هویت و جایگاه قانونی آنان، مشکلات رفت وآمد درداخل کشور و سفر به خارج، نداشتن مسکن ومأوا، وجود مقررات دست وپاگیر برای آنها و ترس از بازگشت به عراق و ... از رهبر کبیر انقلاب، استدعا کرده است نسبت به حل مشکلات این گروه، دستور لازم صادر فرمایند. آقای حکیم در نامه خود، یادآور شد که در این زمینه‌ها پیشنهادهایی تسلیم مسئولان کرده است.

حکم

زمان: ۲۷ اسفند ۱۳۶۷/۱۰ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت رسیدگی سریع به وضعیت زندانیان بلاتکلیف

مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی خوئینی – دامت افاضاته

با سلام، گزارش شما از وضع افراد بلاتکلیف در زندانها تلخ و تکان دهنده است. جنابعالی و آقایان حجت الاسلام موسوی اردبیلی[1] و مقتدایی[2] هر یک در حوزه مسئولیت خویش افرادی را برای خاتمه دادن بدین وضع ناهنجار انتخاب نموده و هرچه زودتر این مشکل را حل نمایید.

از قول من به تمامی دست اندرکاران امور قضایی تهران و شهرستان‌ها بگویید خدا را خوش نمی‌آید افرادی بلاتکلیف در زندانها باشند و آقایان هیچ‌گونه حساسیتی در این زمینه نداشته باشند. توفیق شما و همه افرادی که در دستگاه قضایی زحمت می‌کشند را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمت‌الله.

۶۷/۱۲/۲۷ – روح الله الموسوی الخمینی

---

۱ – آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوان‌عالی کشور.

۲ – آقای مرتضی مقتدایی، عضو شورای‌عالی قضایی.

روایت آیت‌الله جوادی آملی از نامه امام به گورباچف

قبل از ملاقات رسمی هیأت اعزامی با رهبر شوروی و بعد از آن ، هیچ گونه تماس سیاسی با فرد یا گروهی از طرف سرپرست هیأت حاصل نشد، زیرا این سفر فقط برای ابلاغ پیام و تبیین محتوای عمیق آن بود، لیکن سخنان مبسوطی پیرامون توحید و نفی الحاد، گاهی به زبان برهان و زمانی با لسان فطرت، با استقبال و بدرقه کننده در ذهاب و ایاب ارائه شد و فاصله چهل کیلومتری فرودگاه تا شهر مسکو، هم در رفتن و هم در برگشتن، جز به یاد حق و نشر آثار آن و دعوت به خدا و احیای فطرت ملحدان مارکسیست سپری نشد. وقت ملاقات با رهبر شوروی ساعت یازده، روز چهاردهم دی ماه بود و مدت آن دو ساعت و پنج دقیقه به طول انجامید. هنگام ورودمان به کاخ کرملین، صدر هیأت رئیسه و دو نفر از مسؤولان بلند پایه سیاسی، که قبلاً حضور یافته بودند، تا چند قدم در همان اتاق به استقبال آمدند و با گرمی آماده شنیدن پیام امام خمینی(ره) شدند.

هیأت اعزامی مصمم بود، ضمن حفظ احترام متقابل و رعایت کمال ادب، که از وظایف بین المللی اسلام به شمار می آید و اختصاصی به گروه خاص ندارد، لسان پیام امام (قدس سره) را با زبان تعلیم و ارشاد ادا کند، نه با لسان دیپلماسی و هرگز قول فضل الهی را با هزل مجاز درعرف دیپلمات نیالاید و صلابت دعوت به توحید را در پای تعارف رایج سیاست بازان، به دُهن و وَهن ذبح نکند، بلکه به عنوان رسول امین، مضمون پیام والا را با آهنگ تدریس القا نماید، نه به صورت قرائت الفاظ و گزارش صورت و بدین منظور قبل

از خروج از اقامتگاه، نمازی خوانده شد و از ذات اقدس خداوند با نیاز تقاضا شد: «رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری وَ یسِّرلی اَمْری وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانی یفْقَهُوا قَوْلی».

با احساس آرامش روح و عدم اعتنا به کاخ کرملین و با ابلاغ پیام در چهره تعلیم و تبیین مضامین بلند آن در کسوت تدریس، سروش هاتف غیبی این چنین شنیده شد: « قالَ قَدْ اُوتیتَ سُؤلَکَ یا مُوسی». و هم اکنون با سقوط قدرت های سیاسی احزاب کمونیستی در مدت کوتاه و انحلال بسیار از مراکز اقتدار آن صلای سفیران الهی به گوش همگان می‌رسد :فَاَخَذْناهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْناهُمْ فِی الْیمِّ وَ هُوَ مُلیم». کیفیت ابلاغ پیام به این سبک بود که تمام کلمات آن همراه با توضیح ضروری برخی از موارد، به خوبی قرائت می شد، سپس مترجمان ویژه کرملین آن را برای جناب گورباچف و دو نفر دیگر که حضور داشتند، ترجمه می کرد و اگر مطلبی برای خود ترجمه کننده قابل درک نبود، سئوال می‌کرد و با تبیین و تفسیر لازم بعد از درک کامل، آن را با ترجمه روسی به رهبر شوروی منتقل می‌کرد، در خلال قرائت پیام و ترجمه آن، که شصت و پنج دقیقه طول کشید، نکات مهم پیام را شخص گورباچف یادداشت می کرد، چه اینکه آن دو نفر دیگر نیز یادداشت می نمودند.

نحوه استماع رهبر شوروی در تمام مدت قرائت پیام در کمال ادب دیپلماسی بود، لیکن اصل متن و انشای آن در اوج هدایت به توحید بود، نه در حضیض دیپلمات و سبک ابلاغ آن نیز در حد تدریس بود، نه گزارش صرف. لذا گاهی نشانه « فَبُهِتَ الَّذی کَفَر» همراه با انفعال در رخسارش مشهود بود که می رفت فطرت «مرتکز» را زنده نماید.

چون صدور این نامه تاریخ ساز بعد از پذیرش قطعنامه ی۵۹۸ بود و کشور اسلامی ایران وارد مرحله بازسازی و ترمیم خرابی های جنگ تحمیلی هشت ساله شد و از طرف دیگر مضمون نامه کاملاً سری بود و جز او (امام خمینی) احدی از مسؤولان گرانقدر جمهوری اسلامی ایران، کسی به آن آگاه نبود، لذا رهبران روسیه عموماً و صدر هیأت رییسه آن خصوصاً، هر گونه احتمالی را پیرامون مفاد پیام می دادند، مگر احتمال دعوت به توحید و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را. از این جهت، بعد از استماع خطوط اصلی پیام، تمام پیش داوری ها و پیش فرض‌های رهبران کرملین سراب گونه سر از آب و

خواب بر آورد و جواب مناسب با اندام موزون این پیام آسمانی عاجلاً ندادند، بلکه آجلاً هم راجل ماندند. چنان که حضرت امام (قدس سره) به فرستاده مخصوص میخائیل گورباچف فرمود: «من می خواستم دری از جهان غیب به چهره او باز کنم؛ نه آنکه درباره مسایل جهان ماده با او سخن گفته باشم.»

رهبر شوروی بعد از استماع دقیق و درک منظور امام (قدس سره) با تأنی کامل، که کشف از تدبر در پاسخگویی می کرد، شروع به جواب کرد و مدتی که برای سخنان جناب گورباچف و دریافت پاسخ نهایی از طرف هیأت اعزامی صرف شد، جمعاً در حدود یک ساعت بود.

عصاره مطالبی که ایشان گفتند و مترجم صحنه ملاقات آن را به فارسی برگرداند، عبارت از این بود: از فرستادن نامه امام خمینی تشکر می کنم.در فرصت مناسب جواب آن را خواهم داد. مضمون آن را به علمای شوروی اعلام می داریم. ما قانون آزادی ایمان را در دست تصویب داریم. من قبلاً گفتم با داشتن ایدئولوژی های مختلف می توان با حسن همجواری در کنار هم زندگی کرد.

امام خمینی ما را به دین اسلام دعوت نموده است. آیا ما هم ایشان را به مکتب خودمان دعوت کنیم؟ (در اینجا لبخند زد و دوباره گفت: این یک شوخی است.) این دعوت یک نحوه دخالت در شؤون کشور دیگر محسوب می شود، زیرا هر کشوری در انتخاب مکتب آزاد و مستقل می باشد .هیأت اعزامی از ایران با دریافت این مطالب، بررسی کرد که مهمترین بند جواب همان بند اخیر آن است که نشانه برخورد سیاسی با نامه امام قدس سره در آن به چشم می خورد، نه برخورد فرهنگی و تعلیمی محض و با پندار سیاسی بودن، داخل در دخالت در کشور اجنبی خواهد بود، که با این ترتیب اصل نامه و فرستادن پیام زیر سئوال می رفت. دیگر نوبت به مضمون آن نمی رسید، لذا مسؤول هیأت اعزامی در پاسخ نهایی چنین گفت: از اینکه در کمال حوصله قرائت نامه را استماع کردید، تشکر می کنیم و اینکه آمادگی خود را جهت فرستادن جواب اعلام داشتید، تقدیر می شود و از این که مضمون پیام را به اطلاع علمای کشورتان می رسانید، شایان تشکر است. و از اینکه قانون آزادی دین را در دست تصویب دارید، به امید تسریع آن، تقدیر می شود، چنان که

زندگی مسالمت آمیز با داشتن مکتب های گوناگون در صورت رعایت اصول انسانی، میسور می‌باشد، اما «دخالت در شئون داخلی کشور دیگر» را باید توضیح داد. شما از عمق خاک وسیع روسیه تا اوج فضای آسمان آن آزادنه فعالیت دارید و هیچ کس حق دخالت در امور داخلی کشور اجنبی را ندارد. لیکن محتوای این پیام، همانند پیام‌های رهبران الهی دیگر، نه کاری به زیر زمین و نه برخوردی با روی زمین و نه ارتباطی با آسمان روسیه دارد، بلکه فقط با جان شما مرتبط می‌باشد.



ملاقات آیت الله جوادی آملی با میخائیل گورباچف صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی

جناب آقای گورباچف، آیا شما همانند درخت هستید که مرگ شما عبارت از پژمرده شدن و فرسوده گشتن تن باشد و بعد از مرگ هیچ خبری از زندگی و آثار نخواهد بود، یا جان شما همانند مرغی است که در قفس طبیعت تن محبوس است و مرگ شما به منزله گشوده شدن در این قفس و پرواز طائر روح به جهان جاوید می باشد؟ البته دومی است، نه اولی و مضمون نامه امام دعوت به توحید و پرهیز از الحاد است که راجع به جان شماست، نه درباره کشور شما. البته وقتی روح آدمی موحد شد، راه صحیح کشور داری را می‌شناسد و آن را به خوبی اداره می نماید.

یک ماه جنگ،
برای یک عمر صلح

□ حسین علائی
فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه

در تاریخ ایران و جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷، روز مهمی است. در این روز، امام خمینی (ره) که بزرگ‌ترین مقاومت تاریخی مردم ایران در برابر دشمن را شکل داده بودند و بزرگ‌ترین تهاجم نظامی به‌ایران را با حماسه‌آفرینی‌های بی‌شمار رزمندگان اسلام دفع کرده، دشمن را از خاک عزیز ایران بیرون رانده و لبه تیز جنگ را به‌خاک دشمن کشانده بودند، تصمیم گرفتند با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، به ادامه جنگ پایان دهند زیرا احساس می‌کردند که ادامه جنگ از این به بعد به‌سود دشمن تمام خواهد شد.

قطعنامه ۵۹۸ در حدود یک سال پیش از آن و در حالی تصویب شد که شهر فاو عراق در تصرف رزمندگان اسلام بود و با انجام عملیات کربلای ۵، رزمندگان اسلام به‌سوی دروازه‌های مهم‌ترین شهر جنوب عراق؛ یعنی «بصره» پیشروی می‌کردند. در آن زمان،

ایران در اوج قدرت عملیاتی خود بود و ماشین جنگی صدام نیز زیر ضربات عملیات تهاجمی سپاه اسلام قرار داشت.

رژیم بعثی عراق که گمان می‌کرد جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه ۵۹۸ را به‌عنوان «مبنایی برای پایان دادن به جنگ تحمیلی» نخواهد پذیرفت، آن را مدتی پس از تصویب پذیرفت، ولی ایران در آن هنگام، براین باور بود که برای رسیدن به‌یک صلح عادلانه باید برخی از بندهای این قطعنامه جابجا و ترتیب بندهای آن عوض شود؛ بنابراین، قطعنامه را نه رد کرد و نه آن را مورد پذیرش فوری قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران بر این باور بود که پس از بند مربوط به آتش‌بس، باید بند مربوط به تعیین متجاوز درج شود تا رژیم بعثی صدام، دیگر هوس تجاوز و حمله به‌هیچ کشوری را در سر نپروراند. به‌هرحال، در روز ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷ هجری شمسی، امام خمینی (ره) با پذیرش «قطعنامه و آتش‌بس» موافقت کرده و در آن مقطع، آن را به مصلحت انقلاب و نظام دانستند و فرمودند: ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به‌هیچ‌وجه تاکتیک نیست.

تصور همگان برآن بود که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، حکومت صدام که پس از ناکامی‌های بی‌شمار، سال‌ها حرف از آتش‌بس می‌زده است، از این کار ایران استقبال خواهد کرد و تبادل آتش در جبهه‌های جنگ پایان خواهد یافت و فوراً آتش‌بس برقرار خواهد شد، ولی این‌گونه نشد و ارتش بعثی عراق، درست سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، تهاجم دوباره و گسترده خود را در روز ۶۷/۴/۳۱ به‌استان خوزستان آغاز کرد.

در این اوضاع، رژیم صدام با استفاده از شش لشکر مانوری ارتش بعثی و با سرعت تمام، یک بار دیگر از مرزهای بین‌المللی گذشت و همچون روزهای آغازین جنگ تحمیلی، تهاجم گسترده خود را آغاز کرد و در استان خوزستان تا نزدیکی‌های شهر اهواز به پیشروی خود ادامه داد و موفق شد با لشکرهای ۴ و ۵ زرهی مکانیزه جاده اهواز – خرمشهر را برای بار دوم به اشغال خود درآورد و خرمشهر را نیز در محاصره قرار دهد.

این اقدام ارتش بعثی عراق مشخص کرد که «تصور دشمن از ضعف کشور و نیروهای خودی» ، موجب بروز جنگ و هوس‌های جاه‌طلبانه می‌شود. همان‌گونه که در آغاز تهاجم گسترده ارتش عراق به ایران در آخرین روز شهریور ماه سال ۱۳۵۹ نیز همین تصور، موجب آغاز یک جنگ بزرگ از سوی رژیم بعثی صدام شد، ولی این برداشت و تصور رژیم صدام خیلی زود نقش برآب شد و رزمندگان اسلام یک بار دیگر، دفاع در برابر ارتش دشمن را برای آزادسازی خاک میهن عزیز و پشیمان کردن دشمن آغاز کردند و مردم هم دریافتند که تنها «خواست آنان برای صلح» و «نجنگیدن با دشمن»، موجب پایان جنگ و درگیری‌ها نمی‌شود، بلکه در شرایط تجاوز همه جانبه دشمن با «حماسه‌آفرینی و ایستادن درمقابل اراده خصم»، صلح و آرامش به‌ارمغان می‌آید و باید قوی بود تا دشمن طمع تجاوز را از سر خود به در کند.

دشمن در جنگ جدید خود، می‌خواست دوباره خرمشهر را به اشغال ارتش بعثی درآورد و سرزمین‌های بیشتری از جنوب ایران را تصرف و ضربات سنگین نظامی به‌رزمندگان اسلام وارد کند، ولی پیروان امام خمینی (ره) یک بار دیگر «قدرت خلق حماسه» خود را به‌دشمن نشان دادند و همه توان خویش را برای دفع تجاوز جدید ارتش بعثی به‌کار گرفتند و توانستند سه شبانه روز با نبرد مداوم و سخت، ارتش صدام را از ادامه حملات در خاک ایران باز دارند و به‌عقب برانند.

امام خمینی (ره) در حالی که خرمشهر در معرض سقوط احتمالی دوباره قرار گرفته بود، به‌وسیله فرزندشان، مرحوم حاج احمد آقا (ره) به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیام دادند: « باید متر به متر بجنگید. اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است؛ یعنی نقطه شکست و پیروزی، یا اسلام (است) و یا کفر».

این پیام، روح حماسی در بین رزمندگان اسلام را به‌اوج خود رسانید و مردم ایران را در برابر خوی جنگ‌طلبانه دشمن برای یک بار دیگر بسیج کرد. همه علاقمندان به‌امام به‌جبهه‌ها، هجوم بردند، آیت‌الله خامنه‌ای، امام جمعه تهران که رئیس جمهور وقت هم بودند، در پیامی به‌ملت ایران اعلام کردند: «من به جبهه رفتم، شما هم بیایید».

مردم نیز یک بار دیگر احساس کردند دشمن به‌هیچ چیز، پایبند نیست و می‌خواهد دوباره سرزمین‌های ایران عزیز را به‌اشغال خود درآورد. آنان تحت تأثیر شدید مظلومیت خمینی کبیر در دنیای نامردی‌ها و ظلم و جور به‌یاری او شتافتند و راهی جبهه‌های نبرد شدند تا با همه توان خود در برابر دشمن بایستند و به‌دشمنی که قدرت او حالا چند برابر توان روزهای آغازین جنگ تحمیلی شده بود، نشان دهند که باز هم « سلاح شهادت است که پیروزی خون بر شمشیر را به‌ارمغان می‌آورد.»

بسیجیان داوطلب قهرمان با توکل برخداوند بزرگ، تحت هدایت فرماندهان یگان‌های رزمی سپاه که خود پیشاپیش رزمندگان لشکرها و تیپ‌ها می‌جنگیدند، موفق شدند هیجده تیپ زرهی و مکانیزه ارتش بعثی عراق در تهاجم به خوزستان را برای یک بار دیگر مورد حمله قرار دهند و آنها را وادار به عقب‌نشینی کنند.

رژیم بعثی صدام، پس از ناکامی در «اشغال دوباره خرمشهر و سرزمین‌های جنوب اهواز» در تاریخ ۶۷/۵/۳ حملات جدیدی را از غرب کشور و با کمک سازمان منافقین، که آنان را از سال‌ها قبل تجهیز کرده و آموزش داده بود، آغاز کرد. نیروهای جنگی منافقین پس ازتصرف شهر « سرپل ذهاب و شهر کرند» غرب با کمک ارتش بعثی صدام، خود را به اسلام آباد رساندند و از آنجا با نفربرهای دارای چرخ لاستیکی که از پیش برای آنها تهیه شده بود، روانه تصرف تهران شدند تا بتوانند با اشغال تهران، حکومتی طرفدار رژیم صدام و آمریکا در ایران تشکیل دهند.

در واقع، صدام با کمک سازمان منافقین، می‌خواست در آن اوضاع، همه سرزمین ایران را به اشغال خود درآورد. پندار صدام بر این بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸، علامت جدی بر ناتوان شدن ایران است و این فرصت طلایی برای جبران شکست‌ها و ذلّت‌های گذشته در برابر قوای سلحشور ایران است، برای همین، اعضای سازمان منافقین را این‌گونه توجیه کرده بودند که درتهاجم به‌سرزمین ایران، با هیچ مقاومت مهمی روبه‌رو نخواهند شد و سر کرده منافقین هم به نیروهای عازم تهران خود، گفته بود که «جمع‌بندی نهایی، در میدان آزادی تهران».

سران منافقین مطمئن شده بودند به آرزوی خود برای به‌دست آوردن قدرت و تحمیل خویش برملت ایران، تنها از راه گذر از مرز عراق و حمله به مردم ایران و با کمک‌های بی‌دریغ صدام به‌آنان، خواهند رسید. آنان گمان می کردند با حرکت به‌سمت تهران، فرش قرمز برای اشغالگران و همدستان صدام و هم‌پیمانان آمریکا، پهن خواهد شد. ساعت‌های اولیه تهاجم هم برخوش خیالی آنها افزود، به‌گونه‌ای که توانستند حرکت خود را تا تنگه چهار زبر در چهل کیلومتری غرب کرمانشاه بدون روبه‌رو شدن با مقاومت جدی، ادامه دهند ولی رزمندگان و مردمی که هنوز در حال سرکوب و بیرون راندن دشمن بعثی از جنوب کشور بودند، پس از آگاهی از هجوم ارتش صدام و سازمان منافقین در غرب کشور، همچون صاعقه بر سر آنها فرود آمدند و نبرد «فروغ جاویدان» را به عملیات «مرصاد» برای منافقین بی‌تدبیر، تبدیل کردند و آنان را به دام انداختند و از هوا، رو به رو و پهلو، مورد حملات گسترده خود قرار دادند و بیشترین تلفات دوران حیات سازمان منافقین را به‌آنان وارد کردند.

در این درگیری‌های گسترده، سازمان نظامی منافقین، تا اندازه زیادی متلاشی و به‌آنان نشان داده شد که با پرورش یافتن در دل دشمن، نمی‌توان راهی برای ورود به درون ملت ایران پیدا کرد و با توهم ضعف از ایران اسلامی، نمی‌توان به حکومت بر مردم متنفّر از آنها رسید و نمی‌توان به‌سادگی دشمن خارجی را بر مردم سلحشور ایران چیره کرد.

باز هم محاسبات نادرست رژیم بعثی عراق از قدرت نظامی جمهوری اسلامی، همچون روزهای آغازین جنگ، پیامدهای وحشتناکی برای آن کشور به‌دنبال آورد، زیرا صدام توانمندی‌های خود را زیاده از حد تصور و برآورد می کرد و می‌پنداشت که علاوه بر چندین برابر شدن تجهیزات نظامی خود نسبت به‌سال‌های اولیه جنگ و با کمک و پشتیبانی تسلیحاتی گسترده شوروی و برخی کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه و آلمان از وی و با توجه به حضور نظامی ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس در حمایت از صدام و حمله به‌هواپیمای مسافربری ایرباس جمهوری اسلامی ایران و ساقط کردن آن در اوایل بهار سال ۱۳۶۷ در تنگه هرمز، حریم امنی را برای عملیات دوباره ارتش صدام در خاک جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است.

در آن زمان، رژیم صدام، قدرت نظامی خود را به همراه توان نظامی و اطلاعاتی شیطان بزرگ در خلیج فارس، در برابر رزمندگان سلحشور اسلام محاسبه می‌کرد. همچنین از سوی دیگر، این رژیم، برای ضعف توان نظامی ایران در آن مقطع، وزن سنگینی را لحاظ می‌کرد و باز هم فراموش کرده بود که انقلاب اسلامی، «کمی قدرت نظامی و تسلیحاتی خود» را با اتکا به «تعهد و ایمان قوی نیروهای مسلح خود و نیز بسیجیان داوطلب» و «توده‌های مردم وفادار به‌انقلاب اسلامی» و «انسان‌های عاشق و مقلّدامام خمینی (ره)»جبران می‌کند و این رخدادی بود که در جنگ دوم صدام، علیه جمهوری اسلامی ایران، رخ داد و ارتش بعثی با ذلّت هرچه تمام‌تر، به‌وسیله رزمندگان اسلام از خاک عزیز ایران عقب رانده شد.

جنگ جدید ارتش بعثی عراق، علیه جمهوری اسلامی ایران که با دو محور پیشروی؛ یکی از سمت غرب کشور به‌سوی تهران و دیگری در راه جنوب ایران برای پیشروی در خاک خوزستان طرح‌ریزی شده بود، به مدت حدود یک ماه و تا اواخر مرداد ماه ۱۳۶۷ طول کشید، ولی حضور گسترده رزمندگان سلحشور، فرماندهان شجاع سپاه اسلام و فرماندهی جنگ در صحنه‌های نزدیک به‌محورهای جدید پیشروی دشمن و نیز حضور باشکوه ملت عزیز در حمایت پرشور از رزمندگان اسلام و همچنین عزم جدی مسئولان کشور برای جنگیدن با دشمن تا رسیدن به‌صلح، موجب شد که رژیم بعثی عراق پس از رو به رو شدن با ناکامی‌های جدید و در حدود یک ماه پس از تهاجم گسترده و همه جانبه خود و پس از شکست دوباره و نیز رانده شدن از خاک ایران عزیز، تن به آتش‌بس دهد؛ بنابراین، با تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رزمندگان اسلام به‌دشمن، در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ آتش‌بس در جبهه‌های جنگ برقرار شد. بدین‌ترتیب قدرتی را که آمریکا، شوروی و اروپا با کمک مالی فراوان کشورهای مرتجع عربی برای سرکوبی انقلاب اسلامی در اختیار رژیم صدام گذاشته بودند، نزدیک دو سال بعد علیه یکی از دولت‌های همراه عراق در جنگ تحمیلی به‌کار رفت و ارتش متجاوز بعثی عراق، با تمام توان خود، راهی اشغال کشور همسایه دیگرش کویت شد و مصیبت جدیدی را برای مردم منطقه ایجاد کرد. این اقدام صدام، موجب لشکرکشی گسترده آمریکا به خاورمیانه و اشغال

نظامی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به‌منظور بیرون راندن قوای صدام از کنار چاه‌های نفت خاورمیانه شد.

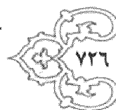
سرانجام، جمهوری اسلامی ایران، یک بار دیگر با حضور همه جانبه مردم و نیروهای مسلح در جبهه‌های نبرد، تجاوز جدید دشمن را دفع کرد و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ «ابتکار عمل در برابر خواست دشمن» را در شرایط مناسب به دست خود گرفت و پایان دادن به‌جنگ تحمیلی، چهره جنگ‌طلب صدام را برای جهانیان آشکار کرد و موفق شد سگ هاری را که آمریکا و شوروی و هم‌پیمانان عرب آنها، برای نابودی انقلاب اسلامی به‌جان کشور عزیز ما انداخته بودند به‌سوی خودشان روانه کند.

آمریکا و کشورهای عربی، پس از حمله صدام به‌کویت، به‌خوبی احساس کردند که پرورش موجود شروری به‌نام صدام، چه زیان‌های بزرگی برای بشریت به‌ارمغان آورده است.

آنان این بار برای چیرگی برصدام، خود عامل مصیبت بزرگتری برای مردم عراق شدند و با اشغال عراق، موج جدیدی از کشتار و خونریزی‌ها و دربه‌دری‌ها

را برای ملت عراق به‌ارمغان آوردند و خاورمیانه را دچار بی‌ثباتی و ناامنی ساختاری کردند.

امروز همگان به‌خوبی نتایج مثبت اقدام امام خمینی در پایان دادن به‌جنگ تحمیلی را با سرنگونی رژیم خون‌آشام صدام حسین و اعدام وی و نیز متلاشی شدن ارتش بعثی و درگیر شدن آمریکا را در باتلاق عراق، مشاهده می‌نمایند.



نامه نخست وزیر به رئیس جمهور

برادر گرامی حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای
ریاست محترم جمهوری

با سلام و درود فراوان به‌اطلاع می‌رساند:
۱ — برادر گرامی و متعهد مسعود روغنی زنجانی در روز ۶۷/۶/۱۳ از مسئولیت وزارت برنامه و بودجه استعفا دادند و این استعفا در شرایطی است که تصمیم‌گیری برای انتخاب وزرای نیرو، جهاد سازندگی و بازرگانی هنوز مبهم است. با توجه به جهت‌گیری روشن مجلس در امور مختلف و اطلاعاتی که از داخل مجلس محترم در دست است، احتمالاً بین ۶ تا ۸ وزیر از افراد معرفی شده رأی لازم را برای ادامه مسئولیت به‌دست نخواهند آورد. و معنای این شرایط آن است که دولت در وضعیت کنونی کشور در تعدادی از وزارتخانه‌های حساس برای مدت نامعلومی وزیر نداشته باشد.
۲ — با توجه به جمع جهات ذکر شده و نیز مشکلات انتخاب وزرا، با عنایت به عدم تفاهم فی‌مابین که در انتخاب هر فردی بروز می‌نماید (که حتی در مواردی انتخاب یک وزیر به بیش از یک سال انجامیده است) و از آنجا که اینجانب اصالت در اختلافاتی که بین ۳ مرجع ریاست جمهوری، نخست وزیر و مجلس پیش می‌آید، براساس روح قانون اساسی و

نیز صلاح کشور متمایل به مجلس منبعث از آرای ملت می‌دانم و معتقدم که در چنین مواقعی مصالح مملکت ایجاب می‌نماید رئیس جمهوری و نخست وزیر بدان تمکین نمایند، بدینوسیله براساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی استعفای خود را تقدیم می‌نمایم.
۳ – توضیحات اجمالی در این خصوص به پیوست تقدیم می‌گردد. امید است این استعفا شرایط لازم را برای دولتی که نخست وزیر آن بتواند با استفاده از رهنمودهای مقام معظم ولایت فقیه و نیز با استفاده از تمام اختیارات آمده در اصل ۱۲۴ قانون اساسی (از جمله بخش‌های تردید ناپذیر آن نظارت بر کار وزیران، هماهنگ ساختن تصمیمات دولت در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاست داخلی و خارجی و نیز تعیین برنامه و خط مشی دولت است) با اقتدار عمل نماید- فراهم سازد.
۴ – با توجه به‌اصل ۱۳۵ قانون اساسی تا تعیین دولت جدید اینجانب به‌وظایف قانونی خود به‌صورت کامل ادامه خواهم داد و اعضای دولت خدمتگزار با نشاط و قدرت وظایف خود را با توانمندی لازم انجام خواهند داد.
۵ – طبیعی است تا انتخاب دولت جدید، برادر دکتر ولایتی به‌عنوان وزیر امور خارجه کشورمان با پشتیبانی نظام، بیانگر نظرات رسمی جمهوری اسلامی در مذاکرات صلح ژنو باشند و بتوانند با رهنمودهایی که به‌طور مستمر از رؤسای محترم سه قوه کسب می‌نمایند، به‌وظایف خود ادامه دهند.
ضمناً فرصت را مغتنم شمرده اعلام می‌دارد:
الف – اگر دولت خدمتگزار در طول سالیان دشوار و سراسر جنگ و جهاد گذشته توانسته باشد با توفیقات الهی خدماتی مورد رضایت مردم مؤمن و آزاده کشورمان انجام دهد، به یقین جز در سایه حمایت‌های همه جانبه رهبر کبیر و عظیم‌الشأن انقلاب و مردم ایثارگر و شهیدپرورمان نبوده است. معجزه دفاع مقدس به‌ایستادگی و مقاومت ۸ سال گذشته از آن امام و امت بزرگوار است و اگر دولت توانسته باشد، در این سالیان تنها لیاقت عنوان خدمتگزار محرومان را برای خود حفظ کند، بزرگترین افتخار را کسب کرده است و با این وصف، اینجانب خود را در مقابل امام امت و امت بزرگوار امام خجل می‌یابم.
ب – بنده به‌عنوان یک خدمتگزار کوچک در هر شرایطی و در حد توان زیر فرمان نخست

وزیر محترم جدید و دولت او خواهم بود و ان‌شاءالله از خدمات ناچیزی که ممکن است از دست اینجانب برآید، غفلت نخواهم کرد. قدرت‌های مستکبر جهانی و ایادی آنها باید بدانند که در کشور اسلامی - انقلابی، اختلاف سلیقه و نظر در سیاست‌های داخلی و خارجی نمی‌تواند سبب فراموشی ضرورت وحدت صفوف در مقابل توطئه‌های آنان بویژه توطئه شیطان بزرگ آمریکا باشد و ملت رشید یقین می‌دانند که در یک جامعه آزاد و سربلند که آثار دیکتاتوری و وابستگی از آن رخت بربسته، آمد و رفت دولت‌ها یک امر طبیعی و ان شاءالله توأم با خیر و برکات برای مردم است.

میرحسین موسوی

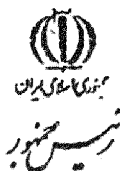
نخست وزیر

پاسخ رئیس جمهور به استعفای نخست وزیر

برادر گرامی آقای موسوی

با سلام

نامه استعفای شما را دریافت کردم و لازم می‌دانم چند موضوع را به جنابعالی گوشزد کنم: در شرایط حساس کنونی و در حالی که مذاکرات ژنو در جریان است و لازم است همه در برابر ترفندهای دشمنان آماده و از مسائل داخلی فارغ‌البال باشیم، استعفای دولت برخلاف مصلحت کشور و انقلاب است و ضربه‌ای بر مصالح نظام جمهوری اسلامی است. مشکل تعیین چند وزیر، مشکل جدیدی نیست. در سه سال گذشته (دوره دوم ریاست جمهوری اینجانب) همواره این مشکل با حکمیت هیأت سه نفره منصوب امام حل شده و جنابعالی همواره از آن استقبال کرده‌اید. هم‌اکنون نزدیک به نیمی از وزرای دولت که [...] به‌تصریح حضرت امام هنوز به‌قوت خود باقی است مرجع حل مشکل خواهد بود. شما اگر مجلس را مرجع واقعی می‌دانید، نباید از عرضه دولت به مجلس و خواستن رأی اعتماد استنکاف کنید. اگر مجلس به دولت رأی ندهد راه‌های قانونی برای تشکیل دولت جدید وجود دارد و این بهتر از آن است که شما درست شب قبل از روزی که دولت قرار است به مجلس عرضه شود، استعفا دهید و آن را در رسانه‌ها منتشر کنید. جنابعالی از اختیارات نخست‌وزیر طبق اصل ۱۳۴ کاملاً برخوردار بوده‌اید و حتی به برکت لطف حضرت امام و حمایتی که همواره از دولت کرده‌اند تا بتوانند وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند،



۲/۱-۱۲۰۹
۱۳۶۷/۶/۱۵

بسمه تعالی

برادر گرامی آقای موسوی
نخست وزیر محترم

با سلام، نامه‌ی استعفای شما را دریافت کردم و لازم میدانم چند موضوع را به جنابعالی گوشزد کنم :

۱ـ در شرایط حساس کنونی و در حالی که مذاکرات ژنو در جریان است و لازم است همه در برابر ترفندهای دشمنان آماده و از مسائل داخلی فارغ البال باشیم، استعفای دولت برخلاف مصلحت کشور و انقلاب است و ضربه‌ای بر مصالح نظام جمهوری اسلامی است.

۲ـ مشکل تعیین چند وزیر، مشکل جدیدی نیست. در سه سال گذشته (دوره دوم ریاست جمهوری اینجانب) همواره این مشکل با حکمیت‌ها یا نظرهای منصوب حضرت امام حل شده و جنابعالی همواره از آن استقبال کرده‌اید. هم اکنون نزدیک به نیمی از وزرای دولت که حضرت امام هنوز به قوت خود باقی است " مرجع حل مشکل خواهد بود.

۳ـ شما اگر نظر مجلس را مرجع واقعی می‌دانید، تنها چاره مراجعه‌ی دولت به مجلس و درخواست رأی اعتماد. استنکاف کنید یا گر مجلس به دولت رأی عدم اعتماد راههای قانونی برای تشکیل دولت جدید موجود است و در این صورت بهتر از آن است که شما درست شب قبل از روزی که دولت قرار است به مجلس برود استعفا دهید و آن را در روزنامه‌ها منتشر کنید.

۴ـ جنابعالی از اختیارات نخست وزیر طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی کاملاً برخوردار بوده‌اید و حتی به برکت لطف حضرت امام و حمایتی که همواره از دولت کرده‌اند توانسته‌اید کار خود را بخوبی انجام دهید. اختیاراتی بیش از ظرف و قانون کسب کرده و آن را اعمال نموده

پاسخ آیت الله خامنه ای به استعفای نخست وزیر



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

- ۲ -

کرده‌اید. توضیح این مطلب را در نامه‌ی پیوست به‌شخص شما ارائه خواهم کرد.

۵ - اینجانب با وجود اختلاف نظرهای چندی با شما در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و اعتراض به روش‌های شما بویژه در مسائل اقتصادی همانطور که می‌دانید همواره در همه‌ی مراحل به‌شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به‌نظام و حتی با کمال معذرت خیانت - البته خیانت غیرعمدی - می‌دانم و معتقدم خوب است جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به‌طور دربست بپذیرید.

استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید.

سید علی خامنه‌ای
رئیس جمهور

رونوشت:

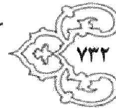
- حجت‌الاسلام جناب آقای سید احمد خمینی
دفتر حضرت امام مدظله‌العالی
- حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی
رئیس محترم شورای عالی قضایی

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

اختیاراتی بیش از مقرر در قانون کسب کرده و آن را اعمال نیز کرده‌اید. توضیح این مطلب را در نامه پیوست به‌شخص شما ارائه خواهم کرد. اینجانب با وجود اختلاف نظرهای چندی که با شما در نحوه اداره کشور و اعتراض به روش‌های شما بویژه در مسائل اقتصادی دارم، همان‌طور که می‌دانید همواره در همه مراحل به‌شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به‌مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خیانت - البته خیانت غیرعمدی - می‌دانم و معتقدم خوب است جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به‌طور دربست بپذیرید.

استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید.

سید علی خامنه‌ای
رئیس جمهور



نامه‌ای به یاسر عرفات

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای عرفات
رئیس محترم سازمان آزادیبخش فلسطین

فرستاده مخصوص جنابعالی، نامه شما را آورد و چند روز پیش نیز پیامی به همین مضامین نامه به طور شفاهی آورد در رابطه با پیام و نامه جنابعالی موارد زیر را یادآوری می‌نمایم:

۱ - نمی‌دانم چرا مطالب شفاهی آقای ابوخالد با مضامین نامه متناقض است. ایشان در اظهارات خود و متکی به نظرات رهبران فلسطینی، اعتراف به اشتباه مسئولان سازمان در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و موضع گیری‌های غیرانقلابی در رابطه با مسائل لبنان و ارتجاع عرب می‌نمایند و از ما برای جبران این اشتباهات کمک می‌خواهند، ولی نامه‌های جنابعالی با این مسائل به گونه‌ای متضاد برخورد می‌کند.

۲- در مورد تأسف بار بودن وضع موجود اعراب در منطقه و خصوصاً لبنان و فلسطین و خسارات جنگ تحمیل شده از طرف عراق بر ایران و بهره برداری استکبار جهانی و مرتجعین از این شرایط، من با شما اتفاق نظر دارم و کمتر از شما دلم خونین نیست. اما فکر می‌کنم در علل بروز این شرایط و راه‌های نجات از آن اختلاف نظر داریم و یا لااقل در عمل همراه نیستیم.

من در اینجا به شرایط دعوای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمی‌پردازم. بعد از پیروزی انقلاب در ایران که شرایط کاملاً جدیدی به نفع مسلمین در منطقه پیدا شده بود، رفتار شما و دوستان‌تان می‌تواند از علل این وضع باشد. شما و دولت‌های عربی می‌توانستید از فرصت بی‌مانند انقلاب اسلامی ایران در راه نجات فلسطین استفاده کنید. اسرائیل، شاه

ایران، آن حامی نیرومند و خائن را از دست داده بود و شما جای خالی مصر را با حضور ایران اسلامی پر می‌دیدید.

برخلاف انتظار، به‌جای استفاده از این فرصت و نفحه الهی، بعث عراق، آن جنگ خانمانسوز را بر ما تحمیل کرد و عملاً پنج استان بزرگ کشور ما را اشغال کرد و ما را ناچار به صرف نیروهای انقلاب تازه پای اسلامی در راه دفاع نمود.

آن روزها شما به ایران آمدید و پس از آن، خود اینجانب به کشورهای عربی سفر کردم و در لبنان شما را ملاقات کردم و خواست صریح ما این بود که این تجاوز صدام را به عنوان متجاوز و آتش‌افروز محکوم نمائید و گفتم تنها راه ختم جنگ و احقاق حق این است، ولی به جز سوریه و لیبی و معدودی از رهبران نهضت فلسطین، کسی به این پیشنهاد حق ما توجه نکرد و بیشتر به فکر نجات شخص صدام و حزب بعث از کیفر گناهش بودند، تا در فکر احقاق حق و نجات اسلام و عرب و منطقه.

من در این مورد و سایر موارد انحراف و جفاهای دیگر سران کشورهای عربی نمی‌پردازم. زیرا اولاً شما مسئول کار آنها نیستید و ثانیاً توقع از خیلی‌ها به اندازه توقع از شماها نیست. بسیاری از آنها ماهیت ضدانقلابی دارند و وابسته به استکبار عالمی‌اند، با خود شما حرف می‌زنم که رئیس یک سازمان انقلابی و رهبر یک نهضت ضدظلم و ضد صهیونیسم و ضدامپریالیسم هستید.

شما چرا بعث عفلقی متجاوز را محکوم نکردید و تا امروز هم حاضر نشده‌اید تجاوز آنها را محکوم کنید و همیشه از ما می‌خواهید که از حق خود و اسلام و مردم عراق و ... بگذریم؟ شما مگر نمی‌دانستید که همین عفلقی‌ها با چه بهانه‌ای از پشت به جبهه پایداری خنجر زدند و حتی امروز مگر آنها را نمی‌بینید که علیرغم آن شعارهای چپ‌گرایانه، راه [انور] سادات و شاه حسین را در کمپ‌دیوید می‌روند؟ و چرا اکنون مطالبی را که در جلسات خصوصی درمورد نیابت صدام از آمریکا در حمله به ایران می‌گوئید و حق هم می‌گویید در علن و رسانه‌های رسمی ساف [سازمان آزادیبخش فلسطین] نمی‌گوئید؟ و برعکس چرا بعضی از دوستان و افراد شما، موضع خلاف ایران و به نفع صدام می‌گیرند؟ شما چرا اجازه دادید که بعضی از سران ساف با قاتلان سران جمهوری اسلامی و تروریست‌های عامل کفار ملاقات

کنند و به انقلاب اسلامی ایران از این طریق تلخی نشان بدهند؟ و چرا هنوز هم دست بردار نیستید؟ من درنامه قبلی به جنابعالی تذکر دادم که تلاش‌ها باید در جهت کیفر صدام باشد و نه در جهت نجات او و بعث عراق.

۳- درمورد برخورد با اسرائیل، به نظر اینجانب سیاست جاری حاکم بر ساف بیراهه می‌رود. بی‌شک از طریق مذاکره و سازش، نمی‌شود حقوق فلسطینیان را تأمین کرد. صهیونیسم و امپریالیسم حاضر نیستند بدون زور و خون از تجاوز دست بردارند.

ارتجاع عرب دارد شما را به بیراهه می‌برد. این مطلب در لبنان آزمایش شد. شما در رفتید و به این روز افتادید و معدودی مسلمان جان برکف مقاومت کردند و دیدید که آمریکا و سه قدرت بزرگ غربی را با خفت از لبنان بیرون کردند و اسرائیل را در جنوب لبنان سخت به مضیقه انداخته‌اند.

چرا شما در لبنان چنین نکردید و به تونس و ... پناه بردید! و امروز دوباره می‌خواهید فلسطینی‌ها را به اردن ببرید.

شما خودتان به بسیاری از نهضت‌های اسلامی منطقه و دنیا در گذشته این درس را داده‌اید که غیر از اسلحه، هیچ چیز استکبار جهانی را وادار به عقب‌نشینی نمی‌کند. چرا امروز این درس را خودتان فراموش کرده‌اید؟ ملت فلسطین از ملت لبنان ضعیف‌تر نیست. چرا اسرائیل در اراضی اشغالی با مقاومتی شبیه مقاومت مردم جنوب لبنان مواجه نیست. فکر نمی‌کنید سیاست ساف بازدارنده است و بر آتش انقلاب آب می‌پاشد؟ در لبنان هنوز فرصت باقی است. تأکید می‌کنم بهتر است افرادتان به لبنان برگردند، نه مثل یک دولت و به طور رسمی که احتیاج به تصویب جواز باشد. به صورانفرادی و انقلابی. نه به شمال و شرق لبنان، بلکه به جنوب و مرکز لبنان و مطمئناً از آنجا می‌توانید اسرائیلی‌ها را تا قلب فلسطین تعقیب کنید.

۴ - اصولاً یک اشتباه بزرگ و اصولی شما این است که می‌خواهید مثل رئیس یک دولت و کشور عادی استقرار یافته زندگی کنید. در مجامع بین‌المللی حتی آنجا که استکبار و ارتجاع حاکم است، مثل یک رئیس دولت می‌خواهید مورد استقبال و مشایعت و مذاکره قرار بگیرید. این وضع با رهبری یک سازمان انقلابی سازگار نیست. نه تنها شخص شما،

نمایندگان شما هم در سراسر دنیا و حتی در کشورهای استکباری، مایلند مثل سفرای اروپایی و آمریکایی، رسمی و علنی و دیپلمات باشند. حتی شما به خاطر چنین روحیه‌ای حاضر نیستید مورد خشم رسمی مستکبران قرار گیرند و از اینکه آنها که خودشان بزرگترین تروریست تاریخ هستند، شما را تروریست بخوانند.

چنین روحیه‌ای و چنین روشی باعث شده که هزاران رزمنده فلسطینی که روزی اسم آنها لرزه بر اندام مستکبران می‌انداخت و دل‌ها و شجاعت‌شان برای مبارزان ملت‌های مظلوم الهام بخش بود، امروز عملاً اسلحه‌ها را به زمین بگذارند و در کشورهای ارتجاعی مثل یمن و اردن و تونس و ... زمینگیر شوند و بی‌شک این وضع حالت انقلابی مردم فلسطین را که در حالت آوارگی بهترین شرایط روحی انقلابی را می‌توانند داشته باشند، تضعیف کرده و آنها را هم بی‌حال می‌کنند.

شما باید در سراسر دنیا، منافع استکبار جهانی را که اسرائیل را ساخته و پرداخته و اکنون هم حفظ می‌کنند، ضربه بزنید. اگر مستکبران از شما نترسند، به همین وضع موجود، محرومان فلسطینی هم قانع نیستند. و اگر شما به این وضع موجود ادامه بدهید، در آینده سربازگیری از میان آوارگان فلسطینی بسیار مشکل خواهد شد. اجازه ندهید آوارگان فلسطینی به زندگی سخت آوارگی و دربدری خو کنند.

اگر چنین سیاستی اتخاذ نمائید، جمهوری اسلامی را در کنار خود همه جا خواهید دید. ما خودمان به عنوان رؤسای کشور بزرگ ایران، امروز مایل نیستیم از وضعی که شما برای خودتان به عنوان یک سازمان انقلابی درست کرده‌اید، برخوردار باشیم و مایل هستیم در بسیاری از مجامعی که شما شرکت می‌کنید و با شخصیت‌های صالحی که شما ملاقات می‌نمائید، ملاقات کنیم.

۵ - در مورد جنگ، باز هم تأکید می‌کنیم که اگر حزب بعث با این همه جنایت و آلودگی و وابستگی که برای خودش درست کرده، بماند به عنوان دست ارتجاع و استکبار، مزاحم حرکت اسلامی و محرومان منطقه خواهد بود. راضی نباشید که مردم عراق با این همه امکانات، در صف مخالفان حرکت اسلامی و آزادی‌خواهی مردم مسلمان منطقه قرار داشته باشند و راضی نباشید که جانیان و متجاوزان از کیفر گناهان غیرقابل جبران و

غفران خود معاف بشوند. و راضی نباشید خون ده‌ها هزار شهید مسلمان انقلاب اسلامی ایران به هدر برود. والسلام

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبرهاشمی رفسنجانی

۹۷

[illegible]



تاریخ .... ماه ۱۳۶

شماره ....

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای عرفات رئیس محترم سازمان آزادیبخش فلسطین

فرستاده مخصوص جنابعالی نامه شما را آورد و چند روز پیش از آن پیام [illegible] شفاهی نامه

بطور شفاهی آورد. در رابطه با پیام و نامه جنابعالی موارد زیر را یادآوری مینمایم:

۱- نمیدانم چرا مطالب شفاهی [illegible] ابوخالد با شفاهی نامه تماماً متفاوت است. الف) [illegible]

در اظهارات خود متکی به نظرات رهبران فلسطین اعتراف به اشتباه مسئولان سازمان

در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و موضع گیری های غیرانقلابی در رابطه با بعضی [illegible]

و ارتش های عرب مینمایید و از ما برای جبران این اشتباهات کمک میخواهید. ولی نامه های [illegible]

با این مسائل بیگانه [illegible] برخورد میکند.

۲- در مورد [illegible] بودن وضع موجود اعراب در منطقه و خصوصاً [illegible] فلسطینی [illegible]

جنگ تحمیل شده از طرف عراق بر ایران و بهره برداری اسرائیل [illegible] در تحکیم [illegible] شرایط

[illegible] اتفاق نظر داریم [illegible] نیست. اما فکر میکنیم در علل بروز

این شرایط و راه های نجات از آن اختلاف نظر داریم و باید [illegible] در عمل همراه [illegible].

دستخط نامه به رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین

نامه نخست وزیر به رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحیم

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

ریاست محترم جمهوری

برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای

با سلام و درود فراوان

نزدیک هفت سال خدمتگزاری به مردم خوب و اسلامی کشورمان در لباس نخست وزیری از توفیقات خداوند متعال بوده است و اگر در این مدت، توفیقاتی نصیب دولت خدمتگزار محرومین گردیده، از برکات حمایت‌های حضرت امام (مدظله العالی) و امت بپاخاسته و شهیدپرور و پیرو خط امام و ایستادگی رزمندگان جان برکف میهن اسلامی‌مان در مقابل خصم تبهکار و کافر بوده است. در این میان باید اینجانب بر راهنمایی‌ها و حمایت‌های امام امت (روحی فداه) به طور مؤکد اشاره کنم. در این فاصله همواره دولت از رهنمودها و کمک‌های رؤسای محترم سه قوه ، روحانیت متعهد و مبارز و ائمه محترم جمعه در سراسر کشور بهره بسیار برده است. این همه را باید از الطاف بیکران خداوندی دانست.

اینک که با لطف و عنایات خداوند منان، دوره سوم مجلس شورای اسلامی در آستانه گشایش است، و از آنجا که اینجانب قصد معرفی دولت به مجلس جدید را ندارم و بعد از شروع کار مجلس، استعفای خود را تقدیم خواهم کرد، لازم است آن برادر گرامی و ارجمند، مشورت‌های لازم را برای معرفی نخست وزیر جدید آغاز فرمایند، و این مراحل هر چه سریع‌تر طی شود. بهتر است؛ چه تسریع در این امر به سود کشور است و تأخیر آن باعث آفت و خسارت.

بنده برخود واجب شرعی می‌دانم، هر کمکی که از دستم به عنوان یک خدمتگزار بسیار کوچک انقلاب ساخته باشد، در اختیار رئیس دولت جدید و همکاران عزیز ایشان قرار دهم. امروز حمایت همه جانبه از کسانی که به معرکه پرتلاطم امور اجرایی یک کشور انقلابی، اسلامی ستیزه گر با شرق و غرب و در حال جنگ، فرستاده می‌شوند، یک فرض همگانی است.

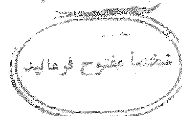
با دعا به درگاه حضرت حق تبارک و تعالی برای طول عمر با برکت امام امت و پیروزی رزمندگان جبهه‌های نور علیه ظلمت و سربلندی ملت شریف و شهید پرور ایران –

میرحسین موسوی

۶۷/۳/۱

رونوشت:

- محضر مبارک بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران و رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (مدظله العالی)
- برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی
- برادر گرامی حضرت آیت الله موسوی اردبیلی





جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر

شماره
تاریخ ۱/۳/۶۷
پیوست

بسم الله الرحمن الرحیم

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

ریاست محترم جمهوری
برادر گرامی حجة الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای

با سلام و درود فراوان
نزدیک هفت سال خدمتگزاری به مردم خوب و اسلامی کشورمان در لباس نخست وزیری از توفیقات خداوند متعال بوده است و اگر در این مدت توفیقی نصیب دولت خدمتگزار جمهوری اسلامی گردیده از برکات حمایتهای بی‌دریغ حضرت امام مدظله العالی و ملت بپاخاسته و شهیدپرور و پیروی خط امام و ایستادگی رزمندگان چون کوه ارتشی سپاهی و بسیجیان در مقابل خصم تجاوزگر و کافر بوده است. و در این میان باید از راهنمائیها و حمایتهای امام امت روحی فداه بطور مؤکد اشاره کنم. و در این فاصله همواره دولت از رهنمودها و کمکهای ریاست محترم جمهوری و حمایت مستمر مجلس و ائمه محترم جمعه در سراسر کشور بهره بسیار برده است. و این همه را باید از الطاف بیکران خداوندی دانست.

اکنون که با لطف و عنایت خداوند منان دوره سوم مجلس شورای اسلامی در آستانه گشایش است، و از آنجا که اینجانب قصد معرفی دولت را به مجلس جدید ندارم و بعد از شروع کار مجلس استعفای خود را تقدیم خواهم کرد، لازم است آن برادر گرامی و اجنبه مشورتهای لازم را برای معرفی نخست وزیر جدید آغاز فرمائید.

←

دستخط نامه نخست وزیر به رئیس جمهور درباره رأی اعتماد

نامه‌های فرمانده کل سپاه به فرمانده جنگ

بسم الله الرحمن الرحیم

فرماندهی محترم قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)
سرور مکرم جناب آقای هاشمی رفسنجانی (دام عزه)

با سلام و اهداء تحیات، پیرو نامه مورخه ۶۷/۲/۲۴ مبنی بر ادغام مرحله‌ای ارتش و سپاه، برنامه اول به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - صدور حکم قائم مقام فرماندهی کل قوا به همراه تفویض اختیارات کامل.

ب - تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا به فرمان امام امت از ادغام ستاد کل سپاه و ستاد مشترک ارتش.

ج - ادغام وزارتین سپاه و دفاع و تشکیل وزارت نیروهای مسلح.

الف - قائم مقام فرماندهی کل قوا باید از اختیارات زیر برخوردار باشد:

۱- اخذ حکم قائم مقام فرماندهی کل قوا.

۲- فرماندهی جبهه‌های نبرد.

۳- فرماندهی بر نیروهای مسلّح کشور (نظامی، انتظامی).

۴- تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا.
۵- جابجایی نیروها و امکانات نیروهای مسلح در میدان نبرد.
۶- تنظیم و پیشنهاد تغییرات و اصلاحات درتشکیلات و مقررات نیروهای مسلّح به فرماندهی کل قوا.
۷- هدایت امکانات انسانی، اقتصادی و صنعتی کشور در امر جنگ برای رفع نیازمندی‌های نبرد.
۸- ادغام وزارتین سپاه و دفاع و تشکیل وزارت نیروهای مسلح با کمک دولت.
۹- پیشنهاد رئیس ستاد فرماندهی کل قوا به فرماندهی کل قوا جهت صدور حکم.

ب - تشکیلات، وظایف کلی و اعضای ستاد فرماندهی کل قوا:

پس از صدور حکم رئیس ستاد فرماندهی کل قوا (که با توافق حضرتعالی قرار شد به عهده اینجانب گذاشته شود)، ستاد فرماندهی کل قوا از معاونت‌ها و یا ادارات زیر تشکیل می‌شود:

۱ - **عملیات:** برادر رحیم صفوی و جانشین سرهنگ لطفی.
۲- **اطلاعات:** برادر وحیدی و جانشین برادر[محمد] باقری.
۳ - **نیروی انسانی:** برادر [علیرضا] افشار و آقای [محمد علی] رحمانی.
٤ - **آموزش:** برادر صیاد [شیرازی] و یا برادر حسنی سعدی.
٥ - **لجستیک:** تیمسار [محمد حسین] جلالی - حاج محسن رفیقدوست.
٦ - **طرح و برنامه مالی:** برادر غفور.
۷- **مهندسی:** برادر فروزش.
۸ - **وزارت نیروهای مسلح:** حاج محسن رفیقدوست.
۹ - **صنایع نظامی:** برادر فروزنده.
۱۰- **هوانیروز:** تیمسار جلالی. سرهنگ انصاری.
۱۱ - **معاونت فرهنگی:** حجت الاسلام صفایی.
۱۲ - **حفاظت:** سرهنگ [مصطفی] ترابی.
۱۳- **بازرسی:** برادر [ابراهیم] سنجفی.

جانشین ریاست ستاد هم می‌تواند به عهده یکی از برادران ۱- سرتیپ صیاد شیرازی ۲- سرتیپ شهبازی ۳- سرلشکر ظهیرنژاد باشد.

ج - وظایف ستاد فرماندهی کل قوا:

۱- تهیه طرحی برای به کارگیری مناسب نیروهای مسلح در آفند و پدافند.

۲- کمک به فرماندهی در اداره جبهه‌های جنگ.

۳- کمک به فرماندهی در تدوین استراتژی دفاعی و تعیین حدود و ثغور مشارکت مردم و دولت و هدایت پشتیبانی‌های مردمی و دولتی.

۴- تهیه و اجرای طرح و مدت عملی (آموزشی، خدماتی، تشکیلاتی) پرسنل نیروهای مسلح.

۵- تشکیل تیپ‌ها و گردان‌های پدافندی از کلیه نیروهای انتظامی و نیروی هوایی و دریایی.

۶- هدایت و نظارت بر تهیه و تأمین اقلام پشتیبانی از سوی وزارت نیروهای مسلح و سازمان صنایع نظامی.

۷- تهیه طرح بودجه مورد نیاز نیروهای مسلح برای ارائه به مجلس و دولت.

۸- هماهنگی بین نیروهای مسلّح.

۹- اطلاع رسانی نیروهای خودی و تحرکات دشمن به جانشین فرماندهی کل قوا.

بدیهی است با توجه به سرعت عملی که منظور نظر حضرتعالی است، امکان و احتمال تکمیل وظایف مذکور هست که در صورت فرصت مناسب، تقدیم خواهد شد.

با تشکر

ملتمس دعا - محسن رضایی

۶۷/۲/۲۵



بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

شماره
تاریخ ۶۷/۲/۲۵
پیوست

ج- وظایف ستاد فرماندهی کل قوا:

۱- تهیه طرح برای بکارگیری مناسب نیروهای مسلح در آفند و پدافند.

۲- کمک به فرماندهی در اداره جبهه‌های جنگ.

۳- کمک به فرماندهی در تدوین استراتژی دفاعی و تعیین حدود و نحوه مشارکت مردم و دولت و هدایت پشتیبانی‌های مردمی و دولتی.

۴- تهیه و اجرای طرح وحدت عملی (آموزش، خدمات، تشکیلات) پرسنل نیروهای مسلح.

۵- تشکیل تیپ‌ها و گردان‌های پدافندی از کلیه نیروهای انتظامی و نیروی هوایی و دریایی.

۶- هدایت و نظارت بر تهیه و تأمین اقلام پشتیبانی از سوی وزارت نیروهای مسلح و سازمان صنایع نظامی.

۷- تهیه طرح بودجه مورد نیاز نیروهای مسلح برای ارائه به مجلس و دولت.

۸- هماهنگی بین نیروهای مسلح.

۹- اطلاع رسانی نیروهای خودی و تحرکات دشمن به جانشین فرماندهی کل قوا.

بدیهی است، با توجه به سرعت عمل در مقطع حساس فعلی است، امکان و احتمال تغییر وظایف ذکر شده هست که در صورت فرصت مناسب تکمیل خواهد شد.

با تشکر
فرمانده کل سپاه محسن رضائی
۶۷/۲/۲۵

دستخط نامه فرمانده کل سپاه

بسم الله الرحمن الرحیم

فرماندهی محترم قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)
سرور مکرم جناب آقای هاشمی رفسنجانی (دام عزه)

با سلام و اهداء تحیات، معروض می‌دارد:
۱ – پیرو مرقومه مورخه ۶۷/۲/۲۳ و جلسه دیشب با حضرتعالی به این نتیجه رسیدیم که پس از تفویض اختیارات فرماندهی کل قوا به جانشین خود و راه‌اندازی تشکیلات ستاد فرماندهی کل قوا، مسئله ادغام نیروهای سپاه و ارتش با یک فاصله زمانی (در پی اعلام آمادگی قائم مقام فرماندهی کل قوا و ستاد مذکور و براساس طرحی که توسط مجموعه قائم مقام و ستاد تهیه و تنظیم خواهد شد) صورت گیرد، تا از هرگونه شتابزدگی که عکس‌العمل پرسنل سپاه و ارتش را به دنبال داشته باشد، جلوگیری شود.
۲ – همزمان با تفویض اختیارات فرماندهی کل قوا و تشکیل ستاد این فرماندهی، ان‌شاءالله حضرتعالی سریعاً دستور آماده شدن امکانات هلی‌کوپتری و زرهی ارتش و سپاه را برای تمرینات و آمادگی عملیات آینده صادر می‌فرمائید.
۳ – با توجه به اینکه حضرتعالی به جلسه سران قوا تشریف می‌برید، ان‌شاءالله توضیحات زیر را در مورد «فاو» بیان می‌فرمائید:

الف – ما در منطقه جنوب در دو نقطه فاو و شلمچه در پایان بهمن ماه ۶۶ آماده حمله بودیم، اما به دلیل لو رفتن طرح عملیات، به جبهه شمالی رفتیم و ابتدائاً قرار بود در

«ماووت» بجنگیم که به دلیل امکان موفقیت کم، در حلبچه جنگیدیم. در نتیجه زحماتی که در سال ۶۶ برای انجام یک عملیات موفق صورت گرفت (به دلیل اینکه چند نقطه و چند عملیات آماده و مطمئن‌ترین آنها انتخاب شد) از هر سال دیگر بیشتر بوده است.
ب- زمانی که دشمن به ما حمله کرد چه در جبهه شمالی عملیات انجام می‌گرفت و چه انجام نمی‌گرفت نیروهای بسیجی یک ماه از تاریخ ترخیص‌شان گذشته بود و همواره ماه‌های فروردین و اردیبهشت و اصولاً فصل‌های بهار و تابستان، فصل کمبود نیروی بسیجی ماست.

ج - نه تنها در «فاو» بلکه در هر جا که ما حمله می‌کردیم، اگر دشمن عقل و تدبیر می‌داشت، فقط باید ما را سد می‌کرد و ضد حملات را برای بازپس‌گیری آغاز نمی‌نمود و از تلفات سنگین بی‌نتیجه پرهیز می‌کرد تا نیروهای بسیجی ما ترخیص شوند و سپس حمله را آغاز می‌نمود و به احتمال بسیار قوی (۹۰ درصد) اکثر فشارهایی را که دشمن در حین عملیات وارد می‌کرد، اگر یک تا دو ماه پس از انجام عملیات شروع می‌کرد، برایش موفقیت به‌همراه می‌داشت. زیرا در پاره‌ای اوقات، حتی یک یا دو گردان نیروی احتیاط هم در عقب خط اول نداشتیم. ضمن اینکه مسئله پذیرفتن مسئولیت نقاط پدافندی حساس و در نتیجه زمین‌گیر شدن نیروهای سپاه را خدمت حضرتعالی قبلاً توضیح داده‌ایم. علاوه بر این، موفقیت صدام علیه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر از رزمندگان بوده که این برای صدام پیروزی محسوب نمی‌شود، بلکه ناشی از ضعف ما در جبهه است.

والسلام علیکم
ملتمس دعا - محسن رضایی





بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

دفتر فرماندهی کل

شماره:
تاریخ: ۶۷/۲/۲۴
پیوست:

مستقیماً - خیلی سری.

فرماندهی محترم قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، سرور مکرم جناب آقای هاشمی رفسنجانی دامت عزه

با سلام و جهاد و تحیت، به عرض می‌رساند:

۱- پیرو مذاکرات مورخه ۶۷/۲/۲۳ و جلسه دیشب با حضرتعالی به این نتیجه رسیدیم که پس از تفویض اختیارات فرماندهی کل قوا به جانشین محترم و راه‌اندازی تشکیلات ستاد فرماندهی کل قوا، مسئله ادغام نیروهای سپاه و ارتش با یک فاصله زمانی (در پی اعلام آمادگی قائم مقام فرماندهی کل قوا و ستاد مذکور، و براساس طرحی که توسط مجموعهٔ قائم مقام و ستاد تهیه و تنظیم خواهد شد) صورت گیرد تا از هرگونه شتابزدگی که عکس‌العمل پرسنل سپاه و ارتش را به دنبال داشته باشد جلوگیری شود.

۲- همزمان با تفویض اختیارات فرماندهی کل قوا و تشکیلات ستاد این فرماندهی، از حضرتعالی تقاضا دارم دستور آماده شدن امکانات هماهنگی بین ارتش و سپاه برای ترمیمات و آمادگی عملیات آینده صادر بفرمایید.

۳- با توجه به اینکه حضرتعالی به جبهه سومار تشریف می‌برید، اینجانب توضیحاتی در رابطه با مورد «فاو» بیان می‌نمایم:

الف - ما در منطقه جنوب در دو نقطه فاو و شلمچه در پایان بهمن ماه ۶۶ آماده حمله بودیم اما به دلیل لو رفتن طرح عملیات به جبهه شمال رفتیم و ابتدا قرار بود در «ماووت» بجنگیم که به دلیل امکان موفقیت کم، در حلبچه جنگیدیم. در نتیجه زمانی که در سال ۶۶ به جای انجام یک عملیات موفق صورت گرفت (به دلیل اینکه چند نقطه و چند عملیات آماده و مطلوب‌ترین آنها انتخاب شد) از هر سال دیگر بیشتر بوده است.

ب - زمانی که دشمن به فاو حمله کرد، چه در جبهه شمال عملیات انجام می‌گرفت و چه انجام نمی‌گرفت، نیروهای بسیجی بعد از تاریخ ترخیص گذشته‌اند و به همراه [illegible] و [illegible] به علت [illegible] بیرون رفته است.

ج - نه تنها در «فاو» بلکه در هر جا که حمله می‌کردیم اگر دشمن حمله [illegible] می‌داشت فقط با [illegible] که وضعیت ما را با پذیرش [illegible] آغاز می‌نمود و تلفات سنگین در نتیجه [illegible] که نیروهای بسیجی ترخیص شوند پس از حمله آغاز می‌نمود و با احتمال بسیار قوی (۹۰٪) [illegible] دشمن [illegible] عملیات [illegible] پس از انجام عملیات شروع می‌کرد بر اثر موفقیت اجرا می‌داشت. نیروهای [illegible] اوقات، با حتی یک یا دو گردان نیروی احتیاط هم در عقب خط اول نداشتیم. ضمن اینکه مسئله پذیرفتن مسئولیت نقطه‌ای [illegible] زمین‌گیر شدن نیروهای سپاه [illegible] حضرتعالی [illegible] موفقیت صدام علیه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ [illegible] ناشی از ضعف ما در جبهه است. [illegible]

دستخط نامه فرمانده کل سپاه به فرمانده جنگ

بسم الله الرحمن الرحیم

فرماندهی محترم قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)
سرورمکرم جناب آقای هاشمی رفسنجانی (دام عزه)

با سلام و اهداء تحیات، در مورد طرح ادغام سریع نیروهای سه گانه‌ی ارتش و سپاه در یکدیگر، احتمالاتی بدین شرح، متصوّر و قابل پیش‌بینی است:

الف- نارضایتی فراوان در پرسنل ارتش و سپاه.
ب - ناهماهنگی فرهنگی‌ها، آموزش و وضعیت خدماتی پرسنل ادغام شده و احساس غربت و آثار روحی که حاصل خواهد شد،کاهش راندمان کار پرسنل سپاه و ارتش را به دنبال دارد.
ج - با توجه به حوادثی که پیش روی داریم (از جمله جنگ مجدد شهرها، حملات زمینی عراق به خطوط پدافندی و سقوط یک یا دو نقطه از نقاط پدافندی ارتش و سپاه، احتمال حرکات اجتماعی از ناراضیان به بهانه جنگ) همه را به گردن جنابعالی به عنوان مسئول جنگ و امنیت کشور (و بی‌سیاستی در اداره نیروهای مسلح) خواهند انداخت و آن موقع به جای ارتش و سپاه، مستقیماً شخص جنابعالی و فرمان حضرت امام را زیر سئوال خواهند برد.

د- در اثر ادغام نیروی زمینی ارتش در سپاه، مشکلات پدافندی جدیدی به‌دوش سپاه خواهد افتاد که نتیجتاً قدرت هجومی و آفندی سپاه، کم خواهد شد. بنابراین نظر سپاه همان پیشنهادی است که در نامه مورخه ۶۷/۲/۸ خدمت‌تان عرض شد که با اصلاحی بدین شرح تکمیل می‌گردد:

پیشنهاد پنجم- همزمان با صدور حکم یک برادر سپاهی برای فرماندهی نزاجا، یکی از برادران نهاجا (سرهنگ اردستانی یا سرهنگ بقایی) به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه منصوب گردد، که با تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا و این دو انتصاب، ناهماهنگی‌ها حل خواهد شد و اگر حضرتعالی اختیارات کامل بگیرید، در جابجایی نیروها و تمرکز امکانات برای آفند و پدافند، هیچ مشکلی نخواهد بود.

البته ششمین پیشنهاد هم این است که وزارتین سپاه و دفاع ادغام شوند، تا یک سیستم پشتیبانی برای نیروهای مسلح داشته باشیم.

با کمال معذرت

ملتمس دعا- محسن رضایی

دفتر فرماندهی کل

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

شماره:
تاریخ: ۶۷/۲/۲۳
پیوست:



بسم الله الرحمن الرحیم

فرماندهی محترم قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سرور گرامی جناب آقای هاشمی رفسنجانی دام عزه

با سلام و احترام و تحیت. در مورد طرح ادغام سریع نیروهای رسته‌ای ارتش و سپاه در یکدیگر، احتمالاتی بدین شرح متصور و قابل پیش‌بینی است:

الف. نارضایتی فراوان در پرسنل ارتش و سپاه.

ب. ناهماهنگی فرهنگها، آموزشها و وضعیت صنفی پرسنل ادغام شده و احساس غربت و آثار روحی که حاصل خواهد شد، کاهش راندمان کار پرسنل سپاه و ارتش را به دنبال دارد.

ج. با توجه به حوادثی که پیش‌رو داریم (از جمله جنگ مجدد شهرها، حملات زمینی عراق به خطوط پدافندی و سقوط یک یا دو نقطه از نقاط پدافندی ارتش و سپاه، احتمال حرکات اجتماعی از ناراضیان به خاطر جنگ) همه را به گردن جنابعالی به عنوان مسئول جنگ و امنیت کشور (و بی‌سیاستی در اداره نیروهای مسلح) خواهند انداخت و آن موقع به جای ارتش و سپاه، مستقیماً شخص جنابعالی و فرمان حضرت امام را زیر سؤال خواهند برد.

د. در اثر ادغام نیروی زمینی ارتش و سپاه، به سرعت پدافند جدیدی بدوش سپاه خواهد افتاد که نتیجتاً قدرت هجومی آن در سپاه کم خواهد شد.

بنابراین نظر سپاه، همان پیشنهاداتی است که در نامه مورخه ۶۷/۲/۸ خدمتتان عرض شد که با اصلاحی بدین شرح تقدیم می‌گردد:

پیشنهاد اول. همزمان با صدور حکم یک برادر سپاهی برای فرماندهی نزاجا، یکی از برادران نهاجا (سرتیپ اردستانی یا سرتیپ ستاری) به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه منصوب گردد. و با تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا و این دو انتصاب، ناهماهنگی‌ها حل خواهد شد و اگر حضرتعالی اختیارات کامل بگیرید در جابجایی نیروها و تمرکز امکانات را کسب کنید، دیگر هیچ مشکلی نخواهد بود.

البته ششمین پیشنهاد هم این است که هر دو وزارتین سپاه و دفاع ادغام شوند تا یک سیستم پشتیبانی برای نیروهای مسلح داشته باشیم.

با کمال معذرت

محسن رضایی

نامه فرمانده کل سپاه به فرمانده جنگ

متن کامل
قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

ماده ۱- طرفین معظمین متعاهدین، تایید می‌نمایند که مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق همان است که علامت‌گذاری مجدد آن بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به علامت گذاری مجدد مرز زمینی و ضمایم پروتکل مذکور که به این عهدنامه ملحق می‌باشند، انجام یافته‌است.

ماده ۲- طرفین معظمین متعاهدین، تایید می‌نمایند که مرز دولتی در شط العرب همان است که تحدید آن بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به تحدید مرز رودخانه‌ای و ضمایم پروتکل مذکور که به عهدنامه حاضر ملحق می‌باشند، انجام یافته‌است.

ماده ۳- طرفین معظمین متعاهدین، متعهد می‌شوند که بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به امنیت در مرز و ضمایم آن که ملحق به این عهدنامه می‌باشند، در طول مرز به طور مداوم کنترل دقیق و موثر به منظور پایان دادن به هر نوع رخنه اخلال‌گرانه صرف نظر از منشا آن، اعمال دارند.

ماده ٤- طرفین معظمین متعاهدین، تایید می‌نمایند که مقررات سه پروتکل و ضمایم آنها، مذکور در مواد ۱، ۲ و ۳ عهدنامه حاضر که پروتکل‌های فوق الذکر بدان ملحق و جزء لایتجزای آن می‌باشند، مقرراتی قطعی و دائمی و غیر قابل نقض بوده و عناصر غیر قابل

تجزیه یک راه حل کلی را تشکیل می‌دهند. نتیجتاً خدشه به هر یک از عناصر متشکله این راه حل کلی اصولا مغایر با روح توافق الجزیره خواهد بود.

ماده ٥- در قالب غیر قابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تایید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر و دایمی و قطعی می‌باشد.

ماده ٦-

۱- در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها، این اختلاف با رعایت کامل مسیر خط مرز ایران و عراق - مندرج در مواد ۱ و ۲ فوق‌الاشعار و نیز با رعایت حفظ امنیت در مرز ایران و عراق - طبق ماده (۳) فوق الذکر - حل و فصل خواهد شد.

۲- این اختلاف در مرحله اول طی مهلت دو ماه از تاریخ درخواست یکی از طرفین از طریق مذاکرات مستقیم دو جانبه بین طرفین معظمین متعاهدین، حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورت عدم توافق، طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت سه ماه، به مساعی جمیله یک دولت ثالث دوست توسل خواهند جست.

۴- در صورت خودداری هر یک از طرفین از توسل به مساعی جمیله یا عدم موفقیت مساعی جمیله، اختلاف طی مدت یک ماه از تاریخ رد مساعی جمیله یا عدم موفقیت آن، از طریق داوری حل و فصل خواهد شد.

٥- در صورت عدم توافق بین طرفین معظمین متعاهدین نسبت به آئین و یا نحوه داوری، هر یک از طرفین معظمین متعاهدین، می‌تواند ظرف پانزده روز از تاریخ احراز عدم توافق، به یک دادگاه داوری مراجعه نماید.

برای تشکیل دادگاه داوری و برای حل و فصل هر یک ازاختلافات، هر یک از طرفین معظمین متعاهدین، یکی از اتباع خود را به عنوان داور تعیین خواهد نمود و دو داور یک سر داور انتخاب خواهند نمود.

اگر طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت یک ماه پس از وصول درخواست داوری از جانب یکی از طرفین از دیگری به تعیین داور مبادرت ننمایند و یا چنانچه در دوران قبل از انقضای همین مدت در انتخاب سر داور به توافق نرسند، طرف معظم متعاهدی که داوری

را درخواست نموده‌است، حق خواهد داشت از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا نماید، تا طبق مقررات دیوان دائمی داوری، داورها یا سرداور را تعیین نماید.
۶- تصمیم دادگاه داوری برای طرفین معظمین متعاهدین الزام‌آور و لازم‌الاجرا خواهد بود.
طرفین معظمین متعاهدین هر کدام نصف هزینه داوری را به عهده خواهند گرفت.
ماده ۷- این عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.
ماده ۸ - عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها، طبق مقررات داخلی به وسیله هر یک از طرفین معظمین متعاهدین به تصویب خواهد رسید.

عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمائم آنها از تاریخ مبادله اسناد تصویب که در تهران انجام خواهد شد، به موقع اجرا در خواهند آمد.
بنا به مراتب، نمایندگان تام‌الاختیار طرفین معظمین متعاهدین عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها را امضا نمودند.

عباسعلی خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران و سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق

***

این عهد نامه و سه پروتکل و ضمایم آنها با حضور آقای عبدالعزیز بوتفلیقه، عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضا رسید.
این عهدنامه که دارای ۸ ماده و سه پروتکل و ضمائم آن می باشد در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۵ به ترتیب به تصویب مجلسین شورای ملی و سنای وقت رسیده است.

شایعه تولید و تجارت پسته توهم یا واقعیت؟!

□ محسن هاشمی

مهمترین شایعه‌ای که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، همواره مطرح بوده است، بحث کاشت، برداشت، تولید و صادرات پسته توسط شخص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانواده او است. واقعاً ارتباط آیت‌الله هاشمی با موضوع تجارت پسته در قبل و بعد از انقلاب چیست؟ آیا چنین موضوعی صحت دارد یا خیر؟ و هم اکنون ایشان و خانواده او چه نقشی دارند.

آیت الله هاشمی در روستای بهرمان، در حدود ۶۰ کیلومتری شهرستان رفسنجان به دنیا آمده است. پدر ایشان مالک بخشی از یک روستا بوده که در آن زمان تولید اصلی آن پسته نبوده و محصولات دیگری هم به جز پسته مانند گندم، جو، انار، انگور، پنبه، بادام و ... در آنجا کشت می‌شده است. اما به تدریج از بیست سال پیش از انقلاب، رفسنجان به سمت کشاورزی تک محصولی یعنی پسته کاری پیش رفت. خانواده ایشان هم بخش عمده‌ای از زمین‌های خود را تبدیل به باغ پسته کردند. به روایتی در طول پنجاه سال گذشته، رفسنجان و ایران تبدیل به اولین قطب پسته در جهان شده است. بیش از ۶۰ درصد پسته جهان در ایران تولید می‌شود. به این ترتیب ایران از نظر تولید و صادرات پسته در جهان مقام اول را دارا می‌باشد.

شخص آیت‌الله هاشمی در موضوع تولید و صادرات پسته، به جز کمک به پدر در دوران نوجوانی، به هیچ وجه حضور نداشته است. ایشان در ۱۴ سالگی برای تحصیل علوم دینی به شهر مقدس قم آمده و تا موقعی که پدر در قید حیات بود، به جز کمک به خانواده در امر کشاورزی، کاری با پسته نداشته است. بعد از درگذشت پدر، طبیعی است که اموال بر اساس قوانین ارث تقسیم می‌شود و بهره‌برداری از سهم الارث به اولاد می‌رسد، ولی ایشان نقش مهمی در رسیدگی به زمین کشاورزی و تولید و فروش پسته‌های خودشان نیز نداشتند، و برادر بزرگ ایشان مرحوم حاج قاسم، عهده‌دار این مسئولیت بوده است.

از سال‌های ۱۳۴۱ به بعد که مبارزات اسلامی با حرکت انقلابی امام خمینی(ره) شکل جدی به خود گرفت، یکی ازمسائل مهم در رفسنجان، موضوع ملاکین و تجار بزرگ وابسته به رژیم بود که در زمان برداشت محصول، پسته را با قیمت نازل از کشاورزان می‌خریدند و خرده کشاورزان ضرر می‌کردند. مبارزه با این مسئله و کمک به کشاورزان خرده پا در رفسنجان، همواره در ذهن دلسوزان بود. از جمله پسرعموی ایشان، آیت‌الله شیخ محمد هاشمیان که تحصیل علوم دینی در قم را تمام کرده و به رفسنجان برگشته بود، مانند همه علمای اسلامی در میان مردم به فعالیت دینی و اجتماعی پرداخت.

ایشان با هدف کمک به کشاورزان خرده، با تعدادی از افراد درد آشنای قبل از انقلاب، ایده تشکیل شرکت تعاونی تولید کنندگان و صادر کنندگان پسته رفسنجان را ارائه می‌کنند. روش تعاونی همان روشی است که بعد از پیروزی انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید و به آن اهمیت خاص داده شد و برای ایجاد عدالت محوری در کارهای تولیدی، مخصوصاً در امر کشاورزی از تعاونی‌ها استفاده شد.

آن زمان هنوز صادرات پسته شکل جدی نگرفته بوده و تولید آن عمدتاً در داخل مصرف می‌شد. بعدها تولید پسته افزایش یافت و به تدریج صادرات این محصول شکل گرفت. هدف تعاونی این بود که در زمان تولید، قیمت پسته در شرایطی قرار گیرد که کشاورز ضرر نکند و سود معقولی داشته باشد. شرکت تعاونی مذکور با منابعی که تأمین می‌کرد، محصول پسته را به قیمت عادلانه از کشاورزان می‌خرید؛ لذا همین شرکت تعاونی تولید و صادرات پسته مبنای این شایعه بی اساس قرار گرفت در صورتی که تأسیس آن مربوط به قبل از انقلاب با برنامه‌ریزی آیت الله محمد هاشمیان پسر عموی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود.

چون رژیم گذشته با سرمایه داران و ملاکین بزرگ ارتباط قوی داشت، شرکت تعاونی پسته، قبل از انقلاب چندان مؤثر نبود و علیرغم محبوبیت در میان کشاورزان، نمی‌توانست وظیفه اصلی را انجام دهد. اما بعد از انقلاب از اواخر سال ۱۳۵۹ فعالیت آن اوج گرفت. بعد از پیروزی انقلاب به دلیل عدم کنترل حفر چاه‌های آب، کاشت پسته، رشد بیش از حدی را تجربه کرد و تولید کشاورزان و صادرات پسته افزایش زیادی یافت، بنابراین شرکت تعاونی پسته نقش مهمتری گرفت.

این شرکت در رفسنجان مسئولیت حمایت از کشاورزان را عهده‌دار بود. ۷۰ هزار کشاورز پسته کار عضو تعاونی بودند. به صورتی که بسیاری از کشاورزان، محصول خود را در اختیار این شرکت می‌گذاشتند و تعدادی که احتیاج به نقدینگی فوری داشتند، محصولشان را به بازار می‌فروختند. شرکت تعاونی پسته محصول آنان را به نرخ مناسب‌تری می‌خرید، البته پول را یکباره به کشاورز نمی‌داد و به تدریج که صادر می‌کرد، پول را به اقساط در اختیار کشاورزان قرار می‌داد. تقریباً حدود یک سوم محصول پسته، توسط تعاونی جمع‌آوری و صادر می‌شد.

همه تعاونی‌ها براساس انتخابات در میان اعضا، هیأت مدیره خود را انتخاب می‌کنند. هر دو سال یکبار مدیران انتخاب می‌شوند. مجمع عمومی شرکت تعاونی پسته در رفسنجان تشکیل می‌شود و انتخابات زیر نظر وزارت تعاون برگزار می‌گردد. هر عضو تعاونی می‌تواند نامزد شود. هیأت مدیره منتخب، مدیرعامل را تعیین می‌کند. در سال‌های بعد از انقلاب، نفوذ اجتماعی خانواده هاشمیان، باعث ورود افراد مورد وثوق آنها به هیأت مدیره با رأی اعضای تعاونی شده است. لذا اکثراً فردی از خانواده هاشمیان که چند دوره متوالی توسط حجت الاسلام والمسلمین حسین هاشمیان نماینده مردم رفسنجان در مجلس شورای اسلامی را دارند و هم اکنون در مجلس هشتم نیز چنین است و آیت الله محمد هاشمیان که از اول انقلاب تا کنون امام جمعه شهرستان رفسنجان و نماینده ولی فقیه در شهر می‌باشند و عضو مجلس خبرگان رهبری نیز بوده به عنوان مدیر عامل انتخاب شده است.

با توجه به اینکه شرکت تعاونی تولید کنندگان و صادر کنندگان پسته رفسنجان، در صادرات نیز فعال است، لذا این شایعه شکل گرفته که انحصار صادرات پسته متعلق به هاشمی رفسنجانی است. در صورتی که این تشکیلات هیچ ارتباط حقوقی با آیت‌الله

هاشمی ندارد و سهمی که آقای هاشمی از تولید باغ متعلق به خانواده از پسته رفسنجان دارند، کمتر از ۲۰۰ (دویست) میلیون تومان در سال است.

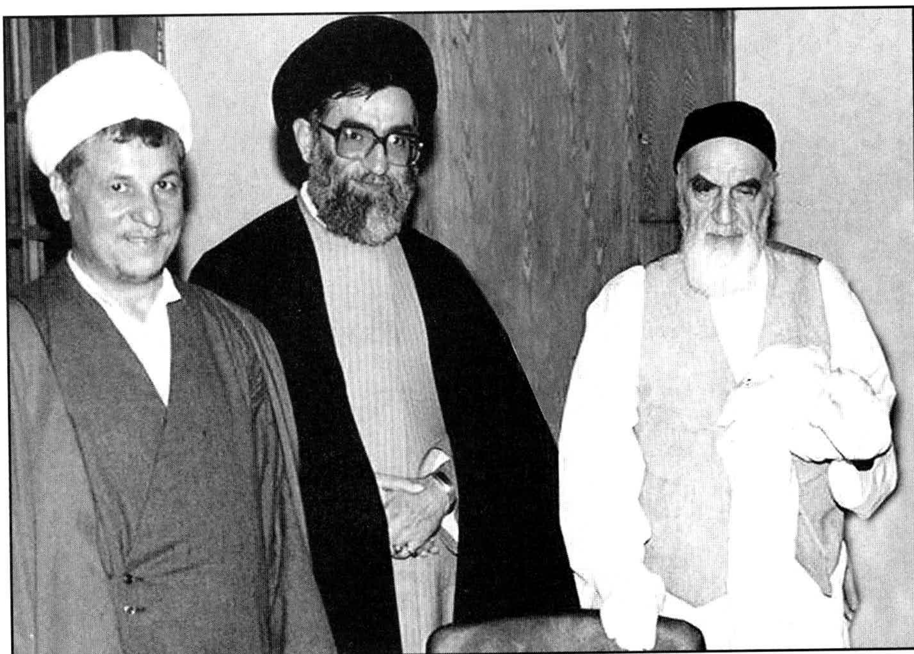
اطلاعات منتشر شده از طرف شرکت تعاونی تولید کنندگان و صادر کنندگان پسته رفسنجان نشان می‌دهد، مجموعاً از سال ۱۳۶۱ تا پایان ۱۳۸۵ بیش از ۲ میلیارد دلار پسته صادر شده است و تماماً به تولید کنندگان و کشاورزان صاحب سهم در تعاونی پرداخت شده است که البته رقم قابل توجهی است. شایعات در داخل و خارج کشور از مافیای پسته خانواده هاشمی می‌گویند، در صورتی که چنین چیزی از بن نادرست و کذب محض است، شرکت تعاونی پسته تشکیلاتی با ۷۰ هزار عضو، وابسته به همان کشاورزان عضو است و توسط خانواده هاشمی هم مدیریت نمی‌شود. بلکه بدلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی هاشمیان‌ها در رفسنجان و از طریق انتخابات اداره می‌شود. تعاونی پسته رفسنجان به دلیل همین وضعیت، در وزارت تعاون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انتخابات آن یک انتخابات سیاسی فرض می‌شود و همواره توسط استانداری کرمان، فرمانداری رفسنجان و با نظارت وزارت تعاون برگزار می شود. بارها شده که انتخابات برگزار شده و به دلایل سیاسی در مرکز دقت جدی شده است. علت این است که این تعاونی، یک تعاونی اقتصادی بزرگ است و صادرات پسته را برعهده دارد. نفوذ اجتماعی و سیاسی در آن وجود دارد و همین نفوذ در عوام، به وسیله نیروهای ضدانقلاب خارج از کشور و نیروهای مخالف داخل و گروه‌های سیاسی تبدیل به شایعه برعلیه خانواده هاشمی رفسنجانی شده است. شایان ذکر است که در دولت نهم و دهم نتیجه انتخابات برگزار شده نیز باز فردی از خانواده هاشمیان می‌باشد که به تأیید وزارت تعاون دولت دهم نیز رسیده است.

لذا پایه این شایعه بی‌اساس، شرکت تعاونی پسته است که یک تشکیلات تعاونی است و به دلیل اهمیتش در شهر رفسنجان و در کشور، حالت سیاسی و اجتماعی به خود گرفته و نتیجه نفوذ اجتماعی هاشمیان‌ها در این تعاونی، تولید و پخش شایعه برای خانواده هاشمی شده است. در صورتی که دقیقاً مشخص است خانواده هاشمی، به عنوان عضو تعاونی هر سال چه مقدار پسته تحویل داده‌اند و پول به اندازه پسته تحویلی به تعاونی گرفته‌اند. زندگی شخصی آیت‌الله هاشمی با همین پسته و محصول تولیدی خودشان می‌گردد که توسط اینجانب اداره می‌شود. اصولاً شایعات علیه ایشان و خانواده به دلیل خدمات

ایشان برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است و به دلایل مختلف توسط ضدانقلاب و رقبای سیاسی گسترش داده شده است.

می‌توان گفت که ایشان یکی از سالم‌ترین دولتمردان دنیا بوده‌اند، که بعد از ۳۰ سال قدرت در کشور، هنوز زندگی‌شان از محل درآمد پسته‌ای تأمین می‌شود که خودشان تولید می‌کنند و این با ارزش است. متأسفانه دستگاه‌های تبلیغاتی نظام به جای استفاده از این ارزش به دلیل رقابت های سیاسی که متأسفانه به سطوح بالای نظام نیز کشیده شده است، این گونه شایعات بی‌اساس را برای حذف رقیب، استفاده حکومتی می کنند.

البته روزی حقایق بر مردم آشکار خواهد شد. شایعات دیگر هم چنین جنبه‌هایی دارند که هر شایعه در جای خود و در سال خود توضیح داده خواهد شد.



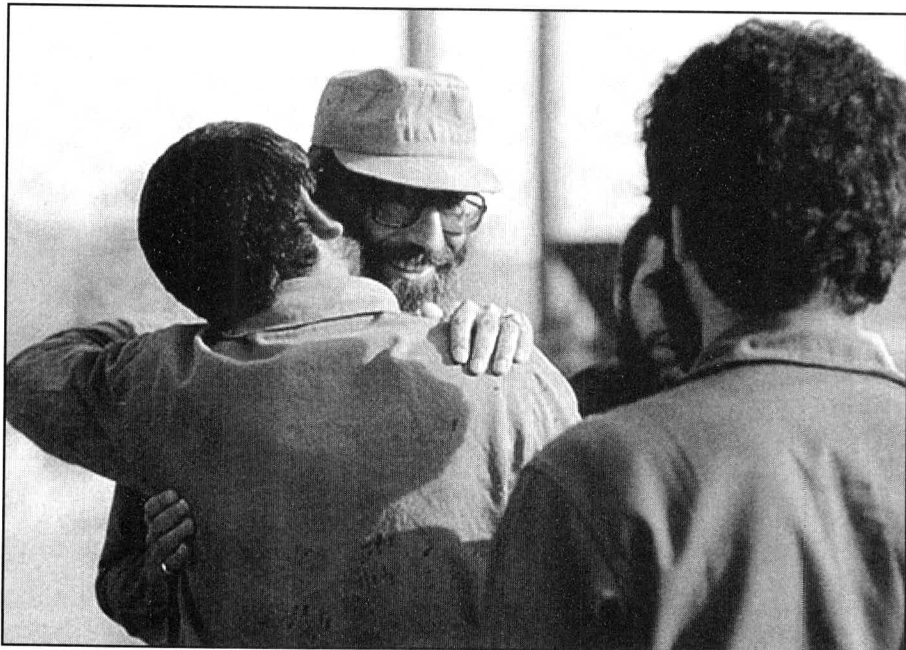
حضرت امام خمینی (ره) در کنار رئیس جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی



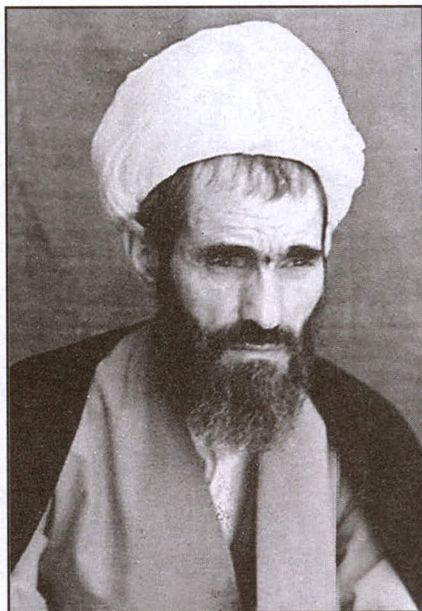
حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد آقا خمینی در کنار سران قوا



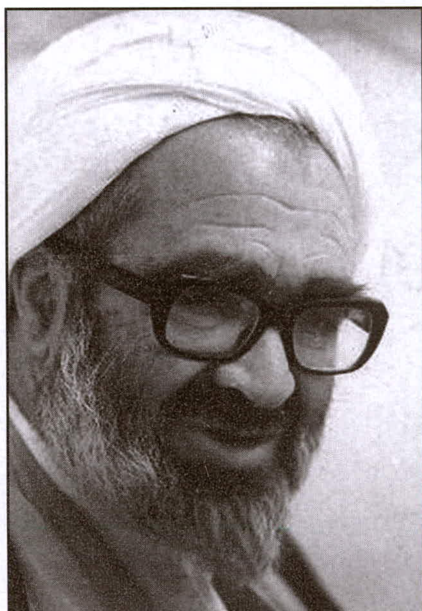
سران قوا، وزیر اطلاعات و وزیر امور خارجه در محضر حضرت امام خمینی (ره)



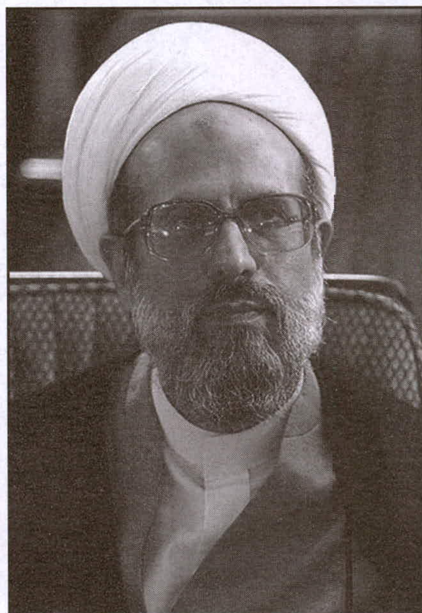
رئیس جمهور در کنار رزمندگان اسلام



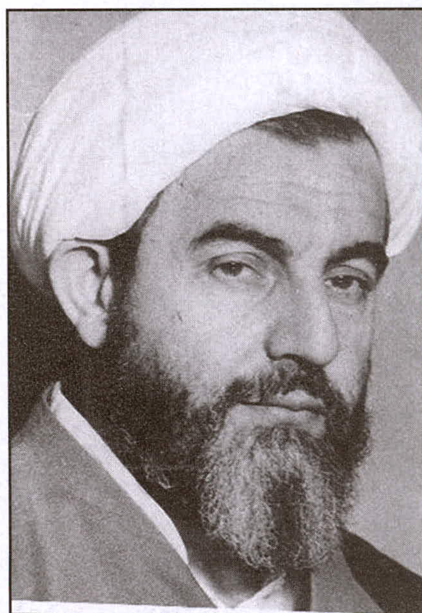
آیت اله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری



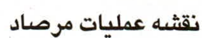
آیت اله منتظری قائم مقام رهبری



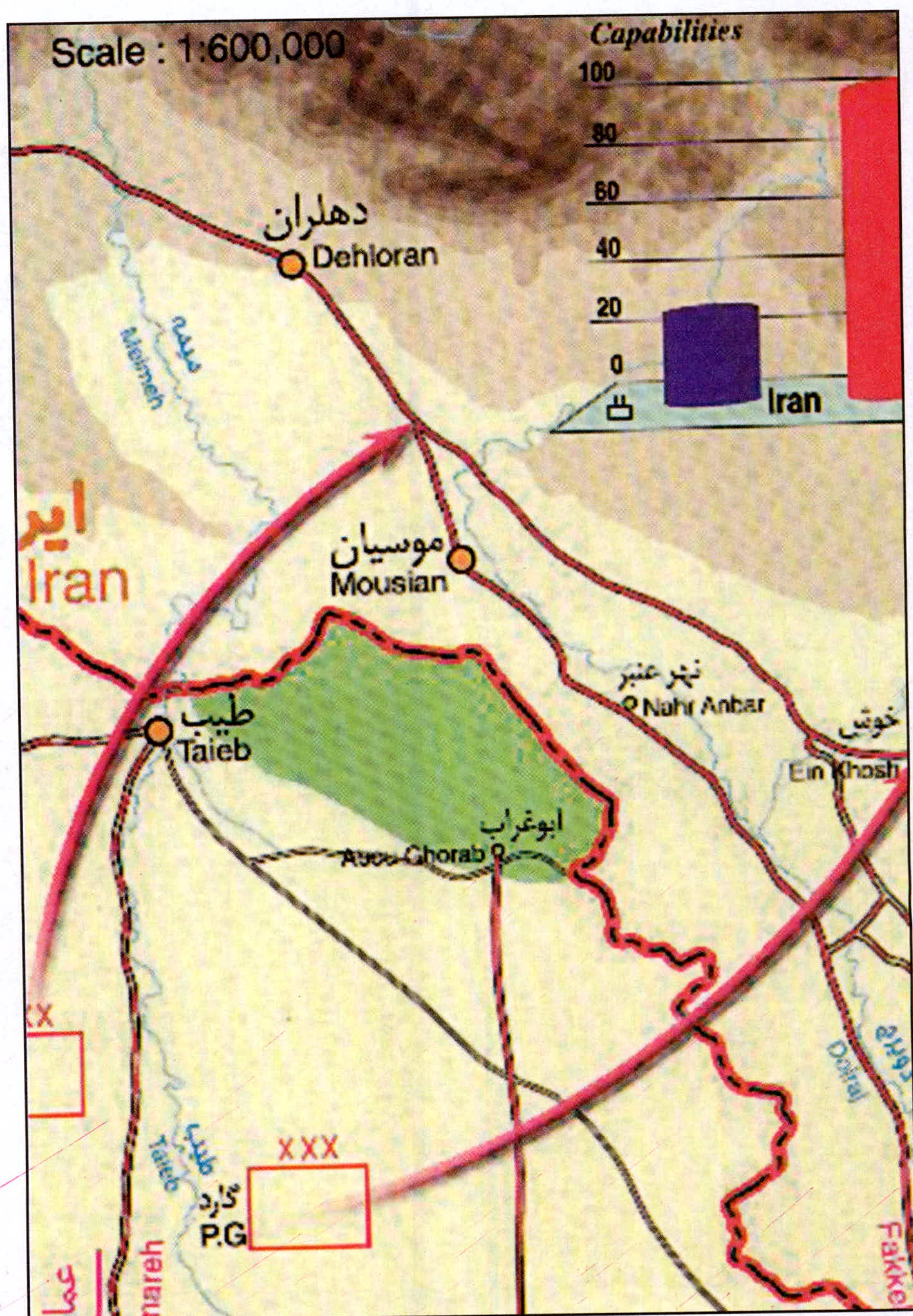
حجت الاسلام و المسلمین
محمدی ری شهری وزیر اطلاعات



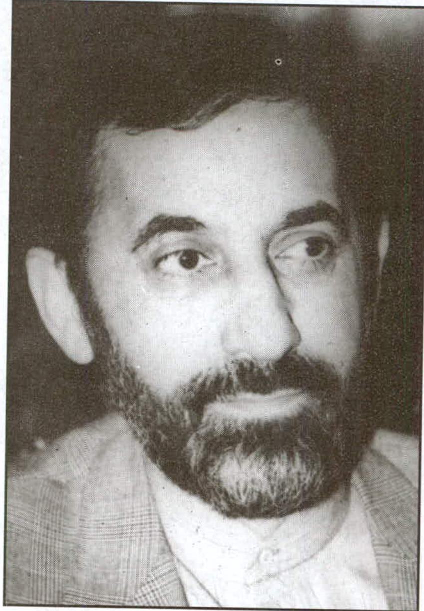
آیت اله محمدی گیلانی دبیر شورای نگهبان



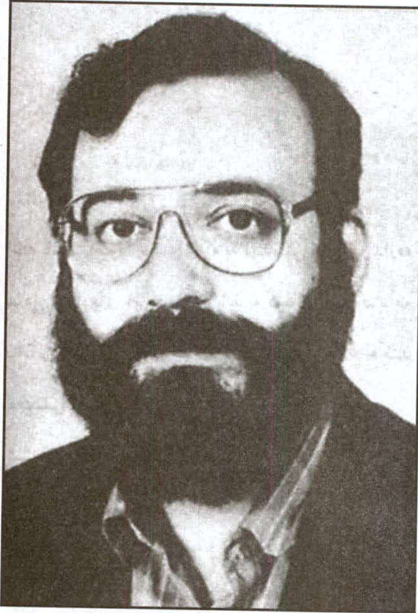
نقشه عملیات مرصاد



نقشه حمله گازانبری عراق در مورخ ۶۷/۴/۲۱ در منطقه عین خوش



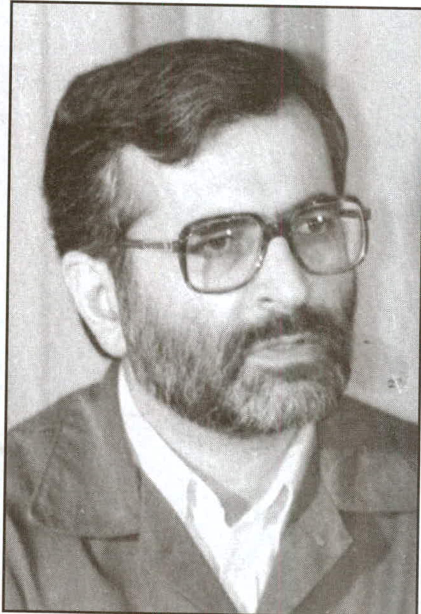
علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه



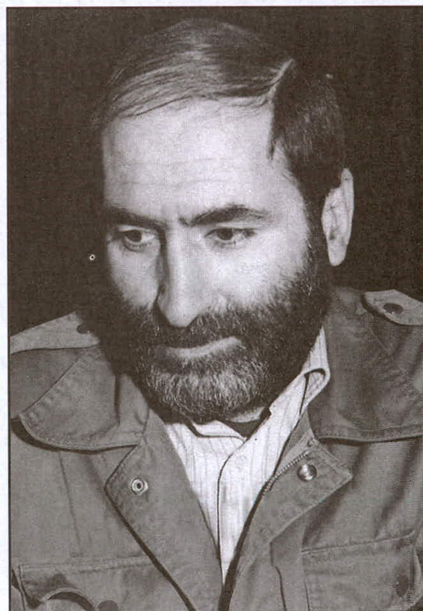
محمد جواد اردشیر لاریجانی
معاون وزیر امور خارجه



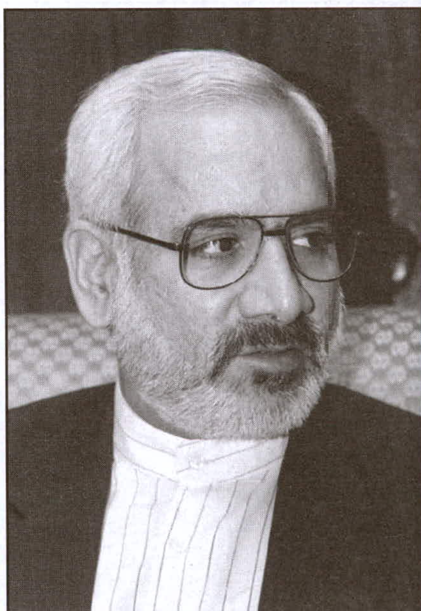
علی آقا محمدی از مسئولان قرار گاه رمضان



سید کمال خرازی رئیس ستاد تبلیغات جنگ



بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین



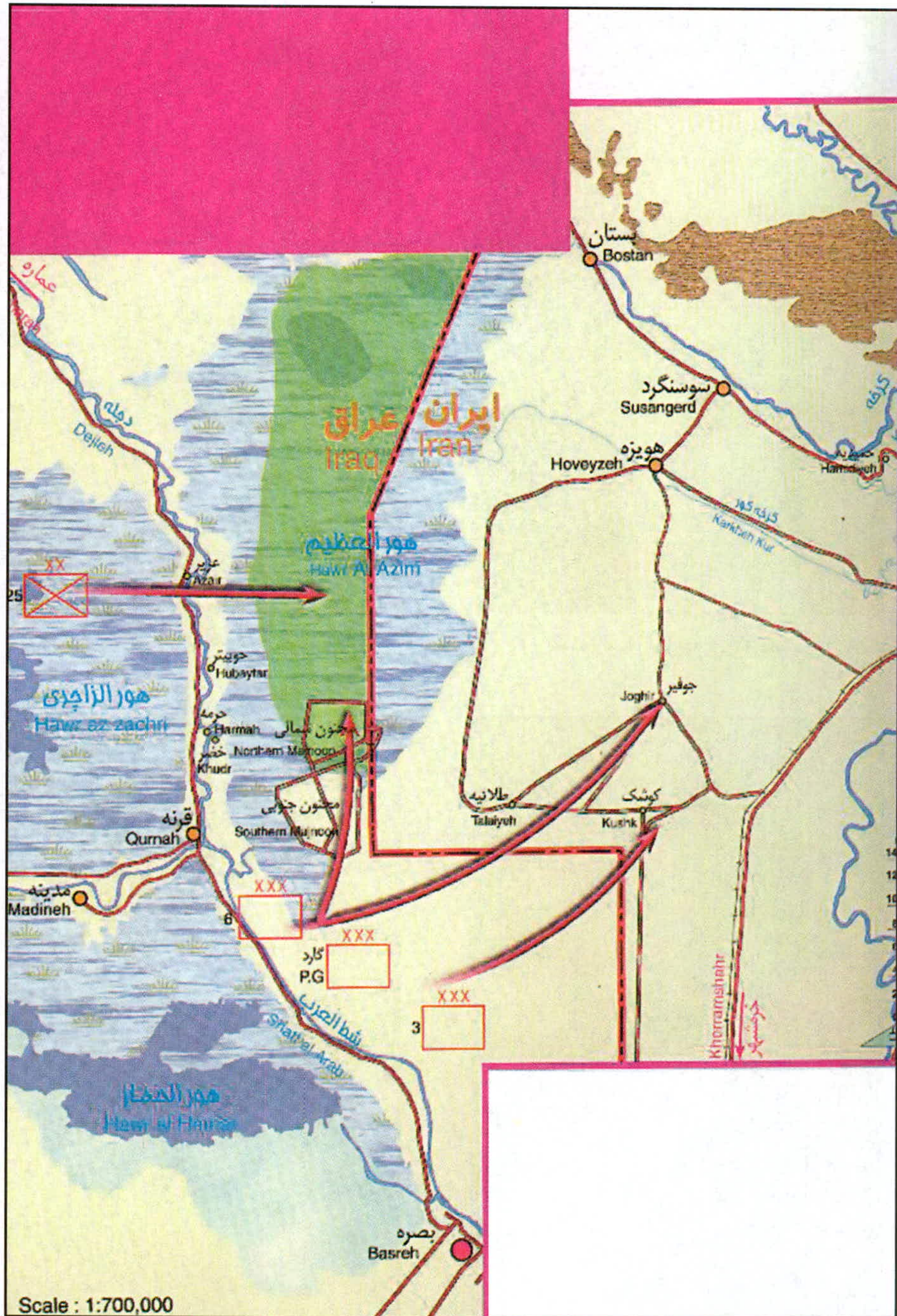
غلامرضا آقا زاده وزیر نفت



محمد سعیدی کیا وزیر راه و ترابری



محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی



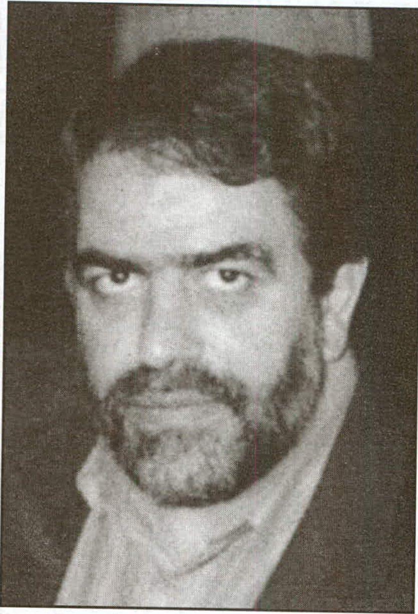
نقشه سقوط جزایر مجنون



نقشه عملیات بیت المقدس ۴



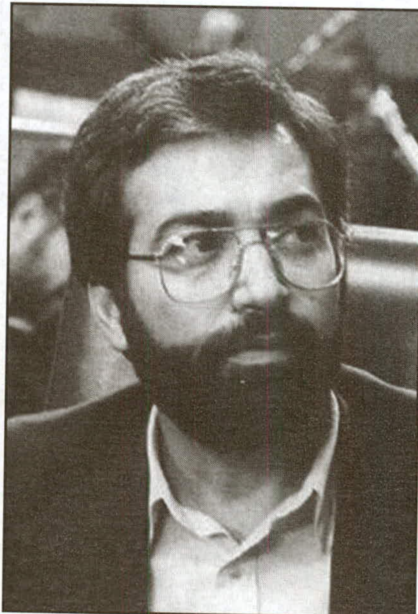
حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی
رئیس ستاد قرار گاه خاتم الانبیاء (ص)



اکبر ترکان رئیس سازمان صنایع دفاع



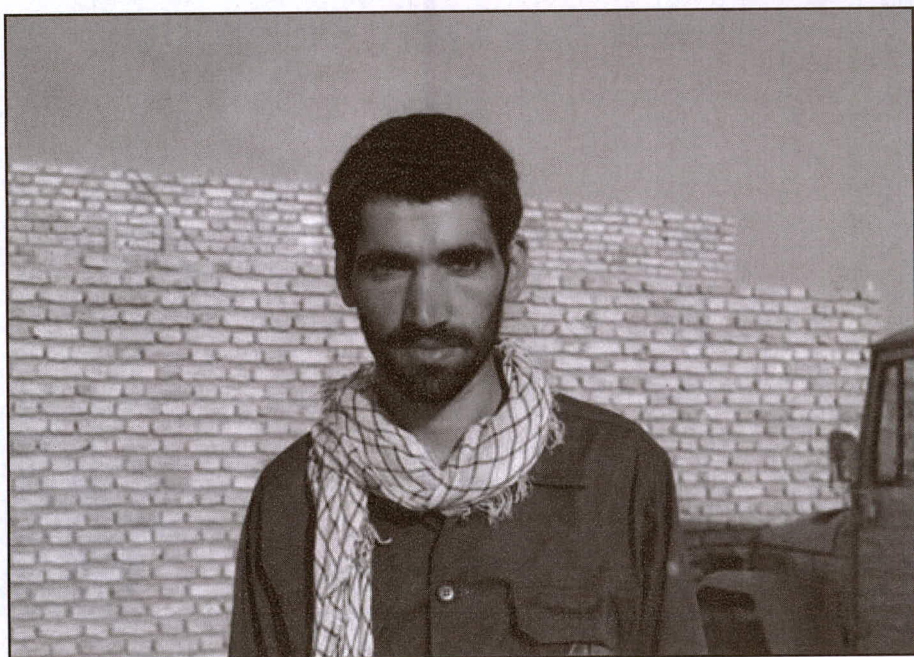
محسن هاشمی
سرپرست پروژه موشکی شهاب ۲ صنایع سپاه



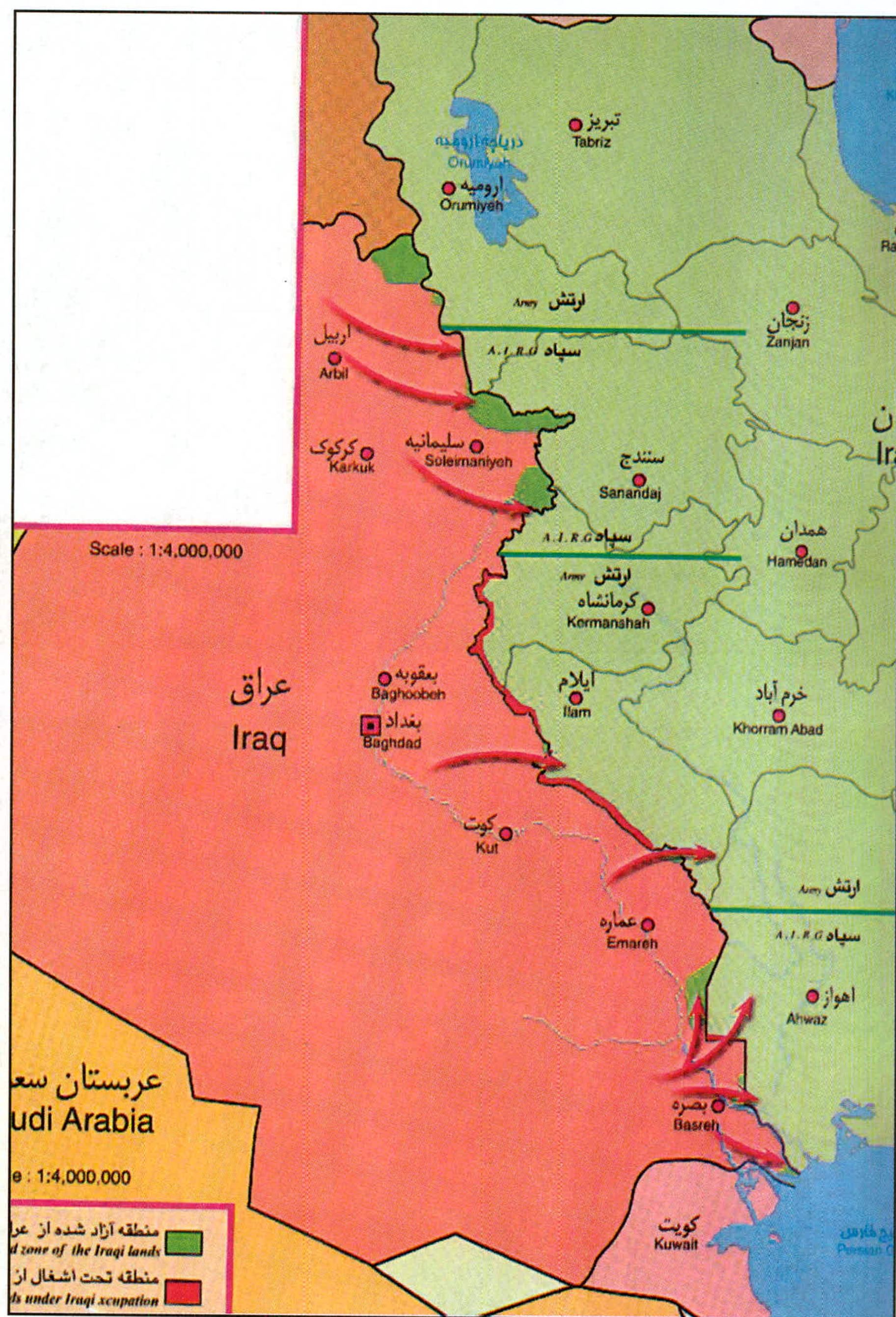
محسن نوربخش
نائب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس



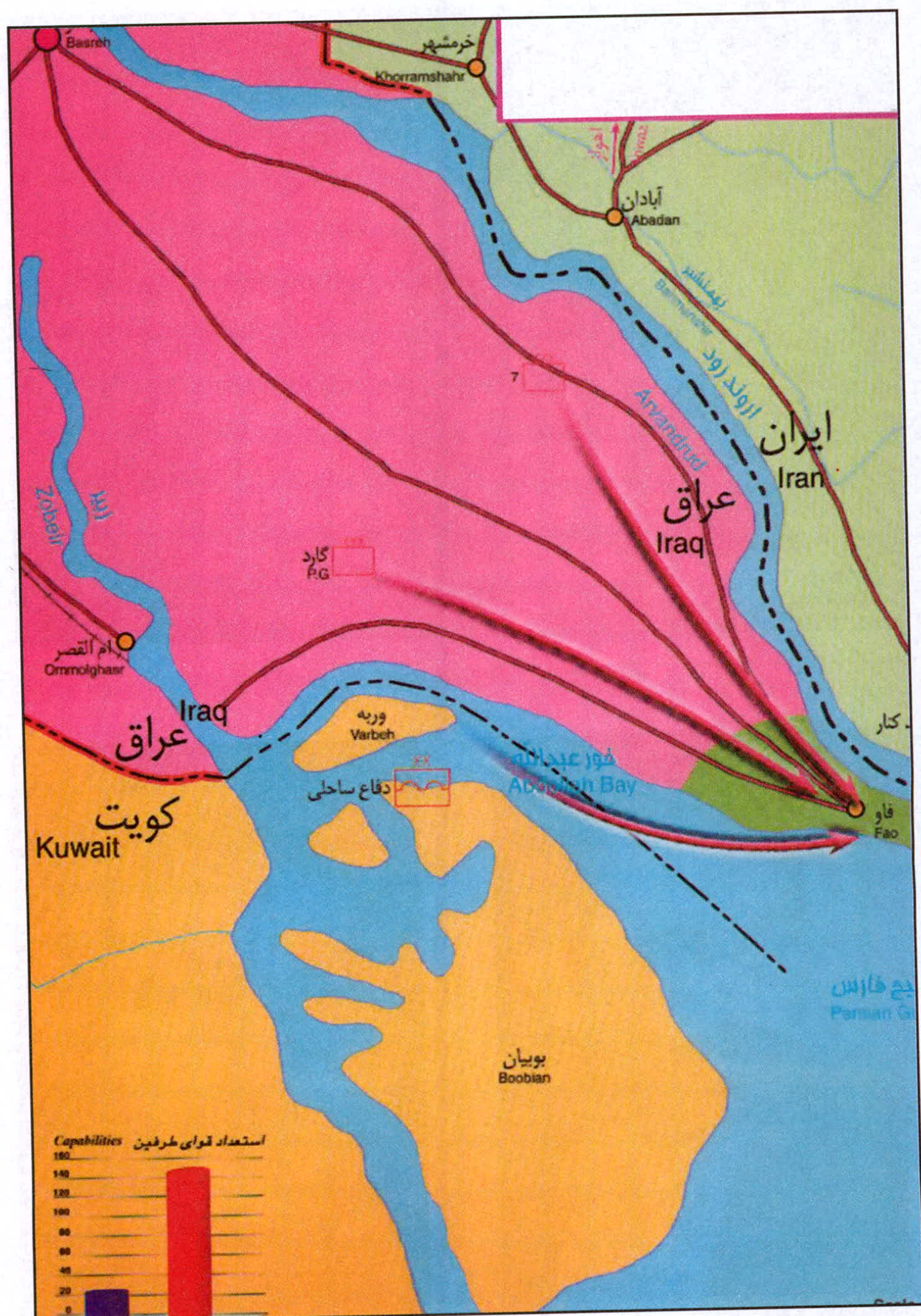
محمد باقر قالیباف فرمانده لشکر نصر



علی فضلی فرمانده لشکر سید الشهدا (ع)



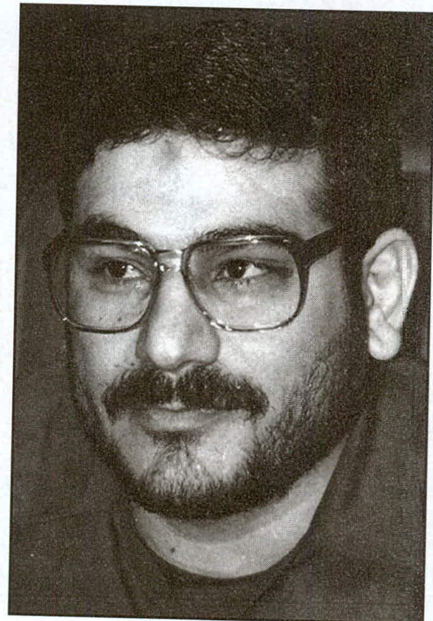
نقشه حمله های عراق در چهار ماهه اول سال ۱۳۶۷



نقشه سقوط فاو در ۶۷/۱/۲۸



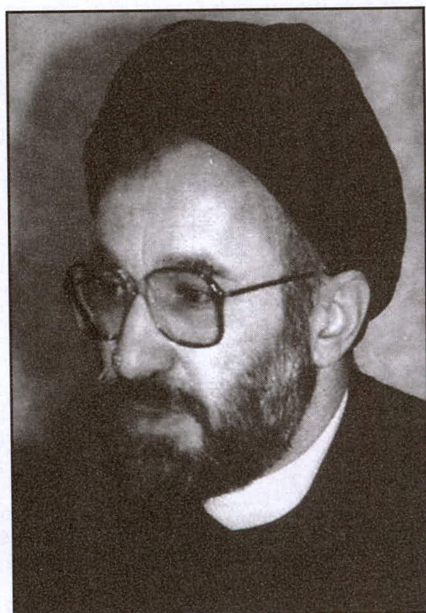
محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران



علی شمخانی
قائم مقام فرمانده کل سپاه پاسداران



حسین علائی
فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران



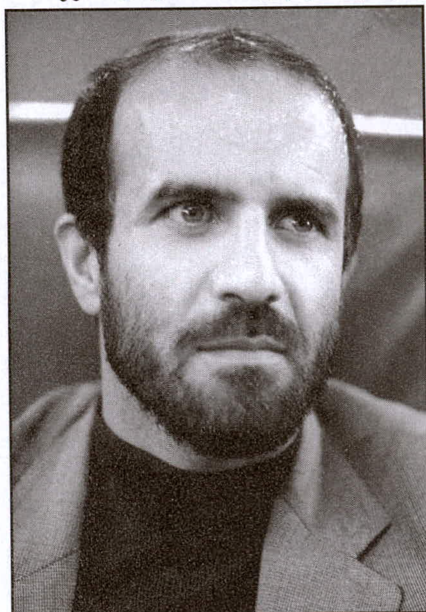
حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



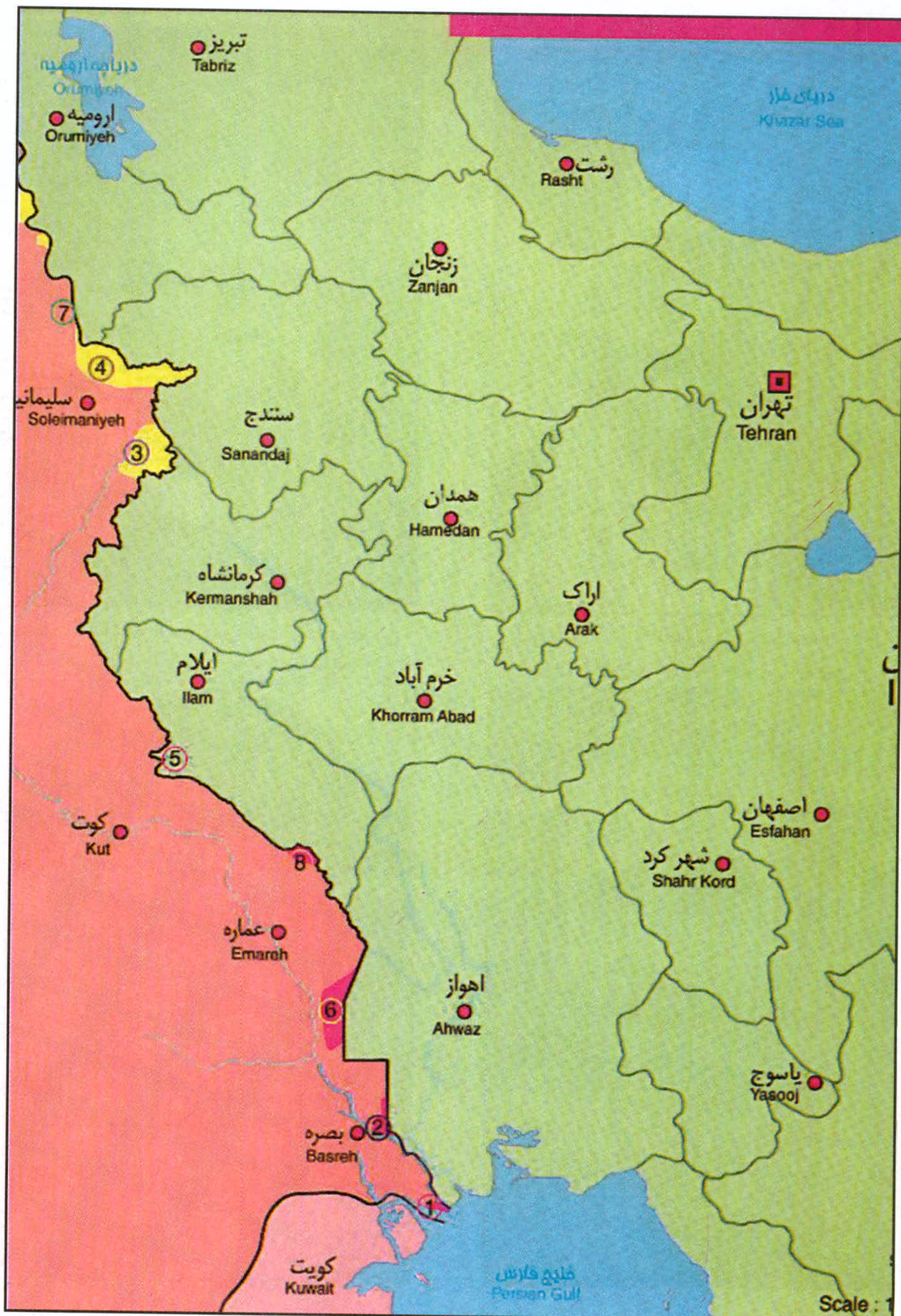
حجت الاسلام و المسلمین سید محمد
موسوی خوئینی ها دادستان کل کشور



حجت الاسلام و المسلمین‌سید علی اکبر محتشمی
وزیر کشور



بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی



نقشه مناطق تخلیه شده از مورخ ۶۷/۳/۳۰ تا ۶۷/۴/۲۲

Scale : 1:250,000

عراق ایران
Iraq Iran

مزن آباد
Mazan Abad

گرده رش
Girdarash

شیخ محمد
Shaykh Mohammed

زاژیله
Znazhila

شاخ بالوسه
Shakh Balusa

ماووت
Mawat

شاخ زیلوان
Shakh Zhilwan

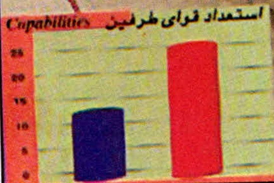
شاخ گوجار
Shakh Gojar

قامیش
Qamish

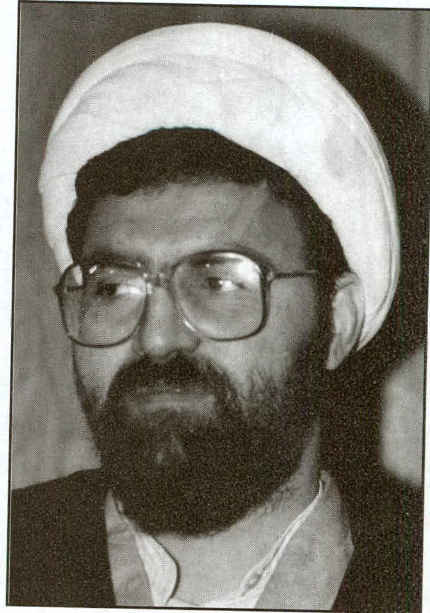
شاخ قشان
Shakh Qashan

شاخ آمدین
Shakh Amadin

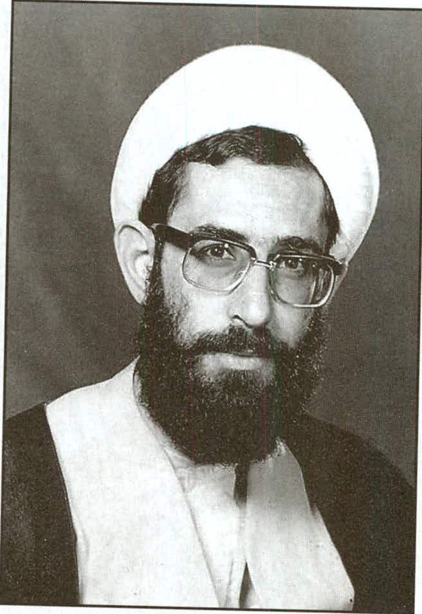
شاخ پیرمگرون
Shakh Pirmagroon



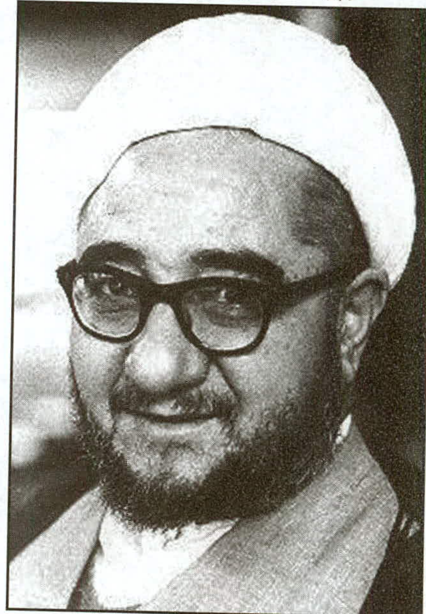
نقشه عملیات بیت المقدس ۶



حجت الاسلام و المسلمین محمد علی رحمانی
سرپرست بسیج سپاه پاسداران



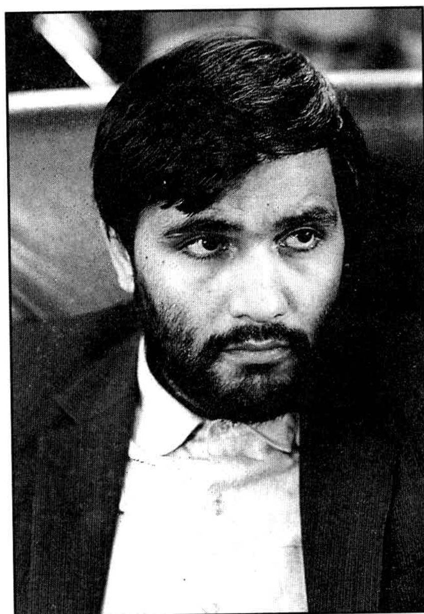
حجت الاسلام و المسلمین رسول منتجب نیا
رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس



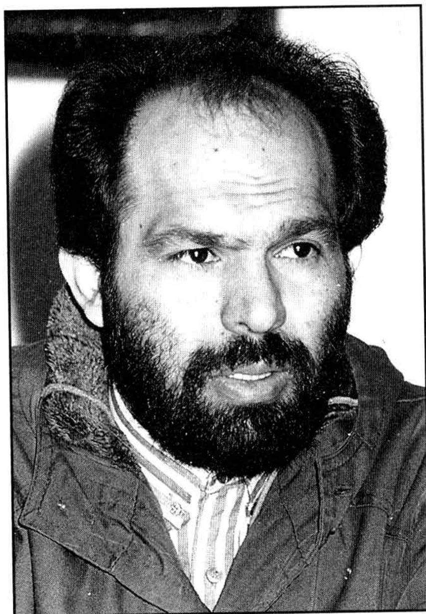
حجت الاسلام و المسلمین محمد صادق خلخالی
رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس



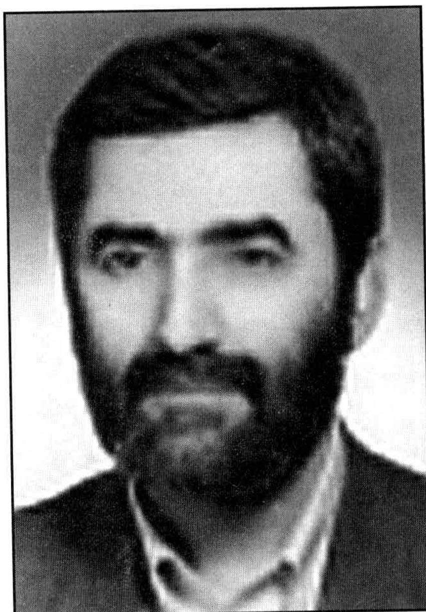
حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خامنه ای
رئیس کمیسیون امور اقتصادی مجلس



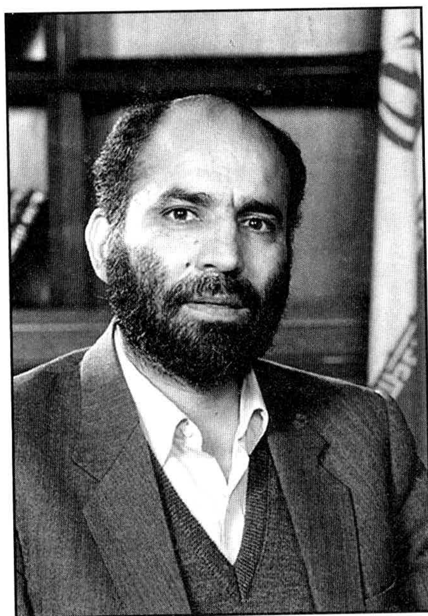
مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه



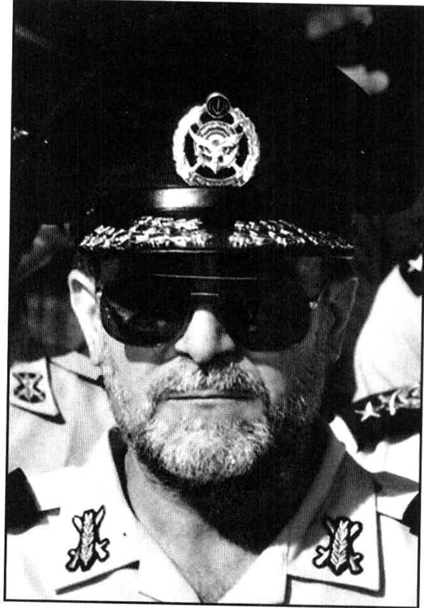
حمید میرزاده معاون اجرایی نخست وزیر



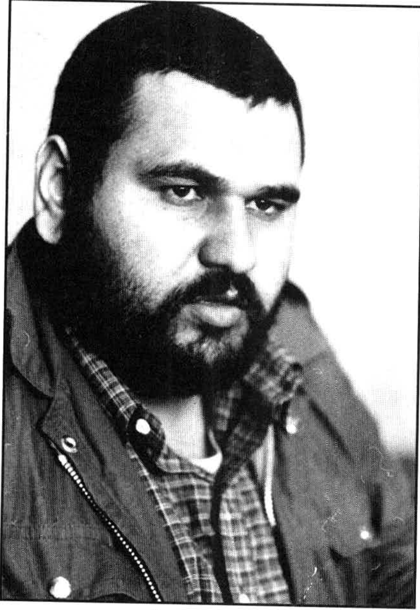
محمد باقریان معاون نخست وزیر
و عضو ستاد کل نیرو های مسلح



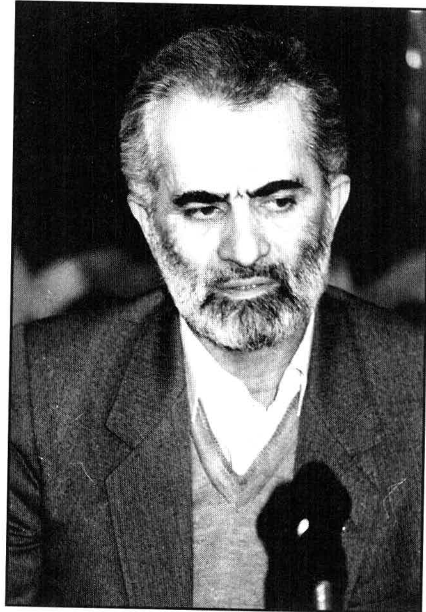
رضا امر اللهی معاون نخست وزیر
و رئیس سازمان انرژی اتمی



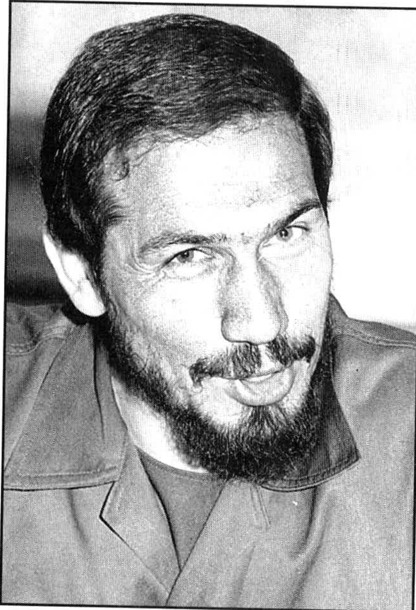
مصطفی ترابی پور رئیس سازمان حفاظت
و اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی



سید حسن فیروز آبادی
مشاور نظامی نخست وزیر



محمد علی نظران
رئیس کمیسیون اسرای جنگی



سید یحیی رحیم صفوی
قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه

نمایه

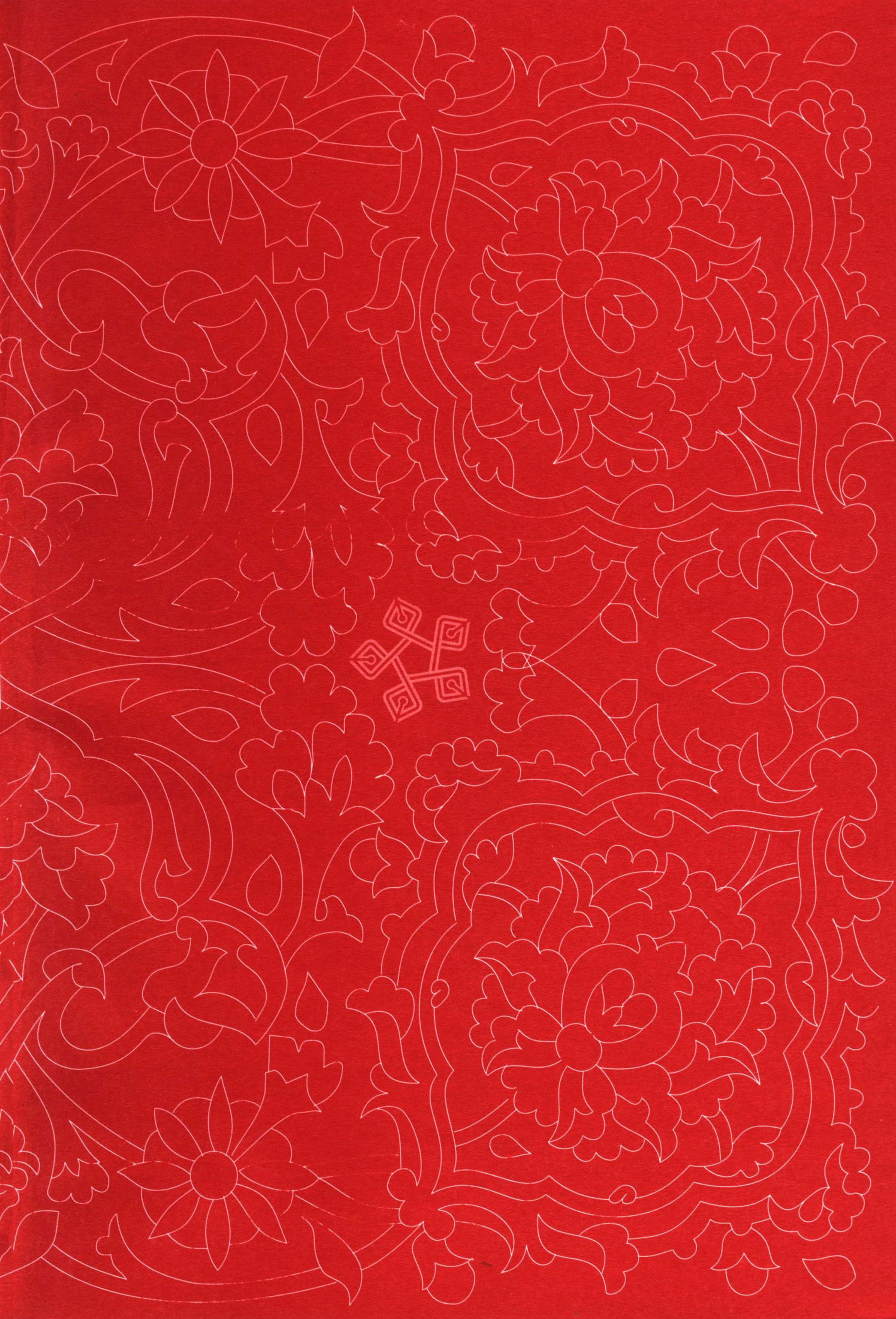
نام اشخاص

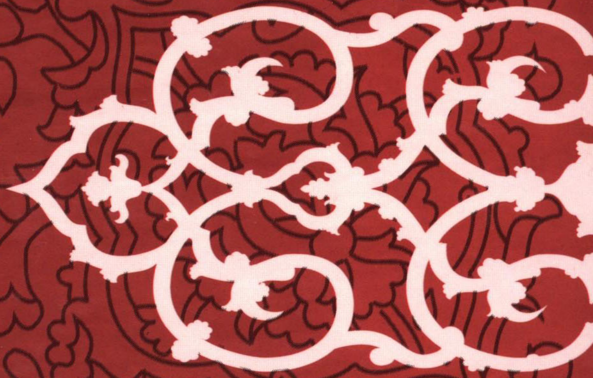
نام کسان، سازمان‌ها و مقامات خارجی

مکان‌ها

رسانه‌های خارجی

سازمان‌ها، نهادها و عناوین مربوط به ایران





در جبهه سیاسی، تشدید فعالیت‌های دوطرف در سازمان ملل در ارتباط با پیشنهاد آتش‌بس که از سال گذشته آغاز شده بود و مذاکره‌های ستادی و نیز در سطوح بالا بین سران و دولت و مجلس و در خدمت امام(ره) و اقدامات اصلاحی در ساختار مدیریت و پشتیبانی دفاع، با اعلان جانشینی فرماندهی کل قوای من و تأسیس ستاد کل با ترکیبی از اعضای دولت و نظامیان و مجلس برای بسیج امکانات کشور و بسیج نیروهای بیشتر برای رزم دیده می‌شد.

برآیند تمام این اقدامات در سال ۱۳۶۷رسیدن به آتش بس و خاموش شدن آتش و غرش تانک‌ها و توپ‌ها و هواپیماها و موشک‌ها شد و در نهایت به اصلاح قطعنامه پیشنهادی شورای امنیت به نفع ایران و پذیرش آن از سوی ایران و عراق و فعال شدن دبیرکل سازمان ملل برای پایدار کردن آن و سپس مذاکره برای اجرای قطعنامه و آغاز بازسازی انجامید.

ISBN:978-964-7193-27-6





دفتر
نشر معارف انقلاب